نمبر ١٨ فهرست

27.II.27

٧٠٦

المالک محمد [illegible]
ولد [illegible] محفوظ
غفر الله ذنوبهما

34

بسم الله الرحمن الرحیم اما بعد دستور فی معالجة النساء قبل الولادة وبعده وتکمل مرض یلحق النساء عند الولادة

وبعده وحفاظة صحة الجنین من امراض لاحقة وامراض متوارثة من الوالدین وحفاظة النساء عند تولد الجنین

من تدبیره وغذائه وغیره مالابد له حتی یبقی بعد الفراغ من التولد قابل لقبول النطفة واکثر تحدث للنساء تحدید

تولد الجنین مع قصور القابلة عقیمة ولا تحمل بعده الا من طبیب حاذق یشتغل بتدقیق النظر والحمد لله فی معالجة دستور

الاستاد مع تعرف سبب المرض العقیمة وهذا دستور بنیاد علی نسق الاستاد هو الذی عوله وعلی نسق

الاستاد الوالد الذی مسلمه ربه ونحن تشریح او لاحفاظة الجنین قبل الولادة او بعده اگر اعضا

حمل در سه ماهه یا چهار ماهه یا زیاده ازین بیفتد وهیچ وجهه در شکم عورت قرار نگیرد بدستور آن الموفق

دستور الاستاد بطریق مرقوم ابن عاصی استعمال کنند نسخه لطاف که از استعمال آن حمل بماند

ہذا صفه گلنار مازو سبز مایین خورد و پوست انار ولایتی کوفته بیخته از آب سیره بارتنگ لطاف سازند

٦ ماشه ٦ ماشه ٦ ماشه ٦ ماشه

واستعمال نماید نسخه دیگر حب ملوط مایین خورد کهربا گل ارمنی مازو سبز کوفته بیخته با آب خیسانده پوست انار

٦ ماشه ٦ ماشه ٦ ماشه ٦ ماشه ٦ ماشه ٦ ماشه

ولایتی حب ساخته سازند واستعمال نماید نسخه دیگر دم الاخوین گل ارمنی کهربا شمعی گلنار کوفته بیخته با آب سیب

٢ ماشه ٢ ماشه ٢ ماشه ٢ ماشه ٢ ماشه

برگ ها سبز حب سازند وبدستور معمول استعمال کرده باشند نسخه دیگر مازو تک مازو سبز گلنار

٢ ماشه ٢ ماشه ٢ ماشه ٢ ماشه

گل ارمنی گل مختوم ملسرخ کوفته بیخته بعرق بارتنگ حب سازند وبدستور العمل استعمال کرده باشند

٢ ماشه ٢ ماشه ٢ ماشه ٢ ماشه

نسخه دیگر مسهله قرص کهربا زرد بیضه مرغ نیمبرشت ممزوج نموده استعمال نماید دیگر مسهله تخم انجبار حب الاس

در عرق بارتنگ سبزه بر آورده گل ارمنی دم الاخوین خشک سائیده بدهند با اضافه شربت انجبار بنوشند

دیگر مسهله مازوی سبز گلنار در عرق بارتنگ سبزه بر آورده شربت حب الاس داخل کرده کهربا

گل سرخ زهر مهره خطائی دم الاخوین خشک سائیده با شیاف بنوشند دیگر مسهله خرفه تخم گشنیز خشک تخم انجبار

در عرق بارتنگ سبزه بر آورده دم الاخوین گلنار خشک سائیده شربت انجبار داخل کرده با اضافه

قرص کهربا بنوشند نسخه ضماد صندل سرخ صندل سفید اقاقیا گل نار گل سرخ آرد بارتنگ

سائیده زیر ناف ضماد نماید دیگر مسهله صندل سرخ فوفل پوست انار ولایتی پوست مغیلان

مازوی سبز در آب سبزه بارتنگ سائیده زیر ناف ضماد نماید دیگر ضماد دلالک برگ مغیلان گل نار

مائین خورد دم الاخوین پوست مغیلان مازوی سبز در آب تر کرده گل سماق پوست انار سائیده

زیر ناف ضماد نماید طریق آبزن مازتنگ پوست انار ولایتی در ده آثار آب بجوشانند تا نیم آثار آب

بماند صاف نموده مائین خورد مائین کلان خشک سائیده ممزوج نموده آبزن نماید آبزن دیگر

طریق آبزن نسخه دیگر گل سرخ گل سماق پوست انار گل نار پوست مغیلان در ده آثار آب

بجوشانند تا نیم آثار آب بماند صاف نموده مائین خورد مازوی سبز خشک سائیده ممزوج کرده بطریق

نیم

معمول شیر گرم آمیزش نماهند و غذا تا وقتی که آب استحکام علقه نشود و دلیل نموناک و برنج سیاه نیز خورده

باشند فقط **دیگر مثله** بنجال لیمو تر خشک باب شسته برنج سیاهی سایده شیره برآورده بخورند

عورت را در حال خون رفتن بار نماید فقط **ع** و اگر عورت طفل برآید و بسبب باد آتشک

و سرخ باده یا ام الصبیان و دیگر امراض متوارثه مبتلا شده بمیرد و هرگز در هر تولد زنده نماند

باید که از ماه دوم از حمل عورت تا ماه چهارم و در هر ماه هفت روز این دوا بدستور معمول

نوشیده باشند قصب الذریره بلیله زنگی هر دو را همگونه شب هنگام یک پاو آب شیرین

تر کرده دارند صباح بر سنگ باریک سائیده و در همون آب شیره برآورده تا وقتی بماید

که مثل سرمه گردد و ثقل دوا باقی نماند در موسم سرما شیر گرم کرده بنوشند و در موسم گرما

شیر گرم نکنند و از ماه پنجم تا به ولادت طفل نسخه معمول الاستاد استعمال کرده باشند در هر ماه

سه روز مستعمل دارند هذا صفته صندل سرخ برگ حنا گل دهاوه چهال نیم در نیم انار آب کوفته باشند

نیم پاو نماید صاف نموده بنوشند و در ماه پنجم این معجون بوقت شام بقدر یک مثقال خورده باشند

تا به چهل یکروز بار باده هذا صفته ترکیب معجون حافظ صحت الاجنه تالیف سید علو خان حکیم معتمد الملوک

این معجون را برای شخصی که همه اطفال او بعد از وقت ساقط شود و اگر احیانا اطفال در وقت متولد شود

در دو سال زنده نماند و بمرض ام الصبیان وفات میکرد این معجون را تالیف نموده

مروارید ناسفته کهربا شمعی بسد محرق مقل صندل سفید صندل سرخ عقیق احمر
دو هم مثقال دو هم مثقال دو هم مثقال دو هم مثقال دو هم مثقال دو هم مثقال دو هم مثقال

طباشیر سفید درونج عقرب عود صلیب مغز هر دانه تخم خرفه عنبر ورق طلا
دو هم مثقال دو هم مثقال دو هم مثقال نیم مثقال نیم مثقال نیم مثقال بیست عدد

ورق نقره ابریشم مقرض تخم الخشخاش گل ارمنی عنبر اشهب شراب غوره نعناع درنج
بیست عدد دو نیم مثقال دو هم مثقال دو هم مثقال دو دانگ

مثقال نبات سفید یکصد پنجاه مثقال بدستور معمول معجون سازند گاهی شربت سازند قدر

شربت یکمثقال و اگر طفل در سرخ باده خواه دیگر امراض گرفتار باشد تبدیل دایه بالضرور من بعد تدبیر

طفل که بسبب باده آتشک در سرخ باده مبتلاست باید کرد نسخه من نسخه جهت سرخ باده که بسبب آتشک باشد

نیل کنگهی پر نگهدری پلکند باری سرپهوکه فلفل گرد همه را در نیم پاو آب ... شبیره بر آورده

قدری بطفل بدهند باقی دایه و ثفل آنرا نیز مثل صندل باریک سوده بر داغهای سرخ باده ضماد کنند

غذا نان گندم بی نمک از روغن زرد بریان نموده بخورانند دیگر از نسخه شیر گاو برابر نخود در خیل

برابر نخود و بادنجان پوست هلیله زرد برابر نخود با آب ... بطفل بدهند غذا بدستور از کتب حسن الله ستار

که طفل را عوض افیون ... داده باشند افیون رسوت بدستور معمول بقدر خوردن افیون حب

بسته نگاه دارند حب سرخ باده من ... صندل سرخ برگ حنا گل معصفر چهال گلنار پوست ...

هندی بسهٔ بهو که فلفل گرد کل گرد مجیتهه کل دهاوه پوست بلیله زرد بلیله سیاه نیمه انار

سایش از آب سرشته حب بمقدار فلفل گرد بسته نگاه دارند تا حب هر روز بخورند دیگر

جهت خبازه الحفاف که بسبب ماده آتشک بهم رسد من الفوائد الاستاذ قصب الذریره بلیله زنگی بطرلی معمول

در عرق ابیض عرق کشند بمقدار دو تولمه تا دو ماشه با چهار ماشه بطفل بدهند حب دیگر

صبر سقوطری افیون کرفته ممزوج نموده بقدر دانه خشخاش بطفل بدهند برای قی بسیار فایده دارد

ترکیب کهوٹی برای سرخ باده که بسبب ماده آتشک بهم رسد قصب الذریره بلیله زنگی

پوست بلیله کابلی برگ حنا برگ بهو که گل دهاوه جاکسو نرکچور جهال بنب وندن دانه چکادانه

وبمانه صندل سرخ بادیان یا نخواه کل سرخ مغز فلوس در یکجا وآب بجوشانند با چهار دام بمانند

قدری قدری بطفل مداومت کنند واگر عمر طفل زیاده باشد قدر وزن موافق برداشت مزاج نمایند

نموده بدستور کهوٹی بار بسیار زنند دیگر عناب برگ شاهتره برگ سر بهو که پوست بلیله کابلی درهم

آب بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده قدری بطفل باقی بدایه دهند دیگر عناب برگ شاهتره

قصب الذریره صندل سرخ پوست بلیله زرد درهم انار آب بجوشانند نیم باو بمانند صاف کرده

شربت شاهتره داخل کرده قدری بطفل باقی بدایه دهند دیگر قصب الذریره برگ شاهتره وبمانه صندل سرخ

بوست هلیله کابلی جهت تسم در نیم انار آب بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده شهد خالص

داخل کرده با اضافه فلفل گرد خشک سائیده یا شکر ... سیتدط اگر چیزی از ام الصبیان بطفل عارض

شود ... نیم بپوشانند من بعد بهر ... زنجبیل باریک سائیده از نوک قلم

... بر سر طفل نهند ترکیب نان آرد هموار آرد ماش ارا . خمیره

مصروع ... زور سال باشد قدر وزن آن بقدر عمر طفل گرفته

... جره جانورلیست که برات وریا در خاک سبز باشد

... یکبار سبتند وز نبر دهان او پاشید

بریار ... رو نمک سیاه همه را سائیده در تیل

مذکوراند ... ند و مصروع را ازین روغن بر روز

بقدر طاقت ... و با هفت روز و قدر

یکبرتی اگر عمر کم باشد ... ی نوشادر و فلفل سیاه

د قرنفل و دانه الایچی خور ... درن گرفته سائیده سرمه سا نموده نگاه دارند

و ماش بکبر بذصح دفع شود ترکیب بهوشتحه ام الصبیان بادیان بار نخسو به گل کاوزبان اسطوخودوس

اهل الی

اصل السوس بسفایج فستقی افتیمون عود صلیب تخم ... عود بلسان بزر سیبا البولس تخم قرطم

کل سرخ کل بنفشه بوزیدان مغز فلوس حب نیلو طری همه را در یک پاو آب بجوشانید و بطریق

جوشانده نبات زنند بعد شیر معمول طفل را بدهند باشند چند روز بدستور دست کنند فرصت که خواهد

قدر ... موافق عمر طفل تخمین نموده استعمال نمایند و برگ نیم ... ماهی و ... صوف ... باید

که هر دو را با رب سائیده گولی بسته نگاه دارند وقت حاجت از آب حل کرده در بینی قطور نماید تا

دوالمرض مهلت دهد بسه روز بطفل مرد ... باید سفید ... بادیان ... گاو زبان ... اسطوخودوس

بسفایج فستقی تخم کوفته افتیمون در ... بسته عود صلیب بزر سیبا البولس اصل السوس کل سرخ مویز منقی گلقند اصفهانی

در سه پاو آب بجوشانند یکجا و ... صاف نموده شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند قدری

بطفل بعد از سه روز طفل را مسهل بدهند بادیان ... گاو زبان گل گاو زبان برگ ...

اصل السوس بسفایج تخم کوفته عود صلیب افتیمون در ... بزر سیبا البولس کل سرخ تخم قرطم مویز منقی

گلقند ... ترنجبین ... مغز فلوس در یکجا و عرق عنب الثعلب بجوشانند چهار دام ... ترنجبین و غیره

مالیده صاف نموده روغن بادام داخل کرده با ضافه صبر سقوطری بنوشند و اگر مرض مهلت دهد

همون روز ... طفل بدهند نفع بکند و تدبیر ... کرده باشند که اصلاح شده از ... دماغ

پوست هلیله کابلی جهت سم در نیم اثار آب بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده شهد خالص
داخل کرده باضافه فلفل گرد خشک سائیده پاشیده بنوشند اگر چیزی ام الصبیان بطفل عارض
شود اول باید که کلاه دیگر تازه از چرم شیر جنه بپوشانند من بعد مهره زنجبیل باریک سائیده از نوک قلم
در بینی برده و مناخیر بدمد و نان مستعمل تیار کرده بر سر طفل نهند ترکیب نان آرد جوار آرد ماش آرد خمیره
نموده نان سازند و بر سر مصروع نهند و اگر طفل خورد سال باشد قدر وزن آن بقدر عمر طفل گرفته مصروع
استعمال نماید ترکیب ترکیب روغن برای ام الصبیان کرک چیره جانوریست که برای دریا در خاک [illegible] باشد
از آن چهار عدد بگیرند و در روغن کنجد بریان نمایند لیکن بقدری که ناسوخته [illegible] و زیر دهان او پاشیده
بریان نماید من بعد نوشادر فلفل گرد قرنفل دانه الاچی خورد نمک سیاه همه را سائیده در
مذکور انداخته بریان نماید که خوب حل شود و سرد کرده نگاهدارند و مصروع را ازین روغن هر روز
بقدر طاقت سر یکدام یا دو دام یا سه چهار دام بر سر و تمام بدن بمالند و با نفت روز و مقدار
[illegible] اگر عمر کم باشد یا و [illegible] سعوط نمایند من بعد ادویه سابقه یعنی نوشادر و فلفل سیاه
و قرنفل و دانه الاچی خورد نمک سیاه از همون وزن گرفته سائیده سرمه سا نموده نگاهدارند
در ماش بگیرند صبح دفع شود ترکیب بهوشیه خنه ام الصبیان بادیان با برنجوه کل [illegible] ورنان اسطوخودوس

اصل السوس شقاقل ستنبی افتیمون عود صلیب ... عود بلسان بزر ریبا بلبوس عود قرحا

گلسرخ ... سورنجان ... بسفایج ... سقمونیا ... همه را در ... باد آب بجوشانند و بطریق

... سند چند روز ... کنند قرص ... خواهند

... ترکیب ... گاو زبان ... سرخ باید

... آب حل کرده در بینی قطور نماید

... بادرنجبویه گاو زبان ...

... اصل السوس گلسرخ ... گلقند ...

... داخل کرده ... سند ...

... گل گاو زبان برگ ...

... گلسرخ عود قرحا ...

... چهار درم بمانند ترنجبین و غیره

مالیده صاف نموده روغن بادام داخل کرده باضافه سقمونیا ... بنوشند و ... مرض ...

همون روز ... لطف ... تغافل نکند و تدبیر در ... کرده ... سند ما که اصلاح ... آن ...

[illegible]

اصلاح شیران باید کرد بدین طریق بادیان بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان افتیمون اسطوخودوس

عود صلیب عقرقرحا افتیمون در کوزه سبه مویز منقی گلقند اصلی در هم ابار آب بجوشانند نیم باو بماند

صاف نموده شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند گاهی اسنا و برنجنین اضافه میکنند دیگر منه

تیز سنبالیوس عودقرحا عود صلیب مویز منقی گلقند در سه باو آب بجوشانند

یک باو بماند صاف نموده شربت افتیمون داخل کرده باضافه معجون زبیب بنوشند دیگر

گاوزبان اسطوخودوس گل بنفشه عود صلیب فستق گلقند در سه باو آب بجوشانند یک باو بماند

صاف نموده شربت اسطوخودوس داخل کرده باضافه معجون سنبالیوس بنوشند دیگر منه

معجون سنبالیوس بخورند عقب آن عود صلیب اسطوخودوس افتیمون در بسفایج عقرقرحا

در سه باو آب بجوشانند یک باو بماند صاف نموده شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند

اکثر طفل حمی در بود این نسخه بدهند خاکسی ماء عرق شاهتره عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

بجوشانند نصف بماند صاف نموده عود صلیب سوده را آورده داخل کرده شربت گاوزبان

شربت داخل کرده بنوشانند دیگر نسخه خاکسی در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان بجوشانند

نیم باو بماند صاف نموده عود صلیب سوده را آورده شربت اسطوخودوس داخل کرده باضافه

معجون زبیب نوشند دیگر انار ترش فقیر اسحوا اسطوخودوس بسفایج بیخ نموده بخورند عقب ان اسطوخودوس

عود صلیب مویز منقی مکث قند سفید عسل درهم اناراب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت الیمون

داخل کرده نوشند فایده اگر طفل را بسبب تعفن ماده طمثی قلاع حادث شود تدبیران باید کرد

اگر طفل را عمر زیاده نیم ساله باشد استعمال مسهل بشرطی که دانهای قلاع سرخ باشد باید کرد وعمرماده

نباشد تدبیر دواد بیر باید کرد برای قلاع دیگر عناب برگ شاهتره برگ سیر بهوکه پوست هلیله زرد

مویز منقی درهم اناراب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت عناب داخل کرده بدایه بدهند

و قدری بطفل دیگر عناب عنب الثعلب صندل سرخ شکوفه پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی گل سرخ

درهم اناراب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده ترنجبین حل کرده بدایه بدهند و قدری

بطفل دیگر منه عناب اصل السوس برگ سیر بهوکه صندل سرخ الوبخارا مویز منقی درهم اناراب

بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت عناب داخل کرده باضافه معجون شاهتره بنوشند

ترکیب کهوئی طفل به عناب اصل السوس قشر الذریره برگ شاهتره برگ سیر بهوکه و تمامه بسفایج پوست هلیله کابلی

پوست هلیله زرد صندل سرخ گل سرخ اکسیر زرد الوبخارا گل قند سفید افتیمون شکر قلوس در کیب یاو عرق شاهتره

بجوشانند چهار دام بماند صاف نموده قدری قدری میداده باشند دیگر منه دانه الاچی خورد طباشیر کهنه

زرد و رد حرب باشد زرد و ر نماید للصفراوی دیگر للدموی کاکل تیوتره دم الاخوین کهته گلنار چرب باشد

زرد و ر نماید دیگر للبلغمی سماق نانخواه کچکسر مازو سبز قاقله صغار اصل السوس خشک باشد

زرد و ر نماید تا دیگر للبلغمی مازو سبز گلنار اصل السوس کهته توال بیر خشک باشد زرد و ر نماید

دیگر گلسرخ سماق کچکسر کباب چینی خشک باشد زرد و ر نماید دیگر للصفراوی زرد و ر دشتة

طباشیر کهته دانه الایچی خورد خشک باشد زرد و ر نماید دیگر للدموی پوست بیله رز صندل سرخ

صندل سفید عدس مقشر گلسرخ خشک باشد زرد و ر نماید تا نخایدن منه اگر طفل را انزده باشد

بدنبال آن باید کرد اول این نسخه معمول باید داد تخم جرجیره نانخواه در شیر مرضعه کشیده بنوشند

گنجشک

وسرگین [illegible] اهلوه دراجنیه ضماد نماید و برگ پان بچه بندند و بدنبیر کهوتی کنند و استعمال نمایند

هذا صفة نسخة [illegible] زرد اصل السوس بادیان پرسیاوشان رفوخشک دندان دانه

چهار دانه تخم [illegible] نانخواه پوست بیله کابلی گلسرخ ملقند [illegible] فلوس در رنگ بادیان [illegible]

چهار دام نماید صاف کرده [illegible] خشک باشد بالابس [illegible] قدری بیداده [illegible]

در همین کهوتی بخاب باید [illegible] و اگر طفل عمر زیاده باشد قدر که دو [illegible] موافق عمر طفل تخمین نموده بدهند [illegible]

ترکیب کهلی من المعمول [illegible] که [illegible] باریک سوده [illegible] مقدار [illegible]

دفن

وقت حاجت یک گولی در شیر مرضعه حل کرده بدهند دیگر من المعمول گل گرو ببله تهوتهه کچو فته پخته
ماشه ۱۴ ماشه
حب بقدر نخود از ان بسته نگاه دارند وقت حاجت در شیر مرضعه حل کرده بدهند حب دیگر
از مراد علیخان حب مشک اجوائن اجوائن خراسانی سرکهو جهاب کوته بدبر برگ تنبول مویز منقی
دسپاری همه را سائیده حب بمقدار باجره و موتهه و عدس ببندند موافق مقدار طفل در شیر مرضعه
حل کرده بدهند اگر بعد از رفع مرض طفل مرض شدت تشنگی داشته باشد تدبیر تشنگی آن باید کرد
گول گته سبز دور کرده و گهیلی دهان قدری قدری گرفته در آب ترکرده دارند و طفل را
ازین آب میداده باشند و بالوریت نیز همین خاصیت دارد **فایده** تدبیر دایه نیز من جمله در باب ات
باید کرد برین طریق **منه** عناب الخرزرد برسیاوشان اصل السوس زوفا خشک دارچینی نبات سفید
۵ دانه نه دانه ۶ ماشه ۳ ماشه ماشه ۴ توله
در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده بنوشند **دیگر منه** عناب الخرزرد اصل السوس
۵ دانه نه دانه ۶ ماشه
ایرسا تملونه فنطوریون دقیق نبات در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده بنوشند
ماشه ۳ ماشه ۲ توله
دیگر بادیان الخرزرد اصل السوس خاکسی در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده
۶ ماشه ۵ دانه ماشه ۹ ماشه
شربت عناب داخل کرده بنوشند **دیگر منه** حبی در شیشه باشد خاکسی مویز منقی الخرزرد در نیم آثار آب
۲ توله ۹ ماشه ۱۰ عدد ۵ دانه
بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت زوفا داخل کرده بنوشند **ترکیب گولی من المعمول**
۲ توله

برای حفاظت صحت اطفال که همیشه بعد از هفت سه روز مدام یک کولی میداده باشند ضد ...

مشک زعفران کور وحی جوز بوا مروارید سنگ الالکی خورد ... بنفسج نکهه رودده

... سفید همه را کوفته بیخته در عرق برگ تنبول بکفله مقدار ... حب نمایند و این کولی

یک وقت صبح و وقت شام عند المرض میداده باشند و بی عارضه مرض در حالت صحت

بدفعات در هر ماه پنج شش مرتبه میداده باشند تا حب دیگر شنگرف معز ... کوه

سیر دور کرده کوفته بیخته کولی مختلف شیر طفل را موافق مقدار عمر بدهند تا فایده شود اگر

طفل را سبب باده الکی والدین تشنج عارض شود علاج آن باید کرد و بیشتر یکی طفل را بدین نحو باشد

طریق معالجه کرده صحت یافته است عناب عنب الثعلب تخم کاسنی پوست بیخ کبر نبات در آب ... قصب الذریره ۶ م

نیم پاو باید ... بوده ... گاهی استاد در این نسخه سورنجان شهرین و گاهی ایرسا ...

قنطوریون دقیق و گاهی بالان و گاهی بیخ بالان اضافه میکنند گاهی بلیله ... بلیله کابلی

جوشانده ... بدهند و قدری ... فایده شود اگر طفل را قبض و حقنه ... عارض شود

نسخه منفعه ... مطلب استعمال کرده باشند بعد از این تدبیر نسخه مطبوخ ... معالجه ... باید کرد

عناب عنب الثعلب بالانی بیخ بالان پوست بیخ کبر قنطوریون دقیق سورنجان شهرین الخیر ...

مویز منقی پوست بلیله زرد پوست بلیله کابلی قصب الذریره بلیله سیاه بنفشه و نیز دانه

چهار دانه ملیح گل قند آقاقیا مغز فلوس در یک پاو آب بجوشانند چهار دام بماند صاف نموده

قدری قدری میداده باشند چهار پنج روز متواتر بدهند بعد از سه چهار روز اگر بقیه ماده باشد

باز دو سه روز همین گونه استعمال نمایند بعد استعمال روغنها که مستعمل است اگر موافق

مزاج و مناسب وقت استعمال کرده باشند صحت خواهد یافت **دیگر** برای رفع قبض اطفال و درد شکم

بادیان بلیله سیاه نمک سیاه تخم بدل همه را سائیده بطفل بدهند **دیگر** ناخواه بادیان

پوست بلیله کابلی مویز منقی جوشانیده بدهند درد و قبض هر دو دور شود **دیگر** نبات

نمک سیاه نوعی بجه بر شکم بمالند درد دور شود **دیگر** بادیان پودینه خشک گل قند آقاقیا

در عرق بادیان بجوشانند چهار دام بماند صاف نموده دو سه دفعه کرده بنوشند **دیگر** پوست بلیله کابلی

نمک سیاه بادیان در آب سائیده شیره برآورده بدهند درد و قبض و نفخ هر سه دور شود

و اگر بخود بر شکم مالیدن فایده دارد **دیگر** برای جوشیدن طفل برگ کابلی کمیله ریوند از آب برگ گردو

سائیده از انگشت در ناف طفل نهند **دیگر** سنا مکی پوست بلیله کابلی مویز منقی خوب نوعی که طفل بخورند

و اگر خوردن نتوانند به شیر مرضعه حل کرده بدهند **دیگر** برای جوشیدن طفل ریوند ایلوه هر دو را

در آب کرده بنج سائیده در سفره طفل از بغل نهند تا دیگر بیرون نرود فقط از انگشت در سفره

طفل نهند تا و دیگر برای جونه برگ کاسنی حب الثعلب درهم اندر آب بجوشانند تا بادو بماند صاف نموده

بدانه بجوشانند و از خوردن سبزی و نمک پرهیز کنند و دیگر برای حونه سیه هندال تلخ آبلوه

ریسوت از آب گکر و بنج سائیده در سفره استعمال نمایند فایده منه اگر طفل را بسبب برآمدن دندان فایده مفیده

اسهال عارض شود یا از چیز دیگر عارض میشود تدبیر آن باید کرد بدین طریق نسخه معمول استاد

دایه خاص سعد کوفی حب الآس کندر کوفته بیخته قدری از آن موافق مزاج و عمر گرفته در شیر مرضعه

حل کرده بدهند و در استعمال دو سه مرتبه فرصت کلی خواهد شد و دیگر بادیان بریان کرده تخم کاسنی

بریان کرده زیره سعتر بریان کرده بابا سائیده شیره برآورده بدهند و دیگر حب الآس بریان کرده

سماق بریان کرده دانه الاچی خورد بریان کرده طباشیر با شیره گشنیز شربت حب الآس

داخل کرده بنوشند و دیگر بلادر بلیله زردی در روغن بادام بریان کرده کوفته بیخته برابر آن

شکر آمیخته در شیر مرضعه حل کرده بدهند و دیگر لذلک بلیله زردی موبرنیجی کوفته بیخته حب سازند

نگاه دارند موافق قدر طفل در شیر مرضعه حل کرده بدهند و دیگر لذلک سفوف طین بروغن بادام

چرب کرده در شیر مرضعه حل کرده بدهند و دیگر سفوف مقلیاثا بروغن بادام چرب کرده در شیر مرضعه مقلیاثا

فایده منه

حل کرده بدهند فایده منه سبب خروج دندان اسهال پیدا شود دیگر ضماد نماید رب السوس کل ارمنی

ضماد نماید دیگر عنب الثعلب اصل السوس گل ارمنی ربسوت زعفران از آب برگ عنب الثعلب سبز

ضماد نماید دیگر اصل السوس قرنفل برگ نیم برگ کیکاین پوست بیله کاهی ربسوت جوز لوبه

از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده ضماد نماید دیگر ربسوت پوست بیله کاهی زعفران افیون از آب

برگ عنب الثعلب سبز سائیده ضماد نماید دیگر بلیله کابلی گرفته در خمیره گرفته بطور ربه بهل کرم

بپخته وقتی که سرخ شود بیرون گرفته قدر بکارنه بلیله مذکور ربسوت عنب الثعلب زعفران افیون

از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده ضماد نماید فایده منه اگر طفل را خروج مقعد عارض

شود بدن تدبیر علاج باید کرد پوست انار ولاتی مازو سبز برگ مورد جفت بلوط

در ربع انار آب بجوشانند بنصف مانده صاف نموده درین آب طفل را بنشانند

دیگر بخروج المقعده منه جفت بلوط گلنار مازو سبز جوز السرو کاه سوخته کوفته بیخته

بر مقعد بپاشند دیگر زبان سگ سوخته کاغذ سوخته شاخ گوزن سوخته مازو سبز

ماهی خورد کوفته باریک نموده بر مقعد بپاشند دیگر منه گلنار ماهی خورد ماهی کلان

پوست انار ولاتی ورق گلسرخ مازو سبز در ربع انار آب بجوشانند نصف نمانده

صاف نموده در این آب طفل را بنشانند دیگر پیاز کوهی سوخته چند عدد بلوط گلنار زیاد و سبز

گل جفت پوست انار مورد همه را مساوی گرفته در پنج انار آب بجوشانند نصف بماند

صاف نموده طفل را در این آب بنشانند فایده اگر طفل را بسبب اسهال بعد از صحت جمیع امراض فایده

بهم رسد و ضعف در مزاج باشد علاج آن بدین طریق باید کرد بنوشند آرد ساله مروارید ناسفته

طباشیر سبز ورق طلا شربت شیرین ممزوج نموده بخورانند بالایش عرق گاوزبان بنوشند دیگر

بنوشند از نوی ساله دانه هل مروارید شربت شیرین ممزوج نموده بخورانند دیگر جوارش انار شیرین

طباشیر مروارید عود غرقی ممزوج نموده شربت انار شیرین داخل کرده بنوشند دیگر

معجون طلا عنبر اشهب شربت شیرین ممزوج نموده بخورانند دیگر جوارش عود شیرین

مروارید طباشیر رب به شیرین ممزوج نموده بخورانند فایده اگر طفل را در اسهال تپ فایده

عارض شود معالجه آن باید کرد بادیان تخم کاسنی مویز منقی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی

بجوشانند خوب تا بدن صاف نموده باضافه قرص طباشیر قابض بنوشند شربت بزوری معتدل

دیگر بادیان ریزه سفید بریان کرده تخم گشنیز تخم کاسنی بریان کرده در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی

شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت حب الآس داخل کرده بنوشند دیگر از سنگ سیرانه

تریاق

عنب الثعلب بادیان نخ کاسنی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی تر کرده واز بعد صباح مالیده صاف نموده

حب الآس سماق شیره برآورده شربت بزوری معتدل باضافه قرص طباشیر قابض بنوشند

دیگر زرشک بیدانه تخم کاسنی مویز منقی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی تر کرده واز بعد صباح مالیده

صاف نموده حب الآس سماق شیره برآورده شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه تخم کوفته

قدری تف داده بنوشند دیگر بادیان تخم کاسنی عنب الثعلب در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی

شیره برآورده شربت بزوری شربت حب الآس داخل کرده بنوشند دیگر عنب الثعلب عرق

عرق کاسنی عرق بادیان آب انار شربت زرشک شربت حب الآس باضافه قرص

طباشیر قابض بنوشند دیگر حب الآس بالان سماق عنب الثعلب در عرق عنب الثعلب

عرق کاسنی شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت زرشک داخل کرده بنوشند

فایده هفتم

فایده هفتم در تدبیر دوائی که بر ضرورت اگر فقط استسقا باشد و در اسهال عارض نباشد این تدبیر

باید کرد بادیان نخ بادیان عنب الثعلب نخ کاسنی مویز منقی گلقند در نیم آثار آب بجوشانند

نیم باو باند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا قدری سطحات و طعام

وغذا عوض کباب ونخوداب وعوض آب عرق عنب الثعلب وعرق کاسنی دیگر نخ بادیان نخ

تخم کسوث زرشک بیدانه مویز منقی گلقند بر در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی بجوشانند نیم باد کماند

صاف نموده شربت کسوث داخل کرده باضافه تخم کرفس بداده بدهند قدر بطفل

دیگر زرشک بیدانه تخم کاسنی عنب الثعلب مویز منقی گلقند در عرق عنب الثعلب عرق بادیان

بجوشانند نیم باد کماند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه تخم کسوث

بنوشند قدری بطفل فایده اگر طفل را حصبه و جدری عارض شود معالجه آن بدستور

معمول باید کرد بدین طریق الخ رزد بادیان مویز منقی در آب جوش داده بنوشند

دیگر الخ رزد مویز منقی جوش داده بدهند ترکیب من الاستاد الخ رزد بادیان

خاکسی در آب انار آب بجوشانند نیم باد کماند صاف نموده شربت عناب بنوشند گاهی شربت کادی

گاهی والد الاستاد النسخه دیگر بادیان مویز منقی خاکسی در آب انار آب

بجوشانند نیم باد کماند صاف نموده شربت کادی داخل کرده بنوشند دیگر من الاستاد عرق کیوره

عرق نیلوفر عرق گاوزبان شربت عناب داخل کرده خاکسی ناشسته بنوشند دیگر من الاستاد

عرق کیوره عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر شربت کادی داخل کرده بنوشند

دیگر در علاج برو سماق در گلاب حل کرده صاف نموده قدری از ان در انف بچکانند

ماشا

حصبه که در الف باشد فایده دارد دیگر منه شیاف مامیثا در گلاب حل کرده صاف نموده در گوش

چکانند حصبه که در گوش براید فایده دارد دیگر عند شدت الحمی منه عناب شیر در عرق نیلوفر

عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت عناب شیر

انار شیرین داخل کرده بنوشند گاهی لعاب بهیدانه اضافه نموده بدهند دیگر عند شدت

العطش و عند شدت الاسهال بعد زوال الحصبة منه شربت حب الاس شربت به طباشیر

باهم آمیخته بخورند عقب ان عرق گاوزبان عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب شربت انار منعنع

داخل کرده باضافه لعاب بهیدانه بنوشند دیگر عند شدت الاسهال بعد زوال الحصبة و شدت

العطش منه شربت حب الاس ربت طباشیر باهم آمیخته بخورند عقب ان عرق گاوزبان عرق نیلوفر

عرق گلاب عرق بید مشک برآورده داخل کرده بنوشند ترکیب اسناد عند شدت العطش

عرق گاوزبان عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب انار منعنع داخل کرده باضافه لعاب بهیدانه بنوشند

فایده

فایده منه من الحصبة و الجدری و هذه علة ینطلق البطن فیها فی الاکثر بعد سبعه ایام مما یقع فی الجذب

مما ینطلق فان استطلاق البطن فاسعه هذه الترکیب المستعمل برهان باب سرد بخورند گاهی شربت حب الاس

در ربع ترشته طباشیر گل ارمنی باهم آمیخته بخورند و لیکن از برو زشدن این ترکیب استعمال نمایند

اب انار میخوش و ترش طباشیر رباهم آمیخته بنوشند برگ لسان الثور بزرالاسفاناج صندل سفید صندل سرخ

سیاهان بالنگو عنب الثعلب کافور قیصوری در گلاب سائیده بر دل گذارند غرغره اگر در انف

یا در حلق بر آید سماق در عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر جوش داده غرغره نمایند برگ کتان دیگر

بالنگو صندل سفید صندل سرخ گل نیلوفر برگ بید تازه بزر خشخاش کدو بر آشنج خیار

آب برگ کاهو ستبر آب برگ کشنیز آب برگ خرفه کشنیز گلاب عرق کیوره کافور قیصوری

بارتنگ سائیده لته ازو تر کرده بر قلب گذارند لا استهال الحاد بعد الحصبه و الجدری سه رواریه ناسفته

سماق طباشیر حب الاس کوفته بیخته شربت انار میخوش داخل کرده بخورند دیگر سه

زرشک خطائی سماق گل ارمنی در عرق کیوره عرق گلاب عرق بید مشک شیره بر آورده شربت

کادی شربت حب الاس داخل کرده باضافه قرص طباشیر قابض بنوشند دیگر سه عناب

گل نیلوفر آلوی را مونی سفوف الخرنوب در نیم آثار آب بجوشانند باو بمانند صاف نموده

شربت کادی داخل کرده کاهی مغز تخم کدو شیره بر آورده داخل میکنند و کاهی در عرق

کیوره عرق عنب الثعلب جوش کرده میدهند و کاهی خاک کل با شبح میدهند دیگر سه بادان

عناب الخرنوب زرد خاکی در عرق کیوره عرق عنب الثعلب بجوشانند باو بمانند صاف نموده

مغز تخم کدو شیره برآورده شربت کاوزبان شربت انار شیرین داخل کرده بنوشند

فایده نه در حصه استعمال مرواریدها در جمیع اقسام مجربست دیگر نسخه عناب الوبخارا

عنب الثعلب الجزر زرد موبر منقی شب در عرق کیوره عرق عنب الثعلب عرق مکوه ساله تر کرده

دارند صباح مالیده صاف نموده زیره خطایی ازگلاب سائیده داخل کرده شربت انار

منعنع داخل کرده بنوشند دیگر نسخه صندل سفید شکوفه الوبخارا زرشک مدانه شب

در عرق کیوره بیدمشک تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت کاوزبانی

داخل کرده باضافه خاکسی بنوشند دیگر نسخه زرشک مدانه گل گاوزبان عناب

الوبخارا در آب انار شیرین آب انار ترش عرق کیوره تر کرده دارند صباح مالیده صاف

نموده مغز تخم کدو زیره خطایی شیره برآورده شربت انارین منعنع داخل کرده

باضافه مروارید بنوشند دیگر نسخه گل کیوره گل بیدمشک گل گاوزبان زرشک عناب

در عرق کیوره شب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت عناب

شربت زرشک داخل کرده باضافه مروارید بنوشند فایده نه اگر بر بدن اطفال پتورها

عارض شود بدین طریق معالجه باید کرد حب که برای پتورهای طفلان نافع است هلیله سیاه

فایده

کته یا پرمه کمیله چونه اب نار سیح همه را کوفته بیخته ممزوج نموده حب ها سازند وقت حاجت
بروغن گاو بسایند بر بثورها بمالند دیگر نسخه برگ حنا کمیله فلفل گرد سپاری چهالیه سوخته
ابله سوخته در کرای آهنی اردسته آهن انداخته بروغن کنجد خوب سایند وقت حاجت
بر بثورهای بمالند صحت یابند نسخه بثور نسخه کته سفید کمیله مردار سنگ پیچ همه را سائیده ضماد نمایند
دیگر نسخه صندل سرخ صندل سفید سورنجان همه را بقدر احتیاج گرفته طلا نماید برای ابله طفلان
و بثور و خارش زرد آبله بدن کسیر خشک گل ارمنی مردار سنگ عنب الثعلب بید وار سنگ جراحت
حشیش مکی همه را مساوی الوزن گرفته کوفته بیخته باب سائیده طلا نماید دیگر آبله طفلان
و سماق ابله سوخته برگ حنا نیله تهوتهه کوفته بیخته باب سائیده طلا نماید فایده بند

تمام شد دستور حفاظت جنین و تکرر نموده دستور معالجه انشار عند الولادة باید که وقت تولد
جنین اگر در گرده سبب عسر ولادت لاحق گردد معالجه عسر ولادت باید کرد و اگر جنین
میت شود اخراج آن ضرورت و بعد از اخراج جنین میت یا بند یا رنج باشد استعمال ادویه
که اخراج دم طمث کنند استعمال کنند و اصلاح رحم باد و بمناسبه استعمال کرده باشند و تدبیر
استعمال آن در رساله رحم نوشته خواهد شد اول باید که تدبیر عسرت ولادت باید کرد نسخه

دستور معالجه انتشار عند الولادة

عسر ولادت و اخراج جنین میت باز زند که بیت مرارة الثور مساوی گرفته بدستور معمول
زیر ناف عورت دهن بمالند چند مرتبه دیگر نافع عسر الولادت اذا مات الجنین جاوشیر یسحق
اجزاء او بسواء یدق و یعجن بعسل الشربة منه ثلثة دراهم مع طبیخ الحلبة ایضا نافع لعسر الولادة یعجن
شیر آگ بر مثانه طلا نماید تا دیگر برای درد زه اگر موی آدمی دهونی کنند خلاص شود دیگر
فرزجه اخراج مشیمه و جنین میت کند زراوند دحرج ابهل ترس و حرف از هر یک جزو کوفته
کوفته بیخته بزهره گاو سرشته فرزجه کنند دیگر کینچلی مار سیاه دهونی دهد اگر بچه مرده در شکم
باشد بیرون آید وقتی که جنین تولد شود باید که در وقت تولد طفل عورت را در مکان
محفوظ با احتیاط تمام در موسم سرما یا در موسم گرما باید کرد اگر موسم سرما باشد پرده‌ها
بستنی و احتیاط هوا از غناط بلکه دو سه مجمرهای پر از انگشت گرد و گرد موافق برد رشت
مزاج نگاه دارند و اگر موسم گرما باشد فقط پرده‌ها بستنی در کار است و اگر عند الضرورت
احتیاج آتش باشد قدری قلیل موافق هوا و طبیعت نگاه دارند مضایقه ندارد و بعد از
تولد طفل شش یا هفت ورعه جلد حتی گرفته بر شکم عورت از کمر و شکم مثل پیچی بوجه مضبوط
یعنی پارچه گزی
بندند و از بستن صلابت در شکم عورت زیاده نشود و سه روز از آب و غذا موقوف

نماید مگر این جوشانده که اخراج دم طمثی میکند مضایقه ندارد بطریق احتوانی استعمال کنند

تا وقتی که اخراج فضول رحمی بالکل نشود استعمال کرده باشند و اگر معالجه عورت عند التولد

حکما با ادویه هندیه میکنند چرا که ادویه هندیه قوت قوی میدارد و اکثر قابله نیز معالجه زچه از ادویه

هندی میکنند چنانچه بطریق جوشانده آن اینست فلفل دراز پیپلامور زنجبیل نانخواه قند سیاه

در سه پاو آب بجوشانند یک پاو بماند صاف نموده در دو دو فم بنوشند وقت شام

فلفل دراز زنجبیل قند سیاه کوفته حب ساخته بخورانند بار نسخه دیگر که درد شکم عورت

دور میکند و اخراج فضول رحمی بسیار میکند ادویه اینست فلفل دراز پیلاموز زنجبیل نانخواه

هرنگ کابلی یا وکیها برگ کور رز دچوب اینه دوره کپاس یاپان قند سیاه کهنه در سه پاو

آب بجوشانند یک پاو بماند صاف نموده دو دو فم کرده بنوشند و عوض آن بعد از سه روز

این جوشانده که معمول است اینست باید داد نوبت اخروت گره پالس ورس انار

بجوشانند یک انار بماند صاف نموده میداد نو دو گهری دو دو دام میداده باشند

وگاهی عند زیاده المادّه فلوس بخته چهار تنکه وخام بنت تنکه در همون نسخه داخل کرده

میدهند و بعد از سه روز یک چوگرنج بطریق خواب بخته مو مصالح گرم وقت شام بخورند روز چهارم

الخ

وقت صبح اگر فضول رحمی قدری قبل حیض باشد برای احتیاط این نسخه نیز بدهند پوست صفعه مجربست اسارون
مصطکی اشنع نبات ورنیم انار آب تخم گشنیز یا عرق بادیان صاف نموده قبل و از حیض سابق
یا بعد بنوشند دیگر نوبادران و مصطکی اشنع یا ولیما نبات ورنیم انار آب تخم نبات یا بادیان
صاف نموده بنوشند از روز چهارم تا روز نهم استعمال باید کرد و قابله نیز همین تنبیه داده و اتفاق
باشد بهر وجه از عورت باحتیاط تمام خبردار باشد و شکم عورت را قابله باید گفت که از روز
تولد از روغن کنجد شیر گرم مالیده باشند تا که باید رون شکم ماده طبقی باقی نماند و شکم عورت
کلان نشود بلکه در تمام بدن بمالند تا که یکسی جا خبر حرکت نباشد و در موسم سرما توقت
مالیدن روغن دو سه مجمر پر از آتش انگشت موافق برداشت مزاج پس خود نگاه دارند
و بوقت صبح چهار پنج گهری روز بر آمده استعمال روغن کنند و بوقت شام نیز چهار پنج گهری
روز مانده استعمال باید کرد و احتیاط هوا در موسم سرما بایر ده چنین دیگر دا اگر دا احاطه و حافظ
و در موسم گرما نیز احتیاط همه چیزها که موافق احتیاج حرورت و برودت طبیعت بعمل آرند در استعمال مالیدن
روغن تا به روز چهلم تا همین احتیاط کرده باشند و باید که بعد از هفت روز از تولد طفل بعد از آن غسل
جوشانده یکبار بعمل دوت واده و بعد از و راحت از مالیدن روغن ستوره میوه دار مرغن بدستور.

بچه عورت را بخورانند و وقت شام آب گوشت از جوجه مرغ مع مصالح گرم تیار کرده بدهند و اگر بعد از چهار

روز از تولد طفل عورت صحیح البدن باشد و هیچ وجه آفاتی آزاری که عورت را بعد تولد طفل

میشود نباشد و وصول رحمی بغیر تجسس نباشد همه اخراج باشد و چیزی از قسم دم طمثی نباشد

عوض همه وجه صحیح باشد باید که جوشانده را موقوف نماید فقط شوربه میوه دار وقت

صبح و وقت شام چوچه بطور پخته مع مصالح تیار نموده از نان خمیری خوردن و هدیگر یکباری روغن

زیاده نباید داد رفته رفته قدری قدری زیاده کرده باشند و بخورانند و در خوردن غذا هر یکبار اشتها

شکم سیر نباید خورد قدری قدری روز بروز زیاده کنند و بعد سه چهار روز لطیف حمام دهند

تمام نخورند مگر بعد چهار روز احتیاطاً عوض آب همین آب سونف باشند یا نخواه قند سیاه در دوده انار

آب بجوشانند نصف باشد صاف نموده بعد العطش نوشیده باشند و وقت شام نیز احتیاط

فلفل دراز قند سیاه کوفته پخته گولی بسته بخورند تا به روز دوازدهم از تولد جنین و بعد از روز

دوازدهم عوض آب آب شیرین از آهن بست بمرتبه تفت داده بدهند و علی الصباح شوربه

میوه دار و وقت شام قلیه مرغ مرغن مع مصالح گرم همراه نان خمیری خورده باشند و دوا هم

موقوف نماید مگر فقط ببسیل قند سیاه کوفته پخته وقت شام میداده باشند بطور موسم با باشد

ودوایم

ودر موسم سرما بشرط احتیاج نیمایه روز بیست وسیم بطریق معمول عمل کرده باشند وبر روز بیست وسیم غسل
صحت از آب گرم با حتیاط هوا ملحوظ داشته باید کرد و بعد از غسل صحت علی الصباح فلفل جلاد از
پیلامور قند سیاه دریم انار آب کوشا بونیم پاو بجا بند صاف نموده بنوشند واحتیاط
هوا از پرده ها بنی وار مجمرهای پر از آتش انگشت موافق برودت طبیعت عند الشروع وبعد با طراف
جو آهنگرده باشند مگر فرق است که در موسم سرما احتیاط همه چیزها علی سبیل زیادتی وکثرت
ودر موسم گرما علی سبیل قلت وبعد از پنج شش گهری از نوشیدن جوشانده همون شوره میوه
دارم ووقت شام همون حب فلفلاد ودر از خوردن دهند وقابله را باید گفت که در مالیدن شکم
وتمام بدن غفلت نکند بدستور در هر دو وقت مالش باشد وازروز دولت تکم تا به روز چهلم
بشرط صحت مزاج محفوظ از جمیع آفات استعمال همون شوره میوه وارد قلیه مرغ موتان
چمیزی واب آهن تف داده واحتیاط هوا در هردو موسم سوای ازین بذینه درکار نیست
مگر روز چهلم بعد از غسل صحت از آب گرم همون حب باشتن بعد از غسل وقت شام همون حب فلفلاد از
استعمال باید کرد و بعد از غسل صحت استعمال فرزجات که لتسخیر رحم کند ورحم را باصلاح آرد رحم
را قابل نطفه وعلقه گرداند باید کرد وبعد ازان فرزجه که لتسخیر رحم کند وباصلاح آرد نبده فرزجه

ارحم باصلاح آرد ورحم را

[illegible]

که بعضه از رطوبات و بعضه رحمی را کرد اند وا ذلاق رحم وا ذلاق عضلات رحم را دفع کند و باصلاح

از وصفت فرزجه که اخراج رطوبت کند سنبل الطیب فوج بابرنگ نمک گلجون وزن

برابر گرفته جدا جدا سایند و نگاهدارند عسل و روغن کنجد سیاه اول روغن اندک

ممزوج نموده بعده عسل ممزوج ساخته هر دو حل کرده بعد از ان قدری نبات اندازند

بعده داروهاء دیگر دران داخل کرده حل نماید و همراه پنبه مخلوط کرده بردارند بدت

سه روز تا هفت روز از صبح تا وقت شام دارد وقت شام فرزجه دیگر بردارند و قبیح

دور کنند همین طریق تا بودن رطوبت استعمال کرده باشند بعد از استعمال این فرزجه

بعد ۲۰ دانه اسپند را سایند آب ان فرو برند بعد از ان با شوهر خود هم بستر شوند

آبستن گردد و نماید شیاف دیگر مجربه الصفا برای اخراج رطوبت و تنقیه رحم کند و رحم را قابل

نطفه و علقه گرداند من الاستاد مویز یا دام مغز پسته کهنه کهوبره کهنه جلغوزه کهنه مویز منقی

ورم ورم دام دام دام ۳ دام

مغز بینه دانه مغز تخم اردو مغز تخم شفتالو پسته بونابه زنگار رز جوبه زنجبیل

۱ دام دام دام دام ۱ دام

العقلب بادیان بابرنگ بادگیهاء الموه تاج نمک لاهوری نمک سیاه

نبات مصری عسل سه جند روغن گاو همه را سایند ممزوج نموده گولی برابر بادام بسته

۱ دام دام ۱ دام

۱ دام

در روغن کنجد تر کرده گولی بوقت شب استعمال کنند هر سه روز رحم از فضول رحمی پاک شود

و اگر فضول رحمی زیاده باشد تا هفت روز همین دستور استعمال نمایند مجرب است بعد از

استعمال این سبات سباتی که تنقیه رحم کند و بعد از تنقیه رطوبت را اخراج کند و عضلات

رحم را از ازلاق باز دارد و باصلاح آرد و ریح و نفخ و آنچه علت در رحم باشد دفع کند

و نام این سبات زنبات قشیر لت مجرب است مغز پسته کهنه مغز بادام کهنه تلخ مغز چلغوزه کهنه

شراخروت مغز نارجیل کهنه خرما کهنه مغز پنبه دانه بیهزال افیون لونگ کبابه خس

سعد کوفی سنبل الطیب جهر جهریله ماو کهپا قند سیاه برابر همه همه را کوفته بیخته

در آب زلال ادویه مذکوره یعنی بیهزال و سعد و سنبل الطیب و خس و لونگ کبابه

و جهر جهریله تر کرده دارند و در آب زلال ادویه مذکوره خوب حل کنند

و خشک سازند بعده قند سیاه خوب کوفته گولی ها برابر فندق بجفنگ کرده در

روغن سیاه همه گولی ها را اندازند و نگاهدارند وقت شب چهار گولی بر چهار طرف

رحم نگاهدارد وقت صبح دور کرده باز علی الصباح همین دستور استعمال نماید تا سه

سه روز همین لعاب میکند و اگر احتیاج باشد یک دو روز دیگر استعمال نمایند

مضایقه ندارد و مجربست تمام اگر عورت را بعد از روغن غسل حیض در شراب دو دانه بهاده

دهند خوب است و اگر در شراب دو دانه آتشیانه بدهند تا هفت روز بسیار خوب خواهد شد برای

نشاندن حیض اول یک پیاله گل نگه گرفته هر روز در شراب دو دانه تنباکو تازه برکرده

عورت را در میان آن بنشانند سه چهار گهری اگر تاب بیارند دو گهری کفایت

میکند تا هفت روز در جمیع اعضای که مدلق اند همه از اولاد تحت خواهند یافت و تمکن

خواهد شد و سبب حرکت تولد اعضاها که جابجا ارکان خود متحرک شده اند در نشانیدن

شراب همه درست خواهد شد مجربست تمام بعد از آن همین پارچه بعد از استعمال فرزجات

اخراج رطوبت رحم و تنقیه رحم و بعد از اصلاح رحم از جمیع چیزها این پارچه استعمال

بدستور معمول تیار ساخته باید کرد و بعد از استعمال پارچه پس شوهر خود برود همون

روز آبستن خواهد شد نسخه سنگ اول ماه نور ابیده چشم بند گهری بار و سنبر سوچها نکی

هیرا کسیس ملباسیر گل [illegible] بسته در سایه خشک نموده گل [illegible] گل داده

پوست بلیله اول سنگ را در [illegible] نگاهدارند [illegible] پارچه بردیان باید

بسته ادویه ها کوفته بیخته بر پارچه نگاهدارند و پارچه ادویه هفت ته پارچه [illegible] باید

را دارگون نمایند و بالای هاندی آن آتش کنند وقتی که از دو از گردد که بالکلیه

اثر درد و او بچه سگ نباشد از میان آن پارچه را نگاه دارند و استعمال کرده باشند

تا به سه روز یا هفت روز و باید که در وقت شروع پارچه تا آخر اسپند دام برگ تبول

هم وزن برگ پالسی هم وزن دام در پیچ انار آب بجوشانند تا آثار نماند صاف نموده نوشیدنی

باشند قدری قدری دو دو دو دام بعد از دو دو گهری یا چهار چهار گهری غذا دال مونگ

و نان موٹھه ویا چوچرونی اگر میسر شود خورده باشند بعد از استعمال برود طریق

جنس شوهر برود تا طریق پارچه نسخهٔ دیگر که رطوبت عورت که باز در تمام عمر نماند مجرب است

جهال مولسری جهال کچنار جهال جهر بیر جهال ببول جهال کولر سپاری چکنی مازو سنبل

هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام ده مار

چنانچه گویند ببول سپاری چهالیه ببول سپاری چکنی کمر توڑ کمرکس پنج بند یا ده

هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام هم وزن دام

ببول و ماوه پهتکری گیس سراب دو قسم بچه سگ که همون روز زائیده باشد

هم وزن دام دو دام دو دام بار عدد

همه را مع بچه سگ در آوند سفالی انداخته جوش دهند تا که غلیظ شود پارچه عفص

در آن آب تر کرده خشک سازند وقتی که خشک شود باز تر کرده خشک سازند

همین قسم سه چهار مرتبه بعده خشک کرده نگاه دارند و استعمال کرده باشند من بعد گر شوهر

خود بروند همون روز آبستن گردد وچه سوف و هر مجربست برای بضیق الغیل و سخن آن و منع رطوبات

فاخله آن عضو کند و بوست ارد و اعضا نما سا ... رطوبت از مساس

در عضو بدید آید قدری ... قلعی بوده واگر

زن آن بوست کرده بردار

جوال خشک کرده مازو سبز برمان

نسخه ایست که مکتوب در سفینه بود و بعمل رسید

بوست انار ... و قرنفل دارچینی عفص قرقا کسیلا که

استعمال نماید مجربست جهت رطوبت عورت من ... که

مغز بلیله زرد مایین خورد مایین کلان هیرا کسیس مازو ... سو

کف دریا بوست انار ولائتی گوهند و ... افیون کافور جوز دانه

همه را کوفته بحبه پوئی ها ساخته استعمال کرده باشند و بعد پوئی نیز استعمال

بعد از استعمال این دوا پیش شوهر خود برود همون روز حامل نماید مجربست

جهت تسخین رحم و دفع رطوبات آن و دیگر فواید مر زن را مجربست ... زنجبیل

مایئن خورد ؛ بسباری جهالہ گل سپاری گوبند ناگوری بہلی کجانی بابرنگ مایئن کلان

لونگ و پوست بالاکیسه سمند رسوکه مجیٹھ بہیلی ببول قرنفل جوز الطیب مسک ک[illegible]

دار چینی الایچی خورد تخم کرنس اذخر درونج عقرحا فلفل گرد میده گندم نبات سفید — اسارون ۲ تولہ

عسل خالص روغن زرد صمغ عربی بادام مغز شهد و نبات را بگلاب قوام نموده و زنجبیل

و میده و صمغ جدا جدا در روغن بریان نمایند و دواهای دیگر انداخته با صمغ و بادام و زنجبیل همه را

یکجا نموده پتری های بندند مقدار سه تولہ یا چهار تولہ رغبت نمایند و اگر عنبر اشهب یکدرم

اضافه نمایند بهترست ماڈن بنجه سهاگه سوبهٹھ جهت امراض بارده خصوصا برای رطوبت زنان که

بعد از زادن عورت نماید بهم رسد و استعمال آن در ایام تولد اکثر عورات برای حفاظت جمیع امراض — عورت

بارده میکنند مجربست زنجبیل انار خام کشنیز خشک بادام بادیان بابرنگ ملونجی فلفل گرد

فلفل دراز ناگر موتهه ریح بیترج الایچی خورد ناگیسر مایئن خورد مایئن کلان قرنفل

گری اخروٹ چرونجی بادام مغز خرما صندل کما خورشکر تری شیر گاو روغن زرد

باو ابار بخته اول شیر را کهوه کرده همه ادویه را سبده نموده در کهوه اندازند بعده

شکر را قوام کرده ممزوج ساخته قرص های یا لوزها نموده نگاهدارند خوراک یکدام مجربست ۱۰

خود بروند همچون روز انستین کرده و چه سفوف دیگر مجربست برای تضییق الفعل و سختی آن و منع رطوبات

فاصله آن عضو کند و پوست آرد و اعضا تا بس را قوه دهد و بعد از دخول که رطوبت از مساس

در عضو بند آید عذری بر عضو باشند بهمان طریق مشغول باشند از زبان خواجه شکر الله قلی بوده و اگر

زن آن و پوست کرده بردارند ملد و توتیای نشنت بتجربه رسیده و دار شیشعان بستانه پوست سحر

جوان خشک کرده مازو سبز بریان کرده مشک خالص کافور جو دانه و الاجنبا کس این اصل

نسخه نیست که مکتوب در سفینه بود و بعمل رسید و اما اگر این اجزا بقر اند نوبت بکوبند و ملا

پوست انار ... مرنفل دارچینی عفص قرحا کبابه کیلا بدستور سفوف سازند وقت حاجت

استعمال نماید مجربست دیگر جهت رطوبت عورت من تالیف که با تمام عمر ماند عنزروت زرورد پوست سرو کوهی

موز بلیله زرد مازوی خورد مازوی کلان ... مازوی سوراخ ... بریان کرده

کف دریا پوست انار ولایتی کوبند و ... افیون کافور جو دانه عنبر اشهب مشک

همه را کوفته بتجربه پوتلی‌ها ساخته استعمال کرده باشند و هر پوتلی را بعد استعمال اگر بکنند خوبست

بعد از استعمال این دوا پیش شوهر خود بروند همچون روز حمل نماید مجربست دیگر ... سفید

جهت تسخین رحم و دفع رطوبات آن و دیگر فواید مر زن را مجربست ... زنجبیل ... صمغ ...

۱۰

مایین خورد نسباره حماله جل سیناری گوند ناگوزی کهلی کرانی با برنگ مایین کلان

۲۰ دام ۲۰ دام ۲۰ دام ۲۰ دام ۲۰ دام ۲۰ دام ۲ ۲۰ دام

لوکر و بوبن [illegible] بهسلی ببول قرنفل جوزالطیب مسک لسباسه

۲۰ دام ۱۰ دام ۱۵ ماسه ۱۵ ماسه ۱۵ دام

دار چینی [illegible] بیده گندم نبات سفید

۵۰ دام ۱۰ اثار

اسارون ۲۰ دام

[illegible] ت را بگلاب قوام نموده ورنجبیل

[illegible] و بکر انداخته با جمع وبادام ورنجبیل همه را

[illegible] یا چهار تولـه رغبت نمایند واگر غیر انشهب بکدرم

[illegible] سو بهبه جهة امراض بارده خصوصا برای ربوبت زنان که

خورش

[illegible] رو استعمال آن در ایام تولد اکثر عورات برای حفاظت جمیع امراض

بارده مبلدبر [illegible] جیتل انار خام کسنر خشک ۲ دام بادیان بابرنگ جلوکی فلفل کرد

۲ دام ۲ دام ۲ دام ۲ دام ۱۰ دام

فلفل دراز ناگر [illegible] ترنج الاچی خورد ناگیسر مایین خورد مایین کلان قرنفل

۲ دام ۲ دام ۲ دام ۲ دام ۲ دام ۲ دام ۲ دام ۲ دام

گری اخروت جی [illegible] مغز خرما صندل کمانورز شکر تری شیر گاو روغن زرد

۲ دام ۲ دام ۲ دام نیم دام ۲ ماسه ۲ اثار کخته ۲ اثار کخته

با وا اثار کخته اول [illegible] کروه همه ادویه را سبده معزده در کهوه اندازند بعده

شکر را قوام کرد [illegible] ساخته قرص های یا لوزها نموده نگاهدارند خوراک یکدام تجربه ست

ترکیب سنتوره مویه دارمنه سده گندم صمغ عربی زنجبیل جوز بویه ابستانه موم نادان تخم سوسنه

مغز چلغوزه مغز احروت همه را سوای صمغ عربی کوفته بیخته بادام و مغز را باریک ریزه نموده

روغن زرد و در روغن صمغ را بریان کرده نگاهدارند بعد از آن سده را در روغن بریان

کرده نگاهدارند نبات سفید هم با و در آب قوام نموده ادویه و بادام و غیره باشد

به سنتور سنتوره سازند فایده منه انچه معلوم است که عورات را بعجب ترین وقت تولد

طفل میشود و همه بزبر حفظ صحت عورت و طفل همه امراض ضروری مناسبه طفل و همه بد بهران تو رسید

وقتی که از ان در زحمت یافتم شروع نمودم بعض بعض امراض که در تولد عارض میشود و بعد

از تولد نیز بعد ایام طول عارض میشوند می نویسم به دستور معمول الاستاد الوالد الماجد سلمه

مثل حمی و سرسام و فالج و لقوه و برسوت زنان و خفقان و اختناق رحم و ورم رحم

و نتق رحم که در حرکت تولد حاصل میشود و عقیمه این همه امراض سبب بقیه فضول رحمی و حبس

دم طمث که بوجوهات و جمیع امراض ایت میشود باید که بنابر ضرورت هر یک مرض را علاجه بدستور استاد

الوالد نوشته باید که این طریق نوشته این عاجز بشرط طبیب دانا باشد عمل کند و از جمیع آفات

محفوظ است اما اگر عورت را بعد از تولد حمی عارض شود خواه بعد و قریب ولادت خواه بعید

فایده

سیاکه

از تولد

از ولادت نیک نفعی وار طمثی و حبس فضول رحمی تسخین معمول الاستاد بادرنک جانی

نبات و بر مقدار انار آبی بجوشاندیم باد و یجابند صاف بوده بوشنلار دیگر نسخه عناب

اصل السوس مویز منقی خاکشی نبات ورینه انار آبی بجوشاندیم باد و یجابند صاف بوده

بوشنلار دیگر نسخه گل بنفشه اصل السوس شکاعی بنیج مویز منقی خاکشی ورینه انار آبی بجوشاندیلر

هم باد و یجابند صاف بوده گاهی ورق عنب الثعلب عرق کاسنی جوشش وادره شربت بزوری

معتدل داخل کرده بوشنلار دیگر نسخه بوماداران گل بنفشه اصل السوس برسیاوشان

مویز منقی ورینه انار آبی بجوشاندیم باد و یجابند صاف بوده شربت عناب داخل کرده تا خافه

خاکشی بوشنلار دیگر نسخه بوماداران اسکلاشیع گل بنفشه خاکشی ورینه انار آبی بجوشاندلر

۱۴ هم باد و یجابند صاف بوده شربت بزوری معتدل داخل کرده بوشنلار دیگر نسخه مویز منقی عنب الثعلب

اصل السوس اسارون گل بنفشه ورینه انار آبی بجوشاندیم باد و یجابند مغز تخم کدو

شیره بر آورده داخل کرده شربت بزوری معتدل داخل کرده خاکشی پاشیده بوشنلار

دیگر نسخه خاکشی مویز منقی ورق عنب الثعلب عرق کاسنی بجوشاندیم باد و یجابند صاف بوده

شربت عناب داخل کرده بوشنلار واگر عورت راحت اولمشیدی کوجلیچ شدید حتی که بدن یابان

و اختلال عقل باشد انچه علامات سرسام باشد بظهور آید علاج ان شیق معمول الاستاد الوالد

باید کرد اول باید که سناهها در بار برده موافق دستور معمول عمل کنند و استعمال نان

نیز موافق معمول استعمال نماید بدین طریق آرد مونک نیم پاو کشنیز کا و خمیره کرده نان سازند

و یک طرف قدری بر طوه آهنی نیم خام پخته نمایند و یک طرف خام قدری کشنیز کا و قالب بر سر آن بندند

تمام شب اگر روز دویم باشد نیز همین طریق شاهجهانی و نان استعمال نماید و اگر روز سیوم

احتیاج باشد نیز مضایقه ندارد و پای شوربه نیز همین دستور استعمال باید کرد بابونه ۲ توله

اکلیل الملک ۲ توله گل بنفشه ۲ توله تخم خطمی ۲ توله سبوس گندم نیم پاو عنب الثعلب ۲ توله برگ کنار ۲ عدد برگ بید ۲ عدد

نمک سنگ ۲ توله بوره ارمنی ۳ توله ارد جو ۲ ماشه نمک شاهی ۲ ماشه در دو آرد ده آثار آب بجوشانند تا نیم آثار آب

بمانند صاف نموده بطریق معمول پای شوربه نماید مکرر و سه گرم مختار طلبیت بشرط احتیاج

مضایقه ندارد و این جوشانده استعمال نمایند عناب ۱۰ دانه گل بنفشه ۷ ماشه تخم خطمی ۵ ماشه موبز منقی ۱۰ دانه

خیار در بیستم آثار آب بجوشانند تا نیم پاو بمانند صاف نموده بنوشند و اگر شدت

عطش باشد مغز تخم کدو ۲ توله شیره برآورده داخل کرده بنوشند و عوض آب عرق گاوزبان

و عرق عنب الثعلب دهند باشند دیگر عناب ۱۰ دانه گل بنفشه ۷ ماشه اصل السوس ۶ ماشه گاوزبان ۳ ماشه ورق بادرنگ ۲ ماشه

عرق گاوزبان بکوشانند هم با و بمانند صاف نموده تخم کدوی شیره برآورده داخل کرده

شربت بنفشه داخل کرده بنوشند با دیگر نسخه عناب سپستان اصل السوس گل بنفشه

الوبخارا مویز منقی در نیم آثار آب بکوشانند هم با و بمانند صاف نموده شربت نیلوفر معتدل

داخل کرده عبد اللطیف خیارین شیره برآورده خاکسی داخل کرده بنوشند و دیگر نسخه عناب اصل السوس

گل بنفشه تخم خطمی تخم خیارین گاوزبان مویز منقی الوبخارا در نیم آثار آب بکوشانند هم و

بمانند صاف نموده ترنجبین حل کرده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند با و ایام بحران

ملحوظ داشته مسهل دهند و تولد استعار ایام بحران آن از روز تولد طفل شمار میفرمایند

[illegible] بانزدهم در سه روز مسهل دهند و اگر احتیاج دو مسهل باشند اکتفا نمایند

تخم خیار عناب سپستان الوبخارا اصل السوس گاوزبان گل گاوزبان

سنا مکی فلوس خیارشنبر مویز منقی برگ سنامکی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی

باج بکوشانند هم یکم با و بمانند صاف نموده ترنجبین شیرخشت مویز فلوس

بادام بنوشند و بعد زوال حمی و سرسام و صداع اصلاح مزاج

که موجب تصفیه اخلاط کرده است و تنقیه اخلاط موجب صحت

واختلال عقل باشد اگرچه علامات سرسام پیدا باشد بظهور آید علاج آن نسخهٔ معمول الاستاد الوالد

باید کرد و اول باید که شاهجهانی و رُبّها هردو موافق دستور معمول عمل کنند و استعمال نان

نیز موافق معمول استعمال نماید بدین طریق آرد موینک لشکر کا نیم پاو خمیره کرده نان سازند

ویک طرف قدری بر طوه اهنی هم خام پخته نمایند و بطرف خام قدری شیر کاو مالیده بر سر بندند

تمام شب اگر روز دویم باشد نیز همین طریق شاهجهانی و نان استعمال نماید و اگر روز سیوم

احتیاج باشد نیز مضایقه ندارد و پای شویه نیز همین دستور استعمال باید کرد بابونه ۲ توله

اکلیل الملک ۲ توله گل بنفشه ۲ توله تخم خطمی ۳ توله سبوس گندم نیم پاو عنب الثعلب توله [illegible]

نمک سنگ ۲ توله بوره ارمنی ۳ توله آرد جو ۲ ماشه نمک سانبهر ۲ ماشه در دو وار ده انار آب [illegible]

نماید صاف نموده بطریق معمول پای شویه نماید مکرر و اگر رحتیا [illegible]

مضایقه ندارد و این جوشانده استعمال نمایند عناب ۱۰ دانه گل بنفشه ۷ ماشه [illegible]

نبات ۲ توله در نیم انار آب بجوشانند نیم پاو و نیم صاف نموده [illegible]

عطش باشد مغز تخم کدو ۷ ماشه شیره برآورده داخل کرده بنوشند [illegible]

و عرق عنب الثعلب ده توله باشند دیگر به عناب ۱۰ دانه گل بنفشه ۷ ماشه اصل [illegible]

عرق گاوزبان بجوشانند هم باو بمالند صاف نموده سکنجبین بزوری کدو شیره برآورده داخل کرده

شربت بنفشه داخل کرده بنوشند ۱۲ و دیگر نسخه عناب سپستان اصل السوس گل بنفشه

آلوبخارا مویز منقی در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بمالند صاف نموده شربت بزوری معتدل

داخل کرده عبد السلطان خیارین شیره برآورده داخل کرده نهند بنوشند و دیگر نسخه عناب اصل السوس

گل بنفشه تخم خطمی تخم خیارین گاوزبان مویز منقی آلوبخارا در نیم آثار آب بجوشانند هم باو

بمالند صاف نموده ترنجبین حل کرده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند ۱۲ و ایام بحران

ملحوظ داشته مسهل دهند و مؤلف استار ایام بحران آن از روز تولد طفل شمار میفرمایند

بروز هفتم یا دوازدهم یا شانزدهم در سه روز مسهل دهند و اگر احتیاج دو مسهل باشد اکتفا نماید

گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیارین عناب سپستان آلوبخارا اصل السوس گاوزبان

برگ گل سرخ اصل السوس گلسرخ مویز منقی برگ سنای مکی ورق عنب الثعلب عرق کاسنی

شب تر کرده دارند صباح بجوشانند یکجوش باو بمالند صاف نموده ترنجبین شربت مویز ملوس

حل کرده باضافه روغن بادام بنوشند ۱۲ و بعد زوال حمی و سرسام و صداع اصلاح مزاج

حبس فضول رحمی و دم طمثی که موجب تعفن اخلاط کرده است و تنقیه اخلاط موجب حمی

تعفن

ورسام شدید بشود اخراج آن باید کرد تا وقتی که اخراج فضول نخواهد کرد خلاص مرض بار نخواهد شد

تدبیران با ادویه مذکوره بارده و حاره و معتدله بمناسبت مزاج شخص بدستور معمول استعمال

باید کرد. عالج الاستاد الوالد امراة وزیر الهند قد حدث له صداع شدید و حمی حادة و هذیان

بعد انقضاء ستة ایام بعد الولادة فعالج الاستاد الوالد من الیوم الاول من المطبوخ المعمول

لسهر الکبد و حدث له من کل ذلک المطبوخ هذیان اشد من الاول و اختلاط العقل و صداع

حتی لا یبصر شیئا حکمه حکم الاعمی فعالج الاستاد الوالد بالمطبوخ و النطول المذکورین صفة مطبوخ

للنساء بعد الولادة او اکان حمی شدید و صداع شدید مع التهاب بسبب احتباس دم نفاس

عناب تخم خطمی تخم خیارین گل بنفشه همه را در عرق بادرنگ عرق گاوزبان شب تر کرده

دارند صباح بجوشانند نیم نا و بمانند صاف نموده خیارین مغز تخم خربزه شیره برآورده داخل

کرده شربت عناب شربت بنفشه خاکشی پاشیده بنوشند. صفت نطول من ترکیب قدمای

لاورام الرحم و یستعمل الاستاد الوالد لهذا المرض بمنعه البخارات المرتفعه من الرحم الی الدماغ.

صفت بابونه اکلیل الملک تخم خطمی تخم کتان ورد ه انار آب بجوشانند نیم انار آب

بماند صاف کرده بر شانه نطول نماید فایده اگر زچه را تب حبس فضول حیض دم

۲۰

طمثی فالج و لقوه باشد بالسبب دیگر که عورت بسبب افراط اخراج فضول آن دوم طمثی ضعف طبیعت این قدر

شد که طاقت مقاومت برودت هوای سرما را اصلاح نکند و بسبب ضعف مزاج و ضعف طبیعت او بسی

اعضای متأذی میشود و بسبب برودت بدن و علاوه برودت هوا این همه موجب فالج و لقوه میشود

معالجه آن بدین طریق باید کرد اول باید که از هوا احتیاط کامل کنند و در گوشه که در آن هوا نرسد بارده

های بهی و با احتیاط حفاظت باید کرد و نیز گرد مریض دو سه مجمرهای پر از آتش افروخته موافق برودت

مزاج نگاهدارد و مدت هفت روز ترک معالجه کنند یکهفته بدهند افضل مرتبه است که یکهفته ترک معالجه

کنند و در اول در شروع علاج یک چوب لوبیه در دهان مریض نگاهدارند که تمام روز و شب در دهن

مریض باشد و در استعمال ماء العسل بوقت صبح دو دام و دو دام وقت دوپهر و دو دام وقت سه پهر

و دو دام وقت شام تا سه روز یا هفت روز و غذا و آب ترک نمایند و اگر مرض شدت بدهند

تریاق فاروق مرغ یا مثرودیطوس بقدر یک نخود بوقت صبح همراه ماء العسل بدهند و اگر مناسب

باشد وقت شام نیز ارد و اوده بقدر یک نخود همراه ماء العسل بدهند و عوض غذا و آب همین ماء العسل

اکتفا دارند و اگر ماء العسل بالا فاوئیه تیار کرده همراه تریاق و یا مثرودیطوس بدهند بسیار خوب

خواهد شد روز چهارم افتیمون زیره سیاه تخم کرفس بالنگو عود صلیب [illegible] در هم انار [illegible] بالان

نه ماشه نه ماشه نه ماشه نه ماشه ماشه نه تولہ

بجوشانند هم با او بدهند صاف نموده بنوشند و فنشاء تریاق فاروق با طبیخ افتیمون و زر بالان
بهم باشد بلکه با و

جوشش داده بدهند و عوض آب عرق بادیان بدهند و اگر شدت عطش باشد عرق بادرنجبویه

دو سه دفعه بدهند روز پنجم دران ترکیب سکنطراشیا زیاد کنند و روز ششم عاقرقرحا بکوفته

اضافه نمایند و روز هفتم زنجبیل اضافه نمایند و در روز نهم و دهم لوبیا دران اضافه نموده

استعمال نمایند و روز دهم اسارون بلحاظ او و به بلاده چاره باصل مرض داخل کرده ام

اضافه نموده باید داد و همین جوشانده تا روز شانزدهم همین دستور استعمال کرده باشند

و از طرف غذا فقط نخود آب نخود جوجه مرغ مع مصالح پخته میداده باشند و در ستعمال حرارت زیاده شود

بادرنجبویه و گاوزبان در جوشانده مذکور زیاده بکنند مضایقه نیست و عوض آب عنب الثعلب زیاده

سه چهار دفعه عرق بادرنجبویه یا عرق گاوزبان بدهند لیکن عرق گاوزبان ممزوج بعرق بالان سیر گرم

کرده اگر بدهند مناسب است و بعد شدت الحرارت نسخه تریاق و فنشاء موقوف نماید و روز

شانزدهم از روز تولد طفل ملحوظ داشته مسهل بدهند حب ایارج لوبت بیله رز و چهار گرم

سنا مانده از عرق بالان نیم گرم کرده بخورانند وقت دو پهر نخود آب جوجه مرغ و بالنگو

باقدری گهی دو سه جوش بدهند مضایقه ندارد و علی الصباح مسهل عرق بالان عرق عنب الثعلب بروز شنبه چهار

۱۰ اونه ۲ توله ۱۰ اونه

تم فی القم

ممزوج نموده بنوشند تا سه روز بعده بعد از آن بار سه روز همون جوشانده بدهند و اگر دو سه
دواجات موافق مزاج و موافق رای طبیب کم کند مضایقه نیست باید داد و بعد از آن بروایت دویم
مسهل دیگر بهمین دستور بدهند حب ایارج سفوف پوست هلیله زرد بدستور معمول چهار گری بانزج
با عرق بادیان بدهند وقت دو پهر نخود آب بچوجه مرغ یا کبوتر بدهند غذا و وقت شام کباب چوجه مرغ یا کبوتر
تا سه چهار فلوس کهچری مونگ بدهند مضایقه ندارد بعده همون تبرید سه روز بدهند بعد از آن دو روز
بار همون جوشانده بدهند اگر ادویه یک مراد دیه هم کم نمایند علی رای طبیب مضایقه ندارد دو روز
هشتم بار مسهل بهمین طریق باید داد حب ایارج سفوف پوست هلیله زرد چهار گری بانزج
با عرق بادیان بنوشند وقت دو پهر نخود آب و غذا بدستور بدهند و سه روز همون تبرید استعمال
کنند همین قدر بعد از هشت روز قدری قدری نان خمیره با شوربای مرغ قدری روغن بخورند
و قدری کهچری مونگ بخورند بهمین طریق قدری قدری نان زیاده بکنند و قدری قدری روغن
زیاده کنند تا که مزاج بالکلیه در اصلاح آید بعده از قسم معجونات جاره خواه معجون سیر باشد یا خمیره
چند روز استعمال کنند ترکیب برای قوه مزاج مریض دواء المسک حار دواء المسک معتدل
ورق طلا چند عدد سنبر ممزوج نموده استعمال نماید در چند روز طاقت مریض ازین مرض اخواهد استعمال

[illegible]

ترکیب ماء العسل بو شهد خالص عرق بادیان ممزوج نموده بجوشانند یک اثار بماند باقدری زیاده
یک اثار — یک اثار
مضایقه ندارد ترکیب ماء العسل بو وقتی یک اثار یا بالا بماند صاف نموده در شیشه نگاه دارند

وقت حاجت استعمال کرده باشند ترکیب ماء العسل بو بالا خاویه شهد خالص عرق بادیان
یک اندر یک اثار

بجوشانند وکف بگیرند ودر عین طبخ ادویه تحت در لوتلی بسته داخل نمایند وطبخ دهند تا بقوام

آید پارچه تر نموده نگاه دارند فلفل سیاه زنجبیل سنبل الطیب قرفه قرنفل قولنجان
مثقال مثقال مثقال مثقال مثقال مثقال

مثقال مصطکی در لوتلی بسته داخل نمایند بعد از تیار شدن در شیشه نگاه دارند وبدستور معمول

استعمال کرده باشند فایده منه اگر عورت را اختناق رحم بسبب احتباس دم طمثی وحبس

فضول رحمی حادث گردد یا سبب دیگر باشد علاج آن بدین طریق باید کرد پایهای او را

دلک سخت نمایند وبه بندند بنوازد یا بطلاب وبر نافش محجمه عظم وسخت نهند وامر کنند قابله که

سر انگشت روغن زعفران ودغدغه کنند فم رحم را یک ساعت وبدهند در بینی او کندش

وفریاد کنند با کوبش وبوی کنند خوشبوی را مثله جمول خوشبوی وغالیه وبر سر طلا کنند وبویند

بوی های بد بخور بلیله پارچه سوخته وجندبیدستر وکبریت وچون بهوش آید علاج کند تا که

بار نوبت دیگر نیاید واز این هم رسد عقب احتباس طمث پس بدهند تدارک طمث وجای فصد

اما

از پای‌های او و اگر حادث شود بسبب لذت جماع علاجش ترویج است تا آنجا با بدام کند
چنانچه در برابر اندک زمانی دوای مقلل منی بخورند و علاج عسی عنبر اشهب بخورش در بینی
کنند و نهند و بوی بینی بر رحم نهایت باشم و روغن های گرم که در و مشک و عنبر حل کرده
باشند در رحم بمالند و بعد از نوبت اگر احتباس طمث باشد معالجه او با درار باید کرد و فصد
صافن کنند و اگر کثرت منی باشد بحبوبات و ابازیرات تنقیه کنند علامت آن راحت یافتن
از سیلان رطوبت رحم در وقت ظهور طمث اللاموی فصد اگر صافن و اخراج خلط باستفراغ
باودیه مناسبه و اسپغول و تخم کتان ساییده باشند فرزجه کنند یا از جو به ساییده بروغن
گاو بنفشه تر کرده شیاف سازند طمث شیافها جهت حبس چند بسته بادیان شیاف الورن
کرفه کوفته بیخته بزهره گاو سرشته بقدر سه بحد شیاف سازند و حمول نمایند ادویه مدر
طمث من الحمول بادیان انیسون کبر حسک سکطر اسع مورمکی اسارون درهم
انارات نخوی باید هم نا و باید صاف سوده شهد اوله داخل کرده بنوشند قاد دیگر
من الحمول دارچینی قطاسیرین هر دو را کوفته بیخته اندک آب داخل کرده بپزند
تا مثل مرهم شود مالیدن در تیلی که طول او چهار انگشت و عرض او سه انگشت باشد

داخل کرده شیر گرم بر بالای آن بدهند دیگر حقنه بوماداران شکر طبرزد شمع اسارون

موثر منقی حب آس کوفته تخم خربزه کوفته در عرق خارخسک عرق خار سنبر

بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده بنوشند دیگر حقنه اسارون پرسیاوشان

شکر طبرزد شمع تخم بدیان انیسون در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بمانند صاف

نموده مغز تخم خربزه شیره بر آورده شربت بزوری معتدل داخل کرده با صاف

زیبوند جنی بنوشند دیگر بیخ الاسنا خارخسک کوفته بالان موثر منقی

در عرق بادرنجبویه خارخسک جوشش داده صاف نموده باضافه روغن بادام

بنوشند دیگر برای اختناق رحم من معمول الاستاد تکیه بطریق معمول

عورت در زیر خود دود بگیرد بسیار مجرب است برای اختناق رحم دوا المسک حار

عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شربت گاوزبان داخل کرده بنوشند

دیگر حقنه معجون ورد عرق گاوزبان عرق کیوره گلاب شربت گاوزبان داخل کرده

بنوشند دیگر حقنه جوارش عود عنبر اشهب ممزوج نموده بعد از آن عرق گاوزبان

عرق صندل بید مشک شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند دیگر حقنه دوا المسک معتدل

عرق کیوڑه عرق گاوزبان مدمسک مفرح نموده شربت انار شیرین داخل کرده

بخورند و دیگر نسخه جوارش انار شیرین آب انار شیرین گلاب مدمسک شربت سیب

داخل کرده بنوشند تا ترکیب قرص مشک خالص عنبر اشهب سنبل الطیب

زعفران نوشته شهد قرص سازند و باقی تدبیرات مناسب علاج خفقان

که عقب این نوشته خواهد شد بلحاظ مناسب ادویه که موافق مزاج جسم باشد

وصعود ابخره را باز دارد و مفرح باشد داد و به که اصلاح مزاج جسم کند باید کرد

باب الرعونت زچه رالبب احتباس طمث وحیض فضول رحمی خفقان عارض شود علاج ان بادویه

مدرّه مع لحاظ حرکت خفقانی بادویه مفرحه در شربت استعمال نماید و همراه خفقان اگر بسوء عارض

شود و مزاج شخصی حار باشد معالجه آن موافق حرارت مزاج و به لحاظ مرض باید کرد و طریق

معالجه نیز نوشته است تا باید که اول فصد باسلیق بکنند بعد فصد صافن بعد از آن بتلطیف تدبیر کرده باشند

عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق کیوڑه شربت بادرنجبویه داخل کرده باضافه دواء المسک معتدل

بخورند تا دیگر للخفقان دواء المسک معتدل عنبر اشهب مخلوط ساخته بخورند عقب ان عرق بادرنجبویه

عرق بیدساده عرق بیدمشک شربت بادرنجبویه داخل کرده باضافه ورق مشک بخورند تا

دیگر مفرح جواہر مہرہ ورق طلا عنبر اشہب دانہ الاچی خورد کشمش [illegible] شربت انار سرشتہ

ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق گلاب عرق صندل عرق بادرنجبویہ شربت عنبری

دوحل کرده بنوشند تا [illegible] دیگر للحقیقہ دواء المسک معتدل و دواء المسک حار مروارید ناسفتہ

ورق طلا ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق شبد مشک عرق بید مشک سالہ عرق صندل

شربت اندسیر [illegible] داخل کرده باضافہ قرص مشک بنوشند تا دیگر للحقیقہ جوارش

عود شیرین عنبر اشہب بخورند عقب ان عرق بید سالہ عرق بید مشک عرق صندل شربت

انار شیرین داخل کرده بنوشند تا دیگر عود غرقی عنبر اشہب مروارید ناسفتہ طلا شیر

زعفران دانہ الاچی خورد گل گاوزبان کوفتہ در شربت سیب ممزوج نموده بخورند عقب ان

عرق بادرنجبویہ عرق بید سالہ عرق ثعلب شربت بادرنجبویہ بنوشند تا دیگر مفرح

جواہر مہره مشک عنبر اشہب زعفران عود غرقی طباشیر بادام کوفتہ شربت سیب شیرین

ممزوج نموده بخورند عقب ان عرق صندل عرق گاوزبان عرق بادرنجبویہ شربت گاوزبان

ممزوج نموده باضافہ قرص مروارید بنوشند تا دیگر للحقیقہ عود غرقی الاچی خورد بادام

در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باقی ماند صاف نموده بنوشند دیگر مفرح

قوام

جوارش انار شیرین عنبر اشهب مشک ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق صندل دوا
عرق بودینه شربت سیب داخل کرده بنوشند تا دیگرینه دارچینی الائچی خورد
بوده جکک گاوزبان نبات در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم بادیان
صاف نموده با خمیره دارالمسک بنوشند تا دیگرینه عود غرقی قرنفل ابریشم
زرنباد دارچینی گاوزبان نبات کوفته بیخته سفوف سازند قدر یک ماشه با عرق گاوزبان
عرق بیدمشک عرق بادرنجبویه شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند تا دیگرینه
عنبر اشهب عود غرقی مشک موی ریشقی کوفته بیخته مخلوط ساخته بخورند عقب آن دانه هیل
طباشیر در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شیره برآورده شربت
بادرنجبویه داخل کرده بنوشند تا دیگرینه طباشیر دانه هیل کشنیز خشک در عرق بودینه
عرق بادرنجبویه عرق بیدمشک ساده شیره برآورده رب شیرین داخل کرده تخم تمکک
باشند بنوشند تا دیگرینه بر سوت زنان که خفقان شریک باشد زعفران موی ریشقی در
عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق بودینه شب تر کرده دارند صبح مالیده صاف نموده
شربت سیب عنبری داخل کرده بنوشند تا دیگرینه زعفران عنبر اشهب مروارید ناسفته

مویز منقی کوفته نخته ممزوج نموده شربت سیب عنبری ایخته بخورند عقب آن عرق صندل عرق

بهدوانه ۵ تولہ ۲ تولہ

بل لوا عرق بید مشک شربت انار شیرین تخم کوک داخل کرده بنوشند

۵ تولہ ۵ تولہ ۲ تولہ

دیگر بته زعفران مویز منقی مخلوط ساخته بخورند عقب آن طباشیر مسک در عرق

۵ دانه

هلیله عرق صندل عرق بادرنجبویه شیره برآورده شربت انار شیرین داخل کرده

۵ تولہ ۵ تولہ ۲ تولہ

بنوشند فایده مته وقتی که ایام طمثی برسد او را به مدرات طمث استعمال نماید تا که

اخراج ماده طمثی شود پس بعد تسخین رحم و تقویت رحم و شیافات محموله باید کرد و اگر

مناسب باشد اول فصد باسلیق باید دوم فصد صافن باید کرد بار او را به مدره و تقویت

استعمال باید کرد و مسهل در این امراض اکثر مضر است مگر معتقد ضرورت که ماده طمثی

که بالعرض با خلاط متعفن مخلوط شده باشد خلط را به مسهل اخراج کنند و ماده

طمثی را او را به مدره دفع کنند بدین طریق بو بادران مسلط اسطوخودوس در عرق

۳ ماشه ۳ ماشه

کرفس عرق خارخسک عرق خار شتر شب تر کرده دا مرید صباح مالیده صاف

۶ تولہ ۶ تولہ ۶ تولہ

نموده خیارین تخم خربزه شیره برآورده داخل کرده شربت بزوری معتدل

۲ تولہ

ممزوج نموده بنوشند ملح دیگر بته خارخسک مکوفته تخم خربزه مکوفته مسلط اسطوخودوس مویز منقی

۱۰ دانه ۶ ماشه ۵ ماشه ۶ ماشه

دادن

دروق خارخسک عرق خار شتر بجوشانذ نیم پاو بماند صاف نموده شربت جنار عل معرغم

خیره بسبره برآورده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ط سفوف برای

تسخین رحم و تقویت آن مصطکی مسک خالص عنبر اشهب زعفران مایه بسرا کوفته بیخته

با شهد خالص سفوف یا ساخته استعمال کرده باشند ط دیگر برای تنقیه بعد نفاس پرسوت

زنان مومیای مومیائی زعفران عنبر اشهب شربت انار میخوش مخلوط ساخته بخورند

عقب ان عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق صندل شربت عنبری داخل کرده بنوشند ط

فائده تریاق فاروق و مومیائی برای پرسوت زنان بالخاصیت فائده دارد

بهر وجه بادویه مناسبه مزاج حار و مزاج بارد استعمال کرده باشند ط فائده اگر

عورت را بسبب احتباس فضول رحمی و دم طمثی و یا بسبب حرکت تولد طفل ورم رحم عارض

شود و یا ورم مستاق و وجع رحم و وجع مستان عارض شود باید که اول فصد

باسلیق نموده فصد صافن بعد آن عوض غذا نخود آب چوچه مرغ و عوض آب

عرق عنب الثعلب و عرق کاسنی استعمال کرده باشند و این نسخه جوشانده بدهند

بادیان بیخ بادیان تخم کاسنی بیخ کاسنی تخم خیره مکو منقه مویز منقی ورم انار

آب بکوبانند بهم باو بمانند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ط

دیگر نسخه تخم کاسنی عنب الثعلب تخم کشوث تخم خرپزه خیارین مکوفته مویز منقی

گلقند آفتابی در عرق خارخسک عرق عنب الثعلب بکوبانند بهم باو بمانند صاف نموده

خاکسی باشربت بنوشند ط دیگر نسخه تخم کاسنی مکوفته گل بنفشه تخم کاسنی مویز منقی

خاکسی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی بکوبانند بهم باو بمانند صاف نموده تخم خرپزه

مغز تخم کدو شیره برآورده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند ط دیگر نسخه خاکسی

گل بنفشه عنب الثعلب مویز منقی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی بکوبانند بهم باو بمانند صاف

نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه تخم کشوث بنوشند ط دیگر نسخه

خاکسی مویز منقی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی بکوبانند بهم باو بمانند صاف نموده

مغز تخم خرپزه شیره برآورده داخل کرده شربت بزوری معتدل شربت بنفشه مرموج نموده

بنوشند ط دیگر نسخه عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق بادیان شربت بزوری معتدل

گلقند آفتابی مرموج نموده تخم کشوث باضافه نموده بنوشند ط دیگر نسخه

خاکسی منکلطرا مسیح گل بنفشه عنب الثعلب تخم کاسنی تخم خرپزه مکوفته مویز منقی در عرق

عنب الثعلب عرق کاسنی کوفته باشد هم باقیمانده صاف نموده شربت بزوری معتدل سرشته

داخل کرده بنوشند و عوض غذا نخود آب و کباب دهد و عوض آب عرق عنب الثعلب

و عرق کاسنی نوشیده باشند و گاهی ورم مزمن صلب از ماده سودا عارض میشود

اگر غفلت از معالجه خواهد کرد و دیر بموجب استسقا خواهد شد علاج در ابتدا فصد باسلیق

و مسهل سودا ایارج و افتیمون و شربت افتیمون و گل قند و سکنجبین بزوری کنند

در ورم رحم اگر وجع بسیار کند ضماد نماید مثله بابونه اکلیل الملک گل بنفشه تخم خطمی

آرد جو از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن گل ضماد نماید

دیگر ضماد مثله گل بنفشه عنب الثعلب صندل سفید صندل سرخ ریوند (?) با مامیثا تخم خطمی

سنبل الطیب زعفران از آب برگ عنب الثعلب سبز با اضافه روغن گل ممزوج نموده

ضماد نماید و مصطکی در روغن گل یا در روغن بابونه بر جای ورم بمالند و ضماد جهت وجع

رحم دیاخیلون (?) من الاسناد زعفران بزرالبنج افیون جرلی (?) مرمکی تخم خطمی

زرده بیضه مرغ روغن زردالو ضماد نماید ضماد دیگر مثله گل بنفشه عنب الثعلب سوسن

گندم آرد جو سنبل ماثا (?) گل سرخ سنبل الطیب زعفران از آب برگ عنب الثعلب سائیده

بر روغن گل بنفشه ممزوج نموده شیافلر کرم ضماد نماید مانند جلبله نه استعمال دلخواه

نیز در ممکن ان جسم مانند احت آنی می نماید مانند نه اگر درم ورم منفتح شود علاج

آن بادویه منفتحه رحم استعمال نماید وپاک کنند من بعد ادویه نموده منفتحه ممزوج

نموده بوزرجه استعمال نماید دیگر نه آب برگ عنب الثعلب آب برگ سفیدخالص

سوم زرد سفید مغز مرغ جرلی لطا ممزوج کرده فرزجه سازند دیگر نه آب برگ

آب برگ عنب الثعلب سفیده کاشغری گل ارمنی گلسرخ عنب الثعلب سفید خالص جرلی مرغ

جرلی گرده بز روغن گل ممزوج نموده فرزجه سازند دیگر ترکیب استاد برای ورم

رحم روغن سبب روغن بابونه جرلی لطامسکه بلبل قدری قدر گرفته مخلوط خیته

مغل قدر یکشیه ممزوج نموده فرزجه سازند دیگر مرهم داخلیون مرهم باسلیقون

روغن گل روغن بابونه سفید عنب الثعلب جرلی گرده بز موقلم زعفران گاو دستور

معمول فرزجه سازند دیگر نه مرهم داخلیون و مرهم باسلیقون ممزوج نموده

برعانه ضماد نمایند وبعد ازو تر کرده بردارند دیگر نه لعاب حلبه وکتان در روغن کنجد ممزوج نموده

برعانه ضماد نمایند دیگر من الاستاد روغن بنفشه روغن گل سفید بیضه مرغ قدری انداخته

ممزوج نموده بمالند بعد از آن لعوق سوم قدری زعفران و عنب الثعلب با لعاب خطمی داخل کرده

ضماد نمایند بعد از سه روز لعاب حلبه و چربی بط داخل کرده ضماد نمایند و بعده شیر عورت

و اکلیل الملک داخل کرده ضماد نمایند ط دیگر نسخه شیر عورت شیر تر شهد آب کنیم

عنب الثعلب موم زرد سفیده بیضه مرغ چربی گرده بز چربی بط مغز قلم گاو مغز کوهان شتر

برگ کاهی روغن بابونه روغن گل ممزوج نموده و بقیه از و تر کرده فرزجه نمایند

و بر عانه نیز ضماد نمایند برای ورم صلب مثل سرطان من الاستاد برگ کاهی سائیده باهم

داخلیون ممزوج نموده استعمال نمایند ط دیگر نسخه چربی بط روغن بابونه مسکه بیش

باهم مخلوط ساخته گل بنفشه اکلیل الملک عنب الثعلب کوفته بیخته بر عانه ضماد نمایند

دیگر نسخه آب برگ عنب الثعلب سبز آب برگ [illegible] سفیده بیضه مرغ روغن گل شیر عورت

به ار آب عنب الثعلب سائیده عنب الثعلب گل بنفشه اکلیل الملک [illegible]

باریک کوفته بیخته ممزوج نموده شب گرم ضماد نمایند ط من الاستاد

۱ فرزجه جهت اورام رحم و وجع رحم و بواسیر بابونه چربی بط افیون وزن برابر گرفته

در پشم پاره بردارند ط دیگر نسخه برای ورم صلب که بسبب خلط سودا باشد من الاستاد

موساق ایلیکا و زرده تخم کا ضماد نمایند طه دیگر من الاستاد جربی بط موساق

ایلیکا و لیفی نیل کا و مقل زعفران زرد و بیضه مرغ نیمبرشت قدری روغن سوسن

ساوی ممزوج کنند بر شیرات طلا حمول نمایند طا دیگر من الاستاد برای تسکین

وجع رحم و صلابت رحم عورت را بشایند در طبیخ حلبه و تخم کتان و بابونه و تمام

و اکلیل الملک بطریق معمول آبزن نمایند طا دیگر برای ورم صلب آب خرفه

و کلاب بخورانند من الاستاد طا برای ورم رحم و علامت وجع در زهدان و قرح

رحم و زرد آب مجربست من الاستاد گلنار هم شقاق پوست انار سماق کوفته

بیخته در پشم پاره فرزجه نمایند طا دیگر به آب برگ نیم سیر آب برگ عنب الثعلب

جربی بط بیضه مرغ موم زرد سفیدی بیضه مرغ ممزوج نموده بستان سازند و فرزجه

نمایند طا دیگر به برنگ کابلی عنب الثعلب زعفران موساق تر موساق کا و مقل ازرق

سفیدی بیضه مرغ ممزوج نموده بستان سازند و فرزجه نمایند طا دیگر به روغن بابونه

روغن سوسن روغن بنفشه گل بنفشه تخم خطمی عنب الثعلب زعفران دم الاخوین

گل ارمنی موم زرد جربی بط جربی کا و موساق موساق سبز آب برگ عنب الثعلب

۲۸

آب برگ نیم بسته سر عورت ممزوج ساخته زرعانه ضماد نماید و شیاف زرد بر گرو برجه سازند

فایده اگر عورت را بعد زادن طفل برسوث عارض شود معالجه آن بدین طریق

باید کرد لیکن بعد از آن مرض مرکب باد و بهر دو است چرا که بعد زوال این مرض او را

بعد به آن بسیار میدارد و در فایت تقویه میدهد گشته اند بلغم باد و به مرکبه ترکیب های

بسیار مذکور شد نسخه سرخ دارو و معمول الاستاد اجله عزله و والده سلمه

الکردار در برسوث زنان حکم اکسیر دارد مجربست تخم دهتوره شنگرف کوفته بیخته یکجا بدارند

جهت آنچه نظیر ندارد خصوصا برای برسوث زنان و سستی و اطراف و خفقان

بارها بکار برده ام گولی انگوزه من المعمول جهت امراض بارده و برسوث زنان

و سنبات مجربست اسپند ... فلفل گرد نمک ... نمک سوخته

بلیله سیاه انگوزه ... همه را کوفته بیخته در چهار لیمو کاغذی تر کرده بعد

خشک کرده باز تر کرده خشک سازند و باز سایند از آب لیمو بعد ز نخود حب

بسته صبح و شام خورده باشند دیگر دفع سوزش ... و باکه بعد از زادن

عورت میشود من الاستاد مسکه گاو و فلوس بقدر مربه از آب شسته نمک سنگ ... نیم ...

ممزوج ساخته بر دستها و بر بدن بمالند تا برای بر بوت زمان من المعمول بخود دیگر

قرنفل ابله نبات سفوف ساخته بخورند غذا جوجه مرغ و مسکه تا برای بر بوت

من الاستاد موبرشتی زعفران ادل زعفران بخورند یا الانس موبرشتی بخورند تا

ادویه نسبات من الاستاد زنجبیل فلفل کرد فلفل دراز هلیله بلیله امله متم تخم

کرنج سرنج خسک رزچوبه دار هلد این همه برابر وزن سائیده و از آب

گولی بندند و در مقام مرض مریض را گولی سائیده در چشم کنند همان زمان

فرصت کلی شود تا ما

ض

ض

فایده مر

پنیده منه اگر خوردت ربیه یا چیزی مرض پستان میشود جوزه ورم باشند یا فاسد شیر باشند
یای شیر باشند معالجه آن باید کرد و اگر پستان را ببندد و بسته خون اگر برآید و صلابت
اوکی باشند ارد با فلا با عسل ضماد نماید بین الاسنان و باب کرم و شیر حیدرینه
ضماد نماید یا کماد کنند با آبی که حلبه و کتان و بابونه در آنجا جوشانیده باشند
کماد نمایند و سنبل گرم کرده و بعضی با نمک چسکار با حلبه که انجیر زرد در روغن جوشانیده
باشند جمره نموده ضماد نمایند و احتیاط نمایند از بستن پستان پس اگر پستان را سستی
عارض شود مازو و دانه مورد کوفته با آب مورد و آب برگ کشنیز ضماد نمایند و اگر ورم
قوی که بستن خون یا ورم حار که تحلیل یابند و محکم و کبودی رنگ و امتلاء و عرق مغز
ساق گاو و پیه سوم ضماد نمایند و روغن گنجد شیر گرم کرده بمالند یا انجیر زرد در آب
بجوشانند و آرد حلبه و کتان و خطمی سفید در آن حل کرده مرفوع در روغن روغن سوسن
نرم کرده ضماد نماید و احتیاط از از از چیزهای که مولد سودا باشند مثل گوشت گاو
دیره و عدس و نمک و آنچه که مشابه این باشند غذا مثل گوشت مرغ و بره و شوربا تازه
ماهی تازه دیگر بسته شدن شیر از مزاج گرم بود در روغن بنفشه طلا نماید و با گشنیز و ساق حرفه

تسکین تنوخ لو دیه زیره یا ادخری زرد روغن خالص سوم ورزد و شود و اگر ذراع بارجنه شود و بشود با تخته

اگر ت سکنجبین ساده بخورند و ا بهاهند مثل از خون بود بسیار بود باید دیگر از برای ط ضماد نمایند

بدهند با آب سماق با اوت زیره آلو بخارا و گوشت بره و تخم مرغ نیمبرشت و سکنجبین و غذا آب انار و خوره

سکنجبین
بخورند و غذا ترش و قرنابید و سور دهند با سکنجبین بجور بخورند و بشود و کبود غلیظ و اگر شیر صاف ... بدهند

روغن زرد دهند و اگر تب لرزه گرمی باشد تب بکار برند و سیب و دارچینی و صعتر و ادرک و ایکا و دیگر فلفله

بدهند و پیاله بخته کو بنقند که بلوت آب و گندم و ساز با بخته و شیر برنج و شکر

با الود خسته ریحان شراب در کنجد و بخته هم گندم با اسفاناخ و گندر و شلغم با سور و شیر

بخته کو و بخود آنرا جو آرد بنفشه خطمی گل الملک اکلیل بابونه بذر شبت ورم جهت ضماد ط دهند

۱۰ درم ۱۰ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم

شود عارض پستان در بنبله خطمی و هم و اگر لذت و ط نمایند ضماد کلاب و کاسنی آب با

بخورند زیره شونیز عورت شیر کردن زیاده برای حلوا ط کرد باید علاج مرهم زنجار

۱۰ تولچه ۱۰ تولچه

ط باشند خورده بخته تازه هر روز و بخورند سازند حلوا معمول بطریق زرد روغن شکر

تولچه و نیم

فائده اگر عورت ط نمایند ضماد سائیده بنفس ازرنبه ارزیتسی زنبق موسنه پستان ورم برای

دیگر سبب یا اوقات سودا ماده اجتماع بسبب یا شود عارض رحم انشقاق جنین تولد بعد بالبت را

بالن

دیگر باشد علاج آن بموجب نوشته خاصی بدستور معمول الاستاد باید کرد انشاء الله تعالی

صحت کلی خواهد یافت بدین طریق اول باید که اخراج ماده بفصد باسلیق من بعد بفصد

صافن و بعد از فصد اگر چیزی ماده التصاق باقی ماند جهت استعمال دلو محجمان

اطراف قبل که هر دو طرف هفت دلو در جانب راست و هفت در جانب چپ

و هفت دلو بر پشت مابین سرین استعمال نمایند و بعد از فراغت دلوهای بجای

آن چهار چهار شاخها در هر سه مکان استعمال کرده باشند همین قدر دلو فرود

نشیدن دلو چهار چهار دلو در هر سه مکان بدستور استعمال نمایند و بعد

دوده دوساعتهای نیز استعمال نمایند من بعد مسهل برای اخراج ماده سوداوی

ماده هم طبعی محترق شده است و موجب التصاق رحم گشته اخراج باید کرد

بار اخراج ماده سودا تنقیه ماده و هم طبعی بار از تدرات کنند باد و دیه مسهله

مرض و ماده و هم طبعی نشیب حیض موجب تشنج رحم نیز میشود و لها نافعه بعد روز

ای انضاج ماده سوداوی منضج بادیان ریشه بادیان کاوزبان گل گاوزبان

بسفایج فستقی شکوفه افتیمون ولایتی بادیان انیسون گل بنفشه مویز منقی

بدل

زنجبیل تکمیل

بجا کنند تا تحلیل شود و اگر ورم از خار چیزی باشد موم و روغن خالص یا از چیزی زرد روغن کوده کشته

ضماد نمایند ایضاً دیگر دارو برای آنکه سر بر عقب بود و خشک و گرم باشد بسکنجبین ساده بخورند و آب

خربزه و آب انار و غذا مزعفر و سمن و گوشت بره و بزغاله و گوشت بره خوانند با اوراق و ماش با او نخود

با ترشی و خامی دارند اگر شیر غلیظ کبود شود و سکنجبین بزوری بخورند و آب سورن و قرنفل و عدس و آب

و فلیه و آب گاو و اندک صعتر و دارچینی و سیب بکار برند و اگر شیر کم باشد بدهند و روغن

دل بکار در برنج و شیر پخته با شکر و گندم و آب که ملوخیه کو بشکنند و پیاله پخته باشند

و شوربای شلغم و گزر و اسفاناخ با گندم بهم پخته و گشنیز در شراب ریحان آمیخته

دهند ایضاً ضماد جهت ورم پستان بابونه اکلیل الملک گل خطمی بنفشه آرد جو آرد گندم
۱۰ درم ۱۰ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم

با آب کاسنی و گلاب ضماد نمایند ایضاً و اگر لازم باشد حجامت حنظل تلخ در سینه

زنجان مرهم علاج باید کرد ایضاً حلوا برای زیاده کردن شیر عورت سوسنه
۱۰ توله

شکر برنج زرد و بطریق معمول حلوا سازند و بخورند و هر روز تازه پخته خورده باشند
توله و ماشه

برای ورم پستان عدس پوست نارنجی ارزن بنفس ساییده ضماد نماید ایضاً فائده
هم ماشه هم ماشه

را البته بعد از تولد جنین انشقاق رحم عارض شود یا بسبب اجتماع ماده

دیگر باشد علاج آن بموجب نوشته عاصی بدستور معمول الاستاد باید کرد و ان شاء الله تعالی
صحت کلی خواهد یافت بدین طریق اول باید که اخراج ماده بفصد باسلیق من بعد فصد
صافن و بعد از فصد اگر چیزی ماده التصاق باقی ماند بهت استعمال ذلو بمکان
اطراف قبل که هر دو طرف هفت ذلو در جانب راست و هفت در جانب چپ
و هفت ذلو بر پشت مابین سرین استعمال نمایند و بعد از فراغت ذلوها بجای
آن چهار چهار شاخها در هر سه مکان استعمال کرده باشند همین قدر ذلو فردا
روز از کشیدن ذلوها چهار چهار ذلو در هر سه مکان بدستور استعمال نمایند و بعده
بدستور دود و ساخهای نیز استعمال نمایند من بعد مسهل برای اخراج ماده سوداوی
که بسبب ماده طمثی محترق شده است و موجب انشقاق رحم گشته اخراج باید کرد
و آنچه بعد از اخراج ماده سوداوی متعفنه ماده دم طمثی باز بتدرات کنند باید و چند نسخه
ماده مرض و ماده دم طمثی سبب موجب تشقق رحم نیز میشود لهذا باید بمعیت روز
منضج برای انضاج ماده سوداوی منه بادیان بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان
برگ ریحان بسفایج فستیق سکوهه افیمون در لفافه بسته اصل السوس گل مویز منقی

بدله زر تخم کشنیز

گل نیلوفر اسطوخودوس تو نیز بنفشه گل قند آفتابی در سه پاو آب خیسانیده بهم مالیده

صاف نموده شربت افسنتین داخل کرده بنوشند تا سه روز بعد از آن نسخه

اضافه نموده بنوشند تا چهار روز روز هشتم مسهل بدهند تا نسخه مسهل بدهد

بادرنجبویه گاوزبان برگ و زنجبیل گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی شکوفه اصل السوس

اسطوخودوس افسنتین [illegible] بسفایج فستق شکوفه الوبخارا عناب عنب الثعلب گل سرخ

برگ سنای مکی تربد بلیله کابلی تربد بلیله زرد بلیله سیاه شکوفه تو نیز بنفشه گل قند

در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شب تر کرده دار صباح مالیده صاف

نموده شربت افسنتین داخل کرده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده باز صاف نموده

با اضافه روغن بادام شیرین گرم کرده بنوشند غذا دو پهر نخوداب و وقت شام کهچری مونگ

دو کاهی در مسهل با اضافه حب لاجورد روز دیگر نیز دهند علی الصباح عرق گاوزبان عرق

بادرنجبویه عرق عنب الثعلب همراه لعاب ترقه شربت گاوزبان سرکنجبین داخل کرده

بنوشند تا سه روز بعد از آن از بلیله مربا دانه [illegible] مصطگی [illegible] کوفته نخجه

[illegible] نموده بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

از

شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند چنین طریق بلحاظ قوه مریض و تشخیص طبیب موافق
یوی حصول رحمی استعمال کرده باشند بعد از آن از ادویه مدره رحم را پاک سازند
مثل بسفایج تبیخ بوماورات در نیم آثار آب بجوشانند نیم آثار بماند صاف نموده خیارشنبر
مغز جریره سبزه برآورده داخل کرده شربت بزوری بمعتدل داخل کرده
بنوشند تا باعث شود که اخراج فضول رحمی گشته و اخراج ریح و نفخ نیز میکنند باو کهنا
تودریه در قدر بنبه داخل کرده مثل خسته خرما سازند و شهد خالص مخلوط ساخته
و تر نمود چند عدد شیافها سازند در استعمال نمایند یکی در مکان فرج و یکی در مکان مقعد
اگر قوی خواهند ترکور ربابه کنند و اگر ازین قوی احتیاج باشد ریوند چینی داخل کنند
و اگر قوی‌تر خواهند بندال ابلوه نموده استعمال نمایند بعد از آن بهباره برای
نرم کردن نشقاق و وجع آن استعمال نمایند بابونه اکلیل الملک گل بنفشه سنبل الطیب
سعد کوفی برگ عنب الثعلب سبز برگ تخم سبز منزلوس روغن گاو آب خالص بدستور
جوشیده واحد بهباره دهند تا سه روز دو وقت اگر احیاناً سبب بهباره حرارت
مزاجی بهم رسد عرق کاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شربت عناب شیره مغز کدو

[illegible]

تکمیل

بیخ منج تخم خربزه شبدره برآورده و در نخل کرده مخلوط شده مرهم نفث الجریان مثل تلخی بروغن

بادام مخلوط ساخته باب گرم بناول نمایند مرکب بهیاره دیگر برگ ورق تنبول

عنب الثعلب باوکهیا ترکور منو قلوس موم زرد روغن زرد چرکی هند چرکی برنج و کاو

روغن سوسن روغن بابونه و شهد خالص بدستور جوش داده بهیاره بعد

بعد از استعمال بهیاره اگر چیزی رطوبت و حصول زخم باشند بستانیخ رطوبت و ریخ

استعمال نماید باوکهیا نرکور کوفته بیخته در پنبه و شهد مخلوط ساخته بدستور

معمول فتیله سازند یکی در مکان فرج و یکی در مکان شوره بدهد تا که اخراج رطوبت

وریخ شود و اگر فتیله قوی خواهد تا منه باوکهیا نرکور ریوند چینی سهاگه بهنگری الوه

نیدان ملح نمک لاهوری بدستور معمول با شهد فتیله ساخته استعمال نماید تا که رطوبت

بالکلیه اخراج شود بعد از اخراج رطوبت استعمال مرهم کنند دیگر مرهم آب برگ عنب الثعلب

آب برگ کاسنی سبز منو قلوس مرقلم کاو سفید قلم زرچرکی گرده بزکاه فور جو داره موم زرد

روغن گل روغن سوسن روغن بنفشه بدستور مرهم بسازند و استعمال کنند تا

کنند

ترکیب مرهم دیگر مرهم دیا خلیون مرهم باسلیقون مرهم سفید ممزوج نموده استعمال

دوا

٣٧

دگاهی گاهی اگر شورش معلوم شود مرهم کافور ممزوج نموده استعمال کنند تا

دیگر لعاب بهدانه لعاب اسبغول آب برگ کاسنی آب برگ خرفه مغز فلوس شحم حنظل

کافور چوداره روغن گل روغن بنفشه ممزوج نموده قرحه سازند و بر عانه ضماد نمایند

دیگر برگ خرفه برگ کاهو برگ سبز شیر خورت کافور چوداره عنب الثعلب

روغن گل صندل سفید از آب برگ عنب الثعلب سائیده بر عانه ضماد نمایند تا

برای سیلان دیگر مغز فلوس باد کهنها بخور عنب الثعلب سبز از آب برگ

عنب الثعلب سبز سائیده سفیدی بیضه مرغ سنگدانه ممزوج نموده فتیلها سازند و استعمال

نمایند تا مانع شده گاهی گاهی وهمچنین اطفار الطیب مداده باشند از این هم اخراج

رطوبت میشود تا برای سیلان دیگر نبه جربی مرغ مغز فلوس زعفران

روغن زرد مغز قلم بز سفیدی بیضه مرغ باد کهنها ممزوج نموده شهد خالص فتیلها

سازند تا بیدار استعمال سیاف ها بهتر ... استعمال نماید و در زخم ورام

شقاق تأثیر عظیم دارد برای ... آب برگ عنب الثعلب آب برگ کاسنی

آب برگ لسان الحمل روغن گل روغن بابونه روغن بنفشه سفیدی بیضه مرغ روغن گاو

برای سیلان که زرم کند ماگونه اکلیل الملک عنب الثعلب مغز فلوس باد کهنها مغز قلم گاو مغز قلم بز مغز گوهان شتر
شهد خالص قدری کوبیده بیخته شیافها سازند بقدر هسته خرما و استعمال نمایند ١٢

شهد خالص سفیده کاشغری کافور حل کرده زرقه نمایند در تمام روز شش هفت مرتبه میداده باشند

ترکیب زرقه دیگر بهدانه لعاب بهیدانه لعاب اسبغول شیر خر روغن گل شیر عورت روغن بنفشه

روغن سوسن کف ارمنی سفیده بیضه مرغ کافور نیله تهوتیه مروق کرده داخل کرده زرقه نمایند

ترکیب زرقه دیگر بهدانه اسبغول لعاب کتیرا لعاب حلبه شیر عورت نشاسته ماهیزهره انزروت سرخ کهنه سفید

سفیده بیضه مرغ حضض مکی شهد خالص روغن گل روغن کنجد روغن کنجالو روغن سوسن ممزوج

نموده زرقه نمایند و اگر بسبب استعمال ادویه حاره حمی عارض شود مسه خاکشی و بادران

گل بنفشه در نیم آثار آب بجوشانند تا نیم ماند صاف نموده خیارین شیره برآورده شربت

نیلوفری معتدل شربت بنفشه داخل کرده بنوشانند دیگر مسه خاکشی مشکطرامشیع گل بنفشه

نیلوفر بنفشی در نیم آثار آب بجوشانند تا نیم ماند صاف نموده مغز تخم خربزه خیارین شیره

برآورده داخل کرده شربت نیلوفری معتدل شربت بنفشه داخل کرده بنوشانند

فایده معلوم تمام شد آنچه امراض بسبب ثقیل و لادت و بعد ولادت عارض میشود همه را

بتفصیل نوشته شده باید که مجوزه تمام ترکیب را بترتیب بخوبی عرض مرض موافق دستور

تشخیص نموده علاج باید کرد و بعد از فراغ این مقاله دستور العلاج عقیمه نوشته شده دیگر

بعضی

مفصل سبب معه معالجه هر یک سبب نوشتن طول بسیار خواهد شد لهذا اختصار کرده قدری قلیلی از هر یک
را مختصر نموده نوشته شده و اگر طبیب حاذق ماهر در علم و دستور طبابت بود طولانی ندارد و هیچ وجه احتیاج در معالجه
عقیمه نخواهد شد چرا که همه سبب عقیمه و همه معالجه آن از دستورات سابق که هر یک را با معالجه هر مرض نموده دستور
معالجه همه ارقام نموده باید از معالجه سابق دستورات انتقاش کرده و سبب آن حدس یافت نموده
معالجه آن باید کرد و مکررا برای تنبیه و استحضار شخص قدری قلیل علی سبیل الاختصار نگارش
یافته اگر عقیمه بسبب لاغری و یا بسبب فربهی یا بسبب فساد دم طمثی یا بسبب رطوبات فرج و نقصه
که منی مرد سبب قرار استحکام نمیکرد یا بسبب التوای رحم که قابله شعور دارد بسبب نبودن
تولد طفل احتیاط نکند و یا بسبب کجی فم رحم که منی مرد در رحم نمیرسد یا بسبب یبس ماده فم
رحم راه نمیرسد یا بسبب یبس ماده فم رحم که بسبب یبوست ماده منکشف نبود و سبب تکثف
اعصاب و عضلات و سبب التصاق فم رحم راه نمی یابد که منی مرد از راه فم رحم در رحم برسد
یا بسبب فساد منی عورت یا بسبب فساد منی مرد یا بسبب سختی و صلابت و شقاق و ورم وغیره
امراض رحم یا بسبب فساد قابله هر چه باشند دستور معالجه تدبیر آن باید کرد پس رحم را
از آفات و بلیات محفوظ داشته و از اخراج از رطوبت مفسده پاک کرده که هیچ فساد

یا بسبب باد و امتلاء بود یا بسبب ضعف اعضاء و بعضی امراض دیگر یا التصاق فم رحم

دستور علاج عقیمه

در رحم نباشد و بعضی که رحم از جمیع امورات که مانع حمل است درست شود لیکن فقط اشیاهای که معین حمل باشند

استعمال نماید و اگر طبیب دانا باشد علاج آن هر سبب در دستورات سابقه از عمل مبتدی

خود بخود و علامتش کرده معالجه هر سبب باید کرد و اگر احیاناً چیزی از زبده قصور شده باشد

نظر معدات از کتب حکمای متقدمین و متاخرین دریافت باید کرد بیاض صحیح

بیاض

فایده اگر بسبب عقیمه لاغری بدن باشد و بسبب لاغری بدن موجب قعود آن منی عورت

نشود بذیرای آن با اغذیه مرطبه و ملطفه و مسمنه که متولد منی کند و منی را قابل علوقه گرداند

و در دستور بیان امراض نوشته شده استعمال کرده باشند و در استعمال لبوبات و معجون های که متولد

منی است آنچه برای این مناسب مزاج باشد استعمال کنند و شیاف مرطبه و ملطفه

و مسمنه و تقویت رحم و خشکی رحم دفع مواد سوداوی که جمیع بدن را سبب شدت حرارت

کند یا سبب دیگر باشد و بدن را نقصان رطوبات که بسبب آن عقیمه بوده کرده است اخراج

باید کرد تنقیه بدن از اسهال و تنقیه رحم از فرزجات بعد از اخراج آن نیز استعمال اغذیه

مرطبه و ادویه و فرزجه ملطفه باید کرد و وقتی که رحم و بدن از سبب لاغری بخابت نماید

و رحم از جمیع آفات خالی شود استعمال شیافات معین حمل موجب نوشته عامه

استعمال نماید بفضل الله تعالی الله العظیم حمل خواهد شد و اگر یبس بدن و یبس رحم ماده

ساذجه باشد احتیاج تنقیه نیست فقط بتلطیف و تدبیر کفایت میکنند و اگر سبب عقیمه

فربهی باشد تدبیر مهزال بدن تنقیه بدن با ادویه مناسبه مزاج شخص و موافق مزاج

خلط خواه دموی باشد خواه بلغمی یا غیره سبب عقیمه در فربهی خیال است که بسبب زیادتی

در رحم را نرم کند و یبس را دفع کند و استعما

و بعد از دفع لاغری بدن و لاغری رحم

تشنج که بر فم رحم زیاده می‌شود مانع راه منی مرد می‌شود که هزال بدن و هزال رحم و دوبان

آن تشنج نخواهد شد پس از ابتدا حمل خواهد ماند لازم که بعد از هزال بدن باد و بیماری

خلط و هزال رحم و هزال تشنج فرزجه که سابق در دستورات بچند دفعه مکرر نوشته شده

استعمال باید کرد و بعد از آن استعمال فرزجه که معین حمل است موجب نوشته عاصی

استعمال باید کرد و بفضل الله تعالی حمل خواهد ماند و اگر سبب عقیمه فساد دم طمث باشد

اخراج آن فرزجه که بالا مکرر نوشته شده اخراج باید کرد و بعد از اخراج اصلاح رحم فرزجه

ملطفه و فرزجه صوحات استعمال بکنند و رحم را از فساد دم طمث پاک کرده استعمال

شیافات معین حمل نماید ان شاء الله تعالی حمل خواهد ماند و اگر سبب عقیمه حبس دم طمث

باشد نسخه آن ان شاء الله تعالی از حکم عقبت نوشته موجب نوشته استعمال باید کرد و بعد از عقبت

معالجه حبس طمث اصلاح مزاج رحم شیافات ملطفه محرده و شیافهای میوه ها استعمال کرده

استعمال شیافات که اعانت حمل است باید که بفضل حق تعالی حمل خواهد کرد و اگر سبب

عقیمه سبب رطوبات مزلقه باشد که موجب فساد رحم و استحکام منی مرد سبب آن نمی‌شود ازواج

آن شیافات مخرج رطوبات در دستور سابق نوشته شده استعمال نماید و بعد از اخراج رطوبات

مزاج اصلاح شیافات میوه ها استعمال نمایند کرده بعد استعمال شیافات معین حمل نماید بفضل خداوند

حکیم مطلق بسیار حمل خواهد ماند و اگر سبب عقیمه التوای رحم باشد علاجش اینست که زن را قابلهٔ دستکار

کوده فهمیده باید کرد و شیافات مثل الوه گلنار و مازو و پوست انار و مایین خورد

و گلاب وغیره که سبب استمساک اعصاب و عضله رحم بجای خود خواهد آمد و بعضی وضع		استمساک

ضمادات و آبزن و بعضی پاره ها استعمال کرده باشند بعد از رفع التوائی رحم استعمال

شیافات مخرج رطوبت نماید و بعده شیافات ملطفه و میوه ها که رحم را باصلاح مزاج

خود می آرد استعمال نماید و رحم ازین تدبیر قابل علقه و نطفه ساخته استعمال شیافات

معین حمل کنند بفضل ایزد تعالی حمل خواهد ماند و اگر سبب عقیمه سبب کج شدن فم رحم باشد

یا سبب تولد طفل یا سبب کثرت جماع یا سبب افتادن بر زمین یا سبب دیگر باشد معالجه

اش بدستکاری قابله کنند و استعمال شیافات مثل گلنار و مازو و مایین وغیره

که بالا نوشته و بعضی وضع ضمادات و نطول کرده باشند وقتی که رحم از کجی فم خود

بر حالت آید استعمال شیافات مخرجه رطوبت کرده استعمال شیافات ملطفه و میوه ها

نموده استعمال شیافات معین حمل کنند بفضل خدا در قدرت حمل خواهد ماند و اگر سبب عقیمه

یبوست مادۀ ساذجه و یا مادیه باشند مادویه مناسبه اخراج کنند و مادۀ رحمی را
مادویه مخرجه اخراج کنند و ساذجه را فقط اصلاح مزاج با غذیه مرطبه و ملطفه و منضجه
و بلبوبات و مجوبات مرطبه و شیافات ملطفه استعمال کنند و بعده شیافات تحویات
اعانت حمل استعمال نماید ان شاء الله تعالی حمل خواهد ماند و اگر سبب عقیمه فساد منی عورت
و یا مرد باشند معالجه آن بطریق که اصلاح منی کنند باید کرد و اگر طبیب دانا باشند سفوفات
و معجونات و بلبوبات موافق مزاج شخص و موافق مزاج مرض و موافق سبب آن
استعمال کرده باشند من بعد استعمال شیافات معین حمل کنند بفضل الهی حمل خواهد
ماند و اگر سبب عقیمه صلابت رحم یا سبب ورم رحم یا انشقاق رحم و غیره امراض رحم باشد
معالجه هر یک را بلحاظ مرض شخص موافق دستور نوشته خاصی که سابق هر یک دستور
نوشته ام و بعضی امراض را از کتب متقدمین و متاخرین دریافت کرده دستور
معالجه خود ملحوظ داشته معالجه آن باید کرد ان شاء الله تعالی بعونه اعانت حمل شیافات
معین حمل استعمال نمایند و اگر سبب عقیمه نا کردگاری قابله شود طبیب دانا سبب آن
دریافت کرده از قابله دانا معالجه آن کنانند و طبیب هر وقت پرسان احوال مرض

نیز

باشد و آنکه قابله را بسبب بی‌شعوری خود تغافل کند بطلب آن قابله را تنبیه نمایند و در معالجه

مشغول باشند ان شاء الله تعالی صحت یابد نسخه معمول من الاستاد الوالد برای آبستن

حمل مجربست اسگند ناگوری پنج درم شکر پنج درم روغن زرد پنج توله کوفته بیخته در هم نموده نگاه دارند

و بعد از وای حیض نجاسه بخورانند و دوای نسخه استعمال نمایند الیخه مشک خالص

خشک ساییده باشد همراه پنبه کهنه شش عدد فتیله سازند یکی صبح و یکی شام بردارند

ند تفصیل الی حمل ماندن فرزند گرد البس معین باشد سرگین

یک عدد گرفته کوفته بیخته بعسل گرم کرده و سرشته به ...

ستعمال کنند برای حمل ماندن فرزند پنیر مایه خرگوش سرگین خرگوش

گرفته کوفته بیخته بعسل سرشته بعد از غسل حیض بردارند

ستر زعفران زن بحام برمه ... از گوشت پاک کرده

به بوده پاره ... باقی را ... کرده ...

ع کنند دوای مشغول شدن فرزند ...

موشه ... بخورند ...

پوست مادو شادنج ویا با دیه باشند مادویه مناسبه اخراج کنند و ادویه حجری را

ادویه مفتتحه اخراج کنند و شادنج را فقط اصلاح مزاج با غذیه مرطبه و ملطفه و مفتحه

و بلبوبات و محمولات مرطبه و شیافات ملطفه استعمال کنند و بعده شیافات محمولات

اعانت حمل استعمال نماید ان شاء الله تعالی حمل خواهد ماند ها و اگر سبب عقیمه فساد منی عورت

و یا مرد باشد معالجه آن بطریقی که اصلاح منی کنند باید کرد و اگر رطوبت در ان باشد سفوفات

و معجونات و بلبوبات موافق مزاج شخص و موافق مزاج مریض

استعمال کرده باشند من بعد استعمال شیافات معین حمل

ماند و اگر سبب عقیمه صلابت رحم یا سبب ورم رحم یا شقاق

معالجه هر یک را بلحاظ مرض شخص موافق دستور نوشته

نوشته ام و بعضی امراض را از کتب متقدمین و متاخرین

معالجه خود ملحوظ داشته معالجه آن باید کرد ان شاء الله تعالی

معین حمل استعمال نماید و اگر سبب عقیمه ناکردکاری قابله

دریافت کرده از قابله دانا معالجه آن کنانند و طبیب هر

[illegible]

باشد و آنچه قابله را بسبب بی شعوری خود تغافل کند بطلب آن قابله را بفهمانند و در معالجه

مشغول باشند ان شاء الله تعالی صحت یابد نسخه معمول من الاستاد الوالد برای عارض

حمل مجربست اسگند ناگوری شکر روغن زرد کوفته بخته در هم نموده نگاه دارند

و بعد از وا شدن حیض بجاشه بخورانند و دوای بستان استعمال نمایند انجه مشک خالص

خشک سائیده باشد همراه پنبه لپته شش عدد و بستان سازند یکی صبح و یکی شام بر دارند

بعده مباشرت کنند بفضل الله حمل ماند ٭ ورم کرده السین معین تا سرگین

بزکوهی مایه خرگوش هر یک قدر گرفته کوفته بخته بعسل کرم کرده و سرشته به پشم

پاره ورزه نماید و استعمال کنند ٭ برای حمل ماندن نیز مایه خرگوش سرگین خرگوش

و زعفران عود برابر گرفته کوفته بخته بعسل سرشته بعد از غسل حیض بر دارند ٭

زهره گرگ مایه جند بید ستر زعفران زن بخام بزمه و جود از گوشت پاک کرده

انگاه داروهای صلابه نموده پاره بر دماغ مالند و باقی را قرصه کرده باد و ساعت

نگه دارند بعد از آن جماع کنند ٭ دوای منولد شدن فرزند نرینه و آورد چیز آن

باید که نر برآید بقدر یک موشه سرگور و در برگ تنبول انداخته بخورند پنج شش فرزند

نرنه سيرا او ابريشم زنهار زياده نخورند ها دوائكه لا تخطئ في ان يكون له ولد يهمق

سسنج وكبيرا او اسقنقور مرارة الثور لولو منقوب خردل ابيض منكلوا مد لصف مثقال

ملح ابيض نصف مثقال تجمع الادويه مدقوقة ومنخوله وتعجن بالعسل الفائق المنزوع

الرغوة ويستعمل منه ثلثه ايام متواليه كل يوم مثقالا بعدا منقال حتى يسقي المني عن العسكر ميلون

يوم الرابع من الجماع ها دوا اذا استعمل المرأة ثم ترتبي عليها النطفة وعلقة سرعه

فنطافليون سسنج اربق افيون اصل فلفل اسود يعجن بقطران وتمسكه المرأة

قبل الجماع ساعته در صوفه ها لسنجيات متوقته براي كشودن احتباس طمث وبراي

اسقاط حمل وبراي جريان دم طمث ... بارتنك دررق بارتنك بخورسانند هم او

بمانند ... بيخ الخبار شيره برآورده شربت الخبار داخل كرده باضافه

كل ارمني دم الاخوين ... تار جهان سوده خشك سائيده با شيره بنوشيند باضافه قرص

كهربا و ... نيز ... يك بيست انار ولايتي همه را كوفته بيخته از آب

بارتنك سائيده ... بمن ... ضماد نمايند ... طلا بر راه طمث بيخ الخبار صد

درعرق بارتنك ... داخل كرده باضافه قرص كهربا بنوشيند

دیگر خوراسیر و اقاقیا گلنار تب مانیه نهونه گل همه را کوفته با آب گوکنار که

از تر کردن حاصل شود حمیره نموده بعد القطع ضماد نمایند دیگر زرقه لذلک بارهنگ

در یک انار آب کچه شانه هم انار نمایند صاف نموده بیخ الجبار گلنار هر دو را سیاه

داخل کرده صاف نموده در محقنه انداخته زرقه نمایند دیگر حمول لذلک عفص کهربا گلنار

دم الاخوین گل ارمنی خسته خرما سوخته پوست بیرون پسته شاخ گوزن محرق

سرمه اصفهانی بازو و سبز همه را کوفته بیخته با آب جوشانده بارهنگ حمره نموده

شیاف ها سازند و حمول نمایند دیگر سفوف من المعمول برای جریان خون صدع

خار خسک و لاحبی و دانه الایچی کلان صمغ عربی همه را کوفته بیخته سفوف سازند خوراک

هم دارم خام و در بس حلوش شیر با به گاو در عدد خرما در شیر مذکور تر کرده دارند

صباح اول سفوف بخورند بالایش شیر بنوشند بعد از آن خرما بخورند دیگر منه

بارهنگ نبات سیاه ... گلنار کهربا گل ارمنی مرجان محرق سوده همه را اسایش شربت الجبار

شربت انار داخل کرده بنوشند دیگر عرق کهربا رز دی بیضه مرغ نیم برشت مرفوع نموده بخورند

بجوهر برای اسقاط حمل و در اسباب ولادت بجهت ... مراهل ... حب ... گوکنار

سازند و بر آتش انداخته بخور بکنند ط دیگر اسقاط حمل کند اول موم با الیوه بر پارچه

که بقدر یک وجب باشد بران مالیده خشک کنند بعد از آن بندال و پسم با آب سائیده آلوده

نمایند و در فرج بگذارند اگر حمل ده روزه باشد بیانداخته گردد ط قرزجه که بچه مرده بیا ندازد

اشنان فارسی عقرقرحا سوخته سداب فراسیون از برگ قدری قدری کوفته بیخته

بروغن زیت سرشته استعمال نمایند بچه مرده باشد از شکم برآید ط قرزجه حیض براند

مر فوذنه اهلیل سداب مویز منقی کوفته بیخته بزهره گاو سرشته قرزجه سازند در استعمال

نمایند دیگر اسقاط حمل کند متر زنوند چینی بابچی کنده بهر وزن بزهره گاو سرشته

شیاف ها سازند در استعمال نمایند حمل ده روزه باشد ساقط گردد ط دیگر ضماد که بچه

مرده باشد از شکم برآید جاوشیر بارزد کبریت مرمکی با زهره گاو سائیده بر شکم

زیر ناف ضماد نمایند ط جوشانده برای اسقاط حمل جنانکه مفید است قسط [illegible] در

آب بجوشانند بلیاد بمایند صاف نموده بنوشند در سه روز حمل بیفتد ط دیگر

[illegible] تخم کلونجی حلبه لوبیا اهلیل [illegible] تخم خشخاش [illegible] درسه یا دو آب بجوشانند

یک پاو بماند صاف نموده بنوشند تمت [illegible] باب اسقاط الحمل من [illegible] تالیف

ق

و نیز هر دو جوشانیده پالیده با شهد آمیخته تلخ سیاه دانه چوب چینی ابهل ریوند خطائی بهر دو نیز

شنجار مصطکی آب سائیده شیاف ها سازند و گاهی بر نره گاو حقنه نموده

شیاف ها به فرج استعمال نمایند ط دیگر تخم بادنجان جهار جهوه تخم حلبه بیخ

بابونه زنجبیل نانخواه تخم سوسن کنجد مغز تخم کدو لوبیا طلا قند سیاه در سه پاو

آب بجوشانند یک پاو بماند صاف نموده بنوشند دیگر لامتحان حمل اگر خواهی که

لامتحان الحمل

بداند که زن بار دارد یا نه اسپغول سفید بخوراند اگر شکم درد کند بار دارد و اگر

شکم درد نکند بار ندارد ط اگر حبه سفید در قدر شیر عورت سائیده زن را بخوراند

عقیمه گردد ان شاء الله تعالی همچو عقیمه گردد که تمام عمر بماند ط دیگر حمل نماند عقیمه گردد

برگ حینا در روغن ستور بریان کرده هر نهار بخورند اگر یک بخورد بکمال

بچه نیارد ط نسخه جهت وضع کردن حمل که بار تمام نماند دانه

حب سوخته بیخ حنظل شکر سفید سوف ساخته سه حصه نمایند یک حصه وقت نهار

از آب سرد فرو برند صبح اول که حمل بماند اسقاط نماید بعد از آن سه روز این دوا

بخورانند ط جهت شکم عورت که بعد زادن بچه کلان شود اندراین دو ورده باب سائیده چند

چه یکرت بالای شکم بند جستور طلا نمایند هکه عودت بند بستور خود آید مط دیگر اسکم بونسنور آید نیخ درخت حمایل باکل انار دزد و رع لمنداخته بکوبند بکو ... آینده ط

فی الاسهال یحدثان قبل الولادة و بعد الولادة و فی المذخیر قبل الولادة و بعدها جهة ذخیر بعد الولادة بند زنجبیل کوفته ببند درهم با و آب تر کرده دارند صباح آب ... بنوشند

دیگر جهة ذخیر حامله من الاستاد انار دانه ... خشک پوست هلیله ... درهم انار آب بجوشانند هم با و بمانند صاف نموده بنوشند دیگر للاسهال بعد الولادة مه توتیه زنجبیل انار دانه درهم انار آب بجوشانند هم با و بمانند صاف نموده بنوشند ط دیگر مه للذخیر بعد الولادة و قبل الولادة ایضاً سفوف ... بروغن بادام ممزوج نموده بخورند ط دیگر للذلک سفوف طلها روغن بادام چرب کرده بخورند ط دیگر للاسهال قبل الولادة مه حب الآس انار دانه سماق درهم انار آب بجوشانند هم با و بمانند صاف نموده با ضافه قرص طباشیر قابض بنوشند ط

للاسهال الذی یحدثان بعد الولادة من مجربات الاستاد الوالد سلمه ربه هو اصفه زنجبیل کشته ... دارزیانه پوست نخ بیدانجیر درکی انار آب بجوشانند

یکدو

یک باد بمانند حمات نموده بنوشتند عند الکلفتیه رجن و گاهی استاد بخ مند الحجر

بوزن شش ماشه داخل میکنند تا مانع باقی علاج در معالجه اسهال دیگر انچه

مناسب باشد استعمال کرده باشند صح ص

صح الله ص

نحن نشرع بحمده وبحمد الله تعالى ونعت رسوله صلوة الله عليه وعلى آله واصحابه وانا نبتدأ
باعانته وبركته دستور العلاج في الذيابيطس على نسق مستعمل الاستاد الذي عمر
والاستاد الوالد سلمه ربه واذا يقصد ويستعد في علاج هذه فكان يلزم رجوعه
بالعلاج الى الاطباء الماهر والحكماء الحاذق والاستاد الكامل ويعطي هذه بهذا
الطريق وهذا الدستور المعمول لا يسهوا ولا يخطوا في تدبير برؤه وهذا دستور
مجرب كرراً مراراً كثيراً استادنا وسمع من الوالد سلمه في تدبير علاجه حتى لا يعاوده
بامراض اندراره مثل الدق والاستسقاء وضعف الكليتين واكثر جهلاء الاطباء
والحكماء والناقصين بعقل ونقصانه ولا يلحظ عند عدم ملحوظه الاسباب المبذرات
وبسبب عدم حفاظته المعدة والكبد والكليتين او بسبب ضعفها من كثرة استعمال
المدرات والمبردات والنهجات هذا ابدهي لا تحتاج في الدليل ولا السر فيه ولهذا
نحن نكتب هذا العلاج لطريق العمل المستعمل المطلب الاستاد الوالد سلمه ربه
وطول عمره وظله فلا بد ان ينظر في وقت العلاج حفاظة المعده والكبد والكليتين
واذا عالج بهذه بدستور المسطور فكان يتدبر الاحتياط عنه في زيادة المرض يقيناً

بثا و سبب المذیا بیطس حرارت الکلیتین به یجذب المائیة من الکبد و الکبد من المعدة و المعدة

من الماء الشارب فيها و سبب الحرارة یشتاق المعدة بکثرة شرب الماء البارد دفعات کثیرة و یحصل من کثرة

شرب الماء و جذب المائیة باعانة الحرارة و عند دفع رطوبة المائیة بسبب ضعف قوة الماسکة

و باعانة الدافعة بطریق البول ضعف عضو من المعدة و الکبد و الکلیتین و یحصل من هذه

ضعف قوة الماسکة البول و لا یحبس البول فی وقت حتی یبول حین شرب الماء دفعة

و ذیابیطس البارد و ممکن الوجود و لکن نادر و یظهر ایضا حرارت قلیلة من الکلیتین و جذب

المائیة بحرارة قلیلة و دفع المائیة بضعف قوة ماسکة و لبرد و نضجه الحاصلة من کثرة

شرب الماء البارد حتی یبول حین شرب الماء دفعة هذا ظاهر لا یحتاج الی النظر

هذا النسخة لتقویة المعدة و الکبد و الکلیة و لدفع الحرارة الکلیة منه هذا صفته طلاکشته کباسهر

دانه الائچی خورد شربت انار یین منقع ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق ما و زنان عرق

بید مشک عرق بید شاله خرفه مقشر تخم کاهو کشنیز برآورده شربت حب الآس

داخل کرده باضافه قرص کافور بنوشند. هذا ترکیب مجرب المذلک منه اکثره گشته

شربت گلوی گل مختوم خشت گنه شربت انار منقع همزوج نموده بخورند عقب آن

عرق بید ساده ماء اللحم ریست سعد کوفی تخم گدو تخم کاهو سبزه برآورده
داخل کرده شربت سیب داخل کرده باضافه قرص ذیابیطس نوشیدند ها هذا
ترکیب لذلک منه طباشیر سماق گل ارمنی شربت حب الآس ممزوج نموده بخورند
عقب آن کشنیز خشک گلنار مغز تخم کدو سبزه برآورده عرق گاوزبان عرق کیوره
گلاب شربت انگور داخل کرده باضافه قرص طباشیر نوشیدند ها هذا ترکیب
مجرب لذلک منه طباشیر مروارید ناسفته بسد محرق شربت به شیرین ممزوج نموده
بخورند عقب آن عرق صندل عرق شیر آب تربوز حب الآس سماق سبزه برآورده
داخل کرده باضافه قرص ذیابیطس نوشیدند ها هذا ترکیب مجرب لذلک منه
طباشیر کهربا محرق ست گلوی خشک کهنه مدبر شربت سنت ممزوج نموده بخورند
عقب آن عرق سیر ماء اللحم آب انار شیرین زهر مهره خطائی گلنار سماق سبزه برآورده
داخل کرده باضافه قرص کلنار نوشیدند ها هذا ترکیب مجرب لذلک منه نقره کشته ست گلوی
گل مختوم خشت کهنه شربت انار منعنع ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بید ساده ماء اللحم
ریست سعد کوفی مغز تخم کدو تخم کاهو سبزه برآورده داخل کرده شربت سیب

داخل کرده باضافه قرص ذیابیطس بنوشند ☙ بدائر تپ محرق لولک مته نقره کشته

فلفل کشته سنگ گلوی گیذر کوفته بیخته شربت انگور ممزوج نموده بخورند عقب آن کاسنی خرفه مقشر

درعرق بیدمشک عرق نسترن عرق بیدساده شیره برآورده شربت انگور داخل کرده باضافه

قرص طباشیر کافوری بخورند ایضا لولک محرب مته نقره کشته ورق طلا مرجان سوده

یاقوت سائیده گل سرخ فلفل کشته شربت شتت ممزوج نموده بخورند عقب آن بزرالحماض

سماق خرفه مقشر درعرق بیدمشک عرق بید ساده شیره برآورده شربت شیرین

داخل کرده باضافه قرص ذیابیطس بنوشند بدائر تپ محرق لولک مته نقره کشته

طلا کشته فلفل کشته مروارید کشته سنگ جلوی خسک مدبر طباشیر کوفته بخته شربت حب الاس

ممزوج نموده بخورند عقب آن دانه خشخاش صمغ عربی رب السوس حب الاس تخم خیارین

درعرق شیر عرق گاوزبان شیره برآورده شربت انارین معنع داخل کرده باضافه

قرص گلنار قرص ذیابیطس بنوشند ☙ بزلیت لولک نیم آب انار شیرین آب انار ترش

آب انگور عرق صندل شربت حب الاس ممزوج نموده باضافه قرص ذیابیطس بنوشند

ایضا مته تخم خرفه تخم کاهو درآب سیب آب به شیرین آب انگور شیره برآورده

برآورده

زہر مہرہ خطائی گل ارمنی خشت کہنہ مدبر گل مختوم گلنار حسک سائیدہ با شیرہ شربت

حب الاس ممزوج کردہ بنوشند ایضاً لذلک منہ عرق شیر ماء القرع آب تربوز

عرق صندل زہر مہرہ خطائی گل انار شیرہ برآوردہ شربت توت داخل کردہ ست گلوی

سرطان محرق مرجان سودہ خشت کہنہ مدبر حسک سائیدہ با شیرہ بنوشند ایضاً لذلک منہ

شیرہ تربوز آب سیب ماء القرع حب الاس سماق گلنار شیرہ برآوردہ شربت انار شیرین

داخل کردہ باضافہ قرص سرطان بنوشند ایضاً لذلک منہ قلعی کشتہ دانہ الائچی

خورد و سلاجیت ست گلوی کندر سفوف ساختہ بخورند عقب آن خرفہ مغز تربوز

خطائی در عرق شیر عرق مکو عرق کیوڑہ شیرہ برآوردہ شربت بزوری داخل

کردہ گاؤزبان سرطان زعفران حسک سائیدہ بنوشند ایضاً لذلک منہ ورق طلا ورق نقرہ

مروارید سادہ مرجان سائیدہ کہربا سائیدہ ست گلوی زہر مہرہ خطائی شربت ست ولائتی

ممزوج کردہ بخورند عقب آن عرق شیر مکو آب انار شیرین عرق صندل شربت نسرین

داخل کردہ باضافہ قرص کافور بنوشند ایضاً بدائے ترکیب مجرب لذلک منہ عرق کافور

عرق شیر عرق بیدمشک خرفہ تخم خشخاش تخم کاہو شیرہ برآوردہ شربت حب الاس معمول

بخت کنه یلربر ممزوج نموده باضافه قرص ... و باطلس بنوشند ایضا منه آب دوغ

عرق کاهو ز آب تربوز شربت حب الاس ممزوج نموده قلعی کشته بیت نگوی

کاهو زعفران خاک سائیده باشیره بنوشند ایضا منه ... طباشیر سبع

خنث کنه مدبر بیت کلوی قلعی کشته شربت حب الاس ممزوج نموده بخورند عقب آن

تخم خرفه کدو خیارین در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب شربت

انار شیرین داخل کرده باضافه قرص کافور ... قرص طباشیر کافوری بنوشند

ایضا لدلک منه دانه الایچی خورد طباشیر حب الاس خرفه مقشر ورق ... عرق عنب الثعلب آب دوغ

شربت نیلوفر داخل کرده باضافه سفوف ... و باطلس بنوشند ایضا اسبغول لعاب گرفته آب انگور

عرق ... شربت بیت داخل کرده باضافه قرص کهربا بنوشند ایضا منه برادهٔ صندل سفید ... عرق گلاب

عرق بیدمشک عرق گاوزبان تر کرده دارند صباح مالیده ... نموده گلنار سماق ... شیره برآورده

آب به داخل کرده باضافه سفوف ... و باطلس بنوشند ایضا گل ارمنی ... طباشیر نگوی

مروارید سائیده ... سفوف نموده بخورند عقب آن عرق گلاب عرق بیدمشک عرق کاهو کرا

لعاب گرفته تخم خماض تخم خرفه مقشر شیره برآورده آب شیرین داخل کرده باضافه قرص طباشیر کافور

آب انار شیرین ... تولد

بنوشند الضمانه براده صندل سفید درونج بید مشک عرق شیر عرق بید سائیده ترکیب ترکرده دوا زنند

صباح مالیده صاف نموده دانه الایچی خورد طباشیر حب الاس تخم بلوط شیره برآورده داخل کرده

شربت حب الاس داخل کرده باضافه قرص کهربا و یاقوت بنوشند نسخه ترکیب لذت بخش مروارید سائیده

مرجان محرق کهربا سوده ست گلوی خشک کرده بر طباشیر نبات سفوف ساخته بخورند عقب آن ماء القرع

عرق شیر آب تربوز تخم خرفه مقشر تخم کاهو شیره برآورده شربت سیب داخل کرده کافور

زعفران اضافه نموده بنوشند ترکیب لذت بخش شیر خورت عرق کافور ماء القرع عرق صندل طباشیر

دانه الایچی خورد گلنار سعد کوفی شیره برآورده شربت نیلوفر داخل کرده باضافه گل

ست گلوی فلک ازینجا بنوشند دیگر بدله شیر خر شیر خورت عرق گاوزبان عرق صندل شربت

حب الاس داخل کرده باضافه سعد کوفی خلنجه ست گلوی یاسمین بنوشند ترکیب دیگر بدله

شیر خورت شیر خر شیر بز عرق صندل عرق بیدمشک ابریشم مقرض تخم خرفه مقشر سعد کوفی

شیره برآورده شربت حب الاس داخل کرده باضافه قرص کهربا قرص طباشیر قابض بنوشند

الضمانه شیر خر شیر خورت عرق صندل آب تربوز ماء القرع سنبل الطیب سعد کوفی طباشیر

برآورده شربت سیب داخل کرده باضافه معجون کندر مقوی بنوشند دیگر بدله شیر خر شیر خورت

عرق شیر عرق صندل سماق مسعد کوفی حب الاس سیشره برآورده شربت حب الاس واخل

۵ توله ۵ توله ۱۰ ماشه ماشه ۱۰ ماشه ۳ توله

کرده باضافه قرص گلنار بنوشند مرکب لذلک منه قرص طباشیر کافوری قرص سرطان

۳ ماشه ۲ ماشه ۲ ماشه

شربت الو بالو ممزوج نموده بخورند عقب ان گلنار طباشیر دانه الچی خورد در عرق کشنیز عرق

توله ماشه ۳ ماشه ۲ ماشه ۵ توله

بیدمشک عرق بید ساده سیشره برآورده داخل کرده شربت تمر هندی ممزوج نموده باضافه تخم کشنیز

۵ توله ۵ توله ۳ توله ماشه

سنگ گوی مصطگی بنوشند فایده اعلم ان اللولو والمرجان والیاقوت والطلا والنقرة

۱ ماشه ۳

سبب امتزاج الاجزاء الارضیه تحجر بقوة استحکام الترکیب وبتصرف قوة الطبیعة وباعانة قوة الطبیعة الفلکیه

الغایض من مواد الفیض باعتدال العناصر معتدل الترکیب حتی تناسب مزاجها مزاج الارواح المنتشر الحرارة

الغریزیه وتبقیها لانعاش الحرارة الغریزیه وللتقویه جمیع اعضاء الرئیسة وغیره خصوصا المدقوق

والامرض المتتابعه نیذ رمنه الذبابقیس واکثر الحکماء المتقدمین والمتاخرین یستعمل منه علی سبیل الغفلة

فی هذا الوقت لانعاش الحرارة وللتقویه اعضاء الرئیسة ویقول الحکماء لا فایدة منه سبب تحجر الترکیب

وهیئته الحجریه لا تنفذ لها بقوة نافذة بسبب استحکام امتزاج الاجزاء الارضیه حتی تحجر منه الحجریه ولهذا

لا تحصل من استعمال منه الادویه بسبب عدم النفوذ للقوة النافذه فایده او نسبت تشابه امزاج تعقد

نذ فیه النظر والفکر النظریه علی سبیل السهل واما نحن بعد تعرف مزاج هیئة الحجریة وبعد تعرف عدم حصول النافع

بسهل

يستعمل منه محلولا ويستعمل منه بعد رفع الحمى التوعية وتحبيس صورة بطين النوعية المائية حتى ينعقد فانه

يقوى النافذة ويحصل لها قوة لا تمنك بها لا تعاش الحرارة الغريزية والازدواج الثلثة والا

عفار الريشة بذة ظاهر بنه لا نظر فيه وتعرف تركيبها منها من علم القاعات

هذا تركيب مجرب لانتعاش الحرارة الغريزية وتقوية الاعضاء الرئيسة ودفع اصحاب المرض هذا

صفحه نقره طلا محلول نقره محلول مروارید محلول طباشیر دانه الاچی خورد ملغی کشنیز ست گلوی

شربت سیب ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بید مشک عرق صندل عرق بید سادہ تخم کاهو

تخم خرفه مقشر زرشک خطائی شیره برآورده رب به داخل کرده باضافه قرص خیار

ذیابیطس نبوشند دیگر بنه آب برگ سبز رودی آب برگ کاسنی سبز روق عرق کاهو شربت

نیلوفر داخل کرده سعد کوفی شیره کرده باضافه قرص ذیابیطس نبوشند دیگر نسخه

سرطان محرق کافور زعفران ست گلوی ملغی کشنیز سکنجبین لیموئی ممزوج نموده بخورند

هذا ترکیب مجرب لذلک نسخه طلا محلول مرجان محلول زبرجد محلول ملغی کشنیز ست گلوی طباشیر

شربت حب الآس ممزوج نموده بخورند عقب آن گلاب عرق شنبیز عرق صندل سماق

دانه الاچی زرشک خطائی شیره برآورده شربت انارین داخل کرده باضافه

قرص کافور بنویسند ایضا لذلک مر طلا محلول یاقوت محلول نقره محلول سنگ کلوی سنگ حبت

سماق شربت سیب ممزوج نموده بخورند عقب ان کشنیز خشک سوخته تخم کدو زهرمهره

خطائی شیره برآورده شربت انگور داخل کرده باضافه قرص بنویسند ایضا

لذلک منه یاقوت محلول کهربای شمعی جواهر مهره کندر صمغ عربی تمر هندی ممزوج نموده بخورند

عقب آن عرق بیدمشک عرق کافور آب سیب گلنار سماق زهرمهره خطائی شیره برآورده

داخل کرده شربت انار شیرین باضافه قرص قرص طباشیر کافوری بنویسند ایضا منه طلا محلول

مروارید محلول مرجان جواهر مهره زهرمهره خطائی سماق گلنار شربت لیمون ممزوج نموده بخورند

عقب آن خرنوب نبطی برنجاسف عرق شاهتره آب انگور شربت لیمون داخل کرده باضافه

معجون طلا مقوی مفرح سنگ کلوی بخورند هو منه آب انار شیرین آب سیب آب انگور رب به

طلا محلول یاقوت محلول مرجان محلول ممزوج نموده بخورند شربت سیب سنگ کلوی سرشک کشنیز طلا کشته

ملکی شسته با شیره بنویسند برای ذیابیطس جارش الاستاذ تخم کاهو سماق تخم خیار تخم کدو

گاهی خرفه در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر شیره برآورده قرص کافور سوده بالای آن بنوشند

گاهی قرص گلنار گاهی کهربا گاهی قرص ذیابیطس اضافه نمایند ایضا منه طلا محلول مروارید محلول

آب انار آب انگور
۵۰ توله ۱۰ توله

عرق صندل
۵ توله

کهربا جواهر صبی گلنار رشاد بلوط شربت به شیرین فرو چ نموده بخورند عقب آن حب الآس سماق

انار دانه در عرق صندل شیر نبو عرق تیر سیره بر آورده شربت حب الآس داخل کرده

باضافه قرص طباشیر کافوری بنوشند دیگر من الاستاد خرفه مقشر مو خم کدو شیرین

عرق نیلوفر عرق خار خسک سیره بر آورده شربت گاوزبان داخل کرده باضافه

قرص ذیابیطس بنوشند دیگر من الاستاد آب دوغ ترش ارسوده بایرف

یارنج سرد کرده قرص کافور با سیره بنوشند فایده منه استعمال المدرات من افراز

الاشیا اربیم ط فایده منه استعمل المدراته عند الضرورة لاحتیاج الایصال

الدواء الی المطلوب ط فایده منه تلین الطبیعت ینفع بهم لان اکثرهم یکونون

یابسی الطبیعه ط فایده منه آب غوره یا افشرده بجوش بدهند تا که غلیظ شود و با

کدو بخورند نافع است ط فایده منه گوشت برکا و بعد رجحت کرده قلیه مرغن

پخته با نخاکه و نان خمیری بخورند چند روز دوام بخورند مجربست اتفق لنا شخص منه

عرق شیر آسیب آب انگور عرق بید مشک عرق صندل باهم انبخته خرفه مقشر

سماق سیره بر آورده شربت انار شیرین داخل کرده کافور قیصوری زعفران شود

باضافه قرص و باعطش گاهی طباشیر سفید و گاهی جاکسی بنوشند ط ترکیب من الاستاد

ملحار ماء الفرح تخم خیارین عرق نیلوفر شربت نیلوفر گل ارمنی پاشیره بنوشند ط

و دیگر نسخه گل ارمنی گل سرخ گل داوودی گل بنفشه گل گاوزبان نبات گلوی شربت آلوبالو

ممزوج نموده بخورند ط تسنجات للاطبا معطش الحار و الفواد در دستور المعمول

الاستاد والواله سلمه ربه سعد کوفی حب الآس در عرق بادرنجبویه عرق حب الثعلب عرق صندل

شیره برآورده شربت حب الآس داخل کرده باضافه معجون ماسک البول بنوشند ط

دیگر ساخته عرق حب الثعلب عرق گاوزبان عرق بید ساده کندر خولنجان شیره برآورده

شربت انار شیرین داخل کرده باضافه جوارش کندر بنوشند ط دیگر للبارده منه الفوادر

طلاکسیه خولنجان درونج سعد کوفی ختی کهنه مدبر طباشیر سفوف ساخته بخورند عقب

آن شربت الخاص حب الآس در عرق حب الثعلب عرق بیدمشک عرق صندل شیره برآورده

شربت سیب داخل کرده بنوشند ط ایضا للبارده طلاکسیه خولنجان سعد کوفی

ختی کهنه مدبر طباشیر سفوف ساخته با شربت حب الآس ممزوج نموده بخورند ط

ایضا للمعده نبات گلوی حسین سعد کوفی سنبل الطیب کندر گلنار کوفته بیخته سفوف سازند

دبخورند عقب ان شیره کاوزبان عرق کاوزبان عرق صندل شربت حب الاس داخل کرده باضافه

جوارش سماق بنوشند ۞ دیگر الصابه مینه مشاه بلوط دانه خشخاش خرنوب نبطی حب الاس

درعرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق صندل شیره برآورده شربت عنبری داخل

فلفل کسه ست گلوی بنوشند ۞ دیگر لدلک شه

طین سعدکوفی شربت حب الاس ممزوج نموده بخورند عقب ان

نار درعرق بیدمشک گلاب عرق صندل شیره برآورده

اضافه قرص ملکنار بنوشند ۞ دیگر لدلک شه ملیکسه

ت بلوط کهربا کوفته بیخته شربت انار ممزوج نموده بخورند

سنبل الطیب درعرق عنب الثعلب عرق کاوزبان عرق

حل کرده شربت بزر شیرین داخل کرده باضافه قرص

نه ست گلوی طلاکسه فلفل کسه سرب گشته شربت

۞ دیگر رب شروه ولیلوس شهد ممزوج نموده بخورند

خرفه درعرق صندل عرق عنب الثعلب عرق کاوزبان

باضافه قرص و با جطلس گاهی طباشیر سفید وگاهی حاکشی بنوشند ط ترکیب من الاستاد

ملحار ماء القرع اب خیار عرق نیلوفر شربت نیلوفر گل ارمنی با شیره بنوشند ط

ودیگر عنه گل ارمنی گلسرخ گل داغستان گل مختوم کهربا ثابت گلوی شربت الوبالو

ممزوج نموده بخورند ط لسنجات للذیابیطس ا

الاستاد والوالد سلمه ربه سعد کوفی حب الاس در عرق

شیره برآورده شربت حب الاس داخل کرده باضافه معجون

دیگر للسادجه عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق بید سا

شربت انار شیرین داخل کرده باضافه جوارش کندر

طلا کسه تولتی ان درمه سعد کوفی ثابت کهنه مدبر طباشیر

ان خرز الحماض حب الاس در عرق عنب الثعلب عرق بید سا

شربت سیب داخل کرده بنوشند ط ایضا للبارد

ثابت کهنه مدبر طباشیر سفوف ساخته با شربت حب الاس

ایضا له ثابت گلوی حب الاس سعد کوفی سنبل الطیب

دبخورند عقب ان شیره کاو عرق کاوزبان عرق صندل شربت حب الاس داخل کرده باضافه

جوارش سماق بنوشند ۴ دیگر ایضا له بیه شاه بلوط دانه خشخاش خرنوب نبطی حب الاس

درعرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق صندل شیره براورده شربت عنبری داخل

کرده باضافه گلنار سماق فلفلی کسه ست گلوی بنوشند ۴ دیگر لدلک بیه

مصطکی حب بلوط خرنوب نبطی سعد کوفی شربت حب الاس ممزوج نموده بخورند عقب ان

تخم حماض تخم خرفه گلنار درعرق بید مشک گلاب عرق صندل شیره براورده

شربت لیمون داخل کرده باضافه قرص گلنار بنوشند ۴ دیگر لدلک بیه ملی کسه

طلا کسه مروارید سائیده حب بلوط کهربا کوفته بیخته شربت انار ممزوج نموده بخورند

عقب ان خرفه سعد کوفی سنبل الطیب درعرق عنب الثعلب عرق کاوزبان عرق

بیدساده شیره براورده داخل کرده شربت بید شیرین داخل کرده باضافه قرص

دباهلیلن بنوشند ۴ دیگر بیه ست گلوی طلا کسه فلفلی کسه شربت کشتنه شربت

حب الاس ممزوج نموده بخورند ۴ دیگر بیه شتر و دیلوس شهد ممزوج نموده بخورند

عقب ان سعد کوفی حب بلوط تخم خرفه درعرق صندل عرق عنب الثعلب عرق کاوزبان

شیره برآورده شربت ملیون داخل کرده باضافه قرص طباشیر قابض بنوشند فقط

دیگر نسخه کبذر مصطکی فرفه گلنار شربت حب الآس ممزوج نموده بخورند طه دیگر نسخه

طلا محلول نقره محلول سعد کوفی خولنجان گلنار شربت عنبری ممزوج نموده بخورند

عقب آن عرق صندل عرق بادرنجبویه عرق گل تخم خرفه حب الآس شیره برآورده

شربت فادزهر باضافه معجون مامسک البول بنوشند طه دیگر نسخه مروارید محلول

یاقوت محلول طلا محلول فلفل کشنیز گلوی حبیب الله گلنار شربت حب الآس ممزوج

نموده بخورند عقب آن عرق بادرنجبویه عرق صندل عرق بید مشک تخم کاهو خرفه

شیره برآورده داخل کرده شربت عنبری ممزوج نموده باضافه جوارش کندر

بنوشند طه نسخه ضماد برای دیابیطس حار دبارد دستور معمول الاسنان

صندل سفید صندل سرخ خوب بلوط گلنار جوز ... برگ عنب الثعلب سبز سائیده

بین الفطن ضماد نماید طه دیگر نسخه برشیده کدو برشیده خیار برشیده سیب برشیده

شاه بلوط مازو سبز اقاقیا گلنار خرنوب نبطی گل سرخ در آب برگ کشنیز سبز

سائیده بین الفطن ضماد نمایند طه دیگر نسخه پوست انار ولایتی حب الآس کندر سعد کوفی

بن

سنبل الطیب گلنار کندر سعد کوفی سنبل القطب گل سرخ آب برگ خرفه سبز

ساییده ضماد نمایند دیگر بهی تر رسیده خیار تر رسیده کدو صندل سرخ صندل سفید

شیاف مامیثا اقاقیا ماهین جوز و از آب تر کرده پوست انار ساییده ضماد نمایند

دیگر بهی سماق حب الآس کندر تر رسیده کدو تر رسیده سیب تر رسیده

کافور زعفران قرنفل مغز تخم کاهو سعد کوفی از آب تر کرده سماق ضماد نمایند

دیگر الضماد که صندل سرخ صندل سفید گل سرخ اقاقیا مازو سبز گلنار از آب

برگ کاهو سبز ساییده ضماد نمایند تم دیگر بهی قرنفل خولنجان سعد کوفی صندل سرخ

سنبل الطیب مازو سبز گلنار کندر مصطکی از آب برگ کشنیز سبز ساییده ضماد

نمایند تم دیگر بهی پوست انار ولایتی حب الآس کندر سعد کوفی گلنار گل سرخ

از آب تر کرده گلنار ضماد نمایند تم دیگر بهی تر رسیده خیار بنی کافور زعفران

صندل سفید لعاب اسپغول گلنار مصطکی مازو سبز از آب برگ عنب الثعلب سبز

ساییده ضماد نمایند تم دیگر بهی کندر مغز سنبل الطیب سعد کوفی تخم حماض

قرنفل دارچینی گلنار مصطکی از آب برگ عنب الثعلب سبز ساییده ضماد نمایند تم

دیگر بنه کتیرا خرفه مغز چو مغز گلنار کافور زعفران در آب برگ کاهو سبز سایند

ضماد نمایند ط دیگر بنه کافور زعفران تخم کاهو نشسته حسک تخم حماض کتیرا

سعدکوفی در آب برگ حب الثعلب سبز سایده ضماد نمایند ط دیگر بنه برگ بید تازه

برگ کشنیز سبز تازه برگ گلاب تازه تر رشته کدو تر رشته خیار بنی اکلیل جو

گلنار صندل سفید حب بلوط حب الاس سماق مازو سبز از آب برگ عنب الثعلب سبز

سایده ضماد نمایند ط دیگر بنه برگ مغیلان برگ گلاب تر رشته سیب

تر رشته بهی برگ کشنیز سبز اقاقیا گل بسته سماق جبالیه کندر گلنار کافور

زعفران از آب برگ کشنیز سبز سایده ضماد نمایند ط دیگر برگ حنا تازه برگ

گلاب برگ بید تازه گل ارمنی اقاقیا کافور زعفران از آب برگ کشنیز سبز سایند

ضماد نمایند ط ترکیبات سفوفات مجرب ترکیب سفوف للذبابطس البارد منه خولنجان

بسباسه بلوط دانه خشخاش دارچینی قرفه دانه الاچی خورد گلنار سماق لعاب مقل

سعدکوفی سنبل الطیب حشیش کهنه به زرشک حلوی قلعی کشته نبات کوفته بیخته سفوف سازند

قدر شربت بامی تهای مناسبه با شربت گاو ط ترکیب سفوف منه مغز تخم خیاربن

مو

مغز تخم کدو نشاسته طین مختوم مغز تخم تربوز تخم خرفه تخم کاهو صمغ عربی صمغ کتیرا
تولچه ۳ ماشه تولچه ۳ ماشه و ماشه ۲ ماشه ۲ ماشه

بزر حماض سماق طباشیر زنج کیله جنگ کرده کتیرا رب السوس زرشک پسته
۲ ماشه ۲ ماشه ۲ ماشه ۳ ماشه ۲ ماشه تولچه

تلقی کننده سنبل الطیب سنبل گلوی جفت کهربا بر فند سفید کوفته بیخته سفوف سازند
تولچه تولچه تولچه تولچه برابر

خوراک ... با ... با عرقهای مناسبه ط مرکب سفوف دیگر من الاستاد طباشیر مصطکی
۳ ماشه ۳ ماشه

... گلوی عود ... دانه هیل ثعلب مصری صمغ دراک موصلی سفید بهدانه مویز دانه برون
۳ ماشه ۳ ماشه ۳ ماشه و ماشه ۲ ماشه ۲ درم ۳ ماشه ۱۰ تولچه

کرده مغز بادام جفت بلوط سماق نبات سفید کوفته بیخته کهربا بر داخل کرده بطریق
۱۰ تولچه ۳ ماشه ۹ ماشه برابر ۲ تولچه

معمول با عرقهای مناسبه خورده باشند ط سفوف دیگر من الاستاد طباشیر
۱۰ درم

تخم کاهو خرفه ... کشنیز خشک گل ارمنی گلنار زرشک گلوی نبات سفید سفوف خشخاش
۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم ۲ درم ۵ درم برابر

خوراک از آب انار ماء الرمان سیب با شیره خرفه با رب سیب با رب به بخورند اگرچه قابض است

لیکن مدت استعمال نمایند و استعمال المدرات هنا لا حاجة الا شیاد الا بالضرورة

الا ایضاح ط سفوف دیگر من الاستاد صمغ عربی گل ارمنی سماق بلوط کشنیز
۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم ۱۰ درم ۳ درم

کتیرا تخم کاهو مغز تخم خیار صندل سفید کوفته بیخته خوراک ۹ ماشه بعض الاستاد
۳ درم ۳ درم ۳ درم درم

التی یجمع قبضا وخصوصه ط سفوف دیگر منضجه و با عطش و دفع ورمی نسبت ضعف جگر

که عارض شود طباشیر مصطکی سنبل گلوی دانه هل صمغ عربی تخم تغلب مصری بهمن سرخ داک

بهمن سفید سماق یکیان بید جفت بلوط کهربا سوده بسد سوده تخم خرفه گل و شیرین

خشت کهنه مدبر بطریق معمول تمام سازند قند سفید ممزوج ساخته خوراک شش ماشه با سبزه گاو

برابر اد ده

بنوشند ط سفوف دیگر بهمن سرخ بهمن سفید موصلی سفید تخم تغلب مصری دارچینی

سماق گلنار مصطکی جفت بلوط گل ارمنی سنبل گلوی خشت کهنه مدبر قلعی کشته قند سفید

برابر

نو قند نخبه سفوف سازند قدر شربت شش ماشه با شیر گاو بنوشند و یا با عرقهای مناسبه

و با اشربه مناسبه بخورده باشند ط ضماد للدبا نطس الحار یضمد القطن بنقابه المعتاد و عبد الثعلب

و آب حناء و جراده القرع با باریک کوفته ضماد نمایند و شی که گرم شود مستعمل سازند ط

ترکیب سفوفات للد با نطس الحار و البارد و نه بدا ضعفه و دانه الایچی خورد طباشیر کتیرا

نشاسته صمغ عربی السوس گلنار سنبل گلوی قلعی کشته کوفته بخته سفوف ساخته

نبات سفید ممزوج ساخته قدر شربت یک ماشه تا عرقهای مناسبه ط دیگر بینه

برابر ده

گشنیز خشک گل ارمنی گل مختوم تخم کنجد خشک گرده بنسلاخ جفت طباشیر حب الاس

تخم تغلب مصری سماق گلنار جفت بلوط کهربا بسد قلعی لسته کوفته بخته با قند سفید

برابر

تازه

ممزوج نموده سفوف سازند قدری با شربت عنبر باشد یا شیر گاو یا شیر بز یا با غوشتی

مناسب ط سفوف جهت بزر اللذیذ یا بطیس نه کندر مصطکی گلنار هیچ پیپه چنگ

گرد جفت بلوط حب الآس دانه الایچی خورد مروارید ناسفته مرجان سائیده طلا کشته

قلعی کشته خشت که مدبر قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند خوراک چهار پنج ماشه باعرق عنب

مناسب المرض ها سفوف دیگر طلا کشته نقره کشته قلعی کشته بسد کشته مروارید سائیده

یاقوت مرجان کهربا دانه الایچی خورد طباشیر ثعلب مصری سماق گلنار

صمغ عربی دهاک ست گلوی خشت که مدبر کافور زعفران قند سفید کوفته بیخته سفوف

سازند خوراک چهار ماشه با عرق عنب مناسب المرض ها دیگر کندر مصطکی گل سیاه

موصلی سفید ثعلب مصری سماق حب الآس مرجان محرق کهربا دانه ... ست گلوی

صمغ دهاک قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند خوراک شش ماشه اگر قلعی کشته

ممزوج نماید بهتر است ط دیگر سرطان محرق ست گلوی کندر ...

مصطکی کافور قیصوری زعفران تخم کاهو کهربا مرجان مروارید سائیده قلعی کشته

قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند خوراک چهار ماشه ط دیگر سعد کوفی

سنبل الطیب قرفه موصلی سیاه دانه موصلی بسفایج بهمن مصطگی حب الآس عود غرقی

طباشیر حب الهیل مدبر بسد کلوی فلفل گرسنه نبات سفید کوفته بیخته سفوف سازند

خوراک شش ماشه با شیر گاو بخورند تمام دیگر سفوف للذیابیطس منه بیزر حماض

جفت بلوط طباشیر دانه الائچی خورد دانه تخم انار دانه گلنار اشنان گاخور

زعفران نبات سفید کوفته بیخته سفوف سازند قدر شربت شش ماشه با عرق کاهی

مناسبه المرض تمام ترکیب آبزن من تالیف سید فرزند علی خان للذیابیطس الحار بدا صفحه

برگ خرفه گل نیلوفر تخم خرفه نیمکوفته تخم خشخاش تخم کاهو گلسرخ کسینک کوکنار

تخم کدو شیرین نیمکوفته و اسپغول صندل سرخ صندل سفید عنب الثعلب جو نیمکوفته

ترشیده کدو برگ بید تازه برشیده خیار تقاح مقطوع اگر یافت شود وعده شده

الحراره الکلی تخم کشنیز مقطوع همه را در دیگ چینی دو دانار آب شیرین بجوشانند تا نصف بماند

صاف نموده در طاس گلاب طبیق باشد سرد کرده آب زن نمایند تمام و بعد از ان

نفحه خشک تخم کدو شیرین کوفته تخم کتان کوکنار تخم خطمی کوفته اسپغول

بخته کاهو تخم خرفه کوفته تخم خشخاش کوفته بابونه گلسرخ برگ بید تازه

جوشانده عنب الثعلب بدستور معمول جوش داده ازین نمایند تا ترکیب ماء اللحم مجرب
اخوی سعید فرزند علی برای حرارت کبد و مقوی قلب حار و دماغ حار وار بن
سبب سیع بولید دوم سوداوی که ازان بواسیر بهم رسد بکنند برای شخصی که از علل داست
بالتقت نموده بود از امراض بصحت تبدیل شد بدانجه نعناع مقطوع پنجاه عدد کدو
مقطوع بخته ماء بو حیقه کوفته عنب الثعلب کشنیز خشک مغز تخم کدو مغز خیار داره خشخاس
کبزا شسته گل سرخ زرشک عناب صبح عنبر طباشیر سفید سماق گلنار
گل نیلوفر ادویه را که قابل کوفتنی است کوفته نموده با هم انبجه آب انگور
آب انار شیرین گلاب بید مشک آب ارزن عرق صندل عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب
عرق بید ساده شیر بز با هم گوشت حلوان ۵ آثار از چربی و استخوان پاک کرده در
دربه دور کرده سرطان نهری اطراف قطع نموده بطریق معمول غسل نموده حاشی کنند
با نبات کرده زعفران کافور قیصوری پوتلی بسته در قابله گذارند که بران عرق بچکد
پنج توله بادویه نسابسته مثل شربت انار شیرین و قرص کافور و قرص و باسط و گل ارتی
و گل مختوم و زهرمهره خطائی و نشیرحات که مستعمل اند سهل باید آورد و یکی در باد ونی اجرا

موافق حالت مریض و تشخیص متعلق برای طبیب است ماء الترکیب عرق دیگر من باب لطافت

سید فرزند علی برای امتلاء و با نبض حار و بد خوابی را مجرب است ماء اللحم است انگور

آب ابریشم گلاب عرق بید مشک عرق بهار نارنج عرق عنب الثعلب چوب چینی اعلی

حب زرشک مغز تخم کدو شیرین صندل سفید صندل سرخ مغز تخم کاهو دانه هل

رشته کتیرا طباشیر قند گشنیز کل گاوزبان ابریشم خام ترکرده دارند

صبح گوشت حیوان سرطان بطریق معمول صاف کرده و سرطان را غسل نموده که از ...

قطاع پاک کرده کافور قیصوری زعفران دستور معمول عرق کشند و با سفره به مناسبت استعمال نمایند

عرق دیگر مجرب بجهت سید فرزند علی برای ... که بسبب ضعف کلیه و ... درد عارض بود

گوشت مرغ فربه دو دانه مرغ فربه جوان دراج ... کبک مرغابی گوشت ها را از چربی

معمول و استخوان پاک کرده درون ... وارکرم مصالحه معمول ممزوج نموده در ... نموده

گلاب هم خام ... مصالحه بهمن سرخ بهمن سفید دارچینی فلفل عود صلیب سنبل الطیب

... مصطکی دارفلفل ... قاقله مصری عود ... بسباسه زرنباد چوب چینی اعلی

بقدر ... آب ... کنند در وقت عرق کشیدن عنبر اشهب مشک ... بسته نمایند

واستعمال نمایند چہ بولکہ عرق سرپہ نانخواہ شاہتره ماء الفرج آب برگ بونیان انار شیرین

عرق صندل عرق بید مشک عرق بید ساده الائچی خورد وسماق طباشیر سفید

چکنی نیم سرطان بدستور پاک کرده برشنیده کد و برشنیده چنار

صندل سفید صندل سرخ گلنار بدستور معمول عرق کشند و در وقت کشیدن

کافور قیصوری زعفران در پنجه داده عرق بکشند ہلہ نرگس عرق دیگر

سیر براب خیاری ایسب ولاہی آب انار شیرین آب خرفہ مقشر ماء الفرج

عرق صندل کشنیز خشک بیج کیلہ نیلوفر گلسرخ تازه گل کیوره گل بنافشہ خوب ملوط

حب الآس الائچی خورد طباشیر سفید تخم کاہو نیلوفر بدستور عرق کشند و در وقت

کشیدن کافور زعفران در پنجه داده کشند چہ عرق نشہ عرق گلاب سر بر

ماء الفرج آب نا پختہ عرق صندل عرق گاوزبان عرق بید ساده چوب تر نیلوفر

ملک نیلوفر برگ بید تازه گل گلاب تازه صندل سفید صندل سرخ حب ملوط

ساده ملوط حب الآس عنب الثعلب برشنیده کد و الائچی خورد الائچی کلان گلنار

کشنیز بیج کیلہ کاسنی بدستور کافور قیصوری زعفران داده عرق کشند ہلہ

عرق سرد دیگر برای دیابطس بارد ابنوا ز بیط ماینده عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب
۵ آثار ۵ آثار

عرق سرد سایه شیر گاو سبز بر بهمن سرخ بهمن سفید تخم [illegible] مصری [illegible] مصری [illegible]
۵ آثار ۱۰ آثار ۵ آثار تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه

سنبل الطیب خولنجان حب الآس مصطکی سماق گلنار رب ستور معمول عنبر اشهب
۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه مثقال

زعفران عرق کشند ﻫ مرکب عرق دیگر برای دیابطس بارد و نه سبز گاو تازه
هم مثقال ۱۰ آثار

سیر بر عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق گاو زبان طباشیر الائچی خورد الائچی کلان
۵ آثار ۵ آثار ۵ آثار ۵ آثار تولیه سه تولیه سه تولیه

حب بلوط عود غرقی قرنفل سنبل الطیب دارچینی خولنجان صندل سفید صندل سرخ گلنار [illegible]
تولیه تولیه تولیه تولیه تولیه تولیه سه تولیه سه تولیه سه تولیه

سماق سعد کوفی رب ستور معمول عنبر اشهب مشک هم مثقال در پنجه و او د
سه تولیه ۳ تولیه مثقال

عرق کشند ﻫ مرکب عرق شیر شتر نر شیر بز دو ازده آثار سیر خرا تک [illegible]
۱۰ آثار یک آثار یک آثار

عرق گل نیلوفر ماء القرع آب برگ کاسنی سبز مروق آب برگ عنب الثعلب سبز مروق
۲ آثار ۲ آثار آثار یک آثار

آب برگ کاسنی مروق آب برگ کاهو سبز مروق آب برگ گلاب الائچی خورد
یک آثار هم آثار هم آثار ۲ تولیه

الائچی کلان بر رشته سفید بر رشته بهی بر رشته نار ستبانی صندل سفید صندل سرخ
۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه سه تولیه سه تولیه

برگ بید تازه گل گلاب تازه گل لگوره سعد کوفی سنبل الطیب حب الآس
تازه تازه ۲ تولیه ۲ تولیه ۲ تولیه

حب بلوط خرنوب بغلی سماق برگ گلاب گلنار طباشیر سفید کندر مصطکی
۲ تولیه ۲ تولیه تولیه ۲ تولیه تازه ۲ تولیه ۲ تولیه نیم تولیه سه تولیه

ثعلب مصری عود غرقی بدستور کافور قیصوری زعفران ورنجه داده عرق

کشند ط ترکیب عرق کافور من تالیف گل نیلوفر گل گاوزبان برگ فرنجمشک

بادرنجبویه گاوزبان گل گلاب تازه گل کیوره صندل سفید صندل سرخ طباشیر سفید

کشنیز خشک بهکوفته جراد الکه جراده حنار حنارس ریشه برآورده سماق

تخم خشم کدو شنیده برآورده تخم خرفه شنیده برآورده عرق نیلوفر عرق بیدمشک

تخم کبابه شنیده کشیده عرق خار خسک ماء اللحم عرق گاوزبان کافور قیصوری

زعفران بدستور معمول عرق کشند وقت شرب پنج توله با زیاده علی رای

طبیب استعمال کرده باشند مجرب است ط عرق کافور ترکیب دیگر بهم عرق گاوزبان

گلاب عرق بیدسالم عرق بیدمشک عرق صندل حنا ریشه بهکوفته خار خسک بهکوفته

برگ گلاب برگ بیدساده تخم کبابه چینی کرده بهکوفته طباشیر [illegible] جوز

سفیده برآورده حب الآس شنیده برآورده گلنار سرطان پاک کرده گل

گاوزبان برگ فرنجمشک کافور قیصوری زعفران بدستور عرق کشند معمول

استعمال کرده باشند ط ترکیب دیگر من تالیف مجرب است عرق گذره

عرق صندل عرق نیلوفر آب برنجور(؟) کبابه نشاسته صمغ عربی صمغ ڈهاک طباشیر
۵ تولہ ۵ تولہ ۵ تولہ ۳ تولہ ۳ تولہ ۳ تولہ ۳ تولہ ۳ تولہ ۱۰ تولہ

سماق سبزه بر آورده جهت لعوق الایچی خورد الایچی کلان کشنیز خشک
۲ تولہ ۲ تولہ ۲ تولہ ۲ تولہ ۲ تولہ ۲ تولہ ۲ تولہ

ملکوی(؟) هم مکوفته [illegible] حب الآس کافور قیصوری زعفران سنبل
۲ تولہ ۲ تولہ ۲ تولہ ۳ ماشه ۵ ماشه

معمول عرق کشند و استعمال کرده باشند قرص ترکیب قرص [illegible]

طباشیر رب السوس تخم کاهو تخم خرفه گلسرخ کشنیز خشک اقاقیا صندل سفید
۱۰ درم ۱۰ درم ۲ درم ۱۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم

گل ارمنی کافور کوفته بیخته بگلاب اقراص سازند شربت ۲ درم با آب
۵ درم ۲ درم

انار شیرین استعمال کرده باشند قرص و [illegible] من الاستا و حب الاس تخم حماض
۲ درم ۲ درم

مغز صمغ عربی نشاسته کوفته بیخته بلعاب اسپغول اقراص سازند شربت دو درم قرص
درم درم

خرنوب نبطی [illegible] گلنار افیون صمغ عربی کوفته بیخته اقراص
درم درم درم درم درم

سازند شربت دو درم [illegible] قرص سرطان تخم خشخاش تخم خرفه
۱۰ درم ۲ درم

اصل السوس طباشیر سرطان محرق نشاسته کثیرا کوفته بیخته بلعاب بزر قطونا
درم درم درم درم درم

[illegible] اقراص سازند شربت [illegible] قرص سرطان گل مختوم گل ارمنی
درم درم

نشاسته گلسرخ سرطان محرق کثیرا طباشیر سفید [illegible] رب السوس
درم درم درم درم درم درم درم

تخم کرفس سماق مصطکی نار و سبز ریزه کل کوفته بیخته با آب ان الحمل اقراص زنند

قرص کهربا دانه خشخاش کهربا مصطکی زعفران کوفته بیخته بلعاب بزر قطونا

اقراص سازند ها قرص کهربا کهربا صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز تخم خیار بادرنجی

مغز تخم کدو و گلنار اقاقیا کوفته بیخته بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص سازند شربت

سرفه خرخره و سینه معمول استعمال نمایند ها قرص الطین قرحه مثانه و بول الدم

گل مختوم طباشیر کثیرا صمغ عربی تخم خرفه مغز تخم خیار بن مساوی

کوفته بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص سازند ها قرص نفث الدم را

نافع است بسد معمول کندر اقاقیا گلنار صمغ عربی کثیرا گل مختوم

یک کوفته بیخته با آب سیب اقراص سازند شربت بمقدار ها قرص حب الاس

استعمال وقتی بار دارد سماق حب الاس کهربا [illegible] کل ارمنی نشاسته

بریان کرده ملوط مغز زرشک [illegible] انار نار و سبز کوفته بیخته اقراص زنند

شربت دو درم با آب به تازه یا آب سیب ها قرص طباشیر [illegible] دق

و سرفه کهنه و التهاب را نافع است طباشیر [illegible] گلسرخ صندل سفید گلسرخ

مغز تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو خرفه مقشر کافور منصوری کوفته بیخته
مثقال مثقال مثقال مثقال یکدانگ
بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص سازند ۲ قرص کافور تب محرق
وتب دق وتشنگی را نافع است طباشیر تخم خرفه تخم کاهو تخم کاسنی
۵ درم ۵ درم ۵ درم سه درم
رب السوس صندل سفید مغز تخم خربزه مغز تخم کدو شیرین ترنجبین کافور
سه درم سه درم ۲ درم ۲ درم ۱۰ درم نیم مثقال
کوفته بیخته بلعاب بزر قطونا اقراص سازند ۲ قرص کافور زرجان و
تب گرم زرشک سماق طباشیر گلسرخ تخم کاهو تخم خرفه
۲ درم ۲ درم ۲ درم سه درم سه درم
تخم کاسنی کثیرا مغز تخم کدو مغز تخم خربزه صندل سفید رب السوس
سه درم سه درم ۵ درم ۵ درم ۴ درم ۴ درم
کافور بلعاب بزر قطونا اقراص سازند شربت ۲ درم با سکنجبین بردی ۲
۲ درم ص ۲
مرکب سفوف و بانطس جهار صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق ملوط رب السوس
۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم ۵ درم سه درم
کثیرا تخم کاهو تخم خرفه صندل سفید کوفته بیخته شربت ۲ درم با آب
سه درم سه درم سه درم ۲ درم
انار شیرین و ترش ۲ مرکب سکنجبین لیمو آب ۲ سرکه صاف
نبات مثقال ۳۰ مثقال
گلاب آب لیمو قند سفید بجوشانند و بقوام آرند و استعمال نمایند ۲
۳۰ مثقال ۳۰ مثقال نیکی
مرکب سکنجبین ریاحی تب ها حرارت جگر و معده لزوم را سود دارد و تشنگی

بماند

مانند آب انار ترش و آب انار شیرین هر یک نیم من بجوشانند بعد کشیده

اگر عوض سرکه تمر هندی کنند بهتر است و بجوشانند تا بقوام آید و قدری

زرشک سرکه صاف اضافه کنند و بجوشانند تا به قوام آید مجرب است

مرکب عرق گاوزبان نسخه دیگر منه آب انار شیرین آب انار ترش آب انگور

آب سیب آب به آب انار سپاهانی گلاب عرق بیدمشک عرق بید ساده عرق صندل

عرق کیوره شربت سیب ولایتی شربت انارین متنعنع تمر هندی آلوبخارا

طباشیر زرشک بهدانه موبر مسقی گل گاوزبان گل نیلوفر گل گلاب تازه

گل کیوره گل ... گل ارمنی حب الآس سماق گلنار خشک بلوط خرنوب نبطی

صندل سفید مصطکی گشنیز نسخه کتیرا صمغ ڈاک تخم کاهو شکوفه

تخم خرفه شکوفه کشنیز خشک تخم خربزه شکوفه تخم خیارین برگ گلاب

برگ بیدباره گاوزبان مصفی زعفران بدستور عرق کشند

بلغ

و دستور العلاج فی الیالیخولیا المراقی علی نسق الاستاد الوالد مسطور به واکثر
فواید های که در وهن این بیچاره منقش گردیده نوشته شده فایده هم
گاهی ماده مراق در طحال مجتمع میشود و از طحال در امعاء بواب می آید و بواب سبب
اجتماع ماده متورم میشود و بسبب ورم بواب که متصل است بقعر معده موجب ورم
قعر معده خواهد شد و ورم قعر معده نیز باعث مالیخولیای مراقی و نفخ مراقی
میشود و علامت ورم قعر معده احتباس براز است که بعد از چهار روز
دفع احتباس فضول غذا خواهد شد و خواه ماده مجتمع در قعر معده باشد خواه
در شرائین واورده که متصل بقعر معده و مراق است و خواه ماده
در بواب که شعبه امعاء اثنا عشری است نیز متصل بقعر معده و مراق
است غرض ماده هر جا که باشد استحاله آن یا بجره غلیظ سوداویه
مجتمع در مراق و معده میشود و ان موجب نفخ مراقی و جشاء حامض خواهد شد
و سبب وجع معده است که بسبب ورم قعر معده که بسبب اجتماع ماده
سوداویه محترقه حاصل شده است جذب اجزای معده و حرکت آن میکند

ولبست بلغت وجذب اجزای ثقل و تمدد و وجع معده پیدا خواهد شد ماط

فایده منه منعقد با معده که متصل با مجاری است بسبب اجتماع خلط هم محترق و سودا

محترق در معده بموجب تیبیه بمثانه و منعقد با معده خواهد شد و بنر اجتماع

باده باعث ورم معده یا ضعف معده میشود و وقتی که مریض غذا تناول کرده

و بخار اسبت بسبب منافذهای بخر لطیف امعا محراب شده و سبب حبس غذا

جسم معده زیاده خواهد شد و ریح و قراقر و نفخه که موجب نفخ مراقی میشود و ابتدا

نها اخراج شد و زماده مراق که باعث ورم معده یا ورم قعر معده باشد

غذا و آب موقوف می باید عوض غذا نخوداب و کباب و عوض آب

عرق عنب الثعلب اکتفا میدارند وگاهی ماده محترقه مجتمع میشود در شرایین

بادرآورده که متصل بقعر معده و مراق است و ماده از شرایین و بادرآورده

منصب میشود اطراف قعر معده وآن ماده موجب ورم قعر معده خواهد شد

و ورم موجب مراق است وگاهی سبب آن ماده منصبه از شرایین

و بادرآورده بمعده که مستحیل با بخره منبسطه میشود ارتفاع آن بطرف دماغ

خواهد شد

خواهند شد و موجب وسواس و ضلالت نیز جمیع اسباب مالیخولیا خواهد شد
ابزاء مالیخولیای مراقی می گویند و وقتی که ابخره صعود نکند و همچنین معده
باشد ابزاء نفخ مراقی می گویند و در نفخ مراقی نیز صعود ابخره قلیل میشود فایده
فایده منه سبب سوزش کتفین و وجع ترقوه آنست که اکثر رباطها معده متصل است
بهر دو کتفین و بطرف ترقوه و رفتن معده و سوزش آن و وجع آن موجب
سوزش و وجع کتفین و ترقوه خواهد شد ط فایده منه گاهی در مراق
اخراج رطوبت از دهان میشود و سبب عدم هضم غذا و امتلاء معده از حصول
و غذا غیر منهضم ما ط فایده منه گاهی ماده مخرجه مجتمع میشود و در ماساریقا
و اجتماع ماده موجب ورم معده خواهد شد چنانکه وقتی که معده ضعیف
شد و آن ماده از طرف ماساریقا بمعده خواهد رسید و موجب ورم
کرد و استخلاص و نفخ مراقی گردد ما ط فایده منه خلط نافخه در مراق دم
محترق و سوداء محترق در معده و مراق مجتمع شده مستحیل بابخره غلیظه
میباشد و آن بخارات سبب یبوست شود او در معده و مراق قرار می ماند

و آن موجب نفخ مراقی میشود مانند جابده بسته و فتقی که در تمامت جمع میشود

موجب خراق میشود و در نهایت مانند حصاتی نوشتم علاج این اول نقی

کنند بعد از آن با دویه مسهله تنقیه کنند جماع هم بشود که آن ماده از جهات لطف [illegible]

معده رو دو موجب فساد کند و موجب تشنج شده کند و فتقی که تشنج معده

خواهد شد تشنج اعضای دیگر خواهد شد و آن تشنج موجب سکته و صرع و فالج و لقوه

نیز خواهد شد عند شده الالم و التباس موجب هلاک مریض است تا

مانده شد سبب عدم استعمال قی و مسهل در ماده مراقی که سبب اجتماع ماده

در معده باشد چون آنکه در سرابین و غیره است که در عین شدت ورم اگر

استعمال قی و مسهل خواهد کرد موجب خرق ورم خواهد شد و سبب دیگر

آنست که تحریک مسهل تحریک ریاح زیاده میشود و از زیادتی ریاح موجب نفخ

مراقی است مگر عند ضرورت مسهل غیر قوی اگر ماده زیاده باشد مضایقه

ندارد اگر استاد اول علاج حرارت کبد باید کرد که سبب احراق ماده

آنست و سبب حرارت کبد در احتباس ماده در کبد ضعف کبد عارض میشود و سده

مسام بند میشود و سبب سده مسام و منافذ همین ریاح و حرارت خواهد شد

و اگر نفخ مراقی شود ادویه کاسر الریاح استعمال کنند ثالث فایده

اول علاج مالیخولیای مراقی ماده خواه در معده باشد یا در کبد مناسب است

که فصد باسلیق و اگر قرینه بعرصه چهل روز بکنند و اگر طاقت مریض

باشد بعد از بیست روز فصد بکنند و گاهی فصد اسلیم و حبل الذراع بسیار

فایده دارد و بعد از تنقیه فصد منقیه بدن مسهل ضعیف باید کرد بشرط نفخ

باشد چرا که از مسهل قوی تحریک ریح بسیار میشود و زیادتی ریح موجب زیادة

نفخ مراقی خواهد شد و گاه گاه عند الاحتیاج در مراق هم مسهل تنقیه میکنند

در معالجه مالیخولیای مراقی تنقیه بفصد و من بعد مسهل باید کرد و اگر احتیاج

تنقیه بار شود تدبیران بار الحین بکنند بدستور معمول مواد [illegible]

و سفوفات مناسبه مخرج سودا را استعمال کنند و بعد از آن اصلاح

معده و کبد و دماغ حرارت غلبه کرده باشند ان شاء الله تعالی در همین

تدبیر کفایت خواهد نمود فایده ترکیب مسهل نسخه منضج بالان باد رنجبویه گاو زبان

گل گاوزبان تخم کاسنی نیم کوفته برگ فرنجمشک اصل السوس گل غافث گل نیلوفر

افتیمون در کرباسه بسته مویز منقی برگ شاهتره گل سرخ آلو بخارا اسطوخودوس

بسفایج فستقی گلقند آفتابی در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب

بجوشانند یکجوش و بمالند صاف نموده بنوشند تا سه روز بعد از سه روز

درین منضج ترنجبین داخل کرده بنوشند تا چهار روز دیگر بدهند که مادهٔ

سودای در هفت روز منضج خواهند بعد از آن ترنجبین شیرخشت مغز

فلوس در یک آثار عرق قلیه بجوشانند یکجوش بمالند صاف نموده روغن

بادام داخل کرده بنوشند وگاهی باضافه حب لاجورد بدهند در روز

مسهل برگ سنای مکی گل سرخ در منضج مذکور داخل کنند علی الصباح تبرید

کنند عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب بهیدانه لعاب گرفته

شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند بعد از آن اصلاح معده بدانه هیل

مصطگی بادیان کوفته بیخته گلقند آفتابی ممزوج نموده بخورند تا سه روز

من بعد او را به مفرحه و مقویه استعمال کرده باشند تمت نسخه الحمد لله

مزاجی منه بادیان بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان برگ ترنجک

اصل السوس مویز منقی گلقند در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق

عنب الثعلب بجوشانند بکبار و بمانند صاف نموده شربت گاوزبان داخل

کرده باضافه دواء المسک بنوشند ۞ دیگر نسخه گل گاوزبان برگ

فرنگ افسنتین دو لکشته در سنگ بیدانه بادرنجبویه مویز منقی گلقند آفتابی در عرق

گاوزبان عرق نیلوفر عرق بادرنجبویه بجوشانند بکبار و بمانند صاف نموده

سکنجبین افسنتین شربت بادرنجبویه داخل کرده باضافه دواء المسک

معتدل بنوشند ۞ دیگر نسخه گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه برگ فرنگ

آلو بخارا تمر هندی تخم کاسنی شگوفه مویز منقی گلقند در عرق گاوزبان

عرق نیلوفر عرق بادرنجبویه بجوشانند بکبار و بمانند مالیده صاف نموده

شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه دواء المسک معتدل بنوشند ۞

دیگر نسخه جوارش انار شیرین بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه

گلاب ممزوج نموده شربت انارین منعنع داخل کرده باضافه تخم فرنگ

بنوشند. ط دیگر نسخه آب انار شیرین اکثیث عرق صندل زرشک

مالیده صاف نموده شربت صندل داخل کرده باضافه تخم شربتی

بنوشند ط دیگر نسخه خمیره مروارید بخورند عقب آن آب انار شیرین عرق

بیدساده بیدمشک شربت انار شیرین داخل کرده باضافه تخم بالنگو بنوشند

دیگر نسخه خمیره صندل آب انار شیرین عرق گلاب شربت سیب داخل کرده بنوشند

دیگر نسخه تقوی معده و کبد مع رغائب الارض مروارید ابریشم خام شیلع هندی

دوا الالیجی خورد سنبل الطیب کوفته بیخته با گلقند آفتابی ممزوج نموده بخورند عقب آن

عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب شربت افتیمون شربت بزوری

داخل کرده باضافه تخم فرنجمشک بنوشند دیگر نسخه آب انار شیرین آب انگور

عرق گاوزبان زرشک بیدانه شربت افتیمون باضافه لاجورد مغسول بنوشند دیگر نسخه

گل گاوزبان برگ فرنجمشک زرشک بیدانه صندل سفید شکوفه بادرنجبویه افتیمون در لته بسته

در عرق صندل عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان شب تر کرده فرار صباح مالیده

صاف نموده شربت سکنجبین شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه تخم شربتی

بنوشند دیگر بنه جوارش زرشک بخورند عقب آن طباشیر و [illegible] خشک

در عرق بید مشک گلاب عرق گاوزبان شیره برآورده شربت زرشک داخل

کرده بنوشند دیگر بنه که بر عقب گذارند صندل سفید صندل سرخ سماق [illegible]

[illegible] که در برنج خیار عنب الثعلب انگلاب و عرق صندل [illegible]

کرده بر فلیته گذارند و [illegible] باز تر کرده دارند دیگر بنه

ابریشم مقرض زرشک حل گاوزبان افتیمون در لته بسته صعتر فارسی در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه سیب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده گلقند آفتابی

ترنجبین حل کرده باز صاف کرده [illegible] روغن بادام بنوشند

دیگر بنه ابریشم مقرض لاجورد مغسول [illegible] افتیمون [illegible] گلقند آفتابی کوفته

ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب شربت افتیمون

سکنجبین بزوری داخل کرده بنوشند دیگر بنه زرشک بیدانه [illegible] گل گاوزبان

گلقند آفتابی در لته بسته در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه بجوشانند [illegible] صاف

نموده و [illegible] طباشیر شیره برآورده داخل کرده شربت گاوزبان داخل کرده بنوشند

[illegible]

دیگر نسخه تخم خشخاش ابیض حب الآس مویز منقی صمغ عربی کتیرا گلقند اصفهانی در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

بجوشانند و در عرق طبخ اسپغول در لعاب بسته داخل نمایند بهم داوند صاف نموده

بنوشند دیگر ضماد است که حرارت کبد را اصلاح آرد نسخه ضماد برای حرارت کبد

صندل سفید صندل سرخ شیاف مامیثا گل سرخ زرشک بدانه تخم کاسنی عنب الثعلب

ارایات برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن گل ضماد نمایند دیگر نسخه صندل سفید

گل سرخ کافور عنب الثعلب زرشک کدو آرد جو خرفه ملوکیه همه را در دقت

برگ کشنیز سبز سائیده با اضافه روغن گل ضماد نمایند دیگر نسخه تخم کاسنی

گل سرخ برگ خرفه سبز برگ کاهو سبز برگ کاسنی برگ عنب الثعلب سبز

عنب الثعلب زرشک جبار ارایات برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن گل

ضماد نمایند دیگر نسخه توت و خشک آرد جو زرشک سیب ترش

عنب الثعلب زعفران کافور قیصوری ارایات برگ کاسنی سبز سائیده با اضافه روغن گل

ضماد نمایند دیگر نسخه تخم کاسنی تخم کاسنی تخم کاهو توت و خشک گل گاوزبان زرشک

برگ بید عنب الثعلب زرشک کدو ارایات برگ کاسنی سبز سائیده

دیاقوز

روغن گل ضماد نمایند مرکب ضمادات برای تحلیل ورم و ورم معده ضماد جهت ورم سپرز

گل بنفشه سنبل الطیب سعد کوفی عنب الثعلب اکلیل الملک مصطکی از آب برگ عنب الثعلب

سرشته برآورده با اضافه روغن بابونه ضماد نمایند دیگر نسخه بابونه اکلیل الملک

عنب الثعلب گل بنفشه برگ سداب صعتر فارسی اصل السوس بوره خشک مصطکی

سعد کوفی از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن بابونه ضماد نماید

دیگر نسخه بابونه عنب الثعلب سنبل الطیب الخیرزرد سورنجی گل سرخ افسنتین افتیمون

گل بنفشه از آب برگ عنب الثعلب سائیده با اضافه روغن بابونه ضماد نماید

ضماد جهت ورم معده صندل سفید صندل سرخ نشاسته بابونه خطمی عنب الثعلب

سعد کوفی اکلیل الملک الخیرزرد گل سرخ از آب برگ عنب الثعلب سبز با اضافه روغن گل

ضماد نماید دیگر نسخه روغن گل روغن بابونه مصطکی خشک سائیده بر معده و مراق مالند

دیگر نسخه روغن بنفشه روغن بابونه روغن گل افسنتین مصطکی سعد کوفی کوفته بیخته

در روغن مذکور سرشته بر شکم مالند فایده کند و اگر باد متحرکه در طحال مجتمع باشد اول باید که

فصد اسلیم و حبل الذراع یا فصد باسلیق کنند لیکن بجانب چپ فصد کنند و در بعد اخراج

ماده مسهل قوی در استسقای بلغمی تا بعد از آن اصلاح طحال با ادویه مسهله کرده باشند

تدبیر رقی تا این طریق یاد کرده و بعد از تدبیر رقی مسهل بگیرند تخم ترب افتیمون

جوز القی و ریوند با آب بجوشانند تا نصف باید صاف نموده در آن عسل

داخل نموده بنوشند و قی نمایند و سه قرصه یک روز ناغه کرده استعمال کرده باشند

بعد از راحت توبد سفید سقمونیا بادیان و راسن گلقند ممزوج نموده بخورند

بعد از آن اگر احتیاج مسهل باشد مسهل بدهند منضج للطحال بیخ بادیان بیخ بادیان

تخم کاسنی بیخ کاسنی گاوزبان فلفل گاوزبان پوست بیخ کبر بیخ کرفس کشنیز

برگ سداب صعتر فارسی مویز منقی گلقند در هم انداخته بجوشانند بادیان

صاف نموده تخم جزیره سکنجبین افتیمون داخل کرده بنوشند و دیگر

الجزر زیره فانیذ پرسیاوشان گاوزبان تخم فرنجمشک افتیمون

تخم کشوث پوست بیخ کبر مویز منقی گلقند افتیمون در هم انداخته بجوشانند

صاف نموده سکنجبین بزوری داخل کرده باضافه قرص دیمونید بنوشند

ترکیب مسهل بلا احتیاج الماده للطحال تخم کاسنی بیخ کاسنی بادیان بیخ بادیان

تم الکلام

عنب الثعلب گاوزبان گل گاوزبان اکلیل الملک بزر رازیانه برگ سداب صعتر فارسی
ابریشم مکوفته قنطوریون دقیق پرسیاوشان افتیمون ورد لسان الثور قسنطین رومی
بسفایج مکوفته پوست بیخ کبر بلیلج برگ سنای مکی مویز منقی گلقند افتیمون همه را
در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق بادیان عرق بادرنجبویه شب تر کرده
صباح بجوشانند یکی باد و آب بماند بالیده صاف نموده سکنجبین افتیمون در حل کرده
ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده بار صاف نموده روغن بادام مفرح نموده
حب لاجورد بنوشند ۞ جوشانده مطبوخ بادیان بیخ بادیان عنب الثعلب ایضا
افتیمون ورد لسان الثور بسفایج فستق مکوفته تخم منجکشت ورتیم اثار آب بجوشانند هم باو باند
صاف نموده شربت افتیمون در حل کرده با اضافه قرص کبر بنوشند ۞ دیگر بنه
گاوزبان گل گاوزبان پوست بیخ کبر برگ سداب صعتر فارسی افتیمون قنطوریون دقیق
بیخ کبر کبود بادرنجبویه مویز منقی گلقند ورشیم انار آب بجوشانند هم باو باند
صاف نموده سکنجبین ریوندی در حل کرده خیارشنبر گشنیز سبز را در روغن مفرح نموده
با اضافه قرص لک بنوشند ۞ دیگر بنه تخم کاسنی بیخ کاسنی تخم کرفس

مسهل کشوث پوست بیخ کبر ایرسا گاوزبان افتیمون ولایتی عنب الثعلب گل سرخ مویز منقی

گل قند آفتابی در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده شربت افتیمون

داخل کرده باضافه قرص انبرباریس بنوشند و بگیرند زرشک بیدانه تخم کشوث

تخم کرفس پوست بیخ کبر اذخر زردآلو افتیمون ولایتی مویز منقی گلقند آفتابی در نیم آثار آب

بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده مغز تخم خربزه شیره برآورده داخل کرده

شربت گاوزبان سکنجبین ریوندی داخل کرده باضافه قرص لک بنوشند و بگیرند

لاجورد مغسول لک مغسول قرص ریوندی سکنجبین افتیمونی ممزوج نموده بخورند عقب آن

عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادیان شربت افتیمون داخل کرده تخم قنبیل بنوشند و بگیرند

لاجورد مغسول اسطوخودوس افتیمون پوست بیخ کبر کوفته بیخته بروغن بادام چرب

سکنجبین نموده در گلقند آفتابی سکنجبین بزوری ممزوج نموده بخورند تا ... و بگیرند

ایارج فیقرا لاجورد مغسول لک مغسول پوست بیخ کبر تخم قنبیل اذخر زرد و مویز منقی گلقند آفتابی

روغن بادام سکنجبین افتیمونی ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق بادیان شربت افتیمون داخل کرده باضافه قرص کبر بنوشند بود دیگر

ضماد دیگر منه الخمرزرد و اکلیل الملک تخم خشخاش ترب نخاله کنند و در سرکه و قدری زعفران

ترب سائیده ضماد نماید مجرب است ضماد دیگر زرنیک سوده صعتر فارسی پودنه جبلی

پودنه کوهی برگ سداب صندل سفید صندل سرخ دیگر منه الخمرزرد عنب الثعلب

پوست بیخ کبر برگ سداب صعتر فارسی نخاله کنند و در سرکه سائیده ضماد نماید

و اگر قدری روغن ترب و روغن شبت اضافه نماید مناسب است دیگر منه افسنتین رومی تخم حلبه

اکلیل الملک
تخم ترب اکلیل الملک تخم شبت افتیمون در سرکه و قدری روغن شبت

سائیده ضماد نماید ط دیگر منه اسارون قیطراه لاجورد مغسول لک مغسول پوست بیخ کبر

تخم خشخاش الخمرزرد موبری گل قند افغانی روغن بادام سکنجبین افتیمون ممزوج نموده

بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادیان شربت افتیمون و داخل

کرده با اضافه قرص گل بنوشند ضماد دیگر منه چوب گز سوخته اشق لک مغسول

مقل ازرق الخمرزرد افتیمون نخاله کنند و تخم شبت و در سرکه و روغن شبت سائیده

ضماد نماید ط دیگر منه ریوند چینی حجر ارمنی لک مغسول فنطوریون دقیق تخم ترب

زرناوند طویل در سرکه سائیده ضماد نماید ط دیگر منه زعفران اسارون پوست بیخ کبر

[illegible]

اشق زعفران الجزرز عنب الثعلب از هر یک عنب الثعلب سبز و قدری سرکه

در وقت حاجت حل کرده بر یک سایئ ضماد نماید دیگر نسخه تخم ... تخم

عنب الثعلب اشق کرده با بوره ارمنی نخاله گندم از آب برگ عنب الثعلب سبز و قدری

سرکه در وقت ترب سابیده ضماد نماید بهبود دیگر نسخه بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب

الجزرز و موسیر مقشر تخم توت ... گیر و آب عنب الثعلب سبز و قدری سرکه

در وقت ترب سابیده ضماد نماید و اگر شدت حرارت باشد این نسخه مفید

مداوم تخم کاسنی بیخ کاسنی عنب الثعلب بالان بیخ بالان افسنتین گل کاسنی

زرشک بیدانه موسیر مقشر گلقند و در عرق بالان عرق کاسنی بخیسانند هم او

صاف نموده شربت بزوری معتدل و اخل کرده بنوشند دیگر نسخه تسکین الحرارت

گل کاو زبان گاو زبان برگ و تخمک زرشک بیدانه بادرنجبویه و در عرق بادرنجبویه

آب انار شیرین آب سیب ... کرده دارند صباح با لبن صاف نموده موسیر

گلقند حل کرده بار صاف کرده سکنجبین بزوری و در حل کرده بنوشند

دیگر مطلحات نسخه بادیان بادرنجبویه گاو زبان پوست بیخ کبر افسنتین موسیر بوره ...

گلقند ممزوج کرده بخورند تا دیگر لذلک تخم گل بنفشه گاوزبان موبرسنفی تخم کاسنی

زرشک ... موبرسنفی گلقند در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت زرشک شربت بادرنجبویه داخل

کرده باضافه قرص کافور بنوشند دیگر نسخه تسکین الحرارة تخم کاسنی

زرشک ... ابریشم مقرض موبرسنفی شب در عرق گاوزبان آب انار شیرین

عرق عنب الثعلب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت گلقند آفتابی شربت

لیمون شربت انار شیرین داخل کرده باضافه لاجورد مغسول مقوی بروغن بادام

بنوشند نسخه نطول ... محلل اورام معده و کبد و طحال و محلل ریاح بابونه اکلیل الملک

سعد کوفی سنبل الطیب افسنتین ... افسنتین رومی اسارون عنب الثعلب همه را

در دو ... آب جوشانند ... صاف نموده روغن بابونه داخل

کرده نطول نمایند ... نطول دیگر لذلک ... بابونه اکلیل الملک تخم کرفس سعد کوفی

بیخ کرفس بیخ اذخر عنب الثعلب تخم حلبه تخم شبت افسنتین قنطوریون و قیق

نخی ... گندم در دو ... آب جوشانند ... آب ... صاف نموده

باضافهٔ روغن گل روغن دنبه بطول نمایند ها بطول لوکک منه بابونه اکلیل الملک
شاهترهٔ هندی سنبل الطیب برگ سداب صعتر فارسی پوست بیخ کبر برگ نمام
عنب الثعلب تخم کتان تخم خشخاش افسنتین زرنباد نخاله گندم ورد و ارده آثارات
بجوش آیند بعد از آن نمایند صاف نموده باضافهٔ روغن مصطگی روغن بابونه بطول نمایند
نسخه کماد حبه محلل وجع و ورم و محلل ریاح منه تخم کرفس زیره سیاه مصطگی
صعتر فارسی اسارون افسنتین رومی انیسون سعد کوفی تخم حلبه تخم کتان همه را
نیکو کوفته نمک سا بهم داخل کرده در بوتلها نمایند بکش و در قدری آب جوش نموده
ها سازند و یا در بسیار بقدر ساخته قدری روغن بابونه در ظرف مسی داخل کرده
گرم نمایند و از آن بوتلی های در روغن مذکور داخل کرده کماد نمایند ها نسخه کماد لک منه
بابونه اکلیل الملک برگ سداب صعتر فارسی بادیان شاهترهٔ هندی عنب الثعلب سنبل الطیب
افسنتین انیسون زیره سیاه دقو تخم شبت تخم حلبه نخاله گندم نانخواه نمک سا بهم
و در آب پخته در بوتلی ها یا در مثانه بقدر ساخته بدستور در روغن بابونه کماد نمایند ها
دیگر کماد منه نانخواه تخم کرفس انیسون زنجبیل سعد کوفی قرفه سنبل حب ...

افسنتین رومی سرگین بز گندم سیاه سوده بگدازند بدستور در آب پخته در لولی تا
یا در مثانه بقدر کف ساخته بدستور در دو دیج مالیده کار باید داشت و دیگر بنه انیسون
تخم کرفس سعد کوفی زیره سیاه بادیان نانخواه خسک کوفته بیخته و قدری
نمک سیاه داخل کرده بر شکم مالند و دیگر بنه صمغ فارسی زیره سیاه عود غرقی
گلقند ورس انار آب بجوشانند هم باو باید صاف نموده بنوشند و دیگر بنه
بادرنجبویه گل گاوزبان برگ ترنج تخم خرفه مویز منقی گل قند ورس انار آب بجوشا
نند هم باو باید صاف نموده بنوشند و اگر ماده عراق رنجی باشد و از نفخ و قراقر
تکلیف بسیار باشد بدین طریق علاج باید کرد بوده خسک الاچی خرد عود غرقی
گلقند ورس انار آب بجوشانند هم باو باید صاف نموده بنوشند و دیگر بنه
برگ سداب بوده خسک انیسون گلقند ورس انار آب بجوشانند هم باو باید صاف نموده
بنوشند و دیگر بنه بوده خسک زرنباد صمغ فارسی اسارون گلقند ورس انار آب
بجوشانند هم باو باید صاف نموده بنوشند و دیگر بنه بادیان خطایی زیره سیاه
بوده خسک عود غرقی مصطگی گلقند آفتابی ورس انار آب بجوشانند هم باو باید صاف

نموده بنوشند تا و دیگر بیه زرشک بادیان خطائی انیسون ابله مثقال مویز منقی گلقند

در نیم آثار آب بجوشانند تا نیم باو باند صاف نموده بنوشند تا و دیگر بیه نوده خشک

مویز منقی گلقند در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند تا نیم باو باند صاف نموده

و ابه هل خشک بادیان شیره برآورده واصل کرده شربت بزوری معتدل داخل

کرده بنوشند تا و دیگر بیه نوده خشک اصل السوس ولایچه زرشک سداب مویز منقی

گلقند در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب بجوشانند تا نیم باو باند صاف نموده

و ابه هل طباشیر شیره برآورده واصل کرده شربت الیمو ممزوج نموده با صافه

سنبل مقوی بروغن بادام بنوشند تا و دیگر للمراق من المجول بادیان مرصدگیاه سوس ...

صندل ... عرق بیه را کوفته نخته گلقند آفتابی ممزوج نموده وقت شب بخورند

و دیگر من المجول بادرنجبویه گاوزبان گلقند همه را کوفته ممزوج نموده وقت صبح بخورند

دیگر سفوف من المجول ... زرشک ابله مثقال قند سفید همه را کوفته نخته سفوف سازند

و ... خوراک ... با عرق گاوزبان تا ... من الاستاد للمراق اگر

ریح و نفخه زیاده باشد ... باید کرد ... و دیگر ...

المیز ادکا

افسنتین رومی افتیمون بسفایج گل گاوزبان مصطکی گلقند ممزوج نموده بخورند
دیگر نسخه ایارج فیقرا افتیمون لاجورد مغسول بسفایج شیرخشت روغن بادام گلقند آفتابی
ممزوج نموده بخورند دیگر نسخه افتیمون لاجورد مغسول گاوزبان آمله منقی گلقند ممزوج
بخورند دیگر نسخه دانه الاچی خورد مصطکی انیسون برگ سداب گلقند ممزوج نموده
بخورند دیگر نسخه دانه الاچی خورد بوده خشک بوده کوهی زیره سیاه عود [illegible]
گلقند ممزوج نموده بخورند مطبوخ هلیله مربا ازگلاب شسته بخورند عقب آن افتیمون دانه هیل
زیره سیاه بسفایج مویز منقی ممزوج نموده بخورند دیگر نسخه هلیله مربا ازگلاب شسته بادیان دانه هیل
مصطکی شیرخشک زیره سیاه ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب
عرق بادرنجبویه شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند دیگر برای [illegible] عراق [illegible]
شیرخشت لاجورد مغسول افتیمون تخم بادرنجبویه دانه هیل روغن بادام گلقند ممزوج نموده
بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق بادیان شربت نوری صندل
شربت افتیمون داخل کرده بنوشند دیگر [illegible] ریحین شیرخشت برگ [illegible]
صندل [illegible] بادیان تخم [illegible] گلقند [illegible] بادام ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق

تخم کشنیز

عرق بید مشک عرق بادرنجبویه سکنجبین لیمون سکنجبین بزوری داخل کرده بنوشند

دیگر برای [illegible] ماده انیسون زیره سیاه اسطوخودوس افتیمون دانه ایلچی خورد زیره سیاه

گل قند آفتابی شیرخشت مزوج نموده روغن بادام داخل کرده بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب

عرق بادرنجبویه عرق بادریان شربت گاوزبانی شربت لیمون باضافه لاجورد مغسول بنوشند

دیگر برای مسهل مراق منه سعد کوفی سنبل الطیب اکلیل الملک انیسون زیره سیاه

گلقند روغن بادام مزوج نموده بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق بیدمشک

دانه هیل طباشیر سبزه برآورده ترنجبین داخل کرده شربت زرشک شربت بادرنجبویه

مزوج نموده بخورند تا [illegible] دیگر برای مسهل مراق منه ترنجبین شیرخشت مویز منقی [illegible]

تخم کرفس انیسون صعتر فارسی گلقند آفتابی روغن بادام مزوج نموده بخورند عقب آن

عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان شربت بزوری معتدل شربت لیمون

داخل کرده بنوشند تا [illegible] مسهل ریاح مراق منه انیسون زیره سیاه

مصطگی برگ سداب صعتر فارسی قند سفید کوفته بیخته خوراک [illegible] با عرق گاوزبان

سفوف دیگر منه بابونه بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان تخم [illegible] لیمون [illegible]

[illegible]

سنبل الطیب پوست بیخ کبر بوده خشک سعد سفید کوفته بیخته سفوف سازند خوراک

درم با عرق بادرنجبویه بخورند دیگر لاجورد مغسول لسان [illegible] فستق کندر مصطکی

صعتر فارسی زرنباد ابلیسقی ابریشم مقرض قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند

خوراک درم با عرق بیدمشک سفوف دیگر بوزیدان خشک بوده [illegible]

دارچینی عود عرقی زرنباد صعتر فارسی قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند خوراک

[illegible] با گلاب و عرق بادرنجبویه دیگر کندر مصطکی زرنباد قرنفل

افسنتین رومی سعد کوفی ابلیسقی قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند

خوراک [illegible] با عرق بادرنجبویه و عرق بیدمشک دیگر [illegible] تخم [illegible]

زیره سیاه طباشیر مصطکی دارچینی [illegible] الاچی خرد کلان اسارون

زنجبیل صعتر فارسی قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند خوراک [illegible] درم با عرق

سفوف دیگر [illegible] کندر مصطکی زیره سیاه لاجورد مغسول [illegible]

صعتر فارسی عود عرقی قرنفل [illegible] پوست بیخ کبر قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند

قدر شربت با عرق بیدمشک دیگر سفوف [illegible] زیره سیاه

بوزیدان چینی شقاقل هندی دانه هیل بادیان خطائی قرفه سعد کوفی زنجبیل قند سفید

کوفته بیخته سفوف سازند خوراک درم با عرق ... سفوف کندر منفعتش

عود غرقی بوزیدان چینی بوزیدان کوهی قرنفل زیره سیاه سنبل الطیب اشنه

نانخواه تخم کرفس زرنباد قند سفید برابر کوفته بیخته سفوف سازند و

باشربت ... بخورند نسخه لکادو نافع للمالیخولیا المراقیه مع ... الاوجاع و ریاح افتاده

کشنیز افسنتین رومی تخم شبت بوزیدان هندی زیره سیاه انیسون تخم کرفس تخم گیلان

تخم ... صنوبر جوز ... صاف نموده دارچینی کندر

زرنباد سنبل الطیب کوفته بیخته با هم مطبوخ انجیر روغن مصطکی ...

همه را در میان مثانه ... نموده ... گرم ضماد نماید من الاستاد

نسخه ... انیسون زیره سیاه بادیان سعد کوفی سنبل الطیب

زرنباد نانخواه اسارون افسنتین رومی تخم کرفس قرنفل فلفل سیاه

فلفل دراز مصطکی عود ... قرفه دارچینی ... خطائی قاقله صغار

قاقله کبار بوزیدان ... شقاقل افتیمون بادرنجبویه گل گاوزبان برگ ...

گاوزبان

گاوزبان بسفایج فستق پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه و املهٔ مقشر
زنجبیل هر یک ... بوزن منقی کشمش بدستور معمول عرق کشند و اگر گوشت بره و تیهو
و غیره و هیچ مضایقه نیست بلکه بهتر است قدر شربت موافق مزاج مناسب است
طلا لمالیخولیا المراقیه من الاستسقا و صندل سفید عود هندی درونج عقربی عود صلیب سنبل الطیب کوفته
بخته بگلاب حل نموده باضافه روغن مصطکی حوالی قلب و بر سر طلا نماید ایضا
لمالیخولیا الاستسقا صندل سرخ صندل سفید گل ارمنی عود قماری عود صلیب کوفته بیخته
آب گلاب و آب برگ کاسنی سبز حل کرده باهم مخلوط ساخته تا اضافه روغن بنفشه
بر سر میج و حوالی قلب طلا نماید غسول جهت مالیخولیا که بسبب احتراق سودا باشد
برگ بید گل بنفشه برگ خطمی نخاله گندم و ... آب جوشانده سر را صبح ... مالیخولیا سود دهد
نطول نافع مالیخولیا المراقی اذا کان المزاق ... الریاح نافع است بابونه اکلیل الملک
ورق اترج بطریق معمول جوشانده ... بر سر نطول نماید و ... صبر ...
بر سر گرم گرم تکمید نماید نطول دیگر لذلک الصنف من المرض بابونه اکلیل الملک
برنجاسف برگ ورق ... برگ ... جوشانده صاف نموده روغن گل روغن مصطکی

روغن بادام شیرین و [illegible] حل کرده بر شکم [illegible] برای نطول نماید **فی دستور معالجه**

الخوانق على ما ذكره [illegible] مطلب الاستاد الوالد [illegible] اگر خوانق بسبب امتلاء

معده از طعام یا بسبب امتلاء ماده در معده که منجر میشود از جهت متأذی شدن برای دفع

آن و معده بسبب کثرت ماده و بسبب ضعف خود دفع آن ماده نمی تواند و خوانق

حرکت دفع است باید که آن ماده را بطور [illegible] دفع باید کرد و بدستور معمول استاد

اول باید که آن ماده بلغمیه را دو سه روز از منضج قی نسخه معمول انضاج نماید و بعد

از انضاج و بعد از ترقیق آن بقی دفع باید کرد و صفت منضج قی بادیان اصل السوس

تخم کرفس تخم [illegible] [illegible] با دو آب بجوشانند بلیغا و نمایند صاف نموده بنوشند

و گاهی برای تقطیع ماده سکنجبین ساده و گاهی سکنجبین عنصلی و گاهی سکنجبین عسلی

استعمال می فرمودند و بعد از منضج بدستور استاد [illegible] قی نماید صفت مقیی [illegible]

عند الضعف تخم ترب [illegible] تخم شبت [illegible] اصل السوس [illegible] جرجیر [illegible] مکرر

آب بجوشانند بنصف مانده صاف نموده سکنجبین ساده سکنجبین عسل سفید

داخل کرده جوز القی از هر واحد [illegible] [illegible] [illegible] نمک [illegible] اضافه

کروه سه حصه نماید بر پاره حصه بدفعات استعمال کروه متوجه تقی ایتسونلر تا که رطوبات
بعده ده بوقی هپ اخراج سوه اگر ترک ورقیه بلاغت ایدرسه بهتر و الا نه بار دوه اگر احتیاج باشد
بار سیوم ولیکن تواتر ایده نکیند بو هم واحد و میان عاشیبل نانعه داوه کروه تا شند
و بعد ازقی دانه لالکی حور وطلباشیر عود و غرقی پیمکیا بشربت انارین منعنع اکر
نمروح بوده بخور زند منضج قی ... ساده یعنی زنجبیل تخم شبت اسبر سعتر
نبات ورنسم انار آب کرم ابتو نماید صاف بوده بنوشند تا منضج سودا اولا
تخم حرمل ... اصل السوس نبات و ... آب کرم باید تکیا ونماند
صاف بوده کاهی سکنجبین توله داخل کروه بنوشند تا ... خوراق
که ایب ... خلط صفرا فاسد سو و آب کرم سکنجبین ساده عسل سفید پاک کروه
تخم ترب تخم شبت سیره برآورده بوره ارمنی نمک هندی سرکه قندی داخل
کروه ند ستور قی نماید تا ... سودا منه ترب زیرا ریزه کرده اصل السوس
ورمکنم انار آب کرم تاحد نصف باید باشد صاف بوده سکنجبین ساده عسل سفید
سرکه قندی تخم حرمل سیره برآورده یک ... بوره ارمنی نمک سعتر ممروج

بدستور استعمال نماید دیگر نسخه دیگر نسخه زوفا ترشیح اصل السوس

پنج حریره بیاز نرکس ریزه ریزه کرده مویز منقا از آب بجوشانند نصف بماند

بالیت صاف نموده سکنجبین عنصلی عسل سفید بوره الفقی از آب بادیان نمک سنگ

بوره ارمنی نمک سنگ ابر داخل کرده بدستوری نماید و بعد از ... دیگر نسخه

استعمال نماید بوره جنگ ... افسنتین زنجبیل زرنب انار از آب بجوشانند

بهم باو نمایند صاف نموده بنوشند دیگر صفت قرص ... جهت دفع باد غلیظ معده

دارچینی سنبل الطیب نانخواه حب الغار ... تخم کرفس از هر یک مثقال درم

کوفته بیخته بعسل قرص بسازند شربت یکدرم بخورند فایده بعد از ... معده

از تخمه ... بسیار نافع دارد دیگر نسخه افسون زراوند مدحرج ... ریزه سیاه

در عرق بوره عرق کرفس بجوشانند بهم باو باید صاف نموده با اضافه سکنجبین عنصلی

داخل کرده بنوشند دیگر نسخه من الاسنان و استعمال نماید ماء العسل

دار فلفل فلفل گرد دارچینی مصطکی جند بیدستر ... نموده بخورند

دیگر برگ سداب ... با عسل نافع دارد و جند بیدستر ... زنجبیل کرده ...

حب نافع سوء هضم من الالات ناو قند زعفران مصطکی از هر یک نیم درم اسارون
یک درم چهار مثقال افیون نیم درم همه کوفته بیخته بلعاب اسبغول قرص سازند
شربت یک درم واین قرص مجانه وکرم ناحیه قوت قسم معده و باد غلیظ فایده دارد
سفوف [illegible] نانخواه کرفس سعد کوفی زیره کرمانی از هر یک [illegible] کوفته بیخته یک درم
ازان بخورند بعد ازان گوشت کبوتر که بچه باشند و با گرم مصالح [illegible] دارچینی
و زنجبیل [illegible] کرده بدهند و دیگر نسخه پودینه [illegible] تخم کرفس [illegible] اسارون
انیسون نبات [illegible] اثارات بکوبند بهم [illegible] صاف نموده بنوشند
و دیگر نسخه عطر دارچینی عطر قرنفل مشک عنبر اشهب [illegible] شربت [illegible]
ممزوج نموده بخورند و دیگر نسخه [illegible] قطره [illegible] مشک خالص [illegible]
ممزوج نموده بخورند و دیگر نسخه عطر الایچی عطر قرنفل دارچینی عود [illegible] عنبر اشهب
شربت انار شیرین شربت به شیرین ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق کرفس
عرق بادیان عرق الایچی سکنجبین عسلی داخل کرده بنوشند و دیگر نسخه
عرق دارچینی عرق قرنفل عرق پودینه عرق الایچی ممزوج نموده شربت [illegible]

مقوی بیشک صندل سفید عرق کیوره ممزوج کرده با شیر بنوشند تا دیگر

عرق بادیان عرق پودینه عرق کرفس شربت سکنجبین عنصلی ممزوج نموده دارچینی

عود غرقی مشک در عرق کیوره ممزوج ساخته با شیر بنوشند تا دیگر صندل سفید

مصطگی دارچینی کوفته بیخته سفوف ساخته بخورند عقب آن تخم کرفس عود صلیب

مصطگی پودینه خشک در شربت انار اثب بجوشانند نیم پاو باشد صاف نموده شربت

سکنجبین عنصلی داخل کرده بنوشند تا دیگر دانه الائچی خورد مصطگی عود غرقی

عود صلیب کوفته بیخته گلقند عسلی مخلوط ساخته بخورند عقب آن تخم کرفس

در عرق کرفس عرق بادیان عرق الائچی شیره برآورده عرق کیوره یک عطر

دارچینی معقودی نبات با شیر بنوشند تا دیگر مربای زنجبیل عود غرقی

صندل سفید ممزوج نموده بخورند عقب آن دانه الائچی خورد تخم کرفس در عرق

بادیان عرق پودینه عرق کرفس شیره برآورده سکنجبین عسلی داخل کرده با صافه

جوارش کمونی بنوشند تا دیگر صندل سفید قطر اسالیون کوفته بیخته با گلقند عسلی

ممزوج ساخته بخورند با لالش پودینه خشک بادام ادرک مصطگی جدوار بادیان

جوال

بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده نیم سیر شکر داخل کرده بنوشند تا فایده

قدری انگوره گرفته تشنه بخایند فایده بسیار دارد فایده صوم در فواق

امتلائی بسیار فایده دارد اگر بر دوش نشود گاهی گاهی بخورد آب چوچه مرغ

نیم صالح گرم تیار کرده میداده باشند فایده من الاستاد عنبر الطلع المحققه

المسحوق فیه مثقال واحد فانه مجرب للفواق دیگر نسخه گاهی معجون بخورند عقب آن

انیسون بودینه خشک زیره سیاه عدد بنه اثنا آب بجوشانند نیم پاو بماند

صاف نموده بنوشند دیگر نسخه جوارش جالینوس بخورند عقب آن تخم کرفس

تخم کرویا بودینه خشک عود غرقی مصطگی نبات در نیم آثار آب بجوشانند

نیم پاو بماند صاف نموده بنوشند تا فایده غذا اغذیه ناشفه زودهضم بشتاب

و قلیه مرغ مع مصالح گرم و غیره همین قسم خورده باشند تا دیگر من الاستاد

للفواق مجرب کندر راسن خشک بودینه خشک ورق سداب زرنباد صعتر فارسی

نانخواه کوفته بیخته قرصها سازند خوراک بعد بر داشت زاج پاک چوبهای

مثل زیره و عود غرقی و انیسون و غیره میداده باشند تا فایده دیگر نسخه مسهل

از او و به تریاقیه و از او و به حاره تحلیل معده اصلاح آن کرده باشند و عدا نیز به تدریج

دیگر نسخه برگ سداب صنوبر قاری پوست بیخ کبر انیسون عود و ... بود هر جبک نخات

در شیم انار آب کوشیا دریم با و بنادر ضای بموجوده بنویسند دیگر نسخه برگ

سداب صنوبر قاری زنجبیل ملکند در شیم انار آب کوشیا دریم با و بنادر نخات

سوده بنویسند برگ سفوف نسخه بلقوات الامتلائی واریحی صلبه انیسون سنای

عود ... تخم کرفس مصطکی گلنار خولنجان زنجبیل کوفته بیخته سفوف سازند بقدر

خوراک موافق مریض با اشربه مناسبه و لعوقهای مناسب رای طبیب استعمال آنکرده

باشند برگ سفوف دیگر نسخه برگ سداب صنوبر قاری پوست بیخ کبر بود هر جبک ...

باو بان کوفته بیخته سفوف سازند خوراک موافق مرور ... مزاج ... استعمال ...

مناسبه و با اشربه مناسبه کرده باشند سفوف دیگر نسخه بلقوات الامتلائی وارنجی

وارچینی زنجبیل عود ... حلیب انیسون صنوبر قاری کوفته بیخته سفوف سازند خوراک

موافق مزاج با اشربه مناسب الوقت و با لعوقهای مناسبه استعمال کرده باشند

سفوف دیگر نسخه للامتلائی واریحی ... خولنجان مصطکی ... چند ...

آنگوره سفوف ساخته خوراک موافق مزاج تا آنکه اثر نیابد بسته و تو تبها [illegible] استعمال کنانید

سفوف دیگر للریحی والامتلائی برگ سداب صعتر فارسی زنجبیل شفاح فستق برید سفید

روغن بادام چرب کرده برگ سنا مکی تخم کوفته بیخته سفوف سازند خوراک

موافق مزاج بوقت احتیاج با آب گرم استعمال نماید فایده منه اگر فواق بسبب برودت

مزاج شود تدریج شود علاج برد و موافق علاج فواق امتلائی باید کرد مگر تنقیه آن بقی

و مسهل بکنید مگر العاقا اگر خلط بارد در معده باشد مضایقه ندارد و بالجمله تنقیه

آن کرده اصلاح مزاج علی طریق الامتلائی کرده باشند ضماد فواق البارد و الریحی

برگ سداب صعتر فارسی انیسون زیره سیاه ازاذب برگ عنب الثعلب سبز با عرق کرفس سائیده

باضافه روغن بابونه بر معده ضماد نمایند فایده منه بعد از قی و مسهل از ادویه یافته

و از ادویه حاره معتدل معده اصلاح آن کرده باشند و غذا به تدریج دیگر منه

برگ سداب صعتر فارسی نوبت [illegible] کبر انیسون عود [illegible] بوده خشک نبات [illegible]

آب گرم ساییده نیم پاو بماند صاف نموده بنوشند دیگر برگ سداب صعتر فارسی

زنجبیل گلقند [illegible] انار آب گرم ساییده نیم پاو بماند صاف نموده بنوشند

سفوف دیگر للفواق الامتلائی و ریحی علفه انیسون زیره سیاه عود غرنفل بخور مریم

مصطگی کندر جوزبوا زنجبیل کوفته بیخته سفوف ساخته بقدر خوراک موافق مریض داده

شد به مناسبه و متوجهان مناسب علی رای طبیب استعمال آن کرده باشند سفوف دیگر

برگ سداب صعتر فارسی دو بیخ کبر بو وج خولنجان تخم کرفس بادیان کوفته

بیخته سفوف سازند خوراک موافق بر وقت مزاج شخص استعمال با عرقهای مناسبه

و با شیره مناسبه کرده باشند سفوف دیگر للفواق الامتلائی والریحی

دارچینی زنجبیل عود غرنفل عود صلیب انیسون صعتر فارسی کوفته بیخته سفوف سازند خوراک

موافق مزاج بالشربه مناسب الوقت و با عرقهای مناسبه استعمال کرده باشند سفوف دیگر

للامتلائی والریحی اسارون جوزبویا مصطگی سنبل الطیب صندل سفید آملوره سفوف ساخته

خوراک موافق مزاج با اشربه مناسبه و عرقهای مناسبه استعمال کرده باشند سفوف دیگر

للریحی والامتلائی برگ سداب صعتر فارسی زنجبیل سقایج برند سفید بروغن بادام چرب کرده

بزرکتان گلسرخ کوفته بیخته سفوف سازند خوراک موافق مزاج بوقت احتیاج با آب گرم

استعمال نمایند فایده اگر فواق بسبب ورود مزاج لثغه یا بسبب تشنج شود علاج هر

موافق علاج امتلای باید کرد مکرر نوبه آن مینی و تسهیل بکنند بکبر اتفاقاً اگر خلط بارد
در معده باشد مضایقه ندارد و بالاتر ور بنفشه آن گروه اصلاح مزاج علی طریق الاستیلای
کرده باشند ضماد للفواق البارد الریحی نسخه برگ سداب صعتر فارسی انیسون زیره سیاه
از آب برگ عنب الثعلب سبز یا از عرق کرفس سائیده با جبافه روغن بابونه بر معده
ضماد نماید فایده نسخه بعد از قی و تسهیل از ادویه مربافته و از ادویه حاره معتدل معده
اصلاح آن کرده باشند و غذا بهتر مدبر دیگر نسخه برگ سداب صعتر فارسی پوست بیخ کرفس
انیسون عود غرقی بو دیه خشک مات در نیم اثار آب بجوشانند نیم باقی بماند صاف
نموده بنوشند دیگر نسخه برگ سداب صعتر فارسی زنجبیل قلقند علی در نیم اثار آب بجوشانند
نیم باقی بماند صاف نموده بنوشند سفوف نسخه للفواق الامتلای و الریحی صنعه
انیسون زیره سیاه عود غرقی تخم کرفس مصطگی کندر زنجبیل کوفته بیخته سفوف سازند
قدر خوراک موافق مریض با اشربه مناسبه و منضجات مناسب برای طبیب استعمال اگر فواق
باشند سفوف دیگر نسخه برگ سداب صعتر فارسی پوست بیخ کرفس بو دیه خشک
تخم کرفس بادیان کوفته بیخته سفوف سازند خوراک موافق برداشت مزاج استعمال

للفواق الامتلائی سفوف دیگر نیز باشند کرده با اشربه مناسبه با اشربه مناسبه

والدجی جوارشنی زنجبیل عود و غاریقون عود و صلیب زیتون صعتر فارسی کوفته بیخته سفوف سازند

خوراک موافق مزاج با اشربه مناسبه الوقت و با غذاهای مناسبه استعمال کرده باشند

سفوف دیگر للامتلائی والدجی اسارون حب‌النیل مصطکی زنجبیل بدیر سینه

انگوزه سفوف ساخته خوراک موافق مزاج با اشربه مناسبه و غذاهای مناسبه استعمال

کرده باشند سفوف دیگر للبحری والامتلائی برگ سداب صعتر فارسی زنجبیل سقاقل مصری

تخم گشنیز برنج با قوام جرب کرده برگ سنا مکی گلسرخ کوفته بیخته سفوف سازند

خوراک موافق بوقت احتیاج با آب گرم استعمال نماید فایده دیگر اگر فواق بسبب

برودت مزاج شود یا بسبب ریح شود علاج هر یک موافق علاج فواق امتلائی باید کرد

مگر تنقیه آن بقی و مسهل بکنند مگر اتفاقاً اگر خلط بارد در معده باشند مضایقه ندارد

و بالضرور تنقیه آن کرده اصلاح مزاج علی طریق الامتلائی کرده باشند نسخه

نسخه دیگر للفواق البارد والریحی برگ سداب صعتر فارسی زیره سیاه از ایرک

عشبه تخم کرفس با عرق کرفس سازند با اضافه روغن بادام بر معده ضماد نماید

ضماد دیگر منه لذلک بابونه اکلیل الملک سنبل الطیب سعد کوفی مصطکی اذخر قسط

کرفس سائیده باضافه روغن بابونه ضماد نمایند دیگر منه انیسون برگ سداب صعتر فارسی

نبات در هم انار آب بجوشانند نیم پاو بمانند صاف نموده بنوشند دیگر منه

بوومه حسناک عود غرقی زیره سیاه مصطکی نبات در هم انار آب بجوشانند هم

بمانند صاف نموده بنوشند دیگر منه دارچینی زنجبیل عود غرقی عود صلیب

زیره سیاه نبات در هم انار آب بجوشانند نیم پاو بمانند صاف نموده بنوشند

ترکیب منضج جهة قولنج امتلائی منه بعد از اگر احتیاج باشد بادیان اصل السوس

عنب الثعلب تخم کرفس بیخ بادیان گلقند عسلی در سه پاو آب بجوشانند یکپاو بمانند

پالیده صاف نموده بنوشند تا سه روز بعد از آن روز چهارم در آن این

اضافه نموده مسهل بدهند مثل سنا تخم خطمی ایرسا کوفته اسارون کوفته

فطراسالیون بسفایج فستقی کوفته بیخ اذخر تخم کرفس برگ سنای مکی گلسرخ

گلقند عسلی در یکمن آب عرق عنب الثعلب و عرق بادیان بجوشانند یکمن پاو بمانند

صاف نموده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده باز صاف نموده تربد سفید با روغن بادام

جرب کرده اضافه نموده روغن بادام داخل کرده سرکوب ساخته بنوشند

جهت فواق صوتی که سبب امتلای حادث شود من الاستاد المجدی کرفس جبلی سعتر

زیره سیاه متساوی الوزن کوفته بیخته شربت یکمثقال با جوشانده معجون بهر

دیگر سفوف جهت فواق امتلای من الاستاد زیره سیاه نانخواه انیسون تخم کرفس

برابر کوفته بیخته سفوف ساخته خوراک دو درم مانع فواق که سبب برودت مزاج باشد

باید که استعمال سرکه عنصل با ادویه مناسبه کنند و از روغن زیت عتیق با ادویه مناسبه

بر معده ضماد کرده باشند نافع و دیگر من الاستاد چند بیدستر در شیر زن صبح سایند بنوشند

جهت فواق بلغمی که اطفال را بسبب رطوبت امزجه می شود نافع و مجرب بعد رعایت

مزاج قدر شربت آن بهر سفوف مجرب مزیل فواق امتلای و مقوی للمعده و نافع

من الریاح والبلغم من الاستاد زیره کرمانی کرویا انیسون فرنجمشک صعتر فارسی

نانخواه تخم کرفس قرنفل فاقله کبار فاقله صغار زنجبیل دار فلفل شکر طبرزد

کوفته بیخته یکدرم تا دو درم با گلقند آفتابی بخورند مجرب است دیگر جهت تخم کرفس

کرویا بوده جنگلی عود غرقی ... ورق انار آب بجوشانند نیم باد بمانند صاف

نوشند

نموده بود شد فایده منه تجربه عظیم للسقوط انا جربنا مرارا استعمال بزر سنبرات الجنب
بلند دارست و منه هو نافع قطع الدم و فواق از قدیست نه روزگار و قوی بود
و بزرگی شدت کرده است و منه تا و وجع قلب شده بود و هذیان هم بلکه سرسام
نیز باین هجوم امراض شده و متضاده و منع معالجه بیشتران سرکرده م هر چند معالجه متضاده
فواق نموده هیچ تدبیرش اثر پذیر شد و طاقت طعام و قوت هم نداشت لاعلاج
شده ارادو به عطسه دفع فواق نموده بودن وقت فواق زایل شده من بعد از ان
وجع قلب عارض شد هر چند از قصد حرف تدارک داشت لیکن چون وقت مناسب نبود
از تسلیم بقدر در فلوس خون گرفتیم من بعد تدبیر مناسب حال نموده شد نجات یافت
هر چند که مقام تطویل مناسبه بود لهذا اکر طبیب دانا باشد احتیاج نوشتن نیست
لیکن خواص عطسه قلمی نموده چنانچه بقراط گفته که تنها کسی به ازاده و بهتر از فواق
برای عطسه نیست فایده من الاستاد از مطب والد استاد چسبانیدن نخود چیز
کردن جهة جذب سواد و فواق النفع یافتم و جهة ضیق النفس نیز فایده من الاستاد
بستن خصیه از تنگی سوت و بستن پایها نفع می شود جهة فواق کشنیز خرما بخورند

فایده داوری الاستاد [illegible] ... قال الامام [illegible] ... [illegible]

سیّن معده آب شیر بجوشند جهت فواق من الاسنا و فلفل دراز املهٔ کجبل توت

هلیله زرد مساوی گرفته بکدام همراه شهد ممزوج نموده صبح و شام بخورند

نطول بنه برای فواق ریحی و فواق که بسبب برودت معده باشد بابونه اکلیل الملک

برگ سداب افسنتین گردیا ورده انار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده

روغن بابونه داخل کرده نطول نماید نطول دیگر منه لونک بابونه سنبل الطیب سعد کوفی

تخم کرفس بیخ کرفس برگ سداب بادیان رجیل ورده انار آب بجوشانند

نصف بماند صاف نموده با اضافه روغن بابونه داخل کرده نطول نماید

فایده من الاسنا واذا عرض لاصحاب الوباء المعتق مع شریک الفواق سعال فلا تجب

الاستعمال فیه العناب وشرابه لانه مجرب بمعتق و سنتقل شراب المزدوفل وغیره

ایضا نطول برای فواق ریحی و برای فواق که برودت مزاج و رشته باشد منه

خولنجان پوست بیخ کبر عود غرقی افسنتین گل بابونه تخم کرفس مصطگی گل بنفشه

بیخ بادیان ورده انار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده روغن مغز

تخم سپیدانجیر اضافه کرده شیر گرم نطول نماید دیگر نطول منه دارچینی برگ سداب

شمع دانا

صعتر فارسی افسنتون بانخواه سوس کسبم یک یک تا بهر بد سنبد معمول نیز بسته
ازر وغن هدانچه صاد نماید بقراط گفته که انگبین از ادویه در امر فواق برای عطسه
اخری نافع من الاستاد نمک لاهوری مغیبات و انگبین نیز مجرب است
نافع من الاستاد ازمطب والد استاد چپاییدن و فلو بر چیز کردن خنه حدب
مواد فواق انفع یافتم و جهه ضیق النفس شیر فانع من الاستاد لستن خصه از شی
سوت و لستن یا همانفع می شود قال امام الاطبا البقراط للعطسه یا شیر
عظیم لدفع الفواق و جربنا العفیر مرارا جهه فواق رطوبی من الاستاد
گل ارمنی باب بجوردها تا فی تذکرة السویدی قال انه مجرب فی ازالة مادة الفواق
جهه فواق کثیر خرما بخورند من بعد ازکثیر بنوشند جهه فواق من الاستاد
فلفل دراز آمله زنجبیل پوست هلیله زرد مساوی گرفته یکدام همراه شهد محرق نموده
صبح و شام بخورند نطول جهه برای فواق ریحی و فواق که سبب برودت معده باشد
بابونه اکلیل الملک برگ سداب افسنتون کروما دردو انار آب بجوشانند
نصفی بماند صاف نموده روغن بابونه داخل کرده نطول نماید مجرب

اذا عرض لاصحاب الورم المعدة مع شرکة الفواق سعالٌ فلا یجب استعمال
فیه العناب وشرابه لانه مخرب للمعدة واستعمال شراب الزوفا وغیره ایضاً
نطول دیگر منه لذلک بابونه سنبل الطیب سعد کوفی تخم کرفس بیخ کرفس
برگ سداب بادیان زنجبیل در ده آثار آب بجوشانند نصف بماند صاف
نموده باضافه روغن بابونه داخل کرده نطول نماید ⁂ نطول از فواق
ریحی مخلوط و برای فواق که از برودت مزاج داشته باشند نه خولنجان پودینه بیخ کرفس
عود غرقی افسنتین گل بابونه تخم کرفس مصطکی بیخ بادیان در ده آثار آب
بجوشانند نصف تا بماند صاف نموده روغن مغز تخم بید انجیر اضافه کرده
سر گرم نطول نماید ⁂ و با برکه ایضاً دارچینی برگ سداب صعتر فارسی افسنتین بانخواه
سبوس گندم نمک سیاه بهم بدستور معمول در پوتلی بسته از روغن بید انجیر
ضماد نماید ⁂ دیگر ایضاً سبوس بانخواه سرگین موش تخم کرو با سبوس گندم
باجره نیم کوفته زنجبیل همه را بدستور پوتلی ها بسته از روغن بابونه ضماد نماید
جامع واگر فواق بسبب کثرت ریح باشند علاج آن از ادویه کاسر الریاح بدستور

فواق

قوانی ابتلای کرده باشند ترکیب دیگر برای قوانی که رنجی بسبب ترشح و ورم

باشد بهمون بانخواه تخم کرویا گوگ سیراب صعتر فارسی چند سپستر

تخم کرفس کوفته بیخته با آرد و ماش ممزوج ساخته و قدری انگوزه که رفته وراث

حل کرده از آن آب حمره نموده نانی ساخته قدری روغن بید انجیر گرم

مالیده و قدری بر آن مالیده بر شکم بندند مجربست هرچند که رنجی صعب باشد

فورا فایده دارد و دیگر نسخه روغن بابونه روغن بید انجیر روغن بادام روغن

بیضه انگوزه چند بیدستر کوفته بیخته بر شکم بمالند تا دیگر نسخه چربی گرده بز

چربی گاو روغن بابونه روغن گل مصطکی زرآوند مدحرج کوفته بیخته ممزوج

بمالند و دیگر نسخه روغن بید انجیر روغن بابونه انگوزه جندبیدستر دارچینی زنجبیل مصطکی

چربی گرده بز کوفته بیخته ممزوج نموده شیر گرم بمالند **باب ۶ در قوانی** که بسبب ورم کبد

یا از سبب ورم معده باشد علاج آن اول فصد باسلیق کند اگر نکرده فصد

و بعد والا فصد دوم کنند و بعد از فصد معالجه آن به دستور ورم کبد و ورم

معده کرده باشند چنانچه عنب الثعلب و عرق کاسنی و درد خیار شنبر حل کرده بهتر

و از شربت انار و از شربت دینار و خیار بدبیر سه ستور کرده باشند ط

نسخه سفوف الیبس من مستعملات المطلب الا اسناد لو ابا الدسلمه ربه بهدانه و رب لعاب

گرفته سه حصه نمایند و ربک حصه یک باشد و روغن بادام انداخته بنوشند ط فایده

و اگر بسبب استفراغ رطوبات سبب قبض سوء شود باید که ترطیب مزاج نمایند و از اغذیه

مرطبه مثل مرغ و دراج و گوشت بره و بیضه نیم برشت و روغن بادام و غیره استعمال

کرده باشند و ششم او همان مرطبه بسیار فایده دارد و روغن بنفشه بالبدن بسیار

فایده دارد ط دیگر نسخه للیبس و اللذعی منه ماء القرع آب زبوزاب لیمو

شیرکه ممزوج نموده سکنجبین ساده داخل کرده باضافه روغن بادام بنوشند

مستعملات المطلب بهدانه اسبغول بر هر را لعاب گرفته و از نهال سبزه برآورده

روغن بادام داخل کرده آنچه شیر گرم بطریق قهوه بدهند ط دیگر من المطلب

بهدانه اسبغول بر هر را لعاب گرفته باضافه روغن بادام بنوشند ط

دیگر نسخه لیبس و اللذعی منه آب کشک شعیر سکنجبین ساده آب انار ین منفع روغن

بادام ممزوج نموده بنوشند ط دیگر نسخه آب انار شیرین بهدانه لعاب گرفته

روغن بادام

روغن بادام عرق گاوزبان بدستور استعمال نماید دیگر للذعی والیبسی منه آب خیار

ماء القرع آب سیب لعاب اسپغول روغن گل روغن بادام ممزوج نموده بنوشند ط

دیگر منه للذعی والیبسی آب انگور شیرین لعاب بهدانه ماء القرع روغن بادام سکنجبین ساده

ممزوج نموده بنوشند ط فایده منه اگر فواق یبسی باشد ترطیب مزاج باید کرد

و اگر فواق لذعی صفراوی باشد اول تنقیه صفرا نقیع و مسهل اخراج نماید بعد از آن

بتلطیف بعد از آن بدستور معمول کرده باشند ط صفت فواق یبسی منه شیر بز آب گرم

روغن بادام ممزوج نموده بنوشند ط دیگر یبسی منه شیر بز لعاب بهدانه

لعاب اسپغول روغن گل داخل کرده شیر گرم بنوشند ط دیگر یبسی منه شیر بز

شیر گاو آب سیب آب کدو آب تربوز لعاب اسپغول روغن گل روغن بادام

ممزوج نموده بنوشند ط دیگر یبسی منه شیر گاو و ماء القرع روغن گل روغن بادام

ممزوج نموده بنوشند ط دیگر یبسی منه و اللذعی شیر بز شیر عورت آب خیار

لعاب بهدانه روغن بادام روغن گل ممزوج نموده بنوشند دیگر یبسی منه

آب سیب آب انار شیر عورت لعاب بهدانه شربت انار شیرین روغن بادام

ممزوج نبوده بنوشند فایده اگر فواق بسبب لذعه معده بود باید که قی از آب

گرم و سکنجبین نمایند و استعمال آش جو و آب انار و سرکه و ماء القرع نمایند

فایده من الاستاد در فواق بلغمی استعمال شیر بز و یا عورت همراه روغن بادام

و شربت انار بین بالتحیب نیمدانه کرده بنوشند مجرب است فایده من دستور العلاج

در فواق که از چیزهای گرم و صفراوی که آتش و تنگ کاری شود علامت او تلخی

دهان و تشنگی شدید و قی صفراوی زرد و کبود و سیاه علاج آب هندبا

و آلو بخارا و شربت سکنجبین و آب انار شیرین و ترنج و آب گرم و روغن گل و روغن بادام

و مسکه خوردن دفع نماید فواق را دفان مغز آب انار میخوش با سماق

با آب سرد یا آب انار شیرین آغشته کرده تنبل کنند و اگر ساکن نگردد و بلید

هلیله زرد یا بلدام ایارج فیقرا اختیار نمایند و ستن یا و دست فایده دارد

و غذا اگر تب نبود ورشور با لوان الالا و اسفاناخ و کدو و قی آب انار

و غوره و زرده تخم مرغ نیمبرشت که فایده دارد فایده من دستور العلاج

اگر فواق از جهت خشکی و پیش تو بر هم معده و این فواق بد است علامت آن بعقب

الفواق

استفراغ کثیر و بیماری طویل و جوع مفرط علاج شکنجه جو بروغن بادام و شربت خشخاش و سه باره

و حریره سبوس گندم بروغن بادام و ماء اللحم و آب انار شیرین با کتیره و شوربا با گوشت

مرغ جوان و این طلا بر معده کنند آرد جو گل خیرو و بسبغول با آب عنب الثعلب با روغن

گل یا روغن بادام آمیخته نماید للفواق الیبسی من المعمول آب گرم برابر سه قهوه

خوری و بر یک قهوه خوری در هر یک مرتبه روغن بادام داخل کرده بنوشند

ضماد جبهه یبسی من معمول الاستاد الوالد آرد جو گل خیرو عنب الثعلب از آب برگ

عنب الثعلب و لعاب بزر قطونا سائیده روغن گل قدری داخل کرده بر معده ضماد

نمایند ضماد یبسی و الاذیه صندل سرخ صندل سفید طباشیر [illegible] مقشر از آب برگ عنب الثعلب

سبز سائیده با ضافه روغن گل بر معده ضماد نمایند دیگر للیبسی و الاذیه صندل سفید

گل نیلوفر حرارة [illegible] عنب الثعلب بزر قطونا گلاب از آب برگ عنب الثعلب سبز شیرازی [illegible]

روغن گل ضماد نماید دیگر للیبسی و الاذیه جراده الجبار صندل سفید تخم خطمی بهدانه

گلاب از آب برگ کاسنی سبز سائیده با ضافه روغن بنفشه ضماد نماید

دیگر للیبسی و الاذیه بیضه کرده زرده بیضه کاو [illegible] صندل سرخ روغن گل روغن بادام

بهیدانه ارزن برگ کاسنی سبز تسکین ضماد نماید **ضماد لذات الجنب نافع**

سماق مامیثا سفیدی بیضه مرغ صندل سرخ لعاب بهیدانه لعاب اسپغول

موم سفید پیه گرده زرد روغن بادام روغن گل ارزن برگ عنب الثعلب سبز

شائیج ضماد نماید **حب تریاق** که بعد از قی صفراوی شدت عارض شود

من الاسهال و تخم خربوزه عرق شاهتره گلاب شربت انار شیرین خاکشی یا اسهال

بنوشند **دیگر حب تریاق نافع** مغز تخم کدو تخم خرفه در عرق نیلوفر شیره

برآورده گلاب بیدمشک زهرمهره خطائی آب انار شیرین منعنع شربت انار شیرین

داخل کرده با اضافه خاکشی بنوشند **حب تریاق** اگر کان مع اسهال من الاستفراغ

بهیدانه بو داده کشنیز خشک تف داده خشخاش سفید تف داده دانه هیل تف داده

در عرق گاوزبان عرق بادرنگ شیره برآورده زهرمهره خطائی ممزوج نموده بنوشند

گاهی شربت انار شیرین اضافه نموده می‌شود **دیگر حب تریاق** اگر کان مع اسهال

تخم خرفه بریان بادرنگ بریان کرده تخم ریحان بریان کرده تخم خشخاش بریان

در عرق بادرنگ شیره کشیده شربت به شیرین داخل کرده با اضافه اسپغول بریان

بنوشند تا دیگر بنه بهدانه بریان کرده وانه الایچی خرد مغز تخم کدو ولف داده

سبزه برآورده زیره مهرهٔ خطائی شربت حب الآس داخل کرده باضافه نارنگ

نف داده باشیرهٔ بنوشند تا نطول جهت فراق بیضه آب گرم روغن گل روغن

بابونه شیر زر روغن بادام سفیدی بیضه مرغ ممزوج نموده شیر گرم بدستور نطول نماید

دیگر لوتک بنه بهدانه اسبغول تخم خطمی گل خطمی شیر زر همه را ورس آبار آب

بجوشانند نصف بماند صاف نموده روغن گل روغن بادام روغن گاو داخل

کرده نطول نمایند تا دیگر لوتک بنه جراده القرع جراده الخیار ربسب مقطع تخم خطمی

ی بهدانه تخم حلبه تخم کتان سرگاو ورده انار آب بجوشانند

روغن گل روغن بنفشه روغن گاو داخل کرده نطول نمایند تا

بنه روغن بادام روغن گل روغن بنفشه روغن یاسمین مصطگی

وده شیر گرم بعد بمالند تا دیگر لوتک بنه روغن بادام

روغن بنفشه روغن مصطکی چربی مرغ موم سفید مخلوط نموده بمالند

روغن بابونه لعاب بهدانه لعاب اسبغول مصطگی

بهیدانه از آب برگ کاسنی سبز ستانیده ضماد نماید ها ضماد ... ذات اللذع نیز

سماق با میتا سفیدی بیضه مرغ صندل سرخ لعاب بهیدانه لعاب اسبغول

موم سفید بیضه کرده زرد روغن بادام روغن گل از آب برگ عنب الثعلب سبز

ستانیده ضماد نماید ها جهت غثیان که بعد از قی صفراوی شدت عارض شود

من الاسناد نعنع تخم تربوز و عرق شاهتره گلاب شربت انار شیرین فاکه با سپستان

بنوشند ها دیگر بعد از قی نیز مغز تخم کدو تخم خرفه و عرق نیلوفر شیره

برآورده گلاب بید مشک زهر مهره خطائی آب انارین منعنع شربت انارین

داخل کرده با جبانه خاکی بنوشند ها جهت قی از اکان معه آ

بهیدانه بو داده کشنیز خشک تف داده خشخاش سفید تف داده

و عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه شیره برآورده زهر مهره خطائی

گاهی شربت انارین اضافه نموده می شود ها دیگر ...

تخم خرفه بریان بادرنجبویه بریان کرده تخم ریحان بریان

و عرق بادرنجبویه شیره کشیده شربت شیرین داخل کرده

بنوشند دیگر بنه بهدانه بریان کرده دانه الاچی جوز و مغز تخم خشخاش ولف داده

سبزه برآورده زیره مهر خطائی شربت حب الآس داخل کرده با ضماده نارنگ

لف داده با شیرخ بنوشند نطول جهة فواق بتی هنه آب گرم روغن گل روغن

بابونه شیر تر روغن بادام سفیدی بیضه مرغ ممزوج نموده شیر گرم بدستور نطول نماید

دیگر لونک بنه بهدانه اسبغول تخم خطمی گل خطمی اشیر تر همه را ورنس انار آب

بجوشانند نصف بماند صاف نموده روغن گل روغن بادام روغن گاو داخل

کرده نطول نماید دیگر لونک بنه جراده القرع جراده الخیار ربوب مقطعی تخم خطمی

تخم خباری بهدانه تخم حلبه تخم کتان سرگاو دروه انار آب بجوشانند

نصف بماند روغن گل روغن بنفشه روغن گاو داخل کرده نطول نماید

دیگر لیپی بنه روغن بادام روغن گل روغن بنفشه روغن یاسمن مصطگی

گیند ممزوج نموده شیر گرم بر معده بمالند دیگر لونک بنه روغن بادام

روغن مصطگی روغن بنفشه روغن مصطکی چربی مرغ موم سفید مخلوط نموده بمالند

دیگر ... روغن کدو روغن بابونه لعاب بهدانه لعاب اسبغول مصطگی

ممزوج بالورد بجا بلند ط للفواق البيسی من المعمولات الوالدی هذا العباره ان سقی

ماء اجاص یقدر ثلثه شکرجه وقد یدخل علی راس القهوة وهذا الترکیب یستعمل والدا سناد

فی الوجر فینفعه نفعاً عجیبا وقد یستعمل من الحمیات کالماء او غيث الثعلب ط فائده

شراب دوا نسته برای فواق ریحی وامتلائی فایده نخلم کند در مطلب استاد

دیده شده که در نسخه معمول فواق بیبی که دران لعاب بهیدانه ولعاب اسبغول

و روغن بادام گاهی شربت انار شیرین داخل کرده استعمال بنوشانند ط ط

فائده للریحی والامتلائی برگ سداب ۲ مثقال صعتر فارسی ۳ مثقال نبات ۶ مثقال کوفته نخبه شربت

ساخته بخورند قدری شربت موافق مزاج و بالاتش شراب درم او نیم سنطط

بسم الله الرحمن الرحیم دستور للصداع الحار الساذج الذی یکون حدته من الحکوار

صح مولانا ... من الملح ... (right-margin note, vertical)

في الشمس مدة طويلة او في الحمام الحارة او عقيب الغضب وغير ذلك وشمّهم الرائحة
الكريهة المنتنة الشديد الحرارة فعلاجه على ما رأينا في مطب الوالد الماجد سلمه ربه
شربت ليمو آب انار ترش آب تمر هندی عرق گاوزبان عرق نیلوفر عرق کاسنی
مخلوط ساخته بنوشند ایضا کذلک عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر
شربت انار شیرین سکنجبین کاسنی شیره برآورده آب تمر هندی داخل کرده بنوشند
ایضا مستعمل مطب المنافع کاسنی در عرق نیلوفر عرق صندل شیره برآورده شربت لیمو
داخل کرده اسبغول یا شیر بنوشند ایضا مستعمل استاد آب هندوانه
عرق کاسنی قند سفید داخل کرده بنوشند غذا قلیه کدو یا خشکه با ترشی
تمر هندی بخورند و اگر حرارت بسیار باشد و ساکن اقلیم سیوم و چهارم باشند
جوشانده طلا للصداع المذکور صندل سفید آب برگ کشنیز سبز سرکه انگوری
گلاب مخلوط ساخته طلا نمایند و از دهن ادویه طلیه نمایند ارد جو
گلاب سرکه ارد ماش مخلوط ساخته تکیه بسته بر سر گذارند و گل [illegible]
[illegible] و البقر موخر سر کدا بدانکه مبدای اعصاب است والله اعلم بالصواب

دیگر للصداع البارد الذی یحدث من برد الهواء والثلج او الجلوس فی المیاه البارده
وغیر ذلک من الاشیاء الخارجیه المذکوره فی الکتب المطولات فعلاجه علی
ما رایتنا فی مطلب الاستاد الوالد سلمه الله تعالی هذا عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه
سنبل گاوزبان عنبر اشهب مخلوط ساخته بنوشند دیگر قرنفل دارچینی
عود عرق سبزه گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه بجوشانند بهم باو نمانند
صاف نموده قند سفید داخل کرده بنوشند ایضا للصداع البارد دارچینی عود غرق
در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب بجوشانند بهم باو نمانند صاف کرده شربت
داخل کرده بنوشند ایضا زنجبیل افتیمون بابونه الطوخودوس جوش
داده صاف کرده باضافه قند سفید بنوشند دستور سرسام دموی
روز اول و دوم تا قبل زوال عقل فصد سر رو نمانند چرا که بعد استحکام علت
در زوال عقل باده مستحکم میشود و فصد موجب ضعف دماغ میگردد از آن فصد کردن
موجب زیادتی ضعف دماغ است لهذا بعد استحکام علت قدما منع کرده اند
از فصد و اگر ضرورت شدید و سن کبیر باشد و افراط دم صفراوی باشد هم فصد نمایند

وبعد از فصد بزیر مسهل المزاج استعمال نمایند تا این طریق عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب
عرق کاسنی شربت آلوبخارا شربت بنفشه داخل کرده بنوشند از این نسخه چهار روز
استعمال نمایند بهی دانه بنفشه نیلوفر تخم کاسنی بکوفته تخم خطمی عناب آلوبخارا زرد
آبات و کاهو تمر هندی هم اضافه می نمایند در هم انار آب نگاه دارند هم باو بمانند
صاف نموده ترنجبین و مغز تخم کدو و خیارین شیره برآورده داخل کرده بنوشند
تا روز هفتم بدهند و اگر شدت حمی بسیار باشد و بار بار آید و هم قدری صفرا هم
مختلط شده باشد این نسخه بدهند آلوبخارا آلوبالو تمر هندی گل بنفشه گل نیلوفر
رب و عرق عنب الثعلب عرق کاسنی تر کرده نگاه دارند صبح مالیده صاف
نموده قند سفید ترنجبین مغز تخم کدو شیره برآورده داخل نموده بنوشند و وقت شام
عرق گاوزبان عرق کاسنی عرق عنب الثعلب شربت آلوبالو شربت بنفشه داخل
کرده بنوشند غذا دلش جو بدستور معمول نسخه بدهند تحلیل برای سرسام صندل سرخ
صندل سفید گشنیز ماميثا زعفران گلاب بیدمشک آب برگ گشنیز خشک نموده روغن گل
سرکه انگوری داخل کرده در ظرف گلی انار نگاه داشته تحلیل نمایند و از همین

موی‌کن — بر سر موی گیر نان و صبح و شام و خوردن و بر رو گذارند دل و سینه بر گرده تا نشسته مرکب

به بندند باین طریق آرد موی‌کن در شیر کاو خمیر کرده نان درست کرده بالای آتش

شیر عورت مالیده بر سر به بندند و اگر ماده قوی بسیار باشد نان موی‌کن

باین طریق بگذارند آرد موی‌کن آرد جو شیر عورت سفیدی بیضهٔ مرغ سر که

آب برگ کشنیز سبز روغن گل همه را مخلوط ساخته نان خورد تیار کرده شیر

عورت بر نان مالیده بر پارگی سر بگذارند و بالایش رومال به بندند و نان

از شیر عورت هر روز چهار مرتبه بگریند و سعوط روغن بنفشه بادام روغن

بادام فقط بسیار مفید است اگر میسر نباشد برگ پادویه روغن بادام

فقط و بنفشه بادام بسیار مجرب و مفید است و باشویه بالطریق نمایند گل بنفشه

گل نیلوفر گل خطمی تخم خیاری سبوس گندم بابونه اکلیل الملک تخم کاهو عنب الثعلب

بوره ارمنی آرد جو سماق بالک زرانه کرد و نمک سنگ برگ بید تازه

برگ کنار سبز ده انار آب بجوشانند هشت اثار نمایند صاف نموده سر گرم

باشویه نماید یا شویه دیگر برای عرقیا من مجربات الوالد الاستاد سلمه الله تعالی

لمولفه

ریشه سوس گندم و برگ گل نار سبز یک بها هر دو قدر زوفا انار آب بگو بسانیده اندازه بیاید
صاف نموده شکر گرم با پیشوییه نمایند و اگر شدت ماده بسیار باشد حجامت
ساقین و کف پا بلا شرط بدستور معمول اول استعمال نموده بعد از آن بجو شیاعت
با توقف باشتوییه نمایند و بعد از رواج دستورات سابقه روز ششم مسهل با این طریق
بدهند آلوی بخارا بنفشه تمر هندی حل شیر خشت گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیارین
گلسرخ و رب انار و انار شیرین تر کرده شکفا بدارند صبح بجوشانند تلخ را و نمایند
مالیده صاف نموده ترنجبین شیرخشت موقلوس حل کرده باز صاف نموده با صاف
روغن بادام بنوشند ~~و مسهل این مذکور بدهند بعد از آن~~
و گاهی نسبت وارده نمی و بسیاری بدهد چهارم هملوقه عرق گاوزبان عرق
نیلوفر عرق بید سالم بید مشک شربت بنفشه و داخل کرده اسبغول پاشیده بنوشند
و صباح مسهل همین مذکور بدهند فایده روز مسهل از یا شویه در تخلیه و شستن پاها بر بستر
احتراز نمایند تا تحیر طبیعت هم نرسد باز روز دهم مسهل مذکور و مذکور بدهند
و بعد از روز دوم مسهل ... و بعد از ... تقویت قلب و دماغ

می کرده باشند و از باشوبه و تحلیله و ناف بر سر بستن و حجامت بلا شرط

بر سیاق نمودن توقف نه نمایند طلا روغن گل گلاب سرکه و داخل کرده

گرم کرده بر مقدم سر طلا نمایند ضماد پوشیدن با ورنگ و کدوی تر

پاره کرده ضماد گلی دارد بابونه و غیره منقول از دستور العلاج بعضیه

گل خطمی سبوس گندم بابونه سرکه در دو انار آب کشنیز [illegible] نمایند

صاف نموده کف پا را بشویند ضماد صندل را با گلاب سوده بر پیشانی طلا

کردن ضماد گلی بخشد ایضا برای سرسام اوائلکین هم سعال و بلون المادة

و موتیه و بستند الوطش بگذارید مطب الوالد سلمه صفحه آلو بخارا عناب

کشنیز خشک پوست بیله زرد گل نیلوفر صندل سفید بهدانه در پشم انار [illegible] کوشناهند

هم با و بایند صاف نموده بنوشند ایضا دستور سرسام صفراوی

گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی نیلوفر آلو بخارا آلو بالو بهی در یک باد آب زراده

بگذارند صبح مالیده صاف نموده قند سفید داخل کرده بنوشند از روز اول

تا سه روز بنوشند دیگر بنفشه نیلوفر آلو بخارا عرق نیلوفر تا باد بشیر برگرد

تمرهندی ۱۰ دانه

بگذارند

نگاه بدارند صبح مالیده صاف نموده قند سفید مغز تخم کدو شیره بر آورده
داخل نموده بنوشند فایده و گاهی استاد این نسخه را بلحاظ اینکه کثرت
برودت در جمیع اورام موجب جمود ورم میشود لهذا این نسخه باین قسم
می دهند بنفشه نیلوفر آلوبخارا تمر هندی در عرق نیلوفر با و سیر عرق کاسنی
بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده قند سفید مغز تخم کدو شیره بر آورده
داخل نموده بنوشند تا چهار روز در هفته تلیین طبیعت باین نسخه نمایند
گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی تخم خطمی آلوبخارا اهلوبا تمر هندی
گل سرخ شب در نیم آثار آب گرم شدید الحرارة تر کرده فی بدارند صبح مالیده
صاف نموده ترنجبین شیرخشت مویز فلوس حل کرده باز صاف نموده با جاهنه
روغن بادام بنوشند و صباح آن تبرید باین قسم بدهند بعد از اسبغول
لعاب گرفته عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر بید مشک شربت
شربت نیلوفر مغز تخم کدو شیره بر آورده داخل نموده بنوشند فایده
گاوزبان
داد و گل سنبل و شکه و دو سه روز باقی ماند این تبرید بعد از خطمی در عرق

عرق عنب الثعلب عرق کاسنی لعاب گرفته شربت نیلوفر داخل کرده مسهول نمایند
بنوشند ۵ و وقت به مسهل نخود آب باین طریق بدهند گوشت حلوان نخود
جو مغز مصالح گرم و سرد و در گوشت مذکور موافق معمول داخل کرده در یک
آب بجوشانند تا جدا شود وقتی که یک باو آب بماند جامه صاف کرده بنوشند و
باین قسم نخود آب بدهند نخود آب جدا سازند و روغن جو جدا سازند ۳ حصه
از نخود آب و یک حصه آب آش جو مخلوط ساخته بنوشند ۵ طلی و با پشویه
با اضافه بعض مبردات مناسبه و سعوط شیر عورت و پای گوسفند بر سر که در
سرسام و حمی لازمه استعمال نمایند نافع و دیگر آب پوست خیار و بادرنگ
و کدو پاره پاره کرده نافع کلی دارد و از گلاب و صندل و بیدمشک پارچه
تر کرده اکثر بر سینه و دل گذارند ۵ نافع و بعضی اساتذه قدمای
بقدر یک طسوج کافور قیصوری در نخله اضافه می نمایند جهت قلع شدت
حرارت صفراوی و تسکین صداع ۵ نافع و اگر شدت صفرا در سرسام
زیاده باشد بینی را از برگ بید تازه درست کرده بر آن قدری گلاب آب نمایند

کرده و اطراف مریض بر او زند فایده کلی می‌بخشد ۞ در روز دوم و سوم از زخم

مسهل ثانی و ثالث بطریق مذکور بدهند ۞ فایده اگر سرسام تابستانی بود باید

زود می‌باید که خروس فربه کرده و در شکم او شکاف نموده اول الایش

شکم پاک کرده گرم گرم بر سر گذارند و جلدی در گوشت خروس بیرون کرده

بکار برند چرا که حرارتش از گوشت زایل شود ۞ فایده جهة دفع العطش در سرسام

صفراوی مریض را از نوشیدن آب سرد منع نه نمایند ۞ نسخه شربت

عناب گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی شب در یکجا و آب تر کرده نگاه دارند

صبح مالیده صاف نموده شربت بنفشه شربت نیلوفر داخل کرده بنوشند

چونکه عناب تصفیه دم می‌نماید لهذا در سرسام صفراوی استعمال می‌کنند

و گاهی جهت تبرید این نسخه می‌دهند آب تربوزه گلاب بیدمشک لعاب

ساخته قند سفید اضافه کرده بنوشند ۞ فایده روغن بنفشه با دام با شیر عورت

ممزوج کرده سعوط کنند و بر کف پا نیز مالند ۞ در روز مسهل در سرسام

صفراوی در سرسام این تبرید هم می‌دهند عرق گاوزبان عرق نیلوفر عرق کاسنی

مضمضه

شربت انارین داخل کرده اسپغول با خیار بنوشند تابع اگر در سر صداع صفراوی باشد

بخواهند منتولی سود تخم کاهو و اسفناج و در عرق کاه در بنان عرق عنب الثعلب

عرق کاسنی شیره برآورده نبات سفید داخل کرده بنوشند و مقدار سیر روغن

بنفشه مدام نمایند طلا تخم کاهو افیون با سایند بر صدغین طلا نمایند

و حقنه این ادویه نمایند اسپغول لعاب گرفته روغن گل سفید

تخم مرغ همه را مخلوط ساخته در حقنه کنند اول قدری آب بنوشانند

بعد از آن حقنه نماید تابع باید که حقنه عند الخلاء بکنند اول آب

نوشانند و بالا از آن حقنه کنند که حقنه عند الخلاء ممنوع است نزد استاد

بعد از سمعت من الوالد الاستاد و تطویل باین طریق نماید گل بنفشه

گل نیلوفر گلسرخ ... پوست خشخاش تخم کاهو در ... آب

بجوشانند ... آب صاف نموده بر سر تطول نماید تابع ... بخواهند بخسبند

دار صندل ... گلاب و روغن گل و سرکه و کافور ... کرده بر دل و سینه

بگذارند رفع التهاب صفراوی و حرارت آن می نماید تابع پارچه ... گل

صندل

۲۴۳

گلاب سرکه که تر کرده بر سر گذارند غذا صاحب سرسام آش جو با ترشی الو بخارا
ترش ساخته بدهند و یا اگر آش از ترشی تمر هندی ترش ساخته بخورانند تمام شد
دستور سرسام صفراوی ✤ دستور سرسام سوداوی روز اول عرق گاوزبان
عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شربت گاوزبان داخل کرده بنوشند و شب هم
گل بنفشه گل نیلوفر گاوزبان گیلانی تخم کاسنی شکوفه شب در آب تر کرده
نگاه دارند و دو بهری روز باقی مانده با صبح صاف نموده تخم کدو شیرین
بشره را آورده داخل نموده بنوشند و سعوط از روغن بنفشه بادام مکرر عمل
آرند اگر روغن بنفشه بادام میسر نشود بقدر ده تولچه بنفشه را شب در آب گرم تر
کرده نگاه دارند صبح بجوشانند وقتی که با ده سیر بماند صاف نموده ده تولچه
روغن بادام شیرین در آن مخلوط ساخته بجوشانند تا که آب جذب شود
و روغن بماند صاف نموده نگاه دارند و از این روغن سعوط نمایند و بر سر
و کف دست و ناف بمالند ✤ فایده مالیدن روغن بادام و روغن
بنفشه با اختلاط شیر و تقرات یابد و از آن فایده کلی دارد ✤

واین نسخه مسهل مطبوخ استعمال نمایند و موم ملک هم باید با شیر گاو خمیر نموده

نان بسازند و یک طرف پخته بپزند وقتی که نیم پخته شود بر سر گذارند و

نان را برای این تجربه می کنند تا از حرارت برودت حرارت زیاد برساند

و پاشویه باین طریق نمایند بابونه عنب الثعلب اکلیل الملک سبوس گندم

تخم خطمی بنفشه پنیرک بوره ارمنی در ده آثار آب بجوشانند هشت آثار

بماند صاف نموده پاشویه نمایند فصد قیفال و انتخاب زلو بر ساق

پا و در سر شانه نمودن اثر کلی دارد تا سه روز این تدابیر کنند روز

چهارم این نسخه استعمال نمایند گل بنفشه تخم خطمی تخم خیاری تخم کاسنی

موز منقی اسطوخودوس بسفایج فستقی گاوزبان گیلانی گل گاوزبان

گل سرخ گلقند آفتابی در سه پاو آب بجوشانند چون پاو بماند صاف نموده

مغز تخم کدو مغز تخم خیار القرطم سبزه بر آورده تبرید و آوردن چرب ساختن

مذکور داخل نمایند بعد سرد شدن با لیموی عمانی نموده باضافه گلاب نوشند

تا روز ششم همین قسم استعمال نمایند و پاشویه و سعوط مذکور غافل نشوند

در روز هفتم با اضافه ترنجبین جوشانده مذکور بنوشند و قاروره ملاحظه نمایند
اگر نضج آمده باشد روز هشتم مسهل بدهند و اگر در نضج قصوری باقی مانده باشد
تا دو روز همین جوشانده را با اضافه ترنجبین بدهند و روز دهم منضج مذکور
با اضافه سنای مکی تربد افتیمون در لته ریشمی بسته مغز فلوس روغن بادام
مروق کرده بنوشند و صباح مسهل این تبرید را استعمال نمایند بهدانه لعاب گرفته
عرق کاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق بیدمشک شربت [illegible] داخل کرده بنوشند
در روز دوازدهم در مسهل سنای مکی را سه ماشه اضافه نمایند و گلقند را سه ماشه
اضافه نمایند در روز دوازدهم مسهل بدهند و اگر مرض بالکلیه زایل شود بهتر
والا روز پانزدهم مسهل سیوم بدستور سابق بدهند و صباح آن تبرید
بدستور بدهند فایده نطول آبی که در وی بابونه خشخاش جوشانیده باشند
نمایند فایده کلی بخشد تمام شد دستور سرسام سوداوی و دستور سرسام بلغمی
المسمی بلیثرغس روز اول بادیان عنب الثعلب مویز منقی کاوزبان گیلانی
عناب اصل السوس در نیم آثار آب جوشانند چون نیم آب بماند صاف نموده

بشربت نیلوفری با تخم کرفس و تخم کشوث که بطریقی که برای ورم باغ

داخل کرده بنوشند تا شش روز از این نسخه بعد هفت روز چهارم الکه زرد پنج ماشه

پوست بیخ کبر ریوند ما گفته در نسخه اول اضافه کرده بنوشانند ما الجبن

صاف نموده مویز منقی خربوزه تخم معصفر شیره برآورده داخل نموده

با جامه نیز همچنین بنوشند تا چهار روز بعمل آرند روز هشتم مسهل با این طریق بدهند

بادیان بیخ بادیان عنب الثعلب مویز منقی الکه زرد عناب سپستان اصل السوس

گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ سنای مکی ایرسا کوفته شب در یک آثار آب

تر کرده دارند صبح بجوشانند نیم آثار بماند صاف کرده همچنین شیرخشت

مغز فلوس حل کرده باز صاف کرده تربد سفید سوده داخل کرده با جامه روغن

بادام بنوشند ها و بجای آب عرق عنب الثعلب سرد بنوشند و بعد از

کرده بنوشند چرا که آب گرم در ابتدای عمل مسهل را باطل می کند و صباح

این تبرید بدهند عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب شربت نیلوفری

داخل کرده بنوشند تا ... روز هم در مسهل مذکور سنای مکی بقدر طاقت

مسهل از ... نوشته

مزاج علیل باشد تولید اسهال نماید و اگر اتفاقاً مسهل شود سفوف مذکور بدهند و در مسهل
سفوف مذکور بعد پوست مدد تاب گرمی کرده باشند و بالنوبه یابس الطبع
نماید بالنوبه اکلیل الملک عناب القعود سپستان کیلدانه تخم کاسنی بهرا پوره ارمنی در
ده اثار آب بجوشانند هفت اثار بماند صاف نموده مشوکوم بالنوبه نماید بعد شش ماه
رساق گشنیز بالنوبه نماید روز ها روز ده هم شربت بخور گور بدهند و دو هوا روز
باقی ماندا این جوشانده نوشند الحمر زرد عناب سوم شیخی ایدرسا شکوفته
گشنیز حک بادیان اصل السوس طلق غدا غافث ورد منیم اثار آب بجوشاند نیم
باو بماند صاف نموده بنوشند در ~~استعمال [illegible]~~ زرد جوزرد دوم
چهار گهری شب باقی ماند حب ایارج باسفوف هلیله زرد از آب گرم خورد

تب بسیار قوی

بعد ... تب بسیار قوی باشد و صبح تاب گرم مددی کرده باشند و اگر
تب بسیار قوی باشد روز دوازدهم مسهل مذکور که صفت آن بالا گذشت
بدهند و در حب ایارج اجتناب نماید اگر بدهند بالکل مخرج شود بهتر والا
اعاده تدبیر سابق نماید و روز شانزدهم مسهل مذکور بدهند ...

مانند موارد ضماد کشیدن و بالنکویه بمودن مامل نشوند و روغن گل گاهی

بسر مالند و گاهی روغن گل چوبه بوکیه اضافه می کنند برای تسخین و استعمال

حقنه که در آن ادویه بیمار باشد و در این مرض واقع مسهل و زوال مرض

کمک کنند انتهای بادیان و عرق گلیم عنب الثعلب سفید برآورده بنوشند تا قوت

سعتر زایل شود و هرگاه که اثری از حمی + وهنداوغیره باقی مانند

جهت تقویت مزاج و قلب دوا الممسک معتدل و روغن گل

عرق با در نجبویه مخلوط ساخته بنوشند دار و شتر العلاج و نفخ قدما را

در بعض این نسخه می دهند بادیان عناب اصل السوس بوزیدان سعد

در پنج انداز آب بجوشانند نیم با دو مانند صاف نموده بنوشند و قوت را

حقنه گاهی باین قسم می کنند سنا مکی ترنجبین گلوقند تخم کشوت تخم بنفشه

بوست بیخ کبر بادیان انجیر زرد عنب الثعلب در یک انار آب جوشانیده

نیم انار بماند صاف کرده شیرخشت ادب کامه بوره ارمنی روغن بادام

در حقنه کارفته نوبت عمل نمایند تا ابتدا می کردن در بعض عرس

تمام دارد

تمام دارد فائده اگر در سرسام بلغمی سیاهی و خشکی زبان عارض شود اول بورق ارمنی بکف

در انگشت بجمیع زبان را صاف نمایند پس بید زیره سفید و ورق فلفل سیاه نمک

سنگ همه را قدری قدری گرفته از آب سائیده بر زبان کرده طلا نمایند و اگر در صفراوی

یا دموی عارض شود بهتر که معمول است بهدانه مویز با دام هر که را سائیده

طلا نمایند ابتدا که اسبغول لعاب گرفته مضمضه نمایند مرکب الادویه برای سرسام

صفراوی بهدانه اسبغول لعاب گرفته تخم خشخاش مقشر کدو و مغز تخم عنب الثعلب

سبزه برآورده و داخل کرده بپاره برای سرسام مستعمل المطلب کاسنی تخم کاهو — سرخ مالیده داخل کرده بنوشند

پوست خشخاش ملیخ گل نیلوفر پوست کدو و ترگل بابونه کشک جو در پنج انار ترش

بجوشانند نصف نماند صاف نموده بسر به بخاران تمام شد و مشهور سرسام سوداوی — بدارند

دلچسپ دستور العلاج فی البخر اگر بخر بسبب حرارت عفونی که مستولی میشود بر رطوبت

که در معده باشد و در خشک باشد و یا در اصل اسنان باشد بسبب تقرر حرارت

غریبی استحاله آن بکیفیه فاسده میشود و پس پیدا اخراج شد و از آن عفونت

بسبب بخر اخراج شد لازم که معالجه آن تدبیر استعمال ادویه که کاسر الحراره باشند

و مقویات معده و اصلاح معده و اخراج آن رطوبت بمسهل بهاء الارض و سنا

الرطوبه و تغییر مزاج معده باین طریق که بار حرارت غریبی تأثیر بکند که بار رطوبت

را متعفن بسازند باین طریق برای حرارت معده عرق گاوزبان عرق شاهتره

عرق نیلوفر تخم خیارین شیره برآورده شربت سکنجبین لیمویی داخل کرده

بنوشند و دیگر نسخه عرق کاسنی عرق بیدمشک عرق صندل طباشیر زهرمهره خطایی

شیره برآورده شربت انارین منعنع داخل کرده بنوشند نسخه آب انارین

آب انار میخوش آب انگور شربت تمرهندی داخل نموده بنوشند و دیگر نسخه

تمرهندی و در عرق گاوزبان عرق صندل عرق شاهتره گلاب ترکرده بالیده

صاف نموده طباشیر و دانه هیل مغز تخم کدو شیره برآورده شربت لیمو انارین

منعنع داخل کرده ارنج بود کرده بنوشند و دیگر نسخه صندل سفید براده کرده

در عرق صندل عرق بیدمشک عرق گلاب ترکرده دارند صباح بالیده صاف نموده

مغز تخم کدو تخم خیارین الوبخارا شیره برآورده شربت ولایتی داخل کرده بنوشند

برای تسکین حرارت معده الوبخارا مویز منقی کشمش در عرق بیدمشک عرق بادرنجبویه

بستانند

شب تر کرده دار بند صباح مالیده صاف نموده تخم خیارک بالنگو شیره برآورده آب
داخل کرده از یک سیر و نیم تا دو سیر بنوشند دیگر تسکین حرارت معده نسخه آب تربوز
آب سیب ولایتی آب انار شیرین گلاب شربت تمر هندی شربت سکنجبین ساده داخل
کرده از یک سیر و نیم تا دو سیر بنوشند فایده نسخه گاهی گاهی در ترکیبات مذکوره بالنگو
تخمی و کلپید مالیده بدهند تاکه گاهی گاهی همراه تسکین حرارت اخراج رطوبت معده
هم شود هو آب تمر هندی آب لیمو آب انار میخوش گلاب و لعاب تخم خیارک
خیارین شیره برآورده سکنجبین بزوری داخل کرده باضافه اسپغول بنوشند
دیگر نسخه صندل سفید صندل سرخ گل گاوزبان در عرق گاوزبان عرق گلاب عرق بیدمشک
خیارین شیره برآورده داخل کرده شربت زرشک داخل کرده بنوشند
دیگر نسخه زرشک بیدانه تخم کاسنی مکوفته آلوبخارا در عرق صندل عرق نیلوفر
عرق بید ساده گلاب تر کرده دار بند صباح مالیده صاف نموده شربت انار شیرین
داخل کرده باضافه تخم بالنگو بنوشند دیگر نسخه ماء الفواکه آب تربوز
آب سیب ولایتی و لعاب تخم شیره برآورده شربت آلوبالو داخل کرده بنوشند ط

فایده نفعه اگر بجز سبب لذت حلوه معده بسبب حرارت زیاده باشد علی الصباح [illegible]

از قسم غذا باره بخورند مثل شوربای شیر همراه شربت سیب و شربت سکنجبین و شربت

تمر هندی وغیره خورده باشد فایده نفعه بحران حیات بعد از تلطیف تدبیر و بعد از تسکین

حرارت که سبب بحران بود نماید باید که مسهل برای اخراج رطوبت باید و اگر احتیاج

مسهل دیگر باشد سوم باشد بدهند و بعد از فراغت مسهل باز تلطیف تدبیر و تقویت

معده و اصلاح معده کنند که باز سبب بحران عارض شود فایده نفعه اگر بحران سبب غلبه معده

معده زیاده بود غذا آش جو و زرشک و مسکه و آب زرشک و شربت نیلوفر

و شربت بنفشه و آب انار شیرین و آب انگور و شربت به شیرین و غیره از این قبیل مناسب

باشند با بحران مناسبات مزاج و بعد از تسکین حرارت و اصلاح معده علی رأی طبیب

کرده باشند نسخه مسهل نفعه گل بنفشه گل نیلوفر گاوزبان گل گاوزبان اصل السوس

برگ شاهتره تخم کاسنی تمر هندی برگ تخم خطمی [illegible] در عرق گاوزبان عرق

نیلوفر عرق [illegible] شب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت بنفشه

[illegible] حل کرده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده بار صاف نموده با جانفزا [illegible]

۲۵

الحمد

بنوشند دیگر نسخه مسهل دیگر تمر آلوی بخارا تمر هندی بوزیتی رب سماق عناب آلوبالو

بعرق گاوزبان عرق بیدمشک عرق عنب الثعلب شب ترکرده دارند صبح مالیده

صاف نموده شربت بنفشه داخل کرده ترنجبین شیرخشت تمر هندی حل کرده باز صاف

نموده باضافه روغن بادام بنوشند بعد از مسهل دو سه روز هر روز بهیدانه در عرق

گاوزبان عرق بیدمشک عرق سیاه لعاب گرفته شربت بنفشه داخل کرده بنوشند.

دیگر نسخه خمیره مروارید بخورند عقب آن صندل سفید زرشک بهدانه در عرق بیدمشک

عرق گلاب عرق صندل ترکرده دارند صباح مالیده صاف نموده خیارین مغز تخم کدو

بشیره برآورده داخل کرده شربت انارین شربت آلوبالو داخل کرده

ابریشم سبز کرده بنوشند و بعد از تبرید سه روز گل قند افتابی و اهل مصطگی

مزوج نموده میداده باشند و بعد از اصلاح آن باز بتبرید لطیف و مقویات معده

باین طریق استعمال کرده باشند دیگر نسخه و دوا السباب بار و عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شربت بنفشه شربت انارین داخل کرده بنوشند

دیگر نسخه حرارت انارین بخورند عقب آن زرشک بهدانه در عرق گاوزبان عرق صندل

عرق بیدمشک تر کرده با سبع صاف نموده شربت زرشک داخل کرده بنوشند

دیگر نسخه چوار پس زرشک بخورند عقب آن عرق گلاب عرق بیدمشک عرق صندل داخل

طباشیر شیره برآورده شربت سیب شیرین شربت انارین بضع داخل کرده بنوشند

دیگر نسخه چوار پس انارین بخورند عقب آن آب تمر هندی آب آلوبخارا آب زرشک

همه را در عرق گاوزبان عرق بیدمشک عرق صندل تر کرده آفتاب بگیرند

داخل کرده بنوشند مرکب حب در رفع دارند تسکین حرارت کند و باه منقبض

تسهیل کند و معده را قوت دهد و باصلاح آرد صندل سفید صندل سرخ طباشیر

کشنیز خشک زرشک بیدانه کوفته بیخته کافور قیصوری زعفران در گلاب و بیدمشک حبها

سازند و استعمال کرده باشند دیگر نسخه پوست ترنج گل گلاب پاره گل بید

گل چینه گل پیتیکی طباشیر دانه صندل سفید کافور زعفران در گلاب و بیدمشک

حبها سازند و استعمال کرده باشند نسخه فوفل سعد کوفی کافور

زعفران در گلاب حبها بسازند مرکب دیگر نسخه گل ترنج گل نارنگی گل سنگتره برگ تنبول

صندل سفید گل لیمو کاغذی سعد کوفی زرشک بیدانه مشک کافور زعفران طباشیر

کوفته بیخته از گلاب و مشک حب ها سازند و در دهان دارند دیگر نوزور و گلسرخ صندل سفید

برگ تنبول سنبل الطیب کافور زعفران از گلاب حب ها ساخته استعمال کرده باشند

ضماد تسکین حرارت معده بر معده ضماد نماید ضماد دیگر صندل سفید صندل سرخ

را سیده کدو تخم خیار سنبل الطیب گل بنفشه از آب برگ عنب الثعلب سائیده ضماد نماید

باضافه روغن گل ضماد دیگر تخم خرفه تخم کاهو صندل سفید گلسرخ کشنیز خشک

آرد جو عنب الثعلب از آب برگ کاهو سبز سائیده باضافه روغن گل ضماد نماید ضماد دیگر

صندل سفید آرد جو سیب گل بابونه سعد کوفی کافور زعفران از آب برگ عنب الثعلب سبز

سائیده ضماد نماید باضافه روغن گل دیگر گل بنفشه گل بابونه گل خطمی تخم خبازی

اصل السوس گلسرخ صندل سفید سماق مامیثا از آب برگ خرفه سبز سائیده ضماد نماید

باضافه روغن گل دیگر آرد جو عنب الثعلب مصطگی زعفران گلسرخ شاه مامیثا کافور

از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده باضافه روغن گل ضماد نماید فائده اگر

بخر سبب خلط بلغمی عفنی در شش معده که استحاله آن با بخره متعفنه شده و در فم

و حلق برسد و سبب آن بخر باشد معالجه آن تنقیه قی با ادویه مقیئه استعمال باید کرد

بعد از تنقیه فی اصلاح معده و منومات این استعمال کرده باشند منضج فی بالان اصل السوس

تخم خربزه تکوفته در نیم اثار آب بجوشانند تا نیم تا و باید صاف نموده سکنجبین عسلی

داخل کرده بنوشند تا سه روز بعد از آن بدستور معمول او وبه منضج استعمال کرده می کنند

دیگر بنفه تخم کرفس بیخ خربزه بیخ کرفس خولنجان و یک اثار آب بجوشانند

نیم اثار آب باید صاف نموده عسل سفید سکنجبین ساده داخل کرده با اضافه بوره

داخل کرده سه پیاله نمایند یک یک دفعه بنوشند تنقیه کنند بعد از قی علی الصباح عرق

عرق هلیله کلدت سکنجبین ساده داخل کرده بنوشند **و کابی** بعد از قی گلقند عسلی

مصطگی بادیان داخل نموده بخورند عقب آن عرق بودینه عرق هیل

کلدت سکنجبین عسلی داخل کرده بنوشند کابی بعد از قی منضج اخراج ماده تنقیه این

ترکیب بیدمشک اطریفل صغیر اناریج فیتورا افتیمون لسفایج کوفته بیخته بخورند عقب آن

عرق بابونه عرق بودینه عرق سکنجبین عسلی داخل کرده بنوشند

دیگر تخم کرفس در شب در روز سه چهار دفعه بخورند تجربه بسیار خوب دارد

دیگر بنفه مصطگی زیره سیاه تخم کرفس گلقند عسلی در نیم اثار آب بجوشانند تا نیم

دو

صاف نموده بنوشند ۱۲ گز ترکیب اطریفل صغیر ترک سنای مکی گلقند عسلی ممزوج نموده

بخورند عقب آن عرق بادیان عرق عنب الثعلب سکنجبین عسلی داخل کرده بنوشند ترکیب دیگر منضج

افتیمون زبیب سیاه تخم کرفس گلقند عسلی در سه پاو آب بجوشانند یکپاو بماند صاف

نموده شربت بزوری حار داخل کرده بنوشند دیگر منضج تخم کرفس انیسون

عود عرقی عود صلیب گلقند عسلی در نیم آثار آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده

شربت بزوری معتدل داخل کرده با خمانه اطریفل صغیر بنوشند دیگر منضج [illegible]

الایچی خرد عود عرقی نبات در نیم آثار آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده

سکنجبین عسلی داخل کرده با خمانه اطریفل کبیر بنوشند ۳ فایده استعمال

تریاق و [illegible] لیقوس با ماء العسل ساده و با [illegible] مجربست

دیگر منضج جوارش عود شیرین معجون [illegible] بخورند عقب آن عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب

عرق گاوزبان شربت بزوری [illegible] داخل کرده بنوشند دیگر منضج جوارش عود شیرین

معجون [illegible] بخورند عقب آن عرق بادرنجبویه [illegible] عرق [illegible] شربت

بزوری گرم داخل کرده بنوشند دیگر منضج جوارش مصطگی عنبر اشهب ممزوج [illegible]

مجرب است عقب آن عرق عنب الثعلب [illegible] عرق [illegible] شربت بزوری داخل کرده بنوشند

دیگر نسخه مشک عنبر اشهب عود غرقی زعفران [illegible] مروارید [illegible] مفرح بخورند

دیگر نسخه [illegible] رسوت مصطگی زیره [illegible] کشنیز [illegible] ورق [illegible]

سحق ساند [illegible] صاف نموده بنوشند فقط

بسم الله الرحمن الرحیم و ستور للصداع الحار الساذج الذی یکون حدوثه من الحلول

فی الشمس مدة طویلة او فی الحمام الحارة او عقب الغضب و غیر ذلک و تسیم الرائحة الکریهة

المبنه لشدة الحرارة علاجه علی ما ذکرنا فی مطلب الوالد الماجد سلمه ربه شربت

شربت انار زین آب تمر هندی عرق گاوزبان عرق نیلوفر عرق کاسنی مخلوط

ساخته بنوشند ایضا کذلک عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر شربت انار

تخم کاسنی سبزه بر آورده آب تمر هندی داخل کرده بنوشند ایضا

مستعمل مطلب الناد کاسنی و ریحق کاسنی عرق نیلوفر عرق صندل سبزه بر آورده

شربت لیمو داخل کرده اسبغول با شیره بنوشند ایضا مستعمل استاد [illegible]

عرق کاسنی صندل داخل کرده بنوشند ایضا مغز [illegible] کدو با خشخاش [illegible]

عقب آن عرق گاوزبان عرق [illegible] عرق [illegible] داخل کرده بنوشند [illegible] مفرح [illegible] مجرب است عقب آن

مجرب

۲۱۷

بخورند واكر حرارت بسيار باشد ساكن اقليم سيوم وچهارم باشد كك جو
سنارب ست طلا للصداع ابدكوز صندل سفيد آب برك كسنيز سركه عنكور بيه
كلاب مخلوط ساخته طلا بايد ... اروجو آب برك كسنيز كلاب سركه
ازو توكك مخلوط ساخته بكنه لسته برسو كوارند ... وسعوط كسنه عورت
مفيد است والله اعلم بالصواب ... مسك عنبر سنبب مصطكى سعد كوفي
قرنفل كوفته بيخته باشربت سيب ممزوج سوده بخورند ... فانها حابنين مصطكى
وكندر وتخم كرفس بسيار فايده دارد مجربست ... بكير بلغمى سه جوز بويه بسباسه
مسك عنبر اشهب عود غرقي كوفته بيخته باشربت سيب ممزوج سوده بخورند
بلغمى سه سنبل الطيب سادج هندي جوليان عنبر اشهب اشنه كوفته بيخته باشربت
سيب عنبري ممزوج سوده بخورند ... مركب مسك بلبلغمى دردهان دارند
سه مسك بانه عود غرقي كافور سعد كوفي سنبل الطيب مصطكى قرنفل جرربونه
فلفل كردن بسباسه اسنه بوبت رزد اترج كوفته بيخته بكلاب وبيد مشك ممزوج
سوده حب ها سازند ودردهان دارند ... مركب عنبر بلبلغمى سه عنبر اشهب

زعفران مشک جوز لسی سعد کوفی سنبل الطیب کندر صندل سفید کافور قرنفل

کوفته بیخته از گلاب و مدتی ساخته و در دهان دارند مرکب دیگر

للبلغمی سنه تخم کرفس مصطگی جوز لسی مشک عود قرنفل طباشیر دارچینی دانه

کوفته بیخته بگلاب حب ها سازند و در دهان دارند مرکب دیگر للبلغمیه

حب الآس سماق مصطگی کافور پوست ترنج و اترج مشک کشنیز کوفته بیخته

حب ها سازند و استعمال نمایند مرکب دیگر للبلغمیه دارچینی قرنفل

مشک عنبر اشهب زعفران از گلاب حب ها سازند و استعمال نمایند مرکب دیگر

للبلغمیه زنجبیل عود قرنفل تخم کرفس صندل سفید عود قماری مشک عنبر اشهب فلفل گرد

زعفران سعد کوفی سنبل الطیب کبابه چینی جوز بویا کوفته بیخته با گلاب حب ها سازند

و استعمال کرده باشند مرکب دیگر للبلغمیه ارزیز زرد کشنیز ارزیز

تخم کرفس زرنباد جوز لسی دارچینی مصطگی مشک کافور عنبر اشهب از گلاب و

مدتی حب ها سازند و در گل گیوره چند روز نگاه دارند و استعمال کنند با

مرکب دیگر للبلغمیه پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد پوست آمله

الرئیم

پوست بلیله سنبل الطیب دارچینی قرفه [illegible] زنجبیل ساذج هندی حجر اسطوخودوس

کوفته بیخته سفوف سازند قدر شربت [illegible] با اطریفل صغیر [illegible] بخورند اگر حفظ

استعمال کنند [illegible] نیز [illegible] ترکیب سفوف دیگر تخم کرفس انیسون پوست بلیله کابلی

سعد کوفی سقاقل فسنج حب بلسان عود بلسان حجر اسطوخودوس کوفته بیخته لعاب [illegible]

خوراک [illegible] با اطریفل صغیر یا اطریفل کبیر با حفظ [illegible] سنبور [illegible] با [illegible]

واسطه ها استعمال نمایند ترکیب حب من الاستاذ [illegible] صندل سفید سعد کوفی پوست بلیله

پوست بلیله پوست [illegible] طباشیر کوفته بیخته با گلاب یا سرکه حل نموده حب سازند

و در دهان استعمال کرده باشند فایده استعمال کمتر نماید و از گوشت

ماهی و شیر و فواکه و گوشت فربه و غیره مولد رطوبت متعفنه اجتناب نمایند حب [illegible]

الاسنان و قرفه [illegible] بمکن [illegible] پس [illegible] قافله کبار [illegible] صبر [illegible]

به کوفته بیخته حب سازند خوراک [illegible] مثقال میل نمایند حب دیگر من الاستاذ حب الآس

قرفه [illegible] سعد کوفی سنبل الطیب پوست اترج مصطکی مشک قرنفل [illegible]

کباب چینی زنجبیل [illegible] کوفته بیخته [illegible] حب سازند

ر بار بعد از جوزی عمل نمایند فایده منه استعمال شراب در ناشتا یکبار یا دو بار استعمال

نمایند و استعمال حب صبر بعد از تنقیه فی و ریاضت سایر انواع بکرات بتعقیب استعمال نماید تا تکمیل

حب زعفران الاستاد مقل قرنفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک درم مشک دو دانگ

کوفته بیخته شراب با گلاب حب ها سازند و استعمال نماید صفت حب صبر اوجاع

مفاصل و نقرس و فالج و لقوه را نافع است صبر سقوطری یک مثقال تربد سفید

یکنیم درم حب النیل غاریقون سقمونیا حنظل نمک هندی مقل و کتیرا افسنتین کوفته بیخته

باب کرفس حب ها سازند و استعمال کرده باشند حب مشک من الاستاد

بوی دهن خوش کند و لثه را قوت دهد فلفل قرنفل خولنجان از هر یک یکدرم

جلسرخ صندل سفید و بلیله زرد از هر یک نیم درم طباشیر نیم درم مشک و کافور از هر یک

دانگی کوفته بیخته بگلاب حب ها سازند حب السکنه من الاستاد قاقله جوزبوا کبابه

قرنفل کافور دارچینی خولنجان فلفل از هر یک یکدرم مشک نیم دانگ پوست ترنج

السیاه از هر یک یک مثقال سعد نیم درم بگلاب حب ها سازند حب دیگر من الاستاد

مشک قرنفل قرفه جوزبوا سعد و سنبل و پوست ترنج عود خام مساوی حب سازند هر یک.

بعد از نخود

مقدار نخودی هر صباح و مسا یک از آن و هر روز بکار دارند **حب دیگر که مقوی باه**
و [illegible] از هر یک [illegible] الاسنان کبابه قرنفل قرفه طباشیر از هر یک دو درم
مشک و اظفار عنبر از هر یک نیم درم عود یک درم کوفته بیخته بقلابی که صمغ عربی یک درم
در آن منقوع باشد سرشته حب‌ها سازند **شیاف مرکبه دیگر** منه مربای زنجبیل یک درم
کشنیز کرفس زرنباد کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند **شیاف مرکبه دیگر من تالیف** مربای
زنجبیل بخورند عقب آن قاقله صغار قاقله کبار طباشیر درعق عنب الثعلب عرق
بید مشک عرق گاوزبان سیزه برآورده شربت عنبر داخل کرده بنوشند شیاف
دیگر منه مربای زنجبیل قرفه [illegible] سعد کوفی مصطگی گرفته بیخته ممزوج نموده بخورند
گلقند عسلی تربد سفید روغن بادام چرب کرده ممزوج نموده بخورند شیاف **دیگر منه** گلقند
ایارج فیقرا ممزوج نموده بخورند **دیگر منه** گلقند عسلی سنبل الطیب سعد کوفی تخم کرفس
ممزوج نموده بخورند **دیگر منه** گلقند عسلی [illegible] غاریقون ممزوج نموده بخورند
فایده هر اطریفل کشنیز نیز همین ترکیبات مرکب کرده خورده باشند فایده دارد
دیگر منه گلقند عسلی پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد برگ سنا مکی افتیمون بسفایج [illegible]

کوفته بخته ممزوج یکورند دیگر اطریفل صغیر ترنجبین صبر سقوطری ممزوج نموده یکورند

دیگر بنه اطریفل صغیر عاقرقرحا افتیمون برگ سنا ایکی کوفته بخته ممزوج نموده یکورند دیگر

مویز منقی کلقند عسلی ورسم انار ایکی کوبیلنده سم با و عاید حب نموده اضافه

اطریفل صغیر یکورند بلر دیگر تخم کرفس مویز منقی کلقند عسلی ورسم انار ایکی کوبیلنده

هم با و عاید حب نموده با ضمانه اطریفل صغیر یکورند تا که پانیج هنه جایکدن

تخم کاسنی و تلخ هزن اکز اوخات عاید کلی وارد باد دیگر بنه تخم [illegible] مصطکی

قرنفل کوفته بخته با آب صمغ عربی حبلر سازند ویکورند دیگر [illegible] قرفه

دانه هیل نمک هندی دانه الایجی کلان صبر سقوطری کوفته بخته حبلر سازند خوراک

بکدرم باام ورم محوبیت مرکب سقوف دیگر بنه نمک هندی دارچینی قرفه نوبت [illegible]

نوبت [illegible] عاقرقرحا تخم کرفس صبر سقوطری کوفته بخته سفوف سازند و سقنقور

عاید حب دیگر من الاستاد صبر سقوطری قرنفل قرنفل جراکی عاقرقرحا مشک کافور

کوفته بخته با شیرات ریحان مخلوط نخته حب سازند و سقنقور گرده با شنده

عاید بنه اگر تحریک سوز معده عارض شود باید که حب مذکوره کشنیز و او بخار او نموده

ولیس ها

و لعاب تخم خیارین و مغز تخم کدو و دانه خرفه و خوبزبان نفع کند و شربت سکنجبین ازین
سرد کرده و یا شیره که از آب سرد ممزوج نموده و ازین سرد کرده و شربت
سکنجبین بزوری ممزوج ساخته بخورند و تنقیه معده از طبع بلغمی کرده باشند
دوار بحرانیت نزول رطوبات منعفنه از دماغ باشد احتیاج رطوبت منعفنه و ریح
دماغیست تعفن لثه و یا خروج دم از لثه و قرحه لثه باشد فساد و بدان و وجع
آن باید که هر وجه که باشد اول تنقیه دماغ بحب ایارج باید کرد و مکرر تنبیه بکر
بجز سیلان دم باشد باید که اول در آن فصد قیفال بن لحیه اگر احتیاج باشد
در باب تنقیض ورلو یا سایحها استعمال کنند بعد از آن اصلاح مزاج نموده تنقیه
دماغ بحب ایارج کنند بعد تدبیر آن از غرغره و مضمضه و سنونات و غیر آن
استعمال کرده باشند تا صفت حب ایارج ایارج فیقرا ترید سفید از هر یک یکدرم
حب النیل غاریقون افتیمون از هر یک نیم درم شحم حنظل و نمک هندی از هر یک دو دانگ و بنم
کوفته بیخته باب را زیانه سرشته و حب سازند صفت ایارج فیقرا سنبل دارچینی
عود بلسان حب بلسان سلیخه مصطکی اسارون زعفران از هر یک جزوی صبر سقوطری

و وزن ادویه همه را نرم کوفته بیخته از زوال الکذر رانیح نگاه دارند شربت دو درم بعسل و آب گرم

مضمضه ابو الملک بنه سرکه خالص گلاب ممزوج نموده مضمضه نمایند دیگر مضمضه بنه حب الآس

گلنار سرکه خالص گلاب جوش داده مضمضه نمایند دیگر بنه گزمازج خورد گزمازج

گلاب گلنار سرکه خالص گلاب آب خالص جوش داده مضمضه نمایند حب الآس

سماق مصطکی کندر جفت بلوط سرکه خالص آب خالص گلاب جوش داده مضمضه نمایند

قابض بنه اگر سبب ماده نزول رطوبات دماغ در فم و حنک و دندان باشد

مصالحه آن بعد از تنقیه دماغ مقویات دماغ و اصلاح مزاج دماغ باید کرد که باز نزول

رطوبات نشود و بعد از آن بخورهای مقوی اسنان و سنونات طینه استعمال باید کرد

یکی اول مضمضه منقیه دماغ بعد مقویات اسنان کرده باشند صفت بخور منقی ان شاء الله

ایارج فیقرا قرنفل مویزج بخور مریم جارجیل پودینه صعتر فارسی اصل السوس پوست بیخ کبر

کوفته بیخته به عسل بخور نمایند دیگر بنه حب البلسان عود بلسان بخور مریم عود صلیب

ایارج فیقرا لوریک انار آب بحر بشاشند هم انار نمایند صاف نموده عسل داخل کرده سه درم

بخور کنند دیگر بنه اسطوخودوس عود صلیب عاقرقرحا زنجبیل ایارج فیقرا در یک انار آب

بجان

بجوشانند هم انار آب بماند صاف نموده شربت افتیمون داخل کرده غرغره نماید

غرغره من الاستاد مویزج جزول زنجبیل عاقرقرحا فلفل گرد فلفل دراز بوره ارمنی

ارسارون نحو یش کوفته بیخته در یک انار آب بجوشاند غرغره نماید دیگر من الاستاد

که دماغ را از فضول پاک سازد مویزج یکسیر و اگر عاقرقرحا و جزول از هر یک هم درم

در یک انار آب بجوشاند نصف بماند عسل سکنجبین داخل کرده غرغره نماید فایده

بعد از استعمال غرغره منقی دماغ استعمال غرغره منقی رطوبات اسنان و مقوی اسنان

بکر باید که اول بعد از تنقیه دماغ و تنقیه اسنان مقویات دماغ استعمال کرده پس بعد

مقویات اسنان بغرغره و سنونات باید کرد ترکیب غرغره دماغ مقوی عارضه مرض ...

سبوس گندم مویز منقی در نیم انار آب بجوشانند هم تا بو بماند صاف نموده ... او

سنبره برآورده داخل کرده شربت عنبری داخل کرده باضافه اطریفل صغیر بخورند

ترکیب دیگر منه کشنیز خشک دانه الایچی خورد دارچینی ... و در عرق کاو زبان

عرق بید مشک عرق نیوره سنبره برآورده رب به داخل کرده باضافه اطریفل کشنیزی

بخورند دیگر منه سبوس گندم تخم خشخاش نیلوفر کشنیز مویز منقی در نیم انار آب بجوشانند

داخل کرده ... سکنجبین

بهم باو بیاید صاف نموده مغز تخم کدو مغز بادام پسته از هر یک سیر برآورده شربت عناب
داخل کرده با اضافه از انکار کشنیزی بخورند تا ط دیگر نسخه سبوس گندم از هر یک ... ملوفه
موی ... و نیم آثار الحوب شاید بهم با و بیاید صاف نموده مغز بادام مغز پسته و از هر یک ...
مغز تخم کدو سبزه برآورده گلاب داخل کرده با عرق گاوزبان داخل کرده شربت
سیب عنبری بخورند دیگر نسخه مغز بادام مغز پسته مغز اخروت و از هر یک ... چهارک
کشمش موبری نیم آن مغز تخم کدو مغز ... را بجمیع ریزه ریزه را کوفته بجنبه نگاه دارند
باید که اول سبوس گندم را گرفته شب در آب تر کرده دار بعد صباح بجوشانند
تا که نصف آب بماند صاف نموده قند سفید شربت سیب ... داخل کرده باز قوام
کنند وقتی که بقوام آید مشک عنبر ... زعفران از گلاب سائیده داخل قوام
کرده و قدری ... زرد داخل کرده ادویه کوفته مذکور ممزوج نموده حلوا سازند
خوراک موافق بر و برکت مزاج بخورند تا ط فایده بعد از استعمال مقوی و مانع استعمال
بخورهای و ... های و ... کرده باشند مگر اگر ... برنج و ... آید علاج آن
از ... کرده ... نموده ادویه ... فرحه استعمال نمایند بعد از آن ...

مضمضه منقیه دهن و مقوی اسنان و از زوال قرحه کرده باشند طب ترکیب قند فشو من الاسنان

پوست بیخ زرنج احمر زرنج اصفر قلی آقاقیا سحق کرده بنرمی و تحقیق ها و بگیرند زرنج

اکله دهن و لثه را نافع بود و عفونت دهن را دفع کند صفت آن زرنج زرد و سرخ و رنگ

زنج و مازو از هریک ده درم زنگار و قلقطار را از هریک بقدر شش تا بالی

داقاقیا و گلنار از هریک سه درم کوفته بیخته در سرکه خیسانند و یک هفته در آفتاب بگذارند

و بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت و اکلی از آن بلغه

دهن بمالند و یکساعت بگذارند بعد از آن روغن گل قدری در دهن نگاه بدارند

دیگر جهت [illegible] از آب برگ مورد و شبت خالص ممزوج نموده چند مرتبه مضمضه نماید که قرحه از دهن

پاک شود و مضمضه دیگر مازو و سنبل مصطکی گلنار ماشی جزو در یک انار آب ترش بیامیزند

هم انار [illegible] صاف نموده حل [illegible] خشک [illegible] ممزوج نموده سرکه خالص

در [illegible] کرده مضمضه نماید طب ترکیب مضمضه دیگر آب برگ [illegible] خالص سرکه خالص

عفص گلنار [illegible] ممزوج [illegible] مضمضه نمایند طب دیگر جهت [illegible]

سماق [illegible] گلنار ماشی [illegible] یک انار [illegible] نمایند

کاغذ سوخته پهتکری بریان خشک سازند هر دو را سوده شهد داخل کرده مضمضه نمایند

مضمضه دیگر منه اقاقیا جفت بلوط جوز بوا نطفی عدس مقشر برنج سابی مکوفته ورد

ورنگ انار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده شهد خالص سرکه خالص داخل

کرده مضمضه نمایند دیگر من الاستاد مازو سوخته زنگار کاغذ فرنگی سوخته زنجار

کوفته بیخته در عسل و سرکه حل کرده نیم گرم مضمضه نمایند طرز سنون جهت تقویت اسنان

و بوی دهن را دور کند کندر مصطکی جفت الارس سماق گلنار سنگ جراحت گل ارمنی

نمک لاهوری سعد کوفی سنبل الطیب کوفته بیخته سنون سازند دیگر جهت ...

نکهه بریان کرده برگ مورد گلنار مصطکی جفت بلوط کاغذ نمک سیاه کوفته بیخته سنون

اقاقیا جوز بوا نطفی پهتکری بریان کرده سماق زرنباد ... ارزن چوب سوخته نمک ...

کوفته بیخته سنون سازند دیگر سنون مجرب اقاقیا جوز بوا نطفی پهتکری بریان کرده

سماق ... کلف ارزن چوب سوخته نمک سیاه کوفته بیخته ...

سنون کرده دندان را جلا دهد من الاستاد ... سازند ...

... سوخته ... سوخته نمک ...

چوب تاک سوخته عاقرقرحا کوفته بیخته سفوف بسازند و استعمال نماید ـ سنون که اکله

دهن و لثه را نافع است من الاستاد پوست انار ترش و شیرین از هر یک سی درم

مازو و گلنار و شب یمانی و کاغذ سوخته و عاقرقرحا از هر یک ده درم سماق پانزده

درم نمک هندی و نوشادر از هر یک پنج درم کوفته بیخته با سرکه سرشته کنند و گلوله‌ها ساخته

در سایه خشک کنند و در وقت حاجت یکی را پاره بکوبند و استعمال نماید ـ

سنون دیگر من الاستاد استرخاء لثه را نافع بود و دندان را از چرک پاک کند

پوست انار ده درم گلنار زرچوبه و سماق و شب یمانی و مازو از هر یک درم

کوفته بیخته استعمال نماید ـ سنون من الاستاد که اکله و ناصور و بیخ دندان

را نافع است و خون رفتن باز دارد صفت هر دو تولد در بیخ کوس و در بیخ

دعا قرقرحا ساوی کوفته بیخته استعمال نماید ـ دیگر من الاستاد همین خاصیت

دارد بیخ کوس عاقرقرحا از هر یک یک درم شب یمانی گلنار مازو سماق از هر یک

دو درم کوفته بیخته سنون سازند ـ سنون که لثه را محکم گرداند و نشف رطوبات

کند من الاستاد گلنار ده درم نوشادر ده درم مویزج سه درم مازو یک درم

دو درم سوخته و ده درم نمک هر دو سوخته و ده درم کوفته بیخته

سنون سازند و استعمال نماید تا **سنون که دندان سپید کند** و بوی دهن

خوش کند من الاستاد زید الیحر ده درم نمک سوخته دو درم سعد کوفی دو درم

جو سوخته و سفال حتی کرنایح کلنار عاقرقرحا قرنفل ساذج هندی گلسرخ سماق

از هر یک نیم درم زراوند طویل و سک حب الآس از هر یک سه درم کوفته بیخته

سنون سازند و استعمال کنند تا **سنون که بیخ دندان سخت کند** و خون از دهن

باز دارد شاخ گوزن سوخته نمک اندرانی سوخته پوست هلیله زرد گلسرخ از

هر یک ده درم گلنار نیم درم کوفته بیخته برکنه دندان افشانند تا **سنون دیگر** که خون از بیخ

دندان باز دارد شب یمانی سوخته درم نمک بریان کرده دو درم سماق

سه درم کوفته بیخته سنون سازند تا **سنون که دندان محکم کند** و خون از بیخ

باز دارد و بوی دهن خوش کند هلیله بلیله امله مقشر گلسرخ گلنار اقاقیا

شب یمانی بلوط قوه قرص طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته بیخته سنون سازند تا

سنون که ناصور دندان را باصلاح آرد بیخ سوسن عاقرقرحا هر یک یک درم شب یمانی

گلنار

گلنار مازو سماق از هر یک دو درم کوفته بیخته سنون سازند تا **سنون که**
زردی و سیاهی دندان ببرد و بوی خوش کند گرنار یخ زنجبیل زبد البحر دار فلفل
اقاقیا صعتر از هر یک دو درم ~~دو درم~~ نمک بریان کرده درمی جوسوخته هفت درم
کوفته بیخته سنون بسازند تا **اطریفل** صغیر استرخاء معده و بواسیر را نافع
است و بوی دهن را نیکو کند و لون را صافی کند پوست هلیله کابلی پوست هلیله
پوست هلیله زرد هلیله سیاه امله مقشر مساوی کوفته بیخته بروغن بادام
چرب کرده با سه وزن عسل بسرشند شربتی دو درم **مرکب اطریفل**
کشنیزی معده را قوه دهد و درد چشم و درد سر و درد گوش را که سبب آن
بخار باشند نافع است پوست هلیله کابلی پوست هلیله سیاه امله مقشر کشنیز خشک
مساوی کوفته بیخته بروغن گاو چرب کرده با سه مقدار عسل بسرشند و بعد از
دو ماه استعمال کنند **فایده** جهة تحریر بلغمی معدی من معمول الاستاد حکم برت
حنظل درسه بار در آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده عسل مصفی در
نموده بجوشند و بجهر زم خورده قی نماید برات من بعد کفند اقتابی

مصطکی بادیان باریک سوده باهم آمیخته بخورند و سه روز که مزاج معده

[illegible]

با صلاح آرد و اگر قلع ماده بقی کما ینبغی نشود تنقیه بحب ایارج نماید بعد

اطریفل صغیر ایارج فیقرا باهم آمیخته شب با آب گرم خورده باشند من مجربات الرئیس

ابو الدو و گاهی تنقیه بحب صبر نموده میشود مداومت اطریفل غذا کباب و

نخود آب کبوتر صحرائی و اجتناب از الوان و کثرت آب و فواکه [illegible]

اطریفل

بنسخه اطریفل مقل برای نواب صاحب نواب امین الدوله خرد مند خان بهادر

سپر جنگ برای ریح بواسیر و رفع قبض نالیف نموده فقع بخشید هنه

عناب گاوزبان گلگاوزبان گل بنفشه تخم خطمی آلو بخارا تمر هندی منقی

تخم خیارین آلخرز زداصل السوس گلسرخ اسطوخودوس افتیمون

درچه بسته گلقند اصفهانی برگ سنا مکی شب در عرق گاوزبان عرق کاسنی

تر کرده دارند صباح بجوشانند نصف ماند مالیده صاف نموده برخنین

عسل مصفی بقوام آورده هلیله دریا از عرق عنب الثعلب شیره برآورده بار ثم

با آتش نرم بجوشانند که بقوام رسد لب سقمونیا از آب کنند تا نقل ازرق

در آب کنند تا حل کرده در قوام داخل کرده پوست هلیله کابلی

پوست هلیله زرد هلیله زنگی پوست بلیله آمله مقشر تربد سفید مقشر از روغن

بادام چرب کرده صعتر فارسی غاریقون اسطوخودوس بیخ کبر رازیانه تخم کاسنی

بسفایج فستقی زنجبیل عصاره ریوند کوفته بخته بروغن بادام چرب کرده

اگر بتقصیر اکثیر حرارت مزاج و شن طبعت بسیار زیاده باشد لعاب اسپغول و سپستان

ورقه خطمی و بهیدانه و حلبه داخل دو دیه کوفته نیم مرضوض نموده داخل قوام

کرده معجون بسازند خوراک موافق مزاج اگر مناسب همراه بدرقه موافق

مزاج و اگر حرارت مزاج باشند و الولایف اگر مزاج حرارت کنند همراه بهیدانه

اسبغول گل خطمی گاوزبان مربی گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی

لعاب گرفته شربت بنفشه داخل کرده اسبغول ناشسته همراه اطریفل

بدرقه خورند و اگر ممکن باشد همراه ابن ماء اللحم قدر موافق مزاج گاهی فقط

گاهی همراه عرق تنهایی بخورند مع لعاب بهیدانه و اسبغول وغیره موافق نسخه بزرگ

مع شربت و اسبغول ناشسته بخورند نسخه ماء اللحم برای نواب امین الدوله

بهار ریح ... ریح ... و قبض ... بسیار دارد و بالا ن

سیخ ... گاوزبان ... گاوزبان تخم خطمی تخم خار

بادرنجبویه زنجبیل دارچینی اصل السوس برادو ... ورد ... اللون الاحمر جدوار

بهمن سرخ بهمن سفید گل ... اکلیل الملک قصب الذریره انیسون

زرنباد ... سنبل الطیب عود ... مصطکی ... صعتر فارسی

الخ

و اصل ... مرده ... [illegible]

بوست بیخ کبر برگ سداب الجزر رعوا ابو جحارا تمر هندی گلسرخ برگ سنا مکی

رنجبین الوبالو الوکیلی بیک انار اب توبسن حو بالی هلیله مربا سنبره برادروه

بادرنباک سداته کلک قند علی معز فلوس بخم گندنا بوبیخ کشمیش

بوست هلیله کابلی بوست هلیله زرد بوست هلیله هلیله زنگی بوست املج هلیله حوا

سنبل الطیب مغل ازرق حور بوته بسفایج سعد کوفی نمک سیاه همه را در اب

برگ عنب الثعلب سبز و رق اب برگ گندنا سبز اب برگ محه بیخ و برگ وغیره سکر

اب ریش قند اب برگ مالی و در و کسینی مناک با سبز اب زعفران و

عرق کوره ساییده و در بولی لیته ورنسخه و اکر هی ادویه را بار دیگر داخل

کرده و در رسته کنند بسیار بیز نوا اب اب هلی گوار بوست حلوا

بستور سکنجبیخ فی اندیم با ریحه روغن حوبلاک موافق بروزنت زراع

دار نخه ماه بور سبز دارو و شراب متواتر یا کای کاهی استعمال بیکرده

خیاطه شراب ماه بور سبز بسیار ضرر دارد اگر دو بیخ نسخه قند سیاه

جهت بیول داخل کرده بطرزی معمول طباخ داده شراب کنند خوراک

بروزنیت طبیعت ها واگر درین نسخه مواد ادویه تمام داخل کنند بسیار فایده

خواهند شد نسخه معجون تعوفی جهة نواب امین الدوله مظفر الملک حزم مند خان بهادر

نیر جنگ بموجب فرمایش تالیف نموده شد برای قبض بواسیر و تقویت معده و کبد

صفه افتیمون زیره سیاه برگ سداب صعتر فارسی پوست بیخ کبر در عرق کاسنی

عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق کیوره زیب تر کرده و اریند صباح بجوشانند نصف بماند

ماالیه صاف نموده بعد ازان دران آب ادویه کلجه بنفشه گاوزبان گل گاوزبان

گلسرخ تخم کاسنی گلکوفه اصل السوس بویزنیفی کشنیز گلقند آفتابی داخل کرده باز

بجوشانند نصف باید صاف نموده تخم نسترن بیخ گلقند آفتابی ممزوج نموده

بقوام آرند بعد ازان دانه الاچی سفید مصطگی رومی طباشیر قرنفل عود عرقی

همین سفید بهمن سرخ تودری چینک قرفه مصری سنبل مصری درونج عقربی فلفل گرد

فلفل دراز خولنجان سماق هندی زنجبیل بی ریشه دارچینی قرفه سیلانی جوزبوا سیاه

سنبل الطیب مروارید ناسفته یاقوت رمانی لعل بدخشانی در عرق کیوره سائیده

زعفران مشک در عرق کیوره سائیده عنبر اشهب داخل کرده ورق طلا ورق نقره

۱۵۱

... اضافه کرده جوب از چوب صندل حل نماید تا که محلول شود نگاه دارند بهار نسخه شربت

... سیناء از ابواب ابن الدوله بیمار ترتیب داده برای نبض بور سبز زرد دیگر

... ویسهل اعضا گلسرخ برگ سنا مکی از خاشاک پاک کرده سوزنبقی الخرزرد

... الو بخارا تمر هندی تخم حلبه تخم کتان تخم خطمی تخم خبازی گل بنفشه

... گاوزبان گل گاوزبان عناب بادرنجبویه افتیمون در صره بسته صمغ عربی پوست بیخ کبر

... برگ و نخک برند سفید مقشر پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله جوز و

... بهم را در عرق عنب الثعلب عرق بادیان عرق کیوڑه شب تر کرده دارند صباح بجوشانند

... نصف باید ماند چون صاف نموده اگر باز همین ادویه در آن آب تر کرده

... باز بجوشانند نصف باید صاف نموده تا در آن نخود بسیار بهتر خواهد شد بقدر آن

... شربت ورد مکرر تخمی نبات قند سفید شکر سرخ دو خلط کرده بقوام آرند

... وقت فرود آوردن هلیله مربا... ... زرشک ... در آن حل شوده لاجورد و برودخ معسول

... تا دوام ... حل کرده ... و موافق مزاج استعمال کرده باشد

... ترکیب لذالک مسهل بادیان بیخ بادیان تخم خطمی تخم خبازی گاوزبان تخم حلبه

داخل دوام سهل ...
بعد از طبابت ...

نخستین تکان گاه حب قند افغانی و نخستین انار آب که بباید بیم باو بمانند هاف

بموده شربت روزی معتدل شربت و بیمارهای شربتها داخل کرده

بنوشند گاهی باضافه روغن بادام گاهی باضافه روغن کک بنوشند گاهی

گاهی باضافه اطریفل مغز بلبن روغن بادام ممزوج نموده بنوشند گاهی ایارج

فیقرا اطریفل مقل بلبن روغن بادام ممزوج نموده بدهند گاهی اطریفل صغیر

ایارج فیقرا اسطوخودوس بماء شکر روغن بادام ممزوج نموده بدهند

مرکب بر مقعد چند بیس معمر و بیش اسهال بدهند گوشت چلدان زرنیخ قند نرت زیره کرده

حقنه سلجم خون غشیه شیر گاو آب سرد نیموکنی لیمو تجربه باید و قت

که خوب تجربه شود و معالج کرده و تند موافق مناسب مزاج غلبه بیمار و لیس

و قوالت و بالان و تلطف و الایجی و غیره او خاک کنند و در وقت موافق

کنند هیئت مزاج واخلاط گرفته و حقنه نوشیدند مسهلها چند ساعت

ثانیه ممزوج نموده بنوشند زیاده و کمی منضج زبان طبیعت است

فی معالجة الحصبة والجدری علی نحو استعمال الطبیعة یکن استعمال

والله علامات ها برود کرد ریه دریافت باید کرد و در اینجا فقط دستور معالجه آن نوشته

و فرق در میان معالجه حصبه و جدری بسیار است چراکه سبب تولد جدری ماده متعفنه دمویه

است لیکن غلبه خلط صفراوی بر یک سبب ها اخذ می‌شود ولیکن بعضی اوقات حدت و ... گردد

را باید شود و حفاظت بجمیع وجوه ضرور است چنانکه طریق حفاظت در معالجه نیز نوشته است

فایده ... منه در حصبه و جدری قبل از بثور فصد کنند و بعد فصد تلطیف بتدبیر در حصبه از ادویه

مبرده نوعی معوجه باید کرد تا ماده از علت محفوظ باشد و در جدری ادویه مبرده

... چراکه ماده آن غلیظ و قدری سرکه و قدری روغن بادام داخل کرده (نیز از غلبه رطوبت است)

... روز و بعد از بروز عدس مقشر و عناب و قدری سرکه و اگر شدت

ی جو بیر داخل کرده میداده باشند و گاهی شربت عناب و گاهی سیر است

مزاج طبیعت نگاه داشت (اختیار) باید داد فایده منه در حصبه جدری مسهل ممنوع است

سبب مسهل تحریک ماده متعفنه از عضو خبیث بطرف عضو رئیس متوجه شود

است تحریک ماده موجب غشی شدید و غشی موجب قوت ریض خواهد شد

بعض هلاک می‌شود فایده لحظه لحظه قدری قدری خوردن آب سرد

که رطوبت خلط بلغمی غالب می‌گردد ... کلان میشود ماده حصبه ماده متعفنه

بسیار دموی

در غذا قبل از بروز گیاه ... تغییر رسد

تخم کتان گل قند آفتابی و تخم انار آب کوبیده بپایند هم باو بمانند صاف

نموده شربت روزی معتدل شربت و بیمارها شربتها داخل کرده

بنوشند گاهی باضافهٔ روغن بادام گاهی باضافهٔ روغن گل بنوشند

گاهی باضافهٔ اطریفل مغز بلبن روغن بادام ممزوج نموده بنوشند گاهی ایارج

فیقرا اطریفل ... بلبن روغن بادام ممزوج نموده میدهند گاهی اطریفل صغیر

ایارج فیقرا اسطوخودوس ... روغن بادام ممزوج نموده میدهند

جهت حبس ... و ... اسهال ... گوشت ... رفته

حقنه ... چون ... کاه ... سبوس ... موافق ...

که خوب ... شود و ... گرم ... موافق مناسب مزاج ...

و ... و ... و ... داخل ... و ...

... مزاج و داخل کرده و ... نوشیدن ...

... ممزوج نموده بنوشند ...

فی معالجة ...

۱۲۴

والد علامات هر دو کیفیت دریافت باید کرد و درینجا فقط دستور معالجه آن نوشته

فرق در میان معالجه حصبه و جدری بسیار است چرا که سبب تولد جدری ماده متعفنه دموی است که رطوبت خلط بلغمی غالب می‌گردد کلان میشود و ماده حصبه ماده متعفنه

ست لیکن غلبه خلط صفراوی می‌شر بکه سبب تهیج آخر میشود لیکن بعضی اوقات حدت و یرقان بسیار میشود

از بابه میشود حفاظت بجمیع وجوه ضرورست چنانکه طریق حفاظت در معالجه جدری نوشته است

فایده منه در حصبه و جدری قبل از بر آمدن فصد کنند و بعد فصد تلطیف بتدبیر و حصبه اراده

مبرده تقویه مفرحه باید کرد تا که ماده از علیات محفوظ باشد و در جدری ادویه مبرده

غلظ باید داد و چرا که ماده آن تیز از غلبه رطوبت غلیظ است قدری سرکه و قدری روغن بادام و زرده حل کرده

در غذا قبل از بروز کسالت تغییر یابد

باشند و در چین بروز و بعد از بروز عدس مقشر و عناب و قدری سرکه و اگر شدت

باشد قدری جو نیم در خل کرده میداده باشند و گاهی شربت عناب و گاهی شربت

نیلوفر موافق مزاج طبیعت صحنیار کمافیست باید داد ها فایده منه در حصبه و جدری مسهل ممنوع است

نباید کرد چرا که سبب مسهل تحریک ماده متعفنه از عضو خسیس بطرف عضو رئیس متوجه میشود

و گاهی مسهل سبب تحریک ماده موجب غشی شدید و غشی موجب قوت مریض خواهند شد

دار او قات مریض هلاک میشود فایده لحظه لحظه قدری قدری خوردن آب سرد

در حصبه قوة قوی بروز نهم بسیار رود فایده هشتم بعد از بروز احتیاط نموده یک چادر
شل پوشش بر مریض دارند و آب گرم در زیر جای نوم مریض دارند از سبب آن
بروز ماده بقوه میکند و انقلاع ماده بالکلیه بعرق میشود و دران وقت اراده تبرید
که مانع غلیان است احتراز باید کرد چراکه این اراده که مانع غلیان ماده است مانع
بروز خواهد گردید و موجب تغلیظ و حبس ماده از استعمال آن خواهد شد و حذر باید
کرد که از تحبیس و تغلیظ شاید که انصباب آن بعضو رئیس میشود از انصباب ماده
موجب خفقان و غشی و هلاکی مریض خواهد شد بلکه مناسب است دران وقت معالجه
اراده تبرید معالجه آن کنند تا که همه ماده از اندرون بیرون آید و از خوف
و خطر امان و محفوظ باشند و بعد از قریب خشک شدن آب یا آبله بریدن دانه
مرکبات مقوی دماغ و تقوی قلب و مفرح انگیزه باشند چراکه از سبب آن
فایده حاصل خواهد شد اول مانع خفقان و کرب و تشنگی هم قوت بروز هم دارد
فایده هشتم بعد از بروز هر قدر خشکی رسد در تمام بدن روغن ارزن الکسیر
و ظرفها در موسم سرما باشد احتیاط کنند که دود آن بدماغ نرسند

۱۹۵

م

وگاهی برای خشکی نطول از آب و نمک میکنند لیکن اکثر اوقات مریض را بسبب رسیدن

حدت نمک موجب غشی و خفقان و کرب میشود و موجب هلاکی مریض اکثر میشود ❀

صفت نطول مفرح مینه گلاب عنبری کافور دران ممزوج نموده بر بدن و بر دماغ

و بر قلب [illegible] باشند تا نطول و بر بنه بید مشک گلاب عرق کیوره عرق بهار

صندل سفید از آب [illegible] کافور قدری ممزوج نموده استعمال نمایند ❀ نسخه [illegible]

[illegible] گلاب عرق بید مشک عرق صندل عرق کیوره عطر گلاب صندل از گلاب [illegible]

کافور داخل کرده تخلیه نمایند ❀ صفت [illegible] برای حفاظت قلب مینه صندل سفید صندل سرخ

[illegible] قدری کافور از گلاب و از آب برگ کشنیز [illegible] آنها را تر کرده

بر قلب گذارند مفید بسیار خواهد شد و اگر بر دماغ گذارند مضایقه نیست ❀

دیگر ضماد [illegible] زرشک خار زرشک کدو برگ بید [illegible] گل نیلوفر صندل سفید

کافور از گلاب [illegible] آنها را تر کرده بر قلب گذارند و بر دماغ گذارند اگر حرارت

در دماغ محسوس شود ❀ ضماد [illegible] زرشک سیب زرشک [illegible] کافور

گل نیلوفر گل بنفشه [illegible] صندل سفید [illegible] کدو در گلاب مثل صندل باریک

سایده نیم اردو تر کرده بر دماغ و بر قلب گذارند طلا دیگر ایضاً من الاستاد

صندل سفید صندل سرخ سیاف مامیثا عنب الثعلب کافور قیصوری سایده بر قلب گذارند طلا

مخلخه دیگر من الاستاد است آب برگ کشنیز سبز صندل سفید صندل سرخ سیاف مامیثا

کافور گلاب بیدمشک ممزوج نموده مخلخه نمایند طلا هو ملطف بدبیر باین طریق که مناسب

مزاج مریض و مناسب تقاضای وقت استعمال کرده باشند مرکب جهة رفع صداع [illegible]

رب انگور عرق کیوره عرق گلاب بیدمشک شربت عناب داخل کرده بنوشند طلا طلا

دیگر ایضاً عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب عرق کیوره رب التوت داخل کرده بنوشند طلا

مرکب [illegible] من الحصبة قبل البروز و بعد البروز مزمنه متوسط جهة حرارت شدید مضائقه [illegible]

صندل سفید ملوفه گلسرخ تر عرق کیوره عرق نیلوفر گلاب بیدمشک شب تر کرده دارند

صباح مالیده صاف نموده شربت سکنجبین رمانی شربت عناب داخل کرده با اضافه خاکشی [illegible]

بنوشند طلا دیگر قبل البروز و بعد البروز و المقویة القلب و الدماغ و رفع صداع [illegible]

آب انار شیرین آب انار ترش عرق کیوره عرق گلاب شربت ریباس شربت گاوزبان داخل کرده

بنوشند طلا دیگر ایضاً لذلک عناب برگ شاهتره صندل سفید و عرق کیوره عرق صندل

عرق شاهتره و عرق بیدمشک شب ترکرده دارند صباح با لعاب صاف نموده شربت گاوزبان
شربت بنفشه داخل کرده با خاکشی ورق گاوزبان بنوشند ✱ دیگر منه عناب
آلوبخارا تمر هندی انجیر زرد در عرق شاهتره عرق گاوزبان تر کرده دارند صباح
بالیده صاف نموده شربت غوره سکنجبین بتفسیر بنوشند ✱ مرکب دیگر شربت الاحباب منه
آب لیمو کاغذی سرکه بید عرق کیوره بیدمشک گلاب آب [illegible] داخل کرده بنوشند ✱
دیگر لذا کاف عناب [illegible] در عرق کیوره گلاب بیدمشک شب تر کرده
دارند صباح بالیده صاف نموده رب انار شربت آلوبالو داخل کرده با خاکشی
خاکشی بنوشند ✱ دیگر لذا کافته شربت گاوزبان سکنجبین قرص کافور مع
نخفه بخورند عقب آن عرق کیوره عرق شاهتره گلاب بیدمشک شربت عناب داخل
کرده خاکشی پاشیده بنوشند ✱ علاج در آنجه وضعیف اگر اسهال عارض شود
خطر عظیم است و اگر خون عارض شود تسکین با نبض باید داد و عناب [illegible] انجبار
در عرق بادرنگ عرق نیلوفر بجوشانند بهم باید صاف نموده شربت انجبار
شربت حب الآس داخل کرده بنوشند ✱ [illegible] الوبخارا ثمر هندی ۳۰ [illegible] ۳۰ [illegible]

بزر خطمی و عرق ملوخیه و عرق گاوزبان و گلاب حل کرده بنوشند و گاه شربت عناب

و شربت ملوخیه استعمال نمایند و نسخه شربت للحصبه من الدستور و التجربه بنفشه سپستان

عناب تخم خیار و خطمی ملوخیه تخم کاسنی شکوفته بادام و اگر حصبه پر ظاهر شود و عرق بسیار

انجیر زرد سپستان با این اجزا بجوشانند و لیموی ... قند اضافه نموده شربت سازند

هر روز ... شیر خشت ... بنوشند ... نمایند و ... تمام ... بسازند با شیر و ... زردم

و با شیر هم استعمال نمایند بعد از آن شربت نارنج و آب لیمو و شیره تخم کاسنی و عرق

مناسب و انار نمایند و در اکثر خواب نیاید شربت خشخاش و اگر سرفه باشد

شربت عناب و سپستان تخم خطمی و بهدانه و اگر بلغم زیاده شد شیره لعوق و شربت سپستان

و انجیر زرد اضافه نمایند و نبات شیر بز کرده بنوشند و دیگر بهدانه نبات گرفته

اسپغول لعاب گرفته در عرق گلاب عرق شاهترج عرق بادرنگ ... تخم کاسنی

... خطمی شیره را آورده و داخل کرده شربت انجبار و داخل کرده با اضافه

سفوف طین ... روغن بادام چرب کرده بنوشند ... انجبار ... شکوفه

تخم خطمی در عرق بادرنگ ... تمام ... صاف نموده تخم انجبار

۲/۱۱۵/۷

شیره برآورده داخل کرده شربت حب الآس ممزوج نموده جلب ارتقی و بالا خوردن

یکبار زجک سائیده با شیره بنوشند تا **ترکیب دیگر** انار دانه بریان کرده

سماق بریان کرده زرشک کرده در عرق بکوفته عرق بارتنگ عرق گلاب شیره

برآورده رب به شربت زرشک داخل کرده بنوشند تا **والگر خون عارض**

این نسخه بدهند من الاستاد لولک تخم خطمی بادیان صندل سفید جوشانیده

شربت حب الآس داخل کرده بنوشند غذا برنج با آب زرشک داده و قرص کافور

زرشک و سماق و انار دانه و اگر حرارت زیاده باشد تخم خرفه شیره کشیده

و جهار تخم در شربت نعنع بسیار وارد نمایند **والاگر تب** وجه دیگر سهال عارض شود

این نسخه باید داد و مثله طباشیر زرشک بهدانه حب الآس بریان کرده سماق بریان کرده

در عرق بسوره عرق گلاب مذکور شیره برآورده شربت حب الآس داخل کرده

بنوشند تا **ودیگر** صندل سفید لف داده شب تر کرده صباح مالیده صاف

نموده سماق بریان طباشیر بهدانه بریان تخم خرفه بریان در عرق بکوفته عرق بارتنگ

شیره برآورده شربت ... شربت انار منعنع ممزوج نموده با جانه قرص طباشیر

قابض کافوری بنوشند ⁂ دوا از زیر شده باشند سفوف طین رومی با دوام مجرب کرده

باز به هر نوع نموده بخورند و اگر تب باشد با لعاب بیدانه و اسبغول و یا شربت

حب الآس و عرق بهار نبات میداده باشند و گاهی سفوف مقلیاتا با غیر رومی

بادام مجرب کرده بعض اوقات میداده باشند ⁂ ترکیب للصفراوی بذر قرنگلاب

سنگ‌بسته عرق کیوره برگ کرده در آرند با لعاب صاف کرده شربت زرشک و داخل

کرده بنوشند اگر شدت مفرط باشد شربت کاهو تخم خرفه حل کرده با لعاب صاف

نموده بنوشند ⁂ ترکیب سیر رحمه الله اسهال اطفال بکوفته تخم کرفس عنب الثعلب

در عرق بهار نبات کرده با لعاب صاف نموده شربت گاوزبان داخل کرده بنوشند

ترکیب سیر مجرب للحصبة والجدری من الاسناد عناب سپستان خاکشی نیلوفر تخم خطمی بادیان

قند سفید بستور میمول شربت ساخته بخورند اگر تب باشد با عرق بهار نبات خورده باشند

ترکیب بدانه روا رید با لقمه جلاب شیر خرفه خطمی شربت گاوزبان شربت عناب مروق

سوده بخورند عقب آن آب انار ترش منقع آب سیب آب انگور گلاب شربت صندل

و داخل کرده بنوشند ⁂ فایده قبل از بروز مجرب است بشرط موافق عمر طفل و...

ادوی

گردن تا آنجا که دست برسد موافق پره و پشت مزاج بگیرند و حجامت بی شرط کشیدن
زیر ناف نقرس را و انگشت نافع بسیار دارد و بجای شاخهای بی زلو بر پشت گردن
و در زیر ناف نیز بسیار نافع دارد و اگر طفل عمر یکساله باشد یکمرتبه شاخ خورد
بی شرط بر پشت گردن بگیرند و در سال دوم دو شاخها بی شرط بگیرند و در سال سیوم
سه شاخها بی شرط بگیرند و در سال چهارم چهار شاخها بگیرند و بهمین دستور تا به
چهارده سال چهارده شاخها بی شرط بگیرند تمام عمر حصبه و جدری نشود و مجرب است
بعد از فصد یا حجامت عناب در نیم آثار آب بجوشانند تا نیم باد و بماند صاف نموده
شربت عناب داخل کرده بنوشند و گاهی بعد از فصد عدس مقشر جو مقشر جو بی
داده با سرکه داخل کرده بنوشند نافع برای حفظ و مانع شاخهای جای
بر شاخهای بدستور معمول سه پاهای نکویه نسخه معمول کنند بسیار نافع دارد
دیگر بند عناب عدس پستان جو مقشر در سه پاو آب بجوشانند یک پاو بماند صاف
نموده شربت سکنجبین زمانی گاهی شربت عناب گاهی شربت گاوزبان گاهی عوض آب داخل
بهمان بیدادو بنوشند صندل سفید برگ شاهتره عناب

زرشک بیدانه در عرق صندل عرق کیوره عرق بیدمشک گلاب شب تر کرده دارند صباح

مالیده صاف نموده شربت کادی شربت عناب ممزوج نموده باضافه قرص

کافور بنوشند ها رنگ بر زینه بقوه بنوشند سفوف زعفران ممزوج نموده بخورند

عقب آن اگر قی خواهد مویز منقی الخبز زرد بادیان و ریشه انار آب بجوشانند نیم باقی ماند

صاف نموده شربت کادی داخل کرده بنوشند ها ودیگر برای من الاستاد

مغسول یک عجوه عدس مقشر کتیرا در سه پاو آب بجوشانند یک پاو بماند صاف نموده

شربت کادی داخل کرده بنوشند ها مرکب منه عناب الخبز زرد خارکی

در عرق کیوره عرق بادیان سبزه بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده شربت عناب

داخل کرده بنوشند ها ودیگر برای من الاستاد منه بادیان الخبز زرد لک مغسول

گلسرخ مویز منقی در سه پاو آب بجوشانند یک پاو بماند صاف نموده سکنجبین ریحانی

شربت کادی داخل کرده بنوشند ها اگر شدت حرارت باشد باضافه قرص کافور

و گاهی با شربت نیلوفر و شیره تخم خرفه داخل کرده بدهند ها اگر مریض را

اسهال عارض شود منه بیهدانه بریان کرده سماق بریان کرده در عرق بادرنگ

کلاب

گلاب شیره برآورده شربت حب الآس شربت کشمش ربها داخل کرده باضافه گل ارمنی

صمغ عربی وجو طباشیر قابض حبک سائیده با شیره بنوشند دیگر لوک نسخه طباشیر

گلنار مصری سماق نیم کوفته داده حب الآس نیم کوفته داده در عرق بارهنگ شیره برآورده

باضافه اسبغول روغن بادام چرب نموده بنوشند نفث الدم را استعمال باید کرد

دیگر مزورته صندل سفید سوده نیم کوفته اکثر زرد و گلسرخ در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بمانند

صاف نموده شربت شاهتره شربت عناب ممزوج کرده باضافه خاکشی بنوشند تا

دیگر نسخه بادیان اکثر زرد خاکشی در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بمانند صاف

نموده شربت عناب داخل کرده بنوشند دیگر مزورته اکثر زرد سوده نیم کوفته

در عرق کیوره عرق عنب الثعلب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده شربت کادر

داخل کرده بنوشند دیگر مزورته گلسرخ سوده نیم کوفته عبدان الملک در عرق کیوره

عرق عنب الثعلب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده شربت کادر داخل کرده

بنوشند فایده نسخه مروارید ناسفته تا چند عدد علی الصباح گاهی گاهی در حلق

جاجب حصبه و دو مزید بسیار فایده بخشند فایده نسخه اگر حصبه آبله دار باشند بوجه

ابره را از سوزن طلا سوراخ نموده ناوه عفصه را با بکلیه بیرون آرند بعد از آن

بالای آن اسفیداج یعنی سفیده کاشغری و قدری مروارید سنگ جکت سائیده بریزند تا بشنند

مجرب است ط واگر حصبه در چشم برآید آب برگ گشنیز سبز با آب بکانه سماق با گلاب آمیخته

قدری کافور ممزوج نموده در چشم چکانند تا ط دیگر لولک بنه گشنیز خشک و آب گشنیز سبز

با بیخ قدری سماق و قدری کافور و قدری کاجل ممزوج نموده در چشم چکانند تا ط

دیگر لولک آب برگ گشنیز سبز قدری کافور و قدری سرمه ممزوج کرده در چشم

چکانند تا ط دیگر لولک بنه شیاف ابیض قدری در شیر عورت سائیده در چشم چکانند تا ط

واگر حصبه در بینی برآید گلاب با قدری سرکه برحلطه در بینی چکانند تا ط دیگر لولک بنه

صندل سفید بنفشه تا بینا یا ب عوزه در بینی مالند در واجب بینی ط واگر در حلق

حصبه برآید بنه سماق گلسرخ عدس مقشر در گلاب جوش داده غرغره نمایند تا ط

دیگر غرغره از آب سرد و چاینه گلی داره ط دیگر بنه کشنیز خشک املک الیسوس عدس مقشر

برگ توت برگ حنا دریه با و آب بجوشانند نصف مانده رب التوت داخل کرده

غرغره نمایند ط دیگر لولک بنه آب انار شیرین گلاب رب التوت داخل کرده غرغره نمایند تا ط

بشود و اگر بسبب حبوب بثور وخشونت حلق ورا واز حلق شود بهیدانه واسپغول هر یک را در عرق
عنب الثعلب وعرق نیلوفر لعاب گرفته شربت بنفشه داخل کرده روغن بادام اضافه نموده
بنوشند ؛ فایده من الاستاد اگر ورم مفاصل عارض شود صندل و سماق با حنا وگل
ارمنی واردک کافور وگل سرخ وگلاب وارد شیر که ابنجه ور بندها مالند واگر ورم در
جراحتی برآید از نشتر زود و یک ساعت تا پیه بیرون آید بعد از آن بتدبیر علاج جراحت
کنند ؛ دیگر بنه کثیرا قطار عرق عنب الثعلب سبزه کشنیز شربت بنفشه با اضافه
روغن بادام بنوشند ؛ دیگر لذلک من الاستاد مسکه گاو با قند شیرین کرده
گاه گاه بخورند ؛ و اگر اسهال عارض شود و سبوس سماق وحب الآس
وطباشیر و زرهای خطائی وگاه قرص طباشیر قابض بزرشک و شربت سیب و شربت به
و بهی طرلی باد و به ممانسه استعمال کرده باشند ؛ و اگر سحج عارض شود به
شربت انجبار و شربت حب الآس وصمغ عربی و گل ارمنی وگاه کثیرا وگاهی سفوف طین
وگاهی سفوف مقلیا تا روغن بادام چرب کرده وگاه لعاب بهیدانه واسپغول وخیار
به ممانسه استعمال کرده باشند ؛ دیگر اسهال علاجش ... با دام وارد ...

هریک مقداری نرم کوفته بجمله بنفشه تخم قرح ممزوج شود و طلا نمایند و اگر هرگاه حرارت

باشد و تمام ججو برطرف شود و غذا مرغ دهند و پیش از آن البته گوشت ندهند

فایده من الاستاد اگر جدری تمام در بیرون ظاهر شود و نیک نماند از سوزن طلا یا سوزن

مس شگافته و آب آنرا از پنبه برکرده بگیرند و در پستان گلسرخ و صندل و آش

و ورق الآس سوخته و نمایند و در پستان برگ سوسن و چوب گز و اگر بدبو چرک

شود نمک در آب حل کرده اندک زعفران سوده بمالند و اگر گلاب و گل

و عدس و چوب گز بجوشانند و آب آنرا بر او پاشند مجربست و دوا چوب گز

نفع تمام دارد و اگر از موضعی بسیار خون برآید گل ارمنی و صبر و کندر و انزروت و

و خون سیاوشان نرم کوفته بآن موضع پاشند خون بند شود و زخم خشک شود و اگر

حصبه جدری بزرگ بسیار برآید برگ گلسرخ با آرد برنج و آرد جو بر او پاشند و اگر برای

گرم مریض را انجا باشد منفعت بسیار دارد و خاک سرشوی و برگ گلسرخ و بنفشه و

مورد و سنگ و عدس نرم کوفته بر جراحت پاشند و اگر از جدری باقی بماند بیخ خشک سفید

دار و باقلی و تخم خربزه و برنج و نبات فایده دارد ✻ فایده من الاستاد اگر جد

ازو تاخ

از دماغ آید تا خون صاف بگردد و بند نکنند هرگاه موجب ضعف بدن نشود که
افراط خون موجب خطر است آب برگ گشنیز سبز قدری کافور با اندک برگ
بید حل کرده بچکانند یا مازو نیم سوخته کرده نرم نموده فتیله از پنبه بسرکه
تر ساخته اندکی از مازو یا شب در بینی گذارند و اگر فتیله در سیاهی الوده
بگرد آسیا آغشته در بینی نهند به شود و اگر اندک افیون بگلاب حل کرده در
پیشانی مالند و بعد از آن گشنیز و سرکه آغشته بمالند مجرب است و دیگر گل ارمنی را در سرکه
حل کرده بمالند و آب برگ بید و آب کاهو و گشنیز تر بسرکه حل کرده در پیشانی
مالند و اگر قوت مریض باشد فصد و حجامت برای اماله ماده فایده دارد و بستن
پاها و سینه و دستها در خون آمدن بسیار فایده دارد **فایده** چنان
تدبیر از ادویه موافق دستور استاد بجمیع مراتب لحاظ کرده استعمال نماید و معالجه
کنند که حصبه و جدری باز عود و بازگشت نکند چرا که در نکس ماده علامت ردیه است
مریض ممکن نیست که به شود و هلاک مریض ... شده است **فایده** قال محمد ابن زکریا الحصبة
اجنث من الجدری کثیرا و ینبغی فی الحصبة ان لم یخرج الصفرا برفق من غیر استفراغ تحمل ما

تسجمه

الاجاص والرمان الحامض المذقوق تسجمه مع السكر وماء الشعير وماء البطيخ الهندي

والخيار والقرع والعناب والقطف وبزر قطونا ونحوها فانكان يصيبه بحسب سبب من الادوية

تحم وكرب فعلت ونتجاه عنه لو نعم الماء الحار وحليه فيه قليلا والدلك بين يديه

ونثره حتى يكسر نابه وقال اخوانا آب الحصبة والجدري مع حرق ضها والحمى والكرب لا السكر

ولا الخف ولا ماج مع ذلك الغثى والخفقان فان العلل نابك وقال علاج الجدري والحصبة مثل

علاج الحميات اذا كانت مع اسهالها وقال والنوم على ورق الخلاف فانه

جيدة مبرزلك من الاستاد الجزر ودنو بسفي عدس مقشر بادبان عند اللك

در آب حرش ودو جهار ريه كرده بنوشند عوض آب عرق بادبان وعنب الثعلب

وعرق گرفتن بوسيه باشند تبرد وبزر من الاستاد وعدس مقشر كثيرا مالها

در شب اثار آب بجوشاند نصف بماند صاف نموده قدري زعفران دران اضافة

نموده بنوشند قال شرانواع الحصبة والجدري الاسود والاخضر والبنفسجي والصغار الصلبة

الكثيرة والشديدة الحمرة والذي لا يتأمر الى النضج والذي يغم البدن كله كالسحم

فانها كلها قاتلة وبعديه من الردارة الاصغر ثم الابيض الرصاصي الذي يعني

ويحل

وبفضل بعضه ببعضها ط **ترکیب عمل** چیچک عنایت در روشن علاجش برپرچه کاغذ
نوشته بر دهل بچسپانند و چوب زنند تا جائیکه آواز دهل برسد وبا و چیچک نشود
منزلت ادب و زگوب گویند در تحاف حاقف در روز یا ط **و اگر چیچک** بروز
نکرده باشد و بر دو گوش طفل سه مرتبه خوانده دم بکنند چیچک بر نیاید بسرایت
اری اری بستیلا کری خاق کی لوک هین کری خان کی آن ماهین نوان بچونسین
نه ٹلی ان بچونسین ٹلی لونهی کی نرک مین پری ط و اگر خواهد که در تمام عمر بر نیاید
یازده صد بار سوره یاسین خوانده بر انار دم بکنند یکن هر بار خوانده بر انار
دم کنند هر کسی را دو چهار دانه انار بخورانند تمام عمر چیچک بر نیاید و اگر یازده مرتبه
سوره یاسین خوانده بر دانه های انار خوانده دم نماید و بخورانند کفایت میکند ط

ترکیبات با لیقات بموجب فرموده حضرت سلمه برای سل لعل و اوراد بنی و سیر ... ان

معجون ماسک البول ست کلوی ممزوج نموده بخورند با به ملکانه و اخیص کشنیزی سرب حب الآس

داخل کرده بنوشند ط دیگر نسخه شربت حب الآس رب ... با سعد کوفی کلنار

ست کلوی ممزوج نموده بخورند دیگر نسخه سنهد کندر مصطکی حولیتی گل ارمنی ممزوج نموده

بخورند ط دیگر نسخه معجون کندر قلعی کشته ست کلوی ممزوج نموده بخورند عفصان

سرمالی حب الآس کلنار و درآب شیره برآورده شربت ... داخل کرده بنوشند و گاهی

شربت حب الآس دیگر نسخه جوارش مصطکی کهربا بسد مرجان ممزوج نموده بخورند

با ... سعد کوفی ابادوانه شیره برآورده شربت حب الآس داخل کرده بنوشند ط

دیگر نسخه جوارش سماق ست کلوی حولیتی کوفته ممزوج نموده واخیص سعد کوفی

و در آب شیره برآورده شربت سیب داخل کرده با ضمانه قرص کلنار بنوشند و گاهی

شربت حب الآس و گاهی اقاقیا با شیر بنوشند ط دیگر کندر مصطکی ... نعمان

گل ارمنی قلعی کشته ... شربت ... ممزوج نموده بخورند عفصان

تخم ... تخم ... سرخ و ... بارهنگ شیره ... بنوشند ط دیگر نسخه تخم ...

... ...

تخم سرمای ناک مکیانه در آب شیره برآورده شربت خشخاش شربت حب الآس باضافه

گلنار بنوشند ط دیگر لذلک نسخه خشخاش سفید سعد کوفی تخم سرمای شیره برآورده ۲

شربت حب الآس داخل کرده باضافه معجون یا سک البول مجوف یا زبت کلوی قلعی کشته

بنوشند دیگر نسخه گلنار حب الآس تخم سماق سوخته قشیب مصری در آب شیره برآورده

شربت شیرین شربت حب الآس داخل کرده باضافه جوارش کندر مقوی قلعی کشته نقره کشته

ست گلوی بخورند دیگر نسخه سنگدانه خروس گلنار سعد کوفی ماهی شیر اغوانی قلعی کشته شربت

حب الآس ممزوج نموده بخورند ط دیگر نسخه قلعی کشته ست گلوی ست با حب نقره کشته

کندر طلا کشته مروارید شربت حب الآس بخورند ط دیگر نسخه قرص کهربا وص

گلنار شربت حب الآس ممزوج نموده بخورند عقب آن خرنشان حب بلوط شیره برآورده

شربت خشخاش داخل کرده بنوشند دیگر نسخه جوارش خرنوب قلعی کشته ست گلوی ممزوج

نموده بخورند ط فایده کنجد سیاه خطا نکند نیت بوقت خواب بینه خورده باشند ط

دیگر نسخه قلعی کشته کندر مصطکی گلنار سعد کوفی کوفته نخیه شربت خشخاش قدری زربیا

خطمی ممزوج نموده بنوشند ط دیگر نسخه شربت حب الآس سعد کوفی سنبل الطیب ست گلوی

[illegible]

ممزوج نموده بخورند ایضاً **دیگر نسخه** معجون بادرنگ اصول علی کشته ست گلوی نخود کشته شربت

ممزوج نموده بخورند عقب آن تخم سرها تخم خیار سبز نانخواه ثعلب مصری درآن

سپیده کنبده شربت بیت داخل کرده بنوشند ایضاً **دیگر جوارش کمونی** علی کشته ست گلوی

نخود کشته ممزوج نموده بخورند ایضاً **دیگر** جوارش جز نوبت ست گلوی کدبا ممزوج نموده

بخورند عقب آن خرفه گلنار شیره برآورده شربت خشخاش داخل کرده با اضافه قرص

طباشیر قابض بنوشند ایضاً **دیگر** نسخه زیره حبک سماق حب الآس تخم کاهو شیره برآورده

شربت خشخاش داخل کرده با اضافه قرص طباشیر بنوشند ایضاً دیگر نسخه جمره خشخاش زعفران

گل ارمنی ممزوج نموده بخورند ایضاً دیگر نسخه جوز مقشر دانه خشخاش تخم کاهو شیره برآورده

شربت خشخاش داخل کرده با اضافه قرص طباشیر بنوشند ایضاً **دیگر نسخه** اطریفل کشنیز

گاهی یکتوله بخورند عقب آن کشنیز خشک تف داده بذر حماض گلنار شیره برآورده شربت

خشخاش داخل کرده بنوشند ایضاً **دیگر نسخه** اطریفل صغیر بخورند عقب آن حب الآس خرنوب

سعد کوفی کشنیز خشک کشنیز شربت خشخاش داخل کرده با اضافه قرص گلنار بنوشند

فایده گاهی این مرض بسبب ضعف کلیه و مثانه و گاهی بسبب استرخاء عضله و عصبه و گاهی

احیانا

اصابع رطوبت فرلقه وگاهی ضعف قوت ماسکه البول وگاهی سبب روان فضولات

وگاهی سبب حرارت میبود پس در هر سبب باشد بملاحظه نموده علاج کرده باشند

ترکیب سفوف منه حب الآس گلنار کندر مقشر سعد کوفی سنبل الطیب کوفته بیخته سفوف

سازند گاهی قلعی کشته و بسد مکوی اضافه نموده خوراک بقدر ریش با آب قوط بسیار داده باشند

سفوف دیگر منه کهربا بسد گلنار اقاقیا صندل سفید گل ارمنی سنگ گلوی مصطگی

نبات سفید کوفته بیخته با شیر گاو یا شیر بز وگاهی ثعلب مصری تخم سرمانی تخم کرنب

تا ملکیان و در شیر گاو شیره برآورده بشربت گاهی نبات مصری داخل کرده بنوشند گاهی

سفوف دیگر منه قلعی کشته بغرو کشته سنگ گلوی بسد جیبت خرنوب کندر جفت بلوط

خرنوب نبطی حب الآس کوفته بیخته سفوف ساخته همراه شیر گاو و بدستور سابق

بنوشند ترکیب روغن منه بر فقره و بر مثانه تا به کمر مالیده باشند روغن کشته روغن

خشخاش روغن بادام روغن کدو روغن گل اقاقیا گلنار مازو خرنوب سعد کوفی

سنبل الطیب کندر مصطگی کوفته بیخته بروغن نموده مالیده باشند ترکیب حب

محرک سلس البول منه کندر مقشر کهربا کندر گلنار اقاقیا حب الآس مصطگی سنگ گلوی

کوفته نخته حب سازند برابر قرنفل البته خوراکسی جهار پاره سیب تازه ها **ضماد دیگر**

صندل سفید اقاقیا گلنار مالک حب الآس ورد سایید بر مثانه و بر کلیه ضماد نماید

ضماد دیگر هنه خرنوب نبطی گلنار جفت بلوط مانکواه سعد کوفی تا سایید ضماد نماید

ضماد دیگر لذلک هنه سنبل الطیب کندر معیر کندر مصطکی گلنار مازو سنبر باب

سحیقیده ساییده ضماد نماید ها **ترکیب دیگر هنه** ثعلب مصری شقاقل مصری بهمن

بهمن سفید و زرباد و انار شکرکاو شیره کنجد شربت سیب نامات ممزوج شوده با ضافه

ببوب صنوبر با ببوب کندر مقوی بست گلوی پسته مغز گشته تعز گشته ممزوج شوده بخورند

ترکیب روغن دیگر هنه روغن پسته روغن خشخاش روغن بادام گل ارمنی بوستان

دقاقیا ممزوج شوده بمالند ها **سفوف الذبیب** بس باتیقفی بسیار مجرب است

ثعلب مصری بهمن سنی بهمن سفید اقاقیا تخم سرهای کندر مصطکی سماق گلنار

خرنوب نبطی سد محرق ناکمکیانه کهربا مروارید ناسفته یاقوت رمانی مغن گشته

تعز گشته ست گلوی طلا گشته کوفته نخته سفوف سازند خوراک ۵ با رباهه

موافق بر درنشت مزاج با شکرکاو موافق بر درنشت لم علو خرما شب ترکرده دارند

جاج عدد و حر ماشه بهمن سفید بهمن سرخ ثعلب مصری تخم سرنالی در گلاب و بید مشک و عرق

کیوره شیره برآورده داخل شکر کاو نموده با اضافه سفوف مذکور بنوشند ان شاء الله تعالی

سفوف کلان جوارش دیگر [illegible] کشته فولاد کشته قلعی کشته نقره کشته طلا کشته شنگرف کشته

کهربا مرجان کشته مروارید کشته طباشیر کبابه مصطگی ست گلوی بهمن سفید

بهمن سرخ گل ارمنی گل مختوم کوفته بیخته قند سفید ممزوج ساخته سفوف سازند

خوراک [illegible] تخم سرنالی تخم ساگ سرخ [illegible] گلنار [illegible] خورده بر عرق

بازنگ عرق ثعلب عرق بادرنجبویه شیره برآورده شربت حب الآس شربت [illegible] داخل

کرده بنوشند

دستور العلاج فی ذات الریه ذات الریه ورمی است که در ریه بسبب ماده حار صفراوی

کالدم الصفراوی و یا ماده حار بسبب عفونت مانند بلغم متعفن عارض میشود

چنانچه اکثر سبب ورم ریه بلغم متعفن میباشد چراکه ریه عضو سخیف و رخو است و دران ماده

رقیق کم مجتمع میشود و در ریه بسبب احتباس بلغم غلیظ متعفن موجب ورم و وجع شدید

میشود یا ورم بسبب ماده نزله که از رأس نازل میشود بطرف ریه و گاهی ماده که سبب

ذات الجنب و ذبحه است علی سبیل الانتقال ای انتقال ماده مرض بطرف ریه میرسد و باعث

ذات الریه میشود این قسم ردی ذات الریه است چراکه از سبب نزله ماده و سبب

مرض منتقله موجب قرحه ریه که منجر سل است خواهد شد باید که معالجه ان بلحاظ

جمیع امورات و بلحاظ ماده حاره که مبادا سبب نفخ ورم موجب فتح ورم شود

باید که اول فصد باسلیق و اگر ماده دموی باشد بکشند و اگر ماده دموی نباشد

باهم فصد مناسب است و اگر احتیاج فصد دوم باشد بر مناسب حال باید کرد و بعد از

فصد نسخه معمول الاستعمال الوالد استعمال باید کنانید و در نیم انار آب کوبیده

نیم ماوه بمانند صاف نموده شربت عناب داخل کرده بنوشند ۞ **نسخه دیگر** للوالد

الرحیم

الربه نسخه گل بنفشه گل نیلوفر عناب سپستان در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند

صاف نموده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند گاهی مغز تخم کدو شیره برآورده

موافق کنند بنوشند لولکه نسخه عناب اصل السوس سپستان ماب در نیم آثار

آثار آب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده بنوشند گاهی خاکشی دیگر اگر

عناب اصل السوس زوفا خشک برسیاوشان در نیم آثار آب بجوشانند صاف

نموده شربت زوفا داخل کرده باضافه ویا قوزا بنوشند دیگر عناب

اصل السوس تخم خطمی زوفا خشک ماب در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند

صاف نموده مغز تخم کدو شیره هم عند الشدت العطش شیره برآورده داخل کرده بنوشند

دیگر نسخه بادیان عناب زوفا خشک برسیاوشان در نیم آثار آب بجوشانند

نیم باو بماند صاف نموده شربت عناب داخل کرده بنوشند دیگر ایضا

عناب انجیر زرد مویز منقی اصل السوس گاوزبان در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو

بماند صاف نموده شربت عناب شربت زوفا داخل کرده باضافه ویا قوزا

بنوشند دیگر نسخه گل بنفشه تخم خطمی زوفا خشک تخم خیارین تخم حلبه ماب در نیم آثار آب

بجوشانند هم تا و تا بنده صاف نموده بنوشند گاهی در این نسخه عوض عناب سپستان بنفشه گاهی
خاکسی تا نشی بنوشند ها **نسخه ضماد** در ابتدای مرض بنه صندل سفید آرد جو شیاف مامیثا
از آب برگ عنب الثعلب سائیده با جافه روغن گل و سرکه زرد بر صدر ضماد نمایند
ضماد دیگر محلل و منضج هم به مک بنفشه بابونه اکلیل الملک تخم خطمی صندل سفید
عنب الثعلب آرد جو از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با جافه روغن بابونه ضماد نمایند
ضماد دیگر در ابتدای نه شیاف مامیثا صندل سرخ آرد جو مک بلوط کلیچه از آب
برگ عنب الثعلب سبز سائیده با جافه روغن گل ضماد نمایند ها **دیگر ضماد** بابونه اکلیل الملک
تخم خطمی تخم خبازی تخم حلبه تخم کتان در آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با جافه
روغن بابونه ضماد نمایند ها **فایده نه** اگر بعد از دفع وجع ذات الریه سعال باقی
ماند از دستور سعال ملاحظه کرده معالجه بدستور استسقا بملاحظه خطرات مرض
نموده علاج آن باید کرد و دستور معالجه سل به معالجه سعال مذکور خواهم کرد
و گاهی در ذات الریه و در هم خلط عارض میشود بسبب غلظت علاج و استعمال ادویه چاره
که جذب لطیف کنند و غلیظ نمایند و آن غلیظ نضج شده باحث وهم خلط باشد با ستابلغ

سوداوی علاج آن بدستوری که در ذات الجنب مذکور است باید کرد و چیزی
بجزی در اینجا مذکور کرده خواهد شد یا ورم صلب است اجتماع بلغم باشد علاج
بیز در ذات الجنب بلغمی است معالجه آن بدستور گذشته باید کرد که معالجه آن
بعد از فصد ماده منضجه طبیعت کرده تلیین طبیعت و شهد
تخم خطمی لعاب گرفته تخم خبازی پرسیاوشان روغن بادام حل کرده
بنوشند ضماد دیگر گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خبازی سپستان با عنب الثعلب
اناب برگ عنب الثعلب سرسائیده با اضافه روغن گل بابونه ضماد نمایند
فایده تلیین طبیعت بعد از فصد موافق دستور معالجه ذات الجنب که معالجه
آن در دستور معالجه معلوم خواهد شد علی النسق معالجه آن باید کرد و چراکه معالجه
ذات الریه و ذات الجنب علی سبیل واحد است و آنچه تدبیر دیگر اگر احتیاج باشد
از دستور معالجه ذات الجنب ملحوظ داشته چنانچه تدبیر مسهل و تدبیر مطبوخات
و تدبیر منضجات و تدبیر غذا و غیره معالجه آن بر همین نهج کرده باشند و آب سرد
مطلق استعمال نباید کرد و چراکه آب سرد ... و غیره است عوض آن

عرق گاوزبان و عرق عنب الثعلب و عرق نیلوفر و عرق بادرنجبویه بموجب اقتضاء برگه

ما که مناسب باشد میداده باشند ۱۲ دیگر للبیس الماده ۱۲ بهدانه لعاب گرفته

تخم حلبه لعاب گرفته اصل السوس گل بنفشه سپستان و ربتیم انار آب بجوشانند باهم بمالند

صاف نموده شربت بنفشه داخل کرده با خیار شنبر و روغن بادام بنوشند ۱۲ دیگر بنه

معوق سپستان اول بگیرند عقب آن رب السوس تخم حلبه تخم کتان گل بنفشه

زوفا خشک و ربتیم انار آب بجوشانند بعدا بمالند صاف نموده شربت بنفشه

داخل کرده بنوشند گاهی معوق حلبه و معوق کتان و معوق بادام و گاهی شربت

زوفا و گاهی شربت عناب عند شدت السعال و عند شدة النفس پرسیاوشان و سپستان

و اصل السوس و عند شدت العطش مغز تخم کدو و مغز تخم خربوزه و گاهی عند شدت

النزله تخم خرفه و تخم کاهو شیره برآورده داخل کرده بنوشند ۱۲ و گاهی عند

شدت القبض مغز تخمین و گاهی شیرخشت و گاهی گلقند آفتابی داخل کرده بنوشند

و گاهی عند سهولت نفث آب کشک شعیر ماء العسل و گاهی زوفا خشک و گل بنفشه

و پرسیاوشان مع شربت زوفا و شربت عناب داخل کرده بنوشند و گاهی

روغن بادام و گاهی روغن کنجد وغیره ادویه مناسبه علی رای طبیب و عدم شدت المرض

استعمال کرده باشند و اگر مریض احساس بدره و نفس دوم معلوم باشد با دویه مخففه یابس

~~ملحوظ و رسن~~ چرا که ادویه مخففه مثل گل ارمنی و گل مختوم و گلنار و زرنباد و غیره

این به سعال او کشته و شدت سعال مضر قرحه ریه است چرا که از حرکت محفه سعال

قرحه ریه مشق میشود و چنان علاج کنند که نضج ورم چنین به شود و شدت سعال هم نمیشود

و نیز طبیعت هم نرم شود چرا که سبب یبس طبیعت احساس نفث دیده ورم میشود و بایستی که

نیفه نفث دیده ضرور نیست چرا که از احساس نفث دیده بلادهای عظیم مثل تشنج اطراف

و موجب استفراغ و غیره امراض مهلک میشود و باقی تدبیر سعال و روشنی سعال نوشته

محو کاو سر شده و پاس مریض کرده استعمال و تدارک کرده باشند و معالجه المنهل نفث و نیفه

نفث و معالجه ورم صلب از معالجه سل و از معالجه ذات الجنب لحاظ کرده از نیز اراتب

مرض شرط طبیب دانا باشند علی رای خود تدبیر معالجه و استعمال ادویه آنچه مناسب باشد

هر وقت و مناسب مرض کرده باشند ط دیگر جهت ورم صلب و ماده پاشیده

عناب سبستان تخم کتان تخم خطمی برسیاوشان زوفا حاشا گلقند احمدی ورم انار
عدد ۱ ... ۳ ماشه ۲ تولہ

بجوشانند بهم باو بمانند صاف نموده شربت داخل کرده مغز تخم خربوزه رب السوس

سبزه برآورده فروج ساخته باضافه روغن بادام بنوشند هـ دیگر ورم

حلب اذاکان لوک باده بهدانه تخم خطمی تخم خیارین بستان کاهو

گل بنفشه گلقند اعنابی در رسم انار آب بجوشانند بهم باو بمانند صاف نموده

رب السوس مغز تخم کدو سبزه کشنیز شربت بنفشه داخل کرده باضافه روغن بادام

بنوشند هـ دیگر بنه رب السوس مغز تخم کدو بهارا سبزه برآورده اسپغول تخم کتان

تخم حلبه در رسم انار آب بجوشانند بهم باو بمانند صاف نموده باضافه روغن

بادام بنوشند هـ دیگر بنه انجیر زرد عناب مویز منقی اصل السوس عناب سپستان

در رسم انار آب بجوشانند بهم باو بمانند صاف نموده شربت عناب داخل کرده

باضافه روغن بادام بنوشند هـ دیگر بنه عناب سپستان تخم خطمی اصل السوس

عناب در رسم انار آب بجوشانند رب السوس سبزه برآورده داخل کرده

شربت زوفا شربت بنفشه داخل کرده باضافه روغن بادام بنوشند هـ

دیگر ضماد بنه گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیارین تخم حلبه تخم کتان کوفته

بجا از آب برگ عنب الثعلب سبز و قدری موم سفید و موم سرخ اضافه کرده قدری روغن

گل مزوج نموده ضماد نماید ۞ ضماد دیگر بنه روغن گل روغن بادام روغن بنفشه

بادام مصطکی کتیرا [illegible] موم سرخ از آب برگ عنب الثعلب سبز مزوج نموده

ضماد نماید ۞ و باقی مرکبات ضمادات از معالجه ذات الجنب و ذات الریه دریافت نمایند

استعمال آن کرده باشند ۞ فایده بنه اگر صاحب ورم ریه بسبب تغافل معالجه

و تساهل بتدبیر یا بسبب ماده حاره یا بسبب نزله حاره که طبیب [illegible] آن نکرده باشد

منجر بعلت سل و نفث الدم شود علاج آن بدستور معالجه سل باید کرد چنانکه در معالجه

سل مفصل معالجه آن نوشته شده ۞

دستور العلاج فی السل والدق و دستور السعات موافق دستور الاستاد الجد بخبر له و موافق

دستور الاستاد والوالد سلمه ربه چنانچه مرض سل و دق از خبیثه و صعب العلاج است اول آنکه
ریه عضو سخیف و رخو است و در آنجا بسبب رخاوت ملتصق قرار نمیگیرد که تا تنقیه خود کند دوم
آنکه عضو بعید المکان است تا دوا بآنجا قلیل القدر میرسد و آن قلیل القدر غذا ریه
مرض نمیشود سیوم عضو متحرک است بسبب حرکت علی الدوام مانع التیام قرحه والتصاق
ادویه است چهارم استعمال دوا در آن مرض بلحاظ خوف ضعف قدر شربت قلیل
استعمال میکنند و آن قلیل الشربت کافی دفعیه مرض نمیشود و نجم منفعه بده و در آن مرض
سعال قرحه میشود و برای تدبیر معالجه ریه اکثر استاد از ادویه مجففه مثل گل ارمنی و گل مختوم
و گل اسنانی و گلنار و زرنیخ و زهره خطائی و نشل کتیرا و حب الآس معالجه آن میکنند و این همه ادویه
مجففه مضر سعال است و سعال او راست و مضر حمی دق است چراکه حمی دق محتاج سرد و رطب
و آن مضر قرحه است و معالجه سعال تقطیع محتاج میشود و آن نیز مضر قرحه ریه است و مضر حمی
دق است و از حرکت سعال که حرکت عنیفه است قرحه ریه بسیار تکلیف میدهد و قرحه
ریه را از حرکت جدید تنگ میکند و بالا جاری طبیعت احتمال میکنند برای رعایت قرحه چراکه
اگر نکنند قرحه ریه زیاده میشود و حرکت سعال هم محرک منفعه بده و ورم و لکن اگر احتیاج

بعض

مبتلی بوده و نفث از حرکت سعال و نفخ به شود و مورث بیماریهای عظیم است بلکه طبیب را

لازم است که این معجون بهمه مراتب ضرر و نفع ملحوظ و در استعمال او و به علی نسق الاستاد

الوالد کرده باشند ترکیب معجون شیر بز مس الاستاد و شیر تر آب تربوز هر دو را

جدا جدا علیحده داده و ممزوج نموده مکرر بجوشانند که آب تربوز سوخته شود و شیر منعقد

نماند قند سفید هم باشد و اهل کرده بجوشانند تا مقرر روزن بعد یکدام شیر و یکدام

آب تربوز اضافه نمایند و بدستور بجوشانند و بجوشند لیکن اضافه قند بقدر اضافه

شیر یعنی اگر یکدام شیر اضافه نماید بقدر یکماشه قند اضافه نمایند و باین دستور تا

پاو سیر شیر بز و پاو سیر آب تربوز رسانند و بحساب معلوم قند سفید شانزده ماشه

میشود و گاهی استاد جهت استعمال طباشیر و قرص سرطان اضافه میفرمودند و گاهی

بعد بدست الشعار صمغ عربی و شربت ریوند و فادر زهر استعمال میفرمایند و لحاظ باید

کرد که تأثیر یکسی و مضرت نکند چنانچه پاس استعمال و پاس تهیج اطراف و پاس معده

و کبد و حدت مزاج کرده باشند فائده و گاهی استاد برای تقویه معجون مربای

بلیله و مربای سیب و مربای آمله با طباشیر و دانه هیل و مروارید با عرق فعال گاوزبان

و عرق نیلوفر و عرق عنب الثعلب و عرق گلاب و عرق بیدمشک و عرق بید سلمه و از
شربتها مثل شربت سیب و رب و شربت انار و آب سیب و شربت بادرنجبویه و شربت گاوزبان
و شربت بادرنجبویه و از جوارشها مثل جوارش آمله لؤلؤئی و لؤلؤئی ... و جوارش
انار و معجون طلا و شربت زرشک با ادویه مناسبه و عرقهای مناسبه مفید
چرا که اگر لحاظ معده و غیره نخواهد کرد تشنگی خواهند شد ها ترکیب الاستاد
آب برنو ... الفرخ شیر برنج با مزوج نخود ساید نصف باید صاف نموده
طباشیر کافور قیصوری زعفران داخل کرده باضافه دیاقوزا شربت خشخاش بنوشند.
ایضاً دوای استاد برای تنقیه گل سرخ رب فاخته عناب و عرق گاوزبان
عرق عنب الثعلب عرق بادیان عرق شاهتره جوشش داده صاف نموده تخم
کدو شیره برآورده شربت عناب داخل کرده گاهی زیره خطائی اضافه نماید
و وقت شام عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق شاهتره و با دیاقوزا اول گیرند
بالنگ عرق بهار نارنج با شربت رب فاخته گل ارمنی گل مختوم سایند با اضافه زیره
خطائی بنوشند وقت ... غذا ماش ... و وقت شام پولاو ... روغن ...
بلا

باشند معجون قفعی بخورند یا الآس عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادیان ورد

قندری بادیان اصل السوس جوشش داده شربت عناب داخل کرده استعمال نماید

علاج اگر بعد از بول بار دیگر از خارج شود بدواو و به بدره و بلبه نبات داده

المرض استعمال کرده باشند ایضا لذلک من الاستاد عرق بید ساده بید مشک

هر یک خطائی طباشیر بهدانه بریان شیره برآورده بارتنگ گل ارمنی داخل کرده

بنوشند دیگر من الاستاد شیره براب تربوز جوشش داده حب الآس طباشیر

قرص سرطان بنوشند دیگر من الاستاد شیره بزر آب تربوز قرص سرطان ممزوج

نموده بنوشند ایضا لذلک من الاستاد ماء الفواکه بید مشک شربت نیلوفر

گاوزبان زعفران طباشیر بدستور معمول استعمال نماید دیگر من تالیفه

شیره بزر ماء الفواکه عرق شیره بارتنگ ساید نصف نماید صاف نموده صمغ عربی

بالنده شربت نیلوفر شربت زرشک ممزوج نموده با صافه و یا تخم بنوشند

دیگر آب تربوز ماء الفواکه عرق گاوزبان عرق شیره اصل السوس داخل شیره

برآورده گل ارمنی گل مختوم با شیره شربت گاوزبان شربت شیرین داخل کرده

باضافه قرص سرطان بنوشند ۞ دیگر بنه از نفقه مده من تا تیقی اکنگ شعیر عسل سفید

صمغ عربی داخل کرده بنوشند تا برای نفقه مده بنه ماء العسل و عرق عنب الثعلب تار

سازند اکنگ شعیر رب السوس صمغ عربی کتیرا سرطان نحری جملک سائیده باشید بنوشند

دیگر جهت نفقه مده و بیش الصدر من تا تیقی اکنگ شعیر که دران سپستان عناب زوفا خشک

جوش داده باشند موی سفید ماء العسل ممزوج ساخته شربت زوفا داخل کرده

کتیرا گلسرخ رب السوس گل ارمنی گل مختوم کافور زعفران صمغ عربی جملک سائیده بنوشند تا

دیگر بنه للعطاس و شده آبیس و الاسهال حب الآس تف داده رب السوس سماق تف

داده صمغ عربی و اسپغول تف داده ورق عنب الثعلب عرق شیر عرق بید مشک شیره

برآورده شربت حب الآس شربت خشخاش داخل کرده گل ارمنی گل مختوم کهربا

گلنار سرطان نحری جملک سائیده باشیده بنوشند ۞ دیگر بنه صمغ عربی گل ارمنی گل مختوم

خشک سائیده باشند باضافه لعوق بادام بنوشند ۞ دیگر بنه مروارید ناسفته

طباشیر صمغ عربی حب الآس تف داده سرطان نحری شربت الآس باضافه قرص

قابض کافوری بنوشند ۞ دیگر بنه لذت السعال و بیش الصدر و نفقه المده عرق بیشتر

کافور ثلث شعیر ماء العسل ممزوج نموده رب السوس گلنار فارسی و اسپغول سبزه

برآورده شربت حب الآس شربت زوفا داخل کرده سرطان محرق داخل کرده [illegible]

دیگر بجهة الاسهال و سحج حب الآس تف داده صمغ عربی در عرق بارهنگ

عرق عنب الثعلب عرق شبدر رب به شربت حب الآس داخل کرده کهربا تف داده

و اسپغول تف داده تخم خرفه تف داده سبزه برآورده گلسرخ گلنار فارسی

زعفران سرطان محرق گل ارمنی خشک طین مختوم باشد ... نوشدارو لولوی

بوستند دیگر مرکب ماء العسل برای تنقیه معده و حفظ صحت ... تالیف

عسل مصفی عرق عنب الثعلب عرق شبدر سرطان پاک کرده تنقیه نموده عرق کاسنی

اگر زود رب السوس سبزه برآورده زوفا خشک ... صمغ عربی ممزوج نموده

بجوشانند نصف بماند صاف نموده باز بجوشانند وقتی که عسل بماند دو آب

قدری اگر بماند مضایقه نیست باز صاف نموده نگاه دارند وقت احتیاج بطریق

معمول بقدر شربت معمول بخورند. ماء الشعیر برای تنقیه معده و تسهیل طبیعت

اول شعیر را بدستور پاک کرده و بریان نموده مقداری از آن گرفته بقدر ...

دو گل ارمنی طین مختوم ... کافوری

چهار تولہ بگیرند و در عرق عنب الثعلب بجوشانند وقتی که دو سه جوش آید آب را دور نماید

من بعد بار دوم نیز از عرق بجوشانند وقتی که دو سه جوش آید دور کنند همین

پنج شش مرتبه متبدل عرق کنند بار ششم یا هفتم عرق عنب الثعلب عرق [illegible] [illegible]

عرق کافور عرق [illegible] بادرنجبویه عسل سفید اخگر زرد سپستان عناب زوفا خشک

صمغ عربی سرطان پاک کرده و فته فته شوده ممزوج کرده بجوشانند وقتی که

تیار شود بدستور معجون نموده نگاه دارند و مستعمل کنند تا نسخه برای [illegible]

ماء العسل [illegible] سفید [illegible] زرد عرق [illegible] عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان صمغ عربی رب السوس

سفیده برابر خورده [illegible] کهربا مروارید ناسفته [illegible] بسرشند و نگاه دارند

دیگر برای [illegible] منه بهدانه سپستان تخم خطمی اصل السوس [illegible] و [illegible] آب

بجوشانند نیم باقی بماند ماء العسل [illegible] کرده با اضافه [illegible] با دام [illegible]

حب [illegible] الاسفناج و زوفا خشک صمغ عربی رب السوس مغز بادام [illegible]

تخم خطمی [illegible] کوفته بیخته بعسل ممزوج نموده حبها ساخته استعمال نمایند

معجونیکه [illegible] عناب سپستان زوفا خشک اصل السوس و در عرق گاوزبان

٦ [illegible]

عرق عنب الثعلب بجوشانند بهم با او بماند صاف نموده رب السوس صمغ عربی نشاسته برابر آورده

زعفران کافور قیصوری سرطان محرق طباشیر در خل کرده بنوشند دیگر جهت ملطف

بدهند زوفا خشک اکلیل الجبل اصل السوس پرسیاوشان گل بنفشه مویز منقی

در بسم انارات بجوشانند بهم با او بماند صاف نموده شربت عناب داخل

کرده باضافه روغن بادام داخل کرده بنوشند دیگر برای ملطف بدهند

عناب اصل السوس گل بنفشه تخم خطمی زوفا خشک صمغ عربی در بسم انارات بجوشانند

بهم با او بماند صاف نموده باضافه لعوق خیار بنوشند دیگر بنفشه پرسیاوشان گل بنفشه

زوفا خشک تخم خیار تخم کتان در بسم انارات بجوشانند بهم با او بماند صاف نموده

رب السوس صمغ عربی نشاسته برابر آورده باضافه لعوق سپستان عند القبض والیبس بنوشند

حب برای خشن الاسنان جهت نفث بدهند بزرکتان بزر خطمی حب الصنوبر رب السوس ابریشم

مغز بیه دانه کوفته بیخته در عسل ممزوج نموده حبها بقدر نخود ساخته استعمال نمایند

دیگر اگر احتباس ماده در صدر باشد یا ملطف تدبیر کرده از تخمیر اخراج نماید و

لکن در زراوند مدحرج مرکب ... در آتش انداخته در حلق تبخیر نماید ماده غلیظ

مجتمع رقیق شده اخراج خواهد شد و دیگر تدبیر من الاستاد ابن سینا مشمش سه مثقال
زرنیخ هم را ممزوج نموده در حلق تبخیر رقیق نماید بده غلیظ از سبب تبخیر رقیق
شده اخراج شود فایده بدانکه مجتمع در صدر یا در ریه رطوبات لطیف تدبیر نموده اخراج
نماید و اگر احیاناً طبیعت بده را دفع کند یا در ادرار بول یا به همراه براز لازم که طبیعت را اعانت
کنند طبیعت بهر جا که متوجه باشد و اگر طبیعت متوجه شود با دوار ادرار او به بده را اخراج
و اگر سینه از دفع کند ادرار او به ملینه دفع نمایند و پاک کنند بدین تدبیر نسخه ادرار
بده بطرف بول کنند تخم خار خسک اصل السوس جمیع تخم رز و خار خسک پرسیاوشان تخم خشخاش
خربزه همکوفته در سه باو ماء تخم به شاید یکبار و بماند صاف نموده خیارین تخم خربزه
شیره برآورده شربت بزوری خانه ساز موافق مزاج داخل کرده بنوشند
ودیگر ادرار کننده پرسیاوشان تخم خطمی اصل السوس خار خسک همکوفته در نیم آثار آب
عرق خار خسک بجوشانند تا به بماند صاف نموده مغز تخم خربزه تخم کدو
شیره برآورده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ودیگر ادرار کننده
مغز تخم خربزه تخم خیارین همکوفته پنج خربزه پرسیاوشان خار خسک همکوفته در عرق

خارخسک عرق خار شتر بجوشانند هم باو بمانند صمغ عربی رب السوس شیره و اورده
شربت نیلوفر شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ها دیگر لاخهنا
المده که خارج شود از راه براز بهیدانه عناب الحب زرد مویز منقی گل بنفشه پرسیاوشان
ریشه اناراب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده ترنجبین داخل کرده گلقند اصفهانی
نیز حل کرده باضافه روغن بادام بنوشند ها دیگر لعوق سینه عناب الحب زرد
مویز منقی صمغ عربی زوفا خارخسک و ریشه اناراب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده
شربت بنفشه ترنجبین گلقند اصفهانی حل کرده باز صاف نموده باضافه روغن بادام بنوشند ها
دیگر لعوق سینه الحب زرد مویز منقی اصل السوس و ریشه اناراب بجوشانند هم باو بمانند
صاف نموده شربت عناب شربت زوفا داخل کرده باضافه روغن بادام بنوشند ها
دیگر لعوق سینه الحب زرد مویز منقی و ریشه اناراب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده
شربت بنفشه ترنجبین داخل کرده روغن بادام مغز نموده باضافه مغز فستقی
بالنده بنوشند ها نسخه ضماد جهت بنده السعال و ابیس اختناق المده بهیدانه الحب زرد
پرسیاوشان زوفا خارخسک تخم حلبه تخم کتان موم سفید موم سرخ ازاب برگ

سنبل سائیده با مثانه روغن بادام ضماد نماید دیگر ضماد لادن سنه اکلیل الملک روغن گل بنفشه تخم خطمی

تخم حلبه تخم شبت کره روغن تخم مرغ موم سرخ از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با جماعه

روغن بنفشه ضماد نماید و دیگر لادن پیه چربی بز چربی بط چربی مرغ موم سفید

تخم حلبه تخم کتان گل بنفشه تخم خطمی از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با جماعه

روغن بابونه با روغن گل ضماد نماید والوا استاذ در قروح صدر حقنه بتقیه بده گل بنفشه

روغن خانک اصل السوس سپستان خرنس داده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند

گاهی لتسکین الحرارة مغز تخم کدو شیره برآورده داخل کرده بنوشند

دیگر را حقنه بده من الاستاد گل بنفشه گل نیلوفر اصل السوس پر سیاوشان لعاب خرنس

داده صاف نموده بنوشند گاهی برای حقنه بده قدری عسل استعمال نماید

و گاهی قیروطی و فقط موم با روغن بادام به مناسبه استعمال همین باید ترکیب دیگر من الاستاد

شیره بزرگ نیلوفر عرق گاوزبان مشک خرفه مغز مغز تخم کدو مغز تخم

همه را باب سائیده شیره برآورده نبات سفید تبتور نیشکر اثار عرق کنند

ترکیب دیگر من الاستاد شیره بزرگ نیلوفر عرق قنطه مشک مغز تخم کدو مغز تخم

صندل سفید خرد ریزه نموده عرق کشند ط **دیگر** لدکان مضمن الاتا و منه عناب گاوزبان

عنب الثعلب بغداده روغن خشک و برگ گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق شاهتره جوش

داده صاف نموده مغز تخم کدو ساییده برآورده شربت عناب زهر مهره خطایی

داخل کرده بنوشند ط **ترکیب عرق** شیر منه عرق گاوزبان عرق بید ساده

عرق گلاب عرق صندل عرق نیلوفر شیر مغز تخم کدو مغز تخم خربزه

تخم کاهو ساییده برآورده صمغ اصل السوس گل منڈک صمغ عربی سرطان پاک

کرده سرمه نموده زعفران کافور مقشر ... به دستور عرق کشند ط

مرکب عرق شیر دیگر منه ماء القرع آب تربوز بید مشک عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق شاهتره سه مغز تخم کدو مغز تخم خربزه طباشیر صمغ عربی رب السوس

عناب گل بنفشه داخل کرده عرق کشند ط فایده ترکیبات عرق کافور و رشتو

دیابیطس نوشته ام ملاحظه نموده تیار باید کرد و ترکیب شستم آن عرق شیر عرق صندل

عرق شاهتره شربت عناب طباشیر سوده یا شیره شربت گاوزبان با شیره خطایی

باشد بنوشند ط و گاهی زهر مهره و گاهی دیگر اجزا موافق مزاج باید داد ط

و دیگر عرق شیر تازه و تویه طباشیر کافور مقصود زعفران و یا قوزها بنوشند ها

دستور العلاج فی السل و غیره علی ما رأینا فی مطب الاستاد از بیاض برادر عزیز بستند

حاله حب نوشته شده و ان کان هذا المرض من الامراض القدیمة ابرء لکن الوالد الماجد

علاج شخص فقد عرض له سل حقیقی بعد حدوث نفث الدم بمبارکة الریه فبرء و عاش

فایده از الاستاد الوالد فی حالة خروج الدم اعنی نفث الدم من ان یخرج [illegible]

فیقصد الباسلیق ثم یستعمل نسخة النسخة المعمولة صفحه بهدانه اسفرزه و روغن بادام [illegible]

لعاب کرفه تخم الخیار شنبه را آورده شربت الخیار و اضل کرده یک از بنی لیمو [illegible]

رنجه بنوشند ها **فایده حقیه** در حالت خروج دم استعمال شیر باید کرد لانه مضر خصوصا

ناجوشانده یا وجود اخراج دم در استعمال او و به مبالغه روز دو دم از نفث الدم [illegible]

[illegible] پس در ان حالت والد استاد مقصد دیگر از باسلیق برای اخراج دم از جواب [illegible]

نیش [illegible] نموده اند و بعد از ان استعمال شیر کاهی با سفوف که معمول است و کاهی

با قرص طباشیر و کاهی بادو به بیزد و استعمال میفرمودند ها **سفوف من الوالد** همراه

شیره نیز کاهی استعمال میفرمودند گل ارمنی گل مختوم طباشیر کهربا مستعمل مرجان محرق

صمغ عربی رُب سوس گلسرخ زعفران باریک کوفته سفوف ساخته خوراک یک ماشه از آن با عسل

سفید ابتجه بخورند عقب آن شیر بز بنوشند مؤلف گوید از علامات آن سرخی رخساره

و لاغری و برگشتن ناخنها و خلط بدبوی و نیز آمدن در آب وغیره مؤلف سفوف دیگر

للسل من ترکیب الاستاد والوالد سلمه ربه مجرب حکیم اعیان گل مختوم گل ارمنی کنجد مغسول

مغز خیار صمغ عربی گلسرخ دم الاخوین طباشیر سفید باریک سفید کوفته بیخته از عرق خارخسک

و عرق بید مشک صلایه کرده گاهی گل ارمنی بجای گل مختوم بقدر دو ماشه ممزوج نموده

سفوف سازند خوراک بقدر ربع درم تا نیم درم همراه شیر بز و گاهی همراه عرق شیر و گاهی

با شربت حب الآس استعمال نماید و گاهی همراه عسل سفید بخورند تا جلا یابد من بعد حفظ

با کثرت استعمال نماید مؤلف تا نتیجه دیده شود بسیار نفع دیده شد و صبح و شام عرق شیر

عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب شربت حب الآس شربت عناب باهم مخلوط ساخته

گل ارمنی طباشیر باریک سوده زهر مهره خطائی سائیده با اضافه قرص طباشیر کافوری بنوشند

سفوف آخر من تالیف الوالد مجربست زر ورد طباشیر گل ارمنی حکاک و اعیان

سرطان بحری حک نموده صمغ عربی باریک سوده از عرق بادرنگ سخنی ملغم نموده با یکماشه

با آنکه باشد همراه شیر بز شربت زوفا شیرین نموده قرص سرطان اضافه نموده بنوشند

وگاهی استعمال این سفوف با عسل منزوع نمودند ومثل سفوف با عرق گاوزبان اگر سعال

باشد با شربت زوفا گاهی با اضافه و یاقوت را وگاهی ورق ... طین ... معمول

نیار کرده بعرق ... گاوزبان شربت حب الآس داخل کرده گل ارمنی رب السوس

طباشیر سفید باریک سوده با اضافه قرص سرطان بنوشند صح برای سل من الوالد سلمه ابه

مومیا سفید و عسل سفید جهت نقاهی و جهه دانند بال مجرب است وگر گل ارمنی قندری داخل

نمایند جاینه بسیار خواهد شد صح **اخری من المسعول** مطبق الاستیا و شیره عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب جوشش داده صاف نموده شربت عناب شربت حب الآس داخل کرده طباشیر

استخوان سرطان محرق گل ارمنی ریزه خطائی باریک سوده با اضافه قرص سرطان بنوشند

گاهی عدس مقشر ... عناب سپستان بهدانه صمغ عربی زوفا خشک و ریشه انار ...

بجوشانند با و نمایند صاف نموده شربت زوفا داخل کرده بنوشند صح گاهی اصل السوس

داخل جوشانیده نمایند وگاهی دانه خشخاس تخم کاهو اگر نزله شدید باشد شیره

برآورده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند صح **ایضا** برای سرفه من المعمول عناب مویز

انگور ارند

الجزر و اصل السوس لسان الحمل بنفشه عناب جوشانیده داده صاف نموده خمیره بنفشه اضافه نموده بنوشند

لونک نبه اصل السوس الجزر و زبیب جوش داده بنوشند غذا نخود آب کشیده بادام

برای سعال بلغمی من المجرب الاستاد الجزر و عناب سپستان اصل السوس بهیکو قیه

مویز منقی بیرون کرده زوفا خشک پرسیاوشان نبات ورسه با و آب بجوشانند

نیم باو بماند صاف نموده بنوشند و جهت خواب شربت زوفا عرق بادریان هم

ممزوج کرده سر گرم نموده بنوشند ایضا للرکام نبه سبوس گندم عناب سپستان

اصل السوس عناب ورسم اثار آب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده بنوشند

و با عرق ... عرق گاوزبان جوش داده بنوشند و بهیدانه ...

بینه در دهن دارند مطبوخ دیگر برای سرفه من الاستاد سپستان پرسیاوشان

زوفا خشک جوش داده صاف نموده شکر سفید داخل کرده بنوشند و اگر ...

بالشیره بادام ... مناسبست دیگر من المجرب للسعال عناب سپستان مویز منقی بنفشه

اصل السوس الجزر و نبات جوش داده صاف نموده بنوشند برای سرفه من المجرب

عناب سپستان اصل السوس گل بنفشه گاوزبان مویز منقی تخم خطمی ورسم انابات

بجوشانند صاف نموده مغز تخم کدو شیره برآورده شربت بنفشه شربت خشخاش داخل کرده

بپزند لعاب گرفته اضافه نموده بنوشند لسعال السعب آخر که للنزله الحاره گاهی

با اضافه و با جوزا بنوشند و حمام فایده بین دارد و تجربه است تا مطبوخ آب [illegible] سرفه

من معمول استاد المجد ذی الحجر زرد و سوم سبستان ریسیاوشان اصل السوس جوشانده صاف

نموده با اضافه گلقند عسل بنوشند غذا مزوره نخود با مغز قرطم ها برای سرفه که سبب نزله

باشد من المعمول بهدانه عناب سبستان اصل السوس گل بنفشه تخم خطمی در نیم آثار آب بجوشانند

نیم باو جا باند صاف نموده شربت بنفشه داخل کرده تخم کاهو شیره برآورده اضافه

نموده بنوشند غذا الثوله شیره بادام من بعد شربت خشخاش اضافه سازند من بعد

داخشخاش دو ختمی شربت خشخاش شربت [illegible] گاوزبان با هم ممزوج کرده

شیره گندم نوخته بنوشند تا [illegible] هو ایضا من الاستاد نخود کابلی ورد و سیر آب جوش داده

صاف نموده [illegible] کوفته بخته داخل کرده بنوشند تا دیگر لزلک من الاستاد

سوم سبستان اصل السوس سبستان الخبر زرد گاوزبان بنفشه گلقند عسلی جوشانده صاف

نموده بنوشند مطبوخ برای نزله نفس هو من الاستاد لسعال للمعلوم از دکان مبارکه الله بد

من المعمول الحکیم زرد بادیان بهدانه زوفا خشک عنب الثعلب جوش داده داخیس
شیره برآورده شربت دینار اضافه نموده بنوشند که در تب و علل را طبیعت
برای غلبه سرفه که بعد از طعام می شود من المعمول الاستاد بادرنگ و ریحان باب جوش
داده صاف نموده صمغ عربی سوده داخل کرده شربت زوفا شربت دینارا
اضافه نموده بنوشند دیگر لذلک من الاستاد گندم بلک بجوشانند و بنوشند
دیگر من الاستاد شربت زوفا سکنجبین عنصلی عرق بادیان باهم ممزوج نموده بنوشند
سرفه من الاستاد گاوزبان اصل السوس مقشر پرسیاوشان مغز تخم زوفا خشک
بادیان بهدانه ولایتی بلیله در سپستان نبات ونیم انار آب بجوشانند هم با و سماق صاف
نموده بنوشند غذا دال مقشر و نمک و برنج بخورند برای سرفه من الاستاد
الحکیم رو بالان زوفا خشک بهدانه عنب الثعلب و ریحان و آب جوش داده صاف
نموده داخیس شیره برآورده داخل نموده نیم گرم بنوشند برای سرفه من الاستاد
کوکنار عناب در آب و شیر آب جوش داده مالیده صاف نموده داخیس شیره برآورده
داخل کرده باز گرم کرده بطریق قهوه بنوشند خاییه هند بازنج کاسنی

۱

مصطکی شش ... و سفال عکر ابکه ... که نیک باشد جرب الاستاد المغفور له اسهال بلغمی

ببلا مور را و روغن گذارند مجربست و اصل السوس نیز له و دیگر من الاستاد اگر زرد باد نان

عسل البلسان شهد انه زوفا خشک جوش داده صاف نموده و اخیر سیسبر ه بر آورده

با جاشفه و با قورا بنوشند له برای سعال من الاستاد و خربا شیر باله گاو جوش داده

بخورند مجربست و نیز آب گرم روغن بادام و قند خراب بنوشند له جهة السعال من الاستاد

شیر تیز بار هالک جمع عولی که یا شربت و با قورا سرشته بنوشند له فایده سرفه

که بعد از خوردن چوب چینی بهم رسد حمام نمایند تفتیح میشود و تحلیل میکند مواد را که سبب رطب

چوب چینی بهم رسیده باشد و سکنجبین می کند و باغ را هذا من الاعمال المجربه و نیز نفع میکند

منزله را فایده جهة سرفه خشک که از حرارت باشد ... در شانه جای که دست مریض

نرسد پنج چهار زلو بیار باده بچسبانند من بعد این نرگس هندی بعمل آرند ... جوت قلقل

سیاه هندی بخورند نسخه شربت خشخاش گوگنار زعفران اصل السوس خولنجان خشخاش

نبات به برابر آورده له ایضا من الاستاد رب السوس مرج و کتیرا شکر سفید و عرق

او را گولی نه بندند بعد از آن بخورند مجربست ... عناب سپستان نبات جوش داده با هم

دیگر منه عناب الخیر رو مویز منقی عنب الثعلب جوش داده بنوشند غذا نخود آب ط

حب من المجرب رب السوس کتیرا صمغ عربی افیون بابونه صمغ عربی کوبیده بندند دیگر حب

نافع برای سعال اطفال که بسبب نزله حار باشد و نیز برای سعال یابس صمغ عربی رب السوس

خشخاش سفید مساوی الوزن اگر خواهند کوفته بیخته بلعاب بهدانه مقدار نخود حب بسته بدهند

دیگر من الاستاد معجون فقعی عرق بادیان بنوشند ط دیگر من الاستاد الخیر

بادام سفید استعمال نماید ط دیگر من الاستاد دارچینی بهدانه مصری جوش داده بدهند ط

دیگر من الاستاد الخیر عناب سپستان جوش داده بدهند ط فی بعض از کتابت المستعمله

المطب الاستاد و هذا الطریق برای سرفه شربت زوفا عرق بادیان ط ایضا شربت

زوفا خشخاش سینه را آورده گرم کرده بخورند ط ایضا من الاستاد الخیر رود اصل السوس

مویز منقی جوشانیده و هند غذا یکوقت بخواب وقت گهری ط دیگر شربت

زوفا و برسیاوشان جوش داده بنوشند شربت داخل کرده حب سعال مغز بهدانه

دارچینی حب منه رب السوس کتیرا مشوی صمغ عربی پسته نبات کوفته بیخته گولی

سازند و استعمال نماید ط حب دیگر نافع بالغ منه صمغ عربی نشاسته کتیرا مغز بهدانه

من بیاض الاستاد

گل بنفشه خشخاش سفید اصل السوس زوفا خشک بادیان طباشیر زعفران تخم خرفه

بلعاب اسپغول حب سازند ها نسخه حب مجرب ا بزر البنج میعه سایله زعفران افیون

مصری مصطکی فرفیون مرمکی صمغ عربی مصطکی سنبل الطیب تخم کرفس دارچینی خولنجان و فلفل

عود عاقرقرحا فلفل بهدانه حد دار مجرب اعلی همه را اجزای را کوفته بیخته بلعاب بهدانه

حب سازند برابر فلفل از یک حب تا دو حب میل کند مجرب و بعد با وجود که زن افیون

صدر نکنند و معده را استعمال نماید ها حب رانه سعال که سبب نزله باشد من المجربات

بگیرند صمغ عربی رب السوس کوفته بیخته بلعاب اسپغول حب برابر نخود بسته و در روز پنج و

حب بحال آیند ها مطبوخ منضج که البساول ادمی بدیه فضول منفعه سونیشی عناب سپستان

ورد و اثارات بجوشانند سوم حصه نماید مابیح صاف نموده ترنجبین مرفلوس اندر خته

بار بجوشانند بکنم باو بمانند صاف نموده با اضافه روغن بادام بنوشند ها مطبوخ برای سرفه

و خشکی حلق و نرمی شکم و قولنج من الاستاد الجدی صفته عناب سونیشی انجیر زرد

اصل السوس کوفته سپستان منقه ترنجبین خیار شنبر در بکنم اثارات بجوشانند نیم آثار

آب بماند صاف نموده ترنجبین حل کرده صاف نموده خیار شنبر باز حل کرده

بالاف

بازصاف نموده روغن بادام اضافه نموده بنوشند مسهل اذا اجتمع مع

الدق حمی خلطیه مستعمل هذا النسخة المجوله کنیا عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق شاهتره

شربت بنفشه داخل کرده ترنجبین شیرخشت فلوس خیارشنبر حل کرده باز صاف نموده باضافه

روغن بادام داخل کرده سرگرم بنوشند دیگر مسهل المعمول خمیره بنفشه با شربت بنفشه

سرپیسه اول بخورند عقب آن مویز منقا در عرق گاوزبان عرق شاهتره عرق عنب الثعلب

گلاب مالیده صاف نموده ترنجبین شیرخشت فلوس خیارشنبر حل کرده باز صاف نموده روغن

بادام داخل کرده بنوشند صفراوی مسهل تبرید اربعه دانه در عرق عنب الثعلب عرق شاهتره

عرق گلاب حل کرده لعاب گرفته شربت بنفشه شربت نیلوفر داخل کرده بنوشند ثم بعد

املهٔ مربا با گلاب شسته طباشیر دانه هیل برداریده داخل کرده بخورند عقب آن گلاب ربع

مخلوط ساخته بخورند مسهل دیگر من الاستاد الحکیم زردیف هیلک

عناب در آب انار آب بکوشانند نصف بماند صاف نموده ترنجبین حل کرده

غذا نخود آب با شوربه مسهل دیگر حبه مسهل من الاستاد الحکیم زرد غبار عشبه اصل السوس

سنا مکی تربد سفید در یکم انار آب بکوشانند ثم انار آب تمام باید صاف نموده

روغن بادام مونستند الخوداب ۴۳ ... رکبین معرملوس حلکرده بازخاف نموده

۶۲ ... ۳۲ ...

بنوشتند غذا نخوداب فقط

في وشنور ذات الجنب والشوصة على نقش معمول الاستاد الجدی غفرله ولو هو الذي سلّمه ربه

ذات الجنب خالص ورم است در غشا مستبطن اضلاع یعنی اضلاع صدر بلیس است میان از طرف

درخل و یا ورم است در حجاب که حاجز است درمیان آلات تنفس و آلات غذا که نام

و یا ورم عامه عند جمهور الاطبا باید در جانب راست باشد و یا در جانب چپ باشد و بعضی

گویند که ذات الجنب بطرف چپ اردی تر است بسبب قرب قلب مکرار طرف نفخ و تحلیل

احتیج ور سلم است و بعضی میگویند که ذات الجنب بطرف راست روی تر است چه اینکه

در نفخ و تحلیل عسر دارد و مکرار جنه مکان اسلم و حسن است و سبب فاعل آن دم صفراوی

باشد یا بسبب فاعل آن ورم سوداوی باشد لیکن ورم سوداوی بی امتزاج صفرا نمی شود در غشا

صلب نمیگیرد یا بسبب فاعل آن دم بلغمی باشد لیکن ورم بلغمی نیز بی امتزاج صفرا نمی تواند

برای ذات الجنب این نقش
یا باسط دو بار پهلوی
گاو نوشته در پهلوی طفل
مریض اندازد که با پهلوی او
باشد بفضله شفا شود انشاء الله

۷۸۶

۱۸	۴۸	۴
۱۲	۲۴	۳۶
۴۳	بحق یا باسط	۳۰

باید که در ابتدای امراض ذات الجنب فصد باسلیق در ابتدای مرض جهت اماله ماده از جانب مخالف
مرض کنند بعد از فصد اگر مرض ثبات دهد و دو روز و هفته زیاده فصد از جانب موافق
کنند و فصد جانب مخالف برای همین جهت در ابتدا میکنند که هنوز ماده استقرار نگرفته
اماله آن ماده بالکلیه بطرف جانب مخالف بشود و فصد جانب موافق بعد از روز
دو و سه جهت آنکه چنان نشود که بسبب فصد باز ماده از جانب مخالف عود کند بطرف اصل
مرض و ماده بقیه که در جانب موافق است که هنوز مستقر شده است از فصد جانب موافق
بکلی اخراج کنند و لحاظ باید کرد که چنان نشود که ماده از جانب مخالف عود و یکبار
و ماده بقیه که در جانب موافق است مستقر نشود و این هر دو ماده مجتمع در اصل مرض
شده متقیح نشود لهذا مناسب است که بعد از فصد جانب مخالف بکلی فصد جانب موافق
کنند و بعضی بعد از فصد اول فصد صافن جانب موافق میکنند چرا که از فصد جانب مخالف
تباعد قطرین لازم می آید و فایده از فصد صافن چنان است که ماده اماله نشده از
فصد صافن باسفل متوجه شده اخراج شود و برای تنقیه ماده فصد باسلیق جانب موافق
بعد از فصد صافن باید کرد و اخراج خون بدفعات موافق طاقت مریض و موافق برداشت

مزاج و موافق ماده مرض باید گرفت و لازم که فصد ضیق در اکثر اوقات خصوصاً

بوقت اماده در ابتدای چرا که بسبب فصد ضیق توجه طبیعت و اخراج ماده بنهج اسلم

و بهتر میشود و فصد دوم خواه صافن باشد و یا خواه فصد یا سلیق باشد ضیق باید

کرد چرا که بقیه ماده که مستعد است بنضج وقتاً اخراج شود و بعد از فصد نسخه که معمول

الاستاد برای تصفیه ماده که مانع عفونت است باید داد عناب و نیم انار آب

بجوشانند نیم پاو باند پالیده صاف نموده بنوشند و اگر احیاناً از فصد دوم باز

مقصد نشود مثل صافن خلش در دو بقیه ماده باقی ماند و بالکلیه مرفوع نشود باید که

شاخهای کلان موقوف شرط علی طریق ماده و علی طریق پرورش طبیعت و طاقت

آن بر عضو ماؤف قدری تفاوت داده عمل نماید و شاخ کلان برای همین

که جذب ماده مرض زیاده میکند و نوشته ام که بر مکان عضو ماؤف قدری

تفاوت داده بگیرند برای همین که این هم طریق اماله ماده است و از فصد

بالکلیه نشود و بهتر والا نه بعد از چند روز اعتدال مزاج نموده چند عدد زلو برجای

ماؤف قدری تفاوت داده باید گرفت تا که همه زلوها از بقیه ماده بر کشنده

خود بخود منفجر در روز دوم نیز چند و بطریقی پاسی رجانب تو کو رکشیاید چنان باید کرد

که ماده فاسده در رگهان مرض باقی نماند و قرار نگیرد و خوف تشنج چرا که این ماده

حار هست خواه نزله حار باشد و بصورت ورود ماده در چند ساعت ~~ساعت~~ منقح

میشود لازم است که ازین ماده در اخراج کردن تغافل نکنند و اگر احیانا بسبب تغافل معالجه

و سوء تدبیر یا بسبب جهل طبیب متشنج شود تا هم اخراج دم که در حوالی ریه است بید و جانب

فصد و شاخها و زلو تغافل نکنند و چیزی خطره نکنید چرا که اکثر او جانب الدالاستاد سلمه

ربه بعد از منفح شدن مرض اخراج ماده مرض که استعداد بالقوه متشنج شدن دارد و بود

جانب فصد و شاخها و زلو او بروی ایجاب نجیبد و مره اخراج مفید بوده نه چنانچه در معالجه معصل حسن

خانصاحب و در معالجه مرحوم خانصاحب که در حین حیات نواب مظفر جنگ بهادر نوغوله با نظم

شهر فرخ اباد از طرف نواب بطور می بودند و آخر الامر در معالجه شیخ فضل الله نیز بهمین

وضع اتفاق شده غرض چند دفعه تجربه در آورده است هیچ خطره و شبهه از استعمال فصد

هر دو جانب و شاخها و زلوها در همین تشنج نباید کرد و بعد از فصد و شاخها در استعمال مرکبات مسهل

که منفح شده باشد تلیین طبعیت بمسهل بطریق معمول الاستاد استعمال باید کرد و اگر منضج است

از تسهیل احتراز ضرور نیست چراکه نه شود که ماده عفونت متصل قلب است از تحریک مسهل برطرف قلب

برسند یا بطرف دیگر از قسم عضو رئیس برود و انجا رفته صاحب منضج شدن بموجب جنب مبدا

کند مگر بعضه مده و بطریق تسهیل و تلطیف که در مقام و دستور سل و دق تجمیع وجوه مذکور کرده ام

لازم که بهمون طریق باید کرد و ان اثنا هنوز عفونت وضعف کلی خواهد شد و در صورت تغافل

و تساهل معالجه در ان الجت منجر بسل و بدق خواهد شد لازم که از تجاری سل و دق خوف

باید کرد که عمر علاج دارد و بعد از فصد استعمال نسخه الاستاد برای رفع حمی و تسکین التهاب

و مانع عفونت است داخل والد برای همین جهت و برای تسکین وجع استعمال شیر نموده اند عناب

سپستان گل بعضه گل نیلوفر بهات در نسیم انار آب تخم بباید نیم بار و نمایند خیار نموده

بنوشند و گاهی استاد این نسخه را در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب و عرق نیلوفر

جوشانیده بدهند و گاهی برای منضج ماده اصل السوس و تخم زرد و گاهی عنب الثعلب

زوفا خشک داخل کرده میدهند و اگر حرارت مزاجی زیاده باشد زوفا داخل نباید

و او خود گا التقیع عوض ان عنب الثعلب اصل السوس و عند الحرارت مخیر کدو و شیرین تخم نیلوفر

با نیز بعضه موافق مقدار زیادی حرارت چراکه چنان نه شود که بسبب استعمال ابتر گشته

نضج ماده عارض شود و موجب صلابت ورم گردد نضج ماده خواهند لازم که موافق حرارت
مزاج تسکین نموده تداوی و تدارک آن کرده باشند و اگر احیاناً در اثنای ذات الجنب
وجع الفؤاد عارض شود فصد باسلیق بمقدار باسلیق باید کرد و از فصد آنچه مناسب مرض باشد
پالیس و رعایت اصل مرض ملاحظه کرده بتدبیر علاج آن کرده باشند و اگر در اثنای
ذات الجنب اسهال عارض شود تکرار فصد نکنند بلا تامل مسهل بدهند چرا که طبیعت متوجه
باخراج مواد باشتغل است مدد طبیعت طبیب را لازم است که بر وجه کرده باشند
نسخه مسهل برای ذات الجنب صفراوی علی طریق معمول الاستاد و هذا صفته گل بنفشه
گل نیلوفر عناب سپستان اصل السوس آلوبخارا اگر سعال باشد گلسرخ انجیر زرد
شیره حرارت زیاده باشد گلقند آفتابی برگ سنائی در یک آثار عرق گاوزبان
عرق عنب الثعلب ریشه تر کرده و در وقت صباح بجوشانند بکم یا و نماید مالیده صاف نموده گاهی
شربت بنفشه داخل کرده یا ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده بار صاف نموده با صافه
روغن بادام بنوشند نسخه مسهل للبلغمی بنه گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خباری
عناب انجیر زرد مویز منقی زوفا خشک ارسا مگوت سپستان منظوریون و قنقی بر سیاوشان

برگ خبازی ملکی گل بنفشه گلقند اصفهانی همه را در عرق کاوزبان عرق عنب الثعلب شب تر کرده و دار زند

صباح بجوشانند بکشند تا به ثلث بماند مالیده صاف نموده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده

باز صاف نموده روغن بادام داخل کرده با ضمادنه تربد مقشر سقمونیا بروغن بادام چرب کرده

سرد وارد نموده بنوشند مسهل سودا انبه حلیله سیاه کابلی بسفایج افتیمون تخم خطمی تخم خبازی

عناب سپستان اصل السوس گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه برگ فرنجمشک ابریشم مقرض

سنای مکی بسفایج هلیله برسیاوشان زوفای خشک مویز منقی برگ سنا ملکی گلقند اصفهانی گل سرخ

در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شب تر کرده و دار زند صباح بجوشانند

بکشند تا به ثلث بماند مالیده صاف نموده شربت گاوزبان شربت بادرنجبویه داخل کرده

ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده باز صاف نموده روغن بادام داخل کرده

با ضمادنه تربد سقمونیا لاجورد مغسول بروغن بادام چرب کرده سرد وارد نموده بنوشند

فایده اگر احتیاج مسهل سوم باشد و ماده زیاده باشد و طاقت مریض هم برای آن باشد

مضایقه ندارد و در همه اقسام و ذات الجنب بدهند و علاج مسهل منضج عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شربت بنفشه داخل کرده بنوشند و اگر حرارت مسهل و حرارت

از آن

مزاجی زیاده باشد مغز تخم کدو و شیره بر آن گزوده و داخل کرده می‌نوشند باید که طبیب بحرانات

اگر احتیاج باشد در روز سیم فصد بدهد و اگر احتیاج باشد سه روز بدهد و بعد از فراغت

مسهل اول یک جرعه را غسل داده و یوم بحران ملحوظ داشته و ملاحظت مریض بسیار ملحوظ

کرده باید داد و ذات الجنب بیماری مهلک است باید که طبیب جمیع اعضای را ملاحظ

کرده و وقت مناسب تنقیه نموده تدبیر علاج آن کرده باشند و بعد از تنقیه ماده اگر

باقی باشد از ضمادات محلله موافق مرض استعمال کنند فایده اگر احیانا

ذات الجنب منفتح شود باید که چنین علاج کنند که ماده منتقل شود و بعد از آن مسهل باید

داده بعد از آن لعاب شیره و شربت بنفشه و اگر سعال شریک باشد انجبار زرد عناب سپستان

۵ ۱۱۱ ۵ و ۱۱ ۱۰ ادام

داخل کرده به دستور معمول نبات کرده بخورد و بعد از آن مسهل بده چون ابد شد و غث

بعد مسهل اخراج شود و وقت شام کهچری بی روغن و اگر مس طبیعت ظاهر شود و ماده بسیار

طبیعت اگر محتبس باشد روغن بادام در لعاب شیره داخل کرده بدهد مضایقه نیست و اگر

سحب باشد تدبیر سعال که در معالجه سل مذکور است همون طریق معالجه آن باید کرد و بعضی ادویه

مجدره و منضج مثل دار چینی و غیره در ابتدا علت استعمال نباید کرد چرا که مانع نضج تحجر

و تغلیظ خواهد شد و اگر ماده نزله مانند لیدار رقیقه ماده نزله خواه بقصد یا بی سبیل اگر

رقت قوام عارض شود برای تغلیظ قوام اگ واخشخاس و شربت خشخاس استعمال نماید

مضایقه نیست و ابتدای مرض بیز ادویه کثیر الحراره استعمال نکنند چرا که لطیف از

سبب حرارت جذب شود و غلیظ منجمد شده موجب صلابت و موجب عدم

نضج و عسر اخراج خواهد شد طبیب را مناسبست که بجمیع وجوه مراعات ملحوظ داشته

معالجه کند اول باید که تلطیف ماده کند هم اخراج ماده بقصد تسهیل باید کرد

وقتی که ماده منجمد شود چرا که ماده منجمده عسر الخروج است ط نسخه برای تسهیل نفث

و نضج ماده عناب اصل السوس الجرد زوفا منقی نبات در نیم آثار آب بجوشانند

٧ دانه ٦م ٣ دام ١٠ دام ٣ دام

نیم باو باید صاف نموده بنوشند اگر حرارت زیاده شود عوض نبات مربای خشخاش کرده

شربت بنفشه و شربت نیلوفر داخل نماید و اگر سرفه باشد شربت زوفا و شربت

عناب داخل کرده استعمال نماید ط نسخه مشروبه معموله مستعمل مطب که حضرت قبله در معالجه

شیخ نصرالله صاحب استعمال فرموده بودند و از نشان را اول در التهاب بوده بین سبب

نزله حاده که نزول آن از راس بود منتقح شده و خروج مده و قدری دم در آن شروع شده بود

و اطلاسفید

والا استسقا و بعد از منتفخ شدن فصد باسلیق جانب مخالف و حجع فرموده و بعد از
سه روز فصد دیگر باسلیق جانب موافق میفرمودند و بعد از سه روز استعمال حنا
در جای با حجامت مع شرط میکردند و بعد از آن استعمال فرمودند بطور معمول نیز
استعمال میفرمودند عناب در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده بنوشند
لیکن مستحب را بسبب نزله حادثه این مرض بوده من بعد بیخ انجبار صمغ عربی
بهدانه سپستان تربت ترنجبین در عرق بارهنگ بجوشانند هم باو بمانند بار تهک پاشیده
بنوشند دیگر برای تسهیل نفث عناب اصل السوس تخم خطمی تخم خباری گل بنفشه
زوفا خشک در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده شربت زوفا
شربت عناب داخل کرده بنوشند دیگر نیز برای تسهیل نفث گل بنفشه اصل السوس
زوفا خشک گاوزبان مویز منقی در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده
شربت بنفشه شربت زوفا داخل کرده بنوشند اگر حرارت زیاده باشد مغز تخم
کدو شیرین شیره برآورده بنوشند دیگر برای تسهیل نفث و سعال عند شدة [illegible]
عناب اصل السوس گاوزبان زوفا خشک مویز منقی پرسیاوشان در نیم آثار آب بجوشانند

سه بار و نیم باید ترنجبین خراسانی عند شدت القبض بشرط سعال نباشد و داخل کرده بدهد

و اگر همراه سعال قبض طبیعت باشد تدارک آن سعال کرده شربت زوفا شیر عناب

داخل کرده استعمال نماید و عوض آب عرق گاوزبان و در عرق گاوزبان جوش داده

صاف نموده ترنجبین و هر دو شربت حل کرده بنوشند و اگر سعال زیاده باشد

و قبض نیز در شکسته باشد در آن نسخه دواء الجریه عناب داخل کرده درست نموده بدهند ط

نسخه دیگر بهدانه اسبغول در عرق بادرنگ عرق عنب الثعلب لعاب گرفته تخم الخیار

شیره برآورده صمغ عربی دم الاخوین کهربا گل ارمنی پاشیده بنوشند ط

فائده باید که اول در ابتدای مرض جالبات قویه و ادویه مبرده قویه استعمال

نباید کرد و مبادا از سبب استعمال آن موجب تهیج و استسقا نشود باید که ادویه مقویه

معده رعایت تحریک نزله و اخراج مده استعمال باید کرد ط نسخه دیگر تخم الخیار و خرفه

بادرنگ عرق عنب الثعلب شیره برآورده صمغ عربی گل ارمنی سائیده پاشیده شربت

الخیار داخل کرده بنوشند ط نسخه دیگر لک لک بهدانه عناب تخم الخیار صمغ عربی

گاهی در این نسخه حب الآس داخل میکنند در جسم آثار آنچه بجوشانند باید صاف

سوده شربت انجبار داخل کرده و اسپغول بسته برآورده کهربا دم الاخوین گل ارمنی
حک کرده سائیده باشنده با صافه و با قوام بنوشند تا ایضا بهیدانه صمغ عربی بیخ انجبار
عناب سپستان ورق بارتنگ و عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف بماند صاف نموده شربت
انجبار گل ارمنی دم الاخوین قرص کهربا سوده داخل کرده بنوشند تا دیگر بهیدانه لعاب گرفته
عرق بارتنگ عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان شربت انجبار بیخ انجبار بسته برآورده گل ارمنی
داخل کرده بنوشند تا دیگر لعاب عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بارتنگ بهیدانه لعاب
گرفته شربت انجبار شربت گاوزبان مغز تخم کدو بسته برآورده داخل کرده تخم بالنگو
برای رعایت حرکت خفقانی داخل کرده بنوشند تا ایضا لعاب [illegible] خرفه مقشر
دانه خشخاش ورق بارتنگ عرق عنب الثعلب بسته برآورده گلنار فارسی بهیدانه بسته برآورده
زهر مهره خطائی شربت خشخاش شربت انجبار داخل کرده بارتنگ باشنده بنوشند تا
ایضا بهیدانه عناب رب السوس ورق بارتنگ عرق عنب الثعلب بجوشانند سوم حصه بماند
صاف نموده شربت خشخاش شربت انجبار داخل کرده گلنار فارسی سوده باشنده بنوشند تا
قرص [illegible] من تالیف الوالد [illegible] کهربا [illegible] صمغ عربی گل ارمنی دم الاخوین گلنار مرجان سوخته

قدری علی [...] شربت سازند اعراض سرسینه بهدانه از لعاب سوده بار بتب اضافه کنند

سوده صاف نمایند و بنوشانند تا آثار تب و ورم سپستان عناب بهدانه لکن ایضا

زده داخل شربت خشخاش شربت انجبار [...] کرده و داخل پرآورده شیره کاهو تخم [...] تخم خرفه

برو کوبا دم الاخوین و گل ارمنی شربت انجبار ویا قرص [...] بنوشند تا بو [...] باضافه

سوده بخورند تا فایده در علامات ذات الجنب [...] یکی حمی لازمه بسبب مجاوره

قلب و سبب عفونت ماده و سبب سریان ماده عفونه بطرف سایر بدن و دوم وجع

ناخس تحت اضلاع بسبب صلابت ان عضو و علی هذا القیاس در غشا مستبطن و سبب تمدد ورم

وسیوم ضیق النفس میشود بسبب ضغطه ورم مجاری نفس را چنانچه حجاب ذات الجنب سرایت کند

و ارو یا الذات نفس چهارم سعال بسبب تأذی ریه بسبب مجاوره ریه و سبب ترشح ماده

بطرف ریه اگر ماده غلیظ است همراه [...] نفث خواهد آمد و اگر ماده رقیق است

همان سعال بی نفث خواهد شد حتی که ماده تا وقتی که غلیظ و نضج نخواهد شد همراه سعال بیرون

نخواهد شد پنجم نبض منشاری که نبض مختلف در سرعت و در تواتر و در عظم و در انبساط

و در انقباض و در صلابت ذاتا و در اختلاف سرعت و در تواتر بسبب تشنج است

برای هوای بارد و یا اختلاف سبب شدن ورم در عضو صلب پس بسبب ورم در عضو صلب

تمدد شدید در شریان خواهد شد و شریان غاصی از حرکت بسبب اتصال خود بعضو صلب

که متوارم است از انبساط تام خواهد شد و اگر ورم در حجاب حاجز است اطراف حجاب

~~حاجز است~~ حاجز اگر ورم در حجاب مستبطن است آن نیز مختلف الاجزا است در صلابت

و در لینت ها فایده لازم که در جمیع انواع ذات الجنب آب سرد ندهند عوض آن عرق

عنب الثعلب عرق گاوزبان و عرق نیلوفر همداده باشند و آب سرد موجب وجع شدید

و موجب تفتح ماده بسیار است فایده ذات الجنب سوداوی ردی بسیار است از مرض

بلغمی و هی عسر و تغلظ المادة و خباثت المادة و عسر النضج و ذات الجنب بلغمی اسلم الانواع

است و ذات الجنب صفراوی هر چند که علاج آن مشکل است لیکن ممکن است که اگر طبیب دانا باشد

علاج آن میتواند شد و به خواهد شد فایده ذات الجنب گاهی بسبب ورم عضلات

که در میان اضلاع صدر است و در میان غشا که محلل است بر اضلاع است من خارج یکی

الجلد نام آن ذات الجنب غیر الصحیح و غیر الخالصه گویند و در ان ذات الجنب همراه سعال نفث

نمی آید بواسطه بعید شدن عضلات از ریه فایده و ذات الجنب بعضی اوقات در خارج

حجاب الحاجز حاجز مختلف الاجزا است

حسب ورم ظاهر میشود و بسلوم میشود از نس اصابع و بعضی اوقات آن ماده که ظاهر و ورم است

منفجر میشود لازم است که آنرا علاج از خارج به نشتر قطع نمایند و بار بار شرط پاک نمایند

و بعد از آن علاج دیگر آنچه مناسب باشد برای پاک کردن و برای التیام کردن کرده باشند

و فصد نیز در ابتدای مرض باید کرد و باقی علاج علی ذات الجنب الخالص کرده باشند و

اکثر اوقات معالجه آن بضمادات باید کرد چرا که خارج است و ظاهر است

فایده انا شوصه اللازم است در جایی که بر اضلاع خلف است و تحت حجاب جراحت

الحاور میشود و آنرا شوصه گویند و بعده ورم شوصه وقتی که منفجر میشود اکثر اوقات

بطرف صدر و بطرف ریه می آید چرا که اتصال آن و انضمام آن از ریه و صدر بیشتر است از

معالجه آن بحقنه و مسهل میکنند و علاج آن بفصد به نسبت حقنه و مسهل فضیلت نمی دارد و از

بد بهتر نیست چرا که حقنه و مسهل جذب مواد از جایی بجایی که بطرف اسفل و دفع میکنند خلاف

المقصد است فایده اگر علت مرض مایل شود باعلی و فوق معالجه آن بفصد عظیم النفع است

باید کرد و اگر علت مرض مایل شود باسفل فصد در آن نفع نمیکند بلکه معالجه بحقنه و مسهل و ضمادات

و غیره مناسب المرض کرده باشند فایده ذات الجنب بیماری مهلک است معالجه آن بجمیع

آن

مراعات ملحوظ داشته باید کرد چرا که اگر فصد کنند از ~~فصد کنند~~ از فصد واحد انقلاع ماده نشود

دکافی نیست و اگر مسهل دهند مسهل ثوران اخلاط و تحریک آن میکند و دران خطره بسیار است

پس طبیب دانا باید که لحاظ کند که قدر ماده و کمیت ماده این قدر است موافق

کمیت آن مسهل دهد که همان قدر ماده همان قدر مسهل قوی باشد که زیاده از ماده اخراج

نکند و نه کمی از اخراج کند چرا که احیانا اگر ماده زیاده باشد و مسهل غیر قوی بدهند

اگر مسهل اثر نکند و جزوی اجابت نکند بسیار ضرر خواهند شد و اگر مسهل اثر کند اثر

غیر قوی که ماده زیاده است و مسهل ضعیف است که ماده مرض را متحرک میسازد و بالکلیه

داخراج بالکلیه نمیکند انچه ماده متحرکه باقی ماند از اخراج آن ماده بسبب حرکت خواهد

کرد بطرف قلب بالتمام و قلت آن ماده مضار را جذب خواهد کرد و از اوقات

بسبب رجوع ماده بطرف قلب مریض هلاک خواهد شد پس لازم است که اگر طبیب

دانا باشد تخمین ماده مخرجه نموده مسهل بدهد والا نه حقنه که دران خطره قلیل است و

سریع التاثیر است بتقریب الموضع باید کرد و ط فایده اگر اوقات ضماد فایده نمیکند

چرا که اثر ضماد بسبب حائل شدن جلد و غشا و عضل و عظم نمیرسد احیانا اگر ضماد و محلل استعمال

کنند محلل ورم از آن نخواهد کرد چرا که ماده کبیر است و از اراده و به جا و به ضماد کنند

آن نیز از آن نخواهد کرد چرا که ماده کبیر است و در جذب کردن کنند با تمام عاجز خواهد شد

و در صورت استعمال و عدم جذب بالکلیه طرف خارج خطر عظیم و شر عظیم پیدا خواهد کرد و از

اراده و به منضج استعمال کنند علی بعد بر نضج اند خام از آن عفن قبیل خواهد شد و بعد از آن انفجار

باید منفتح خواهد شد و در آن خطر عظیم است بلکه لازم که اول باید که از جمله شرط کبیره استعمال

کنند پس بعد از ضماد کنند با کبیر زرد و حزل کنند حتی که منفتح شده همه ماده از راه

آن اخراج شود و بسیار بهتر خواهد شد ط فایده اگر ورم در حجاب قاسم صدر منقسم باشد

و مثل آن غشا که حجاب ذات اضلاع و عظام قص آخر غضروف خنجری که متصل است بخلف

فقار نصف آن بمحاذات فوق که ملتقی است بنیر قوسین و آن فی الحقیقت دو غشا است

اگر ورم بطرف جانب قص باشد از او ذات الصدر گویند و اگر ورم بطرف جانب فقار باشد

از او ذات الوصی گویند معالجه آن بدستور ذات الجنب بجمیع تدبیرات با ابتدا و با آخر

کروه باشند ط ضماد و یا محلل و منضج منه با بونه اکلیل الملک عنب الثعلب تخم خطمی تخم خبازی

سنبل الطیب سعد کوفی شحم زر نورم بعد از آب برگ عنب الثعلب سبز ساباده با ضماد نه

اما

روغن بابونه ضماد نماید ط ضماد ذات الجنب گل بنفشه گل نیلوفر عنب الثعلب سماق ماميثا

آرد جو از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن گل ضماد نماید ط دیگر بنفشه

آرد جو عنب الثعلب سماق ماميثا از آب برگ عنب الثعلب سبز با اضافه روغن گل ضماد نماید ط

دیگر صندل سرخ صندل سفید عنب الثعلب گل بنفشه سماق ماميثا آرد جو سحق کرده بر

سفیدی بیضه مرغ از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن گل ضماد نماید ط

ودر ذات الجنب ریحی ادویه کاسر الریاح کنند و از [illegible] سه نسخه که کاسر الریاح است

استعمال کرده باشند و نسخه معمول و مجرب الاستاد من المطب استعمال نماید اصل السوس

بادیان شکر سرخ کاهی والد الاستاد عوض شکر نبات سفید داخل میفرمود [illegible]

[illegible] من المعمول الاستاد [illegible] اصل السوس بنفشه شکر سرخ سنا مکی ترنجبین بدستور

معمول تیار کرده استعمال نماید ط ودیگر نسخه الاستاد عناب سپستان اصل السوس گل بنفشه

ترنجبین [illegible] جوشانیده بدهند ط ودیگر مسهل ذات الجنب من الاستاد سنا مکی

عناب سپستان عنب الثعلب گل خطمی تخم [illegible] خیار شنبر نیلوفر [illegible] حب

[illegible] مغز بادام بدستور معمول تیار کرده بدهند ط [illegible]

جهة تسکین آب هندوانه با شیره خرفه و سکنجبین ساده و آب خیار مخلوط ساخته بخورند اگر اضطراب

نفث مزمن باشد جهة تنقیح شربت زوفا و بنفشه و دیگر عناب اصل السوس گل بنفشه

سپستان نبات ورب السوس آب انار بجوشانند بهم باید بعد صاف نموده بنوشند

دیگر منضج [illegible] اصل السوس [illegible] زوفا خشک عناب

نبات ورب السوس آب انار بجوشانند بهم باید بعد صاف نموده بنوشند مسهل [illegible]

الاسناد [illegible] عناب سپستان [illegible] شربت خیار شنبر روغن بادام

بدستور [illegible] اما اگر درد سینه [illegible] در ابتدای او حدوث درد اول

باید که شانه گوسفند را از آب گرم کرده بر محل درد بگذارند پس اگر درد باقی ماند

ساکن گردد و بهتر والا نه بداند که [illegible] است که در عضلات و زیر [illegible] حادث گردیده   نفخی

سبب آنست که علاج حجامت پس [illegible] بکنند و شرب [illegible] و تریاق اربعه باب گرم [illegible]

نماید و اگر تسکین نیابد بلکه اشتداد [illegible] و علامات اورام [illegible] ظاهر گردد و بعد از [illegible]

امور توجه بر [illegible] مقصد کامل کنند و اگر ضعف قوه [illegible] دفع نکنند [illegible]

انواع خون نباید [illegible] از جانب مخالف و [illegible] آن [illegible] در [illegible] باید

بدان

بعد از ان با سبلق محاذی و عمق و شربت ماء الشعیر و لعاب بهیدانه با شربت بنفشه و نیلوفر

و در ابتدا ضماد لبقد وطی معمول از روغن بنفشه بادام و موم سفید و قلیلی از کتیرا اسفید

و بعد از ابتدا که نضج شد ضماد منضج مثل خطمی و کتان و موم سرخ و با التضمید این ضماد بنفشه

خطمی از هر یک یک جزو اصل السوس دو جزو اره با قلا و آرد جو از هر یک یک جزو و نیم

بابونه و کتیرا از هر یک یک جزو نرم کوفته در آب بخته روغن بنفشه بادام دو جزو داخل

کرده استعمال نماید و بنین طبیعت بجهت با مزلقو که از بنفشه و نیلوفر و سپستان و عناب

چهار سنبز و ترنجبین و شیر خشت و روغن بادام اضافه نموده استعمال نماید بهتر تربت نموده ۲

بسیار نافع است تا ضماد مجرب جهت ورم صلب من الاستاد و تلیین صلابات و در روسینه نماید

زوفا رطب بیه زردک بیه مرغ از هر یک ده مثقال که داخته هم گرم ضماد نماید ضماد

من الاستاد آرد جو آرد باقلا بنفشه تخم حلبه خطمی سفید تخم ملیو فر حلبه تخم سوس گندم

کوفته بخته و روزی آب بخته و موم و روغن بنفشه قیروطی ساخته استعمال نماید ضماد

دیگر من الاستاد از آرد جو برد و را ساییده بخمیر شود ضماد نماید تا

ضماد بنفشی من الاستاد بابونه اکلیل الملک بادیان نرم کوفته روغن بادام یا روغن گل

با روغن یاسمین ضماد نماید تا ضماد لذات الجنب من الاستاد وحل بنفشه سبوس گندم آرد جو

گل خطمی سفید آرد باقلا بابونه اکلیل الملک تخم کتان تخم حلبه کوفته بیخته با آب سایند

روغن بنفشه موم سفید کافوری داخل ساخته ضماد نمایند تا ضماد دیگر من الاستاد

بنفشه تخم شبت آرد جو تخم کتان تخم خطمی سبوس گندم تخم حلبه کوفته بیخته با آب سایند

قدری روغن بنفشه انداخته اندکی گرم کرده ضماد نمایند تا ضماد دیگر من الاستاد آرد باقلا

آرد جو بنفشه تخم حلبه خطمی سفید گل نیلوفر گل سرخ سبوس گندم کوفته بیخته در قدری الخ

موم سفید و روغن بنفشه قیروطی ساخته استعمال نماید تا ضماد لذات الجنب من الاستاد

بنفشه بابونه تخم شبت آرد جو تخم کتان تخم خطمی تخم حلبه سبوس گندم کوفته بیخته با

آب سایند با روغن گل آنچه اندک گرم کرده ضماد نماید تا ترکیب حقنه جهة [illegible]

بعد از فصد ملین حقنه نماید بنفشه تخم خطمی گاوزبان بنفشه گل بابونه اکلیل الملک برگ [illegible]

[illegible] تخم حلبه خارخسک [illegible] بادو کالنه آب جو [illegible] نصف نماید

صاف نموده فانیذ ترنجبین فلوس خیارشنبر اضافه نموده روغن بادام

روغن گل چهار توله عمل نماید تا چند فواید از کتاب غنا منا جهة ذات الجنب و ذات الصدر

الخ

نوشته شد

قال ابن سرابيون انما يجب القصد

اذا كانت العلة في الابتداء والمادة لم يستقر بعد في مكان فيكون من الجانب المخالف

ليجذب ثانيا بعد المستقر في مكان من الجانب المحاذي له فان كان الوجع والتحسس في

ناحية طلوع الخلف فاسهله بالطبيخ المذكور في باب السعال ثم الرئه بماء الشعير بعد قرب الموضع

من الاسهال واقتصر الى اليوم الرابع ان كان قويا فاذا ابتدا ينفث فاسقه ماء الشعير

المطبوخ مع العناب والسبستان والزبيب الابيض والبنفسج اليابس واصل السوس والتين

اليابس بدهن اللوز يسهل النضج والنفث فان كان النفث يعسر فاسقه طبيخ الزوفا

الذي ذكرت صفته في باب الربو وان كان ضعيفا فاغذه الخبز بالخبيص مع السكر

احقنه بالحقنة اللينة مثل البنفسج والحلبة وبزر الكتان والخطمي والعناب ودهن الخل

واستعمل المزوج بالسمح المضغ ودهن الورد ودهن البنفسج والكثيرا وافضد موضع الوجع

بالبابونج ودقيق الشعير واصل الخطمي والبنفسج واصل السوس ودهن الخل واغذه في

الابتداء بالاحساء الرطبة الغايرة ببعين على النضج ونفث المادة مثل الحسا الرقيق

المتخذة بالعناب وماء النخالة ودهن اللوز الحلو وفي الايام الاخر بالفروج والاسفاناخ

بدهن اللوز وسقه الجلاب وماء السكر واجود شراب النفسج وافضل منه شراب الحماض

وخاصة الكان معه الشهير والكان لقفة احمر ناصعا وسائر النفث في الرابع فان الامر

فيه سهلا وان اتاه البحران في السابع او الحادي عشر ولم يتاخر عن الرابع عشر وان

تاخر النفث الى الثامن وطال مرضه وبقي البحران الى الثلثين فان كان نفث

شيء يشبه الصفراء او سود وكان الثاني الصائل لذلك ودام عليه ولم ينقطع

الحمى والحراره الى اليوم السابع فانه مخوف خطر فان رايت النفس مع ذلك

لا ينفتح فحدث في الصدر خرخره واحمرت الوجنة وشخصت العين فانه هالك

فان ظهرت في جنبه من خارج حمره او نتو وكان يتوجع اذا غمز عليه فوضع اذا

فيه ضع عليه الحجامة ومصها او ضده بالتين والخردل حتى يقرحه ورش العليل في

انفه العطاء ما العسل الرقيق الذي هو مثل الماء ينبغي الموضع من الدهن والوسخ و

وان احتبس النفث حتى يؤدي الى غطيط او الخرخره فاعل ز و فا وخردل وحرف

وعسل وسقه واشر الوان النفث وحشها الاسود وخاصة اذا كان منتنا ثم

الصفره وخيرها الاحمر الناصع وشر من هذه ان يتاخر النفث الى السابع فاما الخرخره

الثلثين

فانه ١١٥

في اول الامر غير مخوف الا انه حدث في آخره فهو مخوف والتهاب النفس معه لا ينفع فالموت
قريب خاصة اذا اسود مكان من جنبه قال بقراط من كان به وجع جنب لسبب ما به فاصابه
اختلاف من رطوبة المعدة فذلك شر قال الذين يصيبهم جشا حامض فاولئك لا يصيبهم وجع
الجنب قال لا يعرض لمن يطيبه في الطبع لين ذات الجنب ولا ذات الرئة ولا الحمى الملتهبة
ولا السل من الامراض الحادة وقال سهولة النوم على الجانب العليل في ذات الجنب
علامة قلة العلة في العظم والرداءة وبالضد وقال اكثر من سلم من المتقيحين من ذات الجنب المتقيحين
من هم من فارقته الحمى من يومه بعد الانفجار واشتهى الطعام بسرعة وقال اذا اجتذب
من ذات الجنب ذات الرئة فانه رديء لانه يدل على عظيم الورم وكثرة الاخلاط وقال
احذر على الناقه من الشمس والريح والدخان ونفخ البطن والتخمة الحاج والنسج فانه
ان نكس مات وقال النفث الابيض اللزج المستدير ليس بجيد لانه يدل على انه بلغم محرق
قال كل نفث لا يكون به سكون الوجع فهو رديء وبالضد وقال اذا كان وجع الجنب الى الجنب
بالتكميد والاسراف بالجرح لكنه ويزاد لزوجته فانه ان لم ينحل الوجع اما بتليين الطبيعة واما
بالفصد حسب ما يحتاج اليه واعطي ماء الشعير وهو على تلك الحال مات سريعا قال لم ينحل الوجع

بلغ

استعمل السكنجبين بالماء الحار في مثابته اذا نضج او ماء نخالة قال جالينوس من اصابه ذات الجنب
ولم ينق في اربعة عشر يوما آل امره الى التقيح وان لم ينق في اربعين يوما من يوم يبدا
النفث آل الى السل قال محمد بن زكريا معناه ان صاحب ذات الجنب ان لم ينق في
في اربعة عشر يوما يتقيح واذا تقيح ولم ينق بعد ذلك الى اربعين يوما فرح رئته قال جالينوس
من مات من اصحاب ذات الجنب خاف الموضع العليل منه يحفظ من خارج وقال اذا
رايت المرار غالبا على البدن فلا تفصد وكذلك ان كان الزمان شديد الحرارة
وقال انا افصد من ذات الجنب الى العاشر ولا احفل بالقول به هولاء ابعايكم
انه لا ينبغي ان يفصد بعد الرابع وقال احمد بن ... بما اتفق عليه الاطباء ان الاورام
اذا تقيحت يحدث في وقت تقيحها ما فضل تبعها الحمى قال محمد بن زكريا يريد بالقيح انفجار الد
قال جالينوس الضربان لا يحدث في ذات الجنب والكائن في الورم حار الا انه ليس هناك عرق
ضارب قال محمد بن زكريا انما يحدث هناك نخس وقد حد الضربان قال جالينوس الابزن
اذا ناد بزوجته وحسر ابن عرفت من دلائل النوحة الرديه قال محمد بن زكريا يعني
ماء الكشك في هذه العلة بقلل العليل قال جالينوس متى مع المو ضعة حمى قويه جدا فاحذر ماء الكشك

حار

كل الحذر من سقي دواء المسهل وترك استعمال الفصد فانه وان كان النفع في الفصد اقل منه واستعمل

في الاسهال فليس في الفصد خطر ويعرض في الاسهال الخطر الكثير وخاصة اذا لم يكن عارض قد

قطع العليل فلا يدري كم مقدار ما ينبغي ان ينقيه فان كنت عازما على ان تسهله فاسهله بالايارج الذي

فيه الحرق الاسود ولا يكون فيه سقمونيا وقال اقول ان الخل اذا خالطه ماء العسل

كان في غاية النفع لهذه العلة قال الطبري اذا عرض مع ذات الجنب غشي شديد فانه

قاتل وخاصة ان كان متداركا قال الاسكندر اذا فصدت ونقي البدن فوضع المحجمة

على الموضع الوجع بعد ذلك يبرئ الجنب من سرعة البراء فانه لا يحتاج الى علاج غيره

ولذلك اعتمد اهل الارمينية على ذلك من غير الاطباء وربما قد عرفوه بالتجربة ووثقوا به

قال سنمسطون ان حسن نضجت المدة فاكثر التضميد والتنطيل قال ثابت يقوم الحجامة على الكاهل

في ذات الجنب مقام الفصد قال ابن سرابيون اذا كان مادة في الصدر من الكثرة

ما لم يمكن ان تخرج بالنفث ويعلم ذلك من صوته وخضخضته اذا انتقل العليل من جانب

الى جانب نحو الصدر فليكوى وينفذ واخرج ثم عولج قال محمد بن زكريا اياك وشراب الخشخاش

في هذه العلة بعد ما يبدا النفث فانه يمنع النفث ويزيد العلة ثقلا وانما يحتاج الى

شراب الخشخاش في اول الامر وتغليظ اغذيته ومنعه بعضها من الالعاب وقال اذا دفع

البزاق فعليك بالرطب حيدك فان من تجارب البيمارستان لا شيء للعليل شراب

حتى يسكن عنه الوخز والتهيج البتة فقال اصلي ان ضماد الخردل يكون نافعا جدا عندما انخاف بلغ

النضج وانه يحدث ذلك الخلط الى الخارج وقال الفواق في ذات الجنب يكون في

الاكثر عيانا في رابع علامة من علامات النضج اي علامة كانت من قبل ان يأتي

النوبة اثنانية فانه يدل على ان المرض يقصر سليم واذا اقبل النفث ويزداد

غلظا وكثرة وهو في طريق النضج فاذا نفث نفثا كثيرا سهلا بلا وجع فذلك

النضج التام فاذا نقص النفث وكان في غلظه وسهولته ولم يبق من الوجع

البتة فقد انتهى المرض والخطر وقال ذات الجنب الذي لا نفث معه يقتل عاجلا

في الاكثر ويبلغ الوجع فيه الى التراقي او يتحدر الى الشراسيف وقال اذا كان

الوجع في الاجزاء العالية استعملنا الفصد واذا كان في السفلي وعلامته الوجع

ضلوع الخلف استعملنا الاسهال وقال اذا لم ينفث العليل في اول الامر شيئا

ونفث في اخر الامر شيئا كثيرا فذلك رديء والنفث في اول الامر شيئا

بالنفث

كثيرا لم ينقص مقداره فذلك جيد وقال بعث المدة المخالطة من الصديد اولا واخرا
اصلح من بعثها مختلطا وقال الحجام ببعض اصحاب ذات الجنب على النفث وينبغي ان يحجموا
بعد الاستفراغ وبعد ظهور النضج اذا لم يكن مرضه حادا جدا ولا قوتهم ساقطة وقال
وضع المحجمة بعد استفراغه اصوب الاشياء في جميع الخراجات التي في الاجواف ليجذب المادة الى خارج
وقال ينبغي ان يسقى صاحب ذات الجنب السكنجبين في الشتاء فاترا او في الصيف باردا او نقيع
ماء البارد واذا اضطرت اليه فنقيعه افضل ما امكن اذا كان العطش يسكن بالسكنجبين لان الماء
البارد يبطل النضج الورم ويمنعه واذا كان الماء معه السكنجبين لم يخش ذلك وقال
الكماد الذي ينبغي ان يكون بالخل والماء ورس والملح وقال التكميد يحل الوجع في الاضلاع
العليا كان او السفلى والفصد لا يحل الا وجع العالي نحو التراقي وقال اذا لم يحل التكميد الوجع
فلا تبطل استعماله لانه يخفف الوجع ويحبس المدة وقال يموت من يقيح من المشايخ من ذات
الجنب وذات الرية اكثر مما يموت الشبان وقال مما يعظم في هذه العلة خطأ الجهال
انهم اذا راوا فيه خشونة ربما غلطوا فحسبوا تحت الكبد فيعوه ودواء المسك او شبيهه حارا
فلا ينفعه قال محمد بن علي الرونذي ينبغي ان يكون الفصد في هذه العلة من الجانب المخالف فقط

فی ابتداء المرض وفی یوم الثالث بعد الفصد من الجانب الوجع ویکون ذلک برفق

ویستقصی النظر فقد رأیت من اصحاب ذات الجنب من فصد فمات من لیلته لان

الفصد مال الخلط الی ذلک المکان ولم یکن للطبیعة قوام فمات فاعلم

دستور العلاج نواب حسن علیخان بهادر مخاطب بخطاب رکن الدوله معین الملک

نواب حسن علیخان بهادر جنگ در وقت معالجه تجویز نموده بدستور معمول حضرت جد بزرگوار

غفرله وحضرت والد استاد سلمه ربه معالجه نمودم چنانچه صاحبزاده بلند اقبال وعالی

منزلت را بسبب صلابت کبد ومعده وطحال وسوء مزاج اینها حمی بسا فوج

عارض بود ومزاج آن حضرت واطلال صفراوی شدید الحرارة بود واکثر اوقات ورم وصلابت

کبد حار صلب ومعده وطحال مع مزاج شدید الحرارة ولاغری بدن وتواتر نبض وهم

قارورة وحمی شریک باشد بشرط کثرت تبرید ان منجر بحمی سهارخ میشود خصوصا ان شوکت

وحشمت را بهمین عوارض لاحق بود وعلاوه بر ان که بسبب علامت ظاهری تا به شش ماه

اطبای فرخ آباد از سوء تدبیر خود خطای فاحش نموده استعمال برودات ومرطبات

قویه بطوری که معالجه حمی دق کرده بودند چنانچه علامت ظاهری صاحبزاده بلند رتبه

حقیقت

تفصیل حصلت رابع صلابت کبد و معده و طحال لاغری بدن بسیار و حمی شابه حمی شاقع

و نقاهت بدرجه کمال و تواتر نبض و صفائی قاروره و تلین طبعیت بوقت اجابت و بسبب صغر رنگ

بسیار و سعال نیز عارض بود جهلای اطبا رشد نقصان عقل و نادانی حقیقت دستور معالجه خطای فاحش

و سود بند نیز باستعمال مبردات قویه و مرطبات کثیره بظهور آورده احیانا اگر چندی بند نیز

ناصه بطور مسطوره بطبق جهلای ناقصین و اطبای ناجنبین که شمه از دستور العمل معالجه

واقف نیستند و گاهی از اطبای ماهر و کامل بدستور العمل تعلیم نیافته و صحبت الرسته

براوست و کرش می پرداختند منجر باستسقا و تهیج چهره و اطراف به اسباب و علامات

گردید که در آخر درجه ثانی و حمی دق رسید بملاحظه ضعف و کبد منسوب و در شدت لابد

صاحب ثرای امین الدوله خرد سنه خان بهادر بیرجنگ شروع معالجه باینجانب نموده

فدوی معالجه صاحبزاده دام اقباله را پیش دستور حضرت والد سلمه ربه تشخیص مرض

کرده مشغول بمعالجه شدم بفضل الهی و مدد حضرات در عرصه یکماه شفا کلی شد

لیکن بسبب رفع شبهات قرائی خود که سابق صاحبزاده صاحب را یک مرتبه

سوزاک بود کیفیت مزاج را بدنبر خود موافق عقل ناقص که در فهم و وهم می آید

میکردم بفضل الهی و به وجه حضرت رسول خدا صلوات الله علیه و آله شفا کامل و صحت عاجل

بخشید حالا بطور تحفظ صحت معالجه میکردم بعد از فراغت آن برای تنقیه بدن از مسهل صحت

خواهم داده و اگر از دقات ماده تا زا از نجیه مرتبه بشرط مزاج صفراوی و حرارت شدید

هیجان بدن و لاغری آن میشود و در آخر درجه بسبب احتراق ماده تار از نجیه مزاج شدید

الحراره حمی مشابه بحمی سانج و علامات دیگران مع همه اسباب رو به میشود و خصوصا

صاحب مزاج صفراوی شدید الحراره را بسبب احتراق ماده تار از نجیه بهوتور رطوبی میشود

بلکه سبب احتراق ماده و حراره رطوبت اصلی را خشک میسازد و بدن را بسبب

ماده احتراقی تار از نجیه لاغر میکند بعض اسباب رو به آن مثل اسباب رو به حمی سانج بلکه

اگر از دقات منجر بدق خواهد شد معالجه آن بجمیع مراتب مزاج ملحوظ داشته بدستور

معالجه خود مشغول بعلاج شدم بفضل الهی بجمیع مراتب و بجمیع امراض و اسباب رو به

شفا کلی شد روز اول عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی شربت بزوری

معتدل داخل کرده بنوشند تا سه روز بعد از سه روز و را نسخه زرشک مدانه

تخم کاسنی مکوفه نیم بنفشی تر کرده دارند ما لیده صاف نموده تخم خرفه تخم کدو شیره

با اراده

برآورده شربت بنفشه داخل کرده باضافه چهار کیله بنوشند ما به نیم روز و گاهی تخم خرفه را
شیره برآورده اضافه کرده شد و بعد از سه روز علی الصباح مسهل بریافته شد
موقوف نموده این دوا دادم عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق نیلوفر مغز تخم کدو
شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت عناب داخل کرده باضافه و باقورا
بنوشند وقت شام بهدانه لعاب گرفته در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق نیلوفر
مغز تخم کدو شیره برآورده ریشه اصل السوس صمغ عربی شیره برآورده شربت بزوری
معتدل شربت زوفا داخل کرده بنوشند گاهی وقت شام و باقورا نیز میدادم
تا به سه روز بعد از آن علی الصباح بهدانه سپستان اصل السوس گل بنفشه تخم خطمی
در عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر عرق گاوزبان که جوشانند نیم پاو که ماند صاف نموده
شربت بزوری معتدل شربت زوفا داخل کرده چاکی با شیر بنوشند گاهی
عند حرارت مزاج مغز تخم کدو خیارین شیره برآورده در نسخه نموده استعمال
کردم و وقت شام همون نسخه اول داده شد بعد از سه روز بهدانه سپستان
اصل السوس گل بنفشه گل نیلوفر صمغ عربی زوفا خشک در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان

بجوشانند هم با و یمانند تا لعاب صاف شوده مغز تخم کدو تخم کاهو شیره بر آورده شربت

عناب شربت بنفشه داخل کرده باضافه خاکشی بنوشند تا به سه روز و عصر شام همون

نسخه سابق داده شد بعد از آن عناب سپستان اصل السوس گل بنفشه انجیر زرد

زوفا خشک گاوزبان مویز عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند هم با و یمانند

مغز تخم کدو شیره بر آورده شربت زوفا شربت بنفشه داخل کرده باضافه خاکشی

بنوشند وقت صبح گل بنفشه تخم کاسنی سپستان در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی

عرق نیلوفر عرق کیوره تر کرده دارند صباح تا لعاب صاف شوده مغز تخم کدو شیرین

تخم خرفه شیره بر آورده شربت زرشک شربت هر دو زوری معتدل داخل کرده باضافه خاکشی

بنوشند و عصر شام همون نسخه اول زرشک دادم تا به سه روز بعد از آن گل بنفشه گل نیلوفر

تخم خطمی اصل السوس تخم کاسنی زرشک ... در عرق عنب الثعلب عرق

کاسنی بجوشانند هم با و یمانند صاف شوده مغز تخم کدو شیرین خیار هم شیره بر آورده

شربت زرشک شربت هر دو زوری معتدل داخل کرده خاکشی پاشیده بنوشند و گاهی

قرص زرشک و عصر شام همون نسخه اول زرشک دادم تا به سه روز بعد از آن

گل نیلوفر

گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی اصل السوس تخم کاسنی زرشک بیدانه در عرق عنب الثعلب

عرق کاسنی عرق بادیان بجوشانند نیم پاو مالیده صاف نموده شربت بزوری

معتدل شربت زرشک داخل کرده با اضافه خاکشی بنوشند گاهی در این نسخه قرص زرشک

گاهی قرص سرطان و گاهی شربت بنفشه داخل کرده بنوشند وقت شام مروارید سائیده

یاقوت طباشیر ورق طلا ورق نقره شربت انار شیرین ممزوج نموده بخورند عقب آن

عرق گاوزبان عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق کیوره گلاب شربت بزوری معتدل شربت

زرشک داخل کرده بنوشند گاهی زهرمهره خطائی گاهی در این نسخه قرص کافور عند

حرارت القاروره و گاهی قرص سرطان عند تواتر النفس و حرارت القاروره

و گاهی قرص زرشک و گاهی قرص طباشیر لؤلوی عند غلیان الاخلاط بنوشند و گاهی

دیگر مروارید ورق طلا ورق نقره زهرمهره خطائی

شربت انار شیرین ممزوج نموده بنوشند عقب آن زرشک بیدانه مویز منقی

در عرق چندساله عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی گلاب عرق کیوره

تر کرده دو ساعت مالیده صاف نموده شربت بزوری معتدل شربت بنفشه داخل

کرده قرص کافور گاهی قرص سرطان گاهی قرص طباشیر لؤلؤ و گاهی قرص زرشک اضافه نموده

می نوشتند تا و هر لیله عند بروز وقت انقار وره تا به سه روز استعمال نمودم

بادیان بیخ بادیان اصل السوس کاسنی بیخ کاسنی گل بنفشه گل نیلوفر زرشک بیدانه

موبزمنقی درق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی بجوشانند هم باو نمایند صاف نموده

جبار بن تخم خربزه شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت بنفشه داخل کرده

باضافه خاکشی باشیره نوشند تا و شام همون نسخه در رد ابدو او نشده گاهی

زرشک بیدانه موبزمنقی گل بنفشه همه را در آب برگ عنب الثعلب سبز و ف آب برگ

عنب الثعلب سبز فرد ق عرق سبز مرکب ترکرده دارند مالیده صاف نموده شربت

بزوری معتدل شربت نیلوفر داخل کرده باضافه خاکشی بنوشند و اگر آب برگ

نیسر نشود فقط عرق سبز و عرق عنب الثعلب و عرق کاسنی کفایت میکند و گاهی

نسخه قرص طباشیر لؤلؤ و گاهی قرص سرطان و گاهی زهرمهره خطائی و گاهی بیخ

زهرمهره خطائی میدهند تا و هر لیله آب برگ کاسنی سبز مروق عرق گاوزبان عرق

آب برگ عنب الثعلب سبز مروق شربت بزوری معتدل شربت زرشک ممزوج نموده باضافه دو

و گاهی فادزهر گاهی قرص سرطان گاهی قرص کافور گاهی قرص گل... عند البتر گاهی

زهرمهره خطائی گاهی قرص طباشیر لولوی بدهند و وقت شام بر و ادویه ساییده با قوشنج

طباشیر دانه الائچی ورق طلا ورق نقره زهرمهره خطائی شربت انارین ممزوج

نموده بخورند عقب آن براده صندل زرشک مدانه در عرق گاوزبان عرق بید ساله

عرق شیر مرکب عرق کیوره گلاب تر کرده مالیده صاف نموده مغز تخم کدو شیره

برآورده داخل کرده شربت بزوری معتدل شربت زرشک داخل کرده

بنوشند و گاهی درین نسخه قرص سرطان یا قرص کافور یا قرص طباشیر لولوی و گاهی

قرص زرشک بدهند دیگر گاهی وقت شام نه عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی

عرق بید ساله عرق کیوره طباشیر زهرمهره خطائی مغز تخم کدو شیرین شیره برآورده

شربت بزوری معتدل شربت زرشک داخل کرده بنوشند دیگر گاهی گل سرخ گل نیلوفر

زرشک تخم کاسنی مویز منقی ورق ... انار آب تر نموده ... مالیده صاف نموده

چهار مغز تخم کدو شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت ... داخل کرده گاهی

با شکر بنوشند وقت شام نه ... ادویه ساییده با قوشنج طباشیر

ورق طلا ورق نقره شربت انار شیرین شربت سیب ممزوج نموده بخورند عقب آن

تخم خرفه مقشر در عرق شیر مرکب عرق کاسنی عرق کیوره گلاب تر کرده مالیده صاف نموده

شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا سه گاهی وقت صبح عند الحراره گل بنفشه

گل نیلوفر تخم کاسنی برگ شاهتره اصل السوس زرشک عناب هیچ کاسنی در عرق شاهتره

عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق شیر مرکب شب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده

شربت بزوری معتدل شربت بنفشه داخل کرده گاهی با شیر بنوشند تا وقت شام

تخم خرفه مقشر تخم کاسنی شکوفه گل بنفشه در عرق شیر مرکب عرق عنب الثعلب عرق کاسنی

تر کرده دارند مالیده صاف نموده مغز تخم کدو شیرین شیره برآورده شربت بزوری

داخل کرده با اضافه قرص سرطان گاهی قرص کافور بنوشند تا سه روز استعمال

نموده شد فرصت کلی گردید گاهی وقت صبح برگ شاهتره تخم کاسنی شکوفه تخم خرفه مقشر

شب در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق نیلوفر تر کرده دارند صباح مالیده صاف

نموده شربت بنفشه شربت بزوری معتدل داخل کرده با اضافه قرص زرشک گاهی

خاکی گاهی قرص سرطان داخل کرده بنوشند تا سه وقت شام گل بنفشه

تخم کاسنی نیمکوفته مویز منقی در عرق شاهتره عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق کیوره گلاب

تر کرده دارند بعد از چهار گهری مالیده صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل

کرده بنوشند گاهی قرص کافور گاهی قرص سرطان گاهی قرص طباشیر لولو گاهی

عنبر اشهب قرص گل داخل کرده بنوشند گاهی وقت شام ایارج [illegible] از گلاب [illegible]

بردارند با شگفته با [illegible] ورق طلا ورق نقره ممزوج نموده بخورند عقب آن

عرق گاوزبان عرق بیدمشک عرق کاسنی عرق شاهتره [illegible] خطائی داخل کرده شربت

انار شیرین شربت [illegible] گاهی شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ط

نوع دیگر [illegible] برگ شاهتره مویز منقی در آب برگ کاسنی سبز مروق از برگ

عنب الثعلب عرق سبز کرده دارند صباح مالیده صاف نموده تخم کدو تخم خربزه

شیره بر آورده گل [illegible] شربت بزوری معتدل داخل کرده با خمیره قرص [illegible]

گاهی عند البرودة قرص گل و گاهی عند الحرارة قرص سرطان و گاهی خاکشی داخل

کرده بنوشند [illegible] وقت شام برای [illegible] قاروره و حرارت مزاج

گل [illegible] گل نیلوفر تخم کاسنی نیمکوفته برگ شاهتره اصل السوس مویز منقی آلو بخارا

تمر هندی شب در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق نیلوفر تر کرده دارند صباح بخورانند

مالیده بکار برند مالیده صاف نموده گاهی عند الحرارت خیارین مغز تخم کدو شیره

برآورده تمر هندی کرده شربت مروری معتدل شربت بنفشه داخل کرده خالی

با جنسین بنوشند گاهی عند الاحتیاج بر تخمین گاهی سه توله گاهی پنج توله موافق

مزاج در این نسخه اضافه کرده بدهند از این نسخه تقدری حرارت حمی و ستاعیت

قاروره که بود بالکل برطرف شد و مستام تخم کاسنی همکوفته بوده منقی در عرق

مرکب عرق عنب الثعلب عرق کاسنی تر کرده دارند صبح ... مالیده

صاف نموده شربت مروری معتدل شربت زرشک داخل کرده باضافه قرص

سرطان گاهی عند الاحتیاج قرص کافور گاهی قرص طباشیر لولوی داخل کرده بنوشند

المذکورات
عناب عنب الثعلب تخم کاسنی مکوفته بیخ کاسنی مکوفته اصل السوس ... منقی

آنچه زرد هلیله ... در عرق بادیان مکوفته عرق گاوزبان شب تر کرده صباح ... بمالند

صاف نموده شربت ... آنچه بنوشند با ... حب

دیگر ... مع ... المزاج والمرض ...

نقدر ده

150

قصب الذریره مویز منقی نب و در عرق شاهتره عرق عنب الثعلب عرق کاسنی نب

تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت شاهتره شربت بزوری معتدل داخل

کرده خیارین مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیره برآورده ممزوج نموده فاکسی پاشیده بنوشند

ونیز آمده گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی شگوفه مویز منقی برگ شاهتره قصب الذریره

زرشک بیدانه نب در عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق شاهتره عرق نیلوفر نب

تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده خیارین مغز تخم کدو شیره برآورده داخل

کرده شربت بزوری معتدل شربت بنفشه ممزوج کرده با صافه فاکسی بنوشند تا به

سه روز بعد از سه روز هم ادویه را کوفته در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق شاهتره

نب تر کرده دارند صباح مالیده بجوشانند مثلث باقی بماند صاف نموده شربت

بزوری معتدل شربت بنفشه داخل کرده فاکسی پاشیده بنوشند و بعد از سه روز

ادویه مذکوره بوزن سه ماشه سوای قصب الذریره بوزن سابق صد درم تا پانزده شب

تر کرده صباح جوش داده بدستور معمول مع فاکسی بنوشند لیکن ورق مویز منقی

وزن افزایند تا به سه روز بعد از سه روز برگ شاهتره موقوف نمایند و بلیله

در آب برگ کاسنی سبز
آب برگ عنب الثعلب سبز
عرق ... سیر برگ ... تر کرده دارند
صباح مالیده صاف نموده شربت
بزوری معتدل ...
... فاکسی ...
در این نسخه تخم کاسنی ...
اضافه کرده ... دیگر ...
زرشک تخم کاسنی شگوفه قصب الذریره
مویز منقی

همگوفته بدستور معمول اضافه نموده جوشش داده بدهند تا سه روز بعد از سه روز
تخم کاسنی را موقوف دارند و هلیله سیاه را بقدر چهار ماشه داخل کرده
بدهند تا به سه روز بعد گل بنفشه را موقوف نمایند و هلیله زنگی را بقدر پنج ماشه
داخل کرده بدهند بعد از سه روز گل نیلوفر موقوف دارند و هلیله زنگی را با
شش ماشه کنند تا به سه روز بعد از آن زرشک سیاه را موقوف نمایند و
قصب الذریره را هفت ماشه و هلیله زنگی را نیز هفت ماشه کنند و مویز منقی نه عدد
تا به سه روز بعد از آن هلیله زنگی را هشت ماشه کنند و قصب الذریره نیز هشت ماشه کنند
تا به سه روز بعد هلیله زنگی را بقدر نه ماشه و قصب الذریره را نیز بقدر نه ماشه
مویز منقی بدهند و عوض شربت بزوری گاهی شربت عناب برعایت نزله اگر
قصب الذریره در موسم سرما تحریک نزله میکند و اگر موافقت مزاج کند قصب
الذریره و هلیله زنگی تا به یازده یازده ماشه میداده باشند و گاهی
اگر قصب الذریره و هلیله زنگی در مزاج المنضج حرارت کند گاهی گاهی از سه روز
قصب الذریره و هلیله زنگی را در عرق منضج عرق گاوزبان عرق شاهتره

عرق شیر مرکب که بنابر ذکر کرده دارند صباح با نیم صاف نموده شربت بنفشه داخل کرده میدهند

وگاهی فقط قصب الذریره و حبه رنگی نوعی خماسی و شربت بشرط موافقت مزاج

میداده باشند تا وگاهی برای تحریک نزله اصل السوس در جوشانده یا در خیسانده

هرچه مناسب باشد غرض بهمین طریق بلحاظ مزاج و پاس طبیعت و مرض اراده ادویه مناسبه

مرکب داده بمناسبت مزاج مستعمله باشند اگر قصب الذریره حرکت خفقانی کند

گل نیلوفر گل گاوزبان اضافه نموده بجوشانند و بنوشند تا وقت شام زرشک بیدانه

مویز منقی گلقند آفتابی در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق شیر عرق کیوره ذکر کرده

دارند بعد از چهار گهری با نیم صاف نموده شربت نیلوفری داخل کرده گاهی

شربت بنفشه گاهی شربت گاوزبان و گاهی شربت انارین و گاهی شربت سیب

وگاهی گلیچی با اضافه قاری و با اختتام مهره شربت مروری قرص زرشک وگاهی قرص

سرطان وگاهی قرص کافور بموسم سرما و برودت مزاج بحفظ و رشته مناسبه باشند

وگاهی قرص اربسا وگاهی قرص کهربا برعایت ضعف و برودت مزاج وگاهی قرص

گل برای تسکین و برودت مزاج میداده باشند وگاهی نوشدارو ساده مرادر باضافه

تخم گاهی بیکوفته اضافه دادگر
قصب الذریره بسبب حرارت حرکت
خفقانی کند گاهی بعوض گل نیلوفر
مغز تخم کدو شیره برآورده
اضافه نمایند

یاقوت سرخ دانه الایچی خورد طباشیر ورق طلا ورق نقره شربت سیب بالنگو شیره و گاهی بارنگ

ممزوج نموده بخورند عقب آن نسخه مذکور بنوشند لیکن پاس مزاج ملحوظ دارند اگر

قبض گیست دانه الایچی موقوف نماید و برای دفع قبض هلیله مربا از گلاب شسته

بوقت خواب همراه عرق بادیان بنوشند در سه روز اگر قبض رفع شود بهتر والا

پنج شش روز نوشدارو بی مروارید وغیره موقوف کنند فقط همون نسخه زر

و وقت شام کفایت میکند بعد از چند روز باز نوشدارو بی بدهد بعد از چند روز

نماید همین طریق علی الصباح قصب الذریره و هلیله زنگی بدهد و وقت شام نسخه زر

وغیره گاهی نوشدارو گاهی فقط میداده باشند تا وقتی که موسم سرما

بشدت برسد و اگر قصب الذریره و هلیله زنگی در شدت سرما بنوعی مضرت کنند

موقوف دارند تدبیر دیگر آنچه مناسب مزاج و مرض باشد کرده باشند غرض

در تمام موسم سرما بالطور حفظ صحت میان جی صاحب زاده صاحب دام اقباله برافق

دستور خود و بلحاظ مزاج و پاس طبیعت نوشته بدستور العمل خود کرده باشند

ترکیب عرق شیر برای نواب حسن علی بهادر تالیف نموده بسیار فایده کرده

سه بزاب ریوند عرق گاوزبان قسم اول عرق عنب الثعلب قسم اول عرق نیلوفر
قسم اول عرق کیوڑه قسم اول عرق صندل قسم اول گلاب قسم اول عرق
بید مشک قسم اول گل سرخ گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی گاوزبان تخم کاسنی شکوفه
بیخ کاسنی شکوفه برگ شاهتره برگ بید بیخ خیار تخم خیار کدو اصل السوس برادهٔ صندل
گل سرخ گل گاوزبان صمغ عربی طباشیر همه مقشر کدو شیرین شیره برآورده تخم خرفه
شیره برآورده تخم خیارین شیره برآورده برادهٔ صندل سرخ تخم کاهو شیره برآورده
زرشک خطائی از گلاب شاهتره رب السوس شیره برآورده سرطان قیمه کرده کوفته
ملوّن بدستور معمول عرق کشیده و بدستور معمول معجون آرند هذا ترکیب عرق دیگر
گل بنفشه گل نیلوفر برگ شاهتره زرشک سیاه قصب الذریره تخم کاسنی شکوفه
هلیله زرد کاسنی [illegible] همه را در عرق شاهتره عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق کیوڑه
گلاب عرق نیلوفر تخم کدو شیرین شیره برآورده خیارین شیره برآورده طباشیر
داخل کرده بدستور معمول عرق کشند خوراک چهار پنج تولچه اگر موافقت مزاج کنند
با نبات شربت کنند یا عرقهای و شربت های مناسب بدهند یا فقط استعمال کرده باشند

و گاهی خیارین را موقوف دارند برای کثرت تبرید خصوصاً در موسم سرما

نسخهٔ شربت بزوری معتدل هٔ تخم کاسنی بیخ کاسنی بادیان بیخ بادیان گل بنفشه

تخم خطمی اصل السوس مویز منقی زرشک بیدانه عناب ورعرق عنب الثعلب عرق گاوزبان

عرق نیلوفر ترکرده دارند صباح بجوشانند نصف بماند خیارین تخم خربزه شیره

برآورده در عین طبخ داخل کرده صاف نموده قند سفید داخل کرده قوام

نموده شربت سازند تا نسخهٔ شربت بزوری هٔ از اعتدال یک درجه حرارت عالیست

وقت برودت مزاج ها و در موسم سرما استعمال کرده باشند هٔ بادیان بیخ بادیان

کاسنی بیخ کاسنی عنب الثعلب گلقند اصل السوس سنبل الطیب پوست بیخ کبر زرشک بیدانه

الجزر زردک قند افتابی مویز منقی ورعرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق بادیان

عرق گاوزبان شب ترکرده دارند صباح بجوشانند مالیده صاف نموده خیارین

تخم خربزه شیره برآورده در همین طبخ داخل کرده قند سفید بدستور معمول انداخته

شربت سازند تا نسخهٔ ضماد هٔ بابونه اکلیل الملک گل بنفشه عنب الثعلب

صندل سرخ صندل سفید گلسرخ تخم حلبه تخم کتان بصطکی زرشک بیدانه آرد جو

تخم

نخته نگاهدارند قدری ازان گرفته از آب برگ عنب الثعلب سبز سایند باضافه قدری

روغن گل نیم گرم ضماد نماید بسیار فایده بخشید نسخه ضماد دیگر بنا بر قول ملا استاد

الاول صلابت مخرج و کند حکم اگر ورم صاحب زاده حسن علیخان بهادر بود ازین ضماد سکون

حاصل شد بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب گل بنفشه سنبل الطیب سعد کوفی صندل سرخ

صندل سفید انجره زرد گلسرخ بیخ مرتقی مصطکی مقل ازرق جاوشیر اقاقیا سنبل مابیت

کوفته نخته نگاهدارند قدری ازان گرفته از آب برگ عنب الثعلب سبز سایند قدری

روغن گل اضافه نموده نیم گرم ضماد نماید اگر حرارت کند قدری ~~...~~ آرد جو

دران ضماد داخل کنند ط ترکیب تالیفات برای نواب محمد حسن علیخان بهادر

که در موسم گرما رعاف شده بود اول باید که اگر باغراط باشد و طاقت بنیه و مزاج باشد

باید فصد باسلیق یا ذنود یا حجامت در پس گردن باید کرد بعد ازان املج مقشر کوفته

یکشنبه شب خیسانیده شب در عرق عنب الثعلب عرق کاوزبان تر کرده وارند صباح مالیده

صاف نموده شربت عناب داخل کرده بنوشند دیگر گل ارمنی عناب در

عرق کاوزبان عرق عنب الثعلب عرق ... تر کرده مالیده خشخاش کشنیز خشک

شیره برآورده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند دیگر منه عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق بید و فرعرق کدو کشنیز خشک تخم کاهو شیره برآورده شربت عناب

شربت انار شیرین داخل کرده با اضافه زهر مهره خطائی بنوشند دیگر گذالک

سبب گرمی تبرید بدر کام شود عناب سپستان گل بنفشه در پشم انار آب بجوشانند

هم یا و نماند صاف نموده تخم خرفه کدو تخم کاهو شیره برآورده داخل کرده

شربت بنفشه داخل کرده بنوشند دیگر اجابه برگ انار از آب سائیده بگیرند

بر پای فوخ گذارند دیگر گذالک منه زرشک سپستان تخم خرفه گل بنفشه در پشم انار آب

بجوشانند هم یا و نماند صاف نموده کشنیز خشک شیره برآورده شربت انار منعنع

داخل کرده بنوشند دیگر برگ ارهر از آب سائیده بگیرند بر پای فوخ گذارند

دیگر گذالک منه نرماس بحری پوست هلیله کابلی سوخته پوست بلیله سوخته پوست آمله سوخته

گرد اسپانارو سوخته دم الاخوین کرمه تخته قندی گاه گاه در بینی دمیده باشند

هو هذا دستور العلاج فی الدوار و المسدر الصفراوی علی نسق الاستاد الهالی سلمه

ربه اول باید که تسکین صفرا نمایند اگر از زبن تحقیق شود و بنبض والا تنقیه ماده بمسهل نمایند

و اگر احتیاج باشد فصد رگ باسلیق و باصافن و حجامت ساقها و استعمال ذلو

بر ساقهای پای باید کرد و اگر ماده در روات الدماغ باشد فصد رگ زیر گوش

و شاخهای و فرقهای و رگ گردن بطریقی معمول کنند و از شمومات و عطوسات

و نطولات و ضمادات وغیره بدستور نوشته این عاجز بعمل آرند

الو بخارا تمر هندی زرشک بیدانه در عرق گاوزبان عرق گلاب عرق نیلوفر

شب تر کرده دار صباح مالیده صاف نموده چهار مغز تخم کدو شیرین

شیره برآورده داخل کرده شربت بزوری معتدل شربت بنفشه ممزوج نموده

بنوشند دیگر گل هنه گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاهو تخم خطمی برگ شاهتره

گل گاوزبان زرشک بیدانه الو بخارا تمر هندی در نیم آثار آب بجوشانند

هم باد بماند صاف نموده چهار مغز تخم کدو شیره برآورده شربت انار شیرین

سکنجبین ساده داخل کرده بنوشند دیگر گل هنه گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاهو

تخم خطمی عناب آلوی بخارا در عرق گاوزبان عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب عرق شاهتره
شب ترکرده دارند صباح مالیده صاف نموده [illegible] لکد و شیره برآورده
داخل کرده شربت بنفشه ممزوج نموده بنوشند [illegible] دیگر [illegible] نسخه عناب آلوی بخارا
گل بنفشه گل گاوزبان زرشک بیدانه آلو بالو سپستان [illegible] در [illegible] اندر عرق گاوزبان
بجوشانند هم پا و بمانند صاف نموده تخم خرفه [illegible] شیره برآورده داخل کرده
شربت بنفشه شربت نیلوفر ممزوج نموده بنوشند [illegible] نسخه عناب اصل السوس
گل نیلوفر گل بنفشه گل سرخ سپستان آلوی بخارا آلو [illegible] در عرق شاهتره عرق نیلوفر
شب ترکرده صباح مالیده بجوشانند هم پا و بمانند مالیده صاف نموده تخم
خرفه مقشر شیره برآورده شربت لیمو شربت تمر هندی داخل کرده بنوشند
[illegible] برگ [illegible] نسخه گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی تخم خطمی تخم خیار [illegible]
اصل السوس عناب سپستان آلوی بخارا تمر هندی آلو بالو پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد
هلیله سیاه گل سرخ برگ سنا مکی گل قند [illegible] در عرق گاوزبان عرق شاهتره عرق
عنب الثعلب عرق نیلوفر عرق کاسنی ترکرده دارند صباح بجوشانند [illegible] مالیده
صاف نموده

صاف نموده شربت بنفشه شربت نیلوفر داخل کرده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده

باز صاف نموده باضافه روغن بادام بنوشند دیگر سپستان عناب آلوی بخارا

آلو بالو آلوچه تمر هندی گلسرخ برگ سنا مکی گلقند آفتابی بسفایج شب روز

عرق گاوزبان عرق شاهتره تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده سکنجبین ساده

شربت بنفشه داخل کرده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده باز صاف کرده

باضافه روغن بادام بنوشند و اگر شدت حرارت باشد بهدانه و اسپغول

لعاب گرفته داخل کرده بنوشند علی الصباح تبرید بهدانه لعاب گرفته عرق گاوزبان

عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب شربت نیلوفر داخل کرده باضافه اسپغول ناشسته

بنوشند تا به سه روز بعد از آن ببینه هر بار از گلاب نشسته کشنیز خشک و ابریشم طباشیر

کوفته بیخته همزوج نموده بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق بادرنجبویه گلاب داخل کرده سکنجبین ساده همزوج نموده شربت انار شیرین

اضافه کرده بنوشند تا به سه روز بعد از آن هر بار از گلاب نشسته و ابریشم کشنیز خشک

طباشیر ورق طلا ورق نقره مخلوط ساخته بخورند عقب آن عرق گاوزبان

عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب شربت انار شیرین شربت بزوری معتدل داخل

کرده بنوشند تا دیگر کذلک منه آب تمر هندی آب انار شیرین آب انار ترش

عرق کیوره گلاب شربت انارین مسفع داخل کرده باضافه اسبغول ناشسته

بنوشند تا دیگر کذلک منه زرشک بدانه آلوبخارا تمر هندی در عرق شاهتره

عرق کاسنی عرق عنب الثعلب لعاب بهدانه لعاب گرفته مغز تخم کدو شیره برآورده داخل

کرده تخم ریحان ناشسته شربت نیلوفر شربت تمر هندی داخل کرده بنوشند تا

دیگر کذلک منه آب سیب آب تفاح آب لیموی کاغذی آب ... گلاب عرق بید مشک

بهدانه لعاب گرفته زرشک منقی کرده بالیده داخل کرده مغز تخم کدو شیره

برآورده شربت زرشک شربت انار شیرین داخل کرده تخم خرفه ناشسته

بنوشند تا دیگر کذلک منه بهدانه در اسبغول ... در عرق کیوره عرق گاوزبان

عرق بید ساده عرق گلاب ... گرفته شربت سکنجبین ساده داخل کرده باضافه

تخم بالنگو بنوشند تا دیگر کذلک منه زرشک بدانه ... الوبخارا

در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق شاهتره گلاب عرق کیوره تر کرده بالیده صاف

...

نموده چهار مغز تخم کدو شیره برآورده شربت انار شیرین شربت بزوری معتدل
داخل کرده با اضافه قرص طباشیر بنوشانند دیگر لذالک منه زرشک بیدانه تمرهندی در
آب سیب آب به آب لیمو عرق صندل گلاب تر کرده دارند بعد از چهار گهری
مالیده صاف نموده مغز تخم کدو شیره برآورده تخم سفیدی مالیده بنوشانند
دیگر لذالک منه زرشک بیدانه برگ شاهتره گل بنفشه گلسرخ و در عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب
عرق گلاب عرق بیدمشک عرق بیدساده تر کرده دارند مالیده صاف نموده شربت
بزوری معتدل شربت تمرهندی داخل کرده با اضافه قرص طباشیر بنوشانند دیگر لذالک
براده صندل در عرق بیدمشک عرق کیوره گلاب عرق بیدساده عرق صندل تر کرده
دارند زرشک بیدانه وریان تر کرده مالیده صاف نموده شربت سیب شربت انار شیرین
داخل کرده بنوشانند دیگر لذالک منه آلو زرشک بروق آب تمرهندی بروق
آب آلو بخارا بروق آب لیمون آب نارنج آب نارنج گلاب شربت سکنجبین
شربت سیب داخل کرده با اضافه قرص کافور بنوشانند دیگر لذالک منه
آب انار شیرین منقع آب تمرهندی بروق عرق بیدمشک گلاب دانه هیل کبار خشک

طباشیر سوده برآورده شربت سیب شربت لیمو داخل کرده بنوشند تا

ترکیب سفوف لله دار الصوادی مینه دانه هیل کبیر خشک مصطکی اصل السوس مقشر

بوده خشک گل سفید تخم کدو شیرین الطیب کاکنه تخم قدر شش ماشه از آن

در حلقند آفتابی ممزوج نموده بخورند عقب آن گل بنفشه اصل السوس مقشر

در جنس انارات بکوبند ... باد و بادیان صاف نموده گاهی عند الحرارت

در عرق گاوزبان و عرق عنب الثعلب شب ترکرده صبح بکوبند ... باد و بادیان

صاف نموده شربت بزوری معتدل گاهی تخم کدو خیارین سوده برآورده

داخل کنند و گاهی عند الحرارت و خفقان شربت گاوزبان یا شربت بنفشه

داخل کنند و گاهی آن جوشانده را عند الحرارت در عرق گاوزبان عرق

نیلوفر عرق عنب الثعلب ترکرده ناشتا صاف نموده بنوشند تا

تذکره ... گل بنفشه گل نیلوفر گاوزبان خشک گاوزبان اصل السوس دانه هیل کبیر خشک گل

طباشیر مصطکی تخم خرفه تخم کدو تخم خیارین ... کوفته بیخته نگاه دارند

قدر شش ماشه کم و زیاده علی رای الطبیب بقلقند آفتابی یا با ... کنند

ممزوج سوده بخورند عقب آن گلسرخ گل بنفشه اصل السوس و عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

شب تر کرده صباح کوفته بیازند یا و مالند [illegible] سوده شربت انار ترش

شربت بنفشه گاهی شربت ریباس گاهی شربت سکنجبین گاهی شربت تمر هندی داخل کرده

بنوشند ضماد که [illegible] صندل [illegible] گل بنفشه گاوزبان زعفران از گلاب ممزوج

ضماد نمایند دیگر [illegible] صندل سفید گلسرخ گل بنفشه گاوزبان زعفران سماق [illegible] صندل سرخ

از آب برگ کاهو سبز سائیده ضماد نمایند دیگر [illegible] صندل سفید صندل سرخ سماق

گاوزبان زعفران افسنتین تخم کاهو از گلاب و آب برگ گشنیز سبز سائیده ضماد نمایند

دیگر [illegible] گل بنفشه گل نیلوفر تخم خرفه تخم کدو تخم کاهو زعفران افسنتین عنب الثعلب

از آب برگ کاهو سبز و گلاب سائیده ضماد نمایند دیگر صندل سفید تخم خرفه کدو

از گلاب سائیده ضماد نمایند ترکیب طلیه [illegible] گلاب عرق بیدمشک عرق صندل

عرق کیوره گلاب [illegible] صندل از گلاب سائیده عطر گلاب گاوزبان داخل کرده طلیه نمایند

ترکیب طلیه دیگر [illegible] گل بنفشه گل نیلوفر گل بیدمشک برادهٔ صندل گل کیوره

در عرق بیدمشک عرق صندل عرق بهار گلاب عطر کیوره صندل از گلاب ممزوج

زعفران از هر یک ماشه کافور ... داخل کرده طلا نماید ط و دیگر که دافع [illegible] عنبر

زعفران کافور سرکه گلاب آب برگ کاهو سبز روغن گل روغن کدو مغز

سوده بر سر مالند سعوط که دافع [illegible] گل بنفشه اسطوخودوس در گلاب تر کرده

مالیده صاف نموده تخم خشخاش سفید برآورده روغن بنفشه بادام روغن گل زعفران

کافور ممزوج نموده قطور نماید گاهی عند شدت الوجع افیون داخل کنند ط

سعوط که دافع [illegible] برای نفعه از نزلات الدماغ اسطوخودوس گل بنفشه صبر سقوطری

سنبل الطیب نمکی کوچه تخم [illegible] قدری [illegible] در گلاب حل کرده روغن بنفشه بادام

روغن گل داخل کرده سعوط نماید و دیگر سعوط که دافع است نمکی صبر سقوطری ماش بیخته کوفته

بیخته گلاب روغن گل روغن بنفشه بادام ممزوج نموده سعوط نماید ط و دیگر که دافع

گل گلاب تازه گل کیوره تازه برادهٔ صندل در گلاب عرق کیوره عرق بید مشک

عرق صندل تر کرده مالیده عطر صندل عطر گلاب داخل کرده ... قدری کافور

داخل کرده طلا نماید ط و دیگر که دافع است روغن گل سرکه گلاب شیر عورت

کافور ممزوج نموده بر سر مالند ط و دیگر که دافع است گل بنفشه در روغن گل

روغن کدو روغن بادام گلاب عرق نیلوفر تر کرده دارند با ابریشم صاف نموده سرکه
داخل کرده بر سر مالند اگر قوی کنند قدری افیون داخل کنند دیگر لذلک منه
شیر عورت شیر خر مغز تخم کدو ولد گلاب شیره برآورده افیون زعفران روغن گل
بادام خالص گلاب ممزوج نموده سعوط نمایند سعوط گوشه منه که ماده در ذات الدماغ باشد
آب برگ کشنیز سبز آب برگ کاهو سبز روغن گل زعفران کافور روغن بادام گلاب ممزوج
نموده سعوط نمایند دیگر لذلک منه ایارج فیقرا در گلاب حل کرده سرکه روغن گل
روغن بنفشه ممزوج نموده قطور نماید اگر حدت زیاده شود از عقب آن از شیر عورت
سعوط نمایند ترکیب روغن منه پوست خشخاش گل بنفشه گل سرخ در یک انار آب شب
تر کرده دارند صباح صاف نموده تخم کاهو شیره برآورده به وقع خشخاش روغن نیلوفر
روغن بنفشه داخل کرده بار بجوشانند تا که روغن بماند شیر عورت سرکه کافور
زعفران در آن داخل کرده نگاه دارند و وقت حاجت بر سر مالند و هم شنیدم را
نافع دارد و تا قدری سعوط نماید و اگر وجع زیاده شود قدری افیون در آن
روغن اضافه نماید بهتر خواهد شد ترکیب سعوط لذلک منه گل بنفشه گل نیلوفر

تخم خطمی گل بابونه تخم کاهو تر ریشه کدو تر ریشه خیار برگ مورد بارنج درست انار

آب بجوشانند نصف بماند روغن گل سرکه داخل کرده نطول نمایند ط نطول دیگر

کدو لک منه گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیاری گل بابونه عنب الثعلب اکلیل الملک

تر ریشه سیب تر ریشه کدو آرد جو تر ریشه خیار تخم کاهو ممکوفه برگ کاهو شبنه

برگ هندباره سرکه پوست خشخاش درده از آن آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده

روغن گل داخل کرده نطول نمایند ط نسخه نطول دیگر کدو لک منه گل بنفشه گل سرخ بابونه

تر ریشه کدو تر عنصر پوست خشخاش صندل سفید صندل سرخ اصل السوس عنب الثعلب برگ هندباره

سبوس سلخ سرکه درده از آن آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده روغن بنفشه

بادام داخل کرده نطول نمایند ط نسخه نطول لدی لک منه گل بنفشه گل سرخ پوست خشخاش

گل [illegible] اصل السوس سرکه سبوس گندم آرد جو در چهار از آن آب بجوشانند نصف

بماند بخار بگیرند ط نسخه بخار لدی لک منه گل بنفشه گل نیلوفر بابونه تخم کاهو

اکلیل الملک جو مقشر در چهار از آن آب بجوشانند نصف بماند بخار بگیرند ط ط

نسخه [illegible] من الاسنان گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیاری سبوس گندم بابونه

ابدا

اکلیل الملک تخم کاهو عنب الثعلب بوره ارمنی آرد جو سماق بالنگ پوست کدو
برگ بید تازه برگ کنار تنگ سنگ در کوکنار آثار آب بکوبند بعد آثار بمالند
صاف نموده نیم گرم پاهای شوربه نمایند و دیگر لذا بجهته من الاستاد سبوس گندم برگ کنار
ریگ نپاسبز ورده و ارزن در آثار آب بکوبند بعد آثار بمالند صاف نموده نیم گرم
پاهای شوربه نمایند طلا ترکیب نان من الاستاد آرد جو آرد موبک آب برگ گشنیز
سرکه انگور گلاب مخلوط ساخته نان نموده بر سر دارند طلا ترکیب نان دیگر من
الاستاد آرد موبک آرد جو شیر عورت سفیدی بیضه مرغ سرکه آب برگ گشنیز
روغن گل همه را مخلوط ساخته نان حرره نموده شیر عورت بر نان مالیده بر تارک
نگذارند و بالایش کرو بال بسته دارند ترکیب نان دیگر من الاستاد آرد موبک
در شیر گاو خمیره نموده نان درست کرده قدری شیر عورت بالایش مالیده بر سر
دارند طلا برسر دیگر للدوار الصفراوی بنه عناب عنب الثعلب تخم خطمی کاهو در نان
ملک فید انگشتی اصل السوس درسم آثار آب بکوبند هم با و بمالند صاف نموده
شربت بنفشه داخل کرده مغز تخم کدو تخم کاهو سبزه برآورده داخل کرده با اضافه

اطریفل کشنیزی بروغن بادام چرب کرده بنوشند تا ... دیگر لذلک عناب جلاب بنفشه
هلیله بوره شیفی سبوس کنند گل نیلوفر سپستان و برگ گاوزبان عرق عنب الثعلب بکوبند
هم با او بیابد تخم کاسنی تخم حمازین شیره برآورده داخل کرده شربت نیلوفر شکفته
ممزوج نموده باضافه اطریفل کشنیزی بروغن بادام چرب کرده بنوشند ...
کاهی حیاتین کرده بدهد دیگر لذلک عناب الحمر زرد سوزنی سبوس کنند
گل بنفشه اسطوخودوس و برگ گاوزبان عرق عنب الثعلب گل صد اجانی بکوبند
هم با او بیابد صاف نموده تخم کدو حمازین شیره برآورده شربت بنفشه
شربت اسطوخودوس داخل کرده کاهی ... گل سرخ تخم کدو شیره برآورده
داخل کنند باضافه اطریفل صغیر بروغن بادام چرب کرده بنوشند ...
دیگر لذلک بنه گل بنفشه الحمر زرد اسطوخودوس ابریشم در لوبیا بسته گل نیلوفر
گل صد اجانی گل گاوزبان درهم آثار رات بکوبند هم با او بیابد صاف نموده
شربت بنفشه شربت نیلوفر داخل کرده تخم کاسنی تخم کاهو شیره برآورده داخل کرده
باضافه اطریفل صغیر بروغن بادام چرب کرده بنوشند ... اطریفل

الوزن ۱۳۸۳

اسطوخودوس همین طریق نیز استعمال کرده باشند ﴿﴾ ترکیب لذلک منه کشنیز خشک
مقشر سپستان کندم اصل السوس حک شده انیسون درهم اناراب بکوبند هم بادام نمایند
صاف نموده تخم کاهو درانجا مرتبه کرد شیره برآورده شربت بنفشه شربت نیلوفر
داخل کرده باضافه اطریفل صغیر روغن بادام چرب کرده وقت خواب نوشند ﴿﴾
ترکیب لذلک منه ~~کشنیز خشک مقشر سپستان کندم اصل السوس~~ عناب حک شده سپستان کندم
حک کاوزبان اسطوخودوس حک شده انیسون مویز منقی درهم اناراب بکوبند
هم بادام نمایند صاف نموده بزر تخم کاهو بزر تخم کدو خیارین شیره برآورده داخل
کرده شربت بنفشه شربت اسطوخودوس داخل کرده باضافه اطریفل صغیر روغن بادام چرب
کرده نوشند ﴿﴾ دیگر لذلک منه کشنیز خشک تخم خشخاش تخم کاهو اصل السوس الحجر زده اسطوخودوس
حک شده حک شده انیسون درهم اناراب با عرق تنهایی بکوبند یا جوشانده نمایند
مالیده صاف نموده شربت عناب شربت بنفشه داخل کرده بزر تخم کدو شیره
برآورده باضافه اطریفل صغیر روغن بادام چرب کرده نوشند ﴿﴾ دیگر لذلک منه
مویز منقی الحجر زده حک شده سپستان کندم هلیله درهم اناراب یا با عرق تنهای بکوبند

تخم بادیان ساییده صاف نموده با خاکشی صاف نموده شربت بنفشه شربت خشخاش

و داخل کرده گاهی تخم خرفه کدو خیارین شیره برآورده گاهی دانه هیل کشنیز خشک شیره

برآورده باضافه اطریفل سوزی روغن بادام چرب کرده بنوشند دیگر لذلک منه

هلیله مربا از گلاب شسته کشنیز خشک دانه هیل مصطکی گل سرخ کوفته بیخته ممزوج نموده گرم

گل بنفشه گاوزبان گندم الحکم رزد و در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم پاو باید

صاف نموده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند گاهی عند الحرارة بعوض تخم کدو خیارین

شیره برآورده و گاهی عند شربت انزیلخته گاوزبان خشخاش باضافه شربت عناب

و شربت بنفشه داخل کرده بنوشند [illegible] و گاهی عوض مربای هلیله گلقند آفتابی

بهمین طریق بخورند دیگر لذلک منه هلیله مربا از گلاب شسته کشنیز خشک دانه هیل مصطکی

اسطوخودوس طباشیر کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند عقب آن بوزن گل سرخ گاوزبان

الحکم رزدک گاوزبان گل بنفشه در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم پاو

باید صاف نموده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند گاهی گلقند آفتابی بهمین

طریق بدهند دیگر لذلک منه هلیله مربا از گلاب شسته کشنیز خشک مصطکی دانه الاچی خورد

گل بنفشه کوفته بیخته مضروج نموده بجوشانند عقب آن عناب ایجه بر و سپستان اصل السوس

گل گاوزبان حب بنفشه ملیسه خیارشنبر اسطوخودوس بلغم اقتیمون ورق گاوزبان عتیق الشیب

بجوشانند هم با و بمانند تا بیخ صاف نموده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند و گاهی

ملک قند اضافی باین طریق بدهند تا ترکیب حریره جهت دوا ارسند رشته سبوس گندم پاک کرده

موبر شستن شب در آب تر کرده دارند صباح بجوشانند نصف بمانند تا بیخ صاف نموده

روغن زرد شکر سفید یا قند سفید مغز بادام شیره برآورده دانه خشخاش شیره برآورده

داخل نموده بقوام آرند وقتی حریره تیار شود گلاب زعفران مشک داخل کرده حریره

سازند ترکیب حریره دیگر رشته سبوس گندم پاک کرده شب در قدری آب تر کرده

دارند صباح بجوشانند نصف بمانند و گاهی در شکر جا و بجوشانند وقتی که باو انار شیرگاو

بمانند بیخ صاف کرده شکر سفید یا قند سفید روغن زرد گلاب نشاسته مغز بادام مغز خیار

مغز پسته ... نیکو صفت کنند رشته را شیره برآورده داخل قوام کرده باز قدری

طبخ دهند بعد زعفران مشک کافور در گلاب سائیده داخل کرده حریره سازند

فایده اگر شربت ... سفید ... باشد تدبیران بدستور معمول ... کرده ...

و معالجه صداع صفراوی و سرسام صفراوی نیز بهمین طریق رعایت مرض معالجه آن
کرده باشند دستور العلاج فی الدوار و السدر الدموی اول فصد قیفال بقدر طاقت
مریض و بقدر ماده و گاهی فصد باسلیق و اگر ماده زیاده باشد دو دفعه کرده بگیرند
و گاهی عند الاحتیاج شاخهای و زلوهای در ساق پای بدستور دوار و سدر صفراوی
باید کرد و گاهی حجامت و زلو در پس گردن تا آنجا که دست برآید بر بند بگیرند خصوصا
عند رفعت الماده فی فوات الدماغ و گاهی فصد رگ گوش بجانب درد و گاهی فصد رگ
صافن و بعد از آن علاج آن موافق نوشته این عامی کرده باشند و اگر عورت حامله
باشد فصد رگ صافن موقوف دارند ط هذا ترکیب لذلک منه عناب گل بنفشه
گاوزبان
در عرق عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان تر کرده مالیده شربت تمر هندی ممزوج نموده
باضافه مغز تخم کدو مقشر بنوشند ط دیگر لذلک منه زرشک بیدانه آلو بخارا تمر هندی گل سرخ
گل بنفشه در عرق بید مشک عرق کیوره عرق بید ساده گلاب تر کرده مالیده صاف
نموده شربت عناب شیرخشت داخل کرده باضافه تخم ریحان بنوشند ط
دیگر ترکیب لذلک منه عناب آلو بخارا گل گاوزبان دانه انار ترش عرق گاوزبان

ساده

عرق گاوزبان عرق کاسنی بر آورده با لعاب بهی صاف نموده شربت سکنجبین داخل کرده

باضافه اسبغول با شیره بنوشند تا و یک لک منه آب انار شیرین آب سیب آب تفاح

عرق بهار شربت عنبری شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه جوارش

انار بنوشند تا هر ده لک منه تمر هندی آلو بخارا آلو بالو اصل السوس جلنجبین و عرق

گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق شاهتره عرق کیوره بالیده صاف نموده شربت

انار شیرین شربت بزوری معتدل باضافه تخم بالنگو بنوشند تا و گاهی

عرقیات جوشش داده بدهد بوده ترکیب لک منه عناب آلو بخارا در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب گلاب عرق کیوره بر آورده با لعاب صاف نموده تخم کدو شیره

بر آورده شربت آلو بالو داخل کرده تخم فرنجمشک با شیره بنوشند و گاهی

جوشش داده در عرق بهار بنوشند تا و دیگر لک منه زرشک بیدانه آلو بخارا مویز منقی

گل بید اعیانی در عرق شاهتره عرق گاوزبان بجوشانند هم باد و بماند صاف

نموده گاهی در عرق شاهتره عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب

بر آورده وار صباح بالیده صاف نموده شربت سکنجبین لیمونی داخل کرده تخم

باشند و بنوشند دیگر لذائذ منه عنب شیرینک البعلب حلک سعفه اصل السوس عناب

برسیاوشان سپستان در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند شربت عناب داخل

کرده بنوشند دیگر اگر سعال شریک باشد منه بهیدانه اصل السوس برسیاوشان

عناب زوفا خشک نبات در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده گلاب

شربت عناب داخل کرده بنوشند دیگر للدوار السدر الدوری منه عناب حلک سعفه

گل نیلوفر آلوبخارا تمر هندی پوست بلیله کابلی گاوزبان در عرق شاهتره عرق عنب الثعلب

عرق کاسنی بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده

بنوشند دیگر لذائذ منه عناب اصل السوس گاوزبان انجیر زرد آلو در نیم آثار

آب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت عناب داخل کرده بنوشند

دیگر للدوار الموسی منه برادهٔ صندل پوست بلیله کابلی حلک سعفه گلسرخ گاوزبان

آلوبخارا در نیم آثار آب بجوشانند صاف نموده شربت گاوزبان داخل کرده ۲

اگر حرارت زیاده باشد خیارین تخم خرفه تخم کدو تخم خشک شیره برآورده داخل

کرده بنوشند دیگر لذائذ منه عناب اصل السوس گلسرخ آلوبخارا آلو بالو

الزا

زر نشک همراه در عرق شاهتره عرق عنب الثعلب بجوشانند بلکه باید صاف نموده شربت گاوزبان
داخل کرده بنوشند تا ... مسهل لونگ ... عناب گل بنفشه آلوبخارا آلوبالو تمر هندی
هلیله برگ سنای مکی پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه همه را در عرق شاهتره
عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان شب تر کرده دارند صباح بجوشانند تا سه ربع صاف نموده
ترنجبین کرده با اضافه روغن بادام بنوشند تا — دیگر مسهل لونگ عناب آلوبخارا تمر هندی
گاوزبان گل گاوزبان ... گل بنفشه اصل السوس آلوبالو آلوبخارا ...
تمر هندی هلیله برگ سنای مکی پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه همه را در عرق گاوزبان
عرق عنب الثعلب عرق شاهتره عرق نیلوفر تر کرده دارند صباح بجوشانند تا ... باقی ماند
صاف نموده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده باز صاف نموده روغن بادام بنوشند
علی الصباح بکار باید داد عرق گاوزبان عرق شاهتره عرق عنب الثعلب گلاب شربت بزوری معتدل
شربت نیلوفر داخل کرده با اضافه اسبغول بنوشند و اگر احتیاج باشد بعد از مسهل گرفته
داخل ... بعد از سه روز هلیله مربا ... بسته و ... کشنیز خشک مصطکی کوفته بخته
همراه هلیله ... بخورند عرق ... عرق بادیان شربت بزوری معتدل شربت نیلوفر داخل کرده بنوشند

گل نیلوفر ... لحم کاهو

شیرخشت مغز فلوس ... کرده

عصاره ...

بعد از سه روز ایارج فیقرا بحسب قوت بل طباشیر کشنیز مصطکی گل ارمنی سائیده
ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب شربت
شربت بادرنجبویه ممزوج نموده بخورند تا سه روز بعد اگر عارضه باقی ماند موافق
آن دستور معالجه خود تدبیر کرده باشند ط دیگر گلنارک کاسنی در عرق کاسنی
عرق گاوزبان عرق شاهتره کلاب مویز منقی کرده شیره برآورده شربت لیمو ترنج
داخل کرده باضافه اسبغول ناسوده بنوشند ط ضماد گلنارک بنه گل بنفشه نسرین مامیثا
صندل سفید از کلاب سائیده نیم گرم کرده ضماد نماید دیگر گلنارک صندل سرخ صندل سفید
گل بنفشه گل نیلوفر نسرین مامیثا از کلاب سائیده ضماد نماید دیگر ضماد گلنارک بنه گل بنفشه
گل سرخ زعفران افیون کافور از آب برگ عنب الثعلب سائیده نیم گرم ضماد نماید ط
نطول گلنارک بنه گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی گل بابونه تخم کاهو برگ خشخاش گشنیز
تخم خبازی عنب الثعلب سرکه در چهار آثار آب بجوشانند نصف ماند با اضافه
روغن گل نطول نماید ط برگ حنا گلنارک بنه صندل سرخ صندل سفید گل بنفشه گل نیلوفر
گل بابونه اکلیل الملک سبوس گندم آرد جو تخم حلبه جوش داده بخار بگیرند ط

بخار

بخار دیگر لذلک بنفشه گل بنفشه عنب الثعلب اصل السوس بابونه اکلیل الملک گل سرخ تخم کتان

تخم حلبه خرس داوده بخار بکار برند تا دیگر لذلک بنفشه گل ملک تازه گل بنفشه

در گلاب عرق صندل تر کرده دارند تا بسبب صاف نموده روغن بنفشه بادام

روغن گل روغن کدو سرکه کافور زعفران داخل کرده بر سر مالند تا

دیگر لذلک بنفشه گل نیلوفر گل سرخ سنبل الطیب در گلاب سرکه تر کرده دارند

تا بسبب صاف نموده سر حرارت روغن کدو روغن گل روغن بابونه ممزوج نموده بر سر مالند

و دیگر سعوط لذلک شیر الدستان زعفران مشک کافور نبات ممزوج نموده سعوط نمایند

دیگر لذلک روغن بادام روغن نیلوفر روغن گل روغن کدو زعفران ممزوج نموده قدری

کافور داخل کرده سعوط نمایند تا ترکیب طلیه لذلک آب برگ گشنیز سبز خرفه آب برگ کاهو

سبز خرفه گلاب عرق کیوره عرق بهار عرق صندل عرق بید مشک عطر گلاب صندل سفید

از گلاب سائیده زعفران کافور داخل کرده طلیه نمایند تا ترکیب طلیه دیگر لذلک بنفشه

گلاب عرق کیوره آب سیب آب تفاح زعفران کافور عطر کیوره عطر گلاب ممزوج نموده

طلیه نمایند تا سعوط سیرعه دانه بنه فلفل گرد همدان نمک نمکهای از آب شیره برآورده

روغن بنفشه روغن بادام ممزوج نموده سعوط نمایند ایضا دیگر لعاب اسبغول و بقلة الحمقا

کاسنی از آب ... بیده شیره برآورده روغن بنفشه روغن بادام ممزوج نموده سعوط

نمایند ایضا ضماد دیگر صندل سفید از گلاب سائیده گل بنفشه تخم کاهو از روت ...

زعفران از آب برگ گشنیز سائیده ضماد نمایند ایضا ضماد دیگر صندل سفید کافور زعفران

از آب برگ گشنیز سبز یا آب برگ کاهو سبز سائیده ضماد نمایند ایضا ضماد دیگر

بیخ نیلوفر صندل سفید نشاسته ماش کافور زعفران از گلاب سائیده ضماد نمایند ایضا

ترکیب دیگر گل بنفشه گل نیلوفر اصل السوس مقشر کتیرا نبات درهم از آب کشنیز

هم ساوه نمایند طرف نموده باضافه اطریفل کشنیزی باضافه روغن بادام ممزوج بمقعد

بخورند و باقی ترکیبات اطریفلات در دستور ... و ادویه مذکور است

اگر احتیاج باشد استعمال کرده باشند ایضا اگر سعال شده باشد معالجه

سعال موافق مزاج بلحاظ مرض کرده باشند ایضا اگر ... و موی سر

و مرض عارض شود همین دستور معالجه کنند و اگر احتیاج نطول و پاشویه و ترتیب

نان و غیره احتیاج باشد در دو دار و بهدانه و ادویه مذکور است اگر احتیاج باشد استعمال

کرده باشند

کرده باشند و اگر بر کثرت سوخت در کار باشد نیز ورد مذکور حرارت دسته صفراوی است

مذکور است استعمال کنند زرشک نه دانه و آب غوره انگور آب مویز

آب برهندی آب انار شیرین آب انار ترش ترکرده در ریزند تا لیسه صاف نموده

شربت نموده شربت انار شیرین داخل کرده بنوشند تا نیم هو مستور العلاج فی الدوار

والسدر که سبب آن ماده بلغم باشد باید که اول منقیه بلغم لیتی دفع گشته اگر بالکلیه

دفع شود والا نه از مسهل منقیه بلغم نماید بعد از آن و فراغت از منقیه عام منقیه خاص

از حب ایارج کنند بعد از فراغت مسهل عام و خاص اصلاح مزاج نقیه ماده و خلط

مزاج پیر کرده باشند طریق آن اول منضج فی تا سه روز بدهند تا وقتی اصل السوس

تخم خرزه منکوبه در نیم انار آب بخیسانند هم تا و تمام نیم صاف نموده سکنجبین

عسل داخل کرده بنوشند بعد از سه روز قی کنند تا بدین طریق تخم ترب پنج کرم

تخم شبت تخم خردل جوز القی و برگ انار آب بخیسانند هم انار تمام صاف نموده

سکنجبین عسل داخل کرده با جانبه پوره ارهی داخل کرده سه پیاله تمام بدیک

پیاله یک دفعه نوشیده قی نماید بعد از قی علی الصباح عرق بودینه عرق بیل

گلقند سکنجبین ساده و رخل کرده بنوشند و گاهی بعد از قی گلقند آفتابی با عسل مصطگی

بادیان و اهل الایچی فرموده بخورند عقب آن عرق بید و عرق بهل گلقند سکنجبین عسلی

در حل کرده بنوشند و بعد از آن گاهی در این نسخه ملیّن اضافه سازند تا سه چهار

روز اصلاح معده بدستور معمول کرده باشند و اگر از قی منفعت ماه بالکل دفع نشود

و مرض قرار به نکشد بدستور مسهل باید کرد و بعد از مسهل قوت مزاج به رعایت مرض و اصلاح آن

تدبیر کرده باشند تا نسخه مسهل عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادیان هر یک نه

شربت بزوری معتدل و رخل کرده بنوشند تا سه روز نسخه مسهل لبلاب نه گل بنفشه

گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیاری اصل السوس بادیان ایرسا مکوه قنطوریون

و بیخ شقاقل بسفایج سنبل مکوه ترید سفید مغز تکوه فلوس خیار شنبر ترنجبین شکر سرخ

در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادیان هر یک تر کرده صباح گرم سازند

هم آمار بمانند مالیده صاف نموده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده باز صاف

کرده باضافه روغن بادام شیرین بنوشند مسهل دیگر لبلاب نه عناب

اصل السوس تخم خطمی تخم خیاری بادیان سپستان ایرسا کشمش گلسرخ

اسطوخودوس الحرز رد عنب الثعلب مویز منقی گل قند آفتابی گل سرخ برگ سنا مکی بیخ و رق

گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه تر کرده دارند صباح کوفته مالند هم اثار

باشد یا لیسه صاف نموده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده با ریشه صاف کرده

باضافه روغن بید سفید مقشر روغن بادام چرب کرده شیر گرم بنوشند

بعد از سه روز تبرید طبق نوشته و دستور منضج اوّلی اصلاح مزاج رعایت اسباب ماله کرده باشند

فایده اگر ماده از مسهل عام رفع شود بهتر والا نه طاقت مریض لحاظ کرده یک مسهل

خاص منقیه دماغ یا دو مسهل بقدر طاقت مزاج بدهند بعد از آن اصلاح مزاج رعایت

مرض کرده باشند دیگر لکلب دوا المسک معتدل بخورند عقب آن اصل السوس

کشمش بیدانگی ورق عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شیره بر آورده

شربت بزوری معتدل شربت انار شیرین داخل کرده بنوشند تا جهته اصلاح معده

جوارش عود شیرین بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا جهته اصلاح معده جوارش عود شیرین

بخورند اگر صبری مقوی معده کنند بهتر است عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

شربت بزوری معتدل شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند تا ط دیگر لدلک نه

حمراء المسک معتدل و دانه هیل مصطکی مشک عنبر اشهب مخلوط ساخته بخورند

عقب آن اصل السوس مصطکی دانه هیل طباشیر سفید برآورده عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق بید مشک عرق کیوره شربت بزوری معتدل شربت سیب شیرین

داخل کرده بنوشند تا ط دیگر لدلک نه حمراء المسک معتدل بخورند عقب آن

گل قند افغانی اصل السوس گل بنفشه گاوزبان در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده شربت بزوری معتدل شربت بادرنجبویه داخل

کرده مصطکی طباشیر کشنیز خشک دانه هیل سفید برآورده داخل کرده بنوشند

گاهی در عرق کیوره و عرق بید مشک در نسخه دیگر اضافه میکنند و گاهی شربت

صندل تا ط مرکب لدلک گل قند افغانی کشنیز خشک مصطکی سنبل الطیب طباشیر عود هندی

کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند عقب آن اصل السوس گل سرخ مویز منقی گل بنفشه

در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده شربت

انار شیرین شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا ط دیگر لدلک نه بود کشنیز خشک

و دیگر لدلک نه ... داخل کرده بنوشند ... شربت ... مصطکی ... گاوزبان ... کرده ... عرق عنب الثعلب ... معتدل ... شربت ... بادرنجبویه

مصطگی الاچی کلان گل بنفشه اسطوخودوس اصل السوس مقشر فاوس پوست بیخ کبر گلسرخ
بوزیدان گل قند افتابی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی بجوشانند نیم پاو بماند
صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ط دیگر لبوبک بنه اکرزرد
اصل السوس گل گاوزبان برسیاوشان اریا گلسرخ گلقند افتابی در عرق عنب الثعلب
عرق گاوزبان بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل
کرده هلیله مربا از کلیدسته داخل کنند طباشیر مصطگی کوفته بیخته مخروج نموده اول
عقب آن جوشانده بنوشند ط دیگر لبوبک بنه گل گاوزبان بادرنجبویه گل بنفشه
اصل السوس اسطوخودوس گلسرخ تخم خطمی گلقند افتابی بوزیدان در عرق عنب الثعلب
عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم پاو بماند مالیده صاف نموده شربت بزوری معتدل
شربت بنفشه داخل نموده باضافه هلیله مربا از کلیدسته داخل کنند حسک مصطگی کوفته
کوفته بیخته مخروج نموده بخورند ط دیگر لبوبک بنه اصل السوس گلسرخ اسطوخودوس
عود صلیب گاوزبان گل بنفشه گلقند افتابی در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی بجوشانند
نیم پاو بماند صاف نموده شربت اسطوخودوس شربت بنفشه داخل کرده بنوشند ط

دیگر لدلک منه اطریفل کشنیزی روغن بادام اباریج فیقرا افتیمون کوفته بیخته مروغ نموده معجون بخورند

عقب آن گلسرخ اصل السوس گاوزبان گل بنفشه مویز منقی اسطوخودوس عود صلیب افکورزرد

در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان بخیسانند هم با هم بمانند بعد صاف نموده شربت

بزوری معتدل شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند ایضا اطریفل کشنیزی

اسطوخودوس سرپهن دستور استعمال کرده باشند ایضا دیگر لدلک منه

اطریفل کشنیزی اباریج فیقرا روغن بادام نخود صلیب اسطوخودوس مروغ نموده

بخورند عقب آن گل گاوزبان بادرنجبویه اصل السوس گلسرخ مصطگی مویز منقی ملکها آملهٔ

در نیم آثار آب بخیسانند هم با هم بمانند صاف نموده شربت بزوری معتدل

شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند ایضا دیگر لدلک منه گل بنفشه عناب

اصل السوس اسطوخودوس عنب الثعلب افتیمون ورق ریسه سبستان گلسرخ گل قند افغانی

مویز منقی در نیم آثار آب بخیسانند هم با هم بمانند صاف نموده شربت اسطوخودوس

شربت بنفشه داخل کرده بنوشند ایضا دیگر لدلک منه اطریفل کشنیزی اباریج فیقرا

مصطگی روغن بادام مروغ نموده بخورند عقب آن گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی

تخم خیاری اصل السوس گلسرخ گل قند افتابی موبز دانه بیرون کرده در تخم انار آب بجوشانند

نیم باو بمالند صاف نموده شربت عناب شربت ... و داخل کرده بنوشند ها فایده مند

در بیماری زیابیت یا اطریفل موبز وکاهی یا اطریفل اسطوخودوس وکاهی یا اطریفل صغیر استعمال

کرده باشند ها دیگر لذلک نسخه اصل السوس گلسرخ موبز منقی گل قند افتابی در تخم انار

آب بجوشانند نیم باو بمالند صاف نموده شربت بزوری معتدل شربت ... و داخل

کرده باضافه اطریفل موبز مصطگی سنبل الطیب کوفته طباشیر ممزوج نموده بنوشند ها

طلیه لذلک نسخه سنبل الطیب براده صندل سفید گلسرخ در عرق کیوره عرق گلاب عرق بهار

عرق بیدمشک تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده در شیشه نگاه دارند و طلیه نمایند

و قدری بر قطور نمایند ها طلیه دیگر نسخه گل کیوره تازه گل گلاب تازه سعد کوفی در عرق

کیوره عرق صندل گلاب عرق بهار عطر گلاب عطر کیوره ممزوج نموده صاف نموده

طلیه نماید و از عطر صندل و صندل عنبر از گلاب ... قدری مشک و زعفران کافور اضافه

نموده طلیه نمایند ها طلیه دیگر نسخه آب شفتالو آب تفاح آب برگ کاهو سبز مروق آب برگ

عنب الثعلب گلاب عرق کیوره عرق بیدمشک مشک عنبر اشهب زعفران کوفته عطر کیوره

بخطر صندل سنبل الطیب کوفته مترو ح نموده باضافه کافور قیصوری داخل کرده طلا نماید

نطول لذلک سنه گل مفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیارین بابونه اکلیل الملک

سنبل الطیب تخم کاهو پوست خشخاش سعد کوفی تخم حلبه سپرکه تخم کتان در چهار اثار

آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده باضافه روغن گل نطول نماید نطول لذلک

گل مفشه تخم خطمی گل بابونه اکلیل الملک اصل السوس عنب الثعلب کشنیز زیتون تخم شبت

برگ کنار برگ بید باره سپرکه عصفر سبوس گندم پوست خشخاش در چهار اثار آب بجوشانند

نصف بماند صاف نموده روغن گل روغن بابونه داخل کرده نطول نماید

نطول دیگر لذلک سنه گل بابونه اکلیل الملک کشنیز عنب الثعلب گل مفشه تخم ریب ابریشم مکوفه

ابرلطوخ دوسی پوست بیخ کبر صعتر فارسی اصل السوس مصطگی قنطوریون دقیق سبوس گندم

در چهار اثار آب بجوشانند نصف بماند باضافه روغن بابونه روغن مفشه

داخل کرده نطول نماید ضماد دیگر لذلک سنه مشک زعفران افیون قرنفل

از زلب سائیده ضماد نماید دیگر ضماد لذلک سنه بانخواه قرنفل افیون زعفران

از زلب سائیده ضماد نماید دیگر لذلک سنه زراوند حرر لوبیه بیخ نفاح زعفران از آب سائیده

ضماد نمایند دیگر ضماد لادلک نسخه فلفل گرد خورده زعفران فلوس ارمنی سایند ضماد نمایند

ضماد صندل سرخ صندل سفید قرنفل شیاف مامیثا گل بنفشه سنبل الطیب ارانب سایند برگ کاهو

بشیر گرم ضماد نمایند مرکب بارد گرم گل بنفشه گل بابونه تخم خطمی عنب الثعلب اکلیل الملک

برگ کنار برگ بید تازه بپوست کنده کتیرا با شیر زرد و ارده انار آب بجوشانند همی

بجانند تا بستبرسد صاف نموده با شوربه بشیر گرم نمایند و اگر احتیاج ترکیب شود در دواء صداع

و دوی مذکور است تا دیگر لادلک نسخه دارچینی سنبل الطیب سعد کوفی زعفران کوفته بیخته

در روغن بنفشه روغن بابونه ممزوج نموده بر سر مالند دیگر لادلک نسخه روغن گل روغن بابونه

سنبل الطیب زعفران مصطکی خربق سائیده ممزوج نموده بر سر مالند و گاهی عند شدت

الوجع افیون و رفع نماید تا دیگر لادلک نسخه مشک عنبر اشنه زعفران قرنفل عود

کوفته بیخته در روغن مصطکی روغن بادام روغن گل روغن بنفشه ممزوج نموده

بر سر مالند تا سعوط لادلک نسخه سنبل الطیب دارچینی سعد کوفی کوفته بیخته

در روغن گل و روغن بنفشه ممزوج نموده سعوط کنند تا سعوط دیگر لادلک نسخه

جند بیدستر صبر سقوطری زراوند مدحرج سنبل الطیب سعد کوفی کوفته بیخته در روغن گل

روغن بادام روغن بابونه ممزوج نموده سعوط نماید سعوط لدلک نسخه لتسکین الوجع

زعفران افیون سنبل الطیب در روغن مغز بادام روغن گل ممزوج نموده

سعوط نمایند تا دیگر لدلک نسخه منقی دماغ نسخه سنبل الطیب بکجکی حب ستوطری شحم حنظل

بوره ارمنی کوفته بیخته در روغن گل روغن بادام ممزوج نموده سعوط نماید

دیگر لدلک نسخه ایارج فیقرا اسطوخودوس عود صلیب زعفران بکجکی صندل

ممزوج نموده روغن بابونه روغن مغز روغن بادام داخل کرده سعوط نماید

ه لدلک نسخه منقی دماغ اسطوخودوس عود صلیب بسفایج فستق برسیاالیوس

در یک انار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده شربت اسطوخودوس

داخل کرده با ضمیمه ایارج فیقرا داخل کرده غرغره نماید تا غرغره دیگر لدلک

صعتر فارسی اسطوخودوس افتیمون در یونجی لسته عود قرحا در یک انار آب بجوشانند

نصف بماند صاف نموده شربت اسطوخودوس داخل کرده با ضمیمه ایارج فیقرا

غرغره نماید تا غرغره لدلک نسخه اسطوخودوس حب ستوطری اصل السوس گل مغفه

ایکی زرد عود صلیب برسیاالیوس در یک انار آب بجوشانند نصف بماند صاف

نموده

سوده بشربت نیم مثقال شربت اسطوخودوس داخل کرده غرغره نماید تا ترکیب سفوف للدماغ واردم

والسدرس المعمول الاستاذ گلسرخ مصطکی سنبل الطیب طباشیر عنبر اصل السوس

گل قند آفتابی کوفته بیخته ممزوج سوده سه حصه نمایند یک حصه هر روز ناهار بخورند تا

سفوف دیگر لودانک تخم دانه الایچی خورد دانه الایچی کلان بود دینه خشک افیون

بادیان ختایی صندل سفید گل گاوزبان گل سفید مصطکی طباشیر اصل السوس سعد کوفی

گلسرخ کوفته بیخته گل قند آفتابی ممزوج سوده قدر شش ماشه بخورند عقیب آن

همون جوشانده بدهند تا ترکیب سفوف دیگر تخم گل سفید اسطوخودوس برابر سیاوس

اصل السوس گلسرخ برگ سداب صعتر فارسی پودینه خشک مصطکی عود غرقی کوفته

بیخته سفوف سازند قدر شش ماشه با گلقند آفتابی یا با اطریفل کشنیز و یا با اطریفل

بوزیدان یا با اطریفل صغیر یا طبیخ ادویه مذکور بخورند اصل السوس گلسرخ گل سفید موبز منقی

وزنیم آب آن را بجوشانند یا در عرق نعنای صاف یا در عرق نعنای جوشانیده کرده

شربت ... ایل کرده بنوشند تا نسخه اطریفل موثر برای

دوران سر و تقویت معده و فیشت بنیت زرد پوست هلیله کابلی پوست بلیله

هلیله سیاه ریگی پوست هلیله هر یک جزوی گشنیز خشک پخته بوزن بادام مغز پسته جزو

مویز منقی سه جزو قند سفید چهار برابر ادویه قوام ساخته دوا را کوفته بخته با مویز دیگر

بادام ودرهم کرده معجون سازند خوراک از یکتوله تا دو توله مجربست

حلوا برای دوران سر چوب زرد مدی شکر روغن زرد همه را کوفته بخته
و درم و درم و درم

حلوا سازند جمله یک خوراک است واگر حرارت باشد گاه خوراک کنند بجای

کهی مونگ و برنج و روغن ستور چیزی دیگر نخورند همه انواع دوران سر خواه

بلغمی خواه صفراوی خواه دموی خواه سوداوی باشد نافع دارد

فایده اگر صداع بلغمی باشد و یا برسام بلغمی باشد همین نسخه علاج کرده

باشند واگر سعال عارض شود تدبیر سعال برعایت اصل مرض نموده حفاظه

آن بدستور خود کرده باشند واگر تپ کتاف دیگر برتو باشد ناصر زورها اصلاح

باشند ازو وارسید زر موی وصفراوی استخراج کرده استعمال کرده باشند

و نسخه علاج الدوار والسدر الموکد ونفع انی الاستاذ المعدی مجرب و علی

نسخ الاستاذ الوالدی سبعه ... سوداوی ... عام

بیار

بعد از آن منضج دماغ و مسهل خاص تجویز نمایند بحسب اقتضا و بحسب لا جرم کرده اصلاح مزاج

مع رعایت مرض کرده باشند و اگر احتیاج فصد باشد فصد از رگ باسلیق

و یا فصد اکحل صافن و ساقهای و دلکها و ساقهای نای کنند و اگر ماده در جوف

الدماغ باشد فصد زیر گوش و شاخهای دو گوش و دلک ساقها کردن بدستور معمول باید کرد

و اگر دماغ ضعیف باشد تدبیر طاقت دماغ و اصلاح آن به طاقت جمیع و اصلاح آن

بدستور نوشته این خاص کرده باشند و اگر سبب رنجه سودا و صعود از معده باشد

تدبیر آن بطریق نوشته باید کرد و باقی تدبیر معالجه شمومات و عطوسات و طلیهای و ترکیب

پای شوبه و غیره آنچه احتیاج باشد رعایت مرض ملحوظ داشته در دوار صفراوی و دموی

ملحوظ نموده بدستور آن کرده باشند ترکیب مسهل که گفته شد بادیان بادرنجبویه

گاوزبان گل گاوزبان برگ و تخمک افتیمون در حشیشه اسطوخودوس بسفایج فستقی

نیکوفته اصل السوس آلو بخارا تمر هندی عنب الثعلب گلسرخ برگ سنا مکی در عرق گاوزبان

عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب تر کرده دارند صباح بجوشانند هم آثار آنها بماند

مالیده صاف نموده شربت اسطوخودوس شربت افتیمون داخل کرده ترکیب

شربت سقولوقندریون حل کرده با رب عناب نموده لاجورد مغسول بروغن بادام چرب کرده

روغن بادام ساییده بنوشند ۵ مرکب مسهل دیگر سنا مکی مغز فلوس تخم کاسنی

عناب آلو بخارا تمر هندی گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه برگ مرزنجوش اصل السوس

افتیمون در حصر بسته قنطوریون دقیق لعاب قسیقی برگ شاهتره اسطوخودوس

تخم صنوبر پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه بنکوفته قند

گلسرخ برگ سنا مکی همه را در عرق گاوزبان عرق شاهتره مغز فلوس تر کرده

دارند صباح جوش دهند هم اثار آب بمالند صاف نموده شربت افتیمون شربت اسطوخودوس

داخل کرده ترنجبین شربت سقولوقندریون حل کرده باز صاف کرده روغن بادام

اضافه نموده بنوشند گاهی باضافه حب لاجورد گاهی باضافه ایارج فیقرا

روغن بادام چرب کرده بنوشند ۵ و باقی علاج مسهل و حقنه هرچه احتیاج باشد

در دستور صداع سوداوی و دوری و ملیخی مذکور است مراقب مزاج مریض رعایت مرض

کرده باشند و اگر صداع و سرسام باشد شربت بنفشه شربت سکنجبین ساده داخل کرده

بنوشند گاهی باضافه وضع بنفشه سوداوی باشد به شربت وضع مرض مالیخولیا

۱۲۱۱

بعد از آن بزند و طاقت مسهل بدستور مسهل صفراوی و دموی کنند دیگر لدلک منه

گل بنفشه گل نیلوفر گل گاوزبان برگ و زنجک اسطوخودوس ورق عنب الثعلب عرق

شاهتره افتیمون ولایتی پسته گل سرخ تخم کشنیز گل صد برگ شاهی بجوشانند هم با و بمانند صاف

نموده شربت سکنجبین افتیمونی داخل کرده با اضافه اطریفل کشنیزی روغن بادام

لاجورد مغسول مصلح قسطی افتیمون کوفته بیخته مرموج نموده بخورند هو لدلک منه

بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان اصل السوس گل سرخ برگ فرنجک گلقند اصفهانی در عرق

گاوزبان عرق بادرنجبویه بجوشانند هم با و بمانند صاف نموده شربت افتیمون شربت

گاوزبان داخل کرده بنوشند گاهی با اضافه اطریفل مویزی یا اطریفل کشنیزی بدهد

دیگر لدلک منه برگ شاهتره اصل السوس گل سرخ گل گاوزبان آلو بخارا تمر هندی تخم کاسنی

گل صد برگ اصفهانی در عرق نیلوفر عرق بادرنجبویه بجوشانند هم با و بمانند مالیده صاف

نموده شربت بنفشه شربت انار شیرین داخل کرده بنوشند گاهی با اضافه خمیره

بنفشه گاهی با اضافه یا اطریفل صغیر لاجورد مغسول اسطوخودوس ایارج فیقرا

مرموج بخیه صندلی روغن بادام داخل کرده بنوشند و دیگر لدلک منه

عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق نیلوفر شربت گاوزبان شربت ابریشم
ممزوج نموده با اضافه اطریفل کشنیزی فقط با بادرنجبویه [illegible] آنچه مناسب باشد
بدهند و دیگر لعوق منضج افتیمون برگ شاهتره گلسرخ مویز منقی در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه
عرق عنب الثعلب عرق شاهتره تر کرده مالیده صاف نموده سکنجبین افتیمونی شربت
اسطوخودوس داخل کرده با اضافه اطریفل مویز مصطگی لاجورد مغسول گلسرخ گشنیز [illegible]
کوفته بیخته ممزوج نموده بنوشند و فایده اطریفل اسطوخودوس نیز بهمین طریق
[illegible] باشند و دیگر لعوق منضج گلقند اصفهانی افتیمون [illegible] ممزوج نموده بخورند
عقب آن اصل السوس [illegible] گل گاوزبان گلسرخ در عرقهای مناسب جوش داده
[illegible] تر کرده [illegible] و دیگر [illegible] السودا [illegible] گاوزبان
تک گاوزبان برگ فرنجمشک بادرنجبویه افتیمون سنبل الطیب مصطگی گلسرخ لاجورد مغسول
ابریشم مقرض کوفته بیخته قدر شش ماشه در گلقند اصفهانی یا اطریفل کشنیزی
یا اطریفل مویز ممزوج نموده بخورانند عقب آن گل گاوزبان اصل السوس گلسرخ
مویز منقی در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه جوشانده هم [illegible]

فرنجمشک

[illegible]

صاف نموده با عرقهای مناسبه کرده یا فقط با عرقهای و شربت مناسب المرض بنوشند

ترکیب مفرح دیگر بنه لاجورد مغسول ابریشم مقرض مصطکی دارچینی سفید طباشیر مصطکی سنبل الطیب

گلسرخ کمال گاوزبان اسطوخودوس بسفایج فستقی کوفته بیخته قدر شربتی ماشه با گلقند یا با الی اطریفل

یا حب ساخته یا معجون ساخته یا با عرقهای و شربتهای مناسبه میداده باشند [illegible]

لاجورد مغسول گلسرخ مصطکی طباشیر سنبل الطیب افتیمون اصل السوس ابریشم [illegible] کوفته بیخته سفوف

سازند قدر شربتی ماشه با گلقند آفتابی یا با اطریفل کشنیزی یا مویز منزوع نموده یا حب ساخته

یا معجون ساخته یا با عرقهای و شربتهای مناسبه بدهند تا دیگر [illegible] بنه بادیان

دیگر جمله

بادرنجبویه گاوزبان [illegible] گاوزبان برگ [illegible] گل بنفشه گل نیلوفر گلسرخ اصل السوس

مویز منقی گلقند آفتابی در عرق گاوزبان عرق گلاب عرق عنب الثعلب جوشانیده [illegible]

ما [illegible] نموده [illegible] معتدل [illegible] لاجورد مغسول بنوشند [illegible]

دیگر [illegible] گل گاوزبان برگ [illegible] افتیمون در خرقه بسته زرشک [illegible] بادرنجبویه

ابریشم مقرض مویز منقی [illegible] گلقند آفتابی در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق گلاب

بجوشانند [illegible] حل کرده شربت [illegible] ممزوج نموده [illegible] نموده [illegible]

دواء المسک معتدل بوشنسندلر **دیگر لولک منه** گاوزبان ملک گاوزبان برگ و بعلک اوکالار

تمرهندی گلسرخ تخم کاسنی دعلوت و بسته بسطرخوردس مویز منقی گلقند اغاقی در عرق گاوزبان

عرق نیلوفر عرق شاهتره کوشساند بکیجه و بماند صاف نموده شربت گاوزبان شربت

بزوری معتدل داخل کرده باضافه دوای المسک معتدل لاجورد محلول اضافه نموده

بوشسندلر **دیگر لولک منه** آب انار شیرین آب انار ترش آب سیب زرشک

عرق صندل ارشیم کزکرده مانند شربت صندل داخل نموده باضافه کشنیز

بوشسندلر **دیگر لولک منه** جوارش انار شیرین جوارش زرشک لاجورد محلول

ممزوج نموده بخورند عقب ان عرق بادرنجبویه عرق صندل عرق بیدمشک داخل

گاوزبان طباشیر شیره براورده شربت ابریشم شربت بزوری معتدل داخل

کرده بوشسندلر باضافه قرص بنفشه **دیگر لولک منه** خمیره مروارید بخورند عقب ان

زرشک همراه اب انار ترش آب سیب تفاح آب تمرهندی آب انگور تر کرده مالیده

صاف نموده شربت انار ترش منعنع شربت بزوری معتدل داخل کرده تخم بالنگو بیدانه

بوشسندلر دیگر لولک منه جوارش انار ترش بخورند عقب ان زرشک

علی

گلقند گل گاوزبانی در عرق بادرنجبویه عرق صندل حل کرده دارند صباح با لعاب صاف نموده

شربت بنفشه شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشیند تا ... بعد یکهفته ابریشم

معجون زرشک مفرح گل گاوزبان مروارید صندل ابریشم ... همه را ... در آب

غوره آب انار شیرین عرق بیدمشک عرق گلاب ... کرده دارند صباح با لعاب صاف

نموده شربت زرشک شربت بزوری معتدل داخل کرده با جوارش انار

بنوشیند تا دیگر لولک منه زرشک ... مروارید گل گاوزبان ابریشم ...

گلقند اصل السوس گل قند افتیمون در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه ...

نمایند صاف نموده ... طباشیر سبزه برآورده داخل کرده شربت بادرنجبویه داخل

کرده بنوشند و گاهی با ضماد ... دیگر لدلک منه ابریشم معجون لاجورد ... گلقند

زرشک ... گل گاوزبان ... افتیمون ... نموده بخورند عنب الثعلب

عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق گلاب ... سکنجبین بزوری

داخل کرده بنوشند ... ترکیب ضماد گل بنفشه صندل سفید صندل ... تا ... کاسنی

عنب الثعلب ... برگ عنب الثعلب ... گرم کرده ضماد نمایند تا دیگر لولک منه

عرق گاوزبان
۱۰ توله

کلشنج از هر دو جزو نشاسته کدو و گل نیلوفر از هر یک ساییده ضماد نمایند دیگر لک مغسول سپید

نشاسته سماق از هر دو جزو عنب الثعلب گل بنفشه از هر یک برگ عنب الثعلب سبز ساییده نیم گرم کرده

ضماد نمایند دیگر لک مغسول زعفران کا فور افیون کا فور نشاسته نابستا از آب برگ کاهو

گل بنفشه ساییده ضماد نمایند دیگر سنبل الطیب سعد کوفی مغاث بنفشه زرانبح از هر جزو

از آب سانه نیم گرم ضماد نمایند دیگر لک مغسول روغن گل بنفشه گل نیلوفر نانخواه

عنب الثعلب افیون اسطوخودوس سنبل الطیب اصل السوس اکلیل الملک تخم کاهو تخم خشخاش

جو ریزه همه را در دیگ با آب کوفته نیم کرده دارند صباح مالیده بجوشانند تا نیم

مالیده صاف نموده سرکه تند گلاب روغن گل روغن بنفشه روغن بادام روغن کاهو

روغن مصطگی روغن کدو باز در آن آب انداخته بجوشانند وقتی که آب رفته روغن ماند

زعفران افیون از حل کرده نگاه دارند وقت حاجت بر سر مالند و این روغن

برای سهر و سهر بیشانی نافع دارد دیگر لک مغسول بابونه گل بنفشه اکلیل الملک زعفران

صندل سرخ صندل سفید مصطگی کلشنج از آب برگ عنب الثعلب سبز ساییده نیم گرم

نموده ضماد نمایند دیگر لک مغسول روغن گل روغن بنفشه روغن مصطگی گلاب

برای

حب الغار زنجبیل دار فلفل حرمل قسط اسارون اسطوخودوس بالنگو خیر بویا سیر که همه ممزوج نموده بر سر بمالند ط دیگر کدو کشنه روغن بنفشه

روغن کدو گلاب روغن بادام سرکه مصطکی سنبل الطیب گل بابونه کوفته بخته ممزوج

نموده بر سر مالند ط نسخه کمادیکه ضد دوار از سرد و سدر بسیار نافع دارد

گل بابونه گل بنفشه عنب الثعلب سنبل الطیب سبوس گندم همه را در رومی بسته در کرچه روغن گل

روغن بابونه روغن بنفشه بادام انداخته وقتی که گرم شود به دستور معمول کماد نمایند ط

نسخه کماد دیگر مصطکی گل بابونه گل بنفشه آرد جو برگ النخ زعفران همه را کوفته در رومی بسته

روغن گل روغن کدو روغن بنفشه در کرچه انداخته کماد نمایند ط دیگر لدلک بنفشه گل

بخم کاهو سعد کوفی مسک افسنتین عود صلیب دارچینی قرنفل جوزبویا زعفران بالنگو

گل سرخ صندل سرخ صندل سفید همه را کوفته بخم در نسیم انداخته کوشانید نصف نمایند

مالیدن دماغ سوده اسپاغ یاسمین قرنفل کافور و ابنوس دران روغن جیر ممزوج نموده

بر سر مالند ط و دران سدر و سهر سیاه غیر نافع دارد ط موضع ع لدلک مفتح دماغ

صعتر فارسی افیمون اسطوخودوس سیلیخ فستق اصل السوس عود قماری عود صلیب زر سیاه سوسن

لک کندر زنجبیل گیرد ریک انار ارب کمر شانید نصف نماید ضمادیات نموده سکنجبین عسل

[illegible]

ایارج فیقرا اصل کرده غرغره نمایند ط دیگر لدنک منه منقی و مانع با بونه گل بنفشه اسطوخودوس
تخم حلبه ایرسا ملکوفته قنطوریون الجرر رد عنب الثعلب اکلیل الملک در یک آب
بجوشانند نصف بماند صاف نموده سرکه شربت اسطوخودوس شربت عناب
داخل کرده با اضافه صبر سقوطری داخل کرده غرغره نمایند ط دیگر لدنک منه منقی و مانع
صبر سقوطری سنبل الطیب فوفه سفایج افتیمون بنجم حنظل گل بنفشه در یک آب بجوشانند
نصف بماند صاف نموده سکنجبین عسل سکنجبین عنصلی داخل کرده ایارج فیقرا
اضافه نموده غرغره نمایند ط ترکیب دیگر منه اطریفل کشنیزی سفایج گلسرخ
ایارج فیقرا روغن بادام حب ممزوج نموده بخورند عقب آن افتیمون در ... اسطوخودوس
گل بنفشه در ... با هم بجوشانند ... بماند صاف نموده شربت اسطوخودوس
داخل کرده بنوشند ط ترکیب دیگر لدنک منه اطریفل صغیر ... روغن بادام
ایارج فیقرا گلقند افتیمون ... ممزوج نموده بخورند عقب آن بادیان
بادرنجبویه گل گاوزبان گاوزبان برگ ... سفایج ملکوفته گلسرخ اصل السوس تحریک
... در یک آب بجوشانند ... بماند صاف نموده شربت ...

شربت اسطوخودوس داخل کرده لاجورد مغسول بروغن بادام چرب کرده اضافه
نموده بنوشند تمّ فایده اگر احتیاج فصد باشد قبل از تنقیه بکشند رگ باسلیق یا اکحل
و اگر ماده در ذوات الدماغ باشد فصد رگ زیر گوش و استعمال ساجها و دلوها و ریش کردن یا
استعمال ساجها و دلوها در ساق پای بدستور سابق کرده باشند و اگر صداع سوداوی
و سرسام سوداوی عارض شود بهمین طریق برغایب مرض معالجه آن باید کرد تمّ دیگر
لدکت منه اطریفل موبز ایارج فیقرا لاجورد مغسول روغن بادام تک صندل افتیمون عصاره زرنوید جنی
ممزوج نموده بخورند عقب آن گلقند مطبوخ اسطوخودوس موبز منقی لسان الثور افتیمون در سره
در سه باد آنچه بمانند یکباره بجانب تر گلاب حل کرده شربت افتیمون سکنجبین افتیمونی داخل
کرده بنوشند تمّ مرکب سفوف للعدار السوداوی بنه گاو زبان گل گاو زبان
برگ و تخمک دار چینی مصطکی کشنیز خشک اصل السوس طباشیر گلسرخ لاجورد مغسول روغن بادام
چرب کرده ممزوج نموده نگاه دارند قدر شربت باشد در گلقند افتیمونی یا از اطریفل کشنیزی
بروغن بادام چرب کرده یا در اطریفل موبز روغن بادام یا در اطریفل صغیر روغن بادام
ممزوج نموده بخورند عقب آن گلقند معتبر شربت گل گاو زبان لسان الثور منقی صندل افتیمون

در هنگام انارات یا باعرقهای مناسب بجوشانند یا با عرقهای حیسانده کرده شربت سکنجبین افزوده

گاهی شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند واگر احتیاج باشد دران شوف افتیمون

و اسطوخودوس اضافه نمایند فائده اگر سعال عارض شود آنرا نیز بدستور معمول برعایت

مرض معالجه آن بدستور معمول کرده باشند فائده جو سفید الدوار و دار صدر تحصیل المسبب الالحره

الحارة ان سافج دا الثالثة والاخره الباردة ان سافج والله فی المعج اوفق مع

الذات الدماغ اصلاح مزاج و تلطیف تدبیر باید کرد واگر [illegible] باشد تنقیه ماده از دماغ

بدستور المعمول باید کرد واگر ساذج باشد بعد از اصلاح مزاج و تلطیف تدبیر بسهیل

صحت خفیف العمل استعمال نماید چرا که باز اعاده نکند بعد از تنقیه اصلاح مزاج تجمیع

وجوه بدستور معمول برعایت مرض اصلاح آن کرده باشند و تدبیرات مذکوره

از دوار صفراوی و دوار حرارسدر دموی و بلغمی و سوداوی بلحاظ کرده استعمال

آن باید کرد واگر احتیاج تنقیه بفصد باشد یا بحجامت و یا بدلوها بنهج دستورات

لحاظ کرده معالجه آن کنند فائده تنطیف تبرختة حار ساذج و مادی منه اب عنب الثعلب

آب تمر هندی مروق آب زرشک گلاب عرق نیلوفر کاسنی حسک مغز تخم کدو شیره بادرنگ

دا الثالثه

البول اللبن

[illegible]

اسبغول پاشیده بنوشند تا دیگر لدک منه آب بهوا آب بادرنج آب آلو بخارا آب آلو گیلی

گلاب عرق بیدمشک دانه هیل طباشیر شیره برآورده شربت زرشک شربت انار ترش

داخل کرده باضافه تخم ریحان بنوشند تا دیگر لدک منه آب غوره آبکوزات انار ترش

آب انار ترش آب سیب عرق بیدمشک گلاب عرق کیوره زرشک بیدانه ترکرده مایع

موبخته کرده کشنیز خشک شیره برآورده داخل کرده بنوشند گاهی باضافه قرص بنفشه

دیگر لدک منه دانه هیل طباشیر کشنیز خشک مصطگی و عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کیوره

عرق صندل عرق بیدمشک زرشک بیدانه [illegible] ترکرده صاف نموده موبخته کرده

شیره برآورده شربت تمرهندی شربت نیلوفری شربت سیب داخل کرده تخم بالنگو

پاشیده بنوشند تا دیگر لدک منه آب تربوز آب خیار آب کدو زرشک بیدانه براده صندل

گل گاوزبان گلاب عرق کیوره ترکرده مایع صاف نموده زیر چهره خطائی در گلاب

سائیده موبخته کرده دانه هیل طباشیر شیره برآورده شربت انار شیرین شربت سکنجبین بزوری

داخل کرده تخم فرنجمشک داخل کرده بنوشند تا ترکیب سفوف [illegible] دانه هیل

کشنیز خشک اصل السوس مقشر تودری مصطگی طباشیر [illegible] نبات سفید باشکر قند [illegible]

بخورند عقب آن با عرقهای و شربت های مناسب با با جوشانده یا ادویه مناسبه یا با جوشانده

یا ادویه مناسبه ممزوج داده باشند **ترکیب لعوق دیگر** گاوزبان گل گاوزبان گل بنفشه گل نیلوفر

زرشک سماق دانه هیل مصطکی طباشیر دانه الاچی کلان صندل سفید ابریشم مقرض اصل السوس

گل سرخ تخم خرفه تخم کدو تخم خیار تخم کاهو تخم خشخاش تخم کشنیز بعد [illegible] باشد با گلقند لعوق

مذکوره بدستور معالجه هرچه مناسب باشد استعمال کرده باشند تم **فایده** اگر صداع بسبب

همین عارضه باشد همین طریق معالجه آن کرده باشند و اگر بتدبیر احتیاج باشد خواه ضماد خواه

نطول خواه بوئیدن خواه لخلخه و سعوط و روغن بدستور صداع [illegible] و دموی ملحوظ داشته استعمال گردانند

فایده اگر احتیاج بترکیبات اطریفلات و گلقندهای باشد از دستور سابقه استخراج نموده

موافق مرض و مزاج استعمال کرده باشند دیگر [illegible] نسخه تریاک اربعه بخورند عقب آن گل بنفشه

اسطوخودوس گلقند عسلی در عرقهای مناسب یا [illegible] آب بخورانند [illegible] صاف نموده

ماء العسل داخل کرده بنوشند و دیگر [illegible] نسخه تریاق فاروق بخورند عقب آن همین جوشانده

بدهند تم و دیگر [illegible] نسخه دواء المسک حاره [illegible] یک عدد [illegible] بدهند

نموده تا بخورند عقب آن همین جوشانده بنوشند تم **[illegible]** [illegible]

مثقال بودینه چینی زیره سیاه مصطکی الایچی خرد گل صد برگ افتیمون در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب
بجوشانند هم باو بمالند صاف نموده شربت بزوری حار داخل کرده بنوشند تا ط دیگر
لدلک [illegible] انیسون زیره سیاه بودینه چینی اصل السوس عود غرقی گل سرخ افتیمون در عرق بودینه
عرق هیل بجوشانند هم باو بمالند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند
دیگر لدلک [illegible] گل بنفشه اصل السوس کشنیز اسطوخودوس بادیان خطائی گل قند افتیمون
در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه بجوشانند هم باو بمالند صاف نموده شربت انار شیرین
شربت بنفشه داخل کرده بنوشند تا ط دیگر لدلک [illegible] الایچی خرد بادیان خطائی اصل السوس
کشنیز دارچینی عود غرقی برگ سداب صعتر فارسی پودینه در عرق بودینه عرق هیل بجوشانند
هم باو بمالند صاف نموده سکنجبین عسلی سکنجبین بزوری داخل کرده بنوشند تا ط
دیگر لدلک [illegible] انیسون مصطکی ساذج هندی دارچینی بودینه چینی کشنیز [illegible] افتیمون
در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بمالند صاف نموده شربت سکنجبین عسلی داخل کرده با اضافه
اطریفل کشنیزی روغن بادام مروج نموده بخورند [illegible] لدلک [illegible] عرق بودینه عرق هیل
عرق قرنفل گلاب شربت انار شیرین مروج نموده با اضافه مربای زنجبیل بخورند تا ط

دیگر نوع که بتر عرق بود نیم عرق بید عرق گلاب عرق عنب الثعلب کشنیز خشک ملاء شیر شیره
برآورده شربت بزوری حار ممزوج نموده با اضافه اطریفل کشنیزی روغن بادام شیرین و موافق
بخورند تا ... دیگر نوع جوارش عود و شربت بخورند با دوای المسک گرم عقب آن زیتون ...
عود صلیب اسطوخودوس اصل السوس گلسرخ گل بنفشه اقاقیا ... تخم ... در نسیم آب
بجوشانند نیم باقی بماند صاف نموده شربت بزوری معتدل یا با ماء العسل داخل کرده بنوشند
دیگر نوع سنبل الطیب مصطکی انیسون دارچینی گلسرخ بوده خشک کوفته بیخته ملک قند اقاقیا
ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بود نیم عرق بید گلاب شربت انار شیرین شربت ...
داخل کرده بنوشند ... اطریفل اسطوخودوس و اطریفل ... و اطریفل صغیر ...
دستور میداده باشند دیگر نوع زنجبیل قرنفل انیسون سنبل الطیب مصطکی عود ...
کوفته بیخته با گلقند اصفهانی ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بود نیم خشک عرق بادیان
عرق بید عرق عنب الثعلب دانه هیل کشنیز خشک شیره برآورده داخل کرده شربت بزوری
گرم داخل کرده بنوشند ... ضماد در اختلاج چند ... سنبل الطیب سعد کوفی دارچینی کوفته بیخته
در روغن بابونه روغن سوسن ممزوج نموده بر سر مالند دیگر نوع مومیائی مشک عنبر اشهب

جند بیدستر مصطکی سنبل الطیب کوفته بیخته با روغن نرجس روغن گل نمرود ببوتر بمالند

نطول دیگر بابونه اکلیل الملک افسنتین سنبل الطیب سعد کوفی بالجواه نمام حلبه تخم کتان

صعتر فارسی برگ سداب کاکنج مغز بیخ شیطرج سماق در چهار من آب بجوشانند نصف بماند

صاف نموده روغن بابونه داخل کرده نطول نمایند تم نطول دیگر گل مغز عود صلیب

کاکنج اسطوخودوس برگ سداب صعتر فارسی سنبل الطیب مصطکی بابونه اکلیل الملک

تخم کاهو در چهار من آب بجوشانند نصف بماند روغن بابونه روغن بادام داخل

کرده نطول نمایند تم دیگر بیمار دهند معجون مادة الحیاة بخورند حب ایارج اسطوخودوس

گل قند عسلی بخورد صلیب در عرقهای مناسب با درهم اندازد آب بجوشانند هم باد بماند

صاف نموده شربت زوری گرم یا ماء العسل یا سکنجبین عنصلی داخل کرده بنوشند

دیگر نطول دیگر کندس عاقرقرحا جندبیدستر کوفته بیخته با روغن بابونه قطور نمایند تم

دیگر قطور دیگر کندس حجر سقوطری مشک عود غرقی جندبیدستر با روغن بابونه قطور نماید

ضماد دیگر ماء عنب در رحنی عاقرقرحا سه که ساییده بر پیشانی پای ضماد نمایند

نطول دیگر برگ گل مغز کاکنج بنفشه تخم خطمی تخم خباری اصل السوس در نجیر کرده

که سپستان وزن برگ کشنیز جو آرد (سبوس کنده) عنب الثعلب بسبب سرشیر چهار شربت مورد

تخم کاهو تخم خشخاش در پنج شش انار رب بشانند نصف بماند صاف نموده با

روغن گل روغن کدو داخل کرده نطول نماید مرکب للبیمار ومنه زنجبیل

کشنیز الائچی خورد بود حب کلسرخ عود غرقی عود صلیب صندل فارسی برنج اگر

کوفته بخته قدر شش باشه با گلقند افغانی ممزوج نموده بخورند عقب آن مکلسه گلسرخ

اصل السوس مویز منقی در نیم انار آب بجوشانند یا در عرق تهات یا موافق مزاج خیسانده

کرده شربت بزوری صندل یا گرم داخل کرده بنوشند یا فقط با عرقهای مناسب

و شربتهای صندل یا ریحان و دیگر مناسب بدهند یا ماء الشعیر یا ماء الشعیر کشنیزی

یا ماء الشعیر صغیر یا طبیخ یا مخیسانده یا عرقهای بدهند یا مرکب دیگر للبیمار

حب عصبه سنبل الطیب سعد کوفی برگ سداب اصل السوس گلسرخ صندل فارسی یا کافی خطائی

اسطوخودوس مصطکی کوفته بخته بقدر شش ماشه با گلقند افغانی یا عسل ممزوج نموده

بخورند عقب آن بدستور سفوف سابق بدهند بدستور معمول یا فایده اگر صداع

سبب همین ماده باشد یا ساذج یا بارد یا بارد یا ساذج باشد همین نسخه معالجه آن بدستور معمول

اول

کرده باشند و اگر سعال عارض شود بدستور معمول برعایت مرض معالجه آن باید کرد
فایده باقی علاج از علاج درد از بلغمی و صفراوی و دموی و سوداوی بلحاظ کرده آنچه
درکار باشد از سموت و از طلیخها و ماهی شوربه و ضمادات وغیره برعایت مرض معالجه
اکثر کرده باشند تمّ فایده درد ورکه و سبب ماده بارد و یا حار باشد
تنقیه آن و معالجه آن بدستور درد ورک و سبب صفراوی و بلغمی و دموی و سوداوی
برعایت مرض مناسب باشد بدستور معمول خود بدهند و معالجه آن بهمین نهج کرده باشند
فایده درد ورک که بسبب صعود ابخره از معده باشد خواه حار و خواه بارد اگر حار باشد
معالجه آن اگر جای نرسیده ام خصوصا درد ورک صفراوی و حار ساذج لازم که
معالجه آن بدستور آنها بمناسب مزاج معه اصلاح معده باید کرد و اگر ابخره بارد باشد
نیز بدستور درد ورک بلغمی و بارد ساذج بلحاظ کرده مع اصلاح معده بدستور معمول
بمناسب مزاج کرده باشند احتیاج بتفصیل نیست چرا که در تفصیل حجم و تطویل لاطائل
می بود بهذا اگر تسهیل بشود از ابخره قسم ملطف بدهند یا تنقیه بمسهل عام و خاص
نه ضمادات و روغن ها و نطولات و طلیه های و سعوط های وغیره هم درباب

نموده هرچه مناسب باشد معالجه آن بمناسب کرده باشند ۞ **دوار** سدر که بسبب صعود
ابخره شرایین از گوش و شرایین از شقیقه شود باید که فصد رگ زیر گوش و فصد
رگ شقیقه کنند و اگر احتیاج باشد فصد رگ عقبات و شاخهای و دلوها و پس
گردن شرط مناسب باشد باید کرد و اگر مناسب باشد فصد رگ صافن
کنند و بعد از آن استعمال شاخهای برای اماله ماده و استعمال دلوهای
در ساقهای هر دو باید کرد و اگر ماده باشد تنقیه بمسهل عام و خاص بدستور
نوشته که در اکثر جای نوشته ام باید کرد و اگر علاج دیگر احتیاج باشد در معالجه
حار معلوم کرده تدارک آن بجمیع وجوه کنند و اگر ماده بارد باشد در معالجه
بارد معلوم کرده تدارک آن بجمیع نهج بلحاظ کرده آنچه در کار باشد موافق
مزاج مناسب مرض کرده باشند ۞ و اگر صداع سبب همین ماده باشد
تدبیر معالجه آن باید کرد ۞ **ترکیب روغنها که در این** مالیدن روغن گل روغن بادام
زعفران سرکه ممزوج نموده مالیدن و قدری سعوط نماید ۞ دیگر لادن
روغن کدو روغن بابونه روغن گل سرکه گلاب ممزوج نموده کافور داخل کرده
بالد.

بر سر بمالند و قدری سعوط نماید تا ط دیگر لدلک سه زعفران کافور افیون سرکه گلاب
سیاف مامیثا سنبل الطیب کوفته بیخته روغن گل روغن بادام ممزوج نموده بر شرایین
بمالند و قدری سعوط نمایند تا ط خاتمه سه دواری که سبب حمی باشد باید که تدبیر حمی
موافق معمول سه رعایت مرض و مزاج معالجه آن کرده باشند و اگر سبب طول و مانند آن
وغیره در کار باشند موافق معالجه آن از تنقیه اخلاط صفراوی یا دموی یا سوداوی یا بلغمی موافق
مزاج مرض تدبیر آن کرده باشند و اگر حرارت ذات الصدر و ذات الجنب و ذات الریه
باشند معالجه آن بدستور ذات الجنب و ذات الصدر و ذات الریه بمناسبت مرض و مزاج
کرده باشند و در صورت تعقیب معالجه بطول طویل ترک نموده شد تا ط
اگر دوار سبب از راه مشارکت رحم یا از مثانه یا از گرده و یا از پای یا از
مراق باشند باید معالجه آن بدستور معمول کرده باشند باید که اگر دوار سبب در
مشارکت رحم باشند اول فصد باسلیق بعد فصد رگ صافن کنند و شیافهای شرط
و دواهای بر سیاق پای های باید کرد و اگر احتیاج مسهل باشد حب مسهل عام بدستور معمول
که در امراض رحم جمیع وجوه نوشته ام کرده باشند و اگر مانه مشارکت معده کرده باشند

بر فصد رگ باسلیق و صافن بر شاخهای و زلوهای باید کرد و اگر از مراق باشد از [illegible]

مراق ملاحظه کرده بعد رعایت مرض آنچه احتیاج باشد باید کرد و بعد فصد باسلیق و صافن

و شاخهای و زلوهای بر مناسب و اگر از پای باشد اگر مناسب باشد فصد صافن

و رستنهای شاخهای و زلوهای در ساق پای کرده باشند و اگر در عارض مرض

مسهل خاص و عام در کار باشد از او بر مناسب عضو باید کرد و بعد از رعایت

مسهل اصلاح و طاقت عضو شریک مناسب مزاج بر دستور معمول کرده باشند هرچند

که مسهل در امراض شانه و کرده بعضی اینست بعد وقت ضرورت استناد و الدواء [illegible]

استعمال جز موده اند طی مرکب لوک بته گاوزبان گل گاو زبان گل [illegible] شکاعی [illegible]

پرسیاوشان [illegible] قند افغانی در نسیم آب اثارات بکوبند نیم پاو باید [illegible]

موق شربت [illegible] صندل داخل کرده بنوشند گاهی در عرق خار [illegible] خار خسک

جوش داده بدهند و گاهی خیار [illegible] تخم [illegible] شیره برآورده داخل کرده بدهند

دیگر لوک بته برهان [illegible] شکاعی گل [illegible] اصل السوس گلسرخ پرسیاوشان [illegible]

در نسیم آب اثارات بکوبند نیم پاو بمانند صاف نموده خار خسک [illegible] شیره [illegible]

ابزن

شربت بزوری معتدل شربت بنفشه داخل کرده بنوشند تا ط دیگر لعوک هنه گل بنفشه

گل نیلوفر اصل السوس خار خسک هم کوفته تخم خربزه بکوفته تخم کشنیز مشکطرامشیع

اسارون مویز منقی در عرق خار خسک عرق خار خسک بجوشانند هم با و بمانند صاف

نموده خیار شنبره بر آورده داخل کرده شربت لیمون شربت بزوری داخل

کرده بنوشند تا ط جواب گل گاوزبان بادرنجبویه اصل السوس بادآوردان بیخ و بیخ

بکوفته خار خسک مشکطرامشیع پرسیاوشان در عرق خار خسک عرق خار خسک عرق گاوزبان

گرده ما بین صاف نموده بادرنجبویه جوش داده خیار تخم خربزه شنبره بر آورده

شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا ط دیگر لعوک هنه و دوای المسک معتدل

عرق صدف عرق بادرنجبویه عرق بیدمشک شربت بزوری معتدل شربت بادرنجبویه داخل

کرده با ضافه تخم ریحان بنوشند تا ط جواب لعوک هنه زوفا بالان بادآوردان

مشکطرامشیع اسارون گل بنفشه بکشنیز سپستان در عرق گاوزبان عرق خار خسک عرق

خار خسک دارند صباح بادیان صاف نموده با جوش کرده صاف نموده خیار تخم خربزه

شنبره بر آورده سکنجبین بزوری معتدل شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا ط

دیگر ... ننه دوای المسک معتدل بخورند عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق کیوره

بگذارد داخل کرده بنوشند تا دیگر ... ننه گاوزبان گل گاوزبان مصطکی اسبغ

گلسرخ نبات در عرق گاوزبان عرق چهار ... عرق چهار چیک گلاب تر کرده صباح مالیده

صاف نموده تخم ... کدو تخم خربزه ... آورده شربت بزوری معتدل شربت

گاوزبان داخل کرده باضافه دوا المسک معتدل یا معجون بنوشند تا

دیگر ... ننه بادیان انیسون کشنیز مصطکی اسبغ ... ریوند ... انار آب

آب بجوشانید ... صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا

نسخه ضماد گل بنفشه عنب الثعلب بابونه افسنتین صندل سرخ صندل سفید سنبل الطیب تخم خطمی زعفران

سائیده با آب برگ عنب الثعلب سبز قدری گرفته سائیده باضافه روغن گل ...

نموده ضماد نمایند تا دیگر ضماد بابونه اکلیل الملک گل بنفشه گلسرخ عنب الثعلب آرد جو

سبوس گندم تخم حلبه تخم کتان تخم ترب ... کاسنی ساق ... موم زرد چربی ...

قدری گرفته از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده باضافه روغن گل نیم گرم کرده ضماد نمایند

دیگر ... ننه نانخواه مصطکی اسبغ گاوزبان گل گاوزبان برگ ... در عرق گاوزبان

عرق بادیان بخوبی عرق چار ستر عرق خارخسک ترکرده واربند صباح نا ... صاف نموده مسحوق تخم

خرفه کشنیز خشک شیره بر آورده و داخل کرده شربت لیمون شربت نیلوفر صندل

ممزوج سوده با فائده اضافه دوا السبک صندل با معجون هر روز بنوشند تا نسخه نطول الذکر

گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم حبازین بابونه اکلیل الملک تخم حلبه تخم کتان

بو باد وران عنب الثعلب افتیمون و برنج اثارات بجوشانند نصف بماند صاف نموده

سرکه روغن گل داخل کرده نطول نماید ط دیگر لوللک روغن گل روغن بابونه

زعفران افیون مصطگی سنبل الطیب کوفته بیخته ممزوج نموده بر عانه نمایند

دیگر ضماد ورم ... رحم عنبر اشهب سنبل الطیب زعفران کوفته بیخته شهد ورحد سازند

دیگر فرزجه برای فتح فم رحم ... بستر نجور برنوبد جنین سهما که بیکری ابلود ... لاهوری

کوفته بیخته شهد ممزوج نموده فرزجه سازند وقت حاجت استعمال نمایند

نطول دیگر لوللک سنبل الطیب سعد کوفی گل بنفشه گلنج اسارون پرسیاوشان

سوس کشان عنب الثعلب بابونه خارخسک شکوفته برگ سداب و برنج اثارات بجوشانند

نصف بماند بعده روغن گل داخل کرده نطول نماید ط دیگر لوللک روغن بابونه

گل بنفشه روغن بنفشه روغن سوسن تخم خطمی سنبل الطیب روغن گل موم زرد [illegible] هر یک [illegible]

آب برگ عنب الثعلب سبز سفیدی بیضه مرغ ممزوج نموده یکجا بدارد وقت حاجت بر عانه ضماد نمایند

مرکب سیاف برای نرم کردن ورم رحم بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب مغز فلوس [illegible]

مغز ساق گاو و موم [illegible] کوهان سبز [illegible] پیه مرغ همه را کوفته بیخته بسفیده سیاف های سازند

و وقت حاجت استعمال نمایند ط **دیگر صفت** بابونه مغز فلوس [illegible] عنب الثعلب [illegible]

از آب برگ عنب الثعلب [illegible] سفیدی بیضه مرغ بسفیده خالص ممزوج نموده سیاف های سازند

و استعمال نمایند ط **مرکب سیاف برای [illegible] رحم نافع** سعد کوفی سنبل الطیب مشک عنبر [illegible]

[illegible] زعفران برگ گل [illegible] عنب الثعلب مغز بادام کهنه مغز پسته [illegible]

کوفته بیخته بسفیده سیاف های سازند و وقت حاجت استعمال نمایند ط **مرکب روغن**

لذلک نافع روغن گل روغن بابونه روغن سوسن روغن نرگس سنبل الطیب مصطگی [illegible]

نموده بر عانه مالند ط دیگر لذلک نافع روغن بادام روغن گل روغن بابونه [illegible]

مشک [illegible] سنبل الطیب مصطگی بابونه کوفته بیخته ممزوج نموده بر عانه مالند ط **مرکب سیاف**

برای [illegible] آب برگ عنب الثعلب گل بنفشه [illegible] زعفران [illegible]

افیون موقلم بر بنفشه گاو ممزوج نموده شیاف سازند و وقت حاجت استعمال نمایند تا ط دیگر لالثه

جهة هر اوسدر که بسبب صعود الابخره رجعی باشد اطریفل کشنیزی و اهلیلج کابلی حبک مصطکی ممزوج نموده

وقت حاجت حرارت کرم بخورند تا ط دیگر لالثه اطریفل صغیر بخورند عقب آن گل بنفشه

بر باد آوران گل گاوزبان اسطوخودوس گل تسبیح افتیمون در شب آب بجوشانند نیم باقی بماند

صاف نموده شیر خشت ترنجبین گشنیز خشک شیره بر آورده شربت بنفشه شربت بزوری معتدل ممزوج

نموده بنوشند تا ط دیگر لالثه روغن گل روغن بابونه روغن سوسن گل بنفشه عنب الثعلب

جوش کرده موم زرد کتیرا صبر سقطری زعفران کافور ممزوج نموده پنبه آلوده بر کرده

دارند تا ط فایده اطریفل اسطوخودوس سر بهمن و بهمن را استعمال کرده باشند تا ط

دیگر لالثه اطریفل کشنیزی روغن بادام ممزوج نموده بخورند عقب آن گاوزبان گل گاوزبان

ملکطرا سیع بادآوران گل بنفشه گلسرخ اصل السوس گل قند افتیمون سورنجان و عرق چار ترنجک

عرق چار سیر بجوشانند نیم باقی بماند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده

بنوشند و اگر احتیاج باشد خیار چنبر ترنجبین شیره گشنیز داخل کنند تا ط

دیگر لالثه اطریفل کشنیزی بخورند عقب آن اسطوخودوس دارچینی اسارون بر سیاوشان

مسکطرامشیع اصل السوس بیخ نیلوفر در نسیم انار آب بجوشانند هم ناو بجا بند صاف نموده وانیل

بادیان بسفایج هلیله سیاه بریان کرده چار خیار چنبر بشیره برآورده چار خیار چنبر بشیره برآورده واضل کرده شربت بزوری

معتدل شربت بنفشه ممزوج نموده بنوشند تا ط دیگر لدگک نسخه اطریفل صغیر بخورند عقب آن

گاوزبان نسخه اصل السوس لوبا چران کلیخ کل قند الکلی نیلوفر در نسیم انار آب بجوشانند

هم ناو بجا بند صاف نموده چار خیار چنبر تخم خرفه بشیره برآورده واضل کرده شربت بزوری

معتدل واضل کرده بنوشند تا ط دیگر لدلک نسخه اطریفل صغیر مصطگی واهل گلقند

کشنیز خشک گلقند ممزوج نموده بخورند عقب آن اسطوخودوس مسکطرامشیع چار خیار چنبر

تخم خرفه ملکو نسخه کاوزبان الحرز و نیلوفر کل قند در نسیم انار آب بجوشانند

هم ناو بجا بند صاف نموده شربت بنفشه شربت بزوری معتدل واضل کرده بنوشند تا ط

فصول اطهر احساس بسبب رحم بسبب اختناق رحم بسبب ورم رحم بسبب درد و اگر دارد نسخه بدیع هو والقوی

بسبب حیض باشد معالجه ان طول طویل بسیار دارد معده به جزوی در ینجا نوشته اند و باقی

اگر احتیاج باشد در دستور رجا که مفصل هرآن همه امراض رحم نوشته اند خصوصا گاه کاه ریشه

رحمی که در وقت تولد طفل باشد طلب معالجه را بهتر است که معالجه ابتدا در دستور رجا ام در رحم

اللوی

رجاد

در دستور ورم رحم و احتباس رحم در دستور اطباق رحم و فساد حیض در معالجه فساد

حیض که باذکر جای در دستور رجا نوشته‌ام و اگر درد واید علت مرض شرکت رحم باشد

هر یک را بوقت ضرورت لحاظ کرده آنچه سبب آن درد باشد بران طریق بمعالجه آن همه

رعایت مرض موافق مزاج شخص و مرض کرده باشند و هر چند که بعض بعض مرکبات نوشته‌ام

لیکن احتیاج بنطول و با بالسویه ضمادات و نطولات باشد در دستور دوار سدر صداع نوشته‌ای

اگر حار باشند و در دستور دوار سدر یعنی اگر بارد باشند لحاظ کرده آنچه احتیاج باشد

بدستور معمول معالجه آن کرده باشند و بعد از فراغت معالجه برای سختی رحم و رفت

رحم و اگر ورم عارض شود و صلابت دران پدید آید نسخه‌جات معمول کرده دستور

رجا باذکر جای نوشته‌ام و اگر برای تفتیح حیض سفوفات باید داد دیگر در کار باشد

نیز در دستور رجا نوشته‌اند از آنجا تلاش کرده معالجه آن باید کرد و اگر خفقان

هم باشد رعایت خفقان بدستور معمول خود معالجه آن برعایت مرض کرده باشند

و اگر صداع شرکت رحم باشد نیز معالجه آن همین طریق است کرده باشند تا

بود دوار و سدر که شرکت کلیه و مثانه باشد باید که اول فصد باسلیق کنند و اگر فصد

ابطی متناسب باشند باید کرد و اگر مناسب باشد فصد رگ صافن و شاخهای دو کوب

بر ساقهای پای به دستور معمول سر باید کرد و بعد از آن منضج مواد باد و به بدرقه اگر

مناسب باشد به دستور معمول مراعات مرض و مزاج هم لب آرند و مسهل در آن مرض

مضر است بلکه وقت ضرورت حضرت والد استاد بعمل آورده اند دیگر

بر سیاوشان اصل السوس گل بنفشه گل نیلوفر گلقند آفتابی در عرق خارخسک عرق

خار سبز بجوشانند هم باد بمانند صاف نموده خیارین تخم خرپزه خارخسک شیره

برآورده داخل کرده شربت بزوری معتدل شربت بنفشه ممزوج نموده با اضافه ربوب

بنوشند طا دیگر لدگت بنه زیتون بادیان خارخسک شکوفه تخم خرپزه شکوفه

بر سیاوشان گل بنفشه گل سرخ اصل السوس بو برگ کفی گلقند آفتابی در عرق کاوزبان

عرق خارخسک عرق خار سبز عرق نیلوفر بجوشانند هم باد بمانند صاف نموده شربت

بزوری معتدل داخل کرده بنوشند گاهی خیارین تخم کاکنج شیره برآورده داخل کرده

بنوشند طا دیگر لدگت بنه زیتون بادیان اصل السوس تخم خطمی گلقند آفتابی در عرق

خار سبز عرق خارخسک بجوشانند هم باد بمانند صاف نموده سکنجبین خیارین تخم خرپزه شیره

برآورده

برآورده داخل کرده شربت بزوری معتدل ممزوج ساخته قرص کافور با شربت بنوشند ۰

دیگر گلقند آفتابی مصطگی گشنیز خشک و اصل السوس مقشر کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند

عقب آن تخم خرفه خیار خشک و عرق گاوزبان عرق خار خشک عرق خار سبز شیره

برآورده شربت مفرح شربت لیمون داخل کرده با اضافه قرص کافور بنوشند ۰ دیگر

آب برگ تمر هندی برگ کاسنی زردق آب برگ عنب الثعلب سبز زردق عرق خار خشک گل بنفشه

گلسرخ در آن عرق‌ها شب تر کرده صباح مالیده صاف نموده تخم خیارین تخم خرفه

شیره برآورده شربت آلو بالو شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند ۰ دیگر

بادیان تخم خرفه خیارین و عرق خار خشک عرق خار سبز عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت لیمون داخل کرده بنوشند و گاهی

اول گلقند آفتابی مصطگی طباشیر گل بنفشه اسطوخودوس کوفته بیخته بخورند عقب آن

این قدر بنوشند ۰ دیگر گل بنفشه گل نیلوفر اصل السوس برسیاوشان تخم خرفه

نیم کوفته تخم خیار نیم کوفته خار خشک نیم کوفته گلسرخ خیارین نیم کوفته گل قند منقی

در عرق خار خشک عرق خار سبز عرق شاهتره بجوشانند یک جوش داده مالیده صاف نموده

تخم هلیون تخم کاکنج شیره برآورده داخل کرده شربت بزوری معتدل مرفوع

ساخته اگر یبس طبیعت باشند ترنجبین شیرخشت حل کرده اضافه نموده بنوشند ایضاً

دیگر گل بنفشه گلسرخ اسطوخودوس اصل السوس خشکداله شکوفه تخم ... شکوفه خار خسک

شکوفه گل قند افغانی در عرق خار سبز عرق خار خسک عرق گاوزبان شب تر کرده

دارند صباح بجوشانند نیم باقی ماند تخم کاکنج تخم هلیون شیره برآورده شربت بزوری

معتدل داخل کرده بنوشند ایضاً دیگر زرشک ... گل بنفشه اسطوخودوس

گلسرخ در عرق خار خسک شب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده ... تخم کاکنج خشکداله

تخم ... شیره برآورده شربت بزوری معتدل داخل کرده اول گلقند مصطگی دانه هل

... کوفته ترنج نموده بخورند عقب آن دوای مذکور بنوشند ایضاً ضماد ...

گل بنفشه تخم خطمی بابونه اکلیل الملک صندل سرخ صندل سفید تخم کرفس تخم ... عنب الثعلب

اصل السوس گلسرخ خشکداله برادهٔ آبنوس کوفته بیخته کما ینبغی قدری گرفته در آب برگ عنب الثعلب

سبز ساییده باضافه روغن گل قدری گرم ضماد نمایند ایضاً ... ریشه ... بارهان

تخم کشوث ... خار خسک ... بابونه بیخ کاکنج تخم ... گل بنفشه گلسرخ عنب الثعلب کوفته ...

وزن

قدری از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن بنفشه یا بادام یا روغن بابونه

سر گرم ضماد نماید تا ضماد دیگر لدنگ بنه گل بنفشه نخ خطمی نخ بابونه اکلیل الملک نخ کرفس

نخ قنب تخم کاکنج نخ کاکنج مصطکی تخم ترب تخم حلبه تخم کتان انجره رزد تخم سعی

کوفته بحنه نگاهدارند قدری از آن گرفته از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه

روغن بابونه ضماد نماید تا دیگر لدنگ بنه خیارین تخم خربزه خار خسک خسکدانه

تخم کاکنج در عرق خار خسک عرق خار سیراب برگ تربنیره برآورده شربت بزوری سعفه

داخل کرده با اضافه قرص ربوند بنوشند تا بنو لادن الدنگ بنه گل بنفشه گل نیلوفر

تخم خطمی تخم خیارین عنب الثعلب ملح خسکدانه بکوفته تخم قنب بکوفته خار خسک

بکوفته تخم کاکنج نخ کاکنج تخم بیتون تخم کرفس نخ کرفس تخم حلبه نخ کتان

در دو وارده از آن آب بجوشانند بعد آن از آب نماید صاف نموده با اضافه سرکه

روغن گل بشوی نماید تا مطول لدنگ بنه تو با دراین بابونه نخ بابونه بانجراه

تخم کاکنج نخ کاکنج اذخر نخ اذخر عنب الثعلب گل بنفشه نخ خطمی صندل سفید صندل سرخ

تخم سیبون تخم قنب برادة ابنوس سبوس گندم در دو وارده از آن آب بجوشانند

هفت اثار بماند صاف نموده سرکه روغن بابونه داخل کرده بقوام ضماد نماید وعقب آن

روغن ترب روغن گل روغن بابونه مصطکی سنبل الطیب کلیسرغ کوفته بیخته ممزوج نموده بر مثانه

ونار کرده بمالند طلا سفوف اول انیسون بادیان تخم کرفس سبوس برسیاوشان سنبل الطیب

سعد کوفی اصل السوس بیخ اذخر اوخر خسکدانه خارخسک تمکوفته تخم قثاء بیخ جرزه هکو

عنب الثعلب گلسرخ برگ گشنیز برگ بید بادنجان سبوس گندم تخم [illegible] بابونه در چهارده اثار

آب بجوشانند هشت اثار آب بماند صاف نموده سه که روغن بنفشه داخل کرده نطول

نماید وعقب آن روغن بابونه روغن بنفشه مصطکی سنبل الطیب سعد کوفی زعفران کوفته

ممزوج نموده بمثانه بمالند سفوف دیگر بنه انیسون بادیان تخم کرفس تخم خطمی خسکدانه خارخسک

برسیاوشان اصل السوس گلسرخ گل بنفشه اسطوخودوس مصطکی طباشیر دانه الایچی خورد

مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین کوفته بیخته قدر [illegible] با طبیخ انیسون در سه اثار آب

بجوشانند نیم باو بماند شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند طلا سفوف دیگر

لک شه تخم کاسنی بیخ کاسنی خسکدانه خارخسک [illegible] اصل السوس انیسون برسیاوشان

قطر [illegible] گلسرخ سنبل الطیب مصطکی مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه قند سفید کوفته بیخته

برابر ادویه

سفوف [illegible]

سفوف سازند و قدری از آن هر صباح با طبیخ افتیمون بر سیاوشان و زبیب انار آب بجوشانند

نیم باو و باید صاف کرده سه وقیه با روغن معتدل شربت مفشه و زنجبیل کرده بنوشند تا

برگشت روغن لبلاب روغن گل روغن بادام مغز روغن پسته روغن بادام مصطکی زعفران

بابونه کوفته بیخته با روغن نموده بر مثانه و کرده بمالند دیگر لبلاب روغن ترتیب روغن

روغن بابونه افتیمون مصطکی تخم کرفس زعفران کوفته ممزوج نموده بر مثانه و گرده بمالند

دیگر لبلاب روغن گل روغن ترتیب چرب کرده بر روغن مصطکی روغن بابونه بابونه

کلمرغ برادهٔ ایرسا زعفران افتیمون سنبل الطیب کوفته بیخته ممزوج نموده بر مثانه یا

بر گرده بمالند تا فایده باقی تدبیر علاج آنکه مناسب مرض و مزاج باشند و دستور

مثانه و گرده ملحوظ داشته علاج آن موافق مرض و موافق مزاج رعایت عضو مشارک

کرده باشند و بیرون آنکه تدبیر علاج مذکور باشند در دوار کلی صفراوی و بلغمی و سوداوی

بلحاظ کرده بدستور معمولی به اصلاح و تطیب دماغ و عضو مشارک باید کرد

بو فایده منه اگر درد از و سدر سبب صعود اکثر بخار باشد لازم که از شاخها بشرط

و دنو های بر ساق پای بدستور معمولی باید کرد و اول اگر احتیاج باشد فصد رگ صافن

نماید و اگر باقی باشد و احتیاج بنفضه باشد مسهل بدستور معمول بخور کرده ملاحظه اگر حاجت دارد باز دهد
باید شود و از دستورات دو داروی سدر که اگر جای نوشته اند موافق آن کرده باشند
بعد استعمال نطولات و پای شویه و روغن های و ضمادات که اگر در دستور دوا از علوا و
و بلغمی و دموی و سوداوی نوشته ام باید که باپس عضو شریک و باس دماغ و مزاج نموده
معالجه آن کرده باشند و باقی علاج اگر در کار باشند مثلا طریق خوردن اطریفل و گلقند
با خوشانده و خیسانده موافق مزاج و مرض استعمال کرده باشند غرض آنکه در کار باشد
از دستورات نوشته ام احتیاج نوشتن نیست طبیب دانا و عاقل مند شرط است اینجا
رای طبیب است ۱ و اگر صداع شرکت همین عضو شود همین علاج باید کرد تا حاجت
اگر صداع شرکت مثانه و گرده باشد همین نسخه معالجه آن کرده باشند تا ط
اگر دوار در صدر سبب شرکت مراق باشد باید که فصد باسلیق کنند پس بعد فصد ضماد باید کرد
بعد از آن استعمال شیافهای دودنوهای و رساق پای بدستور معمول نیز باید کرد و در چند
که سبب که شرکت مراق باشد مسهل از آن ضرر نسایه دارد لکن بلکه طبیعت ضرورت است
و اگر احتیاج ضرورت باشد مسهل خفیف اعمل شربت ضرور جوار است و اگر بر کتاب که باشد

ام

مرض را نافع است و ورود را رسیدن سودا آید و دور داشتن که بعد از هضم مسهل دو نوبت بنوشند

اند و زبان ملحوظ کرده آنچه مناسب باشد بعمل آرند و اگر ماده تراقی شرکت طحال باشد

ترکیب اصلاح مزاج طحال اول کرده بعد از آن از نسبت تراقی علاج جوارد سدد مناسب

مزاج و مرض کرده باشند و اگر شرکت کبد با عروق ماساریقا باشد همین وضع

کرده باشند اگر برکت راند بر معالجه ترشح بسم طول طویل بسیار می بود بعد از ترک

کرده شد تا به گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه برگ و تخم کشوث اصل السوس

فلیفلج برگ مرزنجوش سورنجان گلقند افغانی در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه بجوشانند

هم یاد نمایند مالیده صاف نموده شربت گاوزبان شربت اسطوخودوس داخل

کرده با جدوار و دواء المسک معتدل بنوشند تا گل گاوزبان برگ

و تخم افتیمون و ربوبی لسته زرشک بدانه بادرنجبویه سورنجان گلقند در عرق گاوزبان

عرق نیلوفر عرق بادرنجبویه بجوشانند بگذارند صاف نموده شربت بزوری معتدل

سکنجبین افتیمونی داخل کرده با جدوار و دواء المسک بنوشند تا

گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه برگ و تخم زرشک بدانه ابریشم مقرض آلوبخارا

تخم هندی کلک قند افغانی مویز منقی ورق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق نیلوفر

بجوشانند هم باو تماند شربت بزوری معتدل شربت انار شیرین داخل کرده

با اضافه دواء المسک بنوشند تا ط و دیگر لوک [illegible] ابریشم مقرض زرشک

گل گاوزبان افتیمون در ستره صندل [illegible] برگ [illegible] اب گل قند افغانی کل مقشر

اسطوخودوس ورق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق بیانزده

شب ترکرده مالیده صاف نموده ترنجبین حل کرده صاف کرده با اضافه لاجورد

مغسول روغن بادام چرب کرده بنوشند تا ط و دیگر لوک [illegible] ابریشم مقرض

لاجورد مغسول زرشک افتیمون صندل [illegible] طباشیر [illegible] مویز منقی

قند افغانی کوفته تخمه مربع نموده بخورند عقب آن کشنیز خشک در عرق گاوزبان

عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق کیوره [illegible] آورده شربت افتیمون شربت

صندل داخل کرده بنوشند تا ط با اضافه [illegible] دیگر لوک [illegible] بود [illegible] خشک

صندل [illegible] مویز منقی کلک قند افغانی در عرق بید [illegible] گلاب عرق عنب الثعلب

بجوشانند [illegible] طبخ افتیمون در ستره [illegible] بادرنجبویه صاف نموده کشنیز خشک

طباشیر

طباشیر کشنیزه برآورده شربت بزوری شربت گاوزبان داخل کرده بنوشند تا

ضماد لولک صندل سفید صندل سرخ سماق ماميثا گل سرخ تخم کاسنی عنب الثعلب زرشک بیدانه

از آب کشنیز عنب الثعلب سبز سائیده باضافه روغن گل ضماد نمایند ضماد لولک صندل سفید صندل سرخ

سماق ماميثا عنب الثعلب اکلیل الملک سعد کوفی سنبل الطیب صعتر فارسی مصطکی تخم

خطمی اکرر دکلیرج از آب عنب الثعلب سبز سائیده باضافه روغن گل و روغن بابونه

داخل کرده ضماد نمایند تا دیگر لولک بنه بابونه اکلیل الملک گل سرخ برگ سداب صعتر فارسی

پودینه حسک انیسون [illegible] اصل السوس ارد جو را سائیده کدو [illegible] را نشیع کرده

زعفران کادر سنبل الطیب کوفته بیخته قدری از آن از آب برگ کشنیزی یا آب کاسنی

سائیده باضافه روغن گل ضماد نمایند تا روغن لولک بنه صعتر فارسی زنبیاد سنبل الطیب

سعد کوفی مصطکی کوفته بیخته روغن گل روغن بابونه ممزوج نموده بر پرده مراق بمالند

دیگر لولک بنه روغن بابونه روغن سفید روغن گل طلا سرکه مصطکی انیسون سعد کوفی

سائیده بر مراق بمالند تا دیگر لولک بنه روغن مصطکی روغن سوسن روغن سفید

روغن بابونه روغن گل روغن بلسان سنبل الطیب مصطکی ممزوج نموده بر مراق بمالند

نسخه نطول محلل بابونه اکلیل الملک سعد کوفی سنبل الطیب برگ سداب صعتر فارسی

بومادرانه خشک افسنتین زیره سیاه برگ بادام سلیخه هندی عنب الثعلب تخم کتان

تخم شبت برنجاسف نخاله گندم درهنت انار آب بجوشانند چهار انار آب بماند صاف

شوده روغن مصطکی روغن بابونه سرکه نطول نمایند دیگر نطول لندک هنه گل بنفشه

تخم خطمی تخم خیار بابونه اکلیل الملک بومادرانه خشک افتیمون منطوریون و قنه تخم کرفس

تخم شبت ارد جو سبوس گندم مصطکی درهنت انار آب بجوشانند چهار انار

آب بماند صاف شوده سرکه روغن گل روغن بنفشه داخل کرده نطول نماید

نطول لندک هنه بابونه اکلیل الملک سنبل الطیب افسنتین مصطکی افسنتین رومی

دسیارون افسنتین زیره سیاه بادیان خطمی عنب الثعلب اذخر اذخر تخم کرفس

بیخ کرفس برگ کبار سبوس گندم پوست بیخ کبر درهنت انار آب بجوشانند لطیف

بماند صاف شوده نسخه نگار لندک هنه لدوار نجی شرکت دوان

بابونه تخم کرفس افسنتین زنجبیل سعد کوفی غرغره سنبل الطیب افسنتین رومی

سرگین ... نخاله گندم ساک شوده نمک ... در آب بجوشانند در بوتلی بسته

یا در بسانه بغر پرساخته بدستور در روغن بابونه کاو بماند تا کمال لدلک بینه للبکی

انیسون زبره سیاه مصطکی بود یه جیلک سنبل الطیب سعد کوفی باریان برک سداب

صعتر فارسی دارچینی تخم شبت تخم کتان سرکین بز سرکین میش تک پا بنز کرو یا

تخم کرفس در آب تخته در بو بی بسته در روغن باروین و روغن سوسن یا در روغن بابونه

و روغن بنفشه بدستور معمول کاو بماند یا سوای روغن ها در بسانه بغر انداخته

و روغن را در کهربه انداخته کرم کرم میبانه بغر را در روغن ترکرده کلا کرده باشند

کمل سریع **دیگر** لدلک بنه للبکی بود یه جیلک الایچی سفید عود غرقی اصل السوس کلقند افتابی در نسیم انار

آب کرشنا بذ هم یاو بماند صاف نموده بنوشند تا **دیگر** لدلک بنه للبکی برک سداب

بود یه جیلک انیسون کلقند افتابی در نسیم انار آب کرشنا بذ هم یاو بماند صاف

نموده بنوشند تا **دیگر** لدلک بنه للبکی بود یه جیلک زبره سیاه مصطکی عود غرقی

کلقند افتابی در نسیم انار آب کرشنا بذ هم یاو بماند صاف نموده بنوشند

دیگر لدلک بنه للبکی ابله معقا ز زنبار صعتر فارسی کلسح انیسون کلقند افتابی در نسیم

انار آب کرشنا بذ هم یاو بماند صاف نموده بنوشند تا ترکیب سفوف صغیر

دارهیل بودینه جنک زیره سیاه عود غرقی ابله قاقله زرنباد کلسرخ بادیان خطائی

مصطکی صوفارسی کوفته بیخته قدر شش تانه با کلقند افتابی ممزوج نموده بخورند تا

عقب آن بودینه جنک الاچی سفید فیض فارسی کل قند افتابی دریسم اتاراب

بجوشاند بهم باو بماند صاف نموده شربت بوری معتدل داخل کرده بنوشند

اگر حرارت کند باعرقهای مناسب وشربتهای مناسب بخورند تا

دیگر لوک منه کل بنفشه کلسرخ سنبل الطیب اصل السوس بودینه جنک طباشیر مصطکی

لاجورد مغسول مروارید بسفته ابریشم مقرض کشنیز جنک کوفته بیخته قدر شش تانه با کلقند

افتابی ممزوج نموده باطبیخ ادویه مناسبه یا باجنسانده باعرقهای مناسبه وشربتهای

مناسبه یا باعرق بادیه شربت با ممزوج نموده بنوشند تا دیگر لوک منه

ترنجبین شربت لاجورد مغسول روغن بادام کل بنفشه کلسرخ اصل السوس صوفارسی

مصطکی کل قند افتابی ممزوج نموده عقب آن عرق کاوزبان عرق بادرنجبویه

عرق عنب الثعلب شربت بوری ممزوج نموده بنوشند تا دیگر لوک منه

ترنجبین شربت اسطوخودس لعاب صوفارسی روغن بادام اصل کلقند افتابی

مرفوع نموده بنوشند عقب آن بدستور سابق با عرقهای بنوشند تا ۴۰ دیگر لمؤلفه

بیس المزاج هلیله مربا از گلاب شسته واهیل کشنیز خشک کندر مصطگی رومی صندل [illegible]

کوفته بیخته مرفوع نموده بخورند عقب آن بودینه خشک افسنتین گل قند افغانی در

عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق گلاب عرق بید مشک بخیسانند

نیم باو بمانند مالیده صاف نموده ترنجبین حل کرده شربت بزوری معتدل داخل

کرده بنوشند تا ۴۰ دیگر لمؤلفه بیس المزاج هلیله مربا از گلاب شسته کشنیز خشک

لاجورد مغسول [illegible] طباشیر سنبل الطیب کوفته بیخته بخورند عقب آن بودینه خشک

الایچی خرد دانه بسفایج عود غرقی گل قند [illegible] در عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر

عرق گاوزبان گلاب عرق کیفوره بخیسانند نیم باو بمانند صاف نموده ترنجبین

شیرخشت حل کرده باضافه روغن بادام بنوشند تا ۴۰ والا دوا [illegible]

عقب هضم باشند معالجه آن با صلاح معده باید کرد و اگر فساد زیاده شود

اول تنقیه معده بقی و دفع کنند بعده اصلاح معده بدستوری که بعد از قی می کنند

باید کرد و اگر احتیاج مسهل باشد بدستور معمول کنند و بعد از عام و خاص

بدستور که بعد از مسهل میکنند باید کرد لیکن لحاظ مادهٔ حار و بارد و در وقت علاج باید

کرد موافق آن علاج رعایت مرض و مزاج کرده باشند تمام نسخهٔ برای زکام

آب گرم سکنجبین ساده بوره ارمنی گلاب نمک سیاه جوز القی شیره را آورده نمک انبار

داخل کرده قی نمایند بعد از قی گلقند آفتابی دانه هیل کشنیز خشک مصطگی مربی نموده

بخورند تمام در کتب بعضی عبارت تخم ترب تخم خربزه جوز القی اصل السوس در یکجا

آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده بوره ارمنی نمک سیاه داخل کرده

سه پیاله نمایند و در هر یک پیاله شهد داخل کرده سه مرتبه قی نمایند بعد از قی

بدستور معجون از گلقند آفتابی وغیره اصلاح معده کرده باشند تمام مرکب لدلک نه

للانشادر افسنتین زیره سیاه عود غرقی در نیم آثار آب بجوشانند هم باو بماند

صاف نموده گلاب داخل کرده دو سه حصه نموده بعد از دو دو ساعت میداده باشند

دیگر لدلک نه افسنتین بودینه خشک الایچی خورد گلقند آفتابی در نیم آثار

آب بجوشانند هم با دو بماند صاف نموده شربت انار شیرین داخل کرده

با ضافهٔ جوارش انار بنوشند تمام دیگر لدلک نه بودینه خشک الایچی خورد

بادیان مصطکی عود عرق گل قند افتابی در نیم انار آب انجبار بذر نیم بادیان [illegible]

صاف نموده گلاب ممزوج نموده دو دو فه باضافه جوارش یعنی صبح و شام بدهند **دیگر**

دیگر نسخه گل قند افتابی در عرق بادیان عرق بید عرق بوده شربت انارین منعنع

شربت بزوری معتدل ممزوج نموده باضافه جوارش انار بنوشند **دیگر نسخه**

گلاب عرق گاوزبان عرق بید عرق تخم عرق بادیان گل قند افتابی ممزوج نموده

زرشک بیدانه دران ترکرده بار صاف نموده باضافه ربز مهره خطائی ممزوج نموده

اول جوارش زرشک بخورند عقب آن بنوشند **دیگر نسخه** آب انار شیرین انار

ترش گل قند افتابی عرق بید عرق بل گلاب بر مهره خطائی بار حل و ربای [illegible] حل

کرده باضافه جوارش عود شیرین بنوشند **دیگر نسخه** زرشک بیدانه گل قند افتابی

مویز منقی در عرق بید عرق بل عرق بادیان گلاب ترکرده مالیده ربز مهره خطائی

اضافه کرده شربت سکنجبین ساده شربت انارین منعنع داخل کرده باضافه جوارش

عود ترش بنوشند **دیگر نسخه** گل قند افتابی دانه هیل مصطکی کشنیز خشک [illegible]

نموده بخورند عقب آن عرق بید عرق بل گلاب شربت سکنجبین ساده شربت انار شیرین با

داخل کرده بنوشند دیگر آب انار ترش آب انار شیرین آب زرشک آب به

عرق بود نه عرق بید گل سفید افتابی شربت انار شیرین سکنجبین بزوری بسوده باضافه جوارش

عود ترش بنوشند دیگر بدل کشته بود نه خشک گل سفید افتابی در آب انار شیرین آب انار ترش

آب موز آب آلو بخارا آب زرشک تر کرده مالیده با زر جیل در بادی زبر جد خطائی

داخل کرده شربت زرشک شربت انار شیرین سکنجبین داخل کرده باضافه جوارش

نعناع بنوشند دیگر بدل کشته جوارش مصطکی بخورند عقب آن بود نه خشک الاچی خورد

گل سفید افتابی در عرق بادیان عرق بید عرق بود نه تخم خیار بادرنجبویه صاف

بسوده سکنجبین ساده سکنجبین افشره داخل کرده بنوشند دیگر بدل کشته جوارش نعناع

بخورند عقب آن بود نه الاچی خورد مصطکی عود غرقی گل سفید افتابی در آب انار ترش

تخم خیار بادرنجبویه صاف بسوده شربت سکنجبین بزوری شربت سکنجبین افشره داخل

کرده بنوشند دیگر بدل کشته عرق بود نه عرق بید عرق کشوثه عرق نانخواه عرق قرنفل

گلاب مزوج بسوده زبر جد خطائی با زر جیل و ریابی داخل کرده شربت انار شیرین سکنجبین

داخل کرده باضافه جوارش انار بنوشند دیگر بدل کشته گلاب عرق بید سیاه عرق کرده

عرق بومادران عرق الانجبار عرق بارهنگ و ربائی زهره مهره خطائی داخل کرده ~~باضافه جوارش~~ عود

و شربت سیب شربت سکنجبین لیموئی مروارید داخل کرده بنوشند **و عرق کوکنار** آب انگور آب انار شیرین

آب سیب آب به آثار زرشک مفرح مروارید طباشیر دانه هل سنبل برآورده زهره مهره خطائی

و بارهنگ و ربائی داخل کرده شربت سیب شربت بهی شربت انار شیرین مفرح مفرح

باضافه جوارش آملا تا بنوشند **فایده** اگر نیز مسکنات اطریفلات و کنسیات گلقند

و نطولات و بابونه و ضمادات و طلاهای و دیگر ترکیبات ضروریه در کار باشند

از دوا و سدر صیواره و موم و بیضی و لعوق دادن ملحوظ داشته بمثابت مزاج مرض

استعمال کرده باشند **فایده** بعد از هفته اگر ورم سخت باشد و باعث آن دوا زود سدر

شود معالجه آن به دستور معمول کرده باشند و اگر صداع بسبب همین عارضه باشد

بدستور معالجه آن باید کرد و بعد از رفع مرض حمام و مانع از حجامت و غیره

کرده باشند **ترکیب سفوف اطریفل** اسپون زیره سیاه بو داده خشک بوده [illegible] گل سرخ

مصطگی دانه الایچی خورد دانه الایچی کلان پوست زرد ارمج صمغ عربی [illegible] سنبل الطیب

کشنیز خشک [illegible] ماشه با گلقند [illegible] مفرح نموده بخورند عقب آن [illegible]

باضافه جوارش عود بین

الاچی خورد کلان صندل الصافی در عرق بادیان یا عرق بید بوده به عرق بید مشک بسایند و با دیان
صاف نموده شربت سکنجبین ساده شربت سکنجبین بزوری مفرح نموده بنوشند
نسخه دیگر جهت تشنگی کلیه اصل السوس سعد کوفی بانخواه و فلفل زرشک
عود عرقی ... گشنیز خشک برگ ... اسپغول نوده خشک کوفته بیخته
بقدر شش ماشه با جوشانده مذکور بنوشند و اگر حرارت گیرند از جوشانده با فقط
عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بید و بید مشک گلاب شربت سکنجبین ساده مفرح نموده
جهت صندل الصافی ما بین صاف نموده بنوشند از بسوار و اورد سدار ... جلد و معده باشد
لازم که عند الحاجه ... ناریجیل ... انار همراه آن بخورند و ... برنگ های
حبس ... به تقویت آن استعمال کرده باشند نسخه دیگر آب لیمو آب انگور
آب انار شیرین گلاب شربت سکنجبین ساده شربت بست و داخل کرده دانه گشنیز خشک
نیمکوفته برآورده و داخل کرده بنوشند دیگر ... آب زرشک آب تمر هندی
آب آلوبخارا گلاب عرق بید مشک مفرح نموده شربت فواکه شربت تمر هندی
و داخل کرده مصطگی طباشیر گشنیز خشک نیمکوفته برآورده و داخل کرده بنوشند

باصافی

باضافه قرص بنفشه دیگر نسخه براده صندل گل گاوزبان گل سرخ و عرق گاوزبان
عرق بیدمشک عرق بادرنجبویه گلاب ماء الجبن صاف نموده زرشک بیدانه
گل قند آفتابی واران ماء الجبن صاف کرده شربت انار میخوش شربت سیب داخل
کرده بنوشند گاه با اضافه قرص بنفشه دیگر گل بنفشه گل سرخ مویز منقی گل گاوزبان
اصل السوس در آب غوره عرق صندل عرق بیدمشک گلاب تر کرده صاف
نموده بهدانه خطمی مصطکی کثیرا جسک لعاب اسبغول تخم کدو شیره براورده شربت
نیلوفری صندل شربت صندل داخل کرده بنوشند دیگر آب لیموی کاغذی
آب مورد آب تمر هندی آب زرشک زیره جهره خطائی شربت انار میخوش
شربت سکنجبین بزوری داخل کرده با اضافه تخم و تخم بالنگو شربت بنوشند
دیگر گل قند آفتابی دانه هیل مصطکی لعاب کثیرا جسک عود ممزوج نموده بخورند
عقب آن گلاب عرق بیدمشک عرق کیوره عرق بیدمشک با زرکل و ربائی زیره جهره خطائی
داخل کرده شربت سیب شربت سکنجبین عینی داخل کرده با اضافه تخم بالنگو بنوشند
دیگر جوارش انار شیرین بخورند عقب آن آب انگور آب انار شیرین آب سیب

آب زرشک آب بهی هندی طباشیر دانه الایچی خورد نشره آورده ما ریز بهار حماض

بارجیل دربائی داخل کرده شربت بزوری معتدل بنوشند شربت انار شیرین

داخل کرده قاشق وبرای دیگر اطریفل کشنیزی بخورند عقب آن خاک گل وزبان گاو مغز تخم کدو

مویز منقی اصل السوس خاک صندل احمر ورق گل وزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

بجوشانند هم ها و بمالند صاف نموده واین مصطگی طباشیر نشره آورده

داخل کرده شربت بزوری معتدل شربت نعناع داخل کرده بنوشند وبرای دیگر

اطریفل کشنیزی واین مصطگی کتیرا چینی عود خام کرمه تخته فرفوج بسوزن بخورند

عقب آن آب بهی آب کشمش آب آلوبخارا آب بهی هندی بیدمشک سکنجبین بزوری

شربت انار شیرین سقنقور داخل کرده بنوشند وبرای دیگر اطریفل صغیر بخورند

عقب آن خاک گل وزبان گل بنفشه اسطوخودوس گل سرخ خاک صندل احمر وریحان عنب الثعلب

عرق بادرنجبویه بجوشانند هم ها و بمالند صاف لعوق سپستان کدو شیرین نشره آورده

شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند جابجا اگر مزکیات ودیگر معاف نشده باشند

مثلا مفرح اطریفلات وگل قند ها وجوشانده وخیسانده وترکیبات تانبولی وهلیله

مآ

های و ضمادات و نطولات وغیره در کار باشند از دواء صفراوی و دموی و بلغمی
و سوداوی وغیره ملایم کرده بحسب مرض و مزاج مخلوط و سرشته استعمال کرده
باشند و اگر احتیاج شاخهای درختهای دیگر در کار باشند خواه در ساختن جلاب و خواه
در پیش کردن بموجب مرض استعمال کنند و اگر صداع بسبب این اسباب شود که تدبیر
پیشتر آن کنند بر عایت مزاج و مرض فایده اطریفل اسطوخودوس شیره تخم
های و چیزهای و عرق و شربت های بیدانه باشند اگر دوا از سبب خلط
دماغ و سست ضعیف دماغ بهم رسد باید که طاقت دماغ بحسب مزاج و مرض
کرده باشند دیگر بکنند حب مفرح اسطوخودوس کشنیز سبز مقشر الحمر زرد در عرق گاوزبان
عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق صندل سرکرده ماء الجبن صاف شود گرم خشک
دارچینی تس شیره بر آورده شربت مفرح شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند
دیگر بکنند الحمر زرد مقشر کشنیز کوفته در آن داخل طلا طباشیر حب مفرح گرم خشک
توفیر بخته مزوج شود بخورند عنب الثعلب کشنیز اصل السوس حب مفرح و عرق
گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق تمر هندی سرکرده ماء الجبن دارچینی خرما

شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت بنفشه داخل کرده بنوشند دیگر لاینفک

عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه گل سرخ خشک دانه خیارین شیره برآورده

شربت سیب داخل کرده بنوشند دیگر لاینفک گل بنفشه مویز منقی مصطکی طباشیر دانه هیل گل سرخ

کوفته بیخته مفروح نموده بخورند عقب آن سیوس [illegible] گل بنفشه گل سرخ اصل السوس در عرق

گاوزبان عرق بادرنجبویه [illegible] باد [illegible] صاف نموده شربت بزوری معتدل

داخل کرده بنوشند دیگر لاینفک مویز منقی کشمش گل بنفشه گل نیلوفر در عرق بید مشک عرق

عنب الثعلب عرق گلاب عرق کشنیزه طباشیر مصطکی دانه الایچی خورد شیره برآورده

شربت بنفشه شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند دیگر لاینفک مویز دانه انجیر زرد مویز سیاه

کشمش دانه خیارین طباشیر کوفته بیخته مفروح کرده بخورند عقب آن سیوس کنند

گل بنفشه اسطوخودوس اصل السوس گل نیلوفر در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق بادرنجبویه عرق کشنیزه برآورده [illegible] صاف نموده شربت بزوری معتدل

شربت سکنجبین بزوری داخل کرده بنوشند دیگر لاینفک دانه خیارین مصری [illegible]

خورده باشند دیگر لاینفک گاوزبان گل گاوزبان گل بنفشه سبوس گندم انجیر

[illegible]

موز منقی اصل السوس گل بنفشه آقماقی در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان بجوشانند نیم باد بمانند

صاف نموده شربت انار شیرین شربت بزوری داخل کرده داه‌نیل کشیده مصطکی

شیره برآورده ممزوج نموده باضافه اطریفل کشنیزی معتدی با سطوخودوس گل بنفشه

روغن بادام بنوشند دیگر بو اطریفل کشنیزی مصطکی ملیسه گل بنفشه آقماقی ممزوج

نموده بخورند عقب آن سپوس گندم انجیر زرد گل بنفشه اصل السوس در عرق عنب الثعلب

عرق گاوزبان شب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت بزوری معتدل

شربت بنفشه داخل کرده بنوشند دیگر بو داه‌نیل داه الایچی خلال مصطکی ملیسه

گلقند گل گاوزبان گل بنفشه صندل سفید کوفته بیخته قدر پیش تا شد با گل بنفشه آقماقی ممزوج

نموده بخورند عقب آن با عرقهای مدبره با حب اربع عیان ترنج با عرقهای

شربتهای ممزوج نموده بنوشند دیگر عناب اصل السوس سپستان سپوس گندم انجیر زرد

در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باد بمانند صاف نموده گل خطمی تخم

کدو شیره برآورده شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه اطریفل موز

بخورند فایده اطریفل موز صغیر و اسطوخودوس بیز بهین طریق بدهد دیگر ...

مغز بادام مغز چلغوزه مغز اخروت مغز پسته مغز تخم کدو مغز تخم خرفه ریوند صندل سفید [illegible]

و دارچینی بسباسه [illegible] زرنباد شقاقل گشنیز به دانه و کوفته بیخته نگاه دارند اول باید که [illegible]

گندم و عرق گاوزبان عرق بید مشک گلاب عرق کیوره عرق صندل عرق [illegible]

شب تر کرده دارند صباح بجوشانند نصف بماند ما بقی صاف نموده ترنجبین

انار شیرین شربت سیب [illegible] داخل کرده بقوام آرند و وقتی که بقوام رسد

ادویه سابقه ممزوج ساخته قدری زعفران مشک کافور بگلاب سائیده ممزوج

نموده حلوا سازند قدر خوراک موافق مزاج میداده باشند **فایده** اگر ترکیبات

برای حلوا و دماغ وضعف دماغ خصوصاً ترکیبات جوزیه و غیره در [illegible]

صلوادی نوشته‌ام اگر در کار باشد استعمال میکرده باشند و اگر ترکیبات اطریفلات

و دبای لعوقه و خلیه و روغن‌ها و غیره ترکیبات در کار باشند اجزای صلوادی [illegible]

و بلغمی و سوداوی مخلوط دانسته بمناسب مرض و عرض و رعایت مزاج نسخه

استعمال کرده باشند و اگر صداع سبب همین اسباب باشد همین نوع علاج

کرده باشند **ترکیب [illegible] دیگر** سنبل الطیب سعد کوفی گل بنفشه دارچینی مصطکی

اسطوخودوس

اصل السوس مقشر گاوزبان گل گاوزبان برگ فرنجمشک کوفته بیخته قند سفید هر یک ۳ ماشه با گلقند اصفهانی

هر روز صبح بخورند عقب آن ماء الاصول و به مطبوخ چوبچینی و ادویه با شربت عناب الراح

و ماء الجبن های و شربتهای مناسب بدهند باشند مرکب مسهل از اکان مجه حمی بهه

گل بنفشه تخم کاسنی تخم خطمی تخم خیارین اصل السوس گل نیلوفر گاوزبان گل گاوزبان

عناب عنب الثعلب گل سرخ افتیمون در کیسه اسطوخودوس سنا و عرق کاسنی عرق عنب الثعلب

عرق گاوزبان ترکرده دارند صباح جوشانیده کم تا و جاید مالیده صاف نموده ترنجبین

شیرخشت مغز فلوس حل کرده صاف کرده روغن بادام داخل کرده بنوشند

اگر خارش بود سبب ضربه و سقطه بر دماغ باشد اول فصد قیفال نمایند و اگر احتیاج فصد

دویم باشد فصد قیفال در دست دیگر کنند و اگر احتیاج بفصد باسلیق باشد

مضایقه ندارد و حجامت شرط و زلوها در زیر گوش و در پس گردن بگیرند و حجامت

و زلوها در ساقهای پای نیز مناسب است باید کرد و بعد از آن اگر ماده باقی

باشد مسهل دهند و بعد از مسهل تدبیر ضربه و تضادات وغیره بلحاظ حمی و حرارت

مزاج لحاظ کرده استعمال کرده باشند صفت مسهل از اکان مجه حمی عنب الثعلب

عرق کاسنی مغز فلوس ترنجبین ممزوج ساخته باضافه روغن بادام بنوشند تا ط

صفت مسهل مغز بادام مکی ... عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق گاوزبان مغز فلوس

ترنجبین حل کرده باز صاف نموده روغن بادام باضافه سقمونیا بنوشند

مربوط نزلت عرق عنب الثعلب عرق کاسنی شربت روزی گرم داخل کرده بنوشند

ترکیب مسهل مغز بادام مکی ... اجاص ... تخم خطمی عنب الثعلب تخم خیارین

عناب ... اسطوخودوس گل سرخ افتیمون ... سنا ... عرق عنب الثعلب

عرق کاسنی تر کرده دارند صباح بجوشانند ... بمالند صاف نموده

شیرخشت مغز فلوس حل کرده باز صاف نموده روغن بادام داخل کرده

سقمونیا ... روغن بادام چرب کرده بنوشند تا ط دوای دیگر برای ...

حمی ... باشد ریوند ... تخم ... ربی ... کوفته ...

... فایده ... اگر ... حار باشد ... بارد ...

بارد و غیره و شربت ... و صندل و آب انارین و گلاب و ... و غیره

که مناسب باشد معالجه آن کرده باشند و اگر نوع حار در کار باشد دوای امساک

حار و جوارش عود و غیره و شربت عنبری و شربت فواکه مفرحی مشک بالعنبر

و ما یخنده سر بستر و ماء العسل و غیره موافق مزاج و مرض کرده باشند عوض معاجین

خفقان و غیره مناسب مزاج و مرض کرده باشند فایده مس الاستاد حجامت پوس

کردن اگر احتیاج باشد باید کرد و استعمال موسیای با روغن زرد بسیار طلبکه حمی نباشد

باید کرد و اگر موسیای را با روغن بادام با آب نخود نیم گرم کرده دارو بو صلاح . ما سبع

ـات موضوع همراه آن بدهند ضماد لوبک مس الاستاد حمی بدر نشسته باشد محات حل ارمنی اقاقیا

ـق الورد صراره ... مساوی الوزن گرفته با آب برگ مورد و سائیده ضماد نماید

... اقاقیا نیم جی فوفل ... عدس مقشر گل ارمنی صندل سفید مساوی الوزن

گرفته بر سر ضماد نماید و اگر بر سر از سرکه و گلاب و روغن بادام سائیده ضماد

نماید بهتر است برای لذت وجع مس الاستاد پوست انار برگ مورد گلنار از اندک سرکه در آب ..

بجوشانند بخته بعد روغن گل صندلی مخلوط ساخته نیم گرم طلا نماید دیگر لوبک سهم

مرجان کهربا گل ارمنی گل مختوم گل سفید اقاقیا مزدوج بموضع بخورانند دیگر لوبک سهم

کشنیز مصطگی کهربا مرجان موسیای گلنار اقاقیا مزدوج بموضع بخورانند و اگر حمی باشد

عقب آن عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق گاوزبان شربت بزوری معتدل داخل کرده

بنوشند ضماد دیگر مثله صندل سفید صندل سرخ زرد چوب گل سرخ گلنار گل آس

زعفران سرکه و روغن بادام سائیده ضماد نماید دیگر مثله مصطکی عود خام

زرد چوب گل سرخ اقاقیا کندر سنبل الطیب از آب برگ عنب الثعلب سائیده

بر سر گرم روغن بادام اضافه نموده بر سر ضماد نماید دیگر مثله گل بنفشه عنب الثعلب

صندل سرخ صندل سفید گل بابونه اجاشار زعفران زفت رومی از آب برگ

عنب الثعلب سائیده قدری روغن بادام داخل کرده ضماد نماید دیگر ضماد بارد

دارچینی صبر سقوطری بورق گل مختوم مصطکی گل ارمنی گل سرخ از آب برگ عنب الثعلب

سائیده قدری روغن گل ضماد نماید دیگر مثله فوفل صندل سرخ عنب الثعلب

گل بنفشه تخم خطمی گل ارمنی گلنار مصطکی بومادران از آب برگ عنب الثعلب

سائیده قدری سرکه و روغن گل داخل کرده ضماد نماید دیگر مثله

روغن گل روغن بادام مصطکی بومادران کهربا زفت رومی مرهم کرده بر سر مالند

ضماد دیگر مثله بهم شمع سفید مصطکی روغن نارجیل روغن بادام روغن گل زفت رومی زرد چوب

در اسهال

در بوتلی بسته و روغن های در برچه انداخته گرم گرم بر سر کار نماید دیگر اندکی

زرد چوب سیاه چوب مصطگی کندر موم سفید قند سیاه کته رقیب رومی صمغ عربی

روغن ارد روغن کل روغن مصطگی روغن کرما در بوتلی بسته گرم گرم بدستور کار

نماید صداع از شدت براده عاج رقیب رومی مصطگی کل ارمنی ابرروت کرما زعفران

از آب برگ عنب الثعلب سبز ساییده قدری سرکه و روغن کل داخل کرده سر گرم ضماد

نماید ایضا اگر شدت الوجع باشد افیون قدری داخل کنند دیگر از شدت

شدت الوجع روغن بارجیل روغن مصطگی رب رومی افیون زعفران موم سیاه مرغ

نموده بر سر مالند و اگر قدری سرکه اضافه نماید بهتر است دیگر بارجیل زرد چوب

سیاه چوب سپید سیاه موم زرد در بوتلی بسته در روغن زرد بدستور در برچه انداخته

گرم گرم کار نماید برای سعوف للدوار والسدر الذی یحصل من الضربة والسقطة منه

کرباه مرجان بیخ مرجان مروارید ناسفته مصطگی رومی طباشیر سفید صمغ گلنار ریوند چینی

اصل السوس سنبل الطیب کوهر نحجه [illegible] دارد قند سفید [illegible] زعفران گل قند افغانی

مرغ [illegible] بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق گاوزبان شربت زوری

معتدل با گرم داخل کرده بنوشند فایده منه با فی بدیعی علاج اگر درکار باشد و در دستور
ضربه و سقطه ملحوظ داشته رعایت مرض و مزاج استعمال کرده باشند و اگر ضربه و سقطه
موجب سرسام باشد بدستور دوا صفراوی پاس معده ضربه نموده معالجه اکرده باشند
و اگر از قسم نطولات و بای شوبه و طلیه های دو دیگر ترکیبات مناسبه درکار باشد
از دستور دوا صفراوی و دموی و بلغمی و سوداوی تلاش کرده بمناسبت مرض
و مزاج استعمال کرده باشند فایده از دستور العلاج دوا که حادث شود بسبب مرض
که متدر شود بحران و دوا ازایم و خصوصا اگر بحران را باشند تجربه شکسته نمود باید که
تدارک آن موافق معالجه آن بدستور معمول بلحاظ مرض مزاج درشته اگر طبیب دانا باشد
از همین دستور الستخراج کرده معالجه آن کرده باشند و بقیه سعوط حب ایارج و حب شبیار
و ماه را جانب مخالف میل دهد و گاهی صداع بدو از زایل شود و گاهی دوا از علاج
برطرف گردد این مجرب است واگر خون از دست در سبب صعود و اگر ه از بای باشد لازم
که از نشا حمامی و دلوهای و ربای ساق های بدستور معمول کنند و اگر احتیاج فصد باشد
فصد رگ خاص را باید کرد و اگر ماه باشد خواه حار خواه بارد و سهل بدستور معمول

ترکیب سعوط دیگر منه
ورد چوب اصل ابیض
صندل سفید کمال تخم ... قاقله
زعفران
کهربا رجان
سنبل الطیب شهد شکر باشد آب کشیده
تلقید آنبا ... سهدانه سیر
دیگر سعوط ... نولک منه
مومیای مصطکی رجان
کهربا ... صندل سفید ... ابیض
کمال تخم ... کوفته بیخته ...
... ملحوظ ...

بلحاظ حار و بارد که در دوار صفراوی و دموی و بلغمی و سوداوی نوشته‌ام بلحاظ مزاج
و مرض تجویز کرده بدهند و بعد از تبدیل اصلاح هیچ باد و به که در همه دستور دوار و سدر
نگارش نموده‌ام استعمال آن بموجب عمل کرده باشند و اگر نطولات و یا شمومیه
و روغن‌های و ضمادات و طلیه‌های و غیره در کار باشد بموجب نوشته خاصی تطلیه‌ها
که در اکثر دستور دوار مذکور است موافق بر دریت طبیعت بلحوظ در نسخه‌ها این مرض
و عرض کرده استعمال کرده باشند عوض که معالجه این نوشتن در کار است بلحاظ
طول طویل دستور ترک در شده‌ام و اگر چیزی دیگر بمناسبت مرض در کار باشد
از دستورات سابق که چیزی نگذاشته‌ام تلاش کرده بمناسبت مزاج و مرض استعمال
کرده باشند و اگر صداع بسبب همین اسباب باشد نیز بنهج طبق همین دستور معالجه آن
بلحاظ مزاج و مرض کرده علاج آن کرده باشند ۞ **دستور العلاج فی السباتیه**
اگر سبات سوء مزاج حار یا بارد باشد یا سوء مزاج مرکب باشد باید که معالجه
سبات بارد موافق دستور معالجه دستور دوار و سدر بارد بنماید و معالجه سبات
حار را موافق دستور معالجه که از حار بنماید و مرکبه را بدستور معالجه مرکبه بمناسبت

مزاج ومرض از تلطیف نیز واز ملطولات و پاشویه و روغنها وغیره باید کرد واگر

سبات بسبب ماده صفراوی و بلغمی و دموی و سوداوی باشد بدستور حرار و سدر

صفراوی و بلغمی و دموی و سوداوی از تنقیه عام و خاص و از نطولات و از غرغرات

و از شموشات و از برکات الطریفلات و غیره آنچه بلحاظ مزاج و مرض

مناسب باشد معالجه آن کرده باشند واگر سبات بسبب حمی باشد یا بسبب آلت

عضو باشد بدستور معالجه آن هر قسم حمی که باشد موافق مرض و مزاج کرده باشند

و بشرکت هر عضو بدستور آن عضو موافق معالجه حرار و سدر مشترک با این مرض و مزاج

ورشته کرده باشند واگر سبات بسبب ضربه و سقطه باشد نیز بدستور حرار و سده

که بسبب ضربه و سقطه باشد مع تقویت عضو و اصلاح آن کرده باشند واگر سبات

بسبب صعود ابخره معده و غیره باشد موافق دستور معالجه آن دوار و سدر که بسبب

مزاج و مرض معالجه آن کنند واگر طبیب دانا باشد معالجه سبات هر قسم که باشد از معالجه

دوار و سدر که بسبب اقسام سبات بر طبق نوشته این عاصی آنچه منظور و لایق باشد

از معالجه حرار و سدر که موافق مزاج و مرض معالجه آن کرده باشند تمام

هو دستور العلاج فی السهر اگر سهر بسبب ماده حار و یا بارد ساذج و یا ساذج مرکب

باشد باید که بلطیف تدبیر منه بجانب مرض بادویه منوّمه مثلا از نوبت خشخاش و

نوبت خشخاش و تخم کاهو و زعفران و افیون و غیره منه بر سبات که در حرار و سدر

حار و یا بارد و یا مرکب مذکور کرده ام باید که ملحوظ و رشته معالجاتی کرده باشند

و اگر سهر بسبب یبوست سودا باشد لازم که معالجه آن بدستور حرار و سوداوی بمیه

ادویه مرطبه و منوّمه و حل ترکیب واقع از روغنهای از نطولات و قطورات

و غیره کرده باشند و اگر نقفه ماده منظور باشد خواه عام خواه خاص بهمان دستور

کنند و این عاجز چیزی از قسم معالجه در حرار و سدر تکرار نشته الذی و اگر سهر

بسبب ماده صفراوی باشد و خواه بسبب ماده بلغم مالح و یا از ماده دموی باشند اگر مسهل

مسهل باشند نقفه مسهل عام و خاص موافق دستور مقرر کنند و مناسب نقفه باشند

نیز بهمان دستور کنند و استعمال ساجهای و دلوهای که ماده در ذات الدماغ باشد

یا غیر آن موافق دستور حرار و سدر نیز آن کرده باشند و اگر سهر بر طوبی باشد

نقفه عام و خاص بدستور حرار و سدر بلغمی معالجه آن باید کرد و بعد از فراغ مشتغل

اصلاح مزاج و مرض از عوارض و نطولات و نقولات و غیره آنچه مناسب مزاج و مرض
باشد با رعایت مرض بادویه مسهله و معجونها عضو خاص معالجه آن باید کرد و اگر مسهل
سبب حمی باشد به دستور حمی معالجه آن برعایت مرض و مزاج کرده معالجه آن کنند
و اگر مسهل سبب امتلا ماده باشد باید که تنقیه ماده بهر قسم که باشد تنقیه آن بمسهل عام و خاص
به دستور دوار و سدر به اصلاح مزاج و مرض لحاظ کرده معالجه آن کرده باشند غرض
اگر سبب هر قسم که باشد آن وجه سبب تشخیص کرده موافق دوار و سدر از تنقیه
و از نطولات و از سعوطات و مشمومات و روغنهای و بادیه شویه و تلطیف تدبیر و از ضمادات
و از قطورات تنقیه دماغ و اصلاح دماغ و غیره تدبیر آنچه مناسب باشد موافق دستور
معالجه دوار و سدر بایس مزاج مرض ملحوظ داشته تدبیر آن کرده باشند و طبیب اگر دانا
باشد از معالجه مسهله هر قسم که باشد سوای از دستورات دوار و سدر بدیگر احتیاج نکنند
و هر چیزی که در کار باشد بایس طبیب مناسب مرض و مزاج کرده موافق تشقیق دستور
استعمال معالجه اگر وجع باشد علاج تلطیف تدبیر سهر که منوم کند و نطولات منوم و ضمادات
منوم و روغن منوم و غیره هم از دستورات دوار و سدر شرط طبیب دانا باشد بملاحظه

لتشخیص

کروه با پاس مزاج و مرض منظور داشته معالجه آن موافق آن کروه باشند تمّ

دستور العلاج فی النسیان منه اگر نسیان بهر جنس که باشد لازم که اگر سبب مادی باشد

منقیه آن بطعام بدن با منقیه دماغ بموجب ماده ملاحظه کرده بمناسب مرض و مزاج بدستور

معالجه مذکور رسید تنقیه آن ماده باید کرد. و بعد از تنقیه اصلاح مزاج موافق مذکور رسید در

مع ملاحظه مرض و مزاج کرده از اطریفلات و مطبوخات و تلطیف تدبیر و غراغر

و از عطوسات و سعوطات منقی دماغ و اصلاح دماغ و از کمادات و ضمادات

غرض آنچه مناسب مرض و مزاج باشد از دستورات مذکور رسید ملحوظ داشته

بموجب آن مع رعایت مرض و پاس طبیعت کرده معالجه آن کرده باشند اگر طبیب

دانا باشند احتیاج دیگر دستور سوای از دستورات اقسام مذکور رسید از قسم

معالجه بدو جنس که باشد نیست تمّ نسخه معجون برای نسیان بارد از دستور العلاج کندر سعد کوفته

دار فلفل زنجبیل فلفل گرد بوزیدان جوز بوا از هر یک سه مثقال نرم کوفته بیخته با دو چهار یک

عسل آنچه بود معجون سازند قدر شربت یک درم با یک مثقال عسل و دهن را فایده

دارد و دیگر برای نسیان از دستور العلاج فایح ... دار و فلفل دار فلفل دارچینی

غرغره سنبل الطیب از هر یک نیم مثقال خولنجان هر یک مثقال زعفران یک درم مشک یک دانگ ابه جمله را
نرم کوفته و بیخته سه چهار یک عسل کف گرفته آمیخته معجون سازند قدر شربت یک مثقال
احتیاز نماید چون دماغ را قوت می دهد و مفید است ط برای سهر مجربست سلیخه یک درم
افیون نیم درم زعفران نیم درم بکوبند و بروغن گل آمیخته اندکی از آن در بینی و دماغ
بمالند خواب آورد و اگر هر یک اندکی و تخم کاهو میل نماید خواب آورد و مجربست
از حکم جالینوس است ط دستور العلاج فی السهر اگر طبیب دانا باشد احتیاج به ذکر
سوای دستور معالجه حار و سرد صفراوی و بلغمی و دموی و سوداوی نباشد
لیکن برای ضعفای ذهن و عقل طب انکشاف معالجه آن کرده ام لیکن باید که با وجود
لحاظ مفصل معالجه بنیر نوحه معالجه حار و سرد کرده باشند و با سن مزاج و مرض و ضعف و قوت
عضو بدستور معالجه آنها ملحوظ دارند و بعد از تنقیه عند الاحتیاج اصلاح مزاج از تلطیف
تدبیر و نطوحات و نطولات و غیره ترتیب جهت استعمال کرده باشند و در سهر حار
شافع و در سهر عجیب فقط تلطیف تدبیر در کار است و احتیاج تنقیه نیست ط ترکیب منوم
مفید للصداع و حل شنعه کلیخ السطوخودوس تخم کاهو شکوفه در عرق گاوزبان عرق ...

بکوبند هم باو بماند صاف شود تخم خشخاش سفید را آورده شربت خشخاش داخل کرده

باضافه قرص بنوشند دیگر ترکیب حب للبارد گل بنفشه عود صلیب گلسرخ تخم خشخاش شکوفته

گل قند اصفهانی در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب بکوبند هم باو بماند صاف شود

تخم کاهو سفید را آورده شربت خشخاش شربت بنفشه داخل کرده باضافه قرص منوم حار

بنوشند دیگر ترکیب للبارد دارچینی عود عربی مصطکی [illegible] همون گل بنفشه گلسرخ

گل قند اصفهانی در عرق گاوزبان عنب الثعلب بکوبند هم باو بماند صاف شود

تخم کاهو تخم خشخاش سرخ تخم کدو شیرین را آورده شربت خشخاش شربت بنفشه

داخل کرده باضافه قرص منوم حار بنوشند دیگر للبارد اسطوخودوس تخم

کاهو شکوفته تخم خشخاش شکوفته گلسرخ گل بنفشه گل قند اصفهانی عود صلیب شکوفته در عرق

عنب الثعلب عرق بادرنجبویه بکوبند باز کرده داروها صباح بکوبند هم باو بماند

صاف شود با مالیدن صاف شود تخم کاهو سفید را آورده شربت خشخاش شربت بنفشه

داخل کرده باضافه قرص بنفشه بنوشند دیگر للبارد اسطوخودوس گلسرخ [illegible]

خشخاش گل بنفشه عود صلیب دارچینی تخم کاهو شکوفته در عرق گاوزبان [illegible]

بجوشانید نیم پاو باند تخم خشخاش مغز تخم کدو شیره برآورده شربت خشخاش شربت نیلوفر

داخل کرده باضافه قرص منوم حار بنوشند تما ترکیب منوم للحارینه تخم کاهو

تخم کدو در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر شیره دانه در گلاب لعاب

گرفته شربت انار شیرین شربت خشخاش داخل کرده باضافه قرص منوم بارد بنوشند تما

فایده لازم که در معالجه سهر حار یابس دماغ ضرور است مبادا ورم دماغ موجب

سرسام شده وهلاک شود و در معالجه سهر بارد از کثرت ادویه حاره بلحاظ

کنند که موجب سرسام و اختلاط عقل نشود لهذا درین مقدمه آگاه داده است

که در جمیع اقسام سهر لحاظ دماغ و یابس مزاج و طبعیت کرده معالجه آن بدستور

معمول کرده باشند ترکیب للحارینه تخم خشخاش مغز تخم کدو کاهو در عرق گاوزبان عرق نیلوفر

عرق بادرنجبویه گل بنفشه در عرق کشنیز و گلاب تر کرده مالیده صاف نموده اسپغول

لعاب گرفته ممزوج ساخته شربت بزوری معتدل شربت بنفشه داخل کرده باضافه قرص منوم حار

بنوشند تما دیگر للحارینه تخم کاهو تخم خشخاش در عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب

عرق گاوزبان گل بنفشه گل نیلوفر در عرق صندل عرق بیدمشک تر کرده مالیده صاف نموده

لعاب

بهیدانه اسبغول لعاب گرفته قدری گلاب ریزه چینی خطائی بسابیده داخل کرده شربت

خشخاش شربت بنفشه ممزوج نموده باضافه قرص بنفشه بنوشند ۲ط دیگر اندک هینه گل

گل نیلوفر گل سرخ اسطوخودوس مویز منقی گل صندل اقاقیا در عرق گاوزبان عرق نیلوفر

عرق بیدمشک عرق صندل تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده تخم کاهو

تخم کدو مغز تخم خیار براورده شربت خشخاش شربت بنفشه داخل کرده باضافه

قرص منوم بار دیگر بنوشند ۱ط دیگر اندک هینه تخم کاسنی بیکوفته گل بنفشه گل گاوزبان

گل نیلوفر تخم خطمی در عرق نیلوفر عرق بیدمشک عرق بیدساده عرق صندل

عرق کیوره گلاب تر کرده مالیده صاف نموده تخم کاهو تخم خشخاش سبزه براورده

شربت خشخاش شربت انار شیرین داخل کرده باضافه قرص منوم بار دیگر بنوشند ۱ط

دیگر اندک هینه گل بنفشه اسطوخودوس در عرق صندل عرق گاوزبان آب انار شیرین

آب بهی بدون پوست تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده تخم کاهو

تخم خشخاش کنجد سفید براورده شربت بنفشه شربت نیلوفر داخل کرده باضافه

قرص بنفشه بنوشند ۱ط دیگر اندک هینه تخم کاسنی بیکوفته گل بنفشه گاوزبان گل گاوزبان

[illegible]

گلسرخ آلوبخارا تمرهندی در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب تر کرده کوفته باشند هم باو بعد

تخم کاهو تخم خشخاش تخم خرفه کدو شیره برآورده شربت بنفشه شربت نیلوفر داخل کرده

باضافه قرص منوم باردو بنوشند تا دیگر مسهل السنه بهیدانه لعاب گرفته در عرق گاوزبان

عرق گلاب عرق نیلوفر عرق صندل تخم کاهو مقشر تخم کدو شیره برآورده شربت

خشخاش شربت بنفشه داخل کرده باضافه روغن بادام بنوشند تا دیگر

بهیدانه اسبغول گل خطمی برگ در عرق گاوزبان عرق نیلوفر عرق کاسنی لعاب گرفته

تخم کاهو تخم خشخاش شیره برآورده روغن بادام ممزوج ساخته شربت خشخاش شربت

بنفشه داخل کرده باضافه قرص منوم باردو بنوشند تا دیگر گل گاوزبان

گاوزبان سپستان تخم خطمی در عرق گاوزبان گلاب عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

بهیدانه لعاب گرفته تخم خشک کاهو تخم خشخاش تخم کدو شیره برآورده ممزوج

نموده شربت خشخاش شربت بنفشه داخل کرده روغن کدو روغن بادام مخلوط ساخته

باضافه قرص منوم باردو کاهی اسبغول باشند بنوشند تا دیگر

گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیاری ریشه خطمی گاوزبان در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق گلاب عرق کیوره عرق صندل بر آورده داربند صباح بالنگو صاف نموده
تخم کاهو تخم خشخاش خیارین سبز بر آورده شربت خشخاش شربت بنفشه داخل کرده روغن
بادام روغن کدو ممزوج ساخته با اضافه اسبغول بنوشند تا ط دیگر لوکنه
ریشه خطمی تخم خطمی گل خطمی تخم حلبه در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق گاوزبان
عرق گلاب لعاب گرفته شربت بنفشه شربت خشخاش تخم کاهو تخم خشخاش سبز بر آورده
داخل کرده روغن بنفشه بادام روغن کدو ممزوج ساخته با اضافه تخم ریحان
گاهی اسبغول گاهی قرص منوم بار دو بنوشند تا ط دیگر لوکنه تخم بنفشه تخم خطمی
بهیدانه در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق گلاب عرق کیوره بجوشانند
بعد مالیده صاف نموده خیارین مغز تخم کدو تخم کاهو سبز بر آورده شربت
خشخاش شربت بزوری معتدل ممزوج نموده روغن بادام داخل کرده با اضافه قرص
منوم بار دو بنوشند گاهی تخم حلبه لعاب گرفته داخل نماید و گاهی در عوض تهای
حبوب نموده بدستور معمول تیار کرده بنوشند تا ط دیگر لوکنه بهیدانه اسبغول
تخم حلبه تخم ریحان در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب جوش داده صاف نموده

تخم کاهو تخم خشخاش مغز تخم کدو شیره برآورده شربت خشخاش شیرین مغشی داخل کرده روغن

خشخاش روغن بادام مغز فروج موده باضافه قرص منوم بنوشند تا طـ دیگر [illegible]

آب انار شیرین گلاب عرق بیدمشک عرق گاوزبان لعاب بهیدانه گرفته تخم کاهو

تخم کدو شیره برآورده شربت خشخاش شیرین مغشی داخل کرده روغن بادام روغن خشخاش

مغز فروج کموده باضافه اسپغول کاهی تخم بالنگو کاهی قرص گل مغشی کاهی قرص منوم بارد

بنوشند تا طـ نسخه ضماد للصداع الحارّة تخم کاهو صندل سفید مغز تخم کدو گل مغشی گل نیلوفر

تخم خشخاش زعفران از آب برگ کاهو سبز و گلاب ساییده ضماد نماید تا طـ دیگر [illegible]

الحارّة تخم کدو تخم کاهو عنب الثعلب [illegible] گل مغشی بزر تشنیز کدو بزر تشنیز [illegible]

سیب صندل سفید افیون زعفران کافور از آب برگ کاهو سبز ساییده ضماد نماید تا طـ

دیگر [illegible] پوست خشخاش گل مغشی تخم کاهو زعفران تخم کاسنی بیخ لفاح بابونه کافور افیون

از آب برگ کاهو سبز ساییده ضماد نماید تا طـ تخم خطمی گل مغشی گل نیلوفر اصل السوس

صندل سرخ صندل سفید تخم خشخاش افیون کافور بیخ تخم کدو تخم کاهو سبز که از گلاب

و از آب برگ خشخاش ساییده ضماد نماید تا طـ دیگر [illegible] گلسرخ پوست خشخاش گل مغشی

تخم کاهو افیون از آب سائیده ضماد نماید یا از برگ کاهو سبز سائیده ضماد نماید نطال

سعوط لدفع آب برگ کاهو سبز آب برگ کشنیز سبز روغن گل روغن بادام روغن کدو

شیر عورت زعفران افیون کافور ممزوج نموده سعوط نماید سعوط لدفع

آب برگ خرفه سبز آب برگ کاهو سبز شیر عورت روغن بابونه روغن گل روغن خشخاش

تخم کاهو سبزه برابر آورده سنبل الطیب کوفته بیخته ممزوج نموده سعوط نماید سعوط لدفع

گل بنفشه صندل سفید از هر یک سائیده آب برگ کاهو سبز آب برگ کشنیز سبز آب برگ خشخاش

آب برگ عنب الثعلب شیر عورت روغن گل روغن بادام روغن کدو روغن خشخاش ممزوج

نموده با اضافه قدری زعفران افیون کافور سعوط نماید سعوط لدفع

بزر خشخاش سنبل الطیب تخم کاهو گل بنفشه کوفته بیخته در روغن خشخاش روغن بنفشه روغن

نیلوفر روغن بادام زعفران افیون کافور ممزوج نموده سعوط نماید قسم ضماد

صندل گل بنفشه ... عود و ... یا نخواه تخم کاهو تخم خشخاش از آب برگ عنب الثعلب سبز

سائیده ضماد نماید ... صندل دارچینی بزرالبنج ... گل بنفشه تخم خشخاش تخم کاهو

از آب برگ خشخاش سبز یا از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده ضماد نماید ...

جدوار صندل سعد صندل سرخ رب سیب مامیثا عنب الثعلب بزر البنج افیون زعفران

تخم کاهو از آب برگ عنب الثعلب سبز ساییده ضماد نمایند ضماد دیگر سنبل الطیب

سعد کوفی گل بنفشه تخم کاهو تخم خشخاش افیون ورد چینی بیخ لفاح زعفران کافور

از آب برگ کاهو سبز و آب برگ عنب الثعلب سبز ساییده ضماد نمایند دیگر ضماد دیگر

بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب تخم خطمی تخم کاهو تخم خشخاش بیخ لفاح گل بنفشه زعفران

افیون از آب برگ کاهو و آب برگ عنب الثعلب سبز ساییده ضماد نمایند سعوط

دیگر سنبل الطیب گل بنفشه اسطوخودوس بیخ لفاح آب برگ عنب الثعلب آب برگ

کاهو سبز آب برگ خشخاش سبز روغن بابونه روغن بادام بهم آمیخته سعوط نمایند دیگر

دیگر لولک بنفشه گل بنفشه گل سرخ بابونه تخم خشخاش بزر البنج کوفته بیخته در آب برگ

عنب الثعلب سبز آب برگ کاهو سبز روغن بنفشه روغن بادام زعفران افیون بهم آمیخته

سعوط نمایند سعوط دیگر مشهور بابونه سنبل الطیب سعد کوفی عود صلیب اکلیل

اسطوخودوس کوفته بیخته آب برگ عنب الثعلب روغن بادام روغن بنفشه بهم آمیخته

سعوط نمایند قطور لولک بنفشه سنبل و بابونه زعفران مشک قرنفل ... خولنجان

ادن

کوفته بخته از آب برگ عنب الثعلب آب برگ [illegible] صبر سقوطری روغن بابونه روغن بادام

ممزوج نموده قطور نماید جهة قطور برای تسکین [illegible] دماغ بنه سبز عصارت از برگ

کاهو آب برگ خرفه سبز آب برگ کشنیز روغن بنفشه روغن خشخاش کاهو ممزوج نموده

قطور نماید دیگر [illegible] گل بنفشه گل نیلوفر کوفته نیز عصارت آب برگ کاهو سبز

آب برگ کشنیز روغن گل ممزوج نموده سعوط نماید جهة ترکیب روغن [illegible]

آب برگ کاهو سبز آب برگ خرفه سبز آب برگ کشنیز آب برگ کوکنار سبز

صندل سفید از گلاب [illegible] نیز عصارت تخم کاهو تخم خشخاش افیون زعفران

کافور روغن خشخاش روغن کدو روغن بنفشه روغن بادام ممزوج نموده نگاه دارد وقت حاجت

بر سر مالند و قدری سعوط نماید جهة روغن دیگر [illegible] روغن خشخاش روغن بادام

روغن بنفشه تخم کاهو گل بنفشه صندل سفید و برنج کوفته بخته ممزوج نموده قدری

افیون و زعفران و کاهو در گلاب داخل کرده بر سر مالند و قدری سعوط نماید

دیگر [illegible] روغن خشخاش روغن گل روغن کدو تخم کاهو مغز تخم کدو و افیون

خشخاش از گلاب و آب برگ کاهو سبز و آب برگ کشنیز سبز برآورده داخل کرده زعفران

بیخ تفاح افیون کافور ممزوج نموده بر سر مالند و قدری در بینی سعوط سازند

و اگر روغن کدو بنفشه و گل نیلوفر داخل نماید بهتر است ترکیب روغن [illegible]

روغن بادام روغن بنفشه روغن نیلوفر روغن کدو روغن گل روغن خشخاش

بگیرند از اسبغول در گلاب لعاب گرفته آب برگ کاهو سبز آب برگ خرفه آب

برگ کشنیز سبز آب برگ تخم کاهو تخم خشخاش نشسته برآورده زعفران افیون کافور

ممزوج ساخته بر سر مالند و قدری در بینی سعوط نماید ترکیب روغن [illegible]

پوست خشخاش گل بنفشه گلنار بابونه ورد با دو آب بجوشانند یکجا و نمایند صاف نموده

آب برگ عنب الثعلب آب برگ کاهو سبز آب برگ کشنیز سبز آب برگ خرفه سبز آب برگ

کوکنار سبز تخم خشخاش تخم کاهو روغن بنفشه روغن گل روغن نیلوفر از گلاب نشسته

برآورده ممزوج ساخته در انداخته بر آتش نهند که آب بالکل بسوزد زعفران

افیون کافور داخل کرده نگاه دارد وقت حاجت بر سر مالند و قدری

در بینی سعوط نماید ترکیب روغن [illegible] آب برگ کاهو سبز آب برگ

کشنیز سبز آب برگ کاسنی سبز آب برگ کوکنار سبز آب برگ خرفه سبز آب برگ عنب الثعلب سبز

۴۹ حلی

گل سرخ گل بنفشه گل نیلوفر مامیثا بابونه عنب الثعلب صندل سفید صندل سرخ پوست خشخاش تخم کاهو تخم خشخاش

از گلاب سیر برآورده باقی همه ادویه را کوفته بیخته در خل آب [illegible] بنوع برآتش نهند تا که

نصف آید مالیده صاف نموده روغن کدو روغن بادام روغن نیلوفر روغن بنفشه

روغن خشخاش روغن گل سرکه داخل کرده باز برآتش نهند که آب بالکل سوخته شود و روغن بماند

افیون زعفران کافور مامیثا [illegible] نموده نگاه دارد وقت حاجت بر سر مالند

و قدری در بینی سعوط نمایند ترکیب روغن [illegible] بارده بزرالبنج نانخواه بیخ تفاح تخم کاهو

تخم خشخاش گل سرخ گل بنفشه بابونه اکلیل الملک سنبل الطیب صندل سفید صندل سرخ همه را در آب

پوست خشخاش که شب تر کنند اثارات بجوشانند که اثار آب بماند مالیده صاف نموده

در آن آب باز [illegible] داخل کرده باز بجوشانند که نصف بماند مالیده صاف

نموده روغن بابونه روغن بنفشه روغن سنبل روغن گل روغن خشخاش داخل کرده باز برآتش نهند

که آب بالکل سوزد و روغن بماند افیون زعفران کافور مامیثا مصطکی حل کرده

نگاه دارند وقت حاجت بر سر مالند و قدری در بینی سعوط نمایند ترکیب روغن [illegible] بارد

دارچینی اسطوخودوس قرنفل زنجبیل مصطکی سنبل الطیب سعد کوفی جوزبوا بسباسه بیخ تفاح

گل بنفشه بزر سیسالیوس بابونه عنب الثعلب پوست خشخاش تخم کاهو تخم خشخاش کوفته بیخته

در یکمن انار آب تر کرده وا ریزند صباح بجوشانند نصف بماند صاف نموده روغن بابونه

روغن بادام روغن بنفشه روغن کدو روغن نیلوفر روغن خشخاش ممزوج کرده باز

بر آتش نهند تا که آب بالکل سوزد و روغن بماند صاف کرده افیون زعفران کافور

مشک جندبیدستر کوفته حل کرده بر سر مالند و قدری در بینی سعوط نمایند [illegible]

روغن بابونه روغن بادام روغن خشخاش عود صلیب جندبیدستر مشک کوفته بیخته ممزوج نموده

بر سر مالند دیگر [illegible] منه روغن مصطکی روغن سوسن روغن بادام روغن بابونه سنبل الطیب

مشک گل بنفشه مصطکی عود صلیب تخم کاهو تخم خشخاش از آب برگ کاهو سبز افشره برآورده

ممزوج نموده قدری زعفران بیخ لفاح افیون در آب [illegible] حل کرده بر سر مالند و قدری

در بینی سعوط نمایند مرکب نطول منه للسهر الحار منه گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیار

گل سرخ عنب الثعلب اصل السوس تخم خشخاش تخم کاهو پوست خشخاش بیخ لفاح صندل سفید گلنار

ارزن جو برگ بید تازه برگ کاهو سبز برگ کنار ورد دارو ده انار آب بجوشانند نصف بماند

صاف نموده روغن بنفشه روغن خشخاش سرکه در آن حل کرده نطول نمایند [illegible] نطول [illegible] منه

[illegible]

210

گل بنفشه گل نیلوفر گلسرخ بابونه پوست کدو تر پوست خیار تره پوست سیب برگ کنار برگ بید تازه

ارده جو برگ کاهو سبز برگ کوکنار تخم کاهو تخم خشخاش در ده آثار آب بجوشانند

نصف بماند صاف نموده روغن گل روغن خشخاش داخل کرده نطول نمایند تمت نطول دیگر نیز

برگ کاهو سبز برگ کشنیز سبز برگ خرفه سبز برگ کوکنار سبز برگ کاسنی سبز برگ عنب الثعلب سبز برگ کنار سبز

برگ بید تازه برگ گلسرخ گل بنفشه گل نیلوفر تازه پوست کدو پوست خیار پوست سیب

پوست تفاح سماق صندل سفید صندل سرخ بابونه عنب الثعلب جو مقشر شکوفه تخم کاهو

شکوفه تخم خشخاش شکوفه گلسرخ همه را در چهار ده آثار آب بجوشانند نصف بماند

صاف نموده روغن بنفشه روغن گل روغن بابونه داخل کرده نطول نمایند تمت و اگر

احتیاج باشد چربی روده پای گوسفند نمایند تمام روغن نماید اندرخت تمت نطول جهة

بارد المزاج گل بنفشه گلسرخ اصل السوس سنبل الطیب تخم کاهو تخم خشخاش بزر البنج با تخم

تفاح پوست خشخاش سعد کوفی بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب برگ کنار برگ بید تازه پوست کشنیز

در ده آثار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده روغن خشخاش روغن بابونه

داخل کرده نطول نمایند تمت دیگر نطول جهة بارد المزاج بنفشه سنبل الطیب سعد کوفی بابونه

اکلیل الملک افیون مصطکی عود صلیب اسطوخودوس دارچینی بیخ نعناع تخم کاهو پوست خشخاش برگ
کاهو برگ کنار برگ عنب الثعلب تخم کاهو تخم خشخاش گل بنفشه بیوس کنند در ده دار ده آثار
آب بجوشانند چون نصف بماند صاف نموده روغن خشخاش روغن بابونه داخل کرده نطول نماید تا
نطول دیگر لذلک ایضاً گل بنفشه تخم خطمی تخم خیار بابونه اکلیل الملک بزر [illegible] اسطوخودوس
ابرسا [illegible] قنطوریون دقیق عنب الثعلب پوست خشخاش بیخ نعناع تخم کاهو تخم خشخاش
عود غرقی برگ عنب الثعلب برگ کاهو بیوس کنند در ده دار ده آثار آب بجوشانند تا نصف بماند
صاف نموده روغن بادام روغن خشخاش داخل کرده نطول نماید ترکیب سعوط للسهر الحار [illegible]
دانه الایچی خرد طباشیر مصطکی دانه الایچی کلان سنبل الطیب گلسرخ گل بنفشه گل نیلوفر
پوست خشخاش تخم خشخاش تخم کاهو مغز تخم کدو مغز تخم [illegible] حسک [illegible] مغز فندق مقشر برابر
کوفته بیخته سعوط سازند قدر [illegible] عقب آن عرق بید ساده عرق گاوزبان
گلاب عرق نیلوفر تخم کاهو تخم خشخاش [illegible] آورده [illegible] خشخاش [illegible] داخل
کرده با اضافه قرص [illegible] بارد بنوشند تا ترکیب سعوط للسهر الحار والبارد
تخم خشخاش بآب کوفته بیخته سعوط ساخته بکار برند تا دیگر سعوط [illegible] برای سهر حار و بارد

تخم کاهو تخم خشخاش نبات کوفته بیخته بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب ق

نیلوفر شربت خشخاش عود داخل کرده بنوشند تا **سفوف دیگر بسیار** گل نیلوفر گلسرخ اصل السوس

نانخواه بزرالبنج عود صلیب دارچینی تخم کاهو تخم خشخاش پوست خشخاش مصطکی سنبل الطیب

سعد کوفی قند سفید کوفته بیخته سفوف سازند قدر شربت یک مثقال عقب آن با عرق تمهای ...

های ... بیدانه باشند تا **سفوف دیگر ...** دارچینی نانخواه اسطوخودوس

عود هندی اسطوخودوس عود صلیب پوست خشخاش صعتر ... پوست بیخ کبر تخم کاهو تخم خشخاش

قند سفید برابر کوفته بیخته سفوف سازند قدر شربت یک مثقال بخورند عقب آن تخم کاهو

تخم خشخاش ... عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان شیره برآورده شربت

خشخاش شربت ... داخل کرده با اضافه قرص ... بنوشند تا **سفوف دیگر ...**

تخم کاهو تخم خشخاش پوست خشخاش گل ... گل نیلوفر ... طباشیر گلسرخ صندل سفید

کوفته بیخته با قند سفید برابر ... سفوف سازند قدر شربت ... بخورند

عقب آن عرق گاوزبان ... نیلوفر ... گلاب ... کاهو ...

تخم کاهو تخم خشخاش شیره برآورده شربت خشخاش شربت ... داخل کرده بنوشند تا

نسخهٔ شربت خشخاش پوست خشخاش مثقال تخم کاهو سبزه برآورده پوست خشخاشی رانیف واب

برکرده وارند صباح بکرسی سازند لطیف باید صاف نموده قند بر سکون قوام کرده شربت سازند

واگر پوست خشخاش حاصل اولمز ایسه تخم خشخاش سبزه برآورده داخل کرده شربت سازند ط

شربتهای المسهلات والمنضجات بدستور معمول لعاب تنقیه عام وخاص بدبر واگر دیگر

احتیاج باشد بواقی اعراض اقسام دوا زود سدرا استعمال کرده باشند ط

ودیگر لدنک منه گل بنفشه گل سرخ تخم خطمی منظور بون وقیق عنب الثعلب مویز منقی

عود صلیب گل قند عسل ودر عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شب ترکرده وارند صباح

بجوش سازند هم باد بماند بالیده صاف نموده شربت اسطوخودوس ماء العسل بالا فاده

ممزوج نموده بنوشند ط ودیگر لدنک منه اطریفل کشنیزی بسفایج فتوا عصاره ریوند

اسطوخودوس عود صلیب گل قند عسل ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بادیان عرق

عنب الثعلب شربت اسطوخودوس شربت بنفشه داخل کرده بنوشند ط ودیگر لدنک

مسهلات والمنضجات منه بادیان بیخ بادیان تخم خطمی اصل السوس ابریسم مکوفته

بورسیاوشان گل قند عسل ودر عرق عنب الثعلب عرق بادیان شب ترکرده وارند

صح

صباح بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده ماء العسل شربت افتیمون داخل کرده بنوشند

دیگر لذلک منه افتیمون زبیب سیاه عود صلیب اسطوخودوس عاقرقرحا افتیمون ورد سرخ سپستان

سنبل در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه تر کرده دارند صباح بجوشانند هم باو بمانند صاف

نموده ماء العسل بالا فاویه شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند معجون دیگر لذلک منه

افتیمون بادیان زبیب سیاه عود غرقی فلفل دار فلفل زنجبیل عاقرقرحا بزر سیساالیوس فلفل کرد

عود صلیب دارچینی قرفه سنبل الطیب کوفته بیخته بعسل کف گرفته بدستور معجون سازند

قدر شربت شش ماشه باید رفته اسطوخودوس اصل السوس کلپنچ و ابریشم انار اب بجوشانند

هم باو بمانند صاف نموده شربت سکنجبین افتیمونی شربت بزوری گرم داخل کرده

بنوشند دیگر لذلک منه اصل السوس قنطوریون غاریقون ایرسا کوفته افتیمون ورد سرخ

کلپنچ اسطوخودوس گلقند عسلی در عرق بادیان عرق عنب الثعلب تر کرده دارند

صباح بجوشانند هم باو بمانند صاف نموده شربت اصول شربت نعناع داخل کرده بنوشند

دیگر لذلک منه اطریفل اسطوخودوس ایارج فیقرا بسفایج فستقی افتیمون گلقند عسلی روغن

بادام مرفوع نموده بخورند عقب آن بزر سیساالیوس کشنیز کاسنی در عرق بادیان عرق عنب الثعلب

بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده شربت افتیمون شربت اسطوخودوس داخل کرده

بنوشند تا ط و دیگر علاج نسخه اطریفل صغیر ایارج فیقرا ترید سفید مقشر روغن بادام چرب کرده

گلسرخ گل بنفشه اسطوخودوس گلقند عسلی ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بادیان

عرق عنب الثعلب شربت سکنجبین افتیمونی داخل کرده بنوشند گاهی اطریفل موبز گاهی

اطریفل کشنیزی بخورند تا ط و دیگر علاج نسخه اطریفل صغیر غاریقون مویز بیدانه گل [illegible] ترید سفید

مقشر روغن بادام چرب کرده ایارج فیقرا گلقند افتیمون یا عسل ممزوج نموده

بخورند عقب آن عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب ماء العسل داخل کرده بنوشند تا ط

و دیگر علاج نسخه اطریفل موبز ایارج فیقرا افتیمون لسان الحمل فستقی ترید سفید مقشر روغن بادام

چرب کرده عصاره غافث گلقند عسلی ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بادیان

عرق بادرنجبویه ماء العسل شربت اسطوخودوس ممزوج نموده بنوشند تا ط و دیگر علاج نسخه

گلقند عسلی گلقند افتیمونی شحم حنظل حجر [illegible] غاریقون ترید سفید روغن بادام چرب

کرده گل بنفشه ممزوج نموده بخورند عقب آن بادیان [illegible] بادیان گل بنفشه عنب الثعلب

گلسرخ اصل السوس در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم باو بمانند صاف [illegible]

درنجبویه

صاف نموده شربت اسطوخودوس شربت افتیمون داخل کرده بنوشند تا ط

دیگر لولک منه گلقند عسلی ایارج فیقرا ممزوج نموده بخورند عقب آن عرقهای و

شربتهای مناسب مزاج بنوشند تا ط هذا ترکیب مجرب للنسیان و السبات منه

تربد سفید مقشر روغن بادام چرب کرده عصاره ریوند پوست هلیله کابلی پوست

هلیله زرد پوست بلیله آمله سنقی کوفته بیخته با یک قند عسلی شربت افتیمون

ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بادریان عرق بادرنجبویه ماء العسل

داخل کرده بنوشند گاهی با جوشانده با جانفزا ترنجبین حل کرده بنوشند تا

دیگر لولک منه زنجبیل فلفل گرد فلفل دراز عاقرقرحا عود صلیب عود غرقی کوفته بیخته

با گلقند عسلی ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بادریان عرق بادرنجبویه ماء العسل

شربت افتیمون داخل کرده بنوشند تا ط دیگر لولک منه دواء المسک حار

جدوار سنگ عود صلیب کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق

بادریان عرق گلقند تعلیقه ماء العسل ~~شربت افتیمون داخل کرده بنوشند~~ تا

شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند گاهی با طبیخ افتیمون زیره سیاه عود غرقی اسطوخودوس

گل بنفشه نبات جوشش داده بنوشند تا دیگر لدلکت نسخه تریاق اربعه گل قند عسلی
ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بادیان عرق عنب الثعلب شربت بزوری شربت بنفشه
داخل کرده بنوشند دیگر لدلکت نسخه تریاق فاروق صندل سفید مشک شربت افتیمون
ممزوج نموده بخورند عقب آن انیسون بادیان اسطوخودوس گل قند عسلی در عرق بادیان
عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم ماویها بدفعات نموده شربت اسطوخودوس شربت سکنجبین
افتیمون با ماء العسل داخل کرده بنوشند تا ترکیب معجون لدلکت و المنیا نسخه
دارچینی مصطکی زیره سیاه انیسون عود صلیب بزر بسباسه لیوس دار فلفل فلفل گرد تربد سفید
مقشر بروغن بادام چرب کرده عاقرقرحا انیسون سنبل کبر زراوند صبر سقوطری پوست بلیله
کابلی پوست بلیله زرد پوست بلیله املج سنبل اسطوخودوس گل بنفشه گاوزبان کوفته بخته بعسل
دو وزن ادویه معجون سازند قدر شربت یک مثقال یا نیم مثقال با طبیخ ادویه مناسبه
با عرقهای و شربت مناسبه بدهند و اگر در این ادویه مشک و عنبر اشهب داخل کنند
بسیار بهتر خواهد شد تا نسخه معجون لدلکت بنسخ بعد از تنقیه مداومه باشند انیسون مصطکی
~~قرنفل شیلانی فلفل گرد اسطوخودوس گل قند عسلی در عرق بادیان عرق بادرنجبویه گذاشته~~

۳/۱۰/۱۲

هم باد بماند هر نوبت بوده شربت اسطوخودوس شربت سکنجبین افتیمون انیسون با ماء العسل داخل

کرده بنوشند تا ... ترنجبین جند بیدستر عود صلیب ایارج فیقرا بدو وزن

عسل کف گرفته معجون سازند قدر شربت یک مثقال با یکم مثقال با ... مثقال

با طبیخ مناسب و با عرقهای و شربت مناسب میداده باشند نسخه معجون دیگر

[illegible] بعد از تنقیه میداده باشند نوبت بلیله کابلی نوبت بلیله زرد نوبت بلیله

اسطوخودوس عود صلیب بزر کسیالیوس ترید سفید مقشر روغن بادام چرب

کرده ایارج فیقرا باید که کل ... عسل مکرر قند ... بی تخمین عسل مصفی در

عرق بادیان داخل کرده بر آتش گذارند وقتی که حل شود بار ... کرده باید بر آتش

نهند تا وقتی که بقوام رسد مشک عنبر اشهب داخل کرده ادویه مذکور مرقوم

نموده بدستور معجون سازند قدر شربت بدستور معجون سابق با بدرقه مذکوره

میداده باشند نسخه معجون برای ... مالیخولیا دارچینی الاچی جوز ... کشمیز

... اسطوخودوس دارچینی عود صلیب اصل السوس گاوزبان ... کل سرخ سنبل الطیب

... گاوزبان زرشک ... ایارج فیقرا کوفته بیخته بدو وزن عسل مصفی معجون سازند

قدر شربت هفت مثقال مع شربت با طبیخ ملک مغشه اسطوخودوس گلسرخ در عرق بادرنجبویه
عرق عنب الثعلب که شب خیسانیده صباح با و بمالند صاف نموده شربت بروزی معتدل شربت
نیلوفر وزحل کرده بنوشند. فایده در معالجه سبات و نسیان پاس دماغ ضرور
باید کرد چرا که مبادا ورم دماغ شود یا چیزی خلل دهد و اگر صاحب سبات و نسیان
سبب علاج پاس دماغ نکرده بلقوه و فالج و صرع و سکته و کابوس و سبب کثرت
رطوبه حاره تنحی و سرسام شود و هلاک شود لهذا پاس دماغ بهر وجه که باشد
ضرورست نسخه معجون برای سبات پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست بلیله
آمله سیقی اسطوخودوس گل نیلوفر گل مغشه گاوزبان برگ فرنجمشک گلسرخ عود
مصطکی طباشیر سعد کوفی ایارج فیقرا لوف نخته قند افتابی ترنجبین عسل مصفی
در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب حلاب حل کرده بدستور صاف نموده قوام ارند
و بدستور معمول معجون سازند قدر شربت ماشه با طبیخ ملک مغشه گل گاوزبان اسطوخودوس
گلسرخ در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه که شب خیسانیده صباح با و بمالند صاف نموده شربت
بروزی معتدل شربت مغشه وزحل کرده بنوشند یا باغ تنهای و نبر تنهای مناسب مند

عطوس جهت سبات و نسیان نافعه کنند پس فلفل کرد و جرز و عود و صلت گوفته بیخته در بینی

باس دهند و اگر سبب تشریک باشد در روغن بادام روغن بنفشه ممزوج بنوع

در بینی باس دهند تا دیگر لذلک نافع پودینه خشک سنبل الطیب عاقرقرحا فلفل کرد و نکچکنی

گوفته بیخته در بینی دمند و اگر سبب تشریک باشد در روغن بنفشه روغن بادام

ممزوج بنوع در بینی چکانند تا دیگر لذلک نافع عطوس آب برگ پودینه سبز آب برگ

عنب الثعلب آب برگ گشنیز آب برگ چغندر آب برگ نکچکنی سبز فلفل کرد فلفل دراز

زنجبیل سنبل الطیب جند بیدستر گوفته بیخته ممزوج بنوع در بینی اندازند و اگر سبب

تشریک باشد روغن بابونه روغن بنفشه روغن بادام ممزوج بنوع در بینی چکانند

دیگر لذلک نافع سیر کوهی سنبل الطیب خرنجان عاقرقرحا فلفل کرد زیره سیاه گوفته

بیخته در آب نکچکنی حل کرده در بینی چکانند و اگر سبب تشریک باشد روغن گل

روغن بادام روغن بنفشه مخلوط ساخته در بینی چکانند تا بو سعوط لذلک نافع

ایارج فیقرا عاقرقرحا اسطوخودوس سنبل الطیب گوفته بیخته در بینی دمند تا دیگر

لذلک نافع جرزرد نکچکنی فلفل کرد عاقرقرحا اسطوخودوس برگ مسیالیوس گوفته بیخته

دربینی دمند و اگر قدری سعد کوفی جوزبویا داخل کرده قوی خواهد شد ط نطول برای
سبات و نسیان نسخه بابونه اکلیل الملک تخم خطمی سنبل الطیب سعد کوفی دارچینی افسنتین
گل بنفشه عنب الثعلب عاقرقرحا اسطوخودوس بزر سیالوس عود صلیب سبوس گندم در دوازده
آثار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده سرکه عنصل داخل کرده نطول نماید
اگر سهر شریک باشد روغن گل روغن بنفشه اضافه نموده استعمال نمایند ط ط
نطول دیگر برای نسیان بابونه اکلیل الملک سعد کوفی اصل السوس افسنتین زنجبیل قیصوم
زیره سیاه مصطگی عود غرقی عود صلیب قرفه سنبل کرمانی عنب الثعلب تخم خطمی تخم کتان
در دوازده آثار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده سرکه عنصل داخل
کرده نطول نماید ط و اگر سهر شریک باشد روغن گل روغن بابونه داخل کرده
استعمال نمایند ط نطول جهت سبات سهری گل بنفشه تخم خطمی تخم خبازی
اصل السوس عنب الثعلب بابونه اکلیل الملک سنبل الطیب سعد کوفی اسطوخودوس
عود صلیب اذخر بیخ اذخر برگ کنار برگ بید ناره سبوس گندم در دوازده آثار
آب بجوشانند نصف بماند سرکه روغن گل روغن بابونه داخل کرده نطول نمایند ط

نطول ۲۱

نطول دیگر جهت سهر بلغمی بنفشه گل بابونه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خشخاش ری صندل سفید صندل سرخ

سنبل الطیب بابونه اکلیل الملک اسطوخودوس برنجاسف کدو عنب الثعلب برگ شبت خیار

سبوس گندم آرد جو برگ کاسنی برگ بید نانخواه برگ عنب الثعلب ورد دار فوه انار ترش

بجوشانند نصف آب باند صاف نموده سرکه روغن گل روغن بنفشه داخل کرده نطول نمایند

للسبات و السهر بادیان اصل السوس گل بنفشه گلسرخ تخم خطمی بوره نیمه اسطوخودوس

گلقند آفتابی گلقند عسلی در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه در نیم اثار آب بجوشانند

نیم باو باند صاف نموده شربت بنفشه شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند طـ

دیگر تنکه بابونه بادیان تخم بادیان عنب الثعلب اصل السوس گل بنفشه گلسرخ تخم کاسنی

نیم کوفته گلقند عسلی گلقند آفتابی در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه بجوشانند

نیم باو باند شربت بنفشه داخل کرده بنوشند طـ فایده و باقی معالجه سبات

و نسیان ارد وار بلغمی و سوداوی بدستور معمول از نطولات و عطوسات

و غیره باس مزاج و مرض و اسنه تحریر کرده باید کرد و معالجه سبات سهری و سهر سباتی

بدستور دوار صفراوی و بلغمی ممتزج و در سبات سهری رعایت مزاج غالب معالجه

بد و از بلغمی باید کرد و اگر سهر تابی باشد غالب معالجه بر غالب دو از صفراوی [illegible]

آن بدستور معمول یا بس نزاج و مرض در نشسته کرده باشند وحتی المقدور از ادویه [illegible]

مخدره منومه محفوظ دارند مگر بضرورت سهر غالب بسیار مضایقه ندارد [illegible]

دیگر نزدیک منه گل بنفشه تخم کاهو تخم خشخاش گلسرخ اسطوخودوس پر سیاوشان الخ [illegible]

گل قند آفتابی بزر بسا لیوس افیمون در نسره بسته در عرق گاو زبان عرق عنب الثعلب [illegible]

بجوشانید بنم باو نماید صاف نموده شربت سکنجبین افتیمونی شربت بنفشه داخل کرده

بنوشند تا [illegible] دیگر نزدیک منه عود صلیب اسطوخودوس افتیمون در نسره بسته گلسرخ گل [illegible]

بادرنجبویه گلقند آفتابی در نسیم انار عرق عنب الثعلب بجوشانید نیم باو نماید صاف

نموده شربت بنفشه شربت اسطوخودوس داخل کرده باضافه اطریفل اسطوخودوس [illegible]

دیگر نزدیک منه للسبات السهری بادیان زیتون اصل السوس ابریشم نکوفته گل سرخ

گل بنفشه گلقند عسلی در عرق بادیان عرق گاوزبان بجوشانید نیم باو نماید صاف

نموده شربت بنفشه شربت روزی معتدل داخل کرده باضافه اطریفل کشنیزی

بنوشند گاهی اطریفل مویزی و گاهی اطریفل صغیر تا [illegible] دیگر نزدیک منه [illegible]

[illegible]

عود صلیب عود غرقی اسطوخودوس گل بنفشه کوفته نیم کوفته با گلقند عسلی شربت بنفشه
ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بادیان عرق گاوزبان شربت اسطوخودوس
داخل کرده بنوشند تا دیگر لعوق للسعال هلیله مربا از گلاب شسته
مصطگی بادیان عود صلیب اسطوخودوس گل بنفشه کوفته نیم کوفته ممزوج نموده بخورند
عقب آن گل بنفشه اسطوخودوس گلسرخ گلقند عسلی در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه
بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت سکنجبین بزوری شربت بنفشه داخل کرده بنوشند
دیگر گل بنفشه گل نیلوفر اسطوخودوس گاوزبان گل گاوزبان اصل السوس
گلقند افتابی در عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده [illegible]
کدو کشنیزه برآورده داخل کرده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند دیگر
بادیان بادرنجبویه گل گاوزبان آلو بخارا گل بنفشه گل نیلوفر اصل السوس گلسرخ گلقند افتابی
در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم باو بماند چهار یکی سیره برآورده
داخل کرده شربت نیلوفر شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند با باضافه اطریفل
کشنیزی بخورند دیگر عرق بادیان عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب گلاب گلقند افتابی

ممزوج نموده شربت بنفشه سکنجبین بزوری داخل کرده بنوشند گاهی با خاشه اطریفل

کشنیزی بنوشند تا **دستور العلاج فی الکابوس اگر کابوس از ابخره دموی باشد**

قیفال
باید که اول فصد یا با سلیق یا فصد زیر گوش کنند و اگر احتیاج ضروری باشد شاخهای

و ذنوبهای در پس گردن و شاخهای و ذلوهای بجهة اماله ماده بساق پای باید کرد و اگر

احتیاج باشد فصد صافن نیز مضایقه ندارد و بجهة اماله ماده و تلطیف تدبیر از لطولات

و پای شوبه و طلیهای و ضمادات وغیره موافق حرارت سدر صفراوی و دموی با کر

مزاج و مرض و درشسته معالجه ان کرده باشند و اگر کابوس سبب ابخره بلغم باشد خواه

از معده خواه در ذوات الدماغ اگر ساذج باشد تلطیف تدبیر موافق دارد سدر

بارد ساذج و حار ساذج با پس مرض و مزاج بلحاظ نموده معالجه آن کرده باشند

و اگر مادی باشد تنقیه بمسهل عام و خاص و تلطیف تدبیر از لطولات و پای شوبه و طلیهای

و ضمادات وغیره موافق حرارت سدر بلغمی بلحاظ مزاج و مرض کرده معالجه آن باید کرد

و اگر کابوس سوداوی باشد باید که بدستور تدبیر مسهل وغیره موافق حرارت سدر

سوداوی باید نمود و اگر کابوس سبب حرارت ساذج و یا سبب برودت ساذج در دماغ

بلغ

باشد علاج آن موافق تدارد و سدر ساذج بارد و حار ساذج بجمیع وجوه معالجه
آن کرده باشند و تلطیف تدبیر از روغن های و غیره موافق تدبیر حار و سدر
حار و بارد ساذج کرده باشند در جمیع معالجه بعد از فراغت اصلاح دماغ
بطاقت و غیره ضرورست که مبادا انکس علت نشود باب [illegible] فی
السکته اگر سکته بسبب بلغم غلیظ باشد اول باید که بهر وجه که باشد ازا هوشیار
کنند بعد از هوشیاری مسهل عام و خاص داده اصلاح دماغ بدستور معالجه کرده باشند
که مبادا انکس مرض نشود باب عطوس السکته منه جند تقفح مشک قرنفل جند بید ستر
عود صلیب کوفته بیخته بر بویند و در بینی ناس دهند و اگر در بول شبه ترکیب کرده
حب ساخته استعمال نماید بهتر است باب دیگر لذلک منه فلفل کرو زنجبیل قرنفل
تخم سیر سن کلهلی کوفته بیخته بر بویند و در بینی ناس دهند باب دیگر لذلک منه کندس
صعتر فارسی افیون ریزه سیاه کوفته بیخته بر بویند و قدری در بینی دمند باب
دیگر لذلک منه ایارج فیقرا جند بید ستر قرنفل اسطوخودوس عود صلیب کوفته بیخته
بر بویند و قدری در بینی ناس دهند باب دیگر لذلک منه سنبل الطیب سعد کوفی

زنجبیل هلیله کابلی اناریج فیقرا کوفته بیخته به بویند و در منی ماش و هند و اگر در زیتون تر کرده

خشک نموده استعمال نماید بهتر است تا ط دیگر لدولک بنه آب برگ کنائی خورد

آب برگ اکه زنجبیل جند بید ستر بیر بهونی عود صلیب صبر سقوطری کوفته بیخته ممزوج

نموده سعوط نماید تا ط دیگر لدولک بنه کنگی صبر سقوطری خرنیمان خردل کوفته بیخته

به بویند و در آب کنائی خورد ممزوج نموده سعوط نماید تا ط دیگر لدولک بنه دارچینی

فلفل گرد فلفل دراز قرنفل زنجبیل اناریج فیقرا در آب کنائی آب برگ اکه بول شنیز

سرکه عنصل ممزوج نموده سعوط نماید تا ط دیگر لدولک بنه عود صلیب اسطوخودوس

اناریج فیقرا زنجبیل تماکو خوشبو در آب برگ کنائی خورد ممزوج نموده و بول شنیز

سرکه عنصل در حل کرده سعوط نماید تا ط دیگر لدولک بنه شیر اکه آب برگ کنائی سه

عنصل بول سیر زنجبیل کوفته بیخته ممزوج نموده سعوط نماید تا ط فانیج بودن بهای

بدستی کم گشت و نفت و جند بید ستر و عود فانیج بسیار دارند تا ط فانیج بنه

صبر سقوطری تبرابال تلخ در عسل مخلوط ساخته وقت حاجت در فتیله ممزوج

نموده در حلق نهند فورا خود بنوش خواهد و تی خواهد شد وصب جا شود

گنده بک

ودرالبا

دور اگر مرض سکته فی کردن فایده کلی دارد تمّ دیگر فتیله پلنگ هنه ایارج فیقرا
شحم حنظل جوز القی بعسل ممزوج سوده فتیله ساخته در حلق فرو برند بهوش خواهد آمد و قی خواهد کند
و صحت کلی بخشد تمّ دیگر مرکب فتیله در بینی نهند بهوش خواهد آمد کنگنی نکچکنی
ایارج فیقرا هیزال نلج فلفل کرد زنجبیل کوفته بیخته بعسل و سرکه عنصل و بول شتر ممزوج
کرده بفتیله مخلوط ساخته در بینی نهند بعد از یکساعت عطسه خواهد آمد و تفتیح سدد و
خواهد شد و گاهی خشک کوفته در بینی ناس دهند تمّ دیگر فتیله پلنگ هنه آب برگ کنگنی
خورد آب برگ اکه آب برگ نکچکنی جر سوهاری نماکو جوزبی کنگی فلفل دراز عاقرقرحا
کوفته بیخته بعسل سرکه عنصل بول شتر ممزوج نموده فتیله ازو مخلوط ساخته در بینی
نهند مفتح سدد و بست و گاهی خشک ساخته در بینی دمند تمّ دیگر فتیله پلنگ منه
چند سده ستر زنجبیل دارچینی تخم سرس نماکو جوزبی قرنفل خولنجان ایارج فیقرا خوف صلیب
درات نکچکنی اکه برگ کنگی آب برگ اکه بول سر عسل سرکه عنصل ممزوج نموده نکچکنی
فتیله مخلوط ساخته در بینی نهند و گاهی ادویه مذکوره خشک سوده سایئده ناس
دهند مفتح سدد و بسیار ست تمّ مرکب ناس پلنگ منه نیدال نلج کنگی جر ...

[illegible]

فقاح اذخر دارچینی سرس تخم عود صلیب عاقرقرحا خولنجان نمام زنجبیل سنبل کاکله
در شیرابه آب برگ گاهی آب برگ آله بول شتر آب برگ بجهلی تر کرده دارند
وقتی که خشک شود نرم باریک سایند ماشی دهند بجز و لیوشن آید و تقیح شود
ترکیب نان خمیر سکنه منه بلغمی افیون کرویا نانخواه عود صلیب بزر سیسالیوس عاقرقرحا
تخم کرفس زنجبیل مغز تخم سیر کوفته بیخته ارد ماش ارد هموار ممزوج کرده
از آب حلتیت خمیره ساخته نان سازند و قدری بر تابه آهنی یکطرف پخته سازند [illegible]
و یکطرف خام روغن بید انجیر مالیده گرم گرم بر سر دارند بعد از یک پهری یا دو
ساعت دارند مفتح سدد است تمام ترکیب نان دیگر منه افیون بادیان بزرالبنج
دارچینی اسطوخودوس مصطگی امایج فیترا صیته جاوشیر پیاز عنصل کوفته بیخته با ارد
ماش ارد هموار با حلتیت و سرکه عنصل بیامیزند و چند بار سرشته خمیره نموده نان
سازند و بر تابه آهنی یک طرف پخته نمایند و طرف خام قدری روغن بید انجیر مالیده
گرم گرم بر سر دارند مفتح سدد است تمام مطول لدلکه منه افیون بزر سیاه
عاقرقرحا دارچینی عود صلیب زنجبیل بالان بسفایج بادیان عنب الثعلب اسطوخودوس

اذخر بیخ اذخر بابونه اکلیل الملک سعوسی گلنار آب دومواز درد دارد ده اثار
آب بجوشاند نصف بماند صاف نموده سرکه عسل داخل کرده گرم گرم
نطول نماید و بخار نیز بگیرند نطول دیگر بابونه اکلیل الملک سنبل الطیب
سعد کوهی جلجلان عنب الثعلب اسطوخودوس اذخر دومواز سعوسی گلنار بزر کتان بیابیوس ایرسا
بنفشه افسنتین رومی قنطوریون دقیق درد دارد ده اثار آب بجوشاند نصف
بماند صاف نموده اباریج فیقرا سرکه عسل داخل کرده گرم گرم نطول نماید که بوس
اند و بعد از تنقیل اگر ماده باقی ماند باز کنند نطول دیگر برگ سداب
صنوبر کاسنی پوست بیخ کبر عود غرقی اسطوخودوس بابونه اکلیل الملک
عود صلیب مصطکی اذخر بنفسج اذخر دارچینی قرفه سیلانی تخم سرس سعوسی گلنار
اذخر دومواز حب الغار بنفشه درد دارد ده اثار آب بجوشانند نصف اثار بماند
صاف نموده سرکه عسل داخل کرده گرم گرم نطول نماید گاهی اباریج فیقرا
داخل کنند فایده بابونه به مقدار بر رستن موی سر ضماد از ضد سعد سیر
وحب الغار او سرکه عسل سائیده ضماد نمایند وحقنه قوی نمایند بعد از شعور

اول استعمال تریاق اربعه بدستور معجون باید کرد طلیه که از لادن بنه زنجبیل

عاقرقرحا افسنتین رومی جوزبوا [illegible] سبوس گندم آرد جو آرد سبزگشنیز

سرگین بز ممزوج نموده در دو پوتلی بسته در کرچه روغن مذکور روغن بابونه

انداخته گرم گرم از پوتلی مذکور حمار نمایند طلا ضماد لادن بنه اشنان زیره سیاه

زنجبیل ناخواه دارچینی قرفه [illegible] سنبل الطیب سعد کوفی بابونه عاقرقرحا

عود صلیب ایارج فیقرا سرگین بز سبوس گندم آرد جو همه را کوفته بیخته

ممزوج نموده در پوتلی بسته نگاه دارند وقت حاجت در کرچه روغن مذکور

روغن سداب روغن سوسن روغن بابونه کرده بدستور معمول گرم گرم حمار نمایند طلا

دیگر سرکه عنصل

که از لادن بنه [illegible] عنصل ایارج فیقرا بابونه سنبل الطیب عود صلیب صندل سفید جوزبوا

آرد جو ممزوج نموده بدستور از روغن مذکور روغن بابونه حمار نمایند طلا مرتبه

دیگر بر سر مالند روغن گلاب روغن [illegible] روغن قسط روغن سنبل روغن بابونه

روغن سوسن صندل سفید [illegible] عود صلیب زنجبیل عاقرقرحا [illegible] ایارج فیقرا

کوفته بیخته ممزوج نموده روغن [illegible] زند وقت حاجت بر سر مالند و مقداری در بینی

[illegible]

سعوط نماید تا ... **ترکیب روغن دیگر منه** بابونه اکلیل الملک سنبل الطیب سعد کوفی
افیون بادرنجویه دارچینی برسیاوشان عاقرقرحا قنطوریون ریوند جوز دوسیس
را در یک انار آب بجوشانند تا نصف بماند صاف نموده روغن بید دیگر روغن قسط
روغن سنبل روغن بابونه داخل کرده باز بجوشانند تا روغن بماند و آب تحلیل شود
جندبیدستر عاقرقرحا ایارج فیقرا فلفل گرد زنجبیل عود صلیب فلفل دراز مصطکی کوفته
بیخته روغن سازند وقت حاجت بر سر گرم گرم مالند و قدری در بینی سعوط نمایند
ترکیب روغن دیگر منه مصطکی خردل جندبیدستر عاقرقرحا عود صلیب ایارج فیقرا
در روغن بید دیگر روغن بابونه روغن سوسن ممزوج نموده اگر قوی خواهد تریاق
فاروق در آن حل کرده گرم گرم بر سر مالند و قدری در بینی سعوط نمایند
فایده تابه آهنی خوب گرم کرده وقت سکته بر سر دارند که بهوش آید مجرب است
فایده دیگر بستن ساق پای محکم سکته را فایده کلی دارد فایده
باقی ترکیبات آنچه مناسب باشد از دوا در سدد بینی وارد دستور العلاج سبات
ولیکن موافق مزاج و مرض تجویز نموده استعمال آن کرده باشند و تقی مرض

تخم خطمی

ب بار فایده دارد تا **شربت مسهل بلغم منه** گل بنفشه تخم خباری عنب الثعلب

اصل السوس الخر زرد قنطوریون دقیق ابریشم شکوفته افتیمون در کیسه اسطوخودوس

تخم صلات شکوفته برگ سنا السوس شاهتره قنبیل شکوفته عقرقرحا شکوفته بادیان

بادرنجبویه گاوزبان ملک گاوزبان تربد سفید مقشر شکوفته گل سرخ برگ سنا مکی کوب بلیله

پوست بلیله زرد هلیله سیاه شکوفته مکاب قند عسلی همه را در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب

عرق بادیان ریشه ترکرده دارند صاف کوشانند تمر انار بمانند با بید صاف نموده

شربت اسطوخودوس شربت افتیمون داخل کرده بجمیع شیر خشت سوقلوس حل کرده بار صاف

نموده با ضافه روغن بادام تربد سفید مقشر روغن بادام جرب کرده تا شب بنوشند

گاهی با ضافه حب لاجورد گاهی با ضافه حب غاریقون گاهی حب حجر گاهی حب افتیمون

بدستور بهار سازند و بنوشند تا بادو مسهل نقیه تمام کنند و در مسهل بنوعه خاص

با حب ایارج و با حب حجر با حب غاریقون بدستور معمول کنند بیدار و غبت

مسهل عام یک نسخه تبرید داده یعنی با مسهل خاص داده باد تبرید دهند تا

جبار زبوبه بعد اصلاح و دماغ موافق مرض و مزاج کرده باشند تا که مقدار ابار انکشش

مرض زکور ایضاً و علی الصباح بخورند با عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب شربت بزوری معتدل
داخل کرده بنوشند تا به هر سه روز بعد از آن مسهل بر با مصطکی بادیان عرق فرح
ساخته بخورند عقب آن عرق بادیان عرق عنب الثعلب عود صلیب شیره
را آورده شربت بزوری گرم داخل کرده تا به هر سه روز بدهند بعد از آن اصلاح
مزاج آن کرده باشند ایضاً دیگر لعوق نسخه افتیمون زیره سیاه تخم صلیب
عود غرقی اسطوخودوس در عرق بادرنجبویه زوفای خشک عرق عنب الثعلب بجوشانند
نیم باو بماند مالیده صاف نموده بای العسل داخل کرده بنوشند تا گاهی
باضافه معجون مفرح دو اسطوخودوس ایضاً دیگر لعوق نسخه ابریشم مقلوقه قنطوریون دقیق
عفر فرحا بر سیاوشان افسنتین رومی برگ سداب بخور رود عود صلیب اسطوخودوس
اصل السوس گلقند عسلی در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده
شربت افتیمون داخل کرده بنوشند تا گاهی باضافه معجون مفرح دو اسطوخودوس ایضاً
دیگر لعوق نسخه زنجبیل عفر فرحا تخم صلیب صعتر فارسی بسفایج فستق گلقند آفتابی
زوفای خشک در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باو بماند مالیده

صاف بنوده شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند تا دیگر لدلک منه دارچینی

عود صلیب زوفا خشک برنجاسف اسطوخودوس پرسیاوشان قرنفل ورق عنب الثعلب

عرق بادیان بکوشانند تا نیم باز بماند صاف بنوده شربت سکنجبین افتیمونی

داخل کرده بنوشند گاهی باضافه معجون مرود یطوس دیگر لدلک منه

چند بیدستر مشک تریاق اربعه طلقید غلی خروج بنوده بخورند عقب آن انکون

دارچینی عود صلیب اسطوخودوس زوفا خشک ورق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب

بجوشانند نیم باز بماند صاف بنوده شربت ماء العسل شربت اصول داخل کرده

بنوشند تا دیگر لدلک منه عود صلیب اسطوخودوس ایارج فیقرا کل قند علی

خروج بنوده بخورند عقب آن انکون بادیان انیسون درسه دانه پرسیاوشان

ورق بادیان عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم باز بماند صاف بنوده شربت ماء العسل

بالاذریه داخل کرده بنوشند گاهی برنجین دیگر لدلک منه ایارج فیقرا الحجر

اسطوخودوس صد بدسته طلقید غلی خروج بنوده عقب آن برگ سداب صنوبر

دارچینی زوفا خشک عود صلیب عاقرقرحا ورق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند

نیم باد یماند صاف نموده شربت افتیمون ماء العسل بالا فادیه داخل کرده بنوشند تا
کالای رنجش حل کرده بر هند تا دیگر بوکنه دواء المسک کرم مثقال چهار سنگ
ممزوج نموده بخورند عقب آن دارچینی عود صلیب اسطوخودوس تربت سفید کبر
عفرونا قلقند عسل وز عرق بادیان عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم باد یماند
صاف نموده شربت افتیمون شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند تا
دیگر بوکنه دواء المسک کرم عود صلیب مثرودیطوس عنبر نیب مثقال
چهار سنگ ممزوج نموده بخورند عقب آن قلقند عسل اسطوخودوس افتیمون زوفا خشک
بسفائج درنیم آثار آب بجوشانند باد بر عرقهای هم باد یماند صاف نموده ماء العسل
بالا فادیه داخل کرده بنوشند تا دیگر بوکنه تریاق فاروق چهار سنگ
مثرودیطوس ماء العسل بالا فادیه ممزوج نموده بخورند عقب آن افتیمون عود صلیب
عود بخ فی اسطوخودوس انجره رزد بسفایج بوس قلقند عسل در عرق عنب الثعلب عرق
بادیان بجوشانند نیم باد یماند شربت بزوری کرم شربت افتیمون داخل کرده بنوشند
دیگر بوکنه تریاق فاروق مثقال عنبر نیب عود صلیب شربت اسطوخودوس

منزوج سوف بخورند عقب آن زنجبیل بکوبه وارچینی عود صلیب افتیمون صبر فارسی
گلقند عسلی ورع‌های بادرنجبویه اثار آب بخوشانند بنم باو بمانند صاف
سوف ماء العسل داخل کرده بنوشند تا ط دیگر لونگ نه معجون اسطوخودوس
ایارج فیقرا صد سنه منزوج بسوفه بخورند عقب آن برگ سداب صبر فارسی
پوست بیخ کبر اسطوخودوس افتیمون گلقند عسلی درع‌های بادرنجبویه اثار
آب بخوشانند بنم باو بمانند صاف سوف شربت ماء العسل شربت پروردی کرم
داخل کرده بنوشند تا ط گاهی ترنجبین حل کرده بدهند تا ط دیگر لونگ نه
معجون اسطوخودوس ایارج فیقرا منزوج سوف بخورند بادرنجبویه عود صلیب ا
بزر سیسالیوس افتیمون زوفا خشک گلقند عسلی ورع‌های بادرنجبویه اثار آب
بنم باو بمانند صاف سوف شربت افتیمون شربت پروردی کرم داخل کرده
بنوشند تا ط گاهی ترنجبین حل کرده تا ط دیگر لونگ نه معجون نجاح ایارج فیقرا
منزوج سوف بخورند افتیمون زیره سیاه عاقرقرحا عود صلیب دارچینی گلقند عسلی
ورع‌های بادرنجبویه اثار آب بخوشانند بنم باو بمانند صاف سوفه شربت افتیمون

از

شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند کاهی ترنجبین بدهند ط دیگر لدلک منه

افیون بادیان گل سرخ برباریس بالیوس اسطوخودوس عقرقرحا صعتر فارسی زنجبیل عود صلیب

گل قند عسل درعو قباهای بادرنجبویه انار راتب بکوبند بنیم باد بماند صاف

شود ماء العسل بالافاویه شربت اسطوخودوس داخل کرده باضافه

تریاق اربعه بنوشند ط غ غ ه لدلک منه عقرقرحا زنجبیل عود صلیب اسطوخودوس

خردل درنک انار آب بکوبند نصف بماند صاف شود ماء العسل بالافاویه

داخل کرده باضافه ایارج فیقرا غ غ ه بنمایند ط غ غ ه دیگر لدلک منه افیون

بزر وسناه بادیان صعتر فارسی اسطوخودوس عود صلیب دارچینی عقرقرحا اسارون

درنک انار آب بکوبند نصف بماند صاف شود ماء العسل سرکه عنصل شربت

افیمون داخل کرده باضافه ایارج فیقرا غ غ ه بنماید ط دیگر غ غ ه لدلک منه

زنک سداب صعتر فارسی بوزیدان کبر عقرقرحا عود صلیب قنطوریون دقیق ایرسا بیکوفته

اصل السوس بسفایج درنک انار آب بکوبند نصف بماند صاف شود ماء العسل

بالافاویه شربت اسطوخودوس سرکه عنصل داخل کرده باضافه ایارج فیقرا غ غ ه

باید کاهی صبر سقوطری بیاشبت ط ودیگر غرغره اندلسنه بر سیالوس مرکب سیالوس

عاقرقرحا صعتر فارسی افتیمون اسطوخودوس زنجبیل قرنفل سیلانی ورب اثارات

بجوشانند لطیف نمایند صاف مویز شربت افتیمون سکنجبین عنصلی سرکه عنصل واخل

کرده باضافه ایارج فیقرا باکاهی صبر سقوطری غرغره نماید ط اگر سکته دموی باشد

باید که اول فصد قیفال در حال سکته کشند و خون نقبه بسم اثار بزیاده وکم

علی رای طبیب عرض حتی المقدور طاقت را نگاهداشته خون زیاده قدر نگیرند

واگر احتیاج باشد شاخهای و دلوهای در پس گردن بگیرند واگر احتیاج باشد

فصد زیر گوش نمایند واز قطورات و عطوسات و روغن های و فتیله های

برای هوشیار کردن مریض استعمال دارند و وقتی که هوشیار شود معالجه بلغم

و بمسهل عام و خاص باید کرد و بعد از آن اصلاح مزاج موافق مرض و یابس مزاج داشته

کرده باشند داده و به تقی کرقی ارو نیز در امور معالجه سکته فائده کلی دارد صفت منفخ

بادیان بادرنجبویه کاوزبان فلک کاوزبان خطائی اسطوخودوس اصل السوس

بادرنجبویه عود صلیب گلقند عسلی ورق کاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند.

یک پاو آب باید صاف نموده شربت افتیمون شربت بنفشه داخل کرده ترنجبین حل کرده

باز صاف کرده بنوشند تا پنج چهار روز یا هفت روز بعد از آن تدبیر مسهل

عام کنند صفت مسهل بادیان بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان برگ ترنجک

گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیاری اصل السوس ابرسا مکوفته اسطوخودوس

عود صلیب لسان ثور افسنتین برگ سنا بیخ کاسنی عناب آلو بخارا برگ سنا مکی ملقیه غاریقون یا اجزای گل سرخ

پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه شب در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه

عرق گاوزبان شب تر کرده دارند صباح بجوشانند نیم آثار آب بماند مالیده

صاف نموده ترنجبین شیر خشت مغز فلوس حل کرده باز صاف کرده با اضافه روغن بادام

نیم گرم کرده بنوشند تا دو مسهل دهند علی الصباح عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق بادرنجبویه شربت بزوری صندل ممزوج نموده بنوشند علی الصباح مسهل ز یک یوم

بحران گذرانیده بدهند و علی الصباح باز تبرید مذکور هر روز داده مسهل خاص شقیقه حب ایارج

وغیره بدستور معمول بدهند علی الصباح تبرید داده مسهل دوم بدهند و باز تبرید

دو سه روز داده هلیله مربا از آب شسته مصطگی بادیان طباشیر گل سرخ کوفته ممزوج نموده

بخورند عقب آن شربت نیلوفر که قلیل اقاقیا اضافه نموده بنوشند تا بنفشه روز بعد از آن

اصلاح مزاج و مرض آنچه مناسب باشد کرده باشد که باز دیگر نکس مرض نشود تمت

مسهل دیگر مجرب حمی دق گل بنفشه گل نیلوفر گل سرخ گل گاوزبان اسطوخودوس مویز منقی

گل قند اقاقیا در عرق بادیان عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان تر کرده دارند صباح

مالیده صاف نموده ترنجبین شیرخشت شربت نیلوفر حل کرده بار صاف نموده با اضافه

روغن بادام بنوشند و اگر حمی باشد با اضافه شربت [illegible] بنوشند تمت دیگر [illegible]

[illegible] الصفراویه صندل سرخ گلنار گل سرخ زرشک رومی گل بنفشه سنبل الطیب آرد جو

از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن مصطگی شیر گرم ضماد نمایند تمت [illegible]

ضماد [illegible] الصفراویه و ورم الدماغ [illegible] بابونه عنب الثعلب گل بنفشه گل بابونه جو مقشر

از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن گل شیر گرم کرده ضماد نمایند تمت دیگر

ضماد [illegible] صندل سرخ صندل سفید گل بنفشه گل سرخ شیاف مامیثا عنب الثعلب

از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن گل شیر گرم ضماد نماید تمت دیگر [illegible]

صندل سرخ سنبل الطیب گل بنفشه مصطگی کندر گل ارمنی شیاف مامیثا آرد جو گل سرخ

از آب

از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده باضافه روغن بابونه ضماد نماید تا ط ودیگر ضماد
لذلک منه گل بنفشه تخم خطمی تخم خبازی عنب الثعلب مصطکی سوربنجی کوفته بیخته نگاه دارند
قدری گرفته از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده باضافه روغن بنفشه سرگرم ضماد نماید تا ط
دیگر لذلک منه گل بنفشه عنب الثعلب اکلیل الملک بابونه صندل سفید صندل سرخ زرشک کدو
تخم خیار تخم سیب کوفته بیخته قدری از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده
باضافه روغن گل سرگرم ضماد نمایند تا ط دیگر لذلک الصرعه والسکته منه صندل سرخ
صندل سفید گل ارمنی اقاقیا کاسرخ گل بنفشه از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده
قدری روغن گل داخل کرده سرگرم ضماد نمایند تا ط نسخه روغن که بر سر مالند
روغن گل بنفشه روغن مصطکی روغن کهربا روغن کوس روغن بادام روغن سنبل روغن گل
روغن بابونه اقاقیا صندل سرخ عنب الثعلب گل ارمنی گل مختوم برادهٔ عاج گل بنفشه عود صلیب
کوفته ممزوج شود اگر قدری مومیائی نیز شود ممزوج شود نگاه دارند وقت حاجت
بر سر مالند تا ط دیگر مصطکی کهربا گلنار زرنیخ رومی کشنیز گل بنفشه عود صلیب از هر سه
کوفته بیخته در روغن گل روغن بنفشه روغن سنبل روغن بادام ممزوج شود قدری مومیائی

حل کرده روغن سازند وقت حاجت شیر گرم استعمال کرده باشند ط ط

ضماد دیگر نزله را نافع نسخه فوفل مصطگی زرد چوب زفت رومی گل سرخ زعفران صندل سفید

صندل سرخ عنب الثعلب آرد جو کوفته بیخته نگاه دارند وقت حاجت قدری از آن

گرفته از آب برگ عنب الثعلب سبز ساییده با اضافه روغن گل نیم گرم ضماد نمایند ط

للسکته بعد از ضربه یستعمل بعد الفصد و المسهل نسخه لیمو مرجان مروارید ناسفته یاقوت

رمانی مصطگی عود صلیب گلقند آفتابی ممزوج نموده بخورند عقب آن با عرقهای دیگر

مناسب بنوشند یا فقط نگاه میکنند ط نطول دیگر لبوب نسخه گل بنفشه گل نیلوفر

تخم خطمی تخم خبازی عنب الثعلب صندل سفید صندل سرخ آرد جو برگ عنب الثعلب

برگ کاسنی برگ کشنیز برگ بید نارنج سبوس گندم در دو دارو ده آثار آب بجوشانند

نصف بماند صاف نموده با اضافه روغن بنفشه نطول نمایند ط نطول دیگر از لک

گل بنفشه گل سرخ بابونه اصل السوس عنب الثعلب مصطگی اسطوخودوس اکلیل الملک برگ کاهو

برگ عنب الثعلب برگ بید نارنج سبوس گندم آرد جو در دو دار ده آثار آب بجوشانند صاف

نموده با اضافه روغن گل و زعفران حل کرده با اضافه سرکه نطول نمایند ط دیگر للسکته

بل

بسبب الصفراء یستعمل بعد الفصد والمسهل منه گلقند افتابی مصطگی کندر عود صلیب
گل بنفشه گل سرخ کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند عقب آن عرقهای مناسب و شربتهای
مناسب بخورند یا فقط گلقند بسایند ط دیگر لذلك منه گلقند افتابی بادیان مصطگی
کندر طباشیر عود صلیب کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند عقب آن با عرقهای و شربتهای
مناسب بنوشند یا فقط گلقند بسایند ط لذلك منه گل بنفشه گل نیلوفر گل سرخ
گل گاوزبان بادرنجبویه اسطوخودوس در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه شربت بنفشه
داخل کرده باضافه خاکشی بنوشند ط دیگر لذلك منه بادیان بیخ بادیان بیخ
کاسنی عنب الثعلب گل بنفشه گل نیلوفر مویز منقی گلقند افتابی در عرق عنب الثعلب
عرق بادرنجبویه بجوشانند تا نیم باقی ماند صاف نموده شربت سکنجبین بزوری
شربت بنفشه داخل کرده خاکشی اضافه نموده بنوشند ط دیگر لذلك منه
گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه گل بنفشه گل نیلوفر عنب الثعلب اصل السوس پرسیاوشان
انجیر زرد مویز منقی گلقند افتابی در عرقهای مذکور ترکرده یا جوش داده شربت
بنفشه شربت سکنجبین بزوری داخل کرده باضافه خاکشی بنوشند ط دیگر لذلك منه

[illegible]

عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر شربت اسطوخودوس شربت مفتی گاهی عود صلیب

شیره برآورده گاهی ماء العسل و گاهی شربت نیلوفر و گاهی با اضافه خاکشی بنوشند

فاید بعد از فصد از مسهلات برای هوشیاری مریض و از مطبوخات معتدله استعمال

کرده و بعد از هوشیاری اصلاح مزاج بدستور باید کرد دیگر لذلک منه گلسرخ گل بنفشه

اصل السوس برسیاوشان مویز منقی گل قند افتیمون شب در عرق بادرنجبویه عرق

عنب الثعلب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت بنفشه شربت سکنجبین

بزوری با عسل داخل کرده با اضافه خاکشی بنوشند فقط دیگر لذلک منه

گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیارین گلسرخ اصل السوس اسطوخودوس افتیمون

برسیاوشان مویز منقی انجیر زرد زوفا خشک گلقند افتیمونی در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب شب تر کرده دارند صباح بجوشانند پس باو بمالند صاف نموده

گاهی عود صلیب مغز تخم کدو شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت بنفشه

داخل کرده گاهی بیخ [illegible] تر کرده صباح مالیده صاف نموده با اضافه

خاکشی بنوشند فقط گاهی ترنجبین حل کرده بدهند فقط دیگر لذلک منه

عنب الثعلب

سرکه عود صلیب سوده بر آورده در سعوطی ممزوج نموده سعوط نماید تا

سعوط برای هوشیاری و تنقیه دماغ آب برگ عنب الثعلب آب برگ کاسنی سبز ایارج فیقرا

سه عدد حل کرده سعوط نماید تا دیگر لذلک نسخه آب برگ کاسنی آب برگ کشنیز

آب برگ عنب الثعلب سرکه چند قطره سبز زنجبیل عود صلیب ممزوج نموده سعوط نماید تا

دیگر لذلک نسخه اسطوخودوس گل بنفشه سنبل الطیب عود صلیب کوفته بیخته آب برگ

عنب الثعلب آب برگ کاسنی سبز سرکه ایارج فیقرا ممزوج نموده سعوط نماید تا سعوط که بعد

از بیهوشیاری در رفع حدت سعوط تنقیه دماغ استعمال نماید آب برگ کاسنی سبز آب برگ

عنب الثعلب سبز گل بنفشه عود صلیب سوده بر آورده روغن گل روغن بادام ممزوج نموده

استعمال نماید فایده نسخه ترکیب مسهل عام و خاص بدستور دوازده رسد [illegible] و

دو موی باید کرد لیکن در همه مسهلات پاس ورم دماغ بلحاظ دارند و در اصلاح

فراج نیز بدستور مذکورات پاس ورم دماغ کرده استعمال نماید تا و اگر نطولات و ضمادات

ات و روغن های و غیره که در ان ادویه مخدره نباشد منظور دارند با بدستور

دوازده رسد [illegible] لحاظ پاس ورم دماغ و رشته استعمال کرده باشند [illegible]

فایده واگر در سکته که بسبب ورم دماغ باشد بعد از هوشیاری برای اصلاح

مزاج و تنقیه بالله استعمال غرغره منظور باشد از سکنجبین عسلی که دران ادویه مناسبه

مرض و مزاج تجویز نمودن غرغره نماید و نیز ترکیبات غرغره از دوا و سعد وضماد

و دعوی بلحاظ مرض و مزاج کرده استعمال نمایند واگر فصد قیفال ضروری باشد

باید کرد و طلا دیگر سعوط اللذ انکه نسخه آب برگ عنب الثعلب سبز آب برگ کاسنی سبز اسطوخودوس

گل بنفشه گلسرخ عود صلیب شیره را آورده عنب الثعلب صندل سفید از آب ساییده نمودن بکوفه

روغن گل بنفشه بادام مغز و ج نمودن سعوط نماید طلا دیگر لدنسخه تخم اسبغول عود صلیب

گل بنفشه گل نیلوفر گلسرخ اسطوخودوس کوفته بیخته با آب برگ عنب الثعلب آب برگ کاسنی

روغن بنفشه روغن بادام مغز و ج نمودن سعوط نمایند طلا فایده نسخه واگر سکته بعد از ورم

و سعوطات
وسقطه بهم رسد از ضمادات و نطولات و روغن های وغیره موافق دوا و سعد

که بعد از ضربه وسقطه شود بلحاظ مرض و مزاج استعمال کرده باشند و تدبیرات برای

سکته اولا فصد قیفال و یا باسلیق وگاهی فصد صافن وگاهی فصد زیر گوش وگاهی

وزلوهای در پس گردن وگاهی سعوط منقی دماغ و بعد از سعوط منقی دماغ سعوط برای تقویت

حدت دماغ بلحاظ ضربه و سقطه موافق استعمال نموده استعمال کنند و بعد از آن

اصلاح مزاج باید کرد ط سعوط برای اصلاح مزاج بنه گل بنفشه اسطوخودوس ورد گلاب

ممزوج نموده روغن بنفشه داخل کرده سعوط نمایند دیگر لالک بنه آب برگ کشنیز سبز

آب برگ عنب الثعلب آب برگ کاهوی خورد گلاب سرکه سنبل الطیب سعد کوفی گل سرخ

کوفته بیخته ممزوج نموده با اضافه روغن گل بنفشه روغن بادام سعوط نمایند ط سعوط

برای [illegible] رونقی دماغ بنه آب برگ کاسنی آب برگ عنب الثعلب آب برگ کاهو

آب برگ بکاین سبز سرکه عنصل ایارج فیقرا ممزوج نموده سعوط نمایند ط ط

دیگر لالک بنه آب برگ بکاین آب برگ کاهوی سرکه عنصل بنداق ایارج فیقرا خون سیاوشان

ممزوج کرده در بینی سعوط نماید اغلب که بهوش آید ط ترکیب سهل بعد الضربه

والسقطه شرط حمی مانند عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه سنبلوس

سبز بنفشه داخل کرده مایع صاف نموده روغن بادام ممزوج نموده با اضافه

خیار شنبر بنوشند ط دیگر لالک بنه عرق عنب الثعلب عرق کاسنی سنبلوس با

گلقند نموده روغن بادام با شکر بنوشند ط دیگر لالک بنه بادیان بادرنجبویه

گاوزبان اکحر زرد و گل گاوزبان گلسرخ تخم خرفه صیب بر سیاوشان گل قند اقنا و درین
گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند بعد هم با و بمانند صاف نموده شربت بوری شربت انار بمقدار شیرین
درحل کرده باضافه دواء المسک معتدل بنوشند تا دیگر لالک منه عرق گاوزبان
عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق بادیان شربت اصول شربت بزوری معتدل گاهی
ماء العسل تخم صیب بستیره مرآدرده و درحل کرده بنوشند تا گاهی معجون سیالوس
یا معجون ذهبی بنوشند تا دیگر لالک منه حلب مفنه حلب ملو فر اسطوخودوس
افتیمون ورسبره سبستان عناب اصل السوس بر سیاوشان در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب
بجوشانند بعده با و بمانند صاف نموده شربت اصول سکنجبین عسلی بجوشانند بعد هم با و بمانند
صاف نموده شربت اصول سکنجبین عسلی گاهی ماء العسل درحل کرده باضافه اطریفل
اسطوخودوس بنوشند تا دیگر لالک منه للتلیین حلب مفنه اصل السوس گاوزبان
زوفا خشک اکحر زرد بادرنجبویه گل گاوزبان الو بخارا تمر هندی گل قند افتیمون
بر سیاوشان اسطوخودوس در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادیان
بجوشانند بعد هم با و بمانند صاف نموده ترنجبین حل کرده باز صاف نموده شربت

الادویه

اسطوخودوس شربت اصول در حل کرده بنوشند تا **دیگر لذلک** گل بنفشه اصل السوس
زرد فاخشاک تخم خطمی گلسرخ برسیاالوس عود صلیب مویز منقی گلقند افتابی در عرق گاوزبان
عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم باقی بماند صاف نموده ترنجبین حل کرده باز صاف نموده با
اطریفل مویز بنوشند تا **دیگر لذلک** مویز منقی گلقند افتابی تمر هندی گلسرخ اسطوخودوس
در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق کاسنی با ... صاف نموده ترنجبین
گلقند عسلی حل کرده باز صاف نموده شربت اصول شربت بزوری معتدل در حل کرده
بنوشند تا **دیگر لذلک** گل گاوزبان بادرنجبویه گل بنفشه گلسرخ ابریشم خام گلقند افتابی
مویز منقی پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد اصل السوس در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب
بجوشانند نیم باقی بماند صاف نموده عود صلیب شیره برآورده در حل کرده شربت
افتیمون در حل کرده بنوشند تا گاهی بافضا نه معجون سیاالوس یا معجون ... بنوشند تا
گلقند افتابی مصطگی برسیاالوس عود ... کوفته بیخته مرزنجوش نموده بخورند عقب آن
عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شربت بنفشه سکنجبین بزوری معتدل گاهی بادرنجبویه
در حل کرده بنوشند تا **دیگر لذلک** تکه قند افتابی افتیمون مصطگی طباشیر ...

اسطوخودوس کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند عقب آن انجیر زرد زوفا خشک اسطوخودوس

افتیمون در سر و سینه اصل السوس مویز منقی در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم و

بمالند صاف نموده شربت بنفشه شربت افتیمون داخل کرده بنوشند گاهی باضافه معجون

سبالیوس بخورند تا دیگر لوک نه گل قند افتیمون اسطوخودوس عود صلیب گل سرخ گل بنفشه

کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند عقب آن عرقها و شربت ممزوج نموده بنوشند یا جوشانده

با بیخ بجنوه گل گاوزبان اصل السوس گلسرخ گل بنفشه زوفا خشک پرسیاوشان انجیر زرد

در عرقهای و شربتهای مناسب داخل کرده بنوشند گاهی باضافه معجون سبالیوس

یا معجون زبیب بنوشند گاهی بماء العسل ترکیب ضماد فرفینه صندل سفید گل بنفشه عود صلیب

از آب سائیده ضماد نمایند تا دیگر لوک نه گل بنفشه گل نیلوفر بابونه عنب الثعلب سبز که از

آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده شیر گرم ضماد نمایند اگر قدری روغن گل اضافه نمایند مضایقه

نبود دیگر لوک فرفینه صندل سفید صندل سرخ نشاسته ابیسا گل بنفشه عنب الثعلب از آب برگ

عنب الثعلب سبز سائیده روغن گل اضافه نموده ضماد نمایند تا فایده و اگر عطوسات و الطولات

ممزوج به بی ویا لعوده از قسم منقی دماغ بشند احتیاج باشد از دوا و دستور صلواوی

دودر

و دوای اطریفل استعمال کرده باشند لیکن ادویه مخدره دران داخل نکنند و اکثر کیفیات سعوطات
و نطولات و روغن های در سکته بلغمی نیز نوشته ام اگر دران کثرت ادویه حاره باشند
اثرا موقوف ساخته موافق حاله و مزاج و رشت بنوع استعمال باید کرد و دفع گردن از
ادویه معتدل درین مرض فایده بسیار دارد و فایده دیگر اگر سکته بسبب ورم دماغ باشد
یا بسبب عقب ضربه و السقطه معه حمی درشته باشد باید که معالجه آن بدستور سرسام و دوار و سدر
صداع و دوی بر عایت مزاج و مرض کرده باشند و حقنه درین مرض نیز فایده
بسیار دارد لیکن حقنه حار نباشد که مبادا اختلاط عقل بکند و مسهل عام موافق دستور سرسام
و دوار و سدر صداع و دوی باید کرد و مسهل خاص بحسب ایارج نیز باید کرد بعد ازان اصلاح مزاج
ادویه مناسب باشد بمقابل طبیعت ملحوظ داشته کرده باشند و فصد قیفال و رگ زیر گوش و شاخهای
دو بناهای و ریش کردن ضرورت بوقت حاجت باید کرد لیکن فصد قبل از مسهل و بعد از مسهل
اصلاح مزاج باید کرد تا دستور العلاج فی الصرع که بسبب بلغم در دماغ باشد علاج آن
بعد از دفع نوبت مسهل تنقیه عام بدن بقدر طاقت مزاج و بعد ازان تنقیه خاص بدن کنند
بعد ازین بعد تنقیه و رغبت یافته اصلاح مزاج بدستور نوشته و بدستور معمول الاستاد ملحوظ

مرض و مزاج شروع کرده باشند تا ترتیب مسهل لکنک ببینه باید که در مسهل و هر صفحه بدا

بادیان بادرنجبویه گاوزبان خطمی گاوزبان اصل السوس زوفا خشک اسطوخودوس

بسفایج افتیمون حب النیل گل بنفشه ایرسا مکوفته قنطوریون دقیق عود صلیب مکوفته

برگ سنا النوس افتیمون زرشک انجیر زرد پوست بلیله زرد پوست بلیله کابلی

بلیله سیاه مویز منقی گل قند افغانی گلسرخ برگ سنا مکی همه را در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه شب تر کرده دارند صباح بجوشانند بسم انار آب ماند

مالیده صاف نموده شربت افتیمون شربت اسطوخودوس داخل کرده ترنجبین شیرخشت

مغز فلوس حل کرده باز صاف کرده باضافه روغن بادام شیرگرم بنوشند و گاهی

باضافه تربد سفید مقشر بروغن بادام چرب کرده و گاهی باضافه حب لاجورد بروغن

بادام چرب کرده بنوشند علی الصباح تبرید آن بعرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق بادرنجبویه تخم خیارین سبوس برآورده شربت بنفشه شربت ترش معمول

داخل کرده بنوشند بعد از آن مسهل دیگر روز بدستور بدهند کمی و زیاده بی علاج رای

طبیب ثابت علی الصباح بار تبرید داده مسهل خالص یک نسبه اباریج بدستور معمول بدهند

کامی

گاهی بحبت جبر گاهی بحبت غاریقون بدهند علی الصباح تبرید سنجمات کرده باز اعادهٔ مسهل دوم

تنقیه خاص وهند بعد ازان اصلاح مسهل بکنند غسلی دارچینی مصطگی بادیان تخم صلیب برگ

سوده بخورند عقب آن همون عرق مو شربت بنوشند بعد ازان سه روز هلیله مربا

از گلاب شسته دارچینی مصطگی بادیان طباشیر تخم صلیب برگ سوده بخورند عقب آن

عرق و شربت بدستور معمول بدهند ما نزلیب بمعمول لدلک تا هفت روز بدهند

بادیان بادرنجبویه گاوزبان کلک گاوزبان اصل السوس حب نفشه انگور زرد اسطوخودوس گل

اسطوخودوس تخم صلیب مویز منقی گل قند عسلی در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق

بادرنجبویه بخیسانند یک پاو بمانند صاف نموده شربت افتیمون شربت اسطوخودوس

داخل کرده بنوشند گاهی ترنجبین حل کرده بدهند و دیگر بولاک بادیان انسون

اصل السوس زوفا خشک بر سیاوشان انگور زرد مویز منقی گل قند عسلی در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب بخیسانند نیم پاو بمانند صاف نموده تخم صلیب سبز براورده شربت سکنجبین افتیمون

نفشه داخل کرده بنوشند ما و دیگر بولاک سه گاوزبان کلک گاوزبان بادرنجبویه صندل اصل السوس

بیخ کرفس سنبل افتیمون در بسته اسطوخودوس مویز منقی گل قند عسلی عرق عنب الثعلب

عرق بادرنجبویه بخور سانند هم بادو بهابد صاف موقوف شربت سکنجبین عنصلی ماء العسل داخل

کرده بنوشند گاهی اطریفل اسطوخودوس بدهند دیگر لذلک عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عود صلیب بشیره برآورده شربت بنفشه شربت اسطوخودوس

داخل کرده باضافه معجون زبیب بنوشند گاهی باضافه ایارج فیقرا بدهند

دیگر لذلک بادیان ماء بادرنجبویه صندل فارسی برگ سداب ترنج کبریح کوس اصل السوس

عود صلیب لسان الحمل فستق مویز منقی گل قند افتیمون در نسیم اندازند بخور سانند هم بادو بهاند

صاف شوده شربت افسنتین ماء العسل بابا فادیه گاهی زنجبین داخل کرده باضافه معجون

ترود و دیلوس بنوشند دیگر لذلک گل گاوزبان گل بنفشه بادرنجبویه گل نیلوفر

عنب الثعلب گل سرخ لسان الحمل فستق قنطوریون دقیق عود صلیب مویز منقی الجبر زند گل قند اسکی

یا عسل در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب گاهی زنجبین بجوشانند هم بادو بهاند

گاهی زنجبین دی

بالیده صاف شوده شربت اصول ماء العسل داخل کرده باضافه اطریفل صغیر ایارج فیقرا

روغن بادام مهروج شوده بنوشند دیگر لذلک بادرنجبویه گل گاوزبان الجبر زرد

گل سرخ ابریشم اسطوخودوس گل بنفشه افتیمون در کیسه بر سیاه ریوس گل قند عسل صلیب

ماء

گاهی شیره برآورده در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم باد و بماند شربت بزوری

معتدل شربت اصول داخل کرده باضافه معجون نجاح بنوشند تا ظ دیگر اولنلر هنه تریاق فاروق

صندلین شیرخشت و صلیب شربت افتیمون گلقند عسلی ممزوج نموده بخورند عقب آن

بادرنجبویه گل گاوزبان گل بنفشه اسطوخودوس در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند

تا نیم باد و بماند صاف نموده شربت بادرنجبویه سکنجبین افتیمونی داخل کرده بنوشند تا ظ

دیگر اولنلر هنه تریاق فاروق مثرودیطوس گلقند افتیمونی یا عسلی عقب آن افتیمون در شیره

عود صلیب اسطوخودوس پوست بیخ کبر ابریشم بسفایج در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

بجوشانند تا نیم باد و بماند ماء العسل شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا ظ

دیگر اولنلر هنه معجون اسطوخودوس یا ایارج فیقرا روغن بادام ممزوج نموده بخورند گاهی

شربت افتیمون داخل کرده بخورند عقب آن گل سرخ گل بنفشه اسطوخودوس سنا مکی فستق

مویز منقی گلقند عسلی در نیم آثار آب بجوشانند تا نیم باد و بماند صاف نموده ماء العسل

شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند تا ظ دیگر اولنلر هنه اطریفل مویز ایارج فیقرا

عود صلیب روغن بادام گلقند افتیمونی یا عسلی شربت افتیمون ممزوج نموده بخورند عقب آن

اصل السوس زوفا خشک بالنگو بزر و بزر سیسالیوس عود غافث گلسرخ گل بنفشه اسطوخودوس مویز منقی

در سیم اثار آب باورد قبهای بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده عود صلیب سنبره

داخل نموده شربت ماء العسل شربت بزوری داخل کرده بنوشند تا دیگر لزوم

ترياق اربعه عود صليب ممزوج نموده بخورند عقب آن افسنتین بارتنگ سوس کبود

بزر سیسالیوس زوفا خشک مویز منقی گل قند عسل در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه

بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت اسطوخودوس شربت بادرنجبویه داخل کرده

بنوشند تا دیگر لزوم نه ترياق اربعه سنبل عود صلیب گل قند عسل

شربت سکنجبین افتیمونی ممزوج نموده بخورند عقب آن گاوزبان گل گاوزبان عنبر

گل بنفشه گلسرخ افتیمون در کیسه اسطوخودوس بالنگو مویز منقی در سیم اثار آب

باورد قبهای بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت افتیمون سکنجبین عنصلی

داخل کرده بنوشند تا نه گلقند عسلی گلقند آفتابی ایارج فیقرا مویز منقی عود صلیب

شربت افتیمون ممزوج نموده بخورند عقب آن اسطوخودوس اریسا قنطوریون دقیق

بزر سیسالیوس بالنگو در سیم اثار آب باورد قبهای بجوشانند نیم باو بماند صاف

نوف

نموده شربت سکنجبین لیمونی شربت سکنجبین بزوری داخل کرده بنوشند تمام دیگر

لعوق منه دواء المسک گرم صندلین ستر الکهربا زرد مسک شربت لیمون ممزوج نموده بخورند

عقب آن ملک مغفره ملک گاوزبان بادرنجبویه اسطوخودوس گلسرخ ابریشم کبر ... کشنیز خشک قند سفید

در عرق بادرنجبویه عرق بادیان بخیسانند صبح جوشانیده صاف نموده تخم صلیب نشیره

برآورده داخل کرده شربت ماء العسل بالاخادیه شربت ماء العسل داخل نموده بنوشند تمام

دیگر لعوق منه ماء العسل بالاخادیه ماء العسل ساده تردود اسطوخودوس تریاق فاروق

صندلین ستر ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان

تخم صلیب نشیره برآورده گاهی چهار تخم شربت اسطوخودوس سکنجبین عنصلی داخل کرده

بنوشند تمام دیگر لعوق منه ماء العسل بالاخادیه ماء العسل ساده ایارج فیقرا بسفایج

تخم صلیب عاقرقرحا ممزوج نموده روغن بادام داخل کرده بخورند عقب آن عرق

بادیان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب شربت اصول سکنجبین عنصلی داخل کرده بنوشند

گاهی ترنجبین حل کرده دهند تمام دیگر لعوق منه ماء العسل بالاخادیه ماء العسل ساده

تریاق فاروق تربد ... ایارج ... ستر ... قند عنصلی ممزوج نموده بخورند عقب آن گل گاوزبان

اسطوخودوس بزر سیالیوس کل ملیح عقرقرحا کل بفشه سوربستان در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه
بجوشانند نیم پاو بمالند صاف سوزه عود صلیب کاسنی سپره برآورده شربت سکنجبین لیموئی شربت
اسطوخودوس داخل کرده بنوشند کاهی سکنجبین عنصلی سکنجبین لیموئی شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند
ودیگر لالک بنه معجون سنبالیوس ایارج فیقرا روغن بادام شربت سکنجبین لیموئی شربت سکنجبین عنصلی
مزورج سوف بخورند عقب آن افتیمون اصل السوس پوست هلیله کابلی اسطوخودوس کل بفشه
سوربستان در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم پاو بمالند صاف سوزه عود صلیب
سپره برآورده ماءالعسل شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند فقط ودیگر لالک بنه
سکنجبین عنصلی سکنجبین لیموئی ایارج فیقرا صندل سفید عود صلیب اسطوخودوس
سوف ماسفانه روغن بادام بخورند عقب آن اصل السوس زوفا خشک برسیاوشان کل بفشه
بزر سیالیوس اکلیل زرد سوربستان تک قند سفید در عرق بادیان عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم پاو
بمالند صاف سوزه شربت ماءالعسل شربت افتیمون داخل کرده بنوشند فقط دیگر
لالک بنه شربت اسطوخودوس شربت افتیمون ایارج فیقرا بزر سیالیوس برسیاوشان اصول
عود صلیب عنبر قرقامک قند سفید مزورج سوف بخورند عقب آن زوفا خشک اصل السوس افتیمون

الخرزهره و پوست بیخ کبر اسطوخودوس ورق ... بادرنجبویه عنب الثعلب کوبیده ... بابونه

صاف نموده شربت تا العسل شربت کشمش ... مرقوق سوده بجوشند تا ترکیب نطول

لذلك منه بابونه اکلیل الملک گل بنفشه سنبل الطیب عنب الثعلب اسطوخودوس قلمبع جو مقشر

برگ سداب پوست بیخ کبر عود صلیب پرسیاوشان سبوس گندم ارده جو ... ده وارده

اثار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده سرکه عسل روغن بابونه داخل کرده

نطول نمایند تا نطول لذلك منه گل بنفشه گل سرخ اصل السوس بیخ سوس گاوزبان خشک

پرسیاوشان افتیمون پوست بیخ کبر عنب الثعلب عود صلیب الخرزهره سوس شیشعا عاقرقرحا

ارده جو سبوس گندم در دوازده اثار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده

ایارج فیقرا سرکه عسل روغن سنبل روغن بابونه داخل کرده نطول نمایند تا ترکیب روغنی

که منه بابونه اکلیل الملک برگ سیسالیوس عاقرقرحا عود صلیب گل سرخ صعتر فارسی.

همه را در بیست اثار آب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده روغن بابونه

روغن سنبل روغن ... روغن بادام سرکه عسل روغن گل روغن ... داخل

کرده باز بجوشانند روغن بماند و آب ... ایارج فیقرا ... قیطوس

ممزوج نگاه دارند وقت حاجت بر سر مالند و قدری سعوط نمایند تا که بهوش آید مجربست تم ط

ترکیب روغن نافع منه روغن قسط روغن سنبل روغن نیلوفر روغن بابونه عاقرقرحا جندبیدستر

زنبق فاروق عود صلیب کوفته بیخته ممزوج نموده نگاه دارند وقت حاجت بر سر مالند

و قدری سعوط نمایند که بهوش آید مجربست ط دیگر لوک منه روغن نرگس روغن بنفشه

روغن موالکر روغن کلسرخ جندبیدستر عاقرقرحا بزر سیسالیوس فرفیون اسطوخودوس کوفته بیخته قدری سرکه

عنصل در حل کرده بر سر مالند مجربست تم ط ترکیب غرغره لدلک منه گل سرخ حب بنفشه

اسطوخودوس عاقرقرحا صعتر فارسی زوفا خشک در یک من آب بجوشانند تا نصف بماند

صاف نموده ماء العسل ایارج فیقرا ممزوج نموده غرغره نمایند گاهی سرکه عنصل در حل کرده

نمایند تم ط ترکیب غرغره دیگر منه عود صلیب پوست بیخ کبر برگ سداب اسطوخودوس

زوفا بزر سیسالیوس الخ ریزند در یک من آب بجوشانند تا نصف بماند صاف نموده

سکنجبین عنصلی ایارج فیقرا در حل کرده غرغره نمایند ط ترکیب نان لدلک منه عاقرقرحا

عود صلیب بادیان انیسون شکوفه مصطکی بزر سیسالیوس ایارج فیقرا آرد ماش

آرد جو ... کوفته بیخته با یک شیره بادیان قدری حلتیت حل کرده دران خمیره

کرده

کرده بدستور نان سازند و بظرف پخته نمایند و بلوف خام قندزی به روغن بند الحجر ماسیح

برسر مالند بهوش خواهد آمد تا ترکیب نان دیگر بجهة زیتون بادام عود صلیب صعتر فارسی

بورنج کبر زیره سیاه کرویا بزر سیا لیوس ارده بهوش ارده بهوزر بدستور معمول

در آب بادیان قندزی حلتیت حل کرده نان سازند و بظرف پخته نماید و بلوف خام

روغن بند الحجر مالیده برسر و لاد نهند تا سعوط الدنك بجهة آب برگ عنب الثعلب آب برگ کیاه سبز

عنقر قرحا جند بیدستر ایارج فیقرا روغن کلف در حل کرده سعوط نماید بهوش خواهد آمد دیگر لوبه بجهة

سنبل الطیب زرنجبیل عود صلیب بسرکه سوئی ایارج فیقرا آب برگ عنب الثعلب سبز آب برگ کیاه سبز

روغن بنفشه جند قوح سوق سعوط نماید بهوش خواهد آمد تا دیگر لدنك بجهة صبر سقوطری بزر سداب

فلفل کرد سیا لیوس جند بیدستر کوفته بخته بر روغن سنبل مخلوط ساخته سعوط نماید بهوش خواهد آمد

ترکیب بادی بجهة نجم سرس عود صلیب عنقر قرحا زنجبیل فلفل کرد دار چینی تما کو خورد صبر سقوطری کوفته

بخته با نس و بند بهوش خواهد آمد تا نس دیگر بجهة جو بنجان فرنقل بیدا ال نخ کتکع عنقر قرحا

بزر سیا لیوس ایارج فیقرا تماکو خوردنی کوفته بخته با نس و بند بهوش خواهد آمد تا نس دیگر بجهة

بیدنس فلفل کرد عود صلیب بزر سداب فلفل دراز زنجبیل کابیله سیرکه سوئی کوفته بخته بدستور

معمول نمایند و بعد ببوسش حرارت آید تا فایده بخشد باقی ترکیبات نطولات و سنوطات مبقی

دماغ و دفع حدت بعد پوشش آن بخمه رئیس و ترکیبات غرغره و ترکیبات تبال وغیره

از دستورات شکسته پاس مزاج و مرض بموجب استعمال نمایند لیکن در دستور ساکنه ادویه

قویه و در صرع ادویه غیر قویه استعمال نماید تا فایده اگر صرع دموی باشد باید

اول فصد هفت اندام بعد از آن اگر احتیاج باشد فصد قیفال یا باسلیق باید کرد

و فصد زیر گوش نیز مناسب است و گاهی فصد صافن نیز میکنند و شاخهای و زلوها

در پس گردن و حجامت و زلوهای از شاخهای پای نیز بدستور باید کرد

بعد از آن اصلاح مزاج بدستور معمول بلحاظ مزاج و مرض در رشته معالجه آن کرده

باشند و بستن ساقهای و دستهای وقت نوبت مستحکم درین مرض بسیار مجرب است

نوالک هنه عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق صلیب شیره برآورده

شربت بزوری معتدل سکنجبین افتیمونی داخل کرده بنوشند تا فایده کند

اگر مسهل صرع دموی ضرور باشد تنقیه آن بدستور سکته دموی خواه تنقیه عام باشد

خواه تنقیه خاص باشد بلحاظ مرض و مزاج کرده استعمال اکثر وه باشند و گاهی نیز

السمن

استسقا و نقیه آن ماء الجبن و شربت افتیمون که طریق آن در ریاض المجربات نوشته ام

بدستور معمول استعمال نمایند و اکثر ترکیبات در دستور سکته دموی برای اصلاح مزاج

آن نوشته ام ادویه قویه را لحاظ کرده استعمال آن باید کرد و ترکیبات سعوطات

و عطوسات برای هوشیاری نوبت نیز در دستورات سکته نوشته ام بلحاظ ادویه

قویه نموده استعمال نماید و نیز در دستور صرع بلغمی نوشته ام استعمال نماید و اکثر

ترکیبات روغن های و نطولات و غرغره های و ترکیبات های شویه از دستور سکته

دموی یا بس مزاج و مرض نموده استعمال کرده باشند و اکثر ترکیبات نطولات و غیره

در دستور دوار و سدر و سبات و نسیان نیز نوشته ام از آن معلوم خواهد شد

موافق مزاج و عرض استعمال باید کرد و در صرع دموی نیز نسخه های دواها و سعوطات

و نشاقهای بسیار خانه دارد لازم که اگر طبیب دانا باشد احتیاج نوشتن.

نیست لیکن چند ترکیبات برای آگاه نمودن می نوشته ام ها دیگر لوک بینه خاکشی در عرق

گاوزبان خیسانیده یا در جوشانده بجوشانند نیم باد مانده صاف نموده عود صلیب سوخته کرده

نموده برآورده شربت بنفشه شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند ها دیگر لوک بینه

گل بنفشه گل گاوزبان گلسرخ اصل السوس افتیمون در هر یک سه درم در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب
بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده شربت سکنجبین لیموئی سکنجبین بزوری داخل
کرده عود صلیب تخم کدو شیره برآورده داخل کرده خاکشی پاشیده بنوشند تا ط

دیگر لعوق سینه گاوزبان گل گاوزبان گل بنفشه گل نیلوفر گلسرخ آلو بخارا اصل السوس
پوست بیخ کرفس تخم کاسنی همه را در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم پاو بماند
صاف نموده ترنجبین مویز منقی افتیمون حل کرده باز صاف نموده شربت سکنجبین ساده شربت
بادرنجبویه داخل کرده بنوشند گاهی عود صلیب شیره برآورده داخل کرده میکنند تا ط

دیگر لعوق سینه گل بنفشه گل نیلوفر عناب سپستان اصل السوس عنب الثعلب پرسیاوشان
مویز منقی خطمی افتیمون در پرسیاوشان در عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان بجوشانند
نیم پاو بماند عود صلیب شیره برآورده داخل کرده شربت سکنجبین لیموئی شربت اسطوخودوس
داخل کرده بنوشند و گاهی ادویه را تر کرده مالیده صاف نموده بنوشند تا ط

دیگر لعوق سینه گل بنفشه پرسیاوشان اسطوخودوس در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق
بادرنجبویه تر کرده مالیده صاف نموده عود صلیب تخم کدو شیره برآورده شربت بنفشه
شربت بادرنجبویه

شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند ط دیگر لذلک هنه برگ شاهتره برگ سداب اسطوخودوس

افتیمون گل قند افتانی شب در عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه تر کرده

دارند صباح مالیده صاف نموده عود صلیب سوده برآورده شربت سکنجبین بزوری شربت

[illegible] داخل کرده باضافه معجون اسطوخودوس گاهی معجون سیاپلوس بنوشند ط ط

دیگر لذلک هنه گلسرخ گل بنفشه اسطوخودوس گل قند افتانی پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد

شب در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت

بادرنجبویه شربت گاوزبان گاهی ترنجبین حل کرده باز صاف کرده عود صلیب مروارید تخم

[illegible] سوده برآورده داخل کرده باضافه معجون زبیب بنوشند ط دیگر لذلک هنه

بزر سیاپلوس برگ سداب اسطوخودوس گلسرخ شب در آب مویز آب تمرهندی عرق

آب انار شیرین آب سیب در آن تر کرده مالیده صاف نموده عود صلیب مروارید

سوده برآورده شربت سکنجبین بزوری شربت سکنجبین [illegible] داخل کرده باضافه تخم [illegible]

یا باضافه اطریفل [illegible] بنوشند ط لذلک هو هنه پوست هلیله کابلی اسطوخودوس

صندل سفید بزر سیاپلوس در عرق بیدمشک عرق کیوره عرق بید ساده گلاب تر کرده

دارند صباح مالیده صاف نموده گاهی درین ترنجبین مویز منقی گل قند افتیمون داخل کرده میکنند

عود صلیب سبزه برآورده شربت بنفشه شربت بارهنگ داخل کرده بنوشند ط و دیگر ...

آب انار شیرین آب سیب آب انگور عرق صندل و زان مویز منقی انجیر زرد گل قند افتیمون

مالیده صاف نموده گاهی ترنجبین اضافه می نماید عود صلیب سبزه برآورده و گاهی تخم کدو

شربت گاوزبان شربت لیمون داخل کرده باضافه خاکشی تخم بالنگو تخم ریحان

تخم خرفه ... بنوشند ط و دیگر ... گل بنفشه گل سرخ انجیر زرد اصل السوس زوفا خشک

پرسیاوشان افتیمون ... در عرق گاوزبان عرق بارهنگ تر کرده شب بماند مالیده

صاف نموده عود صلیب تخم کدو سبزه برآورده داخل کرده شربت بنفشه شربت بارهنگ

داخل کرده باضافه اطریفل صغیر یا اطریفل کشنیزی یا اطریفل استوخودوس تخم ... بنوشند

فایده اگر صرع از ماده سودا باشد علاج آن اول فصد هفت اندام یا قیفال یا باسلیق

یا فصد رگ صافن و یا فصد زیر گوش نیز بهتر است باید کرد و استعمال ... بشرط ...

در ... کردن و یا ... های وقت مناسب ... که باشد استعمال کنند و بعد از آن

تنقیه مسهل عام و خاص بدستور معمول نیز کنند و بعد از آن اصلاح مزاج بمناسب طبیعت و مرض

السلام

استعمال کرده باشند و لیکن دستهای و پایهای و ساقهای بسیار مستحکم و قوت بسیار

مجرب است نسخهٔ مسهل هند گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه برگ مرزنگوش گل بنفشه گل نیلوفر برگ

شاهتره اصل السوس تخم خطمی تخم خبازی عنب الثعلب پرسیاوشان اسطوخودوس عود صلیب

بزر بسفایج آلو بخارا مویز منقی پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیلهٔ برگ سنای مکی گلقند آفتابی

انجیر زرد همه را در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب شب تر کرده دارند صباح جوش داده

هم امار بمانند در بعض طبیخ افتیمون در بولی لسبه اضافه نمایند صاف نموده شربت افتیمون شربت

اسطوخودوس داخل کرده ترنجبین شیرخشت مغز فلوس حل کرده باضافه روغن بادام کاهی باضافه

جهت ... بنوشند علی الصباح تبرید بدین نسخه بدهند ترکیب منضج هند گاوزبان گل گاوزبان

برگ مرزنگوش بادرنجبویه افتیمون در بولی لسبه گل سرخ گل نیلوفر اصل السوس مویز منقی پرسیاوشان

اسطوخودوس عود صلیب شکوفه گل قند آفتابی در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب.

شب تر کرده دارند صباح جوش داده صاف نموده یک یا دو بار شربت افتیمون شربت بنفشه و داخل کرده بنوشند

کاهی ترنجبین حل کرده بدهند هفت روز منضج دهند بعد از آن مسهل بان و مسهل بدهند بهتر ...

عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان طلاب عود صلیب شیره برآورده شربت بنفشه

داخل کرده نوشته شد دیگر روز ناغه داده باز مسهل دهند و باز تبرید همین دهند موافق طاقت

مریض و موافق احتیاج در مسهل تا سه مسهل باید داد و بعد از آن مسهل حب ایارج به دستور معمولی

دهند و یک روز ناغه داده مسهل دیگر حب ایارج دهند بعده اصلاح معده از بلیله مربا

بادیان گلقند مصطگی عود صلیب کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند عقب آن همان تبرید باید

داد و گاهی گلقند زنانی همین طریق بدهند و گاهی مسهل بماء الجبن و شربت افتیمون و

سفوف لاجورد به دستور معمول بدهند چنانچه طریق آن در ریاض المجربات نوشته ام

بعده اصلاح مزاج یا پس طبیعت و مرض و رشته آنچه مناسب باشد استعمال کرده باشند

و این عاصی نیز ترکیبات عجیبه درین دستور نوشته ام لحاظ کرده وقت مناسب و مزاج

مناسب استعمال کرده باشند بسیار بهتر و خوب خواهد شد ط ترکیب لوک بهتر

گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه افتیمون مویز منقی اسطوخودوس برگ فرنجمشک مویز منقی

گلقند اصفهانی و عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه که شب نمانده باشد صاف نموده ترنجبین

حل کرده عود صلیب سوده برآورده ضماد کرده شربت افتیمون سکنجبین لیموئی داخل

کرده نوشته شد ط دیگر لعوک بهتر بادرنجبویه ابریشم مقرض برگ فرنجمشک افتیمون آلوبخارا

بخسم گاوزبان اسطوخودوس بزر سیاهوس مویز منقی عود صلیب گل قند افتابی در عرق بادرنجبویه
عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باو بجا ماند صاف نموده شربت اسطوخودوس شربت
بادرنجبویه داخل کرده باضافه معجون نجاح بنوشند ط دیگر لوکت سنه اصل السوس
بادرنجبویه گل بنفشه گل نیلوفر برگ مرزنگوش عود صلیب گلسرخ لسان الحمل افتیمون اسطوخودوس
الجبرزرد مویز منقی گل قند افتابی در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه بجوشانند نیم باو
بجا ماند صاف نموده یا تر کرده دارند صباح بمالند و صاف نموده شربت بادرنجبویه
شربت سکنجبین لیموئی داخل کرده باضافه سفوف لاجورد روغن بادام مفروج نموده
بخورند گاهی ترنجبین حل کرده بنوشند ط دیگر لوکت سنه بادرنجبویه گلسرخ گل گاوزبان
افتیمون صعتر فارسی مویز منقی گل قند افتابی در عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب بجوشانند
نیم باو بجا ماند صاف نموده عود صلیب سیره برآورده سکنجبین لیموئی شربت بادرنجبویه
داخل کرده باضافه حب لاجورد روغن بادام چرب کرده بنوشند گاهی در این نسخه
ترنجبین حل کرده بار صاف کرده باضافه روغن بادام سه حب لاجورد بنوشند ط
دیگر سنه اطریفل مویز لاجورد مغسول ایارج فیقرا روغن بادام مفروج نموده بخورند عقب آن

گل بنفشه گل سرخ گل نیلوفر افتیمون بسفایج خار خسک قند افغانی در عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان بجوشانند

بایر کرده وارند صباح بجوشانند یا بمالند هم باد و بمانند صاف نموده شربت بنفشه شربت

بادرنجبویه داخل کرده بنوشند گاهی ترنجبین حل کرده بدهند ۞ دیگر لذلک نسخه

گل گاوزبان گل سرخ برگ مرزنجوش افتیمون ورسیره سپستان عناب عود صلیب مویز منقی

تمک قند افغانی در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باد بمانند صاف

نموده شربت انار شیرین شربت گاوزبان داخل کرده ترنجبین حل کرده بار صاف

کرده باضافه معجون اسطوخودوس ایارج فیقرا لاجورد مغسول روغن بادام ممزوج

نموده بنوشند ۞ دیگر لذلک نسخه سکنجبین افتیمونی سکنجبین بزوری عود صلیب

بسفایج فستق لاجورد مغسول ایارج فیقرا کلک قند افغانی روغن بادام ممزوج نموده بجوشانند

مغص آن عرق ~~بادرنجبویه~~ عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق گلاب عرق عنب الثعلب

شربت اسطوخودوس شربت انار شیرین ممزوج کرده گاهی ترنجبین حل کرده میدهند

وگاهی عود صلیب مترک بسیره راورده بدهند ۞ دیگر لذلک نسخه گاوزبان افتیمون

ورسیره اسطوخودوس برگ مرزنجوش گل گاوزبان اصل السوس بسفایج کلک قند افغانی در عرق

در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه بخیسانند نیم باو بمانند یا تر کرده دارند صباح با سبب

صاف نموده ترنجبین حل کرده باز صاف کرده باضافه اطریفل صغیر لاجورد و مسهل عجیب صلیب

ایارج فیقرا روغن بادام مخلوط ساخته بنوشند و گاهی معجون زبیب گاهی معجون اسطوخودوس

بلغ

بنوشند تمام شد دیگر للمؤلف منه معجون سنبالیوس لاجورد و معمول الصالح روغن بادام شربت

افتیمون ممزوج نموده بخورند عقب آن افتیمون در سره بسته گلسرخ اصل السوس مویز منقی

گل قند افسنتین در عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان بخیسانند یا تر کرده دارند هم باو

بمانند صاف نموده گاهی ترنجبین حل کرده باز صاف کرده شربت سکنجبین افتیمونی

شربت سکنجبین بزوری داخل کرده بنوشند تمام شد دیگر للمؤلف منه شربت اسطوخودوس

شربت افتیمون لاجورد و معمول بزر سنا السوس الصالح گلسرخ ایارج فیقرا گل قند افسنتین

امبجه بخورند عقب آن افتیمون در سره بسته اسطوخودوس بادرنجبویه گل بنفشه مویز منقی .

در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بخیسانند یا تر کرده دارند نیم باو بمانند با سبب

صاف نموده شربت انار شیرین شربت سیب داخل کرده بنوشند گاهی عود صلیب

ریشه هم برآورده اضافه نمایند تمام شد دیگر للمؤلف منه الکه زرد زوفا خشک ...

افتیمون در سرکه گل قند افتابی در عرق نیلوفر و عرق بادرنجبویه که نیم ساییده نیم کوبیده باشد

صاف شوند گاهی ترنجبین داخل کرده و گاهی عود صلیب نشره برآورده ممزوج

کرده شربت بزوری معتدل سکنجبین افتیمونی حل کرده با رصاف نموده باضافه معجون

نجاح ایارج فیقرا روغن بادام ممزوج کرده بنوشند گاهی دران که اسطوخودوس

و صبر سقطری اضافه می نمایند تمّ **نطول لذلک** بابونه بادرنجبویه گل بنفشه عنب الثعلب

بابونه اکلیل الملک تخم خطمی ابرسا افتیمون اسطوخودوس برگ گلاب برگ صعتر فارسی

تخم حلبه تخم کتان برگ بید بادرنجبویه سبوس گندم در دوازده اثار آب بجوشانند تا نصف

باقی بماند صاف نموده ایارج فیقرا سرکه روغن گل داخل کرده نطول نمایند تمّ **نطول**

دیگر لذلک نافع بابونه گل بنفشه گل نیلوفر سنبل الطیب سعد کوفی صندل سفید صندل سرخ عنب الثعلب

بزر کسنا ملیوس عود صلیب زوفا خشک پرسیاوشان اکلیل زرد برگ عنب الثعلب برگ کنار سبوس گندم

از هر یک چهار در دوازده اثار آب بجوشانند تا نصف بماند صاف نموده ایارج فیقرا سرکه

روغن بابونه داخل کرده نطول نمایند تمّ نافع و درین مرض اکثر ترکیبات مطبوخات مشروبات و غرغره ها

و نطولات در کار باشد در معالجه سکته ادویه قویه اخراج کرده و سعوطها که در درج

کار

بلغمی سابق نوشته‌ام برای بلغمی و بالغ و برای هوشیاری مرض لحاظ مرض و مزاج و رسته
استعمال باید کرد و ترکیبات بان و روغن‌های نیز اگر در کار باشد در صرع بلغمی و سوداوی
نوشته‌ام و در سکته نیز نوشته شده باید که هر وجه که منظور باشد تلاش کرده موافق مزاج
پاس مرض و رسته استعمال کرده باشند احتیاج نوشتن نیست باب فایده صرع صفراوی
اگر بپرسد چنانچه اکثر اطبا صرع صفراوی را ام الصبیان میگویند چراکه ورم ام الصبیان
التهاب و اختلاط عقل و حمی مشابه صرع صفراوی میشود لازم که در معالجه ان ازاد و همه
مبرده و مرطبه مثل سرسام برعایت مزاج و پاس مرض نموده اصلاح ان کرده باشند
و مریض اگر تبیر خورده باشد لازم که قدر تبرید در مسهل یا با اصلاح مزاج و مرض موافق
طول عمر طفل کرده باشند طا صفت مسهل اطفال نافعه یکی اول منضج برای نضج ماده
بدستور معمول بدهند بعد از ان تدبیر مسهل کنند گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی [illegible]
در [illegible] اسطوخودوس زوفا خشک گاوزبان گل گاوزبان برگ فرنجمشک عناب
سپستان اصل السوس انجیر زرد [illegible] پوست [illegible] کابلی پوست [illegible] هلیله [illegible]
مویز منقی [illegible] قند [illegible] نبات [illegible] عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر عرق بادرنجبویه

گل سرخ [illegible] برگ سنامکی

تر کرده دارند صباح بجوشانند هنگام نیم باد بمانند مالیده صاف نموده شربت اصول
اسطوخودوس داخل کرده ترنجبین شیرخشت فلوس حل کرده با اضافه روغن بادام بنوشند
علی الصباح شیر بیدانه بار مسهل دهند و اگر احتیاج باشد مسهل حسب احتیاج دهند یکروز ناغه
داده بار دیگر حسب احتیاج مسهل کنند بعد از آن اصلاح مزاج بگلقند و با هلیله مربا بدستور معمول
بخورند بعد از آن عرقیات و شربت مناسب مزاج بدهند نسخه مسهل برای اطفال
خورد سال لوکل منقه گل بنفشه گل نیلوفر گاوزبان گل گاوزبان اصل السوس
گلسرخ زوفا خشک پرسیاوشان انجیر زرد افتیمون اسطوخودوس تخم صلیب عناب
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه برگ سنا مکی مویز منقی گلقند افتیمون
سیب در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بارنجبویه عرق نیلوفر تر کرده دارند صباح
بجوشانند نیم باد بمانند صاف نموده ترنجبین شیرخشت فلوس حل کرده با اضافه
روغن بادام شیر گرم بنوشند بهمین وضع قدر شربت ادویه موافق عمر طفل مبدا داده باشند
و اگر طفل شیرخوار باشد مثل گولی مسهل دهند تبرید لعاب بهیدانه عرق گاوزبان
عرق بارنجبویه عرق عنب الثعلب تخم صلیب تخم خرفه تخم کدو شیره برآورده در حل کرده
شربت بزوری

شربت بزوری معتدل شربت بنفشه ممزوج نموده بنوشند اگر طفل خورد سال باشد
موافق عمر آن بدهند تا به سه روز بعده گلقند آفتابی مصطگی بادیان عود صلیب
طباشیر ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق قبابی و شربت های موافق مزاج بدهند
بعده هر هفته مرتبه یا از گذشته بهمین وضع بدهند بعد اصلاح مزاج کرده باشند تا که
مرض نشود تا و دیگر لذلک منه عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عود صلیب
تخم خشخاش کدو شیره برآورده شربت انار شیرین سکنجبین افتیمونی داخل کرده صباح
ناشتا بنوشند تا و دیگر لذلک منه عرق نیلوفر عرق بادرنجبویه عرق بیدمشک عرق
گاوزبان عود صلیب شیره برآورده شربت بنفشه شربت اسطوخودوس داخل کرده
صباح ناشتا بنوشند گاهی اطریفل مویز یا دواء المسک مقوی عود صلیب و جدوار
یا اطریفل اسطوخودوس مقوی عود صلیب بخورند تا و دیگر لذلک منه گل بنفشه گل نیلوفر
تخم کاسنی تخم خطمی ریوند خشک اصل السوس مویز منقی اسطوخودوس افتیمون در ابتدا
گلقند افتابی و در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب تر کرده
دارند صباح مالیده صاف نموده عود صلیب تخم خشخاش کدو شیره برآورده شربت بنفشه

زبیب اسطوخودوس داخل کرده خاکستر با شیره بنوشند تا ماهای برنجین حل کرده

گاهی با اضافه [illegible] معجون زبیب وقت خواب بنوشند ط دیگر لوک بنه گاوزبان

گل گاوزبان بادرنجبویه گل سفید آلو بخارا بزر [illegible] بسفایج ابتیمون در سنبره مویز منقی گل

قند افغانی در عرق کاسنی عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب شب تر کرده دارند صباح

مالیده صاف نموده عود صلیب تخم کدو شیره برآورده داخل کرده با اضافه

خاکستر یا با اضافه معجون اسطوخودوس وقت خواب بدهند ط دیگر لوک بنه

مویز منقی الحبر رزد گل قند افغانی ابتیمون در [illegible] در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق بادرنجبویه شب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده عود صلیب شیره برآورده

با اضافه خاکستر یا با اضافه اطریفل اسطوخودوس یا با اضافه تریاق اربعه وقت خواب

بنوشند ط دیگر لوک بنه گل سرخ گل سفید گل گاوزبان لعاب [illegible] عنب الثعلب اصل السوس

الحبر رزد تخم خطمی برسیاوشان مویز منقی گل قند افغانی شب در عرق بید مشک عرق گاوزبان

عرق بید بادیان تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده عود صلیب تخم خرفه شیره برآورده

داخل کرده سکنجبین بزوری [illegible] بادرنجبویه گاهی سکنجبین ابتیمونی با اضافه خاکستر یا با اضافه

بمعجون نترود و اسطوخودوس وقت مناسب یا باضافه معجون سیسالیوس وقت مناسب بدهد

گاهی بنجهین حل کرده بدهد ط دیگر لولات نسخه بزر سیسالیوس گل بنفشه گل گاوزبان عود صلیب

اسطوخودوس گلسرخ آلو بخارا مویز منقی گل قند انقالی در عرق صندل عرق گلاب عرق

کیوره عرق گاوزبان شب تر کرده وارد صباح مالیده صاف نموده شربت اصول

شربت بزوری معتدل در آن حل کرده باضافه تریاق اربعه یا با معجون سیسالیوس یا با معجون

اسطوخودوس وقت مناسب بدهد ط دیگر لولات نسخه آب انار شیرین آب سیب

آب آلو بخارا آب سیب بهدانه لعاب گرفته عود صلیب سیده برآورده شربت

بنفشه سکنجبین لیموئی گاهی شربت بزوری گاهی سکنجبین لیموئی گاهی ساده گاهی

خاکی بنوشند ط دیگر آب برگ عنب الثعلب سبز مروق آب برگ کاسنی سبز مروق

آب برگ خرفه سبز گل بنفشه گل گاوزبان برگ سیسالیوس گلسرخ اسطوخودوس عود صلیب

تخم گشنیز مکو سیده برآورده شربت بنفشه شربت اصول در آن حل کرده باضافه خاکی یا گاهی

معجون زرنباد معجون نجاح یا معجون اسطوخودوس یا اطریفل صغیر همه وقت مناسب بدهد ط

دیگر لولات نسخه عرق صندل عرق بید مشک گلاب عرق بید سادہ تخم بهیدانه لعاب گرفته

زرشک قند ... اصل السوس ...

عود صلیب شیره برآورده شربت اصول شربت انار شیرین لعاب کرفس کاهی سکنجبین لیمو

کاهی سکنجبین بزوری با خاکشی پاشیده بنوشند تا دیگر لوک بنه آب سیب آب بهی

آب تمر هندی رب ریواس آب آلو بخارا عود صلیب شیره برآورده شربت ... سکنجبین

اصولی داخل کرده خاکشی پاشیده بنوشند تا دیگر لوک بنه ...

دانه انار شیرین کشمش خاک قند افشانی در عرق بید مشک عرق بید ساده عرق گلاب

عرق گاوزبان تر کرده دارند صباح ناشتا صاف نموده عود صلیب شیره برآورده

شربت ... شربت ... داخل کرده با اضافه خاکشی بنوشند تا دیگر لوک بنه

اگر طفل اسهال داشته باشد عرق ... عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان ... کرده

خرفه مقشر بریان کرده عود صلیب تف داده شیره برآورده و زهر مهره خطائی

سوده ... شربت انار ممزوج نموده بنوشند تا دیگر لوک بنه تریاق فاروق

عود صلیب در شیر دایه حل کرده بطفل دهند دیگر لوک بنه تریاق اربعه عود صلیب

در شیر دایه ممزوج نموده شربت افیون شربت اسطوخودوس ممزوج نموده بطفل

بدهند دیگر لوک بنه ... اسطوخودوس چند بید مشک در شیر دایه بطفل بدهند که به شربت اصول

ایز

سکنجبین حب لیمون اضافه نموده بدهند تا هو بادیان مربیان کرده تخم خرفه بریان کرده

دانه موبر بریان کرده حب الآس بریان کرده صمغ عربی و صیبر تقد داده مو تخم کاسنی

همه را در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق نیلوفر شیره برآورده شربت حب الآس

زرشک داخل کرده بنوشند تا هو برای اصلاح ستبر عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق گلاب عرق بیدمشک شربت سکنجبین لیمونی صمغ صلیب شیره برآورده داخل

کرده بدایه بدهند دیگر لعوق سینه گل بنفشه گلسرخ حک گاوزبان موبر مقشر بزر [illegible]

گل [illegible] اعتدالی در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی تر کرده دارند صباح

صاف نموده صمغ صلیب تخم کاسنی شیره برآورده شربت انار شیرین شربت سکنجبین لیمونی

داخل کرده [illegible] یا شیر بدایه بدهند دیگر لعوق سینه انار دانه بریان کرده دانه

موبر بریان کرده سعد کوفی سماق بریان کرده تخم کاسنی بریان کرده صمغ صلیب تقد داده

در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق بیدمشک شیره برآورده شربت حب الآس شربت

سیب داخل کرده بنوشند تا واگر طفل شیرخوره باشد اصلاح شیر دایه باید کرد

لعوق سینه عرق کاسنی عرق بادرنجبویه عرق نیلوفر شربت [illegible] صمغ صلیب مو تخم [illegible] شیره

عود صليب شيره بر آورده شربت اصول شربت انار شيرين لعاب كرفته كاهى سكنجبين ليمو

كاهى سكنجبين بزورى يا جلاب ايله بشنج بوشسنده ها ديكر لولك ايچون آب سيب آب ...

آب تمرهندى روق آب آلو بخارا عود صليب شيره سى بر آورده شربت ... سكنجبين

افتيمونى واخل كروه جلاب ايله بشنج بوشسنده ها ديكر لولك ايچون مويز منقى

دانه انار شيرين كشمش حل قند افغانى در عرق بيد مشك عرق بيد ساده عرق كلاب

عرق كاوزبان تركروه دارند صباح ايله بنج صاحبت موفق عود صليب شيره بر آورده

شربت ... شربت ... واخل كروه با اضافه جلاب ايله بوشسنده ها ديكر لولك ايچون

اكر طفل استهال در تشنه باشد عرق قرنفل عرق عنب الثعلب عرق كاوزبان بيدانه بريان كرده

خرفه مقشر بريان كرده عود صليب تف داده شيره بر آورده و زهر مهره خطائى

شربت حب الآس شربت انار ممزوج نموده بوشسنده ها ديكر لولك ايچون ترياق فاروق

عود صليب در شير دايه حل كرده بطفل دهند ديكر لولك ايچون ترياق اربعه عود صليب

در شير دايه ممزوج نموده شربت افيتمون شربت اسطوخودوس ممزوج نموده بطفل

دهند ديكر لولك ايچون مثرود يطوس جند بيدستر در شير دايه بطفل بدهند كاهى شربت اصول

اين

... لیمون اضافه نموده بدهد تا ... مو با دیان جریان کرده تخم خرفه بریان کرده

دانه مویز بریان کرده حب الاس بریان کرده عود صلیب نقف داوده مو تخم کاسنی

همه را در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق نیلوفر شیره برآورده شربت حب الاس

زرشک داخل کرده بنوشند تا ... برای ... عرق عنب الثعلب

عرق گلاب عرق بادیان شربت لیمون ...

... داخل

کرده بدایه بدهد تا ... دیگر ... گل ...

گل ... در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب ...

... عود صلیب تخم کاسنی شیره برآورده ...

داخل کرده خاک ... بدایه بدهد تا ...

مویز بریان کرده ... بریان ...

در عرق عنب الثعلب عرق بادیان ...

... داخل کرده بنوشند تا ... شیر خورده ... بدهد

... گاو زبان عرق بادیان ... عرق نیلوفر شربت ... عود صلیب مو تخم کرده شیره

عود صلیب شیره برآورده شربت اصول شربت انار شیرین نعناع کرفس کاهی سکنجبین لیمو

کاهی سکنجبین بزوری یا جالنی یا نسیه بیونه بیو شسنده ها دیگر لوک هنه آب سیب آب ایه

آب نبوهری رومق آب آلو بخارا عود صلیب شیره برآورده شربت سکنجبین

لیمونی داخل کرده جالنی یا نسیه بیو شسنده ها دیگر لوک هنه مویز منقی

دانه انار شیرین کشمش حل فندق انیسونی در عرق بیدمشک عرق بیدساده عرق گلاب

عرق گاوزبان تر کرده وارند صباح یا نسیه حاجت بیونه عود صلیب شیره برآورده

شربت شربت حماض داخل کرده یا جافنه جالنی بیو شسنده ها دیگر لوک هنه

اگر طفل اسهال دارنده باشد عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان بهی دانه بریان کرده

خرفه مقشر بریان کرده عود صلیب تف داده شیره برآورده ورب سیب خطائی

شربت حب الآس شربت انار ممزوج بیونه بیو شسنده ها دیگر لوک هنه تریاق فاروق

عود صلیب در شیر دایه حل کرده لطفل بدهند دیگر لوک هنه تریاق اربعه عود صلیب

در شیر دایه ممزوج بیونه شربت افیون شربت اسطوخودوس ممزوج بیونه لطفل

بدهد دیگر لوک هنه تخم وسطوخودوس جند بیدستر در شیر دایه لطفل بدهد گاه شربت اصول

ایز

سه نمر حب الیمون اضافه نموده بدهند تا مو با دیان مربیان کرده تخم خرفه بریان کرده

دانه موبر بریان کرده حب الاس بریان کرده عود صلیب تقف واوه مو تخم کاسنی

همه را در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق نیلوفر شیره برآورده شربت حب الاس

زرشک داخل کرده بنوشند تا مو برای اصلاح [illegible]

عرق گلاب عرق بیدمشک شربت سکنجبین لیموی [illegible]

کرده بدرقه بدهند و دیگر لوک سه گل [illegible]

گل [illegible] اجتناب در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب [illegible]

[illegible] عود صلیب تخم کاسنی شیره برآ[illegible]

داخل کرده خاکشی بانبات بدرقه بدهند [illegible]

موبر بریان کرده سعد کوفی سماق بر[illegible]

در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عرق [illegible]

سیب داخل کرده بنوشند تا و از طفل سیر شوره [illegible] اصلاح شیران باید کرد

لوک سه عرق کاسنی عرق بادرنجبویه عرق نیلوفر شربت بازنج عود صلیب مو تخم کرده شیره

نافیه طفلی که از رضاعت بیت اگر بود و مقداری طفل بدهد بدایه طفل بدهد پاشیده خاک گلی برآورده

اگر طفل با عطش زیاده باشد در آن قدری طباشیر و کتیرا و گیول که قدری شربت

لیمو و سکنجبین لیمونی با تخمهای مناسب نیز داده باشند تا دیگر لذلک منه تخم بزرو بطلوس

عود صلیب شربت انار ترش منعنع ممزوج موقوف بدایه بدهند عقب آن تخمهای و شربتهای

مناسب بدهند و شربت بدایه بدهند تا دیگر لذلک منه آب مویز آب انار شیرین آب انار ترش

آب کشنیز آب آلو بخارا آب ترشی آن نیز عود صلیب اصل السوس شیره برآورده شربت

انار ترش منعنع سکنجبین افتیمونی داخل کرده با اضافه خاک گلی پاشیده بدایه بدهند تا

دیگر لذلک منه دانه انار شیرین دانه انار ترش مویز منقی در عرق عنب الثعلب عرق گلاب

عرق بیدمشک اصل السوس شیره برآورده شربت سیب شربت انار ترش منعنع داخل کرده

با اضافه خاک گلی بدایه بدهند تا دیگر لذلک منه تخم کاسنی تخم خرفه مقشر در گلاب عرق کاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق بیدمشک شیره برآورده شربت سیب شربت انار داخل کرده

با اضافه عود صلیب جدوار سفید تخم بزرو بطلوس شربت سکنجبین افتیمونی شربت افتیمون ممزوج

موقوف بدایه بدهند تا دیگر لذلک منه دیگر جوارش المسک جدوار سفید عود صلیب

عود صلیب

مزدوج شود آنرا بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق گلاب عرق بیدمشک عرق بید ساده
سکنجبین اسقوفی شربت انار بن شیخ داخل کرده بدایه بدهند گاهی تخم ریحان
و تخم بالنگو گاهی تخم فرنجمشک گاهی تخم شیرهنی یا شیره بنوشند ط حما ط

دیگر لدلک سه عود صلیب برگ سداب کوفته بیخته در پارچه طفل بمالند و در بوئی
بطفل به بویانند ط دیگر لدلک سه عود صلیب چند بید سبز صمغ فارسی ابارج فیقرا کوفته
بیخته بر پیشانی و بر سر و بر تارک طفل بمالند و در بوئی سینه بطفل به بویانند
دیگر عود صلیب در گلوی طفل ببندند و اگر شیر گلاه درست کرده بر سر طفل دارند ط
دیگر لدلک سه افیون بادیان کلسنج برگ سیسنبر لیوس زرعلو خودوس کل قند افتالی در سیم
بمذاب یا در عرق بهای بجوشانند یا ترکرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت افتیمون
شربت بزوری معتدل داخل کرده عود صلیب شیره برآورده یا اضافه جدوار المسک چند بید سبز
بدایه بنوشانند ط سعوط لدلک سه عود صلیب زنجبیل بزر سیسالیوس چند بید ستر کوفته بیخته روغن
بمذاب روغن گل مزدوج نموده بطفل سعوط نماید یا جیت سائیده ماش دهند ط دیگر
لدلک سه سنبل الطیب سعد کوفی عود صلیب بخور و فاصوریا خارسی کوفته بیخته روغن سنبل روغن بادام

بلغ

ممزوج نموده سعوط نمایند گاهی خشک پاشند و هم نافع دیگر لدلک نسخه ایارج فیقرا عود صلیب

نیلکلی خولنجان کوفته بیخته روغن بادام روغن بابونه مخلوط ساخته سعوط نمایند یا خشک

سائیده پاشند و هم نافع دیگر لدلک نسخه برگ سداب صعتر فارسی جند بیدستر فلفل کرد

عاقرقرحا عود صلیب جرسقوطری کوفته بیخته بروغن گل روغن سنبل ممزوج نموده سعوط

نمایند یا خشک سائیده پاشند و هم نافع دیگر لدلک نسخه ایارج فیقرا جند بیدستر کوبیده

کوفته بیخته روغن سنبل مخلوط ساخته بطفل سعوط نماید یا خشک سائیده پاشند و هم نافع

دیگر لدلک نسخه افسنتین تخم سرس زنجبیل عود صلیب ایارج فیقرا کوفته بیخته بروغن گل

ممزوج نموده بطفل سعوط نماید گاهی خشک سائیده پاشند و هم نافع دیگر لدلک نسخه

آب برگ نیلکلی آب برگ گشنیز خورد و روغن سنبل ایارج فیقرا عاقرقرحا جند بیدستر

عود صلیب کوفته بیخته ممزوج نموده سعوط نماید ترکیب روغن نسخه روغن سنبل روغن گل

روغن بادام روغن بابونه سرکه عنصل ایارج فیقرا عود صلیب عاقرقرحا جند بیدستر کوفته

بیخته ممزوج نموده بر سر مالند و قدری سعوط نماید روغن گل دیگر نسخه روغن لوراب

روغن قسط روغن سنبل روغن گل برگ سداب سرکه عنصل صعتر فارسی برنجاسف جند بیدستر

[illegible]

و اکر تکمیل بچونوع صلیب کوفته بیخته بیزد بموقع اگر قدری تریاق فاروق مزید و بطور آن حل کردن

اضافه نماید بسیار بهتر خواهد شد بعد بستور بر سر مالند تمام **ترکیب پای شویه منبه**

گل بنفشه گل نیلوفر بابونه عنب الثعلب برگ سداب گلسرخ صعتر فارسی تخم شبت کدو

تخم شبت سیب تخم شبت خیار جو مقشر برگ کیار برگ بید تازه سبوس گندم بوره ارمنی

نمک سابیز برگ کاهو سبز درد دوازده انار آب بجوشانند تا ثلث آن بماند

صاف نموده پای شویه نماید تمام **ترکیب پای شویه منبه** بابونه اکلیل الملک تخم خطمی

تخم خیارین گلسرخ گل نیلوفر عنب الثعلب سنبل الطیب گل نیلوفر برگ کیار برگ بید تازه

برگ شفتالو برگ کاسنی سبز سبوس گندم بوره ارمنی نمک سنگ سرکه درد دوازده انار

آب بجوشانند تا ثلث آن بماند بعد بستور معمول پای شویه نماید تمام **ترکیب نطول نوع منبه**

بابونه اکلیل الملک گل بنفشه گل نیلوفر عنب الثعلب صعتر فارسی نمک سداب گلسرخ اسطوخودوس

عود صلیب اصل السوس جو مقشر سبوس گندم درد دوازده انار آب بجوشانند تا نصف

بماند صاف نموده ایارج فیقرا روغن گل سکنجبین عسل داخل کرده نطول نماید تمام

ترکیب نطول دیگر گل بنفشه تخم خطمی تخم خیارین الجزر زرد برگ سپستان بیخ کوکنار

بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب انیسون سنبل الطیب سعد کوفی چلیپا عود صلیب جند بیدستر

بسبوس کشنیز از هر یک دو درم دوا را نیم کوفته در آب بجوشانند نصف نماید صاف نموده

ایارج فیقرا روغن گل روغن سنبل سرکه عنصل داخل کرده تنطول نماید فایده

طفل را و دایه را در مکان معتدل دارند و از جماع دایه را محفوظ دارند و از سیر تا سنجد

طفل و دایه را با حضانه نگاه دارند و از آواز بلند طفل را نیز محفوظ نماید و در مرض

صرع صفراوی قی کردن نیز بسیار نافع دارد و بستن پاهای و دستها ساقها

بسیار نافع عملی دارد و اگر استعمال قیئه های در این مرض ضرور و در معالجه شکسته باشند

~~از ... حل کرده~~ و اگر بان بستن در کار باشد بدستور سکنه و صرع لحاظ کرده مرض استعمال

فایده اگر صرع از کثرت معده باشد باید که احتلاط معده را تنقیه نماید دماغ اصلاح

معده و اصلاح خفقان و گرنیون معده کنند مسهل حب ایارج بقدر قوت

علاوه مسهل خواه سنه مسهل موافق مزاج و بکاب اخراج ماده و بعد از مسهل لعاب اسپغول

بدستور تسکین و دفع طاقت معده و اصلاح مزاج موافق مرض کرده باشند که

بار دیگر مرض نشود منفعة فی بنه اصل السوس ... عود صلیب

وریشم انارات بحوشاندہ باو بماند صاف نموده بنوشند تا به سه چهار روز

بعد از ان قی استعمال نماید ترکست ستے لاکك هر نه بخ بزر بسیم بیخ و بره ترنجبیت

اصل السوس بیار عنصل کوفته عود صلیب در یك انار ات بجوشاندہ باو بماند

ماءاللبن صاف نموده یوره ارتنی تمك سابنه جوراتی شیره برآورده سرکه عنصل

سکنجبین عسل داخل کرده به بیار نمایند تک بك پیاله بر دو نوشند و قی

کنند بعد از فراغت قی وقت شام حب قند اعتالی دانه بیل مصطگی عود صلیب

کوفته بیخته مزوج نموده بخورند بروز پاغه کرده باز قی نماید بعد از ان مسهل حب ایانج

بدستور معمول دهند علی الصباح تبرید لاکك منه عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق

عنبر الثعلب عود صلیب شیره برآورده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند

بعد از ان اصلاح فراج بدستور معمول کرده باشند تا لاکك هر اصلاح میسر گردد

گاوزبان خلل گاوزبان ترب وحک اسطوخودوس بوریعی حب قند اعتالی هر را در عرق

گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند باو بماند صاف نموده عود صلیب

مصطگی طباشیر شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت اصول داخل کرده

باضافه حوائج الیسات معتدل بنوشند تا ط دیگر نوع گل بنفشه گل نیلوفر بادیان

بیخ بادیان کاسنی بسبح کاسنی الجبر زرد بوی مصطکی خاک قند افیثانی در سه آثار آب

بجوشانند بار درو تهای مناسب تر کرده واز ند صباح با لیع صاف نموده عود صلیب

مصطکی شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت انار شیرین کاهی شربت عناب

کاهی شربت نیلوفر داخل کرده باضافه دوا الیسک معتدل بنوشند کاهی بقوی با

بجند بیدستر مثرودیطوس بخورند تا ط دیگر نوع شنه علیسخ بادرنجبویه کاهی بنفشه گل نیلوفر

بزر سالیوس تخم کشوث در پوتلی بسته افتیمون در سره گاوزبان گل گاوزبان مویز منقی

خاک قند افیثانی در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه بجوشانند سه بار ویمالند صاف نموده

عود صلیب تخم کدو طباشیر شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت اصول

داخل کرده باضافه جوارش مصطکی مقوی بمثرودیطوس بخورند تا ط دیگر نوع

عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عود صلیب دانه الاچی خرد

بادیان شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت اصول داخل کرده باضافه

تخم کشوث بنوشند کاهی معجون دبیدالورد کاهی معجون زرنب کاهی معجون سالوس

کاهی

گاهی معجون تمر هندی و فلوس بنوشند تا ط دیگر از نسخه بنه مویز منقی گل قند افغانی در عرق کاسنی عرق عنب الثعلب

عرق گاوزبان شب تر کرده وا ز صباح مالیده صاف نموده عود صلیب مصطگی تخم خرفه بشیره

برآورده داخل کرده شربت نیلوفری صندل سکنجبین بزوری داخل کرده باضافه حوارش

انار شیرین بنوشند گاهی بتنقیه تمر هندی و فلوس گاهی بحب صبر گاهی بزر سیالیوس ممزوج

نموده بنوشند تا ط دیگر از نسخه بنه آب انار شیرین آب سیب گلاب عرق صندل عود صلیب

مصطگی طباشیر دانه الاچی خورد بشیره برآورده شربت سکنجبین افتیمونی شربت گل بزوری

ممزوج نموده باضافه معجون سیالیوس بنوشند تا ط دیگر از نسخه بنه گل قند افغانی

سکنجبین افتیمونی مصطگی عود صلیب عود غرقی بزر سیالیوس تر و فلوس ممزوج نموده

بخورند عقب آن عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق بید مشک گلاب شربت بزوری صندل

شربت سکنجبین عنصلی با بزوری ممزوج نموده باضافه تریاق اربعه گاهی باضافه تخم کشوث

گاهی باضافه بلیله مربا از گلاب شسته گاهی با اطریفل صغیر گاهی باریجه بنوشند تا ط دیگر از نسخه

عرق بادیان عرق عنب الثعلب عرق بید ساده گلاب گل قند افغانی ممزوج نموده عود صلیب مصطگی

بشیره برآورده شربت شربت بزوری صندل داخل کرده باضافه اطریفل کشنیزی حوارش

بلغ

تندری برود لطوس ممزوج کرده بنوشسند یا کاهی اطریفل اسطوخودوس کاهی اطریفل کبیر

وکاهی معجون زبیب وکاهی معجون نجاح کاهی معجون سیبالوس بنوشسند تا دفع اوله

دوای المسک معتدل عود صلیب ممزوج اولنوب بخورند عقب آن گلشکر گل بنفشه

گل گاوزبان بادرنجبویه اسطوخودوس افتیمون در سر بسته تخم کشوث در بوغچه بسته

مویز منقی گل قند افتابی در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باو بماند

صاف نموده شربت بزوری شربت کشوث با اصول و داخل کرده بنوشسند تا دفع

و دیگر لازم بیند دوای المسک عود صلیب ممزوج نموده بخورند عقب آن گلشکر گل بنفشه گل گاوزبان

بادرنجبویه اسطوخودوس افتیمون در سر بسته تخم کشوث در بوغچه بسته مویز منقی گل قند افتابی در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت بزوری شربت کشوث با اصول و داخل

کرده بنوشسند تا دفع و دیگر لازم بیند گلقند افتابی ایارج فیقرا افسنتین رومی ممزوج نموده بخورند

عقب آن عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه عود صلیب مصطکی شیره برآورده شربت بزوری

شربت سکنجبین بزوری و داخل کرده بنوشسند تا دفع گلقند افتابی ایارج فیقرا عود صلیب

افسنتین تخم سیبالوس کوفته تخمه شربت افتیمون ممزوج نموده بخورند عقب آن مویز منقی

انجره رزد در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی ماء سیب ماء به بنوده گاهی برنخشین

حل کرده با رضاعت کرده شربت بزوری معتدل یا شربت کوکب واحل کرده با اضافه قرص گل

بنوشند تا یا قرص بنفشه تا ضماد دیگر مجرب گلسرخ سنبل الطیب سعد کوفی مصطگی گل بنفشه

مویز منقا کوفته بیخته بقدری از آن گرفته آمیخته از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه

روغن گل ضماد نمایند تا ضماد دیگر مجرب بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب مصطگی

گلسرخ سنبل الطیب صبر حارس کندر انجره رزد بنفشه کوفته بیخته بقدری از آن

از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده با اضافه روغن بابونه بر معده ضماد نمایند تا

ضماد دیگر مجرب گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خبازی کندر سنبل الطیب

زردچوبه خشک برگ سداب گلسرخ برگ سیسالیوس مصطگی مویز منقی انجره رزد عنب الثعلب

کوفته بیخته کفایدار بقدری از آن گرفته از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده

با اضافه روغن گل شیرگرم بر معده ضماد نمایند تا ضماد دیگر مجرب صندل سرخ

صندل سفید سنبل الطیب مصطگی عود صلیب سماق مامیثا تخم حلبه تخم کتان

کوفته بیخته بقدری از آن از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده روغن گل اضافه نموده نیم‌گرم

ضماد نمایند تا دیگر للثلث منه افسنتین رومی بزر سیاه مصطکی پودینه خشک عود غرقی

عود صلیب مویز منقی گل قند افتابی و در عرق کاسنی رازیانه عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باقی بماند

صاف نموده یا در عرقهای مذکوره تر کرده دارند سوده شربت انار شیرین شربت بزوری

داخل کرده باضافه جوارش مصطکی قدری مثرودیطوس ممزوج کرده بنوشند و للثلث منه

بزر سبالیوس پودینه خشک کلکلانج الائچی خرد عود غرقی عود صلیب مویز منقی در عرق کاسنی رازیانه عرق عنب الثعلب

بجوشانند نیم باقی بماند صاف نموده شربت انار شیرین سکنجبین بزوری داخل کرده

بنوشند گاهی باضافه جوارش عود شیرین بزر سبالیوس مثرودیطوس ممزوج کرده بنوشند تا

و للثلث منه عرق پودینه عرق الائچی گلاب عرق بیوره عرق بیدمشک مصطکی

طباشیر عود صلیب سوده برآورده شربت بزوری معتدل شربت سکنجبین ساده داخل کرده

باضافه جوارش انار بنوشند تا و للثلث منه تریاق اربعه مثرودیطوس عود صلیب

گل قند افتابی شربت افتیمون ممزوج نموده بخورند عقب آن عرقهای و شربتهای

مناسب بدهند تا ترکیبات بالغات برای رطوبت زنان که حقنات بارد بیدار بولد

حاصل شود باشد بادیان زعفران مویز منقی در عرق بادرنجبویه عرق عنب الثعلب عرق پودینه

بز

نبات تر کرده وارند صباح با لبن صاف نموده شربت عنبری داخل نموده بنوشند تا ط
و اگر ضرورت زیاده محسوس شود قدری عنبر اشهب مع زعفران و مروارید تینی ممزوج نموده
بخورند و بالای آن عرق های و شربت های ممزوج نموده ساخته شیر گرم کرده بنوشند تا ط دیگر نسخه
زعفران عنبر اشهب مشک مروارید ناسفته مروارید تینی کوفته شربت عنبری ممزوج نموده بخورند
عقب آن عرق صندل بید مشک عرق اهل شربت عنبری داخل کرده شیر گرم نموده بنوشند تا ط
دیگر نسخه زعفران جدوار بوا مروارید تینی عود عرق کوفته بخورند عقب آن دواء اهل طباشیر دریجی اهل
عرق بید مشک عرق بادرنجبویه شیره برآورده شربت انار شیرین تخم خشک نخود داخل کرده
نیم گرم نموده بنوشند تا ط دیگر نسخه عنبر اشهب عود عرق عود صلیب مشک ورق طلا
مروارید ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق اهل عرق دارچینی شربت انار شیرین ممزوج
نموده بنوشند تا ط دیگر نسخه دواء المسک حار عنبر اشهب مشک عود عرق عود صلیب زهر قی
طلا ورق نقره جدوار بسیار شربت عنبری ممزوج نموده بخورند بالای آن ماء العسل با ماء جاجینه
عرق بادرنجبویه ممزوج نموده بنوشند تا ط تمت ابتاره الاستاد ابو الدین ابو
امام جدوار خطائی مشک عنبر اشهب ورق طلا شهد خالص ممزوج نموده بخورند عقب آن

ماء العسل بالا فادیه بنوشند تا ط دیگر لدلک بنه عنبر اشهب قرنفل زرنباد دارچینی
دانه هیل کوفته شربت سیب عنبری تحور بمشک ممزوج نموده بخورند عقب آن ماء العسل بالا فادیه
عرق بادرنجبویه عرق بید مشک ممزوج ساخته بنوشند تا ط دیگر لوک بنه دوا المسک حار
عود عرقی عود صلیب عنبر اشهب مشک خالص مروارید ناسفته زعفران چند هر یک سیر ورق طلا
ورق نقره کوفته شربت سیب عنبری ممزوج نموده بخورند عقب آن ماء العسل بالا فادیه
فقط بنوشند تا ط دیگر لوک بنه جوارش عود شیرین دارچینی قرنفل چند هر یک سیر عنبر اشهب مشک
ورق طلا ورق نقره شربت انار شیرین ممزوج نموده بخورند عقب آن عرق بید مشک
عرق هیل عرق دارچینی بنوشند تا ط دیگر لوک مزید الدماغ دوا الاعقاب بنه
جدوار بوزن کشته عود خام چند هر یک سیر عود عرقی عود صلیب ماء العسل بالا فادیه ممزوج نموده
بخورند عقب آن عرق بادرنجبویه عرق دارچینی عرق قرنفل ممزوج نموده بنوشند تا ط
مانع حمل اگر سبب آن لیث احتباس فضول رحمی باشد لازم است که اخراج فضول رحمی کنند
بدستور معمول استعمال کنند بعد از اخراج فضول رحمی تقویت و تسخین رحم از شیافات
کرده باشند صفت آن مشک عنبر اشهب مایه شتر اعرابی زعفران کوفته بیخته خالص بسازند

سازند و استعمال نمایند ایضاً و بجهت باه کوکب نسخه جند بید ستر مسک خالص عنبر اشهب بیضه خرگوش

زنجبیل زعفران کوفته بیخته بشهد خالص ممزوج مروح شیاف ها سازند و استعمال نمایند ایضاً

دیگر کوکب نسخه سنبل الطیب سعد کوفی جند بید ستر مشک بیضه خرگوش زعفران مشک بیضه خرگوش کوفته بیخته

بشهد خالص شیاف ساخته استعمال نمایند ایضاً بعد از فضول رحم ادویه مقوی قلب و مفرح

آن استعمال نماید بر سیاهی مرزنجوش زعفران عنبر اشهب ورق طلا شربت عنبری ممزوج نموده

بخورند عقب آن عرق بادرنجبویه عرق بیدمشک شربت انار شیرین مقوی بمشک ممزوج نموده

بنوشند ایضاً دیگر کوکب نسخه دواء المسک حار دواء المسک معتدل مشک عنبر اشهب ورق طلا

ممزوج نموده بنوشند عقب آن عرق عنبر عرق بیدمشک عرق ... شربت عنبری

و در جلسه بوده با اضافه قرص مشک بنوشند ایضاً دیگر کوکب نسخه عود عرقی قرنفل زرنباد

دارچینی بهمن خشک نبات ورشم انار آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده

با اضافه دواء المسک معتدل بنوشند ایضاً دیگر کوکب نسخه دارچینی الاچی خورد بهمن خشک

عود صلیب نبات ورشم انار آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده قرص مشک

پاشیده با اضافه جوارش عود شیرین بنوشند ایضاً دیگر کوکب نسخه بادرنجبویه گل گاوزبان

زرنباد نمك يود خسك زرنباد نبات در نيم انار آب كوشاب نيم پاو بماند صاف نموده

باضافه دواء المسك حار متوى مشك بر نشند تا ط ديگر نسخه همچون زيره سياه بوده حسك

الايجي خرد عجيب عرقى عود صليب نبات در نيم انار آب بجوشاند نيم پاو بماند صاف نموده

بنوشند تا ط ديگر نسخه عود عرقى زنجفيل ايله منقى زرنباد نبات گاوزبان سنبل الطيب شاذنه

قند نيم پاو با عرق بيدمشك عرق بهار بنفشه عرق گل بار شربت باربنفشه خيرى صاف نموده بنوشند تا ط

ديگر نسخه عود عرقى الايجي خرد نبات در عرق بهار بنفشه عرق گل الطيب بجوشاند

نيم پاو بماند صاف نموده بنوشند تا ط ديگر نسخه جوارش عود زعفران عنبر

مشك ممزوج نموده بخورند با ابريشم عرق صندل عرق گل عرق بودنه مشك شربت عنبر

ممزوج نموده باضافه قرص عنبر بنوشند تا ط ديگر نسخه دارچينى الايجي خرد

گاوزبان نبات در نيم انار آب بجوشاند نيم پاو بماند صاف نموده بنوشند تا ط

ديگر نسخه جوارش عنبر مشك ورق طلا ممزوج نموده بخورند عقب آن بار الايجي عرق بيد مشك

شربت انار شيرين و زنجفيل كرده باضافه قرص مشك بنوشند تا ط ديگر نسخه

دارچينى قرنفل الايجي خرد ايله منقى زرنباد صندل صندل براده كرده باربنفشه گاوزبان

حلوای دار[?]

گل گاوزبان برگ و گل محلب سنبل الطیب سعد کوفی عود غرقی عود صلیب مروارید ناسفته زعفران گوشت

حلوان بز جوان بدستور ترتیب مسک خالص و ادویه مذکوره بالتمام آمیخته سازند خوراک موافق مزاج تا ط

مرکب [illegible] برای ارواح باروده و پرسوت زبان بسیار مفید است سنبل عود غرقی دارچینی

عود قماری قرنفل فلفل گرد فلفل دراز تخم مروارید تخم [illegible] تخم خربوزه [illegible] بادرنگبویه کاکل [illegible]

زنجبیل عود صلیب [illegible] کشمش [illegible] حرز [illegible] مشک عقیق ازرق [illegible]

تباشیر رومی همه را در آب ادرک [illegible] برابر [illegible] خوراک یک [illegible] همراه

عسل بلادر ممزوج نموده بخورند طریق غسل بلادر است بلادر [illegible] عرق بادیان

عسل سفید بخر [illegible] تا که عسل [illegible] نگاه دارند و بدستور معمول استعمال نمایند تا ط

مرکب [illegible] مسک چهار مغز [illegible] زرشک [illegible] سفید [illegible] سرخ

طباشیر مصطکی عود غرقی ابریشم [illegible] زرد دارچینی زنجبیل فلفل گرد فلفل دراز

درونج عقربی [illegible] باسلیقی [illegible] مروارید ناسفته زعفران مشک عنبر اشهب ورق طلا

ورق نقره نبات سفید عسل بدستور معجون سازند خوراک موافق مزاج شخص برای

مزاج ایام [illegible] بسیار فایده بخشد تا ط دوای [illegible] عنبر

من الاستاد و از نفعهای ان اگر جمیع تحریر ابد باعث طول کلام گردد و مجملش آنکه در نفخ و

سابگی نوبت سپید ارغان هوا دیت فرمود بد از ان به تجارت کردند و صاحب فرزند

شدند بد اضغه بکر بند عنبر اشهب مصطکی خصیه الثعلب و از جمیع اول نوبت [illegible] ارزد

جوز حبشی یک قند طبرزد زنجبیل بوزیدان سماق کائی عجیل بفند فافله صغار

عود غرقی اول سنبل الطیب تخم جرجیر [illegible] بهمن سرخ جوز بویه بسباسه

کباب چینی [illegible] اول زعفران اول [illegible] اعرابی [illegible] گاوزبان فلفل دارفلفل

نارنجان [illegible] تخم [illegible] تخم [illegible] قند گلاب

[illegible] در گلاب [illegible]

را [illegible] گلاب [illegible] را [illegible] بطریق [illegible] باحتیاط [illegible]

[illegible] هفت عدد زرده تخم مرغ

هر روز چهار [illegible] تناول کنند تا [illegible]

برای امراض بارده و خفقان بارد و فضول معدی و کبدی را دور سازد برای امام

خاصه بر [illegible] نوع دیگر [illegible] و از جمیع [illegible] فلفل دارفلفل

بسم الله

سنبل الطیب اسارون زنجبیل دار الاجی حرز قرنفل صنوبر فارسی مصطکی انیسون

سلیخه سورنجان بادیان بسباسه زعفران تاپس بستر کنار ملی کلنج ترید

مقشر روغن بادام چرب کرده آب بوریه آب برگ آب برگ تنبول سیاه

عسل خالص بید بطور قوام نموده حرارتش بسازند خوراک مزاج

روغن برای تبرید اعضا

و تبرید و باه و تفتیح سده و باغ و برای رعشه فالج و لقوه

و صرع و ام الصبیان را نیز نافع است تالیف فقیر برای امام ترتیب داده

شده نفع بخشیده زیتون عود صلیب عود قسط همه را در

آب آن بجوشانند تا نصف بماند صاف نمایند روغن کنجد داخل کرده

باز بجوشانند تا روغن بماند و آب بسوزد و چند بیدستر مصطکی زعفران مشک

ممزوج نموده استعمال نماید وقت استعمال قدری از آن روغن و قدری روغن بادام

ممزوج نموده گرم کرده بر سر مالند تا [illegible] برای امام

ترتیب داده شد برای امراض بارده پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد

بلیله سیاه زنجبیل فلفل دراز انیسون

سنبل الطیب سعد کوفی تخم کند تا بیخ کرفس عود قرحا فلفل گرد فلفل دراز عود صلیب

مویز فلوس بلادر سیر بیخ زرنبق جنطیانا بول قند سیاه شراب انگور بدستور لادن

دادن شراب کنند بدستور محلول استعمال کنند ط مرتب عرق نانخواه برای امراض

بارده و امراض بلغم و تحلیل ریاح نافع است برای امام حالکاب منه مرتب دادن منه نانخواه

فلفل گرد فلفل دراز قرنفل دارچینی زنجبیل مقل ازرق آب برگ تنبول مویز معالج نمک سیاه

بدستور محلول مخروط کنند و استعمال کنند طریق خوردن مالکنگنی مالکنگنی که تخم

خوردن تخم همه را الزم بموده بخورند هر روز یک یک سرخ برادید زیاده کرده باشند

تا بیست روز بعد از بیست روز یک یک سرخ کم کرده باشند وقتی که بدستور اول

برسد موقوف نمایند همه امراض بادی و ریحی و جمیع امراض بارده دفع و قوة باه

کند و استعمال زیاده کنند ط معجون سوخته سیدالحکما برای امراض بارده و تحلیل ریاح نافع

تمام مجرب ط سوخته سیدالحکما شیر گاو روغن گاو و سوخته سیدالحکما را خوب سابیده

در شیر گاو کبوده کنند و در روغن گاو بریان نمایند وقتی که بریان شود زنجبیل

فلفل سیاه قرنفل الاچی کلان دارچینی بسباسه زعفران اسگند تخم ... سیلا نوز زنبو

برابر هم از گلنار زرد باشد بو نیز نواخسیج لسانه جوز بوا برابر جمع جوز وام مانند قرص

ادویه مغز بیوه بیدسته معجون سازند خوراک یک یک دانگ وام جوز وه باشند تمام شد

برای پرسوت زنان و خفقان بارد ترکیب مهین قرنفل لیسانه زعفران مشک جوز بوا

عود قرحا دارچینی الایچی جوز و قاقله اسطوخودوس جنبه سبک سیلا مور شنگرف ست علوی زنجبیل

شنبلید خالص ترکیبه بحقه مفرح بچند معجون نگاه دارند خوراک موافق تحمل و موافق مزاج

مداوم باشند تمام شد برای خفقان بارد مشک قرنفل زعفران دارچینی لیسانه گرفته

قند اولی کلسیج با گلاب سرخ در شهد مفرح معجون بکار برند تمام شد ترکیب عرق بادگراه مرکب من الاستاذ

ترکیب مهین بادگراه قرنفل ازو قرنفل دراز بکوبه عود قرحا دارچینی بکوبه مصطکی ارزق زنجبیل

مثقال سنبل اصل السوس اسطوخودوس عود صلیب پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد هلیله

سیاه یک بسفایج برگ تنبول مصالح قند سیاه جهات تنبول اگر که

شربت انار شیرین همه را در شبانه روز زرد کرده دارند هر روز گشنیز انار

بحری کشند تمام شد ترکیب مهین برای ارامش بارده شنگرف قرنفل فلفل دراز فلفل گرد جوز بوا

عود قرحا زعفران شنبلید ترکیبه بحقه قند کلسیج در شهد مفرح معجون بکار برند تمام شد نسخه کتاب

[illegible]

آمله پیچ کیله تازه هندی تازه شهدی سبز تازه بهکرو سیاه تازه پیچ کنول تازه

ماجو لوه چون برمه هندی تازه کبیری آنچه خورند تازه این همه را دو به را آسیاب

کرده در ظرف آهنی از روسته آهن خوب سائیده گولی ها بسته نگاهدارند و اگر

جلد خشک شود قدری آب پیچ کیله انداخته خوب گیل نماید تا که خوب گلال

شود و حب بند و وقت حاجت از آب کیله سائیده بر ریش بمالند مجرب است تمام

برای چوپایان مجرب است تخم تمر هندی قشر کرده کوفته در روغن زرد و شیر بریان کرده

خشک نماید تا هفت روز بعد از آن خشک ساخته شکر سفید برابر آن پنجه هم دام ماسنج

ها سرما و نوشیده باشند تمام دیگر ممسک مجرب است از دکهنه زبان و در شیر تر مخلوط

ساخته حب های برابر تیر جنگلی بسته پیش از جماع یک حب بخورند اگر [illegible]

برای زکام و نزله و سعال مجرب است از نواب انجم الدوله بهادر گرفته شد او رک

و [illegible] برد و [illegible] ایکو چنه در سه پاو آب بجوشانند [illegible] باو [illegible] داخل

کرده نرم گرم گرم بخار آن گرفته نیم گرم بنوشند در سه چهار روز صحت کامل خواهد شد تمام

[illegible] دیگر مجرب است [illegible] و برای خاله و نبوله و ورم

چشم بسیار نافع دارد بدان صفت باید که وقت شام از دو چوب چشم اول را بر قدر
که باشد به قفیل زیاد در تابان وقت زائد حرارت انون بحرارت شده و علی الصباح آنچه
گره از دو چوب که در سرگین فیل برآید آنرا با شوستن در سایه خشک کرده
نگاه دارند وقت حاجت گره چوب از دو گرفته بر داغ سیاه سنبوچه گلی که تو
بخش در آگره می شود قدری که در چشم احتیاج باشد و برابران فلفل هر دو را
باریک سوده بر داغ سیاه سنبوچه حلا سائیده در چشم کشند تا هفت روز یا ده روز
از استعمال این چشم بسیار درد و ورم خواهد شد چنان بباید کرد که به سبب درد و ورم چشم
ترک استعمال آن کنند بعد از ده روز از آن ترک نماید و گره چشم ساخته ضماد کنند
درد و ورم از استعمال گره چشم کم خواهد شد و مرض کلی خواهد شد دوای
در همون مرض نهایت مفید است و تجربه در آورده نسخه مذکور نواب صاحب منظور خلعت.
عنزله از فقیری نسخه گرفته است نواب صاحب بود از آن فائده ظاهر گردید و بعد
استعمال آن ... ابر و مرض ... و بصارت و الله تعالی ... با همه
قدر باقی است ضعف گره چشم بیگری و فلفل افیون از یک ... جنبره ... کنکالی

از ان شبیه خوب باریک سائیده استعمال کنند تا طبیعت مرکب لطیف الفعل مسهل ملین مفتح سوده کبد

وطحال و برای یرقان سیاه و استسقاء حار بسیار نافع است بنفشه گل بنفشه گل نیلوفر بستان گاوزبان

گل گاوزبان تخم خطمی تخم خیارین ابریشم بسفایج کرفس قنطوریون وتخم کاسنی

افسنتین رومی زرنباد افتیمون و برگ سنا اسطوخودوس شاهترج انجیر زرد آلو بخارا تمر هندی

بوزیدان کلان برگ سنا مکی گل قند افتاده همه را در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

عرق شاهتره دو شبانه روز انچه ادویه کوفتنی است نیم کوفته کرده و اریزند بعد از ان

بجوشانند ربع آن بماند صاف نماید سوده مغز فلوس از زرق در آن

حل کرده روغن بادام و مغز فلوس بیدوج سوده ترنجبین گل قند عسل شیر خشت

داخل کرده بدستور قوام نموده لعاب بهیدانه لعاب اسپغول لعاب بزر کتان بلیله زرد

شیره را آورده و بعد بلیغ داخل قوام کرده وقتی که قوام درست شود پوست بلیله کابلی

پوست بلیله زرد پوست بلیله سیاه تربد مقشر ... محمول سقمونیا افسنتین غاریقون

بیز کرده زنجبیل پوست همه را کوفته بیخته روغن بادام چرب کرده داخل نموده بدستور

معجون سازند و اگر مناسب باشد زعفران ... داخل کنند مضایقه ندارد و قدر شربت

درای

موافق طبع لوقت خواب همراه بدرقه یا فقط بدهند ماء سر ترکیب عرق خام جهة قوة باه

بی نظیر است هند مینوی تازه گل گزل تازه گل سیبات تازه گل سنبل تازه

سنگری سنبل خورد گل دهاکه تازه گل و ه ه تازه گل نارنگی و سنگتره و نارنج

تازه موسله سیبات تازه گل گلاب تازه گل کیوره تازه گل هند الحنز نکهکلی تازه

خار خسک تازه ثعلب مصری بوزیدان بهمن سفید بهمن سرخ الاچی خورد قرنفل جوزبوا

بسباسه بوده جهک دارچینی مرزنجوش دانه [illegible] زیره زیره کرده آب [illegible]

[illegible] کشنیز موز [illegible] برگ سنبل [illegible] موصلی سفید شقاقل [illegible] سنبل الطیب

برادهٔ صندل سفید برادهٔ صندل سرخ شقاقل مصری [illegible] پسته [illegible] مغز پسته [illegible]

تخم [illegible] تخم [illegible] [illegible] الفلفل

[illegible] صحیب [illegible] تخم [illegible] اسکند [illegible] تخم [illegible]

همه را بکوفته در عرق [illegible] عرق گلاب عرق کیوره عرق [illegible] نبات مصری

[illegible] سیاه ترکرده دارند و در آفتاب نگاه دارند وقتی که تیار شود از صافی گذرانیده

نگاهدارند قدر شربت موافق طبع بنوشند و از آب انگور هر قدر که میسر آید داخل کنند

بسیار خوب خواهند شد برای استسقای مجرب است تورئی تلخ قدری گرفته در سه آب

بجوشانند یکپاو نمایند صاف نموده بنوشند تا [illegible] روز و سه روز تورئی تلخ گرفته

در آب جوش داده بپاره و بند و از همون آب غسل دهند و در عرصه سه روز هم

دور خواهند شد مجرب است علاج [illegible] خورانیدن در استسقای حار علاج

میکنند بلکه از خوردن آن در چهار پنج روز فرصت کلی خواهند شد مرکبات با منافع [illegible]

دیگر و تنقیه که بسبب جلوی دماغ باشند برای حضرت قبله بابت نموده و بجلد حفظ

حضرت نیز در آورده بند [illegible] بخاله کنند در عرق کاسنی شیره را آورده

طبخ قلیل داده شربت بنفشه داخل کرده با ضافه اطریفل کشنیزی بخورند دیگر برای [illegible]

کشنیز خشک دانه الائچی خورد و در عرق کاسنی شیره برآورده شربت بنفشه [illegible] بوده

با ضافه اطریفل کشنیزی معجون [illegible] بادام بنوشند تا [illegible] دیگر برای [illegible] موز بنفشه عناب

در عرق کاسنی عرق بادرنجبویه تر کرده دارند مالیده صاف نموده بخاله کنند

کشنیز خشک شیره برآورده شربت کاسنی داخل کرده با ضافه هلیله مربا [illegible]

آب [illegible] بخورند دیگر برای [illegible] کشنیز خشک بخاله کنند نبات در نسیم [illegible] بجوشانند [illegible]

صاف نموده باضافه اطریفل صغیر بنوشند تا ط دیگر لعوق منه مویز منقی در عرق

گاوزبان عرق بادرنجبویه تر کرده وا رند صباح نخاله کرده انجیر زرد دارچینی خشخاش کوفته

داخل کرده بجوشانند نیم باقی بماند صاف نموده هلیله مربا از اسپند شیر خشک

شیره برآورده شربت بنفشه داخل کرده با اطریفل کشنیزی بنوشند تا ط دیگر منه

مربای هلیله شیر خشک در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه شیره برآورده شربت

عناب باضافه اطریفل کشنیزی بنوشند تا ط دیگر لعوق منه انجیر زرد مویز منقی

گاوزبان نبات در نیم آثار آب بجوشانند نیم باقی بماند صاف نموده هلیله مربا

از اسپند شیر خشک دارچینی جوز مصطکی ممزوج نموده بخورند بالای آن جوشانده

مذکور بنوشند تا ط دیگر لعوق منه مویز منقی در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

تر کرده وا رند صباح انجیر زرد نخاله کرده داخل کرده بجوشانند نیم باقی بماند

بالای صاف نموده مربای هلیله از اسپند شیر خشک دارچینی مصطکی طباشیر

کوفته بیخته ممزوج نموده بخورند بالای آن جوشانده مذکور بنوشند تا ط دیگر لعوق منه

شیر خشک انجیر زرد مویز منقی نبات در نیم آثار آب بجوشانند نیم باقی بماند

صاحب موفق بلیله مربا از آن شش دانه الایچی خورد شیره بر آورده داخل کرده

با اضافه اطریفل کشنیزی بنوشند ط و دیگر لالک سنه عناب انجیر زرد اصل السوس

گاو زبان بادرنجبویه سپستان مویز منقی نبات در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو ماند

صاحب موفق با اضافه اطریفل کشنیزی بروغن بادام مخلوط ساخته بخورند گاهی

اطریفل صغیر نیز استعمال میکنند ط مرکب [illegible] سپستان [illegible] از بار

صاحب موفق انجیر زرد مویز منقی هر سه را در آب تر کرده دارند [illegible] صاحب موفق

بار دیگر [illegible] صاحب موفق بجوشانند تا وقتی که نیم آثار بماند [illegible]

[illegible] با دام همه را شیره بر آورده [illegible] شیره بر آورده نبات سفید بر قدر که

مناسب شد و قدری روغن گاو بقدر مناسب داخل کرده بار دیگر بجوشانند تا که

غلیظ گردد و بنوشند طاقت دماغ و [illegible] و دماغ و صداع که بسبب [illegible] و دماغ باشد

بسیار جایزه خوانند [illegible] را بسیار جایزه دارد ط [illegible]

حصر مسهل برای حبس که بر اخفقان الصفات مثل قربا و [illegible] تالیف

موفق [illegible] بادام تلخ در روغن [illegible] ضماد نمایند ط و دیگر لالک سنه

نفع اخفقان

بلبل

کتیرا مرداسنگ فلفل کرد سفید کفته سفید در آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده قدری
روغن گل ممزوج نموده ضماد نمایند ط دیگر للالتهاب روغن بادام تلخ
روغن نارجیل روغن ترب روغن گل مرداسنگ حضض یک سفیدی تخم مرغ
ممزوج نموده ضماد نمایند ط دیگر للالتهاب تخم ترب عنب الثعلب برگ سیم
فلفل کرد از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده قدری روغن بادام تلخ ممزوج
نموده ضماد نمایند ط دیگر للالتهاب گل ارمنی حضض یک سیاف مامیثا بلیله توتکه بریان
از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده طلا نمایند ط دیگر گل ارمنی حضض یک
صندل سرخ صندل سفید عنب الثعلب شیاف مامیثا مرداسنگ از آب برگ
عنب الثعلب سبز سائیده قدری روغن ترب داخل کرده ضماد نمایند ط دیگر
لعاب حلبه لعاب تخم کتان سفیده کاشغری مرداسنگ روغن نارجیل
سفیدی تخم مرغ ممزوج نموده طلا نمایند ط دیگر برگ سیسبان فلفل کرد
حضض یک تریفلک زعفران از آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده طلا نمایند
دیگر للالتهاب زنجفل فلفل سفید زعفران کته سفید سنبل سنخ از آب برگ سیسبان سائیده

روغن گل مهندی سوخته ضماد نماید تا ۵ دیگر نسخه ترب فلفل گرد بادیان تلخ
حرمل از آب برگ شاهتره سبز ساییده صندل سرخ همه را از آب برگ نیم ساییده
روغن ترب قدری اضافه سوخته ضماد نماید تا ۵ مرکب عرق که لته من الاستاد
کبابه یکصد عدد نیشکر یکصد عدد کندر تازه یکصد عدد همه را در گولهو مثل روغن عرق
کشیده نگاه دارند هر روز به موافق هر در پشت فرج حرزده باشند و اگر
هر روز به موافق مقدار فراج تازه بیمار کرده بنوشند بهتر خواهد شد مثل کبابه
یکصد عدد نیشکر پنج عدد کندر تازه پنج عدد سبز بنور هر روز به تازه کشیده نوشیدن
باشند مجرب است تا ۵ مرکب زبیر که مجرب است کبابه پوست انار کوفته ریزه ریزه
کرده و پاره پوست بنی می اندازند از نیشکر تازه یکصد عدد از گل بریان تازه
از شکره و نارنگی صد عدد از برگ تنبول سه صالح یکصد عدد آب برو سه
از اورک نیلوفری گل دیاوه گل سیول گل کرل گل سنبل گل کیوره گل
حلد تای نیشکر سیول حرزد یکجیلی گل دیانک گل بید انجیر گل فلوس خیار تنبر انگور
کشمش مربی شقاقل آرد جوش تخم بادی و بادام خسک حرزد خار خسک کلان
مدلل باب

بوصلی سیاه بوصلی سفید اسگند بانوری فلفل گرد و فلفل دراز جوز بویه بسباسه

سنبله سوکه(?) الاچی خرد و الاچی کلان موسپاه(?) سنبل شعب(?) مصری قرنفل همه را نیم

کوفته در سبوچه گلی گل کرده حکمت اندراخته نگاه دارند و اگر آب درکار باشد آب

کوزه و آب نیشکر و آب نارنگی بقدر احتیاج و گاه(?) اندازند و اگر بیشتر شود و آب

شیرین اندازند و اگر دوشیره گلاب دوشیره عرق کیوره و دوشیره عرق صندل

دوشیره عرق بیاد و مقداری زعفران و مشک اندازند بسیار خوشبوی و بهتر خواهد شد

و اگر خشخاش نیم آثار اندازند بسیار خوشبوی بسیار خواهد شد تمام در کتاب تالیفات

لاستسقا اواکان بمه(?) اسهال کهنه ریح مارمان لف داده یکوفته بیخ کاسنی لف داده

یکوفته در عرق عنب الثعلب عرق بادرنگ تر کرده دارند صباح ناشتا صاف نموده

با مارمان لف داده تخم کاسنی لف داده شیره برآورده شربت زرشک

شربت الاس(?) درو حل کرده بنوشند تمام دیگر(?) زرشک بیدانه تخم

کاسنی لف داده یکوفته بوزینی(?) بسه دانه در عرق کاسنی عرق بادرنگ تر کرده

دارند صباح ناشتا صاف نموده شربت بزوری معتدل شربت انار شیرین داخل

کرده باضافه قرص طباشیر حابض بنوشند ایضاً دیگر ازالف عرق کاسنی
عرق عنب الثعلب عرق بادرنگ دانه هیل کاسنی بریان کرده شیره براورده شربت
حب الآس شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه قرص کهربا بنوشند ایضاً
دیگر ازالف زرشک بیدانه در عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق بادرنگ
مالیده صاف نموده انار دانه بریان کرده تخم کاسنی تفته داده بادیان
بریان کرده شیره براورده شربت انار شیرین شربت بزوری معتدل داخل
کرده باضافه قرص زرشک بنوشند ایضاً دیگر ازالف زرشک بیدانه تفته داده
تخم کاسنی تفته داده حب الآس ... در عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق بادرنگ تر کرده
دارند صباح مالیده صاف نموده سماق بریان کرده شیره براورده شربت بزوری
معتدل شربت حب الآس داخل کرده باضافه قرص گل بنوشند ایضاً فایده اگر
اصحاب استسقا را اسهال عارض شود می باید که ادویه مدره مع رعایت آن مرض
استعمال نماید مثل این نسخه معمول استاد انیسون بادیان در نیم آثار آب گرم تر باید
بیند یا و بمالید صاف نموده شربت بزوری معتدل تخم کشوث تخم خربزه شیره براورده

داخل

داخل کرده بنوشند گاهی با اضافه قرص لک یا قرص گل یا قرص زرشک بنابر

وقت ملحوظ داشته استعمال کرده باشند تمام ترکیبات باستانی برای

صداع حاروی علی طریق معمول الاستاد و هو نافع للدود والذی یتولد فی الاذان

باید که رطوبات متعفنه باعث تولد دود گشته اخراج آن اولا بحب ایارج بدستور

معمول باید کرد و من بعد از تنقیه ماده باشد بعض مرکب تنقیه الکنند بدا صفیه ایارج فیقرا

اطریفل صغیر مع حب شبرم با ایارج سه روز متواتر بدهند و گاهی اسطوخودوس گاهی

افتیمون و گاهی سنا مکی و گاهی برسیاوشان ایارج و اطریفل صغیر تناول و نماید تمام

ترکیب ملائکه افتیمون رومی برنگ کابلی اسطوخودوس نبات در سه پاو

آب تر کرده بگذارند یک پاو بماند صاف کرده بر شکر طبرزد حک ساییده باشند بنوشند

و گاهی استعمال جوشانده همراه ایارج فیقرا و اطریفل صغیر بدهند و گاهی

فقط اطریفل صغیر با جوشانده بدهند تمام ترکیب ملائکه افتیمون در لته

اسطوخودوس در نیم آثار آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده شکر طبرزد

غاریقون حک ساییده باشند شربت اسطوخودوس داخل کرده بنوشند تمام

ترکیب لدنیه باشد بربسته چهار ربع بقدر ریوند عصاره وگاهی ریوند قرص وگاهی

بنات خودوس اسطو الذریره قصب مکوفته فستق لبفاح مکوفته توت زنج

فستق قرص با جانفه گموده صاحت نماند و با نیم نباید بجو آب و با ورسه

باید قطور نماید بموده مذوح بلیم نیم برگ آب مه لدکک قطور باشد بنوشد

نماید قطور بموده مذوح گمک حضض سقوطری صبر کتای برگ آب مه لدکک قطور

قطور بموده مذوح ستر جدیدیه حنظل تخم ارزن برگ آب خوخ برگ آب مه لدکک قطور

خرد کتای برگ آب تلخ ترب برگ آب فیقرا ایارج مه لدکک قطور باشد نماید

سیم برگ مه لدکه تاسی ترکیب باشد نماید قطور بموده مذوح سیم برگ آب

گسنبک نمک دیسخرز کو نا سقوطری صبر خشک الله برگ خشک کتای برگ خشک

سوت زرد فلفل سیاه فلفل کبیله مه لدکک قطور باشد دهند نشن کوفته بخته

قطور لدکک مه باشد نماید قطور بموده مذوح سیم برگ آب اگه برگ آب

باشد نماید قطور بموده مذوح بلیم کتای برگ آب اگه برگ آب سبک ملک کابلی

مذوح کتای برگ آب سیم برگ آب بلکلی سقوطری صبر شستن مه لدکک قطور بموده

قطور نماید

قطور نمایند تا ... ترکیب للاجتماع هنه قند سیاه شکر سرخ زعفران روغن زرد

ممزوج نموده قطور نمایند تا ... قطور لوکنه بنه شیر اکه سکنج بمذاق تلخ آب

برگ توت آب برگ کناس آب برگ نسیم ممزوج نموده قطور نمایند تا ... دیگر

نیش لوگنه بنه برگ نسیم خشک برگ خوخ خشک برگ کناس خشک نیم توت

بلکنی نیم نمک سنگ کوفته بیخته ناس بکر بندند تا ... دیگر للاجتماع هنه موبرسنفی سکر

در آب حل کرده صاف نموده قطور نمایند تا ... قطور لوکنه بنه تمباکو خوردنی

جرسقوطی بات آب برگ کناس ممزوج نموده قطور نمایند تا ... دیگر لوکنه بنه

شیر اکه با چوب قدری وشته دران جدب نموده بکار برازند عند الحاجت ناس

دهند و گاهی قدری کرفته در آب برگ کناس زرد ممزوج نموده ناس و دهند

و گاهی قدری بلم ممزوج نموده استعمال نمایند بهتر خواهد شد ... فایده

آب برگ ازنی فقط یا آب برگ کناس فقط ناس بکنند و گاهی لته که ترکیب معمول

است که برای ... موضوع در آب تر کرده قدری صبرسقوطی و بلم ممزوج

ممزوج قطور نمایند تا ... محمد ثقفی مجرب است از امر ... عسل کبار و صغار

ایضاً برای ... بنه ... زعفران ... کاسیا ... صبرسقوطری ...

و گاهی فقط کفایت میکند

سحی پوش کهاربک لاهوری یک سیاه تک سبز تک کهاری همه را برابر گرفته پوشیده
بسته نگاه دارند بعد از آن پنج ارند گرفته کوفته بطریق معمول در شیشه انداخته روغن
کنند اول بوتلی را بر طبوه آهنی گرم کرده بر قضیب کار نمایند تا به یک گهری
بعد روغن مذکور طلا کرده از برگ تنبول بسته نگاه دارند طلا و بکرار مجرب
سوره قلمی سنبل سکیبا اول نصف سوره را در کرابی آهنی فرش نمایید و بعد
هم دام
از آن سنبل را نگاه دارند بعد نصف سوره بر سنبل نگاه دارند و روغن تلخ بر فور
که سنبل و سوره پوشیده شود و بعد زیر کرای آتش دهند تا وقتی که همه سوخته شود
آورده خشک سائیده بر رکابی مس فرش کرده رکابی را مخفی نگاه دارند در زیر
رکابی آب باشد که از سردی آب روغن بر آید آن روغن را استعمال نمایند مجرب
دارهیم است برای عثی و حلق زده مجرب است ۵ طلا لعوبات الملح تمر هندی مغز
در شیر بهیت روز تر کرده خشک ساخته کوفته بیخته شکر سفید برابر آن ممزوج نموده
هم دام همراه شیر گاو بنوشند ۵ دیگر برای درد چشم زرد چوب قدری
گرفته از آب سائیده در پوتلی بسته قدری از آن در گوش چکانند ای ... ساگی
ادد

گرد و ۲ خصانی تیزاب رنگ بمونی موریس نسخه صحیح است بسوزن نیله توتیه زاج سفید

سنگ پر زرنیخ هر یک اینها بوزن ۲ فلوس اگر زاج زرد باشد بهتر است همه اجزای

را کوفته در شیشه آتشی داخل کرده تیزاب بکشند آنچه بر آید نگاه دارند و زرنیخ

تیزاب رنگ باشد ورق نقره داخل کرده هرگاه چهار فلوس تیزاب باشد بوزن ۲ فلوس

گلاب داخل کرده با برده یک روز بگذارند بعد از آن استعمال نمایند خضاب بسیار

مقبول شود و مدت چند نماید و موئیکه سیاه بر شد و اگر کلابر شد سیاه کنند

نهایت مجرب است از بیاض میر الله معلوم نوشته شد وزن تیزاب هم بعد مطلوبا

شوره قلمی بنگری سفید مردار سنگ سنگ زرنیخ کبریت همه را در انبیق در شیشه

غرق کنند و در هم توله تیزاب کشیده باشد ورق نقره انداخته وقتی که محلول شود از آتش

برکشیده طلا کنند لیکن محافظت جلد لازم است ان شاء الله تعالی سیاه خواهد شد

فی الفواغ تنه نخاق الصوفی عناب در آب برگ عنب الثعلب سبز مزوق از ایرگ

کشیز سبز مروق بحیر نشاید نصف نماید مالیده صاف نموده رب السوس شیره عناب

داخل کرده بنوشند تا طلوع غره للنضج مع اکلیل الملک عنب الثعلب خطمی

در یک اثار آب بجوشاند لصف نماید صاف نموده عسل لصفد زردی بیضه مرغ سرکه

داخل کرده غرغره نماید ها ط للخناق الصفراوی بنه عناب اصل السوس ورق

عنب الثعلب شب تر کرده دارند صباح با آلت صاف نموده بهیداه اسبغول لعاب

گرفته داخل کرده کشنیز خشک شیره برآورده داخل کرده رب التوت شربت عناب

داخل کرده بنوشند ها ط دیگر لوانک بنه تخم ترشس تخم برگ عنب الثعلب سرکه آب

برگ سیم حل کرده خشخاش سکنجبین ریوند چینی با شیره غرغره نماید ها ط دیگر لوانک بنه للانفجار

آب برگ سیم آب برگ عنب الثعلب خیار ترشس مغز فلوس زردی بیضه مرغ حل کرده

باز صاف نموده عسل لصفد مفرح ساخته با اضافه ریوند چینی غرغره نماید ها ط

دیگر لوانک بنه بنوبه خشک تخم گل خیار ترشس عنب الثعلب در یک اثار آب بجوشاند لصف

نماید صاف نموده آب برگ سیم عسل لصفد داخل کرده با اضافه ریوند چینی

غرغره نماید ها ط دیگر لوانک بنه برگ سیم برگ عنب الثعلب اکلیل الملک

اگجر زرد سوزنقی سبوس گندم عدس مقشر در یک اثار آب بجوشاند لصف نماید

مار العسل رب التوت داخل کرده غرغره نماید ها ط دیگر لوانک بنه سبوس گندم

سرکه

گل العنب

عنب الثعلب انجبار رو اکلیل الملک اصل السوس برگ توت و ربّ انار آب بجوشانند
نصف بماند مویز منقی عسل خیار شنبر سرکه حل کرده باضافه ریوند چینی غرغره نماید
دیگر نسخه فلوس سبوس گندم عنب الثعلب عدس بی‌قشر جو مقشر واده عسل خیار شنبر در حل
کرده غرغره نماید دیگر الخناق البلغمی مثله عناب عنب الثعلب بابونه اکلیل الملک
در سیم انار آب بجوشانند نیم ماند و بماند شربت عناب رب التوت داخل
کرده بنوشند دیگر للخناق البلغمی مثله عاقرقرحا فلفل کرد نمک لاهوری خاک کوفته
بیخته در حلق مالند که رطوبت دفع شود دیگر فی الخناق معالجه ولی الله جهان
حضرت نیاز خفاف و مثله استعمال فرمودند عناب در عرق گاوزبان عرق السوس
شب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت عناب داخل کرده
بنوشند دیگر غرغره انجبار رزد عدس مقشر عنب الثعلب برگ چنار برگ تاج خروس
در یک انار آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده رب التوت در حل کرده
غرغره نماید دیگر للخناق البلغمی مثله فلفل کرد فلفل دراز زنجبیل نمک لاهوری
کوفته بیخته در حلق مالند که رطوبت رفع گردد دیگر غرغره مثله انجبار رزد

عدس مقشر عنب الثعلب اکلیل الملک تخم کتان تخم گل در یک آثار آب
بجوشانند نصف نمایند صاف نموده رب التوت عسل سفید داخل کرده
غرغره نمایند ها غرغره جهة نضج و تفجیر الخناق زرد و مویز منقی اصل السوس اکلیل الملک
در سه پاو آب بجوشانند یک پاو نمایند صاف نموده فلوس در شیر بر باره
در شیره و آب خربزه حل کرده مخلوط ساخته غرغره نمایند ها ضماد
کتیرا سفید لعابیه مرو ارمنی صندل سرخ کبابه چینی شیاف مامیثا در یک ضماد معمول
کاهی برای انضاج اکلیل الملک تخم کتان جدوار شصی در خل کرده ضماد که
بعد ضماد نمودن ورم از لوزتین بر آمده شد تن نکند برای نقای غرغره
از آب طبیخ برگ نیم و عسل سفید داخل کرده غرغره نمایند و باز اعاده
ضماد هر روز نمایند و غرغره مذکور تخم کتان و اکلیل الملک کرده
به شد بفضل الله تعالی و قبل از ضماد و غرغره و فصد که دهن کشاده شد تجویز نمایند
بود به جنگ سرکه در ظرف کنند که دهن تنگ داشته باشد قیف بر سر آن گذاشته
بجوشانند و بخار بگیرند تا که به لوزتین برسد و اگر دوبه چاک زند تثل گوگرد در

بنفسجی

در غرغره داخل نافع نبود و اگرچه در غرغره سابق که معمول استاد است کوکنار داخل است ط

ایضا للنضج والتفجیر بورهٔ ارمنی و بسبک و ربّ الرمان و العسل جوشانده غرغره نماید ط دیگر بعد از

نضج استعمال ادویهٔ معجزه نماید یا منفجر کرده و خیر برشته در آب انار ترش حل کرده غرغره

نماید ط ایضا حبه الفجار عدس مقشر یک پیمانه اصل السوس جوشانیده غرغره نماید ط

غرغره بعد از انفجار زرد روی بیضهٔ مرغ نیم برشته کتیرا در آب حل کرده روغن بادام داخل

کرده غرغره نماید ط للخناق البلغمی منه عناب اصل السوس انجیر زرد عنب الثعلب در

انار آب بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده شربت عناب داخل کرده بنوشند

دیگر للخناق البلغمی منه عناب عنب الثعلب خرنوب در نیم انار آب بجوشانند نیم باو

بمانند صاف نموده رب التوت داخل کرده فلفل کرده خشک سائیده بپاشند بنوشند

نافع و اگر بنوبت با خناق رسد فصد و بغیر باید کرد و از استعمال شیاف در پیش کرده

و بریر دفعی با لنزه مناسب است ط غرغره للخناق للنضج والانفجار منه بزر کتان بزر حلبه

بزر المعاب گرفته آب رب سیم شب جمله بریان کرده نموده خیر برشته مرج نموده

با ضافه ریوند چینی غرغره نماید ط مسجا متعمل مطلب تجربه مجابت للحمی الحادث بعد النزله

بملاحظه حضرت قبله در آورده شد عود صلیب بوماداران گل بنفشه نبات در نیم آثار آب
بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده خاکشی پاشیده بنوشانند گاهی عوض نبات شربت
بزوری گاهی شربت دینار گاهی سکنجبین ریوندی و گاهی قطور ریوند چینی تا یکماه استعمال
کرده باشند ۵ دیگر برای لکنت سنگطرا شیح عود صلیب گل بنفشه در نیم آثار آب
بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده شربت دینار شربت بزوری معتدل داخل کرده
خاکشی پاشیده بنوشند و گاهی برای جوشاندن عرق خار خسک عرق خار شتر و گاهی جوشانده
کرده بیدبید ۵ دیگر للخناق الصفراوی مثله بهیدانه عناب سپستان اصل السوس
کنیز خسک مقطوعه در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده رب التوت
شربت بنفشه داخل کرده بنوشند ۵ للخناق الصفراوی عناب اصل السوس در نیم
آثار آب بجوشانند نیم باو بمانند صاف نموده کنیز خسک شیره برآورده شربت توت
شربت عناب داخل کرده بنوشند ۵ دیگر مثله بوماداران عود صلیب اسارون
گل بنفشه در عرق گاوزبان عرق نیلوفر عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باو بمانند
صاف نموده شربت بزوری معتدل قرص افسنتین پاشیده بنوشند ۵ دیگر مثله

تامل

روغن گل مشک عنبر اشهب بوباوران کوفته بیخته مخلوط ساخته حمول نمایند ط

دیگر لادن مسک روغن کادی عنب الثعلب گل بنفشه بابونه اکلیل الملک سفیدی بیضه مرغ

مشک عنبر اشهب فرفیون بسته بر مخلوط ساخته استعمال نمایند ط دیگر لوتک شد

روغن بابونه روغن نرگس بوباوران برگ خابه گل بنفشه عنب الثعلب مرزنگوش و آب

برگ عنب الثعلب مخلوط ساخته استعمال نمایند ط دیگر لوتک شد افسنتین رومی

اسارون نیمکوفته بوباوران گل بنفشه شبت و در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت بنفشه شربت بزوری معتدل داخل کرده

مالیده بنوشند و گاهی شربت دینار و عوض آب عرق عنب الثعلب گاهی عرق بادرنجبویه

همه بدهند ط بعد دیگر لوتک شد در ایام ملک معتدل مشک چند بیدستر عنبر اشهب ممزوج

نموده بخورند عقب آن بوباوران شبت و در عرق گاوزبان و عرق عنب الثعلب تر کرده

دارند صباح مالیده صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ط

دیگر لوتک شد افتیمون [illegible] بسته بوباوران [illegible] گل بنفشه همه در عرق گاوزبان

عرق بادرنجبویه بجوشانند پس مالیده [illegible] عود صلیب شیره برآورده شربت بزوری

معتدل شربت بنفشه داخل کرده باضافه قرص الامساک مندل بنوشند ﻫ دیگر لوالنفه

عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه عود صلیب شیره برآورده شربت دینار

شربت بزوری معتدل داخل کرده خاکشی پاشیده بنوشند گاهی باضافه قرص الامساک

بدهند ﻫ دیگر لولنگ عود صلیب تخم بادرنگ خاکشی همه را در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب ریوند چینی شیره برآورده داخل کرده شربت افتیمون شربت

بادرنجبویه داخل کرده بنوشند ﻫ دیگر اسارون بادیان عود صلیب

گاوزبان خاک بنفشه در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه شب تر کرده دارند صباح

بجوشانند نیم باد بماند صاف نموده ریوند چینی شیره برآورده داخل کرده

شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه قرص افسنتین بنوشند ﻫ ﻫ

دستور زنانه مشابه من الاستاد الوالد نسخه بند اصفهانی بادیان زیتون تخم کرفس تخم

ترب در سیر انار آب بجوشانند نیم باد بماند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل

کرده چهار تخم سرد تخم خربزه خیار دره شیره برآورده حجر الیهود سنگ ماهی جوالکار

باریک سوده داخل کرده بنوشند ﻫ نسخه دوائی هندی مجرب است اردمنده شنگرف

کلود

مخلوط ساخته بنوشند سنگ ریزه بریزد مجرب دیگر آب تمک بنوشند فایده کلی دارد تمت

نسخه سفوف حجر الیهود صفته مقشر تخم خیارین مغز تخم کدو مقشر تخم خربزه خارخسک

حجر الیهود حب القلت تخم کرفس بسپاسه فطراسالیون صمغ عربی کتیرا کوفته بیخته سفوف

ساخته نگاه دارند شربت هر دو درم با شربت خسک مجرب دیگر سفوف حجر الیهود تخم

خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو بسپاسه صمغ عربی کشنیز کتیرا حجر الیهود سفید شده

هشتاد هشت درم کوفته بیخته سفوف ساخته نگاه دارند شربته منه هر دو درم تمت مجرب

دیگر کوبهی خار وار را سوده بنوشند منفعت حصاة است مجرب دیگر پیه بهورتی

را باریک سوده بنوشند منفعت حصاة است مجرب دیگر بیخ سوسن برگ بالنگه

الایچی خرد و فلفل دراز برابر سفوف ساخته هر روز ده درم با شیر دوغ بخورند

دیگر سنگدانه ده درم سفوف کرده هر روز با جغرات گاو شیرین بخورند سه هفته هر یک

بریزد تمت دیگر سنبهاله بیخ بادیان بید گولرو کلهتی زنجبیل تخم کرفس برابر کوفته سفوف

ساخته با جغرات شیرین گاو بخورند تمت فایده اگر سنگ خرد در مثانه باشد

مریض را راست بخوابانند و دو درم سیماب در احلیل کشند و سعی نمایند که

در مثانه رود و ساعتی بجنبانند تا غلطانند بعد از آن بنشینند اول کمکی بیرون می آید

پس بعد سیماب ط دیگر سر کلی کبوتر سازند آن را بی آب بیندند سنگ را بگدازد و

این مجرب است بسیار بقدر یک ماشه یا حب ماشه بکوفته شب در آب تر کرده دارند صبح

بنوشند ط ضماد للحصاة الکلیه والمثانه صفت به سپیستان خطمی بابونه اکلیل الملک ریحان

کاسنی تخم خیار صندل سفید پر سیاوشان عنب الثعلب صبوری هند برادهٔ آبنوس

حب القلقل همه را کوفته بحشم از آب برگ عنب الثعلب سائیده ضماد نماید قدری روغن گل

ممزوج کرده ضماد نمایند ط سفوفی که در استعمال آن زن می خورند کرنب خشک تخم کرنب

قند سفید مساوی الوزن گرفته سفوف ساخته سه کف بخورند و در آن نشینند ط

ادویه حصاه گرده و مثانه مفید بلکه مجرب است صفت هذا ارنب بلعدو گرفته ازان خون

پاک کرده و در اوند گلی گل حکمت نموده زیر آورتش دهند تا که همه آن گوشت

و پوست خاکستر شود پس بعد یک ماشه از خاکستر مذکور بخورند صبح حب القلقل سبزه برابر او

عرق منیزومه سکر سرخ داخل کرده بنوشند ط فی حصاه الکلیه من مستعملات مطلب الوالد

سلمه الله تعالی جیانز من تخم خربزه بادام هر سه را در عرق خار خسک سبزه ساورده

شربت بزوری معتدل سنگ سه ماهی حجر الیهود سائیده داخل کرده بنوشند ط

ایضا لذلک اقوی ازین بیخ کرفس و بادیان و بیخ انار آب کرده بسایند هم با و

بادیان صاف سوده خیارین تخم خربزه و نوزه خار خسک برسه را در عرق عنب الثعلب

عرق خار خسک شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت نیلوفر داخل کرده سنگ سه ماهی

حجر الیهود تخم ترب کوفته با نبات بنوشند ط صفت دوای عجیب الفعل من مجربات

الاستاد والد الوالد سلمه ربه تخم خربزه و نوزه مغز بادام تخم کرفس تخم ترب تخم کمون کرمانی

بادام مقشر همه را برابر گرفته مسحوق سازند خوراک درم با دو درم با طبخ برسیاوشان

بنوشند ط ایضا لذلک من ترتیب الاستاد والد الوالد سلمه ربه تخم ترب حب القلت

برد و را کوفته بخیسانند بآب برگ ترب مروح سوده بخورند عقب آن خیارین تخم خربزه

و نوزه خار خسک بادیان در عرق خار خسک عرق عنب الثعلب شیره برآورده شربت

بزوری معتدل شربت نیلوفر داخل کرده سنگ سه ماهی حجر الیهود سوده بنوشند ط

فایده اما الادویة المنقیة لمجاری البول من الرمل والتغلیظ والنزوجات العارضه

فمنها بزر الکرفس والانیسون وبزر الجزر واسارون وقفاح الاذخر والقاقله

وانکانشم والانیسون والیوج بزر جمیعا اذا شرب منها درهمین منفرداً کان منها او

مرکبا بعد السحق والنخل بماء الفجل المعصور او ماء الکرفس او ماء الرازیانج او ماء الحصرم

الاسود ضماد للکلیه بابونه اکلیل الملک بنفشه خطمی صندل سرخ صندل سفید گل سفید کل کهنه

همه را کوفته بیخته از آب برگ خرفه سبز سائیده قدری روغن گل ممزوج کرده ضماد نمایند ط

فائده استعمال الحقن والفتائل بما ینبغی الات البول فمجاریه و تصفیتها بکل ما یدر البول

من الادویه المرکبه والمفرده ط فائده لین البطن صاحب الحصاة لزوال الثقل بالادویه

الملینه دون المسهله ط قال محمد زکریا کان حصاة تفتت الحصاة الکلی یفتت حصاة المثانه

ولیس کل [illegible] یفتت حصاة المثانه یفتت حصاة الکلی ط و مما جرب الاستاد آنکه ریگ

حجر الیهود با زیت سوده مخلوط ساخته بنوشند ط نسخه که در نسبت داده شد جهت درد

قلیل که صاحبت من مانیت الوالد الاستاد سلمه ربه اسبغول لعاب گرفته عرق کاسنی

عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان شربت انار شیرین شربت انجبار داخل کرده

بنوشند ط فائده اذا اراد ان یحقق المشخص فلیستعمل اولاً ما [illegible] بقدر قلیل چرا که

در علاج معده خفقه مضرتست بکذا سمعت من الاستاد ط فی حصاة الکلیه

لم ایزه

مغز تخم خربزه در عرق گاوزبان گیلانی عرق کوکنار و عرق عنب الثعلب سائیده برآورده شربت

نیلوفر شربت زوفا بتدل داخل کرده شنگ سر ماهی اضافه نموده بنوشند طا

ایضا زرشک بیدانه در عرق نیلوفر عرق کاسنی تر کرده شربت زوفا بتدل شربت نیلوفر

داخل کرده شنگ سرماهی حجر الیهود اضافه کرده بنوشند طا ایضا خیارین مغز تخم

خربزه هر دو را در عرق خارخسک عرق بادیان عرق گاوزبان سائیده برآورده شربت

زوفا بتدل شربت نیلوفر سکنجبین کاسنی سائیده برآورده با اضافه شنگ سرماهی حجر الیهود و ورق

نقره برگ ترب حل کرده اضافه کرده بنوشند طا مسهل جهت حصاه کلیه من تالیف

الاستاد الوالد الماجد سلمه ربه مفید افتاد وصفته بادیان پوست بیخ بادیان اصل السوس

پرسیاوشان گاوزبان گیلانی ایرسا مکوفته تخم خطمی خیارین کلیچ خارخسک مکوفته

تخم خربزه مکوفته انجیر زرد عناب مویز منقی الو بالو کاکنج ... همه را در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق کاسنی جوشانیده ... باد و ماند صاف نموده ترنجبین فلوس

حل کرده تا رصاف کرده با اضافه روغن بادام بنوشند طا ایضا مسهل جهت

کرده من تالیف الاستاد الوالد سلمه ربه مویز منقی انجیر زرد عناب الو بالو ایرسا

پرسیاوشان بادیان گاوزبان گلسرخ خارخسک شکوفه گل نیسر افتیمون همه را شب در عرق گاوزبان

عرق عنب الثعلب عرق کاسنی تر کرده وا در صبح تر نسازند بکیا و بمانند صاف نموده سکنجبین

شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند تا سه روز و روز چهارم ترنجبین شیرخشت

شیرخلوس حل کرده باز صاف کرده با خاقه روغن بادام بنوشند ایضا مسهل

حصاة مثانه وکلیه من ترکیب الاستاد والوالد سلمه الله بنفشه نیلوفر تخم خطمی تخم خبازی

عناب سپستان پرسیاوشان انجیر زرد مویز منقی اصل السوس گاوزبان کتیرای خارخسک

شکوفه خار بن شکوفه تخم خربزه بادیان تخم بادیان گلسرخ گل قند افتیمون

همه را در عرق گاوزبان عرق کاسنی عرق عنب الثعلب تر نسازند بکیا و بمانند صاف

نموده شربت بزوری معتدل ترنجبین شیرخشت شیرخلوس حل کرده باز صاف نموده

با خاقه روغن بادام بنوشند ایضا مسهل للحصات من معمولات الاستاد

گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خبازی اصل السوس خارخسک شکوفه تخم خربزه

شکوفه بادیان پرسیاوشان گاوزبان گلسرخ عناب انجیر زرد مویز منقی آلو بالو

گل قند افتیمون ترنجبین شیرخشت شیرخلوس روغن بادام بذر سنبور معمول مسهل تیار سازند

و بنوشانند

و بپوشانند مجربست ط ترکیب ملمع طلا مجربست بنه اول نوشادر کانی را در شیشه فرنگی انبیق

اسفند سیتور محلول تیزاب نمایند بعد ورق طلا سیماب از شنگرف برآورده هر دو را

هر وزن قدری تیزاب در حل کرده تا به یک شبانه روزی بر نار الحراره نگاه دارند لیکن

اول باید که ورق طلا و سیماب را هر وزن القدر از انگشت بمالند که ملمع شود پس بعد

قدری تیزاب در حل کرده بر آتش نار الحراره نگاه دارند لیکن احتیاط کنند که سیماب ...

کم شود ورق طلا و تیزاب باشد وقتی که بر آتش ملمع تیار شود و محلول شود کار خود

ملمع کنند ان [illegible] ملمع بقدر [illegible] باشد [illegible] یک [illegible] کنند بعد از تیاری ملمع

بر آتش بنهند که سیماب [illegible] خواهد شد و ملمع خواهد ماند مجربست و تا به

مدتها جدید خواهد ماند ط ترکیب روغن بیضه مرغ و کم [illegible] رده را بسیار بلغ بلغ

فایده دارد مجربست لیکن برای [illegible] رده را ترقیب استعمال [illegible] سیتور محلول

کرده هفت مرتبه [illegible] استعمال باید کرد [illegible] ترقیب نمایند و برگ [illegible]

[illegible] یک [illegible] بسته و از [illegible] خام [illegible] بسته [illegible] یاس نگاه دارند بعد

باز وا کرده بعد [illegible] سیتور محلول [illegible] شب [illegible] دارند [illegible] استعمال نمایند

در سیر ارجاع و ورزش و ریاضت قوی و حرکت قوی و ضعیف و غذا مرغ ذکورث

وتخم مرغ واکثر زرده مرغ حرزده باشد عروق کلان خشک کرده عروق جرزرد خشک کرده

وسر سانپ خشک کرده شیر کلان خشک کرده شیر شیر خرد خشک کرده کژدم سیاه

خشک کرده تخم اگر شیر اگه بهونره سیاه خشک کرده ریگ ماهی سرخ کیکره

خشک کرده گوشت سیر خشک کرده خون چغد خشک کرده خراطین خشک کرده

بیربهوتی خشک کرده مار سیاه خشک کرده ابریشم ترکی خشک کرده عنکبوت سرخ خشک کرده

جرا است ترکی بچیاک سنبل سکهیا بوید مول ولایتی خوشبوی دارد وزنی که زنگ سیاه بسرخ مایل می‌شود

کوزه سنبل کبر یا سوما که تیلیه سوباکه بله کونیجن ناخن صدل عود قاقلی جراتی انبه بلدی کچله کوچر

کنجی سرخ لونک سرخ لونک جیکا جمال گوته مال کنگنی کبد سیاه بیخ کبر اسعد مثقال فیل اسپند

حصه بلاو قضیب گاو وجز ان همه را کوفته و در شیشه آتشی گل حکمت هفت تنگه پارچه کرده تر کنند

و تار هائی آهنی در دهن شیشه مذکور کرده بطریق پتال جنتر روغن بکشانند که یک ظروف چاه آورده

در آن نشسته بیرون ان ظرف بکا سوخته بر سر سنج استاده کنند و بر بالای آن آتش او پله

عنکه سوزانند و زیر مجاهای یک پیاله چینی یا بول نهند و در آن قطره قطره بگیرند عد ستور

معجون

معمول استعمال کرده باشند مجربست بتجربه رسیده ترکیب کشتن طلا مجرب برای قوت جمیع اعضاء
و تکلیس و برای ضعف بدن و برای جمیع امراض و در امر قوت باه بی نظیر است سه طلای خالص رنگیسه
گرفته بسنگ هندی سوده از گرد و یک بدستور زرگران بر پترها لیپ کرده در دو پاچک
دهی داده و قدری با پاچک و سینی کرد اگر داده آتش دهند همین طور هفت مرتبه
دیگر مرتبه از نمک و سرکه کهنه زرد آنکه باسیره سنبهالی لونائیج بر پترها لیپ نموده
بدستور پاچک و سینی داده و قدری هم انار پاچک و سینی کرد اگر داده آتش دهند
اگر این همواره طلا خوب صاف نشود بهتر والا نه از اجزای التحلیب بدستور معمول صاف
نموده داخل ترکیب کنند خبابخه برای صاف کردن طلا اجزای التحلیب فقط کفایت میکند
و به این ترکیب دیگر بیت بعد از آن آن طلا را آورده یک قرص سازند و او را
پتر کنند و از آن کرده هفت مرتبه در بول ماده گاو بچه نازاینده سرد نمایند و هفت
مرتبه در آب برگ عنب الثعلب سبز تازه کرده سرد نمایند بعد هفت مرتبه در سرکه
انگوری تازه کرده سرد نمایند بعد بدستور معمول ورق باریک موافق زرورقها
ساخته نگاهدارند بعد سیماب را از شنگرف بدستور معمول برآورده در کهل

اندازند و چهار یک توله خشت کهنه باریک سائیده همراه سیماب تا دوازده پهر کهرل نمایند

بعده سیماب از کهرل برآورده بموزن آن نوشادر کانی گرفته در ظرف گلی اندازند

و قدر سه چهار آثار آب شیرین انداخته به سرپوش بند نموده و محکم ساخته تا به جبر آتش مدام

دهند تا که سیاه شود آب را در رسانند من بعد بموزن سیماب باز نوشادر کانی

گرفته در ظرف نو با آب انداخته باز بدستور معمول آتش دهند تا که آب سیاه نشود بار اگر (آب سیاه)

در کرده دفعه سوم بموزن آن نوشادر انداخته آتش دهند و اگر آب سفید شود

بار دیگر احتیاج نیست تا وقتی که سواد از جوش سفید که در آب بیاید جوش نمایند وقتی که

از جوش سفید که آب سفید باشد موقوف نمایند سیماب ابعد صاف خواهد شد که

از ترکیب دیگر از ان مقصود است بعده بگیرند ورق طلا ده تولچه که صاف شده است

و سیماب صاف [illegible] ترکیب [illegible] بگیرند [illegible] نقره [illegible] و شنگرف [illegible] سه را در عرق [illegible]

آنکه ساده دوازده پهر کهرل نمایند بعد از آن در آب برگ عنب الثعلب سبز در عرق

دوازده پاس کهرل نمایند بعده دوازده پاس در عرق [illegible] کهرل نموده بعده در

بید تازه [illegible] پاس کهرل نمایند نگه بسته در [illegible] گل حکمت در آورده

از [illegible]

برگ عنب الثعلب سبز بقدر نیم انار در ته ماندی نگاه دارند بعد از آن قدر یک انار نمک سائیده

کوفته بر بالای برگ مذکور نهاده و بر بالای نمک تکیه طلا را در هم سکوره گلی

سکوره

حکمت درست کرده و دهان بند نموده بر ته تنگ ماندی نگاه دارند و بالای پردو

ماریک بقدر یک نیم انار کوفته نمایند و بالای نمک باز برگ عنب الثعلب بقدر یک انار

نهاده و دهان ماندی از سر پوش بگل حکمت کرده و مضبوط و محکم ساخته و در میان

سر پوش یک نیم انار نمک سائیده کوفته پر نمایند و زیر آن از چوب کنار و یا از چوب

دو ماسه گرم آرده پهند علی الاتصال آتش متوسط دهند بعد از گرم از ده پاس سرد کرده

آن تکیه را بر آورده باز در کول انداخته تا هر قطعا از عرق کنجک کول شوده و قدر

دو ماشه از سیماب مذکور و قدر دو ماشه مردار سنگ ناسفته داخل کرده کول نموده تکیه

در سکوره گل گل حکمت نموده آتش از یک انار پاچک دشتی به تنور مجوف دهند

بعده باز سیماب مذکور قدر دو ماشه در تکیه داخل نموده تا دو بهر در عرق کنجک

کول نموده باز در سکوره بگل حکمت در آورده در یک انار پاچک دشتی آتش دهند

همین طریق در عرق کنجک و قدر سه ماشه سیماب و قدر سه ماشه مرداسنگ ناسفته داخل

کرده در سکوره گلی یک ساعت نمودن و در زیر آتش پاچک و پس بعد توله به دستور معمول دهند

بعد از آن ٹکیه را برآورده در آب عرق برگ عنب الثعلب سبز مروق نموده یا چهار یا پنج کهرل نموده به دستور

معمول در دو سکوره کرده در نیم آتش پاچک و نیمی آتش و هند همین طریق چهار توله

دهند و چهار توله به دستور آب برگ عنب الثعلب سبز مروق و در عرق برگ تنبول به مصالح

یا چهار یا پنج کهرل کرده قدر نیم آتش پاچک و نیمی آتش و هند بعده ٹکیه را برآورده

خاک سائیده و در آن مروارید محلول یکتوله و یاقوت رمانی محلول یکتوله داخل کرده

حل نمایند و قدری طلای ورق نیز داخل کرده حل نمایند و در سکوره داخل نموده گل

حکمت کرده در بار [illegible] که معمول است تا دو پهر آتش دهند بعد از آن ٹکیه را

برآورده در عرق گلاب قسم اول و عرق بیدمشک قسم اول و عرق کیوره قسم اول هر یک

کهرل نموده مثل مهرها ساخته خشک کرده در شیشه سفید ریزند و دهن آن شیشه بند ساخته در تغار

سرد انداخته آن شیشه را غرق نمایند یعنی دهن شیشه بقدر یک انگشت از آب سرد بیرون خالی

باشد تا چهل روز در عرق سا زنند و هر روز آب سرد نو تبدیل کرده باشند بعد از چهل روز

برآورده نگاه دارند طلا کشته تیار است و ترکیب این طلا چنین است که بر این ترکیب دیگر

[illegible]

ملغوفست

بلغ بلغ

منصوبست و بسیار نادرست **مرکب خوردن طلا** هر موسم سرما بهنه طلا کشته برداید

به سنو محلول مرجان محلول به سنو محلول یاقوت رمانی [illegible] واز چینی طلا کشته دو [illegible]

خورد و مشک عنبر اشهب هم وزن یکدیگر سائیده در طلا کشته ممزوج نموده خوراک یک سرخ و تا ماشه

همراه نان یا همراه شهد ممزوج نموده بخورند و عقب آن تا وقت شام آنچه طبیعت خواهد موافق

مزاج شخص و مزاج فصل بهم رسیده باشد نماید طریق حل مروارید مروارید ناسفته بمقدار معلوم

در پیاله چینی بگذارند و بالای آن آب لیموی کاغذی اندازند که مروارید معلوم به شود بعد

پیاله را در سبوچه که قدیم باشد و در و سرکه باشد و در آن سرکه [illegible] نهند و در میان

پیاله را [illegible] دیگ پیاله چینی بر آن پیاله سرپوش کرده در میان [illegible] ساخته در میان سبوچه

سر بند نموده در زمین زیر بالا سرگین اسپ داده تا چهل روز [illegible] کنند و در هر هفته

سرگین اسپ تازه نهند و کهنه را دور نمایند و اکثر مروارید در چهارده روز محلول می‌شود.

نهایت تا چهل روز بعد از چهل روز برآورده در طلا کشته داخل نمایند و این حل مروارید

برای [illegible] بی ترکیب دیگر نیست و پیدا نشود تا **مرکب حب [illegible]** یاقوت رمانی بقدر

معلوم گرفته در تیزاب ادویه [illegible] آورده در یک پیاله چینی نهاده تیزاب را در آن حل کرده که در آن تیزاب

ترکیب خوردن مروارید [illegible] محلول [illegible] کشته [illegible] طلا کشته [illegible] و طلا [illegible] خوراک [illegible] عقب آن [illegible] باشند

یاقوت محرق شود و بالا باشد و یک پیاله چینی بالا داده و دهان هر دو پیاله بند نموده در سبوچه گل
قدیم کرده آن سرکه باشد و حوض نباشد در خل کرده و دهان سبوچه بند نموده در سرگین اسب
زیر بالا داده تا چهل روز دفن کنند و سرگین اسب در هر هفته تازه باشد و قدیم را دور
سازند بعد از چهل روز برآورده در طلا گشته در خل کنند و همین طریق مرجان و لعل بدخشان نیز
حل نماید و گاهی یاقوت را و مرجان را و لعل بدخشان را در شیشه آتشی کرده و در آن تیزاب داخل
کرده موافق دستور سابق سرگین اسب زیر داده تا چهل روز دفن کنند بعد از آن نگاه دارند
طریق تیزاب آب انگور پخته و زاگ سبز پوته شوره انگوری قند سرکه انگوری دستور معمول
تیزاب کشند ۞ نسخه دیگر حل المرجان مرجان را محرق نماید به دستور معمول در برگ حنا تا خوب
حرق شود و سفید گردد من بعد در پیاله چینی گذاشته بالای آن آب لیمو کاغذی مروق انداخته
در دو سه انگشت بالا باشد تا یک هفته سرپوش کرده نگاه دارند تا محلول شود من بعد جزو علقه کرده
آب لیمو را کشند حتی بعد از سبز و بالا ندارند و آن را نگاه دارند تا آب شود از جز علقه
آب را بکشند همین قسم مکرر نمایند تا تمام برطرف شود من بعد بکار برند تا
محلول و غیره از تیزاب آب باید که تیزاب را از شیشه بکشند از جز علقه کرده بکشند و باقی را

از

جرم بارود الخرزه نهند که تیزاب جذب شود و مجموع آن سیصد بماند و اگر چیزی تیزاب باقی ماند

آب سرد داخل کرده جز علقه نماید باز آب سرد داخل کرده غسل کرده جز علقه نمایند و باقی

مانده بر بارود الخرزه نهند تا همه جذب نماید مجرب است **طریق کشتن مروارید** که وزن باقی بماند

صدف کنند که از آن تسبیح می سازند یک من توده گرفته در تیزاب گذاشته کهرل نماید و فتیله مثل خمیره شود

عرق لیمو کاغذی در آن خمیر ممزوج نموده از آن کتابها سازند من بعد مروارید ناسفته را

در آن کتابها نهاده قدری آب لیمو در آن اندازند بعد از آن گل حکمت نموده در نیم آثار

با چلک و ستی آتش دهند مروارید کشته خواهد شد و وزن باقی می ماند **ترکیب خوردن**

سیماب برای قوت باه و قوت بدن و قوت اعضای رئیسه از این ترکیب دیگر متصور نیست

اول سیماب را گرفته به ترکیب مذکور که در طلا کشته مذکور است صاف نموده روز اول سیماب مذکور

ورق طلا مروارید ناسفته شنجرف در گلاب و بید مشک سه چهار روز کهرل نموده ممزوج نموده

بخورند و اگر غالب باشد قدری شیر گاو و برنج داده هم تباشیر موافق بر ورزش مزاج بنوشند

و اگر عطش باشد گاهی گاهی برای رفع عطش شیر گاو خام نوشیدن باشد والا نه فقط

برنج و سیماب و طلا قناعت کنند روز دوم یک سرخ سیماب مذکور و سه سرخ ورق طلا و سه سرخ

مروارید مدحرج سوده حب بسته بخورند همین طریق هر روزه تا بیست روز یک [illegible]
ورق طلا و یک سرخ مروارید خورده باشند و بعد از بیست روز یک سرخ یاقوت و غیره هم
کرده باشند تا به آنکه به دستور اول روز وزن ادویه مذکور برسد بگذارند و غذا در میان آن روز هم
پلاو مرغ و گوشت مرغ و میوه های بهی و سیب و انگور و پسته و بادام و [illegible] و کشمش و چلغوزه
و اخروت و چیزهای مقوی خورده باشند و شام عوض غذا شیر گاو و [illegible] داده [illegible] کنند
همین سرخ نعناع مصری سنبره برآورده داخل کرده قدری گلاب و نبات مصری داخل کرده بنوشند
و وقت خواب دارچینی بوده [illegible] [illegible] انار آب بجوشانند تا [illegible] صاف نموده
بنوشند که شیر در معده منجمد نشود و گاهی گاهی عرق بودینه استعمال کرده باشند
ترکیب [illegible] برای صاف کردن طلا به این ترکیب و دیگر [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] ادویه زیر بالا طلا داده آتش دهند [illegible] خواهد شد [illegible]
الاچی خورد [illegible] [illegible] فلفل دراز [illegible] سفوف ساخته هر روز از آب [illegible]
طریق آب [illegible] را در آب تر کرده شب نگاه دارند صبح آب صاف از آن گرفته سفوف [illegible]
آب بخورند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که روغن زرد [illegible] را [illegible] نموده

زنج خواهند شد طلا ترکیب شراب بلبوا و مجربست پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد پوست بلیله امله

حفص مکی ماحی زرد چوب مجمهٔ پوست بیخ الجبر حیف خنک که حیف ساله از ته چاه شیرین برآورده

آهن توس حبت الحدید جهار شیم جهار نکاش جهار سبوک بیمو ابیم بیوا اسم برگ شیم برگ شبر که

برگ حنا برگ نار هتره بنج شاتره بیخ جبنه فلفل سیاه صندل سرخ و بیماره تانخواه اجود هندی قسط

سو فلوس شیر چاشی قند سیاه مار سیاه کلان یکوجب از طرف سر جدا کرده و یک طرف از طرف

دم جدا کرده قتله قتله انداخته همه ادویه را بکوفته مار سیاه قتله قتله کرده و رخم کالعدر احتیاج است

انداخته زیر و بالا سر کنی آب داده دفن کنند وقتی رحسم بقدر تعداد ایام مهود بخار شود در آورد

از غرابیل کلان صاف نموده و از صاقی بدر آورده اول روز بقدر نیم دام دوم روز نیم دام

قدری زیاده روز سیوم یکدام روز چهارم یک نیم دام روز پنجم یک نیم دام قدری زیاده روز ششم

دو دام ... قدری ... حساب روز میداده باشند و در عرصه چهل روز همه چلد جسم صاف شود

موافق مزاج اصلاح خواهد شد خوراک ناگنند مه دال مونگ بی نمک مرغ بخورند و چیزی دیگر

نخورند و دروغ بسیار بخورند تجربه شده در اورده شده طلا کحل الجواهر که بصر را قوه دهند سرمه اصفهانی

مار قیشا اقلیمیا طلا مروارید ناسفته زعفران ساوج هندی مشک تامی کلاپیه کرده چنانچه رسم است

استعمال نمایند ها نسخه چربی اعظم شاهی از جنابت الابکی یعنی سرنفک برگلاب بهیده اولر

سوخته بپیلک اجوائن ولی سوخته برگ سنا تا سنوبت میوه خشک مغز سیاه حبشا

انار دانه ولایتی هریکی خورد مهری نمک لاهوری یک نمک سیاه نمک شاهپزیک نمک شور بد شکور چون

سازند ها نسخه شهاب برای ورم لوراستبر و دردان تخم کندنا برگ کندنا بالونه

برگ عنب الثعلب عنب الثعلب ار بیک حنفض یا مقل ازرق برگ کلک و بیخ زایدالفکر یاز

مکلوفته کل همه را درنگ آبار اب بجوشانند نصف بماند لطور معمول پیهان پیغرند ها

ترکیب گیتی برای حققه کنند و لوراسیر با لجنست فایده کلی دارد ها صفته هنه آب برگ عنب الثعلب بر

مروق کرده آب برگ کاسنی سبز مروق آب برگ کندنا سبز تخم کاسنی مکلوفته برشت بیخ کاسنی

تخم کندنا مکلوفته کلنبج زرنیک سوانه مویز منقا آب کهکوار چرب حبشی ورق کرده دارچینی خبث الحدید هر

برو یکی یا دام چرب کرده قند سیاه کهنه سه ساله ترنجبین خور زرسفید نو حلو سفید یونید بلیله کانبج پوست بلیله زرد

بلیله سیاه ریزه ابر جام کهنه مقل ازرق همه را مرفع نموده در سبوچه گل حکمت کرده بر بوع

سرگین اسب ریزنا داده چپاک و زدوق کنند و هر روز آتش الاو موافق بر سبوچه کرده باشند

بعد از چهار روز بیرا کورده صاف نموده بعد برشت سمجولی بورفتی بردرزنیت مزاج استعمال کرده باشند

الله

و دیگر کنند مرغن بالای آن بخورند مرکب شراب خرما مجربه جهت قوة باه و قوة بدن و قوت اعضای رئیسه

و رنگ رو را سرخ کرد اند و خوشبوی بسیار خرما از خسته پاک کرده و ریزه ریزه کرده انگور

[illegible] تازه [illegible] پیشکی [illegible] هندی خشک [illegible] بسبول [illegible] و اگر تازه باشد

[illegible] سنبل [illegible] نارنگی و سکره ترنج و نارنج [illegible] بسبول خرد و [illegible]

بلیله کابلی [illegible] سنبل تازه ریزه ریزه کرده [illegible] مصالح خار خسک جدوار و کلان براده صندل سفید

براده صندل سرخ [illegible] مصری سوهان کرده سورنجان مصری شقاقل مصری بهمن [illegible]

پودینه خشک [illegible] ترنج [illegible] روغن [illegible] سنبل الطیب سعد کوفی ورق

[illegible] دارچینی زرنباد [illegible] بهمن سرخ بهمن سفید [illegible] الاچی خورد الاچی کلان

[illegible] کشمش [illegible] مغز بادام [illegible] بر آورده [illegible] بر آورده

[illegible] مغز اخروت [illegible] بر آورده بیضه مرغ نیم برشت [illegible] بسبول [illegible] سیاه [illegible] خالص

[illegible] الله [illegible] کرده [illegible] زعفران [illegible] عرق کشند و اگر ماء اللحم

خواهند بکنند حلوان گوشت مرغ گوشت دراج [illegible] مصالح و روغن قورمه کرده داخل کرده

عرق کشند موافق [illegible] دراج بخورند و اگر در بوی مشک و عنبر [illegible] بکار خواهند شد

[illegible]

هذا ترکیب ماء العسل ایضا نافع للزور مسهل للادرار العاطش و مسهل للمواد الی الاسود

فی الکبد والطحال و مفتح لسدد الکبد والطحال والماساریقا و ملین و ملطف و مقوی للکبد

والمعده والطحال و مصلح لها ایضا و مفتح للدم البواسیر و اصلاحها و نافع لسدد المقعده

و فی جمیع هذه الامورات منفعته عجیبه منه هذا صفته مالان نسخ مالان کاست

حل حل ... بلو ... نحسه کرفس بیخ کرفس اذخر بیخ بادیان ... اسارون قنطوریون دقیق

حل ... فو ... افسنتین رومی حنظل ... زرد ... مخلصات در ... بسته ...

[illegible]

تخم خربزه ... کاکنج تخم خیار ...

تخم خرفه شکوفه ... بیخ کبر برگ سداب ... ترنجبین ...

... پوست ... زرد ... پوست ... کابلی ... سیاه ... زرد

پوست ... حل ... گل ... عرق ... گاو زبان ... عنب الثعلب

... عرق بادیان در شبانه روز ترکرده دارند ... شب ... نصف

... که ... بعد صاف نموده عسل ... نموده ... بجوشانند

... کلان ... برآورده ... زمانیکه ... آمیخته ... عسل ... نماید

[illegible]

تیار کرده در شیشه نگاه بدارند اگر قوتی بسیار خواهند لاجورد مغسول با روغن بادام چرب کرده [illegible] سفید

روغن بادام چرب کرده و در آن حل کرده نگاه بدارند. مقدار استعمال آن [illegible] توله تا [illegible] توله عود [illegible]

[illegible] [illegible] المرض استعمال کرده باشند [illegible] و [illegible] تخم خیارین تخم خیار و تخم کاکنج [illegible] سفیده

برآورده داخل کرده ماء العسل سازند [illegible] هذا ترکیب حب للباه و قوة [illegible] [illegible]

فلفل [illegible] شکر سفید در ظرف چینی [illegible] [illegible] انداخته [illegible] [illegible] در [illegible]

نگاه دارند بعد از آن بقدر [illegible] [illegible] بخورند مجرب است [illegible] هو ترکیب [illegible] برای حمی که

سبب فساد رحم و احتباس فضولی رحمی که بعد زادن باشد [illegible] فلفل [illegible] مصطکی در عرق بادیان

عرق [illegible] چکیده [illegible] [illegible] تخم خیار [illegible] سفیده برآورده شربت [illegible] معتدل

[illegible] داخل کرده بنوشند و دیگر [illegible] [illegible] فلفل [illegible] [illegible] در عرق کاسنی

عرق [illegible] عرق [illegible] چکیده [illegible] [illegible] سوده [illegible] تخم خیارین.

سفیده برآورده داخل کرده شربت بزوری معتدل شربت دینار داخل کرده بنوشند [illegible]

و دیگر [illegible] فلفل [illegible] [illegible] در عرق نیلوفر عرق [illegible] چکیده [illegible]

[illegible] [illegible] سوده [illegible] [illegible] شربت بزوری معتدل داخل کرده خیارین

شیره برآورده ممزوج نموده بنوشند و دیگر نسخه بارتنگ خارکی حماض و عرق خارخسک
عرق عنب الثعلب بخور بنباشند هم تا و بماند صاف نموده بنوشند گاهی و در این نسخه خیارین تخم
خرفه شیره برآورده داخل کرده بنوشند و گاهی عوض نبات شربت بزوری داخل
کنند و دیگر لعاب بهدانه گل بنفشه گل نیلوفر عناب سنگطرا شیره تخم خرفه نیم کوفته
و عرق خارخسک عرق عنب الثعلب بخور بنباشند نیم تا و بماند صاف نموده بافاضه قرص ریوند
شربت بزوری بنوشند و گاهی ریوند چینی فقط داخل کرده بنوشند ایضاً [illegible]
نیم کوفته خیارین نیم کوفته گل بنفشه خارکی و عرق خارخسک عرق خارخسک بخور بنباشند هم تا و
صاف نموده شربت بزوری معتدل شربت انار شیرین ریوند چینی پاشیده بنوشند ایضاً
و دیگر نسخه عرق خارخسک عرق خارخسک عرق نیلوفر تخم خرفه خیارین شیره برآورده شربت بزوری
معتدل [illegible] ریوند داخل کرده خارکی پاشیده بنوشند ایضاً و دیگر نسخه عناب گل بنفشه
سنگطرا شیره خارکی [illegible] و عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب [illegible] کرده در [illegible] صباح [illegible]
صاف نموده شربت بزوری معتدل تخم خرفه [illegible] شیره برآورده بافاضه قرص ریوند
بنوشند ایضاً و دیگر [illegible] لعاب بهدانه گل بنفشه عنب الثعلب [illegible] عرق [illegible] گل سفیدی [illegible]

ممزوج نموده حمولات نمایند ها و دیگر بولس سه مثقال مغز فلوس شکر اسفنج عنب الثعلب ترنجبین

سرشت چوبیست اسپغول گاوزبان سبز آب برگ عنب الثعلب سبز روغن گل ممزوج نموده پنبه کرده

دارند ها فایده اگر حمی باشد بدید نمایند و طاقت ور مزاج در تشنه باشند حمولات غیر قوی

وغیره حادّه که تنقیه مقصود و زحمی نکنند استعمال کنند و اگر چیزی گرمی کند اصلاح آن بادویه مناسبه

کرده باشند ها فایده تجربه جزو دوا آورده هیله سفید خالص عرق بادیان عرق گاوزبان عرق جار شیر

بجوشانند سوم حصه نمایند صاف نموده بقدر ده توله وقت صبح ریوند چینی داخل کرده بنوشند

و وقت شام باز بقدر ده توله ریوند چینی یا قرص ریوند چینی ممزوج نموده بنوشند و وقت هر دو اگر

ذکر اعمال مجرب

احتیاج باشد نیز بدهند ها این عمل از سابق نوشته بود اینست بسم الله الرحمن الرحیم الم تر کیف یا حبیبک

فعل ربک یا سمیع بأصحاب الفیل یا کافی … الم یجعل کیدهم یا … فی

تضلیل یا … وارسل علیهم طیرا ابابیل یا … ترمیهم بحجارة یا … من سجیل

فجعلهم یا … کعصف مأکول یا … رحمتک یا ارحم الراحمین فضیلت این سوره

مبارک برین منوال است که اگر برای کشود رزق بخواند اول ماه بوقت نیک و روز سعید

شروع نماید لازم است که در چهل روز یک لکه بیست و پنج هزار بار خوانده و زکات داده در عمل

خود باید بار هر روز وقت صبح ببت و یکبار بعد نماز فجر بخوانند تا بیند ان الله تعالی صاحب

دعوا گردد و اگر در حب دوستان هر کس بخواند بر شکر و یا بر شیرینی و یا بر کشمش بعد صد و چهل و یکبار بخوانند

نفث کرده بخورانند مطیع گردد و اگر برای نفاق و یا کشتن کسی بخوانند اول ماه بتاریخ سه شنبه

روز سه شنبه و یا روز زحل باشد و ساعت هم همین باشد و عنکبوت بهر از بیت تری

یک تصویر صورت بوسه و در گور کهنه دفن کند و یا ریک کنک بعد از یک بار خواندن نفث

کرده زیر آتش دفن کند ان الله تعالی مقاصد کلی حاصل گردد بسیار مجرب و نافع است

و آزموده است لیکن باید که نام آنکس و نام مادر آنکس اگر عورت باشد بگیرد و اگر مرد باشد

بنام آنکس و نام پدر آنکس بگیرد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ثم انزل علیکم من بعد

الغم امنة نعاسا یغشی یا سرکطائیل یا طاطائیک یا اطرائیک یعنی طائفة

منکم وطائفة قد اهمتهم یظنون بالله غیر الحق یا سرحاکیک یا بوباثیک یا حرلاده

انفسهم

ظن الجاهلیة یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا هاهنا یا دردائیک

یا عرائیک یا اطفائیک یا حموائیک یا جمائیک قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الذین کتب

علیهم القتل یا تلفائیک یا بهکائیک یا نورائیک یا سمعائیک مصفحی الی

مضاجعهم

الفتاح هو الوهاب الرزاق الباسط الی مفاتحهم ویفتح الله یا ممکناتک یا سحائبک

یا فوائدک یا احرازاتک یا اسرافت مانع صدورکم و للمحیص مانع قلوبکم یا اهرایک

یا خلقائک یا مکتفیک والله علیم بذات الصدور برحمتک یا ارحم الراحمین صفت

این آیت بزرگ برایم منوال است که اول ماه بوقت تنگ در روز یک خواندن

شروع نماید و در چهار روز و گانت یک یک لک هزار بر بهد تا که در عکس خود باشد

بعد از آن برای کشف رزق بخواند هر روز یازده بار زیاده بعد از نماز صبح رو بطرف

قبلت بارده نفس سر برهنه و یا برهنه ایستاده بخواند باشد که در رزق او کشف و روز

بروز ترقی باشد و اگر برای کسی دیگر بخواند چله کشیده چهار روز بطور دگانت بخواند

و نبوی بیوراندان انه کای چله کشنده بخواند که مقصد او بمراد رسد بر هر مقصودی اگر حکمت عورت

وار دیگر و این آیت بزرگ را هر ریحان لقصید لبت یکبار خواند بطور گنده گره واده در کمان

عورت ببیند و از فضل ایزد پاک ممکن قائم مانده صابع نشود بسیار مجرب ست و از کوکا

ولقش متبرکه آن آیت بزرگ اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

٥٧٤٦	٥٧٤٣	٥٧٤٠	٥٧٣٧
٥٧٤١	٥٧٣٦	٥٧٣١	٥٧٤٢
٥٧٣٥	٥٧٣٩	٥٧٤٥	٥٧٣٢
٥٧٤٢	٥٧٣٣	٥٧٤٤	٥٧٣٩

اگر یک لکه لیت هر از آن باید چون آن را شنوا بندد و سیف بکورد لیت هم هزار چاه دفعه بخواند

و کاف بشود و هیئت شروع نماز جمعه را بقضاء عمل بخوانی چند مرتبه بیع فاتحه دامن

شروع نمایند و در این انا بها از هر چیز پرهیز کنند بسیار نافع و مجرب است و در کار نوعی هم

مفید است باید باشند و هر قدر بیشتر یع با صباح با و صبور روز روی جمع نخیت نمیحه همان ساعه محمد عمر

گوالیری فاتحه داده کسی بزرگ با بخوانند و شروع کرده و کلمات و هم ها ها

بلیغ بلغ

دستور العلاج نواب امین الدوله فرزند خان بهادر در بیرجیک انچه در عقل ناقص آمده رسیده

نواب صاحب را یبس طبیعت و قبض بواسطه سبب احتباس دم سوداوی در کبد یا بسبب حس مزاج ماکه الشک

زمینه باشد و یا سده کبد بسبب احتباس دم سوداوی در کبد یا بسبب حراره کبدی احتراق دم سوداوی

در کبد باشد و آن محتبس بود در کبد بسبب احتباس آن یبس طبیعت و سده کبد مستولی شده باشد

و قبض بواسطه بسیر سبب رودات کبد و طحال و معده متولد میشود و خواه یبس معده یس امعا که شده و خواه شده امعاء معاد

که بسبب احتباس ماده باشد و ز معده یا در امعا باشد و آن بسبب رودات کبد میشود عوض سبب رودات

کبد و یبس آن زودتر موجب معده و امعاء میشود باید هر چند این امراض فرزند عسر العلاج است لیکن ان

استعمال

بو بنیه تخفیف مرض شود استعمال کلی این مکمل نسبت باید که طریق معالجه ان چند طریق تحریر نموده چنانکه

اگر در اوقات بهمین نهج استعمال کردم فایده بسیار شد و در هر حالی لحاظ معده و کبد و طحال باید کرد

و از بکار بردن ادویه حاره و بارده که سبب تیبس مزاج است احتراز باید نمود که چرا چنان نشود که موجب قولنج

گردد و از بکار بردن ادویه مبرده نیز احتراز کرده باشند و لحاظ کنند که اگر آن موجب استفراغ و ضیق

النفس نشود و از بکار بردن ادویه قابضه پرهیز کنند چرا که سبب استعمال آن موجب ازدیاد یبس و حبس مزاج ازدیاد

و خطر قولنج خواهد شد و در هر لحظه لحاظ یبس طبیعت و لحاظ معده و یبس آن و ضعف آن و لحاظ

کبد و طحال و یبس آن و ضعف آن نموده معالجه آن کرده باشند و در اوقات قلیله عدد غلظت

شده الاحتیاج مطبوخ محلل ریاح به لحاظ مرض و یبس طبیعت و لحاظ اطراف و جوانب کرده استعمال

کرده باشند و اگر مناسب وقت باشد گاهی گاهی برای دفع حرارت مطبوخ و یبس مزاج و وقت شام

خواه جوشانده یا خیسانده یا نیم برشته با ادویه مرطبه مناسبه به لحاظ معده و کبد و طحال در نشسته باشند و گاهی

معالجه شده کبد که در تحدب کبد باشد با ادویه مدره بهم ادویه مرطبه مناسبه که رفع یبس مزاج هم نمایند

استعمال کنند و گاهی معالجه شده کبد که در تقعر کبد باشد با ادویه ملینه بهم ادویه مرطبه مناسبه

استعمال کرده باشند غرض آنکه معالجه تواند حسب بکمال دانائی و تعقل مبذی بجمیع مراتب حرارت لحاظ

کرده و رعایت یبس طبیعت و یبس معده و کبد و طحال و ضعف آن و صغر آن و لحاظ یبس امعای و غیره

ملحوظ و نوشته بدینرا استعمال ادویه کرده باشند که جزئی خطا رفی المعالجه باشد در جای نوشته‌ام اگر

بدین طریق لحاظ کرده معالجه خواهند کرد هر گاه از خطار نخواهد شد والله العالم ها هو طریق استعمال شیره مفتح گرم

سود کنند است و اصلاح کنند و طلا میکنند میکنند و سر شیره و در استسقار استعمال میکنند برای جذب

رطوبت و تنقیح شده و برای بستن مزاج نفع نخواهد کرد و شود الکلاب استعمال نمودم بسیار فایده بخشید

اول باید که شیره ماده را با احتیاط تمام نگاهدارند و غذا جو نقیذ در سه اثار بدهند و جاره از تعولان

سنبل بابک و خرفه و کاسنی و بادیان هر چند که معتقد معوج است لکن بلین آب و بابونه و ساک

بنهوه و ساک بابک که ملین است و ساک سنبل که مقوی معده است و برگ سنا بهر دو هم حرالگد

او خاب استعمال دارند اول شیره نقیذ زهم بادام ماجدر کم در سه روز فقط بدهند که موافقت مزاج کنند

بعد با شیره بسبب سنبل شربت ضروری گاهی شربت و بنار گاهی شربت گشوت گاهی شربت اصول و گاهی شربت بزوری

موتر و گاهی با اضافه حب مقل و گاهی حب صر ان نسخه آن نوشته خواهد شد و گاهی با اضافه حب حفص که نسخه

آن نیز نوشته خواهد شد و گاهی حب ریوند که مقوی شده است نسخه آن نیز نوشته خواهد شد و گاهی حب گسوبلا

با اضافه قرص الملک و الافسنتین والعرعث والزرک بدهند که مفتح بسیار اند و گاهی حرادالملک با اضافه و

الاکم سیداده باشند و گاهی عبد القبض تحسین و شیر خشت حل کرده با اضافه روغن بید انجیر گاهی با اضافه روغن بادام

گاهی

گاهی با عصاره اذخر گلقند لیمن لطیف و گاهی سکنجبین بزوری و سکنجبین ساده
گاهی شربت لیمون ممزوج نموده و ما پس نیز در مرض حافظ گروه استعمال
دارند و کمی و زیاده بسیار برای طبیب است وقت شام عرق [illegible] نسخه
آن نوشته خواهد شد عرق ماءالجبن نسخه آن نیز نوشته خواهد شد عرق [illegible]
نسخه آن نوشته خواهد شد عرق محلل ریاح نسخه آن نیز نوشته خواهد شد آب انار
شیرین [illegible] به دانه با اضافه شربت بزوری گاهی با سکنجبین بزوری گاهی با شربت انار
شیرین [illegible] با ترش و گاهی [illegible] و گاهی اضافه شربت دینار و گاهی با شربت لیمون
و آنچه از اشربه مناسب باشد و گاهی با شربت گاوزبان عرق [illegible] و عرق
های مناسب مزاج و ما پس نیز مزاج و اطراف و نوائب مرض ملحوظ داشته
استعمال کرده باشند وقت خواب بعد از غذا یکی یک مرتبه نسخه آن نوشته خواهد شد
با اضافه حب مقل گاهی حب صبر گاهی حب [illegible] و گاهی حب [illegible] استعمال دارند و گاهی
در [illegible] شربت بزوری و گاهی شربت [illegible] نسخه آن نوشته خواهد شد باید که تمکین حافظ
کنند و معده و طحال و پس از آن [illegible] امداد شده آن و ضعف همه [illegible] ملحوظ

دارند چنانچه شود که بسبب اذیت معده وکبد وطحال موجب استسقا شود
وماده بواسیر نیز باعث اذیت مزاج معده وکبد وطحال متولد میشود
واکثر اوقات از استعمال ادویه حاره یا شربه خطر باید گردد لهذا مبادا سبب
موجب فتح نه شود واکثر اوقات استعمال ادویه مبرده ومرطبه مع مفتحه معده ملاحظه شده
وکبد وطحال منظور دارند باقی محافظه بیماری رای طبیب است والله اعلم تدبیر بواسیر
بدستور دیگر برای نواب صاحب بهادر اول باید که فصد اسلیم کبد وطحال [illegible]
بسیار وارد یکه فصد باسلیق بقدر طاقت مزاج بعد از سه روز تلطیف تدبیر
همچو فصد صافن کردم سودای محترق بادم بواسیر که محتبس شده علت
در کبد وان باعث پیش طبیعت فساد مزاج کبد ومعده شده وباعث سده
کبد وامعاء نیز علت اخراج باید گردد واگر طاقت فصد نباشد اخراج
آن بدیو چند زلو برگردد بواسیر وچند زلو با باین سرین متصل مقعد
وبابین ورکین وچند زلو در هر دو ساق پای استعمال کند هرچند که نسبت
فصد تاثیر نیست لیکن سبب لا علاجی چه باید گردد بعد از ان اگر طاقت
مسهل باشد

اوقات

علت

[illegible]

مسهل باشد بطریقی که نوشته خواهد شد دوره مسهل دهند بعد از آن استعمال عرق چوب چینی که نسخه
آن نوشته خواهد شد بطریق معمول مفرد یا مرکب مثل معجون چوب چینی یا قدری بجهت تتمه دیگر توقف نمایند
یا فقط با شربت مناسبه یا همراه مطبوخات مناسبه دیگر استعمال کرده باشند و گاهی گاهی اگر زمان
وقت دهند و در آن سال هر روز خوردن معجون مصطلح آن بدستور معمول مع قواعده ملحوظه استعمال کنند
بدارچینی و دیگر هست تعریق از چوب چینی بدستور معمول بقدر ضرورت نیز استعمال کرده باشند که این
طریق برای مزیل یبس معده و کبد و طحال و امعاء تنقیح شده ها منافع بسیار خواهد کرد و وقت را آنچه
مناسب باشد استعمال کنند و باقی تدبیر مزاج مناسب بملاحظه معده و کبد و طحال و اصلاح آنها منظور
باید کرد والله اعلم قاعده باید که اول مفتّحه چنان استعمال نماید که در سوداوی بواسیر که محتبس است
اخراج شود مثل حلبه و کرفس و دارچینی و ریوند چینی و زراوند و غیره بدستور معمول بطریق عمل معمول و بطریق
استفاد استعمال کنند و بعد از آن اصلاح حرارت و اصلاح معده و کبد و طحال [illegible] بدستور خواهند
خود استعمال کرده باشند و در حابس دم بواسیر خلل بسیار عظیم پیدا میکند اخراج آن ضرورت است
طریق دیگر دستور معالجه بواسیر که دام افتاده باید که از فصد باسلیق و صافن و یا فصد بالعرق و حجامت
یا نیش زالو یا مسهل بقدر طاقت بعضی که اخراج ماده سوداویه بالغه تحقیق در کبد باد ریح

و یا در امعا و یا در طحال میکنند و از فصد جراحت ورم سوداوی محرق باید بول اسپر که محتبس گشت در بعضی باید

کبد و یا در طحال است میشود بیدار و در عرقت فصد و تنقیه ماء الجبن از شیر شتر بدستور معمول بقدر یا هم طبیعت کرده یا شیر گوسفند

و از سرکه شده که مفتح است باید سکنجبین ساده قدری کاوزبان در جگر گشته و در شیر اندوخته بجوشانند و قسمی که

که شیر از سرکه و غیره مناسب المزاج تازه شود و از حیوب الجبن حرکت بدستور ماء الجبن باید کرد از جباره

بارچه که مدر سه کرد صاف نموده شربت سکنجبین عنصلی گاهی شربت افتیمون گاهی شربت بزوری و گاهی

شربت دینار و گاهی شربت گاوزبان و گاهی شربت های دیگر موافق مزاج و بر وقت مناسب داخل

کرده به حصه نموده بدستور معمول نوشیدند و گاهی با قرص لک و افسنتین و ترس و گاهی با معجون لک و کرکم بدید و گاهی

با اضافه حب صبر و گاهی حب مقل و گاهی حب ریوند چینی و گاهی حب غافث و گاهی حب لاجورد و گاهی

و گاهی با اضافه روغن بیدانجیر و گاهی با اضافه روغن گل و گاهی همراه ماء الجبن قدری ماء اللحم

با عرق مقل و غیره و تریاق اکبر مناسب باشد باید و به مناسب مزاج و مرض و یا انچه به مناسبه

استعمال کرده باشند و ماء الجبن بضعف معده و کبد است و وقت شام اصلاح معده و کبد نیز کرده باشند

و گاهی در بادی علی رای طبیب فایده بسیار خواهد کرد چراکه تنقیح سده ها و فرج بس معده

و کبد و [illegible] [illegible] و بول اسپر را نیز فایده دارد و برای اخراج ملائمه در کبد و معده بسیار طحال

فایده

قابض بخشند و بعد از شش روز از استعمال ماء اللحم ماء الجبن با مسهل و در ماء الجبن تخم خشخاش. مغز فلوس ۵ تولہ ۵ تولہ

۵ تولہ بسته خشت حل کرده یا باضافه روغن بید انجیر یا باضافه روغن گل یا روغن بادام بدهند و گاهی

باضافه حب لاجورد یا باضافه حب صبر یا حب دیگر مناسب باشد بدهند و بعد از آن در روز

چهاردهم بار مسهل دهند منضج و در روز بیست و چهارم بار مسهل بدهند و اگر از اوقات و استعمال

ماء الجبن بطریق از چوب چینی بدستور معجون بشرط مانع نباشد مبدأ باشند منضج شده

کلیه و پیش از نزع احتباس دم سوداوی و یا ماده سوداوی در منضج باشند یا در کبد

یا در امعا یا در طحال که موجب پیش و سده است چهار روز خواهد کرد و بعد از فراغت چهل روز

یا البته یک روز بر قدر که مناسب باشد اصلاح مزاج نموده و کبد بملاحظه مرض مذکور اراده و مناسبه

و از نقرات مناسبه و از شربتهای و از جوارشهای و غیره آنچه مناسب باشد استعمال دارند

در طبیعت که وصف علی شود و اگر استعمال چوب چینی خواه بطریق طبخ یا طریق معجون و نان و .

بدستور معمول خورده موجه لحاظ مرض و مناسب مزاج بعد تعریف آن بدستور معمول کرده باشند

ازاله پیش نموده و کبد و طحال و تفتیح سدها و اخراج احتباس ماده سوداوی و پیش اعضا

و کبد و طحال که سبب احتباس دم سوداوی مایل است بلکه سوداوی نموده خارج خواهد کرد و با استیار

خواهد بخشید و علت بواسیر بدانتر خواهد شد و اگر احیانا طبیعت بسبب مالیدن انگشت

مایل شود بجانب دیگر دارد باید که بملاحظه اطراف و جوانب مرض بر عادت دیگر دیگر

وطلاها باد ویه خواه مای الجبن وخواه استعمال حرب مخصوص باشند باد ویه بطریق دیگرها ارشاد

استعمال انکرده باشند وار ادویه حاره باشد و تا نصه بلحاظ باید کرد چرا که در استعمال

آن خطر بسیار است والله اعلم بالصواب **مرکب جوشانده** رقعه برای بواسیر جهة حمی و حرارت

مزاج که بسبب صوم باشد و بیش طبیعت ورفع قبض بسیار فایده بخشد گل بنفشه گل نیلوفر

تخم خطمی اصل السوس عناب الحمر زرد سپستان مویز منقی دارچینی درسیم انار آب لیمو

نیم باو بماند صاف نموده شربت بنفشه شربت نیلوفری معتدل داخل کرده با فاده خالی

بنوشند چهار تجربه دارد کشد با کمال رفع کرد بدانها **مرکب دیگر جوشانده** جهة حرارت

مزاج و بیش طبیعت یا بسبب استعمال ادویه حار یا حمی عارض شود گاو زبان گل گاو زبان تخم خطمی تخم خبازی

گل بنفشه ریشه خطمی درسیم انار آب لیمو بنوشانند با و بماند صاف نموده شربت بنفشه شربت نیلوفر

معتدل داخل کرده خالی بنوشند . یا شیره تخم خیارین مویز تخم کدو شیره برآورده داخل

کرده بنوشند و گاهی پوست عناب اسپغول اضافه نموده بدهند مفید خواهد شد و گاه

یا تنک روغن بادام چرب کرده با شیره بید بید عسل اخراج و لورسیم با جوالط باشد

بضمادها بدارو ها ضماد دیگر بسبب ریاح و کبد وطحال ومعده متولد میشود باید که ضماد

ربیع با ادویه محلل ریاح وزایل صلابت ومسهل واصلاح آن کنند سه روز ربع سه روز

ضماد برکبد با ادویه مفتح ومحلل وزایل صلابت واصلاح آن ومفتح سده وزایل حرارت بسم و بعد ضماد

کنند وسه روز بر طحال نیز با ادویه نضیجه سده وزایل صلابت واصلاح آن ضماد کنند همین بطریق

سه سه روز ضماد کرده باشند تا که اصلاح جمیع اعضاهای سودمند شود ها ترکیب دیگر جهت تا کاسر ریاح

و داخ بس برای تحلیلی تحلیل کنند بابونه اکلیل الملک دارچینی صعتر فارسی ورنیم اناراب نخود بباید

نیم باید با بخار ضماد نموده شربت زوری معتدل ممزوج ساخته بنوشند گاهی با اضافه روغن کل

وگاهی با اضافه روغن بادام بنوشند ها ترکیب دیگر محلل ریاح بابونه اکلیل الملک

دارچینی زنجبیل صعتر فارسی بالان نبات خطائی ورنیم اناراب نخود باشد نیم باد و باید ضماد سفوف نموده

با اضافه معجون کمونی با روغن بادام ممزوج نموده بخورند ها وگاهی با اضافه اطریفل صغیر

ممزوج با روغن بادام بخورند ها ترکیب دیگر محلل ریاح هفت بیخ بابونه صعتر فارسی زیتون برگ

سداب دارچینی عود غرقی نبات ورنیم اناراب نخود باشند نیم باد و تمام ضماد سفوف

بنوشند و گاهی با اضافه معجون کمونی بطعام اطریفل مسهل بعد تلیین ممزوج روغن بادام بخورند

و دیگر از آنچه نفع بخشد افسنتین رومی بسپستان صندل سفید نیم کوفته بوده جوشانیده عرق گاوزبان برگ سداب

[illegible] نموده لعاب [illegible] اثمار [illegible] بادیان [illegible] نموده با اضافه اطریفل

صغیر روغن بادام چرب نموده بخورند [illegible] برای حرارت [illegible] مردم

قبض [illegible] آب انار شیرین [illegible] ماء اللحم [illegible] لعاب گرفته

اسپغول لعاب گرفته ممزوج نموده شربت [illegible] شربت بزوری معتدل گاهی شربت دینار

با اضافه تخم بالنگو روغن بادام چرب کرده گاهی تخم ریحان روغن بادام چرب کرده با

و گاهی خاکشی با شیر [illegible] بنوشند و گاهی شربت [illegible] گاهی سکنجبین بزوری گاهی شربت انار شیرین

گاهی شربت انار ترش گاهی [illegible] ممزوج نموده گاهی شربت ورد مکرر بنوشند [illegible]

برای [illegible] طبیعت که سبب احتباس ماده سوداوی و یا سبب احتباس دم سوداوی در عروق [illegible]

و برای رفع حرارت مزاج و رفع قبض [illegible] آب [illegible] ماء اللحم [illegible]

[illegible] تخم [illegible] تخم ریحان [illegible] لعاب گرفته و گاهی لسان الحمل

لعاب گرفته با اضافه شربت دینار شربت بزوری معتدل [illegible] کرده تخم بالنگو [illegible]

[illegible]

با اسپغول بروغن بادام چرب نموده بنوشند و این ترکیب در موسم گرما باید بود و در موسم سرما

نیم گرم کرده با اضافه جوشانده کرده بدهند و دیگر نسخه که ما را عمده ضرورت

گاوزبان گل گاوزبان گل خطمی در آب آلوبخارا آب تمر هندی آب مویز بهدانه لعاب گرفته

تخم کتان لعاب گرفته نیم گرم کرده لعاب گرفته ریحان تخم خرفه عرق بید مشک حل کرده باز صاف

نموده با اضافه شربت گاوزبان گاهی شربت بنفشه و شربت نیلوفری گاهی شربت بهار روغن بادام

اضافه نموده بنوشند و در موسم سرما نیم گرم نموده با جوشش داده بدهند گاهی شربت در دیگر

برف و یخ سرد نموده بدهند و دیگر نسخه گاوزبان در عرق گاوزبان آب انار شیرین

ماء اللحم مرکب عرق نکوره تر کرده لعاب گرفته شربت بزوری معتدل شربت انار شیرین با صاف

اسپغول بروغن بادام چرب کرده با اضافه جوارش مذکور مرکب بنوشند گاهی شربت در دیگر

برف و یخ سرد کرده بدهند و مرکبه دیگر نسخه عند ضرورت جهة حرارت مزاج آب تمر هندی

آب آلوبخارا آب مویز بهدانه لعاب گرفته اسپغول لعاب گرفته با شربت بزوری معتدل

تخم ریحان بروغن بادام چرب کرده با اضافه جوارش مرکب بنوشند و گاهی آب انار شیرین میدانه

اضافه نماید و در موسم گرما و در موسم سرما نیم گرم کرده با جوشش داده بدهند و گاهی شربت دیگر

و مج بسیار کرده بجوشند ۰ طریق دیگر حبه الخضرا و قبض آن بسیار جایز بلکه جوز و حفظ الصحت بطلق

بادیان کشته دو مثقال موبیز منقی همه را در آب شب تر کرده و در روز صباح بقدری مالیده بیارند صاف

اکثر مقدر تخم ریحان بروغن بادام چرب کرده و گاهی باضافه اطریفل مقل ملین روغن بادام برروغ

نموده بنوشند گاهی اطریفل صغیر با روغن بادام گاهی اطریفل موبیز با روغن گل تبرید نموده

بنوشند و گاهی همون حیثا فقط بنوشند و عقب آن گلقند مربی بخورند ۰ طریق دیگر

ملین بادیان کشته موبیز منقی شب در آب تر کرده و در روز صباح مالیده صاف نموده باضافه اسبغول

با روغن بادام چرب کرده و گاهی با اطریفل مقل ملین با روغن بادام و گاهی با اطریفل موبیز

با روغن گل و گاهی با اطریفل صغیر با روغن گل بنوشند و امثال اینها چنانچه در کتاب جرابادین مسیح

طبیب و دوافع قبض در دستور براق نوشته شد و در فواید بیماری نیز نوشته شده معلوم خواهد شد اگر اتفاق

باشد ملاحظه باید کرد ۰ طریق دیگر عرق گاوزبان عرق کاسنی عرق عنب الثعلب شربت بزوری معتدل

گاهی سکنجبین بزوری گاهی شربت دینار گاهی شربت لیمون گاهی سکنجبین ساده بهمین طریق با ادویه

مناسبه و باشربه مناسبه و با حبوبهای مناسبه و با جوارش مناسبه المزاج بر رعایت مرض و طبیعت

درشنه میداده باشند ۰ طریق دیگر برای مزاج حار و طبیعت جدا ابلی اقوام ماده سوداوی

ابلی

مسهّل مجرّب است در صرع باورکیبد با اضافه تمر هندی آلو بخارا مویز منقی برگ سنا گلسرخ گاوزبان در آب گرم

تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده اسپغول لعاب گرفته تخم ریحان لعاب گرفته داخل کرده

ترنجبین شیرخشت فلوس حل کرده باز صاف نموده روغن بادام داخل کرده باضافه خمیره بنفشه

تربد سفید مقشر روغن بادام شربت دینار ممزوج کرده بخورند بالائیش خیارین مذکور بنوشند بلغ

نوع مسهل دیگر گاوزبان گل گاوزبان تخم خطمی گل بنفشه گل نیلوفر ریشه خطمی تخم خیاری گل خطمی

بادرنجبویه تمر هندی آلو بخارا انجیر زرد مویز منقی برگ سنای مکی گلسرخ گل قند افغانی شب در آب گرم سازند

الحرارة تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده تخم ریحان تخم کتان [illegible] لعاب گرفته ترنجبین شیرخشت

فلوس حل کرده باز صاف نموده روغن بادام داخل کرده اسپغول بروغن بادام چرب کرده با سبوس

بنوشند گاهی شربت بنفشه وگاهی شربت بزوری گاهی شربت سنا مذکوره وگاهی شربت دینار وگاهی

باضافه روغن بیدانجیر وگاهی باضافه تربد سفید بروغن بادام چرب کرده وگاهی با حب لاجورد یا روغن

بادام چرب کرده وگاهی با حب ایارج بروغن بادام چرب کرده گاهی با ایارج فیقرا بروغن بادام

ممزوج نموده بنوشند وگاهی با شربت درد کمر [illegible] مرکب عرق مسهلات [illegible] ترکیب نو [illegible] داده ام

بکثرت استعمال نموده ام باید که تجربه آن باید کرد هو اضافه گل بنفشه گل نیلوفر تخم خطمی تخم خیاری

گل خطمی بادرنجبویه گاوزبان فلک گاوزبان برگ فرنجمشک تخم کاسنی نیلوفر بیخ کاسنی عنب الثعلب

اصل السوس عناب آلوبخارا آلوبالو آلوگیلی سپستان الحرز و تمر هندی قنطوریون دقیق ارسانیلوفر

تبتاج سقی افتیمون ورد بوعلی بسته برگ شاهتره اسطوخودوس مقشر الذره ترنجبین شکر سفید تفه

همگونه توت سیلیه کابلی توت سیلیه زرد هلیله سیاه زبوبحتی ورد بوعلی بسته گلسرخ فلک عبدالقادانی

همه را در چهار آثار آب گرم شدید الحرارة شبانه روز تر کرده دارند بعد از آن بجوشانند

و در بادیه ازآرد خمیر کرده که دود بیرون نه براید و کیفیت آن را برکیسه اجلاب بشود آثار آب باید

ماالیجه برنجسی سر خشت سورنجان در آن حل کرده درو بلچه داخل بوده بدستور معمول بردل حشر

بقدر ثلث زیاده باید عرق کشید و بنوشند اگر قوی خواهند باشد برنجسی سر خشت برنجسی در آن

عرق حل بوده با اضافه شربت سفید شکر روغن بادام چرب کرده و بقدر شش ماشه روغن بادام

و بگیر در آن داخل کرده شیر گرم بنوشند و اگر زیاده از این قوی خواهد شربت و بیار گلهای شربت

شتا کاهی شربت ورد و بکر رود داخل کرده بنوشند بلیغ روغن بادام بقدر شش ماشه در آن اضافه

بوده بنوشند و اگر زیاده تر از این قوی خواهند باید که تمر هندی آلوبخارا برگ سنا مکی گلسرخ

گل قند اصفهانی در آن عرق تب تر کرده دارند صباح ماالیجه صاف بنوده برنجسی سر خشت

ملاحظ

حل کرده با زعفران سوده روغن بادام در حل کرده شربت و بسیار گاهی شربت سنا ممزوج سوده

باضافه تربد سفید مقشر روغن بادام چرب کرده بنوشند گاهی باضافه خیره بنفشه مقوی جگر تربد سفید

مقشر روغن بادام ممزوج کرده بنوشند و طریق دیگر آنست که اول یک چیزی یا انیسون خیره

ازان حمام و در دیگر چیزی بر دیگ بپزند آنرا بقدر دو انگشت از ته دیگچه فصل داده ببندند تا بهیکه

بخاری یا انیسون در اندرون دیگچه اول نگاه دارند و بر چیزی یا بر دیگچه یا انیسون او به تمامی دور

دریم پایه باد و آب حمام سه شبانه روز بر کرده باشند نگاه دارند و تبخیر [illegible] و منو ملوس بخیر

ممزوج سوده در بسیم اگر الکا بدارند و یک پیاله چینی که دران هم انار آب کشند بر دهان و یک او زیر آن

کنند و مثال حرارت غیر عرق کشند و اگر آب در او و به جلک باشد بقدر احتیاج در آب اندازند و عرق

کشند و در استعمال نمایند و باقی ترکیبات علاج برای طبیعت و از خوشبوی کردن منظور باشد عرق بیوره

و عرق بید مشک و گلاب داخل کرده استعمال نمایند و گاهی باضافه شربت ورد مکرر بد سفید معمول

استعمال کنند بوار کسر صناعی تجربه باید کرد و مراتب احتیاج دوید منه که مفتح سده کبد و استسقاء

است و اخراج ماده بحسب فی ربیع و کبد و طحال می نماید مجرب است باضافه زرتوتیه چینی افتیمون رومی

وارچینی صبر سقوطری مغز بزرق و در آب کنند تا حل کرده بهم پرعن کوفته تخته تخته جات ها بقدر مثقال

نپفتند

بسته نگاه دارند وقت حاجت بقدر یک مثقال یا زیاده علی رأی الطبیب همراه عرق معمول یا همراه شیرخشت

یا ماء الجبن یا شیرخشت یا ترکیب دیگر یا عرقهای مناسبه و یا شربتهای مناسبه علی طریق معمول خورانند

به لحاظ حرارت مزاج و یبس طبیعت و پاس مرض و رشته میداده باشند تا وقت خواب همراه عرق [illegible]

خورانند موافق مزاج و مرض بدهند والله اعلم ترکیب حب [illegible] برای نوازل حب ترتیب داده

برای مرض مذکور فایده دارد صبر سقوطری یعنی ایلوه اگر ایارج [illegible] یک مثقال گرد عرق [illegible] در کرای
نیم مثقال ۳ مثقال بقدر یک بار

آهنی بر آتش گرم کرده بسیار تا آنکه [illegible] کوفته شود و بعد همه را ساییده در میان [illegible] بطور

با تکلیف [illegible] حل کرده حبها به مقدار [illegible] و بسته نگاه دارند یک حب وقت

صبح همراه شیر تازه یا عرقهای و شربتهای و یا با جوشانده مناسبه المرض بدهند و علی هو وقت

خواب همراه عرق یا وقت شام همراه آن و به مناسبة المرض میداده باشند ترکیب حب جعفریه برای

نوازل که جهت بواسیر بادی و [illegible] و قبض طبیعت ترتیب داده هذا صفة حب جعفریه مقل ازرق مصفی
۲ مثقال

مقل را در آب گندنا حل کرده [illegible] را کوفته [illegible] با پوست سیر آب بگیرند و در کرای آهنی
۲ مثقال

در بسته [illegible] نرم بقوام آرند و [illegible] بقوام آید ادویه مذکور در حل کرده تا آنکه [illegible] حل کرده تا یک پهر

حبها ساخته حب بقدر نخود با برگ نبات [illegible] نگاه دارند [illegible] مثقال همراه ماء [illegible]
۵ توله

عرق شیر عرق نقل عرق بنفشه شیر بزوری معتدل گاهی شیره تخم خربوزه گاهی شربت ترنجبین گاهی

شربت دینار گاهی شربت دارو مکرر گاهی با شربت سنا گاهی با اضافه روغن گل گاهی با اضافه

روغن بید انجیر گاهی با اضافه روغن بادام گاهی ترنجبین شیر خشت حل کرده با شربت دارو مکرر

داخل کرده بنوشند و گاهی وقت خواب همراه مرتبه معمول بدهند و گاهی با ادویه مناسبه جوشانیده صاف کرده

با اضافه کرده بنوشند ضمادهای مناسب مزاج باس مرض و بیش طبع داشته بدستور معمول میداده باشند

فایده گاهی حب صبر با شیر خشت و روغن بید انجیر و گاهی با روغن گل و گاهی با بادام الیم و غیره که مذکوره

و با شربتهای مناسبه مثل شربت سکنجبین دیناری و گاهی شربت سکنجبین بزوری و گاهی با شربت افتیمون و گاهی

همراه دیگر موافق مزاج میداده باشند لیکن باس مزاج و مرض داشته بدهند و گاهی با شربت مویز و گاهی با شربت

سنا و گاهی شربت دینار خواه بوقت شام خواه بوقت خواب میداده باشند والله اعلم رای طبیب است فقط

فایده روغن بادام یا روغن گل و بابونه و قسط و روغن فستق و روغن فندق قدری مصطکی و زعفران

داخل کرده خواه مفرد و خواه مرکب گرم کرده بر کبد و بر سینه طحال و بر اطراف و بر کلیتین و بر عانه بسیار مالش

کرده باشند بسیار فایده خواهند بخشید فقط نسخه مسهل بنه جر ستو طری متقل ازرق زعفران کتیره

تعقل را از ان کنند ناحل کرده نگاه دارند بعد از ان آنچه باقی ماند با و مقطر کرده یا غیر مقطر در کار

تا ایشان در رشته یا نفس نرم شود از عرق و هرقی که بقوام آید بهم او و به ما ممزوج ساخته تا اینکه بدار الکه نیم حال کرده

حب های فلفل سیاه بقدر نخود یکبار بدو قدر شربت بقدر یک مثقال زیاده و گاهی علی رای طبیب با شربت بار اول

بعد از آن با آب عرقهای مذکوره مناسبه و با شربتهای مذکوره مناسبه و بوقت شام باد او و بجوشانده با

جوشانده با آب عرقهای مناسبه و با شربتهای مناسب المرض و مناسب الوقت و گاهی وقت خواب

با وقته معموله بدستور معمول با این مرض و مزاج در رشته میداده باشند والله اعلم **ترکیب عرق بلیله منه**

برای نواید جاب دام ... بلیله زردی پوست بلیله زرد پوست بلیله کابلی پوست بلیله مقل ارزق

تخم ... با ... سنبل ... همه را در آب کنند تا اگر ... عرق ... سنبل بدستور معمول

در ... زور ... عرق کشند و بدستور معمول مذکور مناسبه با این طبیعت و مرض در رشته استعمال

کرده باشند والله اعلم **ترکیب ساقی رشته** ... بادیان ... بادیان کاسنی ... کاسنی علت

... تخم ... تخم کرفس ... کل ... کل نیلوفر تخم ... در ... بسته ... در ... بسته

کاوزبان کل کاوزبان بادرنجبویه ... تخم کشنیز ... مقل ازرق هلیله سیاه قصب الذریره ... بلیله زرد

پوست بلیله کابلی ... پوست بلیله ... تخم ... کل قند ... اصل السوس صبر ...

... گشنیز ... پرسیاوشان کل ... تخم ... روغن ... ریوند چینی در ... بسته

[illegible]

شکر سفید عسل مصفی آب برگ کیسنه تا آب برگ کاسنی آب برگ عنب الثعلب [illegible] اعرابی [illegible] سیاه [illegible] روز [illegible]

های بر کرده دارند بعد از آن [illegible] و داخل کرده و بوتلی زعفران بدستور نگاه دارند و عرق کشند و اگر گوشت

حلوان گوشت کبوتر گوشت دراج [illegible] بدستور روغن زرد مصالح گرم و [illegible] داده و [illegible] بخته تا [illegible]

و داخل کرده با اضافه چهار [illegible] بخته [illegible] شیره بر آورده و داخل کرده بدستور عرق کشند و بدستور معمول

موافق نوشته استعمال کرده باشند والله اعلم حب مقل به نسخه دیگر برای [illegible] حب [illegible] داده و بسیار فایده بخشند

پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد هلیله سیاه [illegible] پوست بلیله [illegible] کتیرا مقل ازرق

مویز منقی اکبر زرد باید که مویز [illegible] زرد و مقل ازرق در آب کنند تا شب تر کرده دارند صباح حل شود

اگر حل شود بهتر والا به باقی ادویه کوفته بخته ممزوج نموده بر سنگ باریک سایند حب های

بقدر فلفل سیاه بسته خوراک [illegible] درم کمی و زیادتی علی رای طبیب اگر مناسب باشد همراه [illegible]

وقت خواب بدهد یا با [illegible] دیگر بمناسب مزاج و عوض [illegible] باشند والله اعلم [illegible]

برای ریح [illegible] و قبض آن بسیار فایده دارد [illegible] مقل ازرق [illegible] بخته کنند تا [illegible]

[illegible] عنب الثعلب [illegible] پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد پوست بلیله پوست آمله بلیله [illegible]

مویز منقی [illegible] و کشمش [illegible] این [illegible] فلفل گرد [illegible] فصد [illegible]

عسل شکر سفید سپستان چند سناد با برزه انار آب برگ کسند ناب برگ گل دوبینی آب برگ بادیان آب

برگ کاسنی آب برگ عنب الثعلب آب کاهی کوارا ریشه قنبیل آب کدو آب بیخ بوته چهار برگ گاوزبان

بستانند به دستور معمول بر ئی رغوان داده عرق کشند و به دستور معمول بموجب نوشته با ادویه مناسبه

یا گاهی با اطریفل معتدل و خواه گاهی با اطریفل صغیر ملینی و گاهی با اطریفل مویز و گاهی با ادویه مناسبه

المرض و تبرید میداده باشند والله اعلم نسخه عرق معتدل ریح منه جهه ریح بواسیر و قولنج ریگی را

جاذب دارد و هاضم طعام است پنبه ... صفتی بادیان تخم ... بادیان بالونه تخم بابونه کردمانا

تخم کرفس دارچینی افسنتین رومی زراوند مدحرج ... بادخواه ... رحلی ... کرد ... درونج

صعتر فارسی برگ سداب انیسون تخم ... نانخواه ... سیاه ... عقرب ... جنطیانا رومی

تخم ... مصطکی بادیان خطائی سنبل الطیب سعد کوفی مقل ازرق نمک لاهوری نمک سیاه

... زرنباد ... ... همه ادویه را در آب ... کرده به دستور معمول عرق کشند و بوقت

حاجت به دستور معمول استعمال کرده باشند والله اعلم نسخه [red: ... دوم ...] برای اصلاح

معده و کبد و طحال و تقویت آنها و برای بواسیر و ریح آن و قوه بدن و قوه باه ترتیب نموده در

... کرده برای نواب امین الدوله بهادر تالیف نموده بسیار فایده بخشیده بادیان

باد ...

بکنم ماو بخ بادیان بادوسه بر کاسنی بسنیج کاسنی بخ کرفس بیخ کرفس اذخر بیخ اذخر عنب الثعلب

کاوزبان گل گاوزبان گل عافیت بادرنجبویه برگ ونجک افتیمون درانو سبه تخم کندنا بابونه

بیخ بابونه بودینه خشک بوزیدان هلیله کابلی بوزیدان زرد پوست هلیله هندی بکنم هلیله زرد بکنم ماو

ایله افسنتین رومی دارچینی ورق جوز چینی گل ریوند چینی درونج لسان خربق سفید برگ سنا مکی

حلبه بکنم ماو الو بخارا تمر هندی بکنم ماو تربد سفید مقشر گل قند افتیمون گل قند عناب تخم قنطوریون

دقیق آب خوش جوز مویز منقی ممرا مارکشمش هندی خشک بکنم لار ابخر زرد خفص بناک قنطوریون

هلیله مربا یک بکنم ماو شیره براورده قشر الدرزه پوست زرد اترج شکر سرخ عسل سفید

مقل ازرق همه را به شبانه روز در آب کنند با سبز آب برگ عنب الثعلب سبز آب برگ کاسنی سبز

آب کمی کوار آب برگ بادرنجبویه آب برگ بودینه سبز وار ریحان قند آب حصرم آب کدو آب انگور

کاهی آب کدو بیخ برادوه این جام شیره کاهی بخیر کاو کاهی شیر براجه بوسم وتراج معیات

باشند مایه خوار اگر انگور حلو میسر آید ده انار کم وزیاده عطار رای طبیب داخل ترکیب اول بعضه

سه چهار روز نماکا بدارید وعرق کشند آب برگ تنبول صباح گوشت حلوان گوشت مرغ دراج

بوه جبلی عدد تیهو کاک زرنجا کاهی بفقه مرغ هم گوشت بزدغ مسکه کاو نخی انار تخم هم بادو معالم

سبز و گرم نقد بر معمول داده و زعفران نیز داده بدستور قورمه پخته مالیده کرده بدستور معمول آب در قرع

کشند بعد از آن در آن آب ادویه دیگر بموجب نوشته در آن حل کرده عرق کشند تفصیل ادویه

دیگر از سونف زیره سیاه الاچی خورد و الاچی کلان بادیان خطائی صعتر فارسی برگ سداب زراوند

مرچ سیاه مصطکی عود غرقی بهمن سفید بهمن سرخ تودری سفید تودری سرخ زرنباد فلفل جوز بوا بسباسه دارچینی

بیخ کبر خولنجان فلفل دراز فلفل گرد بیخ سنبل الطیب سعد کوفی زرشک براده صندل سفید براده

صندل سرخ خس پهول گلاب تازه پهول کیوره پهول سیوتی عرق بهار عرق کیوره مغز بادام شیره برآورده

مغز چلغوزه شیره برآورده مغز پسته شیره برآورده مغز تخم کدو شیره برآورده مغز فندق شیره برآورده

مغز تخم خربزه شیره برآورده چهارمغز مغز تخم کدو شیرین شیره برآورده بیخ سوسن تازه ملکر لحم داده

گوشت حلوان گوشت مرغ گوشت دراج گوشت لوه گنجشک زرچکار روغن زرد آثار نیم پاو

سبز و گرم داده بدستور قورمه پخته مالیده در آن حل کرده بدستور پوتلی زعفران مشک ورق نقره

ساییده در پوتلی بسته در پیچه داده یا اینها ساییده در پوتلی بسته بدستور معمول ماء اللحم کشند و اگر

بعد حرارت معمول در پیچه بند و خوب بسته قدر شربت موافق پرده بند مزاج بتجربه در آورده بسیار نافع

بخشد [illegible] عرق قصب الذریره [illegible] جهت [illegible] طلعت که [illegible]

الذاكر

ان گاه سائیده و منضج سده و معوج و کبد و طحال و محلل ریاح و پسیده و مع قبض ترتیب داده هنه عصب الذریره
آ لار
دو دو چوب چینی و ارحس سعد زرنبی یک ملکی هم بادیان تخم کندنا بوست بیخ و بوست بلیله
یک لار
کابلی هلیله زنگی مویز منقی صندل عناب مغز بستان افروز سپستان شاهتره
زرنبه و در آب ترکرده بدستور معمول عرق کشیده و بعد بدستور قرابادین و عمل جهت تعدیل مزاج و
طبیعت و پاس مرض ملحوظ داشته خواه بهمین جو بهای مذکوره یا با شیر تنها یا شیر
فقط تنها یا با اضافه جوشانیده استعمال کرده باشند و دیگر نوع تقویت کنند
نیز با عرق مذکور یا با شیر و دیگر شیرها مناسبه یا با ماء الجبن مذکوره یا دیگر عرقهای مذکوره
یا در شیر یا در ماء الجبن با اضافه جو بهای مناسبه بلحاظ مرض و پاس طبیعت و ... استعمال
کرده باشند فایده بسیار خواهد بخشید چوب چینی برای ... ابن الدوله
ترتیب داده جهت ... طبیعت و ... روغن ... ورق چوب چینی و روغن افلاطون
... زرق مویز منقی ... ترنجبین ... بدستور معمول عرق کشیده ... نیز
مزاج خواه فقط همراه جو بهای مذکوره مناسبه خواه در شیر خواه در ماء الجبن خواه همراه
عرقهای مذکوره یا شیر مناسبه بلحاظ مرض و پاس طبیعت جداگانه استعمال کرده باشند

ترکیب بخوری حب جیفی ... ورق ماهیت کرده و از حبس ... بعوض ... کنند و استعمال نمایند

مرکب مرقبه منه برای نواب صاحب دام اقباله جهت تقویت مزاج و قوه بدن و اصلاح مزاج کبد و معده

طحال و برای باه و بیش اعضا و سده ... و دور کنند و بواسیر را ... کنند و رفع قبض و ...

بیاید جوارش ... بقدر ... و انار ... گوشت حیوان ... ریزه کرده چقندر ریزه کرده زرشک ...

کرده کاهو ... وکاهو ... زرد ... زعفران ورق ...

بادیان ... بسته ... خشک ... برگ کنند ... موافق ادرک

بجوشانند همه را در آب ... پخته ... که خوب پخته شود ... مالیده صاف کرده در ...

بادام ... اگر بقدر ... مریض شرط موافقت مزاج بادام ... برآورده داخل

سازند مضایقه ندارد و اگر ... نسخه ... شیر ... و باقی آب ... تیار

کنند بسیار قوی ... اگر شرط ... موافقت مزاج کنند وقت شام بعد از طعام یا بوقت

خواب همراه ... که مناسب باشد ... داده باشند ... و قوه بدن بسیار ...

خواهد کرد و ... برای ... بالکل ... خواهد کرد مجربست و تجربه در آورده‌ام بلغ

مرکب ... نسخه ... منه برای نواب امین الدوله بهادر ... جهت ... و بواسیر و قبض

ان

آن ترتیب داده وقوع بدن دو بکر فواید با لسباب دارو بادیان سنبل بادیان کابلی هیج

کاو زبان گل گاو زبان تخم خطمی تخم خبازی گل بنفشه بارنجبویه اصل السوس گل بابونه

هیچ بابونه گل نیلوفر اکلیل الملک بضبط الله بره ور جبینر رحتیل براده صرت حنی

الالهی خورد بهمن سعید بهمن سرخ انیسون هیچ لیکن زنبره شاه لو دیه حسک سنبل الطب

سعد کوفی عود عودی مصطکی بسفایج قنتق صبر قارنی برگ سداب پونه هیچ کبر الجر زرد

اوکار اسر هندی گل سرخ برگ سنا بالنجنی ابو بابو تر پالی بلیله بر با شبره برآورده زرشک

بیدانه آب جوش کل قند افغانی گلقند عسل تو درش تخم کند با پور سیخ کشمش پوست بلیله کابلی پوست بلیله ارد

پوست بلیله ایله افسنتین رومی بلیله زنگی بلیله جرانقل اوزی خرزلوبه سیاه بلک سیاه

همه را و براب برگ عنب الثعلب سیز آب برگ کنده با آب برگ آب ترب سه هیچ و قدری برگ

آب ریحن قند آب برگ کاسنی آب گوار شکر ریح تا عسل همه را داد را بهای رسیده نه روز

ترکرده دارند تبدار ان گوشت حلوان گوشت جوجه روغن زردی اتار هم نان و دیگر دستور ساخته گرم

کوشت دراج ۳۰ عدد

و سپر دراج کرده قوربه بخته با این ع داخل کرده بدستور معجول بوطی زعفران و مشک عنبر اشهب در بخته

داده نحوی کنند خوراک موافق بر در نبشت مزاج و از تخمی ماه بود بسیر دارد و شراب بعینه بخورد

برگ بادیگر و چرا که شراب لولاب سیر راهزن بسیار رسکیند و اگر درین نسخه قند سیاه جهات هیل داخل
هلیلهٔ کابلی ۴ تولچه

کرده بدستور بالا بن ورت نموده شراب ساختند بدین بالبسیار قوی خواهد کرد و اگر درین نسخه برادره

این داخل کرده نوش کنند بسیار خوب خواهد شد مجربست تجربه درآورده است بها بها بها

ذکر لطیف خلیفه ملین برای نواب صاحب نواب امین الدوله بهادر نیر جنگ برای رنج بواسیر

ورقه با تالیف نموده نفع بسیار بخشید هذا صفته عناب گاوزبان گل گاوزبان گل بنفشه
قبض ۵ دانه ۳ مثقال ۳ مثقال ۳ مثقال

تخم خطمی الوخارا سپستان تمر هندی تخم خبازی انجیر زرد مویز منقی گلقند اصل السوس
۳ مثقال ۱ ۵ دانه ۵ دانه ۱۰ عدد ۳ مثقال ۵ درم ۴ درم ۳ مثقال

گل سرخ اسطوخودوس افتیمون و زهره بسته گل قند افتاده برگ سنا مکی همه را شب در عرق
۵ مثقال ۵ مثقال ۳ مثقال چهار مثقال ۷ مثقال بالیده

گاوزبان عرق کاسنی عرق عنب الثعلب تر کرده دارند صباح مالیده بجوشانند نصف ماند
۴ آثار یک آثار ۲ آثار

صاف نموده ترنجبین شیرخشت عسل مصفی شکر سرخ بقوام آورده هلیله مربا از عرق عنب الثعلب
سی تار دو تار هم آثار ۲ آثار

شهره برآورده داخل کرده باز بر آتش گذارند که بقوام رسد و در بلین قوام اگر بسبب طبیعت

و حرارت مزاج ورشته تا بهدانه لعاب گرفته اسپغول لعاب گرفته سپستان لعاب گرفته
۲ مثقال ۴ مثقال ۴ مثقال

تخم حلبه لعاب گرفته تخم کتان لعاب گرفته تخم ریحان لعاب گرفته همه را در عرق گاوزبان
۴ مثقال ۴ مثقال ۴ مثقال

و عرق کشنیز لعاب گرفته داخل نموده با آتش نرم داده بقوام آرند و قتیکه بقوام رسد

بلغ المقابله

لب چهار تخم در آب کنند با حل کرده مثقال ازرق در آب کنند با حل کرده بقوام در حل نماید

هیچ پوست هلیله کابلی بهت هلیله زرد هلیله زنگی پوست بلیله آمله بفشه تربد سفید غاریقون

۵ مثقال ۵ مثقال ۵ مثقال ۵ مثقال ۵ مثقال ۳ مثقال

غاریقون بمویز منقی سوده تخم کنند با بسفایج قسنطر زنجبیل عصاره ریوند همه را کوفته بیخته

۳ مثقال ۴ مثقال ۴ مثقال ۵ مثقال مثقال

بروغن بادام چرب کرده در حل قوام سوده اطریفل سازند خوراک موافق مزاج و اگر حرارت

۵ مثقال

و یبس مزاج در سینه باشد همراه بدرقه بهیدانه لعاب گرفته اسپغول لعاب گرفته گل خطمی گاوزبان

گل گاوزبان همه را در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب لعاب گرفته و اگر موسم سرما باشد

جوش داده شربت عناب و داخل کرده اسپغول بروغن بادام چرب کرده با شیر بنوشند و اگر یبس

باشد همراه ماء اللحم یا با ادویه مناسبه جوش داده و یا عرقهای مذکوره یا شربه مناسبه

مذکوره موافق مزاج و پس مرض و طبیعت ملحوظ داشته استعمال کرده باشند

نسخه معجون *نسخه حب* جهه نواب مستطاب نواب امین الدوله معظم حکیم الملک خسرو تیمور خان بهادر.

منزجک بموجب مناسب مزاج ترتیب داده جهه قبض و دور سپرز و تقویت معده و کبد و اصلاح انها

بسیار فایده بخشید او تجربه در آورده افتیمون زیره شاه تخم سداب صعتر فارسی

بوست بیخ کبر و ریوند گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق مذکوره شب تر کرده وا ارند

صباح بجوشانند نصف بماند مالیده صاف نموده بیوازان دران آب گل بنفشه گاوزبان

گل گاوزبان گلسرخ تخم کاسنی نیمکوفته اصل السوس سوبیقی کشنیز گل قند آفتابی داخل

کرده بار دیگر بجوشانند نصف بماند ترنجبین عسل شکر سرخ گل قند افغانی شربت انار شیرین

زرشک میانه در عرق کیوره ترکرده مالیده صاف نموده داخل بقوام آرند وقتیکه بقوام

آید دانه الاچی خورد مصطکی رومی طباشیر قرنفل عود غرقی بهمن سفید بهمن سرخ تودری

ثعلب مصری شقاقل مصری درونج عقربی فلفل گرد فلفل دراز خولنجان ساذج هندی

زنجبیل دارچینی جوزبوا پسته [illegible] سنبل الطیب مروارید ناسفته یاقوت رمانی لعل بدخشانی

در عرق کیوره سائیده زعفران مشک عنبر اشهب در بستور داخل نموده ورق طلا ورق نقره

اضافه نموده از چوب صندل حل کرده تا که یکذات شود نگاه دارند قدر شربت یک مثقال

کم و زیاده علی الرای طبیب است با ماء اللحم و غیره عرقهای و ماء الشعیر مناسبه المزاج یا [illegible] داشته

استعمال کرده باشند و هر چند که ادویه بقوی معده قبض میکنند لیکن بسبب ترتیب داده است

که قبض نخواهد کرد و تقویت معده و کبد خواهد کرد مجرب است و بتجربه در آورده والله اعلم

نسخه شربت [illegible] نواب حکیم ترتیب داده برای قبض بواسیر و بیش معده و کبد [illegible]

[illegible]

اینها فایده دارد طبیخ منزوج الاخلاط برگ سنای مکی از کبر دو دخان ... بابونه کرده سوس سنقال الحزرد

الوبخارا مرمکی تخم حلبه تخم کتان تخم خطمی تخم خبازی گل بنفشه گل نیلوفر گاوزبان گل

گاوزبان عناب بادرنجبویه برگ هویج افتیمون ورشته صعتر فارسی برگ سداب پرسیاوشان

کبابه نرم سعد سقمونیا مکوفته سپستان فستقی پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد و بلیله زنگی همه را شب

در عرق گاوزبان عرق گاسنی عرق بید مشک ترکرده دارند صباح بجوشانند نصف بماند ماء اسپیس

صاف نموده ترنجبین گل سفید افغانی شربت وزرد کمتر شکر سپید در حل کرده بقوام آرند وقت قوام

بلیله مربا سپیده برآورده در حل قوام نموده شربت سازند بعد از تیاری شربت ریوند چینی باریک

سائیده لاجورد مغسول در حل کرده خوب حل باید تا که خوب محلول شود نگاه دارند موافق مزاج

استعمال کرده باشند مرکب مسکنه بادیان سپستان بالنگو تخم خطمی تخم خبازی گاوزبان

گل گاوزبان تخم حلبه تخم کتان گل قند افغانی ورشته انار ترش با در عرقهای مناسب بجوشانند

هم باید بماند صاف نموده شربت بزوری شربت صندل شربت دینار گاهی شربت ها داخل کرده

بنوشند گاهی باضافه روغن بادام گاهی باضافه روغن گل گاهی باضافه اطریفل سفال بلیله

روغن بادام ممزوج نموده بخورند گاهی ایارج فیقرا اطریفل سفال بلیله روغن بادام ممزوج نموده

بدهند که بای اطراف صغیر ایارج فیقرا سقمونیا بی شور بروغن بادام مخروج نموده بدهند

نرانی که حقنه بتبسیر معده نفعه وبس کند واسعابه هند کوفت حلوان ازینی منقد تربد بنوره کرده

شلجم ریزه کرده جوشانیده سوزنیقی کنند کابی الحجر زرو تبر کاو اب شیرین بقدر موافق مطالح

کرم وسیر و نمک وروغن کرده حقنه سازند تا بی فضاب نموده از روغن کاو یا روغن بادام

بکار داره با ضافه بسفلاح فنیقی کوفته بخته سفوف سازند همراه عرق بدهند مجرب است کمی درباره

علی رای طبیب حبت والله اعلم نسخه شربت مونزراز جهت تنقیح سده کبد وطحال وسیع

واصلاح احشا ودفع قبض وریاح بسیار نافع است برای نواب ابن الدوله

مونیز ... بادیان ... بادیان کاسنی ... کاسنی تخم کرفس تخم

اوجر ... اوجر افتیمون درالیت عنب الثعلب برساوشان اصل السوس صبر فارسی ...

... برگ ... سنبل الطیب ... تخم کشوث در بو بلی لسنه تخم کاسنی ...

... همه را نکوفته در ... که انگوری ... شب ترکرده وارند صباح درآب برگ

... اینار ... برگ عنب الثعلب ... آب برگ ... زوق ...

در ... بار ... نموده در ... نموده طبخ نمایند وار ... ی ی راحرکت ... که

که رنگ و کیفیت دوا بوی ها در آب در آید و محفوظ ... ریزند و از دوا ... خالی شود تا که وقتی که از تقطیر بماند

ما ابدا صاف نموده مویز منقا یکصد مثقال انجیر زرد پنجاه مثقال آلوبخارا پنجاه مثقال تمر هندی پنجاه مثقال

گل سرخ سی مثقال افسنتین رومی ... کل قند آفتابی یکصد و پنجاه مثقال کل قند عسلی پنجاه مثقال در

همان آب تر کرده در ایام صباح بار بجوشانند تا به سوم حصه بماند بعد صاف نموده عرق کیوره یک شیشه ترنجبین هم انار

ترنجبین هم با و شربت درد ... یکم با شربت بنفشه با ویا با رب عسل سفید با شربت ... یک انار بدستور قوام

نموده زعفران سه مثقال در وقت تیار شربت در عرق کیوره سائیده داخل شربت نموده بدستور

شربت سازند قند شربت ... در شربت موافق معمول با در ماء الجبن شیره با در روغن ... بد کوره

با در ... گاهی در جوشانده یا ادویه مناسب المرض یا در جوشانده و گاهی در ... طعام و ... ادام

و در مرض در زمستان استعمال کرده باشند و گاهی در ماء شربت عناب تخم خریزه تخم کتان لعاب گرفته

۱۰ مثقال ۱۰ مثقال ۱۰ مثقال

داخل میکنند ... برای ... تحریر نموده با دیان ... پالان ... تخم کاسنی ... کاسنی

موبز ... قند ... در عرق گاوزبان عرق ... بجوشانند هم با و بمانند تا ... صاف نموده شربت سازند

بزوری ... گاهی شربت ... روغن ... گاهی روغن بادام گاهی با ...

... گاهی ... گاهی شربت ... گاهی شربت ... با ... روغن بادام ... گردد

گاهی با طریقک صغیر روغن بادام چرب کرده گاهی با شوربه و دیگر مناسب مزاج در تشنه سیرابی باشند

شربت ترو بری منضج ... جبنه ... و اصلاح ... وطحای ترتیب داده بادیان بیخ

بادیان کاسنی بیخ کاسنی عنب الثعلب تخم کرفس بیخ کرفس تخم کشوث در شیره کاوزبان ...

انجیر زردی عدد ... بانزدو ... همه را در عرق کاوزبان ... عرق عنب الثعلب

شب ترکرده وا ... صباح بجوشانند و در عین طبخ خیار ... تخم خربزه شیره براورده داخل کرده باز

بجوشانند ... حصه بماند ... نبات مصری ... بدستور قوام کرده شربت سازند و بدستور

معمول استعمال کرده باشند نسخه شربت ... ترکیب دیگر برای ... ترتیب داده ...

هذا صفته بادیان بیخ بادیان کاسنی بیخ کاسنی تخم کرفس بیخ کرفس عنب الثعلب تخم ... در ...

بسته افتیمون ... صندل ... بیخ ... تخم ...

انجیر ... همه را در عرق کاوزبان عرق ... شب ترکرده دارند

صباح بجوشانند ... تخم خربزه شیره براورده در عین

طبخ داخل کرده ... نبات مصری داخل کرده بقوام اورده شربت سازند ...

با سرشیر ... بعد ... کرده باشند

عرق عنب الثعلب
انار

مفتح سدد کبد و معده و طحال و اصلاح آنها و رفع قبض و ریاح بواسیر فایده دارد مجرب است ه

ترکیب دیگر لولنه عرق مقل عرق محلب ریاح عرق هلیله شربت بزوری معتدل گاهی شربت بزوری

گاهی با خمیره جوارش تعوقی گاهی شربت دینار گاهی با روغن بیدانجیر و با روغن گل گاهی شربت

کشوث گاهی با شربت افتیمون گاهی با اطریفل مقل بیین بروغن بادام چرب کرده با گاهی

با اطریفل صغیر مصبر با روغن بادام چرب کرده بهمین طریق ادویه حاره پایه که موجب ... است

لحاظ کرده باشند ه ترکیب دیگر عرق ماء اللحم عرق شیر آب انار آب تمر هندی ترنجبین

حل کرده شربت ترنجبین گاهی شربت تمر هندی گاهی شربت بزوری معتدل گاهی با اطریفل مقل

بیین بروغن بادام چرب کرده گاهی با اطریفل دیگر بروغن بادام چرب کرده گاهی تخم ریحان

بروغن بادام چرب کرده گاهی اسپغول بروغن بادام چرب کرده گاهی تخم بالنگو باشنده بنوشند ط

ترکیب عرق مقصد بترکیب هندی هنه رای بواسیر بادی و خونی فایده دارد هو الصنعة جعفر ...

مقل ازرق بار تکاین خشک کرده تخم گندنا تخم تکان خربق سفید بار حنظل خشک کرده توبت

هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست هلیله سیاه کتیره مقل الدرره همه را در آب شبانه روز

تر کرده دارند علی الصباح بدستور معمول عرق کشند قدر شربت موافق برداشت طبیعت بدهند و بعد از آن

[illegible]

چلکیده کنندم بر عرق بدهند ها. ترکیب شربت تمرهندی برای نواب صاحب ترتیب داده شد تمرهندی از خسته پاک کرده
ده مثقال

آلو بخارا آلو سیاه انجیر زرد مویز منقا گلاب نیلوفر عدد گلسرخ گل بنفشه گاوزبان زیتون ورق سنبل
۲۰ دانه ۲۰ عدد ۵ دانه ۱۰ مثقال ۱۰ مثقال ۷ مثقال ۱۰ مثقال

گل گاوزبان تخم سعتر مقشر مغز تخم کاسنی شبانه روز در سرکه انگوری تر مانده آب شیرین یکبار آغاز کرده
۷ مثقال ۱ مثقال هفتاد مثقال

دار زند و بجوشانند سیوم حصه بماند مالیده صاف نموده باز چنین و آب گل قند آفتابی عسل سفید
هم‌بار یک‌بار

با نبات مصری بدستور قوام کرده شربت سازند و با عرقهای مناسب المزاج استعمال کرده باشند فقط
یک‌بار

ترکیب شربت افسنتین که برای ضعف کبد و معده و طحال نافع وارد و برای کشادن سده انها

نفع میکند و فیض بواسیر و ریح آن را نیز نافع میکند برای نواب صاحب ترتیب داده افسنتین رومی
۱۰ مثقال

گل سرخ مویز منقا آلو بخارا آلو سیاه انجیر زرد بیخ کاسنی تمرهندی گل بنفشه مغز کدو اول
۲۰ مثقال ۲۰ مثقال ۲۰ مثقال بیست عدد ۲۰ دانه ۱۰ درم ۵ مثقال ۱۰ مثقال ۱۵ مثقال

افسنتین رومی رازیانه انیسون سلیخه اسارون زنجبیل مصطکی سنبل الطیب گاوزبان ریوند
۱۰ درم ۱۰ درم ۱۰ درم ۱۰ درم ۱۰ درم ۵ درم ۱۰ درم ۱۰ درم ۵ درم

مدحرج برشیاوشان زیتون ورق سنبل مثقال سرکه انگوری در صد مثقال تخم کاسنی عرق بیخ بیخ کاسنی ۱۵ مثقال
۵ درم ۱۰ درم ۱ مثقال

ریوند کوره خلاف قسم اول شبانه روز تر کرده بعد از آن بجوشانند نصف بماند مالیده صاف نموده
شکسته شکسته

باز دران ادویه سابقه داخل کرده بجوشانند که سیوم حصه بماند باز مالیده صاف نموده

ریوند چینی در لته بسته در طبخ هم داخل کرده و از چمچه حرکت دهند که همه بقیه جذب شود
۱۰ مثقال

از ...

ازدواجهای سوده زنجبیل نارقند عسلی گل قند افتیمون با ماء مصری یا عسل سفید داخل کرده بقوام آرند

بعده زعفران و در عرق کیوره سائیده داخل کرده شربت سازند و با عرقهای مناسب استعمال کرده

باشند ها ترکیب شربتی بنا من الاسناد وطبع را نرم کند و قلب و کبد را قوت دهد و سده بگشاید

وسوء القنیه و استسقا و ذات الجنب را نافع است و تشنگی نشاند تخم کاسنی ... هلیله پوست کاسنی

جلجلان ... نیلوفر ... بادرنجبویه تخم کشوث ... بجوشانند تا مهرا شود قند سیاه بقوام آرند

وقدری کرده ریوند چینی خوب باریک سائیده دران حل نمایند ... استعمال کرده باشند ها

ترکیب سکنجبین عسلی و بزوری منفتح سده های کبد و معده و تحلیل و تقوی احشا و قبض ... پوست بیخ

آن نافع بسیار دارد ... تخم کاسنی بیخ کاسنی بادیان افتیمون ... گل بنفشه گل نیلوفر

کاسنی ... الاقحاح تخم کشوث ... تخم کرفس تخم ... بیخ کرفس زنجبیل ستاخ ...

افسنتین رومی برگ سداب ... برسیاوشان ... انیسون دار چینی

... ریوند چینی باریک کوفته ... سوسن ... کبر ...

... زرد ... همه را در سرکه انگوری تند ... شربت ... روز

نرکرده دارند بعد ازان بجوشانند و بوقتی ریوند را ... چنان حرکت دهند که همه کیفیت ... ابر

عسل تا بعد قند اقسا زنجبیل کل شوده مرف مالیده ترب بماند حصه سوم آب که وقتی شود حاجت از دوا و بو می

گل قند عسل شربت و دیگر بدستور معمول قوام شوده شربت بسیار زنند و گاهی عرق کیوره یکشیشه و عرق گلاب

نیم شیشه داخل کرده جوش دهد وقتی که شربت تیار شود قدری شربت مذکوره با عرقهای مناسب

المزاج سیداده باشند ترکیب زنجبیل تر مفتح شده اسعا و کبد بسیار مجرب است زنجبیل گاهی تا شش

کوفته پخته در آب با در عرقهای از عرقهای مذکور بالای آن تمام شب در شبنم یکتا بدارند علی الصباح آب صاف

انرا باضافه روغن بادام گاهی روغن گل داخل کرده بنوشند و گاهی و دربادیان زنجبیل

برای رطوبت ترکیب دیگر مفتح به رعایت لوازن سیر ترب مع چهارشنبه برگ بقدریکه در دو سه دام عرق بیرون

آید انرا گرفته از شسته در تنور او ویران نماید وقتی که پخته شود مع برگ آب بقدر سه دام ارد

برآورده دران شهد داخل کرده بنوشند گاهی زنجبیل کوفته باریک کرده در آب ترب برگرده

تمام شب در شبنم دارند صباح آب صاف گرفته دران شهد داخل کرده باضافه روغن بادام بنوشند

مفتح بسیار است و لوازن سیر را بسیار فایده دارد ترکیب دیگر لوازن مفتح بقدار زرق زنجبیل

باریک کوفته علیحده کرد کوفته برسه را در آب ترب مذکور ماء الی مذکور عرق مثقال مذکور

در شبنم برکرده آب صاف انرا گرفته شهد خالص با یکی از شربتهای مناسب الوقت ممزوج ساخته

بافام

ساخته باضافه روغن بادام بنوشند تا وکلا ترکیب نمودار گشته باشد مازو سنبر در آب [illegible]
قدری زرشک و سماق از رزق در آن حل نخته شیر حائض و از حل کرده بخورند تا و اگر احتیاج باشد
تا آن [illegible] بعد روغن بخورند تا جایز نیست زوال مس الدی بهتر در اصل خلقت مزاج سوداوی دارند و سبب [illegible]
کبد و سپرز و طحال علت بوده [illegible] بواسیر و گاهی تراق و منفخ پیدا میشود و سبب احتباس ماده سوداوی و بادام
[illegible] یا سبب احتباس دم بواسیری و یا سبب احتراق دم سوداوی یا سبب حبس ماده اشک یا بسبب
طبیعت بسبب کثرت استعمال ادویه حاره یا با ادویه از قسم [illegible] یا [illegible] استعمال [illegible]
خام [illegible] طبیعت و قبض مزاج بهم رسیده و یا سبب احتباس [illegible] کبد و اسعاد طحال [illegible] باشد و سبب احتباس
فضول [illegible] و سبب قبض طبیعت با بوص در مزاج حرارت میشود لیکن در اصل مزاج برودت باشد [illegible]
[illegible] بعض وقت [illegible] و کثرت [illegible] بکنند و کثرت از ادویه [illegible] که ضعیف معده و کبد [illegible]
[illegible] سبب لاجار که بوجه [illegible] گاه گاهی [illegible] بدارد و اگر [illegible] جذب را از ادویه
حاره [illegible] حرارت با بوص [illegible] لهذا احتیاط [illegible] با ادویه ملینه [illegible]
با مزاج [illegible] استعمال [illegible]
[illegible]

[illegible]

یا به زیاده تر بسبب حدت رطوبت بیش طبیعت بنیر خواهد شد لازم که وضع معالجه بین بین باشد تا رفع و تعقیب مرض
در نشسته کرده باشند و این مرض مزمنه عسر العلاج است استیصال آن کلی بسیار مشکل است مگر از
تدبیر تخفیف خواهد شد و اگر از تدبیر معالجه علت غفلت خواهد کرد موجب امراض صعبه خواهد شد
چنانچه اگر این مرض را قلیل وقت شود و تخفیف از معالجه کلی باشد غنیمت دانسته و طبیب
اگر دانا و عاقل بوده باشد البته تخفیف هم بطور تخفیف به ظهور میرسد و الا ته بر و غنیمت
خطا فی المعالجه که منتهی با امراض صعبه مستعد است شده باشد فایده فی اکثر اوقات اینجانب
در وقت معالجه تجربه کرده است که در موسم سرما برای سبب برودت هوا که باعث
جمود مواد سوداوی و احتباس فضول یا بیش شود قبض طبیعت و امساک ممسک فضول
غذا بسیار کم دو سه روز اجابت و نیز دفع طبیعت نمیکنند و اکثر اوقات در موسم سرما
یا در موسم ابتدای گرما بر وقت که گذشته بهار و ترشح تقاطر و برودت هوا بهم شود
دو دو روز دفع فضول غذای سبب ضعف طبیعت و قوی مرض نمیشود و دو دو روز
تناول غذا تا وقتی که دفع فضول نمیشود تناول نمیشود باید حدوث معالجه توافق میکنند
و تخفیف مرض بنسبت سابق بسیار است لیکن استیصال آن کلیه محال است تا ها

دل ها

فایده نهم

شخصی که در این مرض ضعیف گرفتار باشد باید که عرق تال که اینجا تاڑی میگویند
بجز علت مقطر کرده که در دوا آن مضرتست بعد هضم علاج همراه ادویه زنجبیل که مقوی معده است و جدت
رطوبت بفضا طبیعت هم اینز میکند باید داد و دیگر که تاڑی نیز همراه ادویه مناسبه جایز خواهد گرد
با سکنجبین ساده و سکنجبین بزوری و غیره از هر چه که تیار کرده باید داد و مطلق خوردن آن
عرق بدون طبیب مختار نیست هر طریقی که عادت کنند استعمال آنکرده باشند و گاهی امتزاج
آن تنها یا همراه الائچی یا بجز قند و شکر خورده و گاهی بعرق گوره و گلاب و با ادویه مفتحه دیگر آنچه مناسب
باشد پس طبیعت و مرض کرده مخلوط در شسته استعمال آنکرده باشد و وقت تمام اصلاح آن
دوا بمناسبت وقت مرض و مزاج نیز باید کرد و عرق کیورا که سیندهی میگویند نیز مناسب
خواهد شد لیکن مثل سابق نیست باید که آنرا نیز از دست طبیب دانا با اصلاح آنکرده
استعمال کرده باشند و وقت تمام نیز اصلاح آن پس از وقت مرض و مزاج در دست طبیب
دانا با ادویه مناسبه کرده باشد این هر دو عرق بدن را قوت خواهند داد و پس ببدن هم ادرار
خواهد کرد و بدن را فربه خواهد کرد و بجمیع وجوه اصلاح خواهد شد و در دفع قبض نیز خواهد کرد

فایده دهم

در معالجه بواسیر واجب باید که هر چند که علت هندی است لیکن برای بوریت مزاج

در احتباس طبیعت بسیار حاجت خواهد شد بحقنه باید که عمل نشست روغن کنند یا روغن برنگ

موافق بر دو رنگ مزاج خود اول یک ظرف کلان مثل تابچه ازان از روغن اول روز تا به

نیم من به پر بصفه دران بنشیند تا به چهار ساعت روز تا به چهار گهری تا وقتی که بر دو رنگ مزاج باشد

سواران تا به سینه روغن اندوخته دران بنشیند تا وقتیکه بر دو رنگ مزاج اید سوار هم سه

روز تا به گلو خود دران روغن اندوخته بنشیند تا به یک پوز نهایت چهل روز

یا با ایام که بموافقت مزاج و بر دو رنگ طبیعت کند و یا از زوال یبوست و تحسین طبیعت گردد

و بدون را عرضه کرداند احتیاط هوا و غذا که ماده سوداوی را متولد میکند احتراز نماید

مثل گوشت آهو و گاو و سمک و بادنجان و دال مسور و ماش احتراز نماید و قلیه خشکه

و نان و پلاو و مرغ و دال مونگ و غذا لطیف مثل کباب وغیره خورده باشند

آنچه طبیعت مختار است کم و زیادتی روغن و نشست روغن و کمی و زیادتی ایام نشست روغن

و خود انچه غذای نان و ترک غذای حیز و وقت شام بتدبیر مختاران از طبیب موافق مزاج

و موافق مرض کرده باشند و علاج رای طبیب صحیح وجوه مطلع باشند

فایده دیگر جوهای بزغل و زنجبیل را در سرکه تازی ترش کرده و در اکثر اوقات استعمال دارند

چراکه مفتح شده است و رفع برودت مزاج خواهد کرد و لیکن بلحاظ حرارت مزاج در استعمال
آن باید کرد طبیب ارا کثرت و قلت استعمال آن مختار است و خود نیز در هر امور فطن باشد طبیب
والله اعلم بالصواب فایده منه اصل آنکه این مرض احتباس دم بواسیری است که بسبب روا نکنند
و معده و طحال متولد میشود و موجب پیش طبیعت و قبض مزاج شده است و چون دم بواسیری است
که در کبد بعد از تولد محتبس شده است و بسبب احتباس آن فساد پس در کبد و معده و طحال
میشاید و باعث سده کبد و طحال و امعای و رحم خواهد گشت و قئم نیز میشود و دم بواسیری نیز دم سوداوی
محترق است که از فساد سودا مزاج کبد مبتلا میشود و مزاج آن بارد و یابس است که موجب تنفخ در معده
و گاه گاه بسبب احتباس نیز میشود باید که معالجه آن بموجب نسخه این عاصی بجمیع آرا تست
بلحاظ کرده باید که رساله از این ثنایی ابدا قائم بنام چند دفعه مکرر و سه کرر اسباب و علامات
و معالجه جمیع مراتب تولد مرض به اسباب خطا فی المعالجه و همه طریق معالجه آن نوشته شد
اگر طبیب دانا و عاقل میشد باشد احتیاج بدیگر کتب نکند و نقصان فی المعالجه نکند و باقی
علم آن طبیب است والله اعلم بالصواب فایده منه و سده کبد بزمینه را اگر بسبب ازمان زمانه
طویل بسبب احتباس باه غلیظه تعفن یافته لاحق میشود و بسبب تعفن مالیخولیا لازم و اگر ورم کبد المرتبه

وجع کبد لاحق میشود و بسبب احتباس مایه در کبد موجب ورم کبد میشود آن ورم نیز موجب حمی میشود و این همه را موجب

استسقا است چنانچه نواب صاحب را با وجود سالها این مرض گاهی این علتها بظهور رسیده بود اما بفضل

ناقص می‌آید که شده کبد نیست بلکه مایه ورم بود و سیری سوداوی که بسبب احتراق و بسبب احتباس و علاوه

است که مایه آتشک در سینه هم درشت بود چنانچه معلوم است مایه آتشک که از علت نیز ورم میشود و او

محترق است موجب یبس طبیعت و یبس مزاج پیدا کرده است و علاوه نیز است که مزاج نواب

بسیار صحیح بود چنانچه از زبان مبارک خود نقل میفرمودند که سیماب خام بمقدار سه سیر تا سه سال

تناول فرموده‌اند بسبب خوردن آن خروج بول بسته شده و علاوه قدری سیماب خام بر سر بول ترشح

در هفته یکمرتبه می‌مالند بسبب رطوبت از باعث سیماب که کار بسیار سخت شده است باید که

علاج آن باطفای حرارت سمی سیماب و تدبیر معلوم است آن هم نیز و اخراج آن علت و تدبیر بواسیر که موجب

در دماغ گذشته است به تدبیر کنند و سده و طحال ملاحظه کنند که استسقا نشود و موجب قولنج نیز نشود

این همه مراتب لحاظ کرده معالجه آن کرده باشند و اگر مناسب باشد آب برگ

معتدل اگر آتشک نیز داده باشند و برگ سیر پهوکهه در آب ترکرده دارند و از همون آب

بنوشند و اگر مناسب دانند آب برگ کاسنی نیز دهند باشد و از

بار

مناسب باشد فصد الدریره و با بلیله رنگی بدستور بدهند پس نوا الحب زر سبب تحریک نزله

موافقت نمیکند پس اخراج آن ماده و ترطیب مزاج باید و به مرطبه بدستور بنوشند این خاصی لحاظ

اطراف و جوانب نموده کرده باشند والله اعلم ترکیب حب شانده که تسدید مزاج سبب برودت هوا

گنده بهار باشد افیون زیره سیاه بوده پسته خشک عود غرقی نبات در نیم انار آب بجوشانند هم باید

صاف نموده بنوشند گاهی مصطگی نیز بدهند نسخه ترکیب دیگر زنجبیل باریک کوفته در آب برگ کنند بار

آب برگ گاوزبان عرق آب برگ بدستور ساق آب برگ عنب الثعلب عرق شب در شبنم تمام شب نگاه دارند

صباح آب صاف گرفته با مضافه روغن بادام گاهی روغن گل داشته باشند خالص ممزوج نموده بنوشند

این ترکیب مفتح است و بواسیر را و سده کبد را بسیار فایده خواهد بخشید ترکیب دیگر بدنیک فتح سدات

زنجبیل دارچینی نبات ماهی هیچ سوس کابلی فستق رومی در نیم انار آب بجوشانند هم باید صاف نموده

بنوشند فایده مدتی روزهای اکثر اوقات نوا الحب را سبب برودت هوا و گنده بهار

قبض شده و تسدید قوی لاحق میشود چون سبب ... قبض شده بود شربت بنفشه و شربت و بجار استعمال

کرده سبب قبض و تسدید شده و با سبب بیش شده بود هرگز تفتیح نشده بلکه سبب عدم تفتیح صعود ابخره

اطراف دماغ و دلت شده و یا سبب تسدید اخلاط غلیظ و دم سوداوی نوا البیری علیها الاقوام شدن

بعض دران ماده پیدا کرده موجب حمی میشود هر دفعه و در همین غصه گرفتار شد او اندر استعمال ادویه

قوی الحراره از قسم بلبه موقوف ورشته‌ام و این حرشانده داده و فرصت کلی شد چکیده کل میلوز

تخم کاسنی بیخ کاسنی عناب مویز منقی اصل السوس دارچینی در نیم انار آب کوبیده هم باد

صاف نموده شربت بزوری معتدل شربت [illegible] در حل کرده با اضافه خاکشی می‌نوشند هر دفعه چهار

روز استعمال نموده فرصت کلی شد فایده مسهل هر چند که علت بواسیر را مضر است لیکن باید

هرگاه که ماده سوداوی محتبس در کبد و سده و در طحال اخراج شود و اگر جزوی بواسیر را ضرر شود بعد از مسهل اصلاح

آن کنند و اگر او را وقت در هر ماه بتاریخ سیزدهم و چهاردهم ماه عمل نمود در ابتدای ماه دوم تاریخ [illegible]

ماه و یک نیم ماه در انتهای ماه استفراغ شود در هیچ بهار باید کرد و تقدری لیکن کرده باشند

و اگر حاجت نشود گاه گاه باید کرد چه اگر در هر ماه یا باقصد هم باشد بقدر قوه مضایقه ندارد زیرا که از

استفراغ ماده رطوبت معده و کبد که اشتها را باطل میکنند و مواد سوداوی محتبس در کبد و معده

[illegible] میشود و اخلاط فاسده دیگر را هم اخراج میکند بعد از استفراغ تدبیر مناسبه طبیب مختار است اگر ضعف باشد

تدبیر طاقت باید داد و اگر یبوست باشد از رطوبات تدبیر سیراب باید کرد و اگر دیگر عوارض

باشد بمطالب معالجه آن کرده باشند وله الاستفراغ عرق گاو زبان عرق بود به خشک

آورند

عرق بید با عرق عنب الثعلب شربت انار شیرین با تقطیع داخل کرده بنوشند ﻫ و گاهی طباشیر در آب بید با شربت انار

ممزوج نموده یا عرق کاسنی و شربت مذکور بمانند و وقت شام الایچی خورد بود چنانکه عود عرقی و درشب انار آب

بجوشانند هم باد نماید و صاف نموده شربت انار و الطلیق منعنع داخل کرده بنوشند و وقت خواب هلیله مربا

از عرق مذکوره کسی همراه بادیان و دارچینی کوفته ممزوج نموده بخورند عقب آن اگر مناسب باشد عرق کاسنی مذکور

و شربت های مناسب بدهد والا فقط گلاب بنوشند ﻫ **فایده اگر نفخ ریح در [illegible]** باد در جمع باد طحال شده باشد

کند و طحال بسبب باد مختنق در کبد که مستحیل بریح گردد معالجه آن با دوای کاسر الریاح استعمال کنند

و اگر در ناحیه خلف کبد باشد با دوایه کاسر الریاح سواد و به بدره استعمال کنند و اگر ماده ریح در مقعر کبد

باد دوایه کاسر الریاح سواد و بسهیل و ملینه استعمال کنند و معاودت که کاسر الریاح است

… معالجه نفخ ریح کبد منقل معالجه شده لکن است و در نشانه ها کاسر الریاح سابق گوییده شد

… کبد نیز سابق نوشته شد بطور نوشته این عاجی معه لحاظ اطراف و جوانب کرده باشند

سیری باشد یا ریح کبد که ریح نور سپر ممزوج باشد نیز کار ضرورت باید کرد ﻫ

… اکلیل الملک افتیمون مصطکی ترمس افسنتین رومی کوفته در پوتلی بسته با روغن

بد ﻫ کار و بکار سلیخه زیره شاه بابونه سنبل الطیب سعد کوفی تخم کرفس هیچ … اذخر

تعفن در آن ماده پیدا کرده موجب حمی میشود هر دفعه و در همین غصه گرفتار شد او را اول استعمال ادویه

قوی الحراره از قسم بلیله موقوف داشته ام و این حب را ساده داده و فرصت کلی شد حب یعنه حب ملوک

تخم کاسنی هیچ کاسنی عناب مویز منقی اصل السوس دارچینی در نیم آثار آب که نیسانده نیم باد بماند

صاف نموده شیرخشت و روزی مثقال شربت بنفشه در آن حل کرده با اضافه خاکشی بنوشند هر دفعه تا چهار

روز استعمال نموده فرصت کلی شد فایده مسهل هر چند که علت بواسیر را مهرز بست لیکن باید

دانست که ماده سوداوی محتبسه در کبد و سده و در طحال اخراج شود و اگر چیزی بواسیر را ضرر شود بعد از مسهل اصلاح

آن کنند و اگر اوقات در هر ماه تاریخ سیزدهم و چهاردهم ماه که یوم در ابتدای ماه و دوم تاریخ بیست

ماه و ... نهم ماه در انتهای ماه استفراغ سوداوی بهار یابد کرد و تقدری کم کرده

و اگر هیته شود گاه گاه باید کرد و در هر ماه با او فصد هم باشد بقدر قوت مضایقه ندارد

استفراغ ماده رطوبت ... و بلغم که اشتها را باطل میکنند به مواد سوداوی محتبسه در

... و اخلاط فاسده دیگر را هم اخراج میکند بعد از استفراغ تدبیر مناسبه طبیب حاذق است

تدبیر حاذق باید او بدوا اگر بی طبیعت باشد از طعام تدبیر ... باید کرد و اگر

باشد بمعالجه معالجه آن کرده باشند ها و بعد از استفراغ عرق گاوزبان عرق بید

عرق بید با عرق عنب الثعلب شربت انار شیرین یا نعناع داخل کرده بنوشند ✻ و گاهی طباشیر دار هیل با شربت انار

ممزوج نموده یا عرق تنها و شربت مذکور نمایند و وقت شام الایچی خورد بود چنانکه عود عرقی و ریشم انار

بجوشانند هم باد نماید و صاف نموده شربت انار یا لیمون نعناع داخل کرده بنوشند و وقت خواب هلیله مربا

از عرق گلو ره گشته همراه بادیان دار هیل کوفته ممزوج نموده بخورند عقب آن اگر مناسب باشد عرق تنها مذکور

و شربتهای مناسب بدهد والا فقط گلاب بکشند ✻ فایده اگر نفخ ریح در کبد باشد ماده عوج باد طحال است بدید

کبد و طحال بسبب ماده محتبسه در کبد که متحلل بریح گردد معالجه آن بادویه کاسر الریاح استعمال کنند

واگر در ناحیه خلف کبد باشد بادویه کاسر الریاح مواد و ادویه مدره استعمال کنند واگر ماده ریح در مقعر کبد

باشد معالجه آن بادویه کاسر الریاح مواد و ادویه مسهل و ملینه استعمال کنند و مقادات که کاسر الریاح است

استعمال دارند و معالجه نفخ ریح کبد مثل معالجه شده ولکن است و جوشانده ها که کاسر الریاح سالی کوفته شد

معالجه شده کبد نیز سالی کوفته شد بطور نوشته این علاج همه لحاظ اطراف و جوانب کرده باشند

اگر ریح بواسیری باشد یا ریح کبد که ریح بواسیر ممتزج باشد نیز لحاظ ضرورت باید کرد ✻

نسخه باد: بابونه اکلیل الملک انیسون مصطکی نرکس افسنتین رومی کوفته در پوتلی بسته با روغن

بونه گرم نمایند ✻ دیگر بسفایج زیره سیاه بابونه سنبل الطیب سعد کوفی تخم کرفس بیخ کرفس اذخر

پیخ او و غیر سوم درم کوفته مهروج نموده در پوتلی بسته از روغن مصطکی در روغن بابونه گرم نماید تا

فایده واگر دیگر ترکیبات منظور باشد بملاحظه مرض ترکیب داده استعمال کرده باشند خواه از ادهان

باشند خواه کمادها خواه ضماد باشد تا حکیم لاویک نانخواه زیره سیاه مصطکی زنجبیل زراوند مدحرج

سوم درم سنبل سوسن کلمن نمک سیاه کوفته در پوتلی بسته روغن سنبل بابونه جوز از روغن ناردین گرم نماید واگر زرد چوبه

کنند باشند او و به نوره ور کار اضافه نموده گرم نماید تا فایده فی ترکیبات دیگر از ضماد [illegible]

باید از منصور [illegible] نسخه ضمادات در معالجه مالیخولیای مراقی نوشته باید که ملاحظه نموده استعمال نماید واگر

ضمادات کاسر الریاح بلند و نطولات و کمادات و دیگر ترکیبهای مناسب مرض باشند از دستور نسخه مراقی

تلاش کرده موافق مزاج استعمال کرده باشند واگر حرارت بوده باشد وارد و به و دیگر [illegible] از دستور نوشته

باید که آنچه مناسب باشد ملاحظه نوشته استعمال ورزند تا حکیم لولک بند دارچینی افتیمون در پوتلی بسته زنجبیل

گل قند [illegible] در نیم آثار [illegible] سیاند هم یا و نماید صاف نموده بنوشند گاهی باضافه اطریفل مقل

وگاهی باضافه تریاق اربعه گاهی باضافه سکنجبین عسلی و دیناری بدهند تا ترکیب [illegible] از کتب [illegible]

ومحلل الریاح بند [illegible] هیچ کوکس زیره سیاه افسنتین رومی زنجبیل نبات در نیم آثار [illegible] سیاند

هم یا و نماید صاف نموده بنوشند گاهی باضافه قرص الکرکم گاهی معجون کمونی تا [illegible] ترکیب زیاده [illegible]

بوما دران جنطیانا رومی زرنباد بابونه بیخ بابونه نبات درنسم اناراب بکوبسانند هم تا و بمانند صاف نموده

بنوشند ۱ دیگر اکه دارچینی افتیمون در پوتلی بسته زنجبیل کل قند عسل درنسم اناراب بکوبسانند

هم تا و بمانند صاف نموده بنوشند گاهی باضافه اطریفل صغیر و گاهی باضافه تریاق اربعه گاهی باضافه

سکنجبین عسل در بیماری به شوند ۱ نوشتن شربت ورد طرز پختن برای نوابحسن اینی اندوله بهادر ترتیب داده

منفع شد و برای تسهیل صفرا و سودا و بلغم و محلل ریاح است گلقند نو بنوشته الاقماع پنجاه مثقال

در پانزده اناراب گلاب قسم اول شب ترکرده دارند صباح بکوبسانند ربع آن بماند مالیده صاف نموده

باز پنجاه مثقال گلقند شب ترکرده دارند صباح بکوبسانند ثلث آثار بماند مالیده صاف نموده باز پنجاه مثقال

گلقند شب ترکرده دارند صباح بکوبسانند سه آثار بماند مالیده صاف نموده باز پنجاه مثقال گلقند شب ترکرده

دارند صباح بکوبسانند و در عین جوشیدن انیسون افسنتین رومی اصل السوس ریوند چینی در پوتلی بسته افتیمون در پوتلی بسته

۵ مثقال گل بنفشه ۵ مثقال کوفته در پوتلی بسته اندازند و بکوبسانند و وقتی که یک آثار بماند مالیده خوب صاف

کرده نگاه دارند بعد اول باید که بخیسانند پوست هلیله زرد و بخیسانند پوست هلیله سیاه کابلی در زور ربع آثار

آب ترکرده در آفتاب دارند دارچینی برای گرد و غبار بسته دارند و بکوبسانند چهار آثار بماند مالیده صاف نموده

باز پنج مثقال هر سه هلیله تمام روز و شب در آفتاب ترکرده دارند صباح بکوبسانند سه آثار بماند مالیده

صاف نموده با ابهر دو هلیله پنج پنج مثقال تر کرده دارند و بکوبسانند هم ان آب را بنوشند تا سیوم صاف نموده

با ابرنج پنج مثقال هم هلیله تر کرده دارند صباح بکوبسانند یک آثار بنوشند تا سیوم صاف نموده با برنج

مثقال هم هلیله تر کرده صباح بکوبسانند یک پاو آب بنوشند تا سیوم صاف نموده آب ورد و ادکور

گرفته نیم آب هلیله و تمام سعید یا ماء الجبن یا هم هم آثار یک [illegible] وران حل کرده شربتنور کف گرفته
یکمرتبه [illegible]

شربت بسازند قند شربت هم نوبه یا هم هم نوبه ورباله وکم عمل رای طبیب دروغن کیوره ماء اللحم نوبه نوبه
دوره

عرق عنب الثعلب شربت سکنجبین سلیه یا برنوری یا افتیمونی مروج نموده بایج وهرچه ورکرده بنوشند

و اگر مناسب باشند با عرقهای دیگر که مذکور است موافق مزاج بوقت حاجت میداده باشند و هرچه

که آنرا میده و کروه مینوشند اجابت خواهند شد فایده ولایت الامراض مسهله تناول غذا بعدا

وسط نموده مثل گوشت حلوان و دراج و دلوه و بیضه و مرغ و آب نخجی و قلیه ساله و گوشت جود و قلیه

کدو و خیار و توری و زمین قند و چقندر و ترب و پلاو و مرغ و حشکه و کهچری برنج و دال گوشت و شلجم و نان حری

و کباب و دال ماش حرم و نمک و بطریق بلین مثل فرفه و ساک بتوه و کاسنی و کندنا و دلوبه و عنب الثعلب و کل ملوس حال سنیر

و غیره و آنچه مناسب باشد و غذا بزایه باشد و مرطب و مبرد باشد و بپرهیز از غذا بولد سودا مثل گوشتهای

دیگر گوشت آهو و گوشت گاو و بادنجان و دال عدس و ماش و نخود و غذا نقیل و قابض و شیرکاو و کجرات

وساکنان یاک و سبسه و میصه مرغ و بزیز نیقر و انجیر و کشمش و بلد الیه که مفتح سیلان دم بواسیر باشند و لحوم ها مثل حلوان و بلده و روغن زیت و روغن جوز و روغن نارجیل و روغن بادام
و روغن تخم کشمش و گندنا و فبیل بصل و خرما و تمر هندی فایده دارد

[illegible]

و حلوا و جگر و حلوان وغیره و بنیر و غذاهای دیگر و آنچه مزاج با مناسب باشد احتیاط نمایند و از غذا مسدود و مضعف

نیز احتراز باید کرد و از تشیر حیا نیز حتی المقدور اجتناب نماید و اگر بعض بر قلت او احتیاج ضرور باشد مضایقه

ندارد نهایت باید که از کثرت استعمال ادویه مزلقه و مضعف معده و کبد محافظت کرد چرا که بسبب ضعف معده

ازلاق معده و غذایی انکه جزو بدن نشود خود بخود بی هضم تام بسهولت طبیعت باز لاق دفع خواهد کرد

و درین امر خطر است که منجر باسهال معدی و کبدی و اسهال بواسیری نشود و تبع اطراف

و رود از کثرت اسهال پدید خواهد شد و در آخر درجه این اسباب و علامات باستسقا ظهور خواهد یافت

و از کثرت استعمال ادویه مسهله قویه نیز احتراز و اراید چرا که ادویه قویه مسهله بسبب قوت خود آب رقیق

اخراج خواهد کرد و ماده غلیظ سوداویه را که طبیعت خود عادت احتباس دارد فضله غلیظه خود بسبب

یبس معده و کبد و امعاء بسبب شدید انها محتبس بشدت خواهد شد و بار اعاده ثکایت مرض مرتبه

سببی ظاهر و هویدا خواهد شد و در آخر درجه مخاطره بسیار دارد که بعد از شدت یبس فضول

و شدید انها منجر بقولنج گردد و در زمان استیلا و قولنج نیز موجب خطر ابلاوس بسیار دارد

و این بیماری مهلک است و از کثرت استعمال ادویه حاره بالکل نیز بباید کرد چرا که بسبب کثرت استعمال

آن تجفیف رطوبت و احتراق دوم سوداوی و ماده سوداوی که محتبس در کبد است و مولد بواسیر است

زیاده تر خواهد شد و موجب ازدیاد حرص و هیجان طبیعت بر مادی پیدا خواهد کرد و کثرت استعمال ادویه

مبرده از شربت و جلاب احتیاط لازم دارند چرا که از کثرت آن تبرید معده و کبد و ضعف اشتها و قطع

اشتها و فساد غذا در معده و کبد پیدا خواهد کرد و اگر از آن غذا جزو بدن نخواهد شد و موجب استسقاء

و تولید ریاح و قراقر و نفخ خواهد شد بهتر است که بعد از آن از ادویه مبرده و مزلقه و حاره دو گاه

عند الاحتیاج ادویه کاسر الریاح و مفتح سدد و ادویه ملینه مرطبه حاره معتدله بنظر و تدبیر طبیب و مزاج

و به رعایت مرض و پاس مرض در شسته استعمال کرده باشند و به جهت اصلاح معده و کبد و طحال با ادویه

مناسبه ما نوکرد و باید که فصد صافن و یا فصد مابض که نجاست آن بهتر از صافن است و فصد حجامت

مابین الورکین تا که خون محتبس از اسفل اخراج شود و بعد از آن اخراج ماده سوداویه به اسهال مناسب و با

استعمال ماء الجبن از شیر بز و یا از شیر گوسفند و ماء الجبن از قسم ادویه مخرج مواد سوداوی که

محتبس شده باشد به سبب ضعف در معده و کبد و طحال که کفایت با اسهال دفع نمیکنند در رفع حبس مزاج

و ترطیب بدن نیز تأثیر دارد و بدن را فربه کند و رنگ رو را از سواد در بسیار ذکی لیکن مضعف معده

و دماغ و کبد است باید که از طبیب حاذق استعمال آن مضایقه ندارد و اکثر اوقات از کثرت

آن از طبیب با فضل با که اصلاح معده و کبد و دماغ و طحال بکند موجب استعداد قطع اشتها و غیره

امراض خواهد شد لازم که وقت شام اصلاح معده و کبد و دماغ و طحال از ادویه مناسبه و از غذاهای مناسبه

واده شده به مناسبه موافق معمول در جانب مرض و طبیعت داشته لازم دانند و غفلت نکنند و اگر

مناسب باشد امتزاج و غذاهای مذکوره با ماء الجبن و ماء الجبن مناسب مزاج گاه گاه کرده باشند و منفعت آن طحال و

معده و کبد نظر خود مستحکم دارند و اکثر اوقات صاحب این مرض را بسبب کثرت غذا که مولد سودا باشد

و بسبب احتباس دم بواسیری و بسبب احتباس طمث سوداوی و بسبب ماده انسداد و یبس آن

که بسبب احتراق مائیه سودا و به جهت از سوء تدبیر طبیب موجب جذام و برص و موجب امراض سوداویه

دیگر پیدا شود لازم که احتیاط آن به طبیب ضرور است که موجب این امراض نشود و هر چند که تا استیصال

کل این امراض که سابق بیان کرده ام و حال که از سوء تدبیر طبیب پیدا شود ممکن نیست لیکن طبیب

را لازم است که بایں طریق معالجه کنند که تخفیف بظهور آید و احتیاط کنند که این مرض منجر

بامراض صعبه و مهلکه نشود مریض را از تدبیر خود غفلت نکنند و از بن بلیه نگاه دارند و اگر این قدر هم

تخفیف در قبض و رفع یبس مزاج و طبیعت و تخفیف در مرض مزمن که عسر العلاج است از علاج طبیب کامل

دور نباشد غنیمت و کمال مانع باید شمرد و خوردن چیزهای [illegible] نیز در این مرض مزمن مانع بسیار

دارد لیکن مسدود است و ریح بواسیر را مانع نمیکند باید که اگر طبیب استعمال کنند ملاحظه این [illegible] گرده

و در وقت شام یا از معجون و یا دیگر غذاهای یا در طبخ و یا وغیره بمناسب مزاج و مرض کرده باشند

ترکیب معجون چوب چینی منه برای مزاج بوالکب اصلی لادوله بهار ترتیب داده هرچند که چوب چینی

و برای ریح البلون از بسته بخاری کمتر از نخود ورق باریک کرده پنجاه مثقال البسته

دار چینی قسم اول ۱۰ مثقال گلسرخ منزوع الاقماع در بوتلی بسته ۵ مثقال افتیمون در بوتلی بسته

۱۰ مثقال ملک کاوزبان ۷ مثقال گاوزبان ۷ مثقال مویز منقی بی مثقال همه را در عرق

گاوزبان ۳ لار عرق عنب الثعلب ۳ لار عرق کاسنی ۳ لار عرق بادرنجبویه ۳ لار عرق شاهتره

۳ لار ورد یک قسمی در بسته شبانه روز تر کرده دارند صباح دیگ بر دیگ کرده و نان از

ارد مید بسوده آتش معتدل الحرارة از هیزم باریک مثل قلم ساخته دهند که دو دان تر باید

و کیفیت دوا در دو و اجزا شود و وقتی که همه اثار آب باید فرود اورده سرد کرده دمان

دیگ و الوده دار صبح و غلاظت پاک کرده عرق ان بگیرند بعد از ان ترنجبین خراسانی

نیم لار عسل مصفی هم برابر او ده ذیل بدستور معمول قوام کرده ورق چوب چینی در او

البلون ۵ مثقال مصطکی رومی ۴ مثقال ... ۳ مثقال زرنباد ۴ مثقال خولنجان

۳ مثقال زراوند مدحرج ۳ مثقال افتیمون رومی ۳ مثقال زنجبیل ۳ مثقال ریوند چینی ۴ مثقال

[illegible] و روغن [illegible] چوب چینی [illegible] ورد [illegible] البلون ۵ مثقال

لاجورد مغسول بروغن بادام چرب کرده ۴ مثقال ابریشم مقرض ۴ مثقال بیخ سوسن ۴ مثقال

ملک ازرق از آب گندنا حل کرده ۲ مثقال صعتر فارسی ۳ مثقال برگ سداب ۲ مثقال
۳ مثقال

افتیمون ۳ مثقال بابونه ۳ مثقال بیخ بابونه مثقال عود غرقی ۳ مثقال درونج عقربی ۴ مثقال

تخم گندنا ۴ مثقال برگ فرنجمشک ۴ مثقال تخم کاکنج ۴ مثقال بادرنجبویه ۴ مثقال وایانج

خردل ۲ مثقال قصب الذریره ۵ مثقال برگ بشاملی از گرد و خاشاک پاک کرده ۲ مثقال

تربد سفید مقشر بروغن بادام چرب کرده ۵ مثقال بسفایج فستقی ۳ مثقال پوست بلیله کابلی

۵ مثقال پوست بلیله زرد ۵ مثقال هلیله سیاه زنگی ۵ مثقال زعفران در عرق کیوره

حل کرده ۲ مثقال همه را کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده ۱۰ مثقال بدستور معمول

معجون سازند و اگر مناسب باشد مشک ۱ مثقال عنبر اشهب ۱ مثقال در عرق کیوره حل کرده

داخل کنند بهتر خواهد بود و یک یا یکونیم درعلیه خوردن کنند من بعد بدستور معمول و بقدر

مناسب مزاج همراه طبیخ چوب چینی استعمال کرده باشند و وقت شام آنچه کفایت آن باشد

با ادویه مناسبه المرض و طبیعت و با موسم و با ... مناسبه دفعه اکثر داده باشند

و باقی حسب رای طبیب است والله اعلم ۵۵ [illegible] ایضاً نسخه برای مزاج نواب امین الدوله

م

بهار بخور تمام یا ایس بهم لکانت در شیشه تالیف نموده گلسرخ تازه منزوع الاقماع پاک کرده هفتاد

مثقال گل مغفر اگر تازه میسر آید بسیار بهتر است والا نه کهنه باشد و در بیست مثقال گلاب قسم اول

و اگر میسر نیاید یا بمزاج مناسب نباشد آب شیرین بوزن بیست مثقال بگیرند و دران ترکرده در آفتاب

تمام روز دارند و تمام شب در شبنم نگاهدارند صباح بجوشانند وقتی که سیزده مثقال آب

یا گلاب بماند مالیده خوب صاف سازند که کیفیت دران ثقل باقی نماند بعده باز مرغ دیگر گلسرخ

تازه منزوع الاقماع پاک کرده هفتاد مثقال گل مغفر نود مثقال بار بجوشانند ده مثقال

گل نیلوفر ده مثقال بدستور معمول ترکرده علی الصباح بجوشانند سه مثقال آب و یا گلاب بماند

مالیده صاف نموده باز گلسرخ تازه منزوع الاقماع پاک کرده هفتاد مثقال گل مغفر نود

مثقال ابریشم خام نود مثقال در بوتلی بسته ترکرده دارند علی الصباح بجوشانند

پنج مثقال بماند مالیده صاف نموده باز گلسرخ تازه منزوع الاقماع پاک کرده هفتاد مثقال

گل مغفر نود مثقال گل گاوزبان قسم اول ده مثقال ترکرده دارند صباح بجوشانند مالیده

سه مثقال آب یا گلاب بماند مالیده صاف نموده و اگر در هر مرتبه دیگ بر دیگ نموده

بآتش ملایم بدستور جوهر کشی طبخ نمایند و دهان بند نموده که دود ازو از دیگ بیرون نرود

و کیفیت

و کیفیت دوا و روا جذب میشود و بسیار بهتر خواهد شد بعد بار گلیسیخ تازه مشروع الاجماع بمقدار

مثقال گل مغفشه تازه نود اشقال برگ و تخمک تو در پوٹلی بسته ۱۰ اشقال بدستور ترکرده

دارند صباح بجوشانند یک انار باو پیاله بماند برچه خوب مالیده صاف نموده در شیشه گلی

نگاهدارند بعد پوست هلیله کابلی نود اشقال در هفت تار گلاب باب شیرین در آفتاب ترکرده

دو وقت شب در شبنم ترکرده علی الصباح بجوشانند پنج تار آب بماند مالیده صاف نموده

اگر بدستور سابق آتش ملایم و دهان سربرکرده آتش دهند بهتر خواهد شد بعد بار پوست

هلیله کابلی نود اشقال ترکرده بدستور آتش داده وقتی که سه تار بماند مالیده صاف

نموده باز پوست هلیله کابلی نود اشقال ترکرده علی الصباح آتش دهند وقتیکه چهار تار

بماند مالیده صاف کرده باز پوست هلیله کابلی نود اشقال بدستور ترکرده بجوشانند

وقتی که سه پاو بماند مالیده صاف نموده باز پوست هلیله کابلی نود اشقال ترکرده صباح بجوشانند

یک سیر پاو بماند خوب مالیده صاف نموده در آب در دیگر زر در شیشه نگاهداشته است

ممزوج نموده با نبات یا شکر سفید یا قند یا ترنجبین ولطف نبات این همه را

وزن بقدر آب دو و آب هلیله آنچه که وزن آن باشد برابران شیرینی گرفته قوام نموده

بسر بسار زنند فرو دآورده لاجورد مغسول ۵ مثقال بروغن بادام چرب کرده و داخل سر بسار زنند

و اگر داخل نکنند موافق قدر شربت بقدر حب لوله یا کمی و زیاده تی علی رای طبیب و دران لاجورد

مغسول بقدر یک مثقال بروغن بادام چرب کرده دران حل ساخته با عرق گاوزبان ۵ توله عرق عنب الثعلب ۵ توله

عرق کاسنی ۵ توله حل کرده در برف یا یخ سرد کرده بنوشند و وقت عطش آب سرد دهند و در مزاج

که آب سرد خواهد داد یک دو بیت اجابت خواهد شد و اگر مناسب باشد در مسهل موافق مزاج

درست کرده قدر حب توله شربت ورد مکرر مذکور قدری در بید مشک حل کرده در برف

دیا یخ سرد کرده در مسهل مذکور حل کرده باضافه روغن بادام که دستور مسهل است یا بنوشند

بنوشند و گاهی با عرقهای مذکوره مثل ماء اللحم یا با عرق مغلث یا با عرق قصب الذریره یا با

عرق هلیله یا غیر آن که نسخه های آن سابق نوشته شده موافق مزاج و موافق مرض و مناسب

وقت و سنه داده باشند و علی الصباح مسهل تبرید با عرقهای و شربت های مناسب مزاج علیل

قدر الاحتیاج بدهند و بار اگر احتیاج باشد شربت مذکور در مسهل یا فقط در عرقهای بدهند تا

وقتی طاقت مزاج یاری دهد و تا وقتی که احتیاج باشد علی قدر طاقت العلیل بدهند

بعد از آن اصلاح معده و کبد و طحال نیز به طبیب بر خود لازم داند و در استعمال آن ماء الفرو

کرده باشند

کرده باشند و غفلت نکنند تا بی علی رای طبیعت ... [illegible] برای تنقیص بلغ

مزاج و پس طبیعت مسکه گاو و بادام مقشر ممزوج نموده چند وقت صبح تناول نمایند و کمی و

مدامی علی رای طبیعت و وقت شام اصلاح سیر و کبد کرده باشند چرا که اگر او حاجت مسکه

اشتها کم میکند لازم که اگر اصلاح سیر و کبد کرده باشند این کفایت و دیگران کرده اند شد

ترکیب برای ریح و نفخ و قراقر و رفع قبض انیسون بادیان زیره سیاه صنوبر [illegible] مویز منقی [illegible]

همه را در عرق بادیان عرق [illegible] عرق گاوزبان بجوشانند و در علیحده طبخ افتیمون در کوزه [illegible]

داخل نمایند و یک پاو بماند مالیده صاف نموده شربت بوری معتدل ممزوج ساخته

با اضافه هلیله مربا از آن [illegible] کلیخ [illegible] فستقی تربد سفید بروغن بادام چرب کرده لاجورد

چرب کرده بخورند و عقب آن جوشانده بخورند [illegible] و گاهی مویز منقا و گاهی ممزوج نموده

انجیر زرد و بادام و گاهی انجیر زرد و سپیه بخورند رفع قبض خواهد کرد [illegible] برای رفع قبض و رفع

و ثقل [illegible] را اخراج کند مویز [illegible] انجیر وقت خواب بالم [illegible] باشند [illegible]

و روی [illegible] برای امراض [illegible] ترتیب داده [illegible] چرب چینی در روی [illegible] ورق [illegible]

[illegible] نموده ۵ مثقال [illegible] الدجاج ۱ مثقال و در چینی [illegible] در هفت [illegible] گلاب

بادیان شیرین ۵ بدستور سابق ترکرده وارند صباح بجوشانند پنج اثار بماند مالیده صاف نموده باز

ورق چوب چینی قسم اول ۵ اشقاف کلسیخ منزوع الاقحاح ۱۰ اشقاف دارچینی قسم اول مثقال

ملک سیاه ۱۰ اشقاف بدستور ترکرده وارند علی الصباح بدستور دهان بندکرده با آتش ملایم بجوشانند

چهار اثار آب بماند مالیده صاف نموده باز ورق چوب چینی ۵ اشقاف کلسیخ منزوع الاقحاح ۱۰ اشقاف

زنجفون وریوندی بسته ۱۰ اشقاف دارچینی منقف کرده مثقال برگ سنا مکی ۱۰ اشقاف بدستور معمول

ترکرده بجوشانند سه اثار بماند مالیده صاف نموده باز ورق چوب چینی ۵ اشقاف برگ سنا مکی

۵ مثقال گل گاوزبان ۱۰ اشقاف کلسیخ منزوع الاقحاح ۱۰ اشقاف دارچینی منقف ترکرده

وارند صباح بجوشانند دو اثار آب بماند مالیده صاف نموده باز ورق چوب چینی ۵ اشقاف

کلسیخ منزوع الاقحاح ۱۰ اشقاف پوست هلیله کابلی ۱۰ اشقاف پوست هلیله زرد ۱۰ اشقاف تربد سفید مثقال ۵ مثقال

نیم کوفته بدستور ترکرده وارند صباح بجوشانند یک اثار آب بماند. مالیده صاف نموده بر تخمین

نیم اثار نبات سفید یک اثار بدستور معمول قوام کرده شربت سازند قدر شربت هر نوبت بدستور

معمول وبمناسب مزاج و مرض نموده باشد تابهار بدهند و وقت شام باصلاح مزاج تیز کرده باشند

والله اعلم بالصواب سکنجبین بزوری عسلی برای نواب امین الدوله بهادر ترتیب داده و نسبا شد

دو

و منضج سودا بادیان ۱۰ درم بیخ بادیان ۱۰ درم تخم کاشنی ۸ درم بیخ کاشنی ۵ درم گل گاوزبان

گاوزبان ۷ درم بادرنجبویه ۷ درم برگ فرنجمشک افتیمون دربسته تخم کرفس ۵ درم برگ بادروج

۷ درم برگ سداب ۳ درم بیخ کبر ۴ درم انجره ۵ دانه کلکلانج ۱۰ درم بیخ کرفس ۵ درم تخم کشوث

در بو نی بسته افتیمون ۴ درم صعتر فارسی ۳ درم افسنتین رومی ۳ درم آلو بخارا ۵ دانه انجیر زرد

گل بنفشه ۱۰ درم گل نیلوفر ۱۰ درم و منضج بلغم سوداوی صفراوی استعمال کرده باشند هم

بزر بنفشه مغز بادام ۵ درم ۵ دانه در آب گرم حل کرده همه را در آب شیرین سرکه

بندند و بعد از اقامت و نبیذ شیر کرده دارند بعد بکر شاید بلکه آن ربیع

بماند ماء الجبن صاف بود عسل مصفی ترنجبین حلقند عسل گلقند افتیمون بلکه با او سکنجبین قوام

کرده و در بعض طبخ خیارشنبر ۱۲ مثقال تخم حزره ۱ مثقال شیره کشیده در حل کرده قوام

کرده شربت سازند و در او زرده لاجورد مغسول ۳ مثقال روغن بادام چرب کرده

حل کرده نگاه دارند ۹ بابت علم استعمال اطریفلات سوداویه با صحاب صحت طبیعت و اصحاب

بس و مسهل و اسهال با صحاب درم کبد و اصحاب احتباس ماده سوداوی در سپرز یا در کبد

و با صحاب احتباس دم سودا که عادت طبیعت نیز با حبس دارد و نیز با اینها این همه را

نقصان بسیار رود و چرا که استعمال آن تا بوصره است و رطوبات رقیقه را اخراج میکند

و غلیظ را حبس میکند و ماده غلیظه که بعد اخراج رقیقه می ماند ورم کبد را متحجر میکند و مرض

(باقی حسب)
را بحد اعاده نمیکند پس گاه گاه برای تقویه معده جوارشی نیز پیش که با این [illegible]

دارد مقدار قلیل بخورند و حبهای مرکبه و ماء الشعیر مرکبه و ماء الجبن [illegible] و با

در حیاه و با در مسهلات [illegible] بهم رسانیدن آن [illegible] المقدار تقدیم دارند

پس وقت اصلاح است و اصلاح کنند و تصفیه هم سوداوی [illegible] تدابیر و برای تصفیه

سودا مواد سوداویه بر چهره باشد هر وقتی که عرض در پیش آید گاه گاه با تدبیر قلیل

برای رعایت مرض مذکور مضایقه ندارد این اختیار طبیب است موقوف [illegible]

مرض و طبیعت در اینجا مفرد ایام کیا استعمال کرده باشند والله اعلم [illegible]

(وقبض)
در ضعف تنفس و سعوت [illegible] و سعتی است که مزاج نواب امین الدوله بهادر بسیار [illegible] نحیف

و ضربه میکند و بدن را خفیف بسیاری می آرد این شکر [illegible] مانند

(بهم دام)
از جلعه آب [illegible] بهم دام از تخته [illegible] و مقطر [illegible] از

(بهم دام)
[illegible] پاک کرده مقطر نموده آب برگ تنبول [illegible] آب [illegible] مقطر نموده

۲۰۰ دام

[illegible]

آب انار شیرین ... آب ادرک کوفته نیمه مقطر کرده همه را ممزوج نموده علی الصباح بنوشند گاهی

باضافه شربت انار شیرین گاهی شربت انارین منعنع و قرص ... اگر مطلب باشد با ماء اللحم و با غیره

و قبل از ان اشربه مناسبه میداده باشند و باید که اول روز نصف وزن اینها باید داد

بعد از ان زیاده کرده بدستور وزن مذکور برسانند و کمی و زیادتی موقوف برای طبیب

و گاهی نسخه برای اشتها آب برگ تنبول ... مصالح آب برگ پودینه سبز آب ادرک ممزوج نموده

مقطر کرده نمک سیاه و گاهی نمک ترب ممزوج نموده ناشتا بنوشند ...

بلیله مربا از گلاب یا قرابت شسته بالان دانه ... مصطکی کوفته بیخته ممزوج نموده همراه ان مخلوط

ساخته بوقت خواب بخورند ... بلیله مربا از گلاب یا از آب شسته بالان ...

صمغ عربی مصطکی کوفته بیخته مخلوط ساخته بوقت خواب بخورند ... بلیله مربا

از گلاب یا از آب شسته صمغ عربی ... گاهی بالان صمغ عربی ... اعضا در ... انار

آب بجوشانند ... صاف نموده بنوشند گاهی اطریفل مقل بلیله یا دیگر اطریفل

با روغن بادام چرب کرده با جوشانده مذکور بدهند گاهی حب مقل و حب ... تقویت

با نوات با روغن بادام چرب کرده همراه جوشانده بدهند ...

هلیله مربا ار کابلی یا از آب نشسته بخورند عقب ان بالای زیتون گاهی بوده خشک

صمغ عربی گاهی بنج کوکنار نبات گاهی گلقند افتابی در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند

بادر بیز نسیم اتار آب بجوشانند نیم باد وکاد عدد خشک سوده بنوشند گاهی اطریفل

بلیلی مروغن بادام چرب کرده همراه آن جوشانده مذکور را بوقت خواب بدهند و گاهی

اطریفل صغیر بروغن بادام چرب کرده همراه جوشانده بدهند و گاهی اطریفل

بروغن بادام چرب کرده بدستور بدهند و گاهی حب مقل بروغن بادام چرب کرده بوقت

خواب همراه جوشانده بدستور بنوشند و گاهی همراه حب صبر مذکور بدهند با روغن بادام

چرب کرده و گاهی همراه حب خبث بروغن بادام چرب کرده همراه جوشانده مذکور بدهند

و دیگر بواسیر برگ سپستان صمغ عربی سوده نبات با گلقند افتابی و گاهی سیر بیان

مناسب در ین لازاب بجوشانند نیم باو کاند صاف نموده همراه هلیله مربا از کابلی با

از آب نشسته بنوشند و گاهی هلیله مربا با ادویه مذکوره مخلوط ساخته همراه جوشانده

مذکور بدهند و گاهی اطریفل مقل و غیره حب مقل و حب صبر با روغن بادام چرب کرده

بوقت خواب همراه جوشانده بدهند و دیگر بنیم هلیله مربا از کابلی با از

آب

[illegible]

ابشنه با اطریفل مقل با اطریفل صغیر با اطریفل کبیر بروغن بادام چرب کرده

وقت خواب بخورند عقب آن عرق بادرنجبویه عرق کاسنی آبرباح عرق مقل و عرق

هلیله شربت سکنجبین افتیمونی و یا سکنجبین ساده و یا سکنجبین بزوری عسلی و گاهی شربت

افسنتین که بطبخ سه دورت مروق نموده بنوشند گاهی حب مقل بروغن بادام چرب نموده گاهی حب صبر بروغن بادام

کرده همراه این دوا بدهند و گاهی حب حفض همراه آن بدهند و دیگر نسخه

هلیله مربا از گلاب یا ارزا شسته فقط یا همراه بادیان و اهلیل مصطکی کوفته همراه آن مخلوط

ساخته بخورند عقب آن صبر فارسی افتیمون در صره بسته نبات گاهی گل قند آفتابی در عرق بادیان

عرق عنب الثعلب عرق بودنه بجوشانند نیم باد بماند صاف نموده شربت بزوری بتدل

گاهی اسفرزه و دیگر مناسبه المزاج داخل کرده بنوشند گاهی اطریفل مقل بروغن بادام چرب کرده

گاهی اطریفل صغیر کابلی بروغن بادام چرب کرده گاهی حب مقل بروغن بادام چرب کرده

گاهی حب صبر بروغن بادام چرب کرده وقت خواب بدهند ترکیب دیگر نسخه جهت تفتیح سدد

الطحال والکبد اصفه رجیل افسنتین رومی افتیمون در صره بسته مویز منقی گل قند آفتابی

در عرق کاسنی عرق عنب الثعلب عرق بادیان بجوشانند نیم باو بماند صاف نموده شربت سکنجبین

بمقوی عسل کاهی از اشربه دیگر مناسب المزاج باضافه بلیله مربا از گلاب یا از آب نشسته

فقط یا با ادویه مذکوره کوفته مخلوط ساخته بدهند کاهی اطریفل مقل چینی یا اطریفل

و بیک مذکوره بروغن بادام چرب کرده و کاهی با حب مقل یا حب صبر بروغن بادام چرب

کرده همراه جوشانده وقت خواب بدهند نسخه مقوی المعده بادیان [illegible]

تخم کرفس اسارون بیخ سوسن پرسیاوشان نبات [illegible] انار [illegible] بجوشانند

باید چهار تخم خربزه شیره برآورده شربت سکنجبین بزوری کاهی شربت بزوری

معتدل داخل کرده باضافه ریوند چینی با شیره بنوشند دیگر [illegible] بلیله مربا

از گلاب یا از آب نشسته بخورند عقب آن عرق بلیله عرق مقل شربت بلیله داخل کرده

بنوشند کاهی اطریفل چینی با روغن بادام چرب کرده کاهی اطریفل صبر با روغن چرب

کاهی حب مقل با روغن بادام چرب کرده کاهی حب صبر با روغن بادام چرب کرده

وقت خواب بدستور معمول بدهند دیگر [illegible] آب برگ کاسنی مروق آب

برگ عنب الثعلب سبز مروق [illegible] حل کرده باضافه [illegible] باضافه روغن بادام

مخلوط ساخته بنوشند [illegible] عرق کرفس عرق [illegible] عرق [illegible]

بپرداز

شربت بزوری معتدل چهار توله تخم خربزه کاهی تخم کاسنی شیره برآورده در حل کرده

باضافه عرق بیدمشک خشک ساییده یا شیره بنوشند ... خاکشی نزاع نوابل ... بسیار

فایده بخشیده خیانه تفتیح سدد کبد و معده واسعال کرده و قبض نواسیری که شدت بود بتخفیف

بسیار فایده داده و جمعی که بسبب تعفن پاره سوداویه که محتبس در کبد بود یا بسبب تعب و حرارت

صوم ... غذای بدستور معمول خود استعمال کرده تخفیف ... کبد و اسعاد طحال

را نیز فایده بخشیده و اشتها طعام نیز آورده گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاسنی بیخ کاسنی اصل السوس

مقشر نیم کوفته ... ور شب آب تر ساخته و گاهی در عرق نیلوفر ... [illegible] بیخ کاسنی

اصل السوس ... ور شب [illegible] تر ساخته گاهی در عرق کاسنی عرق عنب الثعلب تر ساخته

صبح مالیده صاف نموده شیره مغز ... توله شربت بزوری معتدل توله خاکشی ...

پاشیده بنوشند گاهی عرق ماء اللحم مذکور هم یا عرق کاسنی ۳ توله عرق گاوزبان ۳ توله عرق

عنب الثعلب ۳ توله شربت ... توله شربت بزوری معتدل توله خاکشی ... پاشیده بنوشند گاهی

در عرق ... عرق گاوزبان و شربت های و خاکشی استعمال کرده و گاهی با سکنجبین ساده

و گاهی با سکنجبین عنصلی و گاهی ماء اللحم مذکور هم با ... شربت ... توله شربت سکنجبین ساده

۲ توله

گاهی سکنجبین بزوری خاکی وهم با شیره بنوشند و گاهی با شیر شتر نیم پاو و ماء اللحم مذکور

نیم پاو و گاهی عرق چوب چینی مذکور شربت بزوری معتدل دو توله گاهی شربت دیگر خاکی وهم

با شیره بنوشند گاهی ماء الجبن از شیر شتر یا از شیر گوسفند بدستور معمول ساخته شربت

بزوری معتدل گاهی شربت سکنجبین ساده یا سکنجبین بزوری [illegible] داخل کرده خاکی وهم بنوشند

و گاهی [illegible] شیر یا [illegible] ماء الجبن شیر شتر یا از شیر گوسفند یا ماء اللحم مذکور با [illegible]

مذکوره هرکه مناسب وقت مرض باشد خروج کرده با شربت های مناسب داخل کرده

خاکی وهم با شیره بنوشند و باقی ترکیبات های بالا موافق مزاج و مرض طبیب مختار است

هر وقت که مناسب وقت و مرض باشند استعمال کرده باشند [illegible] ترکیب شربت [illegible]

نسخهٔ شفای جهت اوجاع مفاصل و تبهای گرم را نافع است و طبع را نرم کند و بواسیر را فایده دارد

بلیله زرد صد عدد پوست آنرا نیم کوفته در ظرفی کنند و آب برسر آن ریزند و یکشب بگذارند و صباح

آب آنرا بگیرند و سه روز نگاه دارند و دیگر باره آب برسر آن ریزند و سه روز در آفتاب بگذارند

و آن اول را نگاه دارند و سه روز دیگر در آفتاب بگذارند بعد از آن خوب بمالند و آب آنرا

بگیرند و آب اول و دوم با هم بیامیزند و صد و پنجاه مثقال ترنجبین در آب اول حل کرده صاف

سازند

سازند و بر سر آتش نهند و بقوام آرند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا سوده در آن حل کنند

و تیار سازند و بدستور معمول استعمال کرده باشند مرکب دیگر از ... و اصلاح کنند کنند آب برگ بلغ

کشنیز سبز مروق آب برگ کاسنی سبز مروق ممزوج آب برگ عنب الثعلب سبز مروق آب شربت

بدستور سابق ممزوج نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده گاهی شربت خالص گاهی ماء العسل

گاهی شربت سکنجبین ساده گاهی شربت سکنجبین لیمونی گاهی شربت سکنجبین بزوری گاهی شربت

بنفشه گاهی شربت افسنتین گاهی شربت ورد مکرر قند شده اقتضی و به برف و یا یخ سرد کرده

گاهی باضافه روغن بادام گاهی باضافه اطریفل عینی باضافه روغن بادام گاهی باضافه اطریفل صغیر

باروغن بادام گاهی باضافه اطریفل سویزی باضافه روغن بادام گاهی با اطریفل کبیر باروغن

بادام گاهی باضافه حب مقل باروغن بادام گاهی باضافه حب صبر مذکور باروغن بادام و

گاهی فقط هرچه مزاج و مرض مناسب باشند علی رای طبیب استعمال کرده باشند مرکب دیگر از

آب انگور تازه آب ... آب انار شیرین ولایتی آب مویز آب گزر گاهی ماء اللحم مرکب

گاهی گلاب و گاهی عرق کیوره گاهی عرق بیدمشک شربت انار شیرین شربت سکنجبین بزوری

گاهی اشربه های دیگر آنچه مناسب باشد گاهی باضافه جوارش مذکور که نسخه آن سابق نوشته شد

وگاهی با جوارش انار وگاهی بشربت زرشک وگاهی ادویه مرکبه و با جمیع آنها اگر اسباب
مزاج و مرض باشد استعمال نموده باشند وگاهی تمرهندی در آن نیم کوفته حل کرده صاف
نموده بدهند ه ه زیرباد نافع آب برگ شاهتره مروق آب برگ کاسنی مروق آب برگ عنب الثعلب
سبز مروق ممزوج نموده شربت سکنجبین بزوری در آن حل کرده بنوشند وگاهی تخم کاسنی تخم
افتیمون در پوتلی بسته حل گاوزبان مویز منقی در آن ابهار مروق شب تر کرده و ابدا صباح
مالیده شربت سکنجبین ساده یا شربت سکنجبین عسلی و بزوری یا شربت سکنجبین افتیمونی یا سکنجبین بزوری
استعمال کرده باشند وگاهی لاجورد مغسول به روغن بادام چرب کرده در شربت مذکور محلول
کرده ممزوج ساخته بنوشند گاهی با اضافه اطریفلات روغن بادام چرب کرده همراه بدهند
وگاهی حب لاجورد مذکور بروغن بادام چرب کرده بدهند ه ه فایده اصل معالجه امراض سودا
بغذا تنقیه و با دویه ملینه که مضعف معده و کبد و طحال نباشد بلکه تقویت اعضا ملینه سودا بکنند
همچنان پس طبیعت مریض و موسم لحاظ کرده علی رای طبیب استعمال کرده باشند و ادویه
مفتحه دم بواسیر که حبس آن موجب امراض سوداویه کثیره دارد باید کرد مثل گرفتن حجامت
و فصد و صافن و حجامت در کین و استعمال زلو برگردد به مقعده و مرطبات مابین سرین معتدل

منفعد در استعمال زنبور سائق پای و حجامت ان نیز فایده دارد و از روغن بیدانجیر و روغن

شونیز برای خوردن بطریق حقنه اینهند و فتیله نیز از روغن بیدانجیر و روغن شونیز تلخ مفتح دم

بواسیری است و حقنه از نقل و کوکنار شبت و سورنج و سرگین کبوتر و شحم حنظل و اقحوان

و برگ سداب و روغن بادام تلخ و بادام که این همه بسیار مفتح دم بواسیری است و حلبه

و گندنا بهدوره نیز مفتح است و در ترکیب الملینات ... نیز مفتح بسیار است باید که ...

مناسب باشد از این ادویه علی رای طبیب استعمال دارند و امراض صعبه که بسبب حبس دم بواسیر

پیدا میشود مثل الجذام والجنون والاکله والمالیخولیا والقروح السوداوی والحمره والجاورس

والسعفه والسرطان والتغیر والجرب والقوبا والاکوله و ذات الجنب و ذات الریه

والبرسام والاستسقاء والسل باید که چنین معالجه کنند که از این امراض صعبه مهلکه محفوظ

باشد و بدستور نوشته سابق که چند دفعه بگذر و سه گرد نوشته شد بلحاظ کنید و طحال که از سپرز

باعث فساد مزاج انها است اصلاح ان بدستور کرده باشند ترکیب مرهم

گوشت حلوان یکمن باد یانه لار گوشت دراج باد سیر و نیم چقندر ریزه کرده

ترب ریزه کرده زهن چقندر ریزه کرده بیاک گندنا سالک بهتوره سباک ...

موافق مقدار بلکه کم مصالح سبوس بمقدار مناسب و زنجوان قندری وگاهی اُسطوخودوس برای تفتیح

مقل ازرق و زنجبیل و داخل رقه میکنند یک مراتی معجونی پیاز ۸ دام ادرک ۳ ورق خرج

مقل ازرق بوره منتقی کشمش جو بعشر سرکه تند الکحرزند حیرلی جلوان ۸ دام جوزی مزبح

همه را در قوام معجول اس شیرین که دران نجبه شود بد سنور معجول تیار کرده بوجیه حب بالیه

که دران تقلب بعضی چیزی نماند وقت خواب همراه حب مقل یا چیزی دیگر که مناسب ماه

باشد میخورند برای قبض بواسیر و پیش طبیعت سعی و کبد حرارت کند و طاقت وقوع بدن

بسیار آرد و سود کبد و طحال سم سازند و اصلاح برود میکنند و اگر قبض هضم باشند

مغز بادام بقدر که موافقت شود شیره کشیده با روغن بادام یکبار داده میخورند

مرکب مفتح دم بواسیر هله اقحوان ۳ برگ سداب نبات ورنتیم لا را ب نحو ساید

نیم باو بماند صاف نموده گاهی شربت سکنجبین بزوری وگاهی شربت افسنتین داخل کرده بنوشند

دیگر مفتح دم بواسیر هله تخم حلبه برگ سداب مویز تقل ازرق هر یک لا را ب نحو ساید

نیم باو بماند صاف نموده با اضافه روغن بیدانجیر بنوشند مرکب مفتح دم بواسیر بادام تلخ

استخوان کوهای شتر فوکوهای شتر سرکینه تکوتره کوغنه نجبه بروغن بیدانجیر زهره گاو مروخ

بلبوا اداوا برکرده

فتیله از وی تر کرده در مقعد دارند مسهل قوی است ترکیب مسهل دم گاو سه بسیرمینه مقل ازرق تخم گندنا

صبر فارسی بیخ کرفس ورزنه انارات بحر شابانه نیم باد بحانه صابون سوده باضافه روغن بید انجیر

فتیله سازند ترکیب دیگر بلبلی مسهل دم گاو سه بسیرمینه پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد بلیله

مقل ازرق حنا کوفته تخم خربزه کوفته تخم کرفس ورزنه انارات بحر شابانه نیم باد بحانه

صابون سوده باضافه شیره سکنجبین افتیمونی هر روز و داخل سوده بپوشند فتیله ترکیب فتیله مسهل

دم گاو سه بسیرمینه تخم حنظل الحوات مقل ازرق کوفته بیخته شهد خالص زهره گاو مسلیه ممزوج ساخته

فتیله از بازی صبر ساخته مخلوط کرده در مقعد دارند مسهل نیکو خواهد کرد فتیله دیگر مسهل شحم حنظل

ممزوج کنند بعده سرقه بادام تلخ سرکه کبوتر مقل ازرق کوفته بیخته در روغن بید انجیر زهره گاو و مقل

آرد تر کرده در مقعد دارند مسهل بسیار است فایده جرم فیل و دودان قطع می‌کند بواسیر مسکن

مجرب است و سرطان مجرب محرق و ذرور آن قطع می‌کند قبض نارنجی و سنگتره و شکر

خورانیدن مزاج بواسیر بسیار فایده می‌بخشد لهذا فقط هر یک را اکثر اوقات بخورانیدم و در ترکیب داده

خورانیدم فایده بسیار می‌بخشد بر سنده که حموضات و حلویات بالقوه ضرر دارند لیکن بالفعل

بسبب حرارة کبد ملین طبع نافع است استعمال آن نکنند بنابر دو گاه گاه مضایقه ندارد والله اعلم

اب شکره نبات ممزوج نموده بخورند گاهی ماء اللحم بکوید آب انار یکی اب شکر نبات ممزوج نموده

بخورند گاهی ماء اللحم تمرهندی شب ترکرده دارند صباح مالیده صاف نموده نبات داخل

کرده بنوشند گاهی ماء اللحم تمرهندی سپستان گاهی کشمش شب ترکرده صباح مالیده نبات

داخل کرده بنوشند الخ گاهی در همه ترکیبات عنب الثعلب گاهی کشنیز ماء اللحم اب شکر نبات مصری

ممزوج نموده بنوشند گاهی همراه مغز وغیره حبوب بخورند الخ **ترکیب لعوق** تمرهندی

آلو بخارا [illegible] تخم خرفه [illegible] شکر سفید با نبات یا قند سفید مویز منقی کشمش [illegible] اگر زرد

همه را در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق گاوزبان عرق کیوره گاهی ماء اللحم [illegible] عرق کاسنی

عرق کیوره شب ترکرده دارند صباح دیگهای [illegible] هم باد بادیان ترنجبین حل کرده بعد صباح مالیده

صاف نموده بنوشند و گاهی همراه حب [illegible] با حبوب بادام و دیگر [illegible] مناسب پاس مزاج [illegible]

و گاهی عوض نبات شربت های انار شیرین [illegible] انگور یا سکنجبین اگر مناسب باشد بدهند الخ

حب لاجورد همراه ماء الجبن سه درم بنوشند پس قرابادین [illegible] لاجورد مغسول [illegible] افتیمون

[illegible] سقمونیا [illegible] غاریقون [illegible] نیز نموده افتیمون بسفایج [illegible] ایارج فیقرا [illegible] درم [illegible] حب سازند

[illegible] اگر کسی [illegible] مزاج سبب تولد ماده سوداویه و یا احتباس ماده سوداویه یا احتباس دم سوداویه

طمث

محترق یا بسبب احتباس ورم در سپرز که بسبب فساد مزاج کبد و یبوست ورم سوداوی محترق که

باعث تولد بواسیر است پیدا شود باید که شیر گاو خام هر بقدر نیم من و بقدر موافقت مزاج برای

رفع یبس مزاج بنوشند و با شیر گوسفند برای رفع حرارت مزاج و برای رفع یبس بنوشند و اگر

احیانا شیر گاو قبض طبیعت بسبب عادت مزاج کند باید که ترنجبین بقدر چهار درم توله عوض شیرینی حل

کرده بنوشند و اگر همراه آن حب مقل یا حب دیگر یا غیر آن مثل معجون یا جوارش یا سفوف مزاج

دانسته نوشیده باشند انشاء الله تعالی شیر موافقت کند و رفع یبس کند موجب بیست و قوه باه بسیار

کند و اگر در شیر گاو خام بقدر آب کند و در حل بهتر خواهد شد فقط **مرکب حب مقل یا حب** نافع بواسیر خون

من قوا با پوست هلیله سیاه پوست بلیله کابلی املہ مقشر بلیله هر یک … درم مرجان کهربا ودع محرق

سوخته هر یک … درم مقل ازرق برابر همه در آب اهلادان حل کرده و دارو ها صلایه نموده با آن سرشته

و حب سازند شربت … درم فقط و دیگر حب خون بواسیر هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو … درم

کهربا … اشقاف مقل برابر همه با آب گندنا حل کرده دارو ها کوفته بیخته با آن سرشته و حب ها سازند

شربت … درم فقط **فایده** یکی روز توت قسم هلیله و سپید خورانیده بودم فایده بسیار کرده

که اجابت درست بفراغت گردیده … اشتها نیز آورده و قسم خام صبر سرخ توت قابض بسیار است

تا نیز ان مثل سماق است اما اینها بدو اکود ها جهت حرارت مزاج کم بد و منع و اصلاح اینها

مجرب است و برای رفع قبض بواسیر و منفتح شده و اینها برای نوالقلب بزنجبیل داده

استعمال نموده شد فایده بخشید صفقه بر تهدی ۱۲ توله زرشک بیدانه مویز منقی ۵ اداره نشمر

همه را در آب گیرز از سنگ نیز عرق کیوره نیز ترکرده دارند صباح مالیده صاف نموده ترنجبین

نبات مصری گاهی سکنجبین ساده و گاهی سکنجبین بزوری داخل کرده باضافه چهار رس لسنجه ترکوره

بخورند و گاهی باضافه حب بیتان روغن بادام چرب کرده و گاهی با افسنتین رومی خاکشی ریزه

باشیده بنوشند ها ها ها دیگر ابدالله منه لاصلاح الکبد والطحال والورم و بجای آب چقندر

رنگ و آب برگ عنب الثعلب سبز مروق آب برگ کلنی مروق گاه آب برگ کسنی سبز زر و قیطم

بزر کاسنی نیم نشیده برآورده داخل کرده بنوشند گاهی باضافه ریوند چینی گاهی قرص ریوند

و گاهی عنبر شده و المقعر خرنوب سفید سائیده باشیده باضافه سکنجبین بزوری با انیسون

و گاهی باضافه قرص غرزاد و گاهی عصاره النعنع مرکلوس ترنجبین حل کرده باضافه روغن بادام بنوشند

و غذا ماء الشعیر فقط با باضافه شفاخ بدهند ها ها دوای نافع للاصلاح الکبد والطحال واقیمات عماد

هندبرنج سوسن برنج کبیر بزید علقمک بسفال از زرق افسنتین رومی مورشنف در عرق کاسنی ۶۶ الله

چقندر

بزر همیناکشت

عرق گزنه هر گاه بسیار خورند بسیار آید بجز به شربت بزوری و تنبول

در خل کرده بنوشند که هی با ضافه وقص ربوند یا ازین یک **آثار فقرحة عیه المجنون الوهمانی**

لا یزول بالکلیة کما تحدث البیاض ای بیاض رنبق فی ظاهر القرنیة بعد حدوث الجدری والحصبة قبلما

سیر الاذا عولج بسرعته بعد تمام لکفایة الجدری وبعد ابتداء الایام لاحتمال للتریق اصلا وسببه

ذلک البیاض ازدادهما ما و سجابا و قد یعالج اکثر العدماء و سعاة المتاخرین بالجزم الصغیر بضم الحاء

المهملة وسکون الزاء المعجمة داعی آخرف الاخر فی میم یجتنب العوامل فهو بالغ فی غایة البلاغة لا ینقطع مثله سیاهر

ادویه المستعملة المعمولة بها هو علی قسمین صغیر وکبیر اما صفة الصغیر منها چنین بگیرند قشر البیض

انرا در آب بر گرده در آفتاب نگاه دارند تا که آب بدبو شود پس بعد از ان بشویند تا از پوست

که در باطن قشر بیضه باشد پاک شود از انرا بسازند پس بعد فرع دوم باز آیند بستور در ان

قشر اندازند و در آفتاب نگاه دارند این عمل مکرر کرر نمایند که نتن باقی نماند پس بعد از ان

خشک کرده سحق نمایند پس بعد بوزن شکر سفید با او مخلوط ساخته نگاه دارند و در چشم

کشند صفه جزم کبیر صفته هکذا بگیرند قشر بیض مدبر کرده کشنیز گشنیز کهنه زیاد صدف مروارید سوده

شیح نیم سفید نمره زبد البحر بعض الصدف کوه و شیح و رنگ اقلیمیا فضه اقلیمیا ذهب و سادنج مغسول

جناح النسر یعنی کرکس با اجزاء متساوی الوزن حجر الثلب یعنی سنگ کارد ربع جزء زنجفر نصف جزء

همه را سحق نموده نگاه دارند و در چشم کشند ط ترکیب سرمه برای نزول ماء مروارید خورد که آنرا اسکوک

گویند یا شه مطبوخه بگیرند که باشند پاره پاره و ریزه ریزه نشود آنگاه در شیشه خورد انداخته عرق

نک بگو کاغذی بروی اندازند و دهان آنرا بند کرده وا رند که عرق برو خواهد کرد چنان شود

که از شیشه بیرون آمده چون روزش کم شود و لیکن باید و همین یک عدد مدور کرده بالایش آرد و حکم کنند

و دیگر داو را با سرکه کاو سیب نمایند و در زمین و قبض کنند تا بیست یکروز آنگاه برآورده تا چهل روز

نگاه دارند اگر تا بیست یکروز نفل سرمه در چشم کشند نزول دفع شود و چشم روشن کرده غذا

در به گندم کم نمک اگر تواند خورد و قدری شیر گاو بران انداخته بخورند ط ورق [illegible] تحفه

شوره انگشت الکه گوگرد چنانچه اول شوره و انگشت را در کوزه حرب سایند بعد

گوگرد در حل سوده سحق بلیغ نمایند تا اثر کند حک بران معلوم شود بیماران [illegible]

در آب حل کرده مس در آن آب داده در تا پیال پر نمایند بسیار محققه است ط اطریفل افتیمونی

تحفه

بیماریهای سوداوی را عظیم نافع بود و لسباهی مورا نگاه دارد صفحه پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد

پوست بلیله املج از هر یک ده درم سنا مکی نریز بسفند افتیمون از هر یک ده درم شطرج هندی سه درم شاه ترج

بلکه

یکدرم افیون یک جزو هندی از هر یک دو درم کوفته بیخته با دو وزن ادویه عسل سفید سرشته استعمال نمایند

صفت ضماد که والد بزرگوار برای ورم که از گزیدن جانور گزنده بهم رسد صندل سفید صندل سرخ

و رواند سنگ گشنیز خشک لوبت ورق ... رسوت از آب ... ضماد نمایند نافع است

ضماد رادع و مسکن که والد بزرگوار در ورم مفاصل حار در ابتدای استعمال نموده‌اند قلیل ... مثقال

صندل سرخ صندل سفید گل ارمنی ... نشاسته فوفل ... کوفته از آب

کاهو یا بارتنگ ... اسپغول ... دارند ... سازند عند الضرورت از سرکه و گلاب ...

طلا نمایند و اگر ... قوی نشود قدری تلک با افیون در ضماد مذکور اضافه نموده طلا نمایند نافع

دیگر طلا اسپغول با سرکه و گلاب مخلوط نموده طلا سازند در رافع الحار تسکین نماید مکرر بتجربه رسیده

سفوف جهت سنگ مثانه تخم ... سوخته جریره ... سوخته ... سوخته کدو ... صمغ عربی

... کتیرا ... حجر الیهود ... قند سفید ... همه را کوفته بیخته سفوف سازند و

نگاهدارند نافع سفوف جهت نزول الماء مجرب ریشه که ... اما خشک ساخته باریک

نموده نگاهدارند هر روز بلاناغه تا ... باشد ... مجرب است نافع دیگر ... سنگ ... را ...

چینی کرده نگاهدارند تا قدری ... جدا کنند ... خشک نموده ... هر روز ...

یا بسته‌ها حب جهت فالج و لقوه و درد کمر و امثال آن پاره‌ای گوگرد پارسیاه حب السلاطین مدبر یا برگ بیدون

حب برابر داخل کرده پس قرص‌ها بسته نگاه دارند عند الضرورت یک حب استعمال نمایند و گاهی این حب را با این

وزن می‌سازند گوگرد پارسیاه حب السلاطین مدبر بدستور حب سازند ها ضماد دیگر جهت کاهو

را از آب باریک سوده طلا سازند در وقت حدت و جمیع مفاصل حار بسیار مفید است اگر کاری

مفاصل از درجه ابتدای بکار برند و تجاوز نمایند یا بر طلا طلا نمایند صفحه آن افیون و زعفران

برابر گرفته از شیر کاو حل کرده روغن گل اضافه سوده طلا نمایند نافع است و بعد از کار درد

مفاصل حار از درجه ابتدای این ضماد که با روغن گل محلول ممزوج نمایند استعمال نمایند بابونه

اکلیل الملک از هر یک مقدار چو کوفته تخم خطمی باریک کوفته از آب کشنیز مخلوط ساخته ضماد نمایند

نافع است ها دیگر ایضاً از هر چو قدری بابونه اکلیل الملک مخلوط ساخته ضماد نمایند نافع است

روغن جهت مجلوق مجرب سم الفار باریک سائیده من بید سوده قمی با دلا را از چوب ساخته

در کرای آهنی نصف زیر و نصف بالا در میان آن سم الفار سوده نگاه دارند و بالای روغن

سرکه روغن تلخ اندازند تا با تکلیه پر شود و بعد بقدر دو انار ما کل و دسته آتش کرده گرای مطور را

را لوازم تا نیم سوخته نشود بعد از آن از آن گرفته در ظرف چینی یکطرف بچسبانند و کج کرده

نگاهدارند تا همه سوخته روغن خواهد برآید آنرا نگاهدارند عند الضرورت چشمه را اول شسته تا نیم نمایند و بگذارند

نشینند تا اثر ظاهر نشود و از پارچه بپوشند والا به نشور خواهد بود ط دیگر ترکیب شنجرف جهت باد

و بغوج و آتشک باد بگیرند شنجرف یک توله را اجوائن سه توله زیر و بالا شنگرف داده در گلیه کوزه نشسته

از پارچه و سنتی آتش دهند تا تا نخواه سوخته گردد و سرد گردد نگاهدارند بقدر یک برنج برای امراض مسطور

بکار آرد و اگر این را صد مرتبه این قسم کنند سفید و اکسیر گردد ط فی معالجه جرب الیابس من الاستاد و به التجربه

الوالد ندلک بادام تلخ کمیله حنا خشک نمک کهاری سرکه انگوری همه ادویه را باریک سوده

با سرکه ممزوج ساخته بر بدن بمالند چندی توقف کرده غسل نماید در عرصه سه روز به خواهد شد

بفضل الله والمنه و الکرم ط ایضا مجرب لذلک من الاستاد الوالد سرکه انگوری کهنه بسیار تند

روغن گل روغن چنبیلی گلاب همه ادویه را خرب در ظرف چینی بمالند که غلیظ و کثیف گردد

آنرا بر بدن بمالند مجرب است ط جهت خارش خشک کمیله [illegible] کتّه مردار سنگ بادام سماق

نیم توله بهم روغن گاو خمیر نموده بمالند ط ایضا جهت خارش روغن سرکه [illegible]

[illegible] از آب بسیار بمالند تا آنکه سفید و غلیظ گردد آنرا [illegible] برشته [illegible] بر بدن

بمالند و غسل کنند ط دیگر [illegible] کتّه [illegible] کمیله دام مردار سنگ [illegible]

هلیله کابلی بریان باریک سوده در روغن گاو مخلوط ساخته تا آنکه [illegible] شود بعد

در ظرف چینی با [illegible] از دسته سنگ مالش دهند تا که [illegible] شود بر بدن مالند مجرب است

دیگر مجرب است روغن چنبیلی آب لیمو کاغذی با هم مخلوط ساخته تا که هلیله بریان کرده سحق نموده

مخلوط نمایند و بر بدن مالند دیگر روغن گل سرکه انگوری آب ساگ پالک مخلوط ساخته

بر بدن مالند به شود مجرب است دیگر [illegible] خشک صندل سرخ صندل سفید چهار [illegible] کیرا

همه را باریک سوده در روغن چنبیلی سحق نموده مالش نمایند مجرب است دیگر قوباء جاریه مفید [illegible]

لعاب گرفته قدری نبات داخل نموده بر قوبا مالند دیگر [illegible] حبات [illegible] هلیله که بعد

از منقیه تمام نمایند و بعد [illegible] استعمال مرض [illegible] نمایند بدین طریق آب برگ کاسنی نزود

سبز مروق آب برگ عنب الثعلب سبز مروق شربت بزوری [illegible] مرض [illegible] باریک سحق [illegible] سوده

[illegible] خضرت [illegible] در حمیات [illegible] که بعد از تنقیه باقی ماند این [illegible] استعمال می‌فرمایند [illegible]

[illegible] بر گرده [illegible] صبح [illegible] سوده [illegible] استعمال این [illegible]

از حمیات [illegible] تجارب [illegible] اند [illegible] قدما [illegible] و بسیار عجیب است و [illegible] از این نسخه

استعمال می‌فرمایند [illegible] آب [illegible] نموده

[illegible]

بنویسند تا هوا صاف گردد این نسخه استعمال نمودند آب برگ کاسنی و روغن آب برگ عنب الثعلب

سرکه دو عرق نیلوفر شربت بزوری خاکی باشد بنویسند جهت خارش سیماب اجزای [illegible]

اجزای ولی کنجله [illegible] بر [illegible] فلفل کرد مردارسنگ سفیداب همه را باریک کوفته بیخته در روغن

زرد که مقصود و [illegible] سرشته بنشینند نیم پاو مخلوط ساخته در گرمابه آمیخته بر تمام بدن طلا نمایند

در استعمال نمایند جهت فایده جهت گزیدن عقرب مجرب [illegible] نبات ناقید نیاز کرده همون [illegible]

بنویسند [illegible] جهت دادن مجرب است عمل کلمه را سوده بر واو نمایند [illegible] الخ لوک [illegible]

تخم [illegible] ماالکیل بگیرد و [illegible] آنرا چاک کرده تخم [illegible] در آن [illegible]

[illegible] از ریسمان بسته بر طاق نگاه دارند که [illegible] هر روز چهار پنج دانه از [illegible] و دو دانه

از ماالکیلی گرفته از سرکه سائیده بر واو بمالند تا نسخه برای گرسنگی و هضم طعام و ضعف معده و ازالت

بارده مجرب است بند منفعته سیماب سه دام عرق لیمو ۹ دام نمک [illegible] شربت ۲ [illegible]

[illegible] را هفت [illegible] کرده [illegible] انداخته سیماب و عرق زرنیخ [illegible]

[illegible] انداخته [illegible] بسته و سوراخی باریک در روی [illegible] بسته در آن [illegible]

[illegible] بروی اندازند و [illegible] سبو [illegible] بالا [illegible] محکم کنند [illegible]

بجوش کنند بگذارند تا آنکه دو از ده بهره بکاهد بگذارند تا سرد شود بکار برند برای گرمی

و هضم طعام و ضیق النفس و بیماری های سرد و بقدر رنگ برنج بخورند ان شاء الله تعالی درچند روز

بیماری ها دفع شود **نسخهٔ برای درد ابتدای نزول** بکار می آید از شیشان باریک سوده فلفل سیاه

مخلوط ساخته بگاه در انداختن و بعد الحاجت بکار آید **نسخهٔ ضماد ...** کتیره کمیله مرداسنگ

عاقر قرحا صندل سرخ با هم ساخته بکار جیبی باریک سوده از آب برگ عنب الثعلب سرشته

ضماد نماید بعد از رفضا **نسخهٔ** و الکحال بالزعفران و دو سه نخالیسو و الحدقه من ای کان

زرقتها و کونک اذا ادخل المیل فی الخطأ الرطبه و یکحل به جنبی فیعمل انه سبق جنبه الصور

نسخه جالی ساذج هندی زبد البحر بلیله زرد مساوی الوزن گرفته سحق بلیغ نموده

نسخه منفعل بغلتیدن ... توتیا از سیاه تو سوده نسخه نماید **نسخهٔ مفتح ...** نافع

تک اثار سود بسته سحق نموده بر وازند سده ... نسخه قرص نمک

مطلب ... وینهای مرکبه نازا نافع است و معده را قوت دهد ...

طباشیر سنبل الطیب افسنتین ترنجبین باریک سوده از گلاب قرص سازند **نسخهٔ ...**

عصاب ... و دندان سخت کنند و هو مجربیت عصل را بگیرند و در کارد ... پاک کنند و فتیله کنند

سدهٔ جو ... مستیلاد

دو ازالی ...

و در ریسمان بکشند چنانچه با یکدیگر نچسبد چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک شود بعد از آن در ظرف چینی

کنند و برابر آن عفص بریان سرکه داخل نمایند و دو باره در آفتاب گذارند و بکار برند

قرص زرشک مستعمل طب ورم معده و جگر و تپهای بلغمی و استسقا را نافع است زرشک ۳ درم

تخم خیارین ۳ درم مغز تخم خربوزه ۳ درم مغز تخم کدو ۳ درم گل سرخ ۲ درم تخم کاسنی ۲ درم تخم کشوث ۲ درم

رب السوس ۲ درم [illegible] طباشیر ۲ درم تخم کاسنی ۲ درم مصطکی ۲ درم سنبل الطیب ۲ درم ریوند چینی ۲ درم [illegible] بقدر

کوفته بیخته در آب [illegible] حب ساخته از آن قرص سازند شیاف المرارات ملا تاج نقل مینمایند

[illegible] مراره کلنگ مراره بط و [illegible] مراره [illegible] مراره تیس مراره باز

مراره عقاب همه را خشک کرده مساوی الوزن ده درم بگیرند بعد از آن شحم حنظل ده درم

[illegible] مراره خشک سوده داخل نمایند [illegible] درم [illegible] درم بارتنگ سوده داخل مرارات

کرده در آب [illegible] شیاف سازند و استعمال نمایند معالجه وجع [illegible] که از سوی

مزاج گرم بود خرفه ۲ [illegible] خیارین [illegible] و [illegible] ۵ توله عرق بارتنگ ۵ توله عرق [illegible] توله

شیره [illegible] برآورده شربت [illegible] ۲ توله [illegible] بنوشند [illegible] تخم [illegible] کرده

در عرق بارتنگ [illegible] برآورده سکنجبین [illegible] توله [illegible] بوده بنوشند دیگر [illegible]

حاصل شده ۲ درم بابونه درم اکلیل الملک ۲ درم بومادران ۲ درم عنب الثعلب ۲ درم تخم کشنیز در سه آثار آب بجوشانند

تا که جوش آید بخار بگیرند و نقص از آخر ساید باضافه روغن گل ضماد نمایند و بالا بمالند

سفوف طباشیر جهت گرمی تب بسیار نافع است گلسرخ ۲ درم طباشیر قند ۲ درم تخم کشنیز

مروارید سوده بیخ ۲ درم کهربا ۲ درم بسد ۲ درم کافور ۲ ربع سه همه را باریک سوده شربت سکنجبین

سفوف مخلوط ساخته بخورند سفوف که خفقان بارد را سود دارد درونج عقرب ۲ درم

[illegible] اشنه ۲ درم زرنباد ۲ درم باریک سوده سفوف سازند یکمثقال با ماء العسل بخورند

یا شراب کبیر چهار دام خام بخورند نسخه سکنجبین بزوری مطلق تخم کاسنی ۲ درم بادیان ۲ درم

تخم کرفس ۲ درم تخم خربزه ۵ درم خیارین ۷ درم پوست بیخ کاسنی ۱۰ درم پوست بیخ بادیان ۱۰ درم

همه را کوفته در یکمن آب ولت درم سرکه انگوری یکشبانه روز تر کرده بعد از آن بجوشانند

تا نصف آید صد قند سفید اضافه کرده بقوام آرند سفوف نافع [illegible] بارد را نافع

زنجبیل ۵ درم کباب چینی ۵ درم قاقله صغار ۵ درم سنبل الطیب ۳ درم مصطکی ۳ درم عود خام ۵ درم دارچینی ۳ درم

[illegible] قند سفید برابر همه جزو مثل سفوف یکمثقال با ۵ درم [illegible] حب سعید عجیب بهره سیاه

عصاره ریوند ۳ درم زرد با زنک سوده قند سیاه حب بسته از آب گرم بخورند قولنج در یک ساعت زایل

[illegible]

[illegible]

مصلح اسبغول اگر استعمال ربانه شود لیکن از خود دارد لعاب اسبغول بر آورده استعمال نمایند

دیگر قرص زرشک مستعمل مطبوخ زرشک منقی ده درم تخم کاسنی سه درم تخم خرفه سه درم تخم خیارین سه درم

گل سرخ ده درم ریوند چینی دو درم سنبل الطیب دو درم باریک کوفته از لعاب اسبغول اقراص سازند

دوای مجرب من المعمول آمله مقشر ده درم در آب تر کنند تا هشت ساعت بعد با [illegible] نموده در چشم

تقطیر نمایند جهت [illegible] چشم نافع است هذا مجرب است و دیگر دوای مجرب آمله را باریک سوده برابر آن [illegible]

مخلوط ساخته و قدری روغن بادام چرب ساخته هر درم از آن گرفته بخورند ضعف [illegible] را نافع

و [illegible] را نیز نافع است صفت ضماد سرطان الرحم فی الابتداء [illegible]

عنب الثعلب [illegible] سرطان الرحم سفیده مرغ قدری روغن گل [illegible] باهم

مخلوط ساخته ضماد نماید [illegible] انار آب [illegible] نموده روغن گل

نیز عفونت مخلوط ساخته خفه نمایند **ضماد [illegible] الرحم** وجع [illegible]

و هذا من المعمول زعفران درم [illegible] تخم خطمی ده درم [illegible]

[illegible] باریک کوفته مخلوط ساخته بروغن زرد [illegible] شود ضماد [illegible]

ضماد الورم الرحم عند الانتهاء بابونه [illegible] اکلیل الملک [illegible] حلبه [illegible] تخم کتان [illegible] مرزنجوش

صفت سرطان الرحم

بو مادران نوره باریک کوفته از آب برگ عنب الثعلب سبز سوده باضافه روغن گل روغن بابونه

ضماد نمایند ها ضماد وجع الرحم الابتداء بعد الفصد بابونه نوره اکلیل الملک نوره عنب الثعلب

تخم خطمی تخم خبازی گل بنفشه گلسرخ آرد جو باریک سوده از آب برگ عنب الثعلب سبز سوده

باضافه روغن گل ضماد نمایند ها برنیه ضماد لورم المثانه من المعمول فی الابتداء تخم خطمی

تخم خبازی آرد جو گل بنفشه تخم کتان یطبخ بماء دنبلان ویضمد بخفله ویزاد بالبابونج واکلیل الملک

والحلبه وینقص من البوارد وکل یوم یزید فی المسخنات وحدها عند الابتداء والانحطاط ها

فرزجه که وجع رحم را نافع بود و ورم صلب رحم را نرم کند صفت آن بابونه

افیون ممزوج کرده شیاف ساخته بردارند ها حمول شده [illegible] تخم ریحان و

از آب سیر و بخور زند مجربست من معمول الاستاد الفاضل شده المسهل طبائیه دانه

باریک کوفته زیت به ممزوج نموده بخور زند ها ها ها فرزجه که بانشهر استعمال کرده

بینه لطا بابونه افیون مخلوط ساخته پشم پاک ممزوج نموده فرزجه سازند و بر

جهت اورام رحم صلب و وجع ان و بول بسر را نافع است ها فرزجه دیگر که رحم

و وجع را نافع است بازد حره بعمل کرده اند بسیار است سنبل الطیب زعفران گوش قطعه رکیند صنوفاریقون

فلکی

گل خیرو خطمی برنج کبر ترمس مساوی الوزن کوفته بیخته در روغن گاو برشته و به پشم

پاره سرشته فرزجه سازند و بر دارند ﻫ دیگر فرزجه که اورام رحم را منفجر کند

انزروت سفید دم الاخوین حب الآس گل ارمنی اقاقیا کوفته بیخته بآب ساق الحلب

سه برگ سبز آمیخته به پشم پاره سرشته فرزجه سازند ﻫ دیگر فرزجه با لیف و رخش

...نی که ورم رحم حار دارد و قدری سودا مخلوط سفیداج کاشغری عنب الثعلب گل ارمنی

...الملک نارنگ کوفته با چوبی لطا و روغن گل و قدری سفیدی بیضه مرغ گرفته

...ادویه مسطور مخلوط شوند با پشم پاره مفتوح نموده فرزجه سازند و بر دارند ﻫ

...که در ابتدا نافع کند کمیله عنب الثعلب گل ارمنی دیگر فرزجه ...

...ب گل ارمنی سفیداج کاشغری موم قدری روغن گل سه بطا بقدر امتزاج ادویه

...فرزجه ورم رحم حار دم الاخوین حب الآس گل ارمنی اقاقیا عنب الثعلب اکلیل الملک

...خ نارنگ کوفته با چوبی لطا و سپیدی مرغ و سفیدی بیضه تخم مرغ و روغن گل روغن بنفشه

...ری قدری که ادویه دران مخلوط شوند آمیخته فرزجه سازند ﻫ اخراجون نوعی از آنها

...ت قال فی التذکرة إن تحملت المرأة الحاملة أسقطت جنینها وإن تحملت العاقرة بها

بعد الطهر حملت الآس شجرة وزهرها عطرة يقوي القلب والمعدة ويزيل الدمعة ويحبس الاسهال

والعرق وكل نزف وسيلان ويبس من الاشربة ما يعقل ويمنع من ارجاع الرطوبة الى الاعضاء

غير شرابه ويمنع سيلان الآباط اذا ذرّ فيه بالتنبيه وان صب على كسر العظام التي لم تلتحم

نفعها ويجفف قروح الراس ويمنع نفث الدم وسيلان الفضول الى المعدة ويمنع

ورم الخصية وخروج المقعدة ويبرد ورقه يقوي اصول الشعر ويمنع انتشاره طلاء ويطوله

ويسوده ويمنع ما ينحدر الى العينين اذا طلي على الجبهة من عصره اما استعماله في تقوية القلب

بهذه الطريق مروارید ناسفته مرجان بسد یاقوت رمانی و حب الآس

سحق بلیغ از گلاب نموده سپس حب الآس هم باو بقوام آورده ادویه مسطور داخل کرده

معجون سازند هر روز وقت صبح با عرق گاوزبان بخورند بر وضع دیگر استعمال

آن گاوزبان خشک گاوزبان صندل سفید حب الآس در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه هم باو

بجوشانند هم باو نمایند صاف نموده شربت حب الآس داخل کرده بنوشند و در استعمال الخفقان

نماید باین طریق استعمال کنند حب الآس را در گلاب سوده خوراک چشم طلا نمایند و جهة

استعمال باین طریق ... حب الآس بریان کرده زرات شیره برآرند با شربت حب الآس

داخل کرده

و داخل کرده بنوشند و بکر حب الآس سه درم گشنیز خشک سه درم زیره سفید تف داده بشوره برآورده

سه حب الآس داخل نموده بنوشند و برای گشتن نیک خشک سائیده زلو زنابد بسیار مقدار

و جهة کثرت عظام فقط حب الآس سه درم در سه آثار آب جوشانند تا نصف بماند صاف نموده

بطول بمانید و یا حب الآس را آرد نموده تکیه ساخته بر کثرت عظام به بندند نافع است

و جهة تخفیف قرحه رأس باین طریق استعمال نمایند حب الآس را کوفته در روغن

کنجد بریان نمایند تا سوخته شود بعد از آن صلایه نموده مستحکم سازد و قرحه رأس را زایل

و سلوق آنرا پاشیدن و جهة خروج مقعد نفع کلی دارد و مقعد آنرا از آب برگ عنب الثعلب

تاره سائیده بر ورم خفته ضماد کردن بغایت مفید است و تخم حبریت ذلک علی اما فیروا

و بالکلیه هذا مجرب و اگر قدری از آن سائیده بر جبهه طلا نمایند منع ما ینحدر من النوازل

الی العین آمله ثمره شجرة اسود اللون یجلب من الهند حجر آمله بارد فی الثانیة

و قیل حار و هو یابس فی الثالثة اجوده الاسود یقوی العصب والقلب والمعدة الحارة و تشهی

الطعام و ینفع البواسیر و یطفی حرارة الدم و اذا اخذ منه درهمان و رض و نقع فی ماء

عذب یاعینین ثم عصر و قطر فی العین ثلث مرات نفع من البیاض هذا مجرب و اذا استحق و خلط بعسله

بسکر و دهن بدهن اللوز و اکتحل علی الریق و رهمین ینفع من ضعف البصر و من الکلف

السایله من الفم لتقویه العین نسخه برای گزیدن سگ دیوانه از لوازم بعضی اطبا

باهمیه [illegible] عدد [illegible] ساییده سنیره برآورده بدهند چهار پنج روز استعمال باید کرد مجرب است

فایده بول [illegible] اگر شش درم با [illegible] دانگ [illegible] بخورند [illegible] دفع کند و [illegible]

و بول آن نافع من الاستسقاء برای گزیدن سگ دیوانه از لوازم [illegible] و دندان [illegible]

و [illegible] سایید [illegible] بدهند برای گزیدن [illegible] سوخته

مقدری [illegible] بخورند جهت بستن عورت [illegible] باید که این [illegible]

بعورت مجامعت کند عورت بسته گردد و اگر خواهد بگشاید [illegible]

مجامعت کند گشاده گردد [illegible] الکوح و [illegible] در ترتیب قوه باه [illegible]

که سوای [illegible] خلاص نخود [illegible] ۵ درم [illegible] ۵ درم [illegible] ۵ درم [illegible]

[illegible] ۵ درم دارچینی ۵ درم کباب چینی ۵ درم [illegible] زعفران [illegible] ۵ درم

جوز بویا ۵ درم [illegible] ۵ درم [illegible] ۵ درم مصطکی ۵ درم [illegible] ۵ درم

تخم انگشت ۵ درم تخم [illegible] ۵ درم [illegible] ۵ درم [illegible] ۵ درم [illegible] ۵ درم [illegible] ۵ درم

و آچوابن اوارسلی ۵ درم ماکری ۵ درم ماالنگ ۵ درم تخم اندوکمه ۵ درم زنجبیل ۵ درم
انیسون سیسبن ۵ درم مترحلس ۵ درم غند کهنه سه ساله موافق ادویه اندازند بمقدار جوز
گولی ها ببندند و شیر و برگ تنبول هر قدر که تواند بخورد و گولی مذکور بعد از طعام صبح بخورد
~~دیگر گولی بعد از طعام شب~~ بخورد و یک گولی بعد از طعام شب بخورد از سر نو مرد گردد و
یک هفته بخورد … که برای خضاب خاص رسول الله صلی الله علیه وسلم که حضرت جبرئیل آورده بود
بیارد هلیله زنگی صد مثقال … ۶۰ مثقال سرکه انگوری ۶۰ مثقال آمله ۸۰ مثقال شیر ماکه گاو ۶۰ مثقال
باید که همه را کوفته بیخته یکجا ضم کرده در شیشه در شکم اسب بنهند بعد در زمین کوهی یا شکم گاو دفن کنند
برآورده بر ریش بمالد و یک هفت پنج دو روز … اندازند بعد یک ساعت برنج بمالند
خواهند شد ریش و دهن … ریش سیاه شود … سیاهی تا مدت یک سال بماند
بخضاب براده آهن فولاد در خوات برگزیده نگاه دارند بعد حجر مقناطیس …
… باو با بایه و بسبه … شرطیکه بالکل از هر جا … سوزن دارد چنانکه نشود که
… سنگ سوزن دارد و … طرف … دارد باید که … شده بگیرند که هم
… سنگ سوزن دارد باید که آن حجر مقناطیس را در روغن … نگاه دارد و این

طریق نماز سه عقوله و ... بالغند ... بعد ... تا به مدت رئیس سیاه خواهد ماند ظ

استغاثه از حضرت فاطمة الزهرا صلوات الله علیها دو رکعت نماز استغاثه حضرت فاطمة الزهرا

صلوات الله علیها برای حاجات خود می خوانم قربتاً الی الله الله اکبر بعد از فراغت از رکعت در سجده

رفته این دعا بخوانند یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی ظ پس سجده اکبر چهود اکه در هندی از استعمال

سکوبند اگر غنه اگر کلان باشد سیماب پنج تنس تولد و اگر خورد باشد سه تولد در ظرف مسی

انداخته هر چند بحق بلیغ نمایند که سیماب سکه خواهد شد هون اکثیر مس بدستور طرح نماید

و قتیکه سیماب سکه شود آن گولی ها را برف در سکه گاو ریز بالا داده کرده نگاه بدارند ظ

مرکب ساختن زرد بلکه ها بلوبسر که انکوری یا هفت پیمانه یک ایار زنگار همه را در شیشه نگاه بدارند تا به

آن شیشه را ... بند نمود ... نگاه بدارند زرد خواهد شد ظ مرکب بغلول جهت ...

پنج جهد بسیار هم باد عاکو کنند خنک هم باد وال پشتی هم باد و سینه ی چهار دام هر چهار چیز را

یکجا کرده در دیگچه خاک انداخته آب اندازند و پخته سازند تا که جوب پخته شود از دیگدان

فرود آورده بیمار را بگیرند و از همان آب آبدست کنند بواسیر دفع شود در حکما است

در شش هزار آب پخته کنند تا که بصفی نمایند بیمار را بگیرند و هر وقت از همان آب آبدست

۴۷

نماید طلا برای بواسیر خونی و بادی رسوت یک دام زیره سه دام هر دو را خوب سحق بلیغ
نموده حب ها برابر نخود بسته نگاه دارند خوراک چهار حب با آب تازه یکی ورکهل بنماید
اندرخت فقط در همون زیره کهل کرده حب ها می سازند طلا دیگر برای بواسیر و بادی
پهلیله ببول گرفته خشک سازند بعد سیوع کرده بقدر یک سیر پاو بگیرند و سه حصه نماید یک حصه گرفته
در نیم آثار شراب آتش مزوج کرده علیل را بنوشانند تا سه روز همین عمل نماید مجرب است طلا
سفید کردن برادهٔ فولاد خشک سائیده نگاه دارند بعد ... در و سیماب در خل کرده عقد نماید
و سیماب را باریک کنند نقره نیز باریک کنند و در سائیده خشک سازند در سکوره گلی گل حکمت کرده
نموده نصف از آن اندازند و سیماب ... و نقره نگاه دارند بعد هم نصف باقی را از بالای آن بگذارند
و سکوره دیگر هم از گل حکمت و گروی نموده خشک ساخته آتش ... دهند همه کشته خواهد شد
و اگر ... خواهد شد بعد از یک بار ... دهند نقره خواهد شد طلا برای بواسیر خونی و بادی رسوت
رسوت ... اول ... شوره ... اول رسوت را در نیم پاو آب تر کرده بعد ساعتی از
دست مالیده از پارچه صاف نموده بگذارند شوره و ... گرد باریک شود در آب رسوت داخل
کرده از آتش بردارند و سه حصه نماید یک حصه بوقت صبح و یک حصه بوقت ظهر و حصه سوم بوقت

خوابیدن بپوشند از برنج و بادی و گوشت پرهیز نمایند تا یکهفته اگر استعمال نمایند تا مدت

العمر مرض عود نخواهد شد ها ها ترکیب معجون برای صداع که مادة در ذوات الدماغ باشند

و شرکت معده نیز داشته باشد وارد من ما تأثیف بیهای اولاد علیخان حکیم عطار ادویه نقاء

بنجاه عدد گل بنفشه درم سپستان بیه عدد گل گاوزبان گاوزبان بیخ خطمی تخم خطمی اصول

بهمان اسطوخودوس سه درم بخاله کدن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه همه را

در دو دانار آب ترکرده دارند صباح بجوشانند تا نیم آب ماند با سه صاف نموده دار چینی

ترنجبین درم زنجبیل درم عود صلیب تخم خشخاش تخم کدو سه درم تخم هندوانه سه درم

تربد سه درم هلیله مربا ادویه قوام نموده بدستور معجون سازند قند سفید برابر ادویه ها ها

نسخهٔ حب مقل پوست هلیله زرد ۵ درم پوست هلیله کابلی ۵ درم هلیله سیاه ۵ درم مقل ازرق

با آب گندنا حب سازند ها دیگر پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شکیح حرمل مقل ازرق با آب گندنا

حب سازند ها ترکیب کشتن سیماب سفید مغنی گندنک آملهٔ سار سیماب بوته دراول مغنی

را گدار کرده سیماب اندازند تا که عقد شود بعد از آن نوشادر و گندنک را سوده سالم کرده

و مغنی را چو کوب مرغه پر جهار ادویه را بیلجا کنند در یک شیشه از گل حکمت کرده و اگر آتش

مجربست نیز شیشه را که گرفته گل حکمت نموده بر چهار جز را در شیشه اندازند و نگاه دارند اول

یک لار با جلک و شیشی گرفته زغال افروخته بعد زغال آن با جلک گرفته زیر بالا و

گرداگرد شیشه کوره بسوزانند وقتی که آتش زغال سرخ شود خاک خواهد شد

آن شیشه را بشکسته نماید قلعی برنگ طلا میشود آزموده است و مجربست ١٢

ترکیب اکسیر بهرست سیماب و قلعی دم لوبه برد و را ممزوج کرده گلوله سازند و عرق بلچهکی بقدر سه لار

بگیرند اول گلوله را بر آتش نگاه دارند بعد از هنوز عرق قدری قدری از پارچه تر کرده

بران گلوله اندازند تا که تمامی عرق جذب شود بهم اکثر خواهد شد و گلوله نقره خواهد شد بطور

بر مس طرح نمایند ١٢ برای خر بر مجربست موش کور را هر روز یک عدد گرفته کباب کرده

و لعض را بخورانند چند عرصه سه روز و قصد کلی شود مجربست و آزموده است بعد از آن موش پاک

کرده کباب سازند ١٢ ناسور برای زنه مجربست بلچهکی دام و قلقلب بادام کافور گرفته بیخته باش

سازند و بر سطح نمایند ١٢ ترکیب سیفی مجربست یا قاهر العدو و یا والی

الولی یا مظهر العجائب یا مرتضی علی اول آخر درود سه بار خوانند زین اسم را یکصد و ده بار

خوانده دعا بکند و اطراف خانه مخالف دم سازد ١٢ فصل نهم لحرقة البول و حرقة البول

عمل قهر ١٢١

بعد از آن لعاب گرفته و در گلاب اسپغول در گلاب لعاب گرفته روغن گل روغن [illegible]

روغن [illegible] شیر [illegible] آب برگ [illegible] آب [illegible] اسفیداج [illegible] سفیداج سفید [illegible]

سفیداج کاشغری گل ارمنی کته پاره [illegible] سائیده [illegible] سائیده

ممزوج نموده قطور نمایند [illegible] شیاف ابیض سفیداب ارزیز افیون [illegible]

کتیرا صمغ عربی یک [illegible] باید شیاف سازند [illegible] ترکیب [illegible] مجرب است [illegible] آب

خورد خلاص نشود یا از آب گرم دست و پای را نشویند باید که سیماب [illegible] گرفته از آب

برگ [illegible] گرفته در هر دو کف های دست بمالند حتی که سیماب غایب شود [illegible]

مشغول شود مجرب است [illegible] ترکیب [illegible] که سفید کرده خواهد شد باید که [illegible] شنگرف

را گرفته در پارچه [illegible] که [illegible] یک [illegible] اول [illegible] پارچه را گرفته [illegible]

در آن گوی کنند آن [illegible] شنگرف را در آن نگاه دارند و بعد از آن [illegible]

بر زمین [illegible] و برگ های بسیار خورد [illegible] بسیار [illegible] گرفته اند [illegible]

[illegible] را نیز در آن نگاه دارند و پارچه [illegible] بر بالای آن نگاه دارند و از اطراف [illegible]

[illegible] اگر [illegible] آتش از یک طرف دهند [illegible] که سرد شود [illegible]

[illegible]

سفیدابی [illegible] خواهند شد برای امراض بارده بسیار مجربست لیکن باید که هرگاه پاچک را بر سنگ چرب
لبهای برابر کنند که هر دو پاچک وصل شود و راه هوا دران نماند بار آتش دهند
ترکیب سیاه تاب کردن شمشیر و نمال هذوق وغیره باید که قبضه را خوب جلا داده انگشت
خوب سائیده بمالد و بشوید صبح نوره و نوشادر سائیده یکی کنند و در آفتاب بدارد
و چون خشک شود بشوید و روغن بمالد بغایت سیاه خواهد شد ترکیب اکسیر برای قرحه
سوزاک بسیار مجربست حتی که عرصه دوازده ساله باشد برطرف شود باید که سیسه بقدر چهار
فلوس بگیرند و آنرا در کدای آهنی اندازند و قتیکه بجوش آید فوری نوشادر اندازند که میل
پاک شود بعد ریسه هم آنقدر گنده باشد که گله شود آنرا گرفته سیسه را ازان ریسه
حرکت دهند و هنگامیکه زیر گله سوخته شود از فلان سوخته بر آید باز حرکت از همون گله حرکت
دهند تا از ریسه دیگر نوع دیگر حرکت دهند همین طریق که وقتی زیر گله سوخته خواهد شد بر نشست یا گله
دیگر نو گرفته حرکت کرده باشند چرا که غرض همین است که رطوبت ریسه گله دران سیسه برسد
وقتی که کشته شود لمرا گرفته خوب باریک سوده باز در کدای آهنی انداخته آتش زیر آن
داده از گله مذکور باز صد مرتبه حرکت دهند وقتی که خوب کشته شود باز خوب باریک ساخته

نگاه دارند خوراک یک پنج مجستار است ۞ شراب رنگ نمودن موی ریش صحیح است [illegible] زره

نیله نیم توله زاج سفید سنگ زرنیخ هر یک پنج نود هر جلوس فرازنج زرد ماش همه اجزا را کوفته در شیشه

انداخته داخل کرده شراب انگور سفید انچه بر آید نگاه دارند و در یک خوانچه شراب یک پانه ورق نقره داخل کرده

هرگاه چهار جلوس شراب باشد بوزن هیت جلوس گلاب داخل کرده بیاشامند تا بیست روز نگاه دارند

بعد از آن استعمال نمایند خضاب بسیار بعجول شود و هر وقت خضاب نمایند و بعد عمل بجلد برسد و اگر

بجلد برسد جلد را سیاه کند خضاب نهایت مجرب است ۞ از بیاض میرزا اسمعیل نوشته شد ۞۞۞

نسخه مجرب دفع تخم تمر هندی کوزه جینی تخم [illegible] سپستان [illegible] شکر سفید برابر

توله ۱ توله ۱۰ توله ۴ توله ۴ توله ۴ توله

تخم تمر هندی را شبانه روز در شیرگاو تر کرده دارند صبح مقشر نموده بریان کرده بعد

دیگر ادویه کوفته بیخته با شکر داخل کرده نگاه دارند خوراک نه ماشه همراه جرم توله [illegible]

در آب تازه حل کرده بنوشند ۞ طریق نماز استغاثه یا مولاتی یا فاطمه اغثنی چهار رکعت نماز

با این نیت بخوانند اصلی صلوة الاستغاثه حضرت فاطمه علیها السلام قربة الی الله الله اکبر ۞

این دعا چهار صد مرتبه بخواند و در سجده پیشانی صد مرتبه و در سجده رخساره راست صد مرتبه

و در سجده رخساره چپ صد مرتبه و باز در سجده پیشانی صد مرتبه بخواند بار تحوف نمایند ۞

بلغ

[illegible]

جهت برای یرقان حادّ بسیار مجربست همیشه خوانند باشد ۞ طریق نافته بارواح پاک سرور کائنات

مفخر موجودات رحمت عالمیان شفیع ادیان تتمه دوران رحمت عالمیان احمد مجتبی

محمد مصطفی صلوات الله علیه بارواح پاک پنج تن پاک و دوازده امام چهارده معصوم و حمله شهید

دشت کربلا خاص بطفیل حضرت تعالی پاک ترکیب عمل باسم مریم ی ر ع ل ی ی م ل ی ع ر

صح ری ع م ی ل ل ری ی م ع ع ل م ری ی ی ع ی ل رم م ی ع ل ی ۞۞

سفوف مامیران چینی قوت نور باصره مجربست طباشیر سفید درم کبابه چینی درم تخم

خیارین ۳ درم خرفه مغز نیم مثقال صمغ عربی دانگ کتیرا دانگ مامیران چینی پلپل دانگ زنجبیل ۲ دانگ

سفید انیسون ۲ دانگ زراوند ۲ دانگ مرجان ۲ دانگ کشنیز مقشر سفید ۳ مثقال شکر سرخ ۱۴ دانگ

کوفته بیخته سفوف سازند خوراک [illegible] ماشه ۞ ترکیب دواء المسک را باده اشک مجربست

مغز مقشر اندرزیره نیم ماشه هلیله سیاه نیم ماشه ورق نقره [illegible] دارچینی نیم ماشه و عنبر اشهب نیم ماشه و

[illegible] ماشه و [illegible] نیم ماشه و [illegible] بو ماشه [illegible] معادل ماء اللحم [illegible] خوراک

از توله تا به نیم ماشه ۞ ترکیب خضاب مجربست اینه [illegible] خشک کرده کوفته [illegible] سنبل خشک کرده

کوفته [illegible] ریزه کرده با سرکه [illegible] ۳ ماشه همه را در [illegible] مستعمل روغن بگرفته در [illegible] بند

مذکور انداخته و دهان آن بندی محکم نموده در پاره جل دفن کنند تا به چهل روز بعد از آن برآورده

نگاه دارند و در شانه برکرده بر آتش استعمال نماید مجربست ایضا برای دیگر رنگ خضاب مجربست

نخلی آهن فلان ورق باریک کرده ریزه آهن خام همراه آن هلیله زنگی هم او اول شیشه آن نخلی

فلان کوفته گل حکمت نموده اول در شیشه ورق نخلی اندازند بعده قدری براده آهن

اندازند بعد از آن قدری هلیله زنگی کوفته اندازند بعده باز قدری نخلی بعد از آن قدری براده آهن

بعده قدری هلیله زنگی اندازند همین طریق ته بته انداخته آن شیشه را قدری بجنبانند

که مخلوط ادویه شود بعده عرق بیخ کبیله آنچه در شیشه گنجد پر نموده دهان بند کرده

چهل روز در کوی کنده سرگین گاو یا ریگ برکرده دفن کنند بعده بالای آن سرگین

از بالا داده دفن کنند بعد از چهل روز برآورده در شانه برکرده استعمال نماید موی

سیاه شود مجربست ایضا درود اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک و سلم کما صلیت

و سلمت و بارکت و رحمت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم ربنا انک حمید

مجید ایضا برای دفع سپید موی مار سیاه مرده کرده یکصد و یک [illegible] هلیله همراه [illegible] اول کوفته در دهان

مار سیاه پر کنند بعد از آن روغن سیاه [illegible] در دهان مار سیاه اندازند [illegible] شکم مار سیاه

بر شود بعد از آن آن مار سیاه را در هاندی مستعمل روغن پرورده و گل حکمت نموده دهان

هاندی بند کرده در موسم ساون و بهادون دو ماه در کوی کنند و آن کوی را از سرگین

گاو بیشتر از ساختن پر ساخته نگاه دارند بعد از چند روز از آن ضمن کوی از سرگین

خالی کرده آن هاندی را در آن روغن کنند از ساختن و نصف سرگین از بالایش پر کنند

و دو ماه ساون و بهادون بعد از آن هاندی را بر آورده نگاه دارند همه مار سیاه محلول

خواهد شد آن روغن را بر داغ سفید استعمال نماید در چند روز فرصت کلی خواهد شد و سالی که بود

که پنهان سرگین گاو در کوی اندازند یعنی در ماه آسناده سرگین گاو انداخته نگاه دارد و ماه ودر

ساون آن هاندی را فرو کنند دیگر برای مار گزیده او شیر گاو و هم دام روغن زرد هم

اب برگ نیب

هلکری خشک سائیده مزروع سوده بدهند دیگر برای مار گزیده کوبل آرند از آب سائیده نیره برآورده

بدهند دیگر نسخه دیگر شاخ گاو و چمیش روئیده و آنرا سوخته سائیده در روغن سیاه سرشف

حل کرده نگاه دارند و هر روزه بر چنبا چهن مالند دیگر لالک هرو و چنبا چهن را از اول جود شود بند

نسخه داغ سفید اول روغن کتان را بر داغ مالند بعد از آن قوری چیتی را با آب سائیده

لیپ کنند و وقتیکه خشک شود دور کنند بعد از آن روغن را مالند بعد از آن بیخ انجیر و تشتی را

بعد از آن

قدری سائیده ضماد کنند برجاها که خشک شود دور کنند بعده باز روغن مذکور بمالند بعده گیره

ره سائیده بگذارند وقتیکه خشک شود دور کنند همین طریق هفت دور عمل آرد مجربست

در یک هفته پاکک بهتر خواهد شد ‖ جهت درد دندان افیون قدری و قدری کافور

هر دو را مخلوط کرده گولی ساخته در دندان نهند فی الفور درد دور شود ‖ جهت سوزاک بنهند

مجربست ساگ لونیه هم پاو کباب چینی ربع هر دو را از آب سائیده صاف نموده بنوشند در یک

هفته جرحه سوزاک بهتر خواهد شد ‖ جهت بواسیر خونی انبر چهاب گولر پاب سائیده شیره برآورده

بنوشند در سه چهار روز رخصت کلی خواهد شد ترکیب خوشانده جهت بواسیر خونی

حب الآس بیخ الجبار مازو در نیم دام آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف کرده

حب الآس داخل کرده دم الاخوین گلنار مروارید خشک سائیده باشیره بنوشند

دیگر بواسیر ترکیب هلیله زرد هلیله کلان پوست لر بار دلا

گلنار در نیم آثار آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده بنوشند ‖ دیگر بواسیر

بیخ سنبل پوست انار مازو خرد در نیم آثار آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده بنوشند

دیگر بواسیر مجیثه گلنار بیخ الجبار بیخ ببول در نیم آثار آب بجوشانند

[illegible]

320

بعضی هم باو بهایند صاف نموده بنوشند ط دیگر لولک حجته سوخته پوست انار ولایتی

و تخم انار ولایتی ورق نسترن لاک آب بکشانند هم باو بمانند صاف نموده با تخم جارزد بارو شیر

شیره بر آورده داخل کرده بنوشند ط ترکیب معجون اشد برای بواسیر خونی برای ایام

حاملگی تالیف نموده مجرب است ابید محرق از برگ حنا اهر یا شمی یا قوت رمانی مردار بر

با محلول ملح کشته از یک سرب کشته از سوزه و نوشادر نوره کشته از دود هر

و از همان کهوری فولاد کشته در عرق ترب طلا کشته اثر دار یک جنت الجلی بد بدبر

دم الاخوین گلنار کهربا گل مختوم سنگ بسر زهر مهره خطائی هم را کوفته بیخته

با شربت انجبار شربت ریواس بقوام کرده معجون سازند از شش [illegible] استعمال نمایند

نسخه جهت اشتها [illegible] طعام زعفوری دانه الاچی جورد در لوبلی بسته در آب [illegible] الحاره

چهار پنج غوطه داده بمالند با نه بهیه [illegible] و لعاب بر طرف شود از [illegible] خشک کرده برابر آن

نمک سیاه داخل کرده چهار ده پهر کهل نماید بعد از طعام چهار پنج استعمال نماید که [illegible]

[illegible] شده الی جهته ط گولی دمو لولک سوخت مردار بد [illegible] کتهه بعد کوفته بیخته با

جنابند مقدار فلفل و لعاب [illegible] ط ترکیب گولی جهته بواسیر خونی و [illegible]

حب سازند

تخم خشخاش تخم رسوت فلفل گرد نیم را در شیره بهکره لیدن نموده گولی بمقدار کنار جنگلی
بندند و بدستور استعمال نمایند تا ترکیب حب دیگر رسوت تولهٔ فلفل ازرق ۸ ماشه
بلیله سیاه ۹ ماشه تخم خشخاش ۹ ماشه نخود بریان ۲۶ ماشه همه را کوفته بیخته در عرق صدبرگ گول
کرده حب سازند بمقدار کنار جنگلی بسته نگاه دارند خوراک یک حب تا ترکیب سلیمانی گرد
علاج برای مالیخولیای سوداوی فایده بسیار دارد هلیله کابلی ۱۰ درم تخم کاسنی
۱۲ درم بیخ کاسنی ۵ درم گاوزبان ۷ درم گل گاوزبان ۷ درم بادرنجبویه ۷ درم رگ
شاهتره ۷ درم رگ ریحان ۷ درم افتیمون در خرقه بسته ۱۰ درم برگ سداب ۱۳ درم
صعتر فارسی ۳ درم بیخ کرفس ۴ درم تخم کرفس ۵ درم بیخ کرفس ۵ درم تخم کشوث ۷ درم
ورد بنفشه انیسون ۴ درم افسنتین رومی ۴ درم گلسرخ ۱۰ درم آلو بخارا ۲۰ دانه انگور ۲۰ دانه
تمر هندی ۱۰ درم سورنجان ... مقل ازرق ۵ درم همه را در آب شیرین یکمن تا آنکه
سه ثلث ... روز بر کرده دارند صبح بجوشانند ربع آن بماند ...
عسل مصفی ... گلقند ... و گلقند ... قوام نموده ...
... ۱۰ درم تخم ... ۱۰ درم شیره ... آورده ... کنند در ... ۱۰ درم کوفته بیخته ...

بر

بسته و بعض طبخ داخل کرده بجوشانند وقتیکه بقوام آید از جمله آن بوقلی ریوند را بمالند که همه عرق

ازان برآید و ثفل که باقی ماند دور نمایند بعده زنجبیل آورده لاجورد مغسول نه مثقال روغن

بادام چرب کرده داخل کرده قوام کرده حل نمایند و نگاهدارند مجربست

مرکب هراسونته ترکیب هندی برای قبض نور بصر و هاضم طعام مجربست و آزموده است اول

هراسونته هر قدر که خواهد گرفته مسلم در عرق گنواری خورد هفت روز تر کرده بعده در سایه خشک

دارند

کرده نگاهدارند بعده درخت گنوار گرفته چوب سایه لکدی بسته زیر بالا ادویه داده

در پا پرده لا رباچک و شتی آتش دهند کشته خواهد شد خوراک چهار سرخ تا یکماشه

در برگ تنبول و اگر خواهد در دو سکوره گل حکمت نموده آتش دهند مرکب دیگر

هراسونته هر قدر که خواهد گرفته در عرق برگ کهوری هفت روز تر کرده در سایه خشک

ساخته بعده درخت برگ کهوری گرفته چوب سایه لکدی بسته ~~زیر بالا لکدی بسته~~

زیر بالا ادویه داده در پا پرده لا رباچک و شتی آتش دهند کشته خواهد شد مجربست

دیگر هراسونته را در عرق گنواری هفت روز تر کرده خشک ساخته در پوست

املی و نمک زیر بالا داده در پا پرده لا رباچک و شتی آتش دهند کشته خواهد شد ناخوشی نماید

معمول است

عرق بلیله منسوب بنواب علیخان قدس سره بگیرند پوست بلیله زرد ده اثار پوست بلیله کابلی

ده اثار بلیله سیاه ده اثار پوست بلیله چهار اثار آمله ده اثار پوست درخت مغیلان چهار اثار

بدستور معهود در خم کرده بقدر هر ذره آب بوری انها کرده بگذارند تا جوش خورد و از جوش

فرو نشیند چنانچه رسم است عرق کشند پس برگ غنچه گلسرخ هر سیر دارچینی ده توله بهمن سرخ بهمن سفید

بدرار

فرنجمشک

خولنجان شقاقل بسبک کلو احد پنج توله برگ ترنجک نمام؟ کاوزبان زنبیر؟ واحد یک اثار زرشک؟ الثعلب

پنج توله ابریشم خام یاو سیر بدستور عرق کشند ودر وقت کشیدن عرق عنبر اشهب بقدر

در رومال بسته داده عرق کشند ترکیب روغن برای سستی قضیب ذلو درخصیه خرحسیابانج

ذلو درخصیه میمون حسیابانج ذلو درخصیه یاو حسیابند سرگین میمون نیوخته بر جربی شیر ترک

زیره گرگ بزجند بید ستر عود قرحا بسر لعوتی سنبل سکنهای جوز بوی بلسیه حمال کور یعنی

تکمیل سفید مویهای قرطین حسک سانرده یاک کرده قیمه قیمه نموده زعفران میرج

فلفل کرد جربی مار سیاه مشک عنبر اشهب همه را بدستور در شیشه انبیق روغن کشند

و بدستور معمول استعمال نمایند ترکیب روغن آب برگ نیم هم او لکسله هم او

اهیلسله و هم بلیله املج و هم گرفته آب حیض شیر خره دام شیر عورت بودام بهدانه و هم

المجرب

سفیداب قلعی و کتیرا و هم هر سه را در گلاب لعاب گرفته سفیداج کاشغری کته سفید کافور بهمنی — بهمبینی

افیون در گلاب حل کرده گل ارمنی بهلگری بریان کرده شنگ جراحت شسته داخل

سفیدی مضر مرغ حل کرده غلیظ کرده عوض آب گلاب بکشم لار بدستور زرد مرهم سازند

در استعمال نماید قرحه سوزاک ده ساله هم رفع خواهد شد ترکیب مرهم برای قرحه

سوزاک سفیداج کاشغری سنگ جراحت موی سر آدمی سوخته زبان سگ سوخته کوری

سر کاسه آدمی سوخته کمخت سوخته بهلگری بریان کته سفید آب برگ نیم هم ناو

موم سفید یکدام روغن گل هم ناو شسته داخل یکدام کافور بهمنی بدستور معمول مرهم — بهمبینی

سازند و از فتیله مرهم نموده در نابره گذارند نسخه سوزاک بسته ایله منی سوزاک

کاوزبان برگ حنا هر سه را در عرق خار خسک هم ناو و عرق خار شتر هم ناو تر کرده دارند — گل دکه ۹

صباح مالیده صاف نموده تخم خیار حب کاکنج خیارین شیره برآورده شربت بزوری

معتدل داخل کرده باضافه ریوند چینی بنوشند گاهی قرص بنجادق البزور روغن نابت

علوکان برای غسل وجلق زده منی گنجشک نر مغزهای رو هو نر مار سیاه جرلی ترکرده

جرلی عوک دمنی عوک جرلی موش شتر کلان جرلی مرغ ازبکان گرده جرلی گوره

ارمغان گرده زنبره زنان زنبره گاو زرد خراطین جنگ ساختن حبک رنگ ماهی ذنوح جنگ

ماهی اودیان کرده سیاه گنگره میسی نمک برابر جریی خوک روغن سم اسب پیه روغن کنجد

روغن ملک روغن نرگس سنبل سفید کباب ابی سیماب گلنار طلق جامد کوه

ملک دراز سیر سکنه عنقر نرجان بیخ کبر سفید سخ بس کندیا تخم زردک بهلاق

بوتخم معنب عروقلک حرا سیر اوانه ورن تخم دراب شوره زعفران مشک

جوز بویا

بتونکی سفید جاوتری لوبیا کور باجند بید سنبر ورجین تخم کوکچه بهر اهنی مقدار

برفت زردی سیر ملنگ سیاه بوتق ادرک شراب و دوانه زنجار مرغ ...

خسته ورشیه آتشی روغن کشتند ها **برای ورم طحال** وعظم آن شنبم که بوبرک ...

از انار جه گرفته بقدر یک پیاله چینی بقدر یکبار و هر روز تا به سه چهار روز علی الصباح بنوشند

بدل
کشنیز سبز

هم صلابت طحال مضمحل شده خواهد رفت ها برای بهاسه قدری چونه پر ... کنجد نهاد

بلکه بر بهاسه بمالند همون ساعت بیافتد و دهو ... کاغذ ... برای بهاسه

کنجک با لعاب ... ضماد نمایند ... خواهد شد ها ... سرکه

سنگ ... ضروح سوده جای که مو بر نیاید بمالند رویانیدن مو خواهد شد ها

مجرب آن پیر که از مالیدن هر در سه روز مضمحل شده با مقدار فندق حب کرفته شده بر

جرم کهوس خشک کرده کوفته بیخته فلفل کرد دام دانه الایچی سفید دام کوفته بیخته سفوف سازند

و هر روز سه چهار مرتبه مالیده باشند در عرصه سه چهار روز نفع یابند فرصت کلی مجرب

حاصل شود علاج ترکیب دیگر ضمادی که بسبب ریح بواسیر لاحق باشد افیون یک ماشه بادیان

اصل السوس برگ سداب پوست بیخ کبر صعتر فارسی در [illegible] آب بجوشانند نیم باو

صاف شوده شربت بروری کام داخل کرده بنوشند علاج وقت شب بوقت خواب

بابونه یک تولہ اکلیل الملک تولہ عنب الثعلب یک تولہ برگ سداب تولہ صعتر فارسی تولہ

مقل ازرق یک تولہ تخم حلبه تولہ تخم کتان تولہ سعد کوفی تولہ سنبل الطیب تولہ در دو اثار

آب بجوشانند نصف بماند بخار بگیرند و بعد از بخار از رگ برگ دیگر بیخ [illegible] از روغن [illegible]

مالیده کرم کرم بر جای ورم بسته از پنبه کهنه بسته دارند تا سه روز همین طریق کنند مجرب است

علاج جایی اثنان تعمر زده زخمی را بسبب نفوذ برودت [illegible] از راه مسام اعصاب

موجب تشدید دماغ میشود و اکثر او نجات صاحب ضرب زده را بالبته تشدید اعصاب

موجب فالج و گاهی عقد شدة المرض و شده تام موجب سکته که لا علاج است اکثر

او قات بجارست و معالجه ان بطریق فالج و لقوه و سکته باید کرد و احتیاط هوا بسیار باید کرد

و باقی معالجه علی رای طبیب است و معالجه ان طول طویل بسیار دارد و لهذا نوشته اکتفا نموده

کلیه نموده شد ها تشبع من الاصد فان للحیة والجدری من جمیع الاسباب. والا و فات

بول الحمر یک قطره در آب ممزوج نموده بطفل بدهد صحت کلی خواهد شد ها جانب سیاه جوب

تشبع الاصد فان رگ هدی یطور ساگ هتی در گوشت پخته بهیمه خورده باشد اگر علتی

خواهد شد در چند روز به خواهد شد ها نوع دیگر نسخه سیاه تاب نمودن قبضه شمشیر و

نال هذوق و غیره باید که قبضه را هرآب جلا داده انگشت را از این مالند و شوید مع

شوره و توتیا در سایه گذاشته در آفتاب بگذارد چون خشک شود بشوید و روغن

مالند سیاه تاب خواهد شد ها نسخه ماجو سبز ۷ دام برادة آهن ۷ دام کلک نمک ۱ دام

در بالای سیاه میشود مال گلی ۲ سه دام کبد سیاه ۲ سه دام بهلاون ۷ دام اول باید

که بهلاوه را در سر گل کاوش بسر به کلاه ال یک لار با جو تم لا را آب انداخته

حکیران آتش نرم دهد بعد از ان کلاه انرا از کار دور کرده همه را گرفته حوکوب باریک

نماید بعده در عرق گیمره سیاه تر کنند و در آفتاب خشک سازند بعد از ان در ظرف

اول

و روغن چینی و یا روغن زرد گاو باشد و در میان آن دو دوا داخل کرده بنیران سوراخ کرده

منقل یا پیاله چینی روغن چکانیده و بعد از آن بر چک و نشتی برای آتش باشد اول این روغن

را بر ریش مالد بعد از آب آمله بشویند بسیار سیاه براق خواهد شد ها ها نسخه برای

سکنجبین اصفهانی عصاره ریوند شربت بنفشه گلقند ممزوج نموده بخورند ها ها جوشانده برای

مجربه کتیرا هلیله سیاه زنجی بلیله آمله خزانه شاهتره و بودار نجه خراسانی چیلک نیم گلوی

هلدی مساوی گرفته نرم کوفته نگاه دارند و وقت صبح یکدام بچه را در نیم انار آب بجوشانند هم

نگاه دارند صاف نموده بنوشند و ام بچه داخل کرده بنوشند ها ها نسخه ضماد قوه باه اگر عنین باشد رخصت

حاصل شود تخم ترب سوخته و ام در روغن گاو موافق قدر ضماد ممزوج نموده نگاه دارند وقت حاجت

بر برگ تنبول ضماد کرده گرم کرده ضماد نماید و از ریسمان خام به بندند تا هفت روز مجربست

نسخه طلاء برای سفید ذکر مغز خر [illegible] چیران نیم پاو عقرقرحا ایک جلوس سنکهیا یک جلوس

روغن کنجد یک پاو این همه ادویه کوفته مغز خر را در روغن انداخته در کرای آهنی یا دیگچه آهن

تا سه روز بنشت بر حل کنند بعد از آن در شیشه انداخته نگاه دارند بالای ذکر طلا نموده بر اعضای

تناسل پان لکار کنند بعد اگر داند افتد روغن زرد از آب گرم شسته نمالد مجربست ها ها

برای آتشک از جاهای صعب گرفته شد پاره دام کتیبه پاره عنبر سیاه ... کنند بر سه را
راه دروغ گفته به سه روز کبل بجابد بعد از آن حبهای برابر کنار چنگی لشته یک گولی و نیم
صبح همراه ملائی بخورند یا به چهار روز یا سه روز غذا شیربرنج بدهد و در سه روز فرصت کلی خواهد شد
و اگر مرض مزمن باشد غذا گوشت گاو بخورند یا پایه گاو بخورند و شبهای بسیار خواهد آید
دیوار سر و سوراک و آتشک را جابه کلی دارد و در شبها بسیار آرد و قوه باه زیاده کند
نسخه دیگر سیماب یک بهلولی مانگراه ۲ بهلولی این همه ادویه را چهار بهر کول نماید گلولها
تر اوده هفته پوری همون وران برابر گیشنیز یک پوری هر روز بخورند از آب گرم
در چهار وقت خواهد شد غذا فلیه خشکه نان جری و دال موکن بخورند سوای این هرچه
خواهد بخورد و بطلس شفا کامل خواهد شد بسیار مجرب است برای درد دندان همون ساعت فرصت شود
از جوهر ... گرفته شده نوشادر حرتبال قدری از آب حل کرده قدری پنبه از آن
کرده در جای درد بر دندان دارند و لعاب که خفی دهند و در تمام روز سه چهار دفعه کنند
برای آشوب چشم در دو سه روز فرصت کلی شود از فقره جات پهلکری نوا سه درست ... تا
یا تیات ... جوشنده جاید نشیم زرک دخون خوک و ... خوک بر سه دندان را

بالی نیز

بی تب دور سازد باشد وجع القولنج با آب گشنیز با چلغوزه برشته نورس بسیار طلا نماید و در چهار

روز منفع آنها رسازد و نیم عشوقه نیز منفعه نور بسیار را قطع نماید فقط خضاب مؤمن الدوله

ناظم الملک محمد حسین علیخان بهادر نادر جنگ خطاب حیثیت صاحب رکن الدوله معین الملک

محمد حسین علیخان بهادر مبارز جنگ بطریق صمار چلق زده و عنبی مجرب است تخم تریسوخته

یکدام روغن گاو یکدام زهره گرگ یکدام شهد خالص دام ممزوج نموده برگ پان مالیده

کرده شیر گرم نموده بپزند تا هفت روز بسیار مجرب است پرهیز از جماع فقط نسخه مجرب برای

وجع الفواد فلفل سیاه نبات باریک کوفته معجون ساخته چهار ماشه با آب فرو برند فقط

نسخه روغن برای درد باه روغن شریف افیون خالص یکتوله عرق دهتوره سیاه اول روغن

را در کرای آهنی انداخته بر آتش نهند و افیون را حرارت باطلا کرده سائیده در روغن مذکوره

انداخته و یک تکه چوب بریان شود فرود آرد و سرد کنند بعد از آن عرق و افیون را در روغن

انداخته در بیضه سنگ سائیده نگاهدارند بوقت حاجت نگاهدارند و بالای آن برگ محفوظه بکاربرد

گرم کرده به بندند و بالای پنبه کهنه نیز ببندد فقط طریق استعمال چوب چینی مع تالیفی چه با که

زنند و در له بر مرضه و جمیع امراض سوداوی و برای برص کلنگ و ناقهین را اکثر او خان خانج

گلی سپیدار ده و بوره سبز صفی و نانخواه اکبر مایحتاج وارد و لاغری بدن را فربه گرداند برای

بیمارانی که بستیل پر شاه صاحب وام اجابت ترتیب داده مایحتاج کشا بخشید [illegible]

روز اول ورق حنی وردی البون عشبه کنجد قصب الذریره هلیله سیاه تربد هلیله زرد

گلیچ برگ سنا مکی افتیمون ورق تولی ثبت مصطکی دارچینی اسطوخودوس همه را در عرق چوب چینی

مکور و عرق انشعلب زیب ترکرده وارند صباح گوشت حلوان هم کار اول بروز

کشنیز خشک بود خیلی خشک ادرک بالان ارا ساتیج و گوشت مذبوح نموده پارچه گوشت های

ورنگه بر بهای هوا آهنی نگاه دارند و دو به را بر بالای پارچه گوشت های بپاشند و یک بار

بدن شش نتو بطابق صرل نمبر کرده بدستور معجون بقدر شش توله عرق کشند علی الصباح همراه

چهار تا به معجون چوب چینی که نسخه آن سابق نوشته بخورند و اگر مناسب باشد قدری تاب

داخل کرده ۲۱ روز هم معجون چوب چینی وغیره بمناسب مزاج ادویه های زیاده کنند و گوشت بد مهند ۲۱

را نیز بقدر نیم پاو زیاده باید کرد و روز سوم اگر مناسب باشد زیاده کنند والا به دستور

نگاه دارند روز چهارم بار بمناسب مزاج هر دو را یعنی گوشت زیاده کنند غرض تا به روز

سیم که روز طربنی تربت ورق چوب چینی عشبه تنقر قصب الذریره هلیله سیاه زنگی تربد هلیله زرد

ادراک ۱.

برگ سنا مکی دارچینی قلنج مصطکی افتیمون اسطوخودوس و همین قدر مناسب فصل و مزاج

عرق حب جنبه زیاده کنند و معجون مذکور و گوشت حلوان با به سه پاو کنند و بصاحب گوشت کشنیز

کبوتر بچه بهتر پاره باید کرد و روز نهم باز موافق مزاج همراه ادویه های سه بار جه گوشت

زیاده کنند و اگر مناسب باشد روز دهم یا دوازدهم تعریق باید کرد و موکلبا مزاج ادویه مسهل

زیاده کرده باشند و اگر مناسب باشد جدوار خطائی بقدر یکماشه یا جهار ماشه از روز بیستم در

ادویه زیاده کرده باشند و اگر حرارت در مزاج باشد انار ولایتی بخوردن دهند

و اخراج تسکین حرارت اگر باشد باید قهای مناسب و شربت های مناسب مزاج

بخشند و همین دستور تا به روز شانزدهم روز بطابق ورق حب جنی عشبه مغز

قصب الذریره هلیله سیاه ترنجبیل هلیله زرد برگ سنا مکی دارچینی قلنج مصطکی افتیمون

اسطوخودوس همین قدر عرق جوشیده موافق مزاج مناسب حرارت مزاج و موافق نقصت ناهمه

کنند و پرهیز و نشو از ابله باید کرد که نقصان و ضرر در بیح اثر باشد و گوشت حلوان نمک لالا

باشد و در آن بصاحب کشنیز جنبه گوشت خشک پایان از ارات آمده بهترین ساخته لالی

قرنفل جفر عرق کشیده همراه معجون حب تحته مناسب مزاج بدهند و اگر مناسب مزاج باشد در روز

بعرق تر کنند و بعد از دو سه هفته ای همه معجون زیاده کرده باشند و بعد از روز لبوب دوم ورق حب خ

عنبه سونی نصف الوزن بلیله بلیله زردی ترب سبیله زرک سنبل بشکنج و درونج افتیمون مصطکی

اسطوخودوس دارچینی بقدر یک مثقال مناسب باشند دو عرق حرب بقدر تر کردن ادویه انگور

عنب الثعلب و معجون حرب خ بقدر یک تولچه ... داده باشند و اگر روز ... ادویه اگر

حرارت در مزاج یک بند مناسبت که زیاده کنند و الا ... در روز آنگفا هیون ... کنند

و در بادوق دوا بابه روز لیست هم با این قدر شرط مناسب مزاج تجمیع وجوه باشد و در حرب خ

عنبه سونی نصف الوزن هلیله سیاه لوب سبیله زرد ترب سنبل بشکنج مصطکی اسطوخودوس

افتیمون سه عرق حرب خ و عرق عنب الثعلب مزاج مناسب با برداد و معجون حرب خ بقدر

یکم تولچه باید کرد و اگر موافقت مزاج باشد بقدر سه باشند با زیاده و کمی علی رای طبیب وقت

سه بهر معجون حرب خ بقدر یعنی مناسب المزاج داده باشند و در روز بحران موقوف

بعرق بیذ ... و دیگری قدر طاقت مزاج کرده باشند و اگر مناسب مزاج باشد ... گاهی

گاهی جهت حرارت مزاج زیاده کرده باشند و گاهی کشنیز ... نیز اگر احتیاج باشد بقدر مناسب

مزاج و وقت زیاده کرده باشند ... از خطای ... زیاده کرده باشند و مناسب است

که هر روز این فرقه را بروغن بادام بقدر شش ماشه یکبار داده باشند و بقدر یک جو ماشه

روغن بادام در معجون مذکور ممزوج نموده داده باشند تا نه زخم شده بد کند و نبات مصری

سبز زبانه بقدر یک ماشه کرده باشند و غذا گوشت قلیه و پلاوی و کباب و مربای سیب

و بهی و ماهی ستاقی خورده باشند و نمک موقوف کنند و اگر خوردن نتوانند قدری

قلیل نمک لاهوری مضایقه ندارد و از هوا و ابا صرف دیده احتیاط کنند و بعد از

روز بیستم کی دوا معجون وغیره بمناسب مزاج کم کرده باشند و گوشت حلوان

را تا بیستم لا ر حرارت از زبانه بتدریج کنند و از روز بیستم بتدریج کم کرده باشند

و عوض دو دل جنز بقدر یک ماشه باشند و کمی در زبانه عصارای طبرسیت و نبات مصری بقدر

دو سه تولچه باشند و میوه سیب تازه و ناشپاتی و انار ولایتی هر قدر که بهم رسد موافق

مزاج و بهر حسب طبیعت تناول کرده باشند و روغن مسکه گاو هر قدر که تواند خورده باشند

و تا به چهل روز همین طریق را اختیار کنند ان شاء الله تعالی در چهل روز در جمیع

امراض محکمی بخشد و ماده آتشک عرفه را که بیخ آن دور سازد و از جماع و غسل

احتیاط کمال دارند و از هوا پرهیز دارند خصوصا روز تعریق بلکه بعد از چهل روز

و چهل روز دیگر پرهیز از جمیع امور است باید کرد و می باید که در امراض سوداویه مزمنه در مرض

ادویه مناسبه و در شربت چینی قدر شربت آن وغیره ادویه مناسب مزاج باشد و کمی و

زیاده نه طبیب مجرب است گاهی برای برص مزمنه چینی با سان عود بلسان و گاهی اگر مناسب باشد

جدوار خطائی اعلی مجرب است بقدر موافق مزاج استعمال کرده باشند

نسخه گلوله مجرب هیراهنک بریان کرده ۱ دام بیبل ۱ دام گشنیز ۱ دام برنج کابلی

۱ دام چینیا ۱ دام مجیو ۱ دام مرچ سیاه ۱ دام پالان ۱ دام اجوائن ۱ دام بیلبل ۱ دام

بلیله ۱ دام املهٔ ۱ دام سونهٔ ۱ دام مرتعب ۱ دام اجمود ۱ دام نمک سونچر ۱ دام

نمک سانبهر ۱ دام جراکهار ۱ دام کهار گجور ۱ دام جراکهار ۱ دام سجی ۱ دام کهار جوز ۱ دام

پهکری بریان ۱ دام مدها ره بریان ۱ دام پوکرمول ۱ دام سوهاگه بریان ۱ دام کهار

مدبر یکدام سه خصه لونه کیاگری یکدام ادویه ها را اول جدا جدا باریک سائیده

بعد از ان تا سه روز متواتر بآب لیمو نیست و بعد گاهی بدل نماید بعد از ان بقدر

یکماشه خورد تا وقتی ماند نسخه مجرب چاوی که از علمای این منوال است

از بیاض نواب مبارک الملک مرحوم نقل نوشته شد و بر نیفت این بسیار مجرب است مختصر اینکه

سلطان الحکما اشرف الخلق ضیاء الدین بغدادی نوشته است که خواجه زین الدین
کرمانی در حضور ابن معجون مداومت فرمودی و گذشت عمر او قریب پانصد سال رسیده بود
و دیگران هم که در استعمال مداومت نموده عمر ایشان از صد سال زیاده شده لهذا [illegible]
نام کرده قرنفل ۱ مثقال جرزبوا ۱ مثقال دارچینی ۱ مثقال کبابه ۱ مثقال الاچی خرد
۱ مثقال سادج هندی ۵ مثقال قاقله کبار ۲ مثقال فلفل ۲ مثقال دار فلفل ۲ مثقال
زنجبیل ۵ مثقال بلیله کابلی ۱۶ مثقال بلیله ۱۶ مثقال آمله چهارده مثقال زیره کرمانی ۵ مثقال
مکوی ۲۰ مثقال بنگ ۵ مثقال افیون ۱۲ مثقال جمله ادویه را کوفته بیخته و چند
همه ادویه شکر سفید پاک ملایم بقوام آورده معجون سازند و هر بامداد بمقدار دو درم
ناشتا بخورد هرکس این را مداومت نماید نفع بسیار بیند از جمله منافعش اینکه جمیع
علل را زایل کند و رنگ را سرخ گرداند و اعضا را قوت دهد و موی را سیاه دارد
و عقل و فهم را زیاده کند و هشتاد علت باد و چهل و چهار علت محروری و هژده
علت بلغمی و سوداوی را دفع کند خصوصا مثل بهق و برص و سل و بواسیر و قولنج
را نافع است ماطالا ترکیب للبواسیر الباردی منه بتجربه آورده حقیر نقل از

تخم کاسنی همه را کوفته با سکنجبین کاو مزوج نموده هر روز وقت صباح بخورند علاج آن

مویز منقا. ۳ دانه هلیله شب در عرق گاوزبان باو سیر مکرر سه نوبت بلکه سه کرر

شب تر کرده دارند صباح مالیده صاف نموده شربت مویز داخل کرده تخم بالنگو

گاهی تخم ریحان گاهی اسبغول با شیره بنوشند قبض بواسیر که بسبب پس امعا

ومعده باشد دور خواهد شد واگر مناسب باشد شربت مویز قدر شربت از طوله

زیاده استعمال کنند مضایقه نیست واکثر اوقات بتجربه آورده ها ها ترکیب شربت مویز بزنند

مویز منقا سه نیم لار بهتر و علاج مثلث ازرق هم باو زنب در عرق گاوزبان یک آثار

مکرر بلکه سه کرر شب تر کرده دارند صباح بجوشانند نصف بماند مالیده صاف نموده

بر نجبین سه باو گلقند آفتابی نیم لار داخل کرده وقت قوام شربت ... بلیله مربا

در عرق گاوزبان شیره برآورده داخل نموده کرده استعمال نمایند ها

ترکیب سنبل که مس را سفید کند از میرزا جنید رحمه بیارد سنبل سکنجبیا در رس برگ ... و بیول

و بیل درخت ارند جوکیا چوه بدهد وقتی که همه عرق جذب شود انرا نگاه دارند قدری بر مس طرح نماید

مس سفید خواهد شد و چند توله مزوج نموده بپوشند واگر برابر توله انرا رند قدری سیاهی

حالی

طریق خود انست یک خشت گیرند و محکم دران گوی کنند دران گوی سنبل نگاه دارند و بر دیگر آن

آن خشت را نگاه دارند و زیرش هیزم دهند نشال کهی و وقتی که همه عرق جذب شود آلینه خواهد شد

مجربست طریق حل کردن دیگر منسوب ... سنبل بسکلینا در ظرف گلی کلان که دران یک انار

و یک پاو شیشه تهو بر سه فرها پر کرده آن سنبل را در ریسمان دران سر او بر آن

باید تا وقتیکه شیشه همه جذب شود و در زیر تاندی آتش کهری هیزم کنند همه آلینه خواهد شد

برس طرح کنند تا که خروج شود بلو شند ها براي ضيق النفس گلهری از از نفس

گرد کرده در درمیان آن اپلوه هر قدر که پر شود پر کرده در آتش در پاپوه گلی کرده سوخته

باید وقتیکه سوخته شود قدری در پان خورده باشند ها مرکب گداز کردن بلور برت و شاخ

سیخ درخت خرچنگه گرفته کوفته بلور را در کوتهالی کلان داده و انگری چیرچیه زیر بالا داد

و قدری انگشت چوب ساخته قدري بر انگری نهاده آتش انگشت به تول یا ابلی دهند وقتی که

انگری سوخته شود باز انگری نهاده بدستور آتش دهند وقتی که باز سوخته شود بار بر کوتهالی انگری

نگور ... انگشت نهاده آتش دهند تا وقتیکه گداز شود نگاه دارند و اگر رنگت سبز میسر آید

زمرد خواهد شد و اگر رنگت سرخ میسر آید یاقوت خواهد شد مجربست از پیر حیدر علیه ... ها

ترکیب عمل سیفی مجرب است اول بر روز یانصد و یکم نهه وقت هر بر قفل یک لکری در اول ماه تا یازده روز بخواند لیکن در وقت خواندن کسی شخص پیش نباشد و تنها بخواند

و در وقت خواندن کسی نه بیند و در روز یازدهم وقتی که تمام کند آن لکری های را در دیگدان اندازد و آتش پاچک وران نهد و روز نماید تا وقتی که فلان شخص برباد

نزود اغلب که در ده دوازده روز یا زیاده فلان شخص برباد رود و باید که آن سوره را یک دفعه بخواند و بران لکری بخواند و دم بکند چنانچه یانصد یک لکری دهد

بر هر یک لکری بخواند و نگاه دارد و وقتی که در عرصه یازده روز جمع شوند بدستور در آتش دارند سوره اینست إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ

هُوَ الْأَبْتَرُ الاجل الاجل الساعة الساعة الوحا

الوحا الوحا بعد از تمام سوره این بگوید که فلان کا بیٹا فلانی بیٹی کے برباد کرنی کے واسطی پڑھتا ہی وہ برباد ہو جاوی داگر عورت باشد فلانی کا بیٹا فلانی کی بیٹی کی برباد

کرنی کی واسطی پڑھتا ہی وہ برباد ہو جاوی ها ترکیب عمل سوره عبس دیگر اول سه بار بسم

سه توله از جا درسی گرفته قدری قدری از مواضع بازارکی و یک پارچه پارچه کرده نگاه دارند بعد از آن

داخل

ان

340

آن بوتی که در ترای پاورچاکه مثل چیلی میشود و برگ مثل برگ بالنگ طول بقدر یکوجب یا زیاده
چیزی باشد و در میان آن برگ قدری سفیدی از ابتدای نوک برگ تا انتهای برگ میشود
آن برگ های را گرفته کوفته ململی کنند اول پاچک های دشتی بقدر ده انار گرفته
به یک پاچک پای دو پاچک دشتی آن چیزها کس نگاه دارد و آن ململی بوته زیر بالا کرده
آتش دهند وقتی که آتش سرد شود آن چیزهای برآرند کشته و سفید خواهند شد مجربست
[illegible] یک بوتی میشود مقدار طول آن بقدر انگشت و رنگ پنج و تا به بالا
از چند برگ سرخ و یا رنگ گلابی میشود و در آن شاخهای [illegible] میشود همان یک شاخ رنگ
گلابی می شود و بر سر شاخ ده دوازده برگ سبز مثل برگ حنا میشود آن بوتی را
ده دوازده عدد درخت گرفته بر طلق بقدر ده سه توله کوفته آن طلقی [illegible] داده
آن بوتی را اندازند بعد از سرد شدن طلق نقره خواهد شد و در اکر پار بسیار
میشود و [illegible] همه جا [illegible] بسیار دارند و اگر در [illegible] و در جهاب [illegible] کرد تا [illegible] .
میشود [illegible] برای [illegible] چهار دن [illegible] را جا ماسک [illegible] چکاره
مالی [illegible] آن [illegible] ان این [illegible] مرتبه [illegible]

قدری شیر گاو و قدری روغن زرد ممزوج کرده برکرده مدور بکرداند

و بخوانند بهر جا که ان شیر و روغن بماند انجا ورم خواهد شد و بدون آن آسیب

برای استسقا که حامل خواهند شد منتر برای نیغ و شمشیر و تیر و نیزه و غیره

و چوب و خنجر ها آن باید که این منتر را هفت بار بخواند و بر بدن خود دم کند

در صف جنگ و به سواری خود نیز دم کند از زخم های آن و ضرب محفوظ باشند

منتر اینست دیاروهار مهاد یا رو مار باندهون باتج بار اتی باندهون سات

بار سو بکهوری باندهون اسوار گولی چهوتی لگ نه گهاو ور چهاکری سیری گورکه

بانده منتر برای سنگ توتری که هیچ العوز شکسته شود اواز بند گردد منتر اینست

باید که چهار روبه هر صبح دو پاش تا خوانده دم کرده نگاه دارند بر هر یک ماش

چهار چهار مرتبه خواندن هر توتری بانواز د اواز آن بند خواهد شد و یک جلوس

را زیر سینه پنهان کند دیگر در سپیده جلوس زین منتر بخواند که بند بکشد لکا

ساکوت سمندر سے لکای بست بول توتری سج هتوبن یکی دبا ساها

و منتر برای گرو جلوس خواندن بکشد اینست دبای بهپ سنکه سه مرتبه خواندن

الرده

برگرده چلوس و پشت پیکر ببیند تا منتر رام منتر و غیره این منتر را از گوی بیند در سه مرتبه

خواندن او بر دو انگشت و دست بالید میزد بر رخ مالد و البته گل بیند در هم

بالای بر بالای چشم و پا چنانکه نگاه دارد در تمام روز در سه چهار مرتبه بر رخ بمالد

ان شاء الله تعالی زخم خشک خواهد شد و بخیه نخواهد شد منتر بیت مرا اجازه ام چند

بگیم ادی مائی راهنی پور ایکا هو راجا رام چند که آن [illegible] آن گورا پار بتی کهه

با آن چیتیس کوت دیوتا گر آن کها هو یا کے جهادیو کے لاڑه باے ان کها

~~پر باد جها دیو کے لاڑه باے~~ رچها کرن گورکه ناته ~~ٹھ~~ ٹھا ٹھا ٹھا

الم تر الی ربک کیف مد الظل این آیت را ده یا بر ده بار بخواند و دو مرتبه

الی

خواندن سایه خود را ببیند بعد از خواندن بر فلک نظر کند تصویر خود ببیند

واگر این آیه را هفت یکه بار بخواند و هر روز وقت مقرر کند و تعداد خواندن

مقرر کند خواه ده بیخ هزار و خواه زیاده و کم هرچه انصرام شود خواندن باشد و

بعد از فراغت هفت یکه مرتبه چنان حاصل خواهد شد که هر روز که ده یا بر ده

مرتبه بخواند سه الفوز تصویر خود و در روی [illegible] خواهد آمد و از تصویر خود هر چه

مزمنه و اوجاع مانع و مفاصل و غیره بپرسند آن تصور مفصل جواب گفت

مجرب است ۱ ۵۵ ۵۵ **ترکیب معجون چوب چینی** برای ماده زنانگ مزمنه و دیرینه

و سوء مزاج مزمنه حبه مهارانچه صاحب بیمار اوجه شتیل برشمار صاحب بالیقت بوده باشد

چوب چینی ورد الیون از شیشه نگارید ورق باریک سوده غشته بوزن ۱۰ مثقال ۲۰ مثقال

از تراش باریک ساخته و ورق نبات نخ نموده هر دو را در عرق چوب چینی

نیم اثارکه فقط ارغورق چوب چینی و دار چینی ۲ دوم و عقصب الذریره ۱۰ دوم

و هیل سیاه ۱۰ دوم و کلسترج ۲ دوم ساخته باشند عرق عنب الثعلب ۲ لار عرق

گاوزبان نیم لار عرق بادرنجبویه نیم لار تنب ترکرده در ریز صباح بدستور معمول

دیگ بزرگ ساخته بدستور طبخ چوب چینی آتش دهند و خشکه بکنم لاراب مایا

بالیده صاف ساخته سوده ترکیبش نمایند برابر ادویه عسل برابر ادویه قوام نموده

ورق چوب چینی ۲ مثقال وردی الیون عشته موزنا مثقال دارچینی

۵ مثقال اصل السوس مقشر ۳ مثقال حب بلسان ۳ مثقال عود بلسان

۳ مثقال اسارون ۳ مثقال سنبل قرنفل ۵ مثقال گل گاوزبان ۳ مثقال

کلنه ۳ مثقال

بادرنجبویه ۲ مثقال افتیمون اسطوخودوس ۵ مثقال حجر ارمنی ۵ مثقال اسطوخودوس حب البلسان

۲ مثقال بلیله سیاه ۲ مثقال برگ سنا مکی ۲ مثقال ملح ۲ مثقال پوست بلیله زرد

۵ مثقال پوست بلیله کابلی ۵ مثقال نمک ازرق ۲ مثقال در آب کنند تا حل کرده

مصطکی ۵ مثقال ریوند چینی ۲ مثقال زعفران ۳ مثقال تربد سفید مقشر روغن بادام

۴ مثقال چرب کرده لاجورد مغسول بروغن بادام چرب کرده ۳ مثقال ایارج فیقرا

۲ مثقال بروغن بادام چرب کرده نمک خالص مثقال عسل مهذب مثقال

کوبیده بیخته بدستور معجون سازند و یک سال بوعه در جو دفن کرده نگاه دارند

و بدستور معمول استعمال نمایند و وقت خوردن معجون کاسه روغن بادام چرب کرده خورده

باشند ها نسخه جوارش برای رفع قبض بواسیر و هاضم طعام و اصلاح معده و کبد

و تقویت اینها و برای رفع ریاح بواسیر و قراقر معده جهت مهاراجه صاحب مهاراجه بهوانی

برشاه صاحب بالتفت نموده شد زنجبیل ۲ درم ناگرمه ۲ درم زیره سیاه ۲ درم

سنبل الطیب ۲ درم مصطکی ۲ درم پودینه خشک ۲ درم زرشک ۲ درم [illegible] ۲ درم

زرنب ۳ درم عود غرقی ۲ درم طباشیر ۳ درم پوست ترنج ۲ درم ساذج هندی

۳ درم

فلفل گرد ۲ درم فلفل دراز ۲ درم جوزبویه ۲ درم بسباسه ۲ درم بالان ۲ درم بالنگو ۳ درم خطائی

برگ سداب ۲ درم صعتر فارسی ۲ درم دارچینی ۲ درم پوست بیخ کبر ۲ درم تخم گندنا ۲ درم

تربد سفید مقشر ۵ مثقال روغن چرب کرده سقمونیا مشوی ۴ مثقال دانه ایلایچی خورد ۲ درم

قرفه ۲ درم زعفران ۲ درم مشک ۱ درم عسل سه برابر ادویه مذکور دستور معجون سازند قدر شربت

موافق امزاج ها **دیگر نسخه** قلعی برای رفع سودا که مجرب است پوست هلیله کابلی [illegible] ۲ درم

زهرین ورشی زهرین ولی آهنگ [illegible] ریزه خوب ویلی گیاه قلعی ها [illegible]

مساوی الوزن همه ادویه را کوب کرده قلعی را خوب باریک ریزه نمایند

و در میان خلیط ثالث نه نه ادویه قلعی مسطوره داشته و نان بند کرده بالای

آن پارچه بسیار پیچیده شکل غلوله سازند و از هر چهار طرف آن آتش دهند هر گاه که

خوب سوزد از خاکستر بند کرده دهند و در عرصه دو روز و دو شب سوخته سرد

خواهد شد بعد از آن بایستی خاکستر را دور کرده زیر بالای قلعی را که برنگ شگفته

خواهد شد برآورده یکجا سازند و از دست مالند که مثل غبار شود بعد از آن ملکرد

تخم کوکنار و خرد کوکنار و کلان رستلا حب [illegible] سیاه زنجبیل همه مساوی

الوان و جبات برابر کل ادویه کوفته بیخته سفوف سازند هر روز بوزن نیم فلوس

خام ازین ادویه و دو سیر قلمی مطبوخ در بسا [illegible] بخورند و بالای آن نیم آثار شیر گاو

بنوشند ها نسخه جوبان بیخ موخشم کوانچ هر دام خارخسک کلان هر دام ناگکیانه

هر دام تخم کنکنب هر دام تخم بربیاره هر دام ستاور هر دام کل شنگلی هر دام همه را

سفوف پارچه بیز کرده و وقت یکفلوس ازین سفوف با پنج فلوس شیر گاو بخورد

هر روزی که بیخود شدن نماید بفضل الهی صحت شود ها ترکیب ساختن نقره چند تولچه

سیماب تولچه چند را چرخ داده سیماب اندازد و عقد نماید بعد از آن اگر قدری بیشتر گداخته

ساخته نمک سنگ هم [illegible] هم در عرق گهی کوار ساییده [illegible] زیر بالا داده

در بوته پاچک دشتی بوزن یک آثار با و بالا بدهد و بعد از آن بوته [illegible] شگفت چراغ شد

بعد از آن مس گرفته [illegible] نماید نوشادر هم و [illegible] ساییده [illegible] داده صاف

نموده [illegible] قدری اکثر اندازند نقره چراغ شد ها ترکیب [illegible] تک [illegible]

[illegible] تولچه تک [illegible] تولچه [illegible] زنند تک [illegible] نوشادر [illegible] قلمی الجود

[illegible] همه را در [illegible] در آب درآورند [illegible] و [illegible] را در آن بگذارند و [illegible]

را ابزنه نمایند تا آنکه آب خشک شود بارنگ انداخته خشک نماید تا سه مرتبه همین قسم

و در آتش خشک نمایند خوش رنگ سبز و بی‌غل خواهند شد مجربست ۞ نسخهٔ گوگل دیگر علاج

سوهاگه جاب سبز سبرا مور جبنا هیک بیان زحمو و سرکف زیره سیاه زیره سفید

زنگار اربذر جو با و هی تا بی برنج کج نیپل گیگاراتیس بهارنگی مربری هر یک

مساوی دو دو چیذار جمله دارو با زنجبیله و آن مقدار که با زنجبیله یکجا شود و گوگل

و نیم العذر روغن ماده گاو اول گوگل را با روغن گاو کهرل نمایند بعد از آن جمله ادویه

کهرل ساخته نگاه دارند ۞ نسخهٔ خوشبو برای خضاب خون هله مضبوط البرده بیله

رنگی پوست بیله کابلی پوست بیله زرد پوست بیله برگ سبز مهوکه برگ شاه بره ماندل سرخ

لته سفید مقل گرد جبات شیم عفص ماجیه براده سیم براده ابنوس هم را یکجا کنند

و در سه با واک بحر ساخته نگاه و بافته ضمت نموده عسل در خل کرده بنوشند ۞

نسخهٔ سرمه شوره قلمی نمک لاهوری تخم هم مامیره سرمه بدستور کهرل کرده

سرمه ساخته سازند ۞ مرکب ... تکیس آب گرم یکم لاکر چاره خطای وام ... که ولایت

کتیرا بکت ... هم وزن اول چاه انداخته نمک جوش دهد بس ... داخل کرده ... دمد

کم و زیاده مختار است

بطور

بعدازان

بعد ازان (بیک) ورجل کرده بکوبسانند نیم لا ازآب نمایند صاف نموده نگاه دارند بعد ازان

قدری بباوشنگار وجرس داده که یکجا و نمایند قدری پیسه گاو داخل کرده دران آب

جاه فروج نموده نرم نرم بطریق جاه برشیده باشند ۞ نسخه دیگر برای سپیدی قصب

و بعضی ازبیت سنبل کهکیه ۱ دام حیات کوته ۲ دام بهس ۲ دام ادرک ۲ دام نکیجکلی ۲ دام

کچله ۲ دام همه ادویه را بسایند وردو سکوره کنند وردر سکوره نهاده نیم کرده

در [illegible] بنهند و قبکه [illegible] شود نگاه دارند وقت صبح بار همین طور کنند تا سه بار تا شگفته

شگفته

شود بار [illegible] کرفته [illegible] انچه بر قصب صاف نماید واگر [illegible] نوارند سفید سازد

مجربست ۞ طریق بوره برای فربه کردن شتر وداغ کرمی دو نماید ارد جوبک ۱ آثار

نمک [illegible] باوسیر اجواین باوسیر همه را در یک سبوچه داخل کرده

ازآب تر نمایند دو روز نگاه دارند که دران بعضی بطور بوره شود شتر را

ملمع

بنوشانند هر روز میداده باشند بسیار مجربست ۞ طریق ملمع طلای نسخه فرنگ

طلا بهتر اول طلا را در جوب [illegible] نصب کنند وسیماب ده یا زیاده باشد در ظرف

[illegible] نگاه دارند و [illegible] طلا که در [illegible] نصب است بساید که شباهه طلا دران جوب [illegible]

نمایند و در سیماب ممزوج شود در شیشه نگاه دارند بر وقت که خواهند تیار شود مقداری

گرفته در ظرف تجالا و بر آتش نگاه دارند که سیماب برود و طلا باقی ماند بسیار بهتر

خواهد شد و اگر ظرف این باشد در سه مرتبه استعمال کنند مجربست. و از مودة باط

نسخه ملمع نقره ورق نقره بهگری بر و را ممزوج شوند کهل نماید و هنگامیکه خوب

شود در سکوره کرده و سکوره دوم بالا نهند نموده در آتش انگشت کنند و هنگامیکه

که خوب سرخ شود همون وقت فی الفور در کهل انداز کنند و گرم گرم سائیده چراکه

وقتیکه سرد خواهند شد باریک بسیار نخواهند شد دفعه دوم بار کهل کرده در سکوره

کرده و از سکوره دیگر بند نموده در آتش انگشت باز آتش دهند و هنگامیکه خوب سرخ شود

باز همون طور در کهل انداز کنند و سایند و نمک لاهوری ممزوج نموده کهل کنند وقتیکه

خوب باریک شود در سکوره کرده و سکوره دیگر بالا داده بند کرده بدستور آتش انگشت

ندهند و هنگامیکه خوب سرخ شود باز در کهل انداخته کهل نموده باریک ساخته نگاه دارند

وقت حاجت مقداری گرفته در ظرف نماید اگر در یکمرتبه شود بهتر والا نه دو مرتبه

تجالا تیار خواهد شد مجربست ۞ طریق طلا گذاری بعرق حب ساخته بود هنه

داد

کدو برشته بلغم باد و عرق کدو ترشیز کا دیک لار عرق کیوره باد و عرق گلاب باد و سیر کرسیا

و چیکه کدو بخته شود بیرون آورده حل نماید و در روغن گاو بیغم باد و بریان نماید بجنبش چشم انار

قند سفید یک لار قوام کرده مشک عنبر اشهب ۲ زعفران در گلاب حل کرده بهم

نماید ارد نخود ۱ توله خوبی در روغن گاو بریان کرده نشاسته مصری ۲ توله شقاقل مصری

خارخسک بوزیدان بهمن خرد بتجان بهمن سرخ بهمن سفید تودری ستکه چندان تودری سفید تودری

سرخ دارچینی ... ۲ توله الایچی خورد تخم کدو تخم خیار تخم ... تخم پیلون بابه

کتیرا ... قاقله ... زنجبیل ... سیاه ... سفید اسگند ناگوری

انجبار ماهی روبیان ... گاو جوزان سوهان کرده پوستیان ... کدو ... دام

... مغز ... مغز چلغوزه مغز فندق ... مغز بادام ... تخم انگشت ...

... اندر ... چلغوزه ... کشمش که

در وقت آنچه ان گرفته باشد همه ادویه را کوفته بیخته بدستور در حل کرده حلوا سازند

اگر شیرینی خواهند ... روغن ... هر قدر که خواهند باشد موافق مزاج در حل کرده حلوا سازند

خوراک موافق برداشت مزاج بخورند بالای آن شیر گاو و ... لار و عرق کدو باد ... دادن

سمکه صیدا

ابجره

مغز حب الخضرا

۱۲ مغز تخم کنجشک ۲

انجبن

از نهایت یار کرده جوشیده ها ترکیب الوپ آنجی یار و جشم جب بوم خشک کرده و ساید

و چشم جب باز را حشک کرده وران نیز ساید و بلته بینم کرده و در خون ها بود

تر کرده هر دو چشم مذکور درا اندرون بلته پا سنده بیخ سازد و در کاسه سر آدمی

بیخ را که ها نهاده بر روغن کنجد سیاه بقدر سه چهار دام اندوخته بطریق معمول کاسه آدمی

دیگر ابران کذاشته کاجل سازند وازان کاجل ها نهاده در شب یکشنبه آغاز کند در چشم ها که

رود کسی او را نمی بینند ها ترکیب چهار تیاری الوپ انجن بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله برار رست احصار اندر احصار رست گرد ما احصار رست تا بیخ کا کوه لوهی که

کوار محمد ما کرچی قفل با جبار و مهر سلیمان بن داود از صبح تا شام از شام با صبح

مهر کردم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله قل هو الله احد هزار و دو هزار الله الصمد احصار

اندر احصار بستم و بسته پایان و چشمان و دل و هوش و گوش بیگانه در هژده هزار عالم

اندر آدمیان و دیوان و وحوش بیابان و با تیغان و تیغ زنان و دشمنان و دزدان

و یاران و گفتاران و مکاران و جادوگران و چغلان و همه ملوکان بستم و بست

و زبان اردیوان و بیابان و ساحران و گفتاران و مکاران و جادوگران و چغلان و همه

ملوکان

346

ملوکان بستم و دست و زبان پرده هزار عالم از آسیبی و حیی بحق سلیمان بن داود

علیه السلام یا قیقل یا قیقلون یا حافظ یا حافظ یا حافظ طه طه طه طه طه

بسم الله الرحمن الرحیم

مرکب زود که بهتر بس رست از میر محمود صاحب گرفته سلوس کنم یک جنابک ارد ماش

یک چنابک بهلدری هم با او اول یک کهره ها گرفته بهلدری را هم گرفته همه را ممزوج

نموده در یک پاره انداز ند و بر آتش نگاه دارند و بریان نمایند و یک حبه بنزم مار کرده

از حجه مذکور حرکت دهند چنان حرکت دهند که همه از حرکت حجه سابیده شود و دانه

دانه مثل باروت شود از آن آورده در یک کلهر که مثل انار میشود و دهان

از تنگ مثل انار باشد در آن دانه ها را دو به پر نموده دهان آن بند ساخته

در بیخ انار با یک و شته کور کنند زیر باله وارده آتش دهند تا به یک پهر تعداد یک

بیدان کلهر را برآورده از دست بیاه حرکت دهند آنچه دانه در کلهر منجمد شده باشد

مشوی شده بار مثل دانه های شود بعد از آن دوا را در شیشه از بی یا در شیشه از قیف

پر کرده در شیشه اندازند و او را انگشت دهان شیشه بند نمایند که هوا در شیشه دخل نکند
اگر هوا دخل خواهد شد خطر عظیم است بعد از دخل شدن دوا در شیشه حرکت دهند
که دوا در شیشه دانه دانه شود بعد از یک لمحه باروت خالص یا دو اثار داخل شیشه کرده
دوا را از انگشت بند کنند که دخل هوا نشود والا نه خطر بسیار است بعد از داخل شدن
دوا در شیشه حرکت دهند که دوا در شیشه دانه دانه شود بعد از یک لمحه باروت خالص
یا دو اثار داخل شیشه کرده دوا را از انگشت بند کنند که دخل هوا نشود والا نه خطر
بسیار است و از حرکت شروع نماید بعد از امتزاج دوا باروت نگاه دارند بر دیگ که
خواهد تماشا نماید قدری از شیشه بیرون آرند یک لمحه در گذر کند همون وقت مثل هوا
مثل باروت روشن خواهد شد و شیشه را بند نمایند که دخل هوا در آن یک وقت
دخل نکند هلیله الفاظ رنگ عرق هلیله حبت منقی لوا سبز و این که دارد بوبت
هلیله کابلی نیم اثار پوست هلیله زرد نیم اثار هلیله سیاه نیم اثار پوست بلیله نیم اثار
عصب الذریره نیم اثار گلسرخ یا و اثار زنجبیل نیم باو مصطکی نیم باو تنگ ارزیز نیم اثار
در آب کنانا حل کرده خصخص یک یا دو اثار سکنج نیم باو و افیون یا و اثار در بوتلی بسته

ملها

بیخ حنظل پاو آثار سنجم حنظل یک چهارانک پارسک هم پاو تخم کندنا پاو آثار برگ سنامکی

پاو آثار ترید سفید هم پاو گلقند آفتابی دو آثار انجیر زرد دو آثار مویز خلوس یک آثار مویز منقی در هم آثار

زنجبیل یک آثار شکر سرخ یک آثار کشمش یک نیم آثار همه را در آب کنند تا نیم آثار آب بماند آثار

آب زیبق عنبر نفت آثار همه را سه شبانه روز تر کرده نگاه دارند بعد از آن عرق بخورند

آثار بلبند وقت حاجت بقدر نیم پاو بخورند ⸫ ترکیب زود مسهل پایان دو توله بلیله سیاه

دو توله پوست بلیله زرد دو توله برگ سنامکی یک توله ریوند چینی دو توله اگر قوی خواهد سنامکی

چهار توله اندازند و اگر بسیار قوی خواهند ترید سفید یک توله اندازند برای اخراج رطوبات

بلغمی بسیار خوب است خوراک از دو توله تا چهار توله و اگر ماده قوی باشد موافق مزاج اگر

مناسب باشد در آب گرم حل کرده یک کاسه نیم باشد بدهند علی الصباح اگر بیدرقه احتیاج باشد

موافق مزاج شخص تیار کرده بدهند ⸫ ترکیب گولی برای سعر توتی و بادی تخم نگاهبان توله

حضض نیم ماشه فلفل گرد دو نیم ماشه همه را کوفته از آب سائیده از فلفل گرد حب بسته

نگاه دارند هر روز نه حب علی الصباح خورند ⸫ ترکیب تیل برای تشنج و باد و فالج

برگ تهوهر برگ و تهوهر سیاه برگ آک و سنبهالو همه را علیحده برنگ باد مدغم

گلهای بسته روغن چنبیلی اگر میسر آید عوض آن روغن کنجد روغن شفت پاو بلار روغن اگر
پاو آثار روغن ارنډی پاو بلار هر چهار روغن‌های را ممزوج نموده در گلاب آهنی مزوج نموده
بر دیگدان نگاه دارند و آتش دهند وقتیکه روغن سرخ شود یک تکیه پاته زالا اود خته
سوخته کنند و ثفل را دور کنند و در شیشه نگاه دارند وقت حاجت بمالند و احتیاط
هوا بسیار کنند ترکیب جوارش عود که برای ثعلب بیمار مبار نموده بود هو
زرشک بیدانه ده مثقال در گلاب تر کرده باشد صاف نموده تر نیفاده مثقال در عرق
کیوره پاو آثار باشد صاف نموده قند سفید سه مثقال ابریشم خام در عرق کاوزبان
نیم آثار شب تر کرده دارند صباح بکوبیشانند نیم پاو بمانند باشد صاف نموده آب نعناع
سبز مروق کرده و یک نیم پاو آب کشنیز سبز پاو آثار مروق کرده آب لیمو کاغذی
آب انار نیم پاو آب بیخ پاو بلار سرکه انگوری شیرین پاو بلار شربت زرشک پاو بلار شربت
فواکه پاو بلار شربت انار شیرین پاو بلار شربت سیب پاو بلار شربت انار ترش پاو بلار مصطکی
مصری سیم لار زنجبیل پاو بلار همه را بدستور قوام نموده مروارید ناسفته یاقوت ...
... نه ماشه ... درونج ... نه ماشه گل سرخ خشک نه ماشه دارچینی کلان نه ماشه
الی

پوست [illegible] نه ماشه شیطرج هندی نه ماشه زرنباد نه ماشه عود غرقی ده ماشه دارچینی شش ماشه
سعد کوفی شش ماشه مصطکی شش ماشه طباشیر نه ماشه قلیج یک توله صندل سفید نه ماشه
مشک یک ماشه عنبر یک ماشه زعفران دو درم لاجورد مغسول بروغن بادام چرب کرده در سفال
کوفته بیخته بدستور معجون جوارش سازند قدر شربت دو درم باید [illegible] ماشه ها [illegible]
مجربات منه قلعی ساختن در حصص یکی نیم باو در [illegible] آب حل کرده قلعی را گداز کرده [illegible] کرده
بیست یکمرتبه سرد نماید بعده [illegible] یکمرتبه در [illegible] گداز کرده سرد نماید ولیت یکمرتبه در آب
برگ [illegible] گداز کرده سرد نماید ولیت یکمرتبه در ماء العسل و نه آب را گرفته آهن سرخ
کرده سرد نماید بعده یکمرتبه مس سرخ کرده سرد نماید و بعده یکمرتبه طلا سرخ کرده سرد نماید
و بعده یکمرتبه نقره سرخ کرده سرد نماید و دران آب وقتی که تیار شود آن قلعی را گداز کرده سرد
نماید ولیت یکمرتبه در کوکنار [illegible] آب ترکرده [illegible] قلعی را گداز کرده سرد نماید
ولیت یکمرتبه در پوست انار [illegible] بدستور ترکرده قلعی را گداز کرده سرد نماید بعده
بدستور [illegible] نموده [illegible] گشته نماید بعده در آب برگ صد برگ و در آب
[illegible] دانه [illegible] نماید [illegible] قلعی کشته یک توله [illegible] کشته

فولاد

گلبه‌های بسته روغن حنا اگر هست آید عوض آن روغن کنجد روغن گشنیز یا ولار روغن ابجا

یا وانار روغن ارنشی یا ولار هر چهار روغن‌های را ممزوج نموده در کوزه‌های آهنی ممزوج نموده

بر دیگدان نگاه دارند و آتش دهند وقتیکه روغن مستحکم شود دیگ تکیه‌ها را زالا افروخته

سوخته کشند و ثفل را دور کنند و در شیشه نگاه دارند وقت حاجت بمالند و احتیاط

هوا بسیار کنند ترکیب جوارش عنبرین که برای لعاب بهار تیار نموده بودند

زرشک بیدانه ده مثقال در گلاب تر کرده با سیم صاف نموده تر نیفا ده مثقال ورق

کیوره یا وانار با سیم صاف نموده قرص کرده مثقال ابریشم خام ورق گاوزبان

هم انار شب تر کرده دارند صباح بجوشانند هم باد بمالند با سیم صاف نموده آب سیب

سبز مروق کرده و یک هم یا و آب گشنیز سبز یا و انار مروق کرده آب بهو کاغذ سبز

آب انار هم باو آب ریچ یا ولار سرکه انگوری شیرین یا ولار شربت زرشک یا ولار شربت

فواکه یا ولار شربت لار شیرین یا ولار شربت سیب یا ولار شربت لار ترش یا ولار شربت

مروارید هم لار ترنجبین یا ولار همه را بدستور قوام نموده مروارید نه ماشه یاقوت نه ماشه

[illegible] نه ماشه [illegible] دانه هیل نه ماشه [illegible] نه ماشه دلداد [illegible] نه ماشه

الی

پوست اترج ... ماشه شیطرج هندی ... ماشه زرنباد ... ماشه عود غرقی ده ماشه دارچینی ... ماشه

سعد کوفی ... ماشه مصطکی ... ماشه طباشیر ... ماشه قلمی ... صندل سفید ... ماشه

مشک یک ... عنبر ... زعفران ... درم لاجورد مغسول ... [illegible] ... کرده در ...

... بقوام ... سازند قدر شربت ... درم ...

مجربات ... قلعی ... در ... آب حل کرد

بعد یکمرتبه سرد نماید بعده یکمرتبه در ... گداز کرده سر

برگ ... گداز کرده سرد نماید و بعد یکمرتبه در ...

کرده سرد نماید ... و بعد یکمرتبه سرخ کرده سرد نماید و ...

و بعده یکمرتبه نقره سرخ کرده نماید و در آن آب ...

نماید و بعد یکمرتبه در گوگرد ... آب پر کرده ...

و بعد یکمرتبه در پوست انار ... پر کرده قلعی را ...

بر ... نموده ... کشته نماید بعده در آب

... دوا ... نماید ... قلعی کشته ... کرده ... فولاد

گلکه‌های بسته روغن چنبیلی اگر هم بسته آید عوض آن روغن کنجد روغن شفت یا دلار روغن انگ

با وانار روغن ارسی یا دلار هر چهار روغن‌های را ممزوج نموده در کوزه‌های آهنی ممزوج نموده

بر دیگدان نگاه دارند و آتش دهند وقتیکه روغن سخن شود یک تکیه‌های زرا انداختنه

سوخته کنند و ثفل را دور کنند و در شیشه نگاه دارند وقت حاجت بمالند و احتیاط

هوا بسیار کنند ترکیب جوارش عود زرکش که برای نعلت بهار فیار نموده بودم

زرشک بیدانه ده مثقال در گلاب تر کرده با سیح صاف نموده در زنتقا ده مثقال در عرق

کیوره یا وانار با سیح صاف نموده قدر هموزیه مثقال ابریشم خام در عرق گاوزبان

هم انار شب تر کرده دارند صباح بخوشانند هم باد بمانند با سیح صاف نموده آب سیباح

سبز مروق کرده و یک هم یا وانگشنیز سبز یا وانار مروق کرده آب هموکاغذ با

آب انار — هم یا و آب ریح یا ولار سرکه انگوری شیرین با ولار شربت زرشک با ولار شربت

فواکه با ولار شربت لار شیرین با ولار شربت سیب با ولار شربت لار ترشی با ولار عناب

مهدی شیم لار رنجبن با ولار همه را بدستور قوام نموده مروارید نه ماشه یاقوت نه ماشه

[illegible] چشت [illegible] نه ماشه ... ساید دانه هیل نه ماشه گل سرخ خشک نه ماشه دلندالای کلان نه ماشه

الی

پوست انار ... نه ماشه شیطرج هندی نه ماشه زرنباد نه ماشه عود غرقی ده ماشه دارچینی سه ماشه

سعد کوفی شش ماشه مصطکی شش ماشه طباشیر نه ماشه قلنج یک توله صندل سفید نه ماشه

مشک یک ... عنبر ... زعفران ...

کوفته بیخته بید مشک معجون خوراکش ...

مجربست ... قلعی ... در حقیقت ...

بنگ ... سرد ...

برگ ... کرده سرد ...

کرده سرد ...

سرد

و بعد ... کرده ...

و نیز ...

ولت ... در پوست انار ...

... و ...

برسیتور ... بزرگ و دراز

نگردون ... شویه ... بایدمن ... توله ... قولاد

نسخه برای ... شهوت

جهان درخت فالسه در سایه خشک کرده بعده

پنج تال مکهانا هسته را برابر وزن علاحده سائیده

در شیر بسیار تر کرده بعده در سایه خشک کرده بعده

هفت روز بعد انما بد و شکر خام تیز برابر ریزه دوید اصل

کرده دیگر خاصیت کیماطار در حق شهوت

بهلی بیول ... زیاده یا کم در سایه خشک

کرده بعده شکر خام برابر وزن همه در شیر گاو

و یا آب ماسی تناول نماید بوزن یک فلوس ...

از جماع چهل روز نماید ... فایده دید ... مرد

بی زن خوراکش داد و در ... شهوت کم

خواهد ...

نه ماشه در آب مویز خیسانیده بجوشانند و در سرکه و آب ترب مرجان کشته یک توله لوبان یک
توله مروارید ساییده یک توله یاقوت رمانی یک توله هر دو را در مالیده و سه چهار روز کوکل
نمایند طلای ورقی یک توله حضض [illegible] یک [illegible] نیم توله لک چیراونه توله کته کشنیز یک توله [illegible]
یک توله شوره قلمی هر دو توله همه را کوفته بیخته سفوف سازند خوراک شش ماشه با پای المجد [illegible]
نسخه بهمن چهار توله مازو سفید پنج توله [illegible] شش ماشه کته سفید نه ماشه صمغ بلاس پنج ماشه
اصل السوس شش ماشه هیر کسیس یک ماشه دانه هیل کلان سه ماشه هلیله سیاه پنج ماشه سنگ جراحت
شاتره ده ماشه مصطگی ده ماشه کوفته بیخته سفوف سازند **نسخه** برادهٔ [illegible] یک باد و حباب یک
مازو سفید هم و حلتیت چینیا چینیایک سنگ جراحت چینیایک گوند چینیایک توله کتیه چینیایک
[illegible] یک توله گل انار یک توله [illegible] هر توله دانه الاچی کلان یک توله کوند سه ماشه
عقرقرحا شش ماشه گلسرخ یک توله مایین خورد یک توله [illegible] بلیله یک توله مصطگی
یک توله کوفته بیخته [illegible] سازند **نسخه** دیگر زعفران یک ماشه قرنفل [illegible] جوزبویه سه ماشه
مشک خالص [illegible] افیون نیم ماشه شهد دو چند در شهد خالص کوفته حب بمقدار نخود کلان تر
گولیها سازند وقت خواب شش یک گولی همراه شیر ماده گاو نیم آثار بخورد و بالای آن

یک گولی بخورد عجایب تماشا ببیند از شوده است شک ندارد **النوع نسخه [illegible]** چراونه یکدرم

سنگدانه یکدرم عاقرقرحا یکدرم افیون یکدرم این همه ادویه ها را سائیده در شهد خالص

بسازند و حب بمقدار نخود ببندد و اگر خواهد قوت باه زیاده شود بالای این همه سیر بالکه کاو

هم بالا بخورد و اگر بخواهد که جماع کند و تماشا ببیند از طعام خوردن بعد از چهار گهری یک حب بخورد

بالای آن یک بیره پان بخورد معمول جماع بعمل آید و اگر این خورده باشد و جماع بکند معالجه است

و این نسخه مجرب است که بهم طلب آرد قدر این بواید **النوع نسخه** مرنجستم کدو شیرین چهار ماشه

حب السن شش ماشه قرنفل سه ماشه اجوائن خراسانی پنج ماشه جوزبوا سه ماشه جوزی هفت ماشه

سرنالام شش ماشه تخم کاهو دو ماشه عاقرقرحا دو ماشه افیون مصری سه ماشه زعفران هشت ماشه

روغن چرس چهار تولہ اگر روغن چرس نباشد چرس با بوارید همه ادویه ها را در میان کشمش تازه

کوفته گولی ها شل نخود کلان بندد و طلا **نسخه بکار** حضض هندی دو ماشه شب یمانی حوق دو ماشه

سنگ جراحت دو ماشه نیله تهوتهه بریان دو ماشه انزروت دو ماشه کف دریا دو ماشه سرمه اصفهانی

دو ماشه گل ارمنی دو ماشه کوفته بیخته در آب خالص جوش داده بکار نمایند [illegible] سالی [illegible]

[illegible] معوق [illegible] خون [illegible] المجدد [illegible] برگ [illegible] آب [illegible]

آب

آب عصر بارهنگ پنج توله ممزوج نموده بخورند ایضاً نسخه امساک کافور سیماب برابر را

برابر گرفته سائیده بر حشفه طلا کنند در حالت عورت انزال کند ایضاً نسخه روغن برای برص و بهق

و برص و بهق و غیره از امراض جلدیه مجرب مار سیاه زنده بگیرد در کوزه گلین نیم لار گل

را در آتش چوب سرخ کرده مار سیاه را زنده دران اندازند و وقتی که سوخته شود آنرا

دود نمایند و روغن را استعمال کرده باشند از قرابادین نقل کرده شد روغن

سداب و گشنیز آلو کردن با و آب انار آنرا از سایه خشک محفوظ در شیشه بردارند اگر ببرند

و شیر آن داخل کرده خمیره نمایند و نان سازند و نان را در روغن گاو مسکه

در کرهای آهنی گرم کرده و وقتیکه چرب سرخ شود و سوخته گردد حل کرده آن روغن

را بر برص مذکور طلا نمایند در هفته چهار روز کشتکه تحلیل خواهد شد از قرابادین نقل کرده شد

تا رحیل عنقرقا چرب دیودار بیخ چرب بار اینون از آب برگ و منورا یا از آب برگ

آنکه با از آب برگ شهد سائیده شمار نمایند ایضاً نسخه جهت تسخیر القلوب یعنی موهنی ایام

گرفت بید باروپ ریحان مریکام پرچم نارسنگ بهردون همان جس ترباکون

گردون بیخ باد چهاکبری اورکا پنذراین نارسنگ بهردون گلته بیخ سمای بوتت بجگ

حکم محبت

بلم

پیس جیٹھ مہری ماس کے اوپی آوے تو آدمی نہیں تو بیر بھتال کے لات جہاتی میں لگا ریہوٹ
بہوت ٹھا چارو میں ہوئے او پتو راتی تا ہیری زمسان تلے گھر چھوٹ گھر بار چھوڑ لوگا چھوڑ بے
سا بپن اوروں کو دیکھ جا بیٹھے ہمیں دیکھے فلانے اودھ پیرون پی گودکے سنکٹ مہری بھکت
پہرو منتر السیہ ہادیو لکہ باچا سے چلے باچا چھوڑ کو باچا چلے گو بہنے نرک مین پڑی تو جہی
دو ہایے تو ناچار رکے جو مہری باچا سے پہیر پالے طریق منتر اول روز شنبه وقت طلوع
ماه این منتر را بیست یکمرتبه بخواند و در هر دفعه یک زلف و یک لاچی خورد گرفته بران دم کرده
بر آتش پاچک و کشتے اگیاری کند و قدری سپند و در روغن زرد و گوگل و کھوپره و قدری
شراب و پھول مالتی گرفته اگیاری کند و پان لیت پیده گرفته لونگ ها قطع کرده بر اگیاری
اگیاری کلی
و بعد روز هر ماه یک پیالہ جم بسنم ماو آرد گرفته پوری ما بے در روغن زرد ساخته پیش
بیارد و پھول قسم سه پیالہ ای بدهد و در هر پیاله بیست یکمرتبه بخواند و اگر یک پیالہ باشد بران مقصود
یکمرتبه بخواند وقتی که در عمل خود آید باید که ۲۱ عدد چاپیک بگیرند و یک چاپیک بر
اگیاری بدهد و بر یک چاپیک بیست یکمرتبه خوانده دم داده باشد چاپیک جو کو را میار کرده پیش خود
نگهدارد و قدری چاپیک را گرفته ان عورت را یکی عنوان بگیراند عورت فلان بر دگر خود خواهد شد

واگر دو باشد نام مرد گرفته تیار کرده بخورانند بسواران جا بهمه را گرفته همراه شیر گاو
بلع نماید وقتیکه بیرون آید گرفته در پشم گاو و دار شیشه نگاه دارند بعد از آن گرفته همونا
گوگل و سپند و روغن زرد و ترنجبیل و الاچی وارده یازده بار همان نیمه که بالا گرفته است
بخوانند مجرب است + برای منع ولد مجرب را جا شیموی رایح گوبین سیحو ون آپنی جاج کا ملیده و بکار
برسم بجوان بخوانند اول کرم را گرفته پنبه ایزیاف چرب بلغه گرفته بر آن بیته تحصیح بند ازین
سازد یک چراغ گرفته و روغن کنجد سیاه سه ملوکس دران چراغ انداخته در جمعه یک
گوشه کند بعد دران گوشه چراغ را روشن سازد و دو یک چشمه خام بران چراغ بعد کاجل در نام
شب بیمار خواهد شد وقت صبح آن کاجل را گرفته پیش خود نگاه دارد هر کسی زن مرد
را که مطیع خود کرده خواهد بر انگشت خلمه مقدری کاجل گرفته بر بدن آن شخص هر جا که باشد بمالد
وقت مالیدن آن شخص مکان بردار خواهد شد مجرب است روز شنبه و الموافق ماه بیمار
سازد و یکصد و یک بار خوانده بر چراغ دم کند در دو چراغ طرف قبله نماید نا
برای ... مجرب است یک چراغ از روغن آلوده کهنه پنبه فتیله گرفته و روغن انداخته و در
انداز گرفته ... آتش خرب خسرخ کرده در آب بعد ... سرد نماید ... آن

سیوون
برای محبت میان زن و مرد

دران

چندان ضرر صاحب مرض را و هر شفا کلی یابد و دوا دیگر احتیاج نباشد از غریب الگرب باشد

به شود ایضاً مجرب گویند اگر بسته برگ شلک کهنه شود معبود کرخنه از آب ساییده

بنوشند به شود و موی بسیار خواهد آمد و سم بیرون خواهد آمد به شود مجرب است

کهنه سفید بقدر سه چهار دام زیاده از آب ساییده بنوشند افیون خورده به شود مجرب است

و اگر کهنه بقدر نیم دام باشد مضایقه نیست ایضاً مار گزیده بهمان یک دام از آب ساییده

مار گزیده را بنوشانند و نیز مار گزیده ایضاً برگ نیم چهار دام شیر گاو و چهار دام روغن گاو و

چهار دام بهنگری سه دام باریک ساییده ممزوج نموده صاحب مرض را بدهند مجرب است

ایضاً کاکلیک سوندی یک دام خشک کرده ساییده در شکر بقدر قدری و روغن زرد

قدری ممزوج نموده بخورانند تا یکماه بخورانند و هر روز تازه ساخته بخورانند خوب باشد

بسیار آرد و موی را سیاه گرداند مجرب است این آیت را نوشته بر چار پایه چاروا

بندد هیچ بلا دفع شود الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف

حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ان الله

لذو فضل علی الناس ولکن اکثر الناس لا یشکرون

ترکیب دفع ...

نیابد رشادن بول ع آکوری وریب ۱۱۱۱۷۷۵۱۱۱۱۹۴ ح ۱۱۱۲۹ول دیح

این زابر پارچه کاغذ نوشته مطابق نقوش بحیث بر ناف ببندد فی الفور بول کند از موده است

نسخه کوفت برای قرحه سوزاک مجرب صحیح کافور شش ماشه دانه الایچی کلان شش ماشه نانکیر

شش ماشه موتهه شش ماشه جاپهل شش ماشه خس شش ماشه سنبل الطیب شش ماشه تخم نیلوفر

شش ماشه کباب چینی شش ماشه نیلوفر شش ماشه زیره سفید شش ماشه ریوند چینی شش ماشه

نور قلمی شش ماشه کبابچینی شش ماشه صندل سفید شش ماشه اگر شش ماشه تگر شش ماشه تخم

شش ماشه بهیدانه سیاه شش ماشه آمله شش ماشه دانه الایچی کلان شش ماشه بهگاره شش ماشه تخم

مربح جهت ... شش ماشه تخم اجوائن خراسانی شش ماشه فولاد کشته شش ماشه همه را مساوی الوزن گرفته

کوفته بیخته در عرق کیله تا شش پاس پیل نمایند هر گاه که خشک شود سفوف نموده نگاه دارند

از ماشه تا دو ماشه همراه شیر پا و آثار بر خوراک ها مجرب است ترکیب دیگر جهت ناسور خونی و بادی

اول هیرم سبز گرفته یک کوزی گلدینه و ران اندازند و از آن سرخ کرده و بهیه

چهار عدد نانخواه فوراً ... بمیدان هران اندازند و دود بگیرند ... مقعد ... شده خواهد

دواب کوری جهت ناسور خونی و بادی ریشه های هر قدر که خواهد گرفته کوفته باریک نمودن

ازان

از آب جغرات ممزوج نموده حبها برابر بیر چنگال بندد و هر روز یک بوقت علی الصباح خورده باشند

دیگر لاکهک آب بگیرند با آب انار گرفته در پیاله چینی گرفته نزد آفتاب نگاه دارند تا آنکه غلیظ شود الا روده بقدر ربع گرفته با زیک سائیده در آب [illegible] ممزوج نموده حبهای

بقدر بیر چنگال بسته نگاه دارند [illegible] از آن هر روز بخورند [illegible] برای بواسیر خونی تجربه در آورده

آب پوست انبه بقدر کوفته [illegible] بگیرند [illegible] یک ماشه ممزوج نموده بنوشند [illegible]

سه چهار روز فرصت خواهد شد نسخه سفوف اندر [illegible] جهت سوزاک مجرب و آزموده است

هوالشافی ریوند چینی سه ماشه تخم [illegible] سه ماشه هلیله سیاه سه ماشه هر سه اجزا را کوفته

بیخته سه پوری سازند و بقدر نیم [illegible] شیر ماده گاو آورده و دو دانار آب خالص ممزوج

نموده یکجا ساخته در [illegible] نگاه دارند وقت صبح اول یک پوری همراه

[illegible] مذکور بنوشند بعد قدری تفاوت داده یک [illegible] مذکور سه چهار مرتبه بیتابی بنوشند

بهمین طریق پوری دیگر بخورند تا دو پهر هر سه پوری بخورند چون دو پهر بگذرد خارخسک

نه ماشه [illegible] یازده ماشه [illegible] شده بر آورده بنوشند بعد از ان [illegible] چهار گهری دقیقه

نموده کهچری کم روغن و کم نمک بخورند ترکیب حب جهت بواسیر خونی منه شوره [illegible] سه ماشه

رسوت بگونه مونحنم بنوشی یک توله پهل بگافن یک توله هلیله سیاه یک توله مورتیه

نک دو توله نبات بجائی نه ماشه بریان کرده نخود بریان یک توله همه را در آب برگ سنبالو

باد آب برگ سنبهالو و آب برگ نگاوزبان سنبهالو حل کرده حب ها بمقدار نخود بسته

بسته نگاه دارند قدر شربت موافق مزاج از آب این ثقل داده بوند ها نسخه دیگر حب برگ

برای عقیمه چیزی که بر کسی مرغ مثل خارها می نماید می شود یک جانه از کارد تیز سبز

گرفته روز فراغت از حیض بعد از غسل وقت شام در قدری نان چیزی ممزوج کرده عورت عقیمه

را بخوراند بعد از چهار گهری مشغول جماع شود مجرب است یک مرتبه کفایت میکند ها ها

نسخه برای خنازیر از مار واد خان چیو تجربه رسیده موش کور هر روز نبعد از ننه خنازیر

ازار چرم و آلایش و سر و دم و پایها دور کرده و پاک شوده از نمک و فلفل

سیاه قدری قدری باشد کباب ساخته مریض را بخوراند تا به چهار روز بهاب

هفت روز مریض را شفا حاصل خواهد شد مکرر تجربه در آورده ها نسخه دیگر برای جهد

سپیار چاله تیم ها روز نبر گاو چهار روز تر کرده دارند وقتیکه شیر جذب نمود

بار دیگر آب دارند بعد از خشک روز خشک کرده کوفته بیخته برابر شکر انجیه بکدام یا دو دام

بالم

باشیر مادهٔ گاو عورت را بخوراند بعد از خوردن عورت را حمل خواهد شد ان شاء الله

نسخه برای باه معدن در کتاب تکمله و ذخیره بتجربه رسیده از قرابادین قادری صاحب گرفته شد

انتم جهت گونوری اگر حیض بسم کم قوت باشد نیم دام خام بگیرند چندری قوت در سه تا شند

یکدانه بگیرند انرا گرفته از مغز فص قدری گرفته شب در نیم پاو آب خراه در یک پاو آب

در شبنم بر کرده و با صبح صباح آب صاف انرا گرفته اگر نیم دام جهال باشد دو نخ

چوبه شنگ مرو ساییده داخل کرده بخورند اگر وید خواهد شد و اگر جهال منجمد خواهد شد

یکدانه باشد چهار نخ استعمال باید کرد از دست سه چهار روز تا به هفت روز دفع

دفعت خواهد شد ان شاء الله و اگر کسی را فتق [illegible] باشد قدری جهت گونوری شب

بر کرده هر روزه استعمال آب صاف کرده باشد بلخ چوبه ترا داخل نباید کرد در عرصه

چند روز دفعت خواهد شد ان شاء الله برای آتشک از قادر داد خان نسخه جبار

دام گرفته در کپیره بریان کرده که سوخته نشود آنچه نشد انگشت نشود انرا گرفته در عرق [illegible]

جهل ده و پنج جوش کرده حب ها بقدر ماشی قدری زیاده کرده نگاه دارند و با صبح و

شام خورده باشند و پرهیز نمایند ۲ از برنج و دیگر در عرصه چند روز بر چند که

اندک زیاده باشد و صحت حاصل خواهند شد ﻫ ترکیب سفوف رزه از جانب سرکه

انگوری یک شیشه تیزاب باریک باشد زنگار شیش وا ام نخبه خوب باریک سائیده در سرکه بیندازد

نموده یک شیشه های بلور بر قدر که کلان و خورد باشد و در آن شیشه اندازند نگاه دارند

تا به یکماه آید که بلطف الهی بیدا از یکماه همه شیشه های زرد و اصل خواهد گردید و ازین نسخه

بتجربه رسیده است شیشه های بلور در آن چهارده شد یا بیچاره باشد و چهار زیاده یا کم

مضایقه ندارد ﻫ دوای صداع طرفی از حکیم عبد الله صاحب بتجربه رسیده زنجبیل مغز بادام — مجربات

کوفته نخبه باریک سائیده مریض را خورانند بمجرد خوردن درد عظیم هوا خواهند شد فقط

یک دو ... صبر کند و اگر فی نوع حیوانات و خشکه بدهند هر وقتیکه حیوانات و خشکه بحلق فرو

رود هم توقفت درد موقوف خواهد شد و از خوردن یکمرتبه ازین اگر صلابت طحال

از نوت باشد بعضی ... شده نجات یابد مجربست ﻫ نسخه اطریفل برای امانت خان

تالیف نموده پوست هلیله زرد دوازده درم پوست هلیله کابلی دوازده درم پوست

هلیله دوازده درم هلیله سیاه دوازده درم افتیمون ده درم اسطوخودوس پانزده

درم ... ده درم بسفایج فستقی پنجدرم تربد سفید مقشر ده درم برگ سنا مکی

۱۹۹۱

دوازده درم گلقند دوازده درم کوفته بیخته بروغن گاو چرب کرده بوزن شهد خالص

معجون سازند در استعمال نمایند و گاهی ازین نسخه افاریح فقط از اضافه نموده معجون سازند در استعمال

نمایند گاهی نوری حلیم یکم توله با آب گرم وقت خواب بخورانند بعد هم و اگر حاجت کند وقت صبح نیز

همین قدر استعمال نمایند و گاهی ماجون ساده موافق مرض و مناسب مزاج استعمال کنند مجرب است

دار شوده است امانت خانی را از مدت پنج سالی وجع شد بسبب ماده سردی بود دار پنج دوا

مانع نشد ابتدا از الطاف فرصت کلی کرد و نجات ترکیب کشتن فولاد جهت قوت باه و به امراض

بارده را مجرب است اول براده فولاد بقدر چهار مثقال بگیرند و نوشادر نیز بقدر چهار مثقال گرفته

در پیاله چینی اول قدری نوشادر اندازند بعد از آن قدری براده فولاد اندازند بهمین وضع تهه

بتهه نهاده عرق لیموی سه برگ بالقدر اندازند که از انگشت ازو بالا باشد و در آفتاب نگاه دارند

در عرصه سه چهار روز همه عرق در آن جذب خواهد شد و فولاد کشته خواهد شد بعد از آن بقدر چهار

مثقال گندک آمله سار گرفته از او در جهار کوفته ولی باریک یک ریزه بالا داده در سکوره نموده

در بهم آبار با گل حکمت در آتش دهند همین طریق هفت مرتبه کشته کنند یک کنند بعد از آن سماک

قائم بقدر چهار مثقال گرفته در پیاله گلی اندازند و بر آتش نگاه دارند وقتیکه واشکر آلتش

بریزد و در ان پیاله قدری عرق بوی که برگ ان شل کوبی و قدان بقدر حب کاهی ریاله

یا کم و زاید ان نیز بسیار میشود و در همه موسم در صحرا اگر جاری شود و برگ بعضی زیاده از برگ

لوبیای کاهی کم مگر رنگ ان بعینه همچون میشود انواع رنگ و بعضی اتش میدهد و بعضی انواع رنگ همین

وضع باید در سه بر قطع قطره قطره و با قدری قدری اندوخته باشند و بریق عرصه سیماب قائم النار

خواهد شد حتی که هر چند که بشدت اتش کشند بجای نرفت و فتیله سیماب قائم النار شود همه را

به لگدها که و فولاد در عرق کبر کوار ها پیر کهل سوده تکه های بسته در بوته و هوی که در صحراها دکه

بسیار میشود و در زیر بوی حلقه مثل زنبق قید میشود ان حلقه را بر اورده در ان کنج

جابجا کرده بر تکه های فولاد در ان داخل نموده و تراشه ابزار جای کند لصفت

کرده از گل حکمت مند سوده خشک کرده در یک انار یا گلید یکی زیر بالا نموده اتش

دهند تا هفت اتش بیش طاقت کند و اگر در چهار بار در نیم اتش سرخ نکرد توقف کنند

والا به تا هفت مرتبه اتش سرخ و خوش رنگ خواهد شد خوراک یک سرخ در پان بخورند

و در موسم گرما در پیاله بخورند بلا مرکب سیاه سیاهی از بازار خرید کرده با زود

نیمه نهید نیمه بسم دان پیسگری بسم دان اول بارو را همگونه شب در یک لا راب

۱۱۶۵

نرم کرده و دارند صباح بگوشت مرغ کنجشک یا و تمامند خشک بوده نیست و زیاده چرخ آمده گیتم شبنم
بکاهند دارند صبح الصباح و هیئت آن از دست در گیرند بعد باز در مشت بنم نگاه
دارند صبح الصباح باز و هیئت از دست بدستور کنند یعنی وضع هیئت دفع باز
کم خوراند تا وقتی که و هیئت در ان باشد بعد از ان مله بلبوس بر بینگی چوب باریک سایر کرده
در دو آب باز و ممزوج نموده و چو علقه شاخه از همون آب از دست چوب میلی
نصب کرده در گرداگرد انبی بکار کنند تا و عکم آب باریک در ان سیاهی خون
بود و تنک سیره بود بکاهند دارند و خفت حاجت بکار برند بیک آب باز و عدد
در چند پایه چهار چند وزن گرفته بدستور مذکور و هیئت باز بود دور کرده نیله تهویه
و بینگی سیره بسا کرده و داخل کرده جز علقه نموده در شبنه بکاهند دارند بر وقت
که بیمار کردن ضرور باشد سیاهی از بازار خرید کرده بدستور از همون عرق مارو چهار بکل
کرده بکاهند دارند بسیار خوب سو مرکب خواهد شد باید ترتیب برای رفع قبض و اصلاح مع
و تکبد برای بواسیر آسمی الدربه بیمار و بانلیف بوده عرق عنب الثعلب مع بوه عرق کاسنی
پنج نوه عرق بالان مع نوه عرق مارالحم مذکور شربت بزوری معتدل دو توله ممزوج نموده در

و ماء ورد کوره باارزق سرد کرده با اضافه تخم بالنگو و بادیان کاهی بابار نارنج کاهی

تخم ریحان کاهی زرشک کاهی و نمک نه بار کاهی تخم سرخس ساییده کاهی تخم کتان

نه باشد بادیده میخوشند و هنگام شام فقط ماء اللحم کاهی سکنجبین بروری معتدل هم نوروز گاه

شربت ورد بنفشه عند الفیض و کاهی سکنجبین انجیر هم نوبه و باقی آنچه شربت عناب

باشد میداده باشند و کاهی سم الصباح شیره آنکه بالغ باشد فقط شربت مصری

سرد کرده با تخم بالنگو با تخم ریحان با غوزان اضافه کرده میخوشند و هنگام شام فقط

ماء اللحم با شربت زرشک با غوزان بدبد ها ها ها ها ها ها ها

در نخستان

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحيم سفوف الصندل لامراض البطن والاحشاء وينفع غلل البطن
ويدر البول وينفع اقسام قروح الكلية والمثانه ومجاري البول ويقوي الكبد والمعدة
يؤخذ من الصندل الابيض والاحمر والاصفر والسكر الطبرزد والورد الاحمر من كل اربعة
دراهم والرازيانج ورب السوس وجوز البلوط المحرق المقلو والصمغ العربي
من كل درهمين ونصف وحب الخبازي وبزر القثد من كل مثقال ونصف والكثيرا وحب الاترج
الحلو من كل درهم ونصف درهم والكافور القيصوري والكهربا من كل ربع درهم يدق وينخل
ويحفظ في قارورة والشربة منه درهمين الى اربعة دراهم نقل قرابادين حكيم معتمد الملوك
علويخان الشيرازي بجهة سفوف بارد نافع قروح قضيب و حرقت بول مغز تخم خيار
مغز تخم خربوزه رب السوس گل بنفشه تخم کاهو تخم خشخاش سرب الهندبا من کل یکمثقال
هفت تولة حورک دو درم من بياض عالمگيري بجهة سفوف تقوية معده گيلاني از جنس
اسهال سوداوي و مقوي عظيم النفع است صفته تخم قوه طباشير گل مختوم گل فرس گلنار تخم حماض
من كل اربعة دراهم كل سرخ طراثيث من كل دو درم کندر درم کمون نصف درم شير گيلاني اگر بلادر
از اين سفوف بارد دانک دم الاخوين ... بلادانک ... ساييده و به بيمار بدهد ... الصفات

والرازيانه چيني

اول باشد و گاهی برای این سفوف بادیان اجزای اضافه می کنند و بعضی بسیار بند

ورد بوده ام و کلی بشود جمع هفت ادویه تنها لیسد حقیقی کند با عصارهٔ لحیة التیس ودرع عرق بلد

و دو درم ریوند اقماع ایرمان التقه الدرب الفجه حبدی تخم خرفه مقلو تخم ریحان مقلو

تخم مقلو تخم بادیان الملک مقلو کلدانه درم ادویه را بکوبید بخیر ازجبار مقلو

عسل بقدر الکفایه سرشته شود یک مثقال است عظیم النفع است اگرچه نسخ رسیده باشد

سفوف المقعد نافع جید مجرب یزیل الرطوبة والصداع وجریان الاستنان

والطنین ویقوی المعدة ویصلح الابخرة الصاعدة المعدیة الی الدماغ ویذهب السوداء

والمرة الصفراویة وینور العین ویجلو ظلمة البصر وینفع من الرمد وحک جرب

من الدماغ ویقطع مادة السموم والحرارة فی ... ویذهب اورام الخوانیق واللسان

فمه ویسهل الاخلاط الردیة والبلغم ویستعین الطعام وینفع الحمیات المعلولة یشتهی

والمواظبة علی المتفاله کل اسبوع مرة ویبری الالام ویعدل المزاج وهذا موصوف

بالعکس صفتة اهلیلج کابلی وهندی سنا مکی ورق شاهتره ... ... ورد

وصندل ... ولوز وسسم مقشر وشمار ... اجزاء متساویه بقدر ... ...

اهلیلج

ابیض یورث الجمیع الجوانح و ینوّم بلله سیره من الابیض والابیض والصلح شربته عند النوم

بالکاد انعاقر من بیاض حکیم اسمعیل گیلانی ها سفوف بالیف حکیم مؤمن جهة حرقت بول

مرحومن که با حرکت باشد و نافع است جهت درد و نرس صفه مخلوط بود داده بکار بر خلک ارمنی

کتیرا جنک صمغ عربی تخم خاص بریان کنند رو گیر از هر یک دو درم بقدر دو مثقال با سیر

استعمال نمایند ها سفوف که حرقت بول و وجع کلیه و مثانه را نافع بود و بول را بو

مغز تخم خیار بزره سه دام تخم خیار و کدو و خشخاش سفید ملک بکلاه کثیرا کتیرا از سوس ملک دو سه

بر رانج سفید و دو درم قند سفید برابر ادویه تسع سه مثقال سوار خشخاش در انسون ملک دو درم

بزرانج سفید و دو درم قند سفید برابر ادویه سه مثقال سر ار خشخاش سفید ها سفوف مایر آن

از تراکیب جالینوس از آن حکیم علی گیلانی که جهت دفع سوزاک و القوبال و قرحه بتجربه آمده

طباشیر کثیرا زرد نکلا دو درم تخم خیار حلبه سه درم تخم خرفه عشر هم مثقال صمغ عربی

دانق کتیرا دو دانق تا بیران اجنب پنج دانق زرشک مباه دو چهار دانق اعفون خالص دو

دانق زرادبند مدحرج دو دانق کنجد سفید مقشر ۳ مثقال شکر سفید سه درم کوفته

بیخته درهم کنند ها سفوف سفید مقدار سوزاک و بول و خون که با بول آید و بثر کوم تخم خشخاش

سفید و تخم بلغم صمغ عربی از هر یک عصاره تخم کاهو نیم مثقال کتیرا نیم مثقال شکر الاحمر

برابر اجزای حوالک بهم زده سفوف جهت سوزش بول از مجربات حکیم علی گیلانی است

جرعه یک توله با کوزه آب سرد بخورند و باید که تخم خرفه سفید سوده سفوف سازند هر صباح

تا یک هفته روز بخورند سفوف سوزاک من مجربات [illegible] نقل از مجربات [illegible] پوست بیضه

در سایه خشک نموده بسایند و با هم وزن شکر سفید ممزوج ساخته نگاه دارند و یک

کف دست هر روز با آب سرد بخورند و فقیر این را تا سه تا روز ثلثه تا اکثر مردم

داده استفاده تمام می نماید بشرط رعایت جماع سفوف سوزاک که طباشیر

کهربا مشک [illegible] دو درم [illegible] تخم خیارین سه درم [illegible] نقره سه مثقال صمغ عربی [illegible] زرد

[illegible] [illegible] دو دانگ [illegible] سه مثقال شکر ابیض سه درم [illegible] [illegible] [illegible]

یک بار [illegible] مثقال و یجتنب من الاشیاء البارده و الحامض سفوف [illegible]

جهت حرقه بول [illegible] از مجربات حکیم [illegible] خان [illegible] [illegible]

کتیرا نشاسته [illegible] [illegible] [illegible] پوست الایچی [illegible] [illegible]

پوست [illegible] [illegible] ابیض [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

زرد

دلم

ماش مقشر برنج کابلی بلیله از هر یک یک درم عالمکی کوفته بیخته با شکر سفید دوازده دام انجه

بکار برند خورش وهم باب کمرو با شیر گاو ها سفوف رافع جمیع تشنج وهیچ طعام از طبابی

رنگ که از میرزا مسیح الله رسیده جفته سر ملان هر دام عالمکی بانگرا در دوام بلیله سیاه پوست

هلیله کابلی بلیله با هر یک یک لاهوری نمک سیاه نمک بلدام بود نه نعناع سیاه وج خراسانی

سماق ولا متی نمک بحری زنجبیل هر دام آمله نیم دام کوفته بیخته ورهم سازند خوراک آشنا

سفوف حابس شکم ودافع ریاح وهاضم ماکول زنجبیل دارچینی مصطکی نمک هیچ خبر خولنجان پوست

هرون بسته نمک سه جو سعد کوفان سارون سنبل هندی برالقلب قاقله وج عود بلد دو جز کوفته

بیخته با هم انجه بکار برند ها سفوف مقوی باه بالملکی را دو درم مصطکی رومی کوکیرو

ثعلب مصری بوزیخم انگشت سکندر با کوری اصل السوس بیخ بید بوزیخم کوکج ستاور موصلی سیاه

ابکران جوز بوا موحشم بهمن از هر یک بکدام نبات سفید هفت نیم دام اجزا اطرا کوفته

بیخته درهم کرده بکار برند وهنگام خواب یک کف دست بخورند وبعد از آن شیر گاو بنوشند

سفوف جهت بند منی امزال منی وجرکیان آن مجرب زوتخم تمر هندی ده دام عاقرقرحا

ده ماشه دار چینی بکدام جام مصطکی ده ماشه شکر ۲۰ دام خام اوار کوفته بیخته درهم سازند

صنع ہلاس یعنی کوند و کتکه ۱۰ دام حصیه الثعلب ۱۰ ماشه ۱۲

صبح و عصر بلع لعاب کوبند و ناک ۱۰ دانه حب الفلفل وده ماشه شیر پیش از شام

یا بهی ماشه مس نعبد شکر کا و بقدر بقم بجور کوبند ها سفوف برای ذرود ریش

که از حرارت مزاج باشد بتجربه رسیده منوبه داینه وه شقاق مغز تخم کدو مغز

تخم خربوزه تخم خشخاش مغز تخم خیار هر یک شش کیند اصمغ عربی هر یک نصف

کوفته بیخته برابر او و مثل آن قند سفید بکوبند ها سفوف سعوطی دهان

طعام و نشف رطوبات و حس لوالیثره مصطکی رومی زنجبیل دارچینی دو درم

تخم کرفس سه درم بادیان سه درم عود قماری نیم درم زعفران مربای هلیله

یک درم مربای قاقله یک دانه شکر طبرزد سه درم کوفته بیخته شربتی مثقال

پیش از طعام و بعد خورند از خاصیت علوی خان ها سفوف الاشتها حلیت وبعد از طعام

جدوار قاقله کزبره یابسه زرد عود اجد نصف درم طباشیر

یک درم ملک اجد ربع درم عود شکر خربوزه نیم درم

با عنا و کشنیز تحلیل شکر سفوف از شرح ها سفوف جبه فوت باد

در شتا و دافع با بادی دارچینی تحکک ها زنجبیل تخم زیره سفید با ادویه

جوز بویه ملک بکوبه جدا جدا کوچه بیخته هم چندان نبات سفید سوده مزوج نموده صباح بدارند

و هر صبح ناشتا و شب بهنگام خواب بکوبه عنیب بخایند و مقدری آب از عقب این بنوشند

از بیاض حکیم گیلانی علاج سفوف الدیبها در رفع غفلت نیکو است حلیلت جبیده نون شونجر نمک

سیاه هند نمک سنگ نمک شور بلد بلد ام ترشادر بکشم کشم قشر بلیلج هم وزن زنجبیل بار شسته

یقلی الجمیع و فی رطلین من ماء اللیمو او الخل فی قدر الصینی و یقلی بنار لینة حتی

یجد الجمیع الملح و یکرر جفف سحوق مجمع مع سایر الادویه و تستعمل الشربة

منه و انی الی ثلثه دراهم علی الصباح علاج سفوف برای هضم طعام و تحلیل ریاح الطعام والغوا

و غلیان الطعام بعد استحلی سفوف از ترکیب اهل الهند مجرب و معمول هلیله زرد و اقلاده الاکل ١٢

غلفل کرد غلفل دراز نمک سنگ زیره سفید زنجبیل بادیان برگ عود هندی که کویند

زیره کرمانی ملک ۹ مثقال سداب ناخواه ملک بادیان سیر کشنیز بادیان زیره سیاه که

هندوی گجور کویند و نبود ماه سمطع من کلوا خذ هیچ مثقال نمک شور نمک سیاه من ملو

احد سه ۳ مثقال نعد از سحق و کحمل همه ادویه را با آب لیمو سرشته در آفتاب خشک لیمو ١٢٥

کرده پس آنرا خشانده باب آمله زخره نموده حب ها بقدر جوز بویه خشک کرده

نگاه دارند هر جا که نفع ظاهر شود نیلدان بکار برند صفت سفوف مسهل مجرب طبیبان هند
هلیله زرد پوست هلیله ابلک هند سنای مکی از هر یک و هو یک زیاده دارند تو بابک
یک تکه سقمونیا بوجبر و نوان از هر یک یک ماشه فلفل ده دانه قرنفل کرده دانه
همه را الکی کوفته با آب ترشی تریخ واگر ترشی تریخ نباشد باید بعوض جرکرده خشک
نبات کرده ابنده بمقدار نخالت برابر ان کوفته کوفته ورهم سازند بوزن دو فلوس
خورده باشند صفت سفوف ادرار حرارت ناخم از موده مزمن تخمی با چوک لیمو دد
وزن خام با کوزه دو ماشه قرنفل فلفل کرده هر کدام یک ماشه نمک سیاه
دو دام اجزای باریک سایده با چوک انبخته بمقدار طعام بقدر یک ماشه خورده
باشند صفت سفوف ملح سلیمانی درد ها را نافع بود و اشتها بیفزاید و تنقیه معده
و رطوبات و اخلاط ان می کند و حرارت بقدر منضج ورنگ صاف می نماید و بهی
فساد و کلف را زایل سازد و تخمه و فواق دفع و عرق النسا و بواسیر را نافع عظیم دارد
و تحریک قوت تیزی کند و منع تاثیر سموم نماید و بعضی بدل تریاق فاروق
هلیله اند صفحه نمک طعام سبز نمک سنگ بهم نمک سیاه بیاسازد

تخم کرفس بیست مثقال فلفل سیاه پانزده مثقال فلفل سفید دوازده مثقال
نفاخ اذخر پانزده مثقال افتیمون شش مثقال سنبل الطیب شش مثقال انگوزه صاف
شش مثقال زیره سیاه شش مثقال دارچینی ده درم مرمکی مصطکی ده درم زنجبیل ده درم
انیسون چهار درم اصل السوس ده درم انجدان و نمک طعام را در آب بسیار بپزند که
همه آب شود بجز و علقه نموده صاف نموده بعد از آن داروها را بکوبند بیخته بیان مقدور
بکار برند هرگاه که خشک شود بر آورده باز دیگر ادویه کوفته بیخته سفوف سازند
خوراک چهار دانگ یعنی یک ماشه برای حدت بصر یا شتا و بجهة تحریک قوت بسیار
با مضغ مرغ نیم بریان که هنوز نه لیته باشد و بجهة تسکین دردها و افزایش اشتها با طعام
و برای دفع تاثیر سموم و برومی که محتاج شود بخورند و بجهة اورام هرجا که باشد اول غسل
بر ورم طلا کنند بعد از آن مالیدن آن قدری از این سفوف بپاشند تا منع باد از رسانی جز
حکم جو اگر ابار نقلت گرفته شود نسخه سفوف الاشتها نمک لاهوری ده توله نمک سیاه
دو توله انیسون ~~شش ماشه زیره سفید ده توله ریوند هلیله زرد دو توله~~ انیسون ۶ ماشه
زیره سفید ده توله ریوند هلیله زرد ریوند هلیله کابلی هر یک ده توله کاکرا سینگی ۳ توله

بلیله دو توله زنجبیل ۲ توله فلفل سیاه ۳ توله فلفل دراز توله انار دانه یک توله کثیر خشک

دو توله بالان ۴ توله نانخواه ۵ ماشه املهٔ منقی یک توله کوفته بیخته سفوف ساخته عند الضرورت

بخورند سفوف هاضم وتشهی طعام مجرب ع ترحسن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی پوست بلیله امله مقشر

از هر یک چهار توله کشته خشک نانخواه زیره سفید از هر یک سه توله بالان هشت توله سبز لوح

سوهبه فلفل سیاه فلفل دراز انار دانه ترش از هر یک ۲ توله زیره سفید یک توله

نمک سیاه ده دام نمک لاهوری هشت دام نمک سانبهر ۱۶ دام کوفته بیخته در هم کنند

وبآب لیمو تر ساخته سفوف سازند یا بآب مذکور خمیره نموده حبوب ببندند یا

اقراص سازند تمام سفوف هاضم نافع بدن یا هضم مرتجمه از اطبای هند نمک سانبهر نمک لاهوری

نمک سیاه نمک بوتکا هر یک جزوی نمک بالکا نوشادر اصلی هر یک پنج جزو همه را سائیده

باریک در ظرف چینی کشیره لیمو تر کرده در آفتاب خشک نموده هشت بهر پس در دیگ

دو یک دیگر بوشل آن دار کوزه بر دهن گذاشته بگل حکمت دهن هر دو دیگ محکم

ساخته پس تمام اینرا بگل حکمت گرفته خشک نمایند و بر دیگدان نهاده زیر آن آتش تیز [illegible]

که نمک هر بره بر دیگ بالا چسپید پس نمک [illegible] را علیحده و نمک ته نشین را

جلا

جدا نگاهدارند و چهارم حصه دارچینی کوفته بیخته داخل نمایند و قدری ملتفت دارند بعد ضم

سازند شربتی از آن تا سه تولچه نافع بادها سفوف که بچشم نافع است و برای بیستیه را نافع است

سپندان سفید بو داده بیست درم زیره منقوع در خل بو داده بزر کتان بو داده

هر یک ده درم مصطکی سه درم بلیله کابلی بروغن گاو بریان کرده هفت درم زیره

و بلیله و مصطکی را بکوبند و تا کوفته بیاویزند شربتی سه درم از جامع عالمگیری سفوف

نافع دم بواسیر مجرب منقول از بعاتیکی بقراطی جوز بویه محرق تلخ و رزده تخم مرغ

بو داده سه جزو کیخد سفید مقشر بو داده سه جزو مجموعه را بسایند و هم وزن آن

با شربت یا شربت حب الآس میان ساخته نمایند سفوف جهة حبس

متصل که به هندی ڈراک گویند بی نظیر است فوفل یک عدد و آنها را بوا ناگواه

معمول بکه در سر انگشت آید سه پاره بکنند یعنی جینگالیس در ظرف گلی کوچک که

بهندی کلیا گویند بیندازند و بر سر آن سرپوش نهند و زیر او آتش زغال افروزند

تا آنکه سوخته گردد و مثال زغال شود علامت سوختن او آنست که دود از او

بر آید و چون نیک بسوزد نشیند بعد از آن همه را بر آورده بیایند پس با آب تحلیل کنند

این همه یک خوراک است از حسن الشفا سفوف حابس خون حیض و بواسیر و اسهال مجرب

و معمول مغز خسته جامن مقشر خسته انبه ها تمبر هندی رسوت موچرس تخمه سنبل ... برابر

سوده گلنار کتیرا و کاهربا ملتف کرده سپندان ... برگ مورد ... تخم ... سنبل الطیب

مازو کرمازج و ... گل و ... احمال ... پوست و ... ادویه برابر سوده

همه وزن آن شکر سفید بیامیزد و دو درم با شربت ... بخورد سفوف حابس اسهال

رطوبی کهن را باز گرداند و بواسیر را سود دارد و نفخ را بشکند اسپغول بریان کرده

تخم بارتنگ صمغ عربی از هر یک سه درم تخم مرو تخم بادروج تخم شاهسفرم تخم مورد از هر یک

دو درم بالان تخم گندنا سپندان از هر یک یک درم بوار ... چنانچه رسم است

بیامیزد شربتی سه درم با آب شکر ... بخورند و بعد از آن ملوخیا تناول کنند

مثل ورابا و بن جلابی سفوف کیمیا عشرت منقول از بیاض حکیم محمد جعفر اکبرآبادی علیه الرحمه

یاقوت ... سرخ کاهربا شش سرخ مازو ... زعفران یک سرخ شنگرف چهار سرخ

مروارید ... مشک یک ماشه افیون یک سرخ ... یک سرخ ورق طلا ... سرخ

ورق نقره ... سرخ همه اجزا را کوفته ... با ... شکر ... ببرده بعد

برابر

بعد ساعتی مشغول بجماع نشود که موجب قوه باه و امساک بهم رسد چون در جماع تورش بهم رسد

یک قدح شیر جوشیده بخورد و بجماع مشغول گردد و همین قسم هر گاه تورش در یابد قدح شیر

بنوشد بهمین طریق ده پانزده بار شیر بدفعات می توان خورد ها سفوف سکر جد

مقوی منشط و بهی و ممسک منی و نافع رعشه انزال مغز بادام مقشر مغز پسته مقشر

مغز دانه الروح مغز چلغوزه همه را نیم برشت نموده خصیة الثعلب ابریشم مقرض دارچینی بیخ

خولنجان ستاکل بهمن ابیض و احمر شقاقل مصری بوزیدان یک مثقال دانه هیل نصف مثقال

زعفران دارچینی مشک نیم عنبر اشهب ورق طلا محلول از هر یک دانگی جیر خالص دو مثقال

شکر طبرزد هیچ مثقال کوفته بیخته در ریزند شربتی از نصف دانگ تا یک درم بحسب عادت

من وزنه بار بن علویخان ها سفوف سهی جهت جور المزاج از جزر التجارب آبله رسیده را حک ساییده

چند نقیه از شیر آبله تازه و هند یا رجسک کنند و برابران نبات سوده انجمه یک توله با شیر گاو بخورد.

سفوف جهت تحلیل نفخ معده تالیف علویخان آبله منقی پنج توله سنبل و ریوند گاو جنبانده صبح را آورده

با شیشه خشک کرده عنجه کلپنج سه توله دارچینی شش ماشه کشنیز خشک توله دانه هیل ۶ ماشه

نمک لاهوری ۲ ماشه کوفته بیخته در ریزند بعد از غذا ۳ ماشه بخورند ها سفوف محلل

قرنفل ده درم مقل ازرق تخم کرفس نانخواه زرقه کبار قاقله کبار زیره کرمانی زرنبون یا کرو تیغ صمغ

از هر یک عالمگیری ریاض کنند سفوف مثقالی بقدر سبت سکر سفید و رنگ از هر یک فلفل دراز زنجبیل هیل

صنوبر از خلال سید موسی گیلانی سید ریاض منقول از اهل هند ترکیب از باه مقوی **سفوف** ها درم ده

از نخود اجزای و ستاور کونج و ماش کوکنار بادشاه بجهان شاه عهد در صدر الصدور مصدر ابدال احمد

ساخته شیرین شکر با تازه گاو شیر با ازان درم بجذر ده کرده بیر بریان بوده آتش کوفته

شکر درسی جوز بو ماش بلبیده و الیند اهل بهمنی **سفوف** ها بقدر سبت که کنند مداومت روز چند

بعد دو بخورد شام هنگام کرده آتش بگلی اینهمه درم شش بر کدام شهد و گاو روغن و سرخ

برنج و ماکول از آن بعد و شود هضم کرده تواند که سیر گوشت با و گاو شیر روز هر آن

منقطع **سفوف هیر** تر شده آرد گناب بسر که سنبوت از بیفزاید باه قوت که بخورد

الوزن مساوی گناره اوست بیخ پوست مغول بیخ پوست چیر مغول یا کوزنده

باب اول خاک اترلدی متحن الله بقدرت خوراک یار کنند مجموع برابر تری شکر گرفته

بیواز **سفوف** ها تازه و گاو شیر عقب بقدرت خوراک اجزا همه برابر تری شکر الوزن

نمک خورد ایلب دانه بید پیمان فلفل قلمی نوره گار چوا صلاحیت شد باشد محربات

تم

دو ماشه کوفته بیخته با نبات سفید برابر اجزای دو رتبه هم کنند و جهت حصه بوده سفوف روز

بخورند بر تهیه از کوفت تو بی شیها بر بوده است سفوف زرین الاسهال مجرب من برای

حکیم اسمعیل گیلانی سنبل الطیب ماشه غرنفوف عدنه ۲ درم مشک را مشک

تخم حماض ۲ درم تقلو خرنوب شامی تخم الزیت ۲ درم جفت بلوط ۲ درم

کرد سماق ۲ درم قرظ جلنار ۲ درم حب الآس ۲ درم ارجاع الرمان در بیم آن

نفوس کان فی الجمع خفیفا کان ان بنه در بیمان مع رب الرمان و او شراب الآس

و قدر از دفعه یک و مصطکی منقول از ریاض مولف سفوف قاطع بلغم اربعین بوریت

هلیله کابلی دو درم مصطکی ۳ درم بادیان ۹ درم قند سفید ۳ توله کوفته بیخته سفوف سازند

شربتی ۲ درم من ریاض سفوف مانع اسهال صبیان مجرب ابا حکیم زمان تخم

خشخاس حب الآس کندر برابر کوفته باشد مرضعه بدهند سفوف مقوی معده

و دافع غثیان تخم عرق بوریت تریج مصطکی از هر یک یک جزو

سفید و دو شربتی سه مثقال سفوف مانع تهوع و غثیان حب الآس دو جزو

حبه قهوه

کندر یک جزو مصطکی یک جزو عود غرقی یک جزو شراب نعناع بنوشند سفوف

ناصفه ازمجربات حکیم عماد الدین محمود مصطکی ده درم هلیله سیاه ده درم بلیلان ده درم

زنجبیل ده درم بسباسه ده درم زعفران هم درم ماء سیب برابر اجزا نافع سفوف مسکن حرارت سینه

و دل و کبد و دماغ و مانع غثیان و خفقان و ضعف قلب از حرارت تخم گلسرخ

طباشیر سفید مکلو احد یکدرم کشنیز خشک مقشر ده درم کافور ریاحی نیم دانگ کوفته بیخته در شیشه

نگاه دارند الشربه مثقال با سیب یا آب انار میدانه من و اناوین تکلوکان نافع

سفوف حکیم سلیمان شیرازی مانع عطش و مانع دل بهم مفرط و مقوی دماغ و مانع ازالة

حموضه تخم خشک بریان تخم خشخاش مقشر بریان تخم کاهو مقشر از هر یک دو مثقال درم

شکر تری وا ورده مثقال کوفته بیخته در هم کنند شربت دو مثقال تجربت است

سفوف جهت فواق تشنجی که از امتلا حادث شود تخم کرفس جند بیدستر سعد کوفی زیره کرمانی

ناهموار سفوف ساخته مثقالی با آب بکار برند من تحفة المومنین سفوف نافع جهت حبس طبیعت و مقوی

معده و معتدل فضول مصطکی رومی بریان تخم حرشیع صمغ عربی بریان ده درم شکر سفید

دو چند ادویه نلته کوفته بیخته نگاه دارند شربتی چهار درم با آب گرم بنوشند نافع سفوف

قطع اسهال مفرط کند زرشک گلسرخ طباشیر طین خوراسانی کافور عود مشک از هر کدام قدری مناسب

بلاو ..

بکوبند سه درم با پنج خروج باید خورد و بنوشند ۞ سفوف دافع اسهال از منی حب العنب صمغ
عربی هرکدام چهار درم حب الآس گل سرخ سماق هرکدام دو درم مصطکی گلنار هریک یکدرم ریاض عالمگیری
سفوف که در حیات شکم به بندد شاه بلوط دو درم مازو پوست انار از هریک چهار درم سماق حب الآس
از هریک هفت درم سماق کوفته بیخته نگاهدارند شربتی با آب سرد شفائی سفوف حب الشباب صمغ عربی
ده درم عاقرقرحا دو درم بیخ سوس کبود دو درم شکر تری ده درم کوفته بیخته نگاهدارند و هر روز دو درم
و فروبرند منقول از اطبای ایران و بیمارستان هند ۞ سفوف قرب بسیار اسهال معده رشید
زبیب کشمش کندر خشک بریان غنچه گل سرخ قرنوب شاه بلوط طباشیر از هریک یکدرم سماق حب الآس از هریک
دو درم انار دانه چهار درم کوفته بیخته سفوف سازند ۞ سفوف طین نافع اسهال کبدی و معوی
و زلق الامعاء طین ارمنی مقلو طین مختوم طباشیر سفید کندر با گل سرخ منزوع الاقماع از هریک
برابر کوفته بیخته در سرشته زنند و هنگام ضرورت سه درم داده باشند و عقب آن قدری آب سرد
بخورانند قرابادین علوی خان ۞ سفوف دافع قبض در اید اشتها خاصه قبض بواسیر
خونی و بادی پوست هلیله کابلی املهٔ چینیه نمک سنگ بوزن برابر کوفته بیخته سفوف سازند
شربتی سه درم تا شش ماشه با آب شیر گرم من خزانة التجارب ۞ سفوف نافع اوجاع معده و طحال و معوی

تا هضم و مشتهی طعام و دافع ریاح است و طریق ساختن آن باید تخم کرفس مساوی الوزن

گرفته و ربع وزن اجزای نبات در حل کرده سفوف سازند شربت مثقال مستعمل مطلب

علویخانی ه **سفوف** حابس جریان منی است من مجربات حکیم جعفر بسیس لوحی کلنج عود مصطکی

جند کبوتر تخم چرپیت گلور آمله دانه هل سنگلو اجزا چهار ماشه موصیع دو درم تخم بهمن سرخ باشد

سوخته دانه هم سویزدانه بیرون کرده بلکتوله است تا شش فرباد ام مقشر بلکتوله باشد

شش دام نبات دوازده دام ه **سفوف قاطع شهوه** جماع مرد وزن شهدانه

تخم خرفه تخم کاهو تخم شبت از هر یک جزوی نیلوفر و فوبستر سه درم شیره

تخم خرفه می واب این خلاص ه سفوف که در سستی شکم مفید باشد بلوط دو درم

مازو و پوست انار از هر یک چهار درم گردسماق شش درم حب الاس هفت درم

کوفته بیخته شربت درم با آب سرد ه **سفوف حب الحسناس** طمث از مجربات حکیم

علی گیلانی اگر شاهی پوست انار دولتی قرنقل طباشیر کات تارک هندی باید

جدا جدا و همه را بوزن برابر گرفته و از مجموعه یک مثقال تا یک و نیم مثقال با آب

داد با آب سرد که حیض بند ه **فی السنونات** سنونی که در محل الشک مالیدن مرخ

دندان و دهان را فشانند منع خارش کند زراوند مدحرج سوده کنند سعد کوفی

بیخ لوس دم الاخوین نار و قسیند تخم خرفه تخم مرو اجزای ساوی کوفته بیخته بکار برند

سنون که لثه را محکم و باسور بیخ دندان را نافع باشد و خون رفتن باز دارد صفت آن مرد نوشادر

زرنیخ سرخ بیخ لوس عاقرقرحا ساوی الوزن گرفته کوفته بیخته سنون بسازند سنون

که دندان را محکم سازد و گوشت بن دندان را برویاند و بوی دهان خوش کند طباشیر

هندی دو درم کات هندی سه درم فلفل دراز زنجبیل نمک هندی هر یک درمی کوفته بیخته با نمک

بر بیخ دندان مالند سنون که لثه و دهان والقم را سود دارد پوست انار بن سه درم

مازو گلنار کاغذ سوخته شب یمانی عاقرقرحا هر یک ده درم سماق پانزده درم نمک اندرانی

نوشادر هر یک پنج درم کوفته بر بیخ دندان مالند سفوف جهت پر شدن سوراخ

مجرب وار نموده ریوند ده ماشه زیره سفید بیست ماشه و تخم شوره قلمی سفید پنج ماشه جدا جدا

سه ماشه مجموع را سائیده با وقوع آب معدار نیم توله بخورد تا دو سه روز بعد از آن تا

نسخه عمل نمایند ... سوخته که گل سپیدار باشد موصلی سیاه موصلی سفید ...

الهایچی ... خارخسک ... تخم ... تخم ... بلکه پاره که ...

سکنه

تخم کوبیذ کات خشک سورنجان مصری مجموع اجزا برابر کوفته بیخته در حیوان شکر داخل
کرده مقدار یک توله با شربت کاوزبان یا آب بخورد نفع تمام بخشد

۴
باب العلاج فی اللبوبات الباهیة نسخه للبوب من تالیف شمس الدین بلال ادر بلی مقوی
مقوی باه و رعشه رئیسه و رنگ رو را نیکو سازد و در کلش از عرق النسا و نقرس و نقصان
رقت و امراض عصبانی ایمن دارد و البشریه منه من مثقالین الی ثلثه مثاقیل صفته شقاقل
مصری خولنجان تعلب مصری بهمن سرخ بهمن سفید وج فوفل تودری سرخ تودری سفید
لسان العصافیر بلدر و درم شره شقاقل ورم حب بلسان حب الیان فلفل سفید تخم
تره تیزک تخم خیار تخم کدو تخم شلغم تخم کرنب تخم خشخاش سفید خشکدانه تخم تره
بزرگ تخم شبت تخم کوزشامی که دوقو است تخم بلیون خشک هر دانکسر دو درم
مقور بار جیل مغز بادام مغز پسته حب الصنوبر کبار مغز حبة الخضرا مغز فندق وانه کنجد مغز پکد
مقدرم دارچینی قرنفل سنبل الطیب اسارون بسباسه کبابه فلفل دار فلفل یارشبک
عود عنبر اشهب زعفران پکد ~~مقدرم دارچینی~~ قرنفل شک بکلابک ؟ رنجبیل بوزیدان ۱۲ مثقال
قسط شیرین مغز حب الزلم درونج عقرب از هر کدام دو درم عسل مصفی بسرشند

۱۲ ؟

نقله

هذا المعجون صنعه حکیم عبدالمؤمن فی تحفته و والد بزرگوار بنده بشیره سقنقور با دفعه برای نواب میرزا ... ساخته

فرموده بودند بسیار نفع بخشید و عوض سقنقور مایه شتر اعرابی ده درم مغز کنجک بر چهار درم

اضافه فرموده بودند از عظیم و نفع ها نموده و این لبوب کبیر و هو من المعاجین الکبار متفق علیه و نحو

تراکیب القدماء مقوی و سخن کرده و منی را بیفزاید و نشاط آورد و دل و دماغ را قوت دهد

و بدن را فربه کند و رنگ رو بیفزاید و اعصاب را محکم سازد و در امر جماعت بی نظیر است

صفت او پسته مغز بادام مغز حبة الخضراء مغز گردگان مغز چلغوزه مغز حب الزلم ماهی رودبار

خرلیخان شقاقل بهمن سرخ بهمن سفید بوزیدان بیخ بنفشه زنجبیل دارچینی از هر یک ده درم سنبل الطیب

سعد کوفی قرنفل کبابه چینی حب القلقل تخم کرفس تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم شبت تخم بلبوس

لسان العصافیر و دو نوع عاقرقرحا زرنباد هر کدام سه درم خصیة الثعلب ماهی چیل تازه مغز تخم کنجد تر

عود خام

تخم خشخاش سفید از هر یک چهار درم مایه شتر اعرابی مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال عنبر خام

ده مثقال مشک تبتی نیم مثقال عسل مصفی سه وزن ادویه خوراک آن ... صفت اللبوب

صغیر منی را بیفزاید و کلیه و مثانه را قوت گرداند و لیمان را نافع باشد و رنگ رو نیکو

سازد و دماغ را قوت دهد صفت آن مغز بادام مغز گردگان مغز حبة الخضراء مغز چلغوزه

مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته مغز نارجیل تازه حب القلقل تخم خشخاش سفید کنجد نودرین و مغز

تخم خیار تخم شلغم اسپست زنجبیل دارفلفل کبابه قرفه دارچینی شقاقل خولنجان تخم هلیون

اجزا مساوی الوزن گرفته کوفته بیخته با عسل سه برابر ادویه معجون بسازند شربتی

دو درم با سفوف تخم ریحان با سویه مقوی گرده دیاه صفت ان مغز فندق مغز پسته مغز تخم

صنوبر کبار مغز بادام کنجد سفید مغز تخم خربزه تخم خشخاش سفید ملکد یه درم مغز تخم خیار تخم

تاترک ملکد سه درم شقاقل مصری بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید لسان العصافیر خولنجان

دارچینی ملکد دو درم نبات ده استار که خیار نیفلات است که مجموعه شصت بقدر باشد

عسل هیچ استار که سی وجه بقدر باشد بدستور معجون سازند شربتی بقدر ها لبوب

نصرالدین متقی مقوی شهوی باه صفت ان معز بلعوزه مغز نارجیل تازه مغز پسته بالکا ملکه صفت ان

یکدام خرمای هندی صمغ درخت سنبل تازه به ربیات بریان نکند باید شیر گاو نیم سیر

دو انار را جدا جدا کوفته و شیر را با نبات بقوام ارند پس مغز خرما و لبوب انداخته

بار قوام را بلد حفظ نمایند و ادویه را بدستور داخل نمایند و بتغیر قوام این معجون را

مثل حلوا سوهن می کنند هر صبح نیم دام خوراک است پرهیز از ماکولات ... ازدیاد

اد

مرو و رمن بیاض المجربات نقل نموده شده لبوب مقوی باه و مغلظ منی مخترع علوی خان این است

شقاقل صفقه مغز پسته ۲ توله مغز بادام ۲ توله مغز چلغوزه ۳ توله مغز نارگیل ۲ توله تخم خشخاش سفید ۳ توله

بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل مصری خولنجان زرنباد توله تخم زردک از هر یک ۱ توله

ازین حصه الثعلب تودری ملکوتی قند مه زرد ریگماهی ماهی آشته اعزا دوبه عنبر اشهب ۳ ماشه

مشک ورق طلا ورق نقره با سیب دبل مصفی بدستور معجون سازند ان شربته ۱۹

بیابانیه کاو گل یا گاو دیش ۱۱ لبوب ثالث علوی خان السیبها ر صفقه مغز تخم خیارین

مغز تخم خیاری مغز تخم خربوزه مغز تخم الیسته مغز بادام مغز الخلک مغز بهدانه از هر یک

چهار توله شهدانه مروارید ناسفته بهمن سرخ شقاقل مصری حطه الثعلب تخم الثعلب

تخم خشخاس سفید تخم شهب ورق طلا ورق نقره کوفته بیخته بر تختن حرا سنانی زرد ک

همه سیر با نخهائه که پنج وشش توله باشد حل کرده صاف نموده رب به شیرین رب سیب شیرین

هر یک ۶ توله نبات سفید چهل توله در حل کرده بقوام آرند او و به نان شیرید

خوراک از ماه به ماه تا نیم توله از عرق زردک بنفشه توله ۱۱ لبوب چهارم علوی خان جهه

تقویت و مانع و ازاله رعونت وحمق و بیمار امراض بارده دماغی صفقه مغز پسته مغز بادام چیل تازه

مغز بادام مغز حبة الخضراء مغز فندق مغز چلغوزه از هر یک ده مثقال ابریشم مقرض ادویه پاک بادآورد

عود هندی پوست بسباسه کابلی دارچینی مصطکی سنبل رومی کندر عود به از هر یک یک مثقال عنبر اشهب

ورق طلا ورق نقره از هر یک یک مثقال بدستور معجونی سازند شربتی یک مثقال لبوب

مقوی الباه از بیاض حکیم شیخ حسین شهرت صفت مغز فندق مغز نارجیل مغز چلغوزه حب الفلفل

حب الزلم مغز کنجد مقشر خشخاش سفید تودری سرخ تودری زرد بهمن سرخ

بهمن سفید هر کدام بکوبند زنجبیل دار فلفل جوز بویا زرنباد مشک از هر یک ثلث جز

قند سفید مثل جمیع شهد وزن ادویه شربتی بقدر بندقه فی اللبوب الباهیة المنشطة

لبوب منشط باهی من معمولات حکیم اسمعیل الگیلانی صفت مغز بادام مغز پسته الکرسنه

نارجیل هم برشته مغز نارجیل جوز بویا بزر تخم لفاح ۵ درم برگ ۵ درم

ودر شیر جوشانیده شقاقل ۲۰ درم نبات مصری ۲۰ درم مغز چلغوزه ۲۰ درم تخم

مغز حب الزلم کنجد مقشر مصطکی زنجبیل روغن قسط ورق نقره مشک روغن

تمام سفید پخته برابر ادویه عسل گلاب جهت قوام بقدر کفایت شربتی بر بستانند

لبوب منشط باهی مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز بادام مغز تخم خیار هر یک پنج درم

۵

تخم لفاح زعفران تخم کاهو شقاقل فاوانیه صغار برگ سیرازی ورق نیم جوش داده

زرنباد نیک یکدرم بهمن سرخ بهمن سفید ثعلب مصری هریک دو درم تنگ ربع درم

عسل نبات بقدر ثلث رطل روغن بنگ ربع رطل قلات بقدر احتیاج بدستور

سازند ه لبوب یا تکر مقشر و بهمن منقول از بیاض حکیم کاظم علی خان لاهوری

تخم صفه دارچینی قرنفل شقاقل بهمن سرخ بهمن سفید بوزیدان سفید بوزیدان کلکون لسان

العصافیر صندل سفید بیخ لفاح مکید بیجمانسه زعفران هرکدام ربع جاهی حصه ثعلب مصری یک دام

مغز قند بار جیل مغز پسته مکد و مر مغز فندق گاو زبان گل زنبق بادیخکوبه ورق پیچ عود

تیمارطلا مکد و هر ربع سوم جزو هی عسل ابیض اهاد و نبات نیم سیر مشک گلاب نیم پاو ورق نقره

روغن حب العظم چهار دام بدستور معجون سازند ه لبوب بهمن مقشر منقول

از بیاض حکیم صمد لاهوری صنعت بسته جز بوده بیخ لفاح زعفران مغز تخم کدو شیرین

صفه گلنچ نرگس شقاقل مصری دارچینی هر یک سیرازی مکد یکدرم بهمن سرخ بهمن سفید طباشیر نبید

حصه الثعلب یکدرم مرجلوزه مغز بادام مغز نارجیل مغز تخم چهار مکد یکدرم مشک ربع

درم عسل بقدر نبات بکدر ثلث رطل روغن حب الزیت روغن بنگ ربع رطل گلاب

بکشند حاجت بدستور معجون سازند و نگاه دارند مجربست لبوب بهمن و ... مکلف و ...

صنعته مغز تخم خربوزه ۲ درم مغز بادام مقشر ۲ درم مغز پسته ۲ درم مغز نارجیل تازه ...

مغز هندوانه ۲ درم مغز تخم کدو شیرین ۲ درم شقاقل مصری درم بهمن سرخ درم بهمن سفید

خولنجان درم دارچینی ۲ درم خرنوبه درم بستانه ۲ درم دارفلفل ۲ درم تخم انگره ۲ درم ...

مقشر کلیرخ ۲ درم موز بست ۲ درم اسنان مقشر ۲ درم بیخ لعاح تولعه بیخ شنبیله درم شیرون ...

زعفران درم قرنفل درم نمک ... درم عنبر ... کلاب ... و نبات سفید ... باشخاص

خوز اعظم بکنم باد بدستور معجون سازند لبوب بهمن منشط منقول از بیاض طرب افزا صفحه

شقاقل مصری دارفلفل خرنوبه دارچینی قرنفل کلیرخ صندل سفید کبابه چینی بستانه از هریک ... تولچه

... زعفران ورق نقره هر یک ... مغز بادام شیرین ... سفید از هر کدام ... بهمن ...

روغن بک ... مشک خالص ... سفید قند سفید هر یک سیر بدستور سرشته لبوب منشط بهمن

من مجربات حکیم ... مغز بادام شیرین ... مغز چلغوزه از هر ... سفید

بهمن سفید بهمن سرخ تخم ... از هر کدام ... مشک ... دارچینی ۲ درم ... سنبل روغن

ورق الخاص قند سفید بکنم باد بدستور لبوب سازند المستعمل قدر الحاجة ...

لبوب مقطر ومقوی و بهی بسیار مجربست صفت آن مغز بادام مقشر پسته مقشر مغز نارجیل مقشر

جلغوزه مقشر ثعلب مصری بزر هلیون شقاقل مصری بهمنین دارچینی جوز بوا

قرنفل دار فلفل تخم بلبون بیخ لفاح از هر کدام پنج ماشه تودریین از هر یک ماشه زرد

بهمن بیخ روغن خرما عطر گلاب از هر یک با وسیر قند سفید بکوبند ادویه شهد و وزن

ادویه مشک درم بدستور متعارف بسرشتند خوراک کامل بحات ماشه

لبوب کبیر عنبری نسخه مجربه بعض القدما صفت نارجیل درست مطابق حالی کرده زعفران

بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل بیخ لفاح بیخ سیب بزر النج دارچینی جوز بوا

کوفته بیخته گرد پس از خزه گرفته در شیر گاو جوش دهند تا که شیر غلیظ شود پس از آتش برآورده

بر سنگ سیاه دور شود خوب باریک کرده داخل معجون بسازند مغز فندق مقشر

مغز جلغوزه مغز حبة الخضرا عنبر اشهب صندل سفید طباشیر سفید خار خسک تولم

خورش نیم ماشه لبوب مثبت بفزاید و کلیه و مثانه را قوت دهد و ریگ رود و ذهن صاف

کند صفت لبوب نارجیل مغز جلغوزه بهمنین ثعلب حب الصنوبر دارچینی قرفه دار فلفل مساوی

الوزن کوفته بیخته بروغن پسته چرب کرده و با عسل منزوع در چندان سرشته خوراک یک مثقال

طیب لبوب دیگر مقوی باه محرک قوت علوی که ودارچینی بسباسه جوز بویه زعفران ربع لعاج

تخم گاجر تخم کلم تخم شقاقل طباشیر سفید و دانه فلفل مغز چلغوزه مغز بادام شیرین تخم مقشر سپستان تخم

از هر یک یک مثقال مشک دو قیراط و دانگ عنبر اشهب دانگ تخم خیارین مغز بادام جبل هر یک

نبات سفید عسل مصفا هر یک مقدار پنج مثقال بدستور که مقرر است معجون سازند خوراک

بعد از روز بنت مزاج تا ط لبوب تا حبه جالینوس اکثر چلغوزه بیفزایند اگر شاهی دل و دماغ

را قوت دهد و منی بیفزاید و پشت را محکم کند و در وقت مجامعت ما یک بار وصل

مغز بادام مغز تخم کدو شیرین مغز تخم قوبوره مغز نارگیل مغز چلغوزه تازه مغز پسته تو

مغز فندق تو مغز چلغوزه کباب چینی لعد مقشر و دارچینی تیز خوشبو مصطکی از هر یک — مغز جوز تازه

پنج توله مقشر خیارین ده توله قرنفل بهمن بهمن سفید عود غرقی نعافلک کبار

ورق نقره هر یک سه توله ورق طلا زعفران هر یک دو توله قرص عنبر سیاهی قرص

بار یک یک سیر اکبری شکر گاو تازه ترنجبین سفید یک حلوای سیب حلوای آبی هر یک

عسل سفید مصفی یک سیر اکبری بدستور سرشته خوراک دو درم متوال ... علوی

مرحوم تا لبوب آخر مقوی دماغ و باه و دافع صداع و سودا صفه لت الله ...

بزر الشفیح

لب بزر القرع لب بزر البطیخ بزر الخشخاش الابیض ملکدخمه اجزا وطوق البابونج سلاقلب
المدن بهذ ابیغ السطوخودوس ازاریک حرشن بزر البلبون عود کزبره مانشه الحشیشه السلب
ملکه خیری بیخ بعد السحق والنحل بالبیضه یجعلن الکان المطلوب قوة الباه وتبلین وان کان
المطلوب فوج الباه دون التغلب ودفع ضعفه فیالسرآب الباور بحکونه مراجه حار
رطب فی الاول الثانیه منه مثقال الی مثقاله مما یقیل هذا اللوب من صنعته قدوه الاطبا
محمد ذکریا الرازی ونقله من بیاض حکیم اسمعیل گیلانی وانا جربت ذلک مرارا

لبوب مقوی باه ودافع عنه انزال حتی که از کار رفته باشد مرد شود وبلی هو مفید العنین
المجامع مجرب صفت آن مغز چلغوزه ۵ توله مغز بادام ۲ توله بهمن سرخ توله بهمن سفید توله
موسلی ۲ توله دار چینی قسم اول توله زنجبیل توله شقاقل مصری ماه شعر اعرابی
بعلب خور توله ملکه یک توله قرنفل ۶ مثقال تخم ۲ توله مشک عنبر اشهب در موسم
زمستان یک توله رنگ ماهی هم توله زعفران اضافه نمایند شهد خالص ۱۸ دام خام
نبات سفید ۱۰ دام خام بدستور معجون سازند شربت ازین هم تا یکتوله لبوب دیگر انسم
مخرج بعضی متاخرین بعقویت گرده وباه کند وتولد منی وافر نماید مغز بادام مقشر حبة الخضراء

موجب ازرم فرحب القلقل مسک بهمن سفید تخم خبسی دارچینی زنجبیل دار فلفل تابه

قرفه ورق نقره بر یک بنفشه زعفران توله مولبسته بر فندق بر جلغوزه توردی سرخ

فندوبه اربع بر یک بکم توله تورتار جیل شقاقل بر یک جهار توله ابریشم تقریص نیم توله

ابریشم خام لیمون باوسیر عاقلکری جلاب نیم سیر سهند برابر ادویه بدستور معجون سازند

مجرب سبت باه باه باه الشربة بمقدار ابی مثقال باب الجمع فی الجوار شات جوارش

گذ تقویت اوراق قوت مسیری وورد کاهنه مقعقه گذر رسین فرسین

+ استخوان دور کرده یک سیرو ربع ماشرکاو قند سفید یک اثار دربع بقوام آورده

ادویه ذیل سرشته در آوند چینی یاکانه بردارند شبده تار کیل بادام تغلب بیضه

خرنیات موجب الصوبر بکدرشش ماشه موتار کیل نه ماشه شاقول بغچه کلنج نوزبدان

مصطکی یکدسه رنجبیل بهم دارچینی قرفه چوبچینی قرنفل زعفران از بر یک دو ماشه

نمک خالص یک ماشه مایه ستبر اعواریک ماشه خرزبوه ماشه البته یک اوقیه

ارجاض ابوالقاسم سبزه حکم ابوالفتح گیلانی اکرشاهی تابه جوارش آید بهضم الطعام

ویزید فی الباه زیادة قویة ویقوی المعدة والقلب صفقة جذر حلو مقشر الفاظ حنظل

الرواحد

ورق

بمورانی و دور احاالصی عمر الملوک

یعنی فی حجر والعرعار

رطل واحد ونار حتی ینضج ویدق فی جرن حجر ویزال عن باب من عفص وایضاً الیه عسل

نحل رطلین وعند نزوله عن النار یذر فیه زنجبیل ومصطکی و دارچینی و جوز الطیب

و دار فلفل و قرنفل و لسان العصفور و زعفران و سنبل و خولنجان یکد ثلثه دراهم شقاقل

۵ دراهم یخلط الجمیع جیدا ویرفع الشربة منه من ثلثة دراهم الی سبعة دراهم ثلث

من نهار الدکان ما طجوارش سپید خسل [illegible] القوام آن [illegible] حب الصنوبر و تخم جرجیر

و تخم کتد و دار فلفل و شقاقل مصری و دارچینی مساوی بکوبند و بریان سپید کنند و جوارش

سازد و بخوردن آن مداومت نماید بعد از طعام بوزن یک اوقیه از بیاض عاملکی

جوارش مسخن بدن را فربه کند و قوت هاضمه دهد و باه زیاده نماید و بواسیر را نافع

است صفت زنجبیل ۲ درم دار فلفل ۳ درم فلفل گرد ۲ درم شیطرج ۲ درم شقاقل

۵ درم قابنزهم شیر خرمای [illegible] درم ملادرنج عدد تخم بلادر را از فنه ور خرجه خشخاش

انداخته در تنور [illegible] روغن کنجد [illegible] زند و صافی [illegible] با آن ادویه مذکوره ممزوج نمایند

بعاجین الراحة [illegible] جوارش یسخن البدن ویصفی اللون معین علی الباه صنعته

لب البزر والعرق والعقیق وحبة الخضراء وحب الصنوبر والشیدانج یدق الجمیع ویعجن

والبندق

من حسته

وبندق و عیان الجوارش الشربة من ۳ الی عشر و بالغداء و یشرب بعده من شراب

تعیقل فلافلی جوارش عود ترش مؤلف حکیم الملک صفته عود ۱۰ درم دارچینی

۱۰ درم مصطکی ۱۰ درم زعفران ۱۰ درم گاوزبان ۲ درم مشک ۱ درم رب حماض یک رطل

رب سیب یک رطل گلاب قند سفید نیم رطل عسل نیم رطل بدستور بسرشند
نیم رطل

جوارش عود ترش من بیاض حکیم اسمعیل نقل کرده شد صفته رب سیب ترش یکنیم توله رب

ریباس یکنیم توله رب انار ترش یکنیم توله اب بیمولیت توله گلاب لیمو توله عسل سفید

نیم توله بقوام ارند و عود هندی شش ماشه دارچینی ۲ توله پوست ترنج ۱ توله قرنفل

۲ توله قاقله کبار ۲ توله مصطکی توله زعفران شش ماشه اضافه نموده بسرشند

جوارش عود ترش بلیله حب عود قرنفل مصطکی بکدام ۳ توله قاقله

سنبل الطیب مغز بادام مقشر بکدام ۲ توله جوز بوا زنجبیل دار فلفل دارچینی قند بلیله کابلی

ملک بلنوله پوست ترنج ۵ توله مشک نیم توله قند سفید ۵ توله عسل وزن ادویه

گلاب قدر الحاجت جوارش عود ترش دل و دماغ را قوت دهد صفته

مروارید عود قماری از هر کدام مثقال مصطکی یکنیم مثقال عنبر اشهب ماشه

بلیله

مشک یکماشه مروارید ۳ درم گلاب سه باو رب سیب و آب انار ترش از هر یک نیم باو
رنگ بداند ۳ تولہ لیمو کاغذی هفت عدد قوام نموده معجون سازند شربت
تا نیم تولہ با ورق نقره و عرق بید مشک. جوارش عود ترش من علویخان صنعه عود هندی دو درم
لک مغسول سنبل الطیب لک مغسول قاقله کوچک زعفران پوست اترج مازریون زرنبوه دارچینی مصطکی
طباشیر ابیض از هر یک سه درم قرنفل دو درم عصاره سیب ترش پنجاه مثقال
گلاب نصف مثقال عصاره ترنج نیم لیمو نود مثقال شکر طبرزد یکصد و چهل مثقال
بدستور معمول جوارش سازند شربت از مثقال تا دو مثقال. جوارش عود مشهی معده
ومقوی اعضای رئیسه و مسکن قی و دافع اسهال و کاسر ریاح و مزیل ثقل بعد
از کثرت غذا و بدن از کثرت غذا صنعه عود خام یک مثقال بل تولہ زنجبیل از هر یک درم نار مشک
جوزبوا دارچینی انیسون هر کدام چهار درم کوفته بیخته شکر عسکری پرداخته و قوام بان
سه درم ادویه
آمیخته بچوب پر ریگان ورق حبی مدهن ریخته اقراص سازند خوراک یکدرم
۲ تا دو درم جوارش ~~[illegible]~~ عود ترش اشتها و هضم طعام و تصفیه اخلاط و ازاله
قولنج و دفع خمار مجرب است و مقوی دماغ و دل و جگر است و در تقویت معده باکر

منافع بسیارست عود خام نانخواه بهمن سرخ بهمن سفید هلیله کابلی هر یک

یک درم زرنباد بهمن ده درم کاوزبان آب لیمون ورق اسپرکوا

نیست ورم آب انار ترش لیمو ورق ناب قند و پنجاه درم مروارید ناسفته

یاقوت صلایه کرده ساده جدوار درم عنبر اشهب یکدرم الله را دارچینی

گاوزبان کشنیز شسته ... گلاب ... چون ... شود

نگاهدارند ونیز دستور معجون مرتب ساختند جوارشی نسخه معجون مقوی مطلب اکرام

ابریشم آبنوس صندل سفید نسخه فاقله صغار قرنفل دارچینی زنجبیل دار فلفل

فاقله کبار فلفل سیاه قرنفل مصطکی هر تولہ هلیله کابلی مدبر تولہ عود هندی

قند سفید ۲ تولہ عسل ۲ تولہ ... تولہ دستور جوارش ساختند

دیگر ... نسخه ... تولہ زعفران ... تولہ ... گاوزبان ... مصطکی

زنجبیل ۲ قرنفل ... تولہ فاقله صغار دار فلفل ... نسک

عنبر اشهب عسل ... شربت ... گاوزبان ... نسخه مطبوخ

... از ... نبات و قند ... نسخه از اطبای ...

. از نمو دفع منع و منع مضیم و ریاح غلیظ و بواسیر صنعتش بسیار ترکیبه
قاقله صغار زنجبیل دارفلفل هر یک جزبی اسارون از هر یک سه درم قاقله کبار عدد درم
فلفل گرد ۲ درم قرنفل ۲ درم و نصف شکر طبرزد بیست درم همه را کوفته بیخته
بعسل کف گرفته معجون سازند شربتی مثقالی ۱۱ جوارش صندل برای خفقان دل
وضعف دماغ و منع بخارات سر و گرده نافع است و تب دق و تب
صفراوی و سوداوی را مفید است صنعت زرشک بی‌دانه بیست درم در گلاب و عرق گاوزبان
و بید مشک و عرق نیلوفر شب خیسانیده پس بکوفته با نود مثقال قند سفید
قوام آرند صنعت صندل سفید پنج درم سوده اضافه نمایند و بستر بریزند و بر روی
ــ ریزند شربتی ۲ درم تا چهار درم ۱۲ جوارش صندل در تابستان نافع بسیار گرم دو
ا عرق و رفع بخارات می کند و در اسهال صفراوی باز دارد و دل و دماغ و ضعف
ــ را نافع است صنعت صندل سفید سوهان کرده یکم درم قاقله صغار و کبار غنچه گلسرخ
ــ از هر یک ۲ درم عسل سه وزن ادویه با ۳۰ درم سیب سماق بدستور
ــ دالسنه به منه و از همین من خاص المجربات الوالاو نوشته شد بسیار مجرب است

جوارش صندلی ... ازارش و استادی نافع است جهت ... که حادث شود از حرارت صفقه غنچه گلسرخ طباشیر صندل مقاصری از هر یک ... رومی سنبل عود از هر یک ... حسک ... چهار دام کافور ... کوفته را کوفته بیخته با رب به ... بقدر کفایت ... الشربه ... چهار درم
المحد

... الاوقات ... جوارش الاترج الساذج المتخذ من حماضه یقوی المعدة الحار
ولسکن ... الصفراوی ویقوی الکبد والقلب ویقطع الصفراء ... والثقل ...
الحار ... وهو یشهی الطعام صفته یوخذ من السکر الطبرزد من ... واحد ...
ویصب علیه خمسین مثقالا من ماء حماض الاترج ویطبخ بنار ... ثم ینزل
عن النار ویصب ... ویقطع ویستعمل من ...
جوارش خوزلیتی ینفع من الاوجاع الباطنیة البلغمی والسوداویة والریحیة ... الباطنة ... الطعام موافق لمن به ... نافع للمعدة والکبد الباردین
... البلغم والرطوبات المتولدة فی المعدة ... ورجع الکلی
... الباه ویحرکه ... ویوخذ من السکر

واز

وزن نصف رطل ویجعل فی قدر ویوقد تحتها نار لینة وینزع رغوته حتی

یصیر فی قوام الجوارش ثم تنزل به عن النار ویوخذ الخولنجان وزن عشرة دراهم الخولنجان

یدق وینخل بحریر ویذر علیه ذرا ناعما ویضرب حتی یختلط ویطرح علی الجام الیون

ویقطع ویستعمل وان جعل فیه من دار الصینی والعقیر بکل درهم کان صار

انفع واقوی من علوکجان ها جوارش فوفل میرزا حسن طبیب دار الشفاء

شاه جهان آباد برای زلق معده و امعا و درب نظیر ندارد و در اسهال بلغمی

بار دارد و در اشتهای طعام پدید آرد و حبس طمث کند فوفل ۵ توله قرنفل سنبل الطیب

ایلایچی سه ماشه عود غرقی قاقله کبار از هر یک ۲ ماشه الشته شش ماشه قاقله صغار

دو ماشه ورق نقره سی عدد مشک یکماشه عسل سفید دو وزن ادویه نبات یک وزن ادویه

بدستور معجون آرند شربتی ۶ ماشه جوارش ناخواه گرم و خشک است منافع بسیار دارد

برای رفع ریاح معده و ضعف و ... مجرب است صفت ناخواه را در سرکه انگوری یک هفته

در سایه خشک ساخته بو داده یک رطل نبات بقوام بسته بسته ها جوارش زرشک منافع

بادی زایل کند و مفرح قلب و مجفف رطوبات معده و هاضم طعام و کاسر الریاح

للرحم و یدر البول و یفتح [illegible] و مجفف رطوبات معده و هاضم طعام و کاسر الریاح

و یدر البول و الحیض محرک الباه [illegible] رطل با قوام کرده [illegible] بتدریج کوفته

بران بپاشند و از آتش فرود آورده بر سنگ ریخته [illegible] ها الحلویات ۴

باب الحادی عشر فی الحلویات المقویة المبهیة و الحبوبات المقویة و غیر المقویة الباب الاول حلوای

مرغ که مسمن و مقوی بدن است صفتش گوشت سینه خروس فربه را نرم بکوبند که مثل مرهم شود

و در میان آن بیضه شش توله و قند سفید شش توله و عسل سفید مصفی طبخ نمایند

و روغن گاو اضافه کرده باشند و نیم پخته ریزند که لخته و [illegible] شود و در آخر مغز بادام

[illegible] نرم کوفته و در آن افکنند و مشک ۶ [illegible] و گلاب خوشبو گردانند و [illegible] کوفته

میل نمایند منقول از بیاض حکیم اسمعیل گیلانی ها حلوای گندر مقوی با [illegible] حکیم [illegible]

گندر پاک کرده ریزه ریزه کرده دو رطل در سه رطل شیر گاو بخیسانند تا شیر جذب شود

پس روغن گاو نیم رطل بریان کنند تا سرخ گردد نیم رطل قند و یک رطل [illegible] باید

بقوام آورده در حل نمایند و بچوب بیزند و در هم زنند پس [illegible]

و سفید [illegible] ورق [illegible] مصری چهار درم [illegible] یکدرم [illegible] نیم درم

وا صل

درخل موده ممزوج سازند و گلاب قسم اعلا و در آخر بقدر حاجت اضافه کرده از دیگدان

فرود آرند سر بسته در اوقیه کی و در بنام بحسب مزاج حلوای جزر له منافع کثیره

فی الباه یوخذ الجزر و یحک سوطا بره با السکین حتی ینظف و یرمی ما فی لطه کالعظم

بالمصفاة و یوخذ منه اربعه ارطال و یطبخ بالماء حتی یتهرا فیصفی بالمصفاة و یدخل فیه وزن

رطلین من العسل الیمانی الجید الصافی او من القند الابیض الطبرزد و یطبخ حتی یثخن یلقی علیه

منه لب من الجوز بوا و الزنجبیل و المصطکی و الدار فلفل و القرنفل و لسان العصافیر

و الزعفران و السنبل و الخولنجان و البهمن الاحمر من کل ثلثه دراهم و الشقاقل المصری

خمسه دراهم یدق و ینخل و یخلط و ینزل من النار فاذا برد یستعمل و قدر ما یستعمل منه اربعه

یغلب مثاقیل ینفع لمن تغلب علیه مزاج البلغمی پس معمول حلویان تمام حلوای الجزر قوت

جماع و منی بیفزاید و بدن را فربه کند گزر رسیده یکمن بپزند و در هاون چوبی نرم کنند

بعد مغز پسته مغز بادام مغز گردگان مغز نارجیل مغز فندق مغز پنبه دانه مغز حب القلقل

کنجد مقشر تخم خشخاش سفید هر یک [illegible] زنجبیل کبابه فلفل دارچینی تخم

جوز بوا بسباسه زرنباد ملک هر یک سه درم همه را نرم کوفته با یکمن عسل و یکمن قند و در قوام

بهی ۱۷ عدد

بروغن گاو و مثقال عدد و زرده تخم مرغ با نان تنک بلام بپزند نامند عالجه شود و اگر خواهند بهتر

ریزه کنند مختار اند و بادین آی سبیل المسیح علوی خان گوید قند ... سیسنبر ...

بجوشانید تا خوب حل شود و بیرون آرند. بروغن گاو بریان نمایند بقدر حاجت قند

داخل نموده بقوام آرند و تقلب صندل بمقید برنگ ... تفاوت عوض گیر بسته عدد

اجزای را کوفته بیخته با قدری مشک و گلاب اضافه کنند که در تقویت باه از اسرار

مکنونه است بالا علوی گوید بتألیف حکیم ارزانی که در تقویت باه و تولید منی و تسمین

بدن عدیل ندارد و جهت درد کمر و ضعف گرده و مثانه مجرب است موافق طبعی مزا

جلفته زردک سرخ رنگ ... از پوست و استخوان پاک کرده بکفگیر ... و تمام از خو

و ... خشک کرده در شیر گاو ... پاره پزند تا بسیج و ... شود ... آورده ...

چونه کرده مرهم ساخته ... کامل بریان ... لبدن ... تا بروز

با قدری روغن گاو بریان نمایند و قند سفید ... و عسل خالص ... در آب

کرده و صاف نموده بران ... ریزند تا بقوام آید پس زردک ... قوی

ساخته چند جوش داده فرود آرند و زرده تخم مرغ جوشیده ... عدد ...

وجمله را یکجا امتزاج دهند بعد ازان مغز بادام مقشر مغز پسته مقشر مغز جوز مغز نارجیل مغز فندق

مغز چلغوزه از هر یک ده درم خصیة الثعلب کشمش خرما خشک مربا دارچینی زنجبیل

خولنجان از هر یک سه درم زعفران مشک از هر یک یکدرم باریک ساخته بیامیزند

بن زاباد بن فارسی است **حلوای چغندر زردک پاک کرده** از پوست و رستجوان

نیم سیر ها در شیر گاو بموازن خوب بجوشانند و از دیگ وان فرو آورده

در بیت مالیده صاف نمایند و نیم سیر بنده باروغن گاو بریان کنند پس کشمش و

مغز نارجیل مغز بادام مقشر و خرمای فربه از هر کدام پاو سیر سه مثقال دارچینی از هر یک

توله دار فلفل یکتوله زنجبیل سوده دو توله گلاب نیم سیر تعبب مصری چهار توله

وران اضافه کرده قند سفید صرور ریخته بپزند و بر هم بهم زنند تا شیر بحب مزاج بقدر

نافع باشد از ظهر کتاب سید ابو الحسن نوشته شد **حلوای کند من المعسول** حل گرد

از شسته نیمی در آب ریخته در هاون چوبی نرم بکوبید و تو پسته مغز بادام مغز گردگان

مغز نارجیل مغز فندق مغز پنبه دانه مغز حب القلقل کنجد مقشر تخم خشخاش سفید مغز حب الخضرا

از هر یک یک استار کبابه چینی دارچینی زنجبیل دار فلفل خصیة الثعلب جوزبوا بسباسه از هر یک استار

از هر یک ده درم مجموعه را نرم کوفته بیخته با هفت من شهد خالص و هفت من قند و یک چهار یک روغن گاو

و پنجاه عدد زرده های تخم مرغ سفید با آتش نرم طبخ نمایند تا آنکه مدعا پخته شود موافق برای

بخورد ط حلوای زردک مقوی و منشط صفت زردک پاک ساخته و دهن یک دو [illegible]

نرم شده برآورده با قند مرغوب سازند پس بادام چهار توله کشمش هشت توله چلغوزه

چهار توله جوز هندی یک توله کوفته داخل کرده اند و روغن زرد بقدر کفایت و نان

نمک کوفته بیخته در حبه باید ارند و در [illegible] [illegible] الکر [illegible] به [illegible] مجموعه [illegible] حلوا

زردک گزر تراشیده از استخوان پاک کرده [illegible] طل در آب فاتر سوده

داخل ساخته بار بپزند تا [illegible] نمایند آنگاه جوز توله و [illegible] [illegible] لسان العصافیر

زعفران بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک پنج ماشه شقاقل مصری [illegible] کوفته بیخته خلط

کرده از آتش فرود آورده خورش یک توله ط حلوای زردک زردک پاک

کرده دو سیر شیر گاو و چهار سیر آب شکر چهار سیر چندان بپزند که جدا شود و روغن

گاو و مویز اضافه نموده بار بر آتش دهند تا برشته شود بعد از آن شیره نبات داخل

نموده از کفگیر حرکت دهند که مثل حلوا شود و از آتش فرود آورده مغز بادام

مقشر

نفشه ۴ توله مویز بسته ۴ توله مغز تخم کدو ۳ توله مغز تخم شهدانه ۳ توله
بهمن سرخ ۱ توله خارخسک ۲ توله مغز نارجیل ۴ توله لسان العصافیر ۱ توله شقاقل مصری ۱ توله
خصیة الثعلب ۲ توله صندل سفید سوده ۱ توله مغز فندق مغز الکلک ولایتی ۱ توله دار فل
فل ماشه دارچینی شش ماشه جوزبوا ۴ ماشه مشک ۲ ماشه گلاب ۴ توله زعفران
سوده ۴ ماشه داخل کرده بر هم زده بکار برند فی الحبوب حب نافع جهة
دق متصل که بهندی دوارک گویند من مجربات و مجربات حکیم جعفر اکبرآبادی صفته
سبزی کرلیا گته دار فل فاقله کبار عود غرقی بادیان هم ناب سفید هم کوفته
بیخته با حب ها برابر گنار جنگلی بندند یکی از آن صبح و یکی شام بخورند بطعام
حب شکر مجرب حکیم و ... رفع سیلان مذی و ودی و هو من المعمولات
الاستاد الوالد سلمه عاقرقرحا جوزبوا بسباسه دارچینی مومغه اسپند تخم مصری
شباه انیسون ابزار مساوی الوزن گرفته کوفته بیخته با شهد مصفی حب
بندند و بوزن ۲ درم سه روز یک یک حب با شیر گاو بخورند روز چهارم
یکی صبح و یکی شام با شیر گاو بکار برند تا آنکه همه حبوب صرف شود

بهمن سفید
توله

حب [illegible] خون با سهال بواسیری از چیز انجارت صفته پنج کوهی خورد
وگل [illegible] برگ را در سایه خشک کنند و بلیله زرکی و بار کنند از هر یک
وزن برابر کوفته بیخته با سکه کاو سرشته بوزن نخود باشد حب سازند
یک بار صبح و یک بار شام بخورند حب بواسیر که با خون باشد بلیله هندی بلیله آمله
هر یک بیجده درم بخسم کنند تا شسته کند [illegible] هر یک [illegible] درم و نیم مقل ازرق
ده درم ادویه را کوفته و مقل را [illegible] زده با آب ورق سرو و وزن کنند تا
ادویه را سرشته حبها سازند [illegible] درم با [illegible] که دران آهن تافته
باشند فرو [illegible] باشند حب بکهان بید و [illegible] انواع سوزاک و تیر وقت
بول را مفید است صفته فلفل و زرار الاحی سعد بلیله بلیله آمله هر یک بیجده درم
[illegible] سه درم کوفته بیخته با آب ثمره [illegible] با شیره برگ [illegible]
نخود حب ها سازند [illegible] یک درم هر روز بخورند بعد [illegible] روز تا بیشتر [illegible]
هم چو پرده عنکبوت بیرون آید ترک خوردن [illegible] که [illegible] ضرر است
حب [illegible] تاج بواسیر که با قبض طبیعت باشد صفته [illegible] بلیله و بلیله هر یک [illegible]

صندل سارزق چهار درم همکوب در آب کنند تا بخیساند و روز دیگر در هاون
بمالند تا موم شود پس او را به کوفته بدان سرشته و حبوب سازند مقدار
نخودی هر صبح در خلا نه عدد تا پانزده عدد فرو برند ملاحظه از مولدات
سودا نمایند حب قاطع سیلان خون صفصه قرع محرق بلیله سیاه آمله
بلیله هر کدام یکجز سد محرق کهربا هر یک نیم جز با آب سرشته حب سازند تا ط
شربت ۲ درم ها حب الکرابه برای دردها هر قسم که باشد نافع است صفحه
ببنیک ایک طوطیان سیند بلیله زرد کتیرا که هدن کات کوبیده برابر کونجه اجزا
را ساییده حبوب بندند هنگام ضرورت بروغن گاو حب حل نموده بر دانه
طلا کنند بکرم ابیرون شفا کرد انا جربه مرابه را کثیر اوجتیه ما فعاتا حلوای
نو چدہ
نخود مقوی و بیهی از موتعات علوی خان الشیرازی صفحه ارد نخود مسده کنند بروغن گاو بریان
کرده بار سفید ۱۰ توله برق گاوزبان حل کرده و داخل کرده بپزند تا حلوا شود
۱۲ شیرین
پس مغز بادام ۹ م مغز پسته ۹ م مغز نارجیل ۹ م مغز الچلگک ۹ م مغز چلغوزه ۹ م
مغز فندق ۹ م تخم خربزه السمنة ۹ م مغز حب الخضراء ۹ م داخل کرده به پزند با روغن

بس و بعد بهمان سفید بهمان سرخ شقاقل مصری خصیة الثعلب خولنجان از هر یک
سه ماشه کوفته بیخته ممزوج ساخته و در ظرف چینی بهمن دار ریخته ورقهای سفید
تنک هم وزن زعفران هم وزن عنبر اشهب هم وزن ساخته بران پاشیده
بطریق لوزها بریده هر صبح و شام یک یک لوز از آن تناول نمایند تا نفع یابد
حلوای بیضه مرغ ممسک و مهیج صلابت قضیب زرده بیضه مرغ در ظرف
... نمایند و پاره روغن گاو پاره قند یا شیر و نبات بریان نمایند و ادویه
ذیل کوفته بیخته در حل نمایند حلوا سازند و هر روز هفت درم تا شش ماه
نمایند که عضو تناسل را بسیار سخت گرداند ... دارچینی قرنفل زنجبیل
خولنجان مغز تخم کدو شیرین مغز تخم کرنجره کوکهه شیرین از هر یک ... درم مشغول
از بیاض حکیم اسمعیل گیلانی ... حلوای نارنج بهترین حلویات است مقوی ارواح و باه
محرورین ضعیف پوست نارنج خشک کرده را بعد از آنکه ... نوبت در آب تلخی
آن جدا شود در آب جوشانیده نرم بکوبند و عسل کف گرفته را با شکر
بقوام آورند و بقدر آب نارنج که او را ارش کنند اضافه نمایند و بعد از جذب

آن را

زنان نوشته بود داده بان مخلوط سازند تحفة المؤمنین ط حلوای تخم مرغ صفته

شیره قند سفید سیصد درم آرد کنند صد درم گلاب پنجاه درم روغن زرد

نیم صندل سفید نیم من صندل سفید نیم مشک دانگ زرده تخم مرغ ۳ عدد و

بیاض تخم مرغ آرد کنند با روغن گاو بریان نمایند و دیگ از آتش فرو گیرند تا خشک

شود پس بعد زرده ها در ظرف کنند و شیره و گلاب در آن ریزند و

دیگ را بر آتش نهند و در آتش آهسته کنند و کفچه بزنند تا روغن باز دهد یک صندل

صلابه کرده بریزند تا خوب پخته شود و از کفچه جدا گردد فرو گیرند از تخم تا داور و تخم

تا حلوای تخم مرغ که تقویت باه محرور مزاجان کند صفته زرده تخم مرغ پنجاه عدد و

شیر گاو رطل ترنجبین سه رطل بدستور حلوا سازند شربتی درم ۵ تا ط

حب مخرج علویخان حبه نسخه باده زهر مهره خطائی یک گل ارمنی سه حضض مکی سه

تخم کدو سه تخم خربوزه سه زرورند با نعنه سه ربع همه را سائیده حب حمصی

بکانسه از آن حب با عرق شاهتره دو فنجان بطفل بدهند و باقی آن حبوب

با عرق مذکور بمرضعه بدهند ط حب حابس خون بواسیر گلنار سه درم دم الاخوین

طباشیر دو درم تخم کدو نا دو درم کثیرا خشک درم اجزای را کوفته بیخته زرنب بشیرین

سرشته حب سازند و هر روز صبح خورده باشند ؛ سفوف حرب تحبیس خون

بواسیر مجرب رسیده جبر الا الله سوا اسپرشکر لعقید سود کوفته سفوف ساخته

یک درم بخته بوقت صبح همراه شیر بز یا گاو بخورند و یک درم بوقت شام نیز بخورند

سفوف حب نافع بید گشناه و سنگدانه مرغی هم تعلب هندی موتجن سرس لک سیاه هر یک

دو درم سیر بم ترکه درخت مشهور است در این ادویه اجزا بند و کهل کنند

تا غلیظ شود مقدار کنار صحرائی حب ها بندند و هر روز صبح تا یک هفته

یکان حب و نوبر بندد از مجربات است ؛ حب نافع برای حبس خون بواسیر

هلیله بلیله آمله اسپند کهربا صدف سوخته هر یک دو درم شب یمانی دو درم

ناگکراه سو درم مقل دو درم مقل را با آب گندنا حل کرده و دواها را کوفته بان

سرشته و صمغ صنوبر بندند بوزن حب بقدر نخود بندند وقت ضرورت

یکی از آن با شیره صمغ حل کرده صبحی بخورند و یک شام ؛ علاج ام الصبیان

از فلاحم اشجار صعتر فارسی چند چند سیر زیره سیاه ماور الورق کرمه نیکو بسحق

[illegible]

لرده

سحق کرده مقدار سه برابر آن در آب با شیر مرضعه بطفل بدهند و حب هکان شام

بدهند حب مجرب جهت وقتی که اکثر اطفال شیرخواره را بهم رسد هیچ دوا

دافع نبوده و بهتر از این دوا نمی‌شد معمول حکیم ارشد اصفهانی جو کهنه خام

سحق بلیغ نموده و آب آورک دو سیر شاهی قدری قدری بدهند تا آنکه باز علقه

آب مذکور جذب نشود بعد نصف وزن جو کهنه نبات نو رخته سحق نموده بدهند

و حب ها بقدر دانه نخود بسته نگاه دارند عند الحاجت با شیر مادر یا آب

خالص سائیده در حلق طفل بریزند مجرب المجرب است حب مجرب

سماق یک مثقال انار ترش یک مثقال پوست انار ولایتی نیم مثقال کوفته بیخته حبوب

بسته نگاه دارند شربت از ده حب تا بیست حب با زرده تخم مرغ نیمبند

حب دافع حرقت بول و سلس و قرحه و بوزن یکدام قاقلی حب سه بدهند

بر زور نکیب فرو برند مجرب است حب از مخترعات حکیم مومنای که برای

شاه عباس ساخته بود مسحن اعضا به مقدار ۶ حبات ۲ ۶ ۵ ۲ می‌آورد

تا الساعت اگر در دهان نگاه دارند خوشبو کنند و تا یکهفته دهن ۲ ۲ ۴ ۲ ۵

معمول

[illegible] درست ... [illegible]

بیمایند و بآب برات نشود مایه ستر اعرابی مشک مثقال عنبر اشهب ۲ مثقال

خطمی ابیض ۳ مثقال خولنجان ۲ مثقال کوفته بیخته ۲۱ سازند بقدر

مثقال هر حب یک شربت مثقال باشراب یا شیر تازه تخم اقوسیمن ط

حب ممسک اسباب اغنون فوس گنجشک باهم چهار ساعت سحق بلیغ نمایند

و جوز لوبه با کاواک کرده او تویه تخم خوفه دران پر کرده سوراخ آنرا آرد

گندم بند کرده چند گنجشک نر ذبح کرده در شکم هر گنجشک یک جوز ابدال حبه

افون ممکه بریسمان محکم کرده در چنبره ارد و بطریق که پای را در چنبره کرفته بریان

کرده می کنند بهمان نحو در چنبره بکربند پس یکنیم سیر شیر گاو و باو اثار تخم

و پنوره کرده دران جوش دهند و با یکست سازند و از ناکست روغن کشند

و در همین روغن گنجشکها بریان نمایند بعد ریسمان انها وا کرده همه گنجشک

را خوب بتکو نرم بکوبند و باقدری عسل حب بسته کنند بقدر نخود حب ها

بسته نگاه دارند اگر امساک بیشتر شود تریاکی کهنه بخورند منقول از بیاض

حکیم اسمعیل کیلانی ط و دیگر حب نگاه رتجمک مساوی الوزن کوفته حب سازند

بعد از الوزن ورومی نگاه دارند از مجربات ریاض شاه ممسک دیگر بگیرند
راوررنج گوش وارث بلسان صحرای بسحق شوده بر هر دو کف دست طلا نمایند
و بعد از آن چند گاه عمل نمایند و در میان آب و طعام نخورند تا صفاد بس تمام شود
خلاص شود و محبوب است هاشیه حب بلسان پایه زیاده کند و نعوظ عظیم آرد بگیرند
شکر و قضیب را محکم و سخت گردانند و نعوظ ساکن شود تا حب از دهن
بیرون نیارد و این را ملوکهای مصر نگه داشته اند و قصه این در ارشت بلاد
روم یک رالالی شیشه بر طولی تراج حاین بخشد صفت آن بگیرند بوست
بلاد رخته دور کرده پاک بشویند که اثر گرد و غبار در آن نماند و بقوام
خورد و مقدار یک اوقیه خورده یک ابدار ابد ور روغن عنک البطم بقدر آنکه دو ارا
بپوشاند در خل نمایند و بیست درم ثلاث و کز نیک سائیده بران اندازند
و باتش نرم بجوشانند که منعقد شود و بر لقمه دارد مقدار پنج درم سقمونیا
کوفته اضافه نمایند و بجنبانند تا آمیخته گردد و بشکل گرد و من بعد از آتش
فروگیرند و نگاه دارند و بوزن یک درم در ظرف آبگینه انداخته بگردانند تا حب شود

لُبان بالضم کُندر

انگاه در دهن گذارند تا لعاب آن محلول گردد و تا در دهن باشد انزال نشود

از بیاض میر ابوالحسن نوشته شد حب ممسک در دفع سرعت انزال مجرب حکیم

بقراط خان دارچینی ۲ م مشک ۲ م بزر البنج ۲ م افیون ۲ م زعفران

جدوار بنفسج ۳ م خطائی مجرب عنبر اشهب ۲ م گل سفید ۲ م تخم ماهی

ابو الحباب سفید ۲ م کوفته بیخته با لعاب بهدانه حبوب برابر نخود بسته

و بهنگام ضرورت از یک حب تا سه حب بقدر برداشت مزاج میل نمایند

غذا نان و کباب و [illegible] و نهاره در ایام [illegible] حب ممسک [illegible] که حکیم معتمد الملوک

برین حب اعتماد داشتند افیون کافور شکر [illegible] جدوار [illegible]

[illegible] سفید [illegible] زعفران چند [illegible] از هر یک [illegible] باشد [illegible]

که از اعضاء [illegible] کوبیده [illegible] همه را [illegible] کرده حب بقدر

[illegible] بسته نگاه دارند وقت حاجت یکان حب بخورند

که [illegible] حاصل باشد و هرگاه که خواهند انزال شود آب سرد [illegible] بنوشند

ممسک مجرب افیون ۳ م [illegible] ۳ م [illegible] ۳ م جدوار [illegible]

چوب بسته نگاه دارند خوراک یک نخود ۳ مُمسک مجرب بوسهای مشک عنبر ارسطید
زعفران عاقرقرحا بیربهونی افیون نخبه از هر یک بوزن یک حب یک از آن
با دو برابر حب بسته نگاه دارند ۵ ممسک مجرب تخم بر هندی را شلغم سه روز
در آب بخیسانند مقشر کرده در مشقال روغن گاو بریان کنند پس با همه مثقال قند سفید
چون بانند نخود هند بسته یکی را بخورند اگر دیر کشد اندک آب لیمو بخورد ازال
شود مجرب من خواص حکیم اسمعیل گیلانی ۶ حب مسهی و مقوی و ممسک ملکه و باه
از خواص مجربات حکیم علی گیلانی صفت افیون مصطکی دارچینی تخم مصری
جوز بوا قرنفل زعفران مغز بادام جبل بوست تخم مرغ از هر یک یک تول در هاون
چینی صلایه کرده خصوصا پوست تخم مرغ را پس بهم آمیخته سحق کنند و چون سحق
برابر نخود از آن حب تا پنج حب میتوان خورد اگر مایه بستر اعوادی قاول
بخورد اخل کنند بهتر خواهد بود مجرب حکیم محسن حکیم اسمعیل برده اطبا در این نسخه بار اسم
جدوار بهمن سرخ بهمن سفید اضافه نموده اند بسیار مناسب افتاد محمد
در امساک کچله را در زهره خرگوش دات بمر صحرایی سحق نموده بهر کودک طلا نماید ثلث

حب مقوی باه که نظیر ندارد منقول از طب هنای هندی سیماب را صاف کرده

کبریت را صاف کرده تا سه روز در کهل سایند بعد از آن ورق

عاقرقرحا زنجبیل کبر ابیض که کهنه باشد جوزبوا ملکه یکدام بار برگ آس نموده و

سبز کرده با هم آمیخته تازه و تخم مرغ سرشته حبوب بقدر کنار درست نموده

هر روز یک حب یکوقت یا دو روز وقت ضعف نصف بخورند در برگ تنبول

و همه را فرو برند از حموضات و اغذیه بادانگیز پرهیز ندارند قوت باه قوی

حب مجرد افزاید عنین مرد گردد [illegible] مجرد طلا کردن نخود قوی آرد کافور سیماکه برگ

ربع درم ورق طلا دارد فلفل گرد اعداد [illegible] کوفته بیخته با [illegible] سرشته حبوب بندند

و هنگام ضرورت با آب سایند بر عضو طلا نمایند و بعد از ربع بهره گهی عمل نمایند

و در میان آب و طعام نخورند تا ضماد شویند خلاص شوند تمام حب مسهل از ریاض

احمد خانی اکر ابارای پوست بیخ اوت کنار و زرجنی لوکر و تخم جهلی مسمبند سکه

تا ... گهاره موچرس بر یک بخورم کوفته بیخته بیشه گاو کهوه سوخته دو نیم انار بوره کوفته بیخته

حب بوزن یکدام بخته بندند ... جنگ شدن یکجا جوز زده باشند و از حموضات پرهیز نمایند

ل

حب بینی منقط مجرب از حکیم اکبر جان اعظم خان جندبیدستر یکدرم فرفیون ۱ درم میویزج ۱ درم
دارچینی یکدرم تند شراب هر انشا ۱۱ درم ادویه خشک کوفته در گِل با شراب بدسته بمالند
با شراب حب شود پس مقدار نخود حب بسته در سایه خشک نمایند و هنگام حاجت
بیماران سوای خفقه علاج کنند هرگاه نقوط تند شود باب گرم سینه مشغول شود حب
حب حابس نزله زعفران افیون کتیرا تخم کاهو صمغ عربی رب السوس بزرالبنج سفید اجزا
مساوی کوفته بیخته باب صمغ عربی حب سازند ~ حب دیگر برای نزله بیخ لفاح
بزرالبنج تخم کاهو صمغ عربی کتیرا افیون زعفران اجزا مساوی الوزن کوفته بیخته
باب حب برابر فلفل ساخته وقت خواب یا سه هر روز فرو برند ~ حب نزله از حکیم
ارشد دماوندی بیخ لفاح بزرالبنج سفید را بکنب در شیر گاو یا شیر خر خیسانیده
پس خشک نمایند و همه کوفته حبها سازند ~ حب جهت نزله و تنقیه دماغ و صداع
بلغمی و ریحی مجرب صبر یکتوله ترید یکتوله رب السوس یکتوله مصطگی شش ماشه
صبر را تا سه روز در عرق کاسنی و عرق بادیان و گلاب خیسانیده بعده ادویه
داخل کرده حب بسته بعد از غذا دو ساعت دو حب میل نمایند رفع فیض و امراض

مذکور میکنند مجربست از حکیم علی گیلانی حب جهت نزله اصل السوس بخته رب السوس دو مثقال

صمغ عربی سه مثقال ایرسا دو مثقال کثیرا دو مثقال ربّ لعاب یکمثقال تخم خشخاش یکمثقال

زعفران یکمثقال بهدانه یکمثقال شکر تیغال دو مثقال با آب کوکنار خمیر کرده بقدر

نصف نخود حب سازند طا غرغره نافع نزله افتیجی اکشان غنچه گلسرخ خشک

پوست خشخاش عنب الثعلب برگ مورد از هریک برابر با آب بخته شیر گرم غرغره نمایند

مجربست طا باب الحادی فی المجربات حب حجره ارمنی برای ازاله سودا و مالیخولیا

ولقوه فالج ولقوه بابه ولقوب جمیع اعضای رئیسه معتدل است حجر ارمنی

نیم دانگ سه ربع من تبریز شبانه روز در گلاب و عرق بادمشک و عرق گاوزبان

و عرق نیلوفر از هریک یکمن تبریز بخیسانند پس بجوشانند تا به نصف آید از آتش

فرود آورده ارمنی را مالند و بخشکانند دیگر چند قند سفید قوام نموده حجره سازند

طا حب مروارید مقوی اعضای رئیسه و مقوی باه از مجربات نواب علویخان شیرازی

مروارید ناسفته شش ماشه بگلاب صلایه کرده بهمین طریق بهمن سفید کشنیز گاوزبان

از هریک چهار درم ادویه را کوفته بیخته تا هزار مشک سفید قوام کرده حب بندند چون

عللطا

غلیظ شود ادویه باهم سرشته برهم زنند و بکار برند شربتی دو درم حب مروارید با لیقت

حکم ارشد امتحانها مروارید قسم اول سوده نشسته بزر هر یک طباشیر ابیض مگد شربانه

صندل سفید ورق نقره زر ریک کنفوله عرق بید مشک گلاب یا وسیر شربت سیب شیرین یا وسیر

مای سفید یا وسیر به دستور معمول لب سرشته حب مروارید که علیخان جهة جعفر علیخان وضع

نموده بودند مروارید ناسفته [illegible] سوخته حباریج [illegible] سوخته کدو [illegible] صندل ابیض

تخم خرفه مقشر [illegible] گل بنفشه [illegible] گاوزبان [illegible] طباشیر سفید [illegible] زعفران [illegible] مشک

علیحده بیخته [illegible] شربت انار شیرین ترش [illegible] قند سفید [illegible] گلاب [illegible] عرق بید مشک

[illegible] عرق بهار نارنج [illegible] اجر البر الوان آورده ادویه را با لب سرشته شربتی

ارد دو درم تا دو مثقال حب [illegible] حکم ارشد و بادوی جهة ابقاء امراض

سوداوی و تقویت اعضای رئیسه ابریشم خام [illegible] عود [illegible] صندل سفید [illegible]

بجاسه پوست بیرون اترج [illegible] مصطکی [illegible] قرنفل [illegible] دارچینی [illegible] ساذج هندی [illegible]

ادویه را در پارچه کتان کرده مع ابریشم بجوش گاوزبان و عرق بید مشک و گلاب شیرین

شربت انار شیرین آب به ترش آب [illegible] هریک [illegible] دو ورزده وام بجوشانند تا ثم وزن

آب برود و آب سیوا بماند من بعد با عسل سفید پاو و سیر نبات سفید یکم تا و قند سفید یکم تا در قوام

آورده بند و در آخر بقوام عنبر اشهب یک ماشه حل کرده بعد سرد شدن ورق طلا نیم توله ورق

نقره نیم محلول مروارید سوده یک توله یاقوت رمانی نیم کهربا شمعی نیم مرجان نیم ماشه

مشک خالص نیم ماشه داخل کرده بچوب بید برهم زنند و بردارند شربتی از سه ماشه

تا شش ماشه صفت معجون مروارید از تاجوره ست مروارید نیم توله [illegible] سنبل [illegible] توله [illegible]

خطائی نیم توله طباشیر نیم توله صندل سفید نیم توله ورق نقره یک توله عرق بید مشک

نیم آثار گلاب پاو آثار شربت سیب شیرین پاو آثار نبات سفید پاو آثار بدستور معمول

آرند تا صفت منقول از بیاض حکیم اسمعیل گیلانی صفت باب الدال دواء المحبوب قوت باه اما

مضرت [illegible] مجرورین [illegible] عدد [illegible] گرفته در هر [illegible] در هاون سنگ سیاه داخل کنند

از منقد کلاه خرما و سوراخ آنرا با دو گندم بند سازند و در دیگ سیر شیر گاو بآتش بجوشانند تا تمام

شیر جذب شود پس از آن برآورده نگاه دارند بعده خرما و کهری پیش از مجامعت بخورد بسیار

قوت و امساک بخشد دواء آتشخیز بدن را فربه کند و لون روی نیکو گرداند و در تقویت

باه مجرورین بی نظیر است بگیرند ترنجبین خراسانی پاک کرده از خس و خاشاک و تخم حلبه و شیر گاو

بابونه هرکدام که باشد تازه هر شبیه باشد یکرطل هر دو را مخلوط کرده بالا بندد و کف بنشانند تا غلیظ

شود و شربتی دو وارو قیه ایضا برای قوت باه مسبرودین اشتر بند مقدار یکنوعه یکرطل عسل سفید

درو بجوشان و قرنفل ارزنک ده درم در ان حل کرده بالا بندد پس کف بنشانند که بقوام عسل آید

زنجبیل دارچینی فلفل مصری ملکد یکدانگ کوفته بیخته در ان حل کرده از ان بمقدار طبع بخورند و زیاد و

کم تا ان ایضا دوای جهت قوت باه مغز چلغوزه مغز چهار مغز بادام مغز فستق خصیة الثعلب از یک

نیم پاو کوفته و بیخته در عسل سفید سوده و هر روز چندین زیت چهر صبح ناشتا بخورند تا چهار ده

روز نهایت مجرب است ایضا دوای قوت جماع ارد و منی و باه بیفزاید از مجربات

ماهی — طبیبان هند ملفنه ماهی کاسنی که از سمت پنجاب می آید بجویند و اصل تخ از هر یکم یک سیر نیم بجهانی

ماهی — شیر بز بار شیر گاو ده دو نیم آثار ماهی را کوفته و بیخته در شیر گاو بجوشانند تا غلیظ

شود پس و اصل و تخ سوده با شیر بیامیزند آنگاه شیر گاو و انبر حسبه بجوشانند.

تا غلیظ شود ما بعد آنچه حب بقدر دو درم تا سه درم بخورد حسن جیر انجارب است

ترکیب قوه باه از مجربات ثعلب مصری مصطگی انزروت کوفته برابر دارچینی هر یک یکدانگ

سپیده گندم یکدام در روغن گاو و هشت درم بریان نموده هر ده بوری لسته نگاه دارد هر روز

بکوبی پاره زده تخم ترنج یکعدد ممزوج کرده باشند تا کاه و غبار [illegible] سیوم بخورند [illegible]

معجون قلیل پیکری دو ثانک سپاری [illegible] بلوری یکثانک گل [illegible] و درباب ثانک پوست

درخت کنار صحرائی یکثانک هر چهار دو به جدا جدا حک نموده سائیده کوفته و بیخته وزن

برابر کرده قندی باران شاخه [illegible] بهی باب با شراب بشوید اگر زیاده کفاید ارند [illegible]

نیکو کرده [illegible] معجون مطیب عود البسیم [illegible] و قرنفل درامک و قلب [illegible] بعمل صحیح

معجون [illegible] شراب قابض و قوی [illegible] بحیث [illegible] البکارة عفص [illegible] جزان فقاح [illegible] واحد

تجعل [illegible] خرقه کتان مبلول بشراب قابض [illegible] المدخر [illegible] حمول بائین [illegible]

کل [illegible] ملک [illegible] درم کوفته بیخته در پارچه [illegible] ببندد [illegible] طلا [illegible]

بار [illegible] کاو باریک سایند و سه روز متواتر در فرج طلا کنند مجموع [illegible] حمول [illegible]

بارک [illegible] خشک کرده بکوبند و [illegible] نموده ساعتی در اندام مخصوص زن که رطوبت

از اندام و ارحام [illegible] سایل باشد بدارند و گرد دیگر طلا کنند از [illegible] لسیند [illegible]

دوای [illegible] جوزی ده درم گل [illegible] ده درم [illegible] ده درم همه را کوفته باریک کنند

و در پارچه خشن بسته در عضو مخصوص بردارد [illegible] مطلوب شوند

[illegible]

الصا

ایضا مازو ناسفته نیم بیان سعد کوفی قفاح زوخیر برگ سوسن اجزا را برابر سحق کرده به بینی بر آرد

ص دیگر مجرب کاهیک رزد و کلیچ برنج بلور آب بریست بیخ مغیلان در رادن حرب بکوبند و کاهل

را با ریگ سایند و در آب نوبت بیخ مغیلان بخیسانند چنانکه خشک شود بعد از آن ادویه مذکور

با آب بیخ سایند سرمه سا نموده نگاه دارند اگر یک دو ماشه مشک خالص داخل کنند بدل آب

ع هنگام حاجت بکار برند از بیاض مومن خان دوای بضیق مفاص نموده زعفران مشک

عنبر ملکی ماشه صلایه نموده در آب حریره دارچینی پارچه اندوخته حرشاییدن بوخذ حب العود

جزء بلس والسعد والقرنفل و قشور الصنوبر المدقوق اربعة اوزان شب یمانی سعد جزو بطبیخ شراب

ویستعمل ریاض عالمگیری دواء بیوند شب یمانی خوبی منقی بیخ جرز ملغف ابیض جزو

ما زرفاریح و یعجن بدهن الورد حتی یصیر قوامه مثل العسل و یحک قبل وقت الجماع بآلة

عالمگیری مضیق مطیب مجرب سعد عود مرتعش قفاح زنجبیل مازو کلیچ پوست انار

الادمی نوشک ملکه بگذاره کوبیده بیخته در دوا ما شیرازی جلب نمایند پارچه را در سایه

خشک کنند مکرر تر کرده خشک سازند که تمام آب در پارچه جذب شود پس قدری ازین پارچه

استعمال نمایند دارو معتبر مازو مائیس خرد کرده و نیم سوخته بریان ادویه را

بکوری بارزده نخس ربع بکعدد مخزوج کودن باشنیر کاو خرنات دوم بجوزرند

مصبق الاقبل پیکری دو تانب سپاری منه کوری بکیانک کل ... ورابک تانک پوست

... بوقن سابقن توکمه وبخه ورن

... بشو هذا کربا وه تکاهدار بنوراخ

... الفل ورامک وتلبک ... بعمل ...

[illegible]

ایضا مارو یافته شب تمامی سعد کوفی قفاح زوخر برگ سوسن اجزاء را برابر سحق کرده به پنبه برد آرد

نسخهٔ مجرب کاپهلک رزو و کلمیخ ربح بلور آب بریست پیخ مغیلان در هاون خوب بکوبند و کاچل

را باریک سایند و در آب نوبت پیخ مغیلان بخیسانند چنانکه خشک شود بعد ان ادویه مذکور

ناب یکی سایند سرمه سا نموده نگاه دارند اگر یک دو باشه مشک خالص داخل کنند بدل آ

هنگام حاجت بکار برند از بیاض مومن خان دوای مضیق معاف نموده زعفران مشک

عنبر ملکه ملایش صلایه نموده در آب جوبه دو ... پارچه اندوخته چرسامته یوخذ من العود

والسعد والقرنفل و قشور الصنوبر المدقوق اربعة اجزاء ...

ویستعمل بیاض عالمگیری دوا زنیو خند شب تمامی خرو مبیض ...

عاقرقرحا ربع و یعجن بماء الورد حتی یصیر قوامه مثل ا...

عالمگیری مضیق مطیب مجرب سعد عود قرنفل عقا...

والدچینی فوفل ملکه بکفوله کوجم مرتجم در دوا ... بار چینی

خاک کنند و ثمکر تر کرده خشک سازند که تمام آب ...

استعمال نمایند هاها دارو ... مارو مائیس حرزد که ...

و در راه جرحش بسته در عضو مخصوص برد ارد و بعود اسـ کند ... مطلوب شوند

ایضا مارو مالفته شب سمالی سعد کوفی قفاح زوخر برگ سوسن ابزار را برابر سحق کرده به پنبه بربرد آزود

مجرب کاهک رزد و کلسنج برنج بلور آب بربیت بیخ مغیلان در هاون خوب بکوبند و کاهل

را با رنگ سائیده در آب بیخ مغیلان بخیسانند حنای خشک کنو و بعد ادویه مذکور

باب بکی سائیده سرمه سا نموده نگاهدارند اگر یک دو باشه مشک خالص داخل کنند بدل آن

هنگام حاجت بکار برند از بیاض مومن خان دوای مضیق مفاصل نموده زعفران مشک

عنبر ملکه ما باشه صلایه نموده در آب حریه ده که پارچه انداخته جوشانیده بر خیزد من العود

والسعد والقرنفل و قشور الصنوبر المدقوق اربعه اواق

ویستعمل ریاض عالمکیری دوا ریو خند شب یمانی خود بنفشه

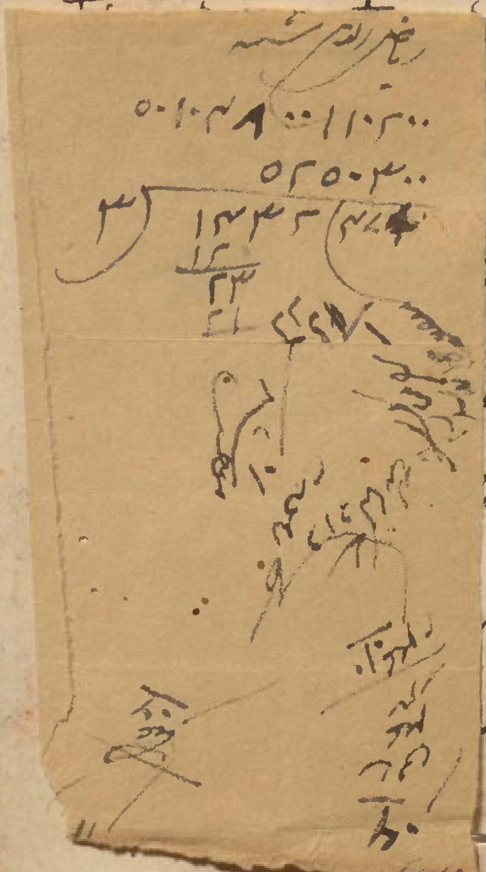
عاقرقرحا و یلحن بدهن الورد حتی یصیر قوامه مثل ال

عالمکیری مضیق مطیب مجرب سعد عود زنقف قفاح

الدو نوع ملکه بکوبند کوهم مرنجه در دوا باز شیر ...

خشک کنند مکرر تر کرده خشک سازند که تمام آب در

استعمال نمایند ... دارو ... مارو مائش ... دحرد ...



را با زیبک موزون برابر سائیده در پارچه سفید پیچیده بوزن یک ماشه حب بندند و در

ورق طلا نمایند دافع رطوبت رحم برگ مورد ده توله صندل سفید ده توله اظفار الطیب

سه ماشه گلنار فارسی یک توله عود هندی ده ماشه عود صلیب ده ماشه عصاره لحیة التیس یک توله

اقاقیا نه ماشه سرخس ماشی چهار ماشه کوفته روغن گل سرخ یک توله سفیدی تخم مرغ عدد با آب برگ مورد

سرشته بر کمر مالیدن مجرب است تمام علویخان مرحوم مضیق مجرب پوست درخت مولسری پوست درخت

انار پوست درخت بکاین مساوی کوفته بیخته در پارچه بسته زن بردارد تمام دوای سیلان

رطوبت فاسده از رحم کبابه پخته یک عدد ریزه کرده با شیره آمله تازه و شهد و شکر آمیخته

طلوع ناشتا نموده بخورد تمام اگر آمله تازه نباشد با جوشانده آمله خشک بعمل آرند از خیر

اینجا ربع تمام تمام تمام الاشربه شراب الورد المکرر من صناعة جالینوس است

برای ماجن صقیله که آن مرضی بود و رکبدار از اقسام خلفه وان شراب دو قسم است

قابض و مسهل و آنرا اسمی کرده بقراطی نسخه الشافیه و آنرا شیخ ترجمه کرده بدانکه شراب

ورد شرابیست چند نافع از برای اختناقات و حکه و جرب سوداوی و سده های ضعیف

کرده و آنرا در موسم زمستان استعمال باید کرد اصلا اختلاط آن در ... نسخه وار انطاکی

بکوبند گلسرخ همه نرم الا قماع یک رطل از وی بعضی بجوشانند او را در ده رطل آب تا آنکه ربع آب برود و بمالند
و صاف نمایند و پس دیگر یک رطل گلسرخ در آن آب داخل کنند و بجوشانند تا ربع آب
برود پس بمالند و صاف نمایند و بپالایند و همچنین مکرر عمل نمایند تا چهار مرتبه تا آنکه از ده رطل
آب دو و نیم رطل آب بماند پس بپالایند و بوزن آب شکر داخل کرده بجوشانند و کف او را
بگیرند و بقوام آرند این شربت ورد مسهل است و در شراب ورد قابض بمرتبه گلسرخ را
در آب بجوشانند و تا قید بقوام آرند و اگر خواهند و خورسته باشند که اسهال مفرط باشد زیاده
کنند مرات و تکرار گلسرخ را از چهار مرتبه یعنی تا پنج مرتبه و تا شش مرتبه الا آنکه شیخ منع کرده است
از طبخ و تجاوز آن از پنج مرتبه و بعضی متاخرین چنین گفته اند که اگر خورسته باشد که قوی تر گردد
تا هفت بار گلسرخ را در آن مکرر کنند و یکی قایلین این قول صاحب اختیارات است
پس واقف و آگاه گفته که شیخ الرئیس مصلحی بعطش این شربت کرده و در آنچه اصلاح به
بعطش آن میکند تخم کاهو و طباشیر و زرشون و نعت از هر یک یکدرم و در یک
رطل از شراب مذکور ادویه را مخلوط در خرقه بسته در شراب مذکور را انداز و بجوشانند
و دایم بمالند تا قوت ادویه در شراب آید و کیسه را از ادویه خالی کرده پس کیسه را دور کنند

دیگر شراب ورد و دیگر در نسخه سید مظفر الدین شفائی و گفته که این شراب مسهل صفرا است

و تهیج اوکیه را نافع است اخلاط ان یکمد گلسرخ منزوع الاقماع بسیار من و در پنج من آب

بجوشانند تا نصف رسد بپالایند و دیگر گلسرخ منزوع الاقماع ورزدی دو و در گروه بهم من

گرفته دران مطبوخ سابق مصفی داخل کرده باز بجوشانند و دیگر باره بپالایند و همین عمل به پنج

نوبت چنین کنند تا آب یکمن باقی ماند پس بپالایند و یکمن قند سفید بقوام آرند شربتی

سی درم یا چهل درم با ده درم سکنجبین بیاده و اب یخ و اب برف و اگر آب یخ میسر نگردد

از شوره سرد کنند اول است تا دیگر شراب ورد از تالیف حکیم سید عبد الهادی

والدهر گوار نوشت سلطان سید علوی خان که بگیرند ده استار ورق گلسرخ منقی از اقماع

ورزدی که ازان ترورد گویند آن را در جوش باده من گلاب بجوشانند

در آفتاب گذارند پس ورد ملک کرده بجوشانند تا ربع آن برود یعنی هفت و نیم من گلاب

باقی ماند پس گلسرخ را نیکو بمالند و صاف کنند و بعد شکر بپالایند و به شکر ده استار

دیگر گلسرخ منقی دران داخل کرده بجوشانند تا سه من و نیم گلاب باقی بماند پس باز بمالند

و صاف کنند و بپالایند و مرتبه چهارم ده استار دیگر گلسرخ منزوع الاقماع از زر الو گرفته

داخل نمایند و بجوشانند تا حدی که گلاب باقی ماند پس آنرا بپالایند و بمالند و مرتبه پنجم ده استار

دیگر از گلسرخ منقی از اقماع در دیگی داخل نموده بجوشانند تا یکمن گلاب باقی بماند پس آنرا

بمالند و بفشارند و بعد از آن قوی که مطلق رطوبت در ثقل باقی نماند پس بپالایند و در آن

یکمن شکر سفید داخل نموده بجوشانند تا کف بر سر آرد پس قدری سفیدی بیضه تخم مرغ

اندازند تا کف آن جمع شود پس تمام کف آنرا بگیرند و مرتبه دیگر آنرا صافی کرده بجوشانند

تا به قوام جلاب آید فرود آورده سرد کرده در ظرف چینی یا زجاجی نگاه دارند و در وقت

حاجت از یک اوقیه تا سه اوقیه آنرا با گلاب که از برف سرد کرده باشند بیاشامند

شراب الورد دیگر از تالیف یوحنا ابن ماسویه که این شراب سرد و خشک است تبهای گرم را

سود دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوی کند و شکم را نرم گرداند صفت بگیرند گلسرخ

که از اقماع و تخم پاک کرده باشند چهار من در بیست من گلاب یک شبانه روز بخیسانند آنگه بآتش

ملایم بجوشانند تا به نصف رسد پس بپالایند پس در هر رطلی از وی یکمن شکر طبرزد داخل نموده

دیگر باره با آتش ملایم ببرند و کف آنرا گرفته بقوام جلاب آورند بعد از آن چند روزی در

آفتاب گذارند تا نیکو گردد و عند الضرورة چهار اوقیه از وی با دو اوقیه سکنجبین ساده منجیه

و ارنج سرو کرده نسخه گاه بنوشند طـ شراب انوره حکیم شاید منقول از ذخیره اسمعیل که در

القبالوس ذکر کرده و حکیم شاید گفته که این گلاب مسهل نافع و صفراست اخلاط این بگیرند — در این شراب

برگ گل سرخ تازه پاک کرده از اقماع و برو بر ده من و انرا در ده من آب بجوشانند تا آنکه

طعم و رنگ گل بازدهد از آن بیفشارند و انرا پاک کرده ده من و بگیر برگ گل سرخ تازه

منقی در آن کنند و بدستور باز بجوشانند پس بپالایند و قدر ده من عسل مصفی در آن کنند

و بقوام آرند پس حکیم شاید گفته که اگر گل بار چند مرتبه در آن کرده بجوشانند اقوی گردد و اگر بدل

عسل شکر سفید کنند بهتر میباشد در اوجه تازه دیگر شراب ورد که حکیم شاید نقل کرده بگیرند برگ

گل سرخ خشک کرده یک رطل و در چهار رطل آب بجوشانند تا به یک رطل آید بپالایند و یک رطل شکر سفید در آن

کرده بقوام آرند شربتی چهل درم تا شصت درم با آب سرد و اگر ممزوج کنند با آن مقدار ده درم

سکنجبین سکری می باشد اقوی و هر مرتبه که بعد از آشامیدن این شربت آب سرد بیاشامند

بکدفعت طبیعت اجابت کند ها ها دیگر شراب ورد ذکر نسخه محمود بن الیاس شیرازی

که در حاوی صغیر نقل کرده و گفته که این شراب مبرد و مجفف است و نافعست ابتدای

تب صفراوی و محرقه و مطبقه و مسکن عطش است و مقوی اعضاست اخلاط آن — مسکن

بگیرند گلسرخ که از ثقل ورزدی دور کرده باشند چهار رطل و در ظرف چینی کرده ده رطل آب جوشانیده

بر روی وی کرده و یک شبانه روز بخسانند پس بمالند و صاف نمایند قند سفید قوی که در ثقل آن زردی

نباشد پس بپالایند و در دیگ سنگی کرده بجوشانند تا به نصف رسد کف از ان بگیرند پس چهار رطل

شکر سفید داخل کرده بجوشانند و کف از ان بگیرند و صافی نموده باز در دیگ کنند و بجوشانند

تا بقوام آید نگاه دارند شربتی چهار درم سکنجبین و در او فیه با آب سرد یا آب برف ط

شراب ورد دیگر که مسهل سودا و صفرا است نافع است از برای امراض صلبیه که حادث

می شود مشارکت امراض سوداوی و صفراوی غلیظ باشد و شرکت بسل صداع و سبب صعوبه

الخ صفراویه با سوداویه باشد این نوع خلط در غلبه اخلاط ان بگیرند ورق گلسرخ تازه

یک رطل اگر گلسرخ تازه بهم نرسد گلسرخ خشک ممنوع الاقماع در شش من آب بجوشانند چون بنصف

آید بپالایند و همان مقدار گلسرخ تازه در ان داخل نمایند و بجوشانند چون یک رطل و نیم

آب بماند بپالایند و یک رطل قند سفید داخل کرده بقوام آرند شربتی از یک اوقیه تا دو اوقیه

با آب سرد بنوشند ط شراب ورد مسهل از اختراع علوی خان که بجهة او در ابتدای

سلطنت نواب بخت افروز بانو بیگم عفت پناه همشیره زاده محمد بیدار بخت بن محمد اعظم شاه تالیف

سودا

و ثفلات

کرده مولی الیهما را اگر احتیاج مسهل صفرا هم میشد و طبیعت آن سلطنت پناه عاشق لیمو دار گرفتن

مسهل و ملینات و در مزاج مبارک عمل نمیکرد و این شربت را تالیف کرده و این شربت عمل

سودا و صفرا هم در مزاج مقدسه الالقاب کرده نفع بخشید و بعد از آن هرگاه محتاج میشدند بمسهل

همین شربت را نوش می‌نمودند منتفع میشدند و تجربه کرده شده که این نسخه را در استخراج

کیلوس از برای تنقیه هر دو صفرا و هر دو سودا و بلغم مخلوط بصفرا و رقیق در جمیع مفید افتاد

و در سنای آن عامله وجوز یافت بگیرند سنای مکی بیست درم از او در یک رطل آب خالص بجوشانند

تا به ثلث رسد پالایند پس بگیرند یک رطل و نیم که از شراب قند و مکرر نسخه داود انطاکی

و یا به نسخه میر هادی مسهل برهنه والد بزرگوار نواب علیه عالیات و در نسخه هریکی را مختار است لیکن نسخه

میر عبدالهادی اقوی است و نسخه داود انطاکی اضعف است پس ضعیف پس اگر طبیعت

نحیف باشد اختیار کرده می‌شود نسخه داود انطاکی و اگر مجیب باشد اختیار باید کرد

نسخه میر عبدالهادی قدس سره هر کدام که باشد بگیرند از آن یک رطل و نیم و مطبوخ سنای مکی

را در او حل کرده بجوشانند تا بوزن یک رطل و نیم آیند پس از آتش برگرفته سرد کرده در شیشه نگاه دارند

تا در وقت حاجت نگاه دارند که او غیر یابی او و هم بعد از کلفت و بر درست مزاج ما بسرد

سوده باشند بیاشامند که در یک شربت اکسیر مجلس اجابت میکنند ط ۱۱ ۱۵

شربت درد کمر نافع از برای درد گرده و مثانه و رحم و جگر و ورم سپرز و تحلیل و عرق النسا و نفث الدم و زحیر و فواق و خفقان و قرحه امعا و تنها او این درد کمر و گرده

جانوران مفید اخلاط آن تربد سفید یکدرم الحجر زرد بادیان و رسوتجینی از هر یک یک مثقال

تربد را دو بهره را کوفته بگلاب جیب [?] یک شب بس بجوشانند. پالایند و بگلاب آب رفته دو ه

مکرر و در آن قند سفید داخل کرده بقوام آرند شربتی از دو مثقال تا پانزده مثقال

ملکه حاجی ط شربت درد کمر از هلیلجی از مجربات سید [?] حکیم الحکما طبیب حکیم مخصوص الملوک

علوی خان عمره [?] از برای حمیات صفراویه و دیگر امراض صفراوی بعد از العقاد و سبالوح [?] دار

بران اوجاع مفاصل حار مجرب و نیز [?] نافع صفه [?] بگیرند هلیله زرد و رسیده

بانزده [?] صبحی سنگ [?] زرد و بهر سنگ [?] ده در آب بخیسانند و بعد از آن در یک رطل گلاب مکرر

خوشبو در قدح چینی تر کرده نگاه دارند و سه روز در آفتاب بگذارند و سر آن را

بپارچه کرباس تنک بپوشانند که گرد و غبار آن و محفوظ باشد بعد بمالند و پالایند

و از بعد آن دیگر هلیله زرد بسبور [?] در آن گلاب بطبع بخیسانند تا بسه نوبت کرده بدرس بمالند

وبمالایند وهمچنین تا پنج و پیش ودر یک رطلی وربع رطلی شراب ورد دیگر مطابق نسخه
حکیم عبدالباری یا مطابق نسخه داود انطاکی هر کدام که باشند در آب بلیله مذکور داخل نمایند تا آن
ملایم بجوشانند تا به یک رطل رسد از آتش برگرفته وسرد کرده در شیشه یا ظرف چینی نگاه دارند
شربتی از وی مثقال تا پانزده مثقال از آن بگیرند و بشوره یا آب برف یا آب یخ بنوشند
و بمثل این شراب سهل کتاب المنقعه یافت نمی شود وهر کس که در توقف باشد بمنافع این شراب هر آینه
بوسیده دارد این شراب را از دنیا بلکه تعظیم و به خلف خود را و تاثیر این شراب مثل اکسیر
اعظم است نوع دیگر شراب ورد که نافعست از برای امراض ردیه اخلاط آن ورق گل سرخ تازه
یک من و در شش من آب بجوشانند چون نصف رسد بمالایند پس و یکمن ورق گل سرخ تازه نیز منزوع الاقماع
داخل نموده بار دیگر بجوشانند چون نیک [illegible] شکر سفید داخل کرده بقوام آرند و اگر بجای قند حمره [illegible]
یا ترنجبین هر کدام خواهند یک من و نیم [illegible] دو قلوس داده بمالند و صاف نموده بار دیگر
کرده بقوام آرند بهترین نوع دیگر شراب ورد الشعر نسخه سید موسی [illegible]
معده را قوت دهد ونافعست از برای امراض حار از اخلاط آن بگیرند گل سرخ منزوع الاقماع والبزر
چهار رطل و در ده رطل آب بجوشانند تا ربع آن بماند پس بمالند و صاف نمایند و بمالایند و با هم وزن

شکر سفید بقوام آرند و بوقت قوام آوردن مصطکی رومی و حب الآس صندل سفید دار و کبابه
و کبابه چینی و طباشیر سفید هر یک رطلی از شربت یکمثقال بکوبند و در کیسه کتانی کرده سر آنرا
بسته درون اندازند و کیسه را متصل می مالند و بجوشانند تا قوت او در شربت باز دهد
و غیر آن اگر از چیزی ارادت به خاصه حاره یا بارده علی رای الطبیب و اختلاط نمایند کی بیشتر
دارد چون بقوام آید و نبک را از وی دا آورده سرد کرده در ظرف چینی یا در جای چینی نگاه دارند
شربتی ده درم تا شربت لیمون تازه را زیاده کند بشاشه و گردد را پاک کند از خلط
غلیظ و ریگ و حصاة و حبس بول را نافع اخلاط آن تخم لیمون بیست مثقال در ده رطل آب
بجوشانند تا ثلث بماند پس بمالند و صاف نموده یک من قند سفید داخل نموده بقوام آرند و بعضی
یک من قند گفته اند شربتی از ده درم تا ده مثقال

شربت هندوانه

صفت آن بگیرند هندوانه بزرگ رسیده و قدری سر آنرا ببرند و اندک خالی کرده بیست مویز
کوفته با نبات سفید یا قند سفید در آن پر کرده سرش بجای خود بگذارند و سه روز در آفتاب
بگذارند که بجوشد آنگاه صاف کرده بنوشند و بعضی از مثقال نارنگ و تخم خیار بالنگ
داخل کنند و این شربت مسکن و سرد است تا شربتی که تسکین حرارت و عطش و التهاب.

دهد و خفقان حار را نافع است اخلاط آن آب انار ترش آب آلو بخارا آب آلو سیاه آب هندوانه

آب غوره آب اترج اجزا را مساوی قند سفید برابر همه آن داده به دستور قوام آورده نگاه دارند بالا بالا

شربتی که اهل هند اترپهل گویند و باعتقاد ایشان این شربت جمیع امراض مزمنه را زایل کند و از اسرار

حکمای هند است و آن را از نااهلان اخفا میکنند و جوگیان هند باین شربت مداومت میکنند و بمداوای

×و بلکه امراض مزمنه صعبه جمیع نمایند قند سیاه کهنه هلیله کابلی ده آثار پوست مغیلان که اهل هند

ببول گویند هیچ یک همه را درشت کرده بقدر نه من آب بر روی آن نموده بگذارند تا بجوش آید

و از جوش فرو نشیند پس بالا بند و باز درشت کرده بقدر بار سیاه که بر روی ولویت و از جاد

و بوره آزاد ور کرده در آن اندازند پس جوزبوا پنج سیر بلیله و شقاقل از هر یک ده آثار

شیطرج سیاه و پنج نمک از هر یک یک آثار کوفته و بیخته داخل نمایند و بعضی نانخواه و زرنبون

و شونیز و زیره سیاه و دارچینی از هر یک ده آثار داخل میکنند و بعضی از برای قوت باه گوشت

کبوتر و مرغ جوان که از پوست و از استخوان پاک کرده از هر یک بقدر ضرورت داخل کنند پس بر روی

آن موم گداخته بقدر انگشت ریخته سر خم را محکم نموده یک سال نگاه دارند بعد از یکسال استعمال

نمایند شربتی که رفع قبض نماید و صفرا براند و حرارت را ساکن گرداند اخلاط آن گل گاوزبان

نمایند

گل بنفشه شانزده از هر یک ده مثقال تمر هندی چهل مثقال زرشک منقی چهل مثقال

آلو بخارا آلو سیاه از هر یک یکصد عدد همه را در ده رطل آب یک شب بخیسانند صبح بجوشانند

تا به نصف آید بمالند بپالایند و شکر سفید یکصد مثقال ترنجبین و شکر سفید یکصد و پنجاه مثقال

در آن وصل کرده یک دو جوش دهند بار صاف نموده بجوشانند تا بقوام شربت

آید مجموع ده شربت هشت مثقال تا ده و در شدت از بخار سرایت از گلاب حل کرده بنوشند

شربت نعناع در تحریک اشتها بمرتبه مؤثر است که شرح آن نتوان کرد و تنقیه معده است

از اخلاط سوخته و رفع تعفن و قی را نیز برابر معجون با آنها بنوشند در شربت

ازالهٔ آن بعد از قی و در اختلاط آن آب نعناع افشرده بیست مثقال جدول [illegible]

[illegible] شیر یکصد مثقال سوده با بوره مثقال [illegible] هر روز [illegible] مثقال [illegible]

تا به قوام آید پس صاف نموده با شصت مثقال قند سفید بقوام آرند و نبات سازند و معجون

[illegible] استعمال نماید مجرب است […]

[illegible] اما بیدانه [illegible] رب سیب [illegible] عرق بادرنجبویه [illegible] عرق گاوزبان

[illegible] عرق [illegible] گلنار [illegible] الاخوین [illegible]

بارتنگ سوده شربت خشخاش ۲ توله شربت زرشک ۲ توله در حل نموده قرص کهربا

بعضی اضافه نموده می‌نوشند ؛ فایده گاهی نفث الدم به بارتنگ که ثقل عارض شود

و بستر از وجات عذر اسباب کبدی حادث میگردد اول فصد باسلیق نمایند

پس نبید اس بر کسب معمول بیمار آرند تقویة الکبد و اصلاح منفعت عرق بارنگ ۵ توله

عرق عنب الثعلب ۵ توله عرق کاسنی ۵ توله شربت الجبار ۲ توله شربت زرشک اگر ۱ توله

در حل نموده قرص ریوند سوده ۳ عدد اضافه نموده بنوشند ؛ صفت قرص

ریوند ریوند چینی ۲ مثقال لک مغسول مثقال تخم کرفس بیدانه صمغ عربی ۲ مثقال

گل ارمنی ۲ درم افسنتین ۴ درم رنگ سوده با آب بارتنگ با آب زرشک قرص بسازند

مقدار شربت دو وقت استعمال موقوف برای طبیب ؛ طلای کبد

صندل سفید ۱ توله زرشک ۱ دانه توله ازدحو ۲ توله گوجه و تخم بارتنگ کاسنی سائیده

بر کبد طلا نمایند ؛ فایده اگر از فصد باسلیق تخفیف کلی نشود فصد اکحل از دست

راست نمایند مجرب است ؛ دیگر از المعمول نخود نمک ملانه ۵ عدد بیر بادام ۱ دانه

دیگر ... بارتنگ ۱ توله عرق عنب الثعلب ۷ توله ... کرده ... صبح مالیده سود

کن

شیرین

سنگ زرشک ۱۰ توله شربت انار بخش ۱۰ توله انگاه سه ورده الکبد نخبار

سوم شیره برآورده قرص طباشیر سه کاه قرص کهربا سه سوده بالایش رنجبه نوشند

دیگر که شته بخود و مهات تشکا با جگا ... معرفانیه ادام نو کوکان شیر دوام

جز للوطرای وهر محتشب نیه سوخته و هر تعلک دررق توله پرم قیاب سوخته و کرده

وزن نخود بوم کافور سوم روغن گل هر دام بید سبز هاسم حب اسهال عابد

طباشیر ... صندل سفید توله تخم کاسنی توله عنب الثعلب و توله زرشک سلاله توله

ارده جو توله باریک کوفته زراب برگ کاسنی و گلاب تازه و اب برگ عنب الثعلب

سبوس نیم روغن گل و هر اضافه کرده بر کبد طلا کنند طلا ... من المحموم

زرشک مرابه و نیم سبزی یا دانه نار امرسیب و عرق بادرنگ ۲ توله عرق عنب الثعلب ۲ توله

ترکرده وارسند صبح ماسینا صاف نموده تا نیم الکبار سوم شیره برآورده شربت

حب الاس ۲ توله وادخل نموده کهربا شمعی هر کلنار هر گل مختوم هر سوده

قرص لعاب هر اضافه نموده بار یک نماشی با شیره بنوشند گاهی زب نسرین ۵ الر

اگر بعد شغو و گاهی سماق و هر شیره برآورده گاهی جرته مصر و هر شیره برآورده

گاهی قرص ... هر گلنار گاهی کندر و هر صمغ عربی هم گاهی حب الآس و هر شیره برآورده

دفعات نموده می نوشند گاهی گلنار سه هم فارسی شیره برآورده داخل نموده

می نوشند گاهی آب برگ خرفه انفاقه نموده می نوشند بدانکه المستعملات مطلب الاستسقای

مانع از اشیای حامضه و شور ملاحظه در حبوب است باید رسیدن جهت [illegible]

همه خورد بجوشد سفیدی [illegible] بوشود و صمغ باید مجرب است [illegible] نوشادر زیره

بنو کموهان شنده هم دام نوشادر گوسفند جوان هم دام و بای مرغ دو دام چوب موش جنگلی و هر

جاروار سوخته و چرم گرگ کوفته بیخته چرم کموش سوخته خشک کرده کوفته بیخته سرطان نهری سوخته

ته ماسه کل خشک کرده کوفته [illegible] عقرب سوخته سه هر فرطبس سوخته نیم هر چوب باد انجان

خوک جنگلی دو دام فلفل گرد و هر خون خوک جنگلی دو دام مقل ارزق توله

در آب گندنا حل کرده شرب هر از آب کیلانا سایش خفشخ توله

شش ماشه گاه در یا توله صابون ده توله جدا از آب گذرانیده شب سعد کاسنی

و هر استخوان آهو سوخته و هر استخوان شتر نیم سوخته استخوان گوهان شتر نیم سوخته

روغن بیضه مرغ دو دام روغن عقرب دو دام روغن کلک هم دام باید که اول

بکوبد و [illegible]

گندنا و ریوند روغن های سوخته دور کرده در آن چوبهای ریزه خرده گذارند معروف

صاف بوده بیدانجیر و همه های که قابل کوفتن است کوفته در خل نمایند و باقی

را بپزند در تنور معمول درست کرده بد تنور مرهم سازند مقداری از آن بر سر

مالان باشند در عرصه قلیلی از تخم باشند و صحت کلی حاصل شود مجرب است

باب الرابع فیه فصول الفصل الاول فی ما دخل اللحم المجربة فی [illegible] من المجربة الفصل الثانی

المتأخرین الفصل الثالث

فی المراهم المستعملة المجربة فی الطب الفصل الاول فی ماء اللحم ماء اللحم من تالیف

معتمد الملک علوی خان نسخه مقوی بدن و اعضای رئیسه و زایل [illegible] کوفته

[illegible] گوشت حلوان بز یک [illegible] گوشت را از چربی و استخوان پاک کرده در دیگ پاره

قلعی کرده [illegible] نیم ماو کشنیز [illegible] نیم ماو صندل [illegible] تولهٔ [illegible] و تولهٔ [illegible]

تولهٔ [illegible] تولهٔ سالان تولهٔ [illegible] تولهٔ [illegible] تولهٔ [illegible] گاوزبان

تولهٔ دارچینی کوفته تولهٔ بر گوشت باشند بریان نمایند تا حدی که آب پس دهند

و خشک شود بعد از آن در آب بخته در [illegible] نکشند و در وقت کشیدن

عنبر اشهب [illegible] خوراک بجز تولهٔ صبح و بجز تولهٔ شام [illegible]

صد

ماء اللحم دیگر من حکیم احمد اسکندرانی مقوی اعضاء رئیسه و محرک باه و منعظ و ازدیاد جماع
بلکه چنان سبیل نماید قوت نگاه دارد و سبیل جماع پدید آید خلاصه گوسفند فربه قطعه گوشت بلکه تخم
۴ قطعه کنجشک نر ۲ قطعه مرغ فربه ۲ قطعه دراج ۵ قطعه ایکهاب ۳ توله خصی الجاجل
۳ توله جدوار ۳ توله تقضیب کاوجوران ۲ توله تیز ابود توله بوزیدان توله ثقاقل توله
اسپند ۴ بهمن سفید ملعوث ۴ بهمن سرخ کلدنا ۱ توله نخود کابلی ۲ توله بغتلش مصری ۵ توله بهای بعید ثعلب
۴ توله بنهای سرخ ۴ توله دارچینی ۲ توله لسان العصفور توله قرنفل ۲ توله فوک و ماس
عنبر ریشه ورم گوشتها را کوفته و داد و همه را جوکوب سوده با گوشتها مرغ و ساخته
عنبر و نمک و پوستهای بقلاب کرم کرده کداخته در ظرف که عرق دران به بند میدارند
قدح سبز گلاب و جو شراب در حل گوشتها سوده عرق بکشند و یک مثقال معدار
جماع مینماید فقط ماء اللحم نسخه دیگر [illegible] گوشت حلوان بزنا مرغ مخسر بعمقس بلکه بوله
مصطکی و رتقال چند بدسفر زربناد مشک عنبر سپند بلکه بلکتوله او و همه بسیحوده زنا
با گوشت مرغ نیم و گوشت از جوی در لینه پاک ساخته ریزه کرده در دیک
مثلی سوده عرق بکشید خوراک بلکتوله که در ملک حدیث و قوت بسیار دارد ماء

۲۱۶۱

ماء اللحم دیگر بدستور عرق ومبهج باه صفته گوشت حلوان نر سه سیر گوشت مرغ

سه سیر بنجنگشت نیز قرنفل هیل بوا مصطکی یکد ۵ توله صندل سفید سه توله کشنیز خشک ۳ توله
[۱۰ عدد]

گاوزبان ۳ توله بادرنجبویه ۳ توله دارچینی ۴ توله مشک نیم توله عنبر اشهب ۱ ماشه

گلاب رالکاین آب سیب رطل بدستور عرق کشند خوراک بقدر برداشت

مزاج شارب تمام شد عرق ماء اللحم منقول از بیاض حکیم اسمعیل گیلانی صفته

مرغ پروار سه قطعه گوشت حلوان ۲ آثار گوشت بوده سه قطعه گوشت دراج ۲ قطعه

گلاب قسم اول ۵ آثار دارچینی سه دام عود هندی ۲ دام هیل بوا سه دام قرنفل سه دام مشک یک ماشه

عنبر اشهب ۱ ماشه صندل سفید سه ماشه بدستور معجون عرق کشند تمام شد نسخه ماء اللحم ۲

مرغ سه [illegible] قطعه حرمه دور کرده لوه [illegible] دراج ۲ عدد گوشت حلوان نر [illegible] سیر

مشک ۱ ماشه عود هندی [illegible] دام دارچینی [illegible] دام الایچی خورد [illegible] دام قرنفل [illegible] دام

صندل [illegible] دام صندل سفید [illegible] دام عنبر اشهب ۱ ماشه عرق یک [illegible] بدستور خوراک

موافق برداشت شارب من بیاض المجربات حکیم ارشد نقل کرده شد تمام شد

ماء اللحم نسخه دیگر صفته گاوزبان ۲ توله گل گاوزبان ۲ توله بادرنجبویه ۲ توله زرنباد ۲ توله

ازرب ۱۰ توله ساوج هندی ۱۰ توله صندل سفید سوده ۱۰ توله تباشیر سفید ۵ و هر یک ۵ ماشه

ابریشم مقرض ۲ توله مصطکی رومی توله پوست ترنج ۳ توله اشنه توله اسطوخودوس ۳ ماشه قرنفل ۱ ماشه

دارچینی ۱ ماشه ورق گلسرخ توله کشنیز خشک توله سنبل الطیب ۲ ماشه تخم کاسنی توله درونج عقربی ۳ ماشه

عنبر اشهب ۳ ماشه مشک ۳ ماشه گوشت حلوا از زنجبیل پاک کرده کلاب ۱۲ عرق بید مشک ۱۲

بستور عرق کشند این نسخه تنفس فتحات ها نسخه ماء اللحم منقول از دماغ میرزا محمد گویا مقوی دل است ضعیفه

ورق گلسرخ ۴ توله طباشیر سفید توله پوست ایله توله دارچینی توله قرنفل ۲ ماشه زعفران ۲ ماشه

بادرنجبویه ۶ ماشه اسطوخودوس ۶ ماشه مصطکی ۶ ماشه عود غرقی ۶ ماشه کشنیز خشک ۶ ماشه گاوزبان ۶ ماشه

گل گاوزبان ۶ ماشه عرق کاسنی سیر بسیار کلاب ... السار عنبر اشهب ۲ ماشه مشک ۲ ماشه گوشت بزغاله

گوشت مرغ فربه بسیار بدستور عرق کشند حرارت بعد بر دوشت نراج ها النیف الله

من باب ... فی المعاجین المجربه صفته هها مرخ ... موافق الدماغ منشط صفته ... و ...

بسباسه ۶ ماشه زعفران ۵ ماشه جوز الطیب ۲ ماشه نبات سفید ۲۰ مثقال نبات را در کلاب

بگدازند و ... مذکور کوفته بیخته بشیرینی شربت ... معجون مقوی ها ... طعام ... بده

... و مسمک قوی ... حکیم صفته ... مرغ ... دارچینی ... تابتم تخمه ... بتوله

(۱۷۱)

زعفران ۲ تولہ بسباسہ خولنجان حصۃ الثعلب شقاقل مصری بهمن سرخ بهمن سفید تخم گندنا

کوکنار و تخم ترب تخم شلغم کندر تخم پیاز یک یک تولہ دارچینی کبابہ چینی قرنفل پلپل دراز

فلفل گرد سیاه دانہ یک یک تولہ این همه ادویه بکوبند و در شش سیر عسل شاهی بجهانی

معجون سازند بقدر [illegible] و حب [illegible] و نگاه دارند صبح و شام یک تولہ بخورند

معجون مفرح و بکیفیت حکیم علی گیلانی صفت بنگ سبز که نه سیاه باشد و نه سرخ

پنج استار اول بنگ را در هفته بروغن بادام بخیسانند و سایند و سنبل و ساذج هندی

و زرنباد یک یک استار فلفل مصطکی زعفران یک یک استار قند سفید باریک بکوبند

[illegible] چندان که گرفته بسرشند معجون [illegible] قرابادین گیلانی [illegible]

داده بودم در روغن [illegible] استعمال [illegible] و [illegible] بی نظیر بخشید و [illegible] تمام آورد .

دیگر مجرب [illegible] حب السنبل [illegible] مثقال [illegible] مثقال

[illegible] خصیة الثعلب [illegible] مثقال جوزبوا [illegible] مثقال سنبل الطیب ۲ مثقال

لسان العصافیر ۳ مثقال فوفل [illegible] ۲ مثقال زعفران ۲ مثقال مصطکی ۲ مثقال

عاقرقرحا ۲ مثقال [illegible] سفید ۲ مثقال کبابه چینی ۲ مثقال [illegible] ۲ مثقال

عنبر اشهب مثقالی مشک سه دانگ جمله را ۰ اسقاط داروها را کوفته و بیخته با

چندان عسل کف گرفته معجون سازند و روغن بنفشه بادام و زعفران قدری در حل بماند

شربتی از یک مثقال تا دو مثقال غذا قلیه گوشت بره و بهار و کباب و زعفران

و زیره بخورند ۰ معجون جهت زیاد کردن منی و قوت باه و مجامعت و ضعف گرده و سرین

و پشت مجربست تعلیب مصری هذا المعجون من بیاض عضد الدوله امین الملک مرفوع الیه

شیرازی اگر باه شاه صفته سنبل الطیب قرنفل دارچینی قاقله کبار و صغار هر یک مثقال

راسن تخم گندنا از هر یک مثقال زیره کرمانی مدبر فلفل مصطکی نعناع عود قماری از هر یک

نیم مثقال فلفل دو مثقال عسل سه برابر ادویه شربتی مثل معجون سازند ۰ ۰

معجون مقوی ۰ که بخلاط منه من مولفات اقضل المعالجین من متاخرین علوی خان شیرازی صفته

مغز بادام مقشر شیرین [illegible] تولچه کرباشیه [illegible] بهمن سرخ بهمن سفید لذر هر یک شش ماشه مروارید ناسفته سوده

شش ماشه ابریشم مقرض [illegible] صندل سفید [illegible] تخم بالنگو [illegible] شقاقل مصری [illegible] بزرالبنج [illegible] صمغ در خرف دکاک

تولچه نبات سفید ۵ تولچه شربت شیرین ۷ تولچه بغرام اوگرده خوراکش نه ماشه با شیر گاو یا عرق [illegible]

موافق مزاج مذکور نوشته ۰ معجون مقوی باه مجربست من المجربات صفته مصطکی رومی ۵ درم

دارچینی

دارچینی ۵ درم جوز بویه ۵ درم بسباسه ۵ درم مغز نارجیل ۵ درم تخم کدو ۵ درم همه را کوفته بیخته

سه روز در شیر گاو بخسانند هر گاه شیر گاو خشک شود روز چهارم باشد چندان عسل

کف گرفته بقوام آرند شربتی ۲ مثقال [illegible] بالکبیر الدین که حکیم میرزا محمد جان

برای شاه نصیر و مارواء خطه فارس وضع کرده سلطان و دیگران نفعهای عظیم یافتند

در ارجه پیر و جوان منفعت بود در رفع امراض فی زمنه بظهور رسید صفت عود غرقی ۲ درم

جوز بویه ۳ درم بسباسه ۳ درم دارچینی ۴ درم مصطکی ۵ درم برگ گاوزبان ۷ درم [illegible] مفشه ۷ درم

علک ملیح ۱ درم درونج عقربی ۳ درم کبابه چینی ۲ درم سعد ۳ درم صمغ عربی ۳ درم [illegible] ۴ درم

افیون ۴ درم بالان ۴ درم بزر [illegible] ۲ درم اگر ملک باشند فاقله صغار ۴ درم فاقله کبار ۴ درم

قرنفل ۲ درم [illegible] ۲ درم ابریشم مقرض ۳ درم زعفران ۴ درم ثعلب مصری ۷ درم

زنجبیل بی ریشه ۳ درم نعناع خشک ۳ درم دار فلفل ۲ درم مشک ۲ درم عنبر اشهب ۲ درم مروارید کانی

ورق طلا ۲ عدد ورق نقره ۲ [illegible] مروارید بکماله [illegible] ۴ درم نوبت شربت خوراکه ۲ ۳ [illegible]

عطر گل گلاب روغن گاو [illegible] ۱ سیر عرق [illegible] سیر آب برگ تنبول

[illegible] همه را جدا جدا کوفته [illegible] یکی کرده تا آب برگ تنبول

ز رنیاد

۴۲

خمیر کنند و شربتها و نبات را با گلاب و عرقها بقوام آرند چون سرد شود یک بقوام آمده

تولیدی را در روغن گاو حل کرده و در حل نمایند و بعد از آن عنبر را با چیزی از سبزه الحل

کرده و داخل نمایند پس ورق طلا و نقره که حل کرده باشند و دواها زبر بداده برنه

علی قدر قوة الاکل بالغ معجون طلا من ما تیعفت حکیم الملک و ورق شاهی صنعته تخم خشخاش

تخم و تخمک [illegible] تخم بادیان کاو زبان خار کاسنی از هر یک یکتوله تخم کاهو [illegible] العصافیر

بهمن سفید تخم خیار از هر یک ... توله زعفران [illegible] صمغ عربی [illegible] تخم بالنگو توله

دارچینی توله مصطکی توله قرنفل توله کتیرا [illegible] پرسیاوشان [illegible] بوزیدان توله

اسارون [illegible] آب زرشک [illegible] آب سیب شیرین [illegible] آب ... زردک [illegible]

که [illegible] و بجوشانند تا ... شود توله عنبر اشهب توله ورق طلا توله ورق نقره توله عسل مصفی ۱۰ توله

قند سفید توله ادویه را کوفته در آب ... رنگ ... بجوشانند و صاف نمایند

و عسل و قند را در آب مذکور بقوام آورند و در طبق چینی بدارند و عنبر و مشک ممزوج نموده

ورق طلا و ورق نقره اندرخته ... نمایند تا خوب حل شود و در ظرف چینی نگاه دارند

شربتی از آن ... تا ... ماشه بالغ معجون طلا ... تیعفت حکیم مظفر ... الکریم

از بیاض میر معصوم صفحه ورق طلا و ماشه عنبر اشهب و ماشه مشک و ماشه نبات سفید ۲ دام عسل مصفی

این بستنی ... دام ورق طلا را در ظرف چینی یا کاشی با عسل کفک دست گرفته با سر

انگشت نمالند و خوب حل نمایند نبات سفید و عسل و اب سیب را با گلاب و بید مشک بقوام

ارند و عنبر که در ان طلا ریخته و حل شوده در سه جوش در ریخته ... فرود ارند عنبر اشهب

و مشک در حلب سازند و بر همه بزنند تا امتزاج گیرد خوراک دو ماشه تا سه ماشه ... معجون طلا نقل کرده

شده از حاشیه قانون که در اب حکیم رکنای مسیح ملا که مهموده و از خط او نوشته بود ... بیوم

ثلث ... بدارد صفحه طلاء محلول ۱ ماشه عنبر اشهب ۱ ماشه مشک یکماشه شربت فواکه

غایت کوالسیر گلاب ... زعفران بید مشک ... رمان ... سیره کرده ... بید مشک فواکه

... و به مطور ... ستور و در حل نموده بطریق معجون ... بخورند خوراک ماشه تا ... ماشه

مشک خالص

... معمول ... شربت شیرازی ... فواکه ... عسل مصفی ... و سیر

نبات سفید ... گلاب ... عرق بید مشک ... قوام ارند عنبر اشهب ۲ ماشه

زعفران ... باریک سوده ممزوج نماید ورق طلا ... ورق نقره محلول ۲ ماشه

نمایند ... یاقوت رمانی لعل بدخشی ... شمعی ... مروارید ... سفید

از گلاب صلایه بلیغ سوده اضافه نماید فقیر این معجون را مکرر از دست خود ساخته است

برای تقویه قلب و ازاله توحش بسیار مفید افتاد معجون طلا من تألیف والد

بزرگوار سید امام الدین خان حکیم سلمه الله تعالی ابن جناب سید غریب الله غفر الله تعالی و هو ینفع

للتوحش والخفقان السوداوی نفعاً بلیغاً صفته آب سیب نیم آثار آب انار شیرین نیم آثار

آب گاوزبان نیم آثار گلاب پاو سیر بیدمشک پاو سیر نبات مصری نیم آثار ورق نقره ده ماشه

ورق طلا توله عنبر اشهب و ماشه زعفران ده ماشه مروارید ناسفته و ماشه یاقوت

رمانی و ماشه لعل بدخشی و ماشه کهربا سه ماشه یشب سبز سه ماشه از گلاب سوده در حل

نماید طریق در حل نمودن طلا اینست که ورق طلا و ورق نقره را در چهار دام نوشادر سفید

زرشک انگشتان مالیده محلول نماید و دو سه جوش دهند من بعد عنبر را وقت فرود

آوردن بگدازند و زعفران را از گلاب محلول ساخته معجون سازند الشربة

منه نصف درهم الی درهم و مزاج هذا المعجون حار رطب فی الدرجة الثانیة

معجون الهی آنوش تألیف الاستاد الوالد ینفع من التوحش و ازاله ضعف

القلب نفعاً بلیغاً صفته شربت انار شیرین پاو سیر نبات مصری پاو سیر گلاب و بیدمشک

فوادرز

قوام آرند ورق طلا یکتم توله عنبر اشهب ۲ ماسه برده وراو در آب سیب ۶ توله حل نموده دوسه

جوش داده در خلف نماید و از چوب صندل در ظرف نقره حل نماید شربته دو ماشه

تا سه ماشه هاها نماید چه هر یکه از دو معجون جراهر کا بیماری می نمایند بهتر از چوب صندل باشد

والا از چوب بید مجنون سوای این هر دو چوب بهتر می باشد تا معجون المفتحه

من مولفات حکیم عضد الدوله ابن الملک بیر فتح الله شیرازی اکبر شاهی نافع للامزجه الحاره

والباردة ومزاجه معتدل مائلست الی الحرارة ینفع الوحش والاوق جلفته ورق نقره

یکتم توله و گرانکبین منیم اثار عسل صافی اماز سیاب شیرین هم اثار رب به مرواریدنا سفته

انوله صلایه کرده تکتوله آب به وشیرها در گلاب بقوام آورده و با ورق نقره

حل بیغ نموده تدستور ادویه در خلف نموده موافق معمول معجون سازند تا

معجون مفرح که اطبا متفق شده برای اورنگ شاه ترکیب داده بود بدار یکبار

خورد و نشن با جبذان صحبت نمود بار دیگر بخورد که ابن عباد حرف حروم میگردانند آنقدر نفع

دارد که عنین مرد کردد و در وشتی تجسم بیفزاید و طبع را سایلم نیکی بدارد جلفته چوب چینی

دا مثقال بوزیدن دا ۵ تو تخم جنارین ۱ اشقاقل تخم تخم و بره بوتخم کدو و صندل سفید و زنجبیل

ماهی سقنقور گاوزبان سورنجان بادرنجبویه اسطوخودوس ماهی روبیان بلاد انجبار

مغز بادام شیرین مغز فندق مغز چلغوزه مغز بن مغز پسته نرگس بنفشه تخم خشخاش

تخم جرجیر جبر سعد تخم معصفر تخم اوته مقشر تخم کرفس مصطکی شقاقل مقل

بوزیدان مصری کسنی قوی ریوند چینی لاجورد اسفند تخم تفاح سیب شامی تازه صحیت

انگزه ریوند بسباسه مغز بارچینی سوجیب الزلم بیرنبه دانه تخم بلبوان تخم خردل تخم

الجزره تخم گندنا تخم گزنیا تخم شلغم تخم اسپست تخم بتارتخم ترو تخم بابونه زیتون سیاه

دانه فرنجمشک گیاه حب قرقه خولنجان ونلک کبذر لسان العصافیر سنبل الطیب قافله فرنجمشک

صغار بهمنین تودری سعا سنحفیه الثلب خارخسک بروده زنجبیل حب الغار سنبل الفلفل

اسارون وج ساذج هندی سعد کوفی اشنه روغن عود عقرقرحا شیطرج هندی

زراوند گرد بلیله کابلی آمله اشترغاز زرنبا بوزیدان اترج جنطیانا قط شیرین

بودنه جنگلی عود خام حجر الکعبه ازلسم بقوص دار فلفل فلفل سفید حب بلسان

بیخ بابونه ززنب حلک مغلوق مایه شیر انجدانی مقشر کاو خشک مروارید ناسفته یاقوت

ملکه جد ... قشیر جمار ... ورق طلا ورق نقره مشک خالص عنبر اشهب

باید

هریک چهار مثقال عسل سه وزن ادویه بدستور معمول معجون سازند و در برنیان

چینی نگاه دارند شربت موافق قوت و برودت مزاج [illegible] **معجون قوة باه** مجرب و مغلظ

منی از فواید حکیم معتمد الملوک صفته بادام شیرین مقشر ۶ توله کهربا شمعی ۴ ماشه مروارید ناسفته

۸ ماشه ابریشم مقرض ۸ ماشه بهمن سفید ۸ ماشه بهمن سرخ ۶ ماشه صمغ درخت [illegible]

۶ ماشه صندل سفید ۶ ماشه تخم بالنگو ۶ ماشه بزر البنج ۲ ماشه شقاقل مصری ۶ ماشه ماش سفید

۵ توله بدستور معجون سازند شربت بشیرین الشربت منه ۹ ماشه [illegible]

معجون مقوی باه و مشتهی و زاید منی و ممسک منی مؤلف حکیم مصری صفته چهار زرده بیضه مرغ

در آب بجوشانند تا نیم پخته شود زرده آنرا بگیرند جزر بوبه زعفران از هریک دو توله بسباسه خولنجان

خصیه الثعلب شقاقل مصری بهمن سفید بهمن سرخ تخم گزر خارخسک تخم ترب تخم شلغم کندر تخم پیاز

دارچینی کبابه چینی قرنفل دارفلفل فلفلمویه فلفل گرد شیاه دانه از هریک

سه توله این همه اجزا را بکوبند و در پیش بگیرند و در شش سیر عسل کف گرفته مقوم ادویه

را با زرده های بکوتر بیامیزند و حب سرشته نگاه دارند هر صباح یکتوله و شام

یکتوله بخورند من بیاض حکیم اسمعیل کیلانی نقل نموده شد [illegible]

معجون مبهی ترکیب حکیم جعفر اکبرآبادی که در تقویت دل و دماغ بغایت مفید است

شقاقل دارچینی ۳ درم قرنفل ۳ درم زنجبیل ۳ درم جوزبویا ۵ درم بسباسه

ه درم مایه شتر اعرابی ه درم ابریشم مقرض درم دارفلفل ه درم تودری خانی

درم خولنجان درم عاقرقرحا ه درم عود هندی درم دارشیشعان درم زرنباد درم

زعفران ۲ درم جدوار خطایی ۲ درم مشک ه درم عنبر اشهب ربع درم فوفل جوزه

۱۰ درم روغن بادام جهار جل درم ترنجبین ۱۰ درم نبات سفید ۲۲۶ درم ترنجبین را

در شیر [illegible] گاو تحریر سازند [illegible] کرده با نبات [illegible] بقوام آرند و اجزای ادویه

باریک ساخته معجون سازند شربتی ازان ۲ درم صبح و ۲ درم شام

نسخه صحیح

معجون آوردن تالیف حکیم جعفر اکبرآبادی که تقویت باه مکند شقاقل خصیة الثعلب

۲۰ درم موبه دانه ۱۰ درم حب الصنوبر مقشر ۱۰ درم تخم [illegible] ۱۰ درم تخم [illegible]

۱۰ درم [illegible] ۱۰ درم [illegible] عدد [illegible] مایه شتر اعرابی

شش درم ترنجبین سفید سه برابر شهد یک برابر ترنجبین را در شیر گاو تحریر سازند و

با عسل بقوام آرند و خوراکش [illegible] باشد [illegible]

معجون

معجون للتقوية الباه من مجربات عضد الدوله ابن الملك میر فتح الله شیرازی

صفته بوزیدان النارجیل وشقاقل والبهمنین وزرنجبیل والقرنفل

والبلبوس ودارچینی ودهن الفستق كلها مساوية الوزن یعقد بضعف

الادویه علی دستور المعمول ویطبخ معجونا الشربة منه درهمین

معجون گندنا شهوت مباشرت را زیاده میفزاید و اعضای زیر را

قوی گرداند و سردی گرده ببرد و بادها تحلیل کند صفته گندنا تازه

پوست او کنده بدارند پس بکارد و چنین ریزه ریزه کنند و سه من در

دیگ سنگی کنند و عسل بران ریزند که بالای آن برآید و آتش نرم به پزند

و یک هفته بجوشانند تا نیک پخته شود و تری در ان نماند پس جوزبویه یکدرم عاقرقرحا

درم فلفل سفید درم لعبة بربریه ابی ودار شیشعان السورنجان یا سورنجان

درم دارچینی ۳ درم سنبل الطیب ۳ درم مصطکی ۲ درم زنجبیل ۵ درم

کوفته و بیخته با او بیزند و یکهفته و یکساعت و بنهند تا خوب بیامیزد در ظرف

روغن انگبین دارند معجون ... مرباء مخترع حکیم مصری منقول از ...

جلبم اجمل خشخاش صفقه زردک ده تخم مرغ چینک عدد تخم ازدوک ۳ توله تخم ترب ۳ توله

شقاقل مصری ۳ توله خصیة الثعلب ۳ توله دار فلفل ۳ توله جوز بوا ۳ توله

بسباسه ۳ توله سنبل الطیب ۳ توله فلفل دراز ۳ توله قرنفل ۲ توله فلفل ۲ توله

زنجبیل ۲ توله عاقرقرحا توله مغز سر گنجشک نر پنجاه عدد اجزای را کوفته بیخته با زرده

بیضه نیم برشت مقدار آن تخم مرغ الاک بریان نموده با اجزای مالیده و شهد همه اجزا

سه چند شهد بقوام آرند و بدستور معجون سازند اگر خواهند حبها این معجون یا بر چهار

در هر روز یک عدد تناول نماید در تقویت باه و امساک نظیر ندارد معجون ملا محمد حکیم

ابو الفتح گیلانی مقوی اعضای رئیسه و اعضای تناسل و زاید قوت باه و مولد منی و دفع

درد کمر موافق کهول و مشایخ صفقه مروارید ۲ م مرجان ۲ م ورق نقره

۲ م کهربا شمعی توله زرنباد خطائی توله مشک ۵ م بهمن سرخ ۵ م تودری گلگون ۵ م

برگ فرنجمشک ۵ م گاوزبان ۵ م ابریشم ۵ م بوزیدان ۵ م سورنجان ۵ ماشه

ساقیه ۵ م خولنجان ۵ ماشه بیخ ۵ م کاکنج ۵ م زنجبیل ۵ م اجوائن ۵ م

بسباسه ۵ م تودری زرد ۵ ماشه سنبل الطیب ۵ م قرنفل ۵ ماشه بیخ کبر

بج افرنس ۲ ماسه اسارون ۲ ماسه غافث ۲ ماسه فطراسالیون ۲ ماسه

خولنجان ۲ ماسه ز

مایه شتر اعرابی ۲

گل گاوزبان ۱۰ ماسه

سه توله سونار چینی

سه ماسه عنبر اشهب

سه توله فواکه

خوراک سیاه قند

حکیم حسن عنع ما فعل

اکبر عظیم دارو خد

دارچینی سه توله

توله زعفران ۱۲ ماسه مشک ۱۲ ماسه عنبر اشهب سه ماسه عسل لف کرده دو دور سنگ شهد

ادویه بکوبند ادویه خوراک از چهار ماسه تا شش ماسه من حسن الشفا تمام

حلیم احمد حاشا صفقه زرد ده تخم مرغ جهار عدد تخم ازروک ... توله تخم ترب ... توله

شقاقل مصری ... توله خصیة الثعلب ... توله دار فلفل ... توله جوز بوا ... توله

بلیله

زنجبیل

بیرکرد

...

وپرپر

ابوالفقیر

ورد ک

۲ هم کد

برک

ساقع

سنبل ۵ هم تودری زرد ۵ ماه سید الطیب ۵ هم ... ۵ ماه ... کبیر

۲۰۲

۴۶۶

بیخ کرفس ۲ ماشه اسارون ۲ ماشه غافث ۲ ماشه فطراسالیون ۲ ماشه

تودریخ ۲ ماشه زعفران ۲ توله حب الزلم ۲ توله حبة الخضرا ۲ توله جوز کندم ۲ توله

مایه شیر اعرابی ۲ توله دوقو ۱ ماشه حب العطن ۱ ماشه تخم زیشیب ۱ ماشه

گل گاوزبان ۱ ماشه حب الفلفل ۵ ماشه حرف حبشی عرقی ۴ توله مغز بادام شیرین

۳ توله مغز نارجیل ۳ توله شقاقل مصری ۳ توله مغز چلغوزه ۳ توله کشنیز

۳ ماشه عنبر اشهب ۴ ماشه عطر گلاب ۲ ماشه ورق طلا نه ماشه اب سیب شیرین ۴ پاو

شربت فواکه ۴ پاو عسل مصفی پاو بالا کسیر بدستور معجون بعمل آرند

خوراک ... قند قوة العلیلک ... **معجون** ... بالمیف مرزا

حکیم حسن علی نافعست جهة ضعف قلب و صداع و معوز گرده و مثانه و باه.

اطریفل عظیم وارد ... بهمن ۲ ماشه درونج عقربی ۲ ماشه ... عود غرقی

دارچینی ۳ توله قرنفل ۳ ماشه توله قاقله صغار ۳ ماشه توله گل گاوزبان ۳ ماشه

توله زعفران ۴ ماشه مشک ۴ ماشه عنبر اشهب ۳ ماشه عسل کف گرفته دو وزن

ادویه یکوزن ادویه خوراک از چهار ماشه تا شش ماشه من حسن الشفا ...

معجون عمادی از خواص الذخیره محمود شیرازی تقویت باه کند و آب دهن از زبان باز دارد
و کرم شکم بکشد و ریگ مثانه و باد بواسیر را بسازد و باه بیفزاید صفته تخم گزر
۳۰ درم تخم کشوث ۳۰ درم تخم شبت ۳۰ درم زنجبیل درم مصطکی یک درم عاقرقرحا
قندی کوفته و بیخته با سه چندان عسل برشته الشربة منه مثقال درم ایضا معجون باهی
مقوی باه من تالیف القدما صفته درونج عقربی زرنباد زرجوان ابریشم کهربا سعد
هلیلهٔ سیاه کتیرا ماهی سقنقور خولنجان مروارید ناسفته فودل از هر یک هفت ماشه کوفته
بیخته برابر مجموع عسل برشته الشربة منه مثقال ایضا معجون حب الفلفل از
جالینوس اعاده شهوت باه کند و آواز صاف نماید و سده بگشاید و ضعف
کلیه و مثانه زایل نماید و حرقة البول نافع است سنگ گرده و مثانه
بریزاند و دشواری نفس و در بوا سود دهد قدر شربت دو مثقال و قوة
آن تا یک سال باقی میباشد صفته لب حب الفلفل ۲۰ مثقال دارچینی
۵ مثقال زنقاف ۵ مثقال حب الصنوبر ۵ مثقال تخم الجزر ۵ مثقال
شقاقل مصری ۱۰ مثقال زنجبیل ۱۰ مثقال دارشیشعان ۷ مثقال

قاقلهٔ

قط ابریشم ... مثقال بزرالکتان ... مثقال ... مصطکی ... مثقال

با سه وزن ادویه عسل کف گرفته سرشته باشد ... معجون یاقوت مفرح ...

مولانا ... الشیرازی برای رحمت یار جان صاحب تجویز فرموده بودند

خلاصه مروارید ناسفته ... یاقوت ... کهربا شمعی ... مرجان ... ... گلوب

... ابریشم ... بهمن سفید تولچه زعفران ... صندل سفید تولچه ...

تولچه ... طباشیر مصری تولچه ... گاوزبان تولچه اسطوخودوس تولچه ... بخیس نیم تولچه

... هفت تولچه ... کرده صاف کرده ... بالقوام آید ادویه ...

... تولچه ... نموده ... بر شیشه نگاه دارند خوراک ... ماشه بعرق

... هفت تولچه ... گاوزبان ... باشند ... معجون الهی ... که ...

قایم مقام مفرحات جواهر دار دانند و حکیم علی گیلانی نموده اند ... هلیله زرد

هلیله کابلی هلیله سیاه بلیله آمله غنچه ... گاوزبان ... هر یک برابر ... نصف

مجموع از اجزای ... ... نموده ... چندان ... قند سفید سرشته باشد

معجون دیگر ... منقول من قرابادین ... الهی ... فلفل

غنچه گل سرخ ۳ مثقال لسان الثور ۵ مثقال تخم شاهسفرم ۲ مثقال

تخم جرجیر ۳ درم بهمن سفید ۳ درم بهمن سرخ ۲ درم تودری گلگون ۲ درم

تودری زرد ۲ درم بوزیدان جوزبوا ۳ درم تخم گزر ۳ درم تخم چغندر ۳ درم

مجموع را با شکر سفید معجون سازند ؛ معجون که قوت باه بیفزاید و انعاظ قوی بخشد

آرد صفقه تخم کتان ۵ درم شملیت ۵ درم پلپل گرد ۳ نیم درم عسل سفید
یعنی حلبه

برابر ادویه قوام بوده به دستور معجون سازند هر روز نیم درم بخورند که بسیار

را قوت دهد و گرده و پشت را قوی کند [illegible]

مجرب است ؛ معجون ادریس دافع بواسیر و نافع باه و برای انجاز [illegible] صفقه

هلیله سیاه هلیله کابلی بلیله [illegible] آمله فطراسالیون بوزیدان [illegible] هندی

شقاقل [illegible] تودری احمر و ابیض و لسان العصافیر بهمنین کل واحد نصف درم

یسحق و ینخل و یلت بدهن اللوز و دهن البقر و یعجن بعسل بقدر الکفایه ؛

جو
معجون مجرب جهت صفقه حکیم علی گیلانی صفقه و فلفل تخم ترتیزک تخم ریحان زنجبیل

تخم [illegible] و تخم بادرنگ تخم خشخاش از هر کدام [illegible] همه را [illegible] بریان کرده مصطکی [illegible]

بقدر الدوا

قصب الذریره هر یک سه درم این همه اجزا را کوفته با تخمها ناکوفته جمع کنند و از این
مجموع هر روز یک مثقال یا دو مثقال بر بعضی و هند جهت ضرب و رقت الاعضا و اسهال
سوداوی و خفقان نفع تمام دارد نوع معجون قاسر الریاح من مؤلفات حکیم ارشد که جهت
ازکموی منفعت دارد صفت دارچینی درم ۳ مصطکی ۲ درم نانخواه ۲ درم انیسون زیره
۲ درم انیسون دار فلفل ۲ درم سنبل الطیب ۲ درم عسل مصفی ۳ برابر ادویه دستور
معجون سازند خوراک دو درم طبیعی نوع معجون کوکنار نافع جهت مبرد ساده و
پرسیاوشان و سوزاک و حرقت انزال و مقوی باه صفت آن تخم کاهو تخم خیار حب الآس
هر یک سه درم صندل سفید صندل سرخ عدس مقشر مغز قصب الذریره تخم خشخاش صمغ عربی
طباشیر سفید از هر یک دو درم کندر درم گلاب سنبل و صندل سفید تخم ... ادویه را
کوفته بیخته در قند مقوم و گلاب سرشته سه ... نوع
معجون کیلا مقوی باه و مغلظ منی که جوهر ... اوالکار و ... مباشرت نکند از او کند
صفت پوست بیخ کیلا گنگا تلخ تباچ بیخ کوکچه بیخ ... بیخ ... همه را کوفته
بادوکوفته و بیخته با ... برابر ... درم گرده خوراک یک تولّه و ...

معجون مفرح ينفع الطبع ويقوي القلب ويذهب الخفقان صفته لب القرطم ثمانية دراهم انيسون

درهم لب اللوز المقشر ثمانية دراهم سدق ويعجن بعسل الشهد ثلثة امثاله الشربة مثقال

مفرح للقلب القلب ويورث اذا كان مزاجه ومزاج البدن كله حار امن معمولات

محمد الاطباء محمد بن زكريا الرازي صفته ورد يابس ه درم طباشير ابيض ه درم گل زرد يابس

درم لب بد لصف درم تولوغ مثقوب بقيله كافور وانق سدق ويحلب ويعجن

بماء التفاح او بشرابه الشربة منه مع السكنجبين الساذج ط ط ط

معجون مدكشانه واجزاي وي صفته بالملكانه لوكر و بسوس ستاور ديو كوكجه ا

بنوا ومكن بر كداي دان كوفته وبيخته با روغن گاو چرب كرده باشند خاص

سرشته بكنوله خوراك نايد نخوف او اي نيع وبدكشانه تمندي دوله

ببهار دوله تلخلي دوباس كوفته وبيخته بسكر تفيد هموزن ادويه بيامبزند ويك كف

دربست بخورند باشيرگاو بخورند ط مفرح ينفع الخفقان الحار والقلب

والمعدة الحار والقلب والمعدة الحارين وشرع الاغذية من الاوباغ صفته

گل سرخ يابس ه درم ورد درم طباشير ابيض درم كافور قيصوري زرجان بدق

ويحق

و بعض شراب التفاح و الحماض الشربة منه مثقالین شفاء الاسقام قاطع

معجون مجرب که در منفعت آن در تقویت باه و مباشرت تجربه رسیده

و نسخه‌اش این است باید خرد و کبوتر بچه پر نیاورده خروس بولک گنجشک موضع سفید

انثای برگ گنجشک خرد و سر یک از هر یک بگذارند همه را چو کوب کرده در

دام آب خالص پر کرده بگذارند تا نیک ماء اللحم از گوشت گوسفند جوان و سینه

گاو و شیره مجدبه زبنی و آب خوشابه گشنیز و آب شکر و روغن گاو بروار

تمام ماء اللحم و آب خوشابه گشنیز و شیره مجدبه زبنی و آب شکر همه را

ممزوج نموده بجوشانند تا بقوام آید بعد از آن آب ادویه سابق با تک

لار یا دو بالا نبات بقوام آرند پس از آن مغز پسته و جوز و سنگباره و حلغوزه

از هر یک ثبت درم فلفل دار چینی ساتیر ده درم خرمای تر چهار درم فرنجمشک

گولنجان چهار درم شونیز شقاقل چهار درم کاکرا سنگی پانزده درم جوز بوا و قاقله

دار چینی خولنجان درم همه ادویه را کوفته بیخته با مغزها در بر قوام ساخته

ملوط ساخته بر میزند و از فردا گرد ده نورا درم دار عاقلکی گلوله بسته

بجدید بیع نسخه

نگاه دارند و هر شب وقت خواب یک غلوله خورده باشند که قوت رفته و ساقط

شده عود کرده مجربست مرتاض حکیم حسن اکرا باری نوشته ها معجون باه اگر که

قوت دهد و باه بیفزاید صفته بیستره ابله بحیه پیست و چهار سینه چها بو مغز ... گلقند ۱۰ اسیر

چهار مغز شیر گاو و ... سیر فلفل سیاه یا وسیر فلفل دراز یا وسیر بلادر کنند ۶ درم

مرند گلقند ۱۲ درم ... روغن گاو یا وسیر ... هندی سه درم فلفلموبه

سه درم سعد کوفی سه درم زیره کرمانی ۷ درم ... خورد سه درم دار چینی ۱ درم

جوز بوا ۱ درم تالیس ... درم ناگیسر سه درم ... ۵ درم عسل گلقند ... سیر

مشروع ... بدستور قوام سازند شربتی ... درم معقول ... لاهور

بقاغان لاهوری

خان ... معجون ... باه از تجربات حکیم حسن اکرا باری صفته ...

... نیم پاو ... نیم پاو ... نیم پاو ...

فلفل گرد ... نیم پاو ...

... اول شیر را جوش دهد ... بمقدار ... گلقند ...

در آب ریخته بقوام آرند پس ازان ... ساییده ... فراهم کنند

ابراهیم

و دیگر بشود معجون سازند ها معجون هندی مسمی بهته باگ صفت مجدبه که تهدی بهته گویند بکوید
جوز بویه و قرنفل سیه علف بهمن مکه و دوام فاقله جوز و شاخ هندی فلفل سیاه
دار چینی دعوات طباشیر کوزیرا یا به شر فلفل دراز مکه بیوند زنجبیل زیره سفید
زیره سیاه مکه بلکدی موتا زنجبیل هودان مو باران نیم یا و مخرلیته بنم یا گشنیز
بنز یا و نشر ورق نقره نیشی یا سه نبات سفید یا عسل نیمپر روغن گاو نیم یا و بدستور
معجون سازند ها معجون امنه یاگ که فوق بدیه معجون ترکیبدی یا ه زیاده کند
وینج بهواند قوت حافظه پدید و روشنی چشم آورد و مشتهی طعام آورد و قوت
بدن بخشد و منافع دیگر بسیار دارد صفت ترکیبش مغز بهیده آمله خسته بدر کرده
سناورا از هر یک نیم لار اسکند ناگوری موصلی سیاه بدار کند تخم کوخ کوکرو بهیلا
با گلکهانه خس از هر یک پاو لار هر یک نیم یا و همه را جوکوب کرده ورج کنند
د بیست چند ادویه آب اندرخته باتش چوب و ناک به پزند لیکن اول باید
که خم را در وقت حکمت گیرند و بالای آن پارچه لک بپیچند باز در گل حکمت کرفته
خشک نمایند و دوا در خل نمایند و به پزند تا جهار الصعه بدست مالیدن صاف گردد

آب بگیرند و مشتعل کنند باز روغن گاو نیم رطل با آب ادویه اسفنجه تا

نرم نپزند تا آب دور شود و روغن بماند باز بگیرند زرشک گاو زبان اولی را کهو قسم کرده

آبش بعد از آن مشک درم نیم و زحل سازند من عید متوبار چیل موخر و نخی نیو بالان

سوزنیقی خورپالان خسته بر آورده مغز پسته ملک درم حب صلابه سوده تا برد

و زنجبیل بیخ ریشه و ارفلفل فلفل کرد تاگیر از هر یک دو درم زعفران طباشیر

سفید مصطکی رومی قرنفل جوز بویه دارچینی دانه هل دانه الایچی کلان صندل سفید

عود نوشی هر یک یک درم کوفته بیخته و در سرهم کنند و در ظرف چینی بر آورده شربتی

میدارم تا دو درم فی حرانجی رت تا معجون مفرح تخم کوکنه بسپاس قسط شیرین

اسکنه تکلوی شمیلیت موخر مدر به زرنبی موصلی سیاه تخم ککهاره کوکرو تخم مور سناور

اجمود اجوین ماش سیاه کنجد و تخم کسر حسک اصل السوس تاکب بیش بهک تخم

جوز بویه یک سنگ بهآتان کاکرا سنگ بهنکره سیدهی فلفین زیره سفید زیره سیاه

خیارک الایچی دارچینی جهوک ناگیسر کبابه سوزنیقی تخم سنبهالی پان خاولنت

و خسسبلک زسلم اقوای برابر کوفته سوده ثلث آن موج ادویه کا بیر کنند

ام درن

و دو وزن شکر تری بار کرده با عسل مقوم سرشته و هر روز بمقدار بخورند این

معجون معتدل است و در هر سه فصل میتوان خورد که بالای آن چیزی که تری بسیار ... باید

تناول نمایند که قوت باه بدهد و سرعت انزال را دفع کند و فربه سازد و سرفه

کهن و تب دق و بواسیر و سنگ گرده دور کند من دستور الاطباء

نسخه مقوی الباه مغز تخم کونجد خار خسک تخم پنج انگشت ... و دارچینی زنجبیل هر کدام مساوی

کوفته بیخته با شیر گاو بپزند و کفچه زنند تا یکذات شود با شکر تری مخلوط ساخته خوراک یکدام بخورند

نسخه مجرب برای قوت باه به اعتدال ... نافع شده منفعت موصله زرد سنبل کم ساک که مثل ... باشد

نرم و نازک باشد گرفته ده دام در سایه خشک کرده کوفته و بیخته و پوست زرد سنبل

چهار دام کوکهرو ده دام دارچینی دو دام عاقرقرحا ده دام مغز چلغوزه مغز نارجیل مغز پسته

مغز بادام مغز فندق مغز تخم خشخاش سفید قرنفل دانه هیل جوز بویه بسباسه ... سیاه

سلیخه شقاقل مصری تخم کونجه تخم ... ... گویند ... گویند ... ده ده

... تخم کنول ... بیج ... خشک ... فلفل سیاه

فلفل دراز زنجبیل هر یکدام ... یکدام شیر گاو و چهار ... روغن گاو ... باشد

سه انار شاهجهانی دواها را کوفته بیخته وزن کنند سه شیر را جوش داده وقتیکه

نزدیک بغلظ برسد روغن شلک کبود ساخته از آتش فرود آورده ادویه را بگیرد اگر گرمی

درو بماند پس داروها داخل کرده سه شبند شربتی نه ماشه تا چهار ده ماشه

ناشتا عقب آن شیر گاو یا وسه عرق گذر هفت نوبه هفت نوبه یکبار بر ندحر

نوشیده باشد معجون مذهب من کبر اصناف ابراهیم شاهی آمله دو درم بخنین بهوار

سبب دو درم بهیگره سبب نجدرم جبیالیت دو درم کوفته و بیخته با قند سیاه

کهنه دو وزن سیر شاهجهانی سه شربتی یکدرم ها معجون لسید الدم اطمث

الحادث من حدة الدم لسبد ساذج مغسول کهربا جلنار طین ارمنی طین مختوم

دم الاخوین شب یمانی بالوبه یعجن برب السفرجل الشربة درهمان الی خمسه م بالسماق

او بعصارة لسان الحمل او عصارة بقلة الحمقا و یکیسی فی طبخ الغرا الصنوبر

معجون للباه مجربیست زنجبیل جزو دج جزو مصطکی نیم جزو یعجن بعسل و یوخذ منه بقدر

و غیشه ها معجون لولو نسخه میرزا محمد مقیم گلسرخ ده ماشه سعد کوفی ده ماشه قرفه

زرنب زعفران ... قاقله جدوار درونج یا در نجبوبه حرلیلی لسان الثور ساذج

نودارن

بوزی سرخ و سفید یکدانگ ساذج مصطکی شقاقل زرشک منقی مغز فندق زنجبیل

یکدانگ ابریشم مقرض عود خام پوست ترنج گاوزبان عنبر اشهب ورق طلا ورق

نقره جدوار بادرنجبویه گل ارمنی گل مختوم قاقله کبار و صغار لازورد

توده های سرخ و سفید یکدانگ ثلث مثقال حب الآس ۵ مثقال خبث الحدید

۵ مثقال مصطکی آنکه پوست بیرون بسته یکدانگ ۵ مثقال مشک و زعفران

یکدانگ نیم مثقال آب سیب آب به آب انار شیرین گلاب عرق بیدمشک

عرق گاوزبان یکدانگ نیم مثقال نبات مصری صد و هشتاد مثقال

عسل صد و هشتاد مثقال هذا معجون مجرب للربع من المجربات استادی

حکیم محمد زمان حقیقت استارون رومی کندر مرکی جند بیدستر بتوه سائله

بزرالبنج افیون [illegible] سوای عسل بوزن همه اجزاء سوای عسل بوزن همه

اجزاء بدستور ساخته شده [illegible] نخود [illegible] پیش از نوبت بدو ساعت

بخورند [illegible] در روی جرب دار حکیم ارشد اصفهانی که بدین همه نسخها ثبت

صفحه ابریشم مقرضی [illegible] طباشیر سفید ۳ [illegible] غنچه گل سرخ ۵ [illegible]

کل کاوزبان و ماشه زرنباد جنتی سه ماشه صندل سفید سه ماشه عود هندی سه ماشه

زرشک ... سه ماشه تخم بادرنجبویه سه ماشه زعفران سه ماشه سنبل الطیب سه ماشه

اسارون سه ماشه دانه هل سه ماشه ساذج هندی سه ماشه اذخر سه ماشه

املهٔ مقشر ... توله سعد کوفی سه ماشه درونج عقربی سه ماشه پوست ترنج

سه ماشه مروارید ناسفته شش ماشه کشنیز ... طباشیر ... لاجورد مغسول سه ماشه

مغسول عنبر اشهب ... سه ماشه ورق طلا سه ماشه یاقوت سه ماشه ورق نقره

سه ماشه قند سفید ... توله عسل سفید ... توله بدستور معجون سازند

نسخه

نسخهٔ داروی ... بس مولفات علویخان برای پادشاه عصر محمد شاه

ترتیب نموده بودند حقیقة عجیبه ... مالاقیاع نه مثقال

مروارید ناسفته ... لیسد محرق کشنیز کهربا شمعی از هر یک ... مثقال

طباشیر سفید ساذج هندی پوست سیر ... پوست زرد ترنج حجر فادزهر

... کل ارمنی مغسول ابریشم مقرض صندل سفید هر کدام ... مثقال

تخم ... سعد کوفی دانه هل ... هر یک یک مثقال و ... زعفران ... یک مثقال زرشک

بداته منت مثقال تخم خرفه مقشر ده مثقال عنبر اشهب طلا محلول
هر یک نیم مثقال ورق نقره یک مثقال شیره آمله مغشار مثقال بدله فانید

بدله پنج مثقال

سکری عسل مصفی نبات سفید هر یک بوزن مجموع ادویه آمله را یک شبانه
روز در شیر گاو جوشانیده مالیده پس بشویند نیکو و پانزده رطل آب
آنها و زرشک را جوشانند تا به سه رطل برسد پس بپالایند فانید
و عسل سفید و نبات داخل نموده بقوام آرند شربتی از یک مثقال تا
مثقال طریق حل لولو بکوبند پاک سحق و بلیث بماء الحامض
الا ترج و تجعل فی اناء و تغمر بماء حامض و تعلق فی ازدن فیه حل و نیز
ومن الادن تحت زبل رطب اربعة عشر یوما فانه ینحل
نوشداروی مقوی ضعفه دارچینی زرنب زرنباد سنبل الطیب
جدوار به سنانه قرنفل درونج نخود ازمنی گل مختوم مصطکی
زعفران ورق نقره زرشک هدانه مشک بتتح طباشیر سفید مروارید
هر یک یک مثقال و نیم صندل الصنعه بقلاب سوده تخم کاهو مقشر تخم خرفه مقشر

از هر یک سه مثقال ورق طلا مثقال شیر آمله نود و ده مثقال گلاب

آب به شیرین آب امرود عرق بید مشک از هر یک یکصد بیست مثقال

آمله را یک شب در شیر گاو بخسابند صبح بشویند تا به رنگ نماند

پس زنجبیل آورده مالند و بالا بیند و بالا بیند و در صافی ان نبات سفید

و قند سفید و عسل مصفی یکصد بیست مثقال و گلاب و عرق بید مشک را

میوه ها در حل سوخته بقوام آرند پس از آتش فرود آورده بگذارند که حرارت

ان تسکین شود و فاتر گردد علکه نباید سرد شود ادویه را کوبیده

بیخته بدستور بیان سرشتند و معجون سازند و در ظرف چینی نگاه دارند

شربتی از یک مثقال تا دو مثقال المفضل الثانی ابراهیمی المجربه برسم

الشیخ محمد حکیم علی گیلانی در تحلیل صلابات و حتاربر و سلعه صفته

خردل کف دریا زراوند طویل تخم انجره کبریت اصل سنبل اشق مقل

دو وج زیت عتیق هر ده جزو ادویه را ابتدا غبار رسانند مقل و اشق را

در زیت حل کرده و ده جزو دیگر زرنیخ اضافه سفید و ادویه را بران ریزند

و ابکله

و بمالند و مرهم کنند چون خواهند که استعمال نمایند بکیرند زیت و بکیرند

این مرهم مخلوط بروغن گل کرده ضماد نمایند و اگر سجکاو تشنکی بیمار

را لازمست اجتناب از نبیذات و مرطبات و همین مرهم بجای

مجربست اگر دمل عظیم عسیر النضج باشد با کفکرک که پخته نمیشود در توله

این مرهم با چوبوله گل مخندم گل خطمی و برگ آن که ساییده پخته شود

این مرهم آتش را اضافه کرده و در مرهم مالیده وقتیکه بسیار گرم باشد

میبندند که بغایت عجیب است در سرعت انطباخ گاه گاه بر بالای بهم رساند

روز میکند مس قرابادین علوی خان فدس سره که هیچ مرهم در رفع التهاب جنقه

سیماب با چوبچاب سوخته لشکرف و موم و روغن گاو و نارنج مرهم سازند

مرهم جهة سوختگی آتش مجرب مفید هر عضو که سوخته شود صمغه مفید است

مرده سنگ الاخوین جکین مرد در سنگ ملک مساوی الوزن کوفته گلاب

سحق کرده و موم سفید قدر ورنی در روغن کنجد و موم را با هم گداخته

در این اقداتی ... که سائیده در استعمال کنند که مجرب است بهبود

کنند و چند نوبت با آب شستن بشویند
بعد از آن داروها سوده در آن

[illegible]

[illegible] و برآمدن مقعد نافعست صفقه حب القلب سه مثقال
گلسرخ سه مثقال عدس مقشر سه مثقال بکوبند و با آب گشنیز تر تخته
و زرده تخم مرغ یک عدد روغن گلسرخ مداخل کرده مرهم سازند
و بمقعد استعمال نمایند منقول از بیاض حکیم اسمعیل گیلانی طاب ثراه
مرهم سیماب صفقه نیز زرده ده مثقال با سائیده و سیماب ده مثقال
نقره پاک طوطیا ورم سفید هندی سوده با آن مامیرو جدوار در هاون
سنگی نمایند که حل شود برای جراحت قضیب و جز آن چه از باد
فرنگ و چه از دیگر بسیار خوب و مجرب است طاب ثراه روغن دیودار
مجرب حکیم علی گیلانی زخم را اول روز رو به بهی آرد جواره از [illegible] سیر و غیره و وجع
مفاصل و اوجاع دیگر را سود میدارد صفقه دیودار ده مثقال داربلد
دوده ده مثقال صبر سقوطری ده مثقال نیز زرنیخ جنبه ده مثقال
روغن کنجد ده مثقال آب صاف [illegible] کرده روز
نیم منزل بپزند بجوشانند تا نصف آید صاف نموده با روغن
بالس

باروغن تا آتش ملایم بار بجوش سازند تا روغن بماند و آب برود و روغن را نگاه
کرده که و چند قطره از آن پاک نمانند و ... وادارند که روغن با فراق برساند

مرهم جرب المنخرین فانه فی غایة النفع فی الامراض الانف لاسیما
ما کان منها یمیل الی الیبس وکذلک فی قروح الشفة وفی اکثر القروح
الرطبة الا انه مال الیه لا یخلو ما فیها عن خبث در واده صنعته
یوخذ من الاسفیداج الیابس مثقال ویطبخ بالماء طبخا جیدا ثم یمرس
ویسحق حتی یصیر الماء بعدما ثم یصفی ویمزج معه وزن مثقال
من لعاب السفرجل وزن مثقال من دهن الورد ونصف
مثقال من الشمع الابیض حتی یصیر مرهما ویستعمل من حکیم علی
گیلانی تا شنگرف مرهم مجرب برای سرطان وو باب صنعته
شنگرف مثقال کبیر که هندی گفته باشد زرد چوبه واله برگ کنگار
کوفته بیخته زراهله سه دانگ برگ کوکنار نیکا با نک برگ درخت بر خشک
شده مومین افتاده سیماب نانک روغن گاو بقدر حاجت جمله
ادویه یکجا کرده ... روغن اندرخته مرهم سازند بر پارچه مالیده بر موضع

زراهله

بعجایبات که ازین مرهم مشاهده شد وابواب میخواهد مجربست ا ﻫ

مرهم دیگر مجرب جهت اندمال زخم مرهم سیاه صنعت صبر بنی باد فرنگ

سیر ده درم روغن کنجد نیم سیر کندر بهروزه هندا نیک موم سفید باد سیر

چهار یا و سیر مار را در روغن کنجد به بپزند تا سوخته شود پس صاف کرده

موم دران بگدازند پس ادویه را کوفته بیخته داخل کرده در هاون

سنگی بمالند تا نرم شود یکبار بر بندد صبح و شام این مرهم چرک را

پاک بسیار کرداند و زخم را مندمل نماید از خلاصه قوانین علویخان ﻃ

مرهم دیگر مجربست اهلیله توله موم سفید توله روغن زرد ۲ توله بدستور

مرهم سازند ﻃ مرهم مجرب جهت جرب رطب و داکبس صنعت نراه فاقله

فلفل سیاه کافور چینه مرداسنگ هر یک هم باشد کوفته بیخته بروغن

گاو بدستور مرهم سازند و هنگام حاجت بر بدن بمالند مسموع از احمد

اکر ابهار ﻃ مرهم نافع شقاق قیلک عرق جا و حرق نار و هر جراحت

من حاوی صنعته ... زرد زر ... قلم کاو ممزوج کنند بموم ...

و روغن سوسن یا به روغن نرگس و اگر خارجی باشد بدل روغن مذکور

روغن ملک ناطق مرهم برای آتشک و جرب و دیگر جوشش های قدیم
و جدید صنعته گوگرد سیماب تیل جوز سرنگ سوختنی سنگ جراحت
کمیله نیله تهوتهه مرداسنگ مساوی الوزن باریک سوده با موم
و روغن ممزوج سوده استعمال نمایند از بیاض حکیم ارشد و ناوندی ناطق
مرهمی که در ازاله قروح خبیثه مزمنه و زخمها که بهیچ مرهم دفع نشود
مجرب است صنعته مرداسنگ دو مثقال کافور یکمثقال زنگار
ربع مثقال روغن کنجد پنجمثقال موم سفید ده مثقال برگ زنجبیر
نه عدد برگ تنبول نه عدد برگها را در روغن کنجد بجوشانند تا خشک
شود صاف نموده موم را دران بگدازند و دواها را کوفته بیخته دران
بتدبیر طبخ مرهم نمایند بعد از سرد شدن چهار عدد زردی بیضه مرغ
دران افگنند و صلایه کنند تا مرهم شود از بیاض حکیم اسمعیل
کمانشا ناطق مرهم دیگر صنعته برگ تستم خشک سائیده ۲ دام
مرداسنگ دو دام روغن کنجد ۱۰ دام موم سفید دو دام کتهه سفید دو دام

سنگ بصری درم روغن مذکوره را جوش داده پس برگ نیم

اندر ریخته پس سنگ بصری پس مرداسنگ پس موم پس کتیره ریخته تا بگداخت

شود بمالند شمع بستن مجرب ط مرهم قرحه ذکر صفته توتیا

درم صبر درم سادج هندی درم کلنار درم اقاقیا درم

کندر درم تبرزد درم بارزد سبز درم وشادنج سوخته درم

شب یمانی درم اقماع الرمان درم عفص روغن گل درم

موم گاو چوزید دستور مرهم سازند ط مرهم نافع اعوجاج ذکر

صفته زعفران درم مصطکی درم زراوند طویل درم مر درم

علک البطم ۵ درم صمغ سائله ۵ درم موم سفید ۵ درم مرداسنگ

در حجر نقوع بمالند و موم را در او روغن بگدازند همه سائله

بدان بیامیزند و با یکدیگر جمع کنند ریاض عالمگیری ط ط

مرهم نافع زخم مفاصل صفته سفیداب ارزیز مرداسنگ کافور

موم روغن گل هرکدام بقدر حاجت گرفته اندر ریخته مرهم سازند

تصنیف نسخه

من ریاض شاهی مرهم نافع شقاق قضیب که از خشکی افتد صفته قیمولیا

توبال مس کتیرا موم روغن گل زرده تخم مرغ مرهم سازند

و طلا نمایند که نهایت مفید است من طب اکبر از زبانی

مرهم سفید سوختگی آتش و جراحتهای حاره صفته اسفیداب ارزیز ده روغن

گل هر کدام سه درم کافور نیم درم افیون درم با سفیده یک تخم مرغ جمع کنند

من ریاض عالمگیری مرهم انگشت از مجربات و اسرار صحت و درد یکبار از

سوخته رفع دانه های زخم آن یکبار صفته توتیا هندی شسته دو درم شنجرف ادرم

گرد چوب چینی یک درم اگر نباشد باز نو نیز است بازرده تخم مرغ که در زیر

خاکستر گرم پخته باشد یکجا کنند رسیده شود در شمع آب نمایند و اگر بجای

گرد چوب چینی زیبق را بگیرند از گرباس بگذرانند تا زیبق ویران نماند

شود پس گرباس را بسوزانند و از خاکستر او همینقدر داخل کنند بی

عدیل است مرهم دافع زنگار صفته کنند زنگار شماب بار برگ

بکنوله زلفینه روغن گاو نیم پاو در دستور معمول مرهم سازند

من بیاض احمد خان نوشته شد ط مرهم اطبای فرنگ که جهت

اندمال زخم نظیر ندارد و صفته روغن گل سه تا و سفیده و زرده تا

کافور سه ماشه اول شلغم را در روغن گل خوب بریان کرده از آتش

آورده سفیده و زرده را خوب حل نمایند بعد از آنکه خوب حل شود کافور

داخل کنند و نگاه دارند ط مرهم دم الاخوین جهت بواسیر مجرب است

دم الاخوین حضض مکی هر یک یک مثقال طباشیر سفیده ۲ دانگ

ارزیز ۲ مثقال زرده تخم مرغ عدد روغن گل قدری افیون

مصری سفید ریزه نموده اول با نرم کوفته و افیون مصری دیده دفع

تخم مرغ گل کرده در آن ریزند و مرهم سازند و بعد مقعد طلا نمایند ط

مرهم مجرب در خون نشاندن ورم مقعد و خروج آن روغن گل

۱۰ مثقال بادام تلخ ۱۰ مثقال پیه گرده بز ۲ مثقال موم زرد ۶ مثقال

مثقال ارزیز ۳ مثقال مرداسنگ مثقال زاج سوخته ۲ مثقال

بهم جمع کنند ط موم زرد و روغن برای ریشه و ... و باد و خنازیر

ریاح و دافع جرب است صنعته لعاب خطمی یکتوله ربع توله لعاب بهیدانه نیم توله شیره

مغز بادام ۲ توله سپستان تخم کدو شیرین ۲ توله پنبه گرد بزرگ ۲ توله موم سفید

توله موچره سه ماشه روغن خیلا ۲ توله بطریق معروف بسوم روغن سازند

مرهم شنجرف برای آتشک و جراحات کهنه صلعت و جرب و خارش

مفید است مستعمل حکیم مصری اکبرشاهی صنعته سفید ورق توله شنجرف

توله موم سفید توله مردار سنگ ماشه توتیا هندی سوخته سفیداب

نیم ماشه کوفته بیخته در روغن کنجد ~~یا روغن گاو~~ یا روغن کنجد حل

یا روغن کنجد با ماشه بقدر احتیاج مرهم سازند و اگر سفیداب

نیابند پوست تخم مرغ خانگی سوخته خاکستر ساخته عوض آن کنند

مرهم نافع درد و جریان از آماس مقعد که از مادهٔ گرم باشد صنعته گل

عدس مغز برگ عنب الثعلب مرهم بندند یا روغن گل در هاون بمالند

یا روای مساوی شود زرده بیضه مرغ یا روغن گل آنچه مذکور شد

نافع است مرهم [illegible] در ازالهٔ اورام حار و بارده بر عضو از اعضا

خصوصاً اورام قریب و خصیه و استسقاء بجهت قوت استحکام و شقاق و دفع انواع

بثور خصوص بثور وجه و مانند آن قروح و جروح از جهت و قروح او بغایت

مفید و مجربست صفت روغن بید بست مثقال سوم مصطکی ده مثقال

در برهم بکوبند و بیست مثقال صافی زرد رنگ در آن بغایت نقرس سخی شود

داخل کرده در هاون بدستته مالند تا سفید شود تا مثل مرهم گردد

و در جائیکه حدت و حرارت باشد بر آن بقدری تا مجفف داخل کرده

بسیار مالند تا سفید شود استعمال نمایند و در جراحات و ناصور و قبیله

حالی از اثر باد از جهت [illegible] باشد می باید که در هر مجلس از این روغن

رقیق بقیمت سازند و در اورام بارد و در استسقا می باید که [illegible]

مشغ داخل با تخم کتان همه را سائیده بجهت دستور مرهم سازند مصطکی

و استعمال نمایند و جهت ارزو [illegible] تیز بید بعوض روغن بید روغن گل یا روغن

بنفشه یا بادام [illegible] من باض حکیم علی خان مرحوم [illegible] مرهم نور [illegible]

[illegible] استعداد و دفع صفت بوزند مدق [illegible] با قوه طبخ حتی [illegible]

واطرح في الهاون ويضاف اليه دهن اللوز ومخ البيض وقليل الشمع
ويدلك حتى يختلط جيداً مرهم مفلك مجرب فضل تبريزي در تسكين
درد مفاصل مشهور دهن ضفدع مقل ازرق محلول في ماء الكراث
ويجعل معه شحم الدجاج وشحم البط ومخ ساق البقر وشحم كلى الماعز
ودهن اللوزه والشمع وشيء من الافيون مع مصلحه فانه نافع في ذلك علاج
مرهم نافع جهت سوختگی آتش ضفدع اسفیداج ارزیز دم الاخوین مردار سنگ
سوم از هریک سه درم دم الاخوین و مردار سنگ را اول بسایند و قدری روغن
کنجد و موم رسمی در خل ساخته بدستور مرهم سازند و در جاهای سوخته
مالند نافع بود و مجربست مرهم زخم آتشک ضفدع مساوی نافع مردار سنگ
هریک نیم تولچه مردار سنگ سائیده و سکه را در آب گل بسته بشویند و مرهم
سازند و بر زخم آتشک نهند و در سه روز زخم آتشک برآید بعد از آن
آتشک سوخته بر زخم پاشند مجربست معجون مجرب جهت آتشک تالیف حکیم
عماد الدین محمود شیرازی نافع از برای مالیخولیا و بواسیر و آتشک و ورم

سوداوی و وسواس و در جمیع امراض سوداوی اخلاط آن زرنباد جدوار
خطائی مجرب زراوند مدحرج عود خولنجان افتیمون ماهی زهره ریوند چینی
پوست هلیله زرد لاجورد مغسول تربد سفید ابریشم مقرض بادرنجبویه
دوا کرده دارچینی سنبل الطیب مصطکی رومی جدوار بسباسه
زعفران مروارید و از هر یک دو مثقال حب بلسان اشنان الصف
وزن مجموع ادویه پنج شانزده مثقال ادویه را کوفته بیخته با سه وزن ادویه
عسل معجون سازند تا نسخه معجون حکیم محمد باقر ولد حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی
منقول از خط مولانا ملکی مسوده این معجون مقوی معده و دل و جگر و گرده
و مثانه و ریتین و تمام اعضای رئیسه و عموم بدن است و مقوی باه است
و رنگ رو را سرخ گرداند و بدن را فربه سازد و فرح آورد بیخ جبح
دو مثقال ورق طلا عنبر اشهب خصیة الثعلب بهمن سرخ و سفید از هر یک
چهار مثقال مروارید ناسفته حجر الاجورد ریوند چینی افتیمون سنبل الطیب
از هر یک مصطکی عود قماری زعفران مایه ستبر ایرسا تودری صندل سرخ

دارچ

دارچینی قرنفل زنجبیل بوزیدان سورنجان کبابه چینی خولنجان قسط شیرین
تودری سرخ و زرد سفید کوهی هر یک اوقیه مشک ستی کلک نخنود صندل
سفید پسته صندل آهای ماهی روبیان تخم ترب دررونج عقرب زرنباد
تخم ترخشم کرفس تخم شلغم تخم ترب تخم گوجه خشک مربا از هر یک
سه مثقال ابله زنجبیل پرورده جوزبویه بسباسه شقاقل مربی
هر یک ده مثقال اجزای کوفته بیخته کلکار مرزبان نارجیل بوی هر یک
یک اوقیه بیخته کلسرخ منشوح الا نخ آنچه از هر یک ده مثقال
ورای بکوبند و صاف نموده تخم خشخاش سفید نوعنی جزیره سرخ
چهار بن تخم گاوی تخم خرفه مقشر هر یک ده مثقال نرم بکوبند
و شیره برآورده اضافه نمایند و مطبوخ نمایند و آب انگور آب انار
شیرین گلاب اضافه نموده با چند سفید و عسل مصفی سه وزن
ادویه بقوام آورند پس مغز فندق مغز بادام مغز پسته گردکان جلغوزه
هر یک ده درم نرم بکوبند و بعسل مذکور بسرشند بیرا بتا ادویه

رانند سعوط نموده با پیه شیر سفید و اگر خواهند که مکیف شود وزن اعظم بسر

او و به جا خیل کرده و زرافت بجنی کفا بدارند

معجون جوارشی که ایتیغ حکیم هشتم طبرستی مشغول از خطا فوایده نافع

از برای اوجاع مفاصل و تقویت باه و نافع مرد و زن و نافع

النفع مجرب است و دارچینی سوری و سعدی نشاخات مصری خصیة الثعلب

لسان العصافیر عود هندی مصطکی رومی زعفران هریک سه مثقال

دانه هل فاغله کبار خولنجان قرنفل کبابه چینی مشک بید لیوزندان

زنجبیل سنبل الطیب زرنباد اسارون هندی دارفلفل عنبر اشهب

جدوار خطائی هریک دو مثقال مغز حب الصنوبر مغز حب الفلفل مغز

الجلک مغز بادام هریک هفت مثقال مغز چلغوزه مغز تخم خیار حب هریک ده

مثقال حریر خام اعلی یک صد پنجاه مثقال حریر خام زرورق کرده

یک شبانه روز بخیسانند پس با چهار من آب شاهی در دیک

بزرگ کرده سر آن را محکم نموده چند روز باتش ملایم بجوشانند تا به

ل

طبیعی آبی

بل

برسد که بقوام شاهی باشد پس صاف نموده با عسل سفید مصفی بمقدار
یکصد و پنجاه مثقال جرمی ترنجبین که از خار و خاشاک پاک کرده
باشد یکصد و پنجاه مثقال جرمی داخل کرده بجوشانند و کف
آنرا بگیرند تا صاف گرده بقوام آورند و ادویه بدستور مزبور بر آن
بپاشند معجون سازند و طریق ساختن این معجون آنست که هر یک اجزاء
خشک را سوای مشک و عنبر و زعفران و مروارید علیحده علیحده کوفته بیخته وزن نموده
درهم کرده مرتبه دیگر با هم بیخته عنبر را و مرواریدها را نیز جدا جدا بر سنگ صلایه کرده بر ترنجبین
و عسل و آب چوب چینی با هم بقوام آورده آنگاه عنبر را داخل کرده نیز بهم
برهم زنند که خوب مخلوط شود پس در ظرف چینی نگاه دارند و مقدار شربت
معجون بدستور حکیم عماد الدین محمود است و باید دانست که هرگاه در هر یک
از معاجین و حلواها و جوارشها مقدار چوب چینی را سه مثل آنچه گفته اند و بدستور
مذکور جوشانیده تا ربع بماند و عسل و شیره معجونها و حلواها و جوارشها بقوام
آورده باقی ادویه را بآن بپاشند و ترکیب نمایند بهتر و انفع است

معجون جرب نجیب بتالیف حکیم عماد الدین محمود شیرازی که در امر باه نظیر

ندارد و درد اعضا و اقسام مفاصل بارده و ضعف باه و رطوبت

را زایل کند و ملاحظه پرهیز دارد مطبوخ جرب دارد اخلاط این جرب

بیخ عرب اعیان آنتی مثقال جدوار خطائی محوب خولنجان سلیخه هندی دار پلپل

و زرنیخ عود بند ریوند چینی زنجبیل عاقرقرحا مشک تبتی از هر یک دو مثقال

بهمن سرخ بهمن سفید تودری سفید تخم ترب دارچینی مصطکی رومی قرنفل

هل بوا جوز بوا بسباسه عود قماری خصیة الثعلب زعفران هر یک سه مثقال

مربا و ابریشم مقرض زنجبیل بوره نمر قندق لسان العصافیر از هر یک شش

مثقال مغز پسته مغز بادام جلغوزه مغز از هر یک ده مثقال به دستور

معجون سازند شربت در امزجه متوسطه دو مثقال و در امزجه

قویه سه مثقال و در امزجه ضعیفه یک مثقال معجون جرب

صدر الشریعه گیلانی اشتهای کهنه و درد ناف صفرا و نفخ معده و ضعف باه

و امراض کرده و شانه را نافع است اخلاط آن چوب چینی ... هشتاد

مثقال

بنفشه سلیخه کبابه چینی بهمن سرخ دارچینی اسارون ع

مصطکی رومی بسفایج از هر یک سه مثقال فلفل

زعفران از هر یک دو مثقال مشک تبتی خالص ع

عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور معمول معجون

هر صبح مقدار سه مثقال تناول نمایند ۴ معجون ج

گفته‌اند که در تقویت باه و اعضای رئیسه و دفع امراض

نوشته هلیله زرد هلیله سیاه امله منقا از هر یک

بوزیدان حرب مموده اسطوخودوس بهمن سرخ به

از هر یک سه درم درونج عقرب جدوار خطائی خصیه الثعلب

تودری سورنجان مصری از هر یک دو درم بوزیدان دارچینی

قلمی عود هندی ابریشم مقرض از هر یک یک درم و نیم

مجموع ادویه عسل مصفی سه وزن ادویه معجون سا

۵ معجون جو ... مجرب درگاه سید علوی خان معتمد الملوک

معجون جرب نجیح با تألیف حکیم عماد الدین محمود شیرازی که در امر باه نظیر

ندارد و درد اعضا و اقسام مفاصل بارده و ضعف باه و رطوبت

را زائل کند و ملاحظه پرهیز دارد مطبوخ جرب دارد اخلاط این جرب

بیخ عود [illegible] آتشی مثقال [illegible] خطائی مجرب خولنجان سلیخه هندی بسباسه

زنجبیل عود ریوند چینی زنجبیل عاقرقرحا مشک [illegible] از هر یک نیم مثقال

بهمن سرخ بهمن سفید تودری سفید تخم ترب دارچینی مصطکی رومی از قرنفل

هیل بوا جوز بوا بسباسه عود قماری خصیة الثعلب زعفران از هر یک مثقال

[illegible] معجون [illegible] [illegible] قند [illegible] اعضا از هر یک نیم

مثقال پسته مغز [illegible] از هر یک ده مثقال بدستور [illegible]

معجون سازند شربت در امزجه متوسطه دو مثقال و در امزجه

قوی سه مثقال و در امزجه ضعیفه یک مثقال معجون جرب

صدر الشریعه گیلانی آتشک کهنه و درد [illegible] ضعف [illegible] و ضعف باه

و امراض کرده و نشانه را نافع است اخلاط [illegible] هشتاد

مغز

مثقال سلیخه کبابه چینی بهمن سرخ دارچینی اسارون عود هندی سنبل الطیب

مصطکی رومی بسباسه از هر یک سه مثقال فلفل دارفلفل زنجبیل

زعفران از هر یک دو مثقال مشک تبتی خالص عنبر اشهب از هر یک یکدرم

عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور معجون بسازند شربت

از وی مقدار سه مثقال تناول نمایند معجون مجرب و دیگر که ترکیبش

گفته که در تقویت باه و اعضای رئیسه و دفع امراض سوداوی بی‌نظیر است

پوست هلیله زرد هلیله سیاه املج شقاقل از هر یک ده درم مرید سفید

درونج بادام مجرب بوزیدان اسطوخودوس بهمن سرخ بهمن سفید زرنباد

از هر یک سه درم ... عود ... خطائی حصه الثعلب ... سنبل الطیب قاقله

... سورنجان مصری از هر یک دو درم ... دارچینی قرنفل ...

... عود هندی ابریشم مقرض از هر یک یکدرم و نیم ... اعلا سه وزن

مجموع ادویه عسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند هر روز چهار مثقال

معجون دیگر ... درگاه ... معتمد الملوک محمد شاهی این معجون

اهنه دیے

اخلاط ان پوست هلیله کابلی ۲۱

برای عزیزی که وی مدت شصت ساله بود که او عزیز با اورام مفاصلات

و وجع مفاصل و ضعف باه و ضعف جمیع قوتهای نفسانی و طبیعی و کمی اشتهای

طعام فقرا این معجون را ترتیب نموده همه چوب چینی فی الجمله بعد از چهار روز

با وجود چون رانده نهایت منفعت گردید امراض او بصحت مبدل شد

و قوت ها ازین گردید و شهوت طعام بنحو پیدا شد اخلاط آن اقوی

چوب چینی اعلای مجفف ... عشبه ... هفت مثقال و نیم

چوب چینی را با برگ ورق نموده و عشبه را با دم تیشه مکاری ریزه ریزه

کرده ... ورق ... با ... از هر یک مجفف ...

... از ... پاک کرده پنجاه مثقال ... را در دیگ

سنگین بزرگ کرده و ده من تبریزی آب بروی او کرده سر او را

بطریق ... بپوشند اطراف از خمیر و گل حکمت محکم کرده

... سنگ بزرگ بر روی سرپوش بگذارند و مقدار ده

... همه قلم باریک باتش ملایم در زیر آن بسوزانند تا همه بانجام رسد

پس زود آورده سرانرا گرفته بمالایند پس نبات سفید و عسل مصفی

سفید هر یک پنج من تبریزی داخل کرده بقوام آورند پس چوب چینی اعلی

[illegible] مثقال عنبر اشهب پنج مثقال زعفران چهار دانگ دارچینی [illegible]

سنبل [illegible] سفید شقاقل مصری خولنجان سورنجان دانه هل از هر یک

[illegible] مثقال پوست هلیله کابلی [illegible] مثقال [illegible] نرم کوفته بیخته معجون سازند

و هر روز [illegible] مثقال صبح و [illegible] مثقال شام باین طریق چوب چینی در یکمن

بدستور [illegible] مثقال چوب چینی را در یک من بدستور طبخ نمایند چوب چینی

با یک [illegible] نیمه طبخ نمایند و چون نیمه تمام شود فرود آورده سرد کرده نگاه

دارد و نصف صبح با معجون بخورند و نصف دیگر شام بخورند و از برای

دیگری این اجزا را بر اجزایی که به معجون باید سرشت افزوده نموده

[illegible] کاهربا [illegible] مرجان [illegible] گل [illegible] هر یک [illegible] مثقال

[illegible] وزن چوب چینی [illegible] افزوده نموده و لاجورد مغسول

و حجر ارمنی مغسول هر یک [illegible] مثقال [illegible] داخل کرده [illegible] اخلاط این معجون تمم

نسخه دیگر که اشترای شخصی که شکوه بسیار از ضعف باه و درد اعضا

و رطوبت نمایند مرتبه منتفع گردید چوب چینی عشبه مغربی از هر یک چهارده

مثقال چای ختائی بادیان ختائی از هر یک سه مثقال دارچینی چهار

مثقال گاوزبان افتیمون شقاقل قسط بادرنجبویه از هر یک هشت مثقال

مویز منقی دانه بیرون کرده و برزنگ ورق کرده از هر یک پنجاه مثقال

چوب چینی و عشبه را بدستور مذکور ریزه کرده مجموع را با ده من تبریز

آب در دیگ بزرگی کرده سر آن را بدستور مذکور پوشانند بمقدار

پهنای قلم باریک در زیر آن بجوشانند تا نیمه یا ثلث رسد از آتش فرود آورده

صافی کرده نبات سفید و عسل از هر یک نیم من تبریز داخل کرده بقوام آورند

پس دارچینی شقاقل خولنجان سورنجان زنجبیل دانه هل مصطکی

مامیران از هر یک دو مثقال ابریشم مقرض سه مثقال چوب چینی اعلی هفت

مثقال عنبر اشهب دو دانگ زعفران نیم مثقال پوست بلیله کابلی

سه مثقال مروارید ... سوخته الحمرا ... هر یک

چهار مثقال

چهار مثقال بدستور معجون سازند و هر صبح دو مثقال و شام مثقال

با مطبوخ چوب چینی مذکور بخورانند و اگر خواسته باشند مطبوخ را با نبات سفید

تلخی آن شیرین کرده بنوشند مناسب است و در امراض سوداوی اگر بر

ادویه مذکوره این معجون درونج عقربی و تک گاوزبان و بادرنجبویه

و ملک الملطم از هر یک سه مثقال لاجورد مغسول حجر ارمنی مغسول

روا ربند بانتقه ملک شقاقل از هر یک یک مثقال بافزایند بهتر است باشد

معجون چوب چینی که وزیرست ابه نسخه اول بجای این نسخه کلان و سالی

ازین بجهت شده که سوفقش معجون سورنجان چوب چینی افزوده

زنجبیلی و کمی سقمونیا براو افزوده نام آنرا معجون چوب چینی نهاده

و میا چینی و در آن است بدین نسخه هم نسب و گویند که مستعمل این

معجون را بلا خطه از بادان و غذاهای غلیظه لازم است و اگر در ایام

خوردن این معجون علیلم شوربای ماکجه آب بخورد بهتر است اخلاط

آن چوب چینی اعلی هشت مثقال سورنجان مصری زعفران

مصطکی رومی و دارچینی از هر یک سه مثقال صعتر فارسی مامیزهره [illegible]

پوست بیخ کبر شیطرج هندی برازنا به مثقال سیاه [illegible] قرنفل

خاقله کبار از هر یک دو مثقال پوست هلیله زرد [illegible] محرق [illegible]

از هر یک هفت مثقال نمک هندی زنجبیل از هر یک یک مثقال ادویه

ساکوفته بخته بروغن بادام شیرین چرب نموده بالعسل سرشته مثقال

عمل [illegible] بعد [illegible] معجون سازند شربت سه مثقال [illegible]

تا چهار مثقال [illegible] و اما [illegible] یک مثقال [illegible]

تا دو مثقال و [illegible] معتدله از دو مثقال تا چهار مثقال

و اگر [illegible] روز اول یک مرتبه [illegible] با [illegible]

بسازند که مواد بیشتر [illegible] شود بهتر خواهد بشد و غذا در این [illegible]

نخود آب گوشت [illegible] یا مرغ [illegible] نقل دارچینی [illegible]

و زعفران [illegible] معجون [illegible] دیگر که اکثر از [illegible] هوا و جماع

[illegible] خصوصا [illegible] باشد [illegible] اختلاط ان [illegible]

[illegible]

اسارون مثقال و نیم قرنفل خیربوا بسباسه گل سرخ زعفران زرنباد
خولنجان محمد کوبیده از هر یک سه مثقال دارچینی قاقله فلفل سیاه
سنبل تکی مصطکی رومی بوزیدان سورنجان لسان العصافیر از هر یک
پنج مثقال زنجبیل دار فلفل عاقرقرحا جدوار خطائی از هر یک دو مثقال
عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور معجون سازند و مقدار شربت
در ارجه متوسطه دو مثقال و در ارجه قویه سه مثقال و در ارجه
ضعیفه مثقال با معجون چوب چینی طعام هضم کند و باه
را قوت دهد و درد مفاصل را نافع است و معده
و گرده و مثانه و بدنانرا قوت دهد و اشتها طعام آورد
اطریفلان پوست هلیله زرد و پوست هلیله کابلی هلیله سیاه امله یعنی
پوست بلیله دارچینی بسباسه اسارون قرفة الطیب زعفران سورنجان
حبی ان سعد کوفته کنند و دار فلفل زنجبیل را با روغن ناخواه
نرم کنند نعنع شونیز دان شحم حنظل مقل مصری جوز بوا عنقاقیر اجزای مساوی

چوب چینی اعلی مساوی مجموع ادویه عسل مصفی سه وزن ادویه به دستور
معجون سازند شربت سه مثقال تا [illegible] معجون چوب چینی دیگر
مؤلفش گفته که این معجون جمیع امراض بارده سودا را نافع است و بدن
را فربه کند و صحت افزاید و راحت و سرور آورد و اخلاط آن
چوب چینی که پوست بالای آن را تراشیده باشند مقدار بکنند و شصت مثقال
سنای مکی ۱۲ مثقال زعفران زنجبیل مصطکی رومی دارچینی قرنفل فلفل سیاه
دار فلفل عاقرقرحا شیطرج هندی تخم انیسون هلیله سیاه مثقال ازرق
رنگی سنبل الطیب خولنجان مویز ترکی تالکوه زرنباد شونیز ابهل
هر یک سه مثقال تخم را نرم بکوبند و باقی ادویه کوفته بیخته بروغن گاو
چرب نموده با سه وزن ادویه عسل مصفی معجون سازند شربت
دو مثقال و نیم تا ... از معاجین مجربه کثیر الاستعمال از آن جمله   معاجین
نسخهٔ بهشت که بدین فواید مجمعه و نتایج مجربه در اکثر اشخاص و امراض
زمان مشاهده نموده ام اول این نسخه پنج جب هشتاد دارچینی

سورنجان

لسوربجان از هر یک سه مثقال کل چوبهان با رنجیوه مثقال سقاقل زرنباد

زنجبیل ... زعفران درونج عقرب مصطکی هر کدام یک مثقال

با سه وزن عسل علی الرسم معجون سازند شربتی هر صبح و شام

دو مثقال با یک فنجان آب طبیخ چوب چینی تا ...

دوم نسخه نافعست الحبان روم و فرنگ و جذب اکثر امراض جلدیه

و امراض و باطنیه و مفاصل را بغایت نافع است صفت آن چوب چینی

۳۰ مثقال دارچینی پنج مثقال جوز بویا بسباسه کبابه چینی ریوند چینی

سنا مکی کندر مصطکی از هر کدام سه مثقال زعفران یک مثقال

به سه وزن عسل علی الرسم معجون سازند شربتی ~~چوب چینی~~ هر صبح

و شام یک مثقال با یک فنجان آب طبیخ چوب چینی بخورند تا ...

سیوم نسخه اینست که مستعمل اکثر بلاد است چوب چینی ده مثقال

ریوند چینی سه مثقال سنا مکی پنج مثقال دارچینی سه مثقال قند سفید

ده مثقال علی الرسم معجون سازند هر صبح و شام یک مثقال بخورند تا ...

قرنفل بوزیدان

فی الجبه قرص نافع است از سنگ جهت خروج بعقد نافع است صفت گلنار پوست انار

حب البلوط مورد ورق گلسرخ تازه و سبز از هر یک قدری گرفته بکوبند

و دران آب بشنیند نسخه حب ارمنی عقورش صفت آن زعفران ۲ ماشه

پوست ترنج ۳ ماشه مصطکی ۶ ماشه قرنفل ۳ ماشه بادرنجبویه ۳ ماشه

حاجله گلنار ۴ ماشه مقل ازرق ۱ ماشه ارسیف دفعه اب لیمو دفعه ماست سعید

دیگر همه را باشند و نبات بقوام آرند و دوا کوفته بیخته داخل کرده

علی الصباح معجون سازند حب مجرب جهت سل مجاری سرفه ۱ ماشه عرق عنبر

۴ ماشه رب السوس ۴ ماشه مخمور مشوی نیم دانگ از زرد ۲ دانگ صمغ عربی

دانگ اریسا دانگ کتیرا دانگ کوفته بیخته با عرق مدشک حب سازند

قبیل از نفوخ فرو برند حب سعال صمغ عربی ۳ ماشه کتیرا ۳ ماشه رب السوس

۲ ماشه بیدانه مقشر ۲ ماشه تخم خطمی ۲ ماشه تخم خشخاش ۳ ماشه تخم کوکنار ۳ ماشه

با جلاب خشخاش ۳ ماشه بیدانه کرده ۵ ماشه مغز بادام ۳ ماشه شیرین بزرگ ۲ ماشه

تخم بلوط ۲ ماشه انیسون ۳ ماشه ترنجبین ۵ ماشه سکنجبین ۳ ماشه

حلیمو

حلیمو ۲ ماسه کوفته بیخته روغن بنفشه اضافه نموده بلعاب بهیگونه که از عرق

بالان گرفته باشد حب سازند ۞ حب سفید روشن برای قطع بول سفید

و ناصفه و احتباس دم حرب بیست اسفیداج روش ۳ ماسه نشاسته صمغ عربی ۳ ماسه

شیطرج هندی ۳ ماسه تخم کندنا ۳ ماسه توتیا در تنهایی خبث الحدید ۱۲ ماسه

زنجفیل ازرق انقدر زیوان داخل نموده حب بقدر نخود شربتی بقدر

حب نخود عدد و در اگر خواهد معجون سازند ۞ حب صبر ایارج

فیقرا ۶ مثقال افتیمون اسطوخودوس شقاقل زنجبیل هندی غاریقون

هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست هلیله زرد ۶ شحم حنظل کتیرا سقمونیا

هر یک دانگی کوفته بیخته با آب حب سازند ۞ حب نزله بزد بارد

زرانبیج هم ماسه تخم خشخاش ۶ دانگ کندر ۳ دانگ صمغ عربی ۶ دانگ

گل ارمنی ۳ دانگ رب السوس ۶ دانگ سرطان محرق ۶ دانگ

سوختن لک ۶ دانگ مورخ خشخاش ۶ دانگ افیون خام زعفران

هم ماسه سوبادم زنجبیل ۶ دانگ کوفته بیخته بلعاب بهدانه و کولبا زرشنیز

دوا بلیته قرقانت از سنگ جهت خروج معقد نافع رب صفت صنعته گلنار پوست انار
جفت بلوط مورد ورق کلنج مازو سبز از هر یک قدری گرفته کوفته بجوشانند
و در آن آب بنشیند نسخه جوارش عقور صنعت آن زعفران ۲ ماشه
پوست ترنج ۳ ماشه مصطکی ۴ ماشه قرنفل ۳ ماشه بادرنجبویه ۳ ماشه
جاجله گل نار ۳ ماشه عود هندی ۱ ماشه اسپند دفعه آب لیمو دفعه نبات سفید
و همه را باشند و نبات بقوام آرند و دوا کوفته بیخته داخل کرده
علی الصباح معجون سازند نسخه حب محرق جهت سل مجاری سرفه ۲ ماشه مصبر
۴ ماشه رب السوس ۴ ماشه تخم خشخاش تخم کدو و رب از هر یک صمغ عربی
ورق از هر یک کثیرا و رب کوفته بیخته با عرق ... حب سازند
قبل از نفوخ ... حب سعال صمغ عربی ۳ ماشه کثیرا ۳ ماشه رب السوس
۲ ماشه بیدانه مغز ۳ ماشه تخم خطمی ۲ ماشه تخم خشخاش ۳ ماشه تخم ... ۳ ماشه
با جلاب ... ۳ ماشه سپستان ... ۵ ماشه مغز بادام ۳ ماشه شیرین بزرگ ۴ ماشه
مغز ... ۲ ماشه انیسون ۳ ماشه ... ۵ ماشه سنگ ... ۳ ماشه

حلبو

[illegible]

حلیمو ۲ باسه کوفته نبخته روغن نفشه اضافه نموده بلعاب نبگو...

با لان کرفته باشد حب سازند ها حب سنند روس برای غ...

و با ضنه و احتباس دم حرب ست آ سنعید روش ۳ باسه تو نسا...

شطرج هندی ۳ باسه تخم کند نا ۳ باسه توتسا در هم باشه حبت

و نعل ارزق الغذ ریوان داخل نموده حب بقدر نخو...

حب نج عدد و ذبر دا کر جواهد معجون سازند ها حب

قنقرا نیقاب افیمون الطوخودوس سفاج زنج هندی ...

باک بیدانک تربد سفید پوست بلیله زرد شحم حنظل کر...

باک دانگی کوفته بیخته باب حب سازند ها

باز رانبح هم باسه تخم حبحاس ۲ دانک کشنه ۲ دانک صمغ

لک ارمنی ۲ دانک رب السوس ۲ دانک سرطان ...

بوخن لکو ۲ دانک بوخن خنازخن ۲ دانک افیون

۲ باسه بوبا ادم زنج ۲ دانک کوفته بخته بلعاب بهدا...

حب سازند بقدر ماش [illegible] بدارند ۞ حب سعال نشاسته کثیرا تبغال ۲ ماسه

رب السوس ۲ ماسه صمغ عربی ۲ ماسه کثیرا ۲ ماسه پسته ۲ ماسه خشخاش سفید قند ۲ ماسه

آرد باقلا ۲ ماسه بزر البنج ۲ ماسه کوفته بیخته بآب ترنجبین سرشته حب سازند

نافع باشد ۞ حب زرد ۞ بارو بزر البنج ۲ ماسه مصطکی ۲ ماسه کثیرا ۲ ماسه

کهربا شمعی ۲ ماسه گل ارمنی مغسول ۲ ماسه رب السوس ۲ ماسه نشاسته ۲ ماسه

زعفران ۲ ماسه گل گاوزبان ۲ ماسه ریوند چینی یک ماسه تخم خشخاش ۲ ماسه

ترنجبین خیارشنبر ۲ ماسه افتیمون ۲ ماسه کوفته بیخته بآب کوکنار سرشته

حب سازند بقدر نخود تا یک ماسه فرو برند ۞ حبی که برای کلف و ترنجبین

دوا نافع کنند اگر با ماء الجبن خورند بهتر ایارج فیقرا ۲ دانگ افتیمون

۵ دانگ لاجورد مغسول ۳ دانگ سقمونیا مشوی ۲ دانگ تخم حنظل ۲ دانگ

خربق سیاه دانگ سنبل دانگ افتیمون دانگ کوفته بیخته حب سازند

حب سعال و سل صمغ عربی ۳ ماسه مغز بادام شیرین ۳ ماسه بهدانه ۳ ماسه

حب القطن ۲ ماسه رب السوس ۳ ماسه نشاسته ۳ ماسه حب الصنوبر ۳ ماسه

تخم خرفه مقشر ۳ ماشه بزر تخم خبازی ۵ ماشه قند حب القرع ۵ ماشه

کوفته بیخته بلعاب بالنگو سرشته حب سازند ما ط حب نزله قرعه تخم کدو ۳ ماشه

مغز تخم خبازی ۳ ماشه نشاسته ماشه رب السوس ماشه ابرسیا ماشه

صمغ عربی ماشه ۳ زوفا خشک ماشه بنفشه ۳ ماشه اصل السوس ماشه کوفته بیخته

افیون ۱ ماشه زعفران ماشه سوده بآب کاهو حل کرده ادویه سرشته

حب سازند زیر زبان نگاه دارند حب که جهة بواسیر و روده کلی

و قطع خون شدن و نیکوئی رنگ را نافع است خبث الحدید را بالخل

بآب برگ گندنا تا سه روز هر روز آب گندنا تازه بر سر اندازند بعد از آن

خشک کنند و بمورد آن خردل ابیض بزر تخم کدو تخم بادنجان تخم گزر

بزر النجاک بزر الکراث هلیله بر یک ربع خبث الحدید کوفته بیخته معجون سازند

بآب گندنا و حب بندند و شربی یک مثقال در هفته دو مرتبه تا یکمرتبه بخورند نافع

حب للادرار الطمث حب الغار یک عدد سرشته حبها ساخته شربتی یک مثقال

حب للدوار والقطع هم بواسیر هلیله زرد بلیله ۵ ماشه کشنیز آمله ۵ ماشه
۵ ماشه

داروی نقرس باره کوفته بیخته با روغن زیت سرشته بعجن بالعسل شربتی ازان

یکمثقال ... ایضا حب لذلک صبر سقوطری ... تخم ... الغنیده

جوز سیره ... مقل ازرق ... اسق ... غاریقون سفید ...

عصاره غافت ... حب النیل ... سکبینج ... تخم حنظل ...

بآب گندنا معجون سازند و حب سازند شربتی یکمثقال بآب گرم بخورند

حب دیگر برای قطع بواسیر ... و درد عقربی هلیله سیاه بلیله

شیطرج هندی عاقرقرحا نوشادر فلفل و دار فلفل تخم گندنا اجزای

مساوی کوفته بیخته بآب برگ مورد سرشته حب سازند شربتی ازان

دو مثقال بآب گندنا ... دوای لوجع الاسنان ... اصل ... الثبت

قسط اجزا مساوی ... و ... الاسنان ... لانضاج

الدمامیل خطمی ... سنبله بابونه روباه ترک اکلیل الملک تخم مرد

مردار سنگ تخم کلم شیر گاو تازه با قندی زهره گاو با روغن گوسفند

... ضماد لالتهاب الاطفال کمون کرمانی عنبر ابلوج ... حب الرمان

قسط

طرائیث جلنار کزیره یا حب الآس حُصَض بِکَا اوان بوا السحق ویعرک

بصفرة البیض ویعجن برب السوجل ط دواء یجیب النفع لربد

الاطفال والورم حتی فیقطر اثره فی وقته انزروت مربا بلبن الاتن

عشرة دراهم حشیش بلبه دراهم یسحق ویستعمل ذرورا ط دواء کله

عرق آورد وتقدری کوره اسیه سیاید با روغن بادام شسته بریدن مالند

عرق آورد ط دوائکه عرقی نبدکت سرمه اصفهانی کلک لدینی یاب

ویک زردک ... نماید ط دواء للبول فی الفراش سعد کوفی حب الآس

کوزنج بزری یعجن بالسکر ویوکل وقت النوم ویوکل بعده بیض الکبیر

ط دواء یقطع البول سیر وینقی الدماغ من الاخلاط الردیة الفاسدة

ویقطع الاسهال بیلیله اصفر اوقیتش بلیله مصطکی ترید ابیض مجوف

کلواحد اوقیتش دارچینی اسارون کلواحد لصف اوقیه بیدق

ونیک وشیرکسته ا‌واق من دهن البقر ویعجن بالعسل ویستعمل ط

علاج للبول فی الفراش شاه بلوط ۲ درهم کلنار ۲ درهم دار فلفل درهم

در تفتیح هندی کوهیا

تغلب درم کوفته بعسل بیاویزند و بقدر یکدرم بخورند ها فایده خاصه کوسفند

باکرده کوسفند بریان کرده بخورند ها ها دواء لقطع النزف

من الرحم اقاقیا نیمه عصاره لحیة التیس نیمه حضض نیمه

دوغ محرق نیمه طین قبرسی نیمه بعد انتقال کوفته بخته با آنکه کشنیز خشک

دران جوشانیده حمیه کنند شربتی دو مثقال ناخنخ باز ها ایضا کوکل

طین ارمنی طین قبرسی ... دم الاخوین سایح عدس کلنار فارسی

... ابل محرق و دوغ محرق بزر البقلة ... کسوا سحق و شربت درهمین با آب

العادر ها دواء دیگر زنانیکه حامله شوند زعفران ... سنبل اکلیل الملک

هر یک ... درم سایح هندی ... درم قرنفل ... هر یک دو درم بخلط

الجمیع مع صفوة البیض ویحتمل المرة بعد الطهر ها ها ها ها دواء لقطع دم

الحیض من المخصوص کلب الکلب یوخذ من الربان ابتدا اوسط ده اوایل

الصیف و ... تقدر ... و من ... اوراد ومن الکندر

... و بیدر و درهمین او ثلثه دراهم ... یوم ... علی الماء

الجز

دلشریب من الحضرة الطیب ﻫ و دوای الخروج المقعد جوب بلوط و گلنار

مالیده و سنجر السرو کاغذ سوخته مساوی کوفته بر مقعد افشانند

دوای الیتلیین الابط شبیه تمامی مرور و اسپ مرداسنگ بدق ناعما و

یغسل الابط بماء الاشنان و لیتعمل تا منع جدا ﻫ دوای لانبات

الشعر بر نیجه کا الماء بدهن الزیت و یداب بلطف الیه

حب الغار و یطلی به الشعر ﻫ وزن دگر مانع من البرد و نبات الاجفان

ارزوت حنه و راه حشیش کدانک سکو طرزد در همین و نصف بدق

ناعما و یستعمل ﻫ سنون که به گوشت بن دندان پاشند و ناخن

و با صلاح آرد و زرآوند و دم الاخوین کردسنبه پنج گوش اجزا مساوی با انگبین

و سرکه سرشته ﻫ وزن دیگر الحکم من جهوه معتمد قالب محدد کرما

هذه الدواء ینبت اللحم و هو علی القلاع العارضه و عجیب و نیز و قسوره القلاع

من القلاع الفاسد اصل نایت ابی و شبر اصلت سوس الاسما جونی

زراوند و مایق ... سرستو ... و دیگر ... ﻫ ﻫ وزن دیگر

و هو الدوار

و نوان بسنجنک کبید کلسنج یار قیماع یه یاسه حیث بلوط یه یاسه مکعار یه یاسه
حب الآس یه یاسه خرنوب نبطی ۵ یاسه سماق ۵ یاسه بلیله ...
کوفته دربی و نوان یا پسند ... للبرص الابیض دهن الباذنجان
ان یطبخ الباذنجان فی ماء و ملح قلیلا علی نار متوسطة حتی ینضج ثم
یصفی عنه الماء و یحک علی الماء بشله زیت و یطبخ حتی یذهب
الماء و یبقی الدهن وحده ... روغن جهة تحلیل نفخ و بدن بالله
شملیز سیاه وا به ۵ یاسه کنجد سیاه ۵ یاسه خردل تودار ده ۵ یاسه روغن
از وی کشند ... روغن برگ سیب بجهة زخم ناصور و همه زخمها بکار بند
برگ سیب را باریک سوده و بوزن ده توله قرص سازند بعد ان یک
چتایک روغن کنجد را با قرص بجوشانند تا زمانی که قرص سوخته شود
بعد ان سر و صوف ... سوده مردارسنگ کوشت ... بگیرند
و باریک ساییده و در اصل روغن سوده یکجوش دیگر بدهند ...
شیاف ابار اطلی علی العین ینوم المریض و هو عجیب ... و لک شیاف افیون ...

كلواحد جزو صمغ عربي كتيرا من كلواحد ثلث جزو يخلط ويعجن بماء المطر ويستف

كما ينفعه الى حبة يحلل بماء الكزبرة او بياض البيض ويكتحل به الجفن طلا شياف

للبياض يوخذ من ماء الرازيانج الرطبة عشرة دراهم ويضاف اليه خمسة دراهم

من السكر الابيض ويغلى حتى يذهب الماء ويبقى السكر ويستعمل ثلثة ايام

كل يوم ثلثة مرات طلا نافع رنجبيل وحبس اسهال مائي بسبب اخراج مادة

موجبة للاسهال نافع است ولوزال وو درصحت اثر تمام دارد طلا للخنازير

يدنها ويدبها يوخذ من اماء الكرم والزفت سكل واحد جزو يداب كالقير

بدهن الزيت ويجعل مرهما ويطلى به طلا شياف يسقط الثواليل

كندر ملكار عفص انزروت اقاقيا شب يمانى اجزاء سواء يسحق ويعجن ويستف ويستعمل

ضماد للفتق مصطكى كندر طين السمك انزروت صبر عفص اقاقيا ماميثا

ملكار دم الاخوين كل واحد درهم كوفته با آب صمغ معجون سازند

وضماد نمايند طلا ضماد في علاج الفتق صفة اقاقيا جزو اس وصبر قشور

رمان يعجن بماء الصمغ ويضمد طلا الصبا كذلك مركي زعفران جلنار خف

محرق رخ بیض و بصید و بند ها طلاء للبحی یعنی کبیرا اقاقیا مغاث صبر

گل ارمنی خطمی ابا ارس ماش کوفته آب مورد سرشته ضماد نمایند ها

ایضا فی علاج الفتق اذا کان نزول الامعاء فی السرب بر [illegible] سعد کوفی تخم کتان

مرزنجوش اقاقیا کندر [illegible] همه را کوفته بیخته [illegible] السمک سرشته [illegible]

ضماد نمایند ها للدغ العقرب کحل بورة ارمنی فی خل الخمر و یطلی [illegible]

الجهت ها ایضا للجرب [illegible] ۲ ماش ۲۰ مرکی ۱۰ گل ارمنی

۲۰ خطمی سعد ۱۰ اقاقیا ۵ کوفته بیخته بالسفیدی تخم مرغ و آب مورد

سرشته ضماد نمایند ها طلاء للبرص ینفع بالخاصیة [illegible] و یطلی علیه عسل بلادر

حتی یتقرحه و یاکل لحم البرص ثم یعالج القرحة ها ایضا للقوبا [illegible] السعال

اصل الکرم الابیض [illegible] و یطلی ها طلاء [illegible] سکستن [illegible]

بود صبر سقوطری ماش مرکی زعفران کف ارمنی خطمی لادن اجزای مساوی

کوفته آب گشنیز ناطلا نمایند ها طلاء للقوبا الذی یقشر الحکه خربق اسود

و خربق ابیض بورق نخود اصل الکبر صبر یطلی [illegible] ها طلاء للبرص

طلاء للقوبا خربق ابیض [illegible] [illegible] [illegible] سرکه [illegible] نمایند

[illegible]

بحکم موریه لطلی الذرایح اجزای سواء لطلی لطلح الفوج بعد از ان بدیک بالفصیل

اجله الصلب ویکاجینیا ط طلا که سوخته آتش را نفع دهد برگ حنا کوفته با سرکه

با روغن درهم کرده سرشته طلا نمایند ط ایضا للعوبا کافور قیصوری با آب زده

درهم سرشته طلا نمایند ط ایضا للرنگ القوبا درخت توت سوخته سائیده

با روغن کدو سرشته طلا نمایند ط طلا لتسوید الشعر یقویه یوخذ آس و قشور الجوز

الرطب واقماع البوردس کل واحد نصف جزء یدق ویعجن بزیت ویستعمل

طلا نمایند ط طلا نافع لآثار السواد فی الوجه یوخذ دقیق الشعیر با جلا احلک السوس

الاسمانجونی مکفف واحد درهم نوشادر اشق کل واحد اثنا عشر درهم

یحل الاشق بماء الی ر ویعجن به ابتوا فی ویوض وعند الحاجت یحل فیه بیاض

البیض ویستعمل طلاء نمایند ط طلا که آثار آبله ازرو ببرد مردار سنگ آش حبر بروده

نخ ای آرد نخود استخوان پوسیده آرد برنج تخم خربوزه کوفته و بیخته سب طلا کنند

وصباح در حمام بشویند ط طلا للکلف تخم ترب تخم خربزه با قلا اجزا مساوی

کوفته بیخته با سرکه سرشته طلا کنند ط طلا للکلف الغلیظ ترس باقلا جو مقشر

طلا للکلف [illegible]

حمص کرسنه بزر البنج هر یک چهار درم قسط مو بادام تلخ بیخ سوسن آسمانگونی

حب بلسان زید البحر زراوند مدحرج هر یک دو درم تخم ترب فلفل سیاه کندر

از هر یک یک درم اجزای را کوفته با آب گرم در آن نخاله جو سائیده باشند بسرشته

۱۰ هر روز یک دو بار طلا نمایند طلا للنمش بورق بورا لمر قشور الکندر

مرتک و بورق و یعجن بماء طبخ فیه تین و یطلی طلا للکلف تخم سداب

خشک در سرکه بخیسانند یک شبانه روز بعد از آن قدری نمک تازه باید ازد

سیر و حب بلوط بر آن برکرده ضماد کنند طلا کرح را نفع دهد گوگرد

سفید اما سه بار سفیدی یا سه بار بورا نمد و با گوگرد و صلابه کرده در

شلیات روغن کنجد چندان بخوسانند و طلا نمایند طلا محمد دیگر باکو کر سوخته

را به از این علاج نیست بگیرند نمک سیتور کهنه بگیرد نمک هم جزو کوفته

بسرکه بسرشتند طلا نمایند طلا للجرب زیبق ماش مرداسنگ ماش

ماش گوگرد ماش سرکه ماش روغن سه روز طلا نمایند طلا صنعته

طلای که سعفه کودکان را گشوده دارد بگیرند زرچوبه و حنا زراوند طویل مرداسنگ

الر

برنت انارهمه را بکوبیند و بسرکه ترکرده و بروغن گل حل کرده طلا کنند

طلا للثوبا زیبق مقتول بحنا و آب لیمو روغن شقایق ۵ ماسه روغن زرین

۵ ماسه روغن زیتون ۵ ماسه روغن گلسرخ ۵ ماسه روغن کنجد ۵ ماسه مومیائی

کانی ۲ دانگ ترزوی خطائی ۲ دانگ ماه فرفیون ۲ دانگ گوگرد

فارسی ۲ دانگ سم الفار روغن بپزند ع غرغره علق را بیرون آرد

آب گشنیز و نمک و سرکه غرغره نمایند ع فایده لالک اگر نوشادر را

باب صلایه کرده از بیرون بر گلو طلا نمایند ع علق را برآورد و همچنین

سیر خوردن زرگلو بیرون آوردن شوتیر و سپند خوردن نیز همین خاصیت

دارد ع طلا للدم المیت فی العضو الحادث من ضربه او سقطه زرنیخ اصفر

شلیخه فلفل با موم کنند از اصدای تجدیر سیاق و بطلی عند الی جبه بمای انکبیره

بلیابت عجیب النفع ع طلای لداء الثعلب سر موش را خشک کنند و کوبیده

ول نهند و با عسل طلا کنند ع فرزجه که بدن را و چرع را خشک کند و تنگ

کند هلیله سنگ ازرق ریتیان نبات خرنوبه زنیار محک عنب الثعلب برابر مویز زرد آلو

انتقاد طلا نفع البلغمی [illegible]

[illegible] غرغره [illegible] علق [illegible]

کوبند با با سرکه غرغره کنا [illegible]

الو زراج سفید سوخته شفتالو مومیایی گند تا تانیع حک بررد کوفته با عسل ورث

بیاز بقوام آورند واو وبه رادران کشند و فرزجه سازند که نبات مجرب است

فرزجه که او را رحیص کنند تا بت این فرجه میگویند که زنی که حیض بند شده باشد حیض نیابد

بدین کی اه شد اشنان فارسی عاقرقرحا سداب سونیز و فربیون اجزای مساوی

با قدری مشک و چند بید ستر و روغن بان سرشته به پشم با آرند احتمال نمایند

تعوق یقطع النخمه والصداع البارد وظلمه العین ویهیج الباه سنبل الطیب قرنفل

دارچینی حب ... فلفل ابیض دار فلفل اسارون سلیخه قصب الذریره

سعد کوشنیز حب الاس قرفه فاقله اجزای ساوی ویسحق وینخل ویلعق اشربه

منه درهمین ... ... جهته سوخته آتشین کل کیوره کوفته با سفیدی

بیضه مرغ سرشته طلا نمایند مرهم نافع للتواصیر غیر النافذ دم الاخوین

... ... روانی یسحق

ناعما ویعجن بدهن البنفسج ویستعمل ... ایضا للتواصیر النافذ کبریت حجر

الیمنوم حجر الکحل برادة الفضة ... سلخ الحیه ... رفت رومی دهن الجور

فی الدهن

ملدار یوم نیزابت الزیت و یلقی علیه ما فی الادویه مرقوقه و یستعمل نافع

معجون العجایب مشهور بدوای السته هلیله کابلی هلیله زرد بلیله آمله مقشر
هر یک سی و شش مثقال عیار شیر مغز سه مثقال فلفل دراز قرنفل فلفل مویه
افسنتین هر یک دو درم زرده مثقال سه شیرینی و چهار مثقال اجزای کوفته
بیخته فانید سپید درم بگیرند و در دیگ کنند و آتش ملایم بگذارند و دارو
را در آن ریخته علی الرسم معجون سازند اگر بجای فانید انگبین و شکر باشد
بهتر بود و این معجون را سپید و منضدت و شش حب سازند بعدد ایام عدت
هر روز یک حب را باید خورد نفع بسیار دارد جمیع امراض را دفع کند
حتی پیری را تا مع است نافع مرهم بلشقاق از مس زفت راتیج شمع الاصفر
ملکه عمرین و روغنها بار بزد اربعه درا هم بجعلها بدهن الزیت مرهما نافع
موم زرد روغن حیله گشفه صابون قدری برق کل به بپزند تا کف تمام برآرد
بعد از آن نیم مثقال موم کافوری کار نفرموده قدری روغن نیم مثقال قدری موم
روغن سازند نافع موم روغن که بدن ما تربه کند صبح عنایت سپیدان

بتخم خیارین مقشر و تخم کدو و زنبق بهدانه بیخ بنفشه ترکیب لادن صندل جهت

ترکیب با پیه سفید بلبله تازه بدستور موم روغن سازند نوع دیگر مرهم که جهت

سرطان را نافع باشد بوجند اسفیداج الاسرب توتیای مغسول بالسویه

ویسحق بدهن الورد و ماء بقلة الحمقاء و عنب الثعلب او لعاب بزر قطونا

او ماء القرع او ماء الخیار اینجا حقه و توضع علیه بهذا المرهم ینفع الصحیح

او اضیف الیه منصوری نوع تهیه مفاصل و نقرس و خنس مجرب است

سورنجان ۱۰ ماشه سنا مکی ۱۰ ماشه برگ حنا ۱۰ ماشه مغز بادام شیرین ۱۰ ماشه

رب السوس ۳ ماشه زعفران ۲ دانگ ریوند چینی نیم ماشه کوفته بیخته ... ریزند

هر صبح با سماک مثقال بخورند تا صحت یابد نوع مرهم که بواسیر رحم را نافع است

عروق مرداسنگ افلیمای فضه روغن برگ موم زرد مرهم سازند در استعمال

کنند نوع ایضا ضماد للدود و مجرب یدق الثوم و یخلط بطبیخ الحنظل و یضمد

تحت السرة نوع ایضا طلا مجرب افسنتین رومی ... برگ شفتالو زهره گاو

ذبیحه طلا نمایند نوع روغن برای فالج مجرب شیره برگ ریحان بستانی

بابد

بالیست بار شیر وبعد ازان روغن کنجد بجوشانند تا آب خشک شود و روغن صاف

نموده نگاهدارند هر صبح و شام مالند تا صحت یابد طلا دوای آتشک

مجرب هلیله سیاه دو دام هلیله کابلی نیم دام وریکفید و سنبل دو آب بیمو

نام او و سحق نموده گولی مقدار کنار خورد به بندند یک حب هر روز فرو برند

صبح تا یک هفته روز و از همین حب با آب بر جرح طلا نمایند

صحت یابد طلا جهت کلف وبهق و شقاق کرسنه پوست تخم مرغ

ابریسم خام قسط تلخ مرداسنگ و شاخ گوزن سوخته بوره ارمنی

تخم خربزه با پوست کوفته زراوند طویل بادام تلخ نشاره عاج سرگین

کبوتر آرد نخود حرشف صلایه کرده بر موضع کلف و بهق را چند روز

طلا نمایند طلا ایضا مصفی که تا بمناسب نگاریست بازو بر

کندر پوست انار دانه حرمل سوخته توتیا نحاس صعتر بری حنا بلوط

دانه زعرور ورد سرایت را طلا نمایند با آب یه ترش سرشته استعمال نمایند

مر نخلة المؤمنين است طلا ایضا یفید الشیب بکر امن المجامع عنوص

و جزو فقاح اذخر یک جزو با ته شراب آلوده کرده چند روز استعمال نمایند

فرزجه دوای زنان را بی دفع رطوبت غلقت مازو و شبر گلنار سماق

سائیده و بکجا سوده استعمال نمایند ایضا عاقرقرحا کات کلان سنبل الطیب

سنبل الطیب خون سیاوشان مازو و شبر گلنار سعد کوفی بهدانه

ملقت زنجبیل دارچینی مشک سائیده و بحو سایند و شیاف کنند نافع

ایضا حمول از جالینوس ترتیب طبیعه نوع مجرب منافع دارد تنقیه

و تقویه عنق رحم و تسخین و تلطیف و از انکه را ابدال زن و جذب

مواد از فرزجه و جذب منی مرد سعات سیاه مریحوش شنجار

کندر اذخر کلیج پوست آثار ترش بالمویه باروغ بان

و اشقاق آن سرشته حمول سازند بالبته اول روز حمول نمایند و شب

اخراج کنند ایضا که سریع الاثر است عود غرقی سعد کوفی

رامک راسن اقاقیا غلقت مازو و شبر هر یک جزوی مشک دو

جوی با آب به با آب خوب سرشته استعمال کنند ایضا بول استعمال

باکر

نمایند بعد از جماع و ولادت ثابت ترسیع نشود و بدان اسپریت استعمال

سم بز صنوبر تارتی خزوماتل سرطان بحری مری خرس این همه را

بسوزانند و با روغن بیان سرشته و در هر ماه سه بار استعمال نمایند

بقدر یک ماهک بالتمه حمول باید نمود ایضاً برای خرسنس که بر سر و بدن

اطفال بهم رسد کنوبک اتوکه سار درم زیره سفید درم طباشیر سفید درم

صندل سرخ درم کهروا درم ادویه را خوب کوفته بیخته با قدری روغن

و اهل نمک مرهم ساخته بر خرسنس بمالند ایضاً جهه دبه

دار بانه زیره کلسرخ هر همه را خوب کوفته بر شکم طفل ضماد

نماید و در صفه را صعتر [illegible] باکوزه [illegible] سنگینی دبه ایضاً جهه دبه که

اطفال را در ایام شیرخوردگی بهم رسد بین بهک ده ماسه زرد چوبه

در شیر دایه سائیده بطفل دهند نفعیت الهی به شود ایضاً

القاالدیک جات کوفته هر ابلیح [illegible] گداخته در بول ماده گاو و در

ان خرسنس دهند تا بقوام آید بعد از آن برابر ماش حب سازند

یک حب صبح و یک حب شام بطفل دهند ۞ دوای ذلک مجرب است

طباشیر سفید توله کهیر بهلت توله سم الفار سنگهیا توله پهلدوه توله

ادویه را کوفته بیخته در آب برگ پان بقدر فلفل حب بسته یک حب

صبح و یک شام تا یک هفته بخورند غذا شیر گاو فقط اگر بر شیر حاجت نکند

برنج ماهی و دخل گروه شیر برنج ساخته بخورند ۞ برای موخوره

حب السلاطین با سرکه خوب سائیده جائیکه مو بر طرف شده باشد

بالیقین خوب بخارند که سرخ شود من بعد طلا نمایند اگر احیانا سوزش کند

آنکه ماست بمالد بر طرف شود ۞ ایضا گل قرنفل مغز بلادر تخم ۲ ماشه

فندق ۲ ماشه موبرنج ۲ ماشه هر سه را کوفته باریک سائیده در روغن اسبوت

آمیخته در جائی که مو ریخته باشد مثل مرهم بمالند ۞ برای سلاق و جرب

و قوبا گاو بمالند اما اول باید که موضع جرب را خوب بخارند تا خون آید

بعد ازان بمالند ایضا گله چره فقط هم بر موضع جرب و قوبا بمالند نافع است ۞

برای بواسیر خونی آکاس بیل ۳ ماشه مرچ ۳ ماشه شکر ۳ ماشه آب شستن

بادام شیره کرده بنوشند و سه روز هر قدر که خون اندیه بود
بنواکرمی انار ترش گرفته و مهره آن و شغال آن قدری
برنشیند زرآب سائیده شیره برآورده قدری نمک بی نمک سابیز
و داخل کرده بنوشند تا هفت روز هـ جهت قوت باه و حرارت گشت
بوی ... را سائیده بر موضع جرب و قوبا بمالند و بول طفل
بانمک نافع زیست هـ فایده برای شخصی که مجامعت نتواند کرد بسبب
ضعف جارو زهره گاو و چهار پرکس عقرقرحا بوزه همه را در هاون
بکوبند و در زهره مذکور سرشته وقت جماع طلا نمایند مجرب است
ایضا موی سر آدمی را در ظرف کرده سوزانند و با بول طفل درهم
کرده در حمام بمالند هـ ایضا روغن کک تا هر که و مروارید ... القدر
بکوشانند که هر که سوخته شود در روغن نماند بر موضع شقاق و حرب
بمالند نافع است هـ فایده بجهت حافظه فرموده حضرت امیرالمؤمنین
علیه الصلوة والسلام زعفران سعد کوفی کوفته با عسل معجون سازند

وبخورند ها الضا ان معاجین باه های سقنقور نمک اندرم خوب سازند

انکه پارن زنجبیل پرورده با عسل مرا کند وبخبا زند وبدان

سیر سرشته وحبها سازند بقدر نخود وقت حاجت یکی

ازان وردهن نگرید ها فایده بری ضعف باه افیون یک درم

نمک اهوانک زعفران درم باروغن جزی باروغن گاو کهنه

وبر قضیب وحوالی آن طلا کنند ها الضا بوره ارمنی سائیده

ودرعسل در روغن گاو کهنه توقیت حاجت برقضیب و خصیه و عانه

طلا نمایند ها دیگر آنکه خراطین صحرایی کردن او باز رفت وبرگ

کدو حنه بزرگ کردن قضیب نافع است و زیره مرزنجوش مطبوخ

او با قضیب جاری ریخ طلا و ضماد اندرین باب مجرب است و قطور

او با پیه و روغن زیتون جهت درد گوش نافع است ها ها

الضا سرگین کبوتر سفید که باشد بازرفت رومی سائیده وبر قضیب

طلا نمایند برای قوة باه مجرب است و بسیار نافع بلکه صد بار بیماند ها

یار

باب سیم المقویات در تقویت باه و سختی قضیب نظیر ربت

و در رفع عنین میکند عنصل پیاز نرگس هریک نیم جزو فلفل یک جزو

در دبه و تنبت مثقال روغن زیتون و قدری آب کرده بجوشانند

تا آب تمام شود و آب سوخته شود و روغن بماند صاف نموده زهره کلنگ

یک الحره عاقرقرحا خردل سرخ هریک مثقال عنبر نیم مثقال

مکرر بر قضیب و عانه و ۶۰۵۰۱۰۹۰۰ ضماد نمایند و اگر مومیائی

و امثال آن در این روغن اضافه کنند باعث تقویت است ایضاً

الفاظ چون سه درم پیاز نرگس را یکشبانه روز در شیره بخیسانند

تا نرم شود بعد از آن عنین طلا کنند تا دور الحشفه طلا نمایند

عجیب الاثر است ایضاً چون سورنجان و مرصاف هریک

یک مثقال در نسخه مذکور اضافه نمایند و پیه گرگ ران و رتار و خصیه

و قضیب مکرر طلا نمایند از مجربات است ایضاً بادهند بوره بکوبند

و در انگبین سایند و بر قضیب و عانه طلا نمایند چندان نعوظ آرد که حمیت در

سوختی و بدن نعوظ آرد و در باه زیادت کند و بر جماع یاری دهد چون قضیب

دو نار ممالیده ابن شیخ فعل عجیب دارد بگیرند سقنقور قضیب زبی

خشک کرده خصیة الثعلب عاقر و جا تخم جرجیر هر یک چهار مثقال

افیون دو مثقال خایه گنجشک چند عدد و آن را در شیشه کنند

و قدری قطران و آن میدارد روغن گوش که ازان موی ساید و معداد

ریگ شسته بر سر آید بران ریزند و سر شیشه استوار کنند و در زبل دفن کنند

چهار شبانه روز و بعد از هفت روز زبل تازه اندازند بیرون

آورده و آن روغن را صاف کنند و ثقل دور کنند و در ... تا

وار و هفت مثقال ملک الیطم و دار و ... خشک باریک

سوده و همه را نمک با بیزند و روغن بدان ریزند با لعوان

آید وقت حاجت استعمال نمایند که سستی ازو زایل

شود و نعوظ عظیم آرد مجرب است

برای عشق مجرب خون مرغ سفید و ... مردار سنگ سائیده

مرد

مزوج نموده باشد جرعه گذرانیده طلا نمایند و تنگی خشک شود جماع نمایند

باب فی الحبوبات حب الامساک بغایت مجرب است دانه برنج هندی را

در آب نیم چهار روز خیسانند پوست او را گرفته نیکو و سوده او را

با زعفران جدا جدا سیاه کوبند حب سازند بقدر نخود و استعمال کنند

حب دیگر امساک منی را قوی تمام کند و انعاظ قوی آرد و ممسک

و بنوم و بهی و مسمی بوزن عرقیه زنبق صندل دانه ریح کسوکران ۴

مثقال کوفته زنبق را با آب مخلوط سازند و در صد نخود

[illegible] نمایند تا آب جذب شود و در وقت حاجت

بقدر حبه استعمال نمایند و اگر کیفیت قوی خواهند یا برنگ سازی را

ورق الخیال بیست نخود سازند حب بورق الشاه

کفایت کند تجربه رسیده بسیار مجرب است و رازی میگوید

از دریکساعت رفع نماید و چند نفر از بیرون از یک مجلس ازار

در است و حال به نحو ارجاع بیمار گردیدن با این حب معالجه نمودم

نیچ ویشش باره اطلاق میفرمایند مجموع بکشبریت حب سقوطری بلیله اصفر

لیموریجانی بریک بادرم چهار سازند ها حب سپرزمجرب بیت با بادرزل

وارشهادن تنوتیپند بوشیچ کبه ریوند چینی صبر زرد مرجان سوخته

تخم کرفس غاریقون نیچ میدن باعق مدیسام چهار سازند قیدر بریت بکتعال تام

حب فالج ارزبانیت زالدحکیم موفق جهکبیر در جابت لانست او فالج

شده بود و تا در تکلم مناسند و ثقال زبان هم باشند مجرب بیت

وارکوده بست بریسعده و مثقال سورنجان سه مثقال حب السیک

سه مثقال ایارج منوا و مثقال شحم حنظل و مثقال سه بلیج عدسی

و مثقال یورسدان وج عذوقا وار مثقال بریک بکبیت و هم شکنج

جاوشیر مقل ازرق و مثقال حدید سقیر بریک مثقال همه را کوفته نخته

و جموع لادرات حلکرده بادویه سرشته چهار سازند شربتی ده درم

بابسیر و کرم بکیرند ها ها ها فایده بدل اطبون برای حبس طبعت

بلیلسر کاغذ حل نخود بالکرباجرب بیت ها ها ها فایده برکاکه را

تمت الکتاب

سنبل الطیب با قسط تلخ و چندی یکجا ممزوج کرده بخورند اشتها آورد مجربه

رسیده ایضا ایضا فایده وج بلعیدن تقلب زبان فایده بسیار دارد

و هرگاه اورا با شیره بادیان و زعفران حب کرده فرزجه ساخته بر دارند

هر چند زن عقیمه باشد بارگیر و شربت او بکتف و منع برص و اثار

و نیکو کند هرگاه با عسل بمالند ایضا ایضا ایضا برای رفع سر مه بهی کمک با ثبات

برابر کوبیده سفوف سازند خوراک ۶ ماشه ایضا فی المجربات النافعه

للصمم والطرش و وجع الاذن و دفع اگر گوش متعفن گشته باشد روغن

یاسمین گرم سازند و قدری در گوش چکانند ایضا ایضا آب برگ بادغن

جوشانیده در گوش چکانند ایضا ایضا آب سیر را با زهره گوسفند

جوش داده در گوش چکانند ایضا ایضا آب برگ تخم ریحان در گوش

بچکانند ایضا ایضا للصمم اذا عرض الکدر لوازم الکدورة الذهن و قطر النشم

الصافی الموجبات لفتح الاذن والصمم آن یطبخ الحلتیت فی

الزیت الذی المرو العاقرقرحا و دخل فیه من الدواء ما امکن و یقطر مرارا و من الخواص

ان مرارة الکیس اذا طبخ منها ثلثة دراهم فی ثلث اواق دهن الحار

وقطر منه بعد ذهاب الصفعه فتح الصمم بعد النفخه ومن المجربات

فی ازالة الطرش العارض هرگاه برگ بیدانجیر خشک نموده بانیک

دست نرم نموده قدری در گوش باید انداخت و پنبه در گوش بگذارند

اگرچه بیقراری حاصل شود اما نفع بسیار میکند مجرب ایضا روغن

بادام تلخ گرم کرده در گوش چکانند تسکین وجع کند مجرب

ایضا شیر مادر با شیر دختر بیند و در گوش چکانند و دلو

و زیر برنجه گوش چسپانیدن نفع میکند و صباح ناشتا

خوردن بسیار فایده دارد مجرب ایضا از روغن بادام در گوش

چکانند گوش کر گوش باز دارد هرگاه افسنتین یا بره برو روغن

بادام تلخ ممزوج ساخته در گوش قدری بچکانند فی الحال زایل

کند تجربه رسیده هرگاه افیون مصری را در گوش بچکانند کرمی را

دفع کند هرگاه زیتون را با روغن گل نخچه چند قطره چکانند

مهم

صمم را زایل کند هرگاه که تخم تره را بجوشانند و قطره‌ای آب او با شیر

در گوش چکانند رفع وجع نماید هرگاه افسنتین در آب بپزند و صاف

نماید بعد از آن بجوشانند با روغن بادام چندانکه آب برود در گوش

چکانند درد را زایل کند ان شاء الله تعالی

فی الادویة النافعة للرعاف للرعاف حب افیون و انگور آسیا

گلنار بادام عفص هم وزن همه را کوب کوفته شیره سرگین الاغ چرب

بقدر فتیله سازند و در بینی بر کشند بعد از آن که نسیج عنکبوت

محلول سوخته کرده باشند و بینی را با گلاب و کافور و صندل

بمالند تا قطع خون شود و عروقی را دوا است بکند نافع است

و اگر از چپ باشد حجامت موضع سپرز بیاید همچنین نشستن

ابزن نافع است هرکس ذکر خود را روغن زنبق خالص

چرب کند وقت جماع و نیز باشد مرد سنگ خالص کشیدن آب منی

مابین نافع است جایی بعد از طهارت جماع کند الله

هر چند بار را باشد ها فوز زبق اختلاف است بعضی خاک پاسیمین

را میکویند و صاحب اختیارات گفته که زرق زیبق است و بعضی

موش سفید را میگویند ها ها فایده اگر طفل شیر خواره بستر را ترگند

یا آرتے کند زیره چهار خطاطیف را بیاب پودنه خشک سائیده بنوشد

نافع است ها فایده اگر هلیله کابلی بگیرند و در میان خطاطیف

بنهند و چندروز بگذارند بعد از آن بیرون آورند و آنرا خشک کنند

و بار دیگر در میان خطاطیف بنهند چنانچه در شیم بنهند بار بر آورده

خشک گنند تا چند مرتبه هر چند بسیار اوان کنند بهتر است بعد از آن

هر که آن هلیله را در دهن بگرد چندان جماع کند که اگر مشتهی

بکند و چون خواهد که او از عمل باز ایستد هلیله را از دهن

گذاشته و سست بشوند و دیگر کار بکنند ها ها ها ها

فایده اگر خواهی که قضیب محکم گرد قدری حلتیت در عسل آنچه

در قضیب گذاشته طلا کنند ها بعد از آن ... را با صمغ عربی جلکوده

دو پرا

بروکر طلا کنند یا بر سر خوانند جماع کنند عاجلت و معمول بسیار

لذت برند هر شیخ بخواهد که وصالش گردد ۞ جای هرگاه

اجابت کس در شیر تازه بخیسانند یک شبانه روز بعد از آن خشک

کنند و بروکر عسل بسر و کر گذاشته طلا کند او را بر پا خواهد

کرد مرات عجیب شاید خواهد کرد ۞ ۞ ۞ برای قوت باه

و دفع مجامعت و ممسک حنظل را بگیرند و از گرم قسمت کنند

فیمابه سمت نیست برکف پای چپ بمالند چند انکه

اثر تلخی بر دهن رسد بر دست تا از شعور متوجه جماع شوند انزال

شود علاج بیکر سپاری که در دهن گیرند انزال شود ۞ ۞ ۞

صفت علاج چند بخایند و تا در دهان باشد نشود باید

بگیرند در عسر و درون او را بمالند ولوت او را

خورد کنند و با آب شویند و یک وقیه از هفت مثقال ست

در دو ماه سنگ گیرد کند هر روزی جبه الحضر المقدار که خوش ساخته کنند

سائیده ببت و گلبرگ و در دیگ سنگین ریزند و آتش نرم بر آورد

تا نزدیک با انعقاد رسد پس آنکه با آب امرود قه در دیگ

سنگین کرده باشند نیم دانگ سقمونیا بدارند چون منعقد شود

در شیشه نگاه دارند و در وقت حاجت محافظت بگذارند در دوهان

کی و در مطبوخ تمام آورد و مقدار آن از شربت روغن مخد ۳ درم

عسل منفذ ۳ درم گندر کهنه ۲ درم علک کرده بوقت حاجت

بگذارند در دوهان کوند مطبوخ شاخ شقوق ها مقلی اسپاری

چون حصص محروت حنظل با او بگویند و با حنظل سازند گوکرد

بمالند بطلا مقلی برابر زنگار حنه ۵ حمص ۲ زرشنق

۷ درم جاوشیر ۷ فرفیون مقل ازرق ۳ سکبنج ۱۴

همه را در سرکه حل کرده یک ها ریشتر صمغ بمالند بعد از روز

تازه بمالند ها فایده اگر در اراز چنین باشند بهلکی دور بادرنج

اررود در عطان کنند و با شیر دختران سائیده بمالند

مفلس باد [illegible]

نوع گاوزبان

نقل فی الخواص ان عصر لسان الثور الرطب. و عصر التفاح لكواد

مثله زبیب مع مثله البول موضع فی ابنیة الاستقطار و یستقطر الجمیع

بارها و به الی ان ینتهی الماء و ما بقی مع ابنیة الاستقطار

کان یعلو الزبیب والتبول یرفع و کلما الماء بقیا تا

عن الهوا او فیه من هذا الماء یقوم مقام رطل من الخمر فی شده

التفریح والسائل با الصواب [illegible] زار رفع سموم بارها

مقلب زعفران چند عدد بقدر عدس گرفته در آب ملاکوه

بجوشند اگر البول بند شده بلا بقدر عدس در سوراخ ذکر بکنند

نافع است [illegible] جوارش عود [illegible] عود [illegible] سه تولہ [illegible] سه درم

تخم کرفس سه درم اذخر سه درم سنبل الطیب سه درم [illegible]

سعد کوفی [illegible] سه درم دار چینی سه تولہ زنجبیل در خجانک

سه درم دار فلفل سه تولہ [illegible] سه تولہ گاوزبان ۲ تولہ

کافور [illegible] زعفران مشک ۲ دانگ مصطگی ۳ تولہ [illegible]

شسته بدستور معجون سازند ط حرای نافع للاسهال الدم

والزحیر من الحمای الشدید خشخاش دوله بیلگری دوله کشنیز خشک دوله

سعد کوفی دوله کوفته در آب سیر کرده ما الیه صحب بسوده

بنوشند ط حبه رفع تپ حرب بهار نارنج ۳ دانه فلفل

۳ دانه و سماق ۳ مثقال نبات سفید نیم مثقال کوفته سفوف سازند

بخورند با لاشی لب بخورند ط فایده اذا طبخ الشبث و الملح بالماء

والعسل وحل فیه درهم من حجر البقر و شرب قیای الفضول

الغلیظ و نقی الصدر والمعده و البلغم الغلیظ الخام و ان کان

بنو ذلک اغذا الراح ولانعم فیه بخربذا و بو الحکاک کذا المرور

والبورق ولاعلم عبربذا نفعه التذکره ط جوارش دیگر قل

۳ درم قاقله صغار ۳ درم سادج ۲ درم هندی سنبل الطیب ۲ دوله

عود غرقی ۵ درم مصطگی ۲۵ زنجبیل ۳ درم ادویه را کوفته

بیخته با عسل معجون سازند شربتی ۲ درم ط ط ط

حبی که برای تسکین وجع قولنج و تلیین طبیعت نظیر ندارد ریوند چینی سه بالا

شبرم مقشر زرد هر یک جزوی غاریقون نصف جزو زعفران

چهارم حصه حب بندند و شربت مقدار قوة علیل

برای ضعف کلیه که در رو رمثی و سیلان آن باشد ازانکه جا بعض بهتر باشد

شربت به بر تش گلنار [illegible] گل ارمنی مغسول [illegible] آرد کنجد [illegible]

ده توله برگ مورد را جوشانده صاف نموده آرد جو توله خرما خارک عدد

به خشک توله [illegible] قرط [illegible] اضافه نمود

برنیت [illegible] صماغ و با [illegible] تجربه است صفت علکی که چند

بجاند و تا دو [illegible] نوط باشد بگیرند بلا دو معقد و درون

او را بیندازند و پوست او را جدا کنند و باب بشویند و یک وقیه

که هفت مثقال است در دیگ سنگ کنند و روغن حبة الخضرا بمقدار که

بپوشاند جمع کند [illegible] است و یکدم در دیگ سنگین بزنند

و آتش نرم بر او فروزند تا به سر حد [illegible] بقوام رسد پس آنکه تا ب [illegible]

که در وی بسیلس کرده باشد بهدانک بشمونیا بدارند چون منعقد شود در شیشها

نگاه دارند و در وقت حاجت مجامعت یکدرم در دهان بگدازند

نعوظ تمام آورد و بهدانک آن ازتیب رومی کنند ۳۲ درم قند سفید ۳۲ درم

کنند سفید ۶ درم تملک کرده بوقت حاجت یکدرم در دهان

گیرند نعوظ ساکن شود ﷺ بجهت ایستادن خون حیض مجرب است

جنطیانا را بکوبند و با جلاب سرشته و بر دست مالند ﷺ ﷺ

جوارش مسکن عود ترش دیگر تخم خام ۵ درم پوست ترنج ۳ درم

پوست بیرون پسته ۳ درم سنبل الطیب ۳ درم نانخواه ۳ درم

تخم کاسنی ۲ تولہ جیز بوا ۲ درم گل گاوزبان ۴ درم ... ۳ درم

صندل سفید ۲ درم طباشیر سفید ۲ درم پوست هلیله کابلی ۴ درم

آمله منقی ۱۰ درم زرشک منقی ۵ درم کافور ورق آب لیمو ۲ درم

شکر که اصل ۲ درم آب انار ترش ۲۰ درم نبات سفید صدچند ۲ درم

مروارید ناسفته ۳ درم ورق ترنج با آب لیمو حلا به ... ناخوب زرنبی ۱ درم

ولی

جدوار ۱۰ درم عنبر اشهب سه درم ورق طلا شش عدد در گلاب [illegible]

الله الا در شیشه ترکرده و بگذار [illegible] شیشه در آفتاب و گلاب بریزند تا جدا

تا جدا شود از ثفل عرق آن بگذارند و بطریق معجون مرتب سازند

و زیاده کردن حموضت و حلاوت بحسب ذایقه بگذارند اشتها

هضم و تصفیه اخلاط و ازاله توحش و دفع بخارات مجربست

و بجهت مزاج اصحاب سودا نافع و مقوی دماغ و جگر و معده

و مالیخولیا از جهت مناسبت هوا اگر با جواهر تیار نمایند آن نیز کبیر النفع است

سفوف [illegible] لا سیما الصبیان کنند خشخاش سفید حب الاس

بالسویه کوفته بیخته با شیر مرضعه بنوشانند

[illegible] سفوف [illegible] نافع [illegible] تخم کرفس [illegible] انیسون

تخم [illegible] بزرگ اسارون مصطکی از هر یک مساوی الوزن گرفته

کوفته بیخته روزی دو مثقال با ماء العسل بدهند

شیاف [illegible] سفوف [illegible] مرکیا [illegible] بود [illegible] درم

ابهل ۲۰ سندروس چنگ ۱۰ درم بنفشه ۲۰ درم همه را کوبیده

در زهره گاو سرشته شیافها سازند ⁂ للنفخ فی المعده

والاسعال افیون بادیان نانخواه کوفته بیخته سفوف ساخته

هر روز یک مثقال باب بخورند ⁂ فایده زبان لال اگر

با شیر زنان در چشم کشند درد چشم زایل شود و اگر با روغن

گل و کتیرا بالذ صداع برطرف میشود و اگر با روغن بید زعفران

در گوش چکانند درد رفع شود ⁂ ⁂ فتیله در قرحه گوش

کهنه را نافع است مجرب است زهره گاو و جزء عسل علی بهم

آمیخته از پارچه کهنه فتیله ساخته ازوا آلوده کرده صبح و شام

در گوش گذارند مجرب است و بارها آزموده است ⁂⁂

معجون نافع للصداع و دیبا بیطا عاقرقرحا سیالیوس اسطوخودوس

یک درم بعسل معجون سازند ⁂ ضماد جهت اماس چشم

و در جنبانند آرد جو ۱۰ درم آرد باقلاه درم صندل سفید مرغ عدد

ارکن

آب سپید و آب کاسنی تازه همه را مرفوع نموده گرد و بر چشم ضماد نمایند

معجونی از فوت محاسبت و بیدو گرد پالوده و بدو در لیث

بباید کرد نکرد یکی کبودی را در بیخ لا از آب کوشانند با یکمن آثار

بمانید و هر سیر الجبن رضیه هم در بیخ سیر آب کوشانند با یکمن

سیر بماند طبخ بخمر و طبخ الجبن در هم کرده یکمن عسل برز

افزایند چهار حبی فرانک خربیخان سنبل الطیب هر یک درم

زعفران بمیزان گرفته بخته داخل معجون قوام نمایند شربتی از آن

در تونه بیش از طعام ط دینار سنگ دو دانگ و دانگ بهار طسوج

و طسوج در گرمیه مدابه پس دینار چهار و هشت جو باشد قراط

ربع دانق است ط ط للاورام الحاره فی الوجه و غیره ذلک

فوفل صندل سرخ ریوند چینی اکلیل الملک بابونه گرفته با آب

شاهتره مثل مرهم ساخته بر ورم ضماد نمایند ط ط ط

مورد خشک تخم الملک فوفل سه دانه کات هندی توله مردار سنگ

عروق الصفر و شاخ نصف بیان آب سوخته فرو در نماید تا

ضماد در ختانه بر ابر تحلیل کند کندر ۵ درم ما نخواه ۲ درم جو دو درم

کوفته با گشنیز سبز سوده ضماد نماید ها ها بخور را بر آنها و بر عت

دار کنند کندر سعد کوفی سپید روغن بخورد هند ها ها ها

نوعدی بگیرند پوست سپید کوختی ۵ درم نصف بریان مرالصفر تا

پوست خشخاش نوع درم کنجد ۶ درم نبات و یکدرم قند را

یکی کرده هفت حصه نماید هر حصه را بعلوله سوخته نوب

میان شربت بخورد هر قوت عظیم به بیند تا بس که بند

انزال نشود مجربست ها ها ها مجرب گشنیز جای و

از آب برگ لاکون کرده بشوید ها ها ها ها

باب فی العلاج الافرنجیة مرادا آتشک را حکیم اسمعیل خان بکرات

و مرات بتجربه در آورده اند و در بیاض مجربات منوشته

الشیخ اوزن دارو ها دیدیم و تحسین و هی شیی طبیعت معتقد به

۱۸

مرض میکند وچندان پیه پیز ندارد و رنگ ازعی جایب نیست حقنه نوبت
هم نوبت درخت چهار و پنج حنظل ببا به بول گذار خورد
با پنج و برگ چغندر سیاه کهنه از هر یک پنج ماو در سه سیر شاه جنابی
آب بجوشانند تا که چهارم حصه بماند صاف گرده و در شیشه نگاه دارند
هر روز بعد تنقیه کنند تا هفته روز یک تخم خورده باشند بحول الله
شفا یابد [illegible] و از آنک اول فصد کنند
بعد از آن اسهال بدهند حب [illegible] احتیاج بدوائی دیگر
نیفتد شگفته پنج حنظل [illegible] پاره کرا جیات از هر یک
ده درم [illegible] ده درم کوفته بیخته حب سازند [illegible]
[illegible] تا صبح و شام یک [illegible] بخورند غذا [illegible] بخورند تا هفت
روز باشد من معمولات حکیم [illegible]
حب [illegible] مکتوبه [illegible]
[illegible]

بسنج اجزای سائیده با سیر سرشته حب بندند یک از آن لیلاً

اگلند در ابتدا حب یا ساله هر روز بخورند و بعلوله آرد

گندم بسته در آب مالیده ببرده برآورده عقب حب

نیوشند بعد از آن گندم ریک بار روغن ماده گاو چرب نموده

بخورند ۞ ۞ حب دیگر از بهر مگایی فهند مجرب بسیاه بلیله

سه درم بلیله بهوبنه سه درم کم ارزده پاس در آب بجوشی کول

نموده گولی برابر نخود بسته بندند یک صبح یک شام خورده باشند

و گولی را با آب نیوشنی نموده بر جسم طلا نمایند و هر قدر

که پیر بیر سپری نمانید زخم تر شفا یابد ۞ ۞ از بهر اندلک

بلیله بهوبنه و پاس خاکستر کونکار سوخته ۳ درم هر یک را

در آب بجوشانند باجوبالا کول نموده گولی بقدر

بیر باخفه بسته نگاه دارند یک گولی بهار خورده باشند

بالا خاک کنند مار وغیره رود بخورد و غذا فقط برنج نان ۞ ۞

حبرادر

حب مجربست آیا جهت آتشک که در سه شب نجات دهد صفت
قرمهره آزرو بلعید و سوخته برابر آن لوبیا هندی بریان کرده با پوست
خشخاش و ظرف نارجیل بدینه چوب چینی که در آن ملوس
حبها منع باشند حلاوه حب سفنی بخورند عقب آن کچری
مونگ با پاو سیر روغن گاو دهد یادگار میرزا عبدالرحیم
حکیم ۰ ۰ ۰ ۰ وجهه آتشک از یکی مجرب رسیده صفت
شنگرف نیم سیر پای اسپند تازه ... سیر پای اول اسپند را
خوب کوفته هم وزن نمک بعده شنگرف را سائیده
وزن نمک نصف بهم یا بیزند و چهار پوری مساوی الوزن بندند
و مانند تماکو در چلم پر کرده یک صبح و یک شام بکشند
و دوده در حلق فرو ببرند لیکن اول باید که تا سه هفته
کهونله در قند سیاه کوبیده تا سه روز با شتیا
یک یک حب بخورند بعده پوری مزا هنات تماکو بکشند

نفع نماید غذا اگر خواهد فقط اما بخورد و بهر نحوی که خواهد خواه نان نخود خواه

حریره نخود بخورد و لیکن نمک نداشته باشد و این مجربست فقط

علاج انسنگ از مرزا محمد گویا نوشته است صنفه مرکب بسبوس بهیدانه

منه تهویه بکلدر با اسم حوب شایتیج باب سرشته چهار برابر

سیر حشکاش لیته و رسانه جنگ نموده نگاه دارند هنگام حاجت

لقمان حب با آب شیر گرم خورده باشند و رافع السنگ مجربست

من بیاض حکیم باقر صنعته هلیله زنگی به دام منه تهویه به دام

[illegible] نسخه مجرب للوالد حبه سنگ مثانه حجر الیهود

سنگ سرماهی سامکن حب القلب تخم تربت تخم کوکب یک

یک ماشه کوفته بیخته سفوف ساخته مأکول نماید عقب آن

چهار پنج تولهٔ تخم و بوره توله شیره تخم کرفس ماش بالای آن

یک ماشه جار چنگ یک ماشه عرق بالای آن ۱۰ توله بنوشند

غذا منه خشکه بعد از اخراج سنگ مثانه حجر الیهود ماسه

علاج انسنگ از مجربات معمول [illegible]

313

دوای المسک بارد نسخهٔ دیگر ریزند عقب آن عرق گاوزبان

دوای مکرر اول پنج مثقال روز به ... هفت روز ...

از عجیب الغرایب است ۱ ۵ ۵ ۵ ۱ نسخهٔ معجون ... بنویسد ... زبان

بکار برد بادرنجبویه ۱۰ درم ... ۱۴ درم یاقوت رمانی ۳ درم

لعل بدخشی ۳ درم کهربا ۳ درم لاجورد مغسول مثقال ... سرخ

۴ درم صندل سفید ۵ درم ... عقیق ۵ درم عقیق یمنی مثقال

گل مختوم ۲ درم گل ارمنی ۲ درم بهمن سفید ۲ درم بهمن سرخ

۲ درم ... سفید ۳ درم ابریشم مقرض ۳ درم کشنیز خشک

۳ درم ... سفید ۳ درم زهر مهرهٔ خطائی توله ... زرد ...

۳ درم ... مشک ... مثقال عنبر اشهب مثقال

زعفران ... گاوزبان برابر ادویه

ماء اللحم جهت رنگ ... و شانه گوشت ... گوشت

حلوان ... ۲ درم دارچینی ... ۱ ماشه ...

و ...

فلفل ۱ ماشه دارهلد کلان ۲ ماشه زیره سیاه ۲ ماشه

بادیان ۲ ماشه کشنیز خشک ۲ ماشه نمک ملعان ۵ ماشه فلفل سیاه

۲ ماشه لاهوری معمول سازند نسخه سرمه بجهت جمیع امراض چشم

توتیا قلمی ۵ ماشه نمک لاهوری ۵ ماشه تخم ... ۵ ماشه مامیران

۲ ماشه سرمه ۵ ماشه ... بطور معمول سرمه سازند

جهت آنکه افیون ۲ ماشه در آب برگ ... گرمی سه روز

در کهرل نماید در ظرف مس از دسته مس ... گولها

بسته نگاه دارند در آب شاهتره گرد چشم طلا نمایند

ایضاً للرمد عرق برگ سهجنه عسل برابر گرفته مخلوط ساخته

اندرون چشم ساعت ساعت بکشند

جهت آنکه درد چشم ... ماشه پهتکری بریان ۵ ماشه سنگ ...

ماشه فلفل سه ماشه هلیله سیاه ۵ ماشه افیون ۲ ماشه پهتکری را

بریان کرده وقت بریان افیون را دروی بگدازند باقی ادویه

در کهرل

و دیگر دوای آتشی از و بسته آهن از زنگ برگ نیم کهل نموده گرد چشم
طلا نماید [illegible] [illegible] مامیران بالای نیم لار [illegible] ماو سیر
گاوزبان نیم لار گل گاوزبان نیم ماو برگ فرنجمشک نیم ماو
صندل سفید نیم ماو صندل سرخ نیم ماو ابریشم مقرض ماو تولچه کهربا
الاچی سفید نیم ماو دارچینی تولچه عود نیم تولچه قرنفل ماو سیر
مصطکی تولچه طباشیر سفید تولچه پوست زرد اترج تولچه
بهمن سرخ تولچه بهمن سفید ثعلب مصری تولچه شقاقل مصری
تولچه [illegible] مصری تولچه تخم بلنگو تولچه ریگ ماهی تولچه
مامی روبیان تولچه هلیله سیاه ماو سیر تخم کندنا تولچه عنبر اشهب
نیم لار [illegible] نیم لار [illegible] العصافیر تولچه مغز پسته لار
کشمش سبز ماو سیر مغز بادام ماو سیر مغز فندق نیم لار
مغز [illegible] ماو سیر مغز چلغوزه نیم لار مربا ماو سیر
مربای سیب ماو سیر مربای به ماو سیر گوشت حلوان مست
۱۰ لار

دراج ۲ عدد بوه ۳۰ عدد مرغ فربه ۱۰ عدد سر گاو ۱۰ لار

عرق اردرک ۱۰ لار مسک و باسه عنبر اشهب ۹ باسه زعفران

و باسه گلاب ۵ لار بدسنفور عرق کشدبلر

روغن منقول در بیاض حکیم مشیر الملک صنعته قرنفل جوزبویه

بسباسه مالکنکی ازهریک چهارده باسه یعنی بلکلر

زرنبخ طیفع نه باسه مثلاً کبدپاسنها که جمله مغز حب

تخم عاقرقرحا مرزنگوش مصطکی زیره ملیمه تخم اسگند فو

تخم سپیول عودطیق سنبله هندی تکو کنجی ازهریک مثقال

زنگاری صندل سفید پسارخ فرنکلان پوست بیخ کبر

ازهر یکدم توله فلوز زیده ودرست نه خشک کوزه بکوله

تخم مرغ ۵ عدد موسر بنجک نر بکلوله جنجاکی بکعدد بیاده سبز

۱۴ ادام هذه النسخه لصح ذلک مرارا بلر بلر روغن

عجیب للمجلوق و العنین جنفعت وی بیخ کبر باوسیر

یکتو مخ سفید یک شاهی پیه پالک روده بز یک شاهی شیر گاو و
یک شاهی ادویه را کوفته بیخته و در شیر گاو جوش داده
تا آب بسته از آن روغن گرفته یکجا تا صد عدد و پنج نموده
زرنیخ و باض و سنگ پا نرم کرده و در روغن مذکور بریان
نکنند تا مانند سرمه حل شود پس سرد ساخته از طرف
حشفه مالیده تا هفت روز صحبت نکنند مجربات
حکیم علی گیلانی ها روغن مقوی از حکیم علوی خان زرنباد
یک توله جوز بوا خطمی تلخ بهمن سفید هر واحد جدوار حنظل
قرنفل بادام شیرین ملکه یک توله فلوس یک توله یک توله بطریق جوهر
روغن برآورده به عضو جماع بمالند ها مقوی و مغلظ
عضو تناسل عسل یکدام خطمی تلخ یکدام تنکار سفید یکدام
حل نموده شیره برگ حنظل باریک ساخته پنج
شیره برگ حنظل و روغن بسمسم آتش ملایم در دیگ انداخته

بجوشانند تا برنگ سماق مایل شود از آتش فرود آورده سرد
نموده صاف نمایند و در شیشه نگاه دارند هنگام حاجت استعمال
نمایند که بغایت مفیدست بیست جزء الفاح چوبک خاره
گردد صد یکبار و هم بار گردد ☸ روغن منعظ و معقول باه مجرب
نوعی ماجن مضعف الدوله خراطین ۱۰ درم عود نیک درم
اسفند درم اسفید درم پوست بیخ کبر سفید درم زنجبیلیه درم
عیون الدیک سفید درم گوشت شیر درم گوشت ساق
درم مالکنگنی درم ورق الحمام الصحرای درم یکشبانه روز
در شراب ... بجوشانند بعد از آن در شیشه انداخته
... چهل بگذارند و بر عضو طلا نمایند ☸ ☸ ☸
روغن معقول و ... مجرب حکمای فرنگ صفت ... سفید
که ... باشد ... چوب ... از آن روغن کشند فقط
کشیده ... درم پوست بیخ کبر سفید ده درم خراطین تازه

ده درم اگر تازه نباشد خراطین خشک بوزن سه درم جمله را
چو کوفته سوده در شیشه شکل کوزه چوبه عمق بچکانند با برگ تنبول
برابر دانه جوار تا ستایی بخورد و برابر نخود بر عضو طلا کنند مجرب
روغن که دیرپا باعث عضو تناسل از آن تمام شود اگرچه از سستی
از وحرکت وقتی زایل شده باشد صفت نورتیه کلان
صد عدد بگیرند و با پنج درم روغن بلسان یا روغن سوسن در
شیشه کنند و چهل روز در تابستان در مکانی که باد یابد و برسد
آویزند و هفت روز در آفتاب نیز گذارند و هنگام حاجت
برنج بمالایند و برکف پای حشفه مالند و در انگشتان پای نیز همین
مجربات حکیم زرزانی غفرله تمام روغن مجرب جهت مجلوق صفت
سنبل خار مروارید سنگ برات ملیق سیماب از هر یک سه ماشه
شیره برگ کتای یا وسیر روغن گاو زردونه را باشیده برگ
جبهلک کتائی و روغن گاو و سیماب آمیخته تا سه روز در کول

حل سازند و یکجا حب بر قضیب بمالند و بران برگ تنبول

بپیچ ریسمان محکم ببندند تا بعت روز ها روغن مخلوق

در سفرخان عقیب و تناول که پس و عشق او باشد خصوص جلق

زن را از غیر نظر بدارد و شهوت و سختی ذکر و قوت باه و

لذت جماع بفزاید و کسی عاجز باشد از ازاله بکارت چند روز

طلا نماید قادر گردد و ظفر مقصود یابد صفت حب سیاه ادویاتی

بیخ کچله حب السلاطین مغز عیون الدیک ابیض بیخ ماهیکی

سفید یکتوله هر دام پخته بعد سه توله و شش ماشه عرق تاک

مغز بنوبه شش ماشه بگیرد اول اجزا را کوفته در کهرل

سنگ اندرخته باو شیر بر تدریج بیندازند و سحق خوب نماید

نماید که تمام شیر با سنگ جذب شود سه روز بهمین نمط هر روز

باو شیر تازه آورده سحق نماید تا شکل خمیر غلیظ

شود پس همه را حبها بندند مقدار نخود صحرای و در سایه خشک

کنند و احتیاط کنند تا بسیار محکم و سخت شود بعد از آن

مقید و رشته حکمت چهار اندرخته مثل چوب نگاه بند

پس مالیده او را دور ساخته در رشته یا در چیزی نگاه بدارند و مکان

ضرورت بمقدار یکان پیخ یا کم پیخ بر قضیب طلا کنند

وحقه بگذارند و برگ تنبول بالا پیچید و همین دستور ملاومت

نمایند و آن سیر و بدان موضع برسانند بگذار آب گرم تا اگر احتیاجا

نبود یا ریمی ظاهر گردد یا سوزش کند مسکه گاو تازه بمالند

با صلاح آورد یکدو روز توقف نموده باز استعمال نمایند

من حسن الشفا نسخه طلا روغن معقب عشق نمائل و مقوی للمجلوق

صفه کاتب سفید مقدار انگوره خالص هم دام روغن

کنجد چهار دام لعوقی سفید هم تا توره مقدار اجزا را جو کوب

نموده روغن مذکور در آن آمیخته در روغن مثل چیزی برآورده

نگاه دارند و بر قضیب طلا کرده بالای آن برگ تنبول با ریسمان

سوت خام به بپزند تا بیست یکروز ها روغن مقوی باه منعظ

صفته یوخذ حب البطم رضه ویجعل علیه عشره امثاله علی

نار لینه حتی ینضج طبخه ویطلب دهنه لزوجته فاذا اردت استعماله

ویمسح له اصل العصب الذهن فان ذکره لا ینام الا ان

یغسله فانه مجرب ها روغن نافع و رافع لمرخاة اعصاب

عصب زیبق زرنیخ طلقی کبریت آمله سار شنگرف ار ملبه

تاتوره سیاه یکدرم روغن گاو شانزده درم بدستور

روغن کنند و در استعمال نمایند ها شیخ امام [illegible]

باکلی مجرب است بهمه را کوبر گاو میشود آنرا در آتش سوخته باک

باکا نقید محه سرخ بپاشند واگر رطوبت بسیار شود

مقدار کتیه در خل نمایند واگر از ین هم زیاده شود مقداری

مرداسنگ در خل نموده زرد مرگ نمایند ها ها ها ها

ایضا جهة بواسیر مجرب حرمل زرد شده پر دم مرغ مثله [illegible]

الم

هر سه مساوی گرفته بریان نموده ذرور سازند عند الحاجت

به بواسیر ذرور نمایند ✤ جهت ربع گرگره یکعدد گرفته کوفته

بیخته سه حصه نماید یکحصه در بتاشه نموده بلعاب ربع دهند

مجربست ✤ ترکیب جهت دوای خون بواسیر بیخ حی من

۲ انب البیض لعدنه ۵ ماشه در عرق بارهنگ ۲ تولہ عرق عنب الثعلب

۱۱ تولہ بجوشانند نصف بماند صاف نموده انجبار بره

۳ ماشه شیره شربت الجبار ۲ تولہ درحل کرده باریشک

۵ ماشه روغن بادام چرب کرده بنوشند ✤ ✤

جهت صفو کنند وحرزده خلک ترکیب ریم آهن ساییده

از زرچه بیرژده یکعدد پست باجمع گاو نهار بخورند ✤ ✤

مسفی

نسخه برای سفیه گشنیزان صرمعوطری سیهاکه ماشه سوهنه ماشه

فلفل سیاه ماشه کوبیله پیهم ماشه ابه بلدی ماشه برگ گوندنی ماشه

نوشادر ماشه باریک بعنه جیب بسته برابر نخود بکجب وقت شام

ریوند ۲ درم تخم جوز سوخته ۲ درم سوکه کبوتران بسایند و بر آن مالند

جهت نور بصر خوردن نافع است تخم کرنجه یک عدد در پهلوی بادام گذارند

بریان کنند و آن را باریک سوده که در مخلوط ساخته همراه لعاب اسبغول

بنوشند ۶ جهت فربه کردن صفراوی المزاج مغزی بادام و سبز

را در سایه خشک ساخته آن را باریک کوفته بیخته با شکر

بخوردن اگر خواهند سفوف ساخته بقدر یک دام همراه عرق

بادیان بنوشند ۶ ۶ ۶ برای دور کردن هیضه کبوتران

مجرب یار کاری منصور علی خان ریوند ۲ درم سپستان ۲ درم

نوشادر ۲ درم کبابه ۲ درم ابهل هلدی ۲ درم چرسقوطری ۲ درم

مرچ ۲ درم فلفل دراز ۲ درم زنجبیل ۲ درم کاله زیره ۲ درم

برگ نیم ۲ درم برگ گل شبدر ۲ درم همه را کوفته بیخته خوب

ساخته از شکر که ۲ تنگ سوده حب بمقدار نخود ساخته نگاه

دارند یک گولی و یک شام بدهند لیکن آن هیچ بدهند یک روز بدهند

نمایند بازبندند وصفت دیگر اینها خواهند شد ایضاً جهة بیضه خام

کبوتران استخوان برابر گوشت پاک کرده وزاغ هات خشک نمایند

من بعد کوفته بیخته سرمه سا نموده یک جا بدارند و وقت شام

برابر مویز در قدری آرد روغنی مخلوط ساخته کبوتر را

بدهند صفت دیگر روغن دادو و بیضه پخته خواهند شد ایضاً

فی الحوابایت المتنوعة طلسم خوردن یک عدد و سنگ

کلان و در برگ تنبول الهاء ساخته بدا ۲۲ و بشکنند ایضاً

برای کبوتر الوان رنگها یابس ۱ درم زعفران ۳ درم سنگ ابیض

زرده درم پیخ وکمعه وسفیده و بیضه کلک بوم ایضاً

بستن زن رو زیر درخت کیله کا فته ظلین برآرد

و در خون نصف ماکیان و نصف عسل طلا نموده نیز دیگ

باران نماید نصف طرف سیر و برابر

طاووس ایضاً فایده اگر یک از حبوب نافه دریع

درخت انکه بزرگ شده در سایه خشک نموده بطور بنهند
بیهوش شوند بر تحقیق آنها را از دست توان گرفت مجرب
فایده از اطبخ القدس می‌شمیع البنو و اکثر حسنه الحمام عرضها
الانعام مجرب فایده بهبهه فاتحه مطلوق بر عضو جای طلا نمودن
مباشرت نماید و بکر بآن زن تکرار نباشند مجرب فایده جهت
ضیق النفس سیاه که مرغ شلغم بخورد مجرب دوای بهق و کلف
بالجی تخم پنیوار تخم ترب گوگرد و خبث کهنه هر واحد یکدرم
سحق کرده باب لیمو سرشته بمالند مجرب مجرب
دوای جهت بهق و کلف صفقه بالجی تخم پنیوار تخم ترب گوگرد مکرر
خبث کهنه ملک یکدرم سحق کرده باب لیمو سرشته بمالند مجرب است
فایده آب برگ و بیخ جوشانده باشند گندم شال
ولنگ و جوراه ست تحفة المومنین مجرب للکلف کف دریا
سوره قلعی ملک برابر غسول قشر کوله صمغ و هاک نشاسته نیم

قنبیل کوفته بیخته بروغن یاسمین سرشته بر زود بمالند ...
کلف او دفع کند و رنگ او دفع کرداند ها ها ها

بازیِ جانوران پرند و دو رسنب باب ایشان نبودن باارد
کندم خمیر کنند و علولها بسته پیش مرغان انداز ند هر پرنده که
از آن علوله ها بخورد بیهوش شود و بیفتند و چون آب گرم
بر رو بر زند بهوش آید ها ها فایده اذا ارکب الحمار علی
الاتن بحضرة سورت من ذنبه و علقها علی الانثیین
یقوم الذکر و لا یسکن الانعاظ ما دام معلقا من بیاض حکم
سلیم ها ها فایده اگر آب معصفر چاه زور بینی تا نوره
خوار و بجکانند زهر مطلق فرو آید ها فایده اگر چوبه
و ساجی همون کوفته بیخته با آب سرشته بر رسوی طلا کنند
در هم بر آید اصلا و قطعا بر طرف شود ها ها
فایده هماری کلف از زوغت بلاد زیره کا و حلال کرده

گرفتن

بر رو بمالد تم فایده اگر مروارید کوفته با سفیده چند دقیقه

بر روی طلا بمالند رنگ بعدی سیاه شود و قلعی بد شوار

شود اگر احتیاج بقلع آن شود اگر احتیاج بقلع آن شود سرکه

انگور ریسمان و در آن چند شب نم باشند بمالند تم

اگر زغال لاله در آتش با تیزاب بجوشانند و خشک کرده

نگاه دارند و سه چهار از آن بخورند یا بخوردن کسی دهند کیف

بسیار کند که بجز احتراز کیل رسانند تم تم تم

فایده در ذکر خواص غریبه و اسرار مکتومه است جهت [illegible]

محبت و رنبه اند صفت ناخن بریده را با حنای دست

و پای خود در ظرف شیشه سوزانیده مثل غبار سایده

با برابر یا شیرینی در ترتیب دهند و بهر که دهند مطیع و

منقاد شود تم تم تم از غرایب خواص عقرب است

که هرگاه او را با نوشادر بر کام مرغ نهند بانگ و آتش در دهان .

بکوبند و هر روز بسوزانند تحلیل یونسین ط فایده تخم کرفس را

بکوبند شب با آب خالص بخسبانند و صبح بدست مالیده

بسینه بر آورده بخورند سوزاک و ورم حشفه نماند مجرب است

فایده ادویه ان من مرارة البقر و الخس سعد بعد سحق الحاجر

مع نور مرو یعجن به شیئ ثم یلطخ السافع علی یا کل منه سبع

الایام ط فایده قلقل گرد با لعاب وهن ریشه سوسو

بر عضو جایی مالیده با زنی یا مردی جماع نماید و در مکان

مخصوص این فقد چارش نشود مجرب گرد و ط ط ط

عمل عجیب از غوک سیاه با آب حل کرده در حوض اندازند

جمله ماهیان رنگ ماهیان مرده بر آب آیند ط

هرگاه کنجد را بکوبد و بسو مسمس تلخ به ترب و [illegible]

با آن مرغان برچینند سر روی زمین بیفتد و بال را برداریند

و چند قطره آب در حلق آن فرو ریزند باز بحال آیند ط

اگر خواهد که آب منی زن نه الغفور برد و زن بستر هنیه
شود قندی که خورد با لاکچی و در برگ تنبول کند خواهد همی
وقت انزال شود ۞ فایده اگحال فریق مرنیل آن
سقوط عصاره بوده و در باغ مزیلک سبب اوست ۞
فایده صید کردن زاغ هم در نجله ره بیده ساخته با قدری
ماهیه با آرد و خمیر نموده نان پخته وا ریزه ریزه کرده پیش
زاغ اندازند هرگاه ازان بخورد در اندک زمان بیهوش
شود چنانچه ازپریدن باز ماند بدست توان گرفت ۞
فایده صید کلنگ بستاند خواهد کرم کجا بر رگ در موسم
برشگال از زمین نمناک بر می آید بگیرند هم بکجا کرده در او بند سال
نگاه دارند و زان ماهیچه تمام کرمها با کنند تا بوده چراگاه کلنگ
دریافته ازان گندم با فگند همین که بخورد دست شود و قوت
پرواز نماند پس بدست بگیرند ۞ ۞ طریق صید کلنگ بستاند .

بول خر و صحیفه بدان مبلول سازد و در موضعی که قمر سماک

باشد در آب نهند ماهیان آنجا گرد آیند و چون خواهد که ماهی دام

بگیرد بیارد نان و آنرا در زهره گاو بیالایند و در آب برند

هر ماهی که بخورد بیهوش گردد و بر سر آب آید بدست بگیرد ها

صید جانوران پرند و دیگر به یک از چوب غاتیه را بگیرند کوفته لطیف

سازد و بار دیگر با عسل بپزد هر مرغی که ازان بخورد بر زمین افتد

و از طیران باز ماند بدست توان گرفت و اگر خواهد بهوش

آید زیت طیب در دهن وی ریزند بهوش آید ها ها

فایده اگر طلی کنند با آب [illegible] هر اندامی که بر عضو خصوصاً بدست

مالد و در آتش گیرد و دست نسوزد ها فایده سفیده تخم مرغ

با [illegible] زرد آب [illegible] و نمک طبرزد مخلوط کرده در پارچه

کرباس طلا کنند از آتش نسوزد چراغ را بیهوشی آرد صفت آن

افیون [illegible] بذر البنج [illegible] سیاه [illegible] رطل آب [illegible]

تا به رطلی آید و نیم رطل وزن گندم پاک بکوبند تا [illegible]
جذب شود پس گندم را خشک کنند و بکوبند هر گاه احتیاج
از آن بدهند بی خبر شود ایضا تخم خشخاش سیاه
تخم کاهو از هر یک سه درم بذر البنج نیم مثقال و در نسخه دیگر
مثقال گفته اند بکوبند و صاف نماید و با قند بقوام آرند
مثقال از آن مسکر باشد فایده اگر رستنه در شراب
کنند هر که بخورد بیهوش شود و اگر خواهند که مست زود
هوشیار شود سرکه با گلاب دهند یا دوغ گاو یا برف
سرد کرده بنوشند دوائی که بیهوشی آورد صفت [illegible]
تخم کاهو بذر البنج تخم خشخاش سیاه هر یک نیم مثقال کوفته
بیخته با قند سفید بقوام آورند یک مثقال از آن بیهوشی آورد
هو حب مجرب لدفع البرص والبهق بابچی تخم ... زرنیخ ...
از هر یک برابر گرفته کوفته بیخته با آب زنجبیل با مارایم سود.

بقدر چوزنوبه چوب بسته در سایه خشک نمایند و بآب برنجیل تر

شود تا بکنقصه بر داغها نمالند و در اغفات بنشیند تمام شد

بیاض علویخان علاج برص ابیض و بهق که زود برو داغ رسانند

بابچی یکسیر چنگلی بیدن احمود برگ یک سیر پوست بیخ انجیر نیم سیر پوست

گشت کلان ربع سیر چیته یکسیر سر پهوکنه ربع سیر گوزه مخوفه

سه پاو پاشر ماه بخورند و تربج و ماش و شیر دهی و بادی پرهیز

کنند بقصد بشتار حقنه نمایند هر روز بحصه ناشتا بخورده باشند تمام

فایده للبرص و بیزر انجیر چنگلی تنها هم بهو ع خ کافیست مج

من بیاض حکیم اسمعیل کیلانی برا طلسم اگر چقندر شیده برگ چقندر

در سرکه اندازند براب ~~اندازند~~ شراب شود و اگر در شراب

اندازند سرکه شود مجرب علاج آبله را در زمین شود در پاچه

ذافتد چند برگ درخت انگه گرم کرده بران نهند بسیار فایده

بخشد مجرب چنین برای عطسه در بینی یکدانه ببهم زرد وردی

هانت یکجا نه بر سه وزن مساوی گرفته کوفته بیخته صد شیشه در حیوان
سوده انجه سه درم بخورد ها هو الشافی مجربات است توتیه سبز درانگ
هم وزن کوفته بیخته با آب شسته برو اهتها برص بمالید و در آفتاب بنشیند آن قدر
که عرق کند ها جهة زهر افیون بیجاک بقدر پیاله قهوه خوری با آب سائیده
بخورند ها علاج کسی که افیون خورده باشد هیچ بید انجیر با آب سائیده
یک پیاله آب خوری بخورد و شفا یابد از مجربات صاحب منهاج است ها
علاج تب لرزه از مجربات هندیان برگ سنگ کرنجوه با قدری آب جا الفص
سائیده شیره برآورده بخورند جبار دان حب شده سوده هم چنین عدد
پلپل دراز و فلفل گرد هم چنین عدد همان ریخته حب در بخورند ها
حبت سورانک مجرب از حکیم عالک شیخ حسن منفعه نمی قصور لاعضر
بمعصه شیخ غلیظ بکشد و در جمیع اطعمه بجای روغن زرد در حل نماید
و انگا با آب ناشتا بکند و پرهیز از ترشی و شیرینی و آب سرد کند
و بلادر عمل با بسیار کرم حرب نمالد و نشوید ها جهة او نشر گرفتن.

صفت آن خون بزور سبوچه گیاه کنند بعد سبوس گندم اندو ریخته
در زیر زمین دفن کنند پس از پانزده روز از زمین برآرند کرم‌ها پیدا گشته
ایضاً جمرات را در سرگین گاو اندو ریخته مخلوط ساخته در جای زیر کوره
دفن کنند و آب را بکشاید کرم‌ها پیدا شود مجرب است ایضاً من شفاخانه
جهت بیضه خام پوست اندرون بیضه مرغ از روی بیضه تخم مرغ مخلوط ساخته
بدهد تا شبنه روز ایضاً نسخه ضماد ماه رکند و سنبل و رسنه باشد در صدر [illegible]
را بند نافع است من معمول افیون ماشه زعفران ماشه جدوار ماشه
بهلکری ماشه زنجبیل ماشه میلا چوب ماشه زردچوب ماشه [illegible]
بلیله سیاه زنگی ماشه قرنفل [illegible] همه را آب [illegible] بر جوانی جسم طلا [illegible]
جهت بیهه کبوتران کلک تاکو ماشه نمک ساهند ماشه [illegible] را باریک کوفته
بقدر نیم سرخ صبح و شام بعد از دانه بدهند بعد از آن نمک ماشه
[illegible] سوخته ماشه سیباری جبابه سوخته ماشه کته کهند ماشه باریک کوفته
بقدر دو سرخ هر صبح و شب بدهند صحت [illegible] جهت کبوتر [illegible]

ترتیب قیام شنگرف و هرتال و سیماب اول شوره را قایم نماید

بهمین طریق شوره ملح را و سبد ببنک سنبل را و اون و بنه تک حیات

اول کاهای را بر آتش گذارند بعد در میان کرای شوره مذکور گذارند

بعد از آن راسد العکبر و بلسم و بنه را مخلوط ساخته بالا جنس قدری

قدری پاشیده باشند بعد هر وقتی که ادویه پاشیدند از باران شوره

پنج خوروه خواهد نشست و قایم خواهد شد برارند و سرد نمایند و نگاه

دارند بعد از آن شنگرف و هرتال و سیماب وغیره بارها یکجا

بگیرند و یکجا شوره مذکور در کوزه بالا پیش انداخته آتش دهند

شنگرف و غیره بار قایم خواهد شد و پنج خوروه خواهد نشست

اگر اول شنگرف را در آرد ماش گلوله بسته در روغن آتش

بریان نماید و هنگامیکه گلوله سرخ شود برآید در آرد و دیگر گلوله

بسته بر شمع مذکور بریان نماید همین قسم چهار و یک مرتبه

آتش دهند بعد از آن شنگرف در آن شوره قایم نگاه دارند

و بعد استعمال جواهر نشد ها برای جرب برگ شاهتره توله رگ

حنا توله نصف الذریره توله شب در عرق شاهتره یا وسبز برگ نوده

دارند صباح مالیده حمام شوند گلاب ۴ توله سرکه تند
۲ توله

مرداسنگ سه ماشه لیمو کاغذی ۵ عدد در حل شوده روغن

دمّل

چنبیلی یاسمین یا ومرمح شوده استعمال نماید ها ضماد دیگر برگ

سازد و سرو اکلیل خیرپرش سه جزء بوره ارمنی فضله کبوتر

منضبل خروس بروغن گل سرشته بر رنگ طلا نماید ها ضماد

که منضج ادرام و تامل بست با تونه تخم کتان حلبه خطمی گل ورد

کوفته بروغن کتان و موم سفید طبخ نماید که شبت مرهم شود

استعمال نماید مجرب است ها بخار بسوراک مجرب است

ریوند ماشه سنگ و رجب ماشه کته یا پر ماشه لعاب

اسبغول ۲ ماشه بد سفید بخار لعاب آرند ها

جهت درد چشم هر قسم که باشد چار چار لودهیه ماشه ... ماشه

زعفران سنج بوتهای بسته خوابی چشم طلا نمایند ٭ دیگر افیون پلس
هلیله و پوست زرد چوب بادام هر سه را در منوگه ایلکوار انبچه
قدری آب بندرجه در ظرف آهنی قدری چرس دهند بعده بوته
بسته در چشم کشند در طرفة العین درد دفع شود ٭ ٭
دیگر بادام افیون سوخته دیگر سوخته افیون ٭ دیگر توده های
هلیله برمان و ماش افیون ریشه پوست کوکنار اعداد
یکیکوار ٭ جنه زند جوواز خطای بیلگی بریان مساوی الوزن
در آب لیمو هرت پاش گرد نموده حب بسته بگناه دارند ٭
حلوای نخود از خیر البحار ریب نخود سفید بریان کرده و بیخ ساخته
پنج سیر هندی در روغن گاو تازه یکمن سبز بریان کرده و شکر قند
سه سیر بار حیات از پوست باز کرده بمسر فوطلوق یک سیر بریان
جدا جدا گرفته کوفته دران انگند و هنگام فرود آوردن دار چینی
و لقاف عنوو از هر یک سه درم کوفته بیخته دران بجا ببرند و بخسانند

تا بگذارد شود هر روز نه ماشه تناول نمایند ﻫ حلوای مسیح گرداک

احمدی مولف حکیم احمد قولونی صفتش نیز بنویسد و قوت باه دهد صفته

یخ نیم بار یک نشسته و در آب بخیساند تا نجه شود مویدار مغز

یک رطل شکوفه بادام رطل قند سفید مویک قنجاق گلاب

با آتش نرم بپزند و کفچه زنند تا با هم آمیزد پس بگذارند مشک و زعفران

و بکار برند ﻫ از قرابادین قادری من اکل من هذا الحلواء بعد

الطعام فانه لا یصبر اهله عن الجماع صفتها ان یوخذ من الزنجبیل

والقرفة وبزر الجرجیر سواء یسحق ویعجن قدرها من بزر الخشخاش ثم یطبخ

بالسمن ثم بعد یعقد بالعسل ﻫ حلوا آخر فستق وقلب الصنوبر

وبزر الجوز وجوز الهند علی السواء یدق ناعما ویضاف

الیه من العسل المصفی مقدار الکفایة فهو من الطیب ﻫ

حلوای سقوط من بدید دگونه را سحق کند و باه بیفزاید صفته

تخم سفید زنجبیل هلیون دار چینی مقل مویز چلک

قرفه شقاقل مصری مصطکی رومی گرفته همه را مساوی گرفته

بعد از سحق و نخل با قندی گلاب و عسل مصفی دو برابر قند سفید

همه را با اجزا سرشته باشند الشربة یکدرم من فوائد الوالد حکیم عرائض

اکبرشاهی ها ها حلوای تقویم تخم مرغ سیب بر شمالی صفت

بیضه تخم مرغ ده عدد تخم مرغ در ظرفی ریخته چند عدد چوب

بید باریک کرده را یکجا و بعضی و برابا ره کرده با هم بهم بزنند چندان

سفیده را بهم بزنند که تمام کف شود بعد هفتاد مثقال

نبات را با پرده توله باشد ولیت تخمیناً باشند بقوام آورده

مخلوطه گلاب و عرق بیدمشک داخل کرده بر هم زنند که چون

ممزوج شود هر چند بیشتر بر هم زنند سفیدتر شود ها ها ها

حلوای نارنج بهترین حلویات و مقوی احشا و موافق محرورین صفت

پوست نارنج پاک کرده را بعد از گرفتن پوست در ...

نخی القدری در دیگ جوشانیده ترش و قند و عسل کف گرفته

با شکر بقوام آورند و قدری آب نارنج و دو دانگ [illegible] اضافه نمایند و
مقدار چوب زرشکی توسط برآورده با آن مخلوط سازند تحفة المؤمنین
حلوای آب نارنج و از زرشکی لقد اضافه نمایند و بعد از چوب زرشک
توسط آورده با آن مخلوط سازند حلوای مهلب از منافع خواله فی جمیع
ع [illegible] سرخ که از درخت گیرا باشد ۵ سیر با روغن شتور بریان کنند
توصیع سیاه زنجبیل هر یکی نخود باریک کرده دار چینی خولنجان
لعابه قرنفل جوز بویه از هر یک نخود کوفته بیخته با شکر یا نبات
در روغن گاو حلوا کنند هر نوله بخورند حلوای
ترنجبین گرم مزاج را مقوی باه زیت صنعت ترنگبین سفید بحشند
زرده تخم مرغ پنجاه عدد شیر گاو و شفت دام بطریق متعارف
به پزند از چهار درم تا پنج درم بخورند تجربه البحار حلوای سفید برای جرب
قدیم و جدید از چوب سپید چوب چینی بار سه درم بخوان شکر
چهار دام شیر گاو یک دام و بالا از اول شیر را بجوشانند تا غلیظ شود.

بازاده به درخل نموده حلوا بسازند خوراک بیماران ه حلوای
منوا می از بهترین حلوا است صفته شایسته بکنم باد و در آب شیرین
حل کرده بزنند و شکر سفید چندان بکنند که عالیکر قوام نموده
در آن ریزند و روغن گاو یا پیه بسیار حیوان بپزند آنقدر که بیان
نماند و الوان نشسته برد و وقتی بزنند و قدری زعفران و شکر
بگلاب ساییده در آن در حلوا کنند و بپزند چو موافق شد وام در آن افکنند
و از دیگدان بردارند ه دستور العلاج فی السل و تجربه علی ما
رأیناه فی مطلب الاستسقاء ان هذا المرض من الامراض العدیمة
عسر البرء لأن الوالد الماجد عالی حضرت فقد عرض له سل خفیف بعد حدوث
نفث الدم بشار الیه آنر فی بر نماینئ فابتداء الاستسقاء و
الوالد فی حالته خروج الدم اعنی نفث الدم من غیر الاخراج بعد الفتح
فصد الباسلیق ثم استعمل هذا النسخة المعمولة صفته هذا
هلیله ۵ ماشه اسبغول ۵ ماشه عرق بادیان ۶ توله مربا ۲ توله

لعاب گرفته مع انجبار سه دانگ شیره برآورده شربت انجبار دو تولچه
داخل نموده گل ارمنی یک ماشه سوده بالایش ریخته بنوشند تا
نابند در حالت خروج دم استعمال شیر نباید کرد لهذا مصر حضرات
با جوشانده با وجود اخراج دم در استعمال ادویه مناسبه روز
چهارم از نفث الدم رنگ افتاد پس در آن حالت والد مقصد
دیگر از تباشیلیقی برای اخراج دم از جوالی شش فرمودند و بعد
از آن استعمال شیر بز گاهی با سفوف که معمول است گاهی با قرص
طباشیر گاهی شیر بز گاهی استعمال آید ها ابها سفوف
من انوالد همراه شیر بز گاهی با سفوف می آید گل ارمنی دو ماشه
گل مختوم دو ماشه طباشیر دو ماشه کهربا شمعی سه ماشه مرجان محرق
سه ماشه صمغ عربی دو ماشه رب السوس سه ماشه کلشیغ دو ماشه زعفران
یک ماشه باریک کوفته سفوف ساخته همراه شیر از آن تا ماشه
بعد انچه بخورند اسامه کرده شد ها سفوف ...

من الوالد مجربست گل ورغمنان ۴ ماشه گل مختوم ۴ ماشه قلعی کشته ۴ ماشه

سعوق صمغ عربی ۴ ماشه گلسرخ ۴ ماشه دم الاخوین ۴ ماشه طباشیر سفید

۴ ماشه باریک کوفته از عرق خارخسک و عرق بیدمشک حلابه بلیغ

سوده گاهی گل ارمنی بجای گل مختوم بقدر ۸ ماشه گاهی همراه شیر

و گاهی همراه عرق شیر و گاهی با شربت حب الآس استعمال نمایند

و گاهی همراه عسل سفید بخورند با جلاد بابدن بعد فقط با شیر

استعمال نمایند ؞ ؞ عقب آن شیر بنوشند تا تنقیه از ریم

سوغ بسیار نفع دارد و باید دانست غلبات حرارت سرخی رخسار

و لاغری و ریختن ناخنها و خلط بدبوی و ته آمدن در آب

و تعرق و تشنگی عرق شیر ۴ توله عرق گاوزبان ۴ توله عرق عنب الثعلب

۴ توله شربت حب الآس ۱۰ توله شربت عناب ۱۰ توله با تخم ملوط

سفوف گل ارمنی ماشه طباشیر ماشه باریک سحقه ریزه خطائی

ساییده با اضافه طباشیر کافوری بنوشند ؞ ؞ گاه عند

السعال عناب ٥ دانه سپستان ١٠ دانه بهیدانه ٥ ماشه جمیع را
دماسه زوفا خشک ١٠ ماشه در سه آثار آب بجوشانند نیم باو بمانند
صاف نموده شربت زوفا داخل نموده بنوشند گاهی اصل السوس
سه ماشه داخل جوشانده نمایند و گاهی دانه خشخاش سه ماشه و اگر تب
اگر رنگ زرد باشد شیره برآورده شربت بنفشه ١٠ توله داخل
نموده بنوشند [illegible] ایضاً لاکتک سعوس کنه [illegible] ماشه عناب
٧ دانه سپستان ٧ دانه اصل السوس ٤ ماشه بادیان [illegible] ٢ توله در یک آثار
آب بجوشانند نیم باو بماند صاف کرده بنوشند و باو یک عرق عنب الثعلب
و عرق گاوزبان جوشانده بدهند و فایده بهیدانه ماشه صمغ عربی نیم ماشه
در دهن دارند [illegible] و قرص سعال مغوف [illegible] ایضاً شیر اگر لعاب
بادیه با شربت زوفا ١٠ توله گاهی با ضیافه و یا قوت بنوشند تا
گاهی وقت صبح سفید بطریق [illegible] بطریق معمول تیار کرده عرق عنب الثعلب
٥ توله عرق گاوزبان ٥ توله شربت حب الآس ٢ توله داخل کرده

گل ارمنی ماشه رب السوس و ماشه طباشیر سفید ماشه باریک سوده باضافه
قرص سرطان سه ماشه بنوشند ط اخری من المستعملات
مجرب الاستاد و شیر عرق ۱۰ توله عرق گاوزبان ۱۰ توله عرق
عنب الثعلب ۶ توله جوش داده صاف نموده شربت عناب توله
ایضاً استخوان سرطان محرق ماشه گل ارمنی ماشه زهر مهره خطائی ماشه
باریک سوده باضافه قرص سرطان ۵ ماشه بنوشند ط ط
برای سل من الوالد سلمه الله تخم سفید و عسل سفید بنه یکجای
ذخیره دارند مایه مجربست و اگر گل ارمنی در حل نمایند فی مبیح
تمام دهند ط سفوف آخر من تالیف الوالد مجرب زرورد ماشه
طباشیر ماشه گل ارمنی ماشه گل ورعسنان ماشه سرطان محرق ماشه
گل مختوم ماشه صمغ عربی ده ماشه باریک سوده در عرق
بارتنگ سبز یا بلیغ نموده بانبات کاسه ماشه ماشه همراه
شیر شربت زوفا شیرین نموده قرص سرطان سه ماشه

اضافه نموده بنوشند و گاهی استعمال عسل نمایند

مطبوخ لسعفه عربه السعال از فی بدنه فصول مغز ۶ درم سپستان منقی

۲۰ عدد عناب ۱۰ دانه سپستان [illegible] درم در [illegible] آب [illegible] ساعت

سیوم حصه بماند مالیده صاف نموده ترنجبین ۳۰ درم فلوس خیار

۱۰ درم اندازه آب آمیخته بگذارند یکشب باز آب نماید صاف نموده

باضافه روغن بادام ۲ درم بنوشند برای تنقیه بلغمی من معمول

الاستاد لنجم زرد ۷ دانه عناب ۱۰ دانه سپستان ۱۰ دانه اصل السوس

مکوفته ۳ درم [illegible] بیرون کرده زوفا خشک ۲ درم [illegible]

۲ درم [illegible] در [illegible] با آب [illegible] صاف نموده

بنوشند وقت خواب شبانه این نسخه استعمال نمایند [illegible]

زوفا ۲ توله عرق بادیان ۱۰ توله با هم ممزوج نموده شیر گرم کرده

بنوشند ایضا [illegible] من الاستاد عناب ۱۰ دانه سپستان

۱۱ دانه [illegible] ۲ دانه مغز [illegible] درم اصل السوس [illegible] درم [illegible]

باب چو شاید بنوشند هـ مطبوخ برای دفع سرفه

من معمولات شفا والجدید انجیر زرد ۱۰ دانه مویز منقی ۱۰ دانه پرسیاوشان

۳ درم اصل السوس ۳ درم جوش داده صاف نموده با جاقند

کل گفند عسل ۱۰ درم بنوشند هـ غذا مزوره نخود با مغز قرطم

مطبوخ دیگر برای سرفه من الاستاد اصل السوس ۳ درم

سپستان ۱۰ دانه پرسیاوشان ۳ درم زوفا خشک ۳ درم

جوش داده صاف نموده شکر سفید ۱۰ درم داخل نموده

بنوشند غذا کشک آب ماش اگر ماش با شیره بادام ده عدد بخورند

مناسب است هـ ایضا برای سرفه من المعمولات عناب ۷ دانه

مویز منقی ۱۰ دانه انجیر زرد ۵ دانه اصل السوس ۳ درم لسقاج

۱۰ درم بنفشه ۳ درم نبات ۱۰ درم جوش داده صاف

نموده شربت بنفشه ۲ توله اضافه نموده بنوشند هـ هـ هـ

دیگر برای سرفه اصل السوس ۳ درم سپستان ۱۰ دانه پرسیاوشان

۳ درم زوفای خشک ۳ درم سنگ لشقه ۱ درم جوش داده صاف
نموده می‌نوشند و ایضاً اصل السوس ۳ درم انجیر زرد ۱۰ دانه
زبیب ۱۰ دانه جوش داده می‌نوشند غذا نخود آب با سینج
بادام و برای سکون بلغم من معمول الاستاد انجیر زرد ۷ دانه
عناب ۱۰ دانه سپستان ۱۰ دانه اصل السوس ۱ ماشه شگوفه بیرون ۳ دانه
۱۰ دانه بیرون کرده زوفای خشک ۴ ماشه پرسیاوشان ۴ ماشه مایت
۵ دانه در سه پاو آب که نیم پاو بماند صاف نموده می‌نوشند و
وقت حرارت شبانه زین نسخه استعمال نمایند شربت زوفا ۲ تولہ
عرق بادیان ۱۰ تولہ باهم ممزوج شیرخشت گرم کرده می‌نوشند و
واگر از این تدبیرات و دعا که معمول الاستاد است تخفیف
نشود جو والاشبهات که معمول مطب است استعمال باید کرد
و من الاستاد اگر احتیاج مسهل باشد انجیر زرد ۷ دانه مویز خشک
۵ درم اصل السوس ۵ درم شگوفه عناب ۱۰ دانه در یک ثلث آب

آب بجوشانند نصف بماند تا بیخ [illegible] صاف نموده باضافه ترنجبین ۲ درم

حل کرده نیم گرم بنوشند و اگر اسهال قوی منظور باشد تربد سفید

۲ درم خورشید و چهار درم واحد مطبوخ سازند غذا نخوداب باشیرین

بادام [illegible] دیگر مسهل جهت سرفه من الاسهال الخمیر زرد ۱۰ دانه عناب ۱۰ دانه

بنفشه ۳ درم اصل السوس ۳ درم سپستان ۱۰ تولد تربد سفید ۳ درم

در یک من لار آب بجوشانند بسیار تا بماند صاف نموده ترنجبین

۲ تولد شیرخشت ۳ تولد گلقند [illegible] تا تریاق نموده روغن بادام ۳ ماشه

اضافه نموده بنوشند [illegible] غذا نخوداب برای سعال [illegible] معمول لکنشنه

الخمیر زرد سی دانه بادام ۷ عدد مغز وقت خواب بخورند تا صبح [illegible] نشاسته

برای سرفه که سبب نزله باشد من المعمولات بهدانه ۵ ماشه عناب

۱۰ دانه سپستان ۱۰ دانه اصل السوس ۳ ماشه گل بنفشه ۳ ماشه تخم خطمی

۳ ماشه در نیم لار آب بجوشانند نیم پاو بماند صاف نموده

شربت بنفشه ۲ تولد داخل نموده تخم کاهو ۳ ماشه شیره برآورده

اضافه

اضافه نموده بنوشند غذا شوله شیره بادام ۵ من بعد شربت

خشخاش سفید ۲ توله اضافه سازند من بعد دانه خشخاش ۳ ماشه

وبنفشه ۱ شربت خشخاش ۲ توله شربت بزوری ۲ توله عرق گاوزبان

۱۰ توله باهم ممزوج کرده شیر گرم بوقت شب بنوشند ط

ایضا من المعمول عناب ۷ دانه سپستان ۱۰ دانه اصل السوس

۳ ماشه بنفشه ۷ ماشه گاوزبان ۷ ماشه تخم خرفه ۱۰ دانه تخم خطمی

۳ ماشه در نیم انار آب بجوشانند صاف نموده مربای

کدو ۷ ماشه شیره برآورده شربت بنفشه ۲ توله شربت خشخاش ۱ توله

داخل نموده بهدانه ۵ ماشه لعاب گرفته اضافه کرده

بنوشند لنعلب للسعال ... للنزله الحات کا پہے

باضافه و بانودا بنوشند ط وحمام وفایده بین دارد

مجربت ط ط مطبوخ برای سرفه وخشکی حلق وترشی

طبیعت ~~وخشکی حلق وترشی طبع~~ ونونلج مرام من الاستاد الحکیم

عناب ۵ دانه مویز منقی بیست دانه انجیر زرد ۱ دانه اصل السوس باد یا

بسفایج — گوفته بسفایج ۵ درم معجونه ۷ درم ترنجبین بیست درم چهار شب آب دیا

در یکصد سیر آب بجوشانند نیم آثار آب بماند صاف نموده ترنجبین

حل کرده صاف نموده خیارشنبر حل کرده باز صاف نموده روغن

بادام ۴ ماشه اضافه نموده بنوشند تا ۳ ایضا برای سرفه من

الاستاد انجیر زرد ۵ دانه بادیان ۳ ماشه تخم خشک ۱۰ ماشه

بهیدانه ۳ ماشه عنب الثعلب ۷ ماشه در یک پاو آب جوش داده

صاف نموده دانه خشخاش سفیده برآورده در حل نموده نیم گرم

بنوشند تا ۳ برای سرفه خشک من الاستاد کوکنار ۷ ماشه

نبات ۱ توله در پاو سیر آب جوش داده پاکیزه صاف

نموده دانه خشخاش ۷ ماشه سفیده برآورده در حل نموده باز گرم کرده

بطریق قهوه بنوشند تا ۳ ایضا من الاستاد گندم ۷ درم

یک فنجان آب بجوشانند ~~برای سرفه من الاستاد~~ صاف نموده بنوشند تا ۳

برای سرفه من الاستاد

نسخه شربت زوفا تولہ سکنجبین ۲ تولہ عرق عنب الثعلب ۵ تولہ عرق بادیان

۵ تولہ یا بسم ممزوج نموده بنوشند ﷲ ایضا للاکت من الاستاد

بزر بنفشه ... دانه اصل السوس ۷ ماشه سپستان نه دانه

انجیر زرد ۱۰ دانه گل گاوزبان سه درم بنفشه ۱۰ درم گلقند

۳ تولہ جوشانیده صاف نموده بنوشند ﷲ حبه سرفه

من الاستاد گل گاوزبان ۱ درم اصل السوس مقشر ۱ درم :

پرسیاوشان ۱ درم بنفشه ۱ درم زوفا خشک ۱ درم بادیان ۱ درم

بهدانه ولاعابی یا سپستان ۷ عدد تولہ عناب ... انار

آب کرده بسازند ... صاف نموده بنوشند غذا

دال ... نمک و برنج بخورند ﷲ ایضا من الاستاد

گندم و ماش نمک قدری بکوبسازند ~~حب سرفه من الاستاد~~

و صاف نموده بنوشند ﷲ حب سرفه من الاستاد نخود کابلی

یا ... درد و ... آب جوش داده صاف نموده ... ۴ عدد

رکنیت ۱ ماسه کوفته بیخته داخل نموده بنوشند ۱۲ ایضاً من الاسفار

نمک جوش داده صاف نموده بنوشند ۱۲ مطبوخ برای

قطع تعطش فهو من ترکیب الاسفار یستعمل للعطش ادراکیان

مبارکه الکبد من المعمول الحرارة زرده دانه بادیان ۱۰ ماسه بهدانه

۴ ماسه رفوتواخشک ۳ ماسه عنب الثعلب ۲ ماسه جوش داده

صاف نموده دانه خشخاش ۲ ماسه شیره برآورده شربت دینا

دینا فوفرا اضافه نموده بنوشند کمی وزیادتی بحسب رای الطبیب ۱۲

بجهه تسکین عطش من الاسفار شیره بذر بادرنجبویه بارهنگ ۵ ماسه صمغ عربی

ماسه [illegible] شربت دینا فوفرا ۲ تولچه سرشته بنوشند ۱۲

برای غلبه سرفه [illegible] که بعد از طعام میشود من معمول الاسفار

بارهنگ [illegible] ماسه [illegible] ماسه آب جوش داده صاف نموده

فوزا

صمغ عربی ماسه [illegible] داخل کرده شربت زوفا ۲ ماسه شربت دینا

تولچه اضافه نموده بنوشند ۱۲ خاتمه هذا یعنی کتابت

منضج سرشته و تسعد باز انکه مبارکته کندیابد مجرب الاستاد

المغفور ره برای سعال بلغمی من الاستاد خربق سیر باده گاو و

جوشانده بخورند مجربست ایضاً آب گرم نیم ماد روغن

بادام دو ماشه وقت خواب بنوشند ره برای سعال بلغمی

پیپلا مور ماهی دردهن نگاه دارند مجربست ۹ اصحاب الکهف نیز ره

حب برای سعال و سبب نزله نافع باشد من المعمول او

بیدانه نشاسته درم صمغ عربی ۲ درم رب السوس درم کوفته

بلعاب اسبغول حب برابر ماش بسته نگاه دارند و یک حب

در دهن داشته باشند در روز و شب پنج شش حب استعمال

کردن ره مجربست ترکیب الاستاد الکبیر زرده دانه بادام

سه ماشه عنب الثعلب و ماشه بهدانه ماشه زوفا خشک

ماشه خوش کرده ... بعوض دانه خشخاش و ماشه

شکره ... آورده باضافه و ... بنوشند ره ره

حب برای سعال صمغ عربی ۱ دانگ کتیرا ۱ دانگ تخم کاهو
۱ دانگ نشاسته ۱ دانگ مغز تخم کدو شیرین ۱ دانگ رب السوس ۱ دانگ مغز بادام
۲ دانگ شکر سفید ۱ دانگ کوفته بلعاب بهدانه بقدر ماش حب
بندند و هر روز استعمال نمایند ۲ حب جهة سعال
محرقیت مغز بهدانه ۳ ماشه دارچینی ۳ ماشه گل مختوم ۳ ماشه طباشیر
۳ ماشه رب السوس ۳ ماشه کتیرا مقشر ۳ ماشه صمغ عربی ۳ ماشه
نشاسته ۳ ماشه نبات ۵ توله کوفته بیخته کوبیده بسازند و استعمال
نمایند ۲ حب دیگر تا فتح یابد صمغ عربی ۲ ماشه نشاسته ۲ ماشه
کتیرا ۲ ماشه مغز بهدانه ۲ ماشه گل مختوم ۲ ماشه خشخاش سفید ۲ ماشه
اصل السوس ۲ ماشه زوفا خشک ۲ ماشه بادام ۲ ماشه طباشیر ۳ ماشه
زعفران ۱ ماشه مغز پسته ۲ ماشه بلعاب اسپغول حب بسازند
فایده سرفه را بعد از خوردن این حب چون بهم رساند حمام نمایند فتح
میشود و تحلیل میکند مواد را که بسبب ترطیب حب چنین بهم رسانده

باشند و سختین میکنند و نافع را هذا من الاعمال المجربة و نیز منع میکند

نزله را ۞ و دیگر حب نافع برای سرفه اطفال که بسبب نزله حار

باشند و نیز برای سعال یابس لشنه منع و بے رب السوس خشخاش سفید

افیون رب السوس خشخاش سفید افیون مساوی الوزن کوفته کوفته

بیخته بلعاب بهدانه بمقدار نخود حب به بندند ۞ نسخه حب

سعال مجربست بزرالبنج ۲ توله میعه سایله ۳ توله زعفران

۵ توله رب السوس افیون ۱۰ توله رب السوس مصطگی صمغ عربی توله مریکا توله صمغ عربی

۲ توله مصطکی ۳ توله سنبل الطیب ۳ توله تخم کوکنار ۵ توله دارچینی

۳ توله مرچ نبات ۲ توله قرنفل ۳ توله هیل کلان ۲ توله عود ۳ توله

عاقرقرحا توله فلفل ۲ توله بهدانه ۲ توله جدوار ۲ توله محرث اعلی

دار الحرز کوفته بیخته بلعاب بهدانه حب سازند برابر فلفل از یک

حب تا دو حب میکشند بسیار مجربست و سفید با وجود

کدر افیون مصر کشند بسیار مجربست و سفید با وجود

کشته افیون مفرح کشند و سعد بدارد ۞ فایده آنچه نسوزد

حسک حرارت حرارت باشد مبال هر شانه هر چهار جای دوست

مریض رسد یخ در چیپانند من بعد این مرکب هندی بعمل آید

زد حرب فلفل سفید کوبد و ۞ ۞ ۞ نسخه سفوف خشخاش

کوکنار با وسمه زعفران سه ماشه اصل السوس ۲ تولد خولنجان

۱ ماشه خشخاش سه تولد مصری سه برابر دوا ۞ من بیاض المجدی

رب السوس نیم درم کتیرا نیم درم صمغ عربی نیم درم صمغ

نیم درم زعفران درم باب صمغ عربی گولی به بندند ۞

ایضا من الاستاد رب السوس دام مویز دام شکر سفید

دام در عرق ادرک گولی به بندند و معدار نخود مجرب است ۞

دیگر معجون فلفل عرق بادیان ده تولد بنوشند ۞ ایضا اکبر

ولدنی ۵ دانه بادام سفید اندازه استعمال نمایند ۞ ۞

ایضا دار چینی بهدانه مصری جوشانده دهند ۞ ایضا

اصل السوس ١٠ در مثقال الجزر ٢ در جوشانده ٥ دهند غذا بوقت
نخود آب ... وقت ... شربت زوفا در سیاوشان
شیر داخل میکنند ... فی بعض الذکیات المستعمله لمطلب
الاسهال کتب من بیاض الاستاد بهذه الطریق برای سرفه
شربت زوفا ٢ توله عرق ملالی ٥ توله ایضا شربت زوفا
٥ توله عسل ... سفید ٥ تا شیره برا جوره کرم مغز بخورند
ایضا الجبن عناب سپستان جوشانده ٥ دهند برای سرفه عناب
سپستان ... دیگر عناب الجزر ٥ در مثقال عنب الثعلب
جوشانده ٥ بخورند غذا نخود آب ... پرتعب بای آلکم
برای ... ابتق الدوله ... مانیف ... برای قبض بورسیر
در ... و ... معجون ... و ... معجون ... و ...
و ... محرب ... یالان ... پنج ... ها و
کاهی هم ها و پنج ... هم ها و کا ... ها و ...
... ها

مکی مثقال هم باو تخم خطمی ... باو تخم خطمی ... تخم خبازی ... باو

باره تخم کدو هم باو برگ خطمی ... باو زنجبیل ... باو اصل السوس

... باو عنب الثعلب باو سیر برادره حب حبتی وردی الکوس

حسک ... کروح ... سرخ ... توله ... سفید ... توله بابونه ... توله

... بابونه ... توله اکلیل الملک ... توله عقب الذریره ... نار

کلیح باو سیر پودینه خشک باو کبر دمیتوی ... توله زیره سیاه

... توله مصطکی ... توله عصفر شیرخشت ... توله سنبل الطیب ... توله

... سنگ ... توله ... فستق ... توله ... توله چرز توره ... توله

... توله ... نبات ... توله نالیکس ... توله برگ سداب

... توله ... فارسی ... توله پوست بیخ کبر ... توله ... خطاب

... توله ... چرزد ... توله تخم گندنا ... توله تخم حلبه ... توله تخم

کتان ... توله انجرزد باو سیر الوبخارا باو سیر تمر هندی باو سیر

الوبخارا باو سیر تمر هندی باو سیر آلوبالو باو سیر الوبکا

بار

ا ب

آب چوش بسته انار ترش سابلاغی نیم ... و مویز ... لار کشمش لار

لوبیت هلیله زرد نیم ... و لوبیت هلیله کابلی نیم ... و لوبیت هلیله ... و

لوبیت هلیله نیم ... و املج ... بسته ... هلیله زنگی و ... مغلات زرق

... و تسعیر زرشک ... نیم ... و ... بسته لار هلیله مربا ... نیم ... و

سلبره برآورده فلفل زنجبیل فلفل ... لار ... یک ...

... لار همه را در آب برگ کاهو ۵ لار عرق ...

۵ لار ... به آب برگ عنب الثعلب ۵ لار آب برگ کاسنی ۱۰ لار

آب ... انار ملیح و قدری ... آب زمین قند ... چهار

روز ... کرده وارند بعد از آن گوشت حلوان ۱۰ لار جوجه مرغ ۱۵ عدد

دراج پنجاه عدد کبوتر پنجاه عدد زرده تخم مرغ ... انار نیم ... و ... تیهو

... کرده مشک ... عنبر اشهب ... زعفران

دهان در ... داده و قدری ... و ... گلاب ... سرشته

کرده ... نمایند و اگر باشد عرق کیوره ... داخل کنند

بدستور معمول ما را بحکم گشت بدو اگر قوت خواهد همین را دو به لو بضیف
وزن ما بگرفته هر روز وراتب ما ولیکن مرکب ده بار گشته هر راتبه
نماید بسیار بهتر خواهد شد و اگر شکر سرخ ده بار و داخل نماید بسیار بهتر
خواهد شد و در رفع ورم آب برگ تنبول به مصالح اگر داخل نماید
بسیار قوت است قند نبات موافق روزینت جهار الطهر مزاج یک
وزن باد مع صلاح برای طبیعت ها ها ها دستور العمل جرب حبی
مثل عدیکان صفعه هر روز سه تولہ بر خوردن جبی بدم همه بکاری
مثل تخم و ما فظار زیره زیره کرده در پیاله چینی بگلاب و عرق
بید مشک خیسانده و صبح با نبات اثارات و در دیگ سنگین گرفته
با در دیگ مسی قلعی دار و لیق سفالی بر سر گذاشته اطراف آن را
بخمیر زده تاکل و گل آرد و مورف بستانی گرفته سنگ سنگین بر رو
گذاشته بر دیگدان نهاده شیت آتش همه قلم باریک چوب ساخته و در زیر آن
بسوزانند تا همه تمام شود بس لیدان از آتش فرود آورده یکجا صرف کنند

بخوار

تا شوربت زود نشیند و پای بر سر گرفته شوی یک قدر زیر ردای بر سینه

نهند تا گشاید سر و گردن بخاران دارند تا عرق آید و یک پیاله

قهوه جوزی کلان با حب نوبه مات سفید گرم گرم بطابق قهوه بنوشند

در هفته یک بار برگ بشیند با پوست کوکنار له و یک بلاید بسبوز فقوله بلور از دارے

بر سر کشیدن و روای دیگر برگ کشنیز سر و یک بلاید بیخ بکاهند

و سر و تمام بدن را بسوی آن بخاران دارند و عقاب هر آینه

عرق بگیرند تا در تمام بدن عرق آید و یک پیاله قهوه جوزی کلان

با حب نوبه مات سفید بطابق قهوه گرم گرم بنوشند و در هوای گرما تمام

بدن بحسب گرمایند تا عرق خشک شود و قهوه آب و ربیسه نگاه

دارند و غذای گرم بخان قهوه و غذای سرد و بجای آب و قند

در طبخ غذا و حمام ها و در حل نمایند تا آب بالکلیه حذف گردد و

تا چهل روز بعد از فراغ حب شخی با شش ماه از هواکه رطبه و مائ

و سیر و شلغان و سبزیهای غذا و جماع پرهیز بدحسب و انند ها ها ها

دستور ماء الجبن وقت عصر مقدار دو نیم رطل از شیر بز سرخ رنگ فربه

که معلوف باشد بگیاه و در سفال نو دیگر تره و شاهتره و شیح

در دیگ سنگی پاک فلفلی و در کره پاک ملایم بجوشانند و بچوب

انجیر و لولب از آنرو شستیم باشند و هر چوب را کوفته مثل

مسواک ساخته و در سر وقت طبخ اندوخته بدان حرکت دهند و بفقب

آن چوب تمدق شود و آن قدر بجوشانند که بپایه سر پایند و دود

آورده بنشیند و مثقال سکنجبین صادق الحموضه در آن ریخته

در کرباس سفید کنند تا آب بچکد علی الصباح آب مصفی لاجورد و یک

کرده اندک جوش دهند و کف آنرا بگیرند و نصف مثقال

زراوند با مجموع شربت افتیمون و نیم مثقال سفوف و جزو

و یک دانگ لاجورد مغسول هر روز مصبح سه جرعه که بفاصله

یکساعت و نیم باشد بنوشند و بعد از سه روز عوض لاجورد

و سفوف مسهل دهند و بعد بکروز مدت ماء الجبن استعمال

نماید بدان دستور علیوجان الشیرازی . و رماد الاثمد و الواله سلمه

فتح نسخ اخر می‌باید فلنذکر کلهم و جمعهم فی هذا الاوراق ⊕ ⊕

شیاف جهت نزول ماء نخله شوبنه ۱۰ م ماه ۱۰ م کتیرا ربات ۱۰ م

عدر لوبه ۱۰ م نولف ۱۰ م زرخوب ۱۰ م زعفران و ۱۰ م

مامیران ۱۰ م رسوت ۱۰ م شیاف مامیثا کوفته بیخته آب شیاف

ها سازند ⊕ شیاف جهت ابتدای نزول ماء و تار دیدگی چشم را نافع

انزروت مربی ۵ درم شیاف ماثا ۵ درم نوره ارمنی ۱۰ درم فلفل ابیض

۱۰ درم زرنیخ زرد ۵ درم زعفران ۱۰ درم کوفته بیخته شیاف سازند

دیگر شیاف اصفر ملیله زرد ۵ درم توتیای هندی ۵ درم فلفل سفید

سه درم صمغ عربی سه درم زعفران درم باب زار نایه شیاف

سازند ⊕ ⊕ ماء اللحم برای نواب میرزا احمد علیخان صاحب

ترتیب داده بادیان ماء و سهر کلک کاوزبان ماء و سهر مادر کجیوه ماء و سهر

کاوزبان ماء و سهر اسطوخودوس نیم سیر ماء دیسفایج فستق ۱۰ م تولچه عنبر صلیب ۱۰ م تولچه

سنبل الطیب سه توله سنامکی هندی سه توله صندل سه آثار گلسرخ نیم آثار و
پوست هلیله زرد نیم آثار و پوست هلیله کابلی نیم آثار و هلیله سیاه نیم آثار و
تخم کاهو نیم آثار و ابریشم مقرض سه توله خارخسک سه توله برگ شاهتره آثار و سیر
گشنیز خشک نیم آثار و افتیمون آثار و سیر فلفل سیاه دو توله فلفل دراز
دو توله دارچینی دو توله عود غرقی دو توله برگ فرنجمشک آثار و سیر بهمن سرخ
سه توله بهمن سفید سه توله الایچی خرد دو توله ثعلب مصری سه توله شقاقل مصری
سه توله تخم ... سه توله تودریان مصری سه توله پوست زرد اترج
سه توله لسان العصافیر سه توله مصطکی سه توله برگ شاهی سه توله
تخم شلغم سه توله تخم گندنا سه توله تخم ترب سه توله تخم کدو شیرین سه توله
مغز تخم خیارین نیم آثار و طباشیر سه توله برادهٔ صندل نیم آثار برادهٔ صندل
نیم آثار پوست بیرون پسته سه توله زنجبیل دو توله عقیقبگا و
حیوان سوختهٔ کرده دو توله مروارید ... آثار کشمش آثار مغز بادام نیم آثار و
مغز فندق نیم آثار و مغز پسته نیم آثار و مغز چلغوزه نیم آثار و مغز گردگان سه توله

قرنفل

قند سفید ده اثار همه را نیم کوفته و در هشت اثار آب دو شبانه روز تر کرده

نگاهدارند مع بعد مغزیات را از آب صاف کرده سبیده برآورده و در گل

نماید بعد از ان آب سنگتره اثار آب گزره اثار آب انار میدون اثار

آب سیب ۲ اثار مخلوط ساخته نگاهدارند بعد از ان گوشت مرغ خوان

۱۰ اثار گوشت کبوتر صحرایی ۵ عدد گوشت دراج گوشت کبک پنجاه عدد

گوشت گنجشک پنجاه عدد همه را بدستور یخنی مصالح داده آب یخنی

بگیرند و با ادویه سابقه مخلوط سازند گلاب ۲ شیشه و در گل

کرده بدهان شیشه مشک ۲ ماشه عنبر اشهب ۲ ماشه زعفران تولد

داده بدستور عرق کشند بقدر بردرشت مزاج تناول نمایند ماء

شیاف گلنج نسخه محمد اکبر ارزانی گندرا نافع رست گلنج ۲ مثقال

زعفران ۲ مثقال سفیداب ارزیز ۲ مثقال افیون مثقال

صمغ عربی مثقال بدستور شیاف سازند ... شیاف

بر بیاض رندرا در روز بیح از شیاف ما شا ۲ درم ابر روت مرید ۲ درم

زعفران ۲ درم اجبولت ۲ درم کنیز ایکی درم کوفته بخته باب

باران بوکه زر وسیاف سازند و یکیسی تخم مرغ بحب کشند

سنون مجرب استحکام اللثة واثبات الاسنان منها طریق دستعمال

روانبت ادریب مزوج کرده بمالند صمغ مصطکی سنک جراحت

هیله بیول مروارید کنار تو نا برنک صمغ عربی علی السویه کوفته

بیکنفور سنون بسازند من المجربات بلدرع اکر بلکمانشه

سنب بجانی جابت ورتبانه قبلارنوبت یکساعت تکا

ربع درهم بدهند یبدم بحب الزنجر مقلب شش سرخ اکر هوا کرم

باشد سه سرخ با شربت بنفشه تولة مع ربع بحوشند حب

دارفع سواک بحارت از قرحه قیحیت باکهان بید دار فلفل

عند بعد الاکل جورد علیه باکله ذکان درم سلاجیت سه درم

کوفته بخته باب نره بکاسنی با شیره برک آنجب بهند بلکدان

وبرکاه مراجلبت بخورده عنکبوت بیرون اکر بیرون ادعاده

من مجربات که اکر بچه برید وریده الدم ورنگیت زنبور ودرد گیرد بند کنند انبود

فصل در نسخه دف مجرب ازیبت ایبود

وسل نسخه برای تو شیر خود بیشتر شیر تر و نرم برفی بعده

اکر بسیار اتش داده بعده قرح یا بتاند از

روال شیر نصف تخم بر قرص و درد و روغن بادام

وشیر اینده از دو بسر کنند و دو درد تو بخوردن ایت

انکشت جدا انبوده اسب شیر شود و بیرون ارزین دارد

نسخه بیت فرمیده شیره برای نرم و بریک بیک وزن

ودو فلوس بیرون نبشته که نیم ابات

ودر دیگر جدا فلوس انتظار تابد بار جمیله

بیرون دیگر جدا فلوس آخر تابند

وا ورق ویسان ده تا بیست نباید بیرون

والا مرهم مجرب ﻫ ایضاً زرد چوبه کوبیده [illegible] کاشغری ملک ارزی

اجزاء [illegible] بشوئید دیگر چون آب دوم الالوان اضافه نماید پر شود

معمول ما نماید ﻫ محرقة الصبوح سے الابتدای تجربه رسید من حکیم جعفر

زرشک بیدانه و آلو [illegible] شب در گلاب تر سازند و صبح صاف نموده

سینه مرغ چهار تولہ نبات دو تولہ در آن ممزوج نموده بیاشامند تا

للسفطة مجرب من معمولات حکیم فتح الله [illegible] خان شکم [illegible]

بخورند و چوب [illegible] نیکو [illegible] حلوا [illegible] بگذرد [illegible] مجرب تجربه کرده

گوگل [illegible] را کوفته قرص ساخته مثل [illegible] تر [illegible] بگذارند

بلند [illegible] بسیار خواهد شد و در [illegible] کند تا قطرات خفیف [illegible]

خواهد بخشید و همون [illegible] سه [illegible] حاذق خواهد شد و چند [illegible] تا رک

خواهد شد اعتبار ﻫ مجرب ﻫ فایده خوردن [illegible] همه [illegible]

ضرر عظیم دارد سبب آن تعقد مفاصل بهم رسد ﻫ فایده

در تسمیه [illegible] [illegible] [illegible] الرئه [illegible] [illegible] و هو جزو اعظم [illegible]

المعجون لذا سمّی بهذا ۞ فایده موی سران ان را سوخته خاکستر

سوده بر موضع جراحت بپاشند فی الفور خون جراحت آن مکان بند

میسازد مجربست ۞ معجون از عکوراست نموی عصر هستای پعکور

تا رحیلک ٤ ماه مصطگی ۲ ماه نبات ۵۰ ماه سه جیدان ادویه

ایه ازین سم معجون سازند خوراک حب القوح ۲ مش ۞

جهة عنیان رطوبی عرق را سوخته در دهن لگا بدارند همه طرف

سکنند مجربست ۞ جهه رسوا مجرب جدوار بشربت ورشوکه

سائیده بر موضع طلا نمایند ۞ جهة عرق دست و پا بهندی

سیت گویند در سیحان نیخ کابعل و کلنقی خرمهره سوخته

همه را مساوی الوزن کوفته بیخته بر دست و پا بمالند ۞ ۞

فایده کجالو بفتح اللام و الجیم مع الالف اسم هندی و هو من

الحشائش المعروفه فی بنگاله والهند و من عجیب اثره انه اذا الانسان

اذا اثره وضع علی ساقه فکان یحی من غیره الا ان الحیا بالبدیه

الکبد هذا وجه النسیعة بار و ینفع من استطلاق البطن جداً سیما

الدموی و من الاورام الحارة و البارده و الجراحات و البلغم هذا

البرود مانع نزف الدم و الله له عجز و قد جرّبت منه انّ

رجلاً کان یشرب الدهنون اربعة دراهم عادةً وعرض له

الاسهال الشدید و لم یبرد حتی یعجز الاطباء عن علاجه فشربوا

عصیر هذا النبات احیاناً فبرئ باذن الله تعالی

روغن شونیز نسخه جالینوس [illegible] ساخته بود برد باید

موی سر و جمیع مواضع و مواضعی که الثعلب باشد و مرتیل

سقف و قروح است [illegible] داء

الحیة و داء الثعلب و برص و بهق چون طلا کنند و ببنع آنکه

دوران کند [illegible]

بپوشند سپیدرا ببرد و موی سیاه کنند و در حیض [illegible]

و ضعف الاعصاب را قوت کرده و اگر بر [illegible] طلا کنند [illegible]

دوست و بصارت افزاید و محلل ریاح است صنعته سنو بنزار دیگر که

تا سیا صد درم حلتیت ده درم شکر سرخ هجده درم نوشادر یکدرم همه را

در قدح انبیق کرده روغن جکانند و در ظرف آبگینه نگاه دارند

جهه تضییق النفس الطف اشیاء که مشهور است بعد بود صنعته

زرنیخ سفید ادرج یخ ف سهاکه بزرگنه تنگ سنگ یخ جلاب آبگینه اکنون

اجزاین علی السویه و برابر همه جلاب کرده بهبر و بر سفال جلاب کوبد

زرنیخ جلاب کوفته زرباب بیود تا تیغ سنج کرده بر سفال اتب

تا رسیدن لیب کنند تا خشک کنند کرده بیواخری حبال کنند تا ذنیت

او هار شعوبی لید حب بمقدار ماش بهند عدد الی حب یلجب بدبد

محروب شد منه لحاورام اول رواد عارضت تر فراید ملطفی و محلل

وراد و به فالیفه و در اختلاط فقط مجلات ه جبه که منع ابلیس

کند و نگذارد که فیه قابل انعقاد شود صنعته انیسون تخم کرفس رازیانه

قوتنج جسب مسکط الشیع از هر یک جزوی دارچینی سنبل الطیب سلیخه

برای بستن بحوب ان قسط جوز الهلب ریک لفیف جزوی کوفته
هجبه باشد حب سازند هرگاه که اراده صحبت کنند مقدار یکمثقال
بخورد ان زن بدهند وصحبت کنند بار بگیرد مجربست هجنین اگر
بار حرکوش را بر بازو به بندد بعد صحبت بار نگیرد و همچنین قدر
تخم حاض بجاروی زن بسته باشد مادام با او باشد بار نگیرد
مجربست ها ها ها برای آمدن رگش تا چهار روز بعمل آرند
من مجربات حکیم حبیب الله ابن عباس رحمت باز ما قاب تلبد
الرشید لوز ب علونجان سیرس بکدرم رشیا بمعد و تخم درخت
بیست عدد این همه را اوزار بسایند در چهار ره لوز خی حطار لیس لله
دفع سیلان رطوبت رحم من معمولات نواب علونجان
صفحه برگ بورد ۳ تولیه صدف سعد ۲ ماسه عود صلیب ۲ ماسه
اظفار الطیب سه ماسه فلکار فارسی تولیه عود هندی ۲ ماسه عقاقیا
بحیه یکتوله العفص افاقیا ۲ ماسه سرکس کانی کوفته ۲ ماسه روغن گل تبع یکتوله البتریس
بریع کرس

شب بعد تخم خرفه یک عدد ادویه ما سلف را کوفته بیخته با روغن گل

و سفیدی بیضه مخلوط ساخته از آب برگ مورد سرشته برکف مالند طلا

چهره زنند و موی سر معمول نواب مستطاب را اول مقصد فیقات تا د سبیر

خون بگیرند من بعد الالفات کشنیزی اول بخورند بعد از آن سیره تخم کاهو

تولد تخم کدو ۲ تولد سنبره کشنیز کنیز جبک تولد خشخاس تولد

در خل کرده بنوشند من بعد این ادویه استعمال نمایند زاج سفید بحرق دانه

افیون ماسه زعفران ماسه خوددار سنگ بنوماسه در ظرف آهنی

کرده بدستمال آهنی بر آتش ملایم سائیده تا سیاه شود بر دور چشم

طلا نمایند که اندرون نرود [illegible] معدی و فلله الله اسبهان

معمولات نواب علیخان صاحب بلقوف بهبودی سوکیفی بلقوف

انار دانه ۵ ماسه بر [illegible] بادام شیرین ماسه جرب کرده بخوارش آنرا

رشته اول نمایند بعد از آن بارتنگ بریان ۵ ماسه تخم ریحان ۵ ماسه

زیره کرمانی ماسه بلکه [illegible] ۱۰ تولد گاو نیم بنوشند تمام

الشفا

بخورند تخم خرفه کاهو [illegible] یک
[illegible] صندل سفید [illegible] یک
[illegible] یک [illegible] بنوشند
[illegible] کنند
[illegible] بخته [illegible] الله

لاستسقاء اللحمی من معمولات نواب مغفور صفته قرص کاکنج ۵ ماشه

معجون کاکنج ۵ ماشه مقدوری سرشته تناول نمایند بعد از آن دوا رخچه

۳ ماشه اصل السوس ۳ ماشه بادیان خطائی ۳ ماشه گلقند ۳ توله جوشانده

بنوشند و عقدی و یک این نسخه موضوعه للطحال لانه من قبیل ادویة

کابیر الریاح کثیرة نفع حب مجرب جهت سرخچه اطفال زیره

خطائی ماشه گل ارمنی ماشه حضض ماشه مغز تخم کدو ماشه تخم خربوزه

ماشه مروارید ناسفته ماشه سنبل ماشه همه را سوده حب ساخته یک دانه

ازان حب با عرق شاهتره در فنجان اطفال بدهند و بالغ آن

حبوب را بعرق شاهتره بمرضعه اطفال بدهند نفع نفع نفع

جهت حبس زحیر من معمول علیخان صاحب صفته آن سفوف طین

ماشه لعاب ریشه خطمی ۵ ماشه تخم ... ماشه شیره تخم خرفه ۲ توله

تعوق بادرنگ ماشه شیره انجبار ماشه رب به شیرین ۲ توله

عرق بادرنگ ۱۰ توله روغن بادام ماشه نفع نفع نفع

جهت تب و سیلان خون بواسیر شربت انجبار ده توله بارتنگ ۵ ماسه

عرق بید ساده ۱۰ توله با هم ممزوج کرده بنوشند ه جهت علقه سرفه

و نفخ که بعد از طعام میشود من معمول فقیر بارتنگ ۵ ماسه دانه هیل ۲ ماسه

ماسه بخته صمغ عربی ۶ ماسه شربت و بافوره توله شربت زوفا توله ه

جهت دفع ... که هندی ڈراک گویند ... سبز ... که

باشد دانه هیل ماسه دانه الایچی خورد ۵ ماسه عود ... ماسه بادیان ۶ ماسه ماسه سفید

۲ ماسه همه را گرفته بخته باب ... برابر بکار ... صبح

دیگر شام بخورند من معمولات حکیم جعفر مرحوم ه ه ه

للاستسقاء السهال من معمول الاستاد الوالد حکیم محمد جعفر آتش جاوشیر

گرفته بازره ملک نکتوله گرفته در ریزه کاو خوب حل کرده در پارچه

تر کرده زن آن بردارد در ... در دفع حمل ... مجرب است ه ه

للعواق الرطب من معمولنا مصطکی یک قند ... خورند دنبال آن

عرق المرزنجوش و گلاب بنوشند ه للعواق الرطوبی مستعمل مقطب

نفر

قرص کرده باشد معجون بهوب صغیر ماشه ممزوج نموده بخورند من بعد عرق

بادرنگ نوشند ۞ لوجع الاسنان علاجی مستعمل قطب پوست خشخاش

پوست بیخ بید انجیر ... گل بابونه ... جوش داده مضمضه نماید ۞

جهت اوزاغ که بهندی ... گویند اوزاغ کند تخم خشخاش بلبله که بهندی

بهیرا گویند با آب سوده بر بندد نافع است از جهت ... عدد

باید داد و نباید رسید ۞ روغن جند بیدستر که جهت نقوط ... الصدر است

جند بیدستر ... قسط تلخ تخم ترب ... رومی شمع ابیض ...

... ... نفت ... روغن کنجد مخلوط سازند

و استعمال نمایند و روغن کنند ۞ ۞ ۞ دافع ضعف باه و سرعت

انزال و چکیدن منی من معمول علویخان صفت خفیة التغلب ماشه

مغز بادام شیرین ماشه مغز پسته ماشه مغز چلغوزه ماشه بهمن سرخ

ماشه عود هندی ماشه فوفل ... بریان ... ماشه

سرشته معجون سازند ۞ ایضاً من معمول مطب ... مذکور

مصری

معجون بهوپت ٥ ماشه کبر بخورند لبلاب ٥ ماشه سنبل ٥ ماشه تخم سقمونیا ماشه

شقاقل مصری ٥ ماشه خولنجان ٥ ماشه ماش زردک پخته نبات سفید ٥ تولہ

در حل کرده مالیدن آن بیوشند ٥ و بیضا آنه یبوق الباہ من بعمول مطب تخمین

سرخ ٥ ماشه عصیه الثعلب ٥ ماشه بر ملادر شیر بلگاو ٥ ماشه تخم بحبش مالکنگنی

٥ ماشه پاشیدن با اضافه شربت انار شیرین ٥ تولہ بخورند ٥

طریق عرق ماهی کاسه اکبر تخم هندا تخم گوی تخم بسته تخم کدو تخم حبه

نا کواه تخم کرفس از هر یک ٥ دام لادن برگ انار الان حندر از هر یک

٥ دام بیخ درخت سینهک جمله را بکوفته سیب و ران بجبانند و

در وا آن
ریخته و یکبار عرق کشند بقیاس ٥ سیر هر روز ...دام بخورند ٥ ٥

للسوء الیاس من مستعملات المطب سیر نیز با وسیر بار تیک ٥ ماشه صمغ عربی

ماشه سوده بکار آن شکر با تحفه شربت با قوره ٥ تولہ ٥ للسوء الرطیب من مستعملات

عناب ١ عدد اصل السوس ٥ ماشه پرسیاوشان ٥ ماشه عسل البلاد ٥ ماشه

جوش داده صاف نموده بار یک ٥ ماشه شربت نیلوفر ٥ تولہ داخل کرده بنوشند

با حب ممسک امساک منی کند و دفع سرعت انزال نماید و معده را قوت دهد

و باه بیفزاید و نشاط آورد و بوی دهان خوش کند صفت نیز الخ سفید

بیضه کف سفید العلب یک تخم ... ن العصافیر بیخ سیسی یک سه

مثقال صمغ عربی تخم ... زعفران سه مثقال یک سوس سفید یک سه

زر ورد افیون یک مثقال کوفته بیخته بلعاب بزر قطونا که بگلاب

لعاب گرفته باشند سرشته حب ها بسازند هر حبی بقدر نخود بورق نقره

پیچیده در سایه خشک نموده نگاه دارند بعد از یک هفته شربت یک حب

من علوی خان معمول است ضماد مسمات مطلب پیاز نرگس ۷ عدد

بگیرد جوی ورق کرده در شیر گاومیش در آفتاب بخشکانند پس در هاون

سنگ بریسته بکوبند من بعد قسط شیرین تولہ قسط تلخ تولہ ... سورنجان مصری تولہ برگ

مورد تولہ سعد رومی تولہ ... بغدادی تولہ عاقرقرحا تولہ کوفته بیخته

روغن چنبیلی ۵ تولہ ... بسته بمالند ... بر پارچه طلا نمایند بر عضو

مخصوص ضماد نماید سوای حشفه من معمول نواب علوی خان

نسخهٔ عجیب للمجلوق پنج سیر سفیدا و سه کلنجی سفید بگیرند پای بجناک بگیرند پای

شیر گاو جدا جدا را دو به کوفته بیخته در شیر گاو جوش داده با سیر ایران

روغن گرفته و گنجشک نر صد عدد و پنج نموده از پوست و ناخن

و شکم پاک کرده در روغن مذکور بریان کنند و مانند مرهم حل

کنند با شیر و گلو از طرف حشفه بمالند تا هفت روز صحبت نکند با

مقوی اعصاب زر قبار توله قسط تلخ توله عود هندی توله الیسر سفید توله

مغز پنبه دانه توله جدوار توله خشخاش توله مغز بادام شیرین توله مغز پسته

ا توله همه کوفته بطریق چوب روغن برآرند و بر عضو خاص سوای حشفه طلا نمایند

مقوی باه من حکیم اسمعیل گیلانی سنگخوار ادام صاف نموده باریک

و تهوره باریک ساییده من بعد شیره برگ حشیش ادام روغن کنجد

خام آتش نرم در دیگ انداخته بجوشانند تا که برگ سیاه زرد کامل

بعد فرود آورده و سرد نموده صاف نمایند و در شیشه نگاه دارند

در استعمال فیسر باید مقوی اعصاب است

روغنی که در تقویت باه و تحریک باعث و امساک اثر و قضیب را سخت کند

صفت خراطین ۱۰ توله بیخ کبر سفید ۵ توله کنگر سفید ۵ توله بوزیدان ۵ توله تخم دهتوره

۵ توله ترنجبیل [?] ۵ توله زهر ملیتا [?] توله مالکنگنی ۲ توله عاقرقرحا توله بیخ [?] ۲ توله

جند بیدستر نیم توله دارچینی نیم توله بسباسه توله خولنجان توله جوزبوا توله

و لاک [?] نیم توله بیخ کبوتر صحرائی توله تخم ترب توله تخم شلغم توله [illegible]

در آب یک شبانه روز تر نمایند و چوره کنند [illegible] اسمعیلیه [?] [illegible]

منضج من بوزن موصوف گاوزبان ۵ ماشه گل بنفشه ۵ ماشه اصل السوس ۵ ماشه

بادرنجبویه ۵ ماشه قنطوریون و قیطون [?] ۵ ماشه مویز منقی ۲۰ عدد عناب ولایتی

۱۰ عدد سپستان [?] صاف نموده ترکیبی [?] [illegible] ۲ توله گل قند [illegible]

۲ توله در آن حل کرده بیاشامند روز سیوم شاهتره اضافه نموده

بنوشند روز چهارم اضافه نوشند هلیله کابلی ۵ ماشه پوست هلیله زرد ۵ ماشه

هلیله سیاه ۵ ماشه فلوس خیار شنبر روغن بادام شیرین ۱ ماشه [illegible]

جهت تنقیه دماغ و ازاله توحش سوداوی بتجربه رسیده [illegible] هلیله کابلی

پوست هلیله زرد هلیله سیاه ملکی ۴ ماشه ایارج فیقرا سه ماشه غاریقون
سفید ۳ ماشه لاجورد مغسول ماشه کتیرا سوده ماشه بادام شیرین
۷ دانه چرب کرده حب ساخته بورق نقره مجمع فرو برند بعد از آن
مطبوخ خیار شنبر ۷ تولچه عرق گاوزبان شیره حل کرده روغن
بادام شیرین ۷ ماشه اضافه نموده بنوشند دوای مسهل الملوک
دفعه دیگر جهت تنقیه صداع و دوار و تقاعد الجرد ایارج فیقرا ۳ ماشه
ام الغافث اسطوخودوس ۶ ماشه سنا سرشته به روغن بادام چرب نموده
حب ساخته بورق نقره مجمع وقت خواب فرو برند بعد از آن
آب نیم گرم بنوشند صبح گاوزبان ۶ ماشه عنب الثعلب ۶ ماشه
سنای مکی ۱ تولچه جوشانده صاف نموده مطبوخ خیار شنبر ۴ تولچه
ترنجبین ۶ تولچه گلقند آفتابی ۲ تولچه حل کرده صاف نموده
روغن بادام شیرین ۷ ماشه اضافه کرده بنوشند ۵
روغن مسقط و مقوی باه مجرب خراطین دام بیربهوتی دام اسگندم دام

تولچه

پوست بیخ کبر سفید یکدام زهر تیلیه یک دام کهو بکهی سفید یکدام گوشت

شیر یکدام گوشت سانڈه یکدام بالنگو یک دام بهی مقشر

کبوتر یکدام جنگلی یکشبانه روز در شراب بعد از آن در شیشه انداخته

مثل چوه چکانند بعد بر عضو طلا نمایند ☙ ☙ ☙ ☙

سفوف مقوی معده باد و دافع غثیان مستعمل مطب عمده پوست

ترنج سعد کوفی مصطکی رومی خولنجان ملک الچی و نبات سه تولی

ادویه سفوف نمایند یکتولی با گلاب ☙ ☙ جوارش عمده ترش

بتألیف حکیم معتمد الملک علویخان مع لاقوه دهد و اشتها آورد و

مقوی قلب و کبد و دماغ است و موافق جمیع امزجه در زمستان

است و در رفع بلغم و قطع قوت جوزو و تشنگی و خفقان را

زایل کند و مالیخولیا مراقی را سود مند است و در سهال مقوی و معدل

مراکه حاوی است از رطوبت و خوابانید منفذ است و کسالت خمار

را زایل کند صنعت آن از سیب شیرین آب انار ترش از هر یک سیر

آب لیمو آب اترج گلاب عرق صندل عرق گاوزبان عرق بیدمشک

از هر یک سی درم نبات سفید کرم طلا عنبر مصطفی نقره

گرانیش برش بنج رطل عود قماری عرق عود خام عنبر درم مروارید

ناسفته ابریشم مقرض پوست بیرون بیخ طباشیر سفید صندل سفید

صندل سرخ زرنباد درونج عقرب کشنیز مصطکی رومی بادرنجبویه بهمن

اترج بادرنجبویه و کهربا ندارد دارچینی درونج عقربی دانه هیل پوست از هر یک

چهار درم زعفران سکبرنی کافور قیصوری مقدار عنبر اشهب یک مثقال

خالص از هر یک ... اول مرتبه آب میوهای الوان آب لیمو

و آب ترنج و غیرها را با نبات و عسل و ... بکار کرده بجوشانند

و کف آنرا بگیرند و بالا بند بقوام آرند بآتش ملایم که آب میوهها

سوخته نگردد و قلیه نشود پس اندک اندک آب لیمو و آب اترج

در او حل کنند تا تمام آب لیمو و آب اترج در حل کنند بالتمام

آب لیمو و آب ترنج را چون تمام بجوشند و بقوام نگاه دارند پس ادویه

فرنجمشک ندارد

را وزن نمایند واگر خواهند بایشد ورق طلا و ورق نقره محلول

از هر یک سه درم داخل نمایند بهتر است نسخه مجرب است فقط ها ها

معجون یاقوت تالیف معتمد الملک برای تقویت باه و معده و دماغ

ونفع برای رعشه وجنون وسایر امراض بارده و بلغمی صفت آن

مروارید نیم مثقال زرنباد مثقال مغز بادام مقشر مغز حبة الخضرا الخضرا و مغز فندق

مقشر مغز چلغوزه مقشر یکدرم ابریشم مقرض از هر یک بار گیوبه

عود هندی موییز هلیله کابلی دارچینی مصطکی کندر گز نارج یکد

مثقال عنبر اشهب ورق طلا مکرر یکمثقال عسل مصفی مثقال

مثقال بدستور معجون سازند شربتی یکمثقال ها ها

دوائی در رفع شهوه طبیعی است من معمولات نواب مذکور

صفت آن زیره کرمانی تا خواه هریک جزوی تجا آنیسون

درونه بود ها نسخه حب مروارید نواب مذکور چنانچه حب علی جنت

تجربه شده بود صفت آن مروارید ناسفته شش ها مثقال حبه بهمن اتوم

مغز تخم کدو ۹ ماسه صندل سفید بگلاب سوده خرفه مقشر ۶ ماسه گل بنفشه
۶ ماسه گل گاوزبان ۶ ماسه طباشیر سفید ۶ ماسه زعفران سه ۳ ماشه
مشک تبتی ۱۰ ماسه عنبر اشهب ۱۰ ماسه شربت انار شیرین شکر سفید
۲۴ تولہ گلاب سه ۳ تولہ عرق بید مشک سه ۳ تولہ عرق بهار ۳ تولہ
بیخ همه را بقوام آورده ادویه را بان سرشته شربتی از خمره وزن
ماشه [illegible] ایضا نسخه خمیره مروارید از قرابادین نواب
مذکور نقل کرده شد [illegible] مروارید ناسفته بگلاب صلایه کرده
شش ماشه بهمن سرخ بهمن سفید گل گاوزبان از هر یک چهار درم
ادویه را کوفته بیخته پنجاه درم شکر سفید را قوام نموده با هم آمیخته
در [illegible] وگاه دارند از شربتی [illegible] درم
نسخه عرق هلیله من معمولات نواب مذکور هلیله سیاه [illegible]
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله
[illegible] پوست درخت [illegible] چهار سیر [illegible]

کرده

درهم کرده نقدر ضرورت آب بروی آنها کرده بگذارند تا هوا خورد
خورد و در دست شوند چنانچه آنجمست عرق کشند لیکن بگیرند غنچه گلسرخ دو سیر
دارچینی ۲ توله بهمن سرخ بهمن سفید خولنجان سقاقل مصری یک یک توله
برگ و تخمک کاکلا وزبان یک یک بگیر حصه الثعلب مصری یک توله
ابریشم خام با و سیر در حل کرده عرق کشند عنبر اشهب یک توله زود تا تا
تجربه شده است ترکیب برکانک مروارید نا سفته ۲ توله ستمانب
۲ توله لوکرد ۲ توله ورق طلا ۱ توله همه را کوفته در آب یک بید
باب یپس پنجی بوقت قرص سازند و در سایه خشک سازند و نه بالای
آن برگ عنب الثعلب ورده در وسط آن گذاشته بالایش گذاشته
گلا پوشیده دو سر یک لاهوری بالایش انداخته تا خوار اردو بدر آتش
چوب ڈھاک کرده دهند چون خوب سرد شود بر آورده
بکار برند تا تا معجون ناسک البول اورا ریگ و کثرت سیلان منی
وکثرت احتلام و دردی ودی و سیلان رحم و رطوبت اورا ورکرت

فرنج رازیانج بسباسه صیفران بهمن سفید جوزبوا راسن سنبل الطیب خرنوب
[illegible]
.بجرشانه مایه سه رطل برسید پس جالاسند فاتیه و عسل و نبات ورخل کرده

بوزرانه

يقوي آدرنه شبيهه بمنفعلت ما صنف هـ باب الجيم

صفة جوارش المسيح بالجوارش الشاهي من تأليف معتمد الملك علوي خان

الجوارش الشاهي وصنعته للنادر شاه الملك صنعته يؤخذ من سب الاملج

ستة اربعة عشر مثقال زرنبك مثقالين سبعة مثقال صندل ابيض كبابه

ابريشم المقرض بهمن لسان الثور سماق بيخ بزر القاقلة الابيض والبادر

الباذرنجبويه والدار صيني من كل مثقالان ورق الورد والياس وبزر الترج المقشر

مثقالان ومن اللؤلؤ الغير المثقوب مثقال ونصف ومن العنبر الا

الاشهب والمسك وورق الذهب والفضة من كل مثقال ومن النبات

الصافي او السكر الابيض الذي لا غش فيه واحد وعشرون مثقالا ومن

شراب الاجاص والتفاح الحلو وشراب الرمانين من كل عشرون مثقالا

وماء الورد وماء البادرنج وماء لسان الثور سبعة وعشرون مثقالا

يطبخ على دستور المعاجين ويرفع ويستعمل الشربة من درهمين الى

مثقالين هـ جوارش الاملج اللؤلؤي من تأليف حكيم معتمد الملك يقوي المعدة

العاج ویسمی نافع للخفقان الحار صفته صفته یوخذ من لب الاترج الرطب

و زرشک النقی مکه سبعه مثاقیل و یسحق فی ماء الماء و ماء الورد و ماء الرمان

اللیمون و البادرنجبویه و الهلیلج و ماء الرمانین المقشورین بشحمها علیه

و ینقع حتی یاخذ النصف ثم یصفی و یدخل فیه من من ابسات اکلفری

و یقوم ثم یدخل فیه من اللولو و الیاقوت الاحمر و الکهربا الشمع و

اللازوردی و المصطکی مکه شش ماشه و اهل طباشیر سفید ابریشم موحنا

صندل سفید کل گاو زبان گشنیز خشک مقشر مکه یکتوله ورق طلا ورق

نقره هر یک سه ماشه پوست زرد اترج و مایه عنبر اشهب ماشه بدستور

سرشته شربتی شش ماشه ماشه ماشه جوارش الانجدان نافع است

برای رطوبت معده و تلیه وارز برای جاوه الکبد و رستشعار ضعف آن

انجدان سیاه ۱۰ درم تخم تخم حرفه تخم کندنا من کلو احد ۵ درم زنجبیل

پوست هلیله زرد پوست هلیله آمله هلیله سیاه من کلو احد ۶ درم

نانخواه تخم کرفس زنیون خولنجان زیره ۵ دار چینی من کلو احد ۵ درم

قرحه ۱ درم کوفته فلفل دار فلفل مصطکی واحد ۱۰ درم سنبل الطیب

۱۰ درم قرنفل ۱ درم فانید ابیض سحق ۲۰ درم کوفته با عسل کف گرفته

در ظرف چینی نگاه دارند شربتی ۵ درم با مطبوخ افسنتین و مصطکی

و بادیان و سنبل الطیب دربن جوارش گرم است در درجه دوم

و خشک است در اول درجه سیوم ها جوارش املح ساده من تالیف

معتمد الملوک منفعته سرسام مقشر ... طباشیر سفید صندل سفید

سماق منقی زرشک منقی ... گلسرخ تخم خرفه ... پوست بیرون پسته

مکه مغسول کزخشک ... ورق چینی ابریشم مقرض

... سفید ... به قوام سازند خوراک تا به درم

معجون ماسک البول ... صنعته گل نیلوفر پوست ...

کندر حب بلوط بوده ... پوست هلیله کابلی پوست

هلیله زرد گاوزبان گل ... دارچینی ... کزخشک طباشیر ...

... خشک کندر زعفران ورق طلا ورق نقره از هر یک ... مثقال

زرد و بلوط زیره کرمانی سرکه خیسانیده و خشک سوده بزبان بیوند

عود قماری خام از هر یک سه مثقال گل سرخ شروع الدجاج تخم حماض

مصطکی رومی از هر یک ۵ مثقال صندل سفید مروارید ناسفته

گل مختوم هر یک ۴ مثقال عنبر اشهب یک مثقال آب فواکه

ترش چهار وزن مجموع عسل مصفی مجموع بدستور معجون سازند ط

روغن مجرب جهت دفع گرانی گوش که بکرات تجربه رسیده بی نظیر است

صفت آن دو دوار انگور تازه نیم جوان بی رطوبت نمک سنگ بیند

پس از آن یک تولہ مسکلو اصلح درهم روغن کنجد بادام اول روغن

را در ظرف آهنی بر آتش نهند چون جوش زند دانه مذکوره کوفته

نیخته در روغن بریزند و بعد از آن فرو آرند و در پارچه کهنه پالوده

در جای محفوظ در ظرف پاکیزه نگاه دارند که گرد و غبار در وی نیفتد

پس بعد دو سه قطره در گوش انداخته باشند ط دیگر که مجرب است

جمیع بدن خصوص مجرب است سرگو و دماغ را نافع است صفت آن

بجار

لعوب بزرقطونا لعاب بهدانه لعاب تخم خطمی سفید سپیده

سرطان نهری آب سپیت سبزه جو مقشر همه را با روغن کدو و روغن

بنفشه بادام شیرین و روغن گل و پیه بره و پیه مرغابی بالمقدار کوبانند

که لعاب‌ها وارثیها سوخته روغن بماند مغز قلم گاو و گوساله

و شیر دختر اضافه نموده در هاون درشته بمالند تا یکساعت شود بر اعضا

مالیده و برپا فروخ بمالند ✻ ✻ مرهم سفید سوختن زخم ملوک علاوه

بادام نیمه بریان و نیمه نابریان و پوست خشخاش هر دو کوفته نخجه باید

و یکدام سفید اسفید انجنه هر از ده غلوله سازند و پیش از جماع از ربع

تا نصف غلوله بخورند لو امساک شود ✻ ✻ سمعت من متفق علیه

در بارنج کوکب ره سو بسیار رفیق با ماش مرغ بخورند ✻ ✻

معجون آهن فرنگ بگیرد خرما راخته برآورده افیون مصر

و سنج جوز بویه سرخ رسیده سوختی سفید ولد حنبی رنگ تومیت از نسبه بگیر

سفید ۲ تبع کوفته نخجه در خرما بگذارند و از آنگاه حکمت گرفته در آتش

بفرزند داران برآورده بخورد که یک شربت است ها ها ها

منی مجرب الالتک یک زاغ را گرفته در مایه برنج بسیار کرده

با اچوی ماش برنج بسیار بخورند و با اوپرش گرفته بخوابند عرق بسیار

خواهد آمد و در یک روز به خواهد شد ها ها ممسک مجرب

قرنفل دارچینی زعفران کنگر قسم اول جوز بوا بسباسه افیون مصری مایه

شیر اکبر همه را برابر گرفته در آب برگ تنبول برابر نخود حب سازند

یک حب مالک با پیاله شراب انگوری تناول نماید که در امساک بیع

مجرب است ها تقوی معده و هاضم طعام و مشتهی طعام باشد و محسن

لون بشره صفحه مصطکی رومی ۵ درم زنجبیل ۹ درم تخم رازیانه

۳ درم تخم کرفس ۳ درم عود قماری خام ۲ درم زعفران یکدرم مربای

جوز یکدرم مربای قرنفل یکدرم شکر طبرزد ۵۳ درم کوفته بیخته

شیرینی خور مقدار سه از طعام و بعد از طعام بتوان خورد ها ها

مرهم آتش سوخت که گیلانی بنوبت تا نفعت در تحلیل جلابات

احضار

و فعانی صفت خردل لف در بارزاد و بذر طویل تخم الجزره کرانی اصفر

منقل آتش نکند هر جزء زنیب بلعفتی دو اروه جزء او و به را مثل

غبار سایند و مثقال مرتشی را در آب حل کنند و دو جزء شمع

اصفر گداخته اضافه نمایند و آن دو به را بران ریزند و بمالند و مرهم

کنند و چون خواهند که استعمال کنند بآب گرم زیت مخلوط کرده ضماد

نمایند و گر سکنجبین و لنگی بیمار را با زیت که اصحاب مرهم ناصر توبه

کل حظی و برکت آن که سایلی و نعانبخیه شود این مرهم آتش کرد احکام دقیقه

کرده و در مرهم مالیدی و فتیله بسیار گرم باشد بیدم لعاب تحسیت

و در سرعت نضج گاه کار نماید مدت سه روز کنند [illegible] [illegible] شکوفه

حبه قوت معده و در شبها و دارچینی بادیان منقول از بیاض حکیم اسمعیل گیلانی

صفت دارچینی دانه های زنجبیل مرج زیره سفید بیلان فلفل ناگوا

جوز بویه بکوبند یکنوله جدا جدا کوفته هر چند اق نبات سفید ممزوج نمایند.

و صبح ناشتا وقت خواب یکنوله میل نمایند و مقداری آب عقب آن

بنویسند فایده فایده من بیاض حکیم ارشد نقل کرده شده باید
دانست که آنچه عرق آن میکشند یا بیخ است یا پوست است یا گل
است یا برگ است یا تخم اگر بیخ است در یک آثار آن بیست و چهار
آثار آب اندرخته عرق کشند و اگر پوست است در یک آثار آن
شانزده آثار آب اندرخته عرق کشند اگر گل است در یک آثار بیست
آن هشت آثار آب اندرخته عرق کشند اگر برگ است آنرا نیز در شش آثار
آب کرده عرق کشند و اگر تخم است غلث ناخواه و بالای در یک آثار
بیست آثار آب اندرخته عرق کشند و تخمها را جوکوب کرده
سه روز بخیسانند و بیخها هفت روز و قاعده است که عرق
قسم اول حصه چهارم دو ویه است و جرم و سیوم نصف فایده
فایده لا یخفی ان بیع اللبن من بحی من اصحاب الاستسقاء و غیره
کالملح الضاعنه فایده فایده حوارش الکوکب نافع من استرخاء
اللثه و صلابت النفس و اختلاج فم المعده خاصه لقوته فم المعده

وکان

وكان الجوارشن معتدل في الحرارة والبرودة وهو يابس يعقب البطن

اذا استعمل على الصوم ويطلق اذا استعمل على التملي من الطعام

وما يداوم عليه كان اصلح الا ان يفرط افراطا كثيرا اذا وخلطه به شيء من

المصطكى لاورث قوة في ذلك الا ان يكون ضعف المعدة انما هو من

خلط صفراوي محتقن يحلب بها او يضر بقعرها فانا حينئذ نستعمله وضع او مع

معجون ثمر الكرم وحب المصطكى سبب في تهيج الدكان ه ه

فانه لا يعرى ان السبع العلتين من جميع من اصحاب الاستسقاء وغيره كامل

الصناعة ه دهن شونيز له منافع كثيرة بالجملة ينبت الشعر من وضع

السبع وغيره ويزيل السعفة والقوبي والكلف والبهق الاسود والبرص

ويمنع تاكل الاسنان ويجد الدين شيئا اذا شرب وزن درهم

على هذا الدستور ويمنع الشيب وينبت الشعر الابيض وهو يدر الحيض

~~هو يدر الحيض~~ ويهيج شهوة الجماع ويقوي قوة الجماع ويعيد شهوة الباه

بعد اليأس حتى للعنينين ويصلب التعصيب ويقويه طلاء ويحلل صلابة الطحال

صفته یوخذ الشونیز المطحون مائه درهم الحبة عشره دراهم المسک اثنی
خمسه دراهم والنوشادر درهم واحد سب اللوز المر عشره اعداد
یجعل الکل فی وقع معکوس ویعطر الدهن من محمد علویخان ۱۲ .
نقیب الکلب عناب میان همت بهار دربیع ورجب است
برگ گزر وبیخ سبز و فلفل سیاه وزن مساوی باریک سائیده بمقدار
فلفل گرد گولی بسته نگاهدارد یک صباح و یکی شام بخوراند ۱۲
ملفوع من عناب سفید بهار وقت هوان هذا الترکیب من مجرب
العصر مرتش له شک ونظیر صفته میدان تلخ خشک بیخ ارور خشه
اگر بهی آید خشک کرده فلفل سیاه سمندر کنجد مار سیاه موی
خرسیار همه را مساوی گرفته کوفته بیخته در بول فیل ترکرده خشک
کنند تا سه دفعه ترکنند وخشک نمایند من بعد نگاهدارند بوقت غلبه
بیماری قدری بدهند گول خرده الی یک گرم از بینی خواهد برآید وبیمار
بالکلیه زائل خواهد گردید ۱۲ ترکیب علویخان للخناق صفته سیره

نسخه حب از فقیر ... کوفته بوزن ... سیاه ... در ... وزن ... فلفل ... آب ... گرم ... وشیشه ... کنند ... ملی ... کوفته بیخته در ... بکجا کرده ... بگیرد ... بخورد ... بسوزند

علاج صرع

تخم کاهو ۲ ماشه لعاب بهدانه ۳ ماشه عرق شاهتره ۱۰ توله
شربت نیلوفر ۲ توله خاکشی ۶ ماشه بسفایج مویز منقی گلنار ۲ ماشه
مارو سبز ۴ ماشه پوست خشخاش ۲ ماشه گل سرخ ۲ ماشه جوشانده
صاف نموده رب السوس ۲ توله حل کرده غرغره نمایند و عقب
گوش و گلو چسپانند یا ضماد کشنیز ۞ روغن قندیل جهة
زخم شمشیر و تیر وغیره صفته برگ نیم ۱ توله برگ کوکنار چهل
دانه ۳ درم تخم تنباکو برگ انگشتی نیم پاو برگ تنباکو
گوگرد نیم پاو روغن نارجیل یک پاو اگر نباشد روغن کنجد خالص
بجوشانند تا آنکه برگ تا برود و دواهای دیگر کوفته در روغن
جوش دهند بعد از آن روغن را از پارچه صاف نموده بعمل آرند
مجرب است ۞ و هو من العجائب جهة زخم شمشیر و انواع
زخمها محتاج به بخیه نمیشود و نگاهداشتن یک بار کافیست صفته
پیله ابریشم سوخته سفید تا سفید شود سوخته نمایند و روغن تلخ که از

ترکیب خضاب
تخم حنا بون ۲۵
تخم بنگ تخم انار ۲۵ ... تخم ... سیاه ۲۵
پیله ابریشم تخم ... روغن ... ۲۵
... بجهة ...
عمل ... امعاء ... زیر آب ... آب ... تا شده ... ترکیب خلیفه ...
منقول ایشان ... مجرب ...

سریف کثیف باشد منفتح نموده بسیار کهول نماید بر جبذ بیشتر
نافعتر ایضاً روغن صنوبر منسوب بشیخ برای ترطیب دماغ وسرفه
یابسه و نیوست ان ماهیت صنفه مغز بادام مغز پسته مغز فندق
مغز تخم کدو و کنجد مقشر مغز بار جبلک حب الصنوبر بالسویه گرفته
روغن برارند و سعوط نماید ایضاً روغن که برای زخم تازه
و جراحت رطب و درد اعضا خصوص وجعی که از ضربه و سقطه رسیده
باشد و سقاق دست و پا و عضوی که سرما خورده باشد مالیدن
ان سعد تیل ست صنفه موم کافوری شعر از هر یک چهار یک روغن
گاو برابر مجموعه در هم گداخته بطریق معمول مرتب سازند ایضاً ایضاً
روغن زرد که مشهور بکیلاد نیک مجربست در ضربه و سقطه
هنگامی که اگر پادشاه در راه کابل از فیل افتاد بسقطه عظیم
بهمه اعضا متالم گشته حکیم گیلانی باین روغن علاج کرده
در عرض یک هفته برای سوار گردانید نوازش بیکران یافت صنفه

نسخه خارشی کمیله کافور سفیداب
سیماب ۲ ۲۶
روغن گل
خارشی دفع گردد

ابزچوبه وار بلد و دوده حصه ترنبیع و بوداراز بربک موردام پروغن کنند

چهل دام آب خالص یکصد و بیست دام همه را کوفته تا آب

کم بماند تا آب جذب شود و روغن بماند و احتیاط کنند که روغن

نسوزد هنگام مطلوب پارچه ترکرده بگذارند و پنبه بپاشند تا از رعشه

التیام گوشت پنبه دران نماند [illegible] و در منع بواسیر خونی و ریحی

از مجربات میر محمد اکبر آبادی صفته پنج تولکه خشک کوفته بیخته

با قیوری مانند هموزن نموده و درهم کرده صبح ازان بقدر یکتوله

فروبرند و عقب آن آب سرد بخورند اکثر مدت [illegible] تا

و آن که بهندی [illegible] گویند هموزن یکتوله نبات بار یک ساخته [illegible]

بکنند که در حبس دم بواسیر نظیر ندارد این یکشربت سه روز بخورند بعض

شوا بد [illegible] از مجربات حکیم علی گیلانی [illegible] جهت بواسیر یک نجه به

دستبعد [illegible] انتفاع است [illegible] صفته [illegible] که [illegible]

ازان خشک کرده در آب شیرین یک شب بخیسانند و صبح ناشتا [illegible]

بجوزند و آب وی بسازند ... تدفع سیلان البول سیر

بره بکابی خشک کرده کوفته بخته با شکر سفید هموزن ... هموزن

بگذارند مقدار از کف دست خورده باشند ... حب قربان اهل

اهل ... بلغم ... بخورند ... دفع ... باشد

صفت ... بیاره ... درخت ... اهل

یک ... همه ... کوفته ... سیر آب ... دهند ... باشد

... هموزن ... گذارند ... خواب و ... بوشند

... گوشت ... بدهند ... بلغم ... با

نصف ... بگذارند ... آب ... بدهند ... دارو

جهت ... طبع ... از ... و ... باد

... اصل السوس ... همه ... کوفته ... بیخته ... باد

... همه ادویه ... نقل ... بگذارند ...

درآب ... مذکور ... بیدار ... از طرفی ...

زنگبیل خیز ازان کافور

سنبل ... کافور ... عنوان

ستها اول ... سنبل ... کافور ... عنوان

بعد ازان کافور ... عنوان ... بعد ازان

... شهاب ... بعد ازان ... کنیل

تا پانزده روز ... در ...

... نگاه ... بگذارند ... بعد ازان

... کرده ... در ...

... و چنین ... چوبگه ... خته

... کرده ... نگاه ...

... اجناس ... برابر

... یکجا بر ...

که دو سه قطره بنوشند پس بعد آب مذکور را بسازند از هر روز این

آب طوطی بسیار گویا میشود و این ادویه را در موسم گرما بکنند و تا

ادویه که در موسم سرما بطوطی بدهند هلیله کابلی عاقرقرحا فلفل سیاه

زنجبیل ... دانه الایچی خرد و اصل السوس همه را کوفته و در پس ...

گولی لبنه لگاها بلادر بک گوله در آب حل کرده بدهند تا دوا به این

ادویه پرورده بوده بدهند بقدر پنج شش دام

جهت گویا شدن طوطی شنگرف ماشه جهه ماشه ... ماشه ... ماشه الیوه ماشه

موبیان ماشه بادام ماشه جهت ... و شنگرف ... را در روغن گاو

دام بریان نماید بعد ادویه را از روغن جدا نموده ... و موبیان و بادام

را در ... نموده ... بدهند روغن را بروزانه طوطی ...

بدهند ... جهت ... کردن طوطی ... رسیده ... و

... بسته ... بدهند جهت ... و ... طوطی

... سیاه ... ...

عاذ جز جا ماسه کلیجی باشد برگ بیم عدد و برگ تاق نیم عدد و همه را
جوکوب نموده و در تونیج بسته هم ظرف طوطی باب یکشب بگذارند
صبح بر دارند و تا شام همون آب طوطی که بزنند ها ها ها رنگ حسیم
طوطی بطله سیاه باشد برگ سنبل ماسه قرلقات و در یکشب باشد سوده باد
تا طوطی بر آرد و طوطی طلا نمایند ها چه بیت کردن طوطی قدری چوب
در آب وارخل بس زند هنت مشعر ها ها نسخه کشتی چهره پر دوک
مشک مجرب است اول کنب مفتح مرتبه در بول کاو نفت دهند و هفت دفعه
در آکه و سیاهی در سرکه انگور من بید بسو نهنه ده بار فلفل سیاه
ده بار فلفل دراز ده بار بلیله ده بار ببلیله ده بار املة ده بار سوت ده
جنب سه گنه بود بر یکنیم وام خام مشک سیاه برابر ادویه چیقوری بر نیله در آب
بر کرده لگد بدارند و بعد از آن بول گاو و در باران هر یک مشک سیاه و لاجوام
نماید داده بسحو تا سبلقلا افزایند حته چهار بقدر گنار صحرای هند بند
و هر روز یکجه تا بستا فرو برند ها ها ها چه جربک سیاهی معمول آغاها

رسیده عنایت مرجانم جانان حب سلمه وزنه مسهلها که بتلیمه مربای هلیله
نیله هلیله ها تمام دانه لاکه یک توله هر سه را کوبیده با آب بخورانند
با لطافت صفه بجاید خالص سوف نگاهدارند عندالضرورت قدری
در دواوات بجای آب اندازند و بعضی در بن ترکیب قدری بول
زیاده میکنند هذا جهت حب تلقه محبوب بهار یکی باو لار اجزای سیم لار
سونف میم لار اطریق معمول عرق کشند و بعد زیج باشد هر روز بخورند
باشند هذا جهت دفع گیرو تمام نیله هلیله باشد با هم سائیده حب برابر
فلفل بسته نگاهدارند در آب با ورشیر تا حل کرده بهر نوبع الفور
سے یا استسقا میشود جهت طفل شش ماهه نیم حب و یکساله تمام بیالی
بکجب هذا لوجع المفاصل بهار بجوبیت یک دانه با گلنگ روز اول
مسلم بلکه مالید و هر روز یکدانه اضافه کنند تا هفت دانه بخورد
تا که فرصت شود بعد از آن بند هذا هذا جهت درد به مجربست معجون حب
السلاطین صبر مرحه مساوی الوزن در بول بابه گاو که هنوز نزائیده باشد

یعنی بچه‌ها خوب بیایند بقدر دانهٔ مونگهه حب بسته برابر با جزو بسته

نگاه دارند بقدر شش طفل در شیر مادر حل کرده بدهند غذا مادر

او کهچری با دال خشکه یا روغن بخورند چیزی دیگر نخورد مجرب است

سفوف اجزا یعنی و بندکشای بهشت ۲ توله ببیلی ۲ توله ...

۲ ماشه کوهمه نخبه سنگ سفید هموزن ادویه با مویز و یک ...

بخورند با شیر مادهٔ گاو ... من تالیف الاستاد الوالد سلمه

گل گاوزبان ۳ توله تخم ... و ... توله صندل سفید توله ... توله ...

خطائی توله ... بنفشه توله ... ۲ ماشه ... و ماشه ... سفید

... ماشه ... ۲ ماشه زعفران ماشه ... ۲ ماشه ... سفید ... پاو

شربت زرشک پاوسیر شربت انار شیرین پاوسیر شربت سیب

پاوسیر عنبر اشهب ۲ ماشه گلاب ... هم ... دستور

معجون سازند ... ترکیب خمیره صندل برادهٔ صندل ... درم

گل گاوزبان ۵ درم ابریشم مقرض ... درم در عرق گلاب پاوسیر

عرق کیوره پاو سیر بر کرده صبح کشمیز یا نیم بمه آید هیل سفید او لار
داخل نموده بقوام آرند آب انار شیرین نیم پاو آب انار شیرین
نیم پاو رب به ترش نیم پاو ورق انچه بکوبند و هند فرد ار به شگفته
بیدرم جلاب شیر سفید ۲۰ درم صندل سفید یکلات سوده داخل کرده
بقوام آورده نگاهدارند خوراک ۵ ماشه ✿ ✿ ✿ ✿
معجون تخم سنبهالو قوت باه را لاثانی بود بر تست صفته موصلی سیاه
موصلی سفید تخم کوکه تخم بهالو تخم اوتنگن صمغ سفید تخم سنبهالو تخم لگوز
عاقرقرحا کیاب چینی از هر یک مساوی الوزن گرفته بوزن مجموع مصری
میلاته کنند و با شهد معجون سازند و هر روز ۵ درم بخورند بس دستور
الاطبای هندی ✿ باب آبعین فی الوفات عرق مهمی و مقوی که
بغایت مجرب و غریب است صفته گل گوریل نیم پاو سیا سه قرنفل
قلمی مصری دارچینی از هر یک یکدام گشنیز نبات سفید بر کدام
نیم پاو آب باران چهار انار آنار را جو کوب کرده در شیشه ریخته

ـه چند روز در آفتاب بنهر گذارند که قوت جوشش خود و بکیفیت

دو زاید بعد از آن صاف نموده بردارشته بکار برند از بیاض حکیم اجل خان

نوشته شد ۞ عرق فندق معجون حاذق الملک حکیم کاظم علیخان

ستنهد از جانی در طعم بسیار ارزند جوش شاید و بخار خشت صیقه بست

بوبند و رحت بعلان شسته پاک کرده ده انار عبد سیاه بکم شاه جانی

آب خالص در یا چهار شک صحی که در زیر زمین دفن کنند و در نه

آن سر گیلی آهنی بست گذارند پایدار زند چون ادهن شود لار عرق کنند

یک آثار آتشه چوز توله سیابه و زرخیزی مرابیش مدیلی از هر یک یک توله قرنفل

نیم توله حبش ۲ توله مرواده صندل سفید ۲ توله ورق طلع هم توله یکماه

روز دریں عرق بخیسانند در روز دیگر هفت لار عرق حرد آتشه گرفته

نصف آن اجزا در آن عرق یکشبانه روز بخیسانند و در روز دیگر

عرق سه آتشه حوار زده لار بکشند اگر نه باشد عطر گلاب در بهیکه

پایدار زند بهتر خواهد شد بعد از چند روز استعمال نمایند ۱۲ فقط

نیم

نسخه عرق هلیله مجرب علیوکی قند سیاه و پوست هلیله کابلی هلیله سیاه
پوست هلیله زرد هلیله آمله یکی چهار اثار پوست درخت مغیلان چهار اثار بدستور
درج کرده معدود مقدار آب بر روی آنها کرده بگذارند تا خوش خورد و
دار جوش خود نشیند چنانچه رسم است عرق کشند پس بگیرند عنبر مکسر یج
دو دانار دارچینی ده توله سهاگه سوخته سهاگه سفید چرکینی مثقال مقرر
ملکاره توله برگ فولکی کل گاوزبان فلفل یک دار حصه العلک
مصرف بحتوله از این جمله باو سیر داخل کرده عرق کشند عنبر سفید
بکوله پروهن بنجه بر بندند ها ها عرق قند از آنسه بهترین
عرقها نسخه ستوده تیریش شرابها از برای حفظ صحت صفه قند سیاه
ده من مات سفید شش دار بطریق متعارف با پوست مغیلان
و شش دار آب قلع درخشم کرده بعد از ایام معدوده که بکوشش
آید واز جوش خود نشیند عرق بکشند آن نسبه بعد ده توله دار صعوه
دار چینی بگیرند صندل سفید گلاب سوده یک سیر دارچینی باو سیر قرنفل سنبل ...

مجموعه را در عرق مسطور چهار تیغ و در جنب آنها عرق دو آتشه بر آیند

و هنگام دو آتشه ساختن در توله عنبر اشهب ده درم سیر نابت کشیده آتش کن

سوده در عرق یک آتشه اندر ختنه تا بانجام رسد از فواید این علوبجات

مسیر ادی ها عرق تندی بشرط از رساله رشیدیه قند سیاه پنج من اگر با

دوازده من کف دریا یک نیم سیر پوست درخت مغیلان ریزه کرده

دوازده سیر در خم مستعمل کنند و بعد از ده روز بطابق بچکانند اگر

بزعفران دو رنگ کنند شراب زعفران شود و اگر لاکه در قلب نمایند

شراب ارغوانی گویند ها ها عرق زردک نیمه پاره آب زردک

شیرین رس پنج سیر من قند سیاه پنج من کف دریا دو نیم سیر پوست

چوب درخت مغیلان ده سیر ریزه کرده در خم کنند و در

زیر ریگ وقتی سازند و در زیر آن سرگین اسپ بگذارند

چون برسد بچکانند از رساله رشیدیه خاتمه ها ها عرق عنبر ممزوج با

علیک بلا نمونه صفت قند سیاه ده من اکبری دار چینی ده سیر اکبری

قاقله دو سیر صندل سفید دو سیر اکری تر تیبار یکسیر مشک قایا یکسیر تخم

بادروس دو سیر تخم انگن نیم سیر سعد کوفی نیم سیر همه را کوفته

چهار ست در عرق بگذارند و بعد از آن بکار بکشند و دو توله مشک

و یک توله عنبر را نرم صلابه کرده در شیشه کنند و عرق کشیده بر آن

ریزند و نگاه دارند ❊ عرق مشهود دافع ابلاج و قولنج و سوء

هضم و مشتهی صنعه اگر دو توله الایچی بحدوله فولاد شیر گک نیم

پاو سیر برگ تنبول سفید دو صد برگ ابریشم خام بحان صندل دو دوان

همه را در گلاب دو شبانه روز نقوع نموده بعد عرق بگیرند با

گلاب یا عرق کاسنی اینچه بعد رضی بالای طعام شیاب نمایند

و دوا را بعد از عرق کشیدن در ظرف چینی نگاه دارند برای وجع

مفاصل نفع عظیم دارد و ضماد نمایند بیاض اسمعیل گیلانی

عرق تنبول برگ تنبول دو صد برگ دارچینی جوز بوا سه ماسه

از هر یک سه توله مصطکی عاقرقرحا اسگند ناگوری بسکوا از هر یک سه توله

برگ بان یکسان عنبر اشهب یا مشک نوره و چوب برنگ گلشیح حبتی جرب

[illegible] کوفته با یکی ادویه کوفته مخلوط نمایند و در زیت اندازند و با آب دار

آب خالص طبخ نمایند و صباح از آنچه عرق گشته و هر صباح از آنچه عرق گشته

و هر صباح یکباله مهوه جرب یکبار بزنند مجرب است ط عرق آسوار [illegible]

صنج و مثلها جلعه و سیر و معقوی سرخ و بحش لون سیره صفته

گمرز منقی زر زیت و سحوات پاک کرده بکلی قند سیاه یکساله

همه کلک و باده دو رستار و از حبس سم انار یکبار نصف آستار

گدز را کوفته با قند سیاه و با یکی ادویه کوفته در پس مستعمل بریزد

و در جائی گرم و نمی گذارند تا بر روی روز بگذارند پس از آن

بر آورده صاف نمایند و هر قدر که خواهند ششوه هر ششوه شربتی پاک

من اسه منقوب از بیاض علویخان ط عرق آلتار که روح را نشاط بخشد

صفحه کشمش قدری منقی که هندی ششمه هلیله سیند سبک قند آنگی

پنج نماید و در آن قند سیاه بریزد بعد از چند روز که بجوش آید و بجبا

قرابه نشست بعد بکشایند دوده باآنکه [illegible] حاصل گردد اوجمات

عرق از روغن [illegible] البحار و [illegible] طبخ بکرد روزنیت بعد بکشایند داده باکیر طبخ

سرانجوان [illegible] زروف صفحه انداز کرده رو بناو رنگ و رست باه بسیار [illegible]

حبس دار [illegible] قند سیاه [illegible] ریزه ریزه اینده کرده پاک و پوست

سیاه [illegible] کنند و [illegible] داده بکوبند رابرم زروک سبیر حبشی کبابه

اران بس نماید و فن [illegible] بگیرد [illegible] اندازند مستعمل [illegible] آب با

کوفته [illegible] که چند هر و [illegible] کرده [illegible] برادوده

هیچ [illegible] که [illegible] از حیز البحار [illegible] سنزیتی

کاو ربان [illegible] لار [illegible] یک لار [illegible] صفحه خمیرست [illegible] قایم [illegible]

ربان با آب [illegible] کوب انار [illegible] لار [illegible] کیلانه

ازرک ادوک عرق [illegible] البحار [illegible] بکشایند [illegible] وکلات

ریاب کاو عرق [illegible] بعد بگیرند [illegible] عرق [illegible] پاک کرده [illegible] اربوست

لار بسم کدو [illegible] ساخته مخلوط لار [illegible] گلاب لار [illegible] صندل عرق لار ۵

شیره برآورده در خل کرده آب سفید هم انار اضافه بوده بطریق

معمول عمل کنند الشربة منه نیم دانگ و ط ترکیب دیگر مقوی

الاعصاب من الادویات عجیبه مجلوق اول قلوطرت برست وحب

قضیب بچسبانند من بعد برگ بشم گرم بالای آن ببندند تا یک روز

بس زران زعفران یکتوله عنبر الاشهب یکتوله مشک یک توله در بیضه

کرده بر پیاز سفید گذاشته بعد از جوش عرق وی دور کنند و بقدر نیم در پارچه

کتان تر کنند بعد از آن قوت کرده بر گرفته قریب بشم واند

آن دیگر بار ساخته بعد آن هرچه ادویه مذکوره و مصطکی یکتوله اضافه

کرده قوت داروی کباب پخته تا مقدار چوب برآورده شب و روز

قضیب لا دران چون کباب بدارد تا هفت روز بعد از آن

زیره لا سبز کرده بسیار خشک شود در ... حلقه کرده بر قضیب

طلا کنند تا مدت سه روز و بالای آن برگ پان ... کهای تا مع

مجربست از ... نوشته نمک وراآورده شد ط ط ط ط

صحاح

شیردای مقوی و قضیب و محرک باه عاقرقرحا نیم برگ و شبلیدر بات
طلع و دارچینی هندسی کرفس زنبق سورنج زیره کاو همه را مساوی الوزن
گرفته کوفته با خیج بر کاو سبز زده با شکر کرده در سه نوبت
بعضو ضماد نمایند ها ضماد دیگر است مضای اعصاب و مقوی عضو
عاشق از مجربات حکیم علی گیلانی اکبرشاهی صفت بادنجان ستها آورده
ترشک به ساقه یکان یکان در اطراف بادنجان فرو برند چنانچه
سر ترشک نمودار باشد و بالای آن پارچه پیچیده گل اندوده
کرده در آتش با چک وسنی بریان کنند و هر یک که نرم شود بیرون از آتش
برآورده از پارچه و گل پاک کرده و ترشک برآورده جدا نگاه دارند
و بادنجان را نمک افشرده در آتش در ساله خنک کنند و ترشک مذکور را
با هفت ماشه لیچ پیپلک و یکلو انگوزه سائیده تا افشرده بادنجان
خوب بیامیزند و هرگاه که حرارت نشسته با بینار بخورند قسم اول مزوج
ساخته بر برگ پان عمل معوجه سوار حقفه بالای قضیب بچد ها ها

ضماد مجرب معتمد جاه حکیم معتمد الملک نقل کرده شده از روغن
سرخ اعلی یکتوله مصطکی رومی دو ماشه روغن رومی را تا شش
سماقکه تلیه بریان کرده یکتوله زنو حسک کرده نیم ماشه همه سبز یکتوله
از فورث و مصطکی در سپیدی خرکهل بیع نموده در سایه خشک کرده
ادویه دیگر را سر به سا کرده همه را گرم مخصوص ادویه با بوان آنچه
بکار برد که بسیار مجرب و ما در بست لطیف ضماد دیگر برای سخت کردن
عضو تیاکی که سست شده باشد با حلق زکو ده ماشه صفنه یک کبیر
سفید نخود ای انگور خالص نیم دام روغن کنجد چهار دام کنو یکی سفید
دو نیم دام تخم د ... دو نیم دام همه را کوب کرده روغن
مذکور آنچه در بیان جبر گسته دلگ‌ها بدارند و بکار جرورت بر عضو
مخصوص ضماد کرده بار بستان حام به بید بید ماست و بکر و ن لطیف لطیف
ضماد لذتک من مرکب بیشتر الاسانه صفقه بیاید بر سر جمار عسل
را در سر کار و سر جبز دروصلا به نوشتن بید از دو به قبل اندر خته

سه روز صلایه نمایند و از جنس بورق عاقرقرحا کجا بهار سه اجزای فورسیسی

تخم تسن ازان بهمها راوران اندرحته ناریزه کاو و نر جوان سه روز دیگر

صلایه کنند بعد بهم بسرهنه حرکت طلا لین ذنو ودر روغن بسر کنان

و بهنه سوسنبار و سیاه دانه و سیر بیلکو و در روغن کنجد سفید کنجول ساحته

حب ها بسته نگاهدارند بعدا حبت مقضیب را بروغن یاسمین

چرب کرده حب را با بسر عرکور با شراب کهنه کرده ضماد کنند

بیلادبن بیحون طلا طلا ضماد سمی کبناه کبیب که پیش و پس

عضو ممای مجلوق برابر گردد و از جمله با دریست صفته باد نجان

بارتو بکعدو فلفل و راز بیخاه و شب عدد وروی موبرند

بسرا انرا چهار به تا هو بیزند تا باد نجان خشک شود بعد از خشک

شدن تا روغن کنجد سیر لاری در آورند تا آتش بجوشانند و باد نجان در رو

اندازند چون روغن جوش زند جهار پانج سیر اسنای ای طبن بیز و در حل

روغن کنند تا که سوخته گرده شود الکا فاده گرده شیر متقشر و در روغن

اندر ریخته از آتش فرود آورده کهگل نماید تا بگداخت شود و در شیشه نگاه دارند و روغن

تر و تازه بکار است بر عضو جایی بمالد و بالای آن برگ شیر بید بهوا باید تا یک پاس

به بچه از بجاهی حکم از شد نوشته ها طلا ضمار موت للحلوق صفت بیخ

کلپه دو جزء دسره برگ جسا تمر و جزء اقل یک جزء زرنیخ سرخ روغن کنجد

جزء همه را کوفته بیخته با شیره و در روغن اندر ریخته و دو ماش گل گل بمالند هنگام

احتیاج بکار برند طلا ضمار مجرب از سید محمد مراد للحلق صفت عاقر قرحا

قرنفل تخم بانگ دانه سیاه موچ سفید لونیت تخم کبر لیفید پوست

بیخ اگه عود و سنگ سبی سیر هر یک مساوی الوزن گرفته جوکوب نموده

در شیشه کلان گرده بند جوش بخیسانند و بعد گذاشته بر قصب جلا کنند

و مقدار حب سرخ با برگ بتول بخورد و در عاکس هفته موقوف حاصل شود

طلا ضمار بقوت باه من حکم جمادی ابن منصور صفت سنبل تقید ملبه کجلیه بادام

فطریح الفیا یکدام ببر هیکوم دام بهمن کهی سفید یکدام سیح الاصده دام پیاز نرگس

بنت یکدو مار برگش لولی زوجربین ورق نموده با هم وزن روغن کنجد بر

باشد که نسخ شود من بعد دیده چنگ گرفته نخچیه معتبر نوشته با
مازرکسی بریان به هاون و دسته چوبین بمالند و حب ها بنا چون نوبه بنگاه
دارند هنگام فرو رفتن سیر گاو حل کرده چشمه لکه رفته ضماد نمایند
بالای آن برگ تنبول بچیند و مکرر از عمل رانم جابه تسبیح نمایند
ضماد محند. و عوض که تک ربه قوه و شهوه بحسب امر ارد صفحه آن
بعنوان مغز باشه بهوکر موم مثله ترب گرفته برم با کول
دو باش نمایند من بعد همه این مرخ احسفه گذاشته بر عضو حایل کنند
وارد عات بر جسک کنند که حسک شود درگشته و همین دستور
وقت بست بعلت آرند بکذا سمعت مواجب مجرب مجرب
فی الدلالة المعوبه طلا مقوی از میرزا عبدالرحیم و هیونج سیاه پوست
تخم کنجد بسیار ریب گرفته فاصل الکلب همه را مساوی الوزن گرفته
سیرگاو در حل کرده بعضو طلا کنند و گاه حصه ریزاند مجرب مجرب
طلای که در تقویه عضو مانند عدیل ندارد و در رفع عنینت گفته ما نرگس بیاز

عنصلاب نخته نمایند پنج جزو زیت و هشت شقاق روغن زیتون در
شوند در آب بجوشانند تا مهرا شود آب سوخته روغن باید ستیده
حاصل شود زهره کلنک ریختن ابحش ما نوقاحر قول سنج ازهر یک
مجموعت جبه زهره سم شقاق اضافه شود مکرر بر قضیب و عانه
و انثیین طلا نمایند و اگر بو میان در مثانه ان درهم مرغ و مانند
ابنا اضافه کنند باعث قوت ابی اهمیت شود و باه با فزاید و در قوه
سرعت انزال نماید من مجربات حکیم ارزانی طلا تقوی من مجربات
حکیم ارزانی صمغ پوست بیخ کهیغد پوست بیخ ناتوره پوست بیخ عشبه
پوست بیخ اکه پوست اکیه برجها را دو به برابر وزن کرده در سایه
خشک کرده بکوبند و از شیره برگ تاتوره سرشته برگ تاتوره
بسرشند چهارانند کنار صحرا بسته یک ایزار رنده و هنگام حاجت
ز آب خود حل کرده بر قضیب طلا کنند چون خشک شود محکم
نماید و این طلا بی نظیر و بنوا در روزگار است طلا که تقویت با

ابرار

بهتر است صفت آن بیخ کشنه خرزه و برگ او و پوست انار
نرم کنند و برابر گرفته و با سرکه کاومیش برقصد و بر پیشانی
طلا کنند پی صداع را سخت گرداند مجربست
طلا کاسنج کوبها که نبات هندی است مشهور بخشم اورا با برگ
سوده بر ناف بقدر ماشه بمالند و در لعاط لکاشی بکشند
طلا مقوی عضو باشد اگر کار رقیق باشد و سست افتاده باشد عصفه کرک
بعد بعض علل پیوهچی و بیخ اکمه ازبرنگ مک مایک سنج معللات
و بی پوست کار خرزه و برگ و سیاه که و سلارس که نیک حوکه
عطاران میکشند و میفروشند هر یک تانک فرلوق نیم تانک
گاهوزن نیم تانک عاقرقرحا ورز جینی لعاب رحنی فلفل تانک کوفته
بحب باسیری و بد کور و سلارس مطور بر میچ کرده سحق بلیغ نماید
که همه حاصل سازی یک وزن گرفته بعد از ان وضمادسته بکار برند
ذلیب با جل نرم کرده طلا کنند و برگ سنبل با برگ خروع که

که بهتر جوزی بوک سازند تا مثل بالای بچسبد تا هر شب بکار برند و مجرب

است که هر شب بوبند و همچنین در هر شب عمل کنند که قادر بر زفاف تواند شد

و اگر خواهند قوت امساک بخشد فیک از جهت جماع بکن

با عسل از آب و هن و قرص را جات سازند طلا نمایند و جهت [illegible]

گردانند [illegible] طلا دیگر جوز قوت جماع روزی میبخشد مجرب است

مازو با لعاب و در اثر خورد سکبا ریگ [illegible] هر دو مقوم شد خلفه

[illegible] سوهان [illegible] سوده بار [illegible] تازه [illegible]

بر قضیب طلا نمایند که بسیار قوی و سخت گردد [illegible]

طلا مجرب [illegible] عطر تا کبیر لوبه عطر [illegible] عاقرقرحا

یکماشه [illegible] یکماشه [illegible] یکماشه ادویه را سحق بلیغ

سوده در جاک عطر تا کرده چهار [illegible] بعد از صحبت بقدر

[illegible] خشخشه [illegible] بر قضیب طلا نماید [illegible]

طلا مجرب بقوة الباه صفته [illegible] عدد [illegible] گرفته دو عدد در خصیه خروس [illegible]

بکون

بسیون خَشَن بچسپانند تا که خود بخود بچسپد پس از آن ورق زر خالص بقدر یکه تر

شود بگذارند تا خوب مستحکم گردد بعد از آن بعد و از چینی مهره عاقرقرحا کلام

به پارچه گرفته یکجا سحق کرده بردارند عند الضرورت قدری گرفته سر حقه

بکار برده طلا نماید تا یک هفته همین عمل کنند و بالای آن برگ تنبول

مجموع ورشته سوخته بپزند و از خمیر صنعت و حساب میر مهر دارند ۵ ۵

همین عمل کرده شد طلا مغزی المطبوق صنعته لکه هاجزار اسپهانی اجزا سنبل

اجزا و سفیده رنگ جنتی ۲ توله روغن کنجد ۵ جوز کله را سوهان نموده ...

نخبه دوا ماریوبد بهزبو فته نخبه با شره و در روغن دواروه پاس کرده بخایند و

بکار برند ۵ فی ازالة وبال المنقط روغن چند بید ستر جهه نفوطی از اسم

وارد صنعته چند بید ستر خالص ۳ توله قطابخ یک توله تخم ترب یک توله

مصطکی رومی ۲ توله تخم کتان ۳ توله صمغ کاب توله با روغن کنجد ۴ توله

مخلوط سازد و در ظرف چینی یا سیب بردارد و بدستور معمول بعمل آرد

۵ روغن مجرب مقوی حبه مطبوق که در کار رفته باشد صنعته سرطان ۷ ادم

عنب الثعلب هر واحد ربع تخم سیاه یکدام سرطان راجسمه بسوزند و

عنب الثعلب هر دو باریک کوفته و داخل نماید در روغن مذکور

انچه در شیشه است زخمه مناسب جوش روغن گشته و هفته یا دو هفته

بر دیگر طلا نمایند و بالای آن برگ تنبول بسته بیندند روغن دیگر بسوز

خراطین و لوس سرطان سم اسب عود و شنگ تمر هندی زیتون سیاه

دراز نمی باشند هر یک نیم ساق ماهی حلیک هر یک بیست گندم سفید

از هر یک خشک کرده بوزن بسوزند و بکوبند و در شیره برگ حنا

تر کرده بطریق جرعه کشند بعد بر دیگر سوای حلقه طلا نمایند

بالای آن برگ تنبول به بندند روغنی که در دفعه ماه نافع است و ...

بکند و دیگر را سخت گرداند صفت آن خراطین ۱ توله ... سفید

کیو ... سفید ... تخم بابونه ... ۱ توله ... توله ...

ماسکه ۲ توله ... توله ... ۲ توله ... ۶ ماشه ...

۶ ماشه ... توله ... توله ... ۳ توله ... ۶ ماشه زرق

الحام

الجام صحرائی منقوله بحر برت بیکوله همه ادویه را در شراب انگوری یک ماه

روز بخیسانند وبعده بدستور یک بار در استعمال باید من مربات

حکیم علی گیلانی طاب روغن مقوی مبهی وعصب وعصب که یابسان

بیمار و قوت دار گوی استعمال مینمود نفع عظیم بخشند واین روغن از جمله

نوادر روزگار است وحکم اکسیر اعظم دارد صفت ساختنش ۱۰ عدد مورچه کلان

سه عدد روغن کنجد سه توله خولنجان توله چوب چینی ۷ دام زعفران ماشه

یک ماشه نورچ بکلان بسباسه ۷ ماشه زنجبیل ۷ ماشه خرطنی ۷ دام لوکر کشک ترشی توله

حرلوته ۲ عدد عاقرقرحا ۳ دام مصطکی رومی ۳ دام حبط نیلج ۳ دام ادویه را

جو کوب کرده با روغن کنجد خیسانند بمانه یک شب نگاه دارند وصبح ساعی

در کشته تیکش پاک نموده ضمه کرده که شاید الاحیر اسود من بعد ادویه

بد لوزرا جوب همر فرح نموده مورچه ها دزخل کرده در شیشه آن

برکرده بشک چو بگذارند وقدری برعضب ماليده برگ پان بالا به بندند

دقت صبح با آب گرم بشویند وبعد از آن نعد یک افغانه آب گرم قطول کنند

دوغن کهنه که در صحت اعصاب عضو بابسل نفع عظیم دارد از مجربات

مصابیح معصوم و حکیم شاه محمد لاهوری که تنباکو در دام بچه افیون در کجله

دعوی و چاه حکومی بیستم با دخم مالوح سیاه در رحیف فو رسانیده اکبت

هیچ کینه نفعیدنیم با و مالکلنج بیستم با و نکه نکی نغند معروا اوزان لاکوفته

در سیر پر جلیداری که با للا ر ستند سه روز برگزیده نگاهدارد هر گاه که

که سوکه مذکور حکمت شود در کوار سر روغن کنید و یک سیر روغن بر گاو

بالیس ملایم در ظرف آهنی کرده باشد یا بر سر بر دو بلکه اینکه از روغن

بیز سور وصاف نماید و نقل آنرا با همه رسیدگی نماید

بسم الله الرحمن الرحیم

رساله در ذکر ادویه کثیر المنفعه که در کتب قدما و کبرا آنها کم ذکر شده

چون پادزهر و مومیائی و چوب چینی و چای و قهوه و تنباکو و چابوک

استعمال آنها در سبب بهم رسیدن پادزهر در کتب معتبره حکما

مذکور نیست که در ایام حکومت ختم الله که یکی از اجداد بهمن بن اسفندیار

احوالش با برادری که بصلاح حال و صدق مقالت اشتهار داشت توجه

معین شد از سعدیت یعنی حیدر او و به از صحرای و شناختن اهل بیگانه گشت

هر روز بصحرای آن دیار و کوهپایهای آن ولایت میرفت و دارو به و عقاقیر

جمع میکرد و بمشهد آورده بعد از آن سعید گفت روزی در اثنای سیر

و سیاحت و تفحص او و به نظرش بر گوزن کوهی افتاد که بر قله استاده و بار

میساید و گاهی دست و گاهی دم خود بر زمین میزد و حرکات عجیبه و اهوال

غریبه از رفتار او مشاهده میشد و گاهی در جنبش گشت و جز نگاه بجانب

آسمان و در روی نشاط و خروشیدن آوازهای عجیب غیر مکرر ازو بروز میکرد

چون از خروش انحلالات در آن گوزن دید خود را بر در شکسته در کمین آن شد

و نزدیک آن رسید جای چو به بر او انداخت که یک حربه از قفا به پایین

ملطفا از خروش در ساعت او را ذبح کرد و در اثنای ذبح لطافتش اعتبار

که در دهن او سر او سر افعی بزرگ است که نیم مضاف و نیم است در دهان

اما الکس مانده احوالش را از تماشای این تعجب زمانه شد فی الحال شکم

شکم او شکافت و از زهره او گوهری برآورد که بزبان فارسی آنرا مهره خانه گویند.
سنگ الملسی هموار یافت اخنوس سنگ مذکور را بر چوب زد نشان آنها
بحدیث ملک خرم زاد آورد و حقیقت گوزن تمامه آنچه مشاهده کرده
بود مذکور ساخت ملک خرم زاد حکیم ارسطاطوس که از اجداد حکیم بقراط
از تلامذه حکیم اقلیدس حکایت بزبان صغیر و برآورده مهرازده او بود
و در مملکت فارس منصب وزارت ملک خرم زاد داشت
طلبیده آنچه از اخنوس حیلات شنیده بود باو تقریر کرد حکیم ارسطاطوس
پس از تامل بسیار از اخنوس پرسید که وقتی آن گوزن بر کف داشت
یا نه اوگفت وقتی گوزن بسیار کف داشت پس حکیم از اخنوس سوال
کرد که در دم او کبی یا یال او چیزی هم بود یا نه جواب داد که
در جانب دم او کبری سبز رنگ و چند موی دیدم که پوست
از آن موضع کشته بود آنگه پس حکیم بملک گفت که خوراک این گوزن
همیشه افعی بوده چنانچه از علامات او معلوم شده و در روده‌های او هم سنگ

متولد شده بودند و یکی از آنها زیانی رهزنهاست و دیگری خاصیت آنرا
هلاهل دارد ملک متبسم شده و فرمود که این لامحاله تجربه امتحان باید نمود
حسب الحکم ملک هشت نفر از بندیخانه حاضر ساختند ملک بآنها امر
نمود که آیا شما واجب القتل هستید یا نه جواب دادند که بعضی از ما
مستحق قتل ما واجبست پس ملک فرمود که نزد ما بیائید که میخواهیم آ
در میان زهر و تریاق شما بدهیم اگر مردند بسزای خود رسیدند
واز عقوبت نجات یافتند واگر انجام مقبول تریاق باشد شمارا
منافع بدنی بسیار حاصل شد و بعد از آن آزاد خواهند شد آنها
بالکل بکار اندیشیده قبول اینمعنی نمودند حکیم ارسطاطالیس سنگ مذکور
را که وزنش چهار درم بود در میان هشت نفر قسمت کرد و آنها تناول
نمودند و محافظی بر آنها گماشت که بخبر در حفظ آنها باشند تا حقیقت حال روشن
گردد اتفاقا وقتی که از مجلس ملک بیرون رفتند یکی از اینها نارنجی
از دست شخصی گرفته بتمامه میکید و هفت نفر دیگر بالای آن چیزی دیگر

بخوردند بعد از پنج روز تنگ خوردم رفع و آنها را الطبیبین بحکیم ابلاغ نمود که تحقیق حال

نماید حکیم هر کدام را طلبیده از حقیقت احوال پرسید یکی از ایشان گفت که مدتی

یکسال شده است که خفقانی بهم رسیده بود و بهیچ نسبت درست که هیچ

بهلاکت خود عزم بالجزم داشتم اکنون بمجرد خوردن این سنگ آن بیماری

بالکلیه برطرف شده دوم گفت که آزار درد سر کهنه بود و دوای آن را هر کدام

نداشتم از تناول این سنگ بکیفیت آن درد سر کهنه زایل شد

و هیچ اثر درد درین ننماند در حق ما ثم سیوم گفت که چشم ابصار

ضعیف داشتم اکنون بخوردن این سنگ در باصره من قوت عظیم پیدا شد

که در جوانی آنچنان نداشتم چهارم گفت که مرا قرب دو سنج قدیم بود

اکنون بمجرد خوردن این سنگ آن مرض بالکلیه بصحت مبدل شد

پنجم گفت که درد درد زانو تا مدتی مبتلا بودم اکنون آن درد بالکلیه از من

زایل شد ششم گفت که مرا بواسیر قدیم بود الحال آن الم بالکلیه

برطرف شد و در من نشاط و قوت پیدا شد هفتم گفت که مدتی

بدبوی که برسانیدن من ترنج خسته بود که ابنه صدید از آن جاری بود
اکنون همه آن پاک شده و روی بخته نهار مبدل گردید و رنگ اصلی بر آنها
ظاهر میشود و شبنم گفت که مدت دو ماه شد که مرا درد سر عظیم حادث
شده بود اکنون بعد از خوردن آن شدت بیشتر شد حکیم پرسید که بعد از خوردن
آن دیگر چه چیزها خوردی گفت که آب نارنج تمام بگیته بودم حکیم گفت
که این شدت در فعل آن نارنج بود نه فعل آن سنگ چراکه ترشی نارنج
بارد و یابس است و برودت مستلزم احتقان و حفظ است و این هم
صفت مانع از انتشار حرارت این حجر و ظهور آثار آن ولهذا حکما
بعد از آن از ترشیها بالکلیه منع فرموده است و نیز در هیچ دوائی با
البتی صیت منک عافر سبر و مرجان و غیر آن بخور هیچ قسم ترشی نگذرد اند چه
شیمه سنگ با دوانیه ما عیقار حکیم مذکور آنکه چون شخص هشتم که نارنج
مکیده تا بعد بخانه خود رفت و درد سر او اشتداد یافت باهر سانید چون در ملک
چرا نداد آنچه دنیای برآورد که مرا باد هر بدهند چون آواز بگوش ملک رسید

و بوده که نام این سنگ را پازهر و فازهر و معربه پادزهر بدال مهمله بزبان فارسی

بمعنی ناکس و ناشایست و گویند پادزهرست و آن بمعنی نشستن است بزبان

فارسی و کثرت استعمال پای زهر اشتهار یافته و معرب آن فادزهر است

و در اختیارات بدیعی گفته که حجر التیس فادزهر است و آنرا بزبان بیش

گفته اند و آن هسته بلوط دراز و گرده باشد بسبزی باشد و بر یکدیگر طبقات

دارد و در میان آن خبزیست که گویا موی است و آن حبوب مختلفه الوان دارد

صاحب مفردات آورده که از هرمز میان آورند و این نسخت به نوشته

آنچه مشهورست نیز از سنیا لکان و در هیچ موضعی دیگر حاصل نمیشود و

حالا در هند و ستان در بعضی محلها هم هست چنانچه مذکور خواهد شد خون

مداوی آن گوسفند ماره باشد و محلوقه سبب عدم آب این سنگ

در شکم وی بسته بوده و بدین سبب او را تریاق طبعی گویند و گفته اند

که در زهره وی باشند و آنچه محقق است آنست که از سر و دان او بر می

آید و سنگ عزیز گویند چون لسان هند نیز رنگ زرد رنگ باشد و این

ابلق

رنگها شود و چون معلوم شود و بقول ارسطاطالیس الوان حجر پادزهر بسیار است

بعضی ازان زرد و بعضی اغبر و بعضی برنگ خاک و بعضی سبز و بعضی

بسفیدی مایل و بهترین آنها زرد است و بعد ازان اغبر و بقول رازی حجر

پادزهر سبز زرد است و القدیم الطعم است و جامع و بهتر بهار است و برای

دفع ضرر نیش و زهر او نافع است و قوت عظیم است درین دفع تلف کرده

که بتوان او را بر زهر داده اسلم باشد و از همه اضافها آنجا بهتر است بمرتبه که اگر از

همه اسم لصقیح و هند و مار بسیار اسموم قتاله باد و هند ازان مضرتی و عاقبه باو

نرسد و بحرانی اکبرد و غلطی بر سم زنند بخلاف مرهم ولطوس و بحران

جنبه آنکه بحق صحت باثیر نمیکند صاحب جامع آورده که پادزهر را بر دور بعضی

اطلاق میکنند بلکه بر هر چه معاونت بر چیزی کند و دفع مضرت ان باید

بواسطه خاصیتی که دران چیز باشد و دیگر بر سنگی معلوم که بالخاصه دفع سموم

حاره و بارده کند سبز با و بعضی حکیم عماد الدین محمد شیرازی میگوید که آن

سنگی که من دیدم مایل بزردی و سفیدی بود و با وجود این رشته رشته بود

مانند ریسمانهای باریک و دراز و در بدایت بیماری پیچ خیزد و دوای مسهله و مرکبه
بقوت او بدهند و بعضی از معالجات تواند که قلاع دارد بلا و حاجت چیزی
می آرند که از اخراج آنها بیشتر شد و نیکو تر و در معالجه حیله پیدا شود
و صورت حیوانی است که در خشونت و صلابت چون سنگ پشت
بر پوست و نوبر نوبا شد مانند پوست ها و در اندرون پوستهای یکی
موکتهای بسته بعد از آن پوستها و طبقها گویا برکرو آن بیچیده آید
و اشکال در زیر کتابی گویند چون از آن ناله بسیار آید و در موضع گشتیع
هوام طلا نماند در ساعت و رم زانگیزد و بعد از اخراج آنکه
و ضربانات میکنند که در هندوستان در کوه گفته از اعماق بلکه چند
بموضع الحاجه ایشود حسنو ما در گیشود و خوراک آن چنانچه در اسکندر
نوله و چبانک نوله بسیار دیده آید و همچنان در ولایت در کلیل میباشد و در
اگر گوسفند الحاجه ایشود چنانچه اگر گوسفندی را بکشند بچه نوله تا شش نوله
از شیر داد وی بدر می آید و در اکثر مواضع آن می باشد چنانچه ترکمانان

بسیار

بسیار از اینجا چیزهای عجیب آن شهر و ملازمه می برند و در جانب اجین
قاورنر نمودی می باشد که دارند از آن چهار نوبه و بجنوله در و اند که یکی از آن
بانصد روپیه انجا باشد خریدند و فروختند و بر کار پادشاهان شده که چرخ
بجواهر مرصع ساخته اند و قاورنر ملکانه بر غیر حرب مخلصه نشسته می شود
چنانچه چشم بر هندی و کحله و پارچه سقف و سنگ بسته می شود و این گوسفند
از قسم بر بسته اند در هیچ ایدنه صحرای و کوهی چنانچه در شبانگاه بر کوهی
حاصل می شود و اکنون آنچه متعارف و معتاد و سلیب کردن او را از محال
اصطفهانات بسیار بند و نیز میگویند که من دیدم شخصی را که ربوده
بود کردند و موصلی سنج می شود گشته و حرمت بسیار ظاهر شد قدری
از پا و دیگر پای تا سینه بران موضع نالیدند هر یکی که از خلق او بان
برسید و رجال بلوین حلوای اند در پاس عقیقت می یابد و بعضی
لازوقات شخصی نه بار کردن بود و در آن وقت نزدیک کنیز حاضره
بود قدری از حادثه بوزن قراطی سندات سامیه بلشوح داد ند

که جا بیاید و چیزی بیشتر بخورد پس وارد پس پیش اعمه کرده چون کباب

آید خلاص شد اینست جرالنفس لوتی یان اعز بود یعنی سیاهی که بسرخی زند

آنچه نیک باشد چون با نشتر رنگ برسانند سرخ رنگ گردد و آنچه

که بد باشد چون با نشتر رنگ بسانند سبز رنگ بود و ابزار شکم برای

باید و در سبز دادن وی بود و دیگر آنکه سوزنی را در آتش نهند تا سرخ

گردد و در وی فرو برند اگر مصنوعی بود چون سوزن در وی رود دود سیاهی

از تو بیرون آرند و اگر پادزهر خالص بود و در وی نرود و اثر نماید و نوک سوزن

را از وی باز دارد و دیگر گویند که پادزهر را در آتش نرم سازند و چشم گربه

سیه میکنند و او را با آتش در کوره نهند و بعد از ساعتی بیرون

برآرند اگر چشم برآید باشد نیک است و این از عجایبات است و دیگر

چون پادزهر حیوانی صحیح الامتحان را بر سر نیش گزیدگی بگذارند بدان موضع

بچسپد تا زهر را بکشد بتمامه چند بیشتر نماید از آن محل جدا نمیشود و دیگر

اختلاف در رنگ می باشد از زردی تا سیب منقار شنیده ام که

از آنها

تریاک زیست بهتر است و پادزهر کانی همین اثر کند و جندبیدستر نیز
وزن دو درم و نصفه با فام و آهن هیچ کس را ضرر نیست و چون بسایند و به
شیر انگبین دهند سود دهد و دیگر آنکه چون بر زخم عقرب بمالند عقرب
نگزد و اگر بگزد اثر نکند و دیگر چون مقدار سه جو بسوده در حلق افعی اندازند
بمیرد و اگر قدری از آن بجوزه مرغ دهند و افعی بر آن نگارند او را
نگزد و چون سلامت بماند و اگر پادزهر کانی سعید بسایند و بسایند تا
در هر عضو که نیش زده باشند تمام شده باشند طلا کنند ازاله الم و ورم
ورم نماید و چون زهر خورده را بخورانند زهر لطیف عرق بیرون آید و زهر حجری
فی الجمله زهری وارد باشد بافراط و در لمس آن محسوس نشود و اجزای آن بها
باریک باشند بهم پیوسته شده و حرارت آن مفرط نباشد و فایده دهد جمیع
سموم حیوانیه و نباتیه را و لسع هوام را کافی که بوزن دو قیراط ده جو ارزن بدهند
تا گوشه نگیرند و بخورند سم او را از بدن بیرون و دفع کردن آرد و از موت
رهائی دهد و اگر او را در ملاوه پادزهر برند و در انگشتری کنند در ضمن صورت زهر

انزا و روغن گیرند نفع بخشد واگر آن خاتم را بر موضع منع عقرب و هوام و
طیارات ذوات سموم مانند زراریح و رتیلا بر قرار نهند نفع ظاهر شود واگر
سوده آنرا بتمامی بیاشامند و بر موضع لسع هوام از رخنه در جبین بنهند حرکت سم
کند و در نفخ اخراج نماید واگر نبات آن که بید و بیدار گشته باشند و بر موضع
لسع منفع شود ازین جا در بر براده زرنیخ مانند آنرا اصلاح می آورد و دفع سم
کند واگر آنرا بر لسع عقرب مالند سمیت نیش او زایل شود واگر ازین جا در بر
بقدر زهره جو شاید و پانک مرفوع سخته در روغن انجمی و دو بار حیات ریزند
در نفع حشر ازانها کند و کشند و اکثر نوعی از سموم مات که بیدان مانند از
سموم وانک و کل برتیب منبذ باشند و لعینه جوهر مذکور منظر محسوس شود
وچون بهورا بر رخنه صلابه گیرند سحق نبود مانند خون تازه وچون او را بر
موضع لسع هوام گذارند عقارب و مارها و عقرب درستیات وجع ساکن کند
طبع و شربت ضعیف وطریق استعمال آن بقول احمد یوسف فاوزهر
حارست و حرارت آن غلبت واگر کسی دلش از جهت بسیاری غم ضعیف شده باشند

سعدی مقعد بخورانند نفع بخشد و دلش قوی گرداند و شربتی جهت سموم مفید و بجهه

و ملسوعه هزار و ده جو و جهت ضعف دل و قوت باه و ارکی و هر که هر روز از آن

دو مثقال بخورند ایمن باشد از همه افیونها و زهرها و محرور مزاج را نیز مفید است جهت آنکه

ملکش مائل صحت نه بطبیعه و طبیعت او تقاضا کرده است و هر که او بان

خوردن عادت کند باید بر معده حرم وزن برگ گشته باشند و باید منع نموده

که در بعضی خوردن بدیدان برسانند که و بدان را با لی صحه مضر است و بیرون اند

طرف خوردن الحیوانات که بعد از مدت و بدن از اخلاط درست احتیاط منات

نه روز هر روز و رنگ سبز با تکلفات گرم باشند و رنگ سه روز آخر

لطف و از عقب آن ناعیج بر بدن شربت نافع بیاشامند و کلاب و نبات مفید

و فزید لطیف بحوادث با بان رعیت نمایند و اکثر از کتابات و لسان

و خصوصات و مستعدات احتراز نمایند هر شخصی را از اول بهار تا اول پاییز طریق

ملاحظه کنند خاصه کسانی را که کهل و پیر باشند قوت عزیزی را بخواند

و قوت بدن تمام باشد و از سموم صرفی حیوانات باشد و امراض بلغمی

و سوداوی را نوبت نافع بود مثل از حکیم عماد الدین محمود شیرازی چنین

حکما مقدم در خوردن تا فادزهر ارشاد کامل نموده اند هر کسی از خوردن

او از خود اجتهادی می نمودند و اگر محروم از خوردن او از ارباب شنیدند

این ترکیب خاطر خواه فقیر شد که بسیار مرحوم این ترکیب منافع تمام یافتند

ملک جوابی ارزو یافتند و مطلقا چیزی ملحوظ نکنند صفت آن فادزهر

هم قرص عنبر اشهب یک مثقال مشک طسوج سنبل الطیب یک مثقال

دربعی قرنفل نصف دانه همه را سنگ سماق صلایه نموده حب کنند و

مجموع را سه روز متوالی بخورند و از شیرینی و ترشی و سفیدی نشاید کردن

باشند و غذا الخوارات نخود آب بره به دارچینی و قرنفل و ارسیه باشد بخورند

و از مثقالات بادام مقشر و شربت نبات و گلاب و عرق بید مشک

ما اول نمایند و بعد از خوردن ترکیب مو شستن از آب سرد راضی نشود

که مبادا قولنج شود و در این ترکیب مقداری زعفران سرخ هم کرده اند که

داخل سازند از آن سرخ تمام خاص شود نوعی دیگر فادزهر جیوانی کیمیا گل

یاقوت سرخ کرمانی دو جو لعل بدخشانی دو جو مروارید سفید سه جو زبرجد

زرباد سه جو صندل سفید سه جو یکجو عود هندی یکجو ورق طلا یکجو ورق نقره یکجو

مصطکی یک جو سنبل الطیب یکجو مشک نیم جو عنبر اشهب نیم جو جمیع آن

را کوفته و بیخته زیاده شب باید که در کام علیحده صلایه کنند و وزن

کرده ترکیب کنند و شربت زنند هر روز یک ازان با شیر فرو برند

و گلاب گرم کرده با عرق بید مشک از عقب آن بنوشند و بیانه روز

مرغ و نه در خواب بخته بخورند و اخر روز شربت با عرق بید مشک

باشتابند و یک هفته قبل از خوردن اخراج کنند از مصفیات و مسهول

و مبادرت و غموم و هموم و اگر در سالی دو بار استعمال یافتند یکمرتبه اول

نوروز بشروط مذکوره بخورند و دیگر در بابرده و خوراک آن دو دوانگ

و مثقال بود نوعی دیگر چهار زر معمولی یاقوت رمانی لعل بدخشانی

از هر یک نیم دانگ زبرجد یکدانگ ورق طلا چهار عدد ورق نقره و

مشک یکجو و همین قدر عنبر و نبات او مصطکی و نیم دانگ عود هندی کوفته بیخته

و بگلاب سرشته سه حب وی سازند و هر روز یکی فرو برند و بعد از آن دو قاشق

گلاب بنوشند و ترتیب تغذیه بنخود آب مرغ فربه و چندی برنج با ارجا و به بخورند

و آخر روز نهایت شربت عرق بیدمشک بنوشند و مربای سیب شیرین و جوارش

عود هندی و جوارش مصطکی و سنبل هندی و بادام مقشر بتنقل کنند و یکهفته

پیش از آن و یکهفته بعد از آن و یک هفته در اثنای آن زهر بستیها و شبه‌ها

و روغن و پنیر و ماست و شیر ارخام اجتناب کنند که جایزه تمام

والکمل باید تو عید بکر با تفاق حکما شناخوبی ترتیب شده حاوی بر شیا نگاره

نقش وارث یاقوت احمر لعل بدخشی عقیق زبرجد مشک عنبر زهب مصطکی

یمنی از هر یک نیم مثقال عود وارث جواهر را با ما در هر بر سنگ سماق صلایه کنند

و بگذارند که بر جای سنگ خشک گردد بعد باز بگلاب سرشته حبها سازند

و سه حصه کنند هر روز یکی دو یک با شربت مشهد و گلاب و عرق گاوزبان

و نیم ماشکو بنوشند و از میوه‌های ترش و لشابات و غذاها پرهیز نمایند

یکهفته قبل از آن یکهفته بعد از آن و سه روز مباشرت هر هفته اجتناب نمایند

والله اعلم

والله اعلم بالصواب و در کتب بهم رسیدن بوستان مسطور است که بعد از ملوک

طوایف روزگار قومی و از اب خیر و جاری که نام موضعی حسب اتفاق برآمدند

ناگاه بز کلان را تیر زدند آن بز تیر خورده رفت و از نظر غایب شد چندان

جستند نیافتند پس از هفته دیگر بهمان سرزمین رسیدند جست و جو

بسیار کوشش نمودند اتفاقا بغاری رسیدند که چشمه آب در وست و از آن آب

کمی بر سر آورده و آن صید تیر خورده را بر ساحل آن چشمه یافتند تیری که بر

پهلوی او رسیده بود دیدند که پیکان پوست او باز گشته یا بدل او جسته

و جراحت اندر دو روز بیش ملتئم شده بل شاخ ازین حال تعجب بهم رسانیدند

و کس پیش ملک ارندون فرستادند و از حقیقت حال خبر دادند ملک جماعه

را که در علوم طبیعی ماهر و دانا بودند جهت استفسار این واقعه تعیین فرموده

این جماعه بحکم ملک بدان الموضع رسیده تفحص واقعی نمودند هرچه بدیدند

آن آب و کنارهای آن بعد از آن موضع جو رسیده همه جمع کردند و بر جراحت

جتهها و کوفتها اعضاء و کسر استخوان ها بسودند بغایت سریع النفع یافتند

وازین حقیقت ملک اویدون بالاگاه ساخته اند ملک شکک جلیم عبسا
الاطلاق بجا آورده که چنین زبانی بدین نیکوئی وبسیاری منابع تز عیدبان
برروی کار آمده ونبود و که بران غارروی نهاده اند موضعی اساس کردند
ودرپیش ازاهن بارنک شکل عزیب خته لعنب نمودند باآب صافی
اززیکدران سوراخهای درروند وبوستان بارباید وسفارت وبنابر
وقت راکه خصات وحکام بایستند مامور کردانیدند تا پدالموضع رسته
همکی مهر خدیوان درنهادند تا ساب ویکر منحط وساجان مهر بدالموضع
بروند وان زر محصول ان آن کشاده میشود برچه بوستان حاصلات بسته باشند
محصول ازیشان برسانند وبازیمهر این جماعه مختوم ساخته محصول ملک میبرند
واکنون سرکون صوابط محفوظ ومطبوطست وسالی بود که صد درم
سکک حاصلات شود وسالی بود که کمتر ازین ووجه تسمیه بوستان این چشمه رکنار
دهستی که بحالی موسوم است چه بوم لیعنی مشاهده شمع ونای تمام آن
وهم باین وجه تسمیه موسیقای خوانند وچون بوستان ازباد ربرباد برگشت

ودرو

و درد شانه نافع است ملوک فارس به ملوک دیگر هدیه و تحفه میفرستند

اول نقاد در حریم مومیائی حراری معروف است که تمام مقام تریاق مرکب میشود

هرگاه مایر کسی برکیسه بند فوت او زیاده شود و آن جبار نوشته

معدنیه در کوه فارس و اصفهان هم است مثل ریگک زیان کاود

آنجا نگهبانان ملک می‌باشند و بعد از سه ماه اندرون غار میروند

و میگیرند و باز در سر مقفل میسازند و حوالی آن غار ها بسیار است

که مومیائی بیرون آید از صورت رفت و چیزی از قلاب روم می آید

از جبال شهد برود و جبال او و این نوع از جنس ی مصنوعت از سنگ

است و این را بسیاری از سنگ سیاه می آرند نافع است جهت وهن و کسر

و اورام بلغمی و عضو ها را صرف از سردی باقیه باشد خصوصا مسنوات نگرهجه

و منفعت جهت چیزی که از برد واقع شده باشد و نیز نافع است سقطه

و ضربه را چون شربت نمایند و جنبری که مشهور است بکوبند چون بار شاه

هندوم میبرند و سوسمان چوری را پاره سعبه بعنب بر تمام بدان می مالیدند

وجمعی را زجبل کروه از اوران می انگیزند و در زمین می گذارستند و

سرش می پوشیدند چون با لفد سیاست بران میکذشت المنبت جمله پوستانی

ملیشد ازین جهت او را حجری میکویند و اگر در زمین مصر میکویند

و خاصیت این کوفت عضو باطن از عضو باطن و جبه عضو ظاهر از عضو

ظاهر بیمار کنند و بهترین این موجود و ماخ است در سنجو انها است و رنگ

ازاو سیاه ازاو سیاه میسازند با ین طریق که هیداز روغن مغطر ان و قیر

وجیرالود و در چشم عسکری اندازند و بس از صکرات المنبت جمله پوستانی

میشود برای درد بر موضع اگر کیورند نفع تمام دهد و مجربست و کویند

الکه از آب چیز و فقر خود بود و منافع آن مرتب بمنافع مومیائی است میکو

نرین مومیائی معدنیست که از ولایت وارابجرد فارس خیزد و طبع

او گرم است در سوم ملطف و محلل باشد بنابر قول و شعور ریدوس

و شیخ الرئیس گفته که گرم بود در آخر درجه دوم و خشک است در اول

و معوی روح است بالخاصه و مومیائی منعد رفته بر آنکس گذار شود و در آتش

زفارت و حدت و مرارت باشد و آنچه خورنش بعطریت و حجری
گرفته میشود و چون تر سازند ضماد و لازق میشود و بهتری جنون سخت وادت
بکند و در امتحان خوردن مومیائی بقول ارسطاطالیس اگر خواهی
او را بیازمای بگیر جگر گوسفند بشکاف پس شیء الحجر مومیائی بمالد خوب چون
هم چسپید بگوزبست و الا بدو نیز پای مرغ شکنند و دانست قدری
مومیائی در خمیر کرده در گلوش فرو برند اگر مومیائی نیکو زیست روز دیگر
پای شکسته او درست خواهد شد خاصیت و منافع مومیائی و قدر شربت
آن بدانکه مومیائی بسم از ادویه مرمانیه و هم در انواع علل نفس بحدت
و سموم جمیع حشرات الارض نافع شرباً و طلاءً و استخوان شکسته
را بپیوندد و بقول شیخ الرئیس اگر مومیائی در آب مرزنجوش حل کرده در بینی
چکانند درد شقیقه و درد سر کهنه را ببرد و صرع و دوار اسود دارد و
همین قدر اگر در روغن یاسمین حل کنند و در گوش تقطیر سازند
بهتر شود و اگر کسی را از گوش ریم برآید بکدرازه در روغن گل و آب مورد

حل ساخته و پنبه بدو آلوده در گوش نهند و نیز گوش را درست سازد
و بلچه از قشمش او جند بیدستر در روغن حب النعمان حل کرده
در بینی چکانند درد سر کهن را ببرد و وجع و برگشتن را نیز سودمند است
و همین قند اگر در روغن یاسمین حل کنند و در گوش تقطیر سازند
نیز سودمند بود و اگر کرم را از گوش بیرون آید یک جو از او در روغن
گل و آب غوره حل ساخته پنبه بدو آلوده در گوش نهند ریم
گوش را درست می سازد و چون یک مثقال جند بیدستر بخورند خونی که در حیض
سیلان بیرون می آید باز دارد و درد و تشنج را سود کند و چون با آب رزینه و
بانخواه و کرویا بیاید خفقان بلغمی را ببرد و در طریقی که در قسم
منج جمع شده باشد در سازد بر ضربه و سقطه که بر پهلو و سینه
و جگر افتاده باشد نافع آید و تسوای با کشکات که شباب و سپستان
و زیخ سوس در وی جوشانیده باشند حل کرده سه روز با شتاب دهند
همه انواع را ببرد و تشویش آرد با سکنجبین غرغره کنند خناق بکشاند

ولو

و بشوی از رو با شراب مورد و آبی که درو عدس جوشانیده باشند غرغره

کنند همه انواع درد حلق را سود دارد. و بشوی آرد کاو انک گل

ارمنی و انگبین. زعفران یا سکب انگور با آب خیار چنبر بدهند درد و گلو

را سود کند. و بشوی با شیر و شکر چون بکی بدهند انواع درد ها

که در مثانه و احلیل بود زایل کند و اگر کسی را در گمان افتد

که چیزی بر مثال خورده است خار خسک و انگوزه در آب بجوشانند

و دو حبه سنگ توتیای در ان حل کرده بدهند دفع مضرات کند و جهه

زهر عقارب و ابتلای نیزانک با شراب صرف یا روغن گاو بدهند

دفع مضرت ان کند و سبز ربرگ شده یا برگ شده یا پوست

بیخ کرفس و تخم فنجنکشت در آب جوشانند و یک سنگ توتیا هم در ان حل کرده بدهند

دفع مضرت انگیابی و سبز ربرگ شده را نیز الوان کی خفه آرد و درد

دندان ببرد و با بول سبیر را به منفعه بشوی با روغن گاو بدهند با بر سکنند

و چون اریسی بگیرد و قوه از خرد در آب بجوشانند و بشوی توتیای دوات

حل کرده بدهند او را زبول نماند و در ابتدای مرض و جذام و داء الفیل
هر روز نیم دانگ و در آبی که در و افیمون جوشانیده باشند متواتر
هفت روز بدهند از علتهای بد بوره امان و بجهت ارتعاش نیم دانگ
در آبی که در و صعتر فارسی و کوهی جوشانیده باشند با و بدهند ارتعاش
ارتعاش ببرد و در خناق را و بجهت سنگ بوتیائی با آبی که در و سابذج
هندی جوشانیده باشند بدهند کی خ باید و جهت ریح را با آبی که در و
رفسنتین و باد آورد جوشانیده باشند بدهند نجات یابد و جهت قوانق
چون طبخ کرفس بیاشامند سریع النفع است و نیم دانگ در آبی
که در و رسیون جوشانیده باشند حل کنند و بر شکم مستسقی طلا کنند
نافع اید و برای عشق رشته طلا کنند دل اسیار قوی گرداند بطرایق
نفوذ و بقول ارسطاطالیس بهه حرکت که بکنو ... کرده باشند
یا بو سمار آنچه در گوش اصم چکانند نکو گردد اگرچه اصم مادرزاد باشد
و محمد زکریا در کتاب ماه نقل کرده که اگر کسی را بینی جرح شده باشد

وخواهد که بحالت اصلی باز آید در آخر حرکت دو وجه باقی بخورد مومیائی

با پنج درم عسل سفید حل کرده بخورد اگر محروری باشد با شراب سکنجبین

بنوشد که بسیار مجربست در این کار و این از اسرار است حب صحیح

سوء النفس که نقل کرده بعد از جماع تجربه نموده ام کسی که بعد از

جماع [illegible] ظاهر می‌شود مطلقاً مدرک نشود و نیز این حب جهت جرب و سعفه

دهن و جلع نافع است مومیائی کانی سه جزء صمغ عربی یک جزء و نیم

برابر همه آنها بگلاب حل نموده حبها به بندند و نیم مثقال از این حب تناول

نمایند و اگر بالای او شراب صرف بنوشند انفع خواهد شد یا ملابار العسل

نیز والله اعلم بالصواب در سبب بهم رسیدن چوب چینی در استعمال و فواید

آن و مضار و مصلح و شربت و بدل آن و انواع پیچ چینی و تنقیح حکایت نیز

باشند غالبا در زمان قدیم معروف با آنکه بود بلکه بعلت در نیامده و شهرت

نیافته لهذا اطبا اسلام خاصیت آن در کتب خود نیاورده اند لیکن

در سنه نهصد و بیست و چون ربکیان بر سکان [illegible] نیاورند و شیطان

کشتند این تخم را بهم رسانیده وزان زمان تا امروز که یکهزار سی و یک است

در میان عالم شهرتی پیدا کرده چندانکه کمتر جایی باشد که استعمال این

عمل میان مردم شایع و در بهم رسیدن این تخم روایت عجیبی برانند که در

دیار چین قحطی عظیم بهم رسید و مردم بصحرا برآمده بخوردن ما باش

و نباتات مشغول شدند چون این تخم از طعمی و عمل و تبی نموده و طعم دوایی که

که باعث قوت طبیعت باشد بدان سبب رغبت می نمودند و میخوردند

و هر کدام که امراض مزمنه سوداویه و قروح کهنه و بواسیر و ابتدای یک

و جذام و برص و قوبا و بهق و داء الثعلب و داء الفیل و دوالی

و سرطانات و خنازیر و دمامیل و مانند اینها داشتند از خوردن این

شفایی یافتند و از آن تجربه‌ها بظهور آمد و بنفع آن منتشر شد و

مشهور گردید اکنون نیز اکثر این مرضها را بدین علاج می نمایند و جهت

نافع اند از سودا از آنجا در زیر ابار و وقتیکه کشتی اینها بنای شد

و باد مخالف عنان سفینه را کشیده بجزیره می برد مردم کشتی در آن

جزیره فرود آمدند یکی از آن مردم که از مدت گرفتار جراحات عفنیه صعبه بود

و اکثر اعضای او از بوی بد و نقص جراحت او به تنگ آمده متنفر بودند آن

بیمار جهت معمور بودن او را در بند کالای دول روز رسته از کشتی خود جدا ساخته در آن

جزیره قرار و سکونت گرفت اهل کشتی قدری آب و نان با او داده

منزل و او راضی شده بعد از آنکه نوشته و زاد که بود بالتمام بخرج

آمده شروع در خوردن گیاه و بیخهای نمودند بجهت اتفاق حسب تقدیر

این گیاه چنین افتاد پس از کندن این بیخ خوش مزه و گوارا تر از بیخهای دیگر

بیدار فکر و ریشه گردد و پیوسته بخوردن آن مداومت و مزاولت می

نماید از دامان اگلس بعد از روز چند جراحتها او بالکلیه به و باید مال

بهار فرار خوردن او قوت غریب شایع می‌نمود همچنین تا که در این جزیره

سیر میکرد تا آنکه بعد از عهدی بعید باز همان کشتی یا کشتی دیگر بدان

جایگاه رسید اهل کشتی او را شناختند و می دیدند که بغایت فربه و

توانا شده از روی تفتیش احوال نمودند او از ابتدا تا انتها احوال مداومت

واکثر آن بیخ و گیاه سوده الحاجه از آن بیخ مذکور بسیار می گرفتند و با اطراف

و جوانب می برده اند و بدان سبب نابدید گشتند از آن زمان در میان

عالم شهره و شایع گشته بر تقدیر وقوع روایتی چون در آن صحرا ملکها بهم رسیدند

واکثر این بی نمک بوده هر جا که می بردند بی نمک می دادند تا در جزو آن او

شرطی چند است که بیان او بجای خود کرده خواهد شد در طبیعت بیخ مذکور پیش

حکمای متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم داود گیلانی اکثر شاهی گرم و خشک است

واکثر حکمای متاخرین این فقیر بر آنند که گرم و تر است و دلیل می آرند که این بیخ

چون دافع سودا است و آن بارد و یابس است پس علاج برص و بهق سفیدی باشد

و چون حرارت بین ندارد پس درجه اولی خواهد بود و چون تقطیع و تنقیه

و التهابات کند می باید که تر باشد و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت

بدرجه ثالثه باشد لیکن جمهور بر آنند که خشک است و آنکه دافع سودا است بالخاصیه

باشد نه بالطبع و این بیخ را خواص بسیار است از آنکه انا جرب آن مشاهده

کرده اند گفته اند که این بیخ از آب حیات پرورش یافته چون اگر تقید از تعفن

بدن تحلیلات مناسب بکار می برند و بر بیرون چوب از رنگ و لبلاب و حموضات می گسنار
و شربتها و غذاها که بسیار می خورند نفع می نماید و این را خواص بسیار است
که هنوز بتجربه نرسیده و در اعتقاد حکیم عماد الدین محمود آنست که حرارت او در اول
درجه اولست و در رطوبت او تعین درجه مکروه است و جمعی دیگر را با درجه
دوم حرارت او اعتقاد است و در اعتقاد بعضی از متاخرین عصر ما آنست که حرارت
او در اخر مرتبه درجه اول باشد بجهة آنکه تاثیر او در تلطیف مواد و تجزیه و ارداف
جلایت غلیظ و ربودت اندک کمتر است که از دوای که حرارت او در اول
درجه اولست در نفوذ و حرکت از اعضا و تاثیر حرارت پس باید که حرارت
او از اول مرتبه درجه اول تجاوز نکرده باشد و آنکه حرارت او از اول درجه
تجاوز نیست و دلیلیست که از یکبار و تکرار موجب مغص نمیشود و بر دوای
که حرارت او در درجه دوم باشد نزدیک التفات بتکرار و بکثرت او باعث
مغص نیست بنابر رطوبت او اگرچه بنابر تاثیر او در امراض سوداوی و
ادامه صلابات منفعتی محسوس میشود بلکه بنابر ظاهر شان او مدد و احتی

ازجهت شبهت است از اجزای مائیه بسته اند که در وقتی الجمله بوسیده باشند دیگر

عماد الدین محمود میگوید که جایز است که در ولوبیست دیو بواسطه مصاحبت

آب بسیار پوست او شکسته شده و رطوبت زایل گردد و همین جهة در رنگ

او نایل تمام باشد بخلاف حرارت که باد چیو اگشار او به او به برودت

آب بالکلیه منقطع نمیشود و اعتقاد برخی از متاخرین بر اینست که کرم برات

در درجه دوم و جهة مزاجی که سرد و تر باشند و در وقت حاجت خوان

نمیشود ان جهة سالکی رسیده باشد یا نباشد نافع است در انتهای حرارت

و مختاران بهترین حب جیب اینست که سرخ رنگ و سنگین باشد و سفید

ردا اگرچه در اغلب اوقات سنگین تر می باشد و این از صفتهای مختاره است

و اما چون دلالت برخی صفت و نارسیدگی دارد و چون سرخ باشد و باید

که معانه باشد و در نازکی و کبیدگی چه درین زمان رطوبت فضله او را

موجب انضمار حرارت غریزیست کم میشود و حرارت غریزی ظهور

تمام پیدا میکند حکیم عماد الدین شرحش تصریح نموده که سنگین و کم گرده باشد

ولطف

وسطح ظاهر او برابر بود و آنچه برخلاف این باشد بد و در زمین کم رطوبت نمو یافته
خشک برو و غالب شده با آنکه تشنه رسیده و طعم و رایحه غالب از و محسوس شود
و از مجاورت مضرات مثل کافور و خردل و شیر و آب دریا و گرمی آتش و غیره
و هوای بد نگاه داشته و نم دریا در وی اثر نکرده باشد و جمعی برآنند که با وجود سرخی
و سنگ آثار کرم در وی زیانه نباشد و سخت نباشد و طریقه در زیر زمین نزد
نگذشته بهتر است و باید که نو باشد علی الخصوص از دریا گذشته باشد
و سفید او با شروط دیگر بهتر با سرخ رنگ است اما قسم اول در تفتیح و قوت بدل
انفع است و نزد بعضی حرف حشیشی کرده و از و هر چند آنکه که سرخ باشد سرخ و سفید
و زرد و سیاه و بهترین وی سنگین و شیرین و زرد که به سفید مایل باشد و بعضی
که زرد سرخ را بهتر دانند و آن از جانب خطا که تنگری آید و از آنجا
به سمرقند و بخارا می آرند و نوعی از جانب زیرباد می آید و بهتر هندو برخی اند
و از آنجا به عراق و خراسان و روم نیز برند اما بجز کاشغر نیست و بعضی
سفید را بهتر میدانند و نزد حکما مرکب سرخ بهتر است چه بتحقیق رسیده است

وانچه سببست غالبا آب و ریا و برا سبعر ساخته است واصلا نبت وچون وزن نخ

رطوبت فضلی بسیارست و رطوبت فضلیه رطوبتیست که در جوهر او باشد و مجاری

جمیع اجزا باشد مایه ان بقای قوت او در جای که از رطوبت هوا و زمین خالی باشد

وفی الجمله یبوست در هوای او بوده باشد مثل کوه پایها بواسطه انکه حرارت

و یبوست هوا مانع و مقاوم رطوبت فضلیه اوست و او را از تعفن مانع است

و در مواضعی که بخلاف او باشد خصوصا در هندوستان می باید که باید که هوای

بر خلاف سرد و تر گذشته باشد و در بقای قوت او در هندوستان بهمین ملاحظه

کافیست و او را از سبزوات و آنچه وطعم مختلط ممزوج باشند در ادویات

استعمال انکه تب السناق و فضول نرد حاجة چون مزاج او جار رطب است

استعمال فواید و منافع این تخم کسانیکه در آخر سبب اف و اول کهولت باشند

بیشتر می نماید خصوصا هرگاه مزاج اصلی ایشان سرد و رطب قابل باشد بجهت

اصلاح مزاج و حکمت انتفاع ایشان ازین حرارت و دایغ است و منافع

رادفعی استعمال این تخم احور است که مزاج آن از رطوبت غریبه

که لازمه هیئت فی الجمله تخفیف در سینه باشد و یبوست بحدی باشد که دق الشیخوخه
متصور نباشد و از اینجا معلوم میشود در جهت مرض دق شیخوخت فاید بسیار
از این مزید نرسد والا با وجود رطوبت غریزی اگر مرطوبی بعه باشد ممنوعیت
و در مزاج صفراوی چون اصلاح یبوست آن میکند و حرارت او را از اشتعال و حدت
و سورت و ... نماید و قریب باعتدال می آرد نیز از این جهت نفع بسیار متصورست
و اطفال را از استعمال این دو اجتناب فاید نیست بلکه بیم است بواسطه آنکه
حرارت غریزی اطفال در رطوبت غریزی است و هنگام رطوبت این بخ علاوه
این شود حرارت او را منغمر سازد که تدارک او بهیچ ممکن نیست و موجب امراض
ردیه گردد و بعضی مزاجان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر در اینها بیشتر است
خصوصا وقتیکه مرطوب المزاج باشد چه حرارت ضعیفه این بخ در مزاج اینها
تاثیر نتوانند کرد و از جهت رطوبت ضرر بسیار متوقع است و بعضی مزاجها را
اگر در حالت صحت بی ریب استعمال نمودن این بخ خالی از خطر و ضرر نیست
اما هرگاه مزاج اینها منحرف از اعتدال شده باشد در نمودن تحلیل اصلاح بسیار

محمود و سعادت خواهد بود و بهترین اوقات کسب فصول وسطی بهار و اوایل

خریف و طرفین تابستان و میان خریف و انتهای آن و در زمستان خوب نیست

و در قدر شربت آن آنچه در سنجهای که اطبا متاخرین در قدر شربت آن اختلاف

بسیار شده بعضی صد و شصت مثقال را در شربت روز جوشانده میخورند

که هر روز شصت مثقال میشود و بعضی دیگر سیصد مثقال و در شب روز دیگر

می آید که هر روز پانزده مثقال قدر شربت میشود و آنچه با تعقل استبصار

دارد صد و شصت مثقال بیست و یک حصه کرده میجوشانند که هر روز

قدر شربت هفت مثقال و سه دانگ و پنج حصه صورت ظهور میدهد

میکنند و چون مقرر است که این وزن مذکور را در یک طبخ آب از صد

و هشتاد مثقال است میجوشانند تا یک حصه برود و سه حصه بماند و از آنچه باقی

ماند به تعداد ایام [illegible] و در شبانگاه [illegible] بخار هر ساله قهوه جاری از آن آب

بخورده باشند و باقی آب را در هر باب ضروری مثل قیمت ورد

شستن و طبخ غذا و آب طهارت و غیره استعمال می نموده باشند

بی

پس بنابراین بحث چنین می‌باید که قدر شربت هیچ چیزی ازو معین نیافت

نباشد و برخی برآنند که بکبریت تمام بکشند و لیکن بنقل صرفی که عبارت

از نیم جانگیری اگر است که از ین حیوان نفع ندارد و بعضی از وی

ظاهر نمی‌شود و بعضی بکشند و بجاه نقلی را بکبریت سبب دهند و بعضی از مردم

ه جزراک را بکبریت سازند و دانسته بعوض است و منافع آن جهت مرض‌های لک

و تعفنات و صلابات و داء الحیه و مالیخولیا و جذام و سرطانات و بهق و برص

سیاه و تب ربع و تشنج و لقوه و بالجمله امراضی که سبب تولد او از سودا باشد

نفع دارد و در بعضاوقات احیانا اگر بیمار از فراغ در رفع مرض بازنماند حرارت

تمام بازرسد و خفقان پیدا شود و ضعف غالب می‌گردد و از آن بی‌احتمالات

ثبت دارد و موجب درد سر خصوصا القیفه و گرگ عظم روی پیدا بد

و سوزاک ما خون هم رسد و معده را ضعیف سازد و روده‌ها را هم

بکند و گوشت که بسیاری عیب نیز هم رسد و مصلح آن چون بر بعضی از

مناجرین مجربین مجرب گویند کرم و ... و کرم و در جنب مقابل مضعف است حرارت

و رطوبت ها موجب استرخای الیاف و حمل منی است و این عیب نقصان
حرارت منی و بکاء شهوت چه درین حالت بواسطه بقای حرارت که جمع [illegible]
از نوع احتقان سوداوی که موجب شهوت است احتباس تمام واقع نمیشود.
واگرچه جابر رطب موجب تقویت قوه ناضمه است اما چون سبب استرخای
الیاف حرارت از محل منی کم میگردد و بالاخره ضعف در ان اثر
میکند پس چیزی که دافع این اذیت بشود قرص کلف نقره صندل و عرق گل
مولد منی واند بود و درادرار آب به سبب آن نیز رعایت کنند و تجربه
تجربه نیز معلوم گردیده که خبث در پیران و پر رطوبت مزاجان احداث حبس بول
میکند و تقطیر البول نیز بهم رساند چرا که این مرض مواد غلیظ که در عروق وران آن
محتبس است این دوا بجهة قوت اذابت و تدقیق آن میکند و منحل ها از عروق
دفع کند و بواسطه ضعف قوه جاذبه و ماسکه کرب مواد تمام آن بعرق
دفع نمیشود و بی تاب گردد و بمثانه می آید و درین مسافت با خلاط مختلط
میگردد و بواسطه رطوبتی که باین حرارت و نیز رطوبت بسیاری دارد

کم از بدن

که از بدن دفع نکند چنانچه بسیار زود رباطی که موجب امساک نوبتی شده

نقطه بول میدارند و ریشه بادیان مصطکی انیسون بادیان و تخم کرفس و امثال

آن ممزوج نموده بخورند و جراحت بعد از آن شربت نمایند و این عرقها بول را

کثرت و غلظت ادرار نافع ان الادویه ومزمن البول و سبب شود و در شیشه شام

و سفوف حرارت او وجه معدت اورا این محافظات بنی و بیمار

و موجب این مضرات ها نشود و فرمودند اثار را ممزوج بگذارند

و عرق مد فینک مصلح آن میدانند که با شربها تناول نمایند و عرقهای لطیف

بجورانند مدار بحرانست و مرطبات احتیاب جایز میدانند و اصل السوس

را نیز مصلح میدانند که باین طریق سفوف ساخته تناول نمایند

صفت الحوت حینی نسخه اصل السوس بجذر کبرا درم صندل سفید

یکدرم وار ده هفت زعفران را هر یک یکدرم تخم خیار نیم درم مشک یکدرم

همه را کوفته بیخته سفوف سازند و هر روز با شربها تکمیلات با شربت

صندل مناسب دانند و بدین طریق تا سه روز عمل نموده باشند

اگر احتیاج باشد دو سه روز دیگر بیاشامند که نجات می‌دهد و در بدل آن
بعضی از متاخرین تجربه بران رفته اند که جائیست بدل این نسخه اعلی که
دستکند نماینده که مشهور است به نسخه کاکنج و در طعم و صورت بفی الجمله شبیه
دارد و فواید بغیه حاضهای خوب شیخ می‌بخشد مثل حب و وجع مفاصل
و رعشه و لقوه و فالج را بسیار سود مندست و چون خوب شد چند آن
برهند مخلید جمیع تجارب بدل این را کثرات انگوری بعضی القوام و الطبع
دانسته اند و از زبان تجربه شاید اند چه در بعضی از امراض سوداویه مثل
جنون و مالیخولیا و دیگر ربع و درد مفاصل سوداوی بشرط آن
بقواعد و قوانین استعمال کرده آید شراب انگوری بصیغهای کوزه ها جهة
بفتح مجاری و ازاله سده و توسیع مسام و تصفیه و تلطیف روح و خون
و تقویت حرارت غریزی و هضم سبب چون بسته لطافت و حرارت لطیفه
و کثرت مائیه روح و احداث سرور و بسط نفس و ازاله فکر فاسد
و تحسین طبع و خلق لطیف و تهیج سبب تعدیل مزاج ان بی انکارست

و در فواید شراب مجملی رفت که منافع شراب بیخی و یقینی تفریح

و نشاط و سرور و ازاله غم و تخیل و اشتهای اکل و هضم و نفوذ و تربیت

کبر بیخ چینی و دیگر از مساوی آن نتواند شد اما منفعت بیخ چینی تنها ازانست

در اشراق و نیکویی رنگ و چهره و تفتیح مجاری و غیره چه اگر بسته بوده

بود که از معاجین و مرکبات این آثار مستفاد نشود اما باید اگر دوان

دواها و ساختن ایجالی از بیخ چینی است پس جایز اینکه شراب انگوری

بدل جمیع و عادت سودا و تولد خون رقیق و روح لطیف کند تنبیر

و نورانیت و اشراق موجب این فواید است و در ازاله امراض

سوداویه بدل بیخ چینی میتواند شد و در ازاله امراض الک

که منفتح و منفصل شده باشد و جرب بسیار فواید درین وقت

بدل خون چینی بهتر از بقیه روغن زرجت است صفت آن چند دار

خطائی عاقرقرحا کندر مصطکی سورنجان قسط مغاث زراوند مدحرج

زراوند طویل بست الغار هر حصه مثقال پنج جاوشیر زرنباد از هر یک

دو مثقال صابون اعرابی نیم مثقال برگ حنا سه مثقال آب لیمو بقدر

کفایت زیبق چهار مثقال روغن بابونه روغن گل خیری روغن

سوسن زنبق یکمن روغن گلسرخ موم زرد سفیده کرده بزرک دو مثقال

روغنها را با موم یکجا کنند و بخارا با گلاب بسایند و جمیعها را

حل کنند و زیبق را به پنبه بکشند و مجموع ترکیب کرده مرهم

طریق استعمال آنچنین در وقت مرض که مناسب دارد و هم بونه سرخ

اثر اشنان هندی سائیده یا نخود حب الثعلب صلابه کرده باشند

و نبات و گلاب بقدر حاجت و بعد از آن زعفران با سوده بخته بسر ملند

و اگر نیز از آن عنبر اضافه کنند هم خوشبو است و این بکثیریت است

و اگر مزاج شخص حار باشد بجای حب الثعلب لعابهای مناسب مثل لعاب

بهدانه یا لعاب بزر قطونا با آب کشنیز یا پوده بپزند و بدو تمک کنند

جای دیگر بست لعاب آورده و ابکور با ماست صلابه کرده بعد از آن

که داروی مشهور نوعی دیگر هم شریح جمع کوفته بخته در اشیا السبره

عاز

نبات و نیم سیر گرمی گلاب الجمله کم شود بریزند و باشند بر هم ریشند
بعد از آن از دو چوب چینی و از آن رنجبه سیر زنند و ضمیمه ساخته بردارد
و بدان هر روز بقدر حبه نخود له نجس کرده بدهند نوع دیگر بطریق قهوه
آشامیدن در یک آب ماوس بنامی از دو چینی در قهوه دان کرده نحو شانیدند
و بطریق قهوه بیاشامند نوع دیگر بطریق سفوف از حکماء فرنگ چوب چینی
بکفاف مصطلح بمثقال ما نابات بکفاف سفوف ساخته بخورند نوع دیگر
با عسل سرشته بخورند نوع دیگر قدری از آن با دندان خائیده بخورند نسخه
را دیدم که بسکنت بدیها رسیت که هر روز با این طریق بخورم قوه تمام در خود دیدت
مشاهده میکنم و توصیف تنافع بسیار بسکنت که با قیام نوع دیگر در باب
این بیمار بند و این سبز تنقی تمام دارد نوع دیگر این شنک دار چینی کشیده
می نوشند نوع دیگر بطریق قرص هم سر چوب چینی یا دو استار سوده
نبات و نیم گلاب بقوام آورده و یک توله گلاب عنبر یا نبات صلاآ
کرده بعد از آنکه حرارت سبزه فی الجمله کم شده باشد سر بهند و یا نبات

برهم زنند بعد از آن از و چو بختی دران ریخته و بسیار زده و چو ساخته

از قرص ساخته سازند و دران هر روز بقدر یکم تملوله نخاس کرده دهند

نوعی دیگر حلوای او چوب چینی ربع سیر کوفته و بیخته سورنجان تمدی یکم توله

زنجبیل و دارچینی از هر یک یکم نیم توله مویزهای سه توله بادیان یکم توله

میده کرده بعد شیر تحسین ارد میده کرده و در روغن برشته سازند

و چهار سیر شیره نبات و نیم سیره عسل صاف نموده بر آن ریخته چون مردک

برسان شود دارویه مذکوره اضافه ساخته کفچه زنند و بعد از آنکه هم چون

بخور دمنها را داخل نمایند و همچنین ربع ماشه مشک و نیم توله عنبر

اشهب و یکتوله زعفران داخل کرده و قسنگه که روغن داده

فرود آورده در طبق زیره نبات پاشند و پهن نمایند بعد از آنکه سرد

شود بطرایق شکر پاره مربع پاره بریده نگهدارند و هر روز ماشه تا

مقدار یک نخم مربع ماکول نمایند که مقوی شود مید رشت و پهن

از دو ماهیت دارو که انگه زردی زردی دارند بسیار شود مقدار

دو توله

ونویسند خون صالح مرغ مأکول نمایند که نهایت سود میدارست

و بینی و قرحه را و نا گفتن را و گف چهار زدی رومی دارند بسیار

سود مند است و نویسند خون حالج ببلبد و دهن را خوشبو

ب رزد و سحرا ان بر د بو عید یک بیره اجوام باشه جو یک لیلا

هریک باشه فوفل ریزه ریزه کرده واجاب بیره بابان

نمایند و در حلال میوه این بیره بخورند و شربت آن از دو بیره

تا چهار بیره بوعد بگذرد و بیاشیر کرده بر دهن وارد یک پارچه

ده حبه را لعیذر فوفل قطعه قطعه کرده مانند فلوس بر بالای پارچه

مذکور گذاشته بالایش سرپوش بپوشند و تمام شب همچنین اند یک

بالایش بگذارند تا بخار رود و دود آن بخورد مذکور برسد علی الصباح

همچنین مذکور را در سایه خشک سازند و ورق ورق ساختم لیف

در جلد ۲ دران زعفران و فاقله و سعد و غیره بخته باشند بر کرده تا

بغدر یک تولچه بانه و گلاب میبات نمایند و بعد از نوشتن بکار آنس علم

بیشتر غذا اتماول نمایند و بعد از زوال با جلاب روز دیگر اوست

نمایند و اگر بیشتر از روز معتاد قبض باشد بمز معتدل است و بقرص

بمیز بسازند و اگر پرهیز از ترشی و جماع کنند مناسب خواهد بود و سه گوش

سبش و ورمهای گرم لسبستان مطلوب هست نوع دیگر سرداب اوجوف

دل و دماغ کند و حلبه لاسبز مقوی است و از آنها علاج ورد و سعال صاف

در نبود ضیق النفس که از غلبه بلغم باشد نماید و هر کرا عقرب گزیده باشد

سه تولد از آن عرق بنوشند اصلا زهر او کار نکند و اگر شش تولد

بنوشند اخصاب و از دیگر هیچ زهری و دیگر اثر نکند و اشتها را قوی گرداند

ماهی و مقوی است صفت الباخ جوارش کبیر پوست هیچ کمبلد سفید

سنبل الطیب و دارچینی از برگهای زنج سفید زنجبیل قسط شش تولد

هیچ مغز هفت تولد لوزبانه نمن شکر باکواره حصه التعلیب از یک

هفت تولد یک ... پس هیچ بادر ... قطعه قطعه باید کرد و جمیع ادویه

را ملوث کرده در ظرف چینی اندر حصه العنداب بر بالای کنند

کرده انباشته با گل ادویه باشند و سر ظرف را بگل محکم مسدود ساخته

در زبل اسب یا دفن نمایند تا مدت هفت روز بعد از آن سر

ظرف وا کرده برهم زنند و بدست بفشارند پس تلخ سرشیات

اعلی و ربع سیر جوزبویه و همین قدر زعفران و یک سیر نمک بربسته

و بدست مالیده ممزوج سازند و بار سرپوش مسدود سازند و دفن نمایند

و روز دیگر سر ظرف کشوده ادویه را با جوش و آب در چه جروح

بود و ربع قدر آن کرده با آتش ملایم عرق بگیرند و قدری مشک و عنبر

و زعفران صلایه نموده با گلاب آغشته در سر لوله بگذارند و پس جلبیده

را در ظرف چینی یا نقره نگاهدارند که در وقت و ... آن بدارند و بکنند

خود ببرند و بعد از سه روز ناشتا یک سیر باشد اگر بیمار باشد نیم سیر

سه تولچه وارمک و زیرشی جماع احتیاط نمایند فقط نوعدیگر معاجین که با ادویه

میباشد ترکیب نمایند معجون که مجربات و مخترعات حکما متاخرین نخ...

زیست که به اجزای فلاسفه اوده با بعضی ادویه نموده قلیله ترکیب

گروه استعمال نموده بسیار سودمند است مرتب ایام آن دو

دوا اگر دار چینی هر یک صفه جوز بخت چهار مثقال مصطکی عود زعفران سنبل سادج

بوذری زرد دار چینی قلقاس کسرو قرنفل ریحان کلستر تج شقاقل قاقله

جوزبوا سعد کوفی ادخر بسباسه بدن ونک بهمن صندل سرخ ورج

ریوند بادرنجبویه حصه اللبنی جدوار طباشیر وج اسطوخودوس خولنجان

زرنوید چینی از هر یک دو مثقال مشک اول عنبر اشهب از هر کدام یکمثقال

قند سفید کوفته برابر ادویه معجون جوز بخت از مجربات حکیم عماد الدین

محمود شیرازی در معالجه جدوار زرآوند مدحرج خولنجان ماهی زهره

زرنباد زیتون بلیله سیاه شیطرج غنول تربد سعد محروق

دار چینی سنبل الطیب مصطکی جوزبوا زعفران بسباسه قرنفل

هیل از هر یک دو مثقال جوز بختی پانزده مثقال کوفته بیخته با ۲

چهل وزن عسل سرشته شربتی هر روز دو مثقال نسخه دیگر جوز بختی

سنبل دارچینی سیاه دانه بلبل دارو قرنفل بنام سنبل الطیب هر دارو

الحل

زنجبیل صمغ عربی کتیرا بسته فلفل هیل بوا از هر یک دو مثقال

از هر یک مثل عددی کوبیده بیخته با سه چندان عسل معجون سازند

نسخه دیگر حب السیاه ملک یا انار فلفل دار فلفل زنجبیل عود قرنفل

هر یک جزو کوبیده فلفل سیاه دانه ناخواه از هر یک بیست مثقال مصطکی

نیم انار ادویه کوفته بیخته در عسل مصفی سرشته بخورند بقدر موافق برداشت

طبیعت [illegible] هلیله کابلی زرد هلیله [illegible] محموده [illegible] هلیله سیاه

دارچینی بسباسه سنبل الطیب اسارون قرنفل زعفران سورنجان مصری جوز بوا

سعد کندر دار فلفل بابونه رومی [illegible] زردک [illegible] سقمونیا [illegible]

شقاقل [illegible] اجزاء برابر [illegible] بقدر مجموعه ادویه با عسل

صامت [illegible] معجون کنند و در ظرف چینی نگاه دارند

شربتی [illegible] از [illegible] درد [illegible] طعام [illegible]

و [illegible] بسیار [illegible] نسخه دیگر از صدر الشریعه که معجون سورنجان

[illegible] کرده کرده [illegible] پاره [illegible] مثقال سورنجان [illegible] درم

تربد سفید مقوم کم از هر یک سکبینج نوشادر سورنجان زهره ماهی

بکوبند از هر یک صبر فلفل رازیانه کرفس تخم درم هفت ازو

انیسون قاقله فلفل زنجبیل کلیج رهنون وردجنی بدام هیچ

زعفران ده درم از هر یک بادام روغن مصطکی بحرف سعد مرید درم شش

نانخواه مثقال مقدار حبه سه شربتی ادویه وزن سه عسل بدان

عنصل را ضیق النفس استعمال نافع که انیسون سرا چهار از دیگر نسخه

از هر یک سوس اصل رب السوس مقل سورنجان زوفا انیسون برساو منوال

ساذج برای نعوذ سابله مثقال چهار مجموع بعد تربد مثقال ده

نخل جمع ریوند مثقال از هر یک عفص سکنج حسک سداب هندی

بسلبند صافیه نیز گیرا هیچ مثقال شش و بعضی مرتبت چوب

سعایه در دو مد بخت که در سر روز شبانه جمله رالوفه ادویه همه

مثقال ده صندل … مثقال … تمام روغن و کنند خاک

بگوله شربتی زنند معجون کرده عسل ادویه وزن سه تا برده حب

یا این سه همچنین بخورند عصاب شود که و اگر بر جوزه باشد یک تا ربا
سر عصابه کف گرفته سکنجبین بسازند و بالطاف حیحنی و در طرقی بعد پیش از آن
کنند و هم سرشاخهای چوب چینی سوده و ریخته در آن آب رخنه یکساعت نهند
و بر آتش گرم بجوشانند چون یک دو جوش بخورد و یک روز دارند و گرمی
دیگر را سرپوش کرده بجهه شکر بند و بر بالای دیگ آن بگذارند و بر جاه
که بخواهند بر دارند کرسی را در میان النوراجی باشد و راه دیگر برابر اشته
باشد اول دیگ را بالای دیگ آتش افروخته گذارند پس کرسی سکان
مذکور بر بالای آن نهند چنانکه روزن کرسی را از راه مشق بدارد
باید باشد پس بیمار بر کنار کرسی نشسته چادری یا گلیمی بر سر کشیده
چنانچه مسقف باید باشد چنانچه از روزن کرسی خار بساند و سر کرسی باهر
چند وقت خواهند بنشیند تا بخار آن بر جمیع اعضا رسد عرق
در آید پس بعد [illegible] آهسته آهسته [illegible] از جو حرارت زنند که بسیار
انفع است بهترین طریق استعمال چوب چینی جوشانده و در استعمال

تجاران نمود لیکن چون از نظر این منفعت بسیار دارد و در این زمین
یقین بودم شیء بارک شده که بار و میبازند و با این منفعت را بسی
نمیشوند که محبتان این هر کرار محنت خوردنیست و در دل گذشته
عرق و طرق قهوه بسیار محمود است بیخ معجون و بشره که روزی
اینست هندوستان و حلوا و فالوده و غیره اقسام او چندان
خوب نیست چه با شربت هر کوزه رقیق دارد است جلابات و سواد است
مرتبه دوم چون حالت در عرض صنعه بهاییت و شوار و بنوشد
طبیعی که در مزاج آن مذکور است شرحای اما اجزای آن صنعه هیئت یکست
که همین اجزای در عرق صنعه تمیش نشود و موجب بیشتر گردد
و جای دیگر منفعت این رقیق شده هزار دانست جلابات است
خصوصا که هرگاه ادرار باشد و در دست دنبال آنک و خوش قلب همراه
موز سلطه
کرده بخورند و در این حالت نیشکر شده بسیار است چه این بیخ
قوت متفاوت و در عرق صنعه شفق میکند هرگاه این شد بود است

یاد داشته باشند بصحت موافقت و در هر وقت حفظ فرمایند والله اعلم

بالصواب در بیان چای ختائی و آنرا در بعضی از کتب قدیمه تعبیر از

ختائی و سیده شد بصفحه ... الف ختائی و اگرم در دوم سیر کرده گرم محلل

و مسخن و مدر اخلاط و هاضم و مقوی و مفرح ارواح است مداومت

آن رنگ را سرخ گرداند و بدن را نرم کند و قوت دل و دماغ و معده

و جگر دهد و در شکم طعام می آرد و هضم میکند و بعضی را امراض مکور است

و در [illegible] و ضیق النفس بسیار مجرب است

و از خوردن وی زحمت بسیار را میشوید معاینه گشته و ازاله سم آن

میکنند طریق طبخ چای قدر [illegible] از آن در میان [illegible] صاف با آتش نرم

جوش دهند هرگاه آب کم کند دیگر بریزند تا نیم باشد پس صاف کرده

بعد از آن همین قدر بالای خطائی و بادیان دار چینی دار چینی خم کند

دیگر پنج سیر و نعناع و از آن مشک و عنبر اضافه کرده چند جوش

دیگر داده ... گرم ... بریزد در ... قهوه و آن قهوه ... قول

جالینوس بارد و یابس در درجه سوم و بعضی گرم است در درجه دوم و قابض

است و اصولش سدّه را می‌بندد و مورث قولنج است و جمیع اعضای

سوداوی را قوت میدهد و جلد را خشک و درشت میکند

و توهم و توحش را افزاید و سبب کابوس میشود و برای سوداوی مزاجان

بسیار بد است لیکن برای بلغمی مزاجان و مرطوبان بد نیست و بیخوابی

می‌آرد و طبیعت را بیدار میسازد و اکثر جای معده که از حرارت

و رطوبت بهم رسیده باشد نفع میکند و قاطع شهوت و مانع نوم است

و عربان که قهوه بسیار میخورند و مع هذا اکثرشان مبالرت مشهور است

در سطه آنکه عمده غذای ایشان چربی است و آن ماده تولد

و انبعاث نفخ است ازین جهت قهوه ضرر نمیرساند والا قهوه قاطع

شهوت است مشهور از حکیم عماد الدین محمود شیرازی که در طبع قهوه

نسبت است که بارد یابس چون که گفته‌ست با نبوده بلکه حار است مرقق

هر باطلی و دق نموده است بقدر حب دانگی زود و باید خورد است

مغز او و دو برگ علاف علاوه تباه رنگ حب و پوستش
بگیرند از پوست پسته و غلیظ را از پوست حب الغار و از پوست
دشوار و سنگلاخ و پوست مغز او اصلاً تلخی و تیزی بود و اندک
تلخی با قبض و بوی خوش محسوس میشود و در مغزش صلابتی هست و اگر
پوست او را بجوشانند و آب آن را بخورند و در مکه معظمه چنین
معمول است و در بسیاری مواضع مغز بادام شسته بخورند چنانکه بر دیگ
با جزای شود از آن پوست مخلوط ساخته بجوشانند و در مکه معظمه
مغز او را بریان کنند نیم سوخته چنانکه طعم آن تلخی بسوختگی ماند چشیده
بنوشند یا مغز آن بریان کرده تنقل نمایند و مقصود ایشان
از اینها مدر بودن است طبع طبیخ او در تسکین اوجاع و افاده نشاط
و تحلیل تمام دارد و بجهة فتح باب لیلک بدان رغبت می نمایند و تسکین
شوران خون میکنند و حدت صفرا و لذع آن را می نشانند و از احتراق
سودا زائل میکند و از احتراق سودا و غلظ آن را کم میکند بدین مقام

وسوسه و سوداوی و مالیخولیا حصبه و جدری را مفید است و در میان نیز
نافع است و اکثر انواع درد سر را سودمند است خاصه وقتیکه
که بسبب آن احتراق باشد و در دیکه بسبب غلظی خلط باشد در کار
خون را تصفیه و ترقیق میکند و ربع را منقطع و میدارم که بجوزون را نیز
سودمند جرا دید و شع کرسنگی و تشنگی میکند تحقیق آن بکرنب
دیگر تحقیقات یا ده شقاقت باشد در شقاق شقاقات بخو شاملند
ناس متقاب یا تبتضاف بود کرما کرم میتوشند و سرد آن
مضر رگهای دل برساند و خفقان را مضر است اصلاح آن بدوای مسک
و نبات و گلاب و دانهای انکنند یا زعفران و در طبیخ او نسازند
و قعلت زرانکه سر و سودا و را صاف نسازند با اتفاق جوت او را
ضرب کنند و بقلب از او در میان ان مگذارند و بسیار بخو شامند
و طبخ او که بسیار غلیظ شده باشد مضر است و بکرر خوردن انگورست
و در روز یک و نیم باید خورد و شربت آن بعبا یعنی یکروز در میان

داده

داده بهتر است و ناشتا خوردن مکروه است و اگر بالای لعاب بخورند

و بهار از تعطیش اندیشه دارند و بر بالای صندل بخورند والله اعلم

بالصواب و در شیب بهر سیدن تماکو در زبان هندی بجر بهانگ گویند

بفتح موحده و جیم و سکون رای مهمله و فتح موحده ثانی و ها و سکون

الف و کاف فارسی در بن چیز زبان مردم اند و آغاز ظهورش

در هند از انتهای سلطنت عرش آشیانی جلال الدین محمد اکبر پادشاه

۱۰۱۴

که سنه هزار و چهارده هجری بود و بیشتر از جانب فرنگ

دریں دیار رایج گردیده و اکنون در جمیع امکنه هندوستان کشت و کار او

میشود و از قلیان کشیدن و خایش و مشروب و معجون حیوانان

کشته خبر یابان بقول حکیم علی حار یابس است و نزد بعضی بارد یابس

است و از سموم قاتله است و حالش سبب یارب حار یابس

حرب و دیگر حرارتش و قوت است و تحلیل و سخش جمیع اجزای

از اعضای و ضعف و باعث است و در مزاج بار علوی از طرف

زیاده از قدر حاجت باشد نافع است و بمزاج معتدل مضر بود
و نبود سینه را از کثرت رطوبت باشد نافع است و در معده
که از رطوبت بسیار باشد تحلیل آن می‌نماید و در عانت هضم می‌کند
و ضعف نفس که از جهت اجتماع رطوبت بالای ریه باشد سود کند
و تنگی نفس که بسبب کثرت غلظ بلغم سینه و شش باشد از کثرت
اجتماع بخار باشد نفع دارد و در مزاج هر عضوی که رطوبت آنهم
از قدر حاجت باشد بسیار مفید است و هر جسمی را که رطوبت
و بخار زیاده از مقدار طبیعی و ضروری کمتر باشد زیاده باشد نقصان
تمام دارد و رطوبت کند را تحلیل می‌دهد و مجاری را خشک
می‌کند و از آن رطوبت حادثه کم می‌شود و از گرمی پس باز دارد و خشکی
و در پوست جلد بهم رساند و برای بدن بیرون و سست [illegible] و عرق
تشنج خشک می‌شود و امراض چند پیدا می‌شود که علاج آن [illegible]
باشد عزیزی که ملکیت شخصی را نوعی بهم رسیده بود ترتیب

لقمه

ضعف سبب بیش می آید و سبح و درد و اوراق و قلت حافظه

به نیمه و زوجه بیرون بود اجازت دادم که تماکو بکشد

دو و دوران و دو باید که استعمال حقیقت ظاهر شده چون دو روزی

خدواله محللست پس مرض مجلل قوی بجای تماکو باشتهای

این مرض کار او میکند و بر نفع که از تماکو می آید از جمله وی حیله ا سستی تهای

منحن و تخفیف و بنفع پس اگر دخان تماکو به که بعلت و بکشد

و دماغ و معده و سایر اعضا عروق بهانت باشد بکشد

بعض که با اعضاء مذکوره ضرر کمتر میرساند و از ضرر تماکو محفوظ می باید

و عنوی تعلق سکرد که شخص استسقا و رست از سکه جگر او در معده

رو وارد شد بسبب ضعف کثرت سبح کدام را قبول میکرد

بیدار نقاهه بسیار یافت [illegible] شدم احوال او در بن مرض استسقا

میکند مقدار اراده بهیت اضافه کرده دو و دوا انا و درریک

تماکو کشید بعد از آن که کشیده نفع ظاهر گشته و سبح الرش

در قانون گفته اند که جهت سعفه مزمن بیخ را اصلا با آب و آتش حرارت میرسید
و بوده که زرد و چوب مدحرج و بسته و بار زد و اهر یکی را یکی قیمت بابت شفای
رنج مرکب کرده بار دیگر کار و مرکب سوده خمیر ساخته گوی ساخته
و در و آن را بکشند و بخور رسیده که دفان جیب بد گور و خیر سوخته
آهن بیکند و عزیزی نقل کرده که شخصی را از عارضه چشم بعیار بسی
کم نشده بود چنانچه مطلقا از حسن شنای برافتاده بود و بس از چندی
بعید با روز رسیدم و دیدم که کتاب بسیکر و از آن تحقیق
رسید از این معنی بسیار متوقع بودم و گفت که یک بدنی
برگ تنباکو را با برگ شنبلیتو که او را در کتب نامحکم گویند
نمک ساخته بامفاصله تنباکو کشیدم از حاصت الی الله تعالی
نهایت من از رأی درست و از عجایب نیست بسیار است و نیز
تجربه من دریافته شد که مصلح تنباکو بیخ سرخ جهت است که بعد از تو بنوشند
و دلیلش آنکه هرگاه پاره بد بود تنباکو رنگ بد بر دیگر برابر

بار

میتوان روز این نسخه به رسیده وحیی برکنار نهد اورا در آب بیج

بجوشانند بعد ببید بکار ببسیرند و گروهی را سر که جوشانیده بیلکند

وبرخی با خاینده و قند انچه استعمات می نمایند و فرقه بابت ایمو شسته

صدت می نمایند و جماعه مدتی کافور برافروزه بکار می برند و این

مرکوبنده روش شیخ رست از فحق آنکه هیچ منفعت را دل نا تیلادی

وخالی اخر الیمر نانی به بیند و مبتلای استیلای جنین عامله نا کنانی

بگردد بها هیچ آفریده لا نشود حرر دلش بعقبت ای اوبنج

کارش رست از وبدلش بعث تمام سند رساله احقر العباد سید

حکیم محمد علی الرهیلو

جهت آنکه از زال سوت الظلمت را گرفته سوزانند در قند شاه انجنه

کولی ها بسته نگاه دارند هر روز یک گولی بخورند تا گره ها رای

قرنفل ۲ عدد با هگری بریان ۲ ماش افیون ماشه پیکری را بر لوه آهن

بریان نموده اردنسه آهن خوب نیده نگاه دارند وقت حاجت

بر چشم لیپ نماید تا ... لوده بهکری بردار سنگ هلدی زیره ایک ایک

تانگ افیم چیانید من چین چار اردبرابر تیتو تنها دارکن تا ... برای

که وست درانک میشود قدری زرد آوند مدحرج زابات سائیده طلا نمایند

بوئی چشم ... کلان در آید ... در آتش گدازند تا که نرم شود خسته آن پاک

کرده بکوبند دران قدری بهکری داخل کرده بوئی سینه لفافه بدارند

در آب تر کرده حوالی چشم بگرداند تا ... حمره چشم اصل السوس

ریوند ... فلفل سیاه ۲۰ عدد بهکری ۶ ... زعفران ۲ ... زرد چوب

در آب سائیده بر حوالی چشم طلا نماید تا ... حدوار ... ضعیفه اطفال

ماورا النهر است جدوار خطائی شش مثقال صندل سفید ... مثقال عود قماری

... مثقال زعفران ... مثقال زرنباد ... مثقال خصیة الثعلب ... مثقال

طباشیر ... مثقال مصطگی ... مثقال طلا مکلس ... مثقال نقره مکلس ... مثقال

مروارید ناسفته ... مثقال یاقوت ... مثقال صمغ عربی ... بکتب ...

افیون خشک ... مثقال ... نخجه ... سماق صلابه ... عرق ...

حمره

خمیره کرده مقدار فلفل حب بسته نگاه دارند و بدستور معمول بکار برند دوم

افیون زعفران جدوار خطائی مصطگی عنبر اشهب بوزن برابر گرفته آب

تازه سائیده حب ها سازند نام الصباحین جدوار جدوار اصل [illegible] مثقال

عود قماری یکمثقال مصطگی یکمثقال زعفران یکمثقال افیون یکدرم مشک دودانگ

حب ها سازند ط

۲ درجه			۳۰ ۱۹
حاصل حرف	۱۸	۱۸	۴
درجات	۳	۲	۱
لاے	حد الوط	ما لا ۵	ما ۱۱ م
ادوار	۸۶	۹	[illegible]

المالک الحقیقی هو الله تعالی و المجازی سید محمد سرفراز علی ابن سید محفوظ علی سنه ۱۲۸۶ هجری

ترکیب رنگ لاکهی لاکهه جهر بیر خواه بکریا خواه بیپل یک آثار در آب بسته

در قدر آب چهار پهر خیسانیده بارنک بر سنگ سائیده بعد ازان در پارچه انداخته از دو ماش کنند

بعد ازان آب از انداخته پارچه بیتر نماید بعد ازان ترش انبه خواه ترش لیمو و پهتکری چهار تولی

انداخته یا از جوش دهد و گل خواه پارچه اون را رنگ دهد و دو چهار کهری بر ملس بدارد

هرگاهکه رنگ دهد بعد ازان از آب شسته خواه دریا باشد خوب والا در سایه بسوزد

که آبدار پیدا کند ۸ ترکیب رنگ فیروزی اول رنگ نیل ولاجورد سه ماشه بدهد

بعد ازان گل تیسو یکنیم چهتانک دهد بعد ازان ترش انبه خواه لیمو بوزن

یکفلوس دهد بعد ازان کلف شسته دهد ۸ ترکیب رنگ زنگاری اول

رنگ نیل بیک از فیروزی رنگ تیسو یکنیم چهتانک بعد ازان ترش یکفلوس

و کلف دستور ۸ ترکیب رنگ گلنار رنگ گل تیسو و ترش بعد ازان کلف بدهد ۸

ترکیب رنگ کپاس سردی نیل گل تیسو ترش انبه خواه لیمو بعد ازان کلف بدستور ۸

ترکیب رنگ زرد اول تن و گل هر سنگهار برابر جوش داده رنگ دهد و بعد ازان ترش

دهد بعد ازان زیره روسه جوش داده رنگ دهد اگر ازیره روشنایه شد برکرده

جوش داده رنگ دهد ۸ ترکیب رنگ سبز اول رنگ نیل ماش دهد بعد ازان

رنگ تن بوزن یک تنکه خام و گل هر سنگهار یک تنکه خام جوش داده رنگ دهد

بعد ازان ترش لیمو بعد ازان هرسه روسه ماو انار در آب جوش داده رنگ دهد

بخته

پخته خواهد شد ۸ و اگر رنگ نیلی خام دهد بعد از آن تن و گل هر سنگهار
هر یک نیل دهد زرد شد بدستور رنگ سبز خام خواهد شد ۸
ترکیب رنگ طلائی ابنوه پوست انار زرد چوب مجیٹھ پهٹکری اول پهٹکری را سائیده
۱۲ دام ۱۵ دام ۲ دام
در آب حل نموده پارچه را غوطه دهد و خشک کند بعده هر سه را کوفته در آب تر کرده
صبح جوش دهد و صاف نموده رنگ کند ۸ ترکیب دیگر ایضاً ناسپال مجیٹھ تن پهٹکری
آثار ۶ آثار ۲ دام ۲ دام
گیرد اول مجیٹھ را جو کوب نموده و ناسپال و تن هر سه را در آب موافق جامه شب تر نموده نگاهدارد
۱ دام
صبح جوش داده بدارد و پهٹکری را در آب سائیده پارچه تر کرده خشک نموده بعده گیرد
در آب سائیده نگاهدارد و آب بالائی گیرد و گرفته پارچه را غوطه دهد و خشک کند و در میان آب نال
و نخره رنگ کند و بعد دو گهری بر آورده از آن خشک نماید رنگ ابنوه طلائی خواهد شد ۸

بیخ درخت زرد رنگ حار یابس تخم خطمی کالجهن دیسی حار یابس تخم العنکبوت یابس رطب شوره حار یابس

البت کی ... تریح ... کاکودا حار رطب انار ... هند ... حار یابس آبنوس حار یابس ... [illegible]

یابس حار سیماب یعنی پاره حار یابس ابهرک معروف طلق ابهل تخم ... گوهر حار یابس ایل مشهور ... صغار ...

طباشیت ابریشم معتدل انگور ... الکامه ... کاتب ... آب ... آفتاب ... [illegible]

اشنان ... اترج ... هند ... حار یابس ... حار رطب ... یابس ... [illegible]